قال الله تعالی

فی کتابه الکریم (قل ما یعبؤ بکم ربی لولا دعاؤکم) یعنی بگو ای پیغمبر خداوند اعتنا و نظر رحمت بشما بندگان نمیفرمود اگر چنانچه دعا کردن شماها بدرگاه خدا نبود خلاصه اینکه اگر بندگان بخواهند خداوند نظر رحمت بآنها بفرماید بایستی بدرگاه خداوند تعالی بروند و دعا کنند تا اینکه رحمت خدا شامل حال آنها بشود و باز در قرآن عظیم میفرماید (وسارعوا الی مغفرة من ربکم) یعنی سرعت و شتاب کنید بسوی کارهائیکه باعث آمرزش شماها میشود از مفاد این دو آیه و از کمال اهمیت دعا معلوم میشود و تا بنا شتاب کردن در دعا و البته بهترین دعاها از دعاهائیستکه ائمه اطهار علیهم صلوات الله الملک الغفار میخوانده اند و بمؤمنین دستور داده اند که مهمترین آنها را مرحوم مجلسی اعلی الله مقامه در کتاب مستطاب زاد المعاد ذکر فرموده و چون این کتاب برایگان در دسترس عموم نبود لهذا در این زمان جناب عمدة التجار آقای حاج سید عبد الرسول زید توفیقه ابن مرحوم مغفور حاج سید عبد الکریم روحانی المعروف برحیم زاده غفر له گوی سعادت را ربوده و موفق بدستور نوشتن و مقابله و طبع شدند و چون یکی از شرایط مهم دعاها صحیح خواندن است لذا امر تصحیح آنرا در عهده بندگان سر حلقه فقهاء و ادباء و اتقیاء این زمان آقای حاج میرزا علی آقا شیرازی ادام الله افضاله نموده تا اینکه بحمد الله بنحو حسن خط و طبع و صحت و غیره آراسته شد امید است که برادران ایمانی موفق بفیوضات قرائت این نسخه شریفه بشوند و سایرین مخصوصا صاحبان خیرات و صدقات جاریه را از دعای خیر فراموش نفرمایند بتاریخ اول شهر رجب المرجب ۱۳۶۴ هجری مطابق ماه خرداد ۱۳۲۴ شمسی ... و دو کار دعا بفرمایند

قال الله تعالی

فی کتابه الکریم (قل ما یعبؤ بکم ربی لولا دعاؤکم) یعنی بگو ای پیغمبر خداوند اعتنا و نظر رحمت بشما بندگان نمیفرمود اگر چنانچه دعا کردن شما ها بدرگاه خدا نبود خلاصه اینکه اگر بندگان بخواهند خداوند نظر رحمت بانها بفرماید بایستی بدرگاه خداوند تعالی بروند و دعا کنند تا اینکه رحمت خدا شامل حال انها بشود و باز در قران عظیم میفرماید (وسارعوا الی مغفرة من ربکم) یعنی سرعت و شتاب کنید بسوی کارها ئیکه باعث امرزش شما ها میشود از مفاد این دو ایه قرآن کمال اهمیت دعا معلوم میشود و تا [illegible] شتاب کردن در دعا و البته بهترین دعاها از دعاهائیستکه ائمه اطهار علیهم صلوات الله الملک الغفار میخوانده اند و بمؤمنین دستور داده اند که بهترین انها را مرحوم مجلسی اعلی الله مقامه در کتاب مستطاب زاد المعاد ذکر فرموده و چون این کتاب برایگان در دسترس عموم نبود لهذا در این زمان جناب عمدة التجار اقای حاج سید عبد الرسول زید توفیقه ابن مرحوم مغفور حاج سید عبد الرحیم [illegible] المعروف برحیم زاده غفر له گوی سعادت را ربوده و موفق بدستور نوشتن و مقابله و طبع شدند و چون یکی از شرایط مهم دعاها صحیح خواندن است لذا امر تصحیح انرا در عهده بندگان سر حلقه فقهاء و ادباء و اتقیاء این زمان آقای حاج میرزا علی اقا شیرازی ادام الله افضاله [illegible] نمودند تا اینکه بحمد الله بزیور حسن خط و طبع صحیح و غیره اراسته شد امید است که برادران ایمانی موفق بفیوضات قرائت این نسخه شریفه بشوند و سایرین مخصوصا صاحبان خیرات و صدقات جاریه را از دعای خیر فراموش نفرمایند بتاریخ اول شهر رجب المرجب ۱۳۶۴ قمری مطابق ماه خرداد ۱۳۲۴ خورشیدی [illegible]

کتاب مستطاب زاد المعاد علامه مجلسی اعلی الله مقامه الشریف

ذخیرة المعاد

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی جعل العبادة وسیلة لنیل السعادة فی الاخرة والاولی والصلوة علی سید الوری محمد وعترته ائمة الهدی اما بعد

بنده خاطی محمد باقر بن محمد تقی عفی الله عن جرائمهما بر الواح ارواح صفا بنیه برادران ایمانی واخلاء روحانی مینکارد که چون جناب مقدس ایزد تعالی شأنه برای هدایت گمگشتگان وادی جهالت و ضلالت طریق صوم و صلوة و دعا و عبادات که اشرف طاعات و اقرب طرق سبل سعادات اند مقرر گردانیده و از حضرت رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم اجمعین ادعیه و اعمال بسیار منقول گردیده که کتب دعا مشحون است از آنها و اینجانب ادم اخبار ائمه اطهار علیهم صلوات الله الملک الغفار اکثر آنها را در کتاب بحار الانوار ایراد کرده‌ام و اکثر خلق را باعتبار اشتغال بانواع اشغال دنیویه وغیرها تحصیل آنها و عمل بجمیع آنها میسر نیست خواستم منتخبی از اعمال سال و فضائل ایام و لیالی شریفه و اعمال آنها که باسانید صحیحه و معتبره وارد شده است در این رساله ایراد نمایم که عامه خلق از برکات آنها محروم نباشند و شاید این بنده عاصی را بدعای مغفرت یاد نمایند و مسمی گردانیدم آنرا بزاد المعاد عسی الله ان یهدینا الی سبیل الرشاد و چون

اتمام این رساله و آغاز و انجام این عجاله در زمان دولت عدالت ثمر و اوان سلطنت سعادت اثر اعلیحضرت سید سلاطین زمان و سرور خواقین دوران شیرازه اوراق ملت و دین نقاوه احفاد سید المرسلین آب و رنگ گلستان مصطفوی چشم و چراغ دودمان مرتضوی سلطان جم خدم و خاقان فرشته حشم شجاعت نژادی که تیغ آبدارش برای سرهای کفار نهر بست بسوی دار البوار و حسام آتش بارش برای جان مخالفان و معاندان مصعد و فرسل علیکما شواظ من نار دستهای اعیان مرید رفعتش را در استان رفیع البنیانش با کف الخضیب هم دستان و خروش صوفیان صفوی نشان بزمزمه دعای خلود دولت بدخواهانش با عندلیبان اغصان سدرة المنتهی همداستان هر که تیغ خلاف از نیام کین برکشید چون بید بر خود بلرزید و هر که چهار آینه نفاق در برکشید صورت مرگ خود را در آن دید گره جبین فرش عقده گشای گرهها کار بستگان گشادگی کف دریا نوالش سحاب مزارع املهای پژمردگان مؤسس قواعد ملت و دین و مروج شریعت آباء طاهرین جبهه سای درگاه خلایق پناهش از تقبیل سلاطین زمان لبریز و خواقین دوران در صرح ممرد عزت و جلالش ترزبان بنگ اقد مسنا الضر ایها العزیز السلطان الاعظم الخاقان الاعدل الاکرم ملجا الاکاسرة و ملاذ القیاصرة محیی مراسم الشریعة الغراء و مشید قواعد الملة البیضاء السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان الشاه سلطان حسین الموسوی الحسینی الصفوی بهادر خان لازالت رایاته و الویته مرفوعة و هامات اعدائه مقموعة میسر گردید تحفه آن بارگاه خلایق امید گاه گردانیدم امید که قبول طبع اشرف گردد و آن اعلیحضرت از فوائد آن منتفع گردد بمحمد و آله الطاهرین والله الموفق والمعین و آن مشتمل است بر چهارده باب و خاتمه باب اول در فضائل و اعمال ماه رجب است و آن مشتمل بر پنج فصل است فصل اول در بیان فضائل این ماه و عبادات است بدانکه این ماه و ماه شعبان و رمضان بهترین ماههای سال اند و از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله منقول است که هر که حرمت ماه رجب و شعبان را بدارد و وصل نماید روزه این دو ماه را بروزه ماه مبارک رمضان این ماهها در روز قیامت گواهان او خواهند بود در نزد حقتعالی و در آن روز منادی از افق اعلی ندا کند ای رجب و شعبان و رمضان چگونه بوده است عمل این

بنده در شبها و طاعت او از برای خدا همه اینها گویند که این بنده تو توشه گرفت
در ماهها برای طاعت تو و استمداد فضل و رحمت از تو نمود و سعی بسیار در طلب
خوشنودی تو کرد و تا توانست اهتمام در تحصیل محبت تو نمود پس گواهی دهند
ملائکه که موکلند بر این ماهها که یافتیم این بنده را مکرر طلب کننده طاعت و خوشنودی
تو و امیدوار برحمت و آمرزش تو و آنچه نهی کرده بودی ترک کرد و از آنچه از او طلبیده
بودی بسوی آنها سارعت نمود و روزه کامل از برای تو داشت و شکم و فرج و چشم
و گوش و سایر جوارح او از آنچه بر او حرام کرده بودی اجتناب کرد و روزها را به تشنگی
بشب رسانید و در شبها خود را بتعب افکند از برای بندگی تو و تصدق بفقرا و
مساکین بسیار کرد و احسان نسبت بایشان بسیار نمود و با اینها مصاحبت نیکو کرد و
چون از اینها جدا شد وداع نیکوئی کرد و بعد از رفتن اینها پیرامون محرمات تو نگردید
و نیکو بنده بود این بنده پس حقتعالی میفرماید ببرید این بنده را بسوی بهشت و استقبال
کنند او را ملائکه بتحفه ها و کرامتها و او را بر شتران و اسبان نور سوار کنند و ببرند
بسوی نعمتی که هرگز زوال ندارد و خانه که فانی نمیشود و سرائیکه جوانانش پیر نمیشوند و
شادی و خوشحالی آن زوال ندارد و هرگز ایشان را تعب نمیباشد و از عذاب ایمن
میگردند و مشقت حساب نیست برایشان و ایضاً از آنحضرت منقولست که ماه رجب
ماه بزرگ خدا است و ماهی محترم است و فضیلت آن نمیرسد و قتال با کافران در اینماه
حرامست و رجب ماه خدا است و شعبان ماه منست و رمضان ماه امت منست کسیکه یکروز
از ماه رجب را روزه دارد مستوجب خوشنودی بزرگ خدا گردد و غضب الهی از او دور گردد
و دری از درهای جهنم بروی او بسته گردد و بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر ع
منقولست که هر که یکروز از ماه رجب را روزه بدارد آتش جهنم یکسال راه از او دور شود
و هر که سه روز از آن روزه دارد بهشت او را واجب گردد و ایضاً فرمود که رجب نام
نهریست در بهشت از شیر سفیدتر و از عسل شیرین تر و هر که یکروز از ماه رجب روزه
دارد البته از آن نهر بیاشامد و بسند معتبر از حضرت صادق ع منقولست که حضرت
رسول فرمود که ماه رجب ماه استغفار امت منست پس بسیار طلب آمرزش کنید در اینماه که
خدا آمرزنده و مهربانست و رجب را اصب میگویند زیرا که رحمت خدا در اینماه بر امت من بسیار
ریخته میشود پس بگوئید استغفر الله و اسئله التوبة و بسند معتبر از حضرت صادق

منقولست که هر که سه روز از ماه رجب را روزه دارد بهر روز ثواب یکسال روزه از برای
او بنویسند و هر که هفت روز او را روزه دارد هفت در جهنم بر روی او بسته گردد و هر که
هشت روز او را روزه دارد هشت در بهشت بر رویش گشاده گردد و هر که پانزده روز او
را روزه دارد خدا حساب او را آسان گرداند و هر که جمیع ماه رجب را روزه دارد حقتعالی
خوشنودی خود را از برای او بنویسد و هرگز او را عذاب نکند و ابن بابویه بسند معتبر
از سالم روایت کرده که گفت رفتم بخدمت حضرت صادق ع در اواخر ماه رجب که چند روز
از آن مانده بود چون نظر مبارک آنحضرت بر من افتاد پرسید که آیا روزه گرفته در اینماه
گفتم نه والله ای فرزند رسول خدا فرمود آنقدر ثواب از تو فوت شده است که قدرش را بغیر
از خدا کسی نمیداند و بدرستیکه اینماهی است که خدا او را فضیلت داده بر ماههای دیگر
و حرمت او را عظیم کرده است و برای روزه داشتن آن گرامی داشتن را بر خود واجب گردانیده
است پس گفتم یابن رسول الله اگر در باقیمانده اینماه روزه بدارم آیا بعضی از ثواب روزه داران
آن فائز میگردم فرمود ای سالم هر که یکروز از آخر اینماه را روزه دارد خدا او را ایمن گرداند
از شدت سکرات مرگ و از هول بعد از مرگ و از عذاب قبر و هر که دو روز از آخر اینماه را
روزه بدارد از صراط باسانی بگذرد و هر که سه روز آخر اینماه را روزه دارد ایمن شود
از ترس بزرگ روز قیامت و از شدائد و اهوال آنروز برهد و برات بیزاری از آتش جهنم
از برای او بنویسند و ایضاً از حضرت امیر المؤمنین ع روایت کرده است که هر که یکروز از اول
یا از وسط یا از آخر او را روزه دارد گناهان گذشته او آمرزیده گردد و هر که سه روز از
اول یا میان یا آخر ماه رجب را روزه دارد گناهان گذشته و آینده او آمرزیده گردد و هر که
یکشبش را احیا کند حقتعالی او را از عذاب جهنم آزاد گرداند و قبول کند شفاعت او را در
حق هفتاد مرد گناهکار و هر که در اینماه تصدق از برای خدا کند خداوند غفار در بهشت
نعمتی چند باو عطا فرماید که چشمی ندیده و گوشی نشنیده باشد و بر خاطر کسی خطور نکرده
باشد و ایضاً بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده است که چون روز قیامت شود منادی
از جانب عرش ندا کند که کجایند رجبیون پس گروهی برخیزند که نور روی ایشان جمیع محشر
را روشن کند و تاج پادشاهی بر سر ایشان باشد که مکلل باشد بمروارید و یاقوت و با
هر یک از ایشان هزار ملک بوده باشد از جانب راست و هزار ملک از جانب چپ و همراه او
ندا کنند که گوارا باد ترا کرامتهای حقتعالی ای بنده خدا پس خداوند رحمن ندا کند ایشان را

ای بندگان و کنیزان من بعزت و جلال خودم سوگند یاد میکنم که شما را در ماه ای نیکو ساکن گردانم و عطاهای شما را بزرگ گردانم و عطا کنم از بهشت غرفها که نهرها از زیر آنها جاری است و همیشه در آن غرفها باشید و مزد نیکو بیشت مزد کارکنان از برای من بی آنکه واجب گردانم بر شما روزه داشتید از برای من در ماهی که حرمتش را عظیم گردانیده بودم و حق او را واجب ساخته بودم اهل آنکه من بندگان و کنیزانم را داخل بهشت گردانید پس حضرت فرمود که اینهمه ثوابها از برای کسی است که چیزی از ماه رجب را روزه بدارد اگرچه یکروز باشد از اول یا میان یا آخرش و بسند معتبر از حضرت امام رضا منقولست که هر که یکروز اول ماه رجب را روزه دارد حقتعالی در قیامت از او خوشنود باشد و هر که دو روز را روزه دارد حقتعالی بغایت از او خوشنود و راضی باشد و او را خوشنود گرداند و هر که سه روز او را روزه دارد خداوند کریم از او راضی گردد و خصمان او را از او راضی گرداند در قیامت و هر که هفت روز او را روزه دارد چون بمیرد درهای هفت آسمان بر روح او گشاده گردد تا بملکوت اعلی برسد و هر که هشت روز او را روزه دارد هشت در بهشت بر روی آن گشاده گردد و هر که پانزده روز آنرا روزه دارد هر حاجت که از حقتعالی بخواهد بر آورد مگر آنکه سؤال او از برای گناهی یا متضمن بر قطع رحم باشد و هر که تمام ماه را روزه دارد از گناهان بیرون آید مانند روزیکه از مادر متولد شده باشد و از آتش جهنم آزاد گردد و داخل بهشت گردد با برگزیدگان و نیکوکاران و احادیث در باب فضیلت ماه رجب بسیار است و این رساله گنجایش ذکر آنها را ندارد

فصل دویم

در بیان اعمالیستکه شخصی از روزه داشتن عاجز باشد یا بر او دشوار باشد بعوض آن عمل آورد و در بعضی روایات معتبره وارد شده استکه بدل روزه مستحبی یکدرهم تصدق کند که موافق زرهای این زمان تقریبا هفتاد دینار بوده باشد و بروایت دیگر عوض روزه یکمد گندم یا جو وارد شده است و احوط در مد تصدق درم شاه هست و ظاهرا صد درم کهنه کافی باشد و در روایتی وارد شده در خصوص ماه مبارک رجب یک گرده نانی نیز بدهد اگر قادر بر روزه نباشد و حملکرده اند بر کسیکه پریشان باشد و قادر بر مد و درهم نباشد و ایضا در خصوص روزه ماه رجب از حضرت رسول ص وارد شده است که اگر بعوض روزه که قادر بر آن نباشد هر روز صد مرتبه این تسبیحات را بخواند تا ثواب

روزه را بیابد سُبْحَانَ الْإِلٰهِ الْجَلِيلِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ الْأَعَزِّ الْأَكْرَمِ سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَهُوَ لَهُ أَهْلٌ و بروایت معتبره دیگر وارد شده است هر که بمنزل برادر مؤمن خود وارد شود و قصد روزه سنت کرده باشد و او طعامی حاضر سازد و او را تکلیف کند ثواب افطار کردن زیاده از روزه داشتن است هفتاد برابر و اگر اظهار نکند که روزه ام ثوابش بیشتر است برابر یکسال روزه است و زن را روزه سنت داشتن بی رخصت شوهر و غلام و کنیز را بی رخصت مالک و فرزند را بی رخصت پدر و مادر و مهمانرا بی رخصت مهماندار و مهماندار بی رخصت مهمان از احادیث ظاهر میشود که خوب نیست و مشهور میان علما آنستکه روزه سنت مملوک بی اذن مالک باطل است و همچنین روزه سنت زن بی اذن شوهر صحیح نیست و در روزه فرزند اگر سنت باشد مکروه است بی اذن پدر و مادر و باطل نیست و بعضی گفته اند بی رخصت پدر باطلست و احوط آن است که بدون اذن پدر و مادر روزه سنتی نگذارد و روزه سنت مهمان بی اذن میزبان نیز خلاف است و احوط آنستکه میهمان و میزبان بی رخصت یکدیگر روزه مستحبی را ندارند اگرچه اظهر آن استکه مکروه هست

فصل سیم

در بیان اعمال هر شب و هر روز ماه رجب است بسند معتبر منقولستکه حضرت امام زین العابدین ع در روز اول ماه رجب این دعا را میخواندند و علما ذکر کرده اند که در هر روز سنت است خواندن این دعا

يَا مَنْ يَمْلِكُ حَوَائِجَ السَّائِلِينَ وَيَعْلَمُ ضَمِيرَ الصَّامِتِينَ لِكُلِّ

ای آنکه دارائی خواهشهای خواهشمندانرا و میداند ضمیر خاموشانرا برای هر

مِنْكَ سَمْعٌ حَاضِرٌ وَجَوَابٌ عَتِيدٌ اللّٰهُمَّ وَمَوَاعِيدُكَ الصَّادِقَةُ

خواهشی گوشی مهیاست و پاسخی آماده خداوندا و بوعدهای تو که راستست

وَأَيَادِيكَ الْفَاضِلَةُ وَرَحْمَتُكَ الْوَاسِعَةُ فَأَسْئَلُكَ أَنْ

و نعمتهایت که افزونست و رحمت تو که فرو گیرنده است پس در میخواهم ترا که

تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَقْضِيَ حَوَائِجِي لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

رحمت فرمائی بر محمد و آل محمد و اینکه برآوری خواهشهای مرا برای دنیا و آخرت

إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و بسند معتبر منقولستکه حضرت صادق ع در هر روز

بدرستیکه تو بر هر چیزی توانائی ماه مبارک رجب این دعا را میخواندند

خَابَ الْوَافِدُونَ عَلَى غَيْرِكَ وَخَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ إِلَّا لَكَ وَضَاعَ

ناکام شدند فرود آمدگان بر غیر تو و زیان کردند متوجهان مگر برای تو و نابود شدند

الْمُلِحُّونَ اِلّا بِکَ وَاَجْدَبَ الْمُنْتَجِعُونَ اِلّا مَنِ انْتَجَعَ فَضْلَکَ بابُکَ

نادانان مگر بتو ونیازمند جویندگان مگر آنکه جست افزونی تورا درگاه تو

مَفْتُوحٌ لِلرّاغِبینَ وَخَیْرُکَ مَبْذُولٌ لِلطّالِبینَ وَفَضْلُکَ مُباحٌ

بازاست برای مایلان وخوبی تو بخشیده شده بخواهندگان وافزونی تو مباح

لِلسّائِلینَ وَنَیْلُکَ مُتاحٌ لِلْآمِلینَ وَرِزْقُکَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصاکَ

برخواهشمندان وعطایت آماده برای آرزومندان وروزیت پهن شده برای آنکه نافرمانی کرد

وَحِلْمُکَ مُعْتَرِضٌ لِمَنْ ناواکَ عادَتُکَ الْاِحْسانُ اِلَی الْمُسیئینَ وَ

و بردباری تو فراهم است برای آنکه چشم داشت تورا طریقه تو نیکی بگناهکاران است و

سَبیلُکَ الْاِبْقاءُ عَلَی الْمُعْتَدینَ اَللّٰهُمَّ فَاهْدِنی هُدَی الْمُهْتَدینَ وَ

راه تو واگذاشتن ازحدگذشتگان است خدایا پس بنما مرا راه راهبران و

ارْزُقْنی اجْتِهادَ الْمُجْتَهِدینَ وَلا تَجْعَلْنی مِنَ الْغافِلینَ الْمُبْعَدینَ وَ

روزیکن مرا کوشش کوشش‌کنندگان ونگردان مرا از بیخبران دورافتاده و

اغْفِرْ لی یَوْمَ الدّینِ وایضاً بسند معتبر منقولستکه محمد بن ذکوان بخدمت حضرت

بیامرز مرا در روز جزا صادق ع عرضکرد که فدای تو شوم اینماه رجبست مرا دعائی

تعلیم نما که خدا مرا بان نفع بخشد حضرت فرمودند که در هر روز ماه رجب در صبح و شام

وبعد از نمازهای در شب یا مَنْ اَرْجُوهُ لِکُلِّ خَیْرٍ وَآمَنُ سَخَطَهُ عِنْدَ کُلِّ

و روز این دعا را بخوان ای آنکه امید دارم او را برای هر خیری وایمنم خشم او را نزد هر

شَرٍّ یا مَنْ یُعْطِی الْکَثیرَ بِالْقَلیلِ یا مَنْ یُعْطی مَنْ سَئَلَهُ یا مَنْ یُعْطی مَنْ

بدی ای آنکه عطا کند بسیار را باندک ای آنکه بخشش کند هرکه سؤال کند او را ای آنکه میدهد

لَمْ یَسْئَلْهُ وَمَنْ لَمْ یَعْرِفْهُ تَحَنُّناً مِنْهُ وَرَحْمَةً اَعْطِنی بِمَسْئَلَتی اِیّاکَ

هرکه را اگر سؤال نکند او را و هرکه نشناسد او را مهربانی از اوست و رحمت بده مرا بسؤال من تورا

جَمیعَ خَیْرِ الدُّنْیا وَجَمیعَ خَیْرِ الْآخِرَةِ وَاصْرِفْ عَنّی بِمَسْئَلَتی اِیّاکَ

همه نیکی دنیا و همه نیکی آخرترا وبگردان ازمن بسؤال‌کردن تورا

جَمیعَ شَرِّ الدُّنْیا وَشَرِّ الْآخِرَةِ فَاِنَّهُ غَیْرُ مَنْقُوصٍ ما اَعْطَیْتَ وَزِدْنی

همه بدی دنیا و بدی آخرت را پس بدرستیکه او کم نکند آنچه بدهی و زیاد کن مرا

مِنْ فَضْلِکَ یا کَریمُ پس حضرت ریش مبارک خود را بدست چپ گرفتند و انگشت

از افزونی خود ای بزرگوار سبابه دست راست خود را بجانب چپ و راست حرکت میدادند

وبا انکسار تمام این دعا را حضرت میخواندند یا ذَا الْجَلالِ وَالْاِکْرامِ یا ذَا النَّعْماءِ وَالْجُودِ

ای صاحب جلال و بزرگواری ای صاحب نعمت و بخشش

یا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ حَرِّمْ شَیْبَتی عَلَی النّارِ و دست از ریش مبارک خود بر

ای صاحب عطا و احسان حرام کن پیری مرا بر آتش نداشتند تا از آب دیده مبارکش

تر شد و شیخ طوسی بسند معتبر روایت کرده که حضرت صادق ع بمعلی بن خنیس گفت

که در ماه مبارک رجب اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ صَبْرَ الشّاکِرینَ لَکَ وَ

این دعا را بخوان خدایا بدرستیکه میخواهم تورا شکیب شکرکنندگان مر تورا و

عَمَلَ الْخائِفینَ مِنْکَ وَیَقینَ الْعابِدینَ لَکَ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْعَلِیُّ

کردار ترسندگان از تو و یقین پرستندگان مر تورا خدایا توئی بلندمرتبه

الْعَظیمُ وَاَنَا عَبْدُکَ الْبائِسُ الْفَقیرُ وَاَنْتَ الْغَنِیُّ الْحَمیدُ وَاَنَا

بزرگ و منم بنده تو بدحال محتاج و توئی بی‌نیاز ستوده و منم

الْعَبْدُ الذَّلیلُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَامْنُنْ بِغِناکَ عَلی

بنده خوار بارخدایا رحمت فرست بر محمد و آل او و منت بنه به بی‌نیازی تو بر

فَقْری وَبِحِلْمِکَ عَلی جَهْلی وَبِقُوَّتِکَ عَلی ضَعْفی یا قَوِیُّ یا عَزیزُ

فقر من و بردباری خود بر نادانی من و بتوانائی خود بر ناتوانی من ای توانا ای ارجمند

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْاَوْصِیاءِ الْمَرْضِیّینَ وَاکْفِنی ما

بارخدایا رحمت فرست بر محمد و آل او که اوصیاء پسندیده‌اند و درغم کن مرا آنچه

اَهَمَّنی مِنْ اَمْرِ الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ و از روایت سید

غمگین نماید مرا از کار دنیا و آخرت ای بخشنده مهربان ابن طاوس ظاهر

میشود که این دعا جامع‌ترین دعاها است که در همه اوقات میتوان خواند و شیخ طوسی

و سید و دیگران بسندهای معتبر از حضرت صاحب الامر علیه السلام روایت

کرده‌اند که سنت است در هر روز از روزهای اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ

ماه رجب این دعا را بخوانند ان شاء الله خداوندا بدرستیکه میخواهم تورا

بِالْمَوْلُودَيْنِ فِي رَجَبٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الثَّانِي وَابْنِهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُنْتَجَبِ

بحق دو زائیده شدگان در رجب محمد پسر علی دوئم و پسراو علی پسر محمد برگزیده شده

وَأَتَقَرَّبُ بِهِمَا إِلَيْكَ خَيْرَ الْقُرَبِ يَا مَنْ إِلَيْهِ الْمَعْرُوفُ طُلِبَ

و نزدیکی جویم بسبب ایشان بتو بهترین نزدیکی ای انکه بسوی او نیکی طلب شده

وَفِيمَا لَدَيْهِ رُغِبَ أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مُقْتَرِفٍ مُذْنِبٍ قَدْ أَوْبَقَتْهُ ذُنُوبُهُ

و در انچه نزد اوست رغبت شده میخواهم از تو خواستن عاجز گناهکار که بسته باشد اورا گناه او

وَأَوْثَقَتْهُ عُيُوبُهُ فَطَالَ عَلَى الْخَطَايَا دُؤُوبُهُ وَمِنَ الرَّزَايَا

و بند کرده باشد اورا عیبهای او بطول انجامد برگناهان کوشش او و از مصیبت ها

خُطُوبُهُ يَسْأَلُكَ التَّوْبَةَ وَحُسْنَ الْأَوْبَةِ وَالنُّزُوعَ عَنِ الْحَوْبَةِ

امور عظیمه در میخواهد ترا توبه و نیکی رجوع و باز ایستادن از گناهان

وَمِنَ النَّارِ فَكَاكَ رَقَبَتِهِ وَالْعَفْوَ عَمَّا فِي رِبْقَتِهِ فَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ

و از آتش آزادی گردن او و بخشش از انچه در گردن اوست پس تو ای آقای من

أَعْظَمُ أَمَلِهِ وَثِقَتِهِ اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِمَسَائِلِكَ الشَّرِيفَةِ وَ

بزرگست آرزوی او و اعتماد او خداوندا و میخواهم تورا بسؤالهای تو که بلند است و

وَسَائِلِكَ الْمُنِيفَةِ أَنْ تَتَغَمَّدَنِي فِي هَذَا الشَّهْرِ بِرَحْمَةٍ مِنْكَ

وسیله های بارفعت تو انکه بپوشانی مرا در این ماه برحمتی از خود

وَاسِعَةٍ وَنِعْمَةٍ وَازِعَةٍ وَنَفْسٍ بِمَا رَزَقْتَهَا قَانِعَةٍ إِلَى نُزُولِ الْحَافِرَةِ

فراگیرنده و نعمتی بازدارنده و نفسی که باشد بانچه روزی دادی اورا قانع تا فرود آمدن در قبر

وَمَحَلِّ الْآخِرَةِ وَمَا هِيَ إِلَيْهِ صَائِرَةٌ و از حضرت رسولؐ منقولست که در

و مقام اخرت و انچه نفس بسوی او گردنده است جمیع ماه رجب هر بامداد و پسین

هفتاد مرتبه بگوید أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ پس دستها را بسوی آسمان بردارد

و بگوید اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي وَتُبْ عَلَيَّ و این استغفار در جمیع ایام سال سنت است و

هزار مرتبه سوره قل هو الله احد را در جمیع ماه خواندن ثواب بسیار در آن وارد

شده است اگر خواهد در یکروز بخواند و اگر خواهد هر روز قدری بخواند که در

تمام ماه هزار مرتبه خوانده باشد و ایضاً منقولست که هر که هزار مرتبه لا اله

الا الله در جمیع ماه بگوید صد هزار حسنه از برای او نوشته شود و حقتعالی

در بهشت از برای او شهری بنا کند و در هر شب از شبهای این ماه هزار مرتبه لا

اله الا الله وارد شده است و صد مرتبه این استغفار نیز منقولست و اگر در جمیع ماه

چهارصد مرتبه بخواند ثواب بسیار دارد أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ وَحْدَهُ

لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که

حضرت رسولؐ فرمود که هر که در هر شب یا هر روز این ماه و شعبان و رمضان سه مرتبه

سوره حمد و آیة الکرسی و قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق

و قل اعوذ برب الناس سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ

و سه مرتبه بگوید منزه است خدا و سپاس مختص اوست و نیست خدائی مگر خدا

وَاللّٰهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و ایضاً

و خدا بزرگتر است و نیست حرکتی و نه توانی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ سه مرتبه

بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و سه مرتبه اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ

خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد بگوید خداوندا بیامرز

لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ و چهارصد أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ گناهانش

مردان گرونده و زنان گرونده را مرتبه بگوید امرزش میخواهم از خدا و بازمیگردم بسوی او را خدا

بیامرزد اگرچه بعدد قطره باران و برگ درختان و کف دریاها باشد و در روز

عید حقتعالی او را ندا کند که براستی تو دوست منی و بهر حرفی ترا شفاعتی میدهم در

حق برادران و خواهران مؤمن تو و حضرت فرمود که اگر در عمری یکبار این عمل او را

حقتعالی بهر حرفی هفتاد هزار حسنه باو کرامت فرماید که هر حسنه از آن سنگین تر

باشد از جمیع کوههای دنیا و هفتصد حاجت او را در وقت مردن و هفتصد حاجت او را

در قبر و هفتصد حاجت او را در وقت بیرون آمدن از قبر و مثل آن در وقت پرواز کردن

نامهای اعمال و نزد سنجیدن اعمال در میزان و نزد صراط برآورد و او را در زیر سایه عرش خود

جا دهد و حساب او را آسان کند و هفتاد هزار ملک او را مشایعت کنند تا داخل بهشت

شود و باو عطا فرماید آنچه که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده باشد

فصل چهارم

در بیان فضایل اعمال شب و روز اول است تا روز پانزدهم در شب اول ماه غسل سنت

است و منقولست که هر که در شب اول ماه رجب و شب پانزدهم و شب آخر آن غسل کند

از گناهان بیرون آید مانند روزیکه از مادر متولد شده باشد و در وقت دیدن ماه دعای صحیفهٔ کامله را بخواند که بهترین دعاها است و هفت مرتبه سورهٔ حمد را بخواند تا از درد چشم ایمن گردد و در هر ماهی این عمل سنت است و منقول است که چون ماه نو ببیند **اللّهمّ اهلّه علینا بالامن والایمان والسّلامة و**
بگوید — خداوندا طالع گردان بر ما ماه را با سودگی وایمان و سلامتی و
الاسلام ربّی وربّک الله عزّ وجلّ و در شب اول و روز اول زیارت
اسلام پروردگار من و پروردگار تو خدای عزّ وجل است — امام حسین علیه السّلام فضیلت بسیار دارد و در حدیث معتبر وارد شده است که هرکه در اول رجب آنحضرت را زیارت کند البته بهشت او را واجب گردد و احیاء شب اول سنت است و از حضرت صادق ع منقول است که نا توانی محافظت نما بر احیاء شب عید ماه رمضان و شب عید قربان و شب اول محرم و شب عاشورا و شب اول رجب و شب نیمهٔ شعبان و در این شبها دعا و نماز و تلاوت قرآن بسیار بکن و بسند معتبر از امام محمد باقر ع منقول است که در شب اول ماه رجب بعد از نماز عشاء این دعا را بخوانند
اللّهمّ انّی اسئلک بانّک ملیک وانّک علی کلّ شیء مقتدر و
خداوندا بدرستیکه میخواهم تورا باینکه تو پادشاهی و اینکه تو بر هر چیزی توانائی
وانّک ما تشاء من امر یکن اللّهمّ انّی اتوجّه الیک بنبیّک
و اینکه بخواهی از هر کاری میشود خدایا بدرستیکه من رو میاورم بسوی تو به پیغمبر تو
محمّد نبیّ الرّحمة صلواتک علیه واله یا محمّد یا رسول الله
محمد پیغمبر رحمت رحمتهای تو بر او و آل او ای محمد ای فرستادهٔ خدا
انّی اتوجّه الی الله ربّی وربّک لینجح لی بک طلبتی اللّهمّ
من رو آوردم بسوی خدا پروردگار من و پروردگار تو براورد بسبب تو حاجت مرا خداوندا
بنبیّک محمّد صلّی الله علیه واله وبالائمّة من اهل بیته
به پیغمبر تو محمد درود فرستد خدا بر او و آل او و بر پیشوایان از خانوادهٔ او
انجح طلبتی پس حاجات خود را طلب نماید و بیست رکعت نماز نیز وارد شده است هر دو
براور حاجت مرا — رکعت بیک سلام و در هر رکعت حمد و یک مرتبه قل هو الله احد بخواند تا از بلاهای دنیا و عذاب آخرت ایمن گردد و شیخ و دیگران بسند معتبر روایت کرده اند که حضرت امام موسی ع در شب اول ماه رجب بعد از آنکه از نماز شب فارغ میشدند

این دعا را در سجده میخواندند **اللّهمّ لک المحمدة ان اطعتک ولک الحجّة ان**
خدایا مر تو راست ستودن اگر فرمانبرداری کنم تو را و تو راست حجت اگر
عصیتک لا صنع لی ولا لغیری فی احسان الّا بک یا کائنا
نافرمانی کنم تو را نیست کاری مرا و نه جز مرا در نیکی مگر بتو ای موجود
قبل کلّ شیء ویا مکوّن کلّ شیء انّک علی کلّ شیء
پیش از هر چیزی وای پدید آورندهٔ هر چیزی بدرستیکه تو بر هر چیزی
قدیر اللّهمّ انّی اعوذ بک من العدیلة عند الموت ومن شرّ
توانائی خداوندا من پناه میبرم بتو از شیطان رجیم وقت مرگ و از شر
المرجع فی القبور ومن النّدامة یوم الآزفة فاسئلک ان
بازگشت در قبرها و از پشیمانی روز حشر پس سؤال میکنم تورا اینکه
تصلّی علی محمّد واله وان تجعل عیشی عیشة نقیّة ومیتتی
رحمت فرستی بر محمد و آل او و اینکه بگردانی زندگانی مرا زندگانی پاکیزه و مردن مرا
میتة سویّة ومنقلبی منقلبا کریما غیر مخز ولا فاضح اللّهمّ
مردن درست و بازگشت مرا بازگشت گرامی غیر خواری و نه رسوا کننده خدایا
صلّ علی محمّد وال محمّد الائمّة ینابیع الحکمة واولی
رحمت فرست بر محمد و آل محمد پیشوایان چشمهای دانش و صاحبان
النّعمة ومعادن العصمة واعصمنی بهم من کلّ سوء ولا
نعمت و کانهای عصمت و نگاهدار مرا بایشان از هر بدی و
تأخذنی علی غرّة ولا غفلة ولا تجعل عواقب اعمالی حسرة
نگیر مرا بر فریفتگی و نه بر غفلت و نگردان آخر کارهای مرا اندوه
وارض عنّی فانّ مغفرتک للظّالمین وانا من الظّالمین اللّهمّ
و خوشنود شو از من پس بدرستیکه آمرزش تو مر ستمکاران راست و من از ستمکارانم خدایا
اغفر لی ما لا یضرّک واعطنی ما لا ینقصک فانّک الوسیع رحمته
بیامرز مرا چیزیکه ضرر نرساند تو را و بده مرا آنچه کم نکند تو را پس بدرستیکه تو وسیع رحمتی
البدیع حکمته واعطنی السّعة والدّعة والامن والصّحّة
بی نظیر درست کردار و بده مرا فراخی و رفاهیت و ایمنی و تندرستی

وَالْخُشُوعَ وَالْقُنُوعَ وَالشُّكْرَ وَالْمُعَافَاةَ وَالتَّقْوٰى وَالصَّبْرَ وَ

وفروتنی و قناعت وشکربودن وعافیت و پرهیزکاری و شکیبائی و

الصِّدْقَ عَلَيْكَ وَعَلٰى اَوْلِيَاۤئِكَ وَالْيُسْرَ وَالشُّكْرَ وَاَعْمِمْ

راستی برتو و بر دوستان تو واسانی وشکربودن و فروگیر

بِذٰلِكَ يَا رَبِّ اَهْلِي وَوَلَدِي وَاِخْوَانِي فِيكَ وَمَنْ اَحْبَبْتُ وَ

باین ای پروردگار من کسانم را وفرزندانم را و برادرانم را در تو و انکه دوست دارم و

اَحَبَّنِي وَوَلَدْتُ وَوَلَدَنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ

دوست دارد مرا وزائیدم را و زاینده شدمرا از مردان مسلم و زنان مسلم ومردان مؤمن

وَالْمُؤْمِنَاتِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ وایضاً بسند معتبر منقولست که مستحب است که

و زنان مؤمنه ای پروردگار جهانیان بعد از سلام گفتن از نماز و تر چنانکه نشسته

است این دعا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَا تَنْفَدُ خَزَاۤئِنُهُ وَلَا يَخَافُ اٰمِنُهُ رَبِّ

را بخواند سپاس مرخدا را که بپایان نرسد گنجهای او و نترسد انکه با من او است پروردگار

اِنْ اَرْتَكِبُ الْمَعَاصِي فَذٰلِكَ ثِقَةً بِكَرَمِكَ اِنَّكَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ

من اگر بجا آوردم گناهان را پس این اعتماد من است بکرم تو که تو می پذیری توبه را

عَنْ عِبَادِكَ وَتَعْفُو عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ وَتَغْفِرُ الزَّلَلَ فَاِنَّكَ مُجِيبٌ لِدَاعِيكَ

از بندگان خود و میگذری از بدیهای ایشان و میامرزی لغزشها را پس بدرستیکه تو جواب دهنده

وَمِنْهُ قَرِيبٌ فَاَنَا تَاۤئِبٌ اِلَيْكَ مِنَ الْخَطَايَا وَرَاغِبٌ اِلَيْكَ فِي تَوْفِيرِ

مرخواننده خود را و از او است نزدیک پس من بازگردنده ام بتو از خطاها و رغبت کننده ام بتو در وافر بودن

حَظِّي مِنَ الْعَطَايَا يَا خَالِقَ الْبَرَايَا يَا مُنْقِذِي مِنْ كُلِّ شَدِيدَةٍ

بهره من از بخششها ای آفریننده بندگان ای پناه من از هر سختی

يَا مُجِيرِي مِنْ كُلِّ مَحْذُورٍ وَفِّرْ عَلَيَّ السُّرُورَ وَاكْفِنِي شَرَّ عَوَاقِبِ

ای پناه من از هر خوف زیادی زیاد کن برمن شادی را وببر ازمن بدی اواخر

الْاُمُورِ فَاَنْتَ اللّٰهُ عَلٰى نَعْمَاۤئِكَ وَجَزِيلِ عَطَاۤئِكَ مَشْكُورٌ وَلِكُلِّ

کارها را پس بدرستیکه توئی خدا بر نعمت خود و وافری عطای تو شکر کرده شده است و برای هر

تجوع بتقدیم نون برجیم حاشیه اقبال ع۲ ع۳ در اقبال سید و بحار الانوار و کلمه والمسلمات و والمؤمنات را ندارد ع۴ وایضاً ندارد هیچ یک از ان دو کتاب کلمه ان را ندارد و ظاهراً این کلمات زیادی و الحاق است

خَيْرٍ مَذْخُورٌ وایضاً از حضرت امام علی نقی ع منقولست یَا نُورَ النُّورِ يَا مُدَبِّرَ

نیکی ذخیره شده که بعد از نماز و تر این دعا بخوانند ای نور همه نورها ای تدبیر کننده

الْاُمُورِ يَا مُجْرِيَ الْبُحُورِ يَا بَاعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ يَا كَهْفِي حِينَ تُعْيِينِي

کارها ای روان کننده دریاها ای برانگیزاننده هرکه در قبرها است ای پناه من وقت ماندن

الْمَذَاهِبُ وَكَنْزِي حِينَ تُعْجِزُنِي الْمَكَاسِبُ وَمُونِسِي حِينَ

از راهها و گنج من وقتیکه عاجز کند مرا کسبها ومونس من وقتیکه

يَجْفُونِي الْاَبَاعِدُ وَتَمَلُّنِي الْاَقَارِبُ وَمُنَزِّهِي بِمُجَالَسَةِ اَوْلِيَاۤئِهِ

ستم کند مرا دوران وملول کند مرا خویشان و پاک کننده من بهمنشینی دوستان خود

وَمُرَافَقَةِ اَحِبَّاۤئِهِ فِي رِيَاضِهِ وَسَاقِيَّ بِاَوَانِيهِ مِنْ نَمِيرِ

و رفاقت دوستان خود در بوستانهای خود و آب دهنده من بظرفهای خود از آبهای پاک

حِيَاضِهِ وَرَافِعِي بِمُجَاوَرَتِهِ مِنْ وَرْطَةِ الذُّنُوبِ اِلٰى رَبْوَةِ التَّقَرُّبِ

حوضهای خود و بلند کننده مرا بهمسایگی خود از نشیب گناهان بسوی فراز نزدیکی

وَمُبَدِّلِي بِوِلَايَتِهِ عِزَّةَ الْعَطَايَا مِنْ ذِلَّةِ الْخَطَايَا اَسْئَلُكَ يَا

و بدل کننده من بدوستی خود ارجمندی عطاها از خواری خطاها درمیخواهم تو را ای

مَوْلَايَ بِالْفَجْرِ وَاللَّيَالِي الْعَشْرِ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ وَاللَّيْلِ اِذَا يَسْرِ

آقای من بصبح و شبهای ده گانه و جفت و طاق و شب چون درگذرد

وَبِمَا جَرٰى بِهِ قَلَمُ الْاَقْلَامِ بِغَيْرِ كَفٍّ وَلَا اِبْهَامٍ وَبِاَسْمَاۤئِكَ الْعِظَامِ

وانچه بان روان شده خامه خامها بدون کف و انگشت بزرگ و بنامهای بزرگ تو

وَبِحُجَجِكَ عَلٰى جَمِيعِ الْاَنَامِ عَلَيْهِمْ مِنْكَ اَفْضَلُ السَّلَامِ وَبِمَا

و به برهانهای تو بر همه مردمان برایشان از تو بهترین درود و بانچه

اسْتَحْفَظْتَهُمْ مِنْ اَسْمَاۤئِكَ الْكِرَامِ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِمْ وَتَرْحَمَنَا

نگاهداری ایشانرا از نامهای تو که گرامی است اینکه رحمت فرستی برایشان ورحمت کنی ما را

فِي شَهْرِنَا هٰذَا وَمَا بَعْدَهُ مِنَ الشُّهُورِ وَالْاَيَّامِ وَاَنْ تُبَلِّغَنَا شَهْرَ

در اینماه و انچه بعد از انست از ماهها و روزها و اینکه برسانی ما را بماه

الصِّيَامِ فِي عَامِنَا هٰذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ وَ

رمضان در امسال ما و در هر سالی ای صاحب بزرگواری و گرامی و

اَلمِنَنِ الجِسامِ وَعَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مِنّا اَفضَلُ السَّلامِ وَاَعمالِ و

منتهای بزرك و بر محمد و آل او از ما بهترین درود ادعیه این

شب بسیار است و روزه روز اوّل فضیلت بسیار دارد و از حضرت امام محمّد باقر علیه السّلام منقول است که در روز اوّل ماه رجب نوح بکشتی سوار شد و امر کرد جمیع جن و انس را که با او بودند در کشتی روزه بدارند و هر کس این روز را روزه بدارد آتش جهنم یکسال راه از او دور گردد و از حضرت امام رضا علیه السّلام منقول است که هر که روزه بدارد روز اوّل ماه رجب را از برای رغبت در ثواب خداوند تعالی بهشت از برای او واجب شود و هر که یکروز از وسط اینماه را روزه بدارد حقتعالی شفاعت او را قبول کند در مانند ربیعه و مضر که دو قبیله عظیمند از قبایل عرب و هر که یکروز از آخر اینماه روزه بدارد حقتعالی او را از پادشاهان بهشت گرداند و قبول کند شفاعت او را در حق پدر و مادر و دختر و پسر و برادر و خواهر و عمو و عمه و خالو و خاله و جمیع همسایگان و آشنایان او هرچند همه مستوجب جهنم شده باشند

در کیفیت نماز سلمان

شیخ طوسی و دیگران از سلمان فارسی ره روایت کرده اند که گفت در آخر روز جمادی الثانیه رفتم خدمت حضرت رسالتپناه صلّی الله علیه وآله حضرت فرمود که ای سلمان تو از ما اهل بیتی پس فرمود که هر مرد مؤمن و زن مؤمنه که در این ماه رجب سی رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت یکمرتبه سورهٔ حمد و سه مرتبه قل هو الله احد و سه بار قل یا ایها الکافرون بخواند البته حقتعالی محو گرداند از نامهٔ عمل او هر گناهی را که در کودکی و بزرگی کرده باشد و خدا عطا کند باو ثواب کسیرا که تمام اینماه را روزه گرفته باشد و تا سال آینده حقتعالی او را از نمازگذارندگان بنویسد و در هر روز اینماه ثواب شهیدی از شهدای جنگ بدر از برای او باسمان برند و بهر روزی که در اینماه روزه بدارد عبادت یکساله در نامهٔ عمل او بنویسند و هزار درجه در بهشت از برای او بلند نمایند و اگر تمام ماه را روزه بدارد خدا او را از آتش جهنم نجات دهد و بهشت را از برای او واجب گرداند ای سلمان جبرئیل این نماز را از برای من آورد و گفت یا محمد این علامتی است میان شما و میان منافقان زیرا که این نماز را منافقان نمی

کنند گفتم یا رسول الله چگونه این نماز را بکنم و در چه وقت بجا آورم فرمود که در روز اوّل ماه رجب ده رکعت نماز بجا میاوری یعنی هر دو رکعت بیکسلام و در هر رکعت یکمرتبه سورهٔ حمد و سه مرتبه قل هو الله احد و سه بار قل یا ایها الکافرون میخوانی و بعد از هر سلام دست بسوی آسمان بلند میکنی و میگوئی لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ وَحدَهُ لا شَریکَ

نیست خدائی مگر خدای یگانه نیست شریکی

لَهُ لَهُ المُلکُ وَلَهُ الحَمدُ یُحیی وَیُمیتُ وَهُوَ حَیٌّ لا یَموتُ

مر او را مر او را پادشاهی و مر او را حمد است زنده میکند و میمیراند و او است زنده که نمیمیرد

بِیَدِهِ الخَیرُ وَهُوَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ اَللّهُمَّ لا مانِعَ لِما

بدست او است نیکی و او بر هر چیزی توانا است خداوندا نیست مانعی مر آنچه را

اَعطَیتَ وَلا مُعطِیَ لِما مَنَعتَ وَلا یَنفَعُ ذَا الجَدِّ مِنکَ الجَدُّ

که عطا میکنی و نیست عطا کننده مر آنچه را که منع میکنی و سود ندهد صاحب بزرگواری از تو بزرگواری

پس دستها را بر روی خود میکشی و در روز وسط ماه یعنی پانزدهم ده رکعت بهمان نحو بجا میاوری و بعد از هر سلام دستها را بسوی آسمان بلند میکنی و میگوئی لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ وَحدَهُ لا شَریکَ لَهُ لَهُ المُلکُ وَلَهُ

نیست خدائی مگر خدای یگانه نیست شریکی مر او را مر او راست پادشاهی و مر او راست

الحَمدُ یُحیی وَیُمیتُ وَهُوَ حَیٌّ لا یَموتُ بِیَدِهِ الخَیرُ وَهُوَ

حمد زنده میکند و میمیراند و او است زنده که نمیمیرد بدست او است نیکی و او

عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ اِلهاً واحِداً اَحَداً فَرداً صَمَداً لَم یَتَّخِذ

بر هر چیزی توانا است در حالیکه خدائیست یکی یگانه بیهمتا مقصود در حوائج نگرفته است

صاحِبَةً وَلا وَلَداً پس دستها را بر روی خود میکشی و در روز آخر ماه

یاری و نه اولادی

ده رکعت بهمان نحو بجا میاوری و بعد از هر سلام دستها را بسوی آسمان بلند میکنی و میگوئی لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ وَحدَهُ لا شَریکَ لَهُ لَهُ

نیست خدائی مگر خدای یگانه نیست شریکی مر او را مر او راست

المُلکُ وَلَهُ الحَمدُ یُحیی وَیُمیتُ وَهُوَ حَیٌّ لا یَموتُ بِیَدِهِ

پادشاهی و مر او راست حمد زنده میکند و میمیراند و او زنده ایست که نمیمیرد بدست او است

الخَیرُ وَهُوَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ وَصَلَّی اللهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
نیکی و او بر هر چیزی تواناست و رحمت خدا بر محمد و آل او
الطّاهِرینَ وَلا حَولَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ العَلِیِّ العَظیمِ
که پاکانند و نیست حرکتی و نه قوتی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ

پس دستها را بر روی خود بمال و حاجت خود را طلب نما که البته بر آورده
و حقتعالی میان تو و جهنم هفت خندق قرار میدهد که عرض هر خندقی بقدر
ما بین آسمان و زمین بوده باشد و بعدد هر رکعتی ثواب هزار هزار رکعت
در نامه عمل تو بنویسند و برات بیزاری از آتش جهنم و گذشتن بر صراط از برای
تو بنویسند و منقولست که هر که در روز جمعه ماه رجب صد مرتبه سوره قل هو الله
احد بخواند حقتعالی در قیامت با و نوری عطا فرماید که بآن نور داخل بهشت گردد
و در حدیث معتبر وارد شده است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام در روز
جمعه اول ماه رجب متولد شده است و موجب زیادتی شرف این روز گردیده و در
روایتی وارد شده است که ولادت حضرت امام علی نقی علیه السلام در روز دوم
ماه رجب واقع شده است و بروایت دیگر در روز سیم ماه رجب واقع شده است و بروایت
ابراهیم بن هاشم وفات آنحضرت در روز سیم واقع شده است و ابن عیاش گفته
است که ولادت آنحضرت در پنجم اینماه واقع شده است و ولادت حضرت امام محمد تقی
علیه السلام در دهم اینماه واقع شده است و بعضی از روایات در فضیلت خصوص
دهم وارد شده است و در فضیلت ایام البیض ماه رجب احادیث معتبره وارد شده
است یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم و بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام منقولست که فضیلت سه ماه را حقتعالی باین امت داده است
که باحدی از امتهای گذشته نداده است ماه رجب و ماه شعبان و ماه رمضان
و سه شب باین امت داده است که بامتهای دیگر نداده است شب سیزدهم و شب
چهاردهم و شب پانزدهم و سه سوره باین امت داده است که مثل آنها بامتهای
پیش نداده است سوره یس و سوره تبارک الذی بیده الملک و سوره توحید
پس هر که جمع کند میان اینسه فضیلت جمیع فضائل این امت را جمع کرده خواهد

بود پرسیدند که چگونه جمع کند فرمود که در شب سیزدهم هر یک از این سه ما
دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از حمد اینسه سوره را بخواند و در
شب چهاردهم چهار رکعت بگذارد بدو سلام و در هر رکعت بعد از حمد این
سه سوره را نیز بخواند و در شب پانزدهم شش رکعت بجای آورد بسه سلام
و در هر رکعت بعد از حمد اینسه سوره را بخواند تا جمیع فضیلت اینسه ماه
را بیابد و جمیع گناهانش آمرزیده شود بغیر از شرک بخدا و از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که هر که ایام البیض ماه رجب را روزه دارد حقتعالی بهر
روزی عبادت یکساله برای او بنویسد و در قیامت او را در محل ایمنان باز
دارد که هیچ بیم و خوف نداشته باشد و مشهور آنستکه ولادت باسعادت
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در میان کعبه معظمه در روز سیزدهم ما
رجب بود دوازده سال قبل از مبعوث شدن حضرت رسول صلی الله علیه
و آله و علی بن ابراهیم گفته استکه ولادت حضرت امام علی نقی علیه السلام نیز در
روز سیزدهم ماه رجب بود در سال دویست چهارده از هجرت و شب پانزدهم
از لیالی متبرکه است و غسل در آن سنت است و احیای آن بعبادت فضیلت
بسیار دارد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولستکه در شب نیمه
رجب حقتعالی امر میکند ملائکه را که هر گناهیکه در دیوان اعمال مؤمنان
باشد محو کنند و ایضاً از آنحضرت منقولستکه هر که روز سیزدهم و چهاردهم
و پانزدهم رجب را روزه دارد و در شبهای اینها مشغول عبادت باشد از دنیا نرود
مگر با توبه نصوح و بهر روزیکه روزه داشته هفتاد گناه کبیره او آمرزیده
شده و هفتاد حاجت او بر آورده شود در وقتیکه از قبر بیرون آید و نزد میزان و
نزد صراط و چنان باشد که هفتاد بنده از فرزندان اسمعیل آزاد کرده باشد و
شفاعت او را قبول کنند در حق هفتاد نفر از اهل بیت و خویشان او که مستحق جهنم
شده باشند و حقتعالی بنا کند از برای او در جنات فردوس هفتاد هزار شهر
و در هر شهری هفتاد هزار قصر و در هر قصری هفتاد هزار حوریه باشند

وهر حوریه هفتاد هزار خادم داشته باشد وشیخ طوسی علیه الرحمه بر سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که در شب نیمه رجب دوازده رکعت نماز بجا میاوری یعنی بشش سلام باحمد وهر سوره که خواهی وچون فارغ شوی هر یک از حمد ومعوذتین وتوحید وآیة الکرسی را چهار مرتبه میخوانی پس چهار مرتبه میگوئی سُبْحانَ اللّهِ وَالْحَمْدُ لِلّهِ وَلا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ وَاللّهُ اَکْبَرُ پس میگوئی اَللّهُ اَللّهُ رَبّی لا اُشْرِکُ بِهِ شَیْئاً وَما شاءَ اللّهُ لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلاّ بِاللّهِ ودر شب و روز زیارت حضرت امام حسین علیه السلام سنت مؤکد است وبسند صحیح از ابی نصر منقول است که از حضرت امام رضا علیه السلام سؤال کردم که زیارت امام حسین علیه السلام در کدام وقت بهتر است فرمود که در نیمه رجب و نیمه شعبان ودر روز پانزدهم نماز سلمان را باید کرد بهمان کیفیتی که ذکر شد وبسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در این روز چهار رکعت نماز کرد و دستهای خود را گشود وابن دعا را خواند پس فرمود که هر که شدتی وغمی مبتلا شود وابن دعا را بخواند البته کرب و شدت او زایل میگردد وابن چهار رکعت را بدو سلام میکند وهر سوره که خواهد میخواند اَللّهُمَّ یا مُذِلَّ کُلِّ جَبّارٍ یا مُعِزَّ الْمُؤْمِنینَ

ودعا این است خدایا الخوار کننده هر متکبر ایعزیز دارنده گروندگان

اَنْتَ کَهْفی حینَ تُعْیینِی الْمَذاهِبُ وَاَنْتَ بارِئُ خَلْقی رَحْمَةً بی وَ

تو پناه منی چون عاجز کند مرا راهها وتوئی پدید آرنده خلقت من از جهة مهربانی بمن

قَدْ کُنْتَ عَنْ خَلْقی غَنِیّاً وَلَوْلا رَحْمَتُکَ لَکُنْتُ مِنَ الْهالِکینَ وَ

بتحقیق بودی تو از خلقت من بی نیاز واگر نبود رحمت تو هر آینه بودم من از هلاک شوندگان و

اَنْتَ مُؤَیِّدی بِالنَّصْرِ عَلی اَعْدائی وَلَوْلا نَصْرُکَ اِیّایَ لَکُنْتُ مِنَ

توئی قوت دهنده من بیاری بر دشمنان من واگر نبود یاری تو مرا هر آینه بودم از

الْمَفْضُوحینَ یا مُرْسِلَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَعادِنِها وَمُنْشِئَ الْبَرَکَةِ

رسواشدگان ای فرستنده رحمت از معدنهای او وبیرون آورنده برکت

مِنْ مَواضِعِها یا مَنْ خَصَّ بِالشُّمُوخِ وَالرِّفْعَةِ فَاَوْلِیاؤُهُ

از جاهای او ای آنکه مخصوص ببزرگی و بلندی پس دوستان او

بِعِزِّهِ یَتَعَزَّزُونَ یا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوکُ نیرَ الْمَذَلَّةِ عَلی

بعزت او عزیز میباشند ای آنکه گذاشتند برای او پادشاهان غل خواری بر

اَعْناقِها فَهُمْ مِنْ سَطَواتِهِ خائِفُونَ اَسْئَلُکَ بِکَیْنُونِیَّتِکَ

گردنهای خود پس ایشان از عقابهای او ترسناکاند سؤال میکنم تورا بوجود تو

الَّتِی اشْتَقَقْتَها مِنْ کِبْرِیائِکَ وَاَسْئَلُکَ بِکِبْرِیائِکَ الَّتی

که بیرون آوردی آنرا از بزرگواری خود و سؤال میکنم تورا ببزرگی تو که

اشْتَقَقْتَها مِنْ عِزَّتِکَ وَاَسْئَلُکَ بِعِزَّتِکَ الَّتِی اسْتَوَیْتَ بِها

بیرون آوردی آنرا از ارجمندی خود و میخواهم تورا بعزت تو که استیلا دادی بآن

عَلی عَرْشِکَ فَخَلَقْتَ بِها جَمیعَ خَلْقِکَ فَهُمْ لَکَ مُذْعِنُونَ

بر عرش خودت پس آفریدی بآن همه آفریدگان خودت را پس ایشان مرتو را خاضعاند

اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهِ پس حاجات خود را از حقتعالی

اینکه رحمت فرستی بر محمد و اهل خانه او

طلب نماید وبدانکه عمده اعمال نیمه رجب دعای ام داود است که ابن بابویه وشیخ طوسی وسید ابن طاوس ره بسند های معتبر روایت کرده اند وبرای برآمدن حاجات وکشف کربات ودفع ظلم ظالمان مجرب است ومجمل روایاتش آنست که فاطمه مادر داود بن الحسن پسرزاده امام حسن مجتبی دایه حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بود وبشیر داود الخضر را شیر داده بود وچون محمد بن عبد الله بن الحسن در مدینه خروج کرده بود ومنصور دوانقی لشکر فرستاد واو را کشتند وابراهیم برادر محمد را نیز شهید نمودند وعبد الله بن الحسن وجمعی از سادات حسنی را با غل وزنجیر از مدینه بعراق بردند داود نیز در میان آنها بود وام داود گفت که چون مدتی از جنس فرزند من گذشت وازاو بمن خبری نمیرسید پیوسته تضرع میکردم واز صلحا ونیکان وبرادران مؤمن استدعا مینمودم وایشان صبر نمیکردند ومطلقا اثر استجابت نمییافتم وگاهی خبر بمن میرسید که داود را کشتند وگاهی میگفتند که با پسران عم او در زیر عمارت زنده گذاشتند

و روز بروز مصیبت من زیاد تر و اندوه من عظیم تر میشد تا آنکه از غم گداخته و پیر شدم و از ملاقات او نا امید گردیدم تا آنکه روزی شنیدم که حضرت صادق علیه السلام را علتی عارض شده بعیادت آنحضرت رفتم چون احوال گرفتم و دعا کردم خواستم برگردم حضرت فرمود که از داود چه خبر داری و من شیر داود را بآنحضرت داده بودم چون نام داود را شنیدم گریستم و گفتم فدایت شوم داود کجا است و او در عراق محبوس است و من از ملاقات او قطع امید کرده ام و از شما التماس میکنم که او را دعا کنید که او برادر رضاعی شما است حضرت فرمودند چرا غافلی از دعای استفتاح و دعای اجابت و نجاح و آن دعائیست که درهای آسمان برای او گشوده میشود و ملائکه استقبال میکنند خواننده آنرا و بشارت میدهند او را باجابت و آن دعائیست که از حضرت مجیب الدعوات محجوب نمیگردد و خواننده آنرا ثوابی نیست بغیر از بهشت ام داود گفت ای فرزند طاهرین و راستگویان چگونه است آن دعا حضرت فرمودند ای مادر داود ماه محترم یعنی ماه رجب نزدیک شده است و آنماهی است مبارک و حرمت آن عظیمست و دعاها در آن مستجابست چون آنماه در آید سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم که آنها را ایام البیض گویند روزه بدار پس حضرت کیفیت آنعمل را تعلیم او نمود و فرمود که این دعا را حفظ کن و همه کس تعلیم مکن که میترسم بدست کسی افتد که برای امر باطلی و نامشروعی این دعا را بخواند بدرستیکه این دعائیست شریف است و مشتمل است بر اسم اعظم الهی که هر که بخواند البته حاجتش بر آورده میشود و اگر درهای آسمان و زمین بسته شود یا دریاها حایل باشند میان تو و میان حاجت تو چون این دعا را بخوانی البته حقتعالی آسان میگرداند رسیدن ترا بمطلب تو و حاجت ترا بر می آورد و هر که این دعا را بخواند خدا مستجاب میگرداند خواه مرد و خواه زن باشد و اگر جن و انس همه دشمن فرزند تو باشند خداوند تعالی کفایت شر ایشانرا مینماید و زبان ایشانرا میبندد و ایشانرا مسخر فرزند تو میگرداند ام داود گفت که این دعا را از برای من نوشت و بخانه برگشتم

چون ماه رجب داخل شد آنچه را که آنحضرت فرموده بعمل آوردم و در شب شانزدهم نماز شام و خفتن را ادا کردم و از روزه افطار کردم و قدری عبادت کردم و بخواب رفتم در خواب دیدم جمیع ملائکه و پیغمبران و شهدا و عباد را که من بر ایشان صلوات فرستاده بودم و حضرت رسول مرا خطاب فرمود که ای مادر داود بشارت باد ترا که این جماعت که می بینی همه یاوران و برادران و شفیعان تو اند و از برای تو طلب آمرزش مینمایند و بشارت میدهند باینکه حق تعالی حاجت ترا بر آورده است پس بشارت باد ترا بآمرزش خدا و خوشنودی خدا و خدا ترا جزای خیر دهد و شاد باش که حقتعالی فرزند ترا حفظ می کند و بتو بر میگرداند انشاء الله ام داود گفت از خواب بیدار شدم و بعد از آن بقدر آنکه سوار تند روی از عراق بمدینه آید داود بنزد من آمد و گفت ای مادر من در عراق در زندان بسیار تنگی و بند و زنجیر سنگینی بودم و نا امید بودم از خلاص شدن چون شب نیمه رجب گردید در خواب دیدم که بلندیهای زمین پست شد و ترا دیدم که بر روی حصیر نماز خود نشسته بودی و نزد تو مردانی چند بودند که سرهای ایشان در آسمان بود و پاهای ایشان در زمین و تسبیح و تنزیه خدا میکردند پس یکی از ایشان که از همه خوشروتر بود و خوشبوتر و جامه های پاکیزه در بر داشت گمان کردم که حضرت رسالت پناه است خطاب کرد بمن ای فرزند عجوزه صالحه بشارت باد ترا که حقتعالی دعای مادر ترا در حق تو مستجاب کرد چون بیدار شدم رسولان منصور دوانقی بدر زندان رسیده بطلب من آمده بودند در میان شب مرا بنزد او بردند پس امر کرد تا زنجیرها را برداشتند و ده هزار درهم که زیاده از هزار تومان بود بحساب آنزمان بمن عطا نمود و گفت که مرا بر شتر رهواری سوار نمایند و بسرعت تمام بیاورند در مدینه ام داود گفت که من داود را بخدمت حضرت صادق علیه السلام بردم حضرت فرمود که سبب خلاصی تو آن بود که منصور حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را در خواب دید که باو فرمود رها کن فرزندم را و اگر نکنی ترا در این آتش میاندازم چون نظر کرد در پای آتش دریائی از آتش در زیر پای خود دید و از وحشت بیدار گردید و از کرده خود پشیمان شد و ترا رها کرد **و اما کیفیت** این عمل شریف ام داود گفت که

حضرت صادق علیه السّلام فرمود که در ماه رجب روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم
را روزه بدار و در وقت زوال روز پانزدهم غسل بکن و در روایت دیگر نزدیک به
زوال غسل بکن و چون زوال معلوم شود پاکیزه ترین جامهای خود را بپوش و
بخانهٔ خلوتی برو و سعی کن که کسی نزد تو نیاید که تو را مشغول گرداند و با تو سخن بگوید
و هشت رکعت نافلهٔ زوال را بعمل بیاور و رکوع و سجود آنها را چون بعمل آوری پس نماز
فریضهٔ ظهر را با آداب و شرایط بعمل آور و بعد از نماز ظهر دو رکعت نماز بکن هر
سوره که خواهی و بعد از آن صد مرتبه بگو یا قاضِیَ حَوآئِجِ الطّالِبینَ و هشت
رکعت نافلهٔ عصر را با آداب بجا بیاوری و در بعضی روایات وارد شده که در هر رکعت
از نافلهٔ عصر بعد از حمد سه مرتبه قل هو الله احد و یکمرتبه سورهٔ انّا اعطیناك
الکوثر بخوان پس نماز عصر را با خشوع و آداب بجا آور و در روایتی وارد شده که بر
روی حصیر پاکیزه بنشین و صد مرتبه سورهٔ حمد و صد مرتبه قل هو الله احد و
ده مرتبه آیة الکرسی بخوان پس هر یك از این سوره ها را یکمرتبه بخوان سورهٔ
انعام و کهف و بنی اسرائیل و لقمان و الٓمّ سجده و یس و والصّافّات و حم سجده و
حمعسق و حم دخان و انّا فتحنا و اذا وقعت الواقعه و تبارك الّذی بیده الملك و
ن والقلم و هل اتی و اذا السّماء انشقّت تا آخر قرآن و اگر نتوانی این سوره ها را
از روی مصحف درست بخوانی بعوض همه هزار مرتبه قل هو الله احد بخوان و
شیخ مفید ره گفته است که اگر ندانی و نتوانی این سوره های مخصوص را بخوانی صد بار
سورهٔ حمد و ده مرتبه آیة الکرسی و هزار مرتبه قل هو الله احد بخوان و این احوط است
و در روایت دیگر وارد شده است که پیش از حمد صد مرتبه بگوی سُبْحانَ اللهِ وَالْحَمْدُ
لِلّٰهِ وَلا اِلٰهَ اِلّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ و بعد از آیة الکرسی صد بار بگو اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و اگر آیة الکرسی را نتواند درست بخواند صد مرتبه سورهٔ حمد و
هزار مرتبه قل هو الله احد بخواند پس این دعا بخواند و آیة الکرسی را بهتر است که
تا هُمْ فِیها خالِدُونَ بخواند و دعا اینست

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ
بنام خداوند بخشنده مهربان

صَدَقَ اللهُ الْعَظیمُ الَّذی لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ ذُو الْجَلالِ
راستگو خدای بزرگست که نیست خدائی مگر او زنده پاینده صاحب بزرگواری
وَالْاِکْرامِ الرَّحْمٰنُ الرَّحیمُ الْحَلیمُ الْکَریمُ الَّذی لَیْسَ کَمِثْلِهِ
و کرم بخشاینده مهربان بردبار بزرگوار انکه نیست مانند او
شَیْءٌ وَهُوَ السَّمیعُ الْبَصیرُ الْعَلیمُ الْخَبیرُ شَهِدَ اللهُ اَنَّهُ لا اِلٰهَ اِلّا
چیزی و او شنونده بینای دانای آگاهست گواهی داده است خدا که نیست خدائی مگر
هُوَ وَالْمَلائِکَةُ وَاُولُوا الْعِلْمِ قائِماً بِالْقِسْطِ لا اِلٰهَ اِلّا
او و فرشتگان و صاحبان دانش که بر پا دارنده عدلست نیست خدائی مگر
هُوَ الْعَزیزُ الْحَکیمُ وَبَلَّغَتْ رُسُلُهُ الْکِرامُ وَاَنَا عَلی ذٰلِكَ
او غالب درست کردار و رسانیده اند فرستادگان بزرگوار و من بر این
مِنَ الشّاهِدینَ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الْمَجْدُ وَلَكَ الْعِزُّ وَ
از گواهانم خدا وندا تو راست ستایش و تو راست بزرگواری و تو راست عزت و
لَكَ الْفَخْرُ وَلَكَ الْقَهْرُ وَلَكَ النِّعْمَةُ وَلَكَ الْعَظَمَةُ وَلَكَ الرَّحْمَةُ
تراست بزرگی و تو راست غلبه و تو راست نعمت و تو راست بزرگی و تو راست رحمت
وَلَكَ الْمَهابَةُ وَلَكَ السُّلْطانُ وَلَكَ الْبَهاءُ وَلَكَ الْاِمْتِنانُ
و تو راست ترساندن و تو راست پادشاهی و تو راست نیکوئی و تو راست انعام
وَلَكَ التَّسْبیحُ وَلَكَ التَّقْدیسُ وَلَكَ التَّهْلیلُ وَلَكَ التَّکْبیرُ وَ
و تو راست تسبیح و تو راست تنزیه و تو راست تهلیل و تو راست تکبیر و
لَكَ ما یُری وَلَكَ ما لا یُری وَلَكَ ما فَوْقَ السَّماواتِ الْعُلی
تو راست آنچه دیده شود و تو راست آنچه دیده نشود و تو راست آنچه بالای آسمانهای بلند
وَلَكَ ما تَحْتَ الثَّری وَلَكَ الْاَرَضُونَ السُّفْلی وَلَكَ الْآخِرَةُ
و تو راست آنچه در زیر خاکست و تو راست زمینهای پست و تو راست آنجهان
وَالْاُولی وَلَكَ ما تَرْضی بِهِ مِنَ الثَّناءِ وَالْحَمْدِ وَالشُّکْرِ وَالنَّعْماءِ
و اینجهان و تو راست آنچه پسندی آنرا از ستودن و ستایش و شکر و نعمت
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی جَبْرَئیلَ اَمینِكَ عَلی وَحْیِكَ وَالْقَوِیِّ عَلی
خدایا رحمت فرست بر جبرئیل امین تو بر وحی تو و توانا بر

امرک والمطاع فی سمواتک ومحالّ کراماتک المتحمّل لکلماتک

امر تو واطاعت کرده شده در آسمانهای تو وجاهای نوازش تو بردارنده مرکلمات تو

النّاصر لانبیائک المدمّر لاعدائک اللّهمّ صلّ علی

یاری کننده مر پیغمبران تو هلاک کننده مر دشمنان تو خدایا رحمت فرست بر

میکائیل ملک رحمتک والمخلوق لرأفتک والمستغفر المعین

میکائیل فرشته رحمت تو وآفریده شده بمهربانی تو وطلب آمرزش کننده یاور

لاهل طاعتک اللّهمّ صلّ علی اسرافیل حامل عرشک و

مر اهل طاعت تو خدایا رحمت فرست بر اسرافیل بردارنده عرش تو وی

صاحب الصّور المنتظر لامرک والوجل المشفق من خیفتک اللّهمّ

صاحب صور انتظار برنده مر امر تو و ترساننده مهربان از ترس تو خدایا

صلّ علی عزرائیل قابض ارواح جمیع خلقک اللّهمّ صلّ

رحمت فرست بر عزرائیل گیرنده روحهای همه خلق تو خدایا رحمت فرست

علی حملة العرش الطّاهرین وعلی ملائکة الذّکر اهل

بر بردارندگان عرش که پاکانند و بر فرشتگان ذکر که اهل

التّامین علی دعاء المؤمنین وعلی السّفرة الکرام البررة

آمینند بر دعاء مؤمنین گروندگان و بر نویسندگان که نیکانند پاکیزه

الطّیّبین وعلی ملائکتک الکرام الکاتبین وعلی ملائکة

پاکیزگان و بر فرشتگان تو که بزرگواران نویسندگانند و بر فرشتگان

الجنان وخزنة النّیران وملک الموت والاعوان یا ذا الجلال

بهشت ها و خازنان آتشها و فرشته مرگ و مددکنندگان ای صاحب جلال

والاکرام اللّهمّ صلّ علی ابینا آدم بدیع فطرتک الّذی

و بزرگواری خدایا رحمت فرست بر پدر ما آدم نو آفریده تو که

اکرمته بسجود ملائکتک وابحته جنّتک اللّهمّ صلّ

گرامی داشته اورا بسبب سجده کردن فرشتگان تو وحلال نمودی براو بهشت خود را خدایا رحمت

علی امّنا حوّاء المطهّرة من الرّجس المصفّاة من الدّنس المفضّلة

فرست بر مادر ما حوّاء پاک کرده از پلیدی مصفّا شده از خلط وچرکی و زیادتی یافته

من الانس المتردّدة بین محالّ القدس اللّهمّ صلّ علی هابیل

از آدمیان آمدوشد کننده میان جاهای پاکیزه خدایا رحمت فرست بر هابیل

وشیث وادریس ونوح وهود وصالح وابراهیم واسمعیل

و شیث وادریس و نوح و هود و صالح و ابراهیم و اسمعیل

واسحق ویعقوب ویوسف والاسباط ولوط وشعیب و

و اسحق و یعقوب و یوسف و اسباط و لوط و شعیب و

ایّوب وموسی وهرون ویوشع ومیشا والخضر وذی القرنین

ایّوب و موسی و هرون و یوشع و میشا و خضر و ذو القرنین

ویونس والیاس والیسع وذی الکفل وطالوت وداود

و یونس و الیاس و یسع و ذی الکفل و طالوت و داود

وسلیمان وزکریّا وشعیا ویحیی وتورخ ومتّی وارمیا و

و سلیمان و زکریّا و شعیا و یحیی و تورخ و متّی و ارمیا و

حیقوق ودانیال وعزیر وعیسی وشمعون وجرجیس والحواریّین

حیقوق و دانیال و عزیر و عیسی و شمعون و جرجیس و حواریّین

والاتباع وخالد وحنظلة ولقمان اللّهمّ صلّ علی محمّد

و اتباع و خالد و حنظله و لقمان خدایا رحمت فرست بر محمّد

وآل محمّد وارحم محمّدا وآل محمّد وبارک علی محمّد وآل

و آل محمّد و رحم کن محمّد و آل محمّد را و برکت ده بر محمّد و آل

محمّد کما صلّیت ورحمت وبارکت علی ابراهیم وآل ابراهیم

محمّد همچنانکه رحمت فرستادی ورحم کردی وبرکت دادی بر ابراهیم و آل ابراهیم

انّک حمید مجید اللّهمّ صلّ علی الاوصیاء والسّعداء و

بدرستیکه تو ستوده بزرگواری خدایا رحمت فرست بر اوصیاء و نیکبختان و

۱ـ درمصباح شیخ طوسی تورخ بفتح تا اعراب شده ۲ـ متّی بروزن حتّی درمصباحین واقبال سید اعراب شده

۳ـ درمصباح شیخ ارمیّا بتشدید یاء است ودرمصباح کفعمی ارمیا بضمّ همزه وتخفیف یا ودراقبال وبحار ارمیا بفتح همزه

وتخفیف یا ۴ـ درمصباح شیخ حیقوق است ۵ـ دراقبال سیّد بعد از کلمه ورحمت وترحّمت تا صلّیت دارد

الشُّهَدآءِ وَاَئِمَّةِ الْهُدیٰ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَی الْاَبْدالِ وَالْاَوْتادِ
شهیدان و پیشوایان هدایت خدایا رحمت فرست بر ابدال و اوتاد

وَالسُّیّاحِ وَالْعُبّادِ وَالْمُخْلِصینَ وَالزُّهّادِ وَاَهْلِ الْجِدِّ وَ
و سیاحان و عابدان و خالصان و بی‌رغبتان درگاه و اهل سعی و

الْاِجْتِهادِ وَاخْصُصْ مُحَمَّداً وَاَهْلَ بَیْتِهِ بِاَفْضَلِ صَلَواتِكَ
کوشش و مخصوص گردان محمد و اهل خانهٔ او را بهترین رحمتهای خود

وَاَجْزَلِ كَراماتِكَ وَبَلِّغْ رُوحَهُ وَجَسَدَهُ مِنّی تَحِیَّةً وَسَلاماً
و افزونتر نوازشهای خود و برسان روح او را و جسد او را از من درود و سلام

وَزِدْهُ فَضْلاً وَشَرَفاً وَكَرَماً حَتّیٰ تُبَلِّغَهُ اَعْلیٰ دَرَجاتِ اَهْلِ
و زیاد کن او را افزونی و شرف و کرم تا برسانی او را بر بلندتر درجهای اهل

الشَّرَفِ مِنَ النَّبِیّینَ وَالْمُرْسَلینَ وَالْاَفاضِلِ الْمُقَرَّبینَ اَللّٰهُمَّ
شرف از پیمبران و فرستاده‌شدگان و فاضلترین که مقرّبانند خدایا

وَصَلِّ عَلیٰ مَنْ سَمَّیْتُ وَمَنْ لَمْ اُسَمِّ مِنْ مَلائِكَتِكَ وَاَنْبِیائِكَ[2]
و رحمت فرست بر آنکه نام بردم و آنکه نام نبردم از فرشتگان تو و پیغمبران تو

وَرُسُلِكَ وَاَهْلِ طاعَتِكَ وَاَوْصِلْ صَلَواتی اِلَیْهِمْ وَاِلیٰ اَرْواحِهِمْ
و فرستاده‌شدگان تو و اهل طاعت تو و برسان درود مرا بسوی ایشان و بروحهای ایشان

وَاجْعَلْهُمْ اِخْوانی فیكَ وَاَعْوانی[3] عَلیٰ دُعائِكَ[4] اَللّٰهُمَّ اِنّی
و بگردان ایشان را برادران من در راه تو و یاران من بر خواندن تو خدایا بدرستیکه من

اَسْتَشْفِعُ بِكَ اِلَیْكَ وَبِكَرَمِكَ اِلیٰ كَرَمِكَ وَبِجُودِكَ اِلیٰ جُودِكَ
شفاعت میجویم بتو بسوی تو و بکرم تو بسوی بخشش تو و بجود تو بسوی جود تو

وَبِرَحْمَتِكَ اِلیٰ رَحْمَتِكَ وَبِاَهْلِ طاعَتِكَ اِلَیْكَ وَاَسْئَلُكَ اَللّٰهُمَّ
و برحمت تو بسوی رحمت تو و باهل فرمانبرداری تو بسوی تو و میخواهم تو را الهٰا

۱ وَاَكْرَمَ خ ل اقبال سید و بحار الانوار ۲ واجسادهم خ ل ... كَراماتِكَ خ ل مصباح کفعمی ره ۳ بعد از واو وَاَحِبّائی مصباح کفعمی ره ۴ در مصباح شیخ طوسی ره کلمهٔ واعوانی را ندارد
در بعض از نسخ اقبال سید ره بجای عَلیٰ دُعائِكَ عَلیٰ طاعَتِكَ است

بِكُلِّ ما سَئَلَكَ بِهِ اَحَدٌ مِنْهُمْ مِنْ مَسْئَلَةٍ شَریفَةٍ[1] غَیْرِ مَرْدُودَةٍ
هرچه درخواسته است بآن کسی از ایشان از سؤال کردن شریفی که بر نگردد

وَبِما دَعَوْكَ بِهِ مِنْ دَعْوَةٍ مُجابَةٍ غَیْرِ مُخَیَّبَةٍ یا اَللّٰهُ یا رَحْمٰنُ یا رَحیمُ
و بآنچه که خواندن تو بآن از خواندن اجابت شده است که محروم نشده است ای خدا ای بخشاینده ای مهربان

یا حَلیمُ یا كَریمُ یا عَظیمُ یا جَلیلُ یا مُنیلُ یا جَمیلُ یا كَفیلُ
ای بردبار ای کریم ای بزرگ ای باجلال ای نوازش ای نیکو ای ضامن

یا وَكیلُ یا مُقیلُ یا مُجیرُ یا خَبیرُ یا مُنیرُ یا مُبیرُ یا مَنیعُ یا مُدیلُ یا
ای وکیل ای درگذرنده ای پناه ای آگاه ای منیر ای نیکو کننده ای هلاک کننده ای بزرگوار ای

مُحیلُ یا كَبیرُ یا قَدیرُ یا بَصیرُ یا شَكُورُ یا بَرُّ یا طُهْرُ یا طاهِرُ یا قاهِرُ
ای بزرگ ای توانا ای بینا ای جزادهندهٔ نیکو ای پاکیزه ای پاک ای غالب

یا ظاهِرُ یا باطِنُ یا ساتِرُ یا مُحیطُ یا مُقْتَدِرُ یا حَفیظُ یا مُتَجَبِّرُ[2] یا قَریبُ
ای هویدا ای پنهان ای پوشنده ای فراگیرنده ای توانا ای نگاهدارنده ای جبر کننده ای نزدیک

یا وَدُودُ یا حَمیدُ یا مَجیدُ یا مُبْدِئُ یا مُعیدُ یا شَهیدُ یا مُحْسِنُ یا مُجْمِلُ
ای دوست ای ستوده ای بزرگوار ای پدیدآورنده ای بازگرداننده ای گواه ای نیکوکار ای باجمال

یا مُنْعِمُ یا مُفْضِلُ یا قابِضُ یا باسِطُ یا هادی یا مُرْسِلُ یا مُرْشِدُ
ای نعمت ده ای بافضل ای گیرنده ای گستراننده ای رهنما ای فرستنده ای راهنما

یا مُسَدِّدُ یا مُعْطی یا مانِعُ یا دافِعُ یا رافِعُ یا باقی یا واقی یا خَلّاقُ
ای امداد کننده ای بخشنده ای بازدارنده ای دفع کننده ای رفع کننده ای بی‌زوال ای نگاهدار ای آفریننده

یا وَهّابُ یا تَوّابُ یا فَتّاحُ یا مُرْتاحُ یا مَنْ بِیَدِهِ كُلُّ مِفْتاحٍ[3] یا نَفّاحُ
ای بخشنده ای پذیرنده توبه ای گشاینده ای سودمند ای که بدست او است هر کلیدی ای دهنده

یا نَفّاعُ یا رَؤُفُ یا عَطُوفُ یا كافی یا شافی یا مُعافی یا مُكافی یا
ای سودبخش ای مهربان ای با محبت ای کارگزار ای شفادهنده ای عافیت ده ای کافی ای

وَفِیُّ یا مُهَیْمِنُ یا عَزیزُ یا جَبّارُ یا مُتَكَبِّرُ یا سَلامُ یا مُؤْمِنُ یا اَحَدُ
باوفا ای ارجمند ای غالب ای کار فرما ای بزرگوار ای دور از نقص ای امان ده ای یکتا

۱ در اقبال سید و مصباح کفعمی بعد از شریفة کلمهٔ مسموعة را اضافه دارد ۲ یا مُجیرُ خ ل اقبال سید و بحار الانوار ۳ در بحار یا مَنْ بِیَدِهِ كُلُّ مِفْتاحٍ را ندارد و کلمهٔ یا نَفّاحُ را نیز ندارد و در اقبال و مصباحین بعد از یا مُرْتاحُ ...

يَا صَمَدُ يَا نُورُ يَا مُدَبِّرُ يَا فَرْدُ يَا وِتْرُ يَا قُدُّوسُ يَا نَاصِرُ يَا مُونِسُ يَا
ای بی‌نیاز ای روشن ای مدبر ای یکتا ای بی‌همتا ای پاکیزه ای یاری‌کننده ای مونس ای

بَاعِثُ يَا وَارِثُ يَا حَاكِمُ يَا بَادِئُ يَا هَادِي يَا مُتَعَالِي يَا مُصَوِّرُ
برانگیزنده ای وارث ای دانا ای حکم‌کن ای آفریدگار ای پدیدآرنده ای رهنما ای بلند ای صورت‌نگار

يَا مُسَلِّمُ يَا مُتَحَبِّبُ يَا قَائِمُ يَا دَائِمُ يَا عَلِيمُ يَا حَكِيمُ يَا جَوَادُ يَا بَارِئُ
ای سلامتی‌ده ای دوستی‌کننده ای قائم ای همیشه ای دانا ای حکم‌کن ای بخشنده ای آفریدگار

يَا بَارُّ يَا سَارُّ يَا عَدْلُ يَا فَاصِلُ يَا دَيَّانُ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا
ای نیکوکار ای مسرورکن ای با انصاف ای فاصل ای جزادهنده ای مهربان ای منت‌گذار ای

سَمِيعُ يَا بَدِيعُ يَا خَفِيرُ يَا مُعِينُ يَا نَاشِرُ يَا غَافِرُ يَا قَدِيمُ يَا مُسَهِّلُ
شنوا ای تازه‌سازنده ای پناه‌ده ای یاری‌کننده ای نشردهنده ای آمرزنده ای دیرینه ای هموارکننده

يَا مُيَسِّرُ يَا مُمِيتُ يَا مُحْيِي يَا نَافِعُ يَا ضَارُّ يَا رَازِقُ يَا مُقْتَدِرُ يَا
ای آسان‌کننده ای میراننده ای زنده‌کننده ای سوده ای ضررزننده ای روزی‌ده ای توانا ای

مُسَبِّبُ يَا مُغِيثُ يَا مُغْنِي يَا مُقْنِي يَا خَالِقُ يَا رَاصِدُ يَا وَاحِدُ يَا حَا
سبب‌ساز ای فریادرس ای بی‌نیازکن ای نگاهدار ای آفریننده ای اندازه‌گیر ای یگانه ای حاضر

يَا جَابِرُ يَا حَافِظُ يَا شَدِيدُ يَا غِيَاثُ يَا عَائِدُ يَا قَابِضُ يَا مُنِيبُ يَا
ای جبار ای نگاهدارنده ای توانا ای فریادرس ای برگرداننده ای بگیرنده ای پذیرنده ای

مُبِينُ يَا طَاهِرُ يَا مُجِيبُ يَا مُتَفَضِّلُ يَا مُسْتَجِيبُ يَا عَادِلُ يَا بَصِيرُ يَا
هویدا ای پاکیزه ای جواب‌ده ای بخشنده ای قبول‌کننده ای دادخواه ای بینا ای

مُؤَمِّلُ يَا مُسْدِي يَا أَوَّابُ يَا وَافِي يَا رَاشِدُ يَا مَلِكُ يَا رَبُّ يَا
خواهنده ای خیرخواه ای بخشنده ای وفاکن ای رهنما ای پادشاه ای پروردگار

مُذِلُّ يَا مُعِزُّ يَا مَاجِدُ يَا رَازِقُ يَا وَلِيُّ يَا فَاضِلُ يَا سُبْحَانُ يَا مَنْ
خوارکننده ای عزیزکننده ای بزرگوار ای روزی‌ده ای دوست ای فاضل ای پاک ای آنکه

۲ درمصباح کبیر شیخ واقبال سید وبحار الانوار بجای یا بادی یا باری است ۳ کلمه یا بدیع را درمصباح کفعمی ندارد ۴ بجای اینکلمه درمصباح کفعمی وبحار الانوار یا مغیر است وبعد از اینکلمه دربحار یا مغنی ودربعض نسخ دیگر یا مغنی را اضافه دارد ۵ درمصباح شیخ ومصباح کفعمی یا مبین را تا یا فاضل یا سبحان ندارد ودراقبال وبحار نسبت ببعض روایات داده ودرمصباح کفعمی یا حی یا قیوم دارد

عَلَا فَاسْتَعْلَى فَكَانَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى يَا مَنْ قَرُبَ فَدَنَى وَبَعُدَ
بلند است پس قبول بلندی کرده پس هست در دیده بان بلند ای آنکه نزدیک پس نزدیک شد و دور است

فَنَأَى وَعَلِمَ السِّرَّ وَأَخْفَى يَا مَنْ إِلَيْهِ التَّدْبِيرُ وَلَهُ الْمَقَادِيرُ يَا
پس دور شد و دانسته پوشیده و پنهان را ای آنکه بسوی اوست تدبیر و مر او راست اندازه ای

مَنِ الْعَسِيرُ عَلَيْهِ سَهْلٌ يَسِيرٌ يَا مَنْ هُوَ عَلَى مَا يَشَاءُ قَدِيرٌ يَا
آنکه دشوارها براو آسان است و ای آنکه او برآنچه میخواهد تواناست ای

مُرْسِلَ الرِّيَاحِ يَا فَالِقَ الْإِصْبَاحِ يَا بَاعِثَ الْأَرْوَاحِ يَا ذَا الْجُودِ
فرستنده بادها ای شکافنده صبحها ای برانگیزاننده روحها ای صاحب جود

وَالسَّمَاحِ يَا رَادَّ مَا قَدْ فَاتَ يَا نَاشِرَ الْأَمْوَاتِ يَا جَامِعَ الشَّتَاتِ
و جوانمردی ای برگرداننده آنچه که فوت شده ای زنده سازنده مرده‌ها ای فراهم آورنده پراکنده‌ها

يَا رَازِقَ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ يَا فَاعِلَ مَا يَشَاءُ كَيْفَ يَشَاءُ يَا
ای روزی دهنده کسیکه میخواهد بدون شماره ای کننده آنچه را خواهد بهر روش که میخواهد ای

ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا حَيُّ حِينَ لَا حَيَّ يَا حَيُّ
صاحب جلال و بزرگی ای زنده ای پاینده ای زنده زمانی که نیست زنده ای زنده

يَا مُحْيِيَ الْمَوْتَى يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا
ای زنده کننده مرده‌ها ای زنده که نیست خدائی مگر تو پدیدآرنده آسمانها و زمین ای

إِلَهِي وَسَيِّدِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ
خدای من و آقای من رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و برکت ده بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَرَحِمْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ
و آل محمد همچنانکه رحمت فرستادی و برکت دادی و رحم کردی و ترحم نمودی بر ابراهیم

وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَارْحَمْ ذُلِّي وَفَاقَتِي وَفَقْرِي وَانْفِرَادِي
و آل ابراهیم بدرستیکه تو ستوده و بزرگوار و رحم کن خواری و درویشی و احتیاج و تنهائی

۱ التدبیر خ ل مصباح شیخ ۲ وله التقدیر خ ل در بعض نسخ ۳ اینکلمه در مصباح شیخ و مصباح کفعمی نیست ۴ در بعض نسخ بجای والسماح والطول است و در فقره بعد بجای الشتات الاشتات است ۵ کلمه بغیر حساب را در مصباحین و بحار ندارد ۶ وارحم محمدا وآل محمد مصباحین واقبال وبحار ۷ در مصباحین وفقری مقدم بر وفاقتی است و در مصباح شیخ بعد از کلمه وفاقتی کلمه وتضرعی را اضافه دارد

وَ وَحْدَتِي وَخُضُوعِي بَيْنَ يَدَيْكَ وَاعْتِمَادِي عَلَيْكَ وَ

و تنهائی مرا و فروتنی مرا در پیش تو و پشت گرمی مرا بر تو و

تَضَرُّعِي إِلَيْكَ أَدْعُوكَ دُعَاءَ الْخَاضِعِ الذَّلِيلِ الْخَاشِعِ الْخَائِفِ

زاری مرا بسوی تو میخوانم تورا خواندن فروتنی خوار با ناله ترسان

الْمُشْفِقِ الْبَائِسِ الْمَهِينِ الْحَقِيرِ الْجَائِعِ الْفَقِيرِ الْعَائِذِ الْمُسْتَجِيرِ الْمُقِرِّ

بیمناک محتاج ضعیف حقیر گرسنه محتاج پناه برنده زینهار خواه اقرار نما

بِذَنْبِهِ الْمُسْتَغْفِرِ مِنْهُ الْمُسْتَكِينِ لِرَبِّهِ دُعَاءَ مَنْ أَسْلَمَتْهُ ثِقَتُهُ

بگناه خود آمرزش خواه از آنکه خوار گذاشته بسوی پروردگار دعا آنکه سلامتی او را معتمداو

وَرَفَضَتْهُ أَحِبَّتُهُ وَعَظُمَتْ فَجِيعَتُهُ دُعَاءَ حَرِقٍ حَزِينٍ ضَعِيفٍ

و ترک نموده او را دوستان او و بزرگ شده مصیبت او خواندن سوخته محزون ضعیف

مَهِينٍ بَائِسٍ مُسْتَكِينٍ بِكَ مُسْتَجِيرٍ اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ مَلِيكٌ

ناتوان خوار درویش بتو پناه برنده خدایا و میخوانم تورا باینکه تو پادشاهی

وَأَنَّكَ مَا تَشَاءُ مِنْ أَمْرٍ يَكُنْ وَأَنَّكَ عَلَى مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ وَأَسْأَلُكَ

و اینکه تو آنچه میخواهی از امری میشود و بدرستیکه بر آنچه میخواهی توانائی و میخوانم تورا

بِحُرْمَةِ هَذَا الشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْبَيْتِ الْحَرَامِ وَالْبَلَدِ الْحَرَامِ وَ

بحرمت اینماه حرام و خانه حرام و شهر حرام و

الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَالْمَشَاعِرِ الْعِظَامِ وَبِحَقِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ

رکن و مقام و جاهای عبادت بزرگ و بحق پیغمبر تو محمد بر او و

آلِهِ السَّلَامُ يَا مَنْ وَهَبَ لِآدَمَ شَيْثاً وَلِإِبْرَاهِيمَ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ

آل او درود ای آنکه بخشید مر آدم را شیث و مر ابراهیم را اسمعیل و اسحق

وَيَا مَنْ رَدَّ يُوسُفَ عَلَى يَعْقُوبَ وَيَا مَنْ كَشَفَ بَعْدَ الْبَلَاءِ ضُرَّ

و ای آنکه برگرداند یوسف را بیعقوب و ای آنکه برداشت بعد از امتحان بدحالی را

۱ در مصباح کفعمی بجای ثِقَتُهُ نَفْسُهُ است ۲ در مصباح شیخ و اقبال سید و بحار الانوار بجای يَكُنْ يَكُونُ است ۳ در مصباح کفعمی بجای عليه و آله السلام صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ است و در مصباح شیخ محمد و آله علیهم السلام است ۴ در اقبال سید بجای مسکین مستکین است

أَيُّوبَ يَا رَادَّ مُوسَى عَلَى أُمِّهِ وَيَا زَائِدَ الْخِضْرِ فِي عِلْمِهِ وَيَا مَنْ

ایوب را ای رد کننده موسی را بمادرش وای افزاینده خضر را در دانائی او و ای آنکه

وَهَبَ لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ وَلِزَكَرِيَّا يَحْيَى وَلِمَرْيَمَ عِيسَى يَا حَافِظَ

بخشید بداود سلیمان را و بزکریا یحیی را و بمریم عیسی را ای نگاهدارنده

بِنْتِ شُعَيْبٍ وَيَا كَافِلَ وَلَدِ أُمِّ مُوسَى أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى

دختر شعیب وای کارگذار فرزند مادر موسی میخوانم تورا آنکه رحمت فرستی بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا وَتُجِيرَنِي مِنْ

محمد و آل محمد و اینکه بیامرزی برای من گناهانم را همه آنها را و پناه بدهی مرا از

عَذَابِكَ وَتُوجِبَ لِي رِضْوَانَكَ وَأَمَانَكَ وَإِحْسَانَكَ وَغُفْرَانَكَ

شکنجه خودت و لازم کنی برای من خوشنودی خودترا و امان خود و احسان خود و آمرزش خود

وَجِنَانَكَ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَفُكَّ عَنِّي كُلَّ حَلْقَةٍ ضِيقٍ بَيْنِي وَ

و بهشت خودرا و میخوانم تورا که باز داری از من هر حلقه تنگی را میان من و

بَيْنَ مَنْ يُؤْذِينِي وَتَفْتَحَ لِي كُلَّ بَابٍ وَتُلَيِّنَ لِي كُلَّ صَعْبٍ وَ

میان کسی که اذیت میکند مرا و بگشائی برای من هر دری را و نرم سازی برای من هر مشکلی را و

تُسَهِّلَ لِي كُلَّ عَسِيرٍ وَتُخْرِسَ عَنِّي كُلَّ نَاطِقٍ بِشَرٍّ وَتَكُفَّ عَنِّي

آسان کنی برای من هر دشواری را و زبان ببندی از من هر سخن گوی ببدی را و باز داری از من

كُلَّ بَاغٍ وَتَكْبِتَ لِي كُلَّ عَدُوٍّ لِي وَحَاسِدٍ وَتَمْنَعَ مِنِّي كُلَّ ظَالِمٍ

هر تجاوز کننده را و خوار سازی برای من هر دشمن و بدخواهی را و باز داری از من هر ستمکاری را

وَتَكْفِيَنِي كُلَّ عَائِقٍ يَحُولُ بَيْنِي وَبَيْنَ حَاجَتِي وَيُحَاوِلُ أَنْ

و نگاه داری مرا از هر مانعی که حایل شود میان من و میان حاجت من و قصد کند که

يُفَرِّقَ بَيْنِي وَبَيْنَ طَاعَتِكَ وَيُثَبِّطَنِي عَنْ عِبَادَتِكَ يَا مَنْ أَلْجَمَ

جدائی اندازد میان من و میان طاعت تو و ثابت و مشغول کند مرا از عبادت تو ای آنکه دهنه کرده

۱ در مصباح شیخ وَزَائِدَ الْخِضْرِ است و حرف ندا ندارد و در اقبال سید وَأَنْتَ زَائِدُ الْخِضْرِ است ۲ در بعض نسخ بعد از ام موسی کلمه عَنْ وَالِدَتِهِ را اضافه دارد و در مصباحین یا کافِلَ وَلَدِ مُوسَى است بدون لفظ ام ۳ در اقبال سید كُلَّ حَلْقَةٍ وَضِيقٍ است و در مصباحین و بحار الانوار کلمه ضِيقٍ را ندارد ۴ در بعض نسخ بَشَرٍ بِسُوءٍ است ۵ در بحار و اقبال بجای کلمه لِي عَنِّي است و در مصباح شیخ هیچیک از این دو کلمه را ندارد

الجنّ المتمرّدين وقهر عتاة الشّياطين واذلّ رقاب المتجبّرين

دیو سرکش را وغلبه کرده دیوان تجاوز کننده را وخوار کرده گردنهای متکبّران را

وردّ كيد المتسلّطين عن المستضعفين اسئلك بقدرتك

وبرگردانیده مکر دست یافتگان را از ناتوانان درمیخواهم از تو بتوانائی تو

على ما تشاء وتسهيلك لما تشاء كيف تشاء ان تجعل قضاء

برانچه خواهی و آسان کردن تو مرانچه را که خواهی هرگونه که خواهی انکه شتاب کنی برآوردن

حاجتي فيما تشاء پس بسجده رود و پهلوی روی خود را بخاک بند و بگو اللّهمّ لك سجدت

حاجت من درانچه خواهی خداوندا مر تورا سجده کردم

وبك امنت فارحم ذلّي وفاقتي واجتهادي وتضرّعي و

وبتو گرویدم پس رحم کن خواری مرا و پریشانی مرا و کوشش مرا وزاری مرا و

مسكنتي وفقري اليك يا ربّ پس حضرت فرمود که سعی بکن که آب از دیده

درویشی مرا واحتیاج مرا بسوی تو ای پروردگار من تو بیرون اید اگرچه بقدر پر مگسی بوده

باشد که آن علامت اجابت دعاست و در روایت دیگر وارد شده است که در

سجده این اللّهمّ لك سجدت وبك امنت فارحم ذلّي وخضوعي

دعا را بخواند خداوندا مر تورا سجده کردم و بتو گرویدم پس رحم کن خواری مرا و فروتنی

بين يديك وفقري وفاقتي اليك وارحم انفرادي وخشوعي

درمیان دو دست تو واحتیاج مرا و پریشانی مرا بسوی تو و رحم کن تنهائی مرا و ترسناکی مرا

واجتهادي بين يديك وتوكّلي عليك اللّهمّ بك استفتح و

و کوشش مرا میان دو دست تو و توکل مرا بر تو خدایا بتو گشایش جویم و

بك استنجح وبمحمّد عبدك ورسولك واله اتوجّه اليك اللّهمّ

بتو رستگاری جویم و بمحمد بنده تو و فرستاده تو و آل او رو میاورم بسوی تو خدایا

سهّل لي كلّ حزونة وذلّل لي كلّ صعوبة واعطني من الخير

آسان کن برای من هر ناهمواری را و خوار کن برای من هر دشواری را و بده مرا از نیکی

١ ان تجعل اقبال سید و مصباحین و بحار الانوار ٢ در مصباحین این روایت را ذکر نکرده اند

٣ در اقبال و بحار کلمه و آله را ندارد ٤ در اقبال حزونتی است و حزونة را نسخه بدل نوشته

اكثر ممّا ارجو وعافني من الشرّ واصرف عنّي السّوء وبروایت

بیشتر از انچه امیدوارم و عافیت ده مرا از بدی و بگردان از من بدی را دیگر صد

مرتبه در یا قاضي حوائج الطّالبين اقض حاجتي بلطفك يا خفيّ

سجده بگو ای برآورنده حاجتهای حاجتمندان برآور حاجت مرا بلطف خود ای انکه پنهان است

الالطاف و در روایت معتبره وارد شده است که مادر داود بحضرت عرض کرد

الطاف تو ای سید و آقای من آیا این دعا را در غیر ماه رجب میتوان خواند فرمود

بلی در روز عرفه میتوان خواند و اگر موافق افتد که روز جمعه باشد فارغ نمیشود

صاحبش مگر آنکه خدا او را بیامرزد و در هر ماه که باشد ایام البیض آنماه را روزه

دارد و در روز پانزدهم این دعا را بخواند بنحویکه ذکر کردم حاجتش برآورده میشود

و در روایت دیگر وارد است که حضرت فرمود که در روز عرفه و هر روزیکه این دعا را

بخواند حاجت او برآورده میشود مؤلف گوید که از این احادیث ظاهر میشود

که در هر ماه ایام البیض آن یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم او را روزه دارد و در روز

پانزدهم این عمل را بجا آورد بمطلوب فائز میگردد و دور نیست که اگر در روز عرفه و جمعه

و سایر ایام متبرکه نیز این عمل را بدون روزه بجا آورد خوب باشد و اگر در

غیر اشهر حرم که ذی القعده و ذی الحجه و محرم و ماه رجب است این دعا را بخواند

بجای بحرمة هذا الشّهر بگوید بحرمة شهر الحرام وهذا را بیندازد بهتر باشد

فصل پنجم

در بیان فضائل و اعمال نصف آخر ماه رجب است شیخ طوسی و دیگران رحمة الله

علیهم گفته اند که در روز هیجدهم اینماه ابراهیم پسر رسول خدا از دنیا رفت پس حزن

واندوه و لعن بر آنهائیکه در اینمصیبت شماتت کرده اند مناسب است خصوصاً عایشه

و ابن عیاش که یکی از محدثان شیعه است گفته است که حضرت فاطمه علیها السلام در

بیست و یکم ماه رجب بعالم قدس ارتحال نموده اگرچه خلاف مشهور است اما لعن بر

قاتلان و ظالمان آن جگر گوشه حضرت رسالت که عمده آنها عمر بن الخطاب است ثواب

دارد و زیارت آنحضرت احتیاطاً مناسب است بنحویکه مذکور خواهد شد انشاء الله

تعالی و شیخ مفید ره گفته است که در بیست و دوم اینماه معاویه بجهنم واصل

شده است ومستحب است که این روز را روزه دارند بشکر این نعمت ودر روز بیست سیم اینماه خارجیان خنجر زهرآلود بر ران حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام زدند زیارت ولعن بر قاتلان وظالمان آنحضرت مناسبت ودر روز بیست وچهارم اینماه فتح خیبر بدست معجز نمای حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام جاری شد ومرحب یهودی بدست آنحضرت کشته شد وگفته اند که روزه این روز بشکر این نعمت وزیارت آنحضرت مستحب است وشیخ ره ذکر کرده است که شهادت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام در روز بیست وپنجم ماه رجب واقع شده است اما احادیث بسیار در فضیلت این روز وثواب روزه اش وارد شده است وروایتی نقل کرده اند از ابن بابویه وغیر او که حضرت رسالت صلی الله علیه واله در روز بیست وپنجم ماه رجب مبعوث برسالت شد واین خلاف مشهور واحادیث بسیار است که بعد از این مذکور خواهد شد اما در فضیلت روزه اش شکی نیست چنانکه از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که روزه اش کفارهٔ دویست سال گناه است وبسند بسیار معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام مرویست که هر که روز بیست وپنجم ماه رجب را روزه دارد حقتعالی روزه اورا کفارهٔ هفتاد سال گناه گرداند وایضا از آنحضرت منقولست که هر که روز بیست وششم ماه رجب را روزه دارد حقتعالی روزه اورا کفارهٔ هشتاد سال گناه گرداند وروز بیست وهفتم اینماه از جملهٔ اعیاد عظیمه است وروزیست که حضرت رسول صلی الله علیه واله در آن روز برسالت کرامت مبعوث گردیده وجبرئیل به پیغمبری بآنحضرت نازل شد وشبش نیز بسیار شب مبارکی است وبسند های بسیار معتبر از حضرت امام محمد تقی ع منقولست که در ماه رجب شبی هست که بهتر است از برای مردم از آنچه آفتاب بر آن میتابد وآن شب بیست وهفتم اینماه است ودر صبح آن شب حضرت رسول ص برسالت مبعوث شد وکسیکه عبادت کند اینشب را مثل اجر شصت سال عبادت خدا باو عطا کند پرسیدند که عمل آن شب چیست فرمود که چون نماز خفتن کردی بخواب وهر وقت از شب که بیدار شوی خواه پیش از نصف وخواه بعد از نصف باشد برخیز ودوازده رکعت نماز بکن وبعد از هر دو رکعت سلام بگو ودر هر رکعت بعد از حمد یکسوره از سوره های کوچک وبعد ش ین را بخوان وچون فارغ شوی چنانکه نشسته سوره

حمد وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس وقل هو الله احد وقل یا ایها الکافرون وانا انزلناه وآیة الکرسی هر یك را هفت مرتبه بخوان پس این دعا را بخوان

الحَمدُ لِلّٰهِ الّذی لَم یَتَّخِذ وَلَدًا وَلَم یَکُن لَهُ شَریكٌ فِی المُلكِ
ستایش مر خدایرا که فرا نگرفت فرزندی و نباشد مر اورا شریکی در پادشاهی

وَلَم یَکُن لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَکَبِّرهُ تَکبیرًا اللّٰهُمَّ اِنّی
و نبوده ونباشد مر اورا دوستی از خواری و تکبیر گو اورا تکبیر گفتنی خدایا بدرستیکه من

اَسئَلُكَ بِمَعاقِدِ عِزِّكَ عَلی اَرکانِ عَرشِكَ وَمُنتَهَی الرَّحمَةِ
میخوانم تورا بجاها بستگی عزت تو بر ارکان عرش تو ونهایت رحمت مستفاد

مِن کِتابِكَ وَبِاسمِكَ الاَعظَمِ الاَعظَمِ الاَعظَمِ وَذِکرِكَ
از کتاب تو وبنام تو که بزرگتر بزرگتر بزرگتر است و ذکر تو که

الاَعلَی الاَعلَی الاَعلی وَبِکَلِماتِكَ التّامّاتِ کُلِّها اَن تُصَلِّیَ
بلندتر بلندتر بلندتر است وبکلمات تو که تمام است همهٔ آن اینکه رحمت فرستی

عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَن تَفعَلَ بی ما اَنتَ اَهلُهُ پس هر حاجتکه
بر محمد وال محمد واینکه بکنی بامن آنچه تو سزاوار آنی

خواهی بطلبکه هرچه طلب کنی مستجابست مگر آنکه حرامی بطلبی یا قطع رحمی یا هلاك جمعی از مؤمنان را طلب کنی وروز شرا روزه بدار که از برای تو حساب میشود بروزه یکسال وبسند معتبر دیگر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منقولستکه در شب بیست وهفتم ماه رجب هر وقتیکه باشد دوازده رکعت نماز بجا آور ودر هر رکعت بعد از حمد چهار مرتبه قل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس وقل هو الله احد بخوان وچون از دوازده رکعت نماز فارغ شوی در همان مکان چهار مرتبه بگو لا اِلهَ اِلّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ
نیست خدائی مگر خدا و خدا

اَکبَرُ وَالحَمدُ لِلّٰهِ وَسُبحانَ اللّٰهِ وَلا حَولَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰهِ
بزرگتر است وستایش مختص خداست ومنزه است خدا ونیست حرکت ونه توانائی مگر بخدای

العَلِیِّ العَظیمِ پس هر حاجتکه خواهی بطلبکه بر آورده است انشاء الله مؤلف
بلند مرتبهٔ بزرك

گوید که هر یك از این دو روایت را عمل نماید خوبست واگر هر دو را بکند بهتر است واگر نماز نصف شب ماه رجب که بسند صحیح مذکور شد در

ابنشب بجا آورد خوبست و در آن روایت وارد شده است که در ابنشب نیز بجا آورند و شیخ طوسی گفته است که غسل در آن شب مستحب است و زیارت حضرت رسول الله ص و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در ابنشب مناسبست و باید دعائی نیز وارد شده که در ابنشب بخوانند

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِالتَّجَلِّی الْاَعْظَمِ فی هٰذِهِ اللَّیْلَةِ

خدایا من سؤال میکنم ترا بعطیه بزرگتر در این شب

مِنَ الشَّهْرِ الْمُعَظَّمِ وَ الْمُرْسَلِ الْمُکَرَّمِ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ

از ماه بزرگوار و فرستاده گرامی اینکه رحمت فرستی بر محمد و

آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَغْفِرَ لَنا ما اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنّا یا مَنْ یَعْلَمُ وَ لا یَعْلَمُ

آل محمد و اینکه بیامرزی ما را بانچه تو داناتری بان از ما ای کسیکه میداند و یاد داده نشده

اَللّٰهُمَّ بارِکْ لَنا فی لَیْلَتِنا هٰذِهِ الَّتی بِشَرَفِ الرِّسالَةِ فَضَّلْتَها

خدایا مبارک کن برای ما در ابنشب ما که بشرافت پیغمبری زیادتی دادی اورا

وَ بِکَرامَتِکَ اَجْلَلْتَها وَ بِالْمَحَلِّ الشَّریفِ اَحْلَلْتَها اَللّٰهُمَّ فَاِنّا

و بکرامت خود بزرگ کردی انرا و بجایگاه شریف خود که فرود آوردی انرا خدایا پس بدرستیکه ما

نَسْئَلُکَ بِالْمَبْعَثِ الشَّریفِ وَ السَّیِّدِ اللَّطیفِ وَ الْعُنْصُرِ الْعَفیفِ اَنْ

سؤال میکنیم ترا ببعثت مبعث شریف و آقای مهربان پاکیزه و اصل پرهیزکاری اینکه

تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اَنْ تَجْعَلَ اَعْمالَنا فی هٰذِهِ اللَّیْلَةِ وَ

رحمت بفرستی بر محمد و آل او و اینکه بگردانی کردار ما را در این شب و

فی سائِرِ اللَّیالی مَقْبُولَةً وَ ذُنُوبَنا مَغْفُورَةً وَ حَسَناتِنا مَشْکُورَةً

در سایر شبها پذیرفته و گناهان ما را آمرزیده شده و نیکیهای ما را جزا داده شده

وَ سَیِّئاتِنا مَسْتُورَةً وَ قُلُوبَنا بِحُسْنِ الْقَوْلِ مَسْرُورَةً وَ اَرْزاقَنا

و بدیهای ما را پوشیده شده و دلهای ما را بخوبی گفتار شاد شده و روزیهای ما را

مِنْ لَدُنْکَ بِالْیُسْرِ مَدْرُورَةً اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ تَری وَ لا تُری وَ اَنْتَ

از نزد تو باسانی روان شده خدایا بدرستیکه تو میبینی و دیده نمیشوی و تو

بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلیٰ وَ اِنَّ اِلَیْکَ الرُّجْعیٰ وَ الْمُنْتَهیٰ وَ اِنَّ لَکَ الْمَماتَ

بدیدبان بلندی و بدرستیکه بسوی تواست بازگشت و نهایت و بدرستیکه مر تراست مرانیدن

وَ الْمَحْیا وَ اِنَّ لَکَ الْاٰخِرَةَ وَ الْاُولیٰ اَللّٰهُمَّ اِنّا نَعُوذُ بِکَ اَنْ

و زنده کردن و بدرستیکه برتواست آخرت و این جهان خدایا بدرستیکه پناه میبریم بتو اینکه

نَذِلَّ وَ نَخْزیٰ وَ اَنْ نَأْتِیَ ما عَنْهُ تَنْهیٰ اَللّٰهُمَّ اِنّا نَسْئَلُکَ

ذلیل و خوار گردیم و اینکه بجا آوریم آنچه را که از او نهی کرده خدایا بدرستیکه ما میخواهیم ترا

الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِکَ وَ نَسْتَعیذُ بِکَ مِنَ النّارِ فَاَعِذْنا مِنْها بِقُدْرَتِکَ

بهشت برحمت تو و پناه میبریم بتو از آتش پس پناه بده ما را از آن بتوانائی خود

وَ نَسْئَلُکَ مِنَ الْحُورِ الْعینِ فَارْزُقْنا بِعِزَّتِکَ وَ اجْعَلْ اَوْسَعَ اَرْزاقِنا

و میخواهیم ترا از حور العین پس روزی ده ما را بعزت خود و بگردان وسیعترین روزیهای ما را

عِنْدَ کِبَرِ سِنِّنا وَ اَحْسَنَ اَعْمالِنا عِنْدَ اقْتِرابِ آجالِنا وَ اَطِلْ فی طاعَتِکَ

نزد بزرگی سن ما و نیکوکن کردار ما را نزد نزدیک شدن اجلهای ما و دراز کن در طاعت خود

وَ ما یُقَرِّبُ اِلَیْکَ وَ یُحْظی عِنْدَکَ وَ یُزْلِفُ لَدَیْکَ اَعْمارَنا وَ اَحْسِنْ

و آنچه نزدیک میکند بسوی تو و بهره مند میسازد نزد تو و نزدیک میکند نزد تو عمرهای ما را و نیکوکن

فی جَمیعِ اَحْوالِنا وَ اُمُورِنا مَعْرِفَتَنا وَ لا تَکِلْنا اِلیٰ اَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ

در همه احوال ما و کارهای ما شناختن ما را و وامگذار ما را بر کسی از خلق تو

فَیَمُنَّ عَلَیْنا وَ تَفَضَّلْ عَلَیْنا بِجَمیعِ حَوائِجِنا لِلدُّنْیا وَ الْاٰخِرَةِ وَ

که منت بر ما نهد و ببخش بر ما بتمام حاجتهای ما برای دنیا و آخرت و

ابْدَءْ بِآبائِنا وَ اُمَّهاتِنا وَ اَبْنائِنا وَ جَمیعِ اِخْوانِنَا الْمُؤْمِنینَ فی جَمیعِ

ابتدا کن بپدران ما و مادران ما و پسران ما و همه برادران مؤمن ما در همه

ما سَئَلْناکَ لِاَنْفُسِنا یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ اَللّٰهُمَّ اِنّا نَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ

آنچه خواستیم از تو از برای خود ای بخشنده ترین بخشندگان خدایا بدرستیکه ما میخواهیم ترا بنام تو

الْعَظیمِ وَ مُلْکِکَ الْقَدیمِ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ

که بزرگست و بپادشاهی دیرینه تو اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و

اَنْ تَغْفِرَ لَنَا الذَّنْبَ الْعَظیمَ اِنَّهُ لا یَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظیمَ اِلّا الْعَظیمُ

اینکه بیامرزی ما را گناه بزرگ را بدرستیکه نمیامرزد گناه بزرگ را مگر بزرگ

۱ مِنْ خَلْقِکَ ۲ در مصباح کفعمی بجای این عبارتست که وَ اَحْسِنْ فی جَمیعِ ذٰلِکَ اَحْوالَنا وَ اُمُورَنا بِفَرَقَتِنا

اَللّٰهُمَّ وَهٰذا رَجَبُ الْمُكَرَّمُ الَّذي اَكْرَمْتَنا بِهِ اَوَّلُ اَشْهُرِ
خدایا و این رجب مکرمست که گرامی داشتۀ ما را بآن اول ماههای

الْحُرُمِ اَكْرَمْتَنا بِهِ مِنْ بَيْنِ الْاُمَمِ فَلَكَ الْحَمْدُ يا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ
حرام که گرامی داشتۀ ما را بآن از میان امتها پس مر تو راست ستایش ای خداوند بخشش و کرم

فَاَسْئَلُكَ بِهِ وَبِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ الْاَجَلِّ الْاَكْرَمِ
پس میخواهم تو را بآن و بنام تو که بزرگتر بزرگتر بزرگتر بزرگوارتر گرامی تر است

الَّذي خَلَقْتَهُ فَاسْتَقَرَّ في ظِلِّكَ فَلا يَخْرُجُ مِنْكَ اِلٰى غَيْرِكَ اَنْ
که آفریدی اورا پس قرار گرفت در سایۀ تو پس بیرون نمیرود از تو بسوی غیر تو اینکه

تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ الطّاهِرينَ وَاَنْ تَجْعَلَنا مِنَ
رحمت فرستی بر محمد و خانواده او که پاکانند و اینکه بگردانی ما را از

الْعامِلينَ فيهِ بِطاعَتِكَ وَالْآمِلينَ فيهِ لِشَفاعَتِكَ اَللّٰهُمَّ
کنندگان در اینماه بطاعت تو و امیدواران در آن مر شفاعت تو را خدایا

اهْدِنا اِلٰى سَوآءِ السَّبيلِ وَاجْعَلْ مَقيلَنا عِنْدَكَ خَيْرَ مَقيلٍ
هدایت کن ما را بسوی راه راست و بگردان خوابگاه وبازگشت ما را نزد تو بهترِ خوابگاه و بازگشتی

في ظِلٍّ ظَليلٍ وَمُلْكٍ جَزيلٍ فَاِنَّكَ حَسْبُنا وَنِعْمَ الْوَكيلُ
در سایه دائمی و پادشاهی بسیار پس بدرستیکه تو بس ما را و خوب کارگذاری هستی

اَللّٰهُمَّ اقْلِبْنا مُفْلِحينَ مُنْجِحينَ غَيْرَ مَغْضُوبٍ عَلَيْنا وَلاَ ضالّينَ
خدایا بگردان ما را رستگار و فیروزی دهنده غیر غضب شده برما و نه گمراهان

بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِعَزائِمِ مَغْفِرَتِكَ
برحمت خود ای بخشنده تر بخشندگان خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا بوسیلههای محکم آمرزش تو

وَبِواجِبِ رَحْمَتِكَ السَّلامَةَ مِنْ كُلِّ اِثْمٍ وَالْغَنيمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ وَ
و برحمت واجب تو سلامتی را از هر گناه و غنیمت را از هر نیکی و

الْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَالنَّجاةَ مِنَ النّارِ اَللّٰهُمَّ دَعاكَ الدّاعُونَ وَ
فیروزیرا ببهشت و نجات از آتش خدایا خواندند تورا خوانندگان و

دَعَوْتُكَ وَسَئَلَكَ السّائِلُونَ وَسَئَلْتُكَ وَطَلَبَ اِلَيْكَ الطّالِبُونَ
خواندم تورا و خواستند ترا خواستاران و خواستم من تورا و رغبت کردند بتو رغبت کنندگان

وَطَلَبْتُ اِلَيْكَ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الثِّقَةُ وَالرَّجآءُ وَاِلَيْكَ مُنْتَهَى
و رغبت نمودم بتو خدایا توئی محل معتمد و امیدواری و بسوی تواست آخر

الرَّغْبَةِ وَالدُّعآءِ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلِ
رغبتها و دعا خدایا پس رحمت کن بر محمد و آل او و بگردان

الْيَقينَ في قَلْبي وَالنُّورَ في بَصَري وَالنَّصيحَةَ في صَدْري وَ
یقین را در دل من و نور را در چشم من و پند را در سینه من و

ذِكْرَكَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهارِ عَلٰى لِساني وَرِزْقاً واسِعاً
یاد تورا در شب و روز بر زبان من و روزی فراخی

غَيْرَ مَمْنُونٍ وَلا مَحْظُورٍ فَارْزُقْني وَبارِكْ لي فيما رَزَقْتَني وَ
که منت گذاشته نشده و نه منع شده پس روزی کن مرا و برکت ده مرا در آنچه روزی دادی مرا و

اجْعَلْ غِنايَ في نَفْسي وَرَغْبَتي فيما عِنْدَكَ بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ
بگردان بی نیازی مرا در خودم و خواهش مرا در آنچه نزد تست برحمت تو ای بخشنده ترین

الرّاحِمينَ پس بسجده رو و بگو الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي هَدانا لِمَعْرِفَتِهِ وَخَصَّنا
بخشندگان ستایش مر خدا را که راه نمود ما را بشناختن خود و مخصوص گردانید ما را

بِوِلايَتِهِ وَوَفَّقَنا لِطاعَتِهِ پس بگو شُكْراً شُكْراً صد مرتبه پس سر از سجده بردار و بگو اَللّٰهُمَّ اِنّي
بدوستی خود و توفیق داد ما را بطاعت خود ستایش میکنم ستایش کردنی خدایا بدرستیکه من

قَصَدْتُكَ بِحاجَتي وَاعْتَمَدْتُ عَلَيْكَ بِمَسْئَلَتي وَتَوَجَّهْتُ
نیت کردم تورا بحاجت خود و تکیه کردم برتو بخواندن خودم و روآوردم

اِلَيْكَ بِاَئِمَّتي وَسادَتي اَللّٰهُمَّ انْفَعْنا بِحُبِّهِمْ وَاَوْرِدْنا
بتو به پیشوایان خود و آقایان خود خدایا سود ده ما را بدوستی ایشان و فرود آور ما را

مَوْرِدَهُمْ وَارْزُقْنا مُرافَقَتَهُمْ وَاَدْخِلْنَا الْجَنَّةَ في
جای فرود آمدن ایشان و روزی کن ما را رفاقت ایشان را و داخل کن ما را بهشت را در

زُمْرَتِهِمْ بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ
گروه ایشان برحمت خود ای بخشنده تر بخشندگان

و در روز بیست و هفتم غسل سنت است و روزه اش فضیلت بسیار دارد و بسندهای معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که روزه اش برابر است با روزه هفتاد سال و بروایت دیگر

شصت سال و ایضاً منقولست که حسن بن راشد از حضرت صادق علیه السلام سؤال کرد که آیا غیر عیدهای مشهور عیدی هست حضرت فرمود بلی شریفتر و فاضلتر از همه روزیست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله برسالت مبعوث گردیده است و آن روز بیست و هفتم ماه رجبست باید که روزه بداری و صلوات بر محمد و آل محمد بسیار بفرستی و زیارت حضرت رسول و حضرت امیر المؤمنین علیهما السلام والصلوة در این روز منقول است و نماز این روز بطرق مختلفه وارد شده است و اکثر گفته اند که پیش از زوال باید کرد و از اکثر احادیث ظاهر میشود که در هر وقت روز که بکنند خوبست و بسند معتبر از ریان بن الصلت منقولست که چون حضرت امام محمد تقی علیه السلام ببغداد تشریف آوردند در روز نصف رجب و روز بیست و هفتم رجب را روزه داشتند و جمیع ملازمان و اصحاب خود را امر فرمودند که ایشان روزه بدارند و در هر یک دوازده رکعت نماز بکنند یعنی هر دو رکعت بیک سلام و هر رکعت را بحمد و هر سوره که خواهند بکنند و چون از همه فارغ شوند سوره حمد و توحید و معوذتین هر یکرا چهار مرتبه بخوانند پس چهار مرتبه بگویند لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ اللّٰهُ اَکْبَرُ وَ

نیست خدائی مگر خدا و خدا بزرگتر است و

سُبْحَانَ اللّٰهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ

منزه است خدا و ستایش مخصوص خداست و نیست حرکت و نه قوتی مگر بخدای بلند

الْعَظِیْمِ پس چهار اَللّٰهُ اَللّٰهُ رَبِّیْ لَا اُشْرِکُ بِهٖ شَیْئًا پس چهار مرتبه بگویند

بزرگ — خدا خدا پروردگار من است نگردانم شریک او چیزیرا

لَا اُشْرِکُ بِرَبِّیْ اَحَدًا و بسند معتبر دیگر از حضرت صاحب الامر علیه السلام منقولست که در این روز دوازده رکعت نماز بجا

نکنم شریک پروردگارم کسی را

میاوری و در هر رکعت بعد از حمد هر سوره که میسر شود میخوانی و بعد از هر دو رکعت سلام میگوئی اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ لَمْ یَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ یَکُنْ

و این دعا میخوانی — ستایش مر خدایرا که فرا نگرفته فرزندیرا و نبوده است

لَهٗ شَرِیْکٌ فِی الْمُلْکِ وَ لَمْ یَکُنْ لَهٗ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ کَبِّرْهُ تَکْبِیْرًا

مر او را شریکی در پادشاهی و نمیباشد مر او را یاوری از خواری و یاد کن او را یاد کردنی

یَا عُدَّتِیْ فِیْ مُدَّتِیْ یَا صَاحِبِیْ فِیْ شِدَّتِیْ وَ یَا وَلِیِّیْ فِیْ نِعْمَتِیْ

ای ذخیره من در عمر من ای رفیق من در سختی من ای دوست من در نعمت من

یَا غِیَاثِیْ فِیْ رَغْبَتِیْ یَا نَجَاحِیْ فِیْ حَاجَتِیْ یَا حَافِظِیْ فِیْ غَیْبَتِیْ

ای دادرس من در خواهش من ای فیروزی ده من در حاجت من ای نگاهدار من در نهانی من

یَا کَالِئِیْ فِیْ وَحْدَتِیْ یَا اُنْسِیْ فِیْ وَحْشَتِیْ اَنْتَ السَّاتِرُ عَوْرَتِیْ

ای پناه من در تنهائی من ای انس من در رمیدگی من تو پوشاننده عورت مرا

فَلَکَ الْحَمْدُ وَ اَنْتَ الْمُقِیْلُ عَثْرَتِیْ فَلَکَ الْحَمْدُ وَ اَنْتَ

پس مر تو راست ستایش و توئی درگذرنده لغزش من پس تو راست ستایش و توئی

الْمُنْعِشُ صَرْعَتِیْ فَلَکَ الْحَمْدُ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اسْتُرْ

نگاه دارنده افتادن من پس تو راست ستایش رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بپوشان

عَوْرَتِیْ وَ اٰمِنْ رَوْعَتِیْ وَ اَقِلْنِیْ عَثْرَتِیْ وَ اصْفَحْ عَنْ جُرْمِیْ وَ

عورت مرا و ایمن کن ترس مرا و درگذر از لغزش من و درگذر از گناه من و

تَجَاوَزْ عَنْ سَیِّئَاتِیْ فِیْ اَصْحَابِ الْجَنَّةِ وَعْدَ الصِّدْقِ الَّذِیْ

درگذر از بدیهای من در یاران بهشت بوعده راستی که

کَانُوْا یُوْعَدُوْنَ و چون از نماز و دعا فارغ شوی سوره حمد و توحید و معوذتین و انا انزلناه و قل یا ایها الکافرون و آیة الکرسی

بودند وعده داده شدگان

هر یکرا هفت مرتبه میخوانی پس هفت مرتبه میگوئی لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ اللّٰهُ اَکْبَرُ وَ سُبْحَانَ اللّٰهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ پس هفت مرتبه میگوئی اَللّٰهُ اَللّٰهُ رَبِّیْ وَ لَا اُشْرِکُ بِهٖ شَیْئًا پس آنچه خواهی از خدا طلب و بسند معتبر دیگر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منقول است که سنت است این دعا را در روز مبعث بخوانند یَا مَنْ اَمَرَ بِالْعَفْوِ وَ التَّجَاوُزِ

ای آنکه امر کرده بعفو و درگذشتن

وَ ضَمَّنَ نَفْسَهُ الْعَفْوَ وَ التَّجَاوُزَ یَا مَنْ عَفٰی وَ تَجَاوَزَ اُعْفُ عَنِّیْ

و ضامن کرده خود را بعفو و درگذشتن ای آنکه عفو نمود و گذشت عفو کن مرا

وَ تَجَاوَزْ یَا کَرِیْمُ اَللّٰهُمَّ وَ قَدْ اَکْدَی الطَّلَبُ وَ اَعْیَتِ الْحِیْلَةُ

و درگذر ای بزرگوار خدایا و بتحقیق مشکل شده طلب و عاجز شده چاره

وَالْمَذْهَبُ وَدَرَسَتِ الْآمالُ وَانْقَطَعَ الرَّجاءُ اِلّا مِنْكَ وَحْدَكَ

و راه کسب و کهنه شده آرزوها و بریده شده امیدها مگر از تو یگانه تو

لا شَرِيكَ لَكَ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَجِدُ سُبُلَ الْمَطالِبِ اِلَيْكَ مُشْرَعَةً

نیست شریکی مر ترا خدایا بدرستیکه من مییابم راههای طلبها را بسوی تو گشاده

وَمَناهِلَ الرَّجاءِ لَدَيْكَ مُتْرَعَةً وَاَبْوابَ الدُّعاءِ لِمَنْ دَعاكَ

و آبریزهای امید را نزد تو ریزان و درهای دعا را برای آنکه خوانده است ترا

مُفَتَّحَةً وَالْاِسْتِعانَةَ لِمَنِ اسْتَعانَ بِكَ مُباحَةً وَاَعْلَمُ اَنَّكَ

گشاده شده و یاری کرده شده هرکه یاری جست بتو مباح شده و میدانم که تو

لِداعيكَ بِمَوْضِعِ اِجابَةٍ وَلِلصّارِخِ اِلَيْكَ بِمَرْصَدِ اِغاثَةٍ وَ

مر خواننده خود را بجای اجابتی و برای فریاد کن بسوی خود در انتظار فریادرسی و

اَنَّ فِي اللَّهْفِ اِلىٰ جُودِكَ وَالضَّمانِ بِعِدَتِكَ عِوَضاً مِنْ مَنْعِ

آنکه در استغاثه بسوی بخشش خود و ضامن شدن بوعده تو عوض از منع

الْباخِلينَ وَمَنْدُوحَةً عَمّا في اَيْدِي الْمُسْتَأْثِرينَ وَاَنَّكَ لا

بخیلان و بینیازی از آنچه در دستهای توانگران است و اینکه تو

تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ اِلّا اَنْ تَحْجُبَهُمُ الْاَعْمالُ دُونَكَ وَقَدْ عَلِمْتُ

پنهان نمیگردی از خلق تو مگر آنکه حایل شود ایشان را کردارها قبل از رسیدن نزد تو و

اَنَّ اَفْضَلَ زادِ الرّاحِلِ اِلَيْكَ عَزْمُ اِرادَةٍ وَقَدْ ناجاكَ بِعَزْمِ الْاِرادَةِ

بتحقیق میدانم که بهترین توشه روندگان بسوی تو اراده ثابت و بتحقیق نجوی کرد بجاه داده تو باراده ثابت

قَلْبي فَاَسْئَلُكَ بِكُلِّ دَعْوَةٍ دَعاكَ بِها راجٍ بَلَّغْتَهُ اَمَلَهُ اَوْ صارِخٌ

دل من پس میخواهم ترا بهر خواندن که خواند ترا بآن امیدوار رساندی او را آرزوی او یا استغاثه شد

اِلَيْكَ اَغَثْتَ صَرْخَتَهُ اَوْ مَلْهُوفٌ مَكْرُوبٌ فَرَّجْتَ عَنْ قَلْبِهِ

بتو که رسیده باشی بفریاد او یا درمانده غمگینی کشف نموده از دل او

اَوْ مُذْنِبٌ خاطِئٌ غَفَرْتَ لَهُ اَوْ مُعافًى اَتْمَمْتَ نِعْمَتَكَ عَلَيْهِ اَوْ

یا گناهکار خطاکاری که آمرزیده او را یا عافیت داده شده که تمام کرده باشی نعمت خود را براو یا

فَقيرٌ اَهْدَيْتَ غِناكَ اِلَيْهِ وَلِتِلْكَ الدَّعْوَةِ عَلَيْكَ حَقٌّ وَ

محتاج که تحفه فرستادی بینیازی خود بسوی او و برای این دعوت بر تو حق است و

عِنْدَكَ مَنْزِلَةٌ اِلّا صَلَّيْتَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَقَضَيْتَ حَوائِجي

نزد تست منزلت مگر آنکه رحمت فرستی بر محمد و آل او و برآوری حاجات مرا

حَوائِجَ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ وَهٰذا رَجَبٌ الْمُرَجَّبُ الْمُكَرَّمُ الَّذي

حاجتهای دنیا و آخرت و اینماه رجب المرجب است گرامی داشته شده که

اَكْرَمْتَنا بِهِ اَوَّلُ اَشْهُرِ الْحُرُمِ وَاَكْرَمْتَنا بِهِ مِنْ بَيْنِ الْاُمَمِ

گرامی داشتی ما را بآن اول ماههای حرام و گرامی داشتی ما را بآن از میان امتها

يا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ فَنَسْئَلُكَ بِهِ وَبِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ

ای صاحب جود و کرم پس میخواهیم ترا بآن و بنام تو که بزرگتر بزرگتر

الْاَعْظَمِ الْاَجَلِّ الْاَكْرَمِ الَّذي خَلَقْتَهُ فَاسْتَقَرَّ في ظِلِّكَ

بزرگتر بزرگوارتر گرامیتر است که آفریدی او را پس قرار گرفت در سایه تو

فَلا يَخْرُجُ مِنْكَ اِلىٰ غَيْرِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ

پس بیرون نرود از تو بسوی غیر تو آنکه رحمت فرستی بر محمد و خانواده او

الطّاهِرينَ وَتَجْعَلَنا فيهِ مِنَ الْعامِلينَ بِطاعَتِكَ وَالْآمِلينَ

که پاکانند و بگردانی ما را در اینماه از عمل کنندگان بطاعت تو و امیدواران

فيهِ لِشَفاعَتِكَ اَللّٰهُمَّ وَاهْدِنا اِلىٰ سَواءِ السَّبيلِ وَاجْعَلْ

در اینماه بشفاعت تو خدایا و هدایت کن ما را بسوی راه راست و بگردان

مَقيلَنا عِنْدَكَ خَيْرَ مَقيلٍ في ظِلٍّ ظَليلٍ فَاِنَّكَ حَسْبُنا وَنِعْمَ

بازگشت ما را نزد خود بهتر بازگشتی در سایه دائمی پس بدرستیکه تو بسی ما را و خوب

الْوَكيلُ وَالسَّلامُ عَلىٰ عِبادِهِ الْمُصْطَفَيْنَ وَصَلَواتُهُ عَلَيْهِمْ

کارگذارستی و درود بر بندگان خدا که برگزیده کانند و رحمتهای او برایشان

اَجْمَعينَ اَللّٰهُمَّ وَبارِكْ لَنا في يَوْمِنا هٰذَا الَّذي فَضَّلْتَهُ وَ

همگی خداوندا و برکت ده برای ما در روز ما این روز که افزونی دادی او را و

بِكَرامَتِكَ جَلَّلْتَهُ وَبِالْمَنْزِلِ الْعَظيمِ مِنْكَ اَنْزَلْتَهُ وَصَلِّ عَلىٰ

بکرامت خود بزرگ گردانیده او را و بمرتبه بزرگ از تو که فرود آوردی او را و رحمت کن بر

مَنْ فيهِ اِلىٰ عِبادِكَ اَرْسَلْتَهُ وَبِالْمَحَلِّ الْكَريمِ اَحْلَلْتَهُ

آنکه در این روز بسوی بندگان خود فرستادی او را و بجایگاه گرامی فرود آوردی او را

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ صَلوٰةً دٰائِمَةً تَكُونُ لَكَ شُكْراً وَلَنٰا

خدایا رحمت کن براو رحمت همیشه که باشد مر ترا شکری و برای ما

ذُخْراً وَاجْعَلْ لَنٰا مِنْ اَمْرِنٰا يُسْراً وَاخْتِمْ لَنٰا بِالسَّعٰادَةِ اِلىٰ

ذخیره و بگردان برای ما در کارما آسانی وختم کن برای ما به نیکبختی بسوی

مُنْتَهىٰ آجٰالِنٰا وَقَدْ قَبِلْتَ الْيَسِيرَ مِنْ اَعْمٰالِنٰا وَبَلِّغْنٰا بِرَحْمَتِكَ

آخر مدتهای ما وبتحقیق پذیرفته اندک از کردارمارا وبرسان مارا برحمت خود

اَفْضَلَ آمٰالِنٰا اِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ

که بهترین آرزوهای ماست بدرستیکه تو بر هرچیزی توانائی ورحمت خدا بر

سَيِّدِنٰا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وبسند معتبر از حضرت امام رضا علیه

آقای ما محمد وآل او ودرود

السلام منقولست که هرکه روز بیست و هشتم ماه رجب را روزه دارد کفاره نود سال گناه او گردد و هرکه روز بیست و نهم آنرا روزه دارد کفاره گناه صد ساله او باشد و هرکه روز سی ام اینماه را روزه بدارد حقتعالی گناهان گذشته وآینده او را بیامرزد و در روز آخر اینماه نماز سلمان سنت است بنحویکه در اول مذکور شد و اگر احتمال نقصان ماه باشد در روز بیست و نهم نیز احتیاطا بکند و در کتب دعوات از برای هر شب اینماه نماز مخصوصی ذکر کرده اند چون سند معتبری بنظر نرسیده نخواستم ایراد نمایم و چون بسیار مشهور است ایراد میکنم بر سبیل اجمال و اگر کسی بقصد آنکه مطلق صلوة خوبست بکند بد نیست شب اول سی رکعت در هر رکعت بعد از حمد سه مرتبه قل یا ایها الکافرون وسه مرتبه توحید دویم ده رکعت با حمد و قل یا ایها الکافرون سیم ده رکعت با حمد و پنج مرتبه سوره اذا جاء نصر الله در هر رکعت چهارم صد رکعت در هر دو رکعت در اول بعد از حمد قل اعوذ برب الفلق و در دویم بعد از حمد قل اعوذ برب الناس پنجم شش رکعت در هر رکعت بعد از حمد بیست و پنج مرتبه توحید ششم دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه آیة الکرسی هفتم چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد توحید و معوذتین هر یک سه مرتبه و بعد از نماز ده مرتبه صلوات و ده مرتبه تسبیحات اربع هشتم بیست رکعت در هر رکعت

یکمرتبه حمد و هر یک از چهار قل سه مرتبه نهم دو رکعت بحمد و پنج نوبت الهیکم التکاثر دهم دوازده رکعت بعد از مغرب با حمد و سه مرتبه توحید یازدهم دوازده رکعت با حمد و دوازده مرتبه آیة الکرسی دوازدهم دو رکعت با حمد و آیه آمن الرسول ده مرتبه سیزدهم ده رکعت در رکعت اول بعد از حمد سوره والعادیات و در رکعت دویم سوره الهیکم التکاثر چهاردهم سی رکعت در هر رکعت بعد از حمد سوره توحید و آیه قل انما انا بشر مثلکم تا آخر سوره پانزدهم و شانزدهم و هفدهم سی رکعت با حمد و ده بار سوره توحید در هر رکعت هیجدهم دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد سوره توحید و معوذتین هر یک ده مرتبه نوزدهم چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد پانزده مرتبه توحید و آیة الکرسی بیستم دو رکعت در هر رکعت حمد و پنج مرتبه انا انزلناه بیست و یکم شش رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه انا اعطیناک الکوثر و ده مرتبه توحید بیست و دویم هشت رکعت در هر رکعت یکمرتبه سوره حمد و هفت مرتبه جحد و بعد از فارغ شدن ده مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد و ده مرتبه استغفار بیست و سیم دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد پنج مرتبه سوره والضحی بیست و چهارم چهل رکعت در هر رکعت بعد از حمد آیه آمن الرسول و سوره توحید یکمرتبه بیست و پنجم بیست رکعت در میان نماز شام و خفتن و در هر رکعت بعد از حمد آیه آمن الرسول و سوره توحید یکمرتبه بیست و ششم دوازده رکعت در هر رکعت بعد از حمد چهل مرتبه توحید بیست و هفتم و بیست و هشتم و بیست و نهم دوازده رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره اعلی و ده مرتبه انا انزلنا و بعد از تمام کردن رکعات صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد و صد مرتبه استغفار سی ام ده رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره توحید و در هر یک از نمازها ثواب بسیار مذکور است و بنا بر عدم اعتماد بر سند ذکر نکردیم و جمیع نوافل که ذکر شد هر دو رکعت بیک سلام است و بعضی که باعث طول در میان نماز شام و خفتن است و باید بعد از داخل شدن وقت خفتن واقع شود کردنش خالی از اشکال نیست لهذا نماز مشهور شب غایب را در این رساله ایراد ننمودم چون که از طریق عامه نقل شده است

باب دویم

در بیان فضیلت ماه مبارک شعبان و ایام و لیالی آنست و در آن پنج فصل است

فصل اول

در بیان فضیلت ایماهست و ثواب روزه اش بدانکه فضل ماه شعبان زیاده از ماه رجبست و منسوبست بحضرت سید انبیا چنانچه منقولست از حضرت صادق علیه السلام که چون حضرت رسول ماه شعبان را مشاهده مینمود امر میفرمودند منادی کننده را که ندا کند در میان مردم که ای اهل مدینه من رسول از جانب رسول خدا بسوی شما و میفرماید که شعبان ماه منست خدا رحمت کند کسی را که یاری کند مرا در ماه من پس حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود از روزیکه ندای منادی آنحضرت را شنیدم روزه ماه شعبان را ترک نکرده ام و انشاء الله تا زنده ام ترک نخواهم کرد و فرمود که روزه ماه شعبان و رمضان توبه ایست از جمیع گناهان مردم از جانب خدای تعالی و ایضاً منقولست از ام سلمه که حضرت رسول صلی الله علیه و آله هیچ ماهی را تمام روزه نمیداشت مگر ماه شعبان که آنرا وصل میکرد بماه رمضان و ایضاً منقولست که از آنحضرت سؤال کردند که کدام روزه از روزه های سنت افضل است فرمود که روزه شعبان برای تعظیم ماه رمضان و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله ماه شعبان را روزه میداشت و وصل میکرد بماه رمضان و میفرمود که هر دو ماه خداست و روزه هر دو کفاره گناهان گذشته و آینده است و ایضاً از حضرت باقر علیه السلام منقولست که هر که ماه شعبان را روزه دارد او را خدا پاک گرداند از هر لغزشی و از ستمها معصیت و ستمها در وقت غضب و از حضرت رسالت پناه منقولست که ماه شعبان ماهی است شریف و آن ماه منست و حاملان عرش الهی آنرا تعظیم مینمایند و حق حرمت آنرا میشناسند و آنماهیست که زیاده میشود در آن روزیهای بندگان از برای ماه رمضان و زینت میکنند در آن بهشتها را و آنرا شعبان نام کرده اند برای آنکه منشعب و بسیار میگردد در آن روزیهای مؤمنان و حسنه در آنماه مضاعف میگردد هفتاد برابر و گناه در آن پست میشود و آمرزیده میشود و اعمال خیر در آن مقبول میگردد و خداوند جبار نظر میکند بسوی روزه داران و عبادت

کنندگان اینماه پس مباهات میکند بایشان با حاملان عرش پس در فضیلت روزه اینماه انقدر فرمود که ذکرش موجب تطویل کلام است و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که روزه شعبان ذخیره ایست از برای روز قیامت و هر بنده که در شعبان روزه بسیار بگیرد البته حقتعالی امر معیشت او را باصلاح آورد و کفایت کند شر دشمنان او را و کمتر ثوابی که بروزه دار روزی از شعبان میدهند آنست که بهشت از برای او واجب گردد و بسند های معتبر از حضرت صادق علیه السلام نیز منقولست که حضرت رسول فرمود که شعبان ماه منست و رمضان ماه خداست پس هر که یکروز از ماه من روزه بدارد من شفیع او باشم در قیامت و هر که دو روز از ماه من روزه بدارد گناهان گذشته او آمرزیده گردد و هر که سه روز از ماه من روزه بدارد او را اندا کنند که عمل را از سر گیر یعنی گناهی هیچ نداری و بسند عالی از حضرت امام رضا منقولست که هر که یکروز از ماه شعبان را روزه بدارد از برای خدا داخل بهشت گردد و هر که یکروز از ماه شعبان هفتاد مرتبه استغفار کند در قیامت در زمره حضرت رسول محشور گردد و گرامی داشتن او بر خدا واجب گردد و هر که در ماه شعبان تصدق نماید اگر چه بنصف دانه خرما باشد خدا بدن او را بر آتش حرام گرداند و هر که سه روز از آخر شعبان را روزه دارد و وصل کند بماه رمضان خدا ثواب دو ماه روزه متصل از برای او بنویسد و ابن بابویه روایت کرده که از اسامه پرسیدند که کدام ماه را حضرت رسول زیاده از ماههای دیگر روزه میداشت گفت ماه شعبان را و میفرمود که مردم از آن غافلند و آن ماهیست که عملها در آنماه بسوی خدا بالا میرود و دوست میدارم که عمل من بالا رود در وقتیکه روزه باشم و ایضاً روایت کرده است که از آنحضرت پرسیدند از روزه رجب فرمود که چرا غافلید از روزه شعبان یعنی افضل است از آن و ایضاً روایت کرده است بسند معتبر از حضرت خیر البشر که فرمود شعبان ماه منست هر که یکروز از ماه مرا روزه بگیرد بهشت او را واجب گردد و هر که دو روز او را روزه بدارد در قیامت از رفیقان پیغمبران و صدیقان بوده باشد و هر که تمام ماه را روزه دارد و پیوند کند بماه رمضان توبه او باشد از هر گناه کوچک و بزرگی هر چند داخل خون حرام شده باشد که او را نفع میدهد و بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که هر که سه روز از ماه شعبان را روزه دارد بهشت او را واجب شود و حضرت رسول خدا شفیع او باشد در قیامت و ایضاً

بسند بسیار معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که چون ماه شعبان داخل میشد حضرت امام زین العابدین علیه السلام اصحاب خود را جمع مینمود میفرمود ای گروه اصحاب من میدانید این چه ماهیست اینماه شعبان است و حضرت رسول میفرمود که شعبان ماه منست پس روزه بدارید در اینماه از برای محبت پیغمبر خود و از برای تقرب بسوی پروردگار خود بحق آن خداوندی که جان علی بن الحسین بدست او است قسم یاد میکنم که شنیدم از پدرم حسین بن علی علیه السلام که گفت شنیدم از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که هر که روزه دارد ماه شعبان را از برای محبت پیغمبر خود و از برای تقرب بخداوند خدا او را دوست دارد و نزدیک گرداند بکرامت خود در روز قیامت و بهشت را از برای او واجب گرداند و ایضاً از حضرت امیر المؤمنین ع روایت کرده است که حضرت رسول فرمود که شعبان ماه منست و ماه رمضان ماه خدا است پس هر کس روزه بدارد ماه مرا من شفاعت کنم او را در روز قیامت و هر که روزه بدارد ماه خدا را حقتعالی مونس او گردد در وحشت قبر و او را تنها نگذارد و از قبر بیرون آید در قیامت با روی سفید نورانی و نامه عمل او را بدست راستش بدهند و نامه مخلد بودن در بهشت را بدستش چپش بدهند تا آنکه او را نزد عرش الهی حاضر سازند پس حقتعالی او را ندا کند که ای بنده من او گوید لبیک ای خداوند من پس خدا فرماید که روزه داشتی برای من گوید بلی ای آقای من پس خداوند جلیل ندا کند ملائکه را که بگیرید دست بنده مرا و ببرید بنزد پیغمبر من پس بیاورند نزد من من باو گویم ماه مرا روزه داشتی او گوید بلی من باو گویم که امروز شفاعت تو میکنم پس حقتعالی فرماید که حقوق خود را ببنده خود بخشیدم اما حقوق خلق من هر که از او عفو کند من آنقدر باو بدهم که او راضی گردد پس من دست او را بگیرم و بیاورم نزد صراط پس بینم که صراط لغزنده است و میلرزد و پای گناهکاران بر آن بند نمیشود پس دست او را بگیرم و بیاورم و ملکی که موکلست بر صراط گوید کیست این گویم پسر فلان کس است از امت من که در دنیا ماه مرا روزه داشته است باميد شفاعت من و ماه خدا را روزه داشته است از برای طلب وعده خدا پس او را از صراط بگذرانم بعفو خدا تا آنکه او را بدر بهشت رسانم پس رضوان گوید که امروز روزیستکه درها را برای امت تو میگشایم و او را داخل بهشت کنم پس فرمود حضرت امیر المؤمنین ع که روزه بدارید ماه حضرت رسالت را تا او شفیع شما گردد در روز قیامت و روزه بدارید ماه خدا را تا بیاشامید از شراب سربمهر بهشت

فصل دوم

در بیان اعمال هر روز ماه شعبان است بسند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که هفتاد مرتبه در ماه شعبان استغفار کند گناهانش آمرزیده گردد اگر چه بعدد ستاره های آسمان باشد و در کتاب حسین بن سعید از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حضرت رسول ص فرمود که شعبان ماه منست پس در اینماه بسیار صلوات بفرستید بر من و آل من و شعبان را ماه شفاعت میگویند زیرا که پیغمبر شما شفاعت میکند کسی را که در اینماه صلوات بر او و آل او بفرستد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بهترین دعاها در ماه شعبان استغفار است و هر که در هر روز ماه شعبان استغفار کند هفتاد مرتبه چنان باشد که در ماههای دیگر هفتاد هزار مرتبه استغفار کرده باشد مردی پرسید که چگونه بگویم فرمود بگو اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَ اَسْئَلُهُ التَّوْبَةَ

طلب آمرزش میکنم خدا را و سؤال توبه از او میکنم

و بسند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که در هر روز ماه شعبان هفتاد مرتبه اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَ اَسْئَلُهُ التَّوْبَةَ بگوید حقتعالی برای او برائت از آتش جهنم را بنویسد و بگذراند او را از صراط و داخل بهشت گرداند او را و بسندهای معتبر منقولستکه هر که در هر روز ماه شعبان هفتاد مرتبه بگوید اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَ اَتُوبُ اِلَيْهِ

طلب آمرزش میکنم خدائیرا که نیست خدائی مگر او بخشنده مهربان زنده پاینده و بازگشت میکنم بسوی او

حقتعالی روح او را در افق مبین جای دهد و آن فضای وسیعی است در پیش عرش و در آن فضا نهرها جاریست و قدحها در کنار آن نهرها هست بعدد ستاره های آسمان و در بعضی از روایات الْحَيُّ الْقَيُّومُ پیش از الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ است و هر دو خوبست و بسند معتبر منقولست که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در هر روز ماه شعبان در وقت زوال و در شب نیمه این صلوات را میخواندند

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ شَجَرَةِ النُّبُوَّةِ وَ مَوْضِعِ

خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد درخت پیغمبری و جایگاه

الرِّسالَةِ وَمُخْتَلَفِ الْمَلائِكَةِ وَمَعْدِنِ الْعِلْمِ وَاَهْلِ بَيْتِ

رسالت و محل آمد و شد فرشتگان و کان دانائی و خانواده

الْوَحْيِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْفُلْكِ الْجارِيَةِ

وحی الهی خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد کشتی روان

فِي اللُّجَجِ الْغامِرَةِ يَأْمَنُ مَنْ رَكِبَها وَيَغْرَقُ مَنْ تَرَكَهَا الْمُتَقَدِّمُ

در دریاهای فرو شده امن باشد هرکه سوار شود آنرا و غرق میشود هرکه واگذارد آنرا پیش گیرنده

لَهُمْ مارِقٌ وَالْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زاهِقٌ وَاللّازِمُ لَهُمْ لاحِقٌ

مر ایشانرا مرتد است و عقب افتاده از ایشان ناچیز است و ملازمت کننده مر ایشانرا ملحق است به ایشان

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْكَهْفِ الْحَصِينِ وَغِياثِ

خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد پناه گاه محکم و فریادرس

الْمُضْطَرِّ الْمُسْتَكِينِ وَمَلْجَاءِ الْهارِبِينَ وَمَنْجَاءِ الْخائِفِينَ وَعِصْمَةِ

درمانده بیچاره و پناه گریختگان و باعث و محل نجات ترسناکان و نگاه دارنده

الْمُعْتَصِمِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلاةً كَثِيرَةً

چنگ زندگان خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد رحمتی بسیار

طَيِّبَةً تَكُونُ لَهُمْ رِضىً وَلِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَداءً وَ

پاکیزه که بوده باشد مر ایشانرا خوشنودی و برای حق محمد و آل محمد اداء و

قَضاءً بِحَوْلٍ مِنْكَ وَقُوَّةٍ يا رَبَّ الْعالَمِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ

بجا آوردن بحرکتی از تو و توانائی ای پروردگار جهانیان خدایا رحمت فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الْاَبْرارِ الْاَخْيارِ الَّذِينَ اَوْجَبْتَ لَهُمْ

محمد و آل محمد که پاکانند بزرگان نیکوکارند آنانکه واجب کردانیدی مر ایشانرا

حُقُوقَهُمْ وَفَرَضْتَ طاعَتَهُمْ وَوِلايَتَهُمْ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ

حقوق ایشانرا و لازم گردانیدی فرمان برداری ایشان و دوستی ایشانرا خدایا رحمت فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْمُرْ قَلْبِي بِطاعَتِكَ وَلا تُخْزِنِي

محمد و آل محمد و آباد کن دل مرا بفرمانبرداری خود و رسوا مساز مرا

۱ وَالصِّدْقِ نسخه بدل اقبال ۲ الْمُضْطَرِّينَ وَالْمَساكِينَ اقبال سید ۳ الْمِسْكِينِ نسخه بدل مصباح کفعمی
۴ وَنَجِّي مصباح شیخ و اقبال ۵ در مصباحین کلمه طَيِّبَةً را ندارد ۶ وَبِحَقِّ مصباح کفعمی ۷ در اقبال بجای
الطَّيِّبِينَ الطّاهِرِينَ است ۸ در مصباح شیخ وَلا يَنْهُمْ بفتح واو داشت

بِمَعْصِيَتِكَ وَارْزُقْنِي مُواساةَ مَنْ قَتَّرْتَ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ

بنافرمانی تو و روزی کن مرا همراهی کسیکه تنگ گرفتی بر او از روزی تو

بِما وَسَّعْتَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَنَشَرْتَ عَلَيَّ مِنْ عَدْلِكَ وَاَحْيَيْتَنِي

بآنچه گشاده‌ای بر من از افزونی خودت و پهن کردی بر من از عدل خودت و زنده داشتی مرا

تَحْتَ ظِلِّكَ وَهٰذا شَهْرُ نَبِيِّكَ سَيِّدِ رُسُلِكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ

زیر سایه تو و این ماه پیغمبر تست که بزرگ فرستادگان تو میباشد رحمتهای تو بر او

وَآلِهِ شَعْبانُ الَّذِي حَفَفْتَهُ مِنْكَ بِالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوانِ

و آل او شعبان است که فرو گرفتی او را از تو برحمت و خوشنودی

الَّذِي كانَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَدْاَبُ فِي صِيامِهِ

آنچنانی که بود فرستاده خدا رحمت خدا براو و آل او جهد مینمود در روزه گرفتن او

وَقِيامِهِ فِي لَيالِيهِ وَاَيّامِهِ بُخُوعاً لَكَ فِي اِكْرامِهِ وَاِعْظامِهِ

و ایستادن او در شبهای او و روزهای او فروتنی برای تو در گرامی کردن او و بزرگ نمودن او

اِلىٰ مَحَلِّ حِمامِهِ اَللّٰهُمَّ فَاَعِنّا عَلَى الْاِسْتِنانِ بِسُنَّتِهِ فِيهِ

تا جایگاه فرود آمدن او خدایا پس یاری کن ما را بر یاری کردن بطرز و طریقه او در این ماه

وَنَيْلِ الشَّفاعَةِ لَدَيْهِ اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْهُ لِي شَفِيعاً مُشَفَّعاً وَ

و رسیدن بشفاعت نزد او خدایا پس بگردان او را برای من شفیع شفاعت کننده و

طَرِيقاً اِلَيْكَ مَهْيَعاً وَاجْعَلْنِي لَهُ مُتَّبِعاً حَتّىٰ اَلْقاكَ يَوْمَ الْقِيامَةِ

راهی بسوی تو هموار فراخ شده و بگردان مرا برای او پیرو تا ملاقات کنم تو را روز قیامت

عَنِّي راضِياً وَعَنْ ذُنُوبِي غاضِياً قَدْ اَوْجَبْتَ لِي مِنْكَ الرَّحْمَةَ

در حالتیکه از من خوشنود باشی و از گناهان من درگذرنده باشی بتحقیق واجب کردی برای من از خودت رحمت را

وَالرِّضْوانَ وَاَنْزَلْتَنِي دارَ الْقَرارِ وَمَحَلَّ الْاَخْيارِ وَسَيِّدِ ابْنِ

و خشنودی را و فرود آوردی مرا در خانه آرامگاه ثابت و جایگاه نیکوکاران

طاوس ره

بسند معتبر از ابن خالویه روایت کرده است که این مناجات حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام و امامان از فرزندان او است که در ماه شعبان میخوانده اند

۱ در مصباح کبیر شیخ وَاَحْيَيْتَنِي تَحْتَ ظِلِّكَ بصیغه امر است و دو فقره بعد از آن اضافه دارد که سایر نسخ ندارد و آن اینست وَانْعَشْنِي حَوْلَ عَرْشِكَ وَاحْفَظْنِي بِشُعاعِ نُورِكَ ۲ در مصباحین صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ ندارد

اللهم صل على محمد وآل محمد واسمع دعائي إذا دعوتك

خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بشنو خواندن مرا چون بخوانم تورا

واسمع ندائي إذا ناديتك وأقبل علي إذا ناجيتك فقد هربت

وبشنو صدای مرا چون ندا کنم تورا وروآور برمن چون راز گویم تورا پس بتحقیق گریختم

إليك ووقفت بين يديك مستكيناً لك متضرعاً إليك راجياً

بسوی تو وایستاده‌ام پیش روی تو باشکستگی مر تورا درحالتیکه زاری کننده‌ام بسوی تو امیدوار

(١ مستكيناً خ ل)

لما لديك ثوابي وتعلم ما في نفسي وتخبر حاجتي وتعرف

مرانچه نزد تست از ثواب من ومیدانی انچه در نفس منست ومطلعی حاجت مرا ومیشناسی

(٢ ثوابي خ ل)

ضميري ولا يخفى عليك أمر منقلبي ومثواي وما أريد أن

پنهانی مرا و پوشیده نیست برتو کاری بازگشت من وارامگاه من و انچه اراده دارم آنکه

أبدي به من منطقي وأتفوه به من طلبتي وأرجوه لعاقبتي و

ابتدا کنم بان از سخن خود وتلفظ کنم بان از خواهش خود وامیدوارم اورا برای عاقبت خود

(٣ لعاقبتي خ ل)

قد جرت مقاديرك علي يا سيدي فيما يكون مني إلى آخر عمري

بتحقیق روان شده تقدیرات تو برمن ای اقای من در انچه میباشد از من تا اخر عمر من

من سريرتي وعلانيتي وبيدك لا بيد غيرك زيادتي ونقصي

از پنهان من واشکار من وبدست تست نه بدست غیر تو زیادتی من وکمی من

ونفعي وضري إلهي إن حرمتني فمن ذا الذي يرزقني وإن

وسود من وزیان من خدای من اگر محروم کنی مرا پس کیست آنکه روزی دهد مرا و اگر

خذلتني فمن ذا الذي ينصرني إلهي أعوذ بك من غضبك و

خوار کنی مرا پس کیست آنکه یاری کند مرا خدای من پناه میبرم بتو از غضب تو و

حلول سخطك إلهي إن كنت غير مستأهل لرحمتك فأنت

در امدن خشم تو خدای من اگر باشم که لایق نباشم مر رحمت تورا پس تو

أهل أن تجود علي بفضل سعتك إلهي كأني بنفسي واقفة بين

سزاوار انکه بخشش کنی برمن بزیادتی وسعت تو خدای من گویا میبینم خود را ایستاده در پیش

(٤ واقفة خ ل)

يديك فقد أظلها حسن توكلي عليك فقلت ما أنت أهله

روی تو پس بتحقیق سایه افکنده بان نیکی اعتقاد توکل من برتو پس گفتی انچه را که تو سزاوار انی

(٥ وقد خ ل — ٦ فعلت خ ل)

وتغمدني بعفوك إلهي إن عفوت فمن أولى منك بذلك و

و پوشیده باشی مرا با مرزش خود بارخدایا اگر درگذری پس کیست سزاوارتر از تو باین عفو و

إن كان قد دنا أجلي ولم يدنني منك عملي فقد جعلت الإقرار [١]

اگر بوده باشد که بتحقیق نزدیک شده باشد مرگ من ونزدیک نکند بتو کردار من پس بتحقیق بگردانم اعتراف

بالذنب إليك وسيلتي إلهي قد جرت على نفسي في النظر

بگناهان را بسوی تو وسیله خودم خدای من بتحقیق جرات کردم بر نفس خودم در تامل

لها فلها الويل إن لم تغفر لها إلهي لم يزل برك علي أيام

مر اورا پس برای اوست دوزخ اگر نیامرزی مر اورا خدایا همیشه بود نیکی تو برمن ایام

حياتي فلا تقطع برك عني في مماتي إلهي كيف آيس من

زندگانی من پس مبر نیکی خود را از من در مردن من خدایا چگونه مایوس گردم از

حسن نظرك لي بعد مماتي وأنت لم تولني [٢] إلا الجميل في

نیکی نظر تو مرا بعد از مردن من و تو نکردی بمن غیر از نیکی در

حياتي إلهي تول من أمري ما أنت أهله وعد [٣] بفضلك على

زندگی من خدایا متولی شو از کار من انچه را تو سزاوار انی و مهربانی کن بفضل خود بر

مذنب قد غمره جهله إلهي قد سترت علي ذنوباً في الدنيا

گناه کاریکه پوشیده اورا نادانی او خدای من بتحقیق پوشیدی برمن گناهانرا در دنیا

وأنا أحوج إلى سترها علي منك في الأخرى إلهي قد أحسنت إلي

ومن محتاج ترم بپوشیدن انها برمن از تو در اخرت خدایا بتحقیق نیکوئی کردی بمن

إذ لم تظهرها لأحد من عبادك الصالحين فلا تفضحني يوم

چون نمایان نکردی انرا برای یکی از بندگان تو که شایسته اند پس رسوا مکن مرا در روز

القيامة على رؤوس الأشهاد إلهي جودك بسط أملي وعفوك

قیامت برحضور حاضران خدایا بخشش تو پهن نمود ارزوی مرا وامرزش تو

أفضل من عملي إلهي فسرني بلقائك يوم تقضي فيه بين عبادك

افزون تر است از کردار من خدایا پس شاد کن مرا بملاقات خود روزی که حکم شود در ان میان بندگان تو

١ در اقبال مسند ولم يدن بدون ياء متكلم است ٢ در اقبال لم تولني بصيغه مجهول دیده شد

٣ در اقبال بعد از لفظ عد كلمه عليّ را اضافه دارد

اِلٰهی اِعْتِذاری اِلَیْکَ اِعْتِذارُ مَنْ لَمْ یَسْتَغْنِ عَنْ قَبُولِ عُذْرِهِ

خدایا عذر آوردن من بسوی تو عذر آوردن کسی است که بی‌نیاز نشود از پذیرفتن عذر او

فَاقْبَلْ عُذْری یا اَکْرَمَ مَنِ اعْتَذَرَ اِلَیْهِ الْمُسیئُونَ اِلٰهی

پس بپذیر عذر مرا ای کریمترین از آنکه عذرجوینده باشد بدکاران خدای من

لا تَرُدَّ حاجَتی وَلا تُخَیِّبْ طَمَعی وَلا تَقْطَعْ مِنْکَ رَجائی وَاَمَلی

رد مکن خواهش مرا و محروم مکن طمع مرا و مبر از خود امید مرا و آرزوی مرا

اِلٰهی لَوْ اَرَدْتَ هَوانی لَمْ تَهْدِنی وَلَوْ اَرَدْتَ فَضیحَتی لَمْ تُعافِنی

خدایا اگر بخواهی خواری مرا هدایت نمیکردی مرا و اگر میخواستی رسوائی مرا عافیت نمیدادی

اِلٰهی ما اَظُنُّکَ تَرُدُّنی فی حاجَةٍ قَدْ اَفْنَیْتُ عُمْری فی طَلَبِها مِنْکَ

خدایا گمان نمیبرم ترا که برگردانی مرا در حاجت بتحقیق بپایان آوردم عمر خودم را در خواهش آن از تو

اِلٰهی فَلَکَ الْحَمْدُ اَبَداً اَبَداً دائِماً سَرْمَداً یَزیدُ وَلا یَبیدُ کَما تُحِبُّ وَ

خدای من پس مر تو راست سپاس همیشگی همیشگی همیشه پیوسته زیاد میشود و کم نمیگردد چنانچه دوست داری

تَرْضی اِلٰهی اِنْ اَخَذْتَنی بِجُرْمی اَخَذْتُکَ بِعَفْوِکَ وَاِنْ اَخَذْتَنی

و خوشنود شوی خدای من اگر بگیری مرا بگناهان من میگیرم ترا ببخشش تو و اگر بگیری مرا

بِذُنُوبی اَخَذْتُکَ بِمَغْفِرَتِکَ وَاِنْ اَدْخَلْتَنِی النّارَ اَعْلَمْتُ اَهْلَها

بگناهان من میگیرم ترا بآمرزش تو و اگر در آوری مرا در آتش آگاه کنم اهل آنرا

اَنّی اُحِبُّکَ اِلٰهی اِنْ کانَ صَغُرَ فی جَنْبِ طاعَتِکَ عَمَلی فَقَدْ کَبُرَ فی

که من دوست میدارم ترا خدای من اگر کوچک باشد در پهلوی طاعت تو کار من پس بتحقیق بزرگ است

جَنْبِ رَجائِکَ اَمَلی اِلٰهی کَیْفَ اَنْقَلِبُ مِنْ عِنْدِکَ بِالْخَیْبَةِ مَحْرُوماً

در پهلوی امید بتو آرزوی من خدای من چگونه برگردم از نزد تو بنا امیدی درحالیکه محروم باشم

وَقَدْ کانَ حُسْنُ ظَنّی بِجُودِکَ اَنْ تَقْلِبَنی بِالنَّجاةِ مَرْحُوماً اِلٰهی

و حال آنکه نیکو میباشد گمان من ببخشش تو اینکه برگردانی مرا برستگاری رحم شده خدای من

وَقَدْ اَفْنَیْتُ عُمْری فی شِرَّةِ السَّهْوِ عَنْکَ وَاَبْلَیْتُ شَبابی فی

و بتحقیق بپایان آوردم عمرم را در حرص به بیخبری از تو و کهنه کردم جوانی خودم را در

۱ واذا نسخه بدل اقبال ۲ ان کان قد صغر نسخه بدل اقبال ۳ شِرَّةِ السَّهْوِ بکسر شین و تخفیف راء

سَکْرَةِ التَّباعُدِ مِنْکَ اِلٰهی وَاَنَا عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدِکَ قائِمٌ بَیْنَ

مستی دوری از تو خدایمن و منم بنده تو و پسر بنده تو ایستاده‌ام پیش

یَدَیْکَ مُتَوَسِّلٌ بِکَرَمِکَ اِلَیْکَ اِلٰهی اَنَا عَبْدٌ اَتَنَصَّلُ اِلَیْکَ مِمّا

روی تو توسل جوینده‌ام بکرم تو بسوی تو خدایمن من بنده‌ام عذرخواه بسوی تو از آنچه

کُنْتُ اُواجِهُکَ بِهِ مِنْ قِلَّةِ اسْتِحْیائی مِنْ نَظَرِکَ وَاَطْلُبُ الْعَفْوَ

بودم مواجهه میکردم بآن از کمی شرم من از اطلاع تو و میجویم گذشتن را

مِنْکَ اِذِ الْعَفْوُ نَعْتٌ لِکَرَمِکَ اِلٰهی لَمْ یَکُنْ لی حَوْلٌ فَاَنْتَقِلَ بِهِ عَنْ

از تو زیرا که گذشتن صفت برای بزرگواری تست خدای من نبود مرا حرکتی پس نقل کردم بآن از

مَعْصِیَتِکَ اِلّا فی وَقْتٍ اَیْقَظْتَنی لِمَحَبَّتِکَ وَکَما اَرَدْتَ اَنْ اَکُونَ

نافرمانی تو مگر در وقتیکه بیدارکنی مرا بدوستی خود و چنانچه میخواهی اینکه باشم

کُنْتُ فَشَکَرْتُکَ بِاِدْخالی فی کَرَمِکَ وَلِتَطْهیرِ قَلْبی مِنْ اَوْساخِ

بوده باشم پس شکر کنم ترا بدرآوردن من در کرم تو و پاک کردن دل مرا از چرکهای

الْغَفْلَةِ عَنْکَ اِلٰهی اُنْظُرْ اِلَیَّ نَظَرَ مَنْ نادَیْتَهُ فَاَجابَکَ وَاسْتَعْمَلْتَهُ

بیخبری از تو خدای من بنگر بمن نگریستن آنکه خواندی باشی او را پس اجابت کند ترا و بکار داشته باشی

بِمَعُونَتِکَ فَاَطاعَکَ یا قَریباً لا یَبْعُدُ عَنِ الْمُغْتَرِّ بِهِ وَیا جَواداً لا

او را بیاری خود پس فرمان برد ترا ای نزدیکی که دور نمیگردد از فریفته بخود و ای بخشنده که بخل

یَبْخَلُ عَمَّنْ رَجا ثَوابَهُ اِلٰهی هَبْ لی قَلْباً یُدْنیهِ مِنْکَ شَوْقُهُ وَلِساناً

نمیکند از آنکه امیدوار ثواب اوست خدایمن ببخش مرا دلی که نزدیک کند او را بتو آرزومندی و زبانی

یُرْفَعُ اِلَیْکَ صِدْقُهُ وَنَظَراً یُقَرِّبُهُ مِنْکَ حَقُّهُ اِلٰهی اِنَّ مَنْ تَعَرَّفَ

بالا برده شود بسوی تو راستی او و نظری که نزدیک شود بآن بتو حق آن خدایمن بدرستیکه آنکه شناسا

بِکَ غَیْرُ مَجْهُولٍ وَمَنْ لاذَ بِکَ غَیْرُ مَخْذُولٍ وَمَنْ اَقْبَلْتَ عَلَیْهِ غَیْرُ

بتو است نیست مجهول و آنکه پناه برد بتو نیست خوار شده و آنکه رو کردی بر او نیست

مَمْلُوکٍ اِلٰهی اِنَّ مَنِ انْتَهَجَ بِکَ لَمُسْتَنیرٌ وَاِنَّ مَنِ اعْتَصَمَ بِکَ لَمُسْتَجیرٌ وَ

مغلوب خدایمن بدرستیکه کسیکه راه یافته بتو هر آینه روشنی یافته و بدرستیکه آنکه چنگ زده بتو هر آینه امان جسته

قَدْ لُذْتُ بِکَ یا اِلٰهی فَلا تُخَیِّبْ ظَنّی مِنْ رَحْمَتِکَ وَلا تَحْجُبْنی عَنْ رَأْفَتِکَ

و پناه میبرم بتو ای خدایمن پس ناامید مکن گمان مرا از رحمت خود و منع مکن مرا از مهربانی خود

اِلٰهی اُمّتی فی اهلِ وِلایتِکَ مُقام من رجا الزیادة من محبّتک الٰهی
خدای من بپادار مرا در اهل دوستی تو جایگاه اکر امید زیادتی داشتن از دوستی تو خدایمن

وَ اَلْهِمنی وَلَهاً بِذِکرِکَ اِلی ذِکرِکَ وَ اجْعَل هِمَّتی اِلی رَوْحِ نَجاحِ
و بدل انداز مرا حیرانی بیاد تو را بسوی یاد تو و بگردان آهنگ مرا بسوی راحت رستگاری

اَسمائِکَ وَ مَحَلِّ قُدْسِکَ اِلٰهی بِکَ عَلَیکَ اِلّا اَلْحَقْتَنی بِمَحَلِّ اَهلِ
نامهای تو و بجای پاکی تو خدایمن بتو بر تو سوگند که برسانی مرا بجای اهل

طاعَتِکَ وَ المَثْوَی الصّالِحِ مِن مَرضاتِکَ فَاِنّی لا اَقدِرُ لِنَفسی
فرمانبرداری تو و آرامگاه شایسته از خوشنودی تو پس بدرستیکه قادر نیستم برای نفس خود

دَفعاً وَ لا اَمْلِکُ لَها نَفعاً اِلٰهی اَنا عَبدُکَ الضَّعیفُ المُذنِبُ وَ
دفع کنم و مالک نیستم مراورا سودی خدایمن من بنده توام ناتوان گناهکار و

مَملوکُکَ المُنیبُ المَعیبُ فَلا تَجعَلنی مِمَّن صَرَفتَ عَنهُ وَجهَکَ
و بنده مملوک تو رجوع کننده ناپسند تو پس نگردان مرا از آنکسیکه گردانیده از او روی خود را

وَ حَجَبَهُ سَهوُهُ عَن عَفوِکَ اِلٰهی هَب لی کَمالَ الاِنقِطاعِ اِلَیکَ وَ اَنِرْ
و منع نموده او را غفلت او از آمرزش تو خدایمن ببخش مرا کمال بریدنی بسوی تو و روشن کن

اَبصارَ قُلوبِنا بِضِیاءِ نَظَرِها اِلَیکَ حَتّی تَخرِقَ اَبصارُ القُلوبِ
چشمهای دلهای ما را بروشنی نگریستن آن بسوی تو تا دریابد دیده های دلها

حُجُبَ النّورِ فَتَصِلَ اِلی مَعدِنِ العَظَمَةِ وَ تَصیرَ اَرواحُنا مُعَلَّقَةً
حجابهای نور را پس برسد بسوی قرارگاه بزرگی و بگردد روحهای ما درآویخته

بِعِزِّ قُدسِکَ اِلٰهی وَ اجعَلنی مِمَّن نادَیتَهُ فَاَجابَکَ وَ لاحَظتَهُ
بعزت پاکی تو خدایمن و بگردان مرا از کسانیکه خواندی او را پس اجابت کرد تو را و ملاحظه کردی او را

فَصَعِقَ لِجَلالِکَ فَناجَیتَهُ سِرّاً وَ عَمِلَ لَکَ جَهراً اِلٰهی لَم اُسَلِّط
پس بیهوش شد برای بزرگی تو پس راز گفتی او را پنهان و کرد برای تو آشکارا خدایمن مسلط ننمودم

عَلی حُسنِ ظَنّی قُنوطَ الاِیاسِ وَ لاَ انقَطَعَ رَجائی مِن جَمیلِ کَرَمِکَ
بر نیکی گمان من ناامیدی شدت نومیدی را و بریده نشد امید من از نیکی کرم تو

اِلٰهی اِن کانَتِ الخَطایا قَد اَسقَطَتنی لَدَیکَ فَاصفَح عَنّی بِحُسنِ تَوَکُّلی
خدایمن اگر باشد خطاهائی که از قدر انداخته است مرا نزد تو پس درگذر از من بنیکی توکل من

عَلَیکَ اِلٰهی اِن حَطَّتنِی الذُّنوبُ مِن مَکارِمِ لُطفِکَ فَقَد نَبَّهَنی
بر تو خدای من اگر پست کرده مرا گناهان از بزرگی مهربانی تو پس بتحقیق آگاه کرد مرا

الیَقینُ اِلی کَرَمِ عَفوِکَ اِلٰهی اِن اَنامَتنِی الغَفلَةُ عَنِ الاِستِعدادِ
یقین بسوی کرم آمرزش تو خدایمن اگر خوابانید مرا بیخبری از آماده شدن

لِلِقائِکَ فَقَد نَبَّهَتنِی المَعرِفَةُ بِکَرَمِ آلائِکَ اِلٰهی اِن دَعانی اِلَی النّارِ
برای ملاقات نمودن تو پس بتحقیق آگاه کرد مرا شناختن بزرگی نعمتهای تو خدایمن اگر خواند مرا بسوی آتش

عَظیمُ عِقابِکَ فَقَد دَعانی اِلَی الجَنَّةِ جَزیلُ ثَوابِکَ اِلٰهی فَلَکَ
بزرگی عقاب تو پس بتحقیق خوانده است مرا بسوی بهشت بسیاری ثواب تو خدایمن پس تو را

اَسئَلُ وَ اِلَیکَ اَبتَهِلُ وَ اَرغَبُ وَ اَسئَلُکَ اَن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ
میخوانم و بسوی تو زاری میکنم و خواهشمندم و سؤال میکنم اینکه رحمت کنی بر محمد

وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَن تَجعَلَنی مِمَّن یُدیمُ ذِکرَکَ وَ لا یَنقُضُ عَهدَکَ وَ
و آل محمد و اینکه بگردانی مرا از کسیکه همیشه یاد میکند تو را و نمیشکند پیمان تو را و

لا یَغفُلُ عَن شُکرِکَ وَ لا یَستَخِفُّ بِاَمرِکَ اِلٰهی وَ اَلحِقنی بِنورِ عِزِّکَ
بیخبر نمیشود از سپاس تو و سبک نمینماید امر تو را خدایمن و برسان مرا بنور عزت خود

الاَبهَجِ فَاَکونَ لَکَ عارِفاً وَ عَن سِواکَ مُنحَرِفاً وَ مِنکَ خائِفاً مُراقِباً
که بهتر است پس باشم مر تو را شناسا و از غیر تو برگشته و از تو ترسان بیمناک

یا ذَا الجَلالِ وَ الاِکرامِ وَ صَلَّی اللهُ عَلی مُحَمَّدٍ رَسولِهِ وَ آلِهِ
ای صاحب بزرگی و بزرگواری و رحمت خدا بر محمد فرستاده او و آل او

الطّاهِرینَ وَ سَلَّمَ تَسلیماً کَثیراً و این از مناجاتهای جلیل القدر است و بر مضامین
که پاکانند و درود فرستد درود بسیار
عالیه مشتمل است و در او فایکه حضور قلبی بوده

باشد خواندن مناسبست و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که
هرکه در مجموع ماه شعبان هزار بگوید لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَ لا نَعبُدُ اِلّا
اِیّاهُ مُخلِصینَ لَهُ الدّینَ وَ لَو کَرِهَ المُشرِکونَ
نیست خدائی مگر خدا و نمیپرستیم مگر
او را خالص کننده ایم برای او دین را و اگرچه کراهت دارند مشرکان
حقتعالی عبادت هزار ساله
در نامه عمل او بنویسد و گناه هزار ساله از او محو کند و از قبر بیرون آید با روی

نورانی مانند ماه شب چهارده واو را صدیق نویسند وبسند معتبر منقولست که
ازحضرت صادق علیه السلام سؤال کردند از فضیلت روزه رجب حضرت فرمود که چرا غافل
گردید از روزه شعبان راوی گفت یا بن رسول الله چه ثواب دارد کسیکه
یکروز شعبان را روزه دارد حضرت فرمود که والله بهشت ثواب او است گفت یا بن
رسول الله بهترین عملها در اینماه چیست فرمود که تصدق کردن وطلب آمرزش نمودن
هرکه در اینماه تصدق بکند حقتعالی انرا تربیت میکند چنانچه یکی از شما شتر بچه
خود را تربیت میکند تا انکه در قیامت مانند کوه احد بصاحبش برسد

فصل سیم

در فضائل واعمال مخصوصه اول ماهست تا ایام البیض بسندهای معتبر منقول
است ازحضرت صادق علیه السلام که هرکه روز اول ماه شعبان را روزه دارد
بهشت او را واجب گردد البته وازحضرت امام رضا علیه السلام منقولست که
رسول خدا صلی الله علیه واله فرمود که هرکه در هر پنجشنبه از ماه شعبان زینت
میکنند اسمانها را پس ملائکه میگویند خداوندا بیامرز روزه داران این روز را و
دعای ایشانرا مستجاب گردان و روز سیم ماه شعبان روز بسیار مبارکی است
وموافق مشهور روز ولادت حضرت امام حسین علیه السلام است پس روزه بدارید واین دعا را بخوانید

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فی هٰذَا الْیَوْمِ الْمَوْعُودِ بِشَهادَتِه
خداوندا بدرستیکه من میخواهم ترا بحق انکه زائیده شده در این روز وعده داده شده بشهادت او

قَبْلَ اسْتِهْلالِه وَوِلادَتِه بَكَتْهُ السَّمٰاءُ وَمَنْ فیها وَالْاَرْضُ
پیش از جستن ماه او و ولادت او گریه کرد اسمان اورا وهرکه در او است و زمین

وَمَنْ عَلَیْها وَلَمّا یَطَأْ لابَتَیْها قَتیلِ الْعَبْرَةِ وَسَیِّدِ الْاُسْرَةِ الْمَمْدُودِ
وهرکه براو است وحال انکه قدم نگذاشته سنگستانهای زمین را کشته شده سرور بزرگ قوم مدد کرده شده

بِالنُّصْرَةِ یَوْمَ الْكَرَّةِ الْمُعَوَّضِ مِنْ قَتْلِه اَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ
بیاری روز رجعت عوض داده شده از قتل او اینکه بدرستیکه پیشوایان از

نَسْلِه وَالشِّفاءَ فی تُرْبَتِه وَالْفَوْزَ مَعَهُ فی اَوْبَتِه وَالْاَوْصِیاءَ
نسل او بند وشفا در تربت او است و رستگاری با او است در بازگشت او و بازگشت اوصیا

مِنْ عِتْرَتِه بَعْدَ قائِمِهِمْ وَغَیْبَتِه حَتّیٰ یُدْرِكُوا الْاَوْتارَ وَ
از عترت او بعد از قیام قائم ایشان وغیبت او تا دریابند خونهارا و

یَثْاَرُوا الثّارَ وَیُرْضُوا الْجَبّارَ وَیَكُونُوا خَیْرَ اَنْصارٍ صَلَّی اللهُ
مطالبه کنند خونهارا وخوشنود سازند خدارا وبوده باشند بهترین یاوران رحمت خدا

عَلَیْهِمْ مَعَ اخْتِلافِ اللَّیْلِ وَالنَّهارِ اَللّٰهُمَّ فَبِحَقِّهِمْ اِلَیْكَ
برایشان با امد وشد شب و روز خدایا پس بحق ایشان بسوی تو

اَتَوَسَّلُ وَاَسْئَلُ سُؤالَ مُقْتَرِفٍ وَمُعْتَرِفٍ مُسیءٍ اِلیٰ نَفْسِه
توسل جویم وسؤال میکنم سؤال گنه کار واقرار کننده بدکننده بسوی خود

مِمّا فَرَّطَ فی یَوْمِه وَاَمْسِه یَسْئَلُكَ الْعِصْمَةَ اِلیٰ مَحَلِّ رَمْسِه
از انچه زیادتی کرده است در روز خود وشب خود میخواهد ترا عصمت را بسوی جایگاه دفن خود

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَعِتْرَتِه وَاحْشُرْنا فی زُمْرَتِه وَبَوِّئْنا
خدایا رحمت فرست بر محمد و عترت او و محشور کن مارا در گروه او ودر آور مارا

مَعَهُ دارَ الْكَرامَةِ وَمَحَلَّ الْاِقامَةِ اَللّٰهُمَّ وَكَما اَكْرَمْتَنا
با او در خانه کرامت وجایگاه قرار خدایا وچنانچه گرامی داشتی مارا

بِمَعْرِفَتِه فَاَكْرِمْنا بِزُلْفَتِه وَارْزُقْنا مُرافَقَتَهُ وَسابِقَتَهُ
بشناختن او پس گرامی دار مارا بقرب او وروزی کن مارا رفاقت اورا وپیشی گرفتن اورا

وَاجْعَلْنا مِمَّنْ یُسَلِّمُ لِاَمْرِه وَیُكْثِرُ الصَّلوٰةَ عَلَیْهِ عِنْدَ ذِكْرِه
وبگردان مارا از انکه گردن مینهد مر امر اورا وبسیار میکند رحمت را براو نزد یاد کردن او

وَعَلیٰ جَمیعِ اَوْصِیائِه وَاَهْلِ اصْطِفائِهِ الْمَمْدُودینَ مِنْكَ
وبر همه اوصیاء او و اهل برگزیدگان او که کشیده شده اند از تو

بِالْعَدَدِ الْاِثْنیٰ عَشَرَ النُّجُومِ الزُّهَرِ وَالْحُجَجِ عَلیٰ جَمیعِ الْبَشَرِ
بشماره دوازده ستاره روشن وحجت ها بر همه آدمیان

اَللّٰهُمَّ وَهَبْ لَنا فی هٰذَا الْیَوْمِ خَیْرَ مَوْهِبَةٍ وَاَنْجِحْ لَنا فیهِ
خدایا وببخش برای ما در این روز بهتر بخشیدنی وبرآور برای ما در آن

كُلَّ طَلِبَةٍ كَمَا وَهَبْتَ الْحُسَيْنَ لِمُحَمَّدٍ جَدِّهِ وَعَاذَ فُطْرُسُ

هر حاجتی را چنانچه بخشیدی حسین را برای محمد جدّ او و پناه گرفت فطرس

بِمَهْدِهِ فَنَحْنُ عَائِذُونَ بِقَبْرِهِ مِنْ بَعْدِهِ نَشْهَدُ تُرْبَتَهُ وَنَنْتَظِرُ

بگهواره او پس ما پناه برده‌ایم بقبر او بعد از او میبینیم مدفن اورا و انتظار داریم

اَوْبَتَهُ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ وزیارت آنحضرت و غسل زیارت در این روز

بازگشت اورا بپذیر ای پروردگار جهانیان

مستحب است و کیفیت زیارت بعد از این مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی و شیخ طوسی ره روایتی نقل کرده است که حضرت امام حسین علیه السلام در روز پنجم این ماه متولد شده است اگر احتیاطا هر دو روز را حرمت دارند و اعمال را در این روز نیز بعمل آورند خصوصا زیارت بهتر است و ایضا بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در روز هفتم ماه شعبان متولد شده است اگرچه خلاف مشهور است چنانچه در ماه رجب مذکور شد اما بر وفق این روایت روزه و زیارت آنحضرت و سایر اعمال خیر را در این روز بعمل آورند مناسب است

فصل چهارم

در بیان اعمال ایام البیض ماه شعبان است یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم در اعمال ماه رجب مذکور شد که سنت است که در شب سیزدهم دو رکعت و در شب چهاردهم چهار رکعت و در شب پانزدهم شش رکعت نماز بجا آورند و در هر رکعت بعد از حمد سوره یس و تبارک الذی بیده الملک و قل هو الله احد بخوانند و در نماز سنت سوره‌هائی که از حفظ نتوان خواند از روی قرآن میتوان خواند و روزه هر سه روز سنت است و فضایل و اعمال شب پانزدهم زیاده از آنست که در این رساله احصا توان نمود و اکتفا مینمائیم بانچه صحیح تر است از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که چون شب نصف شعبان شود شبش را بعبادت بایستید و روزش را روزه بدارید بدرستیکه از اول این شب تا آخر آن از جانب حق تعالی ندا میرسد که آیا استغفار کننده هست که طلب آمرزش کند از گناهان خود و ما گناهان او را بیامرزیم آیا کسی هست

که از ما طلب روزی کند ما روزی او را فراخ گردانیم و غسل در این شب سنت است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که روزه بدارید ماه شعبان را و در شب نیمه آن غسل کنید که باعث تخفیف گناهان شما باشد و رحمت الهی شما را دریابد و از جمله اعمال این شب زیارت حضرت امام حسین علیه السلام است و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقولست که هر که خواهد که با او مصافحه کنند روح صد و بیست و چهار هزار پیغمبر پس زیارت کند حضرت امام حسین علیه السلام را در شب نصف شعبان زیرا که ملائکه و پیغمبران در این شب از خدا رخصت میطلبند که بزیارت آنحضرت بیایند و رخصت مییابند پس خوشا حال کسیکه این بزرگواران با او مصافحه کنند و از جمله ایشانند پنج پیغمبر اولو العزم نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد صلوات الله علیهم اجمعین که مبعوث گردیده‌اند بمشرق و مغرب زمین و جنیان و آدمیان و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در شب نیمه شعبان آمرزیده میشود جمیع گناهان کسیکه زیارت آنحضرت کند در آن شب و اقل زیارت آنحضرت آنستکه بر بامی یا صحن گشاده در آید و بجانب راست و چپ آسمان و بالای سر نظر کند پس بانگشت اشاره کند بجانب آن حضرت و بگوید

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ

درود بر تو ای ابا عبد الله درود بر تو ای پسر

رَسُولِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ و اگر کسی از

فرستاده خدا درود بر تو و رحمت خدا و برکات او

زیارات مبسوطه را بعمل آورد بهتر است و از جمله آنها اینست

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صِفْوَةِ اللهِ

درود بر تو ای وارث آدم برگزیده خدا

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ

درود بر تو ای وارث نوح پیغمبر خدا درود بر تو ای وارث

اِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللهِ

ابراهیم دوست خدا درود بر تو ای وارث موسی هم سخن خدا

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

درود بر تو ای وارث عیسی روح خدا درود بر تو ای

وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ اَمِيرِ

وارث محمد دوست داشته خدا درود بر تو ای وارث پادشاه

الْمُؤْمِنِينَ وَلِيِّ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى السَّلامُ

گروندگان دوست خدا درود برتو ای پسر محمد برگزیده درود

عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ

برتو ای پسر علی پسندیده درود برتو ای پسر فاطمه زهراء

السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ

درود برتو ای پسر خدیجه کبری درود برتو ای خون خدا

اللهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلٰوةَ وَ

و پسر خون او وای خون ریخته شده گواهی میدهم که تو بتحقیق بپا داشتی نماز را و

آتَيْتَ الزَّكٰوةَ وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ

دادی زکوة را وامر کردی بنیکی و نهی نمودی از زشتی و

اَطَعْتَ اللهَ وَرَسُولَهُ حَتّٰى اَتٰيكَ الْيَقِينُ فَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً قَتَلَتْكَ

فرمان بردی خدا و فرستاده او را تا امد تورا مرگ پس دور سازد خدا گروهی را که کشتند تورا

وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً ظَلَمَتْكَ وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً سَمِعَتْ بِذٰلِكَ فَرَضِيَتْ

و دور سازد خدا گروهی را که ستم کردند تورا و دور سازد خدا گروهی را که شنیدند این واقعه را پس خشنود شدند

بِهِ يَا مَوْلَايَ يَا اَبَا عَبْدِ اللهِ اَشْهَدُ اَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْاَصْلَابِ

بان ای مولای من ای پدر عبدالله گواهی میدهم که تو بودی نوری در پشتهای

الشَّامِخَةِ وَالْاَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِاَنْجَاسِهَا

پاکیزه بلند مرتبه و رحمهای پاک نجس نکرد تورا جاهلیت بنجاستهای خود

وَلَمْ تُلْبِسْكَ مِنْ مُدْلَهِمَّاتِ ثِيَابِهَا وَاَشْهَدُ اَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ

و نپوشید تورا از تیره جامهای خود و گواهی میدهم که تو از ستونهای

الدِّينِ وَاَرْكَانِ الْمُؤْمِنِينَ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ الْاِمَامُ الْبَرُّ التَّقِيُّ

دین و رکنهای گروندگانی و گواهی میدهم که توئی پیشوای نیکوکار پرهیزکار

الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ وَاَشْهَدُ اَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ

پسندیده پاکیزه راهنمای راه یافته و گواهی میدهم که پیشوایان از

وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوٰى وَاَعْلَامُ الْهُدٰى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقٰى وَالْحُجَّةُ

فرزندان تو کلمه پرهیزکاری و نشانهای هدایت و دست اویز محکم و برهان

عَلٰى اَهْلِ الدُّنْيَا وَاُشْهِدُ اللهَ وَمَلٰئِكَتَهُ وَاَنْبِيَائَهُ وَ

بر اهل دنیا هستند و گواه میگیرم خدا و فرشتگان او و پیغمبران او و

رُسُلَهُ اَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِاِيَابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَائِعِ دِينِي وَ

فرستادگان او را که من بشما گرونده‌ام و برجعت شما بایقینم باداب دین خود و

خَوَاتِيمِ عَمَلِي وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سِلْمٌ وَاَمْرِي لِاَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ

اواخر کردار خود و دل من برای دل شما باصلاح است و کار من برای امر شما پیرواست

صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْكُمْ وَعَلٰى اَرْوَاحِكُمْ وَعَلٰى اَجْسَادِكُمْ وَ

رحمتهای خدا برشما و بر روحهای شما و بر جسدهای شما و

عَلٰى اَجْسَامِكُمْ وَعَلٰى شَاهِدِكُمْ وَعَلٰى غَائِبِكُمْ وَعَلٰى ظَاهِرِكُمْ وَ

بر جسمهای شما و بر حاضر شما و بر غائب شما و بر اشکار شما و

عَلٰى بَاطِنِكُمْ پس دو رکعت نماز زیارت میکند و اگر نماز را پیش از زیارت بکند

بر پنهان شما

نیز خوبست و اگر از دور زیارت بکند پس قصد زیارت علی بن الحسین

الشهید السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ

بکند و بگوید درود برتو ای پسر فرستاده خدا درود برتو ای پسر

اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ السَّلامُ

پادشاه گروندگان درود برتو ای پسر حسین شهید درود

عَلَيْكَ اَيُّهَا الشَّهِيدُ وَابْنُ الشَّهِيدِ السَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا

برتو ای شهید و پسر شهید درود برتو ای

الْمَظْلُومُ وَابْنُ الْمَظْلُومِ لَعَنَ اللهُ اُمَّةً قَتَلَتْكَ وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً

ستم کشیده و پسر ستمکشیده دور سازد خدا گروهی را که کشتند تورا و دور سازد خدا گروهی

ظَلَمَتْكَ وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً سَمِعَتْ بِذٰلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ پس قصد

را که ستم کردند تورا و دور سازد خدا گروهی را که شنیدند این واقعه را پس خشنود شدند بان

زیارت سائر شهداء رضی الله عنهم السَّلامُ عَلَيْكُمْ يَا اَوْلِيَاءَ اللهِ وَاَحِبَّائَهُ

بکند و بگوید درود بر شما ای دوستان خدا و محبان او

السَّلامُ عَلَيْكُمْ يَا اَصْفِيَاءَ اللهِ وَاَوِدَّائَهُ السَّلامُ عَلَيْكُمْ يَا

درود برشما ای برگزیدگان خدا و دوستان او درود برشما ای

اَنْصارَ دِینِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ یا اَنْصارَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ

یاران دین خدا درود برشما ای یاران فرستاده خدا درود

عَلَیْکُمْ یا اَنْصارَ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ یا اَنْصارَ فاطِمَةَ

برشما ای یاران پادشاه گروندگان درود برشما ای یاران فاطمه

سَیِّدَةِ نِساءِ الْعالَمینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ یا اَنْصارَ اَبی مُحَمَّدٍ

آقای زنان جهانیان درود برشما ای یاران ابی محمد

الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الزَّکِیِّ النّاصِحِ اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ یا اَنْصارَ اَبی

حسن پسر علی پاکیزه پذیرفته درود برشما ای یاران پدر

عَبْدِ اللهِ بِاَبی اَنْتُمْ وَاُمّی طِبْتُمْ وَطابَتِ الْاَرْضُ الَّتی فیها

عبدالله پدرم ومادرم فدای شما پاکید وپاکیزه شد زمینیکه دران

دُفِنْتُمْ وَفُزْتُمْ فَوْزاً عَظیماً فَیا لَیْتَنی کُنْتُ مَعَکُمْ فَاَفُوزَ مَعَکُمْ

دفن شده اید شما ورستگار شدید شما رستگار شدن بزرگی پس کاش من بودم باشما پس رستگار میشدم باشما

ودر شب اوّل و پانزدهم ماه رجب ودر سیم وپنجم ماه شعبان وشبهای ماه مبارک رمضان وشبهای عید وسایر ایّامی که زیارت آنحضرت مستحب است بهمین طریق زیارت میتوان کرد و زیارت مبسوطه و مخصوصه را در کتاب تحفة الزائر ذکر کرده ام وهر که خواهد بآن کتاب رجوع نماید واز جملهٔ برکات این شب است که ولادت وافر السّعادة حضرت صاحب الامر علیه السّلام در این شب واقع شد ومناسبت این است که این دعا را در این شب بخواند که بمنزلهٔ زیارت آنحضرت است

اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ لَیْلَتِنا هٰذِهِ وَمَوْلُودِها وَحُجَّتِکَ وَمَوْعُودِهَا

خدایا سوگند بحق شب ما این شب وزاییده شده دران وبرهان تو ووعده داده شده دران

الَّتی قَرَنْتَ اِلیٰ فَضْلِها فَضْلاً فَتَمَّتْ کَلِمَتُکَ صِدْقاً وَعَدْلاً

که رسانیدی بسوی فضل آن فضلی پس تمام شد کلمهٔ تو براستی وعدالت

لا مُبَدِّلَ لِکَلِماتِکَ وَلا مُعَقِّبَ لِآیاتِکَ نُورُکَ الْمُتَاَلِّقُ

نیست تبدیل کننده مر کلمات ترا وبازپس بنامه مر نشانهای تو نور تو پیداست

وَضِیاءُکَ الْمُشْرِقُ وَالْعَلَمُ النُّورُ فی طَخْیاءِ الدَّیْجُورِ الْغائِبُ

وروشنائی تو که درخشنده است و نشانهٔ روشنی در شبهای تیره وتار پنهان از خلایق

الْمَسْتُورُ جَلَّ مَوْلِدُهُ وَکَرُمَ مَحْتِدُهُ وَالْمَلائِکَةُ شُهَّدُهُ وَ

پوشیده بزرگست مولود او وکریمست اصل او وفرشتگان حاضران اویند و

اللهُ ناصِرُهُ وَمُؤَیِّدُهُ اِذا آنَ میعادُهُ وَالْمَلائِکَةُ اَمْدادُهُ سَیْفُ اللهِ

خدا یاور اوست ومعین او چون نزدیک شد وعدهٔ ظهور او وفرشتگان مدد کنندهٔ اویند شمشیر

الَّذی لا یَنْبُو وَنُورُهُ الَّذی لا یَخْبُو وَذُو الْحِلْمِ الَّذی لا یَصْبُو

خداست که کند نشود و نور خداست که ساکن نشود وصاحب بردباریست که میل بجهل نکند

مَدارُ الدَّهْرِ وَنَوامیسُ الْعَصْرِ وَوُلاةُ الْاَمْرِ وَالْمُنَزَّلُ عَلَیْهِمُ

دور روزگار وناموسهای زمان وصاحبان فرمان وآنانکه فرستاده شده برایشان

الذِّکْرُ وَما یَنْزِلُ فی لَیْلَةِ الْقَدْرِ وَاَصْحابُ الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ

قرآن وآنچه فرود بیاید در شب قدر ویاران زنده گردانیدن وبرانگیختن

تَراجِمَةُ وَحْیِهِ وَوُلاةُ اَمْرِهِ وَنَهْیِهِ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلیٰ

بیان کنندگان وحی خدا ووالیان امر او ونهی او خدایا پس رحمت فرست بر

خاتِمِهِمْ وَقائِمِهِمُ الْمَسْتُورِ عَنْ عَوالِمِهِمْ وَاَدْرِکْ بِنا

آخرین ایشان وقائم ایشان که پنهانست از عالمهای ایشان وبرسان ما را

اَیّامَهُ وَظُهُورَهُ وَقِیامَهُ وَاجْعَلْنا مِنْ اَنْصارِهِ وَاقْرِنْ

بروزگار او و پیدا شدن او وایستادن او وبگردان ما را از یاوران او وضم کن

ثارَنا بِثارِهِ وَاکْتُبْنا فی اَعْوانِهِ وَخُلَصائِهِ وَاَحْیِنا فی دَوْلَتِهِ

خون ما را بخون او وبنویس ما را در یاران او وخالصان او وزنده کن ما را در دولت او

ناعِمینَ وَبِصُحْبَتِهِ غانِمینَ وَبِحَقِّهِ قائِمینَ وَمِنَ السُّوءِ سالِمینَ

نعمت برنده گان وبصحبت او غنیمت برندگان وبحق او بپادارندگان واز بدیها سالمان

یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمینَ وَصَلَّی اللهُ عَلیٰ

ای بخشنده‌ترین بخشندگان وستایش مر خدا راست که پروردگار جهانیانست ورحمت خدا بر

مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِیّینَ وَالْمُرْسَلینَ وَعَلیٰ اَهْلِ بَیْتِهِ الصّادِقینَ وَ

محمد خاتم پیغمبران وفرستادگان وبر خانوادهٔ او که راستگو باشند و

۱ مَحْتِدُهُ بفتح تاء منقوطه اقبال ۲ شُهَّدُهُ آنٌ نسخه بدل اقبال ۳ وَالْمُنَزَّلُ بتشدید زا اقبال و در مصباحین اینعبارت چنین است وَالْمُنَزَّلُ عَلَیْهِمْ ما یَنْزِلُ فی لَیْلَةِ الْقَدْرِ ۴ عن عوالمهم در اقبال سید متن چنین یافتم و نسخه بدل آن و در مصباحین وزاد المعاد عوالمهم بتقدیم لام بر میم

عِتْرَتِهِ النّاطِقینَ وَالْعَنْ جَمیعَ الظّالِمینَ وَاحْکُمْ بَیْنَنا وَبَیْنَهُمْ

ذریه او که سخن گویانند و لعنت کن همه ستمکارانرا و فرمان ده میان ما ومیان ایشان

یا اَحْکَمَ الْحاکِمینَ ورید شهید روایت کرده است که پدرم امام زین العابدین

ای بزرگان دهنده تر فرمانده‌ها علیه السلام ما ها همه را در شب نیمه شعبان نزد خود

جمع میکرد و شب را سه حصه میکرد در ثلث اول نماز میکرد و در ثلث دوم دعا

میکرد و ما آمین میگفتیم بر دعای او و ثلث آخر را استغفار بطلب آمرزش میکرد

و ما نیز استغفار میکردیم تا صبح طالع میشد و نمازهای این شب بسیار است و از

جمله آنها چهار رکعت است هر دو رکعت بیک سلام و شیخ نیز از اصحاب حضرت صادق

علیه السلام این نماز را از آنحضرت روایت کرده اند و در هر رکعت بعد از حمد صد

مرتبه قل هو الله احد بخواند اَللّٰهُمَّ اِنّی اِلَیْکَ فَقیرٌ وَمِنْ عَذابِکَ

و بعد از نماز این دعا را بخواند خدایا من بتو محتاجم و از شکنجه تو

خائِفٌ وَبِکَ مُسْتَجیرٌ رَبِّ لا تُبَدِّلِ اسْمی وَلا تُغَیِّرْ جِسْمی رَبِّ

ترسانم و بتو زنهار جوینده پروردگارا بدل مکن نام مرا و تغییر مده جسم مرا پروردگارا

لا تُجْهِدْ بَلائی رَبِّ لا تُشْمِتْ بی اَعْدائی اَعُوذُ بِعَفْوِکَ مِنْ

کوشش مکن بلای مرا پروردگارا بشماتت درمیاور من دشمنان مرا پناه میبرم بخشش تو از

عَذابِکَ وَاَعُوذُ بِرِضاکَ مِنْ سَخَطِکَ وَاَعُوذُ بِکَ مِنْکَ جَلَّ

شکنجه تو و پناه میبرم بخشنودی تو از خشم تو و پناه میبرم بتو از تو بزرگست

ثَناؤُکَ اَنْتَ کَما اَثْنَیْتَ عَلی نَفْسِکَ وَفَوْقَ ما یَقُولُ الْقائِلُونَ

ثنای تو تو چنانکه ستوده خودرا بر خود و بالاتری از آنچه گویند گویندگان

فیکَ و بروایت دیگر چهار رکعت است بدو سلام و در هر رکعت بعد از

در تو حمد دویست و پنجاه مرتبه قل هو الله احد یا صد اَللّٰهُمَّ اِنّی اِلَیْکَ

یا پنجاه مرتبه بخواند و بعد از نماز این دعا را بخواند خدایا من بتو

فَقیرٌ وَاِنّی مِنْ عَذابِکَ خائِفٌ وَبِکَ مُسْتَجیرٌ رَبِّ لا تُبَدِّلِ

محتاجم و من از شکنجه تو ترسانم و بتو زنهارجوینده پروردگارا بدل مکن

اِسْمی وَلا تُغَیِّرْ جِسْمی رَبِّ لا تُجْهِدْ بَلائی اَللّٰهُمَّ اِنّی اَعُوذُ

اسم مرا و تغییر مده جسم مرا پروردگارا کوشش مکن بلای مرا خدایا من پناه میبرم

بِعَفْوِکَ مِنْ عُقُوبَتِکَ وَاَعُوذُ بِرِضاکَ مِنْ سَخَطِکَ وَاَعُوذُ

بآمرزش تو از عقوبت تو و پناه میبرم بخشنودی تو از خشم تو و پناه میبرم

بِرَحْمَتِکَ مِنْ عَذابِکَ وَاَعُوذُ بِکَ مِنْکَ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ جَلَّ

برحمت تو از شکنجه تو و پناه میبرم بتو از تو نیست خدائی مگر تو تو که بزرگست

ثَناؤُکَ وَلا اُحْصی مِدْحَتَکَ وَلَا الثَّناءَ عَلَیْکَ اَنْتَ کَما

ثناء تو و نتوانم شمردن مدح ترا و نیز ثناء بر تو را تو همچنانکه

اَثْنَیْتَ عَلی نَفْسِکَ وَفَوْقَ ما یَقُولُ الْقائِلُونَ رَبِّ صَلِّ عَلی

ستوده خودرا بر خود و بالاتری از آنچه میگویند گویندگان پروردگارا رحمت فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بی کَذا وَکَذا و بجای وافعل بی

محمد و آل محمد و بکن با من چنین و چنان کذا و کذا حاجات

خود را یاد کند و اگر این نماز را با پنجاه قل هو الله بعمل آورد موافق میشود با نماز

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و در فضیلت آن احادیث بسیار است و بسند معتبر

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که شب نیمه شعبان بهترین شبهاست

بعد از شب قدر و حقتعالی فضل خودرا در اینشب به بندگان عطا مینماید و باحسان

خود گناهان ایشانرا میامرزد پس سعی کنید در عبادت اینشب که این شبی است که حق

تعالی بذات خود سوگند یاد کرده است که سائلی را از درگاه خود رد نکند مگر

آنکه معصیتی از خدا طلب نماید و اینشب را خدا از برای ما اهل بیت قرار داده است

بازای شب قدر که از برای پیغمبر ما قرار داده است پس اهتمام کنید در اینشب در

دعا و ثنا کردن بر خدا باید رسیکه هر که در اینشب صد مرتبه سبحان الله و

صد مرتبه اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ و صد مرتبه لا اِلٰهَ اِلّا اللّٰهُ و صد مرتبه اللّٰهُ اَکْبَرُ بگوید حق

تعالی از گناهان گذشته او بگذرد و حاجتهای دنیا و آخرت او را برآورد خواه

طلب نماید و خواه ننماید راوی پرسید که بهترین دعاها در این شب کدام است

فرمود که بعد از نماز خفتن دو رکعت نماز بکن و در رکعت اول بعد از حمد سوره

قُلْ یا اَیُّهَا الْکافِرُونَ و در رکعت دوم قل هو الله احد بخوان و بعد از سلام

سی و سه مرتبه سبحان الله و سی و سه مرتبه الحمد لله و سی و چهار مرتبه

الله اكبر بگو و اگر بترتیب تسبیح فاطمهٔ زهرا علیها السلام بخواند ظاهراً خوب باشد پس این دعا بخواند

يا مَنْ اِلَيْهِ مَلْجَأُ الْعِبادِ فِي الْمُهِمّاتِ وَاِلَيْهِ يَفْزَعُ

ای آنکه بسوی اوست پناه بندگان در اندوهها و بسوی او استغاثه

الْخَلْقُ فِي الْمُلِمّاتِ يا عالِمَ الْجَهْرِ وَالْخَفِيّاتِ يا مَنْ لا يَخْفى عَلَيْهِ

کنند آفریدگان در اندوهها ای دانای آشکار و نهانها ای آنکه پنهان نماند بر او

خَواطِرُ الْاَوْهامِ وَتَصَرُّفُ الْخَطَراتِ يا رَبَّ الْخَلائِقِ وَالْبَرِيّاتِ

اندیشه های وهمها و گردش خیالات ای پروردگار آفریدگان و مخلوقات

يا مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ الْاَرَضينَ وَالسَّمواتِ اَنْتَ اللهُ لا اِلهَ اِلّا

ای آنکه بدست اوست پادشاهی زمینها و آسمانها توئی خدائی که نیست خدائی مگر

اَنْتَ اَمُتُّ اِلَيْكَ بِلا اِلهَ اِلّا اَنْتَ فَيا لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ اِجْعَلْني في

تو توسل جویم بتو بحق لا اله الا انت پس ای آنکه نیست خدائی مگر تو بگردان مرا در

هذِهِ اللَّيْلَةِ مِمَّنْ نَظَرْتَ اِلَيْهِ فَرَحِمْتَهُ وَسَمِعْتَ دُعاءَهُ فَاَجَبْتَهُ

اینشب از کسانیکه نگریسته بسوی او پس رحمت کرده او را و شنیده دعای او را پس اجابت کرده او را

وَعَلِمْتَ اسْتِقالَتَهُ فَاَقَلْتَهُ وَتَجاوَزْتَ عَنْ سالِفِ خَطيئَتِهِ

و دانسته طلب درگذشتن او را پس درگذشتی او را و گذشتی از گذشته های گناهان او

وَعَظيمِ جَريرَتِهِ فَقَدِ اسْتَجَرْتُ بِكَ مِنْ ذُنُوبي وَلَجَاْتُ اِلَيْكَ

و بزرگی گناه او پس بتحقیق پناه آوردم بتو از گناهانم و پناه بردم بتو

في سَتْرِ عُيُوبي اَللّهُمَّ فَجُدْ عَلَيَّ بِكَرَمِكَ وَفَضْلِكَ وَاحْطُطْ

در پوشاندن عیبهایم خدایا پس ببخش بر من بکرم خودت و فضل خودت و بریز

خَطايايَ بِحِلْمِكَ وَعَفْوِكَ وَتَغَمَّدْني في هذِهِ اللَّيْلَةِ بِسابِغِ

گناهان مرا ببردباری خودت و بخشش خودت و بپوش مرا در اینشب بسیاری

كَرامَتِكَ وَاجْعَلْني فيها مِنْ اَوْلِيائِكَ الَّذينَ اجْتَبَيْتَهُمْ لِطاعَتِكَ

کرامت خود و بگردان مرا در آن از دوستان خود که برگزیدی ایشان را برای فرمانبرداری خود

وَاخْتَرْتَهُمْ لِعِبادَتِكَ وَجَعَلْتَهُمْ خالِصَتَكَ وَصِفْوَتَكَ

و برگزیدی ایشان را برای بندگی خود و گردانیدی ایشان را یکجهت برای خود و برگزیده خود

۱ مَلْجَأُ اقبال سید ۲ وَيا مَنْ اقبال و مصباح شیخ طوسی ۳ فَبِلا اِلهَ اِلّا اَنْتَ مصباح شیخ طوسی

اَللّهُمَّ اجْعَلْني مِمَّنْ سَعَدَ جَدُّهُ وَتَوَفَّرَ مِنَ الْخَيْراتِ حَظُّهُ

خدایا بگردان مرا از آنکه نیکو است بهره او و بسیار شده از نیکیها بهره او

وَاجْعَلْني مِمَّنْ سَلِمَ فَنَعِمَ وَفازَ فَغَنِمَ وَاكْفِني شَرَّ مااَسْلَفْتُ

و بگردان مرا از آنکه سالم شد پس فیروزی یافت و رستگار شد پس غنیمت یافت و بازدار مرا از شر آنچه کرده‌ام

وَاعْصِمْني مِنَ الْاِزْدِيادِ في مَعْصِيَتِكَ وَحَبِّبْ اِلَيَّ طاعَتَكَ

و نگاه دار مرا از زیادتی در نافرمانی خود و دوستدار بسوی من فرمانبرداری تورا

وَما يُقَرِّبُني مِنْكَ وَيُزْلِفُني عِنْدَكَ سَيِّدي اِلَيْكَ مَلْجَأُ

و چیزیکه نزدیک کند مرا بتو و رستگار کند مرا نزد تو آقای من بسوی تواست پناهگاه

الْهارِبِ وَمِنْكَ مُلْتَمَسُ الطّالِبِ وَعَلى كَرَمِكَ مُعَوَّلُ الْمُسْتَقيلِ

گریزپا و از تو درخواست خواسته جوینده و بر کرم تو اعتماد دارد عفو کننده

التّائِبِ اَدَّبْتَ عِبادَكَ بِالتَّكَرُّمِ وَاَنْتَ اَكْرَمُ الْاَكْرَمينَ وَاَمَرْتَ

بازگردنده ادب نمودی بندگانرا بکرم نمودن و تو کریمتر کریمانی و امر کرده

بِالْعَفْوِ عِبادَكَ وَاَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحيمُ اَللّهُمَّ فَلا تَحْرِمْني ما

بدرگذشتن بندگان خود و توئی آمرزنده مهربان خدایا پس ناامید مگردان مرا آنچه را

رَجَوْتُ مِنْ كَرَمِكَ وَلا تُؤْيِسْني مِنْ سابِغِ نِعَمِكَ وَلا تُخَيِّبْني

امید دارم از کرم تو و مایوس مکن مرا از بسیاری نعمت خود و ناامید مکن مرا

مِنْ جَزيلِ قِسَمِكَ في هذِهِ اللَّيْلَةِ لِاَهْلِ طاعَتِكَ وَاجْعَلْني

از بسیاری بهره خود در اینشب مر اهل فرمانبرداری خود و بگردان مرا

في جُنَّةٍ مِنْ شِرارِ بَرِيَّتِكَ رَبِّ اِنْ لَمْ اَكُنْ مِنْ اَهْلِ ذلِكَ فَاَنْتَ

در حفظ از بدان خلق خودت پروردگارا اگر نباشم از اهل این پس توئی

اَهْلُ الْكَرَمِ وَالْعَفْوِ وَالْمَغْفِرَةِ وَجُدْ عَلَيَّ بِما اَنْتَ اَهْلُهُ لا

سزاوار کرامت و بخشش و آمرزش و ببخش بر من بآنچه تو سزاوار آنی نه

بِمَا اسْتَحِقُّهُ فَقَدْ حَسُنَ ظَنّي بِكَ وَتَحَقَّقَ رَجائي لَكَ وَعَلِقَتْ

بآنچه من سزاوارم پس بتحقیق نیکو است گمان من بتو و ثابتست امید من مر تورا و چسبیده است

نَفْسي بِكَرَمِكَ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرّاحِمينَ وَاَكْرَمُ الْاَكْرَمينَ اَللّهُمَّ

نفس من بکرم تو و توئی رحم کننده ترین رحم کنندگان و کریمترین کریمان خدایا

وَاخْصُصْنِي مِنْ كَرَمِكَ بِجَزِيلِ قِسَمِكَ وَاَعِذْنِي بِعَفْوِكَ

و مخصوص کن مرا از کرم خود ببسیاری بهره خود و پناه ده مرا ببخشش خود

مِنْ عُقُوبَتِكَ وَاغْفِرْ لِيَ الذَّنْبَ الَّذِي يَحْبِسُ عَنِّي الْخُلُقَ وَ

از خشم تو و بیامرز برای من گناهانرا که حبس میکند از من حسن خلق را و

يُضَيِّقُ عَلَيَّ الرِّزْقَ حَتَّى اَقُومَ بِصَالِحِ رِضَاكَ وَاَنْعَمُ بِجَزِيلِ

تنك میکند برمن روزیرا تا بپا دارم شایسته خوشنودی ترا و تنعم کنم ببسیاری

عَطَائِكَ وَاَسْعَدُ بِسَابِغِ نَعْمَائِكَ فَقَدْ لُذْتُ بِحَرَمِكَ وَ

بخشش تو و نیك بخت شوم ببسیاری نعمت تو پس بتحقیق پناه بردم بحرم تو و

تَعَرَّضْتُ لِكَرَمِكَ وَاسْتَعَذْتُ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ وَ

رو کردم برای کرم تو و طلب پناه کردم ببخشش تو از خشم تو و

بِحِلْمِكَ مِنْ غَضَبِكَ فَجُدْ لِي بِمَا سَئَلْتُكَ وَاَنِلْ مَا الْتَمَسْتُ

ببردباری تو از غضب تو پس ببخش مرا بآنچه درخواستم ترا و روا کن آنچه خواستم

مِنْكَ اَسْئَلُكَ بِكَ لَا بِشَيْءٍ هُوَ اَعْظَمُ مِنْكَ پس بسجده یَا رَبِّ

از تو بخواهم ترا بتو نه بچیزیکه آن بزرگتر از تست میروی و میگوئی ای پروردگار

بیست یَا اَللّٰهُ هفت لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ هفت مَا شَاءَ

مرتبه ایخدا مرتبه نیست حرکتی و نه قوة مگر بخدا مرتبه آنچه میخواهد

اللّٰهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ ده لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ ده پس صلوات

خدا نیست قوة مگر بخدا مرتبه نیست قوة مگر بخدا مرتبه بر محمد و آل

محمد بفرست آنچه خواهی و حاجات خود را از خدا بطلب بخدا سوگند که اگر بعدد قطرات

باران حاجت بطلبی حقتعالی تمام آنها را بتو برساند بکرم و فضل خود و بروایت دیگر بعد

از هفت مرتبه یا الله هفت مرتبه بگوید اِلٰهِي تَعَرَّضَ لَكَ فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ

یا رب محمد و شیخ ره گفته است پس بگو خدای من توجه کرده اند برای تو در این شب

الْمُتَعَرِّضُونَ وَقَصَدَكَ فِيهِ الْقَاصِدُونَ وَاَمَّلَ فَضْلَكَ

توجه کنندگان و آهنگ کردند ترا در آن آهنگ کنندگان و آرزو دارند فضل ترا

وَمَعْرُوفَكَ الطَّالِبُونَ وَلَكَ فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ نَفَحَاتٌ وَ

و احسان ترا طالبان و از برای تو است در اینشب وصلها و

عَطَايَا وَمَوَاهِبُ تَمُنُّ بِهَا عَلَى مَنْ تَشَاءُ مِنْ عِبَادِكَ وَتَمْنَعُهَا

بخششها و جودها که منت نهی بآنها بر هرکه بخواهی از بندگان خود و بازداری آنرا

مَنْ لَمْ تَسْبِقْ لَهُ الْعِنَايَةُ مِنْكَ وَهَا اَنَا ذَا عُبَيْدُكَ الْفَقِيرُ اِلَيْكَ

هرکه را پیشی نگرفته او را عنایت از تو و اینك منم بنده کوچك تو محتاج بسوی تو

الْمُؤَمِّلُ فَضْلَكَ وَمَعْرُوفَكَ فَاِنْ كُنْتَ يَا مَوْلَايَ تَفَضَّلْتَ

امیدوار فضل تو و احسان تو پس اگر بوده باشی ای آقای من که تفضل کنی

فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ عَلَى اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَعُدْتَ عَلَيْهِ بِعَائِدَةٍ

در این شب بر یکی از خلق خود که نفع داده براو بنفعی

مِنْ عَطْفِكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

از مهربانی خود پس رحمت فرست بر محمد و آل محمد که نیکانند پاکیزگانند

الْخَيِّرِينَ الْفَاضِلِينَ وَجُدْ عَلَيَّ بِطَوْلِكَ وَمَعْرُوفِكَ يَا رَبَّ

نیکانند زیادتی یافته گانند و ببخش برمن بانعام و احسان خودت ای پروردگار

الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

جهانیان و رحمت فرست بر محمد خاتم پیغمبران و آل او که پاکیزگانند

وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا اِنَّ اللّٰهَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَدْعُوكَ كَمَا

و درود فرست درود فرستادنی بدرستیکه خدا ستوده بزرگوار است خدایا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه

اَمَرْتَ فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَ اِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ

امر کردی پس بپذیر برای من چنانکه وعده کردی بدرستیکه تو خلف نمیکنی وعده را

مؤلف گوید

این دعای بسیار خوبی است و از دعاهای اینشب است اما ظاهراً جزو اینعمل سابق نیست و ابن بابویه از حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام روایت کرده است که جبرئیل بر حضرت رسول ص نازل شد و گفت یا محمد صلی الله علیه و آله امت خود را امر کن که در شب نیمه شعبان ده رکعت نماز بکنند هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخوانند پس بسجده روند و در سجده اَللّٰهُمَّ لَكَ سَجَدَ سَوَادِي وَخَيَالِي وَبَيَاضِي يَا

بگویند خدایا برای تو سجده کرد سیاهی من و تن من و سفیدی من ای

عظیم کل عظیم اغفر لی ذنبی العظیم فانه لا یغفره غیرک یا

بزرگ هر بزرگی بیامرز برای من گناه بزرگ مرا پس بدرستیکه نمیامرزد انرا بجز تو ای

عظیم

بزرگوار

پس هر که این عمل را بجا اورد محو کند از او حقتعالی هفتاد و دو هزار گناه را و مثل ان حسنه در نامهٔ اعمال او بنویسد و محو کند از پدر و مادرش هفتاد هزار گناه را و نماز دیگر نماز بیست که خاصه و عامه از حضرت رسول صلی الله علیه و اله روایت کرده اند که حضرت فرمود که در شب نیمهٔ شعبان در خواب بودم که جبرئیل بر من نازل شد و گفت ای محمد صلی الله علیه و اله ایا بخواب میروی در اینشب گفتم این چه شب است گفت نیمهٔ شعبان است پس برخیز ای محمد و برد بقبرستان بقیع و گفت سر بلند کن بسوی اسمان بدرستیکه این شبی است که درهای اسمان در ان گشوده میشود یعنی درهای رحمت و درهای خشنودی خدا و درهای امرزش گناهان و درهای فضل و احسان و درگاه توبه و درگاه نعمت و درگاه جود و بخشش و می امرزد حقتعالی از بندگان در اینشب بعدد موهای چهارپایان و گوسفندهای ایشان ای محمد صلی الله علیه و اله هر که احیا کند اینشب را بگفتن

الله اکبر و سبحان الله و لا اله الا الله

خدا بزرگتر است و منزهست خدا و نیست خدائی مگر خدا

و نماز کردن و قران خواندن و طلب امرزش کردن و استغفار نمودن بهشت در اخرت جای او باشد و گناهان گذشته و اینده او امرزیده شود ای محمد صلی الله علیه و اله هر که در اینشب صد رکعت نماز کند هر دو رکعت بیک سلام در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخواند و چون از همه فارغ شود ده مرتبه ایة الکرسی و ده مرتبه سورهٔ حمد بخواند و صد مرتبه سبحان الله بگوید حقتعالی صد گناه کبیره هلاک کننده او را بیامرزد و بعدد هر سوره و تسبیحی قصری در بهشت باو عطا کند و شفاعت او را قبول کند در صد نفر از اهل خانه و خویشان او و شریک گرداند او را در ثواب شهیدان و ثواب روزه داران و عبادت کنندگان اینماه را باو عطا کند بی انکه از ثواب انها چیزی کم شود پس احیا کن این شب را ای محمد صلی الله علیه و اله و امر کن امت خود را که احیا کنند انرا و تقرب جویند بسوی خدا بعبادت ان بدرستیکه این شبیست که بسیار شریف است یا محمد چون نزد تو میامدم جمیع ملائکه اسمانها پاهای خود را جفت کرده بودند و نزد خدا بعبادت

مشغول بودند و بعضی ایستاده بودند و بعضی در رکوع بودند و بعضی در سجود و بعضی مشغول بودند بدعا و بعضی بتکبیر و بعضی بتسبیح و بعضی باستغفار یا محمد صلی الله علیه و اله بدرستیکه حقتعالی در اینشب نظر رحمت بسوی بندگان می افکند و میامرزد هر مؤمنی را که بنماز ایستاده باشد یا نشسته مشغول تسبیح باشد یا در رکوع و سجود باشد یا مشغول یاد خدا باشد و این شبی است که هر که دعا کند البته دعایش مستجاب میشود و هر که سؤال کند باو عطا کرده میشود و هر که استغفار کند امرزیده میشود و هر که توبه کند توبه اش مقبول میگردد محروم کسی است که از خیر اینشب محروم گردد و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که هر که در شب نیمهٔ شعبان صد رکعت نماز بکند با هزار مرتبه قل هو الله احد یعنی در هر رکعت ده مرتبه بخواند نمیرد دل او روزیکه دلها از ترس مرده باشند و نمیرد تا انکه صد ملک را ببیند که او را ایمن گردانند از عذاب الهی سی نفر ایشان بشارت بهشت دهند او را و سی نفر از انها باشند که دزد دنیا او را از شر شیطان نگاه میداشته اند و سی نفر انها باشند که در شب و روز برای او استغفار میکردند در ساعات شب و روز و ده نفر که او را حفظ میکردند از شر دشمنان و منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و اله در این شب این دعا را

میخواندند

اللهم اقسم لنا من خشیتک ما یحول بیننا و بین

خدایا بهره ده ما را از ترس خود انچه را که حایل شود میان ما و میان

معصیتک و من طاعتک ما تبلغنا به رضوانک و من الیقین

نافرمانی تو و از فرمانبرداری تو انچه برساند ما را بسبب ان بخشنودی تو و از یقین

ما یهون علینا به مصیبات الدنیا اللهم امتعنا باسماعنا

انچه خوار شود برای ما بسبب ان مصیبتهای دنیا خدایا بهره ورکن ما را بگوشهای ما

و ابصارنا و قوتنا ما احییتنا و اجعلها الوارث منا و

و چشمهای ما و توانائی ما انچه زنده داری ما را و بگردان خود انرا ارث برنده از ما و

اجعل ثارنا علی من ظلمنا و انصرنا علی من عادانا و لا

بگردان خون ما را بر انکه ستم کرد ما را و یاری ده ما را بر انکه دشمنی کند ما را و

تجعل مصیبتنا فی دیننا و لا تجعل الدنیا اکبر همنا و

نگردان اندوه ما را در مذهب ما و نگردان دنیا را بزرگتر قصد ما و

لا مَبْلَغَ عِلْمِنا وَ لا تُسَلِّطْ عَلَيْنا مَنْ لا يَرْحَمُنا بِرَحْمَتِكَ يا

نه رسیدن دانش ما و مسلط مکن بر ما کسی را که رحم نکند ما را برحمت تو ای

اَرْحَمَ الرّاحِمينَ و این دعای جامع کاملی است و متضمن جمیع مطالب

بخشنده تر بخشندگان

دنیا و آخرت **و چون** دعای کمیل بن زیاد که از

خواص اصحاب حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است و بهترین دعاها است و از دعا

های این شب است و در اوقات دیگر نیز میتوان خواند با ترجمه در اینجا ایراد میتمایم

که در وقت خواندن متذکر معانی آن باشند تا فائده اش تمام تر و ثوابش عظیم تر

باشد بدانکه سید جلیل ابن طاوس در کتاب اقبال روایت کرده است که کمیل بن

زیاد گفت روزی با مولای خود حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در مسجد بصره نشسته

بودم شب نیمه شعبان مذکور شد حضرت فرمود که هر بنده امشب را بعبادت احیا

کند و دعای حضرت خضر علیه السلام را در امشب بخواند البته دعای او مستجاب گردد

چون حضرت بمنزل مراجعت نمود شب بخدمتش رفتم چون مرا دید پرسید که بچه

کار آمده ای کمیل گفتم یا امیر المؤمنین بطلب دعای خضر آمده ام فرمود بنشین ای

کمیل چون این دعا را حفظ نمائی در هر شب جمعه یا در هر ماه یا در سالی یکمرتبه

یا در عمری یکمرتبه بخوان تا کفایت شر دشمنان تو بشود و یاری کرده شوی و روزی

داده شوی و البته آمرزیده شوی ای کمیل طول صحبت و خدمت تو موجب شد که

تو را اینچنین نعمتی و کرامتی ممتاز و سرافراز گردانم و بعد از آن گفت بِسْمِ اللّهِ

بنویس و دعا را تلقین من نمود پس این است دعای کمیل

بنام خدای

الرَّحْمنِ الرَّحيمِ اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتي وَسِعَتْ

بخشنده مهربان خدایا بدرستیکه من میخواهم تو را برحمت تو که فرا گرفته

كُلَّ شَيْءٍ وَ بِقُوَّتِكَ الَّتي قَهَرْتَ بِها كُلَّ شَيْءٍ وَ خَضَعَ لَها

هر چیز را و بتوانائی تو که غلبه کرده بآن هر چیز را و خاضع شد برای او

كُلُّ شَيْءٍ وَ ذَلَّ لَها كُلُّ شَيْءٍ وَ بِجَبَرُوتِكَ الَّتي غَلَبْتَ بِها كُلَّ

هر چیزی و خوار شد برای آن هر چیزی و ببزرگواری تو که غلبه کردی بآن هر

شَيْءٍ وَ بِعِزَّتِكَ الَّتي لا يَقُومُ لَها شَيْءٌ وَ بِعَظَمَتِكَ الَّتي مَلَأَتْ

چیز را و بعزت تو که در برابر آن نمیایستد چیزی و بعظمت تو که پر کرده است

كُلَّ شَيْءٍ وَ بِسُلْطانِكَ الَّذي عَلا كُلَّ شَيْءٍ وَ بِوَجْهِكَ

هر چیز را و بپادشاهی تو که برتری کرده است هر چیز را و بذات تو که

الْباقي بَعْدَ فَناءِ كُلِّ شَيْءٍ وَ بِاَسْمائِكَ الَّتي مَلَأَتْ اَرْكانَ

باقی است بعد از فنا شدن هر چیز و بنامهای تو که پر کرده اند اجزا و ارکان

كُلِّ شَيْءٍ وَ بِعِلْمِكَ الَّذي اَحاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ وَ بِنُورِ وَجْهِكَ

همه امور را و بدانائی تو که فرا گرفته است هر چیز را و بنور ذات تو

الَّذي اَضاءَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ يا نُورُ يا قُدُّوسُ يا اَوَّلَ الْاَوَّلينَ وَ

که روشن گردیده است برای او هر چیز ای نور ای بسیار پاک ای پیش از پیشینیان و

يا آخِرَ الْآخِرينَ اَللّهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تَهْتِكُ الْعِصَمَ

ای پس از پسینیان خدایا بیامرز برای من گناهانرا که پاره میکند پردهای عصمت را

اَللّهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تُنْزِلُ النِّقَمَ اَللّهُمَّ اغْفِرْ لِيَ

خدایا بیامرز برای من گناهانرا که فرود میاورد عذابها را خدایا بیامرز برای من

الذُّنُوبَ الَّتي تُغَيِّرُ النِّعَمَ اَللّهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تَحْبِسُ

گناهانرا که تغییر میدهد نعمتها را خدایا بیامرز برای من گناهانرا که حبس میکند

الدُّعاءَ اَللّهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تُنْزِلُ الْبَلاءَ اَللّهُمَّ

دعا را خدایا بیامرز برای من گناهانرا که فرود میاورد بلا را خدایا

اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تَقْطَعُ الرَّجاءَ اَللّهُمَّ اغْفِرْ لي كُلَّ ذَنْبٍ

بیامرز برای من گناهانرا که میبرد امید را خدایا بیامرز برای من هر گناهیکه

اَذْنَبْتُهُ وَ كُلَّ خَطيئَةٍ اَخْطَأْتُها اَللّهُمَّ اِنّي اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ

کرده ام آنرا و هر خطائی که بنادانی بجا آورده ام آنرا خدایا بدرستیکه من نزدیکی میجویم بسوی تو

بِذِكْرِكَ وَ اَسْتَشْفِعُ بِكَ اِلى نَفْسِكَ وَ اَسْئَلُكَ بِجُودِكَ اَنْ

بیاد تو و شفیع میکنم تو را بسوی تو و سؤال میکنم تو را بجود تو و بخشش تو اینکه

تُدْنِيَني مِنْ قُرْبِكَ وَ اَنْ تُوزِعَني شُكْرَكَ وَ اَنْ تُلْهِمَني ذِكْرَكَ

نزدیک کردانی مرا بنزدیکی خود و آنکه قسمت من کنی شکر خود را و آنکه الهام کنی مرا بیاد خود

اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ سُؤالَ خاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ خاشِعٍ اَنْ تُسامِحَني

خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم تو را سؤال کسیکه با خضوع باشد خوار باشد با خشوع باشد اینکه مسامحه کنی

وَتَرْحَمَنِي وَتَجْعَلَنِي بِقِسْمِكَ رَاضِيًا قَانِعًا وَفِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ

و رحم کنی مرا و بگردانی مرا بقسمتهای خود راضی وخشنود و قانع و در همه حالها

مُتَوَاضِعًا اَللّٰهُمَّ وَاَسْئَلُكَ سُؤَالَ مَنِ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ

تواضع کننده خدایا و سؤال میکنم تورا سؤال کردن کسی که سخت شده است بیچیزی او

وَاَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ حَاجَتَهُ وَعَظُمَ فِيمَا عِنْدَكَ

و نازل کرده بتو نزد سختیها حاجت خودرا و بزرگشده است درانچه نزد تواست

رَغْبَتُهُ اَللّٰهُمَّ عَظُمَ سُلْطَانُكَ وَعَلَا مَكَانُكَ وَخَفِيَ

رغبت او خدایا بزرگست پادشاهی تو و بلنداست مرتبۀ تو و پنهانست

مَكْرُكَ وَظَهَرَ اَمْرُكَ وَغَلَبَ قَهْرُكَ وَجَرَتْ قُدْرَتُكَ وَلَا

مکر تو و پیداست امر و اراده تو و غالبست خشم تو و جاریست قدرت تو و ممکن نیست

يُمْكِنُ الْفِرَارُ مِنْ حُكُومَتِكَ اَللّٰهُمَّ لَا اَجِدُ لِذُنُوبِي غَافِرًا

گریختن از حکومت تو خدایا نمییابم برای گناهان خود آمرزنده

وَلَا لِقَبَائِحِي سَاتِرًا وَلَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي الْقَبِيحِ بِالْحَسَنِ مُبَدِّلًا

و نه بر قبایح خود پوشنده و نه برای چیزی از کردار خود که قبیحست بعمل نیک بدل کننده

غَيْرَكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ ظَلَمْتُ نَفْسِي وَتَجَرَّاْتُ

جز تو نیست خدائی مگر تو منزهی تو و بحمد تو مشغولم ستم کردم نفس خودرا و جرأت کردم

بِجَهْلِي وَسَكَنْتُ اِلٰى قَدِيمِ ذِكْرِكَ لِي وَمَنِّكَ عَلَيَّ اَللّٰهُمَّ مَوْلَايَ

بنادانی خود و اعتماد کردم برانکه پیوسته یاد کردی تو مرا و انعام کردی برمن خدایا ای آقای من

كَمْ مِنْ قَبِيحٍ سَتَرْتَهُ وَكَمْ مِنْ فَادِحٍ مِنَ الْبَلَاءِ اَقَلْتَهُ وَكَمْ مِنْ عِثَارٍ

چه بسیار قبیحی که پوشانیدی آنرا و چه بسیار گران از بلاها که زایل کردی آنرا و چه بسیار از لغزشها

وَقَيْتَهُ وَكَمْ مِنْ مَكْرُوهٍ دَفَعْتَهُ وَكَمْ مِنْ ثَنَاءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ اَهْلًا

که نگاه داشتی ازان و چه بسیار از ناخوش طبعی که دفع کردی آنرا و چه بسیار از یاد نیکو که نبودم سزاوار آن

لَهُ نَشَرْتَهُ اَللّٰهُمَّ عَظُمَ بَلَائِي وَاَفْرَطَ بِي سُوءُ حَالِي وَقَصُرَتْ

پهن کردی آنرا خدایا بزرگشد مصیبت من و زیاد شده مرا بدی حال من و نارساست

بِي اَعْمَالِي وَقَعَدَتْ بِي اَغْلَالِي وَحَبَسَنِي عَنْ نَفْعِي بُعْدُ اَمَالِي

بمن کردهای من و عاجز کرده مرا غلهای من و منع کرده مرا از نفع من دوری آرزوهای من

وَخَدَعَتْنِي الدُّنْيَا بِغُرُورِهَا وَنَفْسِي بِجِنَايَتِهَا وَمِطَالِي يَا سَيِّدِي

و بازی داده مرا دنیا بفریب خود و نفس من بجنایت خود و پس انداختن مرا عمل من ای آقای من

فَاَسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ اَنْ لَا يَحْجُبَ عَنْكَ دُعَائِي سُوءُ عَمَلِي وَفِعَالِي وَ

پس میخواهم تورا بعزت تو آنکه نپوشد از تو دعای مرا بدی کردار من و کردههای من

لَا تَفْضَحْنِي بِخَفِيِّ مَا اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي وَلَا تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ

و رسوا نکنی مرا به پنهانی آنچه آگاه شدهٔ بران از راز من و شتاب مکن مرا بعقوبت

عَلٰى مَا عَمِلْتُهُ فِي خَلَوَاتِي مِنْ سُوءِ فِعْلِي وَاِسَائَتِي وَدَوَامِ تَفْرِيطِي

برانچه کردهام آنرا در تنهائیهای خود از بدی کردارم و گناهم و همیشه از حد گذشتنم

وَجَهَالَتِي وَكَثْرَةِ شَهَوَاتِي وَغَفْلَتِي وَكُنِ اللّٰهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي

و نادانی من و بسیاری شهوتهایم و غفلتم و باش خدایا بعزت خودت مرا

فِي الْاَحْوَالِ كُلِّهَا رَؤُفًا وَعَلَيَّ فِي جَمِيعِ الْاُمُورِ عَطُوفًا اِلٰهِي وَرَبِّي

در همه احوال مهربان و برمن در تمام کارها دوست ای خدای من و پروردگار

مَنْ لِي غَيْرُكَ اَسْئَلُهُ كَشْفَ ضُرِّي وَالنَّظَرَ فِي اَمْرِي اِلٰهِي وَمَوْلَايَ

کیست مرا جز تو که درخواهم ازاو برداشتن بدی حالم را و نگریستن درکار من خدای من و آقای من

اَجْرَيْتَ عَلَيَّ حُكْمًا اتَّبَعْتُ فِيهِ هَوٰى نَفْسِي وَلَمْ اَحْتَرِسْ فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ

جاری ساختی برمن حکمرا که پیروی کردم دران هوای نفس خودم را و محافظت نکردم دران از زینت دادن

عَدُوِّي فَغَرَّنِي بِمَا اَهْوٰى وَاَسْعَدَهُ عَلٰى ذٰلِكَ الْقَضَاءُ فَتَجَاوَزْتُ

دشمن خودم پس فریب داد مرا بانچه جاری شد برمن وخواست و یاری او کرد براین قضا خدا پس درگذشتم

بِمَا جَرٰى عَلَيَّ مِنْ ذٰلِكَ بَعْضَ حُدُودِكَ وَخَالَفْتُ بَعْضَ اَوَامِرِكَ

بسبب آنچه جاری شد برمن از این قضاء پاره از حدهای تو و مخالفت نمودم پاره امرهای تورا

فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذٰلِكَ وَلَا حُجَّةَ لِي فِيمَا جَرٰى عَلَيَّ فِيهِ

پس تو راست بزرگی ستایش برمن در همه آنها و نیست حجتی مرا درانچه جاری گشته برمن دران

قَضَاؤُكَ وَاَلْزَمَنِي حُكْمُكَ وَبَلَاؤُكَ وَقَدْ اَتَيْتُكَ يَا اِلٰهِي بَعْدَ

قضای تو و الزام کرد مرا حکم تو و بلای تو و بتحقیق آمدهام نزد تو ای خدای من بعد از

تَقْصِيرِي وَاِسْرَافِي عَلٰى نَفْسِي مُعْتَذِرًا نَادِمًا مُنْكَسِرًا مُسْتَقِيلًا

تقصیر خود و زیاد ضرر رساندنم برخود عذرخواهنده پشیمان شکسته طلب عفو کننده

مُسْتَغْفِراً مُنِيباً مُقِرّاً مُذْعِناً مُعْتَرِفاً لا اَجِدُ مَفَرّاً مِمّا كانَ

امرزش خواهنده توبه کننده اقرار کننده تصدیق کننده اعتراف نماینده نمییابم گریزگاهی از انچه صادر شد

مِنّي وَلا مَفْزَعاً اَتَوَجَّهُ اِلَيْهِ في اَمْري غَيْرَ قَبُولِكَ عُذْري وَ

از من و نه پناهی که رو کنم بسوی ان در کار خود جز قبول کردن تو عذر مرا و

اِدْخالِكَ اِيّايَ في سَعَةٍ مِنْ رَحْمَتِكَ اَللّهُمَّ فَاقْبَلْ عُذْري

داخل کردن تو مرا در سعه از رحمت تو خدایا پس بپذیر عذر مرا

وَارْحَمْ شِدَّةَ ضُرّي وَفُكَّني مِنْ شَدِّ وَثاقي يا رَبِّ ارْحَمْ ضَعْفَ

و رحم کن شدت بدی حال مرا و رها کن مرا از بند محکم گناهان من ای پروردگار رحم کن بر ناتوانی

بَدَني وَرِقَّةَ جِلْدي وَدِقَّةَ عَظْمي يا مَنْ بَدَءَ خَلْقي وَذِكْري

بدن من و نازکی پوست من و نازکی استخوان من ای انکه ابتدا کردی آفریدن مرا و یاد مرا

وَتَرْبِيَتي وَبِرّي وَتَغْذِيَتي هَبْني لاِبْتِداءِ كَرَمِكَ وَسالِفِ

و تربیت مرا و نیکی مرا و غذا دادن مرا ببخش مرا برای ابتدای کرم خود و نیکی های

بِرِّكَ بي يا اِلهي وَسَيِّدي وَرَبّي اَتُراكَ مُعَذِّبي بِنارِكَ بَعْدَ

پیش که بمن کرده ای خدای من و اقای من و پروردگار من ایا خود را میبینی که عذاب کنی مرا باتش خود بعد

تَوْحيدِكَ وَبَعْدَ مَا انْطَوى عَلَيْهِ قَلْبي مِنْ مَعْرِفَتِكَ وَلَهِجَ

از اقرار بیگانگی تو و بعد از انچه پیچیده شده است بران دل من از شناسائی تو و گویا شده است

بِه لِساني مِنْ ذِكْرِكَ وَاعْتَقَدَهُ ضَميري مِنْ حُبِّكَ وَبَعْدَ

بان زبان من از یاد تو و محکم کرده است انرا دل من از دوستی تو و بعد از

صِدْقِ اعْتِرافي وَدُعائي خاضِعاً لِرُبُوبِيَّتِكَ هَيْهاتَ اَنْتَ

اقرار درست من و دعای من از روی خضوع برای پروردگاری تو دور است انکار تو

اَكْرَمُ مِنْ اَنْ تُضَيِّعَ مَنْ رَبَّيْتَهُ اَوْ تُبَعِّدَ مَنْ اَدْنَيْتَهُ اَوْ تُشَرِّدَ

کریمتری از انکه ضایع گردانی کسی را که خود تربیت کرده یا دور گنی کسی را که نزدیک کردی او را یا براني

مَنْ اَوَيْتَهُ اَوْ تُسَلِّمَ اِلَى الْبَلاءِ مَنْ كَفَيْتَهُ وَرَحِمْتَهُ وَلَيْتَ

کسیرا که جای داده او را یا بگذاری ببلا کسی را که دفع شر از او کرده و رحم کرده او را و کاش

شِعْري يا سَيِّدي وَاِلهي وَمَوْلايَ اَتُسَلِّطُ النّارَ عَلى وُجُوهٍ

میدانستم ای اقای من و خدای من و اقای من ایا مسلط خواهی نمود اتش را بر روهائیکه

خَرَّتْ لِعَظَمَتِكَ ساجِدَةً وَعَلى اَلْسُنٍ نَطَقَتْ بِتَوْحيدِكَ صادِقَةً

در افتاده اند برای بزرگی تو سجده کنندگان و بر زبانها ئیکه گویا شده اند بیگانگی تو راستگویان

وَبِشُكْرِكَ مادِحَةً وَعَلى قُلُوبٍ اعْتَرَفَتْ بِاِلهِيَّتِكَ مُحَقِّقَةً وَ

و بشکر تو مدح گویان و بر دلهائیکه اقرار کرده اند بخدائی تو از روی یقین و

عَلى ضَمائِرَ حَوَتْ مِنَ الْعِلْمِ بِكَ حَتّى صارَتْ خاشِعَةً وَعَلى

بر خاطرها که احاطه کرده اند از دانائی بحق تو تا انکه گردیده اند با خشوع و بر

جَوارِحَ سَعَتْ اِلى اَوْطانِ تَعَبُّدِكَ طائِعَةً وَاَشارَتْ بِاسْتِغْفارِكَ

اعضائیکه سعی کرده اند بسوی جایهای بندگی تو برغبت و اشاره کرده اند بامرزش از تو

مُذْعِنَةً ما هكَذَا الظَّنُّ بِكَ وَلا اُخْبِرْنا بِفَضْلِكَ عَنْكَ

از روی اعتماد نیست چنین گمان ما بتو و چنین خبر نداده اند ما بفضل تو از تو

يا كَريمُ يا رَبِّ وَاَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفي عَنْ قَليلٍ مِنْ بَلاءِ الدُّنْيا

ای کریم ای پروردگار من و تو میدانی ناتوانی مرا از اندکی از بلاهای دنیا

وَعُقُوباتِها وَما يَجْري فيها مِنَ الْمَكارِهِ عَلى اَهْلِها عَلى اَنَّ

و عقوبتهای ان و انچه جاری میشود در دنیا از مکروهات بر اهل دنیا برانکه

ذلِكَ بَلاءٌ وَمَكْرُوهٌ قَليلٌ مَكْثُهُ يَسيرٌ بَقاؤُهُ قَصيرٌ مُدَّتُهُ

این بلائی و ناخوشی است که اندک است ماندن ان کمست بقای ان کوتاه است مدت ان

فَكَيْفَ احْتِمالي لِبَلاءِ الْآخِرَةِ وَجَليلِ وُقُوعِ الْمَكارِهِ فيها

پس چگونه است تحمل من بلای اخرت را و بزرگی واقعشدن ناخوشیها که در ان میباشد

وَهُوَ بَلاءٌ تَطُولُ مُدَّتُهُ وَيَدُومُ مَقامُهُ وَلا يُخَفَّفُ عَنْ اَهْلِهِ

و اوست بلائیکه طولانی است مدت ان و دائم است اقامت ان و سبک نمیشود از اهلش

لاِنَّهُ لا يَكُونُ اِلّا عَنْ غَضَبِكَ وَانْتِقامِكَ وَسَخَطِكَ وَهذا

زیرا که ان نمیشود مگر از غضب تو و انتقام تو و خشم تو و این

ما لا تَقُومُ لَهُ السَّمواتُ وَالْاَرْضُ يا سَيِّدي فَكَيْفَ لي وَاَنَا

چیزیستکه نمیایستند اورا اسمانها و زمین ای اقای من پس چه رسد بمن و منم

عَبْدُكَ الضَّعيفُ الذَّليلُ الْحَقيرُ الْمِسْكينُ الْمُسْتَكينُ يا اِلهي

بنده تو ناتوان خوار بیمقدار و شکسته و شکستگی کننده ای خدای من

وَرَبِّي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ لِأَيِّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَشْكُو وَلِمَا

و پروردگار من و آقای من و صاحب من برای کدام یک از کارها بسوی تو شکایت کنم و برای

مِنْهَا أَضِجُّ وَأَبْكِي لِأَلِيمِ الْعَذَابِ وَشِدَّتِهِ أَوْ لِطُولِ الْبَلَاءِ

کدام یک از آنها بنالم و گریه کنم برای عذاب دردناک و سختی آن یا برای درازی بلاء

وَمُدَّتِهِ فَلَئِنْ صَيَّرْتَنِي لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ أَعْدَائِكَ وَجَمَعْتَ بَيْنِي

و مدت آن پس اگر بگردانی مرا در عقوبتها با دشمنان خود و فراهم کنی میان من

وَبَيْنَ أَهْلِ بَلَائِكَ وَفَرَّقْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَحِبَّائِكَ وَأَوْلِيَائِكَ

و میان اهل بلاء خود و جدائی میان من و میان دوستان خود و محبان خود

فَهَبْنِي يَا إِلٰهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَرَبِّي صَبَرْتُ عَلَى عَذَابِكَ

پس گرفتم ای خدای من و آقای من و صاحب من و پروردگار من شکیبائی نمودم بر شکنجه تو

فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ وَهَبْنِي صَبَرْتُ عَلَى حَرِّ نَارِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ

پس چگونه شکیبائی کنم بر جدائی تو و گرفتم که صبر کردم بر گرمی آتش تو پس چگونه صبر کنم

عَنِ النَّظَرِ إِلَى كَرَامَتِكَ أَمْ كَيْفَ أَسْكُنُ فِي النَّارِ وَرَجَائِي عَفْوُكَ

از نظر بسوی گرامی داشتن تو یا چگونه ساکن شوم در آتش و امید من بگذشت تو بود

فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ أُقْسِمُ صَادِقاً لَئِنْ تَرَكْتَنِي نَاطِقاً

پس بعزت تو ای آقای من و صاحب من قسم میخورم براستی که اگر بگذاری مرا گویا

لَأَضِجَّنَّ إِلَيْكَ بَيْنَ أَهْلِهَا ضَجِيجَ الْآمِلِينَ وَلَأَصْرُخَنَّ إِلَيْكَ

هر آینه خروش برآورم بتو میان اهل دوزخ خروش امیدواران و ناله کنم بسوی تو

صُرَاخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ وَلَأَبْكِيَنَّ عَلَيْكَ بُكَاءَ الْفَاقِدِينَ وَ

ناله استغاثه کنندگان و گریه کنم بر محرومی از رحمت تو گریه کسانیکه دوست خود را گم کرده باشند و

لَأُنَادِيَنَّكَ أَيْنَ كُنْتَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ يَا غَايَةَ آمَالِ الْعَارِفِينَ

ندا میکنم تورا که کجائی ای صاحب اختیار مؤمنان ای آخر آرزوی عارفان

يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ يَا حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ وَيَا إِلٰهَ الْعَالَمِينَ

ای فریادرس یاری جویان ای دوست دلهای راستان وای خدای جهانیان

أَفَتُرَاكَ سُبْحَانَكَ يَا إِلٰهِي وَبِحَمْدِكَ تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ

آیا خواهی خود را بدین منزهی تو ای خدای من و بحمد تو مشغولم که میشنوی در جهنم صدای بنده مسلمانی را

سُجِنَ فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ وَذَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا بِمَعْصِيَتِهِ وَحُبِسَ

که حبس شده در آن بجهت مخالفت او و چشیده باشد مزه عذاب آنرا بنافرمانی خود و بند کرده باشند

بَيْنَ أَطْبَاقِهَا بِجُرْمِهِ وَجَرِيرَتِهِ وَهُوَ يَضِجُّ إِلَيْكَ ضَجِيجَ مُؤَمِّلٍ

اورا میانه طباق آن بجرم او و خیانت او و او مخروش شد بسوی تو خروش امیدوار

لِرَحْمَتِكَ وَيُنَادِيكَ بِلِسَانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ

رحمت تو و میخواند تورا بزبان اهل توحید تو و توسل جوید بتو

بِرُبُوبِيَّتِكَ يَا مَوْلَايَ فَكَيْفَ يَبْقَى فِي الْعَذَابِ وَهُوَ يَرْجُو مَا

بپروردگاری تو ای صاحب من پس چگونه میماند در عذاب و او امیدوارد آنچه را

سَلَفَ مِنْ حِلْمِكَ وَرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ أَمْ كَيْفَ تُؤْلِمُهُ النَّارُ وَ

که پیش دیده است از بردباری تو و مهربانی تو و رحمت تو یا چگونه دردمیآورد اورا آتش و

هُوَ يَأْمُلُ فَضْلَكَ وَرَحْمَتَكَ أَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ لَهِيبُهَا وَأَنْتَ تَسْمَعُ

او امید دارد فضل و رحمت تورا یا چگونه میسوزاند اورا زبانه آتش و تو میشنوی

صَوْتَهُ وَتَرَى مَكَانَهُ أَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا وَأَنْتَ

صدای اورا و میبینی جای اورا یا چگونه مشتمل میشود براو زبانههای صداکننده آن و تو

تَعْلَمُ ضَعْفَهُ أَمْ كَيْفَ يَتَقَلْقَلُ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ

میدانی ناتوانی اورا یا چگونه مضطرب باشد میانه طبقات آن و تو میدانی راستی اورا

أَمْ كَيْفَ تَزْجُرُهُ زَبَانِيَتُهَا وَهُوَ يُنَادِيكَ يَا رَبَّهُ أَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي عِتْقِهِ مِنْهَا فَتَتْرُكُهُ فِيهَا هَيْهَاتَ مَا

یا چگونه زجر نماید اورا زبانیه آن و او فریاد میکند تورا که ای پروردگار یا چگونه میفرستی اورا در آن

وَهُوَ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي عِتْقِهِ مِنْهَا فَتَتْرُكُهُ فِيهَا هَيْهَاتَ مَا

و او امید دارد فضل تورا در آزاد کردن او از آتش پس خواهی گذارد اورا در آتش دور است این و

ذٰلِكَ الظَّنُّ بِكَ وَلَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ وَلَا مُشْبِهٌ لِمَا

نیست اینها گمان بتو و نیست شناخته از فضل تو و شبیه نیست بآنچه

عَامَلْتَ بِهِ الْمُوَحِّدِينَ مِنْ بِرِّكَ وَإِحْسَانِكَ فَبِالْيَقِينِ أَقْطَعُ

معامله کرده بآن با یگانه پرستان از نیکوئی تو و احسان تو پس بیقین قطع دارم

لَوْلَا مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذِيبِ جَاحِدِيكَ وَقَضَيْتَ بِهِ مِنْ

که اگر نه آن بود که حکم کرده بآن از اینکه عذاب کنی منکران خداوندی خود را و حکم کرده بآن از

اِخْلادِ مُعانِديكَ لَجَعَلْتَ النّارَ كُلَّها بَرْداً وَسَلاماً وَما

مخلد کردن معاندین خودرا هرآینه میگردانیدی آتش را همه‌اش را سرد و سلامت و نبود

كانَ لِاَحَدٍ فيها مَقَرّاً وَلا مُقاماً لكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ اَسْماۤؤُكَ

احدیرا دران محلی و نه جای نامی لکن تو که مقدس است نامهای تو

اَقْسَمْتَ اَنْ تَمْلَاَها مِنَ الْكافِرينَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنّاسِ اَجْمَعينَ

قسم یاد کرده اینکه پرکنی آتش را از کافران از جن و آدمیان همگی

وَاَنْ تُخَلِّدَ فيهَا الْمُعانِدينَ وَاَنْتَ جَلَّ ثَناۤؤُكَ قُلْتَ مُبْتَدِئاً

و اینکه همیشه بداری دران معاندانرا و تو که بزرگوار است ستایش تو گفته ابتدا کننده

وَتَطَوَّلْتَ بِالْاِنْعامِ مُتَكَرِّماً اَفَمَنْ كانَ مُؤْمِناً كَمَنْ كانَ فاسِقاً

و بخشش کرده بانعام از روی کرم ایا کسیکه باشد مؤمن مانند کسی است که باشد فاسق

لا يَسْتَوُونَ اِلهي وَسَيِّدي فَاَسْئَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتي قَدَّرْتَها

مساوی نیستند ای خداوند من و آقای من پس سؤال میکنم تورا بقدرتیکه مقدر کرده آنرا

وَبِالْقَضِيَّةِ الَّتي حَتَمْتَها وَحَكَمْتَها وَغَلَبْتَ مَنْ عَلَيْهِ اَجْرَيْتَها

و بحکمیکه واجب کرده آنرا و محکم داشته آنرا و غالب شده بر هر کسیکه آنحکم را براو جاری ساخته

اَنْ تَهَبَ لي في هذِهِ اللَّيْلَةِ وَفي هذِهِ السّاعَةِ كُلَّ جُرْمٍ

اینکه ببخشی برای من در این شب و در این ساعت هر جرمی

اَجْرَمْتُهُ وَكُلَّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ وَكُلَّ قَبيحٍ اَسْرَرْتُهُ وَكُلَّ جَهْلٍ

که کرده‌ام آنرا و هر گناهی که مرتکب آن شدم و هر بدیکه پنهان کرده‌ام آنرا و هر نادانیکه

عَمِلْتُهُ كَتَمْتُهُ اَوْ اَعْلَنْتُهُ اَخْفَيْتُهُ اَوْ اَظْهَرْتُهُ وَكُلَّ سَيِّئَةٍ اَمَرْتُ

بعمل آورده‌ام آنرا پنهان یا آشکارا خواه خفی کرده‌ام یا خود ظاهر کرده‌ام آنرا و هر بدیکه امر کرده

بِاِثْباتِهَا الْكِرامَ الْكاتِبينَ الَّذينَ وَكَّلْتَهُمْ بِحِفْظِ ما يَكُونُ مِنّي

بنوشتن آن کرام الکاتبین را که موکل گردانیده ایشانرا بحفظ آنچه صادر میشود از من

وَجَعَلْتَهُمْ شُهُوداً عَلَيَّ مَعَ جَوارِحي وَكُنْتَ اَنْتَ الرَّقيبَ عَلَيَّ مِنْ

و گردانیده ایشانرا گواهان برمن بعلاوه اعضای من و بودی تو مراقب برمن از

وَراۤئِهِمْ وَالشّاهِدَ لِما خَفِيَ عَنْهُمْ وَبِرَحْمَتِكَ اَخْفَيْتَهُ وَبِفَضْلِكَ

غیر ایشان و شاهد برانچه پنهان شده از ایشان و برحمت تو پنهان کرده آنرا و بفضل خود

سَتَرْتَهُ وَاَنْ تُوَفِّرَ حَظّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تُنْزِلُهُ اَوْ اِحْسانٍ تُفَضِّلُهُ

پوشیده آنرا و اینکه وافر کنی بهره مرا از هر نیکی که نازل میکنی آنرا یا نیکی که تفضل میکنی آنرا

اَوْ بِرٍّ تَنْشُرُهُ اَوْ رِزْقٍ تَبْسُطُهُ اَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ اَوْ خَطَاءٍ تَسْتُرُهُ يا رَبِّ

یا خوبیکه پهن میکنی آنرا یا روزی که بهم میدهی آنرا یا گناهیکه میآمرزی آنرا یا خطائیکه میپوشانی آنرا ای پروردگار من

يا رَبِّ يا رَبِّ يا اِلهي وَسَيِّدي وَمَوْلايَ وَمالِكَ رِقّي يا مَنْ

ای پروردگار من ای پروردگار من ای خداوند من و آقای من و صاحب من و مالک بندگی من ای آنکه

بِيَدِهِ ناصِيَتي يا عَليماً بِضُرّي وَمَسْكَنَتي يا خَبيراً بِفَقْري وَفاقَتي

بدست او است موی پیشانی من ای دانا بپریشانی من و بیچارگی من ای آگاه بفقر من و احتیاج من

يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ اَسْئَلُكَ بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ وَاَعْظَمِ صِفاتِكَ

ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من میخواهم تورا بحق تو و پاکی تو و بزرگترین صفات تو

وَاَسْماۤئِكَ اَنْ تَجْعَلَ اَوْقاتي فِي اللَّيْلِ وَالنَّهارِ بِذِكْرِكَ

و نامهای تو اینکه بگردانی اوقات مرا در شب و روز بیاد تو

مَعْمُورَةً وَبِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً وَاَعْمالي عِنْدَكَ مَقْبُولَةً حَتّى

آبادانی و بخدمت تو پیوند شده و کردار مرا نزد تو پسندیده تا اینکه

تَكُونَ اَعْمالي وَاَوْرادي كُلُّها وِرْداً واحِداً وَحالي في

بوده باشد کردار من و وردهای من همگی یک ورد و حال من در

خِدْمَتِكَ سَرْمَداً يا سَيِّدي يا مَنْ عَلَيْهِ مُعَوَّلي يا مَنْ اِلَيْهِ

خدمت تو همیشگی ای آقای من ای آنکس که براو است اعتماد من ای آنکه بسوی او

شَكَوْتُ اَحْوالي يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ قَوِّ عَلى خِدْمَتِكَ جَوارِحي

شکایت کردم احوال خود را ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من قوی کن بر خدمت خود اعضای مرا

وَاشْدُدْ عَلَى الْعَزيمَةِ جَوانِحي وَهَبْ لِيَ الْجِدَّ في خَشْيَتِكَ

و محکم کن برعزم بندگی خود دل مرا و ببخش برای من سعی در ترس تو

وَالدَّوامَ فِي الْاِتِّصالِ بِخِدْمَتِكَ حَتّى اَسْرَحَ اِلَيْكَ في مَيادينِ

و مداومت در متصل بودن در خدمت تو تا روان شوم بسوی تو در میدانهای

السّابِقينَ وَاُسْرِعَ اِلَيْكَ فِي الْمُبادِرينَ وَاَشْتاقَ اِلى قُرْبِكَ

پیشی‌گیران و تند روم بسوی تو در پیش گیرندگان و مشتاق شوم بقرب تو

فِی الْمُشْتَاقِینَ وَادْنُو مِنْکَ دُنُوَّ الْمُخْلِصِینَ وَاخَافَکَ مَخَافَةَ

درمیان مشتاقان و نزدیک شوم بتو نزدیکی مخلصان و بترسم ترا ترسیدن

الْمُوقِنِینَ وَاجْتَمِعَ فِی جِوَارِکَ مَعَ الْمُؤْمِنِینَ اَللّٰهُمَّ وَمَنْ اَرَادَنِی

صاحبان یقین و جمع شوم در همسایگی رحمت تو با مؤمنین خدایا و هرکه اراده کند مرا

بِسُوءٍ فَارِدْهُ وَمَنْ کَادَنِی فَکِدْهُ وَاجْعَلْنِی مِنْ اَحْسَنِ عَبِیدِکَ

ببدی پس اراده کن اورا و هرکه مکر کند مرا پس مکر کن اورا و بگردان مرا از بهترین بندگان خود

نَصِیبًا عِنْدَکَ وَاَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً مِنْکَ وَاَخَصِّهِمْ زُلْفَةً لَدَیْکَ

بهره نزد خود و نزدیکترین ایشان در مرتبه از تو و مخصوص ترین ایشان از قرب نزد تو

فَاِنَّهُ لَا یُنَالُ ذٰلِکَ اِلَّا بِفَضْلِکَ وَجُدْ لِی بِجُودِکَ وَاعْطِفْ

زیرا که نمیتوان رسید باین مرتبه مگر بفضل تو و ببخش مرا بجود خود و مهربانی کن

عَلَیَّ بِمَجْدِکَ وَاحْفَظْنِی بِرَحْمَتِکَ وَاجْعَلْ لِسَانِی بِذِکْرِکَ لَهِجًا وَ

مرا ببزرگی خود و نگاه دار مرا برحمت خود و بگردان زبان مرا بذکر خودت گویا و

قَلْبِی بِحُبِّکَ مُتَیَّمًا وَمُنَّ عَلَیَّ بِحُسْنِ اِجَابَتِکَ وَاَقِلْنِی عَثْرَتِی وَ

دل مرا بمحبت خودت بیتاب و منت گذار بر من به نیکی اجابت خود و درگذر از لغزش من و

اغْفِرْ زَلَّتِی فَاِنَّکَ قَضَیْتَ عَلٰی عِبَادِکَ بِعِبَادَتِکَ وَاَمَرْتَهُمْ

بیامرز گناه مرا پس بدرستیکه تو حکم کرده بر بندگان خود بعبادت خود و امر نموده ایشانرا

بِدُعَائِکَ وَضَمِنْتَ لَهُمُ الْاِجَابَةَ فَاِلَیْکَ یَا رَبِّ نَصَبْتُ وَجْهِی

بخواندن خود و ضامن شده برای ایشان قبول را پس بسوی تو ای پروردگار من بازداشتم روی خود را

وَاِلَیْکَ یَا رَبِّ مَدَدْتُ یَدِی فَبِعِزَّتِکَ اسْتَجِبْ لِی دُعَائِی وَ

و بسوی تو ای پروردگار من کشیده‌ام دست خود را پس بعزت خودت قسم مستجاب کن دعای مرا و

بَلِّغْنِی مُنَایَ وَلَا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِکَ رَجَائِی وَاکْفِنِی شَرَّ الْجِنِّ

برسان مرا بآرزوی خود و مکن قطع از فضل خود امید مرا و کفایت کن مرا بدی جن

وَالْاِنْسِ مِنْ اَعْدَائِی یَا سَرِیعَ الرِّضَا اِغْفِرْ لِمَنْ لَا یَمْلِکُ اِلَّا

و آدمیانرا از دشمنان من ای زود خشنود بیامرز کسیرا که مالک نیست مگر

الدُّعَاءَ فَاِنَّکَ فَعَّالٌ لِمَا تَشَاءُ یَا مَنِ اسْمُهُ دَوَاءٌ وَذِکْرُهُ شِفَاءٌ

دعا را پس بدرستیکه تو کننده آنچه را میخواهی ای آنکه نام او دواست دردها را و یاد او شفاست بیماریها را

وَطَاعَتُهُ غِنًی اِرْحَمْ مَنْ رَاْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ وَسِلَاحُهُ الْبُکَاءُ

و فرمانبرداری او توانگریست رحم کن کسیرا که سرمایه او امید است و حربه او گریه است

یَا سَابِغَ النِّعَمِ یَا دَافِعَ النِّقَمِ یَا نُورَ الْمُسْتَوْحِشِینَ فِی الظُّلَمِ یَا

ای صاحب نعمتهای کامل ای دفع کننده عذابها ای روشنائی وحشت یافتگان در تاریکیها ای

عَالِمًا لَا یُعَلَّمُ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِی مَا اَنْتَ

دانای نیاموخته از کسی رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بکن بمن آنچه تو

اَهْلُهُ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی رَسُولِهِ وَالْاَئِمَّةِ الْمَیَامِینَ مِنْ آلِهِ وَ

سزاوار اوئی و رحمت فرستد خدا بر پیغمبر خود و پیشوایان صاحب میمنت از اولاد او و

سَلَّمَ تَسْلِیمًا کَثِیرًا

درود فرستد دورود فراوان

فصل پنجم

در اعمال بقیه ماه است از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هرکه سه روز آخر شعبان را روزه بدارد و بماه مبارک رمضان وصل کند حقتعالی ثواب روزه دو ماه متوالی از برای او بنویسد و ابو الصلت هروی روایت کرده است که در جمعه آخر ماه شعبان بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام رفتم حضرت فرمودند ای ابو الصلت اکثر ماه شعبان رفت و اینجمعه آخر آنست پس تلافی کن آنچه از اینماه مانده است تقصیرهارا که در ایام گذشته اینماه کرده و بر تو باد که رو آوری بر آنچه نافع است برای تو در آخرت و دعا و استغفار بسیار بکن و تلاوت قرآن مجید بسیار بکن و توبه کن بسوی حقتعالی از گناهان خود تا آنکه چون ماه مبارک در آید خالص گردانیده باشی خود را از برای خدا مگذار در گردن خود امانت و حقی کسی را مگر آنکه ادا کنی و مگذار در دل خود کینه کسیرا مگر آنکه بیرون کنی و مگذار گناهیرا که میکردی مگر آنکه ترک کنی و از خدا بترس و توکل کن بر خدا در پنهان و آشکارا در امور خود و هرکه بر خدا توکل کند خدا بس است ورا و بسیار بخوان در آنچه باقیمانده است اَللّٰهُمَّ اِنْ لَمْ تَکُنْ غَفَرْتَ لَنَا فِیمَا مَضٰی مِنْ

از اینماه این دعا را خدایا اگر نباشی آمرزیده مارا در آنچه گذشته است از

شعبان فاغفر لنا فیما بقی منه بدرستیکه حقتعالی در اینماه آزاد می
شعبان پس بیامرز ما را در آنچه باقیمانده از آن گرداند بندهٔ بسیار از آتش جهنم برای

حرمت ماه رمضان و بسند بسیار معتبر منقولست که حضرت صادق علیه السلام در شب آخر ماه شعبان و شب اول ماه
اللهم ان هذا الشهر المبارک الذی انزلت
رمضان این دعا را میخواندند خدایا بدرستیکه اینماه مبارکست که فرو فرستادی

فیه القرآن وجعلته هدی للناس وبینات من الهدی و
در آن قرآن را و گردانیدی راهنما برای مردمان و معجزها از هدایت و

الفرقان قد حضر فسلمنا فیه وسلمه لنا وتسلمه منا فی
جدا کننده تحقیق که حاضر شد پس سالم دار ما را در آن و سالم دار او را برای ما و سالم دار او را از ما در

یسر منک وعافیة یا من اخذ القلیل وشکر الکثیر اقبل
آسانی از خودت و عافیت ای آنکه گرفته است اندک را و جزا داده کثیر را بپذیر

منی الیسیر اللهم انی اسئلک ان تجعل لی الی کل خیر سبیلا
از من اندک را خدایا بدرستیکه من میخواهم تو را که بگردانی مرا بسوی هر نیکی راهی را

ومن کل ما لا تحب مانعا یا ارحم الراحمین یا من عفی عنی و
و از هر چه نداری دوست بازدارنده ای رحیم‌ترین راحمان ای آنکه در گذشته از من و

عما خلوت به من السیئات یا من لم یؤاخذنی بارتکاب المعاصی
از آنچه خلوت کرده با او از بدیها ای آنکه نگیری مرا بمرتکب شدن معصیتها

عفوک عفوک یا کریم الهی وعظتنی فلم اتعظ وزجرتنی
در گذر از تو در گذر در گذر ای بزرگوار ای خدای من پند دادی مرا پس پند نگرفتم و منع نمودی مرا

عن محارمک فلم انزجر فما عذری فاعف عنی یا کریم عفوک
از محرمات خود پس ممنوع نشدم پس عذر من چیست پس در گذر از من ای بزرگوار در گذر تو

عفوک اللهم انی اسئلک الراحة عند الموت والعفو
در گذر در گذر خدایا بدرستیکه من میخواهم تو را راحت را نزد مرگ و در گذشتن را

عند الحساب عظم الذنب من عبدک فلیحسن العفو من عندک یا
نزد حساب بزرگست گناه از بندهٔ تو پس باید نیکو شود آمرزش از نزد تو ای

اهل التقوی ویا اهل المغفرة عفوک عفوک عفوک اللهم انی
سزاوار پرهیزکاری وای سزاوار آمرزش در گذر در گذر در گذر خدایا بدرستیکه من

عبدک ابن عبدک ابن امتک ضعیف فقیر الی رحمتک وانت
بندهٔ توام پسر بندهٔ تو پسر کنیز تو ناتوان محتاج بسوی رحمت تو و تویی

منزل خیر الغنی والبرکة علی العباد قادر مقتدر احصیت اعمالهم
فرود آورنده بهترین بی‌نیازی و برکت بر بندگان با غلبه با اقتدار شمردی کردارهای ایشان را

وقسمت ارزاقهم وجعلت مختلفة السنتهم والوانهم خلقا
و قسمت نمودهٔ روزیهای ایشان را و گردانیدهٔ مختلف زبانهای ایشان را و رنگهای ایشان را از بینش

من بعد خلق لا یعلم العباد علمک ولا یقدر العباد قدرک
پس از آفرینش نمیدانند بندگان علم تو را و توانائی ندارند بندگان توانائی تو را

وکلنا فقراء الی رحمتک فلا تصرف عنی وجهک واجعلنی
و همه ما محتاجانیم بسوی رحمت تو پس مگردان از من روی خود را و بگردان مرا

من صالح خلقک فی العمل والامل والقضاء والقدر اللهم
از شایسته خلق تو در کردار و آرزو و قضا و قدر خداوندا

ابقنی خیر البقاء وافننی خیر الفناء علی موالاة اولیائک ومعاداة
باقی دار مرا بهترین باقی داشتن و فانی کن مرا بهترین فانی کردنی بر دوستی دوستان خود و دشمنی

اعدائک والرغبة الیک والرهبة منک والخشوع والوفاء
دشمنان خودت و میل نمودن بسوی تو و ترسیدن از تو و فروتنی و وفاء

والتسلیم لک والتصدیق بکتابک واتباع سنة رسولک
و تسلیم مر تو را و تصدیق کردن بکتاب تو و پیروی کردن طریقه پیغمبر تو

اللهم ما کان فی قلبی من شک او ریبة او جحود او قنوط او
خداوندا آنچه باشد در دل من از شک یا شبهه یا انکاری یا نومیدی یا

فرح او بذخ او بطر او خیلاء او ریاء او سمعة او شقاق او
شادی یا طغیانی یا سرکشی یا کبری یا ریائی یا شنوانیدن بخلق یا بدبختی یا

نفاق او کفر او فسوق او عصیان او عظمة او شیء لا تحب
نفاق یا کفر یا فسقها یا نافرمانی یا بزرگی یا چیزیکه دوست نداری

فاسئلک یا رب ان تبدلنی مکانه ایمانا بوعدک ووفاء
پس میخواهم تو را ای پروردگار من که بدل کنی مرا بجای او ایمان را بوعدهٔ خود و وفاء

بِعَهْدِكَ وَرِضًا بِقَضَائِكَ وَزُهْدًا فِي الدُّنْيَا وَرَغْبَةً فِيمَا

بعهد تو وخشنودی بقضای تو وبی رغبتی در دنیا ورغبت درانچه

عِنْدَكَ وَاَثَرَةً وَطُمَانِينَةً وَتَوْبَةً نَصُوحًا اَسْئَلُكَ ذٰلِكَ يَا

نزد تست وعطا وارام گرفتن . وبازگشت نصوح میخواهم تورا اینرا ای

رَبَّ الْعَالَمِينَ اِلٰهِي اَنْتَ مِنْ حِلْمِكَ تُعْصٰى فَكَاَنَّكَ لَمْ تُرَ وَمِنْ

پروردگار جهانیان خدای من تو از بردباری تو عصیان کرده شده پس گویا تو نمیبینی واز

جُودِكَ وَكَرَمِكَ تُطَاعُ فَكَاَنَّكَ لَمْ تُعْصَ وَاَنَا وَمَنْ لَمْ يَعْصِكَ

جود تو وکرم تو اطاعت کرده شده پس گویا تو نافرمانی کرده نشدی ومن وانکه نافرمانی تو نکرد

سُكَّانُ اَرْضِكَ فَكُنْ عَلَيْنَا بِالْفَضْلِ جَوَادًا وَبِالْخَيْرِ عَوَّادًا يَا

ساکنان زمین تو پس باش برما بفضل خود بخشش کننده وبه نیکی مراجعت کننده ای

اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ صَلٰوةً دَائِمَةً

رحم کننده تر راحمان و رحمت خدا بر محمد و آل او رحمتی همیشگی

لَا تُحْصٰى وَلَا تُعَدُّ وَلَا يَقْدِرُ قَدْرَهَا غَيْرُكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

که احصا نشود وشمرده نشود واندازه نکند اندازهٔ انرا جز تو ای رحم کننده تر راحمان

وَاَمَّا نمازهای مخصوص شبها که باسانید معتبره وارد نشده وعلما ذکر کرده اند شب اول صد رکعت با حمد وتوحید یکمرتبه وبعد از فارغ شدن هفتاد مرتبه سورهٔ حمد بخواند دوم پنجاه رکعت با حمد وتوحید ومعوذتین هر یک سه مرتبه سیم دو رکعت در هر رکعت حمد وبیست وپنج مرتبه توحید چهارم چهار رکعت در هر رکعت حمد وبیست وپنج مرتبه توحید پنجم دو رکعت در هر رکعت حمد وپانصد مرتبه توحید وبعد از نماز هفتاد مرتبه صلوات بر محمد وآل محمد ششم چهار رکعت در هر رکعت حمد وده مرتبه توحید هفتم دو رکعت در هر رکعت حمد وصد مرتبه توحید هشتم دو رکعت در رکعت اول حمد وآیهٔ آمن الرسول تا اخر سوره وپانزده مرتبه توحید ودر دوم حمد وآیهٔ قل انما انا بشر مثلکم وپانزده مرتبه توحید نهم چهار رکعت در هر رکعت حمد وده مرتبه اذا جاء نصر الله دهم چهار رکعت در هر رکعت حمد وآیة الکرسی وانا اعطیناك الکوثر سه مرتبه یازدهم هشت رکعت در هر رکعت حمد وده مرتبه قل یا ایها الکافرون دوازدهم دوازده رکعت

در هر رکعت حمد وده مرتبه سورهٔ الهیکم التکاثر سیزدهم دو رکعت در هر رکعت حمد ویکمرتبه سورهٔ والتین چهاردهم چهار رکعت در هر رکعت حمد وپنج مرتبه سورهٔ والعصر پانزدهم چهار رکعت در میان نماز شام وخفتن ودر هر رکعت حمد وده مرتبه توحید وبعد از نماز یَا رَبِّ اغْفِرْ لَنَا وده یَا رَبِّ ارْحَمْنَا وده یَا رَبِّ تُبْ عَلَيْنَا

ده مرتبه ای پروردگار من بیامرز مرا مرتبه ای پروردگار من رحم کن مرا مرتبه ای پروردگار من میل بر ازما

وبیست ویکمرتبه سُبْحَانَ اللّٰهِ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتٰى وَيُمِيتُ الْاَحْيَاءَ وَ

توحید وده مرتبه منزهست خدائی که زنده میکند مردگانرا ومیمیراند زندگانرا و

هُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ شانزدهم دو رکعت در هر رکعت حمد ویکمرتبه

او بر هر چیزی تواناست

آیة الکرسی وپانزده مرتبه توحید هفدهم دو رکعت در هر رکعت حمد وهفتاد ویکمرتبه توحید وبعد از نماز هفتاد مرتبه استغفار هیجدهم ده رکعت در هر رکعت حمد وپنج مرتبه توحید نوزدهم دو رکعت در هر رکعت حمد وپنج مرتبه آیهٔ قل اللهم مالك الملك بیستم چهار رکعت در هر رکعت حمد وپانزده مرتبه سورهٔ اذا جاء نصر الله بیست ویکم هشت رکعت در هر رکعت حمد ویکمرتبه توحید ومعوذتین بیست ودوم دو رکعت در هر رکعت حمد ویکمرتبه قل یا ایها الکافرون وپانزده مرتبه توحید بیست وسیم سی رکعت در هر رکعت حمد ویکمرتبه سورهٔ اذا زلزلت بیست وچهارم دو رکعت در هر رکعت حمد ویکمرتبه سورهٔ اذا جاء نصر الله بیست وپنجم ده رکعت در هر رکعت حمد ویکمرتبه الهیکم التکاثر بیست وششم دو رکعت در هر رکعت حمد وده مرتبه آیهٔ آمن الرسول بیست وهفتم دو رکعت در هر رکعت حمد وده مرتبه سورهٔ سبح اسم ربك الاعلی بیست وهشتم چهار رکعت در هر رکعت حمد ویکمرتبه توحید ومعوذتین بیست ونهم ده رکعت در هر رکعت حمد یکمرتبه وهر یك از الهیکم التکاثر وتوحید ومعوذتین ده مرتبه سی ام دو رکعت در هر رکعت حمد وده مرتبه سبح اسم ربك الاعلی وبعد از سلام صد مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ

باب سیم

در بیان مجملی از فضایل و اعمال ماه مبارک رمضان است و در آن هشت فصل است

فصل اول

در بیان فضیلت اینماه مبارک است باید دانست که ماه مبارک رمضان ماه خداوند
عالمیان است و شریفترین ماهها است چنانچه بسند معتبر از حضرت امام رضا علیه
السلام روایت کرده اند که حضرت رسول خدا صلعم در آخر ماه شعبان خطبه خواندند
و فرمودند ایها الناس بدرستیکه رو کرده است بسوی شما ماه خدا با برکت و
رحمت و آمرزش ماهیست که نزد خدا بهترین ماهها است و روزهایش بهترین روزها
است و شبهایش بهترین شبها است و ساعتهای آن بهترین ساعتها است ماهی است
که خوانده اند شما را بسوی ضیافت خدا و گردیده اید در آن از اهل کرامت خدا نفسهای
شما در آن ثواب تسبیح دارد و خواب شما ثواب عبادت دارد و عملهای شما در آن
مقبول است و دعای شما در آن مستجاب است پس سؤال کنید از پروردگار خود به نیتهای
درست و دلهای پاکیزه از گناهان و صفا از همه که توفیق دهد شما را برای روزه
داشتن آن و تلاوت کردن قرآن در آن بدرستیکه شقی و بد عاقبت کسی است که
محروم گردد از آمرزش خدا در اینماه عظیم و یاد کنید بگرسنگی و تشنگی شما در
اینماه گرسنگی و تشنگی روز قیامت را و تصدق کنید بر فقیران و مسکینان خود
و تعظیم نمائید پیران خود را و رحم کنید کودکان خود را و نوازش نمائید خویشان
خود را و نگاه دارید زبانهای خود را از آنچه نباید گفت و بپوشید دیدهای خود را
از آنچه حلال نیست شما را نظر کردن بسوی آن و باز دارید گوشهای خود را از آنچه
حلال نیست شما را شنیدن آن و مهربانی کنید با یتیمان مردم تا مهربانی کنند بعد
از شما با یتیمان شما و بازگشت کنید بسوی خدا از گناهان خود و بلند کنید بسوی خدا دستهای
خود را بدعا در اوقات نمازهای خود زیرا که وقت نمازها بهترین ساعتها است نظر میکند
حقتعالی در این اوقات برحمت بسوی بندگان خود و جواب میگوید ایشان را هرگاه او را
مناجات کنند و لبیک میگوید ایشان را هرگاه او را ندا کنند و مستجاب میگرداند هرگاه او را
دعا کنند ایگروه مردمان بدرستیکه جانهای شما در گرو کردهای شما است پس از گرو بدر
آورید بطلب آمرزش از خدا و پشتهای شما گرانبار است از گناهان شما پس سبک

گردانید اینها را بطول دادن سجدها و بدانید که حقتعالی سوگند یاد کرده است بعزت
خود که عذاب نکند نمازگذارندگان و سجده کنندگان را و نترساند ایشان را باتش جهنم
در روز قیامت ایها الناس هر که از شما افطار دهد روزه دار مؤمنی را در اینماه او را
برای او خواهد بود نزد خدا ثواب بنده آزاد کردن و آمرزش گناهان گذشته پس بعضی
از صحابه گفتند یا رسول الله همه ما قدرت بر این نداریم حضرت فرمودند بپرهیزید از
آتش جهنم بافطار فرمودن روزه داران اگرچه بنصف دانه خرما باشد اگرچه بیک
شربت آب باشد بدرستیکه خدا این ثواب را میدهد کسی را که چنین کند اگر قادر بر
زیاده از این نباشد ایها الناس هر که خلق خود را در اینماه نیکو گرداند بر صراط بگذرد در
در روزیکه قدمها بر آن لغزد و هر که سبک گرداند در اینماه خدمت غلام و کنیز
خود را حقتعالی در قیامت حساب او را آسان گرداند و هر که در اینماه شر خود را از مردم
باز دارد حقتعالی غضب خود را در قیامت از او باز دارد و هر که در اینماه یتیمی پدر را
گرامی دارد خدا او را در قیامت گرامی دارد و هر که در اینماه صله و احسان کند با
خویشان خود خدا وصل کند او را برحمت خود در قیامت و هر که در اینماه قطع احسان
خود از خویشان خود کند خدای عز و جل در قیامت قطع رحمت خود از او بکند
و هر که نماز سنتی در اینماه بکند حقتعالی برای او برات بیزاری از آتش جهنم بنویسد
و هر که در اینماه نماز واجبی را ادا کند خدا عطا کند باو ثواب هفتاد نماز واجب که در
ماههای دیگر میکرده است و هر که در اینماه بسیار صلوات بفرستد بر من و
بر آل من خدا سنگین گرداند ترازوی اعمال او را در روزیکه ترازوها اعمال سبک
باشد و کسیکه یک آیه از قرآن در اینماه بخواند ثواب کسی داشته باشد که در ماه
های دیگر ختم قرآن کرده باشد ایها الناس بدرستیکه درهای بهشت در اینماه
گشاده است پس سؤال کنید از پروردگار خود که بر روی شما نبندد و درهای
جهنم در اینماه بسته است از خدا سؤال کنید که بر شما نگشاید و شیاطین را در
اینماه غل میکنند پس سؤال کنید از خدا که هرگز بر شما مسلط نگرداند و ایضا
از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که در ماه رمضان خطبه خواندند و
فرمودند ایها الناس اینماه ماهی است که خدا آنرا بر ماههای دیگر فضیلت
داده است مانند فضیلت ما اهل بیت بر سایر مردم و در اینماه گشوده میشود

درهای آسمان و درهای بهشت و درهای رحمت و بسته میشود درهای جهنم و در این ماه شنیده میشود نداهای مؤمنان و مستجاب میگردد دعای ایشان و رحم میکند گریه‌های ایشان را و در این ماه شبی هست که در آن شب ملائکه از آسمان بزمین میایند و سلام میکنند بر مردمان و زنان روزه دار بر حضرت پروردگار خود تا طلوع صبح و آن شب قدر است که حقتعالی مقدر کرده است در آن شب و لایت و امامت ما را پیش از آنکه آدم ع را خلق کند بدو هزار سال و عبادت آن شب بهتر است از عبادت هزار ماه و روزه روزش بهتر است از روزه هزار ماه ایها الناس بدرستیکه آفتابهای ماه رمضان و ماهتابهای آن طالع میشوند بر مردان و زنان روزه دار با رحمت و این ماه مانند ماههای دیگر نیست روزهایش بهترین روزها است و شبهایش بهترین شبها است و دیوان و شیاطین را در این ماه غل کرده در زندان اند و زیاده میکند در این ماه روزیها و عمرها را و مینویسند و مقدر میگردانند در این ماه حاجیان بیت الله الحرام را و در این ماه حقتعالی رو میکند اهل ایمان را با آمرزش و فیروزی و رحمت و روزی و خوشنودی خداوند جزا دهنده ای روزه دار پس تدبیر کار خود بکن بدرستیکه در این ماه مهمان پروردگار خودی نظر کن و تامل نما که چگونه خواهی بود در شب خود و روز خود و چگونه نگاه میداری اعضا و جوارح خود را پس نظر کن که شبها در خواب نباشی و روزها غافل از یاد خدا نباشی پس بیرون رود ماه و گناهان تو باقی مانده باشد پس در هنگامیکه روزه داران مزدهای خود را بگیرند تو از جمله زیانکاران باشی و در وقتیکه بکرامت آقای خود فایز گردند تو از جمله محرومان باشی و در روزیکه سعادتمند میگردند بمجاورت دوستان پروردگار خود تو از رانده شدگان باشی ای روزه دار اگر تو را آقای تو از درگاه خود براند بکدام درگاه روی خواهی آورد و اگر محروم گرداند تو را پروردگار تو که روزی خواهد داد تو را و اگر او تو را خوار کند که تو را گرامی خواهد داشت و اگر او تو را ذلیل گرداند که تو را عزیز خواهد کرد و اگر او تو را واگذارد که تو را یاری خواهد کرد و اگر او تو را از بندگان خود قبول نکند بندگی کدام خداوند را اختیار خواهی کرد و اگر او لغزشها و گناهان تو را نیامرزد امید بکه خواهی داشت برای آمرزش گناهان خود و اگر خود

از کرم بر تو واجب گردانیده از تو طلب نماید چه جواب در برابر خواهی گفت ای روزه دار تقرب بجوی بسوی پروردگار خود بتلاوت کردن کتاب خدا در شبها و روزهای این ماه زیرا که کتاب خدا شفاعت کننده ایست که شفاعت او را قبول میکند و در قیامت شفاعت میکند برای آنهائیکه تلاوت آن کرده اند پس بالا میروند بر درجات بهشت بقدر تلاوت آیات قرآن ای روزه دار بشارت باد تو را که هر نفسی که در این ماه میکشی ثواب تسبیح در نامه عمل تو مینویسند و خواب تو در این ماه عبادت است و طاعت تو در این ماه مقبول است و گناهان تو در این ماه آمرزیده است و آوازهای تو در این ماه بدعا شنیده شده است و مناجات و رازیکه با خدا گوئی بر تو رحم میکند بدرستیکه شنیده ام از حبیب خود حضرت رسول ص که خداوند عالمیان آزاد میکند در هر شب از شبهای ماه مبارک رمضان آزاد کردهای است از آتش جهنم که عدد ایشان را بغیر از خدا کسی نمیداند و چون شب آخر میشود در آن شب میامرزد مثل آنچه در جمیع ماه آمرزیده است و ایضا فرمود که هر که ماه رمضان را روزه بدارد و نفس خود را از چیزهائیکه خدا حرام کرده است نگاهدارد البته بهشت او را واجب گردد و هر که در این ماه روزه دارد و در هیچ شب از شبهای آن افطار بحرام نکند البته داخل بهشت شود پس امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که شنیده ام از سید انبیا صلی الله علیه و آله که فرمود که بهترین اوصیا پیغمبران در بهترین ماهها شهید خواهد شد گفتم بهترین ماهها کدام است و بهترین اوصیا کیست فرمود که بهترین ماهها ماه رمضان است و بهترین اوصیا توئی یا علی گفتم یا رسول الله این البته خواهد شد فرمود بلی بحق پروردگارم بدرستیکه برانگیخته میشود بدبخت ترین امت من جفت پی کننده ناقه صالح و ضربتی بر سر تو خواهد زد که ریش تو از خون سرت خضاب شود پس مردم شروع بگریه و فغان کردند و حضرت از منبر بزیر آمدند و ایضا از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بسندهای معتبر فرمود ایها الناس هر که وارد شود بر او ماه رمضان پس روزه دارد روزهای او را و بایستد بنماز و عبادت قدر مقرری از شبهای او و نماز ها را در اوقات فضیلت بجا آورد و مبادرت کند بنماز جمعه آن و بامداد بنماز عید آن حاضر شود پس دریافته خواهد بود ثواب شب قدر را و فایز میگردد بجایزه‌ها و بخششهای بزرگ خدا و بخششهای خدا مانند بخششهای بندگانش نیست

فصل دوم

در بیان حقیقت روزه است و آنچه در آن معتبر است بدانکه روزه باز داشتن خود است از چیزی چند که روزه را میشکند از طلوع صبح تا برطرف شدن سرخی از جانب مشرق بنا بر مشهور یا پنهان شدن قرص آفتاب و برطرف شدن شعاع آن از کوهها و عمارات مرتفعه و قول اول احوط است با نیت قربت پس باید که بداند آنچیزها را تا نیت تواند کرد و چون میان علما اختلاف بسیار است در آنها اگر قصد کند که ترک همه را از برای رضای خدا کند ظاهرا کافی باشد اما بهتر آنستکه آنچه متفق باشد و جوب آنها قصد ترک آنها کند بعنوان وجوب و آنچه خلافی باشد قصد ترک آنها کند احتیاطا و آنچیزی دیگر غیر مکروه باشد قصد ترک آنها کند مستحبا و لکن قصد ترک جمیع محرمات را ضم کند بهتر است و اما آنها که واجبست ترک آنها کردن **اول و دوم** چیزی خوردن و چیزی آشامیدنست و چیزیکه خوردن و آشامیدن آنها متعارف و معتاد باشد در آن خلافی نیست که مبطل صوم است و موجب قضا و کفاره هر دو میشود اگر بعنوان معتاد بخورد و اگر بغیر معتاد بوده باشد مانند آنکه در دماغ یا گوش بچکاند چیزی را و بحلق داخل شود محل خلافست و همچنین خلافست در خوردن و آشامیدن چیزی چند که معتاد مردم نباشد خوردن و آشامیدن آنها مانند سنگ و چوب و خاک و گیاهها و آب فشرده شده از گیاهها غیر معتاد و اظهر آنستکه اگر بعنوان معتاد باشد اجتناب از آن واجبست و احوط آنستکه اگر بکند قضا و کفاره هر دو را بعمل آورد **سیم** جماع کردن در قبل زنست مطلقا خواه انزال شده باشد خواه نه و فعل آن موجب قضا و کفاره میشود بخلاف و جماع در دبر زن بدون انزال نیز مبطل صوم و موجب قضا و کفاره است و بعضی مبطل نمیدانند و اول اقوی است **چهارم** باقی ماندنست بر جنابت تا صبح و اشهر و اقوی آنستکه مبطل است و موجب قضا و کفاره است و بعضی مبطل ندانسته اند و بعضی قضا تنها واجب دانسته اند و احوط آنستکه اگر زن حایض پاک شود پیش از صبح غسل بکند و اگر نکند احوط آنستکه غسل بکند بعد از صبح و آن روز را روزه بدارد و قضا نیز بکند و اگر جنب را غسل متعذر باشد احوط آنستکه تیمم بکند و تیمم را نشکند تا صبح شود و خواب اول بعد از جنابت در حالیکه نیت غسل کردن داشته باشد و

احتمال بیدار شدن رود جایز است و مشهور آنستکه اگر تا صبح بیدار نشود قضای آن روز بر او واجب نیست و بعضی واجب دانسته اند و آن احوط است و مشهور آنستکه اگر بخوابد تا صباح و نیت غسل نداشته باشد بر او قضا و کفاره لازم است و این احوط است اگرچه در دلیلش سخنی هست و مشهور در خواب دوم وجوب قضاست و این قول اقوی است بلکه در آن خلافی ظاهر نیست و جمعی از اصحاب را اعتقاد آنست که در خواب سیم جنب هرگاه بصبح رسد قضا و کفاره هر دو واجبست و اقوی عدم وجوب کفاره است و بعضی از متاخرین را اعتقاد آنستکه خواب بعد از بیدار شدن از احتلام حکم خواب دوم دارد چنانچه والد مرحوم فقیر اختیار نموده و این احوط است بلکه خالی از قوتی نیست و بدانکه در روزهای دیگر غیر ماه رمضان خلافست که آیا باید صبح را پاک دریابد یا نه و حق آنستکه در قضای ماه رمضان نباید تا صبح جنب باشد و در غیر قضا احوط آنستکه اگر صبح پاک نباشد و واجب معین نباشد آن روز را روزه ندارد و اگر معین باشد آن روز را روزه بدارد و قضا نیز بکند اما اگر عمدا کرده باشد دور نیست که کفاره در کار نباشد و اگر بدهد احوط است و در روزه سنت اگر بر جنابت عمدا بماند تا صبح و پیش از زوال غسل بکند و نیت روزه کند بگمان فقیر روزه اش صحیح است و در واجب معین اگر عمدا نیت را ترک کند و پیش از زوال نیت کند مشهور آنستکه روزه اش باطلست و قضا میکند و کفاره واجب نمیشود و اگر از روی فراموشی نیت را ترک کند تا زوال نیت میتواند کرد و در واجب غیر معین تا زوال نیت میتواند کرد اگرچه قضای ماه رمضان باشد و در روزه سنت خلافی نیست اگر در شب نیت نکرده باشد و مفطری بعمل نیاورده باشد تا اول زوال نیت میتوان کردن و بعد از زوال خلافست بعضی گفته اند تا نزدیک بشام نیت میتواند کرد و جمعی از علما محققین باین قائلند و نزد فقیر اقوی است و بعضی گفته اند که بعد از زوال نیت نمیتواند کرد و بعضی گفته اند که اگر پیش از زوال نیت کند ثواب روزه تمام روز را مییابد و اگر بعد از زوال نیت کند ثواب روزه بعد از نیت تا شام را مییابد **پنجم** رسانیدن غبار غلیظ است بحلق و بعضی آنرا موجب قضا و کفاره میدانند و بعضی قضا تنها و بگمان فقیر مبطل نیست و احوط اجتناب مشهور است و بعضی از متاخرین ملحق ساخته اند بغبار غلیظ دود غلیظ و

بخار غلیظ را که از اجزا منفصل شود چون دود تنور و بخار دیک و اظهر عدم بطلانست و احوط اجتنابست حتی از دود تنباکو **ششم** استمنا است یعنی طلب نزول منی کردن با حصول آن و موجب قضا و کفاره است و مشهور آنستکه هرگاه ملامسه کند و ملاعبه کند و انزال شود روزه باطل میشود و قضا و کفاره لازمست و بعضی در آن تأمل نموده اند خصوصا وقتیکه نسبت بحلال خود باشد و عادت او انزال نباشد و احوط بلکه اقوی وجوب قضا و کفاره است مطلقا و در نظر کردن بزن حلال یا صدای او شنیدن یا بخیال خود در آوردن هرگاه باعث آمدن منی شود و قصد انزال نداشته باشد و بآن معتاد نباشد خلافست و اظهر عدم وجوب قضا و کفاره است **هفتم** قی کردنست عمدا و اکثر موجب قضا تنها میدانند و بعضی قضا و کفاره هر دو را واجب میدانند و بعضی هیچیکرا واجب نمیدانند و مسئله مشکل است و وجوب قضا تنها خالی از قوت نیست و مشهور آنستکه هرگاه بی اختیار آید بر او قضا نیست و بعضی قضا را واجب دانسته اند و این قول ضعیف است **هشتم** حقنه است و بعضی موجب قضا و کفاره هر دو دانسته اند و بعضی موجب قضا تنها و بعضی حرام دانسته اند و بعضی موجب هیچ یک ندانسته اند و بعضی حقنه مایع را موجب قضا دانسته اند و جامد را مکروه دانسته اند و بعضی مطلقا مکروه دانسته اند و این قول اقوی است و احوط آنستکه بدون ضرورت حقنه بمایع نکند و اگر بکند قضا بکند و اشهر و اقوی آنستکه چکانیدن دوا در گوش موجب فساد صوم نمیشود و صعود در بینی هرگاه تعدی بحلق نکند و ایضا اقوی آنستکه جایز است و بعضی موجب قضا و کفاره دانسته اند و اگر بحلق رسد احوط اجتنابست **نهم** دروغ گفتن بر خدا و رسول خدا و ائمه طاهرین صلوات الله علیهم است یا آنکه حدیث دروغی نقل کند یا مسئله خلاف واقعی بگوید بلکه کسی که اهلیت مسئله گفتن نداشته باشد مسئله بگوید در حرمت آن شکی نیست و بعضی در روزه موجب قضا و کفاره میدانند و بعضی گویند که موجب فساد صوم نمیشود و خالی از قوتی نیست و احوط آنستکه اگر بکند قضا کند و کفاره بدهد **دهم** سر فرو بردن در آبست و جمعی آنرا موجب قضا و کفاره میدانند و بعضی موجب قضا تنها میدانند و بعضی حرام میدانند و موجب هیچیک نمیدانند و بعضی مکروه میدانند و اظهر حرمت است

و عدم وجوب قضا و کفاره و بعضی گفته اند که اگر سر را با بدن فرو برد تا گردن و بدن بیرون آب باشد باز حکم ارتماس دارد و این احوطست و بعضی گفته اند که اگر فرو برد منافذ سر را دفعة هرچند منابت مو بیرون باشد باز حکم ارتماس دارد و این احوطست و احوط آنستکه در روزه سنت نیز سر را بآب فرو نبرد و بعضی تجویز کرده اند و احوط ترکست **یازدهم** بلعیدن آنچه از سینه بر آید یا از دماغ فرود آید در فرو بردن آن از علما را سه قول است اول جواز ابتلاع آنچه بیرون میاید از سینه مادامیکه از دهن منفصل نشود و عدم جواز از قسم دیگر دوم جواز ابتلاع هر دو قسم مادام که بدهن نرسد و تحریم ابتلاع هر دو هرگاه بدهن برسد سیم جواز کشیدن از سینه و سر و جواز فرو بردن مادامیکه از دهن جدا نشود و جمعی که حکم بفساد کرده اند و بعضی بقضا تنها قائل شده اند و بعضی کفاره را نیز واجب میدانند و بعضی بکفاره جمع قائل شده اند و گمان فقیر آنستکه هیچیک لازم نمیشود و اما احتیاط آنستکه بعد از آنکه بفضای دهن رسید فرو نبرد **دوازدهم** مشهور میان علما آنستکه مکروهست زن روزه دار در میان آب بنشیند و بعضی گفته اند هرگاه تا کمر در آب بنشیند قضا بر او لازم است و بعضی کفاره را نیز لازم دانسته اند و اول اظهر است و خوابیدن فندران و مصطکی اگر ابش فرو برود بعضی حرام دانسته اند و بعضی موجب قضا دانسته اند و اظهر جواز است و مشهور میان علما آنستکه اگر کسی گمان داشته باشد که شب باقی است بلکه اگر شک هم داشته باشد جایز است خوردن و آشامیدن تا صبح مشخص شود و اگر معلوم شود که صبح بوده است و او چیزی خورده یا آشامیده اگر ملاحظه کرده است و خورده باشد قضا واجب نیست و اگر ملاحظه نکرده خورده باشد قضا واجبست و کفاره واجب نیست و اگر کسی مضمضه کند جهة وضوی نماز واجب و آب بی اختیار بحلقش رود قضا بر آن واجب نیست و اگر جهة نافله باشد بعضی گفته اند قضا بر او واجب است و اگر بعبث مضمضه کند و آب بحلقش رود جمعی قضا را واجب دانسته اند و این احوطست و اظهر عدم وجوبست مطلقا و در روایتی وارد شده است که بعد از مضمضه سه مرتبه آب دهان را بیندازد و این احوط است

فصل سیم

در بیان سنتها و آداب روزه است مکروه است روزه دار را بوسیدن زنان و

دست بستن آنها مالیدن و دست بازی کردن با آنها و اقرب آنست که کراهت مخصوص
بصورتی است که اینها محرک شهوت او باشد و خوف وقوع در جماع داشته باشد
و مکروهست چشم کشیدن چیزی که از او طعمی باشد که بحلق برسد یا در آن مشک باشد
و مشهور کراهت بیرون آوردن خون است از بدن که باعث ضعف باشد و در حجامت احتیاط
بیشتر باید کرد و چون داخل شدن حمام که مضعف باشد و مکروهست بو کردن گلها
خصوصا نرگس و بهتر آنست که مشک را نبوید و سایر بوهای خوش مکروه نیست بلکه
سنت است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که طیب تحفه صائم است و فرمود که هر روزه
داری که در اول روز خود را خوشبو کند عقلش زایل نگردد و اشهر و اقوی آنست که بوییدن
رایحه غلیظ مفطر نیست و بعضی گفته اند بوییدن رایحه غلیظ که بجوف رسد موجب
قضا و کفاره میشود و احوط آنست که بوی خوش سائیده که بدماغ بالا رود
نبوید چنانکه در روایت وارد شده است و مکروهست که صائم جامه که ملاصق بدن
است تر کند و مکروهست زن صائمه را که در آب نشیند چنانکه گذشت و از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که هرگاه روزه داری میباید که روزه باشد گوش تو و چشم
تو و موی تو و پوست تو و جمیع اعضای تو یعنی از محرمات بلکه از مکروهات و فرمود که باید روز
روزه تو مانند روز افطار تو نباشد و ایضا از آنحضرت علیه السلام منقول است که هرگاه
فرمود روزه نه همین از خوردن و آشامیدن است تنها بلکه باید که در روز روزه نگاه دارید
زبان خود را از دروغ و بپوشانید چشمهای خود را از حرام و با یکدیگر نزاع مکنید
و حسد مبرید و غیبت مکنید و مجادله مکنید و سوگند دروغ مخورید بلکه
سوگند راست مخورید و دشنام مدهید و فحش مگوئید و ستم مکنید و بیخردی
مکنید و دلتنگ مشوید و غافل مشوید از یاد خدا و از نماز و خاموش باشید از آنچه
نباید گفت و صبر کنید و راستگو باشید و دوری کنید از اهل شر و اجتناب کنید از گفتار
بدروغ و افترا و خصومت نمودن با مردم و گمان بد بردن و غیبت کردن و سخن چینی کردن
و خود را مشرف بر آخرت دانید و خود را منتظر فرج و ظهور قائم آل محمد باشید و آرزو
مند ثوابهای آخرت باشید و توشه اعمال صالحه برای سفر آخرت بردارید و بر شما
باد بآرام دل و آرام تن و خضوع و خشوع و شکستگی و مذلت و مانند بنده که از آقای
خود ترسد ترسان باشد از عذاب خدا و امیدوار باشد رحمت او را و باید پاک باشد

ای روزه دار دل تو از عیبها و باطن تو از حیلها و مکرها و پاکیزه باشد بدن تو از
کثافتها و بیزاری بجو بسوی خدا از آنچه غیر او است و در روزه ولایت خود را خالص
گردان از برای او و خاموش باشی از آنچه حق تعالی نهی کرده است ترا از آن در آشکار
و پنهان و بترس از خداوند قهار آنچه سزاوار ترسیدن او است در پنهان و آشکار او
ببخشی روح و بدن خود را بخدای عز و جل در ایام روزه خود و فارغ گردانی دل
خود را از برای محبت او و یاد او و بدن خود را بکار فرمائی در آنچه خدا ترا امر
کرده است بآن و خوانده است بسوی آن اگر همه اینها را بعمل آوری آنچه سزاوار روزه
داشتن است بعمل آورده و فرموده خداوند را اطاعت کرده و آنچه کم کنی از اینها
که بیان کردم از برای تو بقدر آن از روزه تو کم میشود از فضل آن و ثواب آن بدرستی
که پدرم گفت که رسول خدا شنید که زنی در روزه جاریه خود را دشنام داد ای
روزه از خوردن و آشامیدن تنها نیست بدرستیکه حق تعالی روزه را حجابی گردانیده
است از سایر امور قبیحه از کردار بد و گفتار بد چه کمند روزه داران و بسیارند
گرسنگی کشندگان و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود که چه بسیار روزه داری
که بهره نیست او را از روزه بغیر تشنگی و گرسنگی و چه بسیار عبادت کننده که نیست او را
بهره از عبادت بغیر بیخوابی خوشا خواب زیرکان که بهتر از بیداری و عبادت احمقان است و
خوشا افطار کردن زیرکان که بهتر از روزه داشتن بیخردانست زیرا که خواب امر آنان
چون بنیت صحیح و قلب طاهر واقع میشود از جمله عبادات ایشان است بلکه ارواح ایشان
در عالم قدس با ارواح انبیا و اوصیا و خلص مؤمنان محشور میگردند و بر اسرار
غیب و رؤیای صادقه مطلع میگردند و راهی از راههای قرب ایشان است و افطار
خردمندان چون از روی دانائی است و بوجهیکه حق تعالی خواسته افطار مینمایند
بهتر است از روزه های احمقان که روزه را دستگاه خودفروشی خود کرده اند و
بریا و عجب ممزوج میگردانند و بشرایط صوم عمل نمیکنند

فصل چهارم

در بیان آداب دخول ماه رمضان است سنت است طلب هلال ماه رمضان و بعضی واجب
دانسته اند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که چون هلال

ماه رمضان را دیدی اشاره بسوی هلال مکن و رو بقبله کن و دستها را بسوی خدا بلند کن و خطاب بماه کن و بگوی رَبِّیْ وَرَبُّکَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِینَ اَللّٰهُمَّ اَهِلَّهُ

پروردگار من و پروردگار تو خدای پروردگار جهانیانست خدایا داخلگردان ماه را

عَلَیْنَا بِالْاَمْنِ وَالْاِیْمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْاِسْلَامِ وَالْمُسَارَعَةِ

برما با امن بودن و درستی ایمان و سلامت داشتن و اسلام و شتافتن

اِلٰی مَا تُحِبُّ وَتَرْضٰی اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِیْ شَهْرِنَا هٰذَا وَارْزُقْنَا

بسوی آنچه دوست داری و پسندی خدایا برکت ده برای ما در ماهها اینماه و روزی ده ما را

خَیْرَهُ وَعَوْنَهُ وَاصْرِفْ عَنَّا ضُرَّهُ وَشَرَّهُ وَبَلَائَهُ وَفِتْنَتَهُ

نیکوئی اینماه را و یاری او را و بگردان از ما بدی او را و شر او را و بلای او را و آشوب او را

و بهترین دعاها دعای هلال صحیفه کامله است و ابن ابی عقیل ره اینده عارا در وقت رؤیت هلال ماه رمضان واجب دانسته است که بخوانند

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ خَلَقَنِیْ وَخَلَقَكَ وَقَدَّرَ مَنَازِلَكَ وَجَعَلَكَ

ستایش مر خدایرا که آفرید مرا و آفرید ترا و تقدیر کرد منزلهای ترا و گردانید ترا

مَوَاقِیْتَ لِلنَّاسِ اَللّٰهُمَّ اَهِلَّهُ عَلَیْنَا اِهْلَالًا مُبَارَكًا اَللّٰهُمَّ

نشانه اوقات برای مردم خدایا داخلگردان ماه را برما داخل گردانیدن با برکت خدایا

اَدْخِلْهُ عَلَیْنَا بِالسَّلَامَةِ وَالْاِسْلَامِ وَالْیَقِیْنِ وَالْاِیْمَانِ وَ

داخل کن ماه را برما بسلامت و اسلام و یقین و ایمان و

الْبِرِّ وَالتَّقْوٰی وَالتَّوْفِیْقِ لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضٰی و در شب اول جماع با حلال

نیکی و پرهیزکاری و توفیق مر آنچه را دوست داری و پسندی

خود سنت است و غسل در شب اول ماه رمضان اگر در نهر جاری و سی کف آب بریزد بر سر با طهارت معنوی باشد تا ماه رمضان آینده و در حدیث دیگر فرمود که هر که در شب اول ماه رمضان غسل کند خارش بدن در آن سال باو نرسد و ایضا منقولست که چون ماه رمضان داخل میشد حضرت صادق علیه السلام فرزندان خود را وصیت میفرمود که اهتمام کنید و سعی نمائید در اینماه در عبادت که در اینماه روزیها قسمت میشود و اجلها و عمرها نوشته میشود و حاجیان در اینماه مقدر میشوند و در اینماه شبی هست که بهتر است از هزار ماه و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقولست که بر شما باد در ماه رمضان

باستغفار و دعا بدرستیکه دعا دفع میکند بلا را از شما و استغفار محو کند گناهان شما را و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در شب اول ماه رمضان سنت است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که در شب اول ماه رمضان تا شب آخر زیارت آنحضرت بکند گناهان او بریزد مانند برگ از درختان و از گناه بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد شده است و ثواب حج و عمره خدا او را عطا کند و ایضا از آنحضرت منقولست که هر که در شب ماه رمضان سوره انا فتحنا در نماز نافله بخواند در آن سال از بلاها محفوظ گردد و بروایتی دیگر از آنحضرت منقولست که هر که در شب اول ماه رمضان دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد سوره انعام بخواند و از خدا سؤال کند که حقتعالی از او کفایت شر و ترک کند خدا او را کفایت کند از آنچه میترسد از بیماریها و ترسها و دردها و نماز را نشسته میتوان کرد و سوره را از روی قرآن میتوان خواند و اگر در شب اول ماه نیت روزه تمام ماه را بکند و باز هر شب نیت کند بهتر است و نیت چنین کند که قصد میکند که فردا روزه ماه رمضان بگیرد لازم و واجب تقرب بخدا و در روز اول ماه سنت است که غسل کند در آب جاری و سی کف آب بر سر بریزد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون در اول سال چنین کند از جمیع دردها و بیماریها در تمام سال ایمن باشد و ایضا از آنحضرت منقولست که هر که در روز اول اینماه کفی از گلاب بر رو بریزد از خواری و پریشانی نجات یابد و اگر هر روز بکند در آنروز از این بلاها ایمن گردد و هر که یک کف از گلاب در روز اول ماه بر سر بریزد در آن سال از مرض سرسام ایمن شود و بسند معتبر از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقولست که هر که در اول هر ماه دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه قل هو الله احد و در رکعت دوم بعد از حمد سی مرتبه انا انزلناه بخواند و بعد از نماز تصدق کند با آنچه میسر میشود سلامتی اینماه را خریده است و در روز اول ماه این دعا سنت است اَللّٰهُمَّ قَدْ حَضَرَ شَهْرُ رَمَضَانَ وَقَدِ افْتَرَضْتَ عَلَیْنَا صِیَامَهُ

خدایا بتحقیق که آمده است ماه رمضان و بتحقیق واجب کرده برما روزه او را

وَاَنْزَلْتَ فِیْهِ الْقُرْاٰنَ هُدًی لِلنَّاسِ وَبَیِّنَاتٍ مِنَ الْهُدٰی وَ

و فرو فرستادی در آن قرآن را هدایت برای مردمان و حجتها از هدایت و

الْفُرْقَانِ اَللّٰهُمَّ اَعِنَّا عَلٰی صِیَامِهِ وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا وَتَسَلَّمْهُ مِنَّا وَ

جدا نمودن حق از باطل خدایا مدد کن ما را بر روزه آن و بپذیر او را از ما و سالم گردان او را از ما و

سَلِّمْهُ لَنا فی یُسْرٍ مِنْكَ وَعافِیَةٍ اِنَّكَ عَلی كُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ

سالم گردان اورا از برای ما در آسانی از تو و عافیت بدرستیکه تو بر هر چیزی توانائی

و ایضاً از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون ماه مبارک داخل میشد حضرت رسول صلی الله علیه و آله این دعا را میخواندند اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ قَدْ دَخَلَ شَهْرُ رَمَضانَ

خدایا بدرستیکه بتحقیق داخل شد ماه رمضان

اَللّٰهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضانَ الَّذی اَنْزَلْتَ فیهِ الْقُرْآنَ وَجَعَلْتَهُ

خدایا ای پروردگار ماه رمضان که فرستادی دران قرآنرا و گردانیدی اورا

هُدیً لِلنّاسِ وَبَیِّناتٍ مِنَ الْهُدی وَالْفُرْقانِ اَللّٰهُمَّ فَبارِكْ

راهنما بمردمان و شاهدها از هدایت و فرق گذارنده حق و باطل خدایا پس مبارک گردان

لَنا فی شَهْرِ رَمَضانَ وَاَعِنّا عَلی صِیامِهِ وَصَلَواتِهِ وَتَقَبَّلْهُ مِنّا

برای ما در ماه رمضان و یاری ده مارا بر روزه او و نماز او و قبول کن اورا از ما

و ایضاً بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که نزد داخل شدن ماه رمضان یعنی روز اول یا شب اول دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت اول بعد از حمد سوره انا فتحنا بخواند و در رکعت دوم هر سوره که خواهد حقتعالی جمیع بدیها را در آنسال از او دور گرداند و در حفظ خدا باشد تا سال آینده و در شب اول یا روز اول دعای صحیفه کامله را بخواند که بهترین دعاهاست و کلینی و شیخ طوسی و دیگران ره بسند صحیح روایت کرده اند که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که در ماه مبارک رمضان در اول سال یعنی روز اول ماه چنانچه علما فهمیده اند این دعا را بخواند و فرمود که هر که این دعا را از برای رضای خدا و بی شائبه اغراض فاسده و ریا بخواند در آنسال بلا و بر سد فتنه و گمراهی و نه آفتی که ضرر رساند بدین او یا بدن او و حقتعالی او را حفظ کند از شر آنچه در آنسال واقع میشود از بلا و دعا این است اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ

خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم

بِاسْمِكَ الَّذی دانَ لَهُ كُلُّ شَیْءٍ وَبِرَحْمَتِكَ الَّتی وَسِعَتْ كُلَّ شَیْءٍ

تورا بنام تو که فروتنی کرده از برای او هر چیز و برحمت تو که فرو گرفته هر چیز را

وَبِعَظَمَتِكَ الَّتی تَواضَعَ لَها كُلُّ شَیْءٍ وَبِعِزَّتِكَ الَّتی قَهَرَتْ بِها

و ببزرگی تو که فروتنی کرده است از برای آن هر چیز و بعزت تو که قهر کرده تو بآن

كُلَّ شَیْءٍ وَبِقُوَّتِكَ الَّتی خَضَعَ لَها كُلُّ شَیْءٍ وَبِجَبَرُوتِكَ الَّتی غَلَبَتْ

هر چیز را و بتوانائی تو که فروتنی کرده است از برای آن هر چیز و بجبروت تو که غالب شد

كُلَّ شَیْءٍ وَبِعِلْمِكَ الَّذی اَحاطَ بِكُلِّ شَیْءٍ یا نُورُ یا قُدُّوسُ یا اَوَّلُ

هر چیز را و بعلم تو که احاطه کرده هر چیز ای نور ای منزه ای اول

قَبْلَ كُلِّ شَیْءٍ وَیا باقِیَ بَعْدَ كُلِّ شَیْءٍ یا اَللّٰهُ یا رَحْمٰنُ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ

پیش از هر چیز وای باقی بعد فنای هر چیز ای خدا ای بخشنده رحمت فرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تُغَیِّرُ النِّعَمَ وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ

و آل محمد و بیامرز برای من گناهانرا که تغییر میدهد نعمتهارا و بیامرز برای من گناهانرا

الَّتی تُنْزِلُ النِّقَمَ وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تَقْطَعُ الرَّجاءَ وَاغْفِرْ لِیَ

که فرو میآورد عذابهارا و بیامرز برای من گناهانرا که میبرد آرزوهارا و بیامرز برای من

الذُّنُوبَ الَّتی تُدیلُ الْاَعْداءَ وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تَرُدُّ الدُّعاءَ

گناهانرا که غالب میگرداند دشمنانرا و بیامرز برای من گناهانرا که رد میکند دعارا

وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی یُسْتَحَقُّ بِها نُزُولُ الْبَلاءِ وَاغْفِرْ لِیَ

و بیامرز برای من گناهانرا که سزاوار میشود بآن فرود آمدن بلاء و بیامرز برای من

الذُّنُوبَ الَّتی تَحْبِسُ غَیْثَ السَّماءِ وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تَكْشِفُ

گناهانرا که بند میکند باران آسمانرا و بیامرز برای من گناهانرا که ظاهر میکند

الْغِطاءَ وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تُعَجِّلُ الْفَناءَ وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ

پوشیدگی هارا و بیامرز برای من گناهانرا که شتاب میکند فنارا و بیامرز برای من گناهانرا

الَّتی تُورِثُ النَّدَمَ وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تَهْتِكُ الْعِصَمَ وَ

که میراث برد پشیمانی را و بیامرز برای من گناهانرا که میدرد عصمت را و

اَلْبِسْنی دِرْعَكَ الْحَصینَةَ الَّتی لا تُرامُ وَعافِنی مِنْ شَرِّ ما اُحاذِرُ

بپوشان مرا زره حصینه محکم باشد که قطع کرده نشود و عافیت ده مرا از شر آنچه حذر میکنم

بِاللَّیْلِ وَالنَّهارِ فی مُسْتَقْبَلِ سَنَتی هٰذِهِ اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمٰواتِ

در شب و روز در آینده سال من اینسال خدایا پروردگار آسمانهای

السَّبْعِ وَرَبَّ الْاَرَضینَ السَّبْعِ وَما فیهِنَّ وَما بَیْنَهُنَّ وَرَبَّ

هفتگانه و پروردگار زمینهای هفتگانه و آنچه در آنهاست و آنچه میان آنهاست و پروردگا

العرش العظیم ورب السبع المثانی والقرآن العظیم ورب اسرافیل و

عرش بزرگ و پروردگار هفت آیه که دوبار نازل شده و قرآن بزرگ و پروردگار اسرافیل و

میکائیل وجبرئیل ورب محمد صلی الله علیه وآله سید المرسلین

میکائیل و جبرئیل و پروردگار محمد رحمت خدا براو و آل او که بزرگ رسولانست

وخاتم النبیین اسئلک بک وبما سمیت به یا عظیم انت الذی تمن

و آخر پیغمبران سؤال میکنم تورا بتو و بآنچه نام برده شده تو باو ای بزرگ توئی آنکه منت بنهاده

بالعظیم وتدفع کل محذور وتعطی کل جزیل وتضاعف الحسنات

بچیز بزرگ و دفع کرده هر محذوری را و داده هر چیز بزرگی را و دوچندان میکنی حسناترا

بالقلیل وبالکثیر وتفعل ما تشاء یا قدیر یا الله یا رحمن صل علی

بچیز اندک و به بسیار و میکنی آنچه را میخواهی ای توانا ای خدا ای بخشنده رحمت فرست بر

محمد واهل بیته والبسنی فی مستقبل سنتی هذه سترک ونضر وجهی

محمد و اهل خانه او و بپوشان مرا در آینده سال من این سال مغفرت خودرا و سبز گردان رو مرا

بنورک واحببنی بمحبتک وبلغنی رضوانک وشریف کرامتک و

بنور تو و دوست دار مرا بدوستی خود و برسان مرا خشنودی خودرا و بزرگی کرامت خودرا و

جسیم عطیتک واعطنی من خیر ما عندک ومن خیر ما انت معطیه

بزرگ بخشش خودرا و ببخش مرا از نیکیها آنچه نزد تست و از نیکیها آنچه تو بخشنده اورا

احدا من خلقک والبسنی مع ذلک عافیتک یا موضع کل شکوی

هر یکی از خلقان خود و بپوشان مرا با اینمذکورات عافیت خودرا ای موضع هر شکایت

ویا شاهد کل نجوی ویا عالم کل خفیة ویا دافع ما تشاء من بلیة یا

وای شاهد هر راز و ای دانای هر پوشیدگی و ای دفع کننده آنچه را خواهی از بلیها ای

کریم العفو یا حسن التجاوز توفنی علی ملة ابرهیم وفطرته وعلی دین

صاحب عفو ای خوب تجاوز کننده از گناهان بمیران مرا بر دین ابراهیم و طریقه او و بر دین

محمد صلی الله علیه وآله وسنته وعلی خیر الوفاة فتوفنی موالیا

محمد رحمت فرستد خدا براو و آل او و طریقه او و بر بهترین مردنها پس بمیران مرا دوستدارنده

لاولیائک ومعادیا لاعدائک اللهم وجنبنی فی هذه السنة

مر دوستان تورا و دشمن دارنده مر دشمنان تورا خدایا و دور کن مرا در این سال

کل عمل او قول او فعل یباعدنی منک واجلبنی الی کل عمل او قول

از هر عملی یا قولی یا فعلی که دور کند مرا از تو و نزدیک کن مرا بسوی هر عملی یا قولی

او فعل یقربنی منک فی هذه السنة یا ارحم الراحمین وامنعنی

یا فعلی که نزدیک کند مرا از تو در این سال ای رحم کننده تر رحم کنندگان و باز دار مرا

من کل عمل او قول او فعل یکون منی اخاف ضرر عاقبته واخاف

از هر عملی یا قولی یا فعلی که صادر شود از من ترسم بدی عاقبت اورا و ترسم

مقتک ایای علیه حذار ان تصرف وجهک الکریم عنی فاستوجب

خشم تورا نگهدار مرا براو از جهت ترس که برگردانی روی جود را که کریم است از من پس مستوجب شوم

به نقصا من حظ لی عندک یا رؤف یا رحیم اللهم اجعلنی فی مستقبل

بسبب او نقصی از بهره که از برای من است نزد تو ای مهربان ای مهربان خدایا بگردان مرا در آینده

سنتی هذه فی حفظک وفی جوارک وفی کنفک وجللنی ستر

امسال در حفظ خود و در همسایگی خود و در حمایت خود و بپوشان مرا پوشش

عافیتک وهب لی کرامتک عز جارک وجل ثناؤک ولا اله

عافیت خود و ببخش مرا کرامت خود عزیز است همسایه تو و بزرگست مدایح تو و نیست خدائی

غیرک اللهم اجعلنی تابعا لصالحی من مضی من اولیائک و

غیر تو خدایا بگردان مرا پیرونده صالحان که گذشته اند از دوستان تو و

الحقنی بهم واجعلنی مسلما لمن قال بالصدق علیک منهم واعوذ

ملحق گردان مرا باایشان و بگردان مرا مسلمان برای کسیکه گفت براستی بر تو از ایشان و پناه میبرم

بک اللهم ان تحیط بی خطیئتی وظلمی واسرافی علی نفسی واتباعی

بتو خدایا اینکه فرو گیرد مرا گناهان من و ستم من و اسراف من بر نفس من و پیروی کردن

لهوای واشتغالی لشهواتی فیحول ذلک بینی وبین رحمتک و

آرزوهای من و مشغول شدن من مر خواهشهایم را پس واسطه شود اینها میان من و میان رحمت تو و

رضوانک فاکون منسیا عندک متعرضا لسخطک ونقمتک

خشنودی تو پس باشم من فراموش شده نزد تو متعرض شونده بر خشم تو و عذاب تو

اللهم وفقنی لکل عمل صالح ترضی به عنی وقربنی الیک زلفی

خدایا توفیق ده مرا برای هر عمل صالحی که خشنود شوی بآن از من و نزدیک کن مرا بتو نزدیکی

اَللّٰهُمَّ كَما كَفَيْتَ نَبِيَّكَ مُحَمَّداً صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَوْلَ عَدُوِّهِ
خدایا چنانکه نگاهداشتی پیغمبر خود محمد را رحمت فرستد خدا براو و آل او ازترس دشمنان او

وَفَرَّجْتَ هَمَّهُ وَكَشَفْتَ غَمَّهُ وَصَدَقْتَهُ وَعْدَكَ وَاَنْجَزْتَ لَهُ عَهْدَكَ
و برطرف کردی هم اورا وگشودی غم اورا وراستی کرده اورا بوعدهٔ خود وجزم کرده ازبرای او عهد خود

اَللّٰهُمَّ فَبِذٰلِكَ فَاكْفِنِي هَوْلَ هٰذِهِ السَّنَةِ وَآفاتِها وَاَسْقامَها وَ
خدایا پس بحق این پیغمبر پس نگاهدار مرا ازترسهای امسال وآفتهای آن و بیماریهای آن و

فِتْنَتَها وَشُرُورَها وَاَحْزانَها وَضِيقَ الْمَعاشِ فِيها وَبَلِّغْنِي بِرَحْمَتِكَ
آشوبهای آن دبدیهای آن وغمهای آن وتنگی معاش دران وبرسان مرا برحمت خود

كَمالَ الْعافِيَةِ بِتَمامِ دَوامِ النِّعْمَةِ عِنْدِي اِلىٰ مُنْتَهىٰ اَجَلِي اَسْئَلُكَ
بتمام عافیت را بتمام بودن همیشگی نعمت نزد من تا انتهای مدت من میخواهم تورا

سُؤالَ مَنْ اَساءَ وَظَلَمَ وَاسْتَكانَ وَاعْتَرَفَ وَاَسْئَلُكَ اَنْ تَغْفِرَ
خواندن کسیکه بدکرده است وستم کرده وزاری کرده واقرار کرده است ومیخواهم تورا اینکه بیامرزی مرا

لِي ما مَضىٰ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي حَصَرَتْها حَفَظَتُكَ وَاَحْصَتْها كِرامُ
انچه گذشته از گناهان که سترده اند انرا حفظه تو و سترده اند انرا بزرگان

مَلائِكَتِكَ عَلَيَّ وَاَنْ تَعْصِمَنِي اِلٰهِي مِنَ الذُّنُوبِ فِيما بَقِيَ مِنْ عُمْرِي
فرشتگان تو برمن واینکه نگاهداری مرا خدای من از گناهان درانچه باقی مانده ازعمرمن

اِلىٰ مُنْتَهىٰ اَجَلِي يا اَللهُ يا رَحْمٰنُ يا رَحِيمُ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ
تا انقطاع مدت من ایخدا ای بخشنده ایمهربان رحمت فرست برمحمد و اهل بیت محمد

وَآتِنِي كُلَّ ما سَئَلْتُكَ وَرَغِبْتُ اِلَيْكَ فِيهِ فَاِنَّكَ اَمَرْتَنِي
وبده بمن هرانچه را که میخواهم ازتو ورغبت دارم بتو دران پس بدرستیکه تو امر کردی مرا

بِالدُّعاءِ وَتَكَفَّلْتَ لِي بِالْاِجابَةِ يا اَرْحَمَ الرّاحِمِينَ
بدعا کردن وضامن شده برای من باجابت کردن ابرحم کننده تر رحم کنندگان

فصل پنجم

دربیان اعمال هر روز وهرشب ماه مبارک رمضان است ازحضرت صادق علیه السلام منقول است که بعد از هر نماز در ماه یا عَلِيُّ یا عَظِیمُ یا غَفُورُ یا رَحِیمُ اَنْتَ الرَّبُّ الْعَظِیمُ
ای بلند مرتبه ایبزرگ ای امرزنده ایمهربان توئی پروردگار بزرگ

مبارک این دعا را میخواندند

اَلَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ وَهٰذا شَهْرٌ عَظَّمْتَهُ
که نیست مانند او چیزی واو شنوای بیناست و این ماهیست که بزرگ شمرده اورا

وَكَرَّمْتَهُ وَشَرَّفْتَهُ وَفَضَّلْتَهُ عَلَى الشُّهُورِ وَهُوَ الشَّهْرُ الَّذِي
و گرامی داشته اورا وشرافت داده اورا وتفضیل داده اورا بر ماههای دیگر و او ماهیست که

فَرَضْتَ صِيامَهُ عَلَيَّ وَهُوَ شَهْرُ رَمَضانَ الَّذِي اَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ
واجب گردانیده روزه اورا برمن واو ماه رمضانست که فرستادهٔ دران قرآن را که

هُدىً لِلنّاسِ وَبَيِّناتٍ مِنَ الْهُدىٰ وَالْفُرْقانِ وَجَعَلْتَ فِيهِ لَيْلَةَ
هدایت مردمان و معجزهای از هدایت وجدا کننده میان حق وباطل وگردانیده دران شب

الْقَدْرِ وَجَعَلْتَها خَيْراً مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ فَيا ذَا الْمَنِّ وَلا يُمَنُّ عَلَيْكَ
قدررا وگردانیده اورا بهتر از هزار ماه پس ایصاحب نعمتها ومنت نمیگذارد بر تو

مُنَّ عَلَيَّ بِفَكاكِ رَقَبَتِي مِنَ النّارِ فِيمَنْ تَمُنُّ عَلَيْهِ وَاَدْخِلْنِي
منت بنه برمن بازاد کردن گردن من از آتش درزمرهٔ کسیکه عطا کنی براو وداخل کن مرا

الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمِينَ ودعای بسیار خوبیست واقلا شب یکمرتبه
بهشت برحمت خود ایرحم کننده تر راحمان — خوبستکه خوانده شود وبسند صحیح

منقولستکه هرکه درهرشب از ماه مبارک این دعارا بخواند گناه چهل ساله او امرزیده اَللّٰهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضانَ الَّذِي اَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ
شود خدایا ایپروردگار ماه رمضان که فرستادهٔ دران قرآنرا

وَافْتَرَضْتَ عَلىٰ عِبادِكَ فِيهِ الصِّيامَ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وواجب کردهٔ بر بندگان خود دران روزه را رحمت فرست بر محمد وآل محمد

وَارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرامِ فِي عامِي هٰذا وَفِي كُلِّ عامٍ وَاغْفِرْ لِي
وروزی کن مرا حج خانهٔ خود باحرمت در امسال ودر هرسالی وبیامرز مرا

تِلْكَ الذُّنُوبَ الْعِظامَ فَاِنَّهُ لا يَغْفِرُها غَيْرُكَ يا رَحْمٰنُ يا عَلّامُ
این گناهان بزرگ را پس بدرستیکه نمیامرزد انهارا غیر تو ایروزی دهنده ایدانا

وایضا هرشب هزار مرتبه سورهٔ انا انزلناه سنتست خواندن وصد مرتبه حم دخان اگر میسر شود وسحور خوردن در سحر هرشب ماه رمضان مستحب است واز حضرت رسول منقولستکه ترک نکند امت من سحور خوردنرا اگرچه بیک دانه خرما بوده باشد

و ایضاً از آنحضرت منقولست که حقتعالی و ملائکه صلوات میفرستند بر آنها که استغفار میکنند در سحرها و سحور میخورند پس سحور بخورید اگرچه بیک شربت آبی باشد و خدا صلوات و رحمت میفرستد بر سحورخورندگان و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که سوره انا انزلناه در وقت سحور و در وقت افطار بخواند در مابین این دو حالت ثواب کسی داشته باشد که در راه خدا شهید شده باشد و در خون خود غلطیده باشد و گفته اند که اگر نیت روزه را بعد از سحور بکند بهتر است و از اول شب تا آخر شب نیت میتوان کرد و همینکه قصد دارد که فردا روزه میگیرد و از برای خدا میگیرد بس است **و اما آداب افطار** سنت است که اول نماز شام را بکند و بعد از آن افطار کند مگر آنکه جمعی انتظار او برند یا آنکه گرسنگی و تشنگی بر او غالب باشد و مانع حضور قلب او باشد در نماز که در اینصورت افطار را مقدم داشتن بهتر است و در وقت افطار سوره انا انزلناه خواندن سنت است چنانچه دانستی و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که در وقت افطار بگوید

يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ أَنْتَ إِلٰهِي لَا إِلٰهَ لِي غَيْرُكَ اغْفِرْ لِيَ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ إِلَّا الْعَظِيمُ

(ای بزرگوار ای بزرگوار تو خدای منی نیست خدائی مرا جز تو بیامرز برای من گناه بزرگ را بدرستیکه نمیآمرزد گناه بزرگ را مگر بزرگ)

از گناهان بیرون رود مانند روزیکه از مادر متولد شده است و از حضرت امام حسن علیه السلام منقولست که هر روزه دار را در وقت افطار دعای مستجابی هست پس باید در لقمه اول بگوید

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ اغْفِرْ لِي

(بنام خدای بخشنده مهربان ای آنکه وسیع است آمرزش او بیامرز مرا)

و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که در وقت افطار بگو

اللّٰهُمَّ لَكَ صُمْتُ وَعَلَىٰ رِزْقِكَ أَفْطَرْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ

(خدایا برای تو روزه داشتم و بر روزی تو افطار کردم و بر تو توکل کردم)

تا خدا عطا کند بتو ثواب هر کس را که در اینروز روزه داشته است و در روایت دیگر منقولست که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در وقت افطار بدو زانو می‌نشستند چون خوان را میگذاردند میگفتند

اللّٰهُمَّ لَكَ صُمْنَا وَعَلَىٰ رِزْقِكَ أَفْطَرْنَا فَتَقَبَّلْهُ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

(خدایا برای تو روزه گرفتیم و بر روزی تو افطار کردیم پس قبول کن آنرا از ما بدرستیکه تو شنوای دانائی)

و در احادیث معتبره وارد شده است که حضرت رسالت افطار میکردند بر خرما و آب یا بر رطب و آب و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت در وقت افطار ابتدا بحلوا می‌فرمودند و اگر نمی یافتند بنبات یا قند یا خرما افطار میکردند و اگر حاضر نبود بآب نیمگرم افطار میکردند و میفرمودند که آب نیمگرم پاک میکند معده را و قوت میدهد چشم را و بینائی را زیاد میکند و گناهان را زائل میکند و عروق را ساکن میکند و صفرای غالب را فرو مینشاند و قطع میکند بلغم را و اطفاء حرارت میکند و صداع را برطرف میکند و ایضاً از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که بر خرمای حلالی افطار کند ثواب نمازش چهار صد برابر مضاعف گردد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که افطار کردن بآب گناهان دل را میشوید و در حدیث دیگر فرمود که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام دوست میداشت که افطار نماید بشیر و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که در وقت افطار یک گرده نان تصدق کند بر مسکینی خدا گناهان او را بیامرزد و ثواب یک بنده آزاد کردن از فرزندان اسمعیل در نامه عمل او نوشته شود و بهترین اعمال در روزها و شبهای ماه مبارک رمضان تلاوت قرآن است و بسیار باید خواند چون قرآن در اینماه نازل شده است و در حدیث است که هر چیزی را بهاری هست و بهار قرآن ماه رمضان است و در ماههای دیگر در هر ماهی یک ختم سنت است و اقلش شش روز است و در ماه رمضان سه روز یک ختم سنت است و اگر هر روز یک ختم تواند کرد خوبست و در حدیث است که بعضی از ائمه علیهم السلام در اینماه چهل ختم و زیاده میکردند و اگر هر ختمی را ثوابش را بروح امامی و رسول خدا و فاطمه زهرا صلوات الله علیهم هدیه کند ثوابش مضاعف میگردد و صلوات بر محمد و آل و بسیار باید فرستاد و استغفار نیز بسیار باید کرد و لا اله الا الله بسیار باید گفت و نافله های شب و روز را ترک نباید کرد و در شبهای طاق ماه رمضان غسل سنت است خصوصاً شب اول و پانزدهم و هفدهم و نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم و در دهه آخر در شبهای جفت نیز غسل سنت است خصوصاً شب آخر و در روایتی وارد شده که در جمیع ماه در هر شب غسل مستحب است و بسند معتبر از حضرت صاحب الامر علیه السلام منقولست که بشیعیان خود نوشتند که در هر شب ماه مبارک رمضان این دعا را بخوانید که دعای اینماه را ملائکه میشنوند و برای صاحبش استغفار میکنند و دعا اینست

اللّهمّ إنّي أفتتح الثّناء بحمدك وأنت مسدّد للصّواب بمنّك
خدایا بدرستیکه من میگشایم زبان ثنا را بحمد تو وحال انکه تو راه نماینده مرا هستی بصواب بمنت خود

وأيقنت أنّك أنت أرحم الرّاحمين في موضع العفو والرّحمة و
ویقین دارم بدرستیکه تو رحم کننده ترین رحم کنندگانی درجای عفو ورحمت نمودن و

أشدّ المعاقبين في موضع النّكال والنّقمة وأعظم المتجبّرين
سخت ترین عقاب کنندگانی درجای عذاب و عقاب وبزرگترین بزرگی کنندگانی

في موضع الكبرياء والعظمة اللّهمّ أذنت لي في دعائك ومسألتك
درجای کبریائی و بزرگی خدایا اذن داده مرا در دعای خود وسؤال کردن تورا

فاسمع يا سميع مدحتي وأجب يا رحيم دعوتي وأقل يا غفور عثرتي
پس بشنو ای شنونده مدح کردن مرا و اجابت کن ای بخشاینده خواندن مرا و درگذر ای آمرزنده لغزش مرا

فكم يا إلهي من كربة قد فرّجتها وهموم قد كشفتها وعثرة قد أقلتها
پس چه بسیار ای خدای من از غمها که بتحقیق برطرف کرده انرا واز هموم ها که بر داشته انرا واز لغزشها که باز داشته انرا

ورحمة قد نشرتها وحلقة بلاء قد فككتها الحمد لله الّذي
واز رحمت که پهن کرده انرا واز حلقه بلاء که گشوده انرا حمد خداوندی راست که

لم يتّخذ صاحبة ولا ولداً ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن
نگرفته است یاری ونه فرزندی ونمیباشد مراورا انبازی در پادشاهی ونمیباشد

له وليّ من الذّلّ وكبّره تكبيراً الحمد لله بجميع محامده كلّها على جميع نعمه
مراورا ولیی از خواری وتکبیر گو اورا تکبیر گفتنی حمد خدا راست همه حمدهای او بالتمام برهمه نعمتهای او

كلّها الحمد لله الّذي لا مضادّ له في ملكه ولا منازع له في أمره
بالتمام سپاس خدا را که نیست اورا ضدی در پادشاهی او ونه نزاع کننده مراورا در فرمان او

الحمد لله الّذي لا شريك له في خلقه ولا شبيه له في عظمته
سپاس خدا را که نیست اورا انبازی در آفرینش او ونه مانندی اورا در بزرگواری او

الحمد لله الفاشي في الخلق أمره وحمده الظّاهر بالكرم مجده
سپاس خدا را که پهن کننده است در خلق خود امر خود را وحمد خود را عیان کننده است بکرم وبزرگی خود

الباسط بالجود يده الّذي لا تنقص خزائنه ولا تزيده كثرة العطاء
پهن کننده بخشش خود دست خود را که نمیشود کم گنجهای او ونه زیاد نمیشود بسیاری بخششها

إلّا جوداً وكرماً إنّه هو العزيز الوهّاب اللّهمّ إنّي أسألك قليلاً
مگر جود وکرم مراورا بدرستیکه او غالب وبسیار بخشاینده است خدایا بدرستیکه من میخواهم از تو اندکی

من كثير مع حاجة بي إليه عظيمة وغناك عنه قديم وهو عندي
از بسیار باوجود حاجت من بسوی او که بزرگست وبی نیازی تو از آن قدیمست واو نزد من

كثير وهو عليك سهل يسير اللّهمّ إنّ عفوك عن ذنبي وتجاوزك
بسیار است واو برتو آسان وکمست خدایا بدرستیکه عفو تو از گناه من ودرگذشتن تو

عن خطيئتي وصفحك عن ظلمي وسترك على قبيح عملي وحلمك عن
از خطاهای من ودرگذشتن تو از ستمهای من وپوشیدن تو بر زشتی عمل من وبردباری تو از

كثير جرمي عند ما كان من خطائي وعمدي أطمعني في أن أسألك
بسیاری جرم من نزد آنچه بود از خطای عمد من که بطمع انداخته است مرا در اینکه بخواهم از تو

ما لا أستوجبه منك الّذي رزقتني من رحمتك وأريتني من قدرتك
آنچه مستوجب نیستم اورا از تو آنچه روزی کرده مرا از رحمت خود ودانا کرده مرا از قدرت خود

وعرّفتني من إجابتك فصرت أدعوك آمناً وأسألك مستأنساً
وشناسانیده مرا از اجابت کردن خود پس گردیدم که بخوانم تورا از روی امان وبخواهم تورا که انس گیرنده باشم

لا خائفاً ولا وجلاً مدلّاً عليك فيما قصدت فيه إليك فإن أبطأ
نه خوفناک ونه ترسنده نازکننده برتو درآنچه نیت کرده ام در آن بسوی تو پس اگر کندی کند

عنّي عتبت بجهلي عليك ولعلّ الّذي أبطأ عنّي هو خير لي لعلمك
از من باعث شوم بنادانی خود برتو وشاید آنچه کندی شده است از من آن بهتر باشد برای من برای دانستن تو

بعاقبة الأمور فلم أر مولى كريماً أصبر على عبد لئيم منك عليّ يا ربّ
خاتمه کارها را پس ندیدم صاحب بخشاینده که صبر کننده تر باشد بر بنده لئیم از تو برمن ای پروردگار من

إنّك تدعوني فأولّي عنك وتتحبّب إليّ فأتبغّض إليك وتتودّد إليّ
بدرستیکه تو میخوانی مرا پس باز گردم از تو ودوستی تو بسوی من است پس دشمنی من بسوی تواست ودوستی میکنی

فلا أقبل منك كأنّ لي التّطوّل عليك فلم يمنعك ذلك من الرّحمة
پس قبول نمیکنم از تو گویا که برای من بخششی است برتو پس منع نمیکند تورا این از رحمت

بي والإحسان إليّ والتّفضّل عليّ بجودك وكرمك فارحم
بمن ونیکی کردن بمن وتفضل کردن برمن ببخشش تو وکرم تو پس رحم کن

عبدك الجاهل وجد عليه بفضل احسانك انك جواد كريم

بنده تو که نادانست وجود کن براو بفضل احسان خود بدرستیکه تو بخشنده کریمی

الحمد لله مالك الملك مجري الفلك مسخر الرياح فالق الاصباح

سپاس خدایرا که مالک پادشاهی است روان کننده کشتیهاست مسخر کننده بادهاست شکافنده صبحهاست

ديان الدين رب العالمين الحمد لله على حلمه بعد علمه والحمد لله

جزا دهنده دینها پروردگار جهانیان سپاس خدایرا بر بردباری او بعد از دانائی او و سپاس خدایرا

على عفوه بعد قدرته والحمد لله على طول اناته في غضبه

بر عفو او بعد از توانائی او و سپاس خدایرا بر درازی اناة او در خشم شدن او

وهو قادر على ما يريد الحمد لله خالق الخلق باسط الرزق فالق

و حال آنکه او تواناست بر آنچه خواهد سپاس خدایرا که آفریننده خلق و پهن کننده روزی شکافنده

الاصباح ذي الجلال والاكرام والفضل والانعام الذي بعد

صبحها صاحب جلال و اکرام و فضل و انعام است که دوراست از نظرها

فلا يرى وقرب فشهد النجوى تبارك وتعالى الحمد لله الذي ليس

پس دیده نمیشود و نزدیکست بدلها پس حاضراست در شوری بزرگ و بلند است سپاس خدایرا که نیست

له منازع يعادله ولا شبيه يشاكله ولا ظهير يعاضده قهر

برای او منازعیکه برابری کند او را و نه مانندی که برابری کند او را و نه پشتیبانی که همراهی کند او را غلبه کرده

بعزته الاعزاء وتواضع لعظمته العظماء فبلغ بقدرته ما يشاء الحمد

بعزت او غلبه کنندگان و فروتنی کردند برای بزرگی او بزرگان پس رسید بتوانائی خود بآنچه خواسته سپاس

لله الذي يجيبني حين اناديه ويستر علي كل عورة وانا اعصيه و

خدایرا که اجابت میکند مرا زمانیکه ندا کنم او را و میپوشاند برمن همه بدیرا و حال آنکه نافرمانی میکنم او را

يعظم النعمة علي فلا اجازيه فكم من موهبة هنيئة قد اعطاني

و بزرگ میکند نعمت را برمن پس شکر نمیکنم او را پس چه بسیار از بخششها که گواراست بتحقیق که بخشیده است بمن

وعظيمة مخوفة قد كفاني وبهجة مونقة قد اراني فاثني عليه

و مصیبتهای بزرگ که بتحقیق کفایت کرده است مرا و شادی عجب آورنده که بتحقیق نموده است مرا پس ثنا گفتم براو

حامدا واذكره مسبحا الحمد لله الذي لا يهتك حجابه ولا يغلق

که ثنا گوینده ام و یاد میکنم او را که تسبیح گوینده ام سپاس خدایرا که دریده نمیشود پرده او و بسته نمیشود

بابه ولا يرد سائله ولا يخيب امله الحمد لله الذي يؤمن الخائفين

درهای او و رد نمیشود خواننده او و ناامید نمیشود آرزومند او سپاس خدایرا که امان میدهد ترسندگان

وينجي الصالحين ويرفع المستضعفين ويضع المستكبرين ويهلك

را و نجات میدهد صالحانرا و بلند میکند افتادگان را و پست میکند گردنکشانرا و هلاک میکند

ملوكا ويستخلف آخرين والحمد لله قاصم الجبارين مبير الظالمين

پادشاهانرا و جانشین میکند دیگرانرا و سپاس خدایراست که شکننده گردنکشانست هلاک کننده ظالمانست

مدرك الهاربين نكال الظالمين صريخ المستصرخين موضع

دریابنده گریختگانست عذاب کننده ستمکارانست فریادرس فریاد کنندگانست محل

حاجات الطالبين معتمد المؤمنين الحمد لله الذي من خشيته

اجابت کننده طالبانست اعتماد کرده شده مؤمنانست سپاس خدایرا که از ترس او

ترعد السماء وسكانها وترجف الارض وعمارها وتموج البحار

صدا میکند آسمان و ساکنان آن و حرکت میکند زمین و ساکنان او و جوشش میکند دریاها

ومن يسبح في غمراتها الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا

و کسانیکه شنا کنند در گردابهای آنها سپاس خدایرا که راهنمائی کرد ما را برای این و نبودیم ما

لنهتدي لولا ان هدانا الله الحمد لله الذي يخلق ولم يخلق و

که هدایت یابیم اگر نبود که راهنمائی کند ما را خدا سپاس خدایرا که میآفریند و آفریده نشده و

يرزق ولا يرزق ويطعم ولا يطعم ويميت الاحياء ويحيي الموتى

روزی میدهد و روزی داده نمیشود و طعام میدهد و داده نمیشود و میمیراند زندگانرا و زنده میکند مردگانرا

وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير اللهم صل

و او است زنده که نمیمیرد بدست او است خیر و او بر هر چیزی تواناست خدایا رحمت فرست

على محمد عبدك ورسولك وامينك وصفيك وحبيبك و

بر محمد بنده تو و فرستاده تو و امین تو و برگزیده تو و دوست تو و

خيرتك من خلقك وحافظ سرك ومبلغ رسالاتك افضل واحسن

برگزیده تو از خلق تو و نگهدارنده سر تو و رساننده رسالتهای تو بهتر و نیکوتر

واجمل واكمل وازكى وانمى واطيب واطهر واسنى واكثر

و جمیل تر و کاملتر و پاکیزه تر و نمو کننده تر و پاکتر و خوشبوتر و روشن تر و بسیارتر

ماصليت وباركت وترحمت وتحننت وسلمت على احد من عبادك و

انچه درود فرستاده ومبارك كرده وترحم كرده وتحنن كنند ودرود كرده بر يكى از بندگانت و

انبيائك ورسلك وصفوتك واهل الكرامة عليك من خلقك

پيغمبرانت وفرستادگانت وبرگزيدگانت وسزاواران بخشش بر تو از خلق تو

اللهم صل على على امير المؤمنين ووصي رسول رب العالمين

خدايا رحمت فرست بر على پادشاه مؤمنان وجانشين رسول پروردگار جهانيان

عبدك ووليك واخي رسولك وحجتك على خلقك وآيتك الكبرى و

بنده تو ودوست تو وبرادر رسول تو وبرهان تو بر خلق تو ونشانه بزرگ تو و

النبأ العظيم وصل على الصديقة الطاهرة فاطمة سيدة نساء العالمين

خبر دهنده بزرگ ورحمت فرست بر راست گوينده كه پاكست فاطمه آقاى زنان جهانيان

وصل على سبطي الرحمة وامامي الهدى الحسن والحسين سيدي

ورحمت فرست بر دو نبيره رحمت ودو پيشواى هدايت حسن وحسين دو آقاى

شباب اهل الجنة وصل على ائمة المسلمين علي بن الحسين ومحمد بن

جوانان اهل بهشت ورحمت فرست بر پيشوايان مسلمانان على پسر حسين ومحمد پسر

علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلي بن موسى ومحمد بن

على وجعفر پسر محمد وموسى پسر جعفر وعلى پسر موسى ومحمد پسر

علي وعلي بن محمد والحسن بن علي والخلف الهادي المهدي حججك

على وعلى پسر محمد وحسن پسر على وجانشين هدايت كننده راه يافته برهانهاى تو

على عبادك وامنائك في بلادك صلوة كثيرة دائمة اللهم و

بر بندگان تو وامينهاى تو در شهرهاى تو درودى بسيار هميشگى خدايا و

صل على ولي امرك القائم المؤمل والعدل المنتظر وحفه بملائكتك

رحمت فرست بر وكيل كارها تو كه قائم است اميد دار وداد خواه انتظار كشيده شده ومهربانى كن او را بفرشتگان

المقربين وايده بروح القدس يا رب العالمين اللهم اجعله الداعي

كه نزديك شدگان تو اند وبارى كن او را بروح القدس اى پروردگار جهانيان خدايا بگردان او را دعوت كننده

الى كتابك والقائم بدينك استخلفه في الارض كما استخلفت

بكتاب تو وقيام كننده بدين تو جانشين كن او را در زمين چنانكه جانشين كرده

الذين من قبله مكن له دينه الذي ارتضيته له ابدله من بعد

كسانيرا كه پيش از او بوده اند پايدار براى او دين خود را كه پسنديده او را براى او بدل كن براى او پس از

خوفه امنا يعبدك لا يشرك بك شيئا اللهم اعزه واعزز به و

ترس او ايمنى را كه بندگى كند تو را شريك نكند بتو چيزيرا خدايا غلبه ده او را وغلبه ده بسبب او و

انصره وانتصر به وانصره نصرا عزيزا وافتح له فتحا يسيرا واجعل له

يارى كن او را ويارى ده بسبب او ويارى كن او را يارى گردنده كه غالب شود وبگشا براى او گشادنى آسان وبگردان براى او

من لدنك سلطانا نصيرا اللهم اظهر به دينك وسنة نبيك

از نزد خودت پادشاهى يارى كرده شده خدايا آشكارا كن باو دين خود را وروش پيغمبر خود را

حتى لا يستخفي بشيء من الحق مخافة احد من الخلق اللهم انا نرغب

تا آنكه پوشيده نماند چيزى از حق از براى خوف كسى از خلق خدايا بدرستيكه ما ميل ميكنيم

اليك في دولة كريمة تعز بها الاسلام واهله وتذل بها النفاق

بسوى تو در پادشاهى بزرگى كه غلبه دهى تو بآن اسلام واهل او را وخوار كنى بآن نفاق

واهله وتجعلنا فيها من الدعاة الى طاعتك والقادة الى سبيلك و

واهل او را وبگردانى ما را در آن از خوانندگان بسوى طاعت تو وكشندگان بسوى راه تو و

ترزقنا بها كرامة الدنيا والآخرة اللهم ما عرفتنا من الحق فحملناه

وروزى كنى ما را بآن كرامت دنيا وآخرت را خدايا آنچه شناسانيدى ما را از حق پس تكليف كن ما را

وما قصرنا عنه فبلغناه اللهم المم به شعثنا واشعب به صدعنا و

بر تحمل آن وآنچه كوتاهى كرديم پس برسان ما را بآن خدايا جمع كن بسبب او پراكندگى ما را وفراهم آور بسبب او تفرقگى ما را

ارتق به فتقنا وكثر به قلتنا واعزز به ذلتنا واغن به عائلنا واقض به

وببند بسبب او گشادگى ما را وبسيار كن بسبب او كمى ما را وعزيز كن بسبب او خوارى ما را وبى‌نياز كن باو فقر ما را وادا كن باو

عن مغرمنا واجبر به فقرنا وسد به خلتنا ويسر به عسرنا وبيض به

از قرض ما وببند بسبب او بيچارگى ما را وببند كن بسبب او حاجات ما را وآسان كن باو مشكل ما را وسفيد كن باو

وجوهنا وفك به اسرنا وانجح به طلبتنا وانجز به مواعيدنا واستجب

روهاى ما را وآزاد كن بسبب او اسيران ما را وصلاح آور بسبب او مطلوبهاى ما را وروا كن بسبب او وعدهاى ما را وروا كن

به دعوتنا واعطنا به سؤلنا وبلغنا به من الدنيا والآخرة آمالنا

بسبب او دعاهاى ما را وبده بسبب او خواهشهاى ما را وبرسان ما را بسبب او از دنيا وآخرت آرزوهاى ما را

وَاَعْطِنا بِهِ فَوْقَ رَغْبَتِنا يا خَيْرَ الْمَسْئُولينَ وَاَوْسَعَ الْمُعْطينَ اِشْفِ بِهِ

و بده بسبب او بالاتر از رغبت ما ای بهترین سؤال شده ها و فراخ ترین بخشندگان شفا ده بسبب او

صُدُورَنا وَاَذْهِبْ بِهِ غَيْظَ قُلُوبِنا وَاهْدِنا بِهِ لِمَا اخْتُلِفَ فيهِ مِنَ الْحَقِّ

سینه های ما را و ببر بسبب او خشم دلهای ما را و راهنمائی کن ما را باو از انچه اختلاف شده در آن از حق

بِاِذْنِكَ اِنَّكَ تَهْدي مَنْ تَشاءُ اِلى صِراطٍ مُسْتَقيمٍ وَانْصُرْنا بِهِ عَلى عَدُوِّكَ

باذن خودت بدرستیکه تو راه مینمائی هرکه را میخواهی بسوی راه راست و یاری ده ما را باو بر دشمنان خود

وَعَدُوِّنا اِلهَ الْحَقِّ آمينَ اَللّهُمَّ اِنّا نَشْكُو اِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنا صَلَواتُكَ

و دشمنان ما اجابت کن دعای ما را بحق اجابت کن خدایا بدرستیکه ما شکایت میکنیم بتو پنهان شدن پیغمبر ما را رحمتهای تو

عَلَيْهِ وَآلِهِ وَغَيْبَةَ وَلِيِّنا وَكَثْرَةَ عَدُوِّنا وَقِلَّةَ عَدَدِنا وَشِدَّةَ الْفِتَنِ

بر او و آل او باد و غایب بودن پیشوای ما را و بسیاری دشمنان ما را و کمی عدد ما را و سختی فتنه های وارده

بِنا وَتَظاهُرَ الزَّمانِ عَلَيْنا فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاَعِنّا عَلى ذلِكَ

بما را و هم پشت بودن زمانه را بر ما پس رحمت فرست بر محمد و آل او و اعانت کن ما را بر گردش زمان

بِفَتْحٍ تُعَجِّلُهُ وَبِضُرٍّ تَكْشِفُهُ وَنَصْرٍ تُعِزُّهُ وَسُلْطانِ حَقٍّ تُظْهِرُهُ وَرَحْمَةٍ

بگشایشیکه شتابکنی انرا و ببدی که برطرف کنی انرا و یاری که غلبه دهی انرا و بپادشاهی سزاواری که اشکار کنی انرا و رحمتی که

مِنْكَ تُجَلِّلُناها وَعافِيَةٍ مِنْكَ تُلْبِسُناها بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ

از نزد تو بپوشانی ما را بان و عافیتیکه از نزد تو بپوشانی انرا برحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

وبسند بسیار معتبر بلکه صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ

السلام منقولست که در هر شب ماه مبارک رمضان این دعا را بخوانند خدایا بدرستیکه من میخواهم از تو

اَنْ تَجْعَلَ فيما تَقْضي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْاَمْرِ الْمَحْتُومِ فِي الْاَمْرِ الْحَكيمِ مِنَ الْقَضاءِ

اینکه بگردانی در انچه حکم کنی تو و تقدیر کنی از امری که حتم کرده شده در امر حکیم از قضاء و قدر

الَّذي لا يُرَدُّ وَلا يُبَدَّلُ اَنْ تَكْتُبَني مِنْ حُجّاجِ بَيْتِكَ الْحَرامِ الْمَبْرُورِ

که رد نمیشود و تغییر نمیابد اینکه بنویسی مرا از حاجیان خانه تو که با حرمت است مقبول شده

حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ الْمُكَفَّرِ عَنْ سَيِّئاتِهِمْ

حج ایشان شکر کرده شده سعی ایشان امرزیده شده گناهان ایشان پوشانیده شده از زشتیهای ایشان

وَاَنْ تَجْعَلَ فيما تَقْضي وَتُقَدِّرُ اَنْ تُطيلَ عُمْري في خَيْرٍ وَعافِيَةٍ

و اینکه بگردانی در انچه حکم کنی و تقدیر کنی تو اینکه دراز کنی عمر مرا در نیکی و عافیت

وَتُوَسِّعَ في رِزْقي وَتَجْعَلَني مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدينِكَ وَلا تَسْتَبْدِلْ

و وسعت دهی در روزی من و بگردانی مرا از کسانیکه یاری دهی باو دین حق را و بدل مکن

بي غَيْري وابن دعای عالیة المضامین نیز اَللّهُمَّ بِرَحْمَتِكَ فِي الصّالِحينَ

بمن غیر مرا در هر شب ابنماه وارد شده است خدایا برحمت تو در زمره صالحان پس

فَاَدْخِلْنا وَفي عِلِّيّينَ فَارْفَعْنا وَبِكَأْسٍ مِنْ مَعينٍ مِنْ عَيْنٍ سَلْسَبيلٍ

داخل کن ما را و در علیین پس بلند کن ما را و بجام از آب خوشگوار از چشمه سلسبیل

فَاسْقِنا وَمِنَ الْحُورِ الْعينِ بِرَحْمَتِكَ فَزَوِّجْنا وَمِنَ الْوِلْدانِ الْمُخَلَّدينَ

پس سیرابکن ما را و از حورالعین برحمت خود پس تزویج کن ما را و از پسرانیکه همیشه باشند که

كَاَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ فَاَخْدِمْنا وَمِنْ ثِمارِ الْجَنَّةِ وَلُحُومِ الطَّيْرِ فَاَطْعِمْنا

گویا ایشانند مروارید پوشیده پس خدمتکار ما کن و از میوه های بهشت و گوشتهای مرغ پس بخوران ما را

وَمِنْ ثِيابِ السُّنْدُسِ وَالْحَريرِ وَالْاِسْتَبْرَقِ فَاَلْبِسْنا وَلَيْلَةَ الْقَدْرِ

و از لباسهای سندس و ابریشم و استبرق پس بپوشان ما را و شب قدر

وَحَجَّ بَيْتِكَ الْحَرامِ وَقَتْلاً في سَبيلِكَ فَوَفِّقْ لَنا وَصالِحَ الدُّعاءِ

و حج خانه خودت که با حرمت است و کشتن در راه تو پس توفیق ده ما را و دعاهای صالحه

وَالْمَسْئَلَةِ فَاسْتَجِبْ لَنا وَاِذا جَمَعْتَ الْاَوَّلينَ وَالْآخِرينَ يَوْمَ الْقِيمَةِ فَارْحَمْنا

و خواهشهای ما را پس مستجاب کن و وقتیکه فراهم آوری اولین و آخرین را در روز قیامت پس رحم کن ما را

وَبَرائَةً مِنَ النّارِ فَاكْتُبْ لَنا وَفي جَهَنَّمَ فَلا تَغُلَّنا وَفي عَذابِكَ وَ

و بیزاری از آتش را پس بنویس برای ما و در جهنم ما را پس مغلول مکن و در شکنجه تو و

هَوانِكَ فَلا تَبْتَلِنا وَمِنَ الزَّقُّومِ وَالضَّريعِ فَلا تُطْعِمْنا وَمَعَ الشَّياطينِ

خواریهای تو پس ما را مبتلا مکن و از زقوم و ضریع که طعام اهل جهنمست ما را اطعام مکن و با دیوان

فَلا تَجْعَلْنا وَفِي النّارِ عَلى وُجُوهِنا فَلا تَكْبُبْنا وَمِنْ ثِيابِ النّارِ

پس ما را قرار مده و در آتش ما را برو نینداز و از جامهای آتش

وَسَرابيلِ الْقَطِرانِ فَلا تُلْبِسْنا وَمِنْ كُلِّ سُوءٍ يا لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ بِحَقِّ

و ازارهای سیاه جهنم پس ما را مپوشان و از هر بدی ای انکه نیست خدائی مگر تو بحق خدائی

لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ فَنَجِّنا وازمنیات دعاهای سحر چون ابندعا بسند بسیار معتبر وارد

که نیست بجز تو پس نجات ده ما را شده است که حضرت امام رضا علیه السلم فرمود که ابندعا

که حضرت امام محمد باقر علیه السلام در سحرها میخواندند و میفرمودند که اگر مردم بدانند عظمت

این دعا را نزد خدا و تندی سرعت اجابت آنرا هر اینه بشمشیر برای طلب این دعا با یکدیگر

قتال کنند و اگر سوگند یاد کنم که اسم اعظم خدا در این دعا میباشد راست گفته‌ام پس چون

این دعا را بخوانید با اهتمام تمام و تضرع بخوانید و از غیر اهلش پنهان دارید و دعا این است

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ بَهٰائِكَ بِاَبْهٰاهُ وَكُلُّ بَهٰائِكَ بَهِیٌّ اَللّٰهُمَّ

خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم تورا از زیبائی تو بزیباترین زیبائی و همه زیبائی تو زیبا است خدایا

اِنّی اَسْئَلُكَ بِبَهٰائِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ جَمٰالِكَ بِاَجْمَلِهِ

بدرستیکه من سؤال میکنم تورا بزیبائی تو همه آن خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم تورا از خوبی تو بخوبترین خوبیها

وَكُلُّ جَمٰالِكَ جَمیلٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِجَمٰالِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی

و همه خوبیهای تو خوب است خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم تورا بخوبیهای تو همه آن خدایا بدرستیکه من

اَسْئَلُكَ مِنْ جَلٰالِكَ بِاَجَلِّهِ وَكُلُّ جَلٰالِكَ جَلیلٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ

سؤال میکنم تورا از بزرگی تو ببزرگترین بزرگیها و همه بزرگیهای تو بزرگ است خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم تورا

بِجَلٰالِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ بِاَعْظَمِهٰا وَكُلُّ عَظَمَتِكَ

بزرگی تو همه آن خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم تورا از بزرگی شان تو ببزرگترین آن و هر بزرگی شان تو

عَظیمَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِعَظَمَتِكَ كُلِّهٰا اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ

بزرگست خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم تورا ببزرگی شان تو همه آن خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم تورا

مِنْ نُورِكَ بِاَنْوَرِهِ وَكُلُّ نُورِكَ نَیِّرٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِنُورِكَ كُلِّهِ

از روشنی تو بروشنترین آن و هر روشنی تو روشن است خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم تورا بروشنی تو همه آن

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ بِاَوْسَعِهٰا وَكُلُّ رَحْمَتِكَ وٰاسِعَةٌ

خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم تورا از رحمت تو بوسیعترین آن و هر رحمت تو وسیع است

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ كُلِّهٰا اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ كَلِمٰاتِكَ

خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم تورا برحمت تو همه آن خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم تورا از کلمات تو

بِاَتَمِّهٰا وَكُلُّ كَلِمٰاتِكَ تٰامَّةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِكَلِمٰاتِكَ كُلِّهٰا

بتمامترین آنها و همه کلمات تو تمام است خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم تورا بکلمات تو همه آنها

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ كَمٰالِكَ بِاَكْمَلِهِ وَكُلُّ كَمٰالِكَ كٰامِلٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی

خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم تورا از کمال تو بکاملترین آنها و همه کمال تو کامل است خدایا بدرستیکه من

اَسْئَلُكَ بِكَمٰالِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ اَسْمٰائِكَ بِاَكْبَرِهٰا

میخواهم تورا بکمال تو همه آن خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا از نامهای تو ببزرگترین آنها

وَكُلُّ اَسْمٰائِكَ كَبیرَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِاَسْمٰائِكَ كُلِّهٰا اَللّٰهُمَّ اِنّی

و همه نامهای تو بزرگ است خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا بنامهای تو همه آنها خدایا بدرستیکه من

اَسْئَلُكَ مِنْ عِزَّتِكَ بِاَعَزِّهٰا وَكُلُّ عِزَّتِكَ عَزیزَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ

میخواهم تورا از عزت تو بعزیزترین عزتها و همه عزتهای تو عزیز است خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا

بِعِزَّتِكَ كُلِّهٰا اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ مَشِیَّتِكَ بِاَمْضٰاهٰا وَكُلُّ مَشِیَّتِكَ

بعزت تو همه آنها خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا از مشیت تو بنافذترین مشیتهایت و همه مشیتهای تو

مٰاضِیَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِمَشِیَّتِكَ كُلِّهٰا اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ قُدْرَتِكَ

جاریست خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم تورا بمشیت تو همه آنها خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم تورا از توانائی تو

بِالْقُدْرَةِ الَّتِی اسْتَطَلْتَ بِهٰا عَلیٰ كُلِّ شَیْءٍ وَكُلُّ قُدْرَتِكَ مُسْتَطیلَةٌ اَللّٰهُمَّ

بتوانائی آنچنانیکه احاطه کرده بسبب آن بر هر چیزی و همه قدرت تو محیط است خدایا

اِنّی اَسْئَلُكَ بِقُدْرَتِكَ كُلِّهٰا اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ عِلْمِكَ بِاَنْفَذِهِ

بدرستیکه من سؤال میکنم تورا بتوانائی تو همه آن خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم تورا از دانش تو بنافذترین

وَكُلُّ عِلْمِكَ نٰافِذٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِعِلْمِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ

دانشها و همه دانش تو نافذ است خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم تورا بدانش تو همه آن خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم

بِعِلْمِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ بِاَرْضٰاهُ وَكُلُّ قَوْلِكَ رَضِیٌّ

بدانش تو همه آن خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم تورا از گفته تو بپسندیده‌ترین گفتها و همه گفتهای تو پسندیده

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِقَوْلِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ مَسٰائِلِكَ بِاَحَبِّهٰا

خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم تورا بگفته تو همه آن خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم تورا از مسائل تو بمحبوبترین آنها

اِلَیْكَ وَكُلُّ مَسٰائِلِكَ اِلَیْكَ حَبیبَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِمَسٰائِلِكَ

بسوی تو و همه مسائل تو بسوی تو محبوبست خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم تورا بمسائل تو

كُلِّهٰا اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ شَرَفِكَ بِاَشْرَفِهِ وَكُلُّ شَرَفِكَ شَریفٌ

همه آن خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم تورا از بزرگی تو ببزرگترین آن و همه بزرگی تو بزرگ است

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِشَرَفِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ سُلْطٰانِكَ

خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم تورا ببزرگی تو همه آن خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم تورا از پادشاهی تو

بادٍ وَمِهِ وَكُلُّ سُلْطانِكَ دائِمٌ اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِسُلْطانِكَ

سبب همیشگی آن و همه پادشاهی تو همیشه است خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم تورا بپادشاهی

كُلِّهِ اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ مُلْكِكَ بِاَفْخَرِهِ وَكُلُّ مُلْكِكَ فاخِرٌ

همه آن خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم تورا از ملکهای تو بفاخرترین آن و همه ملکهای تو فاخر است

اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِمُلْكِكَ كُلِّهِ اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ عُلُوِّكَ

خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم تورا بملکهای تو همه آن خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم تورا از بلندی تو

بِاَعْلاهُ وَكُلُّ عُلُوِّكَ عالٍ اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِعُلُوِّكَ كُلِّهِ

ببلندترین آن و همه بلندی تو بلند است خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم تورا ببلندی تو همه آن

اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ مَنِّكَ بِاَقْدَمِهِ وَكُلُّ مَنِّكَ قَديمٌ اَللّهُمَّ

خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم تورا از نعمت تو بقدیمترین آن و همه نعمت تو قدیم است خدایا

اِنّي اَسْئَلُكَ بِمَنِّكَ كُلِّهِ اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ مِنْ اياتِكَ بِاَكْرَمِها

بدرستیکه من سؤال میکنم تورا بنعمت تو همه آن خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم تورا از نشانهای تو بگرامی‌ترین آنها

وَكُلُّ اياتِكَ كَريمَةٌ اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِاياتِكَ كُلِّها اَللّهُمَّ

و همه نشانهای تو گرامیست خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم تورا بنشانهای تو همه آنها خدایا

اِنّي اَسْئَلُكَ بِما اَنْتَ فيهِ مِنَ الشَّاْنِ وَالْجَبَرُوتِ وَاَسْئَلُكَ بِكُلِّ

بدرستیکه من سؤال میکنم تورا بانچه تو در او هستی از شأن و بزرگی و سؤال میکنم تورا بهمه

شَاْنٍ وَحْدَهُ وَجَبَرُوتٍ وَحْدَها اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِما تُجيبُني

شأن بتنهائی او و همه بزرگیهای بتنهائی او خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم تورا بانچه اجابت کنی مرا

حينَ اَسْئَلُكَ فَاَجِبْني يا اَللّهُ پس هر حاجت که خواهد از حق تعالی طلب کند البته

وقت سؤال کردن من تورا پس اجابت کن مرا ای خدا برآورده میشود و از جمله ادعیه مشهوره که

سحر دعائیست که شیخ طوسی ره و دیگران از ابو حمزه ثمالی روایت کرده‌اند که حضرت

امام زین العابدین علیه السلام در شبهای ماه مبارک رمضان اکثر شب را نماز میکردند و

چونکه سحر میشد این دعا را میخواندند اِلهي لا تُؤَدِّبْني بِعُقُوبَتِكَ وَلا تَمْكُرْ بي في حيلَتِكَ

ایخدای من ادب مکن مرا بعقوبتهای خود و مکن مکر بمن در مکرهای خود

مِنْ اَيْنَ لِيَ الْخَيْرُ يا رَبِّ وَلا يُوجَدُ اِلّا مِنْ عِنْدِكَ وَمِنْ اَيْنَ لِيَ النَّجاةُ

از کجاست برای من خیر ای پروردگار من و یافت نمیشود خیر مگر از پیش تو و از کجاست برای من نجاة

وَلا يُسْتَطاعُ اِلّا بِكَ لا الَّذي اَحْسَنَ اسْتَغْنى عَنْ عَوْنِكَ وَرَحْمَتِكَ

و نیست توانائی مگر بتو نه آنکه خوبی کرده استغناء از یاری تو و رحمت تو

وَلا الَّذي اَساءَ وَاجْتَرَءَ عَلَيْكَ وَلَمْ يُرْضِكَ خَرَجَ عَنْ قُدْرَتِكَ

و نه آنکه بدکرده و جرأت نموده بر تو و خشنود نکرده تورا بیرون رفته از قدرت تو

يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ انقدر بگوید که نفس منقطع شود بِكَ عَرَفْتُكَ وَاَنْتَ دَلَلْتَني عَلَيْكَ

ای پروردگار ای پروردگار من بتو شناخته‌ام تورا و تو راه نموده مرا بر خودت

وَدَعَوْتَني اِلَيْكَ وَلَوْلا اَنْتَ لَمْ اَدْرِ ما اَنْتَ اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذي اَدْعُوهُ

و خوانده مرا بسوی خود و اگر نبودی تو دلالت کننده نمیشناختم که کیستی تو سپاس مر خدایرا که میخوانم اورا

فَيُجيبُني وَاِنْ كُنْتُ بَطيئاً حينَ يَدْعُوني وَالْحَمْدُ لِلّهِ الَّذي اَسْئَلُهُ

پس اجابت میکند مرا و اگرچه باشم کاهل در وقتیکه میخواند مرا سپاس مر خدایرا که سؤال کنم اورا

فَيُعْطيني وَاِنْ كُنْتُ بَخيلاً حينَ يَسْتَقْرِضُني وَالْحَمْدُ لِلّهِ الَّذي اُناديهِ

پس میدهد مرا و اگرچه بخیل باشم من وقتیکه طلب کند قرض از من و سپاس خدایرا که خوانده‌ام اورا

كُلَّما شِئْتُ لِحاجَتي وَاَخْلُو بِهِ حَيْثُ شِئْتُ لِسِرّي بِغَيْرِ شَفيعٍ فَيَقْضي

هرچه خواسته‌ام برای حاجت خودم و خلوت کرده‌ام با او هر وقت خواسته‌ام برای راز خودم بدون واسطه پس حکم کند

لي حاجَتي وَالْحَمْدُ لِلّهِ الَّذي اَدْعُوهُ وَلا اَدْعُو غَيْرَهُ وَلَوْ دَعَوْتُ

برای حاجت من و سپاس مر خدایرا که میخوانم اورا و نمیخوانم غیر اورا و اگر میخواندم

غَيْرَهُ لَمْ يَسْتَجِبْ لي دُعائي وَالْحَمْدُ لِلّهِ الَّذي اَرْجُوهُ وَلا اَرْجُو غَيْرَهُ

غیر اورا اجابت نمیکرد مرا دعای مرا و سپاس مر خدایرا که امید دارم اورا و امید ندارم بغیر او

وَلَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ لَاَخْلَفَ رَجائي وَالْحَمْدُ لِلّهِ الَّذي وَكَلَني اِلَيْهِ

و اگر امید داشتم غیر اورا هر اینه عقب میانداخت امیدم را و ستایش خدایرا که پناه داده است مرا بسوی خود

فَاَكْرَمَني وَلَمْ يَكِلْني اِلَى النّاسِ فَيُهينُوني وَالْحَمْدُ لِلّهِ الَّذي تَحَبَّبَ

پس گرامی داشت مرا و پناه نداده است بمردم که پس خوار کنند مرا و ستایش مر خدایرا که دوستی کرده است

اِلَيَّ وَهُوَ غَنِيٌّ عَنّي وَالْحَمْدُ لِلّهِ الَّذي يَحْلُمُ عَنّي حَتّى كَاَنّي لا ذَنْبَ لي

بمن و حال آنکه او بی‌نیاز است از من و سپاس خدایرا که بردباری میکند از من تا آنکه گویا نیست برای من گناهی

فَرَبّي اَحْمَدُ شَيْءٍ عِنْدي وَاَحَقُّ بِحَمْدي اَللّهُمَّ اِنّي اَجِدُ سُبُلَ الْمَطالِبِ

پس پروردگار من محمودترین چیز است نزد من و سزاوارتر است بستایش من خدایا بدرستیکه من میابم راههای مطالب را

اليك مشرعة ومناهل الرجاء اليك مترعة والاستعانة

بسوی تو گشاده و مکانهای امیدها بسوی تو پر و یاری خواستن را

بفضلك لمن املك مباحة وابواب الدعاء اليك للصارخين

بفضل تو از برای کسیکه امیدوار است بتو آشکار و درهای دعا بسوی تو برای فریادکنندگان

مفتوحة واعلم انك للراجي بموضع اجابة وللملهوفين بمرصد

گشاده و میدانم که تو برای امیدوار بمکان جوابگویندگانی و برای مظلومین بمحل

اغاثة وان في اللهف الى جودك والرضا بقضائك عوضا

فریادرسی و بدرستیکه در مظلوم بودن بسوی بخشش تو و خشنودی بقضای تو عوض

من منع الباخلين ومندوحة عما في ايدي المستأثرين وان الراحل

باز داشتن بخیلان و از برای وسعت از آنچه در دستهای اختیار کنندگانست و اینکه امید

اليك قريب المسافة وانك لا تحتجب عن خلقك الا ان تحجبهم

بسوی تو نزدیک است رفتنگاه او و بدرستیکه تو در پرده نیستی از خلق خود مگر اینکه پرده میکند

الآمال دونك وقد قصدت اليك بطلبتي وتوجهت اليك

ایشانرا آرزوها نزد تو و بتحقیق که قصد کرده‌ام بسوی تو بخواهش خودم و رو آوردم بسوی تو

بحاجتي وجعلت بك استغاثتي وبدعائك توسلي من غير استحقاق

بحاجت خود و قرار داده‌ام بتو فریادرسی خود را و بخواندن تو چنگ زدن خود را بدون سزاوار داشتن

لاستماعك مني ولا استيجاب لعفوك عني بل لثقتي بكرمك و

بجهة شنیدن تو از من و نه را جا بنکردن مر عفو تو از من بلکه برای اعتماد داشتن بکرم تو و

سكوني الى صدق وعدك ولجائي الى الايمان بتوحيدك ويقيني

ساکن بودن من براستی وعده تو و پناه بردن من بایمان آوردن بیگانگی تو و یقین من

بمعرفتك مني ان لا رب لي غيرك ولا اله الا انت وحدك لا شريك

بمعرفت تو از من اینکه نیست پروردگاری برای من جز تو و نیست خدائی مگر تو تنهائی انبازی نیست

لك اللهم انت القائل وقولك حق ووعدك صدق واسألوا

برای تو خدایا تو گوینده و گفته تو حق است و وعده تو راست است و سؤال کنید

الله من فضله ان الله كان بكم رحيما وليس من صفاتك يا

خدا را از فضل او بدرستیکه خدا میباشد بشما بسیار مهربان و نیست از صفات تو ای

سيدي ان تأمر بالسؤال وتمنع العطية وانت المنان بالعطيات

آقای من اینکه امر کنی بخواستن و منع کنی بخشش را و تو بخشنده بعطاها

على اهل مملكتك والعائد عليهم بتحنن رأفتك الهي ربيتني

بر اهل مملکت خود و جایزه‌ها بر ایشان بسبب عطا کردن مهربانی تو ای خدای من پروردی

في نعمك واحسانك صغيرا ونوهت باسمي كبيرا فيا من رباني

مرا در نعمتهای خود و احسان خود در حالت کودکی و شهرت دادی بنام من در بزرگی پس ای کسیکه پرورید مرا

في الدنيا باحسانه وتفضله ونعمه واشار لي في الآخرة الى

در دنیا باحسان خود و تفضل خود و نعمتهای خود و اشاره کرد مرا در آخرت بسوی

عفوه وكرمه معرفتي يا مولاي دليلي عليك وحبي لك شفيعي

عفو خود و بخشش خود شناختن من ای آقای من رهنمائی کرد مرا بر تو و دوست داشتن من تورا شفیع

اليك وانا واثق من دليلي بدلالتك وساكن من شفيعي الى

است بسوی تو و من استوارم از راه یافتن خودم بدلالت تو و ساکنم از شفیع خودم بسوی

شفاعتك ادعوك يا سيدي بلسان قد اخرسه ذنبه رب

شفاعت تو میخوانم تورا ای آقای من بزبانیکه لال کرده او را گناهان او پروردگار من

اناجيك بقلب قد اوبقه جرمه ادعوك يا رب راهبا راغبا

راز گویم تورا بدلیکه هلاک کرده است او را گناه او میخوانم تورا ای پروردگار من در حالت ترس رغبت کننده

راجيا خائفا اذا رأيت مولاي ذنوبي فزعت واذا رأيت كرمك

امید دارنده ترسان هرگاه میبینم آقای من گناهان خود را میترسم و هرگاه میبینم کرم تو را

طمعت فان عفوت فخير راحم وان عذبت فغير ظالم حجتي يا الله

طمع دارم پس اگر عفو کردی پس بهتر رحم کننده و اگر عذاب کردی پس ستمکار نیستی برهان من ای خدا

في جرأتي على مسألتك مع اتياني ما تكره جودك وكرمك

در جرئت کردن منست بر سؤال کردن از تو با آوردن من آنچه را که مانع بخشش و کرم تست

وعدتي في شدتي مع قلة حيائي رأفتك ورحمتك وقد

و ابزار دست رس من در سختیها من با کمی شرم من مهربانی تو و رحمت تو است و حال آنکه

رجوت ان لا تخيب بين ذين وذين منيتي فحقق رجائي واسمع

امید دارم اینکه نا امید نکنی میان این و آن آرزوهای مرا پس سزاوار کن امید مرا و بشنو

دُعائی یا خَیرَ مَن دَعاهُ داعٍ وَ اَفضَلَ مَن رَجاهُ راجٍ عَظُمَ یا

دعای مرا ای بهتر کسیکه خواند اورا خواننده و برتر کسیکه امیدوار باو شد امیدبرنده بزرگ شد ای

سَیِّدی اَمَلی وَ ساءَ عَمَلی فَاَعطِنی مِن عَفوِکَ بِمِقدارِ اَمَلی وَ لا

آقای من آرزوی من و بد است کار من پس عطا کن مرا از عفو خودت باندازه آرزوی من و

تُؤاخِذنی بِاَسوَءِ عَمَلی فَاِنَّ کَرَمَکَ یَجِلُّ عَن مُجازاتِ المُذنِبینَ

نگیر مرا ببدترین کار من پس بدرستیکه کرم تو گشاینده‌تر است از مجازات گناهکاران

وَ حِلمَکَ یَکبُرُ عَن مُکافاتِ المُقَصِّرینَ وَ اَنَا یا سَیِّدی عائِذٌ

و بردباری تو بزرگتر است از مکافات تقصیرکاران و من ای آقای من پناه برنده‌ام

بِفَضلِکَ هارِبٌ مِنکَ اِلَیکَ مُتَنَجِّزٌ ما وَعَدتَ مِنَ الصَّفحِ عَمَّن

بفضل تو فرارکننده‌ام از تو بسوی تو خواهنده‌ام آنچه را وعده داده از گذشتن از کسی

اَحسَنَ بِکَ ظَنّاً وَ ما اَنَا یا رَبِّ وَ ما خَطَری هَبنی بِفَضلِکَ وَ

نیکو کرده است بتو گمان را و چیستم من ای پروردگار من و چیست خاطر من ببخش مرا بفضل خود و

تَصَدَّق عَلَیَّ بِعَفوِکَ اَی رَبِّ جَلِّلنی بِسَترِکَ وَ اعفُ عَن تَوبیخی

تصدق کن برمن بعفو خودت ای پروردگار من بزرگ گردان مرا بپوشانیدن خود و درگذر از سرزنش کردن من

بِکَرَمِ وَجهِکَ فَلَوِ اطَّلَعَ الیَومَ عَلی ذَنبی غَیرُکَ ما فَعَلتُهُ وَ لَو خِفتُ

بکرم ذات خودت پس اگر اطلاع بیابد امروز بر گناه من غیر از تو نمیکنم آنرا و اگر بترسم

تَعجیلَ العُقوبَةِ لَاجتَنَبتُهُ لا لِاَنَّکَ اَهوَنُ النّاظِرینَ اِلَیَّ وَ اَخَفُّ

زود عقوبت کردن را هرآینه دوری میکردم از آن نه بجهة اینکه تو خوارتر باشی در نظرها بسوی من و خفیف

المُطَّلِعینَ عَلَیَّ بَل لِاَنَّکَ یا رَبِّ خَیرُ السّاتِرینَ وَ اَحکَمُ الحاکِمینَ

از مطلعین باشی برمن بلکه بجهة اینکه تو ای پروردگار من بهترین پوشندگانی و حکم کننده‌ترین حکم کنانی

وَ اَکرَمُ الاَکرَمینَ سَتّارُ العُیوبِ غَفّارُ الذُّنوبِ عَلّامُ الغُیوبِ

و بخشنده‌ترین بخشندگانی پوشاننده عیبهائی آمرزنده گناهانی بسیار داننده غیبهائی

تَستُرُ الذَّنبَ بِکَرَمِکَ وَ تُؤَخِّرُ العُقوبَةَ بِحِلمِکَ فَلَکَ الحَمدُ عَلی

میپوشی گناه را ببخشش خودت و عقب میاندازی عذاب را ببردباری خودت پس مر تو راست سپاس بر

حِلمِکَ بَعدَ عِلمِکَ وَ عَلی عَفوِکَ بَعدَ قُدرَتِکَ وَ یَحمِلُنی وَ یُجَرِّئُنی

بردباری تو پس از دانستن تو و بر عفو تو پس از توانائی تو و بار میکند مرا و جرئت میدهد

عَلی مَعصِیَتِکَ حِلمُکَ عَنّی وَ یَدعوُنی اِلی قِلَّةِ الحَیاءِ سَترُکَ عَلَیَّ

بر نافرمانی تو بردباری تو از من و میخواند مرا بکمی شرم پوشش تو برمن

وَ یُسرِعُنی اِلَی التَّوَثُّبِ عَلی مَحارِمِکَ مَعرِفَتی بِسَعَةِ رَحمَتِکَ وَ عَظیمِ

و بشتاب میاندازد مرا بجستن بر حرامهای تو شناسائی من بفراخی رحمت تو و بزرگی

عَفوِکَ یا حَلیمُ یا کَریمُ یا حَیُّ یا قَیّومُ یا غافِرَ الذَّنبِ یا قابِلَ التَّوبِ یا

عفو تو ای بردبار ای بخشنده ای زنده ای پایدار ای آمرزنده گناه ای قبول کننده توبه ای

عَظیمَ المَنِّ یا قَدیمَ الاِحسانِ اَینَ سَترُکَ الجَمیلُ اَینَ عَفوُکَ الجَلیلُ

بزرگ نعمت ای از پیش نیکی کننده کو پرده‌پوشی خوب تو کو درگذشتن بزرگ تو

اَینَ فَرَجُکَ القَریبُ اَینَ غِیاثُکَ السَّریعُ اَینَ رَحمَتُکَ الواسِعَةُ اَینَ

کو فرج نزدیک تو کو فریادرسی زود تو کو رحمت فراخ تو کو

عَطایاکَ الفاضِلَةُ اَینَ مَواهِبُکَ الهَنیئَةُ اَینَ صَنائِعُکَ السَّنِیَّةُ

بخششهای زیاد تو کو موهبتهای گوارای تو کو صنعتهای پسندیده تو

اَینَ فَضلُکَ العَظیمُ اَینَ مَنُّکَ الجَسیمُ اَینَ اِحسانُکَ القَدیمُ اَینَ کَرَمُکَ

کو فضل بزرگ تو کو نعمتهای بزرگ تو کو احسان دیرینه تو کو بخشش تو

یا کَریمُ بِهِ وَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فَاستَنقِذنی وَ بِرَحمَتِکَ فَخَلِّصنی یا مُحسِنُ یا

ای بخشنده بحق او و بمحمد و آل محمد پس نجات ده مرا و برحمت خود پس برهان مرا ای نیکی کننده

مُجمِلُ یا مُنعِمُ یا مُفضِلُ لَستُ اَتَّکِلُ فِی النَّجاةِ مِن عِقابِکَ عَلی اَعمالِنا بَل بِفَضلِکَ

ای نیکو ای نعمت دهنده ای تفضل کننده نیستم که اعتماد کنم در رهائی از عذاب تو بر کارهای ما بلکه بفضل تو

عَلَینا لِاَنَّکَ اَهلُ التَّقوی وَ اَهلُ المَغفِرَةِ تُبدِئُ بِالاِحسانِ نِعَماً وَ

برما زیرا که توئی اهل پرهیزکاری و سزاوار آمرزندگی ابتدا میکنی به نیکی کردن از روی نعمت

تَعفو عَنِ الذَّنبِ کَرَماً فَما نَدری ما نَشکُرُ اَجَمیلَ ما تَنشُرُ اَم قَبیحَ ما تَستُرُ

میگذری از گناه از روی کرم پس نمیدانیم ما چیزرا که شکر کنیم آیا خوبست آنچه را پراکنده یا بداست آنچه میپوشی

اَم عَظیمَ ما اَبلَیتَ وَ اَولَیتَ اَم کَثیرَ ما مِنهُ نَجَّیتَ وَ عافَیتَ یا حَبیبَ مَن

یا بزرگست آنچه که آزمایش کرده و سزاوار گردانیده یا بسیاری آنچه را که از او نجات داده و عافیت داده ای دوست کسیکه

تَحَبَّبَ اِلَیکَ وَ یا قُرَّةَ عَینِ مَن لاذَ بِکَ وَ انقَطَعَ اِلَیکَ اَنتَ المُحسِنُ وَ

دوست داشته بسوی تو و ای سکون چشم کسیکه پناه برده بتو و متوجه شده بسوی تو توئی نیکی کننده و

نَحْنُ الْمُسِيئُونَ فَتَجَاوَزْ يَا رَبِّ عَنْ قَبِيحِ مَا عِنْدَنَا بِجَمِيلِ مَا عِنْدَكَ وَأَيُّ

ماییم گناه کننده پس درگذر ای پروردگار من از زشتی آنچه نزد ماست بخوبی آنچه نزد تست و کدام

جَهْلٍ يَا رَبِّ لَا يَسَعُهُ جُودُكَ وَأَيُّ زَمَانٍ أَطْوَلُ مِنْ أَنَاتِكَ وَمَا قَدْرُ

نادانیست ای پروردگار من که فرا نمیگیرد آنرا بخشش تو و کدام زمانیست درازتر از زمان مدارای تو و چه قدر دارد

أَعْمَالِنَا فِي جَنْبِ نِعَمِكَ وَكَيْفَ نَسْتَكْثِرُ أَعْمَالاً نُقَابِلُ بِهَا كَرَمَكَ بَلْ

کارهای ما در پهلوی نعمتهای تو و چگونه بسیار شمریم کارها را که مقابل کنیم بآن کرم تو را بلکه

كَيْفَ يَضِيقُ عَلَى الْمُذْنِبِينَ مَا وَسِعَهُمْ مِنْ رَحْمَتِكَ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ

چگونه تنگ میگردد بر گناهکاران آنچه را که فراخ است ایشان را از رحمت تو ای توسعه دهنده آمرزش

يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ فَوَعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي لَوْ انْتَهَرْتَنِي مَا بَرِحْتُ

ای پهن کننده دستها برحمت پس قسم بعزت تو ای آقای من اگر برانی مرا جدا نمیشوم

مِنْ بَابِكَ وَلَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ لِمَا انْتَهَى إِلَيَّ مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِجُودِكَ

از در تو و باز نمیایستم از تملق گفتن تو برای آنچه منتهی شده بمن از شناسائی تو بسبب بخشش

وَكَرَمِكَ وَأَنْتَ الْفَاعِلُ لِمَا تَشَاءُ تُعَذِّبُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ

و کرم تو و توئی کننده مر آنچه را میخواهی عذاب میکنی هرکه را میخواهی بآنچه میخواهی

كَيْفَ تَشَاءُ وَتَرْحَمُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ وَلَا تُسْأَلُ عَنْ فِعْلِكَ

هرگونه میخواهی و رحم میکنی هرکه را میخواهی بآنچه میخواهی هرگونه میخواهی و سؤال کرده نمیشوی از کار خود

وَلَا تُنَازَعُ فِي مُلْكِكَ وَلَا تُشَارَكُ فِي أَمْرِكَ وَلَا تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ

و نیست نزاعی در پادشاهی تو و بی شریکی در کار خود و نیست ضدی در حکم تو

وَلَا يَعْتَرِضُ عَلَيْكَ أَحَدٌ فِي تَدْبِيرِكَ لَكَ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللهُ

و اعتراض نمیکند بر تو احدی در تدبیر تو مر تو راست آفرینش و فرمان مبارکست خدا

رَبُّ الْعَالَمِينَ يَا رَبِّ هٰذَا مَقَامُ مَنْ لَاذَ بِكَ وَاسْتَجَارَ بِكَرَمِكَ وَ

که پروردگار جهانیانست ای پروردگار من این مقام کسی است که پناه برده بتو و زنهار جسته بکرم تو و

أَلِفَ إِحْسَانَكَ وَنِعَمَكَ وَأَنْتَ الْجَوَادُ الَّذِي لَا يَضِيقُ عَفْوُكَ وَلَا يَنْقُصُ

الفت گرفته باحسان تو و نعمتهای تو و توئی بخشنده که تنگ نمیشود عفو تو و کم نمیشود

فَضْلُكَ وَلَا تَقِلُّ رَحْمَتُكَ وَقَدْ تَوَثَّقْنَا مِنْكَ بِالصَّفْحِ الْقَدِيمِ وَالْفَضْلِ

فضل تو و اندک نمیشود رحمت تو و بتحقیق استوار دیم ما از تو بگذشتن دیرینه و فضل

الْعَظِيمِ وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ أَفَتُرَاكَ يَا رَبِّ تُخْلِفُ ظُنُونَنَا أَوْ تُخَيِّبُ

بزرگ و رحمت فراخ آیا میبینی خود را ای پروردگار من که خلاف کنی گمانهای ما را یا نا امید کنی

آمَالَنَا كَلَّا يَا كَرِيمُ فَلَيْسَ هٰذَا ظَنُّنَا بِكَ وَلَا هٰذَا فِيكَ طَمَعُنَا يَا رَبِّ

امیدهای ما را حاشا ای کریم پس نیست این گمان ما بتو و نیست این در تو طمع ما ای پروردگار من

إِنَّ لَنَا فِيكَ أَمَلاً طَوِيلاً كَثِيراً إِنَّ لَنَا فِيكَ رَجَاءً عَظِيماً عَصَيْنَاكَ

بدرستیکه برای ما در تو امیدهای دراز بسیار است و بدرستیکه برای ما در تو امید بزرگست نافرمانی کردیم تو را

وَنَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتُرَ عَلَيْنَا وَدَعَوْنَاكَ وَنَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتَجِيبَ لَنَا

و ما امیدواریم اینکه پرده پوشی کنی بر ما و خواندیم تو را و ما امیدواریم که اجابت کنی برای ما

فَحَقِّقْ رَجَاءَنَا يَا مَوْلَانَا فَقَدْ عَلِمْنَا مَا نَسْتَوْجِبُ بِأَعْمَالِنَا وَلٰكِنْ

پس سزاوار کن امید ما را ای آقای ما پس بتحقیق دانستیم آنچه را که مستوجب میشویم بسبب اعمال ما و لیکن

عِلْمُكَ فِينَا وَعِلْمُنَا بِأَنَّكَ لَا تَصْرِفُنَا عَنْكَ حَثَّنَا عَلَى الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ

دانش تو در ما و دانستن ما باینکه تو بر نمیگردانی ما را از خود برانگیخت ما را بر میل بسوی تو

وَإِنْ كُنَّا غَيْرَ مُسْتَوْجِبِينَ لِرَحْمَتِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيْنَا وَعَلَى

و اگرچه بوده باشیم ما که مستوجب رحمت تو نباشیم پس تو سزاواری که بخشش کنی بر ما و بر

الْمُذْنِبِينَ بِفَضْلِ سَعَتِكَ فَامْنُنْ عَلَيْنَا بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَجُدْ عَلَيْنَا

گناهکاران بفضل گشایش خود پس انعام کن بر ما بآنچه تو سزاوار آنی و بخشش کن بر ما

فَإِنَّا مُحْتَاجُونَ إِلَى نَيْلِكَ يَا غَفَّارُ بِنُورِكَ اهْتَدَيْنَا وَبِفَضْلِكَ اسْتَغْنَيْنَا

پس بدرستیکه ما محتاجیم بعطای تو ای آمرزنده بروشنی تو راه یافتیم ما و بفضل تو بی نیاز شدیم ما

وَبِنِعْمَتِكَ أَصْبَحْنَا وَأَمْسَيْنَا ذُنُوبُنَا بَيْنَ يَدَيْكَ نَسْتَغْفِرُكَ اللّٰهُمَّ مِنْهَا

و بنعمت تو داخل در صبح و داخل در شب شدیم ما گناهان ما پیش دو دست تو طلب آمرزش میکنیم از تو خدایا از آن

وَنَتُوبُ إِلَيْكَ تَتَحَبَّبُ إِلَيْنَا بِالنِّعَمِ وَنُعَارِضُكَ بِالذُّنُوبِ خَيْرُكَ

و بازگشت میکنیم بسوی تو دوستی کرده بسوی ما بنعمتها و معارضه میکنیم تو را بگناهان خوبی تو

إِلَيْنَا نَازِلٌ وَشَرُّنَا إِلَيْكَ صَاعِدٌ وَلَمْ يَزَلْ وَلَا يَزَالُ مَلَكٌ كَرِيمٌ

بسوی ما فرود میاید و بدی ما بسوی تو بالا میرود و همیشه بوده و همیشه میباشد پادشاهی کریم

يَأْتِيكَ عَنَّا فِي كُلِّ يَوْمٍ بِعَمَلٍ قَبِيحٍ فَلَا يَمْنَعُكَ ذٰلِكَ مِنْ أَنْ تَحُوطَنَا

میاید تو را از ما در هر روز کار زشت پس مانع نمیشود تو را این از اینکه احاطه کنی بما

بِنِعَمِكَ وَتَفَضَّلَ عَلَيْنَا بِآلاءِكَ فَسُبْحَانَكَ مَا اَحْلَمَكَ وَاَعْظَمَكَ
بنعمتهای خود وتفضل کنی برما بنعمتهای خود پس منزهی تو چقدر بردباری تو وبزرگی تو

وَاَكْرَمَكَ مُبْدِءًا وَمُعِيدًا تَقَدَّسَتْ اَسْمَاءُكَ وَجَلَّ ثَنَاءُكَ وَكَرُمَ
وکریمی تو ابتداکننده واعاده‌کننده پاکیزه است نامهای تو وبزرگست ثنای تو ومحبوبست

صَنَائِعُكَ وَفِعَالُكَ اَنْتَ اِلٰهِي اَوْسَعُ فَضْلًا وَاَعْظَمُ حِلْمًا مِنْ اَنْ
صنعتهای تو وکارهای تو توئی اخدای من فراخ تر ازجهت فضل وبزرگتر ازجهت بردباری از اینکه

تُقَايِسَنِي بِفِعْلِي وَخَطِيئَتِي فَالْعَفْوَ الْعَفْوَ الْعَفْوَ سَيِّدِي سَيِّدِي سَيِّدِي
مقایسه کنی مرا بکرده من وگناهان من پس درگذر درگذر درگذر آقای من آقای من

اَللّٰهُمَّ اشْغَلْنَا بِذِكْرِكَ وَاَعِذْنَا مِنْ سَخَطِكَ وَاَجِرْنَا مِنْ عَذَابِكَ
خدایا مشغول‌گردان مارا بیاد خود وپناه ده مارا از غضب خود وزینهار ده مارا از شکنجه خود

وَارْزُقْنَا مِنْ مَوَاهِبِكَ وَاَنْعِمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلِكَ وَارْزُقْنَا حَجَّ
وروزی ده مارا از بخششهای خود وانعام کن برما از فضل خود وروزی کن مارا حج

بَيْتِكَ وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ وَمَغْفِرَتُكَ وَرَحْمَتُكَ وَبَرَكَاتُكَ
خانه خود وزیارت قبر پیغمبر خود رحمتهای متصل تو وآمرزش تو ورحمت تو وبرکتهای تو

وَرِضْوَانُكَ عَلَيْهِ وَعَلٰى اَهْلِ بَيْتِهِ اِنَّكَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ وَارْزُقْنَا
ورضوان تو براو وبر اهل‌خانه او بدرستیکه تو نزدیکی هستی اجابت کننده وروزی کن مارا

عَمَلًا بِطَاعَتِكَ وَتَوَفَّنَا عَلٰى مِلَّتِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
عملکردن بطاعت تو وبمیران مارا بر ملت خود وسنت پیغمبر خود درود متصل خدا براو

وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا وَ
وآل او خدایا بیامرز مرا وپدر ومادر مرا ورحمت کن ایشان را چنانکه تربیت کردند مرا در کودکی و

اجْزِهِمَا بِالْاِحْسَانِ اِحْسَانًا وَبِالسَّيِّئَاتِ غُفْرَانًا اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ
جزا بده ایشان را به نیکی کردنشان نیکی کردنی و ببدیهایشان آمرزیدنی خدایا بیامرز مردهای مؤمن

وَالْمُؤْمِنَاتِ الْاَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْاَمْوَاتِ وَتَابِعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ
وزنهای مؤمنه را زندگان از ایشان ومردگان ایشان را متابعت ده میان ما ومیان ایشان به نیکیها

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنَا وَمَيِّتِنَا وَشَاهِدِنَا وَغَائِبِنَا ذَكَرِنَا وَاُنْثَانَا
خدایا بیامرز زندگان ما ومردگان مارا وحاضر ما وپنهان ما مرد ما وزن ما

صَغِيرِنَا وَكَبِيرِنَا حُرِّنَا وَمَمْلُوكِنَا كَذَبَ الْعَادِلُونَ بِاللّٰهِ وَضَلُّوا
کوچک وبزرگ مارا آزاد ما وبنده مارا دروغ گفتند عدول کنندگان بخدا وگمراه شدند

ضَلَالًا بَعِيدًا وَخَسِرُوا خُسْرَانًا مُبِينًا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ
گمراه شدن دور وزیانکار شدند زیانکار شدن آشکارا خدایا رحمت فرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاخْتِمْ لِي بِخَيْرٍ وَاكْفِنِي مَا اَهَمَّنِي مِنْ اَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي
وآل محمد وتمام کن برای من بخوبی وکفایت کن مرا آنچه ضروراست برای من از کار دنیای من وآخرت من

وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِي وَاجْعَلْ عَلَيَّ مِنْكَ وَاقِيَةً بَاقِيَةً وَ
ومسلط مکن برمن کسیکه رحم نکند مرا وبگردان برمن از نزد خود نگاه دارنده باقی و

لَا تَسْلُبْنِي صَالِحَ مَا اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ رِزْقًا
وبیرون مکن ازمن شایسته آنچه انعام کردی بآن برمن وروزی کن مرا از فضل خود روزی

وَاسِعًا حَلَالًا طَيِّبًا اَللّٰهُمَّ احْرُسْنِي بِحِرَاسَتِكَ وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِكَ
فراخ حلال پاکیزه را خدایا نگاه دار مرا بنگاه داشتن خود وحفظ کن مرا بحفظ خود

وَاكْلَأْنِي بِكِلَاءَتِكَ وَارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا هٰذَا
وباز دار مرا بباز داشتن خود وروزی کن مرا حج خانه خود که باحرمت است در امسال

وَفِي كُلِّ عَامٍ وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ وَالْاَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ
ودر هر سالی وزیارت قبر پیغمبر تو وپیشوایان که برایشانست درود و

لَا تُخْلِنِي يَا رَبِّ مِنْ تِلْكَ الْمَشَاهِدِ الشَّرِيفَةِ وَالْمَوَاقِفِ الْكَرِيمَةِ اَللّٰهُمَّ
خالی مکن مرا ای پروردگار من از این مکانهای شریف وجاهای خوب خدایا

تُبْ عَلَيَّ حَتّٰى لَا اَعْصِيَكَ وَاَلْهِمْنِيَ الْخَيْرَ وَالْعَمَلَ بِهِ وَخَشْيَتَكَ بِاللَّيْلِ وَ
بازگشت کن برمن تا اینکه نافرمانی نکنم ودردل من انداز خوبی را وعمل کردن بآن وترسیدن از تو در شب و

النَّهَارِ اَبَدًا مَا اَبْقَيْتَنِي يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي كُلَّمَا قُلْتُ قَدْ تَهَيَّأْتُ
روز همیشه مادامیکه باقی گذاری مرا ای پروردگار جهانیان خدایا بدرستیکه من هرچه گفتم که مهیا شدم

وَتَعَبَّأْتُ وَقُمْتُ لِلصَّلٰوةِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَنَاجَيْتُكَ اَلْقَيْتَ عَلَيَّ نُعَاسًا
ومستعد شده‌ام وایستاده‌ام بجهت نماز مقابل روی تو وراز گفتم تورا انداختی برمن خواب را

اِذَا اَنَا صَلَّيْتُ وَسَلَبْتَنِي مُنَاجَاتَكَ اِذَا اَنَا نَاجَيْتُكَ مَالِي كُلَّمَا
هرگاه که من نماز میکردم ودور کردی ازمن رازهای خود را هرگاه که من رازگفتم تورا چیست برای من هروقت

قلت قد صلحت سريرتي وقرب من مجالس التوابين مجلسي عرضت

گر گفتم بتحقیق نیک شد باطن من و نزدیک شد بمجلسهای توبه کنندگان مجلس من عارض شد

لي بلية ازالت قدمي وحالت بيني وبين خدمتك سيدي لعلك

مرا بلیه که لغزانید قدم مرا و حایل شد میان من و میان خدمت تو ای آقای من شاید که تو

عن بابك طردتني وعن خدمتك نحيتني او لعلك رأيتني مستخفا

از در خود رانده مرا و از خدمت خود دور کرده مرا یا شاید که تو دیدی مرا که سبک شمارنده ام

بحقك فاقصيتني او لعلك رأيتني معرضا عنك فقليتني او

حق تورا پس دور کرده مرا یا شاید که تو دیدی مرا اعراض کننده از تو پس دشمن داشتی مرا یا

لعلك وجدتني في مقام الكاذبين فرفضتني او لعلك رأيتني

شاید تو یافتی مرا در جای دروغگویان پس راندهٔ مرا یا شاید تو دیدی مرا

غير شاكر لنعمائك فحرمتني او لعلك فقدتني من مجالس العلماء فخذ

غیر شکر کننده مر نعمت تورا پس محروم نمودی مرا یا شاید تو گم کرده مرا از مجالس دانایان پس خوار کردی

او لعلك رأيتني في الغافلين فمن رحمتك آيستني او لعلك رأيتني آلف

یا شاید تو دیدی مرا در زمرهٔ غافلان پس از رحمت خود ناامید کردی مرا یا شاید تو دیدی مرا الفت گیرنده

مجالس البطالين فبيني وبينهم خليتني او لعلك لم تحب ان تسمع

در محافل بیکاران پس میان من و میان ایشان خالی کردی مرا یا شاید تو دوست نداری که بشنوی

دعائي فباعدتني او لعلك بجرمي وجريرتي كافيتني او لعلك

خواندن مرا پس دور گردانیده مرا یا شاید تو بگناه من و کار بد من مکافات داده مرا یا شاید تو

بقلة حيائي منك جازيتني فان عفوت يا رب فطال ما عفوت

بکمی شرم من از تو مجازات کرده مرا پس اگر عفو کنی ای پروردگار من پس چه درازاست آنچه عفو کرده

عن المذنبين قبلي لان كرمك اي رب يجل عن مجازات المذنبين

از گناهکاران پیش از من بجهة آنکه بخشش تو ای پروردگار من بزرگست از جزا دادن گناهکاران

وحلمك يكبر عن مكافاة المقصرين وانا عائذ بفضلك هارب

و بردباری تو بزرگست از مکافات دادن کوتاهی کنندگان و من پناه برنده ام بفضل تو گریزانم

منك اليك متنجز ما وعدت من الصفح عمن احسن بك ظنا الهي انت

از تو بسوی تو جزم کننده ام آنچه را که وعده کرده از بخشش از کسیکه خوب کرده است بتو گمان را خدای من تو

اوسع فضلا واعظم حلما من ان تقايسني بعملي او ان تستزلني

فراختری از جهت فضل و بزرگتری از جهت بردباری از آنکه مقایسه کنی مرا بکردار من یا آنکه خوار کنی مرا

بخطيئتي وما انا يا سيدي وما خطري هبني بفضلك يا سيدي و

بگناهان من و چیستم من ای آقای من و آنچه در دل من خطور کرده ببخش مرا بفضل خود ای آقای من و

تصدق علي بعفوك وجللني بسترك واعف عن توبيخي بكرم

تصدق کن بر من بعفو خود و بزرگ کردان مرا بپوشش خود و درگذر از سرزنش کردن من ببزرگواری

وجهك سيدي انا الصغير الذي ربيته وانا الجاهل الذي علمته

ذات خود ای آقای من منم آن کودکیکه تربیت کردی اورا و منم نادانی که دانا کردی اورا

وانا الضال الذي هديته وانا الوضيع الذي رفعته وانا الخائف

و منم گمراهی که راهنمائی کردی اورا و منم پستی که بلند کردی اورا و منم ترسناکی که

الذي آمنته وانا الجائع الذي اشبعته والعطشان الذي ارويته

ایمن گردانیدی اورا و منم گرسنهٔ که سیر کردی اورا و تشنهٔ که سیراب کردی اورا و

والعاري الذي كسوته والفقير الذي اغنيته والضعيف الذي قويته

و برهنه که پوشانیدی اورا و بیچیزیکه بی‌نیاز کردی اورا و ناتوانی که توانا کردی اورا

والذليل الذي اعززته والسقيم الذي شفيته والسائل الذي

و خواری که عزیز کردی اورا و بیماری که شفا دادی اورا و سؤال کننده که

اعطيته والمذنب الذي سترته والخاطئ الذي اقلته وانا القليل

عطا کردی اورا و گناهکاریکه پوشانیدی گناه اورا و خطاکاری که اقاله کردی اورا و اندکیکه

الذي كثرته والمستضعف الذي نصرته وانا الطريد الذي آويته

بسیار کردی اورا و ناتوانیکه یاری کردی اورا و رانده شده که مأوی دادی اورا و

انا يا رب الذي لم استحيك في الخلاء ولم اراقبك في الملاء انا صاحب

منم ای پروردگار من آنکه شرم نکرده از تو در پنهانی و مراقبت نکرده است تورا در آشکارا منم دارای

الدواهي العظمى انا الذي على سيده اجترى انا الذي عصيت جبار

حادثه‌های بزرگ منم که بر آقای خود جرأت کردم منم که نافرمانی کردم بزرگی دهندهٔ

السماء انا الذي اعطيت على معاصي الجليل الرشى انا الذي حين

آسمان را منم که داده‌ام بر گناهان بزرگ رشوه‌ها را منم که زمانیکه

بُشِّرْتُ بِها خَرَجْتُ اِلَيْها اَسْعى اَنَا الَّذي اَمْهَلْتَني فَمَا ارْعَوَيْتُ وَ

بشارت داده شدم بان بیرون رفتم بسوی ان سعی کننده منم انکه مهلت دادی مرا پس رعایت نکردم و

سَتَرْتَ عَلَيَّ فَمَا اسْتَحْيَيْتُ وَعَمِلْتُ بِالْمَعاصي فَتَعَدَّيْتُ وَاَسْقَطْتَني

پوشانیدی برمن پس شرم نکردم و عمل کردم بگناهان پس زیاده روی کردم و انداختی مرا

مِنْ عَيْنِكَ فَما بالَيْتُ فَبِحِلْمِكَ اَمْهَلْتَني وَبِسِتْرِكَ سَتَرْتَني حَتّى كَاَنَّكَ

از چشم خود پس باکی نداشتم پس بردباری خود مهلت دادی مرا و بپوشش خود پوشانیدی مرا تا اینکه گویا تو

اَغْفَلْتَني وَمِنْ عُقُوباتِ الْمَعاصي جَنَّبْتَني حَتّى كَاَنَّكَ اسْتَحْيَيْتَني اِلهي

غافل نمودی مرا و از عقوبتهای گناهان من دور گردانیدی مرا تا اینکه گویا تو مرا در شرم انداختی خدای من

لَمْ اَعْصِكَ حينَ عَصَيْتُكَ وَاَنَا بِرُبُوبِيَّتِكَ جاحِدٌ وَلا بِاَمْرِكَ مُسْتَخِفٌّ

نافرمانی نکردم تورا زمانی که نافرمانی کردم تورا من بپروردگاری تو منکر نبودم و امر تورا سبک نمی شمردم

وَلا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ وَلا لِوَعيدِكَ مُتَهاوِنٌ وَلكِنْ خَطيئَةٌ عَرَضَتْ

و عذاب کردن تورا معترض نبودم و وعدهای عذاب تورا اهانت نمیکردم ولیکن خطاهائی که عارض شد

وَسَوَّلَتْ لي نَفْسي وَغَلَبَني هَوايَ وَاَعانَني عَلَيْها شِقْوَتي وَغَرَّني

و گول زده بود مرا نفس من و غالب شده بود مرا خواهش دل من و اعانت کرد مرا بر بجا اوردن ان بدبختی من و فریب داد

سِتْرُكَ الْمُرْخى عَلَيَّ فَقَدْ عَصَيْتُكَ وَخالَفْتُكَ بِجُهْدي فَالْانَ مِنْ

پرده پوشی خوش تو برمن پس بتحقیق نافرمانی کردم تورا و مخالفت کردم تورا بکوشش خودم پس اکنون از

عَذابِكَ مَنْ يَسْتَنْقِذُني وَمِنْ اَيْدِي الْخُصَماءِ غَداً مَنْ يُخَلِّصُني وَبِحَبْلِ

عذاب تو کی نجات میدهد مرا و از دستهای دشمنان فردا کی خلاصی میدهد مرا و بریسمان

مَنْ اَتَّصِلُ اِنْ اَنْتَ قَطَعْتَ حَبْلَكَ عَنّي فَوا سَوْاَتا عَلى ما اَحْصى كِتابُكَ

کی اتصال پیدا کنم اگر تو قطع کنی ریسمان خود را از من پس وای بر رسوائی من برانچه شماره کرده نوشته تو

مِنْ عَمَلِيَ الَّذي لَوْلا ما اَرْجُو مِنْ كَرَمِكَ وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ وَنَهْيِكَ

از اینهمه کار من که اگر نبود انچه که امید دارم بکرم تو و فراخی رحمت تو و باز داشتن تو

اِيّايَ عَنِ الْقُنُوطِ لَقَنَطْتُ عِنْدَما اَتَذَكَّرُها يا خَيْرَ مَنْ دَعاهُ داعٍ وَ

مرا از اینکه ناامید باشم هر اینه ناامید میشدم هرگاه متذکر انها میشدم ای بهتر کسیکه خواند اورا خواننده و

اَفْضَلَ مَنْ رَجاهُ راجٍ اَللّهُمَّ بِذِمَّةِ الْاِسْلامِ اَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ

برتر کسیکه امیدوار شد او را امیدوار شده خدایا بدرستیکه من بعهدهای اسلام چنگ میزنم بسوی تو

وَبِحُرْمَةِ الْقُرْانِ اَعْتَمِدُ عَلَيْكَ وَبِحُبِّيَ النَّبِيَّ الْاُمِّيَّ الْقُرَشِيَّ الْهاشِمِيَّ

و بحرمت قران تکیه میکنم بر تو و بدوست داشتن من پیغمبر امی قرشی هاشمی

الْعَرَبِيَّ التِّهامِيَّ الْمَكِّيَّ الْمَدَنِيَّ اَرْجُو الزُّلْفَةَ لَدَيْكَ فَلا تُوحِشِ اسْتيناسَ

عربی تهامی مکی مدنی را امید دارم نزدیک شدن نزد تورا پس بوحشت میناداز کرده

ايماني وَلا تَجْعَلْ ثَوابي ثَوابَ مَنْ عَبَدَ سِواكَ فَاِنَّ قَوْماً امَنُوا بِاَلْسِنَتِهِمْ

ایمان را و نگردان ثواب مرا ثواب کسیکه غیر از تورا پرستش کرده پس بدرستیکه گروهی گرویدند بزبانهاشان

لِيَحْقِنُوا بِهِ دِماءَهُمْ فَاَدْرَكُوا ما اَمَّلُوا وَاِنّا امَنّا بِكَ بِاَلْسِنَتِنا وَقُلُوبِنا

تا حفظ شود بسبب ان خونهاشان پس یافتند انچه را که ارزو داشتند و ما گرویدیم بتو بازبانها و دلهامان

لِتَعْفُوَ عَنّا فَاَدْرِكْ بِنا ما اَمَّلْنا وَثَبِّتْ رَجاءَكَ في صُدُورِنا وَلا تُزِغْ

تا درگذری از ما پس برسان ما را بانچه ارزو داریم و ثابت امیدواری خودت را در سینه های ما و میل مده

قُلُوبَنا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنا وَهَبْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهّابُ

دلهای ما را پس از انکه راهنمائی کردی ما را و ببخش ما را از نزد خود رحمت بدرستیکه تو هستی بسیار بخشنده

فَوَعِزَّتِكَ لَوِ انْتَهَرْتَني ما بَرِحْتُ مِنْ بابِكَ وَلا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ لِما

پس قسم بعزت خود اگر برانی مرا جدا نمیشوم از در تو و خودرا باز نمیدارم از تملق گفتن بتو برای انچه

اُلْهِمَ قَلْبي مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِكَرَمِكَ وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ اِلى مَنْ يَذْهَبُ

بدل من افتاده از شناسائی بکرم تو و فراخی رحمت تو کجا میرود بنده

الْعَبْدُ اِلّا اِلى مَوْلاهُ وَاِلى مَنْ يَلْتَجِئُ الْمَخْلُوقُ اِلّا اِلى خالِقِهِ اِلهي لَوْ

مگر بسوی اقای خود و بکی پناه برد مخلوق مگر بخالق خود خدای من اگر

قَرَنْتَني بِالْاَصْفادِ وَمَنَعْتَني سَيْبَكَ مِنْ بَيْنِ الْاَشْهادِ وَدَلَلْتَ عَلى

بندکنی مرا بقیدها و باز داری مرا از عطای خود از میانه حاضران و دلالت کنی بر

فَضائِحي عُيُونَ الْعِبادِ وَاَمَرْتَ بي اِلَى النّارِ وَحُلْتَ بَيْني وَبَيْنَ الْاَبْرارِ

رسوائیهای من چشمهای بندگان را و فرمان دهی مرا بسوی اتش و حایل کنی میان من و میان نیکوکاران

ما قَطَعْتُ رَجائي مِنْكَ وَما صَرَفْتُ تَاْميلي لِلْعَفْوِ عَنْكَ وَلا خَرَجَ

نمیبرم امید خود را از تو و بر نمیگردم از امید عفو داشتن از تو و بیرون نمیرود

حُبُّكَ عَنْ قَلْبي اَنَا لا اَنْسى اَياديكَ عِنْدي وَسِتْرَكَ عَلَيَّ في دارِ الدُّنْيا

دوستی تو از دل من من فراموش نمیکنم نعمتهای تورا که نزد من است و پرده پوشی تورا برخودم در خانه دنیا

يا سيدي صل على محمد وال محمد واخرج حب الدنيا من قلبي واجمع

ای اقای من رحمت فرست بر محمد وال محمد و بیرون کن دوستی دنیارا از دل من و جمع کن

بيني وبين المصطفى واله خيرتك من خلقك وخاتم النبيين محمد

میان من و میان مصطفی و ال او که برگزیدگان تواند از خلق تو و خاتم پیغمبران محمد

صلى الله عليه واله وانقلني الى درجة التوبة اليك واعني

رحمت فرستد خدا براو و ال او و نقل کن مرا بسوی درجه توبه بسوی خود و یاری کن مرا

بالبكاء على نفسي فقد افنيت بالتسويف والامال عمري وقد نزلت

باینکه گریه کنم بر نفس خودم پس بتحقیق فانی کردم بمسامحه کردن و ارزوها جان خودرا و بتحقیق فرود ادم

منزلة الايسين من خيري فمن يكون اسوء حالا مني ان انا نقلت

درفرودگاه ناامیدان از نیکی خود پس کیست که بدتر باشد حالش ازمن اگر من نقل کرده شدم

على مثل حالي الى قبر لم امهده لرقدتي ولم افرشه بالعمل الصالح

بر مانند اینحالی که هستم بسوی قبر یکه پهن نکرده ام انرا برای خوابیدن خود و فرش نکردم انرا بکار شایسته

لضجعتي ومالي لا ابكي ولا ادري الى ما يكون مصيري وارى نفسي تخادعني

برای جا بجا خود و چیست از برای من که گریه نمیکنم و نمیدانم بازگشت من بکجااست و میبینم نفس خود را که مرا گول میزند

وايامي تخاتلني وقد خفقت عند راسي اجنحة الموت فمالي لا ابكي ابكي

و روزهای من که با من مکر میکند و حال انکه اواز میکند نزد سر من بالهای مرغ مرگ پس چیست برای من که گریه نمیکنم گریه

لخروج نفسي ابكي لظلمة قبري ابكي لضيق لحدي ابكي لسؤال منكر و

میکنم برای بیرون رفتن نفس من گریه میکنم برای تاریکی قبرم گریه میکنم برای تنگی گورم گریه میکنم برای پرسش منکر و

نكير اياي ابكي لخروجي من قبري عريانا ذليلا حاملا ثقلي على ظهري

نکیر از من گریه میکنم برای بیرون شدنم از قبر خود در حال برهنگی و ذلت که حمل کننده باشم گناهانم را بر پشتم

انظر مرة عن يميني واخرى عن شمالي اذ الخلائق في شان غير شاني

نظر کنم مرتبه از طرف راست و مرتبه دیگر از طرف چپ خود ببینم همه مردم در کاری باشند غیر از کار من

لكل امرئ منهم يومئذ شان يغنيه وجوه يومئذ مسفرة

برای هر مردی از ایشان در ان روز کاریست که بی نیاز کند اورا روهائی در ان روز تابانست

ضاحكة مستبشرة ووجوه يومئذ عليها غبرة ترهقها قترة وذلة

خندان است شادانست و روهائی در ان روز گرد الود و تاریک و سیاه و خواری

سيدي عليك معولي ومعتمدي ورجائي وتوكلي وبرحمتك تعلقي

اقای من بر تست اعتماد من و پشت گرمی من و امیدواری من و توکل من و برحمت تست علاقه مندی من

تصيب برحمتك من تشاء وتهدي بكرامتك من تحب فلك الحمد

میرسانی برحمت خود هرکه را بخواهی و راهنمائی میکنی بخشش خود هرکه را دوست داری پس مر تراست سپاس

على ما نقيت من الشرك قلبي ولك الحمد على بسط لساني افبلساني هذا الكال

بر انچه پاک کرده از شرک دل مرا و مر توراست سپاس بر پهن کردن زبان من ایا پس باین زبان کند

اشكرك ام بغاية جهدي في عملي ارضيك وما قدر لساني يا رب

ثنا گویم ترا یا بمنتهای کوشش خودم در کارم خشنود کنم ترا و چه قدرت دارد زبان من ای پروردگار من

في جنب شكرك وما قدر عملي في جنب نعمك واحسانك الهي ان

در پیش شکر تو و چه قدرت دارد عمل من در پیش نعمت تو و احسان تو بسوی مگر انکه

جودك بسط املي وشكرك قبل عملي سيدي اليك رغبتي ومنك

بخشش تو پهن کند ارزوی مرا و شکر تو قبول کند کار مرا اقای من بسوی تواست میل من و از تست

رهبتي واليك تاميلي وقد ساقني اليك املي وعليك يا واحدي

امید من و بسوی تست ارزو داشتن من و بتحقیق راند مرا بسوی تو ارزوی من و بر تو ای یگانه

عكفت همتي وفيما عندك انبسطت رغبتي ولك خالص رجائي وخوفي

اعتکاف کرده همت من و در انچه نزد تست پهن شده میل من و از برای تست امید خالص من و ترس من

وبك انست محبتي واليك القيت بيدي وبحبل طاعتك مددت رهبتي

و بتو انس گرفته دوستی من و بسوی تو انداختم خود را بدست خود و بریسمان طاعت تو کمک کردم امید خود را

يا مولاي بذكرك عاش قلبي وبمناجاتك بردت الم الخوف عني فيا مولاي

ای اقای من بیاد تو تعیش میکند دل میکند و براز گوئی با تو سرد میکنم اتش ترس را از خود پس ای اقای من

ويا مؤملي ويا منتهى سؤلي صل على محمد وال محمد وفرق بيني و

وای امید من وای نهایت خواهشهای من رحمت فرست بر محمد وال محمد و جدائی بینداز میان من و

بين ذنبي المانع لي من لزوم طاعتك فانما اسألك لقديم الرجاء

میان گناه من که جلوگیری میکند مرا از وجوب طاعت تو پس جز این نیست سؤال میکنم ترا برای امید دیرینه

فيك وخوفي اليك وعظيم الطمع منك الذي اوجبته على نفسك

در تو و ترس من بسوی تو و بزرگی طمع من از تو انچه را که واجب کرده انرا بر نفس خود

من الرأفة والرحمة والامر لك وحدك لا شريك لك والخلق

از مهربانی و رحمت و فرمان مر تو راست یگانه تو نیست انبازی مر تو را و آفریدگان

كلهم عيالك وفي قبضتك وكل شيء لك خاضع تباركت يا رب

همه ایشان عیال تواند و در قبضه قدرت تواند و هر چیزی مر تو را فروتنی کننده است مبارکی تو ای پروردگار

العالمين الهي ارحمني اذا انقطعت حجتي وكل عن جوابك لساني و

جهانیان خدای من رحم کن مرا زمانیکه بریده شد برهان من و باز ماند از جواب تو زبان من و

طاش عند سؤالك اياي لبي فيا عظيم رجائي ولا تخيبني اذا اشتدت

رفت نزد سؤال کردن تو از من عقل من پس ای بزرگ امید من و نا امید مکن مرا زمانیکه سخت شد

فاقتي اليك ولا تردني لجهلي ولا تمنعني لقلة صبري اعطني لفقري

نیازمندی من بسوی تو و رد مکن مرا بجهة نادانی من و منع مکن مرا بجهة کمی صبر من بده مرا برای بیچارگی من

وارحمني لضعفي سيدي عليك معتمدي ومعولي ورجائي وتوكلي

و رحم کن مرا برای ناتوانی من آقای من بر تو است اعتماد من و تکیه گاه من و امید من و توکل من

وبرحمتك تعلقي وبفنائك احط رحلي ولجودك اقصد طلبتي وبكرمك

و برحمت تست تعلق من و بجوار تو مینهم بار خود را و برای بخشش تو آهنگ کنم طلب خود را و بکرم تو

اي رب استفتح دعائي ولديك ارجو جبر فاقتي وبغناك اجبر

ای پروردگار من طلب گشایش میکنم خواندن خود را و نزد تو امید دارم شکستن بیچارگی خود را و به بی نیازی تو میبندم

عيلتي وتحت ظل عفوك قيامي والى جودك وكرمك ارفع بصري

درویشی خود را و زیر سایه بخشش تو است ایستادن من و بسوی بخشش تو و کرم تو بلند میکنم چشم خود را

والى معروفك اديم نظري فلا تحرقني بالنار وانت موضع املي

و بسوی احسان تو همیشه میدارم نظر خود را پس مسوزان مرا باتش و تو جایگاه امید منی

ولا تسكني الهاوية فانك قرة عيني يا سيدي لا تكذب ظني

و جای مده مرا در جهنم پس بدرستیکه تو سکون چشم منی ای آقای من دروغ مگردان گمان مرا

باحسانك ومعروفك فانك ثقتي ورجائي ولا تحرمني ثوابك

باحسان خود و نیکی کردن خود پس بدرستیکه تو اعتماد من و امید منی و محروم مکن مرا ثواب خود را

فانك العارف بفقري الهي ان كان قد دنا اجلي ولم يقربني منك

پس بدرستیکه تو شناسنده بیچارگی منی خدای من اگر بوده باشد که نزدیک شده باشد مدت من و حال آنکه نزدیک نکند مرا بتو

عملي فقد جعلت الاعتراف اليك بذنبي وسائل عللي الهي ان عفوت

عمل من پس بتحقیق گردانیده ام اعتراف کردن بگناه خودم را نزد تو وسیله های علتهای من خدای من اگر درگذشتی

فمن اولى منك بالعفو وان عذبت فمن اعدل منك في الحكم ارحم

پس کیست سزاوارتر از تو بدرگذشتن و اگر عذاب کردی پس کی عادلتر است از تو در حکم رحم کن

في هذه الدنيا غربتي وعند الموت كربتي وفي القبر وحدتي وفي

در این دنیا غریبی من و وقت مردن بشدتهای من و در قبر تنهائی من و در

اللحد وحشتي واذا نشرت للحساب بين يديك ذل موقفي واغفر لي ما

گور بیمناکی من و وقتیکه برگردم برای حساب در پیش روی تو خواری ایستادن گاه من و بیامرز برای من آنچه

خفي على الآدميين من عملي وادم لي ما به سترتني وارحمني صريعا

پنهان است بر آدمیان از کار من و دائم گردان برای من آنچه را که بآن پوشانیده مرا و رحم کن مرا در حالتیکه بر رو

على الفراش تقلبني ايدي احبتي وتفضل علي ممدودا على المغتسل

افتاده باشم برخوابگاه خود برمیگردانند مرا دستهای دوستانم و تفضل کن بر من در حالتیکه کشیده باشم بر غسل دهند

يغسلني صالح جيرتي وتحنن علي محمولا قد تناول الاقرباء اطراف

که غسل دهد مرا شایسته ترین همسایگان من و مهربانی کن بر من در حالتیکه حمل شده باشم و فرا گرفته باشند خویشان اطراف

جنازتي وجد علي منقولا قد نزلت بك وحيدا في حفرتي وارحم

نعش مرا و جود کن بر من در حالیکه نقل کرده شده باشم و فرود آیم بسوی تو تنها در قبر خود و رحم کن

في ذلك البيت الجديد غربتي حتى لا استانس بغيرك يا سيدي فانك

در این خانه تازه غریبی مرا تا آنکه انس نگیرم بغیر تو ای آقای من پس بدرستیکه تو

ان وكلتني الى نفسي هلكت سيدي فبمن استغيث ان لم تقلني عثرتي

اگر واگذاردی مرا بنفس خودم هلاک شوم آقای من پس بکه استغاثه کنم اگر اقاله نکنی لغزش مرا

والى من افزع ان فقدت عنايتك في ضجعتي والى من التجئ ان

و بکه جزع کنم اگر گم کنم عنایت تو را در خوابگاه خودم و بکه پناه برم اگر

لم تنفس كربتي سيدي من لي ومن يرحمني ان لم ترحمني وفضل

بر نکنی تنگی سختی مرا آقای من کیست برای من و کی رحم میکند مرا اگر تو رحم نکنی مرا و فضل

من اؤمل ان عدمت فضلك يوم فاقتي والى من الفرار من الذنوب

کرا امیدوار باشم اگر نابود ببینم فضل تو را در روز بیچارگی من و بکه فرار کنم از گناهان

اذا انقضی اجلی سیدی لاتعذبنی وانا ارجوک اللهم حقق

و حقی نیز آید مدت مرا من ای من عذاب نکن مرا وحال آنکه من امیدوارم تورا خدایا سزاوار کن

رجائی وآمن خوفی فان کثرة ذنوبی لا ارجو فیها الا عفوک سیدی

امید مرا وایمن گردان ترس مرا پس بدرستیکه بسیاری گناهان من است که امید ندارم دران مگر عفو تورا ای من

انا اسئلک ما لا استحق وانت اهل التقوی واهل المغفرة

من درخواست میکنم تورا آنچه را که مستحق نیستم و توئی سزاوار پرهیزکاری و سزاوار آمرزش

فاغفر لی والبسنی من نظرک ثوبا یغطی علی الذنوب والتبعات و

پس بیامرز مرا وبپوشان مرا از نظر خود جامه که بپوشاند بر من گناهان وعقوبتها را و

تغفرها لی ولا اطالب بها انک ذو من قدیم وصفح عظیم وتجاوز

بیامرزی آنها را برای من ومطالبه کرده نشوم بآن بدرستیکه تو صاحب نعمت دیرینه و بخشنده بزرگ ودرگذرنده

کریم الهی انت الذی تفیض سیبک علی من لا یسئلک وعلی الجاحدین

کریمانه خدایا توئی آنکه میریزی نعمتهای خودرا بر کسیکه درخواست نمیکند از تو وبر انکار کنندگان

بربوبیتک فکیف سیدی بمن سئلک وایقن ان الخلق لک والامر

پروردگاری تو پس چگونه است ای من با کسیکه درخواست کند از تو ویقین داشته باشد که آفرینش وفرمان

الیک تبارکت وتعالیت یا رب العالمین الهی وسیدی عبدک ببابک

بسوی تست مبارکی و بلند مرتبه توئی ای پروردگار جهانیان خدای من وآقای من بنده تو بدرگاه تو

اقامته الخصاصة بین یدیک یقرع باب احسانک بدعائه و

بپا داشته است اورا احتیاج او پیش روی تو میکوبد در احسان تورا بخواندن خود

یستعطف جمیل نظرک بمکنون رجائه فلا تعرض بوجهک الکریم

مهربانی میجوید از خوبی نظر تو بپنهانی امید خود پس رو مگردان بذات گرامی خود

عنی واقبل منی ما اقول فقد دعوتک بهذا الدعاء وانا ارجو

از من و قبول کن از من آنچه را میگویم پس بتحقیق خواندم تورا باین دعا ومن امید دارم

ان لا تردنی معرفة منی برأفتک ورحمتک الهی انت الذی لا یحفیک

که رد نکنی مرا بجهة شناسائی من بمهربانی تو ورحمت تو خدای من توئی آنکه خالی نمیکند تورا

سائل ولا ینقصک نائل انت کما تقول وفوق ما نقول اللهم انی

خواهنده وکم نمیکند تورا بخشندگی توئی همچنانکه گفتی و بالاتر از آنچه میگوئیم ما خدایا بدرستیکه من

اسئلک صبرا جمیلا وفرجا قریبا وقولا صادقا واجرا عظیما اسئلک

میخواهم تورا از صبری نیکو وگشایشی نزدیک وگفته راست ومزدی بزرگ میخواهم تورا

یا رب من الخیر کله ما علمت منه وما لم اعلم اسئلک اللهم من

ای پروردگار من از همه خوبیها آنچه را دانستم از آن وآنچه را که ندانستم میخواهم تورا خدای من از

خیر ما سئلک منه عبادک الصالحون یا خیر من سئل واجود

بهترین آنچه خواستند تورا از جهت آن بندگان شایسته تو ای بهتر کسیکه سؤال کرده شد وبخشنده‌تر

من اعطی اعطنی سؤلی فی نفسی واهلی وولدی ووالدی واهل

کسیکه عطا کرده عطا کن مرا خواهشهام را در خود من و اهل من وفرزند من وپدر ومادر من و اهل

حزانتی واخوانی فیک وارغد عیشی واظهر مروتی واصلح جمیع احوالی

خویشاوندی من وبرادران من در راه تو وخوب گردان عیش مرا وهویدا کن مروت مرا واصلاح کن همه احوال مرا

واجعلنی ممن اطلت عمره وحسنت عمله واتممت علیه نعمتک

وبگردان مرا از کسانیکه دراز کرده عمر اورا ونیکو کرده کار اورا وتمام کرده براو نعمت خودرا

ورضیت عنه واحییته حیوة طیبة فی ادوم السرور واسبغ

وخشنود شده از او وزندگی داده اورا زندگی پاکیزه در پاینده‌ترین شادیها وزیادترین

الکرامة واتم العیش انک تفعل ما تشاء ولا یفعل ما یشاء غیرک

بخششها وپاینده‌ترین عیشها بدرستیکه تو میکنی آنچه را میخواهی و نمیکند آنچه را میخواهد غیر تو

اللهم وخصنی منک بخاصة ذکرک ولا تجعل شیئا مما اتقرب

خدایا ومخصوص گردان مرا از تو بمخصوص‌ترین یاد کردن تو و نگردان چیزیرا از آنچه نزدیکی میجویم بآن

به فی آناء اللیل واطراف النهار ریاء ولا سمعة ولا اشرا ولا بطرا

در اوقات شب واطراف روز ریا را ونه سمعه ونه شادی ونه بسیار شاد کننده

واجعلنی لک من الخاشعین اللهم اعطنی السعة فی الرزق والامن

وبگردان مرا برای تو از خشوع کنندگان خدایا عطا کن مرا فراخی در روزی وایمن بودن

فی الوطن وقرة العین فی الاهل والمال والولد والمقام فی نعمک

در وطن وسکون وآرام بودن چشم در اهل ومال وفرزند وجا کردن در نعمتهای تو

عندی والصحة فی الجسم والقوة فی البدن والسلامة فی الدین و

نزد من وتندرستی در جسم وتوانائی در بدن وسلامتی در دین و

اَسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ صَلَّى اللّٰهُ

وادار مرا بطاعت تو وطاعت فرستاده تو محمد و اهل بیت او رحمت فرستد خدا

عَلَيْهِ وَآلِهِ اَبَدًا مَا اسْتَعْمَرْتَنِي وَاجْعَلْنِي مِنْ اَوْفَرِ عِبَادِكَ عِنْدَكَ

بر او وال او همیشه انچه را که عمر داده مرا وبگردان مرا از تمامترین بندگان تو نزد تو

نَصِيبًا فِي كُلِّ خَيْرٍ اَنْزَلْتَهُ وَتُنْزِلُهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ

از جهت بهره در هر نیکی که فرو فرستاده انرا و فرو میفرستی انرا در ماه رمضان در شب قدر

وَمَا اَنْتَ مُنْزِلُهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ مِنْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا وَعَافِيَةٍ تُلْبِسُهَا

وانچه که فرو فرستنده انرا در هر سال از رحمتی که پراکنده کرده انرا وعافیتی که میپوشانی انرا

وَبَلِيَّةٍ تَدْفَعُهَا وَحَسَنَاتٍ تَتَقَبَّلُهَا وَسَيِّئَاتٍ تَتَجَاوَزُ عَنْهَا وَارْزُقْنِي

وبلائی که دفع میکنی انرا ونیکیهائی که قبول میکنی انرا وبدیهائی که درمیگذری ازان وروزیکن مرا

حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا هٰذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ وَارْزُقْنِي رِزْقًا

حج خانه تو که محترم است در امسال ما ودر هر سالی وروزیکن مرا روزی

وَاسِعًا مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ وَاصْرِفْ عَنِّي يَا سَيِّدِي الْاَسْوَاءَ وَاقْضِ

فراخی از فضل فراخ خود وبگردان از من ای اقای من بدیها را و اداکن

عَنِّي الدَّيْنَ وَالظُّلَامَاتِ حَتّٰى لَا اَتَاَذّٰى بِشَيْءٍ مِنْهُ وَخُذْ عَنِّي بِاَسْمَاعِ

از من قرض را و ستمها را تا متاذی نشوم بچیزی از ان وبگیر از من گوشهای

اَعْدَائِي وَاَبْصَارِ حُسَّادِي وَاَعْدَائِي وَالْبَاغِينَ عَلَيَّ وَانْصُرْنِي عَلَيْهِمْ

دشمنان را وچشمهای دشمنان وبدبینان مرا وظلم کنندگان برمن ویاریکن مرا برایشان

وَاَقِرَّ عَيْنِي وَفَرِّحْ قَلْبِي وَاجْعَلْ لِي مِنْ هَمِّي وَكَرْبِي فَرَجًا وَمَخْرَجًا وَ

وساکن گردان چشم مرا وبگشا دل مرا وبگردان برای من هم مرا وشدت مرا فرجی وخروجی و

اجْعَلْ مَنْ اَرَادَنِي بِسُوءٍ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ تَحْتَ قَدَمَيَّ وَاكْفِنِي شَرَّ

بگردان کسیکه اراده کند مرا ببدی از همه خلق تو زیر پای من وباز دار مرا از شر

الشَّيْطَانِ وَشَرَّ السُّلْطَانِ وَسَيِّئَاتِ عَمَلِي وَطَهِّرْنِي مِنَ الذُّنُوبِ

شیطان وشر سلطان و بدیهای عمل من وپاک کن مرا از گناهان

كُلِّهَا وَاَجِرْنِي مِنَ النَّارِ بِعَفْوِكَ وَاَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَزَوِّجْنِي

همه انها وپناه بده مرا از اتش بعفو خودت و درآور مرا در بهشت برحمت خودت وتزویج کن مرا

مِنَ الْحُورِ الْعِينِ بِفَضْلِكَ وَاَلْحِقْنِي بِاَوْلِيَائِكَ الصَّالِحِينَ مُحَمَّدٍ

از حورالعین بفضل خودت وملحق گردان مرا با دوستان شایسته گان خود محمد

وَآلِهِ الْاَبْرَارِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْاَخْيَارِ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ وَعَلٰى

وال او که نیکی کنندگان پاکیزگان پاکان برگزیدگانند رحمتهای خدا بر ایشان و بر

اَرْوَاحِهِمْ وَاَجْسَادِهِمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اِلٰهِي وَسَيِّدِي وَ

روحهای ایشان و بدنهای ایشان ورحمت خدا وبرکتهای او خدای من و اقای من قسم

عِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ لَئِنْ طَالَبْتَنِي بِذُنُوبِي لَاُطَالِبَنَّكَ بِعَفْوِكَ وَ

بعزت تو وجلال تو که اگر مطالبه کنی از من گناهان من هر اینه مطالبه میکنم از تو بعفو تو و

لَئِنْ طَالَبْتَنِي بِلُؤْمِي لَاُطَالِبَنَّكَ بِكَرَمِكَ وَلَئِنْ اَدْخَلْتَنِي النَّارَ

هر اینه اگر مطالبه کنی از من بلئامتهای من هر اینه مطالبه میکنم از تو بکرم تو وهر اینه اگر درآوری مرا در اتش

لَاُخْبِرَنَّ اَهْلَ النَّارِ بِحُبِّي لَكَ اِلٰهِي وَسَيِّدِي اِنْ كُنْتَ لَا تَغْفِرُ اِلَّا

هر اینه خبر میدهم البته اهل اتش را بدوست داشتن من مر تورا خدای من واقای من اگر باشی که نیامرزی تو مگر

لِاَوْلِيَائِكَ وَاَهْلِ طَاعَتِكَ فَاِلٰى مَنْ يَفْزَعُ الْمُذْنِبُونَ وَاِنْ كُنْتَ

برای دوستان خود واهل طاعت خود پس بکه فزع کنند گناهکاران واگر باشی تو

لَا تُكْرِمُ اِلَّا اَهْلَ الْوَفَاءِ بِكَ فَبِمَنْ يَسْتَغِيثُ الْمُسِيئُونَ اِلٰهِي اِنْ اَدْخَلْتَنِي

که اکرام نکنی مگر اهل وفا را بتو پس بکه استغاثه کنند گناهکاران خدای من اگر درآوردی

النَّارَ فَفِي ذٰلِكَ سُرُورُ عَدُوِّكَ وَاِنْ اَدْخَلْتَنِي الْجَنَّةَ فَفِي ذٰلِكَ سُرُورُ

در اتش پس در اینست خوشحالی دشمنان تو واگر درآوردی مرا در بهشت پس در اینست خوشحالی

نَبِيِّكَ وَاَنَا وَاللّٰهِ اَعْلَمُ اَنَّ سُرُورَ نَبِيِّكَ اَحَبُّ اِلَيْكَ مِنْ سُرُورِ عَدُوِّكَ

پیغمبر تو ومن قسم بذات تو میدانم که خوشحالی پیغمبر تو محبوبتر است نزد تو از شادی دشمنان تو

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ اَنْ تَمْلَاَ قَلْبِي حُبًّا لَكَ وَخَشْيَةً مِنْكَ وَتَصْدِيقًا

خدایا بدرستیکه من میخواهم از تو اینکه پرکنی دل مرا از دوستی خودت وترسان بودن از تو واینکه تصدیق

بِكِتَابِكَ وَاِيمَانًا بِكَ وَفَرَقًا مِنْكَ وَشَوْقًا اِلَيْكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ

بکتاب تو وبگروم بتو وجدائی که از تو باشد و شوق داشتن بسوی تو ایصاحب جلال و

الْاِكْرَامِ حَبِّبْ اِلَيَّ لِقَاءَكَ وَاجْعَلْ لِي فِي لِقَائِكَ الرَّاحَةَ وَالْفَرَجَ

اکرام دوست دار برای من لقاء را وبگردان برای من در لقاء تو راحت وگشایش را

وَالْكَرامَةَ اَللّهُمَّ اَلْحِقْني بِصالِحِ مَنْ مَضى وَاجْعَلْني مِنْ صالِحِ

وکرامت را خدایا ملحق کن مرا بشایسته از گذشتگان وبگردان مرا از شایستگان

مَنْ بَقِيَ وَخُذْ بي سَبيلَ الصّالِحينَ وَاَعِنّي عَلى نَفْسي بِما تُعينُ بِهِ

کسی که باقیمانده وبگیر بمن راه شایستگان را واعانت کن مرا بر نفس من بآنچه اعانت کنی بآن

الصّالِحينَ عَلى اَنْفُسِهِمْ وَاخْتِمْ عَمَلي بِاَحْسَنِهِ وَاجْعَلْ ثَوابي مِنْهُ

شایستگان را بر نفسهایشان وتمام کن عمل مرا به نیکوترین آن وبگردان ثواب مرا از آن

الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ يا رَبَّ الْعالَمينَ وَاَعِنّي عَلى صالِحِ ما اَعْطَيْتَني وَ

بهشت را برحمت تو ای پروردگار جهانیان واعانت کن مرا بر شایسته آنچه عطا کردی مرا و

ثَبِّتْني يا رَبِّ وَلا تَرُدَّني في سُوءٍ اسْتَنْقَذْتَني مِنْهُ اَللّهُمَّ اِنّي

ثابت بدار مرا ای پروردگار من ورد مکن مرا در بدیهائی که نجات داده مرا از آن خدایا بدرستیکه من

اَسْأَلُكَ ايماناً لا اَجَلَ لَهُ دُونَ لِقائِكَ اَحْيِني ما اَحْيَيْتَني عَلَيْهِ وَ

میخواهم از تو ایمانی که مدت از برای او نباشد غیر از ملاقات رحمت تو زنده دار مرا مادامیکه زنده داشته برآن و

تَوَفَّني اِذا تَوَفَّيْتَني عَلَيْهِ وَابْعَثْني اِذا بَعَثْتَني عَلَيْهِ وَاَبْرِئْ قَلْبي مِنَ

بمیران مرا زمانیکه میرانیدی مرا بر آن وبرانگیز مرا زمانیکه برانگیختی مرا برآن وبیزار کن دل مرا از

الرِّياءِ وَالشَّكِّ وَالسُّمْعَةِ في دينِكَ حَتّى يَكُونَ عَمَلي خالِصاً لَكَ

ریا وشک وسمعه در دین تو تا بوده باشد کار من خالص برای تو

اَللّهُمَّ اَعْطِني بَصيرَةً في دينِكَ وَفَهْماً في حُكْمِكَ وَفِقْهاً في عِلْمِكَ

خدایا عطا کن مرا بینائی در دین تو وفهمیدن در حکم تو ودانش در علم تو

وَكِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ وَوَرَعاً يَحْجُزُني عَنْ مَعاصيكَ وَبَيِّضْ وَجْهي بِنُورِكَ

ودو برابری از رحمت تو وورعیکه مانع شود مرا از نافرمانی تو وسفید کن روی مرا بنور تو

وَاجْعَلْ رَغْبَتي فيما عِنْدَكَ وَتَوَفَّني في سَبيلِكَ وَعَلى مِلَّةِ رَسُولِكَ

وقرارده میل مرا درآنچه نزد تست وبمیران مرا در راه خود وبر روش پیغمبر خود

صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَللّهُمَّ اِنّي اَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْفَشَلِ وَ

رحمت کند خدا براو وآل او خدایا بدرستیکه من پناه میبرم بتو از کسالت وبیچارگی و

الْفَشَلِ وَالْهَمِّ وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَالْغَفْلَةِ وَالْقَسْوَةِ وَالذِّلَّةِ وَالْمَسْكَنَةِ

فشل وهم وترس وبخل وغفلة ودلسختی وخواری وگدائی

وَالْفَقْرِ وَالْفاقَةِ وَكُلِّ بَلِيَّةٍ وَالْفَواحِشِ ما ظَهَرَ مِنْها وَما بَطَنَ وَاَعُوذُ

وبیچارگی ودست تنگی وهر بلائی وناخوشی آنچه هویداست از آن وآنچه پنهانست وپناه میبرم

بِكَ مِنْ نَفْسٍ لا تَقْنَعُ وَبَطْنٍ لا يَشْبَعُ وَقَلْبٍ لا يَخْشَعُ وَدُعاءٍ لا يُسْمَعُ

بتو از نفسی که قناعت نکند وشکمی که سیر نشود ودلیکه نترسد ودعائیکه شنیده نشود

وَعَمَلٍ لا يَنْفَعُ وَصَلوةٍ لا تُرْفَعُ وَاَعُوذُ بِكَ يا رَبِّ عَلى نَفْسي وَوَلَدي

وعملیکه نفع ندهد ونمازیکه بالا نرود وپناه میبرم بتو ای پروردگار من بر جان من وفرزندم

وَديني وَمالي وَعَلى جَميعِ ما رَزَقْتَني مِنَ الشَّيْطانِ الرَّجيمِ اِنَّكَ اَنْتَ

ودین من ومال من وبر همه آنچه روزی داده مرا از شیطان سنگسار شده بدرستیکه تو

السَّميعُ الْعَليمُ اَللّهُمَّ اِنَّهُ لا يُجيرُني مِنْكَ اَحَدٌ وَلا اَجِدُ مِنْ دُونِكَ

شنوای دانا خدایا بدرستیکه پناه نمیدهد مرا از تو احدی ونمییابم غیر از تو

مُلْتَحَداً فَلا تَجْعَلْ نَفْسي في شَيْءٍ مِنْ عَذابِكَ وَلا تَرُدَّني بِهَلَكَةٍ وَلا

پناهی را پس نگردان نفس مرا در چیزی از عذاب تو ورد مکن مرا بهلاکت ورد مکن

تَرُدَّني بِعَذابٍ اَليمٍ اَللّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنّي وَاَعْلِ ذِكْري وَارْفَعْ دَرَجَتي

مرا بعذاب دردناک خدایا قبول کن از من وبلند کن ذکر مرا وبلند کن درجه مرا

وَحُطَّ وِزْري وَلا تَذْكُرْني بِخَطيئَتي وَاجْعَلْ ثَوابَ مَجْلِسي وَثَوابَ

وبریز وبالهای مرا وبیاد مکن مرا بگناهان من وبگردان ثواب نشستگاه مرا وثواب

مَنْطِقي وَثَوابَ دُعائي رِضاكَ وَالْجَنَّةَ وَاَعْطِني يا رَبِّ جَميعَ ما سَاَلْتُكَ

سخن گفتن مرا وثواب خواندن مرا خشنودی تو وبهشت وعطا کن مرا ای پروردگار من همه آنچه را که میخواهم از تو

وَزِدْني مِنْ فَضْلِكَ اِنّي اِلَيْكَ راغِبٌ يا رَبَّ الْعالَمينَ اَللّهُمَّ اِنَّكَ

وزیاد کن مرا از فضل خود بدرستیکه من بسوی تو مایلم ای پروردگار جهانیان خدایا بدرستیکه تو

اَنْزَلْتَ في كِتابِكَ الْعَفْوَ وَاَمَرْتَنا اَنْ نَعْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمَنا وَقَدْ ظَلَمْنا

فرو فرستادی در کتاب خود عفو را وامر کردی ما را اینکه در گذریم از آنکه ستم کرده ما را وبتحقیق ستم کردیم ما

اَنْفُسَنا فَاعْفُ عَنّا فَاِنَّكَ اَوْلى بِذلِكَ مِنّا وَاَمَرْتَنا اَنْ لا نَرُدَّ سائِلاً

نفسهای خود را پس درگذر از ما پس بدرستیکه تو سزاوارتری باین از ما وامر کردی ما را که رد نکنیم سائل را

عَنْ اَبْوابِنا وَقَدْ جِئْتُكَ سائِلاً فَلا تَرُدَّني اِلاّ بِقَضاءِ حاجَتي وَاَمَرْتَنا

از درهای خود وبتحقیق آمدم تو را سؤال کننده پس رد مکن مرا مگر برآوردن حاجت من وامر کردی ما را

بالاحسان الی ما ملکت ایماننا و نحن ارقاءك فاعتق رقابنا من

باحسان کردن بسوی آنچه را که مالک شد دستهای ما و ما بندگان توئیم پس آزاد کن گردنهای ما را از

النار یا مفزعی عند کربتی و یا غوثی عند شدتی الیك فزعت

آتش ای پناه دهنده من نزد تعبهای من و ای فریادرس من نزد سختی من بسوی تو جزع میکنم

و بك استغثت و لذت لا الوذ بسواك و لا اطلب الفرج الا منك

و بتو پناه میبرم و فریادخواهی میکنم پناه نمیبرم بغیر تو و نمیخواهم گشایش را مگر از تو

فاغثنی و فرج عنی یا من یقبل الیسیر و یعفو عن الکثیر اقبل منی

پس بفریادم برس و گشایش ده مرا ای آنکه میپذیرد کم را و درمیگذرد از بسیار بپذیر از من

الیسیر و اعف عنی الکثیر انك انت الغفور الرحیم اللهم انی اسألك

کم را و درگذر از من بسیار را بدرستیکه تو هستی آمرزنده مهربان خدایا بدرستیکه میخواهم از تو

ایمانا تباشر به قلبی و یقینا صادقا حتی اعلم انه لن یصیبنی الا

ایمانی را که مباشر آن باشد دل من و یقینی که راست باشد تا بدانم که هرگز نرسد مرا مگر

ما کتبت لی و رضنی من العیش بما قسمت لی یا ارحم الراحمین

آنچه که فرض کرده برای من و خشنود کن مرا از زندگانی بآنچه قسمت کرده برای من ای ارحم کننده ترین رحم کنندگان

و مختصرترین دعاهای سحر اینست یا مفزعی عند کربتی و یا غوثی عند شدتی الیك

ای پناه دهنده من نزد تعبهای من و ای فریادرس من نزد سختی من بسوی تو

فزعت و بك استغثت و بك لذت لا الوذ بسواك و لا اطلب

جزع میکنم و بتو پناه میبرم و بتو فریاد خواهی میکنم پناه نمیبرم بغیر تو و نه میخواهم

الفرج الا منك فاغثنی و فرج عنی یا من یقبل الیسیر و یعفو عن

گشایش را مگر از تو پس پناه ده مرا و گشایش ده برای من ای آنکه میپذیرد اندك را و درمیگذرد از

الکثیر اقبل منی الیسیر و اعف عنی الکثیر انك انت الغفور الرحیم

بسیار بپذیر از من اندك را و درگذر از من بسیار را بدرستیکه تو هستی آمرزنده مهربان

اللهم انی اسألك ایمانا تباشر به قلبی و یقینا حتی اعلم انه لن

خدایا بدرستیکه من میخواهم از تو ایمانرا که مباشر آن باشد دل من و یقینی تا بدانم که هرگز

یصیبنی الا ما کتبت لی و رضنی من العیش بما قسمت لی یا ارحم الراحمین

نمیرسد مرا مگر آنچه که تو فرض کرده برای من و خشنود گردان مرا از زندگانی بآنچه قسمت کرده برای من ای ارحم کننده ترین رحم کنندگان

یا عدتی فی کربتی و یا صاحبی فی شدتی و یا ولیی فی نعمتی و یا غایتی

ای پناه من در تعبهای من و ای رفیق من در سختیهای من و ای دوست من در نعمتهای من و ای نهایت

فی رغبتی انت الساتر عورتی و الآمن روعتی و المقیل عثرتی فاغفر

در خواهشهای من توئی پوشنده بدیهای من و ایمنی دهنده ترس من و برگرداننده لغزش من پس بیامرز

لی خطیئتی یا ارحم الراحمین

برایمن گناهان مرا ای ارحم کننده ترین رحم کنندگان

دعاهای هر روز ماه رمضان

بسند معتبر منقولست که حضرت امام زین العابدین و امام محمد باقر علیهما السلام در هر روز ماه رمضان این دعا را میخواندند

اللهم ان هذا شهر رمضان

خدایا بدرستیکه اینماه رمضانست

الذی انزلت فیه القرآن هدی للناس و بینات من الهدی

که فرو فرستادی در آن قرآنرا راهنماینده برای مردمان و دلیلها از جهة راهنمائی

و الفرقان و هذا شهر الصیام و هذا شهر القیام و هذا شهر الانابة

و جدا کردن حق از باطل و اینست ماه روزه گرفتن و اینست ماه قیام بنماز و اینست ماه گریه و زاری

و هذا شهر التوبة و هذا شهر المغفرة و الرحمة و هذا شهر العتق

و اینست ماه بازگشت و اینست ماه آمرزش و رحمت و اینست ماه آزادی

من النار و الفوز بالجنة و هذا شهر فیه لیلة القدر التی هی خیر

از آتش و رستگاری ببهشت و اینست ماهی که در او است شب قدر که آن بهتر است

من الف شهر اللهم فصل علی محمد و آل محمد و اعنی علی صیامه

از هزار ماه خدایا پس رحمت فرست بر محمد و آل محمد و یاری ده مرا بر روزه گرفتن آن

و قیامه و سلمه لی و سلمنی فیه و اعنی علیه بافضل عونك و

و نماز گذاردن آن و سالم بدار او را برای من و سالم بدار مرا در آن و یاری ده مرا بر آن به بهترین یاری دادن تو و

وفقنی فیه لطاعتك و طاعة رسولك و اولیائك صلوات الله

توفیق ده مرا در آن برای طاعت تو و طاعت پیغمبر تو و دوستان تو رحمتهای متصل خدا

علیهم و فرغنی فیه لعبادتك و دعائك و تلاوة کتابك و

بر ایشان و فارغ گردان مرا در آن برای بندگی تو و خواندن تو و تلاوت کردن کتاب تو

عَظِّم لِی فِیهِ البَرَکَةَ وَاَحسِن لِی فِیهِ العَافِیَةَ وَاحرِز لِی فِیهِ التَّوبَةَ

بزرگ گردان برای من دران برکت را و نیکو گردان برای من دران عافیت را و نگاه دار برای من دران توبه را

وَاَصِحَّ لِی فِیهِ بَدَنِی وَاَوسِع لِی فِیهِ رِزقِی وَاکفِنِی فِیهِ مَا اَهَمَّنِی وَاستَجِب

و سالم کن برای من دران بدن مرا و فراخ کن برای من دران روزی مرا و دفع کن برای من دران انچه غمگین کند مرا و قبول کن

فِیهِ دُعَائِی وَبَلِّغنِی فِیهِ رَجَائِی اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

دران خواندن مرا و برسان مرا دران امید مرا خدایا رحمت کن بر محمد و آل محمد

وَاَذهِب عَنِّی فِیهِ النُّعَاسَ وَالکَسَلَ وَالسَّآمَةَ وَالفَترَةَ وَالقَسوَةَ

و ببر از من دران خواب و سستی و تنگدلی و گول خوردن و سخت دلی

وَالغَفلَةَ وَالغِرَّةَ وَجَنِّبنِی فِیهِ العِلَلَ وَالاَسقَامَ وَالهُمُومَ وَالاَحزَانَ

و بیخبری و مغروری را و دور کن مرا دران از رنجها و ناخوشیها و غمها و اندوه‌ها

وَالاَعرَاضَ وَالاَمرَاضَ وَالخَطَایَا وَالذُّنُوبَ وَاصرِف عَنِّی فِیهِ

و حادثها و بیماریها و بدیها و گناهان و بگردان از من دران

السُّوءَ وَالفَحشَاءَ وَالجَهدَ وَالبَلَاءَ وَالتَّعَبَ وَالعَنَاءَ اِنَّکَ سَمِیعُ الدُّعَاءِ

بدی و هر کار زشت و مشقت و بلا و رنج و رنجوری را بدرستیکه تو شنونده دعائی

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَعِذنِی فِیهِ مِنَ الشَّیطَانِ الرَّجِیمِ وَ

خدایا رحمت کن بر محمد و آل محمد و پناه ده مرا دران از شیطان سنگسار شده و

هَمزِهِ وَلَمزِهِ وَنَفثِهِ وَنَفخِهِ وَوَسوَسَتِهِ وَتَثبِیطِهِ وَکَیدِهِ وَمَکرِهِ وَحِبَالَتِهِ

بدگوئی او و عیب جوئی او و سحر او و دمیدن او و وسوسه او و کاهل کردانیدن او و حیله او و مکر او و دامهای او

وَخُدَعِهِ وَاَمَانِیِّهِ وَغُرُورِهِ وَفِتنَتِهِ وَشَرَکِهِ وَاَحزَابِهِ وَاَتبَاعِهِ

و فریبهای او و دروغهای او و فریبهای او و فتنه‌های او و تله‌های او و طائفه او و پیروان او

وَاَشیَاعِهِ وَاَولِیَائِهِ وَشُرَکَائِهِ وَجَمِیعِ مَکَائِدِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ

و شیعیان او و دوستان او و شریکهای او و همه مکرهای او خدایا رحمت فرست بر محمد و

آلِ مُحَمَّدٍ وَارزُقنَا قِیَامَهُ وَصِیَامَهُ وَبُلُوغَ الاَمَلِ فِیهِ وَفِی قِیَامِهِ

آل محمد و روزی ده ما را نماز کردن دران و روزه گرفتن دران و رسیدن بارزو دران و در بپای داشتن او

وَاستِکمَالِ مَا یُرضِیکَ عَنِّی صَبرًا وَاحتِسَابًا وَاِیمَانًا وَیَقِینًا ثُمَّ

و تمام کردن انچه خوشنود کند ترا از من شکیبائی را و خلوص نیت را و ایمان را و یقین بتوحید را پس

تَقَبَّل ذٰلِکَ مِنِّی بِالاَضعَافِ الکَثِیرَةِ وَالاَجرِ العَظِیمِ یَا رَبَّ العَالَمِینَ

بپذیر اینرا از من بدو چندان کردن بسیار و مزد بزرگ ای پروردگار جهانیان

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارزُقنِی الحَجَّ وَالعُمرَةَ وَالجِدَّ وَالاِجتِهَادَ

خدایا رحمت کن بر محمد و آل محمد و روزی کن مرا بجا آوردن حج و عمره و کوشش و سعی

وَالقُوَّةَ وَالنَّشَاطَ وَالاِنَابَةَ وَالتَّوبَةَ وَالتَّوفِیقَ وَالقُربَةَ وَالخَیرَ المَقبُولَ

و توانائی و خرمی و گریه و زاری و توبه و توفیق و نزدیکی بخدا و نیکی پذیرفته شده

وَالرَّهبَةَ وَالرَّغبَةَ وَالتَّضَرُّعَ وَالخُشُوعَ وَالرِّقَّةَ وَالنِّیَّةَ الصَّادِقَةَ

و ترس و خواهشمندی و زاری کردن و فروتنی و گریه نازک و عزم راست

وَصِدقَ اللِّسَانِ وَالوَجَلَ مِنکَ وَالرَّجَاءَ لَکَ وَالتَّوَکُّلَ عَلَیکَ وَ

و راستی زبان و ترس از تو و امیدواری بتو و توکل بر تو و

الثِّقَةَ بِکَ وَالوَرَعَ عَن مَحَارِمِکَ مَعَ صَالِحِ القَولِ وَمَقبُولِ السَّعیِ وَمَرفُوعِ

اعتماد بتو و پرهیز از محرمات تو با گفتار شایسته و کوشش پذیرفته و عمل بالا برده

العَمَلِ وَمُستَجَابِ الدَّعوَةِ وَلَا تَحُل بَینِی وَبَینَ شَیءٍ مِن ذٰلِکَ بِعَرَضٍ وَلَا

و دعای مستجاب شده و حایل مساز میان من و میان چیزی از اینها بحادثه و نه

مَرَضٍ وَلَا هَمٍّ وَلَا غَمٍّ وَلَا سُقمٍ وَلَا غَفلَةٍ وَلَا نِسیَانٍ بَل بِالتَّعَاهُدِ

بیماری و نه غصه و نه غمی و نه ناخوشی و نه بیخبری و نه فراموشی بلکه بمعاهده کردن

وَالتَّحَفُّظِ لَکَ وَفِیکَ وَالرِّعَایَةِ لِحَقِّکَ وَالوَفَاءِ بِعَهدِکَ وَوَعدِکَ یَا

و نگاه داشتن برای تو و در تو و رعایت کردن مرحق تو و وفا کردن بعهد تو و نوید تو ای

اَرحَمَ الرَّاحِمِینَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقسِم لِی فِیهِ اَفضَلَ

رحم کننده ترین رحم کنندگان خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و قسمت کن برای من دران بهتر

مَا تَقسِمُهُ لِعِبَادِکَ الصَّالِحِینَ وَاَعطِنِی فِیهِ اَفضَلَ مَا تُعطِی اَولِیَاءَکَ

انچه قسمت میکنی انرا برای بندگان شایسته خود و عطا کن مرا دران برتر از انچه عطا میکنی دوستان خود

المُقَرَّبِینَ مِنَ الرَّحمَةِ وَالمَغفِرَةِ وَالتَّحَنُّنِ وَالاِجَابَةِ وَالعَفوِ وَالمَغفِرَةِ الدَّائِمَةِ

که نزدیکانند از رحمت و آمرزش و مهربانی و اجابت و بخشش و آمرزش همیشگی

وَالعَافِیَةِ وَالمُعَافَاةِ وَالعِتقِ مِنَ النَّارِ وَالفَوزِ بِالجَنَّةِ وَخَیرِ الدُّنیَا

و عافیت از بلا و در گذشتن و آزادی از آتش و رستگاری ببهشت و خیر دنیا

وَالْاٰخِرَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ دُعَاۤئِيْ فِيْهِ اِلَيْكَ

واخرت خدایا رحمت فرست بر محمد وآل محمد وقرار بده دعای مرا دران بسوی تو

وَاصِلًا وَرَحْمَتَكَ وَخَيْرَكَ اِلَيَّ فِيْهِ نَازِلًا وَعَمَلِيْ فِيْهِ مَقْبُوْلًا وَسَعْيِيْ فِيْهِ

رسنده ورحمت تو وخیر تو بسوی من دران نازل شونده وعمل مرا دران پذیرفته وکوشش مرا دران

مَشْكُوْرًا وَذَنْبِيْ فِيْهِ مَغْفُوْرًا حَتّٰى يَكُوْنَ نَصِيْبِيْ فِيْهِ الْاَكْبَرَ وَحَظِّيْ فِيْهِ

جزا داده شده وگناه مرا دران آمرزیده شده تا بوده باشد بهره من دران بزرگتر وسهم من دران

الْاَوْفَرَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَوَفِّقْنِيْ فِيْهِ لِلَيْلَةِ الْقَدْرِ

تمام تر خدایا رحمت فرست بر محمد وآل محمد وتوفیق ده دران برای شب قدر

عَلٰى اَفْضَلِ حَالٍ تُحِبُّ اَنْ يَكُوْنَ عَلَيْهَا اَحَدٌ مِنْ اَوْلِيَاۤئِكَ وَاَرْضَاهَا

بر بهترین حالی که دوست داری که بوده باشد بران حال یکی از دوستان تو وخشنودترین آن

لَكَ ثُمَّ اجْعَلْهَا لِيْ خَيْرًا مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ وَارْزُقْنِيْ فِيْهَا اَفْضَلَ مَا رَزَقْتَ

برای تو پس بگردان آنرا برای من بهتر از هزار ماه وروزی کن مرا دران بهتر آنچه روزی کردی

اَحَدًا مِمَّنْ بَلَّغْتَهُ اِيَّاهَا وَاَكْرَمْتَهُ بِهَا وَاجْعَلْنِيْ فِيْهَا مِنْ عُتَقَاۤئِكَ

یکی از کسانیکه رساندی او را بآن وگرامی داشتی او را بان وبگردان مرا دران از آزادشدگان تو

مِنْ جَهَنَّمَ وَطُلَقَاۤئِكَ مِنَ النَّارِ وَسُعَدَاۤءِ خَلْقِكَ بِمَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ

از جهنم ورها شدگان تو از آتش وسعادتمندان خلق تو بآمرزش تو وخشنودی تو

يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنَا فِيْ شَهْرِنَا هٰذَا

ای رحم کننده تر رحم کنندگان خدایا رحمت فرست بر محمد وآل محمد وروزی کن ما را در این ماه ما

الْجِدَّ وَالْاِجْتِهَادَ وَالْقُوَّةَ وَالنَّشَاطَ وَمَا تُحِبُّ وَتَرْضٰى اَللّٰهُمَّ رَبَّ

کوشش وسعی وتوانائی وخرمی را وآنچه را دوست میداری وخشنود میشوی خدایا پروردگار

الْفَجْرِ وَلَيَالٍ عَشْرٍ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ وَرَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ وَمَا اَنْزَلْتَ

سفیده صبح وشبهای ده گانه وجفت وطاق وپروردگار ماه رمضان وآنچه فرو فرستادی

فِيْهِ مِنَ الْقُرْاٰنِ وَرَبَّ جَبْرَئِيْلَ وَمِيْكَاۤئِيْلَ وَاِسْرَافِيْلَ وَجَمِيْعِ

دران از قرآن وپروردگار جبرئیل ومیکائیل واسرافیل وهمه

الْمَلٰۤئِكَةِ الْمُقَرَّبِيْنَ وَرَبَّ اِبْرٰهِيْمَ وَاِسْمٰعِيْلَ وَاِسْحٰقَ وَيَعْقُوْبَ وَ

فرشتگان نزدیک شدگان وپروردگار ابراهیم واسمعیل واسحق ویعقوب و

رَبَّ مُوْسٰى وَعِيْسٰى وَجَمِيْعِ النَّبِيِّيْنَ وَالْمُرْسَلِيْنَ وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّيْنَ

پروردگار موسی وعیسی وهمه پیغمبران وفرستاده شدگان وپروردگار محمد خاتم پیغمبران

صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ اَجْمَعِيْنَ وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ وَبِحَقِّكَ

رحمتهای تو براو وبر ایشان همگی ومیخواهم تو را بحق ایشان برتو وبحق تو

الْعَظِيْمِ عَلَيْهِمْ لَمَّا صَلَّيْتَ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَعَلَيْهِمْ اَجْمَعِيْنَ وَنَظَرْتَ اِلَيَّ

که بزرگست برایشان چون رحمت فرستادی براو وآل او وبر ایشان همگی ونگریستی سوی من

نَظْرَةً رَحِيْمَةً تَرْضٰى بِهَا عَنِّيْ رِضًا لَا سَخَطَ عَلَيَّ بَعْدَهُ اَبَدًا وَاَعْطَيْتَنِيْ

نگریستن از روی رحمت که خشنود شوی بآن از من خشنود شدنی که غضب نباشد بر من بعد از آن هرگز وعطا کردی مرا

جَمِيْعَ سُؤْلِيْ وَرَغْبَتِيْ وَاُمْنِيَّتِيْ وَاِرَادَتِيْ وَصَرَفْتَ عَنِّيْ مَا اَكْرَهُ وَاَحْذَرُ

همه خواهشهای من ومیل من وآرزوهای من وارادهٔ مرا وگردانیدی از من آنچه را که مکروه میدارم ومی‌ترسم

وَاَخَافُ عَلٰى نَفْسِيْ وَمَا لَا اَخَافُ وَعَنْ اَهْلِيْ وَمَالِيْ وَاِخْوَانِيْ وَاَخَوَاتِيْ

ومیترسم بر نفس خودم وآنچه را که نمیترسم واز اهل من ومال من وبرادرهای من وخواهرهای من

وَذُرِّيَّتِيْ اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ فَرَرْنَا مِنْ ذُنُوْبِنَا فَاٰوِنَا تَاۤئِبِيْنَ وَتُبْ عَلَيْنَا

وذریه من خدایا بسوی تو فرار کردیم از گناهان خودمان پس جا بده ما را در حالیکه توبه کننده ایم وببخش بر ما

مُسْتَغْفِرِيْنَ وَاغْفِرْ لَنَا مُتَعَوِّذِيْنَ وَاَعِذْنَا مُسْتَجِيْرِيْنَ وَاَجِرْنَا مُسْتَسْلِمِيْنَ

که طلب آمرزش کننده ایم وبیامرز ما را که پناه برنده ایم وپناه ده ما را که زینهار خواهانیم وزینهار ده ما را که طالبان سلامتیم

وَلَا تَخْذُلْنَا رَاهِبِيْنَ وَاٰمِنَّا رَاغِبِيْنَ وَشَفِّعْنَا سَاۤئِلِيْنَ وَاَعْطِنَا

وخوار نکن ما را که ترسناکانیم وایمن گردان ما را که روآورندگانیم وشفیع شو ما را که خواهندگانیم وعطا کن ما را

اِنَّكَ سَمِيْعُ الدُّعَاۤءِ قَرِيْبٌ مُجِيْبٌ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ رَبِّيْ وَاَنَا عَبْدُكَ وَاَحَقُّ

بدرستیکه تو شنونده دعائی نزدیکی واجابت کننده خدایا تو پروردگار منی ومنم بنده تو وسزاوارتر

مَنْ سَئَلَ الْعَبْدُ رَبَّهُ وَلَمْ يَسْئَلِ الْعِبَادُ مِثْلَكَ كَرَمًا وَجُوْدًا يَا مَوْضِعَ

کسیکه بخواهد بنده پروردگار او است ونخواستند بندگان از مثل تو صاحب کرم وجودی ای جای

شَكْوَى السَّاۤئِلِيْنَ وَيَا مُنْتَهٰى حَاجَةِ الرَّاغِبِيْنَ وَيَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيْثِيْنَ

شکایت خواهندگان وای آخر حاجت میل کنندگان وای فریادرس فریادخواهان

وَيَا مُجِيْبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّيْنَ وَيَا مَلْجَاَ الْهَارِبِيْنَ وَيَا صَرِيْخَ الْمُسْتَصْرِخِيْنَ

وای اجابت کننده دعاهای بیچارگان وای پناهگاه ترسناکان وای فریادرس دادخواهان و

يَا رَبَّ الْمُسْتَضْعَفِينَ وَيَا كَاشِفَ كَرْبِ الْمَكْرُوبِينَ وَيَا فَارِجَ هَمِّ الْمَهْمُومِينَ

ای پروردگار ناتوانان و ای بردارنده تعب گرفتاران وای گشایش دهنده اندوه اندوهناکان

وَيَا كَاشِفَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ يَا اللهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ صَلِّ عَلٰى

وای بردارنده تعب بزرگ ایخدا ای بخشنده ای مهربان ابرحم کننده تر رحم کنندگان رحمت فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَعُيُوبِي وَإِسَاءَتِي وَظُلْمِي وَجُرْمِي وَإِسْرَافِي

محمد وال محمد وبیامرز مرا گناهان مرا وبدیهای مرا وزشتیهای مرا وستمکاریهای مرا وگناه مرا وزیاده‌روی

عَلٰى نَفْسِي وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ فَإِنَّهُ لَا يَمْلِكُهَا غَيْرُكَ وَاعْفُ

بر نفس من وروزی کن مرا از فضل خود . ورحمت خود پس بدرستیکه مالک نشود انرا غیر تو ودرگذر

عَنِّي وَاغْفِرْ لِي كُلَّ مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي وَاعْصِمْنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي وَ

ازمن وبیامرز برای من هرچه را که پیش بوده از گناهان من ونگاه دار مرا درانچه باقیست از عمر من و

اسْتُرْ عَلَيَّ وَعَلٰى وَالِدَيَّ وَوَلَدِي وَقَرَابَتِي وَأَهْلِ حُزَانَتِي وَمَنْ كَانَ مِنِّي

بپوشان برمن وبر پدر ومادرم و فرزندم وخویشانم وغمخوارانم وکسیکه بوده باشد ازمن

بِسَبِيلٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَإِنَّ ذٰلِكَ كُلَّهُ

براهی ازمردان گرونده وزنان گرونده در دنیا واخرت پس بدرستیکه اینها همه

بِيَدِكَ وَأَنْتَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ فَلَا تُخَيِّبْنِي يَا سَيِّدِي وَلَا تَرُدَّ دُعَائِي وَلَا

بدست تست و توئیکه فراخست امرزش تو پس ناامید مکن مرا ای اقای من ورد مکن خواندن مرا وبرنگردان

تَرُدَّ يَدِي إِلٰى نَحْرِي حَتّٰى تَفْعَلَ ذٰلِكَ بِي وَتَسْتَجِيبَ لِي جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ

دست مرا بگلویم تا اینکه بکنی انرا بمن واجابت کنی برای من هر انچه راکه خواستم از تو

وَتَزِيدَنِي مِنْ فَضْلِكَ فَإِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَنَحْنُ إِلَيْكَ رَاغِبُونَ

و زیاد کنی مرا از فضل خود پس بدرستیکه تو برهرچیزی توانائی وما بسوی تو رو اورندگانیم

اَللّٰهُمَّ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنٰى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْآلَاءُ

خدایا برای تست نامهای نیکو ومثل های بلند وبزرگی ونعمتها

أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ إِنْ كُنْتَ قَضَيْتَ فِي هٰذِهِ

میخواهم تورا بحق اسم تو که بسم الله الرحمن الرحیم است که اگر بوده باشی که حکم کنی در این

اللَّيْلَةِ تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ

شب که فرود ایند فرشتگان و روح القدس درانشب اینکه رحمت فرستی بر محمد و

آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ

ال محمد واینکه بگردانی اسم مرا در این شب در زمره نیکبختان وروح مرا با

الشُّهَدَاءِ وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي

شهیدان ونیکی کردن مرا در علیین وگناهان مرا امرزیده واینکه بخشی برای من

يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَانًا لَا يَشُوبُهُ شَكٌّ وَرِضًا بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنِي

یقینی را که مباشر شود بان دل من وایمانیرا که الوده نکند انرا شکی وخشنود با نچه قسمت کرده برمن وبیاور

فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنِي عَذَابَ النَّارِ وَإِنْ لَمْ تَكُنْ

در دنیا نیکی ودر اخرت هم نیکی ونگاه دار مرا از شکنجه اتش واگر نبوده باشی که

قَضَيْتَ فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا فَأَخِّرْنِي إِلٰى

حکم کرده باشی در این شب که فرود بیایند فرشتگان وروح القدس دران پس عقب بینداز مرا تا

ذٰلِكَ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَطَاعَتَكَ وَحُسْنَ عِبَادَتِكَ

انوقت وروزی کن مرا دران یادکردن تو وثنا کفتن تو وفرمان بردن تو ونیکو بندگی کردن تو

فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا أَحَدُ يَا

پس رحمت فرست بر محمد وال محمد ببهترین رحمتهای تو ابرحم کننده تر رحم کنندگان ای یگانه ای

صَمَدُ يَا رَبَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اغْضَبِ الْيَوْمَ لِمُحَمَّدٍ وَلِأَبْرَارِ عِتْرَتِهِ وَاقْتُلْ

بی‌نیاز ای پروردگار محمد وال محمد غضب کن امروز برای محمد وبرای نیکان عترت او وبکش

أَعْدَاءَهُمْ بَدَدًا وَأَحْصِهِمْ عَدَدًا وَلَا تَدَعْ عَلٰى ظَهْرِ الْأَرْضِ مِنْهُمْ

دشمنان ایشانرا وحال انکه متفرق باشند وشماره ایشانرا شمرده ونگذار بر پشت زمین از ایشان

أَحَدًا وَلَا تَغْفِرْ لَهُمْ أَبَدًا يَا حَسَنَ الصُّحْبَةِ يَا خَلِيفَةَ النَّبِيِّينَ أَنْتَ أَرْحَمُ

یکی را ونیامرز برای ایشان هرگز ای نیکو صحبت ای جانشین پیغمبران توئی رحم کننده تر

الرَّاحِمِينَ الْبَدِيُّ الْبَدِيعُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَالدَّائِمُ غَيْرُ

رحم کنندگان افریدگار پدید اورنده که نیست مانند او چیزی وهمیشه موجودیکه

الْغَافِلِ وَالْحَيُّ الَّذِي لَا يَمُوتُ أَنْتَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ أَنْتَ خَلِيفَةُ مُحَمَّدٍ

غافل نمیشود وزنده که نمیمیرد توئی هر روز در کاری توئی خلیفه محمد

وَنَاصِرُ مُحَمَّدٍ وَمُفَضِّلُ مُحَمَّدٍ أَسْأَلُكَ أَنْ تَنْصُرَ وَصِيَّ مُحَمَّدٍ وَخَلِيفَةَ

ویاری کننده محمد وزیادتی دهنده محمد میخواهم تورا اینکه یاری کنی جانشین محمد وخلیفه

مُحَمَّدٍ وَالْقَائِمِ بِالْقِسْطِ مِنْ اَوْصِيَاءِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ

محمد و ایستنده بعدل از اوصیاء محمد رحمتهای تو براو وبرایشان

اِعْطِفْ عَلَيْهِمْ نَصْرَكَ يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ بِحَقِّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ صَلِّ عَلٰى

بگردان برایشان یاری خودرا ای آنکه نیست خدائی مگر تو بحق کلمهٔ لا اله الا انت رحمت فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي مَعَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاجْعَلْ عَاقِبَةَ

محمد و آل محمد و بگردان مرا باایشان در دنیا و آخرت و بگردان آخر

اَمْرِي اِلٰى غُفْرَانِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَكَذٰلِكَ نَسَبْتَ

کارمرا بسوی آمرزش تو ورحمت تو ای رحم کنندهٔ رحم کنندگان و همچنین نسبت داده تو

نَفْسَكَ يَا سَيِّدِي بِاللُّطْفِ بَلٰى اِنَّكَ لَطِيفٌ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

نفس خودرا ای آقای من بآنکه لطیفی بلی بدرستیکه تو لطیفی پس رحمت فرست بر محمد و آل محمد

وَالْطُفْ بِي اِنَّكَ لَطِيفٌ لِمَا تَشَاءُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

ولطف کن بامن بدرستیکه تو لطف کننده مرانچه رامیخواهی خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد

وَارْزُقْنِي الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ فِي عَامِنَا هٰذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ وَتَطَوَّلْ عَلَيَّ

وروزی کن مرا حج و عمره در امسال ما و در هر سال و مهربانی کن برمن

بِجَمِيعِ حَوَائِجِي لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ پس بگو اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّي وَاَتُوبُ

بهمه حاجتهای من برای دنیا وآخرت — طلب آمرزش میکنم خدارا که پروردگار منست

اِلَيْهِ اِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّي وَاَتُوبُ اِلَيْهِ اِنَّ رَبِّي

وبازگشت میکنم بسوی او بدرستیکه پروردگار من نزدیک اجابت کننده است طلب آمرزش میکنم خدارا که پروردگار منست

رَحِيمٌ وَدُودٌ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّي وَاَتُوبُ اِلَيْهِ اِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا اَللّٰهُمَّ

کشت میکنم بسوی او که رحیم ومهربانست طلب آمرزش میکنم خدارا که پروردگار منست وبازگشت میکنم بسوی او که آمرزنده است خدایا

اِغْفِرْ لِي اِنَّكَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ رَبِّ اِنِّي عَمِلْتُ سُوءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِي

بیامرز برای من که تو رحم کنندهٔ رحم کنندگانی پروردگار من من بدکرده ام وستم کردم نفس خودرا

فَاغْفِرْ لِي اِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا اَنْتَ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي لَا اِلٰهَ

پس بیامرز مرا بدرستیکه نیامرزد گناهانرا مگر تو طلب آمرزش میکنم خدارا که نیست خدائی

اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْحَلِيمُ الْعَظِيمُ الْعَلِيمُ الْكَرِيمُ الْغَفَّارُ لِلذَّنْبِ

مگر او زنده پاینده بردبار بزرگ دانای کریم آمرزنده هرگناه

الْعَظِيمِ وَاَتُوبُ اِلَيْهِ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا

بزرگ را وبازگشت میکنم بسوی او طلب آمرزش میکنم خدارا که خدا میباشد آمرزنده مهربان

مرتبه سه اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ

خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم تورا اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه

تَجْعَلَ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْاَمْرِ الْعَظِيمِ الْمَحْتُومِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ

قرار دهی درانچه حکم میکنی و تقدیر میکنی از کار وفرمان بزرگ حتم شده در شب قدر

مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ اَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ

از حکمیکه ردکرده نشود و تبدیل نشود اینکه بنویسی مرا از حاجیان خانهٔ تو

الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ الْمُكَفَّرِ

که محترم است آنانکه پسندیده شده حج ایشان جزا داده شده کوشش ایشان آمرزیده شده گناهان ایشان بازداشته شده

عَنْهُمْ سَيِّئَاتُهُمْ وَاَنْ تَجْعَلَ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ اَنْ تُطِيلَ عُمْرِي

از ایشان گناهان ایشان و اینکه بگردانی درانچه حکم کنی وتقدیر کنی اینکه درازکنی عمرمرا

وَتُوَسِّعَ رِزْقِي وَتُؤَدِّيَ عَنِّي اَمَانَتِي وَدَيْنِي آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

و فراخ کنی روزی مرا و اداء کنی ازمن امانت مرا وقرض مرا اجابت کن ای پروردگار جهانیان

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِي فَرَجًا وَمَخْرَجًا وَارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ اَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ

خدایا بگردان برای من گشایش وبیرون شدن ازشدت وروزی ده مرا ازانجائیکه گمان میکنم وازانجائیکه

لَا اَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ اَحْتَرِسُ وَمِنْ حَيْثُ لَا اَحْتَرِسُ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى

گمان نمیکنم ونگاهدار مرا ازجائی که نگهدارم وازجائیکه نگه ندارم ورحمت فرستد خدا بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا وابن تسبیحات بسند معتبر ازحضرت صادق علیه السلام منقول است که در هر روز اینها بخوانند سُبْحَانَ

محمد و آل او و درود فرستد درود فرستادنی — منزهست

اللّٰهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللّٰهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ الْاَزْوَاجِ

خدائی که پدید آورنده هر ذی روحی است منزهست خدای نگارنده منزهست خدائیکه آفریننده جفتها

كُلِّهَا سُبْحَانَ اللّٰهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللّٰهِ فَالِقِ الْحَبِّ

همهٔ آنهاست منزهست خدائی که گرداننده تاریکیها وروشنائیست منزهست خدائیکه شکافنده دانه

وَالنَّوٰى سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ مَا يُرٰى وَ

وهسته است منزهست خدائیکه آفریننده هرچیزیست منزهست خدائیکه آفریننده است آنچه دیده شود و

وَمٰا لٰا یُرٰی سُبْحٰانَ اللّٰهِ مِدٰادَ كَلِمٰاتِهِ سُبْحٰانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمِینَ

و انچه دیده نمیشود منزهست خدا بشماره سخنان او منزهست خدا که پروردگار جهانیانست

سُبْحٰانَ اللّٰهِ السَّمِیعِ الَّذِی لَیْسَ شَیْءٌ اَسْمَعَ مِنْهُ یَسْمَعُ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ

منزهست خدائیکه شنونده است انکه نیست چیزی شنونده تر ازاو میشنود از بالای عرش خود

مٰا تَحْتَ سَبْعِ اَرَضِینَ وَیَسْمَعُ مٰا فِی ظُلُمٰاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَیَسْمَعُ الْاَنِینَ

انچه را که زیر هفتم طبقه زمین است و میشنود انچه را که در تاریکیهای بیابان و دریاست و میشنود ناله

وَالشَّكْوٰی وَیَسْمَعُ السِّرَّ وَاَخْفٰی وَیَسْمَعُ وَسٰاوِسَ الصُّدُورِ وَلٰا

و شکایت را و میشنود پنهان و مخفی را و میشنود خیالات سینه‌ها را و کر نمیکند

یُصِمُّ سَمْعَهُ صَوْتٌ (۲) سُبْحٰانَ اللّٰهِ بٰارِئِ النَّسَمِ سُبْحٰانَ اللّٰهِ

گوش اورا صدائی منزهست خدائیکه افریننده هر ذی روح است منزهست خدائیکه

الْمُصَوِّرِ سُبْحٰانَ اللّٰهِ خٰالِقِ الْاَزْوٰاجِ كُلِّهٰا سُبْحٰانَ اللّٰهِ جٰاعِلِ الظُّلُمٰاتِ

نگارنده است منزهست خدائیکه افریننده جفتهاست همه ان منزهست خدائیکه گرداننده تاریکیها

وَالنُّورِ سُبْحٰانَ اللّٰهِ فٰالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوٰی سُبْحٰانَ اللّٰهِ خٰالِقِ كُلِّ شَیْءٍ

و روشنائیست منزه است خدائیکه شکافنده دانه و هسته است منزهست خدائیکه افریننده هر چیزیست

سُبْحٰانَ اللّٰهِ خٰالِقِ مٰا یُرٰی وَمٰا لٰا یُرٰی سُبْحٰانَ اللّٰهِ مِدٰادَ كَلِمٰاتِهِ

منزهست خدائیکه افریننده است انچه را که دیده میشود و انچه دیده نمیشود منزه است خدا بشماره سخنان او

سُبْحٰانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمِینَ سُبْحٰانَ اللّٰهِ الْبَصِیرِ الَّذِی لَیْسَ شَیْءٌ اَبْصَرَ مِنْهُ

منزهست خدائیکه پروردگار جهانیانست منزهست خدائیکه بیناست انکه نیست چیزی بیناتر ازاو

یُبْصِرُ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ مٰا تَحْتَ سَبْعِ اَرَضِینَ وَیُبْصِرُ مٰا فِی ظُلُمٰاتِ الْبَرِّ وَ

میبیند از بالای عرش خود انچه را که زیر هفتم طبقه زمین است و میبیند انچه را که در تاریکیهای بیابان و

الْبَحْرِ لٰا تُدْرِكُهُ الْاَبْصٰارُ وَهُوَ یُدْرِكُ الْاَبْصٰارَ وَهُوَ اللَّطِیفُ

دریاست درک نمیکند اورا چشمها واو درک میکند چشمها را واو مهربان

الْخَبِیرُ لٰا تُغْشٰی بَصَرَهُ الظُّلْمَةُ وَلٰا یُسْتَتَرُ مِنْهُ بِسِتْرٍ وَلٰا یُوٰارِی مِنْهُ

اگاهست فرو نمیگیرد چشم اورا تاریکی و پوشیده نمیشود ازاو بپوشاندن و پنهان نمیکند ازاو

جِدٰارٌ وَلٰا یَغِیبُ عَنْهُ بَرٌّ وَلٰا بَحْرٌ وَلٰا یُكِنُّ مِنْهُ جَبَلٌ مٰا فِی اَصْلِهِ

دیوار و غائب نمیشود ازاو بیابان و نه دریا و پنهان نمیدارد ازاو کوهی انچه را که در بیخ اوست

وَلٰا قَلْبٌ مٰا فِیهِ وَلٰا جَنْبٌ مٰا فِی قَلْبِهِ وَلٰا یَسْتَتِرُ مِنْهُ صَغِیرٌ وَلٰا

و نه دلی انچه را که در اوست و نه پهلو انچه را که در دل اوست و پوشیده نمیشود ازاو کوچک و نه

كَبِیرٌ وَلٰا یَخْفٰی عَلَیْهِ شَیْءٌ فِی الْاَرْضِ وَلٰا فِی السَّمٰاءِ هُوَ الَّذِی یُصَوِّرُكُمْ

بزرگ و پنهان نمیشود براو چیزیکه در زمین است و نه در اسمان اوست انکه صورت بندی کند شمارا

فِی الْاَرْحٰامِ كَیْفَ یَشٰاءُ لٰا اِلٰهَ اِلّٰا هُوَ الْعَزِیزُ الْحَكِیمُ (۳) سُبْحٰانَ

در رحم ها هرگونه بخواهد نیست خدائی مگر او غالب و درست کردار است منزه است

اللّٰهِ بٰارِئِ النَّسَمِ سُبْحٰانَ اللّٰهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحٰانَ اللّٰهِ خٰالِقِ الْاَزْوٰاجِ

خدائیکه پدید اورنده هر ذی روحی است منزه است خدای نگارنده منزه است خدای افریننده جفتها

كُلِّهٰا سُبْحٰانَ اللّٰهِ جٰاعِلِ الظُّلُمٰاتِ وَالنُّورِ سُبْحٰانَ اللّٰهِ فٰالِقِ الْحَبِّ وَ

همه ان منزهست خدا گرداننده تاریکیها و روشنائی منزه است خدا شکافنده دانه و

النَّوٰی سُبْحٰانَ اللّٰهِ خٰالِقِ كُلِّ شَیْءٍ سُبْحٰانَ اللّٰهِ خٰالِقِ مٰا یُرٰی وَمٰا

هسته منزه است خدا افریننده هر چیزی منزهست خدا افریننده انچه دیده شود و انچه

لٰا یُرٰی سُبْحٰانَ اللّٰهِ مِدٰادَ كَلِمٰاتِهِ سُبْحٰانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمِینَ سُبْحٰانَ

دیده نشود منزه است خدا بشماره سخنهایش منزهست خدا پروردگار جهانیان منزهست خدا

اللّٰهِ الَّذِی یُنْشِئُ السَّحٰابَ الثِّقٰالَ وَیُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلٰائِكَةُ مِنْ

که ایجاد میکند ابرهای سنگین را و تنزیه میکند رعد بستایش او و فرشتگان از

خِیفَتِهِ وَیُرْسِلُ الصَّوٰاعِقَ فَیُصِیبُ بِهٰا مَنْ یَشٰاءُ وَیُرْسِلُ الرِّیٰاحَ

ترس او و میفرستد صاعقه‌ها را پس میرساند بان هرکه را بخواهد و میفرستد بادها را

بُشْرًا بَیْنَ یَدَیْ رَحْمَتِهِ وَیُنَزِّلُ الْمٰاءَ مِنَ السَّمٰاءِ بِكَلِمَتِهِ وَیُنْبِتُ النَّبٰاتَ

مژده دهنده میان دو دست رحمت او و فرو میفرستد ابرا از اسمان بسخن خود و میرویاند روئیدنیها را

بِقُدْرَتِهِ وَیَسْقُطُ الْوَرَقُ بِعِلْمِهِ سُبْحٰانَ اللّٰهِ الَّذِی لٰا یَعْزُبُ عَنْهُ

بتوانائی خود و میاندازد برگ را بدانش خود منزهست خدائیکه پوشیده نماند ازاو

مِثْقٰالُ ذَرَّةٍ فِی الْاَرْضِ وَلٰا فِی السَّمٰاءِ وَلٰا اَصْغَرُ مِنْ ذٰلِكَ وَلٰا اَكْبَرُ

هموزن مورچه در زمین و نه در اسمان و نه کوچکتر ازاین و نه بزرگتر

اِلّٰا فِی كِتٰابٍ مُبِینٍ (۴) سُبْحٰانَ اللّٰهِ بٰارِئِ النَّسَمِ سُبْحٰانَ اللّٰهِ الْمُصَوِّرِ

مگر در کتاب بیان کننده منزهست خدای پدید اورنده هر ذی روح منزهست خدای نگارنده

سُبْحانَ اللّٰهِ خالِقِ الْاَزْواجِ کُلِّها سُبْحانَ اللّٰهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنُّورِ

منزه است خدا افریننده جفتها همه آنها منزه است خدا گرداننده تاریکیها و روشنائی

سُبْحانَ اللّٰهِ فالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوی سُبْحانَ اللّٰهِ خالِقِ کُلِّ شَیْءٍ سُبْحانَ

منزه است خدا شکافنده دانه و هسته منزه است خدا افریننده هر چیزی منزه است

اللّٰهِ خالِقِ ما یُری وَما لا یُری سُبْحانَ اللّٰهِ مِدادَ کَلِماتِهِ سُبْحانَ اللّٰهِ

خدا افریننده آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود منزهست خدا بعدد سخنهایش منزه است خدا

رَبِّ الْعالَمینَ سُبْحانَ اللّٰهِ الَّذی یَعْلَمُ ما تَحْمِلُ کُلُّ اُنْثی وَما تَغیضُ

پروردگار جهانیان منزهست خدائی که میداند آنچه را حمل میکند هر ماده و آنچه را نگاه دارد

الْاَرْحامُ وَما تَزْدادُ وَکُلُّ شَیْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدارٍ عالِمُ الْغَیْبِ وَالشَّهادَةِ

رحمها و آنچه زیاد میکند و هر چیزی نزد او باندازه است دانای پنهان و آشکار

الْکَبیرُ الْمُتَعالُ سَواءٌ مِنْکُمْ مَنْ اَسَرَّ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ

بزرگ بلند شان مساوی است از شما آنکه مخفی کند گفتن را و آنکه آشکار کند آنرا و آنکه او

مُسْتَخْفٍ بِاللَّیْلِ وَسارِبٌ بِالنَّهارِ لَهُ مُعَقِّباتٌ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَمِنْ

پوشاننده عمل خود است در شب و آشکار کننده است در روز مر او را فرشتگانیست از میان دو دست او و از

خَلْفِهِ یَحْفَظُونَهُ مِنْ اَمْرِ اللّٰهِ سُبْحانَ اللّٰهِ الَّذی یُمیتُ الْاَحْیاءَ وَیُحْیِی

عقب او نگاه میدارند او را از فرمان خدا منزه است خدائیکه میمیراند زندگانرا و زنده میکند

الْمَوْتی وَیَعْلَمُ ما تَنْقُصُ الْاَرْضُ مِنْهُمْ وَیُقِرُّ فِی الْاَرْحامِ ما یَشاءُ اِلی

مردگانرا و میداند آنچه را کم میکند زمین از ایشان و قرار میدهد در رحمها آنچه را میخواهد تا

اَجَلٍ مُسَمًّی (۵) سُبْحانَ اللّٰهِ بارِئِ النَّسَمِ سُبْحانَ اللّٰهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحانَ

مدت نامبرده منزهست خدا پدید آورنده هر ذی روحی منزه است خدای نگارنده منزه است

اللّٰهِ خالِقِ الْاَزْواجِ کُلِّها سُبْحانَ اللّٰهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنُّورِ سُبْحانَ

خدا افریننده جفتها همه آنها منزهست خدا گرداننده تاریکیها و روشنائی منزه است

اللّٰهِ فالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوی سُبْحانَ اللّٰهِ خالِقِ کُلِّ شَیْءٍ سُبْحانَ اللّٰهِ خالِقِ

خدا شکافنده دانه و هسته منزه است خدا افریننده هر چیزی منزهست خدا افریننده

ما یُری وَما لا یُری سُبْحانَ اللّٰهِ مِدادَ کَلِماتِهِ سُبْحانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعالَمینَ

آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود منزهست خدا بعدد سخنهایش منزه است خدا پروردگار جهانیان

سُبْحانَ اللّٰهِ مالِکِ الْمُلْکِ تُؤْتِی الْمُلْکَ مَنْ تَشاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْکَ مِمَّنْ

منزه است خدا پادشاه پادشاهان میدهی پادشاهی را بهر که میخواهی و میگیری پادشاهی را از آنکه

تَشاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشاءُ بِیَدِکَ الْخَیْرُ اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ

میخواهی و عزیز میکنی آنکه را بخواهی و خوار کنی آنکه را بخواهی بدست تست نیکی بدرستیکه تو بر هر چیزی

قَدیرٌ تُولِجُ اللَّیْلَ فِی النَّهارِ وَتُولِجُ النَّهارَ فِی اللَّیْلِ وَتُخْرِجُ الْحَیَّ

توانائی درمیآوری شب را در روز و درمیآوری روز را در شب و بیرون میکنی زنده را

مِنَ الْمَیِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَیِّتَ مِنَ الْحَیِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشاءُ بِغَیْرِ حِسابٍ

از مرده و بیرون میکنی مرده را از زنده و روزی میدهی هر که را میخواهی بدون شمار

(۶) سُبْحانَ اللّٰهِ بارِئِ النَّسَمِ سُبْحانَ اللّٰهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحانَ اللّٰهِ خالِقِ

منزه است خدا پدید آورنده هر ذی روحی منزهست خدای نگارنده منزهست خدا افریننده

الْاَزْواجِ کُلِّها سُبْحانَ اللّٰهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنُّورِ سُبْحانَ اللّٰهِ فالِقِ

جفتها همه آنها منزهست خدا گرداننده تاریکیها و روشنائی منزه است خدای شکافنده

الْحَبِّ وَالنَّوی سُبْحانَ اللّٰهِ خالِقِ کُلِّ شَیْءٍ سُبْحانَ اللّٰهِ خالِقِ ما یُری وَ

دانه و هسته منزهست خدا افریننده هر چیزی منزهست خدا افریننده آنچه دیده شود و

ما لا یُری سُبْحانَ اللّٰهِ مِدادَ کَلِماتِهِ سُبْحانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعالَمینَ سُبْحانَ

آنچه دیده نشود منزه است خدا بعدد سخنهایش منزه است خدا پروردگار جهانیان منزهست

اللّٰهِ الَّذی عِنْدَهُ مَفاتِحُ الْغَیْبِ لا یَعْلَمُها اِلّا هُوَ وَیَعْلَمُ ما فِی الْبَرِّ وَ

خدائیکه نزد او است کلیدهای پنهانی که نمیداند آنرا مگر او و میداند آنچه در بیابان و

الْبَحْرِ وَما تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ اِلّا یَعْلَمُها وَلا حَبَّةٍ فی ظُلُماتِ الْاَرْضِ وَلا

دریاست و آنچه میافتد از برگ مگر آنکه میداند آنرا و نه دانه در تاریکیهای زمین و نه

رَطْبٍ وَلا یابِسٍ اِلّا فی کِتابٍ مُبینٍ (۷) سُبْحانَ اللّٰهِ بارِئِ النَّسَمِ سُبْحانَ

تری و نه خشکی مگر در کتاب هویدا منزهست خدا پدید آورنده هر ذی روحی منزه است

اللّٰهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحانَ اللّٰهِ خالِقِ الْاَزْواجِ کُلِّها سُبْحانَ اللّٰهِ جاعِلِ

خدای نگارنده منزهست خدای افریننده جفتها همه آن منزهست خدا گرداننده

الظُّلُماتِ وَالنُّورِ سُبْحانَ اللّٰهِ فالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوی سُبْحانَ اللّٰهِ خالِقِ

تاریکیها و روشنائی منزهست خدا شکافنده دانه و هسته منزه است خدا افریننده

كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ مَا يُرٰى وَمَا لَا يُرٰى سُبْحَانَ اللهِ مِدَادَ
هر چیزی منزهست خدا آفریننده آنچه دیده شود وآنچه دیده نشود منزهست خدا بعدد
كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللهِ لَا يُحْصِي مِدْحَتَهُ الْقَائِلُونَ
سخنهایش منزهست خدا پروردگار جهانیان منزهست خدا که شماره نمیکنند مدح او را گویندگان
وَلَا يَجْزِي بِآلَائِهِ الشَّاكِرُونَ وَالْعَابِدُونَ وَهُوَ كَمَا قَالَ وَفَوْقَ مَا
و شکر نکند نعمتهای او شکرگذارندگان وبندگان واواست چنانکه گفت وبالای آنچه
نَقُولُ وَاللهُ سُبْحَانَهُ كَمَا أَثْنٰى عَلٰى نَفْسِهِ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ
میگوییم وخدا منزهست او چنانکه ثنا گفت بر ذات خود واحاطه نکنند بچیزی از دانش او
إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَؤُدُهُ حِفْظُهُمَا
مگر بآنچه خواهد فراخست کرسی او آسمانها و زمین را وگران نکند او را نگاهداشتن آنها
وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ (۸) سُبْحَانَ اللهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللهِ
واواست بلند مرتبه بزرگ منزهست خدا پدید آرنده هر ذی روحی منزهست خدا
الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ
نگارنده منزهست خدا آفریننده جفتها همه آنها منزهست خدا گرداننده تاریکیها
وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوٰى سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ
و روشنائی منزهست خدا شکافنده دانه وهسته منزهست خدا آفریننده هر چیزی
سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ مَا يُرٰى وَمَا لَا يُرٰى سُبْحَانَ اللهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ
منزهست خدا آفریننده آنچه دیده شود وآنچه دیده نشود منزهست خدا بعدد سخنهایش
سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللهِ الَّذِي يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ
منزهست خدا پروردگار جهانیان منزهست خدا یکه میداند آنچه در آید در زمین
وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَلَا يَشْغَلُهُ
وآنچه بیرون آید از آن وآنچه فرو آید از آسمان وآنچه بالا رود در آن ومشغول نکند او را
مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا عَمَّا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ
آنچه در آید در زمین وآنچه بیرون رود از آن از آنچه فرود آید از آسمان وآنچه بالا رود
فِيهَا وَلَا يَشْغَلُهُ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا عَمَّا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ
در آن ومشغول نکند او را آنچه فرود آید از آسمان وآنچه بالا رود در آن از آنچه در آید در زمین

وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَلَا يَشْغَلُهُ عِلْمُ شَيْءٍ عَنْ عِلْمِ شَيْءٍ وَلَا يَشْغَلُهُ خَلْقُ
وآنچه بیرون آید از آن ومشغول نمیکند او را دانستن چیزی از دانستن چیزی ومشغول نکند او را آفریدن
شَيْءٍ عَنْ خَلْقِ شَيْءٍ وَلَا حِفْظُ شَيْءٍ عَنْ حِفْظِ شَيْءٍ وَلَا يُسَاوِيهِ شَيْءٌ وَ
چیزی از آفریدن چیزی ونه نگاه داشتن چیزی از نگاه داشتن چیزی ومساوی نشود او را چیزی و
لَا يَعْدِلُهُ شَيْءٌ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۹) سُبْحَانَ
برابری نکند او را چیزی نیست مانند او چیزی واواست شنوای دانا منزهست
اللهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ
خدا پدید آورنده هر ذی روحی منزهست خدای نگارنده منزهست خدای آفریننده جفتها
كُلِّهَا سُبْحَانَ اللهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللهِ فَالِقِ الْحَبِّ
همه آنها منزهست خدای گرداننده تاریکیها و روشنائی منزهست خدا شکافنده دانه
وَالنَّوٰى سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ مَا يُرٰى وَمَا لَا يُرٰى سُبْحَانَ اللهِ مِدَادَ
وهسته منزهست خدا آفریننده آنچه دیده شود وآنچه دیده نشود منزهست خدا بعدد
كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللهِ فَاطِرِ السَّمٰوَاتِ وَ
سخنهایش منزهست خدا پروردگار جهانیان منزهست خدا آفریننده آسمانها و
الْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَثْنٰى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ
زمین گرداننده فرشتگان فرستادگان صاحبان بالهای دوگانه وسه گانه وچهارگانه
يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ مَا يَفْتَحِ اللهُ لِلنَّاسِ
افزون میکند در آفرینش آنچه بخواهد بدرستیکه خدا بر هر چیزی تواناست آنچه میگشاید خدا برای مردم
مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكْ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ
از رحمت پس نگاه دارنده مر او را وآنچه را نگاه میدارد پس نیست فرستنده مر او را از پی او واو
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱۰) سُبْحَانَ اللهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللهِ الْمُصَوِّرِ
غالب درستکار است منزهست خدا پدید آورنده هر ذی روحی منزهست خدای نگارنده
سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ
منزهست خدای آفریننده جفتها همه آن منزهست خدای گرداننده تاریکیها
وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوٰى سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ
و روشنائی منزهست خدای شکافنده دانه وهسته منزهست خدای آفریننده هر چیزی

سُبْحانَ اللهِ خالِقِ ما يُرى وَما لا يُرى سُبْحانَ اللهِ مِدادَ كَلِماتِهِ
منزهست خدای از بنده آنچه دیده شود وآنچه دیده نشود منزه است خدا بعدد سخنانش

سُبْحانَ اللهِ رَبِّ الْعالَمينَ سُبْحانَ اللهِ الَّذي يَعْلَمُ ما فِي السَّمواتِ وَما
منزه است خدا پروردگار جهانیان منزه است خدائیکه میداند آنچه در آسمانها وآنچه

فِي الْأَرْضِ ما يَكُونُ مِنْ نَجْوى ثَلثَةٍ إِلّا هُوَ رابِعُهُمْ وَلا خَمْسَةٍ إِلّا
در زمین است نمیباشد هیچ راز سه نفری مگر آنکه او چهارمی ایشانست ونه پنج نفری مگر آنکه او

هُوَ سادِسُهُمْ وَلا أَدْنى مِنْ ذلِكَ وَلا أَكْثَرَ إِلّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَما كا
او ششمی ایشانست ونه کمتر از این ونه بیشتر مگر آنکه او با ایشانست هرجا باشند

ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِما عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيمَةِ إِنَّ اللهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَليمٌ وَأَيْضاً مستحبست
پس خبر دهد ایشان را باعمالیکه کردند روز قیامت بدرستیکه خدا بهر چیزی داناست که این صلوات را

در هر روز ماه مبارک و در إِنَّ اللهَ وَمَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يا أَيُّهَا
هر روز جمعه در تمام سال بخوانند بدرستیکه خدا و فرشتگان او رحمت میفرستند بر پیغمبر ای آن

الَّذينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْليماً لَبَّيْكَ يا رَبِّ وَسَعْدَيْكَ
کسانیکه گرویدند طلب رحمت کنید براو و درود گوئید درود گفتنی لبیک ای پروردگار من و منزهی تو

اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبارِكْ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
خدایا رحمت فرست بر محمد وآل محمد وبرکت ده بر محمد وآل محمد

أَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ وَبارَكْتَ عَلى إِبْراهيمَ وَآلِ إِبْراهيمَ إِنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ
برتر از آنچه رحمت فرستادی وبرکت دادی بر ابراهیم وآل ابراهیم بدرستیکه تو ستائش کرده شده بزرگوار

اللّهُمَّ ارْحَمْ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ كَما رَحِمْتَ عَلى إِبْراهيمَ وَآلِ إِبْراهيمَ
خدایا رحمت کن محمد را وآل محمد را چنانکه رحمت کردی بر ابراهیم وآل ابراهیم

إِنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ اللّهُمَّ سَلِّمْ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ ما سَلَّمْتَ
بدرستیکه تو ستوده بزرگواری خدایا درود گوی بر محمد وآل محمد برتر از آنچه درود گفتی

عَلى نُوحٍ فِي الْعالَمينَ اللّهُمَّ امْنُنْ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ ما
بر نوح در جهانیان خدایا انعام کن بر محمد وآل محمد برتر از آنچه

مَنَنْتَ عَلى مُوسى وَهرُونَ اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما
انعام کردی بر موسی وهرون خدا رحمت فرست بر محمد وآل محمد چنانکه

هَدَيْتَنا بِهِ اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَابْعَثْهُ مَقاماً مَحْمُوداً
راه نمودی ما را بآن خدایا رحمت فرست بر محمد وآل محمد وبرانگیز اورا درجایگاه ستوده

يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلامُ كُلَّما طَلَعَتْ
که رشک برند اورا پیشینیان وپسینیان بر محمد وآل او درود هر مدت که برآید

شَمْسٌ أَوْ غَرَبَتْ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلامُ كُلَّما طَرَفَتْ عَيْنٌ أَوْ بَرِقَتْ عَلى
آفتاب یا فرو رود بر محمد وآل اوست درود هر مدت که بر هم خورد چشمی یا اشک ریزد بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلامُ كُلَّما طَرَفَتْ عَيْنٌ أَوْ ذَرَفَتْ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
محمد وآل اوست درود هرچه بر هم خورد چشمی یا روان کند اشک را بر محمد وآل اوست

السَّلامُ كُلَّما ذُكِرَ السَّلامُ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلامُ كُلَّما سَبَّحَ اللهَ
درود هرچه یاد شود درود بر محمد وآل اوست درود هرچه تنزیه کند خدا را

مَلَكٌ أَوْ قَدَّسَهُ السَّلامُ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الْأَوَّلينَ السَّلامُ
فرشته یا تقدیس کند اورا درود بر محمد وآل او در پیشینیان درود

عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الْآخِرينَ السَّلامُ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ
بر محمد وآل او در پسینیان درود بر محمد وآل او ورحمت خدا وبرکات او

اللّهُمَّ رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرامِ وَرَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقامِ وَرَبَّ الْحِلِّ وَالْحَرامِ
خدایا ای پروردگار شهر با حرمت وپروردگار رکن ومقام وپروردگار حلال وحرام

أَبْلِغْ نَبِيَّكَ مُحَمَّداً وَآلَهُ عَنَّا السَّلامَ اللّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّداً مِنَ الْبَهاءِ
برسان بپیغمبر خود محمد وآل اورا از ما درود خدایا عطا کن محمد را از روشنی

وَالنَّضْرَةِ وَالسُّرُورِ وَالْكَرامَةِ وَالْغِبْطَةِ وَالْوَسيلَةِ وَالْمَقامِ وَ
وخوشحالی و بهجت وکرامت وصرفه و وسیله ومقام و

الشَّرَفِ وَالرِّفْعَةِ وَالشَّفاعَةِ عِنْدَكَ يَوْمَ الْقِيمَةِ أَفْضَلَ ما تُعْطي
مرتبه و بلندی و شفاعت نزد تو در روز قیامت برتر از آنچه عطا میکنی

أَحَداً مِنْ خَلْقِكَ وَأَعْطِ مُحَمَّداً فَوْقَ ما تُعْطِي الْخَلائِقَ مِنَ الْخَيْرِ أَضْعافاً
یکی از خلق خود را و عطا کن محمد را بالاتر از آنچه عطا میکنی خلایق را از خوبی دوچندانها

كَثيرَةً لا يُحْصيها غَيْرُكَ اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَطْيَبَ وَ
بسیاری که شماره نمیکند آنرا جز تو خدایا رحمت فرست بر محمد وآل محمد پاکیزه تر و

اَطْهَرَ وَاَزْكٰى وَاَنْمٰى وَاَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلٰى اَحَدٍ مِنَ الْاَوَّلِينَ وَ

و پاکتر و پاکیزه تر و بهتر و برتر آنچه رحمت فرستادی بر یکی از پیشینیان و

الْاٰخِرِينَ وَعَلٰى اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى عَلِيٍّ

پسینیان و بر یکی از خلق تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خدایا رحمت فرست بر علی

اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَالِ مَنْ وَالاٰهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابَ

پادشاه گروندگان و دوست دار کسیکه دوست دارد اورا و دشمن دار کسیکه دشمن دارد اورا و دو چندان کن عذاب

عَلٰى مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ

بر کسیکه شریک شود در خون او خدایا رحمت فرست بر فاطمه دختر پیغمبر تو محمد

عَلَيْهِ وَاٰلِهِ السَّلَامُ وَالْعَنْ مَنْ اٰذٰى نَبِيَّكَ فِيهَا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى

بر او و آل او است درود و لعنت کن کسی را که اذیت کرد پیغمبر ترا در او خدایا رحمت فرست بر

الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ اِمَامَيِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالَاهُمَا وَعَادِ مَنْ عَادَاهُمَا

حسن و حسین دو پیشوای مسلمانان و دوستدار کسیکه دوستدارد ایشانرا و دشمن دار دشمنان ایشانرا

وَضَاعِفِ الْعَذَابَ عَلٰى مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِمَا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى

و دو چندان کن عذاب را بر آنکه شریک شد در خون ایشان خدایا رحمت فرست بر

عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ اِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ

علی پسر حسین پیشوای مسلمانان و دوستدار آنکه دوستدارد اورا و دشمن دار آنکه دشمن دارد اورا

الْعَذَابَ عَلٰى مَنْ ظَلَمَهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ اِمَامِ الْمُسْلِمِينَ

چندان کن عذابرا بر آنکه ستم کرد اورا خدایا رحمت فرست بر محمد پسر علی پیشوای مسلمانان

وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابَ عَلٰى مَنْ ظَلَمَهُ

و دوستدار آنکه دوستدارد اورا و دشمن دار آنکه دشمن دارد اورا و دو چندان کن عذاب را بر کسیکه ستمکرد اورا

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ اِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ

خدایا رحمت فرست بر جعفر پسر محمد پیشوای مسلمانان و دوستدار آنکه دوست دارد اورا و دشمن دار

مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابَ عَلٰى مَنْ ظَلَمَهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُوسَى

آنکه دشمن دارد اورا و دو چندان کن عذاب را بر آنکه ستمکرد اورا خدایا رحمت فرست بر موسی

ابْنِ جَعْفَرٍ اِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ

پسر جعفر پیشوای مسلمانان و دوستدار آنکه دوستدارد اورا و دشمن دار آنکه دشمن دارد اورا و دو چندان کن

الْعَذَابَ عَلٰى مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى عَلِيِّ بْنِ مُوسٰى اِمَامِ

عذاب را بر آنکه شریک شد در خون او خدایا رحمت فرست بر علی پسر موسی پیشوای

الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابَ عَلٰى

مسلمانان و دوستدار آنکه دوست دارد اورا و دشمن دار آنکه دشمن دارد اورا و دو چندان کن عذاب را بر

مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ اِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ

آنکه شریک شد در خون او خدایا رحمت فرست بر محمد پسر علی پیشوای مسلمانان و دوست دار

مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابَ عَلٰى مَنْ ظَلَمَهُ اَللّٰهُمَّ

آنکه دوستدارد اورا و دشمن دار آنکه دشمن دارد اورا و دو چندان کن عذاب را بر آنکه ستمکرد اورا خدایا

صَلِّ عَلٰى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ اِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ

رحمت فرست بر علی پسر محمد پیشوای مسلمانان و دوستدار کسیکه دوست دارد اورا و دشمن دار آنکه دشمن دارد اورا

وَضَاعِفِ الْعَذَابَ عَلٰى مَنْ ظَلَمَهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ اِمَامِ

و دو چندان کن عذاب را بر آنکه ستمکرد اورا خدایا رحمت فرست بر حسن پسر علی پیشوای

الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابَ عَلٰى مَنْ

مسلمانان و دوستدار آنکه دوست دارد اورا و دشمن دار آنکه دشمن دارد اورا و دو چندان کن عذاب را بر آنکه

ظَلَمَهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْخَلَفِ مِنْ بَعْدِهِ اِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ

ستمکرد اورا خدایا رحمت فرست بر جانشین بعد از او پیشوای مسلمانان و دوستدار آنکه دوست دارد اورا

وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَعَجِّلْ فَرَجَهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْقَاسِمِ وَالطَّاهِرِ ابْنَيْ

و دشمن دار آنکه دشمن دارد اورا و تعجیل کن فرج اورا خدایا رحمت فرست بر قاسم و طاهر دو پسر

نَبِيِّكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى رُقَيَّةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَالْعَنْ مَنْ اٰذٰى نَبِيَّكَ فِيهَا

پیغمبر تو خدایا رحمت فرست بر رقیه دختر پیغمبر تو و لعنت کن آنکه را که اذیت کرد پیغمبر ترا در او

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى اُمِّ كُلْثُومٍ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَالْعَنْ مَنْ اٰذٰى نَبِيَّكَ فِيهَا اَللّٰهُمَّ

خدایا رحمت فرست بر ام کلثوم دختر پیغمبر تو و لعنت کن آنکه را که آزرد پیغمبر ترا در او خدایا

صَلِّ عَلٰى ذُرِّيَّةِ نَبِيِّكَ اَللّٰهُمَّ اخْلُفْ نَبِيَّكَ فِي اَهْلِ بَيْتِهِ اَللّٰهُمَّ

رحمت فرست بر ذریه پیغمبر تو خدا جانشین قرار ده پیغمبر ترا در خانواده او خدایا

مَكِّنْ لَهُمْ فِي الْاَرْضِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ عَدَدِهِمْ وَمَدَدِهِمْ وَاَنْصَارِهِمْ

ثابت دار ایشانرا در زمین خدایا بگردان مارا از شمار ایشان و یاران ایشان و یاوران ایشان

عَلَى الْحَقِّ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ اَللّٰهُمَّ اطْلُبْ بِذَحْلِهِمْ وَوِتْرِهِمْ وَ
برحق در پنهانی واشکارا خدایا بخواه خون ایشانرا وقصاص ایشانرا و

دِمَاۤئِهِمْ وَكُفَّ عَنَّا وَعَنْهُمْ وَعَنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ بَاْسَ كُلِّ
خونهای ایشانرا وباز دار ازما وازایشان واز هر مرد مؤمن وزن مؤمنه ترس هر

بَاغٍ وَطَاغٍ وَكُلِّ دَاۤبَّةٍ اَنْتَ اٰخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا اِنَّكَ اَنْتَ اَشَدُّ بَاْسًا وَ
ستمکار سرکشی وهر جنده را تو گیرنده مای بموی پیشانی بدرستیکه تو سختتری از ترسناکی و

اَشَدُّ تَنْكِيلًا وَدر اقبال وبعضی نسخهای دیگر دعا از حضرت علی بن الحسین یا حضرت
سخت تری بعذاب کردن

امام حسن عسکری علیهم السلام بجای عَلٰى مَنْ ظَلَمَهُ چنین است
عَلٰى مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِ وازجمله دعاهای هر روز ماه مبارک رمضان دعائیست
بر انکه شریک شد در خون او

که سید ابن طاوس ره وفضیلت بسیار از جهت آن روایت
کرده است ودر استجابت دعوات مجربست اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَدْعُوْكَ كَمَا اَمَرْتَنِيْ
وبر مضامین عالیه مشتمل است ودعا اینست خدایا بدرستیکه من میخوانم تورا چنانکه امر کردی مرا

فَاسْتَجِبْ لِيْ كَمَا وَعَدْتَنِيْ سه مرتبه اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ مِنْ بَهَاۤئِكَ
پس اجابت کن مرا چنانکه وعده دادی مرا بگوید خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا از روشنی تو

بِاَبْهَاهُ وَكُلُّ بَهَاۤئِكَ بَهِيٌّ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِبَهَاۤئِكَ كُلِّهِ
بروشن ترین آن وهمه روشنی تو بسیار روشن است خدایا بدرستیکه من تورا بروشنی تو همه آن

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ مِنْ جَلَالِكَ بِاَجَلِّهِ وَكُلُّ جَلَالِكَ جَلِيْلٌ اَللّٰهُمَّ
خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا از جلال تو ببزرگتران وهمه جلال تو بزرگست خدایا

اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِجَلَالِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ بِاَجْمَلِهِ
بدرستیکه من میخواهم تورا بجلال تو همه آن خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا از پاکیزگی تو بپاکیزه ترین آن

وَكُلُّ جَمَالِكَ جَمِيْلٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِجَمَالِكَ كُلِّهِ پس سه مرتبه اَللّٰهُمَّ
وهمه پاکیزگی تو پاکیزه است خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا بپاکیزگی تو همه آن بگوید خدایا

اِنِّيْ اَدْعُوْكَ كَمَا اَمَرْتَنِيْ فَاسْتَجِبْ لِيْ كَمَا وَعَدْتَنِيْ پس اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ
بدرستیکه من میخواهم تورا چنانکه امر کردی مرا پس اجابت کن مرا چنانکه وعده دادی مرا بگوید خدایا بدرستیکه من

اَسْئَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ بِاَعْظَمِهَا وَكُلُّ عَظَمَتِكَ عَظِيْمَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ
میخواهم تورا از بزرگی تو ببزرگتر آن وهمه بزرگی تو بزرگست خدایا بدرستیکه من

اَسْئَلُكَ بِعَظَمَتِكَ كُلِّهَا اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ مِنْ نُوْرِكَ بِاَنْوَرِهِ وَكُلُّ نُوْرِكَ
میخواهم تورا ببزرگی تو همه آن خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا از نور تو بروشن تران وهمه نور تو

نَيِّرٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِنُوْرِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ
روشن است خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا بنور تو همه آن خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا از رحمت تو

بِاَوْسَعِهَا وَكُلُّ رَحْمَتِكَ وَاسِعَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ كُلِّهَا
بفراخ تر آن وهمه رحمت تو فراخست خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا برحمت تو همه آن

پس سه مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَدْعُوْكَ كَمَا اَمَرْتَنِيْ فَاسْتَجِبْ لِيْ كَمَا وَعَدْتَنِيْ پس
خدایا بدرستیکه من میخوانم تورا چنانکه امر کردی مرا پس اجابت کن برای من چنانکه وعده دادی مرا بگوید

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ مِنْ كَمَالِكَ بِاَكْمَلِهِ وَكُلُّ كَمَالِكَ كَامِلٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ
خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا از کمال تو بکاملترین آن وهمه کمال تو کامل است خدایا بدرستیکه من

اَسْئَلُكَ بِكَمَالِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ مِنْ كَلِمَاتِكَ بِاَتَمِّهَا وَكُلُّ
میخواهم تورا بکمال تو همه آن خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا از سخنهای تو بتمام ترین آن وهمه

كَلِمَاتِكَ تَاۤمَّةٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِكَلِمَاتِكَ كُلِّهَا اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ
سخنهای تو تمام است خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا بسخنهای تو همه آن خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا

مِنْ اَسْمَاۤئِكَ بِاَكْبَرِهَا وَكُلُّ اَسْمَاۤئِكَ كَبِيْرَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِاَسْمَاۤئِكَ
از نامهای تو ببزرگتر آن وهمه نامهای تو بزرگست خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا بنامهای تو

كُلِّهَا پس سه مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَدْعُوْكَ كَمَا اَمَرْتَنِيْ فَاسْتَجِبْ لِيْ كَمَا وَعَدْتَنِيْ
همه آن خدایا بدرستیکه من میخوانم تورا چنانکه امر کردی مرا پس اجابت کن برای من چنانکه وعده دادی مرا

پس بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ مِنْ عِزَّتِكَ بِاَعَزِّهَا وَكُلُّ عِزَّتِكَ عَزِيْزَةٌ اَللّٰهُمَّ
خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا از ارجمندی تو بارجمندتران وهمه ارجمندی تو ارجمند است خدایا

اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّهَا اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ مِنْ مَشِيَّتِكَ بِاَمْضَاهَا
بدرستیکه من میخواهم تورا بارجمندی تو همه آن خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا از خواستن تو بگذرنده ترین آن

وَكُلُّ مَشِيَّتِكَ مَاضِيَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِمَشِيَّتِكَ كُلِّهَا اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ
وهمه خواستن تو گذرنده است خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا بخواستن تو همه آن خدایا بدرستیکه من

اَسْئَلُكَ بِقُدْرَتِكَ الَّتِي اسْتَطَلْتَ بِهَا عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ وَكُلُّ قُدْرَتِكَ مُسْتَطِيْلَةٌ
میخواهم تورا بتوانائی تو که استیلا داری بان بر هر چیزی وهمه توانائی تو استیلا دارنده است

اللّهم انّي اسئلك بقدرتك كلّها پس سه مرتبه بگوید اللّهم انّي ادعوك

خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا بقدرت تو همه آن — خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا

كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگوید اللّهم انّي اسئلك من علمك

چنانکه امرکردی مرا پس اجابت کن برای من چنانکه وعده دادی مرا — خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا از دانش تو

بانفذه وكلّ علمك نافذ اللّهم انّي اسئلك بعلمك كلّه اللّهم

بروانترین آن وهمه دانش تو رواست خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا بدانش تو همه آن خدایا

انّي اسئلك من قولك بارضاه وكلّ قولك رضيّ اللّهم انّي اسئلك

بدرستیکه من میخواهم تورا از گفتن تو بپسندیده‌ترین آن وهمه گفتن تو پسندیده است خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا

بقولك كلّه اللّهم انّي اسئلك من مسائلك باحبّها اليك وكلّ

بگفتن تو همه آن خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا از مسائل تو بمحبوبترین آن بسوی تو وهمه

مسائلك اليك حبيبة اللّهم انّي اسئلك بمسائلك كلّها پس سه مرتبه بگوید

مسائل تو بسوی تو محبوبست خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا بمسائل تو همه آن

اللّهم انّي ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگوید اللّهم انّي

خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا چنانکه امرکردی مرا پس اجابت کن برای من چنانکه وعده فرمودی مرا — خدایا بدرستیکه من

اسئلك من شرفك باشرفه وكلّ شرفك شريف اللّهم انّي اسئلك

میخواهم تورا از شرافت تو بشریفترین آن وهمه شرافت تو شریفست خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا

بشرفك كلّه اللّهم انّي اسئلك من سلطانك بادومه وكلّ سلطانك

بشرافت تو همه آن خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا از پادشاهی تو بپاینده‌ترین آن وهمه پادشاهی تو

دائم اللّهم انّي اسئلك بسلطانك كلّه اللّهم انّي اسئلك من ملكك

پاینده است خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا بپادشاهی تو همه آن خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا از مملکت تو

بافخره وكلّ ملكك فاخر اللّهم انّي اسئلك بملكك كلّه پس سه مرتبه بگوید

ببزرگتران وهمه ملک تو بزرگست خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا بمملکت تو همه آن

اللّهم انّي ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگوید اللّهم

خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا چنانکه امرکردی مرا پس اجابت کن برای من چنانکه وعده دادی مرا — خدایا

انّي اسئلك من علائك باعلاه وكلّ علائك عال اللّهم انّي اسئلك

بدرستیکه من میخواهم تورا از بلندی تو ببلندترین آن وهمه بلندی تو بلنداست خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا

بعلائك كلّه اللّهم انّي اسئلك من منّك باقدمه وكلّ منّك قديم

ببلندی تو همه آن خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا از نعمتهای تو بقدیمتران وهمه نعمتهای تو قدیم است

اللّهم انّي اسئلك بمنّك كلّه اللّهم انّي اسئلك من اياتك باعجبها

خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا بنعمتهای تو همه آن خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا از نشانهای تو بعجیبتران

وكلّ اياتك عجيبة اللّهم انّي اسئلك باياتك كلّها پس سه مرتبه بگوید

وهمه نشانهای تو عجیب است خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا بنشانهای تو همه آن

اللّهم انّي ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگوید اللّهم

خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا چنانکه امرکردی مرا پس اجابت کن برای من چنانکه وعده دادی مرا — خدایا

انّي اسئلك من فضلك بافضله وكلّ فضلك فاضل اللّهم

بدرستیکه من میخواهم تورا از فضل تو ببرترین آن وهمه فضل تو برتر است خدایا

انّي اسئلك بفضلك كلّه اللّهم انّي اسئلك من رزقك باعمّه

بدرستیکه من میخواهم تورا بفضل تو همه آن خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا از روزی تو بشاملتران

وكلّ رزقك عامّ اللّهم انّي اسئلك برزقك كلّه اللّهم انّي

وهمه روزی تو شاملست خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا بروزی تو همه آن خدایا بدرستیکه من

اسئلك من عطائك باهناه وكلّ عطائك هنيء اللّهم انّي اسئلك

میخواهم تورا از بخشش تو بگوارا‌تران وهمه بخشش تو گواراست خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا

بعطائك كلّه اللّهم انّي اسئلك من خيرك باعجله وكلّ خيرك عاجل

ببخشش تو همه آن خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا از نیکی تو بزودتران وهمه نیکی تو زوداست

اللّهم انّي اسئلك بخيرك كلّه اللّهم انّي اسئلك من احسانك

خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا بنیکی تو همه آن خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا از نیکی کردن تو

باحسنه وكلّ احسانك حسن اللّهم انّي اسئلك باحسانك كلّه

بنیکوتران وهمه نیکی کردنهای تو نیکست خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا بنیکی کردن تو همه آن

اللّهم انّي اسئلك بما تجيبني به حين ادعوك فاجبني يا الله نعم

خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا بآنچه اجابت کنی مرا بآن زمانیکه میخواهم تورا پس اجابت کن مرا ایخدا بلی

دعوتك يا الله اللّهم انّي اسئلك بما انت فيه من الشؤن و

خواندم تورا ایخدا خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا بآنچه تو درآنی از کارها و

الجبروت اللهم انی اسئلك بكل شان وجبروت اللهم

بزرگواری خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا بهر شانی و بزرگواری خدایا

انی اسئلك بشانك وجبروتك كلها اللهم انی اسئلك بما

بدرستیکه من میخواهم تورا بکارتو و بزرگواری تو همه آن خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا بانچه

تجیبنی به حین اسئلك فاجبنی یا الله صل علی محمد وال محمد

اجابت کنی مرا بان رمانیکه میخواهم تورا پس اجابت کن مرا ای خدا رحمت فرست بر محمد و آل محمد

پس هر حاجتی که داری اللهم صل علی محمد وال محمد وابعثنی علی
بطلب پس بگو

خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و برانگیز مرا بر

الایمان بك والتصدیق برسولك والولایة لعلی بن ابیطالب

گرویدن بتو و تصدیق کردن به فرستاده تو و دوستی بر علی پسر ابیطالب

علیه السلام والایتمام بالائمة من آل محمد والبرائة من

برا او است درود و پیروی به پیشوایان از آل محمد و بیزاری از

اعدآئهم فانی قد رضیت بذلك یا رب اللهم صل علی

دشمنان ایشان پس بدرستیکه من خشنودم باین ای پروردگار من خدایا رحمت فرست بر

محمد وال محمد واسئلك خیر الخیر رضوانك والجنة واعوذ

محمد و آل محمد و میخواهم تورا بهترین بهتر خشنودی تو و بهشت و پناه میبرم

بك من شر الشر سخطك والنار اللهم صل علی محمد وال

بتو از بدترین بد خشم تو و آتش خدایا رحمت فرست بر محمد و آل

محمد واحفظنی من كل مصیبة ومن كل بلیة ومن كل

محمد و حفظ کن مرا از هر اندوهی و از هر آفتی و از هر

عقوبة ومن كل فتنة ومن كل بلاء ومن كل شر ومن كل

عقوبتی و از هر آزمایشی و از هر بلائی و از هر بدی و از هر

مكروه ومن كل مصیبة ومن كل آفة نزلت او تنزل من السماء

مکروهی و از هر اندوهی و از هر آفتی که فرود آمده یا فرود آید از آسمان

الی الارض فی هذه الساعة وفی هذه اللیلة وفی هذا الیوم

بسوی زمین در این ساعت و در این شب و در این روز

وفی هذا الشهر وفی هذه السنة اللهم صل علی محمد وال محمد

و در این ماه و در این سال خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد

واقسم لی من كل سرور ومن كل بهجة ومن كل استقامة ومن كل

و سهم ده مرا از هر شادی و از هر فرحی و از هر اعتدالی و از هر

فرج ومن كل عافیة ومن كل سلامة ومن كل كرامة

گشایشی و از هر عافیتی و از هر سلامتی و از هر کرامتی

ومن كل رزق واسع حلال طیب ومن كل نعمة ومن كل

و از هر روزی فراخ حلال پاکیزه و از هر نعمتی و از هر

حسنة نزلت او تنزل من السماء الی الارض فی هذه الساعة و

نیکی که فرود آمده یا فرود آید از آسمان بزمین در این ساعت و

فی هذه اللیلة وفی هذا الیوم وفی هذا الشهر وفی هذه السنة

در این شب و در این روز و در این ماه و در این سال

اللهم ان كانت ذنوبی قد اخلقت وجهی عندك وحالت بینی و

خدایا اگر باشد گناهان من که کهنه کرده باشد روی مرا نزد تو و حایل شده باشد میان من و

بینك او غیرت حالی عندك فانی اسئلك بنور وجهك الكریم

میان تو یا تغییر داده باشد حال مرا نزد تو پس بدرستیکه من میخواهم تورا بروشنی روی تو که کریمست

الذی لم یطفأ وبوجه حبیبك محمد المصطفی وبوجه ولیك علی

و خاموش نشده و بروی دوست داشته تو محمد مصطفی و بروی دوست تو علی

المرتضی وبحق اولیائك الذین انتجبتهم ان تصلی علی محمد وال محمد

مرتضی و بحق دوستان تو که برگزیدی ایشان را اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد

وان تغفر لی ولوالدی وما ولدا وللمؤمنین والمؤمنات وما

و اینکه بیامرزی مرا و پدر و مادر مرا و انچه زائیدند و مر مردهای مؤمن و زنان مؤمنه و انچه را

تولدوا ذنوبنا كلها صغیرها وكبیرها وان تختم لنا بالصالحات

که زائیدند گناهان ما را همه آنها را کوچک آنرا و بزرگ آنرا و اینکه ختم کنی برای ما اعمال شایسته را

وان تقضی لنا الحاجات والمهمات وصالح الدعاء والمسئلة

و اینکه بر آوری برای ما حاجتهای ما را و مهمهای ما را و شایسته دعای ما و خواهش ما را

فَاسْتَجِبْ لَنَا بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ آمِينَ آمِينَ

پس اجابت کن برای ما بحق محمد وال او خدایا رحمت فرست بر محمد وال محمد اجابت کن اجابت کن

آمِينَ مَا شَاءَ اللّٰهُ كَانَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ

اجابت کن انچه خواهد خدا میباشد نیست حرکت ونه قوتی مگر بخدا منزهست پروردگار تو پروردگار

الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

غالب ازانچه وصف کنند ودرود بر فرستاده شدگان وستایش مرخدایرا که پروردگار جهانیانست

پس دستها را بجانب اسمان بلند کن وميل ده گردنت را بسوی دوش چپ خود وگریه بکن واگر نیاید بخود را بگریه بدار پس بگو یَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ

ای انکه نیست خدائی مگر تو

اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عَلَيْكَ عَظِيمٌ بِلَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ بِبَهَاءِ

میخواهم ترا بحق انکه حق او برتو بزرگست بحق لا اله الا انت میخواهم ترا بحق بهاء

لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ بِجَلَالِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ يَا لَا اِلٰهَ

لا اله الا انت ای انکه نیست خدائی مگر تو میخواهم ترا ببزرگی لا اله الا انت ای انکه نیست خدائی

اِلَّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ بِجَمَالِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ

مگر تو میخواهم ترا بپاکیزگی لا اله الا انت ای انکه نیست خدائی مگر تو میخواهم ترا

بِنُورِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ بِكَمَالِ لَا اِلٰهَ اِلَّا

بروشنی لا اله الا انت ای انکه نیست خدائی مگر تو میخواهم ترا بکمال لا اله الا انت

اَنْتَ يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ بِعِزَّةِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا

ای انکه نیست خدائی مگر تو میخواهم ترا بعزت لا اله الا انت ای انکه نیست خدائی مگر

اَنْتَ اَسْئَلُكَ بِعَظَمَةِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ

تو میخواهم ترا ببزرگی لا اله الا انت ای انکه نیست خدائی مگر تو میخواهم ترا

بِقَوْلِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ بِشَرَفِ لَا اِلٰهَ

بگفتن لا اله الا انت ای انکه نیست خدائی مگر تو میخواهم ترا بشرف لا اله الا انت

اِلَّا اَنْتَ يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ بِعَلَاءِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ يَا لَا

ای انکه نیست خدائی مگر تو میخواهم ترا ببلندی لا اله الا انت ای انکه نیست

اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْئَلُكَ بِلَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ

خدائی مگر تو میخواهم ترا بحق لا اله الا انت ای انکه نیست خدائی مگر تو ای پروردگار ای پروردگار

يَا رَبَّاهُ انقدر بگوید که نفس وفا کند پس بگوید برهمان حالتیکه بود گردن کج کرده بسوی دوش چپ اَسْئَلُكَ يَا سَيِّدِي

ای پروردگارا میخواهم ترا ای اقای من

پس يَا اَللّٰهُ يَا رَبَّاهُ انقدر که نفس وفا کند پس بگوید يَا سَيِّدَاهُ يَا مَوْلَاهُ يَا غِيَاثَاهُ

بگوید ایخدا ای پروردگار ای اقا ای مولا ای فریادرس

يَا مَلْجَاهُ يَا مُنْتَهىٰ غَايَةِ رَغْبَتَاهُ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَسْئَلُكَ بِكَ

ای پناه مظلومین ای نهایت خواهش خواهشمندان ای رحم کننده ترین رحم کنندگان میخواهم ترا بحق تو

فَلَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ وَاَسْئَلُكَ بِكُلِّ دَعْوَةٍ مُسْتَجَابَةٍ دَعَاكَ بِهَا

پس نیست مثل تو چیزی و میخواهم ترا بهر دعای مستجابه که خواند ترا بان

نَبِيٌّ مُرْسَلٌ اَوْ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ اَوْ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ امْتَحَنْتَ قَلْبَهُ لِلْاِيمَانِ

پیغمبر مرسلی یا فرشته مقربی یا بنده مؤمنی که ازموده دل اورا برای ایمان

وَاسْتَجَبْتَ دَعْوَتَهُ مِنْهُ وَاَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ

واجابت کرده خواندن اورا از او وروميآورم بسوی تو بحق محمد پیغمبر تو پیغمبر رحمت

وَاُقَدِّمُهُ بَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللّٰهِ بِاَبِي اَنْتَ وَاُمِّي

وپیش میدارم اورا میان دودست حاجتهای خود ایمحمد ایفرستاده خدا پدر ومادرم بفدای تو

اَتَوَجَّهُ بِكَ اِلَى اللّٰهِ رَبِّكَ وَرَبِّي وَاُقَدِّمُكَ بَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي يَا رَبَّاهُ

رومیاورم بواسطه تو بسوی خدا پروردگار تو وپروردگار من وپیش میدارم ترا میان دودست حاجتهای خود ای پروردگار

يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ اَسْئَلُكَ بِكَ فَلَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ وَاَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ

ای پروردگار ای پروردگار میخواهم ترا بحق تو پس نیست مانند تو چیزی وروميآورم بسوی تو

بِمُحَمَّدٍ حَبِيبِكَ وَبِعِتْرَتِهِ الْهَادِيَةِ وَاُقَدِّمُهُمْ بَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي

بمحمد دوست داشته تو وعترت او که راهنمایانند وپیش میدارم ایشانرا میان دودست حاجتهای خود

وَاَسْئَلُكَ اللّٰهُمَّ بِحَيَاتِكَ الَّتِي لَا تَمُوتُ وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي لَا

ومیخواهم ترا خدایا بزندگی تو که نمیمیری وبروشنی روی تو که خاموش نشود

يُطْفَأُ وَبِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عَلَيْكَ عَظِيمٌ

وبچشم تو که نمیخوابد ومیخواهم ترا بحق کسیکه حق او برتو بزرگست

اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَبَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ وَعَدَدَ كُلِّ

انکه رحمت فرستی بر محمد وال محمد پیش از هرچیزی وبعد از هرچیزی وبعدد هر

شیء وزنة کل شیء وملاء کل شیء اللهم انی اسئلک ان تصلی
چیزی و بوزن هر چیزی و پری هر چیزی خدایا بدرستیکه من میخواهم ترا اینکه رحمت فرستی

علی محمد عبدک المصطفی ورسولک المرتضی وامینک المصطفی
بر محمد بنده تو که برگزیده است و فرستاده تو که خشنود شده است و امین تو که برگزیده است

ونجیبک دون خلقک وحبیبک وخیرتک من خلقک اجمعین النذیر
و نجیب تو پیش سایر خلق تو و دوست داشته تو و اختیار شده تو از خلق تو همه انها ترساننده

البشیر السراج المنیر وعلی اهل بیته الطیبین الطاهرین المطهرین
بشارت دهنده چراغ نور دهنده و بر اهل بیت او که خوشبویان و پاکان و پاکیزگان

الاخیار الابرار وعلی ملائکتک الذین استخلصتهم لنفسک و
برگزیدگان نیکانند و بر فرشتگان تو که خالص گردانیده ایشانرا برای خود و

حجبتهم عن خلقک وعلی انبیائک الذین ینبئون بالصدق عنک
پوشانیده ایشانرا از خلق خود و بر پیغمبران تو که خبر میدهند براستی از تو

وعلی عبادک الصالحین الذین ادخلتهم فی رحمتک الائمة المهتدین
و بر بندگان تو که شایسته اند که درآورده ایشانرا در رحمت خود پیشوایان راه یافتگان

الراشدین المطهرین وعلی جبرئیل ومیکائیل واسرافیل وملک الموت
با رشد پاک کرده شدگان و بر جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و فرشته مرگ

ورضوان خازن الجنة ومالک خازن النار والروح القدس وحملة
و رضوان خزینه دار بهشت و مالک خزینه دار آتش و روان بخش و بردارندگان

العرش ومنکر ونکیر وعلی الملکین الحافظین علی بالصلوة التی تحب
عرش و منکر و نکیر و بر دو فرشته حفظ کنندگان بر من برحمتیکه دوست میداری

ان تصلی بها علیهم صلوة کثیرة طیبة مبارکة نامیة زاکیة
اینکه رحمت فرستاده شود بان برایشان رحمت بسیار پاکیزه بابرکت روینده خالص

طاهرة شریفة فاضلة تبین بها فضلهم علی الاولین والاخرین
پاک باشرافت بافضیلت که ظاهر کنی بان فضل ایشانرا بر پیشینیان و پسینیان

اللهم انی اسئلک ان تسمع صوتی وتجیب دعوتی وتغفر ذنوبی
خدایا بدرستیکه من میخواهم ترا اینکه بشنوی صدای مرا و اجابت کنی دعای مرا و بیامرزی گناهان مرا

وتنجح طلبتی وتقضی حاجتی وتقبل قصتی وتنجز لی ما وعدتنی و
و روا کنی مطلب مرا و برآوری حاجت مرا و بپذیری قصه مرا و حاضر کنی برای من آنچه را که وعده دادی مرا

تقیلنی عثرتی وتتجاوز عن خطیئتی وتصفح عن ظلمی وتعفو عن جرمی و
و درگذری لغزش مرا و درگذری از خطاهای من و درگذری از ستم من و درگذری از گناه من و

تقبل علی ولا تعرض عنی وترحمنی ولا تعذبنی وتعافینی ولا تبتلینی و
رو کنی بر من و رو نگردانی از من و رحم کنی مرا و عذاب نکنی مرا و عافیت دهی مرا و مبتلا نکنی مرا و

ترزقنی من اطیب الرزق واوسعه واهنئه وامرئه واسبغه و
روزی دهی مرا از پاکیزه ترین روزی و فراخ ترین آن و گوارا ترین آن و سبکتران و رساتران و

اکثره ولا تحرمنی یا رب النظر الی وجهک الکریم والفوز بالجنة
بیشتران و محروم نگردانی مرا ای پروردگار از نظر کردن بسوی وجه کریم تو و رستگار شدن ببهشت

والعتق من النار واقض عنی یا رب دینی وامانتی وضع عنی وزری
و آزاد شدن از آتش و ادا کن از من ای پروردگار قرض مرا و امانت مرا و بردار از من بار گناه مرا

ولا تحملنی ما لا طاقة لی به یا مولای وادخلنی فی کل خیر ادخلت فیه
و بار مکن بر من آنچه را که نیست توانائی برای من بان ای آقای من و درآور مرا در هر نیکی که درآورده در آن

محمدا وآل محمد واخرجنی من کل سوء اخرجتهم منه ولا تفرق
محمد و آل محمد را و بیرون کن مرا از هر بدی که بیرون کردی ایشانرا از آن و جدا مکن

بینی وبینهم طرفة عین ابدا فی الدنیا والاخرة پس سه مرتبه بگوید اللهم انی
میان من و میان ایشان را بقدر برهم زدن چشمی هرگز در دنیا و آخرت خدایا بدرستیکه من

ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی پس بگوید اللهم انی اسئلک
میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس اجابت کن برای من چنانکه وعده دادی مرا خدایا بدرستیکه من میخواهم ترا

قلیلا من کثیر مع حاجة بی الیه عظیمة وغناک عنه قدیم وهو
اندکی از بسیار با وجود حاجت من بان که بزرگست و بی نیازی تو از آن که دیرینه است و آن

عندی کثیر وهو علیک سهل یسیر فامنن به علی انک علی کل شیء قدیر
نزد من بسیار است و آن بر تو آسان اندکست پس منت گذار بان بر من بدرستیکه تو بر هر چیزی توانائی

اللهم برحمتک فی الصالحین فادخلنا وفی علیین فارفعنا وبکاس
خدایا برحمت خود در شایستگان پس درآور ما را و در علیین پس بلند کن ما را و بجام

مِنْ مَعِينٍ مِنْ عَيْنٍ سَلْسَبِيلٍ فَاسْقِنَا وَمِنَ الْحُورِ الْعِينِ بِرَحْمَتِكَ فَزَوِّجْنَا

از آب صافی از چشمه سلسبیل پس سیراب کن ما را واز حور العین برحمت خود پس تزویج کن ما را

وَمِنْ وِلْدَانٍ مُخَلَّدِينَ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ فَاخْدِمْنَا وَمِنْ ثِمَارِ

واز پسرانیکه همیشه جاویدند که گویا ایشان مروارید نگاه داشته اند پس خادم گردان ما را واز میوهای

الْجَنَّةِ وَلُحُومِ الطَّيْرِ فَاَطْعِمْنَا وَمِنْ ثِيَابِ السُّنْدُسِ وَالْحَرِيرِ وَالْاِسْتَبْرَقِ

بهشت وگوشتهای مرغ پس طعام ده ما را واز جامها نازک وابریشم واستبرق

فَاَلْبِسْنَا وَلَيْلَةَ الْقَدْرِ وَحَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَقَتْلاً فِي سَبِيلِكَ مَعَ

پس بپوشان ما را وشب قدر وحج خانه تو که باحرمت است وکشته شدن در راه تو با

وَلِيِّكَ فَوَفِّقْ لَنَا وَصَالِحَ الدُّعَاءِ وَالْمَسْئَلَةِ فَاسْتَجِبْ لَنَا يَا خَالِقَنَا

دوست تو پس توفیق ده برای ما وشایسته دعا وخواهش ما را پس اجابت کن برای ما ای آفریننده ما

اِسْمَعْ وَاسْتَجِبْ لَنَا وَاِذَا جَمَعْتَ الْاَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فَارْحَمْنَا

بشنو واجابت کن ما را ودر زمانیکه فراهم آوردی اولین وآخرین را روز قیامت پس رحم کن ما را

وَبَرَائَةً مِنَ النَّارِ وَاَمَاناً مِنَ الْعَذَابِ فَاكْتُبْ لَنَا وَفِي جَهَنَّمَ فَلَا

وبیزاری از آتش وایمنی از عذاب را پس بنویس برای ما ودر جهنم پس قرار

تَجْعَلْنَا وَمَعَ الشَّيَاطِينِ فِي النَّارِ فَلَا تَقْرِنَّا وَفِي هَوَانِكَ وَعَذَابِكَ

مده ما را وبا دیوان در آتش پس جای مده ما را ودر خواری تو وعذاب تو

فَلَا تُقَلِّبْنَا وَمِنَ الزَّقُّومِ وَالضَّرِيعِ فَلَا تُطْعِمْنَا وَفِي النَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِنَا

پس مگردان ما را واز زقوم وضریع پس طعام مده ما را ودر آتش برو رویهای ما

فَلَا تَكُبَّنَا وَمِنْ ثِيَابِ النَّارِ وَسَرَابِيلِ الْقَطِرَانِ فَلَا تُلْبِسْنَا وَمِنْ كُلِّ

پس میانداز ما را واز جامهای آتش وازارهای قطران پس مپوشان ما را واز هر

سُوءٍ يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ بِحَقِّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ فَنَجِّنَا اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ

بدی ای آنکه نیست خدائی مگر تو بحق نیست خدائی مگر تو پس نجات ده ما را خدایا بدرستیکه میخواهم تو را

وَلَمْ يُسْئَلْ مِثْلُكَ وَاَرْغَبُ اِلَيْكَ وَلَمْ يُرْغَبْ اِلَىٰ مِثْلِكَ يَا رَبِّ اَنْتَ

وسؤال کرده نشده مانند تو ورغبت میکنم بسوی تو ورغبت کرده نشده بسوی مانند تو ای پروردگار تو

مَوْضِعُ مَسْئَلَةِ السَّائِلِينَ وَمُنْتَهىٰ رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ اَسْئَلُكَ اَللّٰهُمَّ

محل خواهش خواهندگان ونهایت میل میل کنندگانی میخواهم تو را ایخدا

بِاَفْضَلِ اَسْمَائِكَ كُلِّهَا وَاَنْجَحِهَا يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ وَبِاسْمِكَ الْمَخْزُونِ

ببرترین نامهای تو همه آنها وروا کننده ترین آنها ایخدا ابخشنده وبنام تو که پنهان نگاه داشته شده

الْمَصُونِ الْاَعَزِّ الْاَجَلِّ الْاَكْرَمِ الْاَعْظَمِ الَّذِي تُحِبُّهُ وَتَهْوَاهُ وَتَرْضىٰ

وارجمند تر بزرگتر گرامی تر عظیم تر است آنکه دوست میداری او را ومیخواهی او را وخشنودی

عَمَّنْ دَعَاكَ بِهِ وَتَسْتَجِيبُ لَهُ دُعَائَهُ وَحَقٌّ عَلَيْكَ يَا رَبِّ اَنْ لَا تَحْرِمَ

از آنکه خواند تو را بآن واجابت کردی مر او را دعای او را وسزاوار است بر تو ای پروردگار که ناامید نکنی

سَائِلَكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ فِي بَرٍّ اَوْ بَحْرٍ اَوْ سَهْلٍ

خواهنده ات را خدایا بدرستیکه من میخواهم تو را بهر نامیکه آن برای تو است در بیابان یا دریا یا هموار

اَوْ جَبَلٍ اَوْ عِنْدَ بَيْتِكَ الْحَرَامِ اَوْ فِي شَيْءٍ مِنْ سُبُلِكَ فَاَدْعُوكَ يَا رَبِّ

یا کوه یا نزد خانه محترم تو یا در چیزی از راه های تو پس میخوانم تو را ای پروردگار

دُعَاءَ مَنْ قَدِ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ وَعَظُمَ جُرْمُهُ وَضَعُفَ كَدْحُهُ وَاَشْرَفَ

خواندن کسیکه شدید شده است پریشانی او وبزرگ شده است گناه او وناتوان شده است سعی او ومشرف

عَلَى الْهَلَكَةِ نَفْسُهُ وَلَمْ يَثِقْ بِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِهِ وَلَمْ يَجِدْ لِمَا هُوَ فِيهِ سَادّاً

بر هلاکت جان او واعتماد نیست بچیزی از کار او ونیافته است بر هلاکت خود بند کننده

وَلَا لِذَنْبِهِ غَافِراً وَلَا لِعَثْرَتِهِ مُقِيلاً غَيْرَكَ هَارِباً اِلَيْكَ مُتَعَوِّذاً بِكَ

ونه برای گناهش آمرزنده ونه برای لغزشش رد کننده جز تو فرار کننده است بسوی تو پناه برنده است بتو

مُتَعَبِّداً لَكَ غَيْرَ مُسْتَنْكِفٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ وَلَا مُسْتَحْسِرٍ وَلَا مُتَجَبِّرٍ وَلَا مُتَعَظِّمٍ

عبادتکننده برای تو نه ننگ دارنده ونه تکبر کننده ونه حسرت کشنده ونه بزرگی کننده ونه شان فروشنده

بَلْ بَائِسٌ فَقِيرٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ اَسْئَلُكَ يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ

بلکه ترسان بیچاره ترسناک زنهار جوینده میخواهم تو را ایخدا ابخشنده امهربان ای انعام کننده

يَا بَدِيعَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ اَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ

ای پدید آرنده آسمانها وزمین ایصاحب جلال وبزرگواری اینکه رحمت فرستی بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلٰوةً كَثِيرَةً طَيِّبَةً مُبَارَكَةً نَامِيَةً زَاكِيَةً شَرِيفَةً اَسْئَلُكَ

وآل محمد رحمت بسیار پاکیزه بابرکت نمو کننده پاک باشرافت میخواهم تو را

اَللّٰهُمَّ اَنْ تَغْفِرَ لِي فِي شَهْرِي هٰذَا وَتَرْحَمَنِي وَتُعْتِقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ

خدایا اینکه بیامرزی مرا در اینماه ورحم کنی مرا وآزاد کنی گردن مرا از آتش

وَتُعْطِيَنِي فِيهِ خَيْرَ مَا اَعْطَيْتَ اَحَداً مِنْ خَلْقِكَ وَخَيْرَ مَا اَنْتَ مُعْطِيهِ

و عطاكنى مرا دران بهتر انچه عطاكردى يكى از خلق خودرا و بهتر انچه تو عطاكننده انرا

وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ شَهْرِ رَمَضَانَ صُمْتُهُ لَكَ مُنْذُ اَسْكَنْتَنِي اَرْضَكَ

و نگردان اورا اخر ماه رمضا نيكه روزه گرفته ام انرا براى تو زمانيكه ساكن گردانيدى مرا درزمين خود

اِلَى يَوْمِي هٰذَا بَلِ اجْعَلْهُ عَلَيَّ اَتَمَّهُ نِعْمَةً وَاَعَمَّهُ عَافِيَةً وَاَوْسَعَهُ

تا امروز بلكه قرارده انرا برمن تمامترماهها ازحيث نعمت وشاملترانها از عافيت وفراخ ترانها

رِزْقاً وَاَجْزَلَهُ وَاَهْنَاَهُ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ وَبِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَمُلْكِكَ

از روزى ووافرتران وگواراتران خدايا بدرستيكه من پناه ميبرم بتو وبروى توكه بزرگواراست وپادشاهى تو

الْعَظِيمِ اَنْ تَغْرُبَ الشَّمْسُ مِنْ يَوْمِي هٰذَا اَوْ يَنْقَضِيَ بَقِيَّةُ هٰذَا الْيَوْمِ اَوْ

كه بزرگست اينكه فرورود افتاب از امروز يا بگذرد باقى امروز يا

يَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هٰذِهِ اَوْ يَخْرُجَ هٰذَا الشَّهْرُ وَلَكَ قِبَلِي تَبِعَةٌ اَوْ ذَنْبٌ

درايد سفيد صبح از امشب يا بيرون رود ايماه وازبراى تو جانب من باشد مظلمه يا گناهى

اَوْ خَطِيئَةٌ تُرِيدُ اَنْ تُقَايِسَنِي بِهَا اَوْ تُؤَاخِذَنِي اَوْ تُوقِفَنِي بِهَا مَوْقِفَ خِزْيٍ

يا خطائى كه خواسته باشى بسنجى بان مرا يا بگيرى بان مرا يا نگاه دارى بان مرا جايگاه خوارى

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اَوْ تُعَذِّبَنِي يَوْمَ اَلْقَاكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي

در دنيا و اخرت يا عذاب كنى مرا روزيكه ملاقات كنم تورا اى رحم كننده تر رحم كنندگان خدايا بدرستيكه من

اَدْعُوكَ لِهَمٍّ لَا يُفَرِّجُهُ غَيْرُكَ وَلِرَحْمَةٍ لَا تُنَالُ اِلَّا بِكَ وَلِكَرْبٍ لَا

ميخوانم تورا بجهة همى كه گشايش ندهد انرا جز تو و براى رحمتيكه رسيده نشود بان مگر بتو وبجهة اندوهيكه

يَكْشِفُهُ اِلَّا اَنْتَ وَلِرَغْبَةٍ لَا تُبْلَغُ اِلَّا بِكَ وَلِحَاجَةٍ لَا تُقْضٰى دُونَكَ

برطرف نكند انرا مگر تو وبجهة رغبتيكه نتوان بان رسيد مگر بوسيله تو وبجهة حاجتى كه برنياورد انرا جز تو

اَللّٰهُمَّ فَكَمَا كَانَ مِنْ شَاْنِكَ الْاِسْتِجَابَةُ لِي فِيمَا دَعَوْتُكَ بِهِ وَالنَّجَاةُ

خدايا پس چنانكه بوده است شان تو اجابت كردن براى من درانچه خوانده ام تورا بان و نجاة دادن

لِي فِيمَا فَزِعْتُ اِلَيْكَ مِنْهُ يَا مُلَيِّنَ الْحَدِيدِ لِدَاوُدَ يَا كَاشِفَ الضُّرِّ وَ

براى من درانچه فزع كردم بسوى تو ازان اى نرم كننده اهن براى داود اى برطرف كننده اندوه

الْكُرَبِ الْعِظَامِ عَنْ اَيُّوبَ وَمُفَرِّجَ هَمِّ يَعْقُوبَ وَمُنَفِّسَ كَرْبِ يُوسُفَ

و بدحالتهاى بزرگ از ايوب وگشايش دهنده غم يعقوب و برطرف كننده دلگيرى يوسف

فليكن من شانك

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي مَا اَنْتَ اَهْلُهُ فَاِنَّكَ اَهْلُ التَّقْوٰى

رحمت فرست بر محمد و ال محمد وبكن با من انچه را كه تو سزاوار انى پس بدرستيكه تو سزاوار پرهيزكارى

وَاَهْلُ الْمَغْفِرَةِ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ ثِقَتِي فِي كُلِّ كَرْبٍ وَرَجَائِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ

و سزاوار امرزشى خدايا تو محل اعتماد منى در هر اندوهى واميد منى در هر سختى

وَاَنْتَ لِي فِي كُلِّ اَمْرٍ نَزَلَ بِي ثِقَةٌ وَعُدَّةٌ كَمْ مِنْ كَرْبٍ يَضْعُفُ مِنْهُ الْفُؤَادُ

و تو براى من در هر كاريكه وارد شود بمن محل وثوق وآماده چقدر از اندوهيكه ناتوان شود ازاو دل

وَتَقِلُّ فِيهِ الْحِيلَةُ وَيَخْذُلُ فِيهِ الصَّدِيقُ وَيَشْمَتُ فِيهِ الْعَدُوُّ اَنْزَلْتُهُ

وكم شود دران چاره و خوار گردد دران دوست واقعى و شماتت كند دران دشمن وفرود اوردم انرا

بِكَ وَشَكَوْتُهُ اِلَيْكَ رَغْبَةً مِنِّي فِيهِ اِلَيْكَ عَمَّنْ سِوَاكَ فَفَرَّجْتَهُ وَكَشَفْتَهُ

بتو وشكايت كردم انرا بسوى تو ازروى رغبت من دران بتو ازهر كه غير تست پس گشايش دادى انرا وبرطرف نمودى

وَكَفَيْتَهُ فَاَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ نِعْمَةٍ وَصَاحِبُ كُلِّ حَسَنَةٍ وَمُنْتَهٰى كُلِّ رَغْبَةٍ

وكفايت كردى انرا پس تو ولى هر نعمتى و صاحب هر نيكى و نهايت هر ميل ورغبتى

اَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللّٰهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ مِنْ شَيْءٍ اَللّٰهُمَّ عَافِنِي

پناه ميبرم بكلمات خدا كه تمامند از شر انچه افريده است از چيزى خدايا عافيت ده مرا

فِي يَوْمِي هٰذَا حَتّٰى اُمْسِيَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ بَرَكَةَ يَوْمِي هٰذَا وَمَا نَزَلَ

در امروز تا شام كنم خدايا بدرستيكه من ميخواهم تورا زيادتى امروزم را وانچه فرود ايد

فِيهِ مِنْ عَافِيَةٍ وَمَغْفِرَةٍ وَرَحْمَةٍ وَرِضْوَانٍ وَرِزْقٍ وَاسِعٍ حَلَالٍ تَبْسُطُهُ

دران از عافيت وامرزش ورحمت وخشنودى وروزى فراخ حلاليكه گشايش دهى انرا

عَلَيَّ وَعَلٰى وَالِدَيَّ وَوَلَدِي وَاَهْلِي وَعِيَالِي وَاَهْلِ حُزَانَتِي وَمَنْ اَحْبَبْتُ

برمن وبر پدر ومادرم و فرزندم واهل من وعيال من واهل اندوه من وكسرا كه دوست دارم

وَاَحَبَّنِي وَوَلَدْتُ وَوَلَدَنِي اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّكِّ وَالشِّرْكِ وَالْحَسَدِ

و دوست دارد مرا وزائيدم وزائيد مرا خدايا بدرستيكه پناه ميبرم بتو از شك و شرك وحسد

وَالْبَغْيِ وَالْحَمِيَّةِ وَالْغَضَبِ اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبَّ الْاَرَضِينَ

وگمراهى و غيرت و خشم خدايا پروردگار اسمانهاى هفت گانه وپروردگار زمينهاى

السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

هفتگانه وانچه درانهاست وانچه ميان انهاست وپروردگار عرش بزرگ رحمت فرست بر محمد و ال او

واکفنی اللهم من امری بما شئت وکیف شئت پس بخوان سوره حمد

وکفایت کن مهمّم را از کار من بانچه خواهی وهرطور میخواهی — وآیة الکرسی را وبگو

اللهم انک قلت لنبیک صلی الله علیه وآله ولسوف یعطیک

خدایا بدرستیکه تو گفتی مر پیغمبر خود را رحمت فرستد خدا براو وآل او وهرآینه زود باشد عطا کند ترا

ربک فترضی اللهم ان نبیک ورسولک وحبیبک وخیرتک

پروردگارت پس خشنود شوی خدایا بدرستیکه پیغمبر تو وفرستاده تو ودوست داشته تو وبرگزیده تو

من خلقک لا یرضی بان تعذب احداً من امته دانک بموالاته

از خلق تو خشنود نمیشود باینکه عذاب کنی یکی از امت او را که نزدیک میشود ترا بدوستی او

وموالاة الائمة من اهل بیته وان کان مذنباً خاطئاً فی نار

ودوستی پیشوایان از اهل بیت او واگر بوده باشد گناهکار خطاکار در آتش

جهنم فاجرنی یا رب من جهنم وعذابها وهبنی لمحمد وآل محمد یا

جهنم پس پناه ده مرا ای پروردگار از جهنم وعذاب آن وببخش مرا بمحمد وآل محمد ای

ارحم الراحمین یا جامعاً بین اهل الجنة علی تألف من القلوب و

رحم کننده ترین رحم کنندگان ای جمع کننده میان اهل بهشت بر دوستی از دلها و

شدة المحبة ونازع الغل من صدورهم وجاعلهم اخواناً علی

زیادتی دوستی وای کننده کینه از سینه هاشان وگرداننده ایشان را برادرها بر

سرر متقابلین یا جامعاً بین اهل طاعته وبین من خلقها له و

تختها روبروی همدیگر ای جمع کننده میان اهل طاعت ومیان کسانیکه افرید ایشان را برای او

یا مفرج حزن کل محزون ویا منهل کل غریب ویا راحمی فی غربتی

ای گشایش دهنده حزن هر محزونی وای سیراب کننده هر دور افتاده وای رحم کننده من در غربتی من

وفی کل احوالی بحسن الحفظ والکلاءة یا مفرج ما بی من الضیق و

ودر همه حالات من بنیکوئی حفظ ونگهبانی ای گشایش دهنده انچه بمن است از تنگی و

الخوف صل علی محمد وآل محمد واجمع بینی وبین احبتی وفادتی

ترس رحمت فرست بر محمد وآل محمد وجمع کن میان من ومیان دوستان من وپیشروان من

وسادتی وهداتی وموالیّ یا مؤلفاً بین الاحباء صل علی محمد

وآقایان من وراهنمایان من ووالیان من ای دوستی اندازنده میان دوستان رحمت فرست بر محمد

وآل محمد ولا تفجعنی بانقطاع رؤیة محمد وآل محمد عنی ولا بانقطاع

وآل محمد وبمصیبت مینداز مرا بسبب منقطع شدن از دیدن محمد وآل محمد از من ونه بمنقطع شدن

رؤیتی عنهم فبکل مسائلک یا رب ادعوک الهی فاستجب دعائی یا

دیدن من از ایشان پس بهمه مسائل تو ای پروردگار میخوانم ترا خدایم پس اجابت کن دعا مرا ای

ارحم الراحمین اللهم انی اسئلک بانقطاع حجتی ووجوب حجتک ان تغفر

رحم کننده ترین رحم کنندگان خدایا بدرستیکه من میخواهم ترا بمنقطع شدن برهان من وواجب شدن برهان تو اینکه بیامرزی

لی اللهم انی اعوذ بک من خزی یوم المحشر ومن شر ما بقی من الدهر

مرا خدایا بدرستیکه من پناه میبرم بتو از خواری روز حشر واز شر انچه مانده از روزگار

ومن شر الاعداء وصغر الفناء وعضال الداء وخیبة الرجاء وزوال النعمة

واز شر دشمنان وکوچکی هستی وبیدرمان بودن درد ونا امید شدن ونابود شدن نعمت

وفجاءة النقمة اللهم اجعل لی قلباً یخشاک کانه یراک الی یوم یلقاک

وناگاه آمدن عذاب خدایا قرار ده برای من دلی که بترسد از تو که گویا میبیند ترا تا روزیکه ملاقات کند ترا

ودور نیست که در اوقات دیگر هرگاه شدتی رو دهد یا حاجت ضروری بهم رسد این دعا را تواند خواند

فصل ششم

در اعمال مختصه شبها وروزهای مخصوص اینماه مبارکست ودر روایتی وارد شده است که انجیل بر حضرت عیسی علیه السلام در سیّم اینماه نازل شد ودر روایت دیگر در ششم وبروایت معتبر دیگر در دوازدهم وشیخ مفید علیه الرحمة نقلکرده است که در روز ششم اینماه مأمون خاین ملعون با حضرت امام رضا علیه السلام بیعت کرد وروایت شده که هر که در این روز دو رکعت نماز بکند ودر هر رکعت بعد از حمد بیست وپنج مرتبه قل هو الله احد بخواند شکر نعمت ظاهر شد از حق آنحضرت را ادا کرده خواهد بود وبروایت معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در شب سیزدهم دو رکعت نماز بگذارند ودر هر رکعت بعد از حمد سوره یس وتبارک الذی بیده الملک وقل هو الله احد ودر شب چهاردهم چهار رکعت بدو سلام باین صفت ودر شب پانزدهم شش رکعت بسه سلام بهمین کیفیت وشب پانزدهم از لیالی متبرکه است وغسل وزیارت حضرت امام حسین علیه السلام مستحب است در آن چنانچه مذکور شد ودر حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حضرت رسول

صلی الله علیه و آله فرمود که هر که در شب نیمهٔ ماه رمضان صد رکعت نماز بکند
یعنی هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ قل هو الله احد
بخواند حق تعالی ده ملک فرو فرستد بسوی او که دفع کنند از او شر دشمنان او را از جنیان
و آدمیان و در هنگام مرگ او سی ملک بفرستند که او را بشارت دهند به بهشت و ملکی
که او را ایمن گردانند از جهنم و ایضاً از آنحضرت منقولست که هر که در شب نصف ماه
رمضان زیارت حضرت امام حسین علیه السلام بکند و بعد از نماز عشا ده رکعت نماز
نزد قبر آنحضرت بکند و در هر رکعت سورهٔ حمد و ده مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخواند
نمیرد تا در خواب ببیند ملکی چند را که او را بشارت دهند به بهشت و ملکی چند را
تا ایمن گردانند او را از جهنم و شب هفدهم نیز شب بسیار مبارکست و در آن شب لشکر
حضرت رسول صلعم با لشکر کفار قریش ملاقات کردند در بدر و در روزش جنگ شد و حق
تعالی لشکر آنحضرت را بر کافران ظفر داد و آن اعظم فتوحات اسلام بود و غسل و
عبادت در آن شب فضیلت عظیم دارد و شب نوزدهم اول شبهای قدر است و حق تعالی
میفرماید انا انزلناه فی لیلة القدر یعنی ما فرستادیم قرآن را در شب قدر یعنی
شبی که نزد حق تعالی قدر و منزلت عظیم دارد یا تقدیر امور سال در این شب میشود یا
تنگ میشود از بسیاری نزول ملائکه وما ادریک ما لیلة القدر و چه چیز تو را
اعلام کرده است که چه چیز است شب قدر لیلة القدر خیر من الف شهر شب قدر بهتر
است از هزار ماه یعنی عبادت در آن بهتر است از عبادت در هزار ماه تنزل الملائکة
والروح فیها فرود میآیند ملائکه و روح که از همه ملائکه اعظم است در این شب باذن ربهم
برخصت پروردگار ایشان من کل امر بسبب تقدیر هر امری احادیث بسیار وارد
شده است که ملائکه و روح در این شب بر امام زمان نازل میشوند و آنچه از برای هر
کس در این شب مقدر شده بر امام زمان علیه السلام عرض میکنند سلام هی حتی مطلع الفجر
یعنی سلامتی است این شب از جمیع بدیها تا طلوع صبح و میان سنی و شیعه در شب قدر خلاف
بسیار است بعضی از سنیان گفته اند که شب قدر در زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله
بود و بعد از آن برطرف شد و اکثر ایشان گفته اند تا روز قیامت باقیست پس بعضی گفته اند
که در تمام سال پنهانست و در همهٔ سال شبها عبادت باید کرد تا فضیلت شب قدر
را دریابند و بعضی گفته اند در ماه شعبان و ماه رمضان پنهانست و بعضی گفته اند

شب نیمهٔ شعبان است و بعضی گفته اند شب اول ماه رمضان است و بعضی گفته اند شب
نیمهٔ رمضان است و بعضی شب هفدهم و بعضی شب بیست و یکم و بعضی شب بیست و سیم و
بعضی شب بیست و نهم و بعضی شب آخر را گفته اند و اکثر سنیان در این زمان اتفاق کرده اند بر
شب بیست و هفتم و علمای شیعهٔ امامیه اجماع کرده اند بر آنکه از شب نوزدهم
و بیست و یکم و بیست و سیم بیرون نیست و بعضی مردد میان شب بیست و یکم و بیست و سیم میدانند
و بسیاری از احادیث معتبره دلالت میکند بر اینکه از این سه شب بیرون نیست و این سه شب
یعنی نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم را احیا باید کرد تا فضیلت شب قدر را دریابند
و در بعضی احادیث معتبره تعیین بیست و یکم و بیست و سیم شده و در بعضی تعیین خصوص بیست و
سیم واقع شده است و منقولست که آن شب جهنی است و آن اعرابی بود بحضرت رسول
صلی الله علیه و آله عرض کرد که منزل من دور است از مدینه میخواهم شبی از برای
من تعیین کنی که بهترین شبها باشد که در آن شب بخدمت تو برسم حضرت شب بیست و سیم را
از برای او تعیین فرمود و او پیوسته در آن شب با خیل و اهل و خدم و حشم خود داخل
مدینه میشد و چون صبح میشد بر میگشت و از بعضی احادیث ظاهر میشود که هر سه
شب قدر است و در شب اول تقدیر امور میشود و در شب دویم بکثرت دعا و عبادات
ممکن است بعضی تغییر یابد و در شب بیست و سیم حتم میشود و تغییر نمییابد یا بسیار کم تغییر
مییابد بلا تشبیه مانند ارقام پادشاهان که اول تعلیقه میشود و تغییرش آسانست بعد
از آن ثبت دفاتر میشود و تغییرش دشوارتر است اما تا بمهر مهر آثار مزین نگردیده باز ممکن
است تغییر یابد و چون بمهر اشرف رسید بمنزلهٔ حتم است و تغییرش در غایت صعوبت است
و حق تعالی را حکمتها در ابهام بعضی از امور هست مانند اسم اعظم الهی که بر اکثر مردم مشتبه است و
نماز وسطی که بهترین نمازهاست و ساعت استجابت دعا در هر شب و روز جمعه و عمل مقبول
در میان اعمال و امثال اینها و یک حکمت در مبهم ساختن اینها آنست که بر همهٔ اسماء مقدسهٔ
الهی مواظبت نمایند و اهتمام در همهٔ نمازها بکنند و در همهٔ ساعات شب و روز جمعه دعا
بکنند و سعی در همهٔ اعمال خیر بکنند شاید یکی مقبول گردد و همچنین در شب قدر شبهایی
که احتمال آن دارد همه را احیا کنند و حکمت دیگر در بعض از اینها میتواند بود مثل آنکه اگر
اسم اعظم را همه کس بدانند گاه باشد بعضی از نفوس شریره آن را وسیلهٔ حصول مطالب
دنیه کنند چنانچه از [illegible] کرده اند و همچنین شب قدر و ساعت استجابت اگر

بخصوص آنها را بدانند ممکن است که امور غیر مشروعه با ضررهای عظیم نسبت ببعضی از مسلمانان اسند عا کنند و اگر بخصوص دانند البته باید مستجاب گردد دیگر آنکه مغرور باعمال خود نگردند و حکمتهای دیگر بسیار است که این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد پس باید که مؤمن این سه شب را احیا کند و اهتمام در عبادت و دعا بکند تا فضیلت شب قدر را دریابد و در دو شب آخر اهتمام بیشتر بکنند و در شب بیست و سیم که احادیث معتبرهٔ بسیار در تخصیص آن وارد شده است که شب قدر است سعی بیشتر بکنند و فوائد عبادت شب قدر بسیار است از جمله آنکه چون عبادت شب قدر را دریابد بنص قرآن زیاده از ثواب عبادت هزار ماه که زیاده از هشتاد سال است از برای او مقرر میفرماید دیگر آنکه چون تقدیر امور جمیعاً از عمر و مال و فرزند و عزت و صحت و توفیق اعمال خیر و سایر امور در این شب میشود اصلاح احوال تمام سال خود را در این شب کرده خواهد بود و ممکن است که نام او در دیوان اشقیا نوشته باشد و در این شب تغییر یابد و از زمرهٔ سعادتمندان نوشته شود چنانچه این مضمون در اکثر دعاها و احادیث معتبره وارد شده است دیگر آنکه چون امام او حضرت صاحب الامر علیه السلام در تمام این شب با ملائکه مقربین محشور است و فوج فوج بخدمت آنحضرت میآیند و بر او سلام میکنند و تقدیراتی که از برای او و سایر خلق شده است بر او عرض میکنند سزاوار نیست که در چنین شبی تأسی بامام خود نکند و بغفلت بسر آورد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که چون شب قدر میشود فرود میآیند ملائکه که در سدرة المنتهی ساکنند و از جملهٔ ایشان جبرئیل علیه السلام است و جبرئیل با خود علمها میآورد و یک علم را بر فراز قبر من نصب میکنند و یکی را بر بیت المقدس و یکی را در مسجد الحرام و یکی را در طور سینا و نمیگذارند مرد مؤمن و زن مؤمنه را مگر آنکه بر او سلام میکنند و ایضاً از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که بهشت را هر سال برای داخل شدن ماه مبارک رمضان زینت میکنند چون شب اول ماه میشود نسیمی از زیر عرش میوزد که آنرا مثیره میگویند و بصدا میآورد درختان و حلقهای درهای بهشت را پس نغمه از آن میشنوند که هرگز شنوندگان از آن خوشایندتر نغمه نشنیده اند پس حوریان از غرفهای بهشت بیرون میآیند و ندا میکنند که آیا کسی هست که ما را خواستگاری کند از خدا باعمال صالحهٔ خود پس از رضوان خازن

بهشت میپرسند که این چه شبی است رضوان میگوید لبیک ای نیکو رویان نیکو کار از این شب اول ماه رمضان است درهای بهشت گشوده شده است برای روزه داران امت محمد صلی الله علیه و آله پس حقتعالی میفرماید که ای رضوان بگشا درهای بهشت را ای مالک ببند درهای جهنم را از روزه داران امت محمد صلی الله علیه و آله ای جبرئیل برو بسوی زمین و در زنجیر کن شیاطین متمرد را و غلها در گردن ایشان گذار و ایشان را در لجههای دریا بینداز تا فاسد نگردانند بر امت حبیب من محمد صلی الله علیه و آله روزههای ایشان را و حضرت فرمود که حقتعالی در هر شب از شبهای ماه رمضان سه مرتبه ندا میفرماید که آیا سؤال کننده هست که سؤال او را عطا کنم آیا توبه کننده هست که توبهٔ او را قبول کنم آیا استغفار کننده هست که گناهانش را بیامرزم کیست که قرض دهد بخداوند مالداری که هرگز پریشان نمیشود و وفا کننده است بوعدهای خود و ستم نمیکند و فرمود که در آخر هر روز از روزهای ماه رمضان در وقت افطار حقتعالی هزار هزار کس را از آتش جهنم آزاد میکند و چون شب جمعه و روز جمعه میشود حقتعالی در هر ساعتی هزار هزار کس را از آتش جهنم آزاد میکند که هر یک مستوجب عذاب شده باشند و در شب آخر و روز آخر ماه بعدد آنچه در تمام ماه آزاد کرده است آزاد میکند و چون شب قدر میشود حقتعالی امر میکند جبرئیل را که بزمین میآید با لشکر عظیمی از ملائکه و با خود علم سبزی میآورد و بر بالای کعبهٔ معظمه نصب میکند و او ششصد بال دارد و دو بال او را نمیگشاید مگر در شب قدر و چون در شب قدر آید و بال را میگشاید از مشرق و مغرب میگذرد و پهن میکند جبرئیل ملائکه را در این شب در اطراف زمین پس سلام میکنند بر هر ایستاده و نشسته که بنماز و ذکر خدا مشغول باشند و با ایشان مصافحه میکنند و چون ایشان دعا میکنند ملائکه آمین میگویند و پیوسته مشغول این کارند تا طلوع صبح پس چون صبح طالع میشود ندا میکند جبرئیل که ای گروه ملائکه روانه شوید بجانب آسمان پس ملائکه گویند ای جبرئیل خدا چه کرد در حوائج مؤمنان از امت محمد صلی الله علیه و آله جبرئیل میگوید خدا گناهان همه را آمرزید مگر کسیکه همیشه شراب خورده باشد یا عاق پدر و مادر باشد یا قطع رحم کند یا با مؤمنان عداوت کند و چون شب عید فطر میشود و آنرا شب جوایز میگویند خدا مزد میدهد عمل کنندگان ماه رمضان را بیحساب و چون بامداد روز عید میشود حقتعالی ملائکه بسیار در جمیع شهرها می

فرستند که بر زمین میآیند و بر سر کوچها و راهها میایستند و میگویند ای امت محمد
بیرون روید بسوی درگاه پروردگار کریمی که عطاهای بزرگ می بخشد و گناهان عظیم را
میآمرزد پس چون بمصلی میروند برای نماز عید حقتعالی بملائکه میگوید ای ملائکه من
چیست جزای مزدور هرگاه عمل خود را تمام کند ملائکه گویند خداوندا و آقای ما
جزای او آنست که مزدش تمام داده شود حقتعالی میفرماید ای ملائکه من شما را گواه میگیرم
که ثواب ایشان را از روزه روزهای ماه رمضان و عبادت شبهای آن عطا کردم که از ایشان
راضی شدم و گناهان ایشان را آمرزیدم پس ندا میفرماید مؤمنان را که در آن مجمع حاضر
شده اند که ای بندگان من هرچه خواهید از من سؤال کنید بعزت و جلال خود
سوگند یاد میکنم که در این مجمع شما هر حاجت که برای آخرت و دنیای خود سؤال کنید البته
عطا میکنم و عیبهای شما را میپوشانم تا از من روگردان نشوید و مزدهای شما را مضاعف
میکنم و شما را در میان گناهکاران رسوا نمیکنم برگردید با آمرزش بسوی خانهای خود بدرستیکه
خوشنود گردانیدید مرا و خشنود شدم از شما پس ملائکه مسرور و شاد میشوند و یکدیگر
را مبارکباد میگویند بآنچه حقتعالی بامت محمد صلی الله علیه و آله عطا کرده و در حدیث
معتبر دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هرکه احیا کند شب قدر را گناهان
او آمرزیده شود هرچند بعدد ستارههای آسمان و سنگینی کوهها و کیل دریاها باشد
واما اعمال این شب بر دو نوع است اول آنکه در هر سه شب باید کرد دوم آنکه مخصوص
بهر شبی است اما اول از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هرکه در شب قدر دو رکعت
نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه قل هو الله احد بخواند و بعد از فارغ شدن
هفتاد مرتبه **استغفر الله و اتوب الیه** بگوید از جای خود برنخیزد تا حقتعالی او را و
طلب آمرزش میکنم خدا را و بازگشت میکنم بسوی او
مرتبه پدر و مادرش را بیامرزد و ملکی چند
بفرستند که حسنات برای او بنویسند تا سال آینده و ملکی بفرستند بسوی بهشت که درختها
برای او غرس کنند و قصرها برای او بنا کنند و نهرها برای او جاری گردانند و از دنیا بیرون
نرود تا همه را مشاهده نماید و غسل در این سه شب سنت مؤکد است و غسل این شبها
مقارن غروب آفتاب کردن بهتر است که نماز شام را با غسل بکند و مستحب است که در این
شبها قرآن مجید را بدست بگیرد **اللهم انی اسئلک بکتابک المنزل و**
بگشاید و این دعا را بخواند خدایا بدرستیکه من میخواهم از تو بکتاب تو که فرو فرستاده شده

ما فیه و فیه اسمک الاکبر و اسمائک الحسنی و ما یخاف و یرجی
آنچه در آنست و در آنست نام تو که بزرگتر است و نامهای تو که نیکوتر است و آنچه ترسیده و امیدوار کرده شود
ان تجعلنی من عتقائک من النار و تقضی حوائجی للدنیا و الآخرة
آنکه بگردانی مرا از آزاد شدگان تو از آتش و برآوری حاجتهای مرا برای دنیا و آخرت

پس حاجت خود را از حقتعالی بطلبد که انشاء الله برآورده است و این دعا از حضرت امام
محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام منقولست که مصحف را بگیر و بر سر خود بگذار
و بگو **اللهم بحق هذا القرآن و بحق من ارسلته به و بحق کل**
خدایا بحق این قرآن و بحق کسیکه فرستادی آنرا باو و بحق هر
مؤمن مدحته فیه و بحقک علیهم فلا احد اعرف بحقک منک
مؤمنیکه مدح کردی او را در آن و بحق تو بر ایشان پس نیست کسیکه شناساتر باشد بحق تو از تو

پس ده مرتبه بگو **بک یا الله** و ده مرتبه **بمحمد** و ده مرتبه **بعلی** و ده مرتبه **بفاطمة**
بحق تو ای خدا — بمحمد — بعلی — بفاطمه
و ده مرتبه **بالحسن** و ده مرتبه **بالحسین** و ده مرتبه **بعلی بن الحسین** و ده مرتبه **بمحمد بن علی**
بحسن — بحسین — بعلی پسر حسین — بمحمد پسر علی
و ده مرتبه **بجعفر بن محمد** و ده مرتبه **بموسی بن جعفر** و ده مرتبه **بعلی بن موسی**
بجعفر پسر محمد — بموسی پسر جعفر — بعلی پسر موسی
و ده مرتبه **بمحمد بن علی** و ده مرتبه **بعلی بن محمد** و ده مرتبه **بالحسن بن علی**
بمحمد پسر علی — بعلی پسر محمد — بحسن پسر علی
و ده مرتبه **بالحجة** بحجت و برهان

پس هر حاجت که داری طلب کن و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در هر یک از این سه شب مستحب مؤکد است و در
هر یک خصوصا شب بیست و سیم صد رکعت نماز سنت است هر دو رکعت بیک سلام و
در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند و در بعضی از روایات
معتبره وارد شده است که بهفت مرتبه یا پنج مرتبه یا سه مرتبه یا یکمرتبه قل هو الله
اکتفا میتوان کرد و احادیث بسیار در فضیلت این صد رکعت وارد شده است و باید
این صد رکعت غیر نافله شب بوده باشد و اگر ضعف داشته باشد نشسته هم میتوان
کرد و بهترین اعمال در این شبها طلب آمرزش و دعا از برای مطالب دنیا و آخرت

خود است و پدر و مادر و خویشان خود و برادران مؤمن زنده و مرده ایشان و اذکار و صلوات بر محمد و آل محمد صلوات الله علیهم آنچه مقدور شود و در بعضی از روایات وارد شده است که دعای جوشن کبیر را در هر یک از این سه شب بخواند **و اما دوم** پس اعمال مخصوص شب نوزدهم آنست که صد مرتبه بگوید **أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ** (طلب آمرزش میکنم از خدایی که پروردگار من است و بازگشت میکنم بسوی او) و صد مرتبه **اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ** (خدایا لعنت کن کشندگان پادشاه گروندگان را) بگوید و این دعا بخواند

اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَ تُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُومِ وَ فِيمَا تَفْرُقُ
خدایا قرار ده در آنچه حکم میکنی و تقدیر میکنی از فرمان حتم شده و در آنچه جدا میکنی

مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَ لَا
از فرمان موافق حکمت در شب قدر از قضائیکه رد کرده نشود و نه

يُبَدَّلُ أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ
تبدیل کرده شود اینکه بنویسی مرا از حاجیان خانه محترم تو که پذیرفته شده حج ایشان و جزا داده

سَعْيُهُمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتُهُمْ وَ اجْعَلْ
شده سعیشان آمرزیده شده گناهانشان بازداشته شده از ایشان گناهانشان و قرار ده

فِيمَا تَقْضِي وَ تُقَدِّرُ أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي وَ تُوَسِّعَ عَلَيَّ فِي رِزْقِي وَ
در آنچه حکم میکنی و تقدیر میکنی اینکه درازکنی عمر مرا و فراخ کنی بر من در روزی من و

تُقَدِّرَ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي مَا هُوَ خَيْرٌ لِي فِي دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي يَا
تقدیر کنی برای من در همه کارهای من آنچه را که آن بهتر است برای من در دنیای من و آخرت من ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (رحم کننده‌تر رحم کنندگان) پس حوائج خود را از حقتعالی طلب نماید **و شب بیست و یکم** فضیلتش زیاده است از شب سابق و غسل و اعمال سابقه را همه را بعمل باید آورد و در این دهه آخر اعتکاف در مساجد جامعه سنتست و دهه استجابت دعاست و بسند بسیار معتبر از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که در شب بیست و یکم و بیست و سیم صد رکعت نماز بکن و در هر رکعت ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخوان و در حدیث معتبر دیگر منقولست که حضرت امام محمد باقر علیه السلام این دو شب را احیا میکرد و در نصف اول شب مشغول دعا میشد و در نصف آخر مشغول نماز و بسند موثق از حضرت صادق علیه السلام منقولست که اگر توانی

در شب بیست و یکم و بیست و سیم ماه رمضان در هر یک صد رکعت نماز بکن بغیر از سیزده رکعت نماز شب و نافله صبح و تا صبح بیدار باش و مستحب است که مشغول نماز و دعا و تضرع باشی بدرستیکه امید شب قدر در یکی از اینها هست و شب قدر بهتر است از هزار ماه فرمود یعنی بهتر است از عمل در هزار ماه و هر امری که در آن سال واقع میشود در شب قدر مقدر میگردد و دعاهای این شب در ضمن دعاهای دهه آخر ماه مذکور خواهد شد ان شاء الله **و اما شب بیست و سیم** اکثر احادیث معتبره دلالت میکند بر آنکه آن شب قدر است و در آن دو غسل سنت است یکی در اول شب و یکی در آخر شب و حضرت صادق علیه السلام فرمود که شب بیست و سیم شب جهنی است و در آن شب مقدر میگردد مرگها و بلاها و اجلها و روزیها و قضاها و آنچه در این سال واقع میشود تا شب قدر آینده پس خوشا حال بنده که احیا کند آن شب را و بیدار باشد بعبادت و گاه در رکوع و گاه در سجود و گناهان خود را در برابر دیدهای خود ممثل گرداند و بر آنها بگرید چون چنین کند امید دارم که از فضیلت شب قدر محروم نشود ان شاء الله و فرمود که حقتعالی امر میکند ملکی را که ندا میکند در هر روز ماه رمضان در هوا که بشارت باد شما را ای بندگان من که بخشیدم گناهان گذشته شما را و در شب قدر شفاعت شما را در حق یکدیگر قبول میکنم مگر کسیکه افطار کند روزه را بر مست کننده یا کینه مؤمنی را در دل داشته باشد و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرکه سوره عنکبوت و روم را در شب بیست و سیم بخواند والله که او از اهل بهشت است و استثنا نمیکنم در آن احدی را و نمیترسم که خدا در این سوگند بر من گناهی بنویسد و این دو سوره را نزد خداوند منزلت عظیم هست و ایضا از آنحضرت بسند معتبر منقولست که هرکه در شب بیست و سیم ماه رمضان هزار بار سوره انا انزلناه را بخواند هر آینه صبح کند با یقین شدید باعتراف بآنچه مخصوص ماست از کرامتها در این شب بسبب آنچه در خواب ببیند و سوره حم دخان را نیز سنت است که در این شب بخواند و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقولست که هرکه زیارت کند حضرت امام حسین علیه السلام را در شب بیست و سیم که امید شب قدر در آن هست و در آن هر امری مقدر میشود مصافحه میکند با او روح صد و بیست و چهار هزار پیغمبر که همه در این شب رخصت میطلبند از حقتعالی در زیارت آنحضرت و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که هرکه احیا کند شب بیست و سیم ماه

رمضان را وصد رکعت نماز بکند حقتعالی روزی او را فراخ کند دنیا و شر دشمنان از او
کفایت کند و پناه دهد او را از غرق شدن و خانه بر سرش خراب شدن و لقمه در گلو گرفتن
و از شر درندگان و دفع کند از او هول منکر و نکیر را و از قبر بیرون آید و او را نوری باشد
که روشنی بخشد اهل محشر را و نامه اش را بدست راستش دهند و بنویسند برای او برات
بیزاری از آتش جهنم و گذشتن بر صراط را و ایمنی از عذاب او داخل بهشت شود بی حساب و
در بهشت او را از رفیقان پیغمبران و صدیقان و شهیدان و صالحان گرداند و نیکو
رفیقانند ایشان و دعای اینشب را از جمله دعاهای دهه آخر بخواند و ایضا این دعا را بخواند اَللّٰهُمَّ امْدُدْ لِی فِی عُمْرِی
خدایا درازی ده برای من در عمر من

وَاَوْسِعْ لِی فِی رِزْقِی وَاَصِحَّ جِسْمِی وَبَلِّغْنِی اَمَلِی وَاِنْ كُنْتُ مِنَ
و فراخ کن برای من در روزی من وصحت ده جسم مرا و برسان مرا آرزوی مرا و اگر باشم از

الْاَشْقِیَاۤءِ فَامْحُنِی مِنَ الْاَشْقِیَاۤءِ وَاكْتُبْنِی مِنَ السُّعَدَاۤءِ فَاِنَّكَ قُلْتَ
بدبختان پس محو کن مرا از بدبختان و بنویس مرا از خوش بختان پس بدرستیکه گفتی

فِی كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ عَلٰی نَبِیِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ یَمْحُو اللّٰهُ مَا
در کتاب تو که فرستاده شده بر پیغمبر تو رحمت تو بر او و آل او محو میکند خدا آنچه را

یَشَاۤءُ وَیُثْبِتُ وَعِنْدَهُ اُمُّ الْكِتَابِ وایضا بگوید اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِی مِنْ
میخواهد و ثبت میکند و نزد اوست اصل کتاب خدایا بگردان مرا از

اَوْفَرِ عِبَادِكَ نَصِیبًا مِنْ كُلِّ خَیْرٍ اَنْزَلْتَهُ فِی هٰذِهِ اللَّیْلَةِ اَوْ اَنْتَ
وافرترین بندگانت از جهت بهره دادن از هر نیکی که فرستاده او را در این شب یا آنکه تو

مُنْزِلُهُ مِنْ نُورٍ تَهْدِی بِهِ اَوْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا اَوْ رِزْقٍ تَقْسِمُهُ
فرستنده او را از روشنی که راه نمائی باو یا رحمتیکه پهن کنی آنرا یا روزی که قسمت کنی آنرا

اَوْ بَلَاۤءٍ تَدْفَعُهُ اَوْ ضُرٍّ تَكْشِفُهُ وَاكْتُبْ لِی مَا كَتَبْتَ لِاَوْلِیَاۤئِكَ
یا بلائیکه دفع کنی او را یا گزندیکه برداری او را و بنویس برای من آنچه را نوشتی تو بجهت دوستان خود

الصَّالِحِینَ الَّذِینَ اسْتَوْجَبُوا مِنْكَ الثَّوَابَ وَاَمِنُوا بِرِضَاكَ عَنْهُمْ
که شایسته اند آنانکه سزاوار شدند از تو پاداش خوب را و گرویدند بخشنودی تو از ایشان

مِنْكَ الْعِقَابَ یَا كَرِیمُ یَا كَرِیمُ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ
از تو پاداش بد را ای بزرگوار ای بزرگوار رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بکن

بِی ذٰلِكَ بِرَحْمَتِكَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ وهر مقدار از قرآن که ممکن باشد
بمن اینرا برحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان
در اینشب بخواند و دعاهای صحیفه
کامله را بخواند خصوصا دعای مکارم الاخلاق و دعای توبه و روزهای اینشبها
را نیز باید حرمت داشت و بعبادت و دعا و تلاوت قرآن بسر آورد زیرا که در احادیث معتبره
وارد شده است که روز قدر در فضیلت نیز مثل شب قدر است و در شب بیست و چهارم
نیز غسل بخصوص سنت است و در شب بیست و پنجم نیز غسل سنت است و احادیث معتبره
در استحباب غسل در آن وارد شده است و منقول است که خداوند عز و جل در اینشب دفع
میکند بدیها و گناهان و جمیع انواع بلاها را از روزه داران ماه مبارک رمضان
پس عطا میکند حقتعالی بایشان نوری در گوشها و دیدهای ایشان و در شب بیست و هفتم
نیز غسل بخصوص وارد شده است و منقول است که حضرت امام زین العابدین علیه السلام
در اینشب مکرر این دعا را میخواند از اول شب تا آخر شب اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِی التَّجَافِیَ عَنْ دَارِ الْغُرُورِ وَالْاِنَابَةَ
خداوندا روزی ده مرا کناره گرفتن از خانه فریب دهنده و بازگشت

اِلٰی دَارِ الْخُلُودِ وَالْاِسْتِعْدَادَ لِلْمَوْتِ قَبْلَ حُلُولِ الْفَوْتِ و در شب بیست و نهم
کردن بسوی خانه همیشگی و مهیا شدن برای مردن پیش از فرود آمدن مرگ

نیز غسل بخصوص وارد شده است و همچنین در شب آخر غسل سنت است و زیارت
حضرت امام حسین علیه السلام سنت است **و وداع ماه رمضان** سنت مؤکد است
برای اظهار آنکه روزه و عبادات اینها بر ما گران و دشوار نبود و ما خواهان او
بودیم و از مفارقت آن آزرده و محزونیم و هر که لذت عبادت الهی یافته است فواید
آنرا در دنیا و عقبی دانسته است عاشق عبادت و بندگی میباشد پس باید این
ماه وافر البرکات را بنحوی وداع کند که عزیزترین اهل خود را در هنگام مفارقت
وداع میکند و معلوم است که غلامی که از خدمت آقای خود شاد و خوشحال باشد
و از ترک خدمت دلگیر باشد مثل غلامی نیست که از ترس خدمت کند و بآن راضی باشد
و دعاهای وداع را در شب آخر سنت است خواندن و اگر در روز آخر نیز بخواند خوب
است و در حدیثست که اگر آخر ماه مشتبه باشد در شب بیست و نهم احتیاطا سنت است
خواندن و دعاهای وداع بسیار است و بهترین دعاها دعای صحیفه کامله است

وبسند های معتبر دیبا از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام این دعای وداع منقولست

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خداوند بخشنده مهربان

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ عَلٰى لِسَانِ نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ

خدایا بدرستیکه تو گفتی در کتاب خود که فرستاده شده بر زبان پیغمبر تو که فرستاده شده

صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَوْلُكَ حَقٌّ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي اُنْزِلَ

رحمتهای تو براو وال او و گفته تو حقست ماه رمضان که فرو فرستاده شده

فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدٰى وَالْفُرْقَانِ

دراو قرآن راهنماینده برای مردمان و معجزات از هدایت وجدا کننده حق از باطل

وَهٰذَا شَهْرُ رَمَضَانَ قَدْ تَصَرَّمَ وَانْقَضَتْ اَيَّامُهُ وَلَيَالِيهِ

و اینماه رمضانست که بتحقیق تمام بریده شد و بپایان رسید روزهای او و شبهای او

فَاَسْئَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ اِنْ كَانَ

پس میخواهم تورا بروی تو که گرامی است و سخنهای تو که تمام است اگر بوده باشد

بَقِيَ عَلَيَّ ذَنْبٌ لَمْ تَغْفِرْهُ لِي اَوْ تُرِيدُ اَنْ تُعَذِّبَنِي عَلَيْهِ اَوْ تُقَايِسَنِي

که باقی مانده باشد برمن گناهی که نیامرزیده او را برای من یا میخواهی اینکه عذاب کنی مرا بر آن یا بپای رسانی مرا

بِهِ اَنْ يَطْلُعَ فَجْرُ هٰذِهِ اللَّيْلَةِ اَوْ يَتَصَرَّمَ هٰذَا الشَّهْرُ اِلَّا وَقَدْ غَفَرْتَهُ

بآن اینکه درآید سفیده صبح اینشب یا بریده شود اینماه مگر اینکه بیامرزی آنرا

لِي يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بِمَحَامِدِكَ كُلِّهَا اَوَّلِهَا وَ

برای من ای رحم کننده تر رحم کنندگان خدایا مر تو راست ستایش بسپاسهای تو همه آنها ابتدای آنها و

آخِرِهَا مَا قُلْتَ لِنَفْسِكَ مِنْهَا وَمَا قَالَ لَكَ الْخَلَائِقُ الْحَامِدُونَ

انتهای آنها آنچه را که گفتی بجهة خود از آنها و آنچه را که گفتند برای تو آفریدگان سپاس گویندگان

الْمُجْتَهِدُونَ الْمُعَدِّدُونَ الْمُؤْثِرُونَ فِي ذِكْرِكَ وَالشُّكْرِ لَكَ

کوشش کنندگان شمارندگان برگزینندگان که در یاد تو و ثنای تو اند

الَّذِينَ اَعَنْتَهُمْ عَلٰى اَدَاءِ حَقِّكَ مِنْ اَصْنَافِ خَلْقِكَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ

آنانکه یاری کردی ایشان را براداء حق خود از اقسام آفریدگان تو از فرشتگان

الْمُقَرَّبِينَ وَالنَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَاَصْنَافِ النَّاطِقِينَ الْمُسَبِّحِينَ

مقرب و پیغمبران و فرستاده شدگان و اقسام نطق کنندگان تنزیه کنندگان

لَكَ مِنْ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ عَلٰى اَنَّكَ بَلَّغْتَنَا شَهْرَ رَمَضَانَ وَعَلَيْنَا مِنْ نِعَمِكَ

مر تو را از همه جهانیان بر اینکه تو رسانیدی ما را بماه رمضان و برما از نعمتهای تو

وَعِنْدَنَا مِنْ جَزِيلِ قِسَمِكَ وَاِحْسَانِكَ وَتَظَاهُرِ امْتِنَانِكَ بِذٰلِكَ لَكَ

و نزد ماست از بخششهای وافر تو و نیکی کردن تو و پی درپی آمدن نعمتهای تو باین مر تو راست

مُنْتَهَى الْحَمْدِ الْخَالِدِ الدَّائِمِ الرَّاكِدِ الْمُخَلَّدِ السَّرْمَدِ الَّذِي لَا يَنْفَدُ

نهایت سپاس جاوید همیشگی پیوسته همیشه جاوید که بپایان نرسد

طُولَ الْاَبَدِ جَلَّ ثَنَاؤُكَ اَعَنْتَنَا عَلَيْهِ حَتّٰى قَضَيْتَ عَنَّا صِيَامَهُ وَقِيَامَهُ

درازی همیشگی بزرگست ستودن تو مدد کردی ما را براو تا آنکه ادا کردی ازما روزه او وایستادن او

مِنْ صَلٰوةٍ وَمَا كَانَ مِنَّا فِيهِ مِنْ بِرٍّ اَوْ شُكْرٍ اَوْ ذِكْرٍ اَللّٰهُمَّ فَتَقَبَّلْهُ

ازجهة نماز و آنچه باشد ازما دران از نیکی یا شکر کردن یا یاد کردن خدایا پس بپذیر آنرا

مِنَّا بِاَحْسَنِ قَبُولِكَ وَتَجَاوُزِكَ وَعَفْوِكَ وَصَفْحِكَ وَغُفْرَانِكَ وَحَقِيقَةِ

ازما بنیکوتر پذیرفتن تو و در گذشتن تو و بخشش تو و بخشش تو و آمرزش تو و اصل

رِضْوَانِكَ حَتّٰى تُظْفِرَنَا فِيهِ بِكُلِّ خَيْرٍ مَطْلُوبٍ وَجَزِيلِ عَطَاءٍ مَوْهُوبٍ

خشنودی تو تا اینکه فیروزی دهی ما را دران بهر نیکی مطلوب و فراوانی عطای بخشیده شده

وَتُوقِيَنَا فِيهِ مِنْ كُلِّ اَمْرٍ مَرْهُوبٍ وَذَنْبٍ مَكْسُوبٍ اَللّٰهُمَّ اِنِّي

وایمن گردان ما را دران از هر کاریکه ترسیده شده و گناهیکه کسب کرده شده خدایا بدرستیکه من

اَسْئَلُكَ بِعَظِيمِ مَا سَئَلَكَ اَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ مِنْ كَرِيمِ اَسْمَائِكَ وَجَزِيلِ

میخواهم تورا ببزرگی آنچه خواسته تورا یکی از آفریدگان تو از بزرگی نامهای تو و فراوانی

ثَنَائِكَ وَخَاصَّةِ دُعَائِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ

شکر تو و دعای خاصه تو اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی

شَهْرَنَا هٰذَا اَعْظَمَ شَهْرِ رَمَضَانَ مَرَّ عَلَيْنَا مُنْذُ اَنْزَلْتَنَا اِلَى

اینماه ما را بزرگتر ماه رمضانیکه گذشته است برما از زمانیکه فرو فرستادی ما را

الدُّنْيَا بَرَكَةً فِي عِصْمَةِ دِينِي وَخَلَاصِ نَفْسِي وَقَضَاءِ حَاجَتِي

بسوی دنیا برکتی در نگاه داشتن دین من و خلاصی یافتن جان من و برآمدن حاجت من

وَتُشَفِّعَنِي فِي مَسَائِلِي وَتَمَامِ النِّعْمَةِ عَلَيَّ وَصَرْفِ السُّوءِ عَنِّي وَلِبَاسِ

و شفیع شوی در خواهشهای من و تمامی نعمت برمن و گردانیدن بدی ازمن و جامه

العافية لي وان تجعلني برحمتك ممن حزت له ليلة القدر وجعلتها

عافیت برای من. و اینکه بگردانی مرا برحمت خود از کسانیکه جمع کرده برای او شب قدر را و گردانیده اوراً

له خيرا من الف شهر في اعظم الاجر وكرائم الذخر وطول العمر

برای او بهتر از هزار ماه در بزرگترین مزد و گرامی ذخیره و درازی عمر

وحسن الشكر ودوام اليسر اللهم واسئلك برحمتك و

و نیکوئی شکر و همیشگی توانگری خدایا و میخواهم تورا برحمت تو و

طولك وعفوك ونعمائك وجلالك وقديم احسانك وامتنانك

احسان تو و بخشش تو و نعمت تو و بزرگی تو و نیکی کردن دیرینه تو و انعام تو

ان لا تجعله اخر العهد منا لشهر رمضان حتى تبلغناه من قابل

اینکه نگردانی اورا آخر عهد از ما برای ماه رمضان تا برسانی ما را اورا از سال آینده

على احسن حال وتعرفني هلاله مع الناظرين اليه والمتعرفين

بر نیکوتر حالی و بشناسانی مرا ماه نو او را با بینندگان بسوی او و شناسندگان

له في اعفى عافيتك وانعم نعمتك واوسع رحمتك واجزل قسمك

او را در عافیت دارتر عافیت تو و تمام تر نعمت تو و فراخ تر رحمت تو و وافرتر قسمت تو

اللهم يا ربي الذي ليس لي رب غيره لا يكون هذا الوداع

خدایا ای پروردگار من آنکه نیست برای من پروردگاری جز او نباشد این وداع

مني وداع فناء ولا اخر العهد من اللقاء حتى ترينيه من قابل

از من وداع نیستی و نه آخر عهد از ملاقات من تا بنمائی بمن او را از سال آینده

في اوسع النعم وافضل الرجاء وانا لك على احسن الوفاء انك

در تمامترین نعمتها و بهترین فراخی و منم برای تو بر نیکوترین وفا بدرستیکه تو

سميع الدعاء اللهم اسمع دعائي وارحم تضرعي وتذللي لك

شنونده دعائی خدایا بشنو دعای مرا و رحم کن بیچارگی مرا و خواری مرا برای تو

واستكانتي وتوكلي عليك وانا لك مسلم لا ارجو نجاحا و

و فروتنی مرا و توکل مرا بر تو و من برای تو منقادم امید ندارم رستگاری را و

لا معافاة ولا تشريفا ولا تبليغا الا بك ومنك فامنن علي

نه عافیت را و نه کرامت را و نه رسانیدن را مگر بتو و از تو پس انعام کن بر من

جل ثناؤك وتقدست اسماؤك بتبليغي شهر رمضان وانا معافا

بزرگست ثنای تو و پاکیزه است نامهای تو برسانیدن من ماه رمضان را و من باشم عافیت داده

من كل مكروه ومحذور ومن جميع البوائق الحمد لله الذي اعاننا

شده از هر ناخوشی و ترسی و از همه سختیها سپاس مر خدا را ستکه یاری کرد ما را

على صيام هذا الشهر وقيامه حتى بلغنا اخر ليلة منه اللهم

بر روزه گرفتن اینماه و نماز گزاردن در آن تا آنکه رسانید ما را باخرین شب از آن خدایا

اني اسئلك باحب ما دعيت به وارضى ما رضيت به عن محمد

بدرستیکه من میخواهم تورا بمحبوبترین چیزیکه خوانده شدی بآن و خشنودتر چیزیکه خشنود شدی بآن از محمد

صلى الله عليه واله ان تصلي على محمد وال محمد ولا تجعل

رحمت فرستد خدا براو و آل او اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و قرار ندهی

وداعي شهر رمضان وداع خروجي من الدنيا ولا وداع اخر

وداع ماه رمضان مرا وداع بیرون شدن من از دنیا و نه وداع آخر

عبادتك فيه ولا اخر صومي لك وارزقني العود فيه ثم العود

بندگی کردن تو در آن و نه آخر روزه گرفتن من برای تو و روزی کن مرا برگشت در آن پس برگشت در آن

فيه برحمتك يا ولي المؤمنين ووفقني فيه لليلة القدر

برحمت تو ای دوست گروندگان و توفیق ده مرا در آن برای شب قدر

واجعلها لي خيرا من الف شهر رب الليل والنهار والجبال

و قرار ده آنرا برای من بهتر از هزار ماه ای پروردگار شب و روز و کوهها

والبحار والظلم والانوار والارض والسماء يا بارئ يا مصور

و دریاها و تاریکیها و روشنیها و زمین و آسمان ای پدید آورنده ای صورت نگار

يا حنان يا منان يا الله يا رحمن يا رحيم يا حي يا قيوم يا بديع السموات

ای بخشنده ای مهربان ای خدا ای بخشنده ای مهربان ای زنده ای پاینده ای پدید آورنده آسمانها

والارض لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء

و زمین مر توراست نامهای نیکو و داستانهای بلند و بزرگی

والالاء اسئلك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم ان تصلي على

و نعمتها میخواهم تورا بنام تو بنام خدای بخشنده مهربان اینکه رحمت فرستی بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ

بمحمد و آل محمد واینکه قرار دهی نام مرا در اینشب در نیکبختان

وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَاِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَاِسَاءَتِي مَغْفُورَةً

و روح مرا با شهیدان و نیکی کردن مرا در علیین و بدیهای مرا امرزیده شده

وَاَنْ تَهَبَ لِي يَقِيناً تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَاِيمَاناً لَا يَشُوبُهُ شَكٌّ وَرِضًى

واینکه ببخشی برایمن یقینی راکه بشارت دهی بان دلمرا وایمانیراکه نیامیزد بان شکی وخشنودی

بِمَا قَسَمْتَ لِي وَاَنْ تُؤْتِيَنِي فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً

بانچه قسمت کرده برایمن واینکه بدهی مرا در دنیا نیکی و در اخرت نیکی

وَاَنْ تَقِيَنِي عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ اللّٰهُمَّ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ

واینکه نگهداری مرا از عذاب اتش سوزنده خدایا قرارده درانچه حکم میکنی واندازه کنی

مِنَ الْاَمْرِ الْمَحْتُومِ وَفِيمَا تَفْرُقُ مِنَ الْاَمْرِ الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ

از فرمان واجب شده و درانچه جدا کنی از فرمان محکم در شب قدر

مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ وَلَا يُغَيَّرُ اَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ

از قضائیکه ردکرده نشود و تغییر نیابد و بدل نشود اینکه بنویسی مرا از

حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمُ الْمَغْفُورِ

حاجیان خانه محترم تو که پذیرفته شده حج ایشان جزاداده شده کوشش ایشان امرزیده شده

ذُنُوبُهُمُ الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتُهُمْ وَاجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ اَنْ

گناه ایشان بازداشته شده از ایشان گناهانشان وقرارده درانچه حکم کنی واندازه کنی اینکه

تُطِيلَ عُمْرِي وَاَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ

درازکنی عمرمرا واینکه ازادکنی گردن مرا از اتش ای رحم کننده تر رحم کنندگان خدایا

اِنِّي اَسْئَلُكَ وَلَمْ يُسْئَلِ الْعِبَادُ مِثْلَكَ جُوداً وَكَرَماً وَاَرْغَبُ

بدرستیکه من میخواهم تو و نخواسته اند بندگان مانند تورا ازروی بخشش وکرم ومیل دارم

اِلَيْكَ وَلَمْ يُرْغَبْ اِلَى مِثْلِكَ اَنْتَ مَوْضِعُ مَسْئَلَةِ السَّائِلِينَ وَمُنْتَهَى

بسوی تو ومیل نداشته اند بسوی مانند تو توئی جای خواهش خواهش کنندگان و نهایت

رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ اَسْئَلُكَ بِاَعْظَمِ الْمَسَائِلِ كُلِّهَا وَاَفْضَلِهَا

میل میل کنندگان میخواهم تورا ببزرگترین خواهشها همه ان و بالاتر ان

وَاَنْجَحِهَا الَّتِي يَنْبَغِي لِلْعِبَادِ اَنْ يَسْئَلُوكَ بِهَا يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ وَبِاَسْمَائِكَ

و رواشده ترانها که سزاوارات برای بندگان اینکه بخواهند تورا بان ایخدا ای بخشنده وبنامهای تو

مَا عَلِمْتُ مِنْهَا وَمَا لَمْ اَعْلَمْ وَبِاَسْمَائِكَ الْحُسْنٰى وَاَمْثَالِكَ الْعُلْيَا وَبِنِعَمِكَ

انچه را دانستم ازانها وانچه را ندانستم و بنامهای نیکوی تو وداستان های بلند تو وبنعمتهای تو

الَّتِي لَا تُحْصٰى وَبِاَكْرَمِ اَسْمَائِكَ عَلَيْكَ وَاَحَبِّهَا اِلَيْكَ وَاَشْرَفِهَا

که شماره نمیشود وبگرامی ترین نامهای تو برانها ومحبوبترین انها بسوی تو وشریفترین انها

عِنْدَكَ مَنْزِلَةً وَاَقْرَبِهَا مِنْكَ وَسِيلَةً وَاَجْزَلِهَا مِنْكَ ثَوَاباً وَاَسْرَعِهَا

نزدتو ازروی مرتبه ونزدیکترین انها ازتو ازروی وسیله ووافرترین انها ازتو ازروی ثواب وشتابنده

لَدَيْكَ اِجَابَةً وَبِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ الْاَكْبَرِ

نزد تو ازروی اجابت و بنام تو که پوشیده پنهان است زنده پاینده بزرگتر

الْاَجَلِّ الَّذِي تُحِبُّهُ وَتَهْوَاهُ وَتَرْضٰى بِهِ عَمَّنْ دَعَاكَ بِهِ وَتَسْتَجِيبُ لَهُ

بزرگوار بکه دوست میداری اورا ومیخواهی اورا وخشنود میشوی بان ازانکه خواند تورا بان واجابت میکنی برای او

دُعَائَهُ وَحَقٌّ عَلَيْكَ اَنْ لَا تُخَيِّبَ سَائِلَكَ وَاَسْئَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ

دعاء اورا وسزاوار است برتو که ناامید نکنی سائل خودرا و میخواهم تورا بهر نامیکه ان

لَكَ فِي التَّوْرٰيةِ وَالْاِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ وَبِكُلِّ اسْمٍ دَعَاكَ

برای تواست در توریة وانجیل و زبور وقران وبهر نامیکه خواندند تورا

بِهِ حَمَلَةُ عَرْشِكَ وَمَلٰئِكَةُ سَمٰوَاتِكَ وَجَمِيعُ الْاَصْنَافِ مِنْ

بان بردارندگان عرش تو وفرشتگان اسمانهای تو وهمه اقسام از

خَلْقِكَ مِنْ نَبِيٍّ اَوْ صِدِّيقٍ اَوْ شَهِيدٍ وَبِحَقِّ الرَّاغِبِينَ اِلَيْكَ الْفَرِقِينَ

افریدگان تو از پیغمبر یا راستگوئی یا شهیدی وبحق مایلان بسوی تو ترسناکان

مِنْكَ الْمُتَعَوِّذِينَ بِكَ وَبِحَقِّ مُجَاوِرِي بَيْتِكَ الْحَرَامِ حُجَّاجاً وَمُعْتَمِرِينَ

ازتو پناه برندگان بتو وبحق همسایگان خانه محترم تو حج گذارندگان وعمره اورندگان

وَمُقَدِّسِينَ وَالْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِكَ وَبِحَقِّ كُلِّ عَبْدٍ مُتَعَبِّدٍ

وتنزیه کنندگان وجهاد کنندگان درراه تو وبحق هر بنده پرستنده

لَكَ فِي بَرٍّ اَوْ بَحْرٍ اَوْ سَهْلٍ اَوْ جَبَلٍ اَدْعُوكَ دُعَاءَ مَنْ قَدِ اشْتَدَّتْ

مرتورا در بیابان یا دریا یا زمین هموار یا کوه میخوانم تورا خواندن کسیکه بتحقیق سخت شده است

فاقته وكثرت ذنوبه وعظم جرمه وضعف كدحه دعاء من

احتیاج او و زیاد باشد گناهان او و بزرگ باشد جرم او و سست باشد کوشش او خواندن کسیکه

لا يجد لنفسه سادّاً ولا لضعفه مقوياً ولا لذنبه غافراً غيرك

نیابد رخنه خود را رخنه بازدارنده و نه برای ناتوانی خود توان دهنده و نه برای گناه خود آمرزنده جز تو

هارباً اليك متعوّذاً بك متعبّداً لك غير مستكبر ولا مستنكف

فرار کننده بسوی تو پناه برنده بتو پرستنده مر تورا غیر گردنکشی کننده و نه اباکننده

خائفاً بائساً فقيراً مستجيراً بك اسئلك بعزّتك وعظمتك وجبروتك

ترسان محتاج درویش زنهارجوینده بتو است میخواهم تورا بعزت تو و بزرگی تو و بزرگواری تو

وسلطانك وملكك وبهائك وجودك وكرمك وبآلائك

و پادشاهی تو و غلبه داشتن تو و بروشنی تو و بخشش تو و کرم تو و بنعمتها تو

وحسنك وجمالك وبقوّتك على ما اردت من خلقك ادعوك

و نیکی تو و بزرگی تو و بتوانائی تو براتچه خواسته از آفریدگان خود میخوانم تورا

يا ربّ خوفاً وطمعاً ورهبة ورغبة وتخشّعاً وتملّقاً وتضرّعاً

ای پروردگار از روی ترس و طمع و فروتنی و میل و خشوع و بلابه و زاری

والحافاً والحاحاً خاضعاً لك لا اله الّا انت وحدك لا شريك

و حرت والتماس که فروتنی کننده‌ام مر تورا نیست خدائی مگر تو تنهائی هستی که نیست انبازی تورا

لك يا قدّوس يا قدّوس يا قدّوس يا الله يا الله يا الله يا رحمن يا

ای پاکیزه ای پاکیزه ای پاکیزه ایخدا ایخدا ایخدا ای بخشنده ای

رحمن يا رحمن يا رحيم يا رحيم يا رحيم يا ربّ يا ربّ يا ربّ اعوذ بك يا

بخشنده ای بخشنده ایمهربان ایمهربان ایمهربان ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار پناه میبرم بتو ای

الله الواحد الاحد الصمد الوتر المتكبّر المتعال واسئلك

خدای یگانه یکتای بی‌نیاز بی‌همتای بزرگوار بلندمرتبه و میخواهم تورا

بجميع ما دعوتك به وباسمائك التي تملأ اركانك كلها ان

بهمه آنچه خواندم تورا بآن و با اسمهای تو که پر میکند اطراف تورا همه آنها اینکه

تصلّي على محمّد وآل محمّد واغفر لي ذنبي وارحمني واوسع عليّ

رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و بیامرز برای من گناه مرا و رحم کن مرا و گشایش ده برمن

من فضلك العظيم وتقبّل منّي شهر رمضان وصيامه وقيامه

از فضل تو که بزرگست و بپذیر از من ماه رمضان را و روزه آنرا و ایستادن بنماز آنرا

وفرضه ونوافله واغفر لي وارحمني واعف عنّي ولا تجعله آخر

و واجب آنرا و مستحبات آنرا و بیامرز برای من و رحم کن مرا و درگذر از من و قرار مده آنرا آخر

شهر رمضان صمته لك وعبدتك فيه ولا تجعل وداعي ايّاه

ماه رمضانیکه روزه گرفتم دران برای تو و پرستش کردم تورا دران و قرار مده وداع کردن من آنماه را

وداع خروجي من الدنيا اللّهمّ اوجب لي من رحمتك ومغفرتك

وداع بیرون رفتن من از دنیا خدایا واجب گردان برای من از رحمت خود و آمرزش خود

ورضوانك وخشيتك افضل ما اعطيت احداً من عبادك فيه

و خشنودی خود و ترس خود بالاتر از آنچه عطا کردی بیکی از کسانیکه پرستش کرد تورا دران

اللّهمّ لا تجعلني اخسر من سئلك فيه واجعلني ممّن اعتقته في

خدایا نگردان مرا زیانکارتر از کسیکه خواهش کرد از تو دران و بگردان مرا از کسانیکه آزاد کردی او را در

هذا الشهر من النار وغفرت له ما تقدّم من ذنبه وما تأخّر و

اینماه از آتش و آمرزیدی برای او آنچه گذشته است از گناه او و آنچه عقب افتاده است و

اوجبت له افضل ما رجاك وامّل منك يا ارحم الراحمين اللّهمّ

واجب گردانیدی برای او بالاتر آنچه امیدوار بود بتو و آرزو میبرد از تو ای ارحم کننده‌تر رحم کنندگان خدایا

ارزقني العود في صيامه لك وعبادتك فيه واجعلني ممّن كتبته

روزیکن مرا برگردیدن در روزه اینماه برای تو و پرستش کردن تو دران و بگردان مرا از جمله کسانیکه نوشتی

في هذا الشهر من حجّاج بيتك الحرام المبرور حجّهم المغفور لهم

اورا در اینماه از حاجیان خانه محترم تو که پذیرفته شده حج ایشان آمرزیده شده برای ایشان

ذنبهم المتقبّل عملهم آمين آمين آمين ربّ العالمين اللّهمّ لا

گناهانشان و قبول شده کارشان اجابت کن اجابت کن اجابت کن ای پروردگار جهانیان خدایا نگذار

تدع لي فيه ذنباً الّا غفرته ولا خطيئة الّا محوتها ولا عثرة

برای من در اینماه گناهی مگر آنکه آمرزیده باشی آنرا و نه خطائی مگر آنکه محو کرده باشی آنرا و نه لغزشی

الّا اقلتها ولا ديناً الّا قضيته ولا عيلة الّا اغنيتها ولا همّاً

مگر آنکه اقاله کرده باشی آنرا و نه بدهی مگر آنکه داده باشی آنرا و نه درویشی مگر آنکه بی‌نیاز کرده باشی آنرا و نه همی

اِلّا فَرَّجتَهُ وَلا فاقَةً اِلّا سَدَدتَها وَلا عُرياناً اِلّا كَسَوتَهُ وَلا مَرِيضاً

مگر آنکه گشایش کنی اورا ونه رخنهٔ احتیاجی مگرآنکه مسدود کنی انرا ونه برهنگی مگرآنکه بپوشیٔ اورا ونه ناخوشی

اِلّا شَفَيتَهُ وَلا داءً اِلّا اَذهَبتَهُ وَلا حاجَةً مِن حَوائِجِ الدُّنيا

مگر آنکه شفا دادی اورا ونه دردی مگر آنکه بردی انرا ونه حاجتی از حاجتهای دنیا

وَالآخِرَةِ اِلّا قَضَيتَها عَلی اَفضَلِ اَمَلی وَرَجائی فيكَ يا اَرحَمَ الرّاحِمينَ

واخرت مگر آنکه برآوردی انرا بر بالاتر آرزوی من وامید من درتو ایرحم کننده‌تر رحم کنندگان

اَللّهُمَّ لا تُزِغ قُلُوبَنا بَعدَ اِذ هَدَيتَنا وَلا تُذِلَّنا بَعدَ اِذ اَعزَزتَنا

خدایا میل مده دلهای مارا پس ازآنکه راهنمائی کردی مارا وخوار مکن مارا پس ازآنکه عزیز کردی مارا

وَلا تَضَعنا بَعدَ اِذ رَفَعتَنا وَلا تُهِنّا بَعدَ اِذ اَكرَمتَنا وَلا تُفقِرنا

وپست مکن مارا پس ازآنکه بلند کردی مارا واهانت مکن مارا پس ازآنکه گرامی داشتی مارا ومحتاج مکن مارا

بَعدَ اِذ اَغنَيتَنا وَلا تَمنَعنا بَعدَ اِذ اَعطَيتَنا وَلا تَحرِمنا بَعدَ

پس ازآنکه بی‌نیاز کردی مارا ومنع مکن مارا پس ازآنکه عطا کردی مارا ومحروم مکن مارا پس از

اِذ رَزَقتَنا وَلا تُغَيِّر شَيئاً مِن نِعَمِكَ عَلَينا وَاِحسانِكَ اِلَينا لِشَیءٍ

آنکه روزی دادی مارا وتغییر مده چیزی از نعمتهایترا برما ونیکی کردن نعمایت را بسوی ما برای چیزیکه

كانَ مِن ذُنُوبِنا وَلا لِما هُوَ كائِنٌ مِنّا فَاِنَّ فی كَرَمِكَ وَ

میباشد از گناهان ما ونه برای آنچه آن یافت شونده است ازما پس بدرستیکه درکرم تو و

عَفوِكَ وَفَضلِكَ سَعَةً لِمَغفِرَةِ ذُنُوبِنا فَاغفِر لَنا وَتَجاوَز عَنّا

بخشش تو وفضل تو گشایشی است برای آمرزش گناهان ما پس بیامرز برای ما ودرگذر ازما

وَلا تُعاقِبنا عَلَيها يا اَرحَمَ الرّاحِمينَ اَللّهُمَّ اَكرِمنی فی مَجلِسی هذا

وعقوبت مکن مارا بران ایرحم کننده‌تر رحم کنندگان خدایا گرامی دارمرا در این مجلس من

كَرامَةً لا تُهِنّی بَعدَها اَبَداً وَاَعِزَّنی عِزّاً لا تُذِلَّنی بَعدَهُ اَبَداً

گرامی داشتنی که اهانت نکنی مرا پس ازان هرگز وعزیز کن مرا عزیز کردنی که خوار نگردانی مرا پس ازان هرگز

وَعافِنی عافِيَةً لا تَبتَلينی بَعدَها اَبَداً وَارفَعنی رِفعَةً لا

وعافیت ده مرا عافیت دادنی که مبتلا نگردانی مرا پس ازان هرگز وبلند کن مرا بلند کردنی که

تَضَعُنی بَعدَها اَبَداً وَاصرِف عَنّی شَرَّ كُلِّ شَيطانٍ مَريدٍ وَشَرِّ

پست مکنی مرا پس ازان هرگز وبگردان ازمن شر هر شیطان رانده شده وبدی

كُلِّ جَبّارٍ عَنيدٍ وَشَرَّ كُلِّ قَريبٍ اَو بَعيدٍ وَشَرَّ كُلِّ صَغيرٍ اَو

هر سرکش طاغی وبدی هر نزدیک یا دوری وبدی هر کوچک یا

كَبيرٍ وَشَرَّ كُلِّ دابَّةٍ اَنتَ آخِذٌ بِناصِيَتِها اِنَّ رَبّی عَلی صِراطٍ

بزرگی وبدی هر جنبنده که تو گیرنده پیشانی آن بدرستیکه پروردگار من بر راه

مُستَقيمٍ اَللّهُمَّ ما كانَ فی قَلبی مِن شَكٍّ اَو رِيبَةٍ اَو جُحُودٍ اَو

راست است خدایا انچه باشد در دل من از شکی یا تهمتی یا انکاری یا

قُنُوطٍ اَو فَرَحٍ اَو مَرَحٍ اَو بَطَرٍ اَو بَذَخٍ اَو خُيَلاءَ اَو رِياءٍ اَو سُمعَةٍ

ناامیدی یا شادی یا زیاده‌روی یا گردنکشی یا جبران یا کبر یا نمایش یا سمعه

اَو شِقاقٍ اَو نِفاقٍ اَو كُفرٍ اَو فُسُوقٍ اَو مَعصِيَةٍ اَو شَیءٍ لا تُحِبُّ

یا مخالفت یا دورویی یا کفری یا دروغی یا نافرمانی یا چیزیکه دوست نمیداری

عَلَيهِ وَلِيّاً لَكَ فَاَسئَلُكَ اَن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَن

بران برای دوست تو پس میخواهم ترا اینکه رحمت فرستی بر محمد وآل محمد واینکه

تَمحُوَهُ مِن قَلبی وَتُبَدِّلَنی مَكانَهُ ايماناً بِوَعدِكَ وَرِضاً بِقَضائِكَ

ببری انرا از دل من وتبدیل دهی مرا جای آن بایمان بوعده تو وخشنودی بحکم تو

وَوَفاءً بِعَهدِكَ وَوَجَلاً مِنكَ وَزُهداً فِی الدُّنيا وَرَغبَةً فيما

ووفا کردن بعهد تو وترسیدن از تو وبی‌رغبتی در دنیا ورغبت کردن در آنچه

عِندَكَ وَثِقَةً بِكَ وَطُمَاْنينَةً لَكَ وَتَوبَةً نَصُوحاً اِلَيكَ اَللّهُمَّ

نزد تست واعتماد کردن بتو وآرامی یافتن بتو وپشیمانی سودمند بسوی تو خدایا

اِن كُنتَ بَلَّغتَناهُ وَاِلّا فَاَخِّر عَنّا آجالَنا اِلی قابِلٍ حَتّی تُبَلِّغَناهُ فی

اگر باشی که برسانی مارا باین ماه واگرنه پس تاخیر انداز ازما مدتهای مارا تا سال آینده تا برسانی مارا بان ماه در

يُسرٍ مِنكَ وَعافِيَةٍ يا اَرحَمَ الرّاحِمينَ وَصَلَّی اللّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَثيراً

آسانی از خود وعافیت ایرحم کننده‌تر رحم کنندگان ورحمت فرستد خدا بر محمد وآل او بسیار

وَرَحمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ عَلَيهِم

ورحمت خدا وزیادتیهای او برایشان

ودر جمعه آخر نیز وداع جمعه‌ها بدینست واز جابر بن عبد الله انصاری منقولست که گفت رفتم بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله در جمعه آخر ماه رمضان چون نظر آنحضرت برمن افتاد فرمود که این آخر جمعه ایست از ماه مبارک رمضان

پس از او وداع اَللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِیامِنا اِیّاهُ فَاِنْ جَعَلْتَهُ
کن و بگو — خدایا مگردان اورا آخر عهد از روزه‌های ما ودران پس اگر قرار دادی او
فَاجْعَلْنی مَرْحُوماً وَلا تَجْعَلْنی مَحْرُوماً زیرا که هر که این دعا را در این روز
پس قرار ده مرا رحمت کرده شده ونگردان مرا ناامید شده — بخواند یکی از دو خصلت نیکو ظفر
میابد یا برسیدن ماه رمضان آینده یا بآمرزش خدا ورحمت بی انتها وبسند معتبر
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که در شب آخر ماه رمضان این دعا را بخواند
اَللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِیامی لِشَهْرِ رَمَضانَ وَاَعُوذُ
خدایا نگردان این ماه را آخر عهد از روزه گرفتن من برای شهر رمضان وپناه میبرم
بِکَ اَنْ یَطْلُعَ فَجْرُ هٰذِهِ اللَّیْلَةِ اِلّا وَقَدْ غَفَرْتَ لی حقتعالی پیش از
بتو اینکه دراید سفیده صبح این شب مگر اینکه بتحقیق بیامرزی مرا — صبح اورا بیامرزد
واو را توبه وانابه روزی کند و اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِاَحَبِّ ما دُعیتَ
ایضاً سنت است که این دعا بخوانند — خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا بدوست داشته‌ترین آنچه خوانده شدی
بِهِ وَاَرْضیٰ ما رَضیتَ بِهِ عَنْ مُحَمَّدٍ وَعَنْ اَهْلِ بَیْتِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِ
بآن وخشنودترین آنچه خشنود شدی بآن از محمد واز خانواده محمد براو
وَعَلَیْهِمُ السَّلامُ اَنْ تُصَلِّیَ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ وَلا تَجْعَلْ وِداعَ آخِرَ
وبرایشانست درود اینکه رحمت فرستی براو وبرایشان ونگردان وداع آخر
عِبادَتِکَ وَوَفِّقْنی فیهِ لِلَیْلَةِ الْقَدْرِ وَاجْعَلْها لی خَیْراً مِنْ اَلْفِ
پرستش تو وتوفیق ده مرا دران برای شب قدر وبگردان آنرا برای من بهتر از هزار
شَهْرٍ مَعَ تَضاعُفِ الْاَجْرِ وَالْاِجابَةِ وَالْعَفْوِ عَنِ الذَّنْبِ بِرِضَی الرَّبِّ
ماه با دوچندان شدن مزد واجابت و بخشش از گناه بخشنودی پروردگار

واز جمله چیزها که سنت است در شب آخر آزاد کردن بنده هاست زیرا که شبی است که حق
تعالی بنده بسیار از آتش جهنم آزاد میگرداند هرگاه بنده ضعیف هم ومایه بندگان
از قید رقیت آزاد کند امید هست که خداوند قادر بیزوال بآن وسعت و کمال اورا
از آتش جهنم آزاد گرداند ونام اورا از جرائد عاصیان محو فرماید چنانچه منقولست که
حضرت امام زین العابدین علیه السلام بنده هائیکه در عرض سال تحصیل مینمود تا بیست نفر
وزیاده و کم در شب آخر ماه رمضان آزاد مینمود ومیفرمود که شما را آزاد کردم بامید

آنکه خداوند رحیم از تقصیرات من درگذرد ومرا از آتش جهنم آزاد گرداند وچون روز
عید میشد جایزه‌های عظیم بایشان میبخشید که ایشان بی‌نیاز باشند از سؤال کردن
از مردم ومیگفت که حقتعالی در هر شب ماه رمضان در هنگام افطار هفتاد هزار کس را
آزاد میکند از آنهائیکه مستوجب جهنم شده اند ودر شب آخر مثل آنچه در جمیع ماه
آزاد کرده است آزاد میکند وحضرت هیچ غلام وکنیز را زیاده از یکسال خدمت
نفرمود ودر روز عرفه در عرفات نیز بنده های خود را آزاد میفرمود ودر روایتی وارد
شده است که سنت است که در شب آخر سوره انعام وکهف ویس را بخوانند وصد مرتبه بگویند

اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَاَتُوبُ اِلَیْهِ
طلب آمرزش میکنم از خدا وپشیمانی بجوم بسوی او

فصل هفتم

در دعاهای مخصوصه دهه آخر ماه مبارک است بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که آنحضرت در هر شب از شبهای دهه آخر ماه مبارک این دعا را میخواندند
اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ قُلْتَ فی کِتابِکَ شَهْرُ رَمَضانَ الَّذی اُنْزِلَ فیهِ الْقُرْآنُ
خدایا بدرستیکه تو گفتی در کتاب خود ماه رمضان که فرو فرستاده شد دران قرآن
هُدیً لِلنّاسِ وَبَیِّناتٍ مِنَ الْهُدیٰ وَالْفُرْقانِ فَعَظَّمْتَ حُرْمَةَ شَهْرِ
راهنما برای مردمان ومعجزات از راهنمائی وجداکننده میان حق وباطل پس بزرگ داشتی حرمت ماه
رَمَضانَ بِما اَنْزَلْتَ فیهِ الْقُرْآنَ وَخَصَصْتَهُ بِلَیْلَةِ الْقَدْرِ
رمضان را بآنچه فرستادی دران قرآن را ومخصوص گردانیدی اورا بشب قدر
وَجَعَلْتَها خَیْراً مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ اَللّٰهُمَّ وَهٰذِهِ اَیّامُ شَهْرِ رَمَضانَ
وگردانیدی اورا بهتر از هزار ماه خدایا واینست روزهای ماه رمضان
قَدِ انْقَضَتْ وَلَیالیهِ قَدْ تَصَرَّمَتْ وَقَدْ صِرْتُ یا اِلٰهی مِنْهُ اِلیٰ
که بتحقیق بسر آمد وشبهای او که بتحقیق بریده شد وبتحقیق گردیدم ای خدای من از آن بسوی
ما اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنّی وَاَحْصیٰ لِعَدَدِهِ مِنَ الْخَلْقِ اَجْمَعینَ فَاَسْئَلُکَ
آنچه که تو داناتری بآن از من وشماره کننده‌تری مرعدد آنرا از آفریدگان همه پس میخواهم ترا
بِما سَئَلَکَ بِهِ مَلائِکَتُکَ الْمُقَرَّبُونَ وَاَنْبِیاؤُکَ الْمُرْسَلُونَ
بآنچه خواستند ترا بآن فرشتگان مقربان و پیغمبران فرستاده شده‌گان

وَعِبَادُكَ الصَّالِحُونَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ

و بندگان تو که شایستگانند اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه

تَفُكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَتُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَاَنْ تَتَفَضَّلَ

آزاد کنی گردن مرا از آتش و درآوری مرا در بهشت برحمت خود و اینکه تفضل کنی

عَلَيَّ بِالْاَمْنِ يَوْمَ الْخَوْفِ مِنْ كُلِّ هَوْلٍ اَعْدَدْتَهُ لِيَوْمِ الْقِيٰمَةِ اِلٰهِي

برمن بایمن بودن از روز ترس از هر هولی که شماره کردی آنرا برای روز قیامت خدایا

وَاَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَبِجَلَالِكَ الْعَظِيمِ اَنْ يَنْقَضِيَ اَيَّامُ

و پناه میبرم بروی تو که گرامی است و بجلال تو که بزرگست اینکه بگذرد روزهای

شَهْرِ رَمَضَانَ وَلَيَالِيهِ وَلَكَ قِبَلِي تَبِعَةٌ اَوْ ذَنْبٌ تُؤَاخِذُنِي بِهِ

ماه رمضان و شبهای آن و از برای تو از جانب من و بالی یا گناهی که مؤاخذه کنی مرا بآن

اَوْ خَطِيئَةٌ تُرِيدُ اَنْ تَقْتَصَّهَا مِنِّي لَمْ تَغْفِرْهَا لِي سَيِّدِي سَيِّدِي

یا خطائیکه بخواهی اینکه بازخواست کنی آنرا از من که نیامرزیده باشی آنرا برای من آقای من آقای من

سَيِّدِي اَسْئَلُكَ بِلَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اِذْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اِنْ كُنْتَ رَضِيتَ

آقای من میخواهم تورا ای آنکه نیست خدائی مگر تو زیراکه نیست خدائی مگر تو اگر بوده باشی که خشنود باشی

عَنِّي فِي هٰذَا الشَّهْرِ فَازْدَدْ عَنِّي رِضًا وَاِنْ لَمْ تَكُنْ رَضِيتَ

از من در اینماه پس زیاد کن خشنودی خود را از من و اگر نبوده که خشنود باشی

عَنِّي فَمِنَ الْآنَ فَارْضَ عَنِّي يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا اَللّٰهُ يَا اَحَدُ يَا

از من پس از اینوقت پس خشنود باش از من ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان ای خدا ای یگانه ای

صَمَدُ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ يَا

بی‌نیاز ای آنکه نزائیده و زائیده نشده و نبوده برای او احدی همتا ای

يَا مُلَيِّنَ الْحَدِيدِ لِدَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا كَاشِفَ الضُّرِّ وَالْكُرَبِ

ای نرم کننده آهن برای داود که بر او است درود ای بردارنده گزند و اندوه های

الْعِظَامِ عَنْ اَيُّوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ اَيْ مُفَرِّجَ هَمِّ يَعْقُوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

بزرگ از ایوب که بر او است درود ای گشاینده اندوه یعقوب که بر او است درود

اَيْ مُنَفِّسَ غَمِّ يُوسُفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

ای زایل کننده غم یوسف که بر او است درود رحمت فرست بر محمد و آل محمد

كَمَا اَنْتَ اَهْلُهُ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ وَافْعَلْ بِي مَا اَنْتَ

چنانکه تو سزاوار آنی اینکه رحمت فرستی بر همه ایشان و بکن با من آنچه را که تو

اَهْلُهُ وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا اَنَا اَهْلُهُ و بسند معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که

سزاوار آنی و نکن با من آنچه را که من سزاوار آنم در هر شب از دههٔ آخر این دعا بخواند

اَعُوذُ بِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ اَنْ يَنْقَضِيَ عَنِّي شَهْرُ رَمَضَانَ

پناه میبرم ببزرگی روی تو که گرامی است اینکه بپایان رسد از من ماه رمضان

اَوْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هٰذِهِ وَبَقِيَ لَكَ عِنْدِي تَبِعَةٌ اَوْ ذَنْبٌ

یا درآید سپیده صبح از امشب من و باقیمانده باشد برای تو نزد من وبالی یا گناهی که

تُعَذِّبُنِي عَلَيْهِ يَوْمَ اَلْقَاكَ و بسندهای معتبر در هر شب از دههٔ آخر دعای

عذاب کنی مرا بر آن روزیکه ملاقات کنم تورا مخصوصی از حضرت صادق علیه السلام وارد شده

است و بر مطالب دنیا و آخرت یَا مُولِجَ اللَّيْلِ فِي النَّهَارِ وَيَا مُولِجَ النَّهَارِ

مشتملست دعاشت بیست و یکم ای درآورنده شب را در روز وای درآورنده روز را

فِي اللَّيْلِ وَمُخْرِجَ الْحَيِّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجَ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ يَا رَازِقَ

در شب و بیرون آورنده زنده از مرده و بیرون آورنده مرده از زنده ای روزی دهنده

مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا اَللّٰهُ يَا رَحِيمُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا

هرکه را میخواهد بیشمار ای خدا ای بخشنده ای خدا ای مهربان ای خدا ای خدا ای

اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ لَكَ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى وَالْاَمْثَالُ

خدا ای خدا ای خدا ای خدا مر توراست نامهای نیکو و داستانهای

الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْآلَاءُ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ

بلند و بزرگی و نعمتها میخواهم تورا اینکه رحمت فرستی بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ وَ

و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا در امشب در نیکبختان و

رُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَاِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَاِسَائَتِي مَغْفُورَةً

روح مرا با شهیدان و نیکی کردن مرا در علیین و بدی کردن مرا آمرزیده

وَاَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَاِيمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي

و اینکه ببخشی برای من یقینی که بشارت دهی بآن دل مرا و ایمانی که ببرد شک را از من

وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً

وخشنود گردانی مرا بآنچه روزیکردی برای من وبده ما را در دنیا نیکی ودر آخرت نیکی

وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَ

ونگاهدار ما را از عذاب آتش سوزان وروزیکن مرا در آن یاد تورا وثنای تورا و

الرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَ

ومیل کردن بسوی تو وبازگشت وپشیمانی وتوفیق مرا بآنچه را که توفیق دادی بر آن محمد و

آلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ دعای شب بیست و دوم يَا سَالِخَ النَّهَارِ

آل محمد را که براو وبر ایشانست درود ای کشنده روز

مِنَ اللَّيْلِ فَإِذَا نَحْنُ مُظْلِمُونَ وَمُجْرِيَ الشَّمْسِ لِمُسْتَقَرِّهَا بِتَقْدِيرِكَ يَا

از شب پس آنگاه ما داخل تاریکی میشویم وروان کننده آفتاب بقرارگاه خودش باندازه تو ای

عَزِيزُ يَا عَلِيمُ وَمُقَدِّرَ الْقَمَرِ مَنَازِلَ حَتَّى عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ

غالب ای دانا واندازه کننده ماه را منزلهائی تا برگردد مانند شاخهای خشك وکج شده دیرینه

يَا نُورَ كُلِّ نُورٍ وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ وَوَلِيَّ كُلِّ نِعْمَةٍ يَا اللهُ يَا

ای روشن کننده هر روشنی ومنتهای هر میلی وخداوند هر نعمتی ایخدا ای

رَحْمٰنُ يَا اللهُ يَا قُدُّوسُ يَا أَحَدُ يَا وَاحِدُ يَا فَرْدُ يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ

بخشنده ایخدا ای پاکیزه ای یکتا ای یکتا ای تنها ایخدا ایخدا ایخدا

لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْآلَاءُ

مر تو راست نامهای نیکو وداستانهای بلند وبزرگی ونعمتها

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي

سؤال میکنم تورا اینکه رحمت فرستی بر محمد وآل محمد واینکه بگردانی نام مرا در

هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ

اینشب در نیکبختان وروح مرا با شهیدان ونیکوکاری مرا در علیین

وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِيناً تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَاناً يُذْهِبُ

وبدی کردن مرا آمرزیده واینکه ببخشی برای من یقینی را که بشارت دهی بآن دل مرا وایمانی که ببرد

الشَّكَّ عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي

شك را از من وخشنود گردانی مرا بآنچه روزیکردی برای من وبده ما را در دنیا نیکی ودر

الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَ

آخرت نیکی ونگاهدار ما را از عذاب آتش سوزان وروزیکن مرا در آن یاد تورا

شُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ

ثناگوئی تورا ومیل کردن بسوی تورا وبازگشت وپشیمانی وتوفیق برای آنچه توفیق دادی

لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ دعای شب بیست و سیم

مرا بآن محمد وآل محمد را که براو وبر ایشانست درود

يَا رَبَّ لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَجَاعِلَهَا خَيْراً مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ وَرَبَّ اللَّيْلِ وَ

ای پروردگار شب قدر وگرداننده آن بهتر از هزار ماه وپروردگار شب و

النَّهَارِ وَالْجِبَالِ وَالْبِحَارِ وَالظُّلَمِ وَالْأَنْوَارِ وَالْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ يَا

روز وکوهها ودریاها وتاریکیها وروشنیها وزمین وآسمان ای

بَارِئُ يَا مُصَوِّرُ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا اللهُ يَا رَحْمٰنُ يَا اللهُ يَا قَيُّومُ يَا اللهُ

پدید آورنده ای صورت نگار ای مهربان ای نعمت دهنده ایخدا ای بخشنده ایخدا ای پاینده ایخدا

يَا بَدِيعُ يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا

ای نوپدید آورنده ایخدا ایخدا ایخدا مر تو راست نامهای نیکو وداستانهای بلند

وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْآلَاءُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ

وبزرگی ونعمتها میخواهم تورا اینکه رحمت فرستی بر محمد وآل محمد و

أَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ

اینکه بگردانی نام مرا در اینشب در نیکبختان وروح مرا با شهیدان

وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِيناً تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي

ونیکی کردن مرا در علیین وبدیکردن مرا آمرزیده واینکه ببخشی برای من یقینی را که بشارت دهی بآن دل مرا

وَإِيمَاناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا

وایمانیرا که ببرد شك را از من وخشنود گردانی مرا بآنچه روزیکردی برای من وبده ما را در دنیا

حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا

نیکی ودر آخرت نیکی ونگاهدار ما را از عذاب آتش سوزان وروزیکن ما را در آن

ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا

یاد کردن تورا وثناگوئی تورا ومیلکردن بسوی تورا وبازگشت وپشیمانی وتوفیق بجهة آنچه

وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ دعای شب بیست و چهارم

توفیق دادی مرا از آن محمد و آل محمد رحمت های تو بر او و بر ایشان

يَا فَالِقَ الْإِصْبَاحِ وَيَا جَاعِلَ اللَّيْلِ سَكَناً وَالشَّمْسِ وَالْقَمَرِ

ای شکافنده صبح وای گرداننده شب را آرامگاه و آفتاب و ماه را

حُسْبَاناً يَا عَزِيزُ يَا عَلِيمُ يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ وَالْقُوَّةِ وَالْحَوْلِ وَالْفَضْلِ

وسیله معاش ای غالب ای دانا ای صاحب نعمت دادن و توانائی و نقل دادن و برتری

وَالْإِنْعَامِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا اللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا فَرْدُ يَا وِتْرُ يَا

و نعمتها ای صاحب جلال و بزرگواری ای خدا ای بخشنده ای تنها ای یگانه ای

اللّٰهُ يَا ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ يَا حَيُّ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ

خدا ای آشکار ای پنهان ای زنده نیست خدائی مگر تو ای خدا ای خدا ای خدا

لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْآلَاءُ

مر تو راست نامهای نیکو و داستانهای بلند و بزرگی و نعمتها

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي

میخواهم تو را اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا در

هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ

اینشب در نیکبختان و روح مرا با شهیدان و نیکی کردن مرا در علیین

وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِيناً تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَاناً يُذْهِبُ

و بدی کردن مرا آمرزیده و اینکه ببخشی برای من یقینی را که بشارت دهی بآن دل مرا و ایمانیکه ببرد

الشَّكَّ عَنِّي وَرِضًى بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ

شک را از من و خشنود شدن بآنچه روزی کردی برای من و بده ما را در دنیا نیکی و در آخرت

حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ

نیکی و نگاهدار ما را از عذاب آتش سوزان و روزیکن مرا در آن یاد کردن تورا و ثنا گوئی تورا

وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ

و میل کردن بسوی تو را و بازگشت و توبه نمائی و توفیق برای آنچه توفیق دادی برای آن محمد و آل

مُحَمَّدٍ صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ دعای شب بیست و پنجم يَا جَاعِلَ اللَّيْلِ

محمد را رحمتهای تو بر او و بر ایشان ای گرداننده شب

لِبَاساً وَالنَّهَارِ مَعَاشاً وَالْأَرْضِ مِهَاداً وَالْجِبَالِ أَوْتَاداً يَا

بجهة پوشش و روز بجهة کسب و زمین را گهواره و کوهها را میخها ای

اللّٰهُ يَا قَاهِرُ يَا اللّٰهُ يَا جَبَّارُ يَا اللّٰهُ يَا سَمِيعُ يَا اللّٰهُ يَا قَرِيبُ يَا اللّٰهُ

خدا ای غالب ای خدا ای شکسته بند ای خدا ای شنوا ای خدا ای نزدیک ای خدا

يَا مُجِيبُ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا

ای جواب دهنده ای خدا ای خدا ای خدا مر تو راست نامهای نیکو و داستانهای بلند

وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْآلَاءُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

و بزرگی و نعمتها میخواهم تو را اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد

وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ

و اینکه قرار دهی نام مرا در اینشب در نیکبختان و روح مرا با شهیدان

وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِيناً تُبَاشِرُ

و نیکی کردن مرا در علیین و بدی کردن مرا آمرزیده و اینکه ببخشی برای من یقینی را که بشارت دهی

بِهِ قَلْبِي وَإِيمَاناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَرِضًى بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي

بآن دل مرا و ایمانیکه ببرد شک را از من و خشنود شدن بآنچه روزی کردی برای من و بده ما را در

الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَ

دنیا نیکی و در آخرت نیکی و نگاهدار ما را از عذاب آتش سوزان و

ارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ

روزیکن مرا در آن یاد کردن تو و ثنا گوئی تو و میل کردن بسوی تو و بازگشت کردن و پشیمانی

وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ

و توفیق یافتن برآنچه توفیق دادی مرا از آن محمد و آل محمد رحمتهای تو بر او و بر ایشان

السَّلَامُ دعای شب بیست و ششم يَا جَاعِلَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ آيَتَيْنِ يَا مَنْ مَحَا آيَةَ

درود ای گرداننده شب و روز دو نشانه ای آنکه نابود کرد نشانه

اللَّيْلِ وَجَعَلَ آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِتَبْتَغُوا فَضْلاً مِنْهُ وَرِضْوَاناً

شب را و گردانید نشانه روز را روشن تا بجویند فضل از او و خشنودی

يَا مُفَصِّلَ كُلِّ شَيْءٍ تَفْصِيلاً يَا اللّٰهُ يَا مَاجِدُ يَا اللّٰهُ يَا وَهَّابُ يَا اللّٰهُ يَا

ای جدا کننده هر چیزی جدا کردنی ای خدا ای بزرگوار ای بخشنده ای خدا ای

جَوادُ يا اَللهُ يا اَللهُ يا اَللهُ لَكَ الاَسْماءُ الْحُسْنى وَالاَمْثالُ

الْعُلْيا وَالْكِبْرِياءُ وَالآلاءُ اَسْاَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ اسْمي في هذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَداءِ وَ

رُوحي مَعَ الشُّهَداءِ وَاِحْساني في عِلِّيّينَ وَاِسائَتي مَغْفُورَةً وَاَنْ

تَهَبَ لي يَقيناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبي وَايماناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنّي وَتُرْضِيَني

بِما قَسَمْتَ لي وَآتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ

النّارِ الْحَريقِ وَارْزُقْني فيها ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ وَ

الاِنابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفيقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ

وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ

دعای شب بیست و هفتم

يا مادَّ الظِّلِّ وَلَوْ شِئْتَ لَجَعَلْتَهُ

ساكِناً وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَليلاً ثُمَّ قَبَضْتَهُ اِلَيْكَ قَبْضاً

يَسيراً يا ذَا الْحَوْلِ وَالطَّوْلِ وَالْكِبْرِياءِ وَالآلاءِ لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ

عالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ الرَّحْمنُ الرَّحيمُ لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ يا قُدُّوسُ يا

سَلامُ يا مُؤْمِنُ يا مُهَيْمِنُ يا عَزيزُ يا جَبّارُ يا مُتَكَبِّرُ يا اَللهُ يا

خالِقُ يا اَللهُ يا بارِئُ يا مُصَوِّرُ يا اَللهُ يا اَللهُ يا اَللهُ لَكَ الاَسْماءُ

الْحُسْنى وَالاَمْثالُ الْعُلْيا وَالْكِبْرِياءُ وَالآلاءُ اَسْاَلُكَ اَنْ

تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ اسْمي في هذِهِ اللَّيْلَةِ

فِي السُّعَداءِ وَرُوحي مَعَ الشُّهَداءِ وَاِحْساني في عِلِّيّينَ وَاِسائَتي

مَغْفُورَةً وَاَنْ تَهَبَ لي يَقيناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبي وَايماناً يُذْهِبُ الشَّكَّ

عَنّي وَتُرْضِيَني بِما قَسَمْتَ لي وَآتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً

وَقِنا عَذابَ النّارِ الْحَريقِ وَارْزُقْني فيها ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ

اِلَيْكَ وَالاِنابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفيقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ

دعای شب بیست و هشتم

يا خازِنَ اللَّيْلِ فِي الْهَواءِ

وَخازِنَ النُّورِ فِي السَّماءِ وَمانِعَ السَّماءِ اَنْ تَقَعَ عَلَى الاَرْضِ اِلاّ

بِاِذْنِهِ وَحابِسَهُما اَنْ تَزُولا يا عَليمُ يا غَفُورُ يا دائِمُ يا اَللهُ يا

وارِثُ يا باعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ يا اَللهُ يا اَللهُ يا اَللهُ لَكَ الاَسْماءُ

الْحُسْنى وَالاَمْثالُ الْعُلْيا وَالْكِبْرِياءُ وَالآلاءُ اَسْاَلُكَ اَنْ

تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي

رحمت فرستی بر محمد وآل محمد واینکه بگردانی نام مرا در اینشب در

السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَاءَتِي

نیکبختان وروح مرا با شهیدان ونیکی کردن مرا در علیین وبدی کردن مرا

مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِيناً تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَاناً يُذْهِبُ الشَّكَّ

امرزیده واینکه ببخشی برای من یقینی که بشارت دهی بان دل مرا وایمانیکه ببرد شك را

وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً

وخشنود گردانی مرا بانچه روزیکردی برای من وبده مارا در دنیا نیکی ودر اخرت نیکی

وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَ

ونگاهدار مارا ازعذاب اتش سوزان وروزیکن مرا دران یادکردن تو وثناگوئی تو و

الرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالرَّهْبَةَ مِنْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا

میلکردن بسوی تو وترسیدن از تو وبازگشت کردن وپشیمان شدن وتوفیق یافتن برای انچه

وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ

توفیق دادی بجهت ان محمد وآل محمد را رحمت فرستد خدا براو وبر ایشان درود

دعای شب بیست و نهم

يَا مُكَوِّرَ اللَّيْلِ عَلَى النَّهَارِ وَمُكَوِّرَ النَّهَارِ عَلَى اللَّيْلِ

ای دراورنده شب بر روز وبراورنده روز بر شب

يَا عَلِيمُ يَا حَكِيمُ يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ وَسَيِّدَ السَّادَاتِ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ

ای دانا ای درست کردار ای پروردگار پروردگارها وآقای آقایان نیست خدائی مگر تو

يَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ

ای انکه او نزدیکتر است بسوی من از رگهای گردن الهنا الهنا الهنا مرتراست نامهای

الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْآلَاءُ أَسْأَلُكَ أَنْ

نیکو وداستانهای بلند وبزرگی ونعمتها میخواهم ترا اینکه

تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي

رحمت فرستی بر محمد وآل محمد واینکه بگردانی نام مرا در اینشب در

السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَاءَتِي

نیکبختان وروح مرا با شهیدان ونیکی کردن مرا در علیین وبدی کردن مرا

مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِيناً تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَاناً يُذْهِبُ الشَّكَّ

امرزیده واینکه ببخشی برای من یقینی راکه بشارت دهی بان دل مرا وایمانیکه ببرد شك را

عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً

از من وخوشنود گردانی مرا بانچه روزیکردی برای من وبده مارا در دنیا نیکی ودر اخرت نیکی

وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنَا فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ

ونگاهدار مارا ازعذاب اتش سوزان وروزیکن مارا دران یادکردن تو وثناگوئی تو ومیلکردن

إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ

بسوی تو وبازگشتن وپشیمان شدن وتوفیق یافتن برانچه توفیق دادی بجهت ان محمد وآل محمد را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ

رحمت فرستد خدا براو وبرایشان

دعای شب سی ام

الْحَمْدُ لِلّٰهِ لَا شَرِيكَ لَهُ الْحَمْدُ

سپاس مرخدا مراکه انبازی نیست براو سپاس

لِلّٰهِ كَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ وَكَمَا هُوَ أَهْلُهُ يَا

مرخدا را چنانکه سزاوار است برای بزرگواری روی او وغالب بودن بزرگی او وچنانکه او سزاوار انست ای

قُدُّوسُ يَا نُورُ يَا نُورَ الْقُدْسِ يَا سُبُّوحُ يَا مُنْتَهَى التَّسْبِيحِ يَا رَحْمٰنُ يَا

پاکیزه ای روشنی دهنده ای روشنی دهنده پاك ای تنزیه شده ای نهایت تنزیه ای بخشنده ای

فَاعِلَ الرَّحْمَةِ يَا اللّٰهُ يَا عَلِيمُ يَا كَبِيرُ يَا اللّٰهُ يَا لَطِيفُ يَا جَلِيلُ يَا اللّٰهُ

بجااورنده رحمت الهنا ای دانا ای بزرگ الهنا ای مهربان ای بزرگوار الهنا

يَا سَمِيعُ يَا بَصِيرُ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ

ای شنوا ای بینا الهنا الهنا الهنا مرتراست نامهای نیکو وداستانهای

الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْآلَاءُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

بلند وبزرگی ونعمتها میخواهم ترا اینکه رحمت فرستی بر محمد وآل

مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ

محمد واینکه بگردانی نام مرا در اینشب در نیکبختان وروح مرا با

الشُّهَدَاءِ وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِيناً

شهیدان ونیکی کردن مرا در علیین وبدکردن مرا امرزیده واینکه ببخشی برای من یقینی راکه

تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَاناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي

بشارت دهی بان دل مرا وایمانیکه ببرد شك را ازمن وخشنود کنی مرا بانچه روزیکردی برای من

وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ

وبده مارا در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و نگاهدار مارا از عذاب آتش سوزان

وَارْزُقْنَا فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالتَّوْبَةَ وَالْإِنَابَةَ

و روزی کن مارا در آن یاد کردن تو و ثناگوئی تو و میل کردن بسوی تو و پشیمان شدن و بازگشتن

وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ

و توفیق دادن برآنچه توفیق دادی بجهة آن محمد و آل محمد را رحمت فرستد خدا براو و برایشان همه

فصل هشتم

در بیان نمازهای شبها و دعاهای روزها است که مشهور است و علما در کتب دعا ذکر کرده اند و نزد فقیر معتبر نیست نماز شب اوّل چهار رکعت است در هر رکعت بعد از حمد پانزده مرتبه توحید دوّم چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد بیست مرتبه انا انزلنا سیّم ده رکعت در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه توحید چهارم هشت رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه انا انزلنا پنجم دو رکعت در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه توحید و بعد از سلام صد مرتبه اللّهمّ صلّ علی محمّد وآل محمّد ششم چهار رکعت در هر رکعت حمد و سوره تبارک الذی بیده الملک هفتم چهار رکعت در هر رکعت حمد و سیزده مرتبه انا انزلنا هشتم دو رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید و بعد از سلام هزار مرتبه سبحان الله نهم شش رکعت میان نماز شام و خفتن و در هر رکعت حمد و هفت مرتبه آیة الکرسی و بعد از اتمام پنجاه مرتبه اللّهمّ صلّ علی محمّد وآل محمّد دهم بیست رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه توحید یازدهم دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه انا اعطیناک الکوثر دوازدهم هشت رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه انا انزلنا سیزدهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید چهاردهم شش رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه اذا زلزلت پانزدهم چهار رکعت در دو رکعت اوّل حمد و صد مرتبه توحید و در دو رکعت دیگر پنجاه مرتبه توحید شانزدهم دوازده رکعت در هر رکعت حمد و دوازده مرتبه الهیکم التکاثر هفدهم دو رکعت در رکعت اوّل حمد و هر سوره که خواهد و در رکعت دوّم حمد و صد مرتبه توحید و بعد از سلام صد مرتبه لا اله الّا الله هیجدهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه انا اعطیناک الکوثر نوزدهم پنجاه رکعت با حمد و پنجاه مرتبه اذا زلزلت و گویا مراد آن باشد که در هر رکعت یکمرتبه بخواند زیرا که مشکلست

که در یکشب و هزار و پانصد مرتبه اذا زلزلت خواندن بیستم و بیست و یکم و بیست و دوّم و بیست و سیّم و بیست و چهارم در هر یک هشت رکعت با هر سوره که میسّر میشود بیست و پنجم هشت رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید بیست و ششم هشت رکعت در هر رکعت حمد و صد مرتبه توحید بیست و هفتم چهار رکعت در هر رکعت حمد و تبارک و اگر نتواند بیست و پنج مرتبه توحید بیست و هشتم شش رکعت در هر رکعت بعد از حمد صد مرتبه آیة الکرسی و صد مرتبه توحید و صد مرتبه کوثر و بعد از نماز صد مرتبه صلوات بر محمّد و آل محمّد بیست و نهم دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید سی اُم دوازده رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید و بعد از فارغ شدن صد مرتبه صلوات بر محمّد و آل محمّد و این نمازها چنانچه مذکور شد هر دو رکعت بیک سلام است **و امّا دعای روزها** ابن عبّاس روایت کرده است که حضرت رسول صلّی الله علیه وآله فضیلت بسیار از برای روزه هر روز ماه مبارک رمضان بیان فرمود و از برای هر روز دعای مخصوص با فضیلت و ثواب بسیار برای آن دعا ذکر کرده و ما باصل دعا اکتفا مینمائیم دعای روز اوّل است

اللَّهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ صِيَامَ الصَّائِمِينَ وَقِيَامِي فِيهِ قِيَامَ

خدایا بگردان روزه گرفتن مرا در اینماه روزه گرفتن روزه گیران و ایستادن بنماز مرا در اینماه

الْقَائِمِينَ وَنَبِّهْنِي فِيهِ عَنْ نَوْمَةِ الْغَافِلِينَ وَهَبْ لِي جُرْمِي فِيهِ يَا إِلٰهَ

ایستادن نماز گذاران و بیدار کن مرا در آن از خواب غفلت زدگان و ببخش برای من گناه مرا در آن ای خدای

الْعَالَمِينَ وَاعْفُ عَنِّي يَا عَافِياً عَنِ الْمُجْرِمِينَ دوّم اللَّهُمَّ قَرِّبْنِي

جهانیان و درگذر از من ای درگذرنده از گناهکاران خدایا نزدیک کن مرا

فِيهِ إِلَى مَرْضَاتِكَ وَجَنِّبْنِي فِيهِ مِنْ سَخَطِكَ وَنَقِمَاتِكَ وَوَفِّقْنِي فِيهِ

در اینماه بسوی خوشنودی تو و دور کن مرا در آن از غضب تو و عذابهای تو و توفیق ده مرا در آن

لِقِرَاءَةِ آيَاتِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ سیّم اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي

در آن بجهة خواندن آیات تو برحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خدایا روزی کن مرا

فِيهِ الذِّهْنَ وَالتَّنْبِيهَ وَبَاعِدْنِي فِيهِ مِنَ السَّفَاهَةِ وَالتَّمْوِيهِ وَ

در اینماه تیزهوشی و آگاهی و دور کن مرا در آن از بیخردی و پوشانیدن حق و

اجْعَلْ لِي نَصِيباً مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تُنْزِلُ فِيهِ يَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ

بگردان برای من بهره از هر نیکی که فرو میباری در آن ای بخشنده ترین بخشندگان

چهارم اللّهمّ قوّني فيه على اقامة امرك واذقني فيه حلاوة

خدایا توانائی ده مرا دراینماه بر بپاداشتن فرمان تو و بچشان مرا دران شیرینی

ذكرك واوزعني فيه اداء شكرك بكرمك واحفظني بحفظك و

یاد کردن تورا و الهام کن مرا دران برای اداء شکر تو بجشش تو و نگهبانی کن مرا بنگهبانی

سترك يا ابصر الناظرين پنجم اللّهمّ اجعلني فيه من المستغفرين

و پوشش تو ای بیناتر بینایان خدایا بگردان مرا دراینماه از طلب آمرزش کنندگان

واجعلني فيه من عبادك الصالحين القانتين واجعلني فيه من

و بگردان مرا دران از بندگان شایسته گان فرمان برداران و بگردان مرا دران از

اوليائك المقرّبين برأفتك يا ارحم الراحمين ششم اللّهمّ لا

دوستان تو که نزدیکشدگانند بمهربانی تو ای ارحم کنندهتر رحم کنندگان خدایا

تخذلني فيه لتعرّض معصيتك ولا تضربني بسياط نقمتك وزحزحني

خوار مکن مرا دراینماه بجهة فراپیش آمدن نافرمانی تو و نزن مرا بتازیانهای عذابت و دور کن مرا

فيه من موجبات سخطك بمنّك واياديك يا منتهى رغبة الراغبين

دران از آنچه باعث غضب تست بمنت تو و بخششهای تو ای نهایت میل میلدارندگان

هفتم اللّهمّ اعنّي على صيامه وقيامه وجنّبني فيه من هفواته

خدایا یاری کن مرا بر روزه گرفتن و نماز گذاردن دراینماه و دور گردان مرا دران از لغزشها

وآثامه وارزقني فيه ذكرك بدوامه بتوفيقك يا هادي المضلّين

و گناهان آن و روزیکن مرا دران یاد کردن تو بمداومت آن بتوفیق دادن تو ای راهنمای گمراهان

هشتم اللّهمّ ارزقني فيه رحمة الايتام واطعام الطعام و

خدایا روزیکن مرا دراینماه برحم کردن درحق یتیما و خوراندن طعام و

افشاء السلام وصحبة الكرام بطولك يا ملجأ الآملين نهم

هویدا نمودن سلام بمردم و رفاقت کردن بابزرگواران بحق احسان تو ای پناه آرزومندان

اللّهمّ اجعل لي فيه نصيبا من رحمتك الواسعة واهدني فيه

خدایا بگردان برای من دراینماه بهره از رحمت خود که فراخست و راهنمائی کن مرا دران

لبراهينك الساطعة وخذ بناصيتي الى مرضاتك الجامعة

بدلیلهای روشن خود و بگیر موی پیشانی مرا بسوی خشنودیهای فراهم آورنده

بمحبّتك يا امل المشتاقين دهم اللّهمّ اجعلني فيه من المتوكّلين

بمحبت تو ای آرزوی مشتاقان خدایا بگردان مرا دراینماه از توکل کنندگان

عليك واجعلني فيه من الفائزين لديك واجعلني فيه من المقرّبين

بر تو و بگردان مرا دران از رستگاران نزد تو و بگردان مرا دران از نزدیکشدگان

اليك باحسانك يا غاية الطالبين يازدهم اللّهمّ حبّب الىّ فيه

بسوی تو بنیکی کردن تو ای نهایت خواهندگان خدایا دوست بکن بسوی من در

الاحسان وكرّه الىّ فيه الفسوق والعصيان وحرّم علىّ فيه السخط

اینماه نیکی کردن را و دشمن گردان بسوی من دران نافرمانی و گناه را و حرام کن برمن دران غضب

والنيران بعونك يا غياث المستغيثين دوازدهم اللّهمّ زيّنّي

و آتشها بیاری تو ای فریادرس فریاد خواهان خدایا زینت ده مرا

فيه بالستر والعفاف واسترني فيه بلباس القنوع والكفاف و

دراینماه بپوشش و عفت و بپوشان مرا دران بجامه قناعت و بازداشتن خود از حرام و

احملني فيه على العدل والانصاف وآمنّي فيه من كلّ ما اخاف

و بدار مرا دران بر دادخواهی و انصاف و ایمن گردان مرا دران از هر چه که میترسم

بعصمتك يا عصمة الخائفين سيزدهم اللّهمّ طهّرني فيه من

بحق نگاهداشتن تو ای نگاهدارنده ترسناکان خدا پاک گردان مرا دراینماه از

الدنس والاقذار وصبّرني فيه على كائنات الاقدار ووفّقني

هر چرکی و نجاستی و صابر گردان مرا دران بر آنچه میباشد از قضا و قدرها و توفیق ده مرا

فيه للتقى وصحبة الابرار بعونك يا قرّة عين المساكين چهاردهم

دران برای پرهیزکاری و رفاقت با نیکان هم بذات تو ای باعث سکون چشم گدایان

اللّهمّ لا تؤاخذني فيه بالعثرات واقلني فيه من الخطايا والهفوات

خدایا مگیر مرا دراینماه بلغزشها و برگردان مرا دران از گناهان و لغزشها

ولا تجعلني فيه غرضا للبلايا والآفات بعزّتك يا عزّ المسلمين

و نگردان مرا دران نشانه برای تیر بلا و آفتها هم بعزت تو ای عزت دهنده مسلمانان

پانزدهم اللّهمّ ارزقني فيه طاعة الخاشعين واشرح فيه صدري

خدایا روزیکن مرا دراینماه فرمانبرداری فروتنان و بگشا دران سینه مرا

بِاِنابَةِ الْمُخْبِتينَ بِاَمانِكَ يا اَمانَ الْخائِفينَ شانزدهم اَللّهُمَّ وَفِّقْني

خدایا توفیق ده مرا بازگشتن فروتنان بحق امان تو ای امان ترسناکان

فيهِ لِمُوافَقَةِ الْاَبْرارِ وَجَنِّبْني فيهِ مُرافَقَةَ الْاَشْرارِ وَآوِني فيهِ

در این ماه برای همراهی با نیکان و دور کن مرا در آن از رفاقت کردن با بدان و جای ده مرا در آن

بِرَحْمَتِكَ اِلى دارِ الْقَرارِ بِاِلهِيَّتِكَ يا اِلهَ الْعالَمينَ هفدهم اَللّهُمَّ

برحمت خودت بسوی خانه قرار و آرام بخدائی تو ای خدای جهانیان خدایا

اهْدِني فيهِ لِصالِحِ الْاَعْمالِ وَاقْضِ لي فيهِ الْحَوائِجَ وَالْآمالَ

راهنمائی کن مرا در این ماه برای عملهای شایسته و برآور از برای من در آن حاجتها و آرزوها را

يا مَنْ لا يَحْتاجُ اِلَى التَّفْسيرِ وَالسُّؤالِ يا عالِماً بِما في صُدُورِ الْعالَمينَ

ای کسیکه محتاج نمیشود بسوی اظهار کردن و سؤال کردن ای داننده بآنچه در سینهای جهانیان است

هیجدهم اَللّهُمَّ نَبِّهْني فيهِ لِبَرَكاتِ اَسْحارِهِ وَنَوِّرْ فيهِ قَلْبي بِضِياءِ

خدایا آگاه کن مرا در این ماه برای زیادتیهای سحرهای آن و روشن کن در آن دلم را بروشنی

اَنْوارِهِ وَخُذْ بِكُلِّ اَعْضائي اِلَى اتِّباعِ آثارِهِ بِنُورِكَ يا مُنَوِّرَ قُلُوبِ

روشنیهای آن و بکش همه اعضای من بسوی پیروی کردن نشانهای آن بروشنی تو ای روشن کننده دلهای

الْعارِفينَ نوزدهم اَللّهُمَّ وَفِّرْ حَظّي فيهِ مِنْ بَرَكاتِهِ وَسَهِّلْ

شناسندگان خدایا تمام کن در این ماه بهره مرا از زیادتیهای آن و آسان کن

سَبيلي اِلى خَيْراتِهِ وَلا تَحْرِمْني قَبُولَ حَسَناتِهِ يا هادِياً اِلَى الْحَقِّ

راه مرا بسوی خوبیهای آن و محروم مکن مرا از پذیرفتن نیکیهای آن ای راهنماینده بسوی حق

الْمُبينِ بیستم اَللّهُمَّ افْتَحْ لي فيهِ اَبْوابَ الْجِنانِ وَاَغْلِقْ عَنّي فيهِ

واضح خدایا بگشا برای من در این ماه درهای بهشت را و ببند از من در آن

اَبْوابَ النّيرانِ وَوَفِّقْني فيهِ لِتِلاوَةِ الْقُرْآنِ يا مُنْزِلَ السَّكينَةِ

درهای آتشها را و توفیق ده مرا در آن برای خواندن قرآن ای فرستنده آرامی

في قُلُوبِ الْمُؤْمِنينَ بیست و یکم اَللّهُمَّ اجْعَلْ لي فيهِ اِلى مَرْضاتِكَ

در دلهای اهل ایمان خدایا بگردان برای من در این ماه بسوی خشنودی خود

دَليلاً وَلا تَجْعَلْ لِلشَّيْطانِ فيهِ عَلَيَّ سَبيلاً وَاجْعَلِ الْجَنَّةَ لي

راهنمائی و نگردان برای شیطان در آن برمن راهی و بگردان بهشت را برای من

مَنْزِلاً وَمَقيلاً يا قاضِيَ حَوائِجِ الطّالِبينَ بیست و دوم اَللّهُمَّ افْتَحْ لي فيهِ

منزل و آرامگاهی ای برآورنده حاجتهای طلب کنندگان خدایا بگشا برای من در این ماه

اَبْوابَ فَضْلِكَ وَاَنْزِلْ عَلَيَّ فيهِ بَرَكاتِكَ وَوَفِّقْني فيهِ لِمُوجِباتِ

درهای فضل خودرا و فرو فرست برمن در آن از زیادتیهای خود و توفیق ده مرا در آن برای آنچه موجب

مَرْضاتِكَ وَاَسْكِنّي فيهِ بُحْبُوحاتِ جَنّاتِكَ يا مُجيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرّينَ

خشنودی تست و جای ده مرا در آن بمیان بوستانهای خود ای جواب گوینده دعای بیچارگان

بیست و سیم اَللّهُمَّ اغْسِلْني فيهِ مِنَ الذُّنُوبِ وَطَهِّرْني فيهِ مِنَ الْعُيُوبِ

خدایا بشوی مرا در این ماه از گناهان و پاک کن مرا در آن از زشتیها

وَامْتَحِنْ قَلْبي فيهِ بِتَقْوَى الْقُلُوبِ يا مُقيلَ عَثَراتِ الْمُذْنِبينَ بیست و چهارم

و بیازمای دلم را در آن بپرهیزکاری دلها ای برگرداننده لغزشهای گناهکاران

اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ فيهِ ما يُرْضيكَ وَاَعُوذُ بِكَ فيهِ مِمّا يُؤْذيكَ

خدایا بدرستیکه من میخواهم از تو در این ماه آنچه که خشنود کند ترا و پناه میبرم بتو در آن از آنچه که بیازارد ترا

وَاَسْئَلُكَ التَّوْفيقَ فيهِ لِاَنْ اُطيعَكَ وَلا اَعْصيكَ يا جَوادَ السّائِلينَ

و خواهش میکنم از تو توفیق را در آن برای آنکه فرمان برداری کنم ترا و نافرمانی نکنم ترا ای بخشنده خواهندگان

بیست و پنجم اَللّهُمَّ اجْعَلْني فيهِ مُحِبّاً لِاَوْلِيائِكَ وَمُعادِياً لِاَعْدائِكَ

خدایا بگردان مرا در این ماه دوست دارنده مر دوستان تو و دشمن دارنده مر دشمنان تو

مُسْتَنّاً بِسُنَّةِ خاتَمِ اَنْبِيائِكَ يا عاصِمَ قُلُوبِ النَّبِيّينَ بیست و ششم اَللّهُمَّ

رونده بروش خاتم پیغمبران تو ای نگاهدارنده دلهای پیغمبران خدایا

اجْعَلْ سَعْيي فيهِ مَشْكُوراً وَذَنْبي فيهِ مَغْفُوراً وَعَمَلي فيهِ مَقْبُولاً وَ

بگردان کوشش مرا در این ماه جزا داده شده و گناه مرا در آن آمرزیده شده و کار مرا در آن پذیرفته و

عَيْبي فيهِ مَسْتُوراً يا اَسْمَعَ السّامِعينَ بیست و هفتم اَللّهُمَّ ارْزُقْني فيهِ

زشتی مرا در آن پوشیده شده ای شنواتر شنوایان خدایا روزی کن مرا در این ماه

فَضْلَ لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَصَيِّرْ اُمُوري فيهِ مِنَ الْعُسْرِ اِلَى الْيُسْرِ وَاقْبَلْ

فضیلت شب قدر را و بگردان کارهایم را در آن از سختی بآسانی و بپذیر

مَعاذيري وَحُطَّ عَنِّيَ الذَّنْبَ وَالْوِزْرَ يا رَؤُفاً بِعِبادِهِ الصّالِحينَ

عذرهایم را و بریز از من گناه و بارها گناهانم را ای مهربان ببندگان شایسته خود

بیست و ششم اللّهمّ وفّر حظّی فیه من النّوافل واکرمنی فیه باحضار

خدایا تمام کن بهره مرا در اینماه از مستحبات و گرامی دار مرا بحاضر کردن

المسائل وقرّب فیه وسیلتی الیک من بین الوسائل یا من لا

مسئلها و نزدیک کن در ان وسیله مرا بسوی خودت از میان وسیلها ای انکه باز

یشغله الحاح الملحّین بیست و هفتم اللّهمّ غشّنی فیه بالرّحمة و

ندارد او را زاری زاری کنندگان خدایا فرو بگیر مرا در اینماه برحمت و

ارزقنی فیه التّوفیق والعصمة وطهّر قلبی من غیاهب التّهمة

روزی کن مرا در ان توفیق یافتن و نگاه داری از گناه و پاک کن دل مرا از تاریکیهای بدگمانی و دروغ

یا رحیماً بعباده المؤمنین سی ام اللّهمّ اجعل صیامی فیه بالشّکر

ای مهربانی کننده ببندگان گروندگان خدایا بگردان روزه مرا در اینماه بشکر

والقبول علی ما ترضاه ویرضاه الرّسول محکمة فروعه بالاصول

و پذیرفتن بر انچه پسندی تو انرا و بپسندد پیغمبر تو در حالتیکه استوار باشد فرعهای ان باصلها

بحقّ سیّدنا محمّد واله الطّاهرین والحمد لله ربّ العالمین

بحق اقای ما محمد وال او که پاکانند و ستایش مخصّ خداست که پروردگار جهانیانست

مؤلف گوید که در تقدیم و تاخیر دعاها و عبارات هر یک در کتب دعا مختلف ذکر کرده اند چونکه روایتش را معتبر ندانم متعرض ذکر اینها نشدم و دعای روز بیست و هفتم را کفعمی در بیست و نهم ذکر کرده و موافق مذهب شیعه در روز بیست و سیم خوندن دور نیست که انسب باشد والله یعلم

باب چهارم

در اعمال لیالی و ایام متبرکه ماه شوّال و ماه ذی القعده است از جمله ایام متبرکه ماه شوّال روز عید فطر است و شبش از جمله لیالی شریفه است در فضیلت و ثواب عبادت و احیاء ان احادیث بسیار است و از حضرت رسول صلی الله علیه واله منقولست که هر که احیا کند شب عید را نمیرد دل او در روزیکه دلها از ترس بمیرند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که گفت پدرم علی بن الحسین علیهما السلام شب عید را احیا میکرد بنماز تا صبح و در تمام انشب در مسجد میماند و میگفت اینهم زنده امشب کمتر از شب قدر نیست

و غسل در اینشب سنّت است و شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که مردم میگویند که آمرزش نازل میشود بر کسیکه روزه دارد ماه رمضان را در شب قدر حضرت فرمود که کارگران مزد میدهند مگر بعد از فارغ شدن از کار و ان شب عید است راوی گفت چه کار سزاوار است در انشب بکنم فرمود که چون افتاب غروب کند غسل بکن و چون فریضه مغرب و نافله انرا بجا اوری دستها را بسوی اسمان بلند کن و بگو

یا ذا المنّ والطّول یا ذا الجود یا مصطفی محمّد وناصره صلّ علی

ای صاحب منت و تفضّل ای صاحب بخشش ای برگزیننده محمد و یاری کننده او رحمت فرست

محمّد وال محمّد واغفر لی کلّ ذنب احصیته وهو عندک فی

محمد و ال محمد و بیامرز برای من هر گناهی که شماره کرده انرا و ان نزد تو در

کتاب مبین پس بسجده برو و صد مرتبه در سجده بگو اتوب الی الله

کتاب هویداست پشیمان میشوم بسوی خدا

پس هر حاجت که داری از حقتعالی طلب کن که انشاء الله براورده است و بسند معتبر از منقولست که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در شب عید فطر دو رکعت نماز میکردند و در رکعت اوّل بعد از حمد هزار مرتبه سوره قل هو الله احد و در رکعت دوّم یکمرتبه میخواندند پس برکوع و سجود میرفتند اتوب الی الله پس یا ذا المنّ والجود یا

و صد مرتبه میگفتند پشیمانم بسوی خدا میگفتند ای صاحب منت و بخشش ای

مصطفی محمّد صلّی الله علیه واله صلّ علی محمّد واله

برگزیننده محمد رحمت فرستد خدا بر او و ال او رحمت فرست بر محمد و ال او

پس حاجات خود را از خدا میطلبیدند پس سر از سجود بر میداشتند و میفرمودند بحق خداوندیکه جانم بدست قدرت او است که هر که این نماز را بکند هر حاجت که از حقتعالی طلبد البته او را عطا کند و اگر بعدد ریگهای بیابان گناه داشته باشد خدا بیامرزد و بعد از نماز سنّت است که این دعا بخواند یا الله

یا الله یا الله یا رحمن یا الله یا ملک یا الله یا قدّوس یا الله یا سلام

ای خدا ای خدا ای بخشنده ای خدا ای پادشاه ای خدا ای پاکیزه ای خدا ای سالم از هر نقص

یا الله یا مؤمن یا الله یا مهیمن یا الله یا عزیز یا الله یا جبّار یا

ای خدا ای امان دهنده ای خدا ای دانای هر چیز ای خدا ای غالب ای خدا ای شکسته بند ای

اَللّٰهُ یا مُتَكَبِّرُ یا اَللّٰهُ یا خالِقُ یا اَللّٰهُ یا بارِئُ یا اَللّٰهُ یا مُصَوِّرُ یا

خدا ای بزرگی کننده اجدا ای آفریننده اجدا ای پدید آورنده اجدا ای صورت نگار ای

اَللّٰهُ یا عالِمُ یا اَللّٰهُ یا عَظیمُ یا اَللّٰهُ یا كَریمُ یا اَللّٰهُ یا حَلیمُ یا اَللّٰهُ یا

خدا ای دانا اجدا ای بزرگ اجدا ای کریم اجدا ای بردبار اجدا ای

حَكیمُ یا اَللّٰهُ یا سَمیعُ یا اَللّٰهُ یا بَصیرُ یا اَللّٰهُ یا قَریبُ یا اَللّٰهُ یا مُجیبُ یا

درست کردار اجدا ای شنوا اجدا ای بینا اجدا ای نزدیک اجدا ای جواب گوی ای

اَللّٰهُ یا جَوادُ یا اَللّٰهُ یا واحِدُ یا اَللّٰهُ یا وَلِیُّ یا اَللّٰهُ یا وَفِیُّ یا اَللّٰهُ یا

خدا ای بخشنده اجدا ای یگانه اجدا ای دوست اجدا ای وفا کننده اجدا ای

مَوْلٰی یا اَللّٰهُ یا قاضی یا اَللّٰهُ یا سَریعُ یا اَللّٰهُ یا شَدیدُ یا اَللّٰهُ یا رَؤُوفُ

آقا اجدا ای حکم کننده اجدا ای زود اجابت کننده اجدا ای توانا اجدا ای مهربان

یا اَللّٰهُ یا رَقیبُ یا اَللّٰهُ یا مَجیدُ یا اَللّٰهُ یا جَوادُ یا اَللّٰهُ یا ماجِدُ یا

اجدا ای نگهبان اجدا ای بزرگوار اجدا ای بخشنده اجدا ای بزرگوار ای

اَللّٰهُ یا عَلِیُّ یا اَللّٰهُ یا حَفیظُ یا اَللّٰهُ یا مُحیطُ یا اَللّٰهُ یا سَیِّدَ السّاداتِ

خدا ای بلند مرتبه اجدا ای نگاه دارنده اجدا ای احاطه کننده اجدا ای آقای آقایان

یا اَللّٰهُ یا اَوَّلُ یا اَللّٰهُ یا آخِرُ یا اَللّٰهُ یا ظاهِرُ یا اَللّٰهُ یا باطِنُ یا اَللّٰهُ یا

اجدا ای اول اجدا ای آخر اجدا ای هویدا اجدا ای پنهان اجدا ای

فاخِرُ یا اَللّٰهُ یا قاهِرُ یا اَللّٰهُ یا رَبّاهُ یا اَللّٰهُ یا رَبّاهُ یا اَللّٰهُ یا رَبّاهُ یا اَللّٰهُ

فخر کننده اجدا ای غلبه کننده اجدا ای پروردگار اجدا ای پروردگار اجدا ای پروردگار اجدا

یا رَبّاهُ یا اَللّٰهُ یا رَبّاهُ یا اَللّٰهُ یا وَدُودُ یا اَللّٰهُ یا نُورُ یا اَللّٰهُ یا دافِعُ

ای پروردگار اجدا ای پروردگار اجدا ای مهربان اجدا ای روشنی دهنده اجدا ای دفع کننده

یا اَللّٰهُ یا مانِعُ یا اَللّٰهُ یا فاتِحُ یا اَللّٰهُ یا نَفّاعُ یا اَللّٰهُ یا جَلیلُ یا اَللّٰهُ

اجدا ای بازدارنده اجدا ای گشاینده اجدا ای سود بخش اجدا ای بزرگوار اجدا

یا جَمیلُ یا اَللّٰهُ یا شَهیدُ یا اَللّٰهُ یا شاهِدُ یا اَللّٰهُ یا مُغیثُ یا اَللّٰهُ یا

ای نیکو اجدا ای گواه اجدا ای حاضر اجدا ای دوست داشته شده اجدا ای

فاطِرُ یا اَللّٰهُ یا مُطَهِّرُ یا اَللّٰهُ یا مالِكُ یا اَللّٰهُ یا مُقْتَدِرُ یا اَللّٰهُ یا قا

آفریننده اجدا ای پاک کننده اجدا ای پادشاه اجدا ای توانا اجدا ای گیرنده

یا اَللّٰهُ یا باسِطُ یا اَللّٰهُ یا مُحْیی یا اَللّٰهُ یا مُمیتُ یا اَللّٰهُ یا مُجیبُ یا اَللّٰهُ یا باعِثُ

اجدا ای پهن کننده اجدا ای زنده کننده اجدا ای میراننده اجدا ای جواب گوینده اجدا ای برانگیزاننده

یا اَللّٰهُ یا مُعْطی یا اَللّٰهُ یا مُفْضِلُ یا اَللّٰهُ یا مُنْعِمُ یا اَللّٰهُ یا حَقُّ یا اَللّٰهُ یا

اجدا ای عطا کننده اجدا ای تفضّل کننده اجدا ای نعمت دهنده اجدا ای ثابت اجدا ای

مُبینُ یا اَللّٰهُ یا طَیِّبُ یا اَللّٰهُ یا مُحْسِنُ یا اَللّٰهُ یا مُبْدِئُ یا اَللّٰهُ یا مُعیدُ یا

ای بیان کننده اجدا ای پاکیزه کننده اجدا ای نیکی کننده اجدا ای ابتدا کننده اجدا ای برگرداننده ای

اَللّٰهُ یا بَدیعُ یا اَللّٰهُ یا بارِئُ یا اَللّٰهُ یا هادی یا اَللّٰهُ یا كافی یا اَللّٰهُ یا

خدا ای نو آورنده اجدا ای پدید آورنده اجدا ای راهنما اجدا ای کارگزار اجدا ای

شافی یا اَللّٰهُ یا عَلِیُّ یا اَللّٰهُ یا حَنّانُ یا اَللّٰهُ یا مَنّانُ یا اَللّٰهُ یا ذَا

شفا دهنده اجدا ای بلند مرتبه اجدا ای مهربان اجدا ای نعمت دهنده اجدا ای صاحب

الطَّوْلِ یا اَللّٰهُ یا مُتَعالی یا اَللّٰهُ یا عَدْلُ یا اَللّٰهُ یا ذَا الْمَعارِجِ یا اَللّٰهُ یا

بخشش اجدا ای بلند مرتبه اجدا ای دادخواه اجدا ای صاحب بلندیها اجدا ای

صادِقُ یا اَللّٰهُ یا دَیّانُ یا اَللّٰهُ یا باقی یا اَللّٰهُ یا ذَا الْجَلالِ یا اَللّٰهُ یا ذَا

راستگو اجدا ای جزا دهنده اجدا ای بی زوال اجدا ای صاحب بزرگی اجدا ای صاحب

الْاِكْرامِ یا اَللّٰهُ یا مَعْبُودُ یا اَللّٰهُ یا مَحْمُودُ یا اَللّٰهُ یا صانِعُ یا اَللّٰهُ

کرم اجدا ای پرستیده شده اجدا ای پسندیده اجدا ای آفریدگار اجدا

یا مُعینُ یا اَللّٰهُ یا مُكَوِّنُ یا اَللّٰهُ یا فَعّالُ یا اَللّٰهُ یا لَطیفُ یا اَللّٰهُ یا جَلیلُ

ای یاری کننده اجدا ای هست کننده اجدا ای بسیار توانا اجدا ای مهربان اجدا ای بزرگوار

یا اَللّٰهُ یا غَفُورُ یا اَللّٰهُ یا شَكُورُ یا اَللّٰهُ یا نُورُ یا اَللّٰهُ یا حَنّانُ یا اَللّٰهُ

اجدا ای آمرزنده اجدا ای جزا دهنده اجدا ای روشنی دهنده اجدا ای مهربان اجدا

یا قَدیرُ یا اَللّٰهُ یا رَبّاهُ یا اَللّٰهُ یا رَبّاهُ یا اَللّٰهُ یا رَبّاهُ یا اَللّٰهُ یا رَبّاهُ یا

ای توانا اجدا ای پروردگار اجدا ای پروردگار اجدا ای پروردگار اجدا ای پروردگار ای

اَللّٰهُ یا رَبّاهُ یا اَللّٰهُ یا رَبّاهُ یا اَللّٰهُ یا رَبّاهُ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ

خدا ای پروردگار اجدا ای پروردگار اجدا ای پروردگار اجدا سؤال می کنم از تو اینکه رحمت فرستی بر محمد

وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَمُنَّ عَلَیَّ بِرِضاكَ وَ تَعْفُوَ عَنّی بِحِلْمِكَ وَ تُوَسِّعَ عَلَیَّ مِنْ

و آل محمد و منت بگذاری بر من بخشنودی خود و در گذری از من به بردباری خود و فراخ کنی بر من از

رزقك الحلال الطیّب من حیث احتسب ومن حیث لا احتسب فانی عبدك

روزی تو که حلال پاکیزه است از جائی که گمان دارم وازجائیکه گمان ندارم پس بدرستیکه من بنده

لیس لی احد سواك ولا احد اسئله غیرك یا ارحم الراحمین ما

نیست برای من یکی جز تو ونه یکی که سؤال کنم اورا جز تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان انچه

شاء الله لا قوّة الا بالله العلیّ العظیم پس بسجده میروی ومیگوئی یا الله یا ربّ یا

خواسته است خدا نیست قوّتی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ ای خدا ای پروردگار ای

الله یا ربّ یا الله یا ربّ یا الله یا منزل البرکات بك تنزل کل حاجة

خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای فرستنده برکات بتو فرود اید هر حاجتی

اسئلك بكل اسم فی مخزون الغیب عندك والاسماء المشهورات

میخواهم ترا بهر نامیکه در خزینه پنهانی نزد تست ونامهائی که مشهورند

عندك المكتوبة علی سرادق عرشك ان تصلّی علی محمّد وال محمّد

نزد تو که نوشته شده بر سراپرده عرش تو اینکه رحمت فرستی بر محمد وال محمد

وان تقبّل منّی شهر رمضان وتكتبنی فی الوافدین الی بیتك

واینکه بپذیری ازمن ماه رمضان را وبنویسی مرا در زمره واردشدگان بسوی خانه

الحرام وتصفح لی عن الذنوب العظام وتستخرج یا ربّ کنوزك یا رحمن

محترم و درگذری برای من از گناهان بزرگ وبیرون اری ای پروردگار گنجهایت را ای بخشنده

ودر روایت دیگر بجای هزار مرتبه قل هو الله صد مرتبه نیز وارد شده است و ایضا

سنت مؤکد است که بعد از نماز شام وخفتن وصبح شب عید ونماز عید این تکبیرات را بخواند

الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر الله

خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است نیست خدائی مگر خدا و خدا بزرگتر است خدا

اکبر ولله الحمد الله اکبر علی ما هدانا

بزرگتر است ومر خدا راست سپاس خدا بزرگتر است بر انچه راهنمائی کرد مارا

واما اعمال روز عید

پس زکوة فطره واجب مؤکد است وترکش با تحقق شرایط وجوب گناه کبیره است وشرط

قبول روزه ماه مبارک است چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقولست که تمامی روزه

دادن زکوة است یعنی فطره چنانچه صلوات بر محمد وال محمد از تمامی نماز است پس برا

که هر که روزه بدارد وزکوة فطره ندهد روزه او مقبول نیست هرگاه عمداً ترك کند واگر

صلوات بر محمد بفرستد وال محمد را ترك کند در تشهد نمازش مقبول نیست وخدا زکوة را

پیش از نماز ذکر کرده است در انجا که فرموده است قد افلح من تزکّی وذکر اسم ربّه فصلّی یعنی

بتحقیق که رستگاری یافت هر که زکوة فطره داد وپروردگار خود را یاد کرد بان تکبیرات

که مذکور شد پس نماز عید را بجا اورد چنانکه زکوة مال باعث پاکیزگی مال میشود ومال

از تلف محفوظ میماند چنانکه منقولست که هیچ مالی در دریا وصحرا تلف نمیشود مگر به ندادن

زکوة همچنین فطره زکوة بدنست وبدن را پاکیزه میگرداند از بخل وسایر کثافات معنویه

واورا تا سال دیگر از بلاها حفظ میکند چنانچه بسند معتبر منقولست که حضرت

صادق علیه السلام با معتّب وکیل خرج خود فرمود که برو وفطره جمیع عیال ما وغلامان

وکنیزان ما را بده ویکی از ایشان را ترك مکن که زکوة اورا ندهی زیرا که اگر یکی را

ترك کنی میترسم که در عرض سال بمیرد **وبدانکه** زکوة فطره بر مال

نابالغ ودیوانه وبنده واجب نمیشود واگر نابالغ وعیال دیوانه دیگری باشند براو

واجبست که فطره ایشان را بدهد وزکوة بنده را اقا میدهد بنابر مشهور مگر انکه

در ان شب عیال دیگری باشد واشهر واقوی انست که در وجوب فطره توانگری شرط

است وان موافق مشهور انست که قوت سالیانه خود وعیال خود را داشته باشد

یا قادر بر کسبی باشد که وفا بمعیشت او وعیال او کند وبعضی گفته اند که اگر در شب

عید زیاده بر قوت خود وعیال خود بقدر فطره داشته باشد بر او واجب است و

اظهر انست که برای او سنت است واگر فقیر باشد فطره را با عیال خود دست بدست گرداند بعد

ازان بفقیر دیگر بدهند همه ثواب فطره را میبابند وباید که غنی اخراج فطره کند

از خود واز هر کس که واجب النفقه او باشد بشرط انکه عیال دیگری نباشد در

شب فطر که اگر عیال دیگری شده باشد بر او واجبست وهمچنین باید بدهد از

هر کس که در خانه او باشد از مهمان وغیر ان که اخر روز اخر ماه رمضان پیش از

شام در انخانه باشد وافطار کند واگر بعد از شام داخل شود وافطار کند یا

نکند واجب نیست بر صاحب خانه واگر پیش از شام داخل شود وافطار از مال او

نکند احوط انست که هر دو بدهند یا یکی از ایشان باذن دیگری بمستحق بدهد

قربة الی الله واگر شخصی عیال او نباشد اما نفقه وکسوه او را دهد ودر خانه

اونباشد و درخانهٔ دیگری باشد زکوة او بر معطی نیست و همچنین اگر در شب عید
پیش از شام ازجهت همسایها طعامی بفرستد یا فقیری را چیزی بدهد یا شخصی
در ماه رمضان مهمان باشد و در شب عید جای دیگر افطار کند یا بعد از شام
عید افطار کرده بخانه او اید یا چیزی نخورده باشد و بعد از شام بیاید زکوة
براو واجب نیست و احوط انستکه درصورت اخیر هر دو بدهند بلکه مطلق مهمان
اگر غنی باشد خود نیز بدهد بهتر است و وقت بیرون کردن فطره موافق مشهور
شام شب عید است تا ظهر روز عید و بعضی گفته اند تا شام روز عید و احوط ان
است که در شب جدا کند و پیش از نماز عید بدهد و اگر در صبح جدا کند نیز خوب
است و اگر پیش از نماز جدا کند و بعد از نماز در ان روز یا روز دیگر برای حاضر
نبودن مستحق یا عذر دیگر تاخیر کند قصور ندارد و اگر جدا نکند تا ظهر روز عید
احوط انستکه تا شام قصد ادا و قضا نکند و اگر از روز عید بگذرد بقصد قربة
بدهد و قصد خصوص فطره نکند یا انکه قصد کند که این را میدهم که اگر قضای فطره
بر من واجب باشد فطره باشد و الا تصدق باشد و پدر و مادر و جد و جده و
فرزندان و فرزندزادگان هرگاه فقیر باشند نفقهٔ ایشان براو واجبست پس اگر
نفقهٔ او را خورند فطره براو است و اگر عیال شخص دیگری باشند بر ان شخص دیگر
است و اگر عیال دیگری نیز نباشند اشهر و احوط انستکه او فطره ایشان را بدهد
و اما جنس فطره مشهور انستکه هرچه قوت غالب و باشد میتوان داد و
احوط انستکه جو یا گندم یا خرما یا مویز یا کشک بدهد و بهتر انستکه خرما بدهد
و بعد از ان مویز است و بعد از ان هرچه قوت غالب باشد چنانچه مردم شهر
چون قوتشان غالبا نان گندم است بهتر انستکه گندم بدهند و مردم دهاتی
که غالبا جو میخورند جو بدهند و در حدیث است که اگر یکصاع خرما در فطره بدهم
دوست تر میدارم از انکه یکصاع طلا بدهم **و اما مقدار** فطره از هر شخصی
یکصاع باید داد و صاع موافق حساب مشهور یکمن تبریز و چهارده مثقال و ربع
مثقال است و احوط انستکه یکمن و نیم تبریز بدهند و نهایت احتیاط انستکه یک
من شاه بدهند و باید بکسی بدهند که قوت سال خود و عیال خود را نداشته
باشد و سائل بکف نباشد و احوط انستکه متظاهر بفسوق نباشد و صالح

باشد و احوط انستکه در زمان غیبت امام علیه السلام بمجتهد جامع الشرایط عادل
بدهند که او بمستحقان برساند چون او مصارف را بهتر میداند و بعضی از علما این را
واجب دانسته اند و احوط انستکه فقیر را اکثر از یکصاع ندهند و بیک کس چند سر
میتوان داد و فطره را بواجب النفقه نمیتوان داد و بخویشان غیر واجب النفقه
دادن بهتر است بعد از ان بهمسایگان پریشان و بعد از ان بکسانیکه فاضلتر
و صالحتر و پریشانتر باشند و فطره غیر سید را بسید نمیتوان داد و فطره سید را
بسید و غیر سید هر دو میتوان داد و سنت است که در روز عید پیش از نماز عید
در اول روز افطار کنند و سنت است که بر خرما افطار کنند و غسل در روز عید سنت
مؤکد است و بعضی واجب دانسته اند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که
غسل را در زیر سقفی بکن و در زیر **اَللّٰهُمَّ اِیمانًا بِکَ وَتَصْدیقًا**
خدایا گرویدن من بتواست و باور داشتن
آسمان مکن و پیش از غسل بگو
بِکِتابِکَ وَاتِّباعَ سُنَّةِ نَبِیِّکَ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ پس بسم الله بگو
بکتاب تو و پیروی نمودن راه پیغمبر تو رحمت فرستد خدا براو و آل او
و غسل بکن
و چون فارغ شوی **اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ کَفّارَةً لِذُنُوبی وَطَهِّرْ دینی اَللّٰهُمَّ**
از غسل بگو
خدایا بگردان این غسل را محو کننده برای گناهان من و پاک کن دین مرا خدایا
اَذْهِبْ عَنِّی الدَّنَسَ و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در روز عید سنت
ببر از من چرک را
مؤکد است و ثواب بسیار در ان وارد شده است و نماز
عید در زمان حضور امام علیه السلام واجب است و در زمان غیبت امام اکثر علما
سنت میدانند و بجماعت کردن نیز سنت میدانند و میگویند تنها نیز میتوان خواند
و بگمان فقیر واجبست که بجماعت بکنند و بنماز مجتهد عادل حاضر شوند و اگر نتوانند
حاضر شدن تنها کردن سنت است و نماز عید دو رکعت است و در رکعت اول
بعد از قرائت پنج تکبیر میگویند و بعد از هر تکبیر یک قنوت میخوانند و در رکعت دوم
بعد از قرائت چهار تکبیر میگویند و چهار قنوت میخوانند و قنوت مخصوصی دارد و اگر
کسی از اذانچه در قنوتهای نمازهای دیگر میخوانند بخواند و هرگاه بجماعت بکنند
پیشنماز دو خطبه بعد از نماز **اَللّٰهُمَّ اَهْلَ الْکِبْرِیاءِ وَالْعَظَمَةِ وَاَهْلَ**
میخواند و قنوت مخصوص نماز عید اینست
خدایا توئی سزاوار بزرگواری و بزرگی و سزاوار

اَلْجُودِ وَالْجَبَرُوتِ وَاَهْلَ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَاَهْلَ التَّقْوٰى وَالْمَغْفِرَةِ

بخشش وبزرگواری وسزاوار درگذشتن ورحمت وسزاوار پرهیزکاری وآمرزش

اَسْئَلُكَ بِحَقِّ هٰذَا الْيَوْمِ الَّذِى جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيداً وَلِمُحَمَّدٍ

میخواهم تورا بحق این روز که گردانیدی آنرا برای مسلمانان عید وبرای محمد

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذُخْراً وَمَزِيداً اَنْ تُصَلِّىَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

رحمت فرستد خدا براو وآل او ذخیره وزیادتی اینکه رحمت فرستی بر محمد وآل محمد

وَاَنْ تُدْخِلَنِى فِى كُلِّ خَيْرٍ اَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ وَاَنْ

واینکه درآوری مرا در هر خوبی که درآوردی درآن محمد وآل محمد را واینکه

تُخْرِجَنِى مِنْ كُلِّ سُوءٍ اَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ

بیرون کنی مرا از هر بدی که بیرون کردی از آن محمد وآل محمد را رحمتهای تو براو

وَعَلَيْهِمْ اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَسْئَلُكَ خَيْرَ مَا سَئَلَكَ بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ

وبر ایشان خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا بهترچیزیرا که خواستند تورا بآن بندگان شایسته‌ات

وَاَعُوذُ بِكَ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُكَ الْمُخْلَصُونَ و بعد از نماز عید دعای بسیاری وارد

وپناه میبرم بتو از آنچه که طلب پناه کردند از آن بندگان تو که خالصند

شده است و بهترین دعاها دعای صحیفه کامله است و بسند صحیح از حضرت امام محمد

باقر علیه السلام منقول است که در روز جمعه و عید فطر و عید قربان در هنگام که مهیای

رفتن بسوی نماز جمعه و عید میشوی این دعا را بخوان اَللّٰهُمَّ مَنْ تَهَيَّاَ فِى هٰذَا الْيَوْمِ اَوْ تَعَبَّاَ اَوْ اَعَدَّ

خدایا آنکه مهیا شده در این روز یا ساز کشته یا آماده گشته

وَاسْتَعَدَّ لِوِفَادَةٍ اِلٰى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَنَوَافِلِهِ وَفَوَاضِلِهِ وَعَطَايَاهُ

ومستعد شده برای وارد شدن بسوی آفریده باميد بخشش او ونیکیهای او وزیادتیهای او وعطاهای او

فَاِنَّ اِلَيْكَ يَا سَيِّدِى تَهْيِئَتِى وَتَعْبِئَتِى وَاِعْدَادِى وَاسْتِعْدَادِى رَجَاءَ

پس بدرستیکه بسوی تواست ای من مهیا شدن من وساز شدن من وآماده شدن من ومستعد شدن من باميد

رِفْدِكَ وَجَوَائِزِكَ وَنَوَافِلِكَ وَفَوَاضِلِكَ وَفَضَائِلِكَ وَعَطَايَاكَ

بخشش تو وجایزه‌های تو ونیکیهای تو وزیادتیهای تو وفضلهای تو وعطاهای تو

وَقَدْ غَدَوْتُ اِلٰى عِيدٍ مِنْ اَعْيَادِ اُمَّةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ

وبتحقیق بامداد آمده‌ام بسوی عیدی از عیدهای امت پیغمبر تو محمد رحمتهای تو براو

وَآلِهِ وَلَمْ اَفِدْ اِلَيْكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ اَثِقُ بِهِ قَدَّمْتُهُ وَلَا تَوَجَّهْتُ

وآل او ووارد نشده‌ام بسوی تو امروز بعمل شایسته که اعتماد کنم بآن که پیش داشته‌ام آنرا ورو نکرده‌ام

بِمَخْلُوقٍ اَمَّلْتُهُ وَلٰكِنْ اَتَيْتُكَ خَاضِعاً مُقِرّاً بِذُنُوبِى وَاِسَائَتِى اِلٰى

با فریده که آرزو داشته‌ام آنرا ولیکن آمدم تورا فروتنی کننده اقرار کننده بگناهانم وبد کردنم بسوی

نَفْسِى فَيَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ اغْفِرْ لِىَ الْعَظِيمَ مِنْ ذُنُوبِى فَاِنَّهُ لَا يَغْفِرُ

نفس خودم پس ای بزرگ ای بزرگ بیامرز برای من بزرگ از گناهانم را پس بدرستیکه نیامرزد

الذُّنُوبَ الْعِظَامَ اِلَّا اَنْتَ يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

گناهان بزرگ را مگر تو ای آنکه نیست خدائی مگر تو ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان

و در حدیث معتبر از حضرت صاحب الامر علیه السلام منقول است اَللّٰهُمَّ اِنِّى تَوَجَّهْتُ

است که بعد از نماز صبح روز عید فطر این دعا را بخوانند خدایا بدرستیکه من رو آوردم

اِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ اَمَامِى وَعَلِىٍّ مِنْ خَلْفِى وَعَنْ يَمِينِى وَاَئِمَّتِى عَنْ يَسَارِى اَسْتَتِرُ

بسوی تو بوسیله محمد که پیش روی منست وعلی از عقب من واز راست من وپیشوایان من از چپ من طلب پوشش میکنم

بِهِمْ مِنْ عَذَابِكَ وَاَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ زُلْفٰى لَا اَجِدُ اَحَداً اَقْرَبَ اِلَيْكَ

بوسیله ایشان از عذاب تو ونزدیکی میجویم بسوی تو نزدیکی جستنی نمیابم احدیرا نزدیکتر بسوی تو

مِنْهُمْ فَهُمْ اَئِمَّتِى فَآمِنْ بِهِمْ خَوْفِى مِنْ عِقَابِكَ وَسَخَطِكَ وَاَدْخِلْنِى

از ایشان پس ایشانند پیشوایان من پس ایمنی ده بایشان ترس مرا از عذاب تو وغضب تو ودرآور مرا

بِرَحْمَتِكَ فِى عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ اَصْبَحْتُ بِاللّٰهِ مُؤْمِناً مُوقِناً مُخْلِصاً

برحمت خود در بندگان تو که شایسته‌اند داخل صبح شدم وحال آنکه مؤمنم بخدا از روی یقین واخلاص

عَلٰى دِينِ مُحَمَّدٍ وَسُنَّتِهِ وَعَلٰى دِينِ عَلِىٍّ وَسُنَّتِهِ وَعَلٰى دِينِ الْاَوْصِيَاءِ

بر دین محمد وطریقه او وبر دین علی وطریقه او وبر دین اوصیاء

وَسُنَّتِهِمْ آمَنْتُ بِسِرِّهِمْ وَعَلَانِيَتِهِمْ وَاَرْغَبُ اِلَى اللّٰهِ فِيمَا رَغِبَ فِيهِ

وطریقه ایشان گرویدم بپنهان ایشان وآشکار ایشان ومایلم بسوی خدا در آنچه میل کردند در آن

اِلَيْهِ مُحَمَّدٌ وَعَلِىٌّ وَالْاَوْصِيَاءُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ وَلَا عِزَّةَ وَ

بسوی او محمد وعلی واوصیاء ونیست حرکتی ونه توانائی مگر بخدا ونیست غلبه و

لَا مَنَعَةَ وَلَا سُلْطَانَ اِلَّا لِلّٰهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ تَوَكَّلْتُ

نه بزرگی ونه پادشاهی مگر برای خدای یگانه غالب ارجمند بزرگوار توکل کردم

على الله ومن يتوكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره اللهم
بر خدا وكسيكه توكل كند بر خدا كفايت است آن اورا بدرستيكه خدا رساننده است فرمان خود را
انى اريدك فاردنى واطلب ما عندك فيسره لى واقض لى حوائجى
بدرستيكه من ميخواهم ترا پس بخواه مرا وطلب ميكنم آنچه را كه نزد تست پس آسان كن آنرا برايمن وبرآور براى من حاجاتم را
فانك قلت فى كتابك وقولك الحق شهر رمضان الذى انزل
پس بدرستيكه گفتى تو در كتاب خود وگفته تو حقست ماه رمضان كه فرستاده شد
فيه القران هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان فعظمت حرمة
در او قرآن راهنما براى مردم ومعجزات از راهنمائى وجدا كننده حق از باطل پس بزرگ كردى حرمت
شهر رمضان بما انزلت فيه من القران وخصصته وعظمته
ماه رمضان را بآنچه فرستادى در آن از قرآن ومخصوص گردانيدى اورا وبزرگ كردى اورا
بتصييرك فيه ليلة القدر فقلت ليلة القدر خير من الف شهر
بگردانيدن تو در آن شب قدر را پس گفتى شب قدر بهتر است از هزار ماه
تنزل الملائكة والروح فيها باذن ربهم من كل امر
فرود مى‌آيند فرشتگان وروح در آن باجازه پروردگارشان از هر كارى
سلام هى حتى مطلع الفجر اللهم وهذه ايام شهر رمضان قد
سلامتست آن تا طلوع فجر خدايا واينست روزهاى ماه رمضان كه بتحقيق
انقضت ولياليه قد تصرمت وقد صرت منه يا الهى الى ما انت
بپايان رسيد وشبهاى آن كه بتحقيق بريده شد وبتحقيق گرديدم از آن ايخدايمن بسوى آنچه تو
اعلم به منى واحصى بعدده من عددى فاسئلك يا الهى بما سئلك
داناترى بآن از من وداناترى بشماره آن از شمار من پس ميخواهم ترا ايخداى من بآنچه خواستند ترا
به عبادك الصالحون ان تصلى على محمد وآل محمد واهل بيت
بآن بندگان تو كه شايستگانند اينكه رحمت فرستى بر محمد وآل محمد وخانواده محمد
محمد وان تتقبل منى ما تقربت به اليك وتتفضل على بتضعيف عملى
واينكه بپذيرى از من آنچه را كه نزديك شدم بسبب آن بسوى تو وتفضل كن برمن بدو چندان كردن كار من
وقبول تقربى وقرباتى واستجابة دعائى وهب لى منك عتق
وبپذيرفتن نزديكى من ونزديكيهاى من وجواب گفتن دعاى من وببخش برايمن از تو آزاد شدن

رقبتى من النار ومن على بالفوز بالجنة والامن يوم الخوف من كل
گردن مرا از آتش ومنت گذار برمن برستگارى بهشت وايمن بودن از روز ترسيدن از هر
فزع ومن كل هول اعددته ليوم القيمة اعوذ بحرمة وجهك
ترسى واز هر سختى كه آماده كرده آنرا براى روز قيامت پناه ميبرم بحرمت روى تو كه
الكريم وحرمة نبيك وحرمة الصالحين ان ينصرم هذا اليوم و
گراميست وحرمت پيغمبر تو وحرمت شايستگان اينكه بريده شود اينروز و
لك قبلى تبعة تريد ان تؤاخذنى بها او ذنب تريد ان تقايسنى به
از براى تو از جانب من وبالى باشد كه بخواهى اينكه بگيرى مرا بآن يا گناهى كه بخواهى اينكه بسنجى مرا بآن
وتشقينى وتفضحنى به او خطيئة تريد ان تقايسنى بها وتقتصها منى
وبدبخت سازى مرا ورسوا كنى مرا بآن يا گناهيكه بخواهى اينكه بسنجى مرا بآن وبگيرى آنرا از من
لم تغفرها لى واسئلك بحرمة وجهك الكريم الفعال لما يريد
كه نيامرزى آنرا برايمن وميخواهم ترا بحرمت ذات تو كه گراميست وكننده است آنچه را ميخواهد
الذى تقول للشىء كن فيكون لا اله الا هو اللهم انى اسئلك بلا
كه ميگوئى هر چيز را باش پس ميباشد نيست خدائى مگر او خدايا بدرستيكه من ميخواهم ترا بحق
اله الا انت ان كنت رضيت عنى فى هذا الشهر ان تزيد فيما بقى
لا اله الا انت اينكه بوده باشى خشنود از من در اينماه اينكه زياد كنى در آنچه باقيمانده
من عمرى رضا وان كنت لم ترض عنى فى هذا الشهر فمن الان
از عمر من خشنودى را واينكه بوده باشى كه خشنود نشده باشى از من در اينماه پس از حالا
فارض عنى الساعة الساعة واجعلنى فى هذه الساعة
خشنود باش از من در اينساعت در اينساعت وبگردان مرا در اينساعت
وفى هذا المجلس من عتقائك من النار وطلقائك من جهنم و
ودر اينمجلس از آزادشدگان تو از آتش ورهاشدگان تو از جهنم و
سعداء خلقك بمغفرتك ورحمتك يا ارحم الراحمين اللهم انى
نيكبختان خلق تو بآمرزش تو ورحمت تو ايرحم كننده‌ترين رحم كنندگان خدايا بدرستيكه
اسئلك بحرمة وجهك الكريم ان تجعل شهرى هذا خير شهر
ميخواهم ترا بحرمت ذات تو كه گراميست اينكه بگردانى اينماه مرا بهترين ماه

رمضان عبدتك فيه وصمته لك وتقربت به اليك منذ

رمضانیکه بندگی کردم ترا دران وروزه گرفتم دران برای تو ونزدیکی جستم بان بسوی تو از وقتیکه

اسكنتني فيه اعظمه اجرا واتمه نعمة واعمه مغفرة واكمله

ساکن نمودی مرا دران بزرگترین مزد اورا وتمامترین نعمت اورا وشاملترین امرزش او وکاملتر

رضوانا واقربه الى ما تحب وترضى اللهم لا تجعله اخر شهر

خوشنودی او ونزدیکتر او بسوی انچه دوست داری وخشنود شوی خدایا نگردان اورا اخر ماه

رمضان صمته لك وارزقني العود فيه ثم العود حتى ترضى وبعد

رمضانیکه روزه گرفتم دران برای تو وروزیکن مرا برگشتن دران پس برگشتن تا خشنود شوی وپس از

الرضا وحتى تخرجني من الدنيا سالما وانت عني راض وانا لك مرضي

خشنودی وتا ببرون کنی مرا از دنیا سلامت وتو از من خشنود باشی ومن برای تو پسندیده

اللهم اجعل فيما تقضي وتقدر من الامر المحتوم الذي لا يرد ولا

خدایا بگردان درانچه حکم میکنی واندازه میگیری از فرمان حتم شده که رد کرده نشود و

يبدل ان تكتبني من حجاج بيتك الحرام في هذا العام وفي كل

تبدیل نشود اینکه بنویسی مرا از حاجیان خانه باحرمت تو در این سال ودرهر

عام المبرور حجهم المشكور سعيهم المغفور ذنوبهم المتقبل مناسكهم

سال که پذیرفته شده حجشان جزاداده شده کوششان امرزیده شده گناهانشان پذیرفته شده طاعاتشان

المعافين على اسفارهم المقبلين على نسكهم المحفوظين في انفسهم

عافیت داده شده بر سفرهایشان رواورنده بر حجشان نگاهبانی شده در نفسهایشان

واموالهم وذراريهم وكل ما انعمت به عليهم اللهم اقلبني من مجلسي

ومالهایشان وفرزندانشان وهرچه نعمت دادی بان برایشان خدایا بازگردان مرا از مجلس من

هذا في شهري هذا في يومي هذا في ساعتي هذه مفلحا منجحا

در این ماه من در این روز من در این ساعت من رستکار شده بمقصود رسیده

مستجابا لي مغفورا ذنبي معافا من النار ومعتقا منها عتقا لا رق

اجابت شده برای من امرزیده شده گناه من عافیت داده شده از اتش وازاد شده از ان ازاد شدنی که بندگی

بعده ابدا ولا رهبة يا رب الارباب اللهم اني اسئلك ان تجعل

نباشد پس از ان هرگز ونه ترسی ای پروردگار پروردگان خدایا بدرستیکه من میخواهم از تو اینکه بگردانی

فيما شئت واردت وقضيت وقدرت وحتمت وانفذت ان تطيل

درانچه خواستی واراده کردی وحکم کردی وتقدیر کردی وحتم کردی وروان کردی اینکه دراز کنی

عمري وتنسئ في اجلي وان تقوي ضعفي وان تغني فقري وان تجبر

عمر مرا وپس اندازی در اجل من واینکه توانائی دهی سستی مرا واینکه توانگر کنی احتیاج مرا واینکه تدارک

فاقتي وان ترحم مسكنتي وان تعز ذلي وان ترفع ضعتي وان تغني

کنی پریشانی مرا واینکه رحم کنی گدائی مرا واینکه عزیز کنی خواری مرا واینکه بلند کنی پستی مرا واینکه بی نیاز کنی

عائلتي وان تونس وحشتي وان تكثر قلتي وان تدر رزقي في عافية

درویشی مرا واینکه انس بگیری رمیدگی مرا واینکه بسیار کنی کمی مرا واینکه روان سازی روزی مرا در عافیت

ويسر وخفض وان تكفيني ما اهمني من امر دنياي واخرتي و

واسانی ورفاهیت واینکه کفایت کنی مرا انچه غمگین کند مرا از کار دنیای من واخرت من و

لا تكلني الى نفسي فاعجز عنها ولا الى الناس فيرفضوني وان

وانگذاری مرا بسوی خودم پس عاجز شوم از ان ونه بسوی مردم پس واگذارند مرا واینکه

تعافيني في ديني وبدني وجسدي وروحي وولدي واهلي واهل

عافیت دهی مرا در دین من وبدن من وجسد من وروح من وفرزند من وخانواده من وسزاوار

مودتي واخواني وجيراني من المؤمنين والمؤمنات والمسلمين

دوستی من وبرادران من وهمسایگان من از مردهای مؤمن وزنهای مؤمنه ومردهای مسلمان

والمسلمات الاحياء منهم والاموات وان تمن علي بالامن و

وزنهای مسلمان زندگان از ایشان ومردگان واینکه منت گذاری برمن بایمن بودن و

الايمان ما ابقيتني فانك وليي ومولاي وثقتي ورجائي ومعدن

ایمان داشتن مادامیکه باقی گذاردی مرا پس بدرستیکه تو دوست منی واقای منی ومحل اعتماد منی وامید منی وکان

مسئلتي وموضع شكواي ومنتهى رغبتي فلا تخيبني في رجائي يا

خواهش منی ومحل شکایت منی ونهایت میل منی پس ناامید مکن مرا در امید من ای

سيدي ومولاي ولا تبطل طمعي ورجائي فقد توجهت اليك بمحمد

اقای من ومولای من ونابود مکن طمع مرا وامید مرا پس بتحقیق رواوردم بسوی تو بمحمد

وال محمد وقدمتهم اليك امامي وامام حاجتي وطلبتي وتضرعي

وال محمد وپیش داشتم ایشان را بسوی تو پیش روی خود وپیش حاجت خودم وخواهش من وزاری

وَمَسْئَلَتِی فَاجْعَلْنِی بِهِمْ وَجِیهاً فِی الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِینَ فَاِنَّكَ

وخواهش من پس بگردان مرا بایشان روشناس در دنیا و آخرت و از نزدیکشدگان پس بدرستیکه

مَنَنْتَ عَلَیَّ بِهِمْ بِمَعْرِفَتِهِمْ فَاخْتِمْ لِی بِالسَّعادَةِ وَالسَّلامَةِ وَالْاَمْنِ

منت گذاردی بر من بایشان بشناسائی ایشان پس تمام کن برای من بخوش بختی و سلامتی و ایمن بودن

وَالْاِیمانِ وَالْمَغْفِرَةِ وَالرِّضْوانِ وَالسَّعادَةِ وَالْحِفْظِ یا اَللّٰهُ اَنْتَ لِكُلِّ

و ایمان داشتن و آمرزش و خشنودی و خوشبختی و نگاهبانی ایخدا توئی برای هر

حاجَةٍ لَنا فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَعافِنا وَلا تُسَلِّطْ عَلَیْنا اَحَداً مِنْ

حاجتی از برای ما پس رحمت فرست بر محمد و آل او و عافیت ده ما را و مسلط مکن بر ما احدی را از

خَلْقِكَ لا طاقَةَ لَنا بِهِ وَاكْفِنا كُلَّ اَمْرٍ مِنْ اَمْرِ الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ یا

آفریدگان تو که نیست توانائی برای ما بآن و کفایت کن ما را هر کاری از کار دنیا و آخرت را ای

ذَا الْجَلالِ وَالْاِكْرامِ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَرَحَّمْ عَلی مُحَمَّدٍ وَ

صاحب بزرگی و بزرگواری رحمت فرست بر محمد و آل محمد و ترحم کن بر محمد و بر

آلِ مُحَمَّدٍ وَسَلِّمْ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَاَفْضَلِ ما صَلَّیْتَ وَبارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ

آل محمد و درود فرست بر محمد و آل محمد مانند بهترین آنچه رحمت فرستادی و زیادتی دادی و ترحم کردی

وَتَحَنَّنْتَ عَلی اِبْراهِیمَ وَآلِ اِبْراهِیمَ اِنَّكَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ و استحباب روزه داشتن

و مهربانی کردی بر ابراهیم و آل ابراهیم بدرستیکه تو ستوده بزرگواری شش روز بعد از

عید در بعضی از روایات وارد شده است و نهی نیز از آن وارد شده است و ظاهرا روزه داشتن محمول بر تقیه است چنانکه در میان سنیان مشهور است و ترکش بهتر است و همچنین کراهت نکاح کردن در میان عید فطر و عید اضحی اصلی ندارد و شاید اصلش از عامه بوده باشد و در ماه شوال چون عقد نمودن عایشه در آن واقع شده است و اکثر مفاسد اسلام بر آن مترتب شده و از بعضی روایات کراهت مستفاد میشود و اگر در خصوص شوال احتراز کنند بهتر است

وَاَمّا اَعْمالُ ماهِ ذِی الْقَعْدَه

بدانکه آن اول ماههای حرام است که حقتعالی در قرآن مجید یاد فرموده است و آن ذو القعده و ذو الحجه و محرم و ماه رجب است و در این ماهها ابتدای قتال با کافران

نباید کرد و شیخ مفید و غیر او از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که هر که در یکی از ماههای حرام پنجشنبه و جمعه و شنبه را متوالی روزه بدارد ثواب نهصد سال عبادت برای او نوشته شود و در روایتی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که در شب پانزدهم ماه ذی القعده حقتعالی بسوی بندگان مؤمن نظر رحمت میکند کسیکه آنشب را بعبادت بسر آورد ثواب صد عابد باو عطا کند که در یک چشم زدن معصیت خدا نکرده باشد چون نصف شب بگذرد شروع کن بعبادت و نماز و حاجات خود را از حقتعالی طلب کن که هر حاجت که طلب کنی مستجاب میگردد و بعضی از علما گفته اند که در روز بیست و سیم ماه ذی القعده زیارت حضرت امام رضا علیه السلام از نزدیک و دور سنت است و روز بیست و پنجم ذی القعده روز دحو الارض است یعنی پهن شدن زمین از زیر کعبه روی آب و روز بسیار مبارکی است و کلینی از محمد بن عبد الله روایت کرده است که حضرت امام رضا علیه السلام در شهر مرو در روز بیست و پنجم ذی القعده بیرون آمدند و فرمودند که امروز را روزه بدارید که من نیز روزه ام گفتم فدای تو شوم امروز چه روز است فرمود که روزیستکه رحمت در این روز منتشر گردیده است و زمین در این روز پهن شده است و کعبه در این روز نصب شده است و حضرت آدم در این روز بر زمین فرود آمده است و ابن بابویه ره روایت کرده است از حسن و شا که گفت من با پدرم در خدمت حضرت امام رضا علیه السلام شام خوردیم در شب بیست و پنجم ذی القعده پس فرمود که امشب حضرت ابراهیم ع و حضرت عیسی علیه السلام متولد شده اند و زمین از زیر کعبه پهن شده است پس هر که روزش را روزه بدارد چنانستکه شصت ماه را روزه داشته باشد و حضرت قائم علیه السلام در این روز ظاهر خواهد شد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولستکه حقتعالی رحمت خود را بر بندگان در این روز فرستاده است و روزه اش مثل روزه هفتاد سال است و بروایت دیگر رحمتی از آسمان در این شب نازل شده است هر که این روز را روزه بدارد هر چه در میان آسمان و زمین است برای او استغفار کنند و طلب آمرزش نمایند و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مرویستکه اول رحمتیکه از آسمان بسوی زمین نازل شد در بیست و پنجم ذی القعده بود و هر که این روز را روزه بدارد و شبش را بعبادت

باشد از برای او عبادت صد ساله نوشته شود که روزها را روزه داشته باشد وشبها را بعبادت بسر آورده باشد وهر جماعتیکه در این روز جمع شوند برای ذکر پروردگار خود پیش از آنکه متفرق گردند حاجت ایشان بر آورده شود ودر این روز هزار هزار رحمت از جانب حقتعالی بر بندگان نازل میگردد بود ونه رحمت از آنها مخصوص جمعی است که مجتمع گردند وبذکر خدا مشغول گردند وروزش را روزه بدارند وشبش را عبادت کنند ودر روایتی وارد شده است که سنت است در این روز در وقت چاشت دو رکعت نماز بجا آورد ودر هر رکعت بعد از حمد پنج مرتبه سورهٔ والشمس بخواند وبعد از سلام این دعا بخواند

لاحَوْلَ وَلاقُوَّةَ اِلاّ بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ يا مُقيلَ الْعَثَراتِ اَقِلْني عَثْرَتي

نیست حرکت ونه توانائی مگر بخدای بلند رتبه بزرگ ای درگذرنده از لغزشها درگذر از لغزش

يا مُجيبَ الدَّعَواتِ اَجِبْ دَعْوَتي يا سامِعَ الاَصْواتِ اِسْمَعْ صَوْتي وَ

بجواب گوینده دعاها جواب ده خواندن مرا ای شنونده صداها بشنو صدای مرا و

ارْحَمْني وَتَجاوَزْ عَنْ سَيِّئاتي يا ذَا الْجَلالِ وَالاِكْرامِ وشیخ طوسی ره

رحم کن مرا ودرگذر از گناهان من ای صاحب بزرگی وبزرگواری

گفته است که مستحب است که در این روز این دعا را بخوانند اَللّـهُمَّ داحِيَ الْكَعْبَةِ وَفالِقَ الْحَبَّةِ وَ

خدایا ای گسترانندهٔ کعبه وشکافندهٔ دانه و

صارِفَ اللَّزْبَةِ وَكاشِفَ كُلِّ كُرْبَةٍ اَسْاَلُكَ في هذَا الْيَوْمِ

گرداننده سختی وبردارنده هر اندوه میخواهم از تو در این روز

مِنْ اَيّامِكَ الَّتي اَعْظَمْتَ حَقَّها وَاَقْدَمْتَ سَبْقَها وَجَعَلْتَها عِنْدَ

از روزهای تو که بزرگ گردانیدی حق آنرا وپیش انداختی پیشی آنرا وگردانیدی آنرا نزد

الْمُؤْمِنينَ وَديعَةً وَاِلَيْكَ ذَريعَةً وَبِرَحْمَتِكَ الْواسِعَةِ اَنْ تُصَلِّيَ

گروندگان امانت وبسوی تو وسیله وبرحمت تو که فراخست اینکه رحمت فرستی

عَلى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ الْمُنْتَجَبِ فِي الْميثاقِ الْقَريبِ يَوْمَ التَّلاقِ

بر محمد بنده برگزیده شده تو در روز پیمان نزدیک در روز بهم رسیدن

فاتِقِ كُلِّ رَتْقٍ وَداعٍ اِلى كُلِّ حَقٍّ وَعَلى اَهْلِ بَيْتِهِ الاَطْهارِ

گشاینده هر بسته وخواننده بسوی هر حقی وبر خانواده او که پاکانند

الْهُداةِ الْمَنارِ دَعائِمِ الْجَبّارِ وَوُلاةِ الْجَنَّةِ وَالنّارِ وَ

نشانهٔ هدایتند ستونهای بزرگوار ووالیان اهل بهشت و آتش اند و

اَعْطِنا في يَوْمِنا هذا مِنْ عَطائِكَ الْمَخْزُونِ غَيْرَ مَقْطُوعٍ تَجْمَعُ

عطا کن ما را در این روز از عطاهای تو که پنهان داشته که بریده نشده که جمع کنی

لَنا بِهِ التَّوْبَةَ وَحُسْنَ الاَوْبَةِ يا خَيْرَ مَدْعُوٍّ وَاَكْرَمَ مَرْجُوٍّ يا كَفِيُّ

برای ما آن پشیمانی و نیکو بازگشتن را ای بهتر خوانده شده وگرامی تر امید داشته شده ای کفایت کننده

يا وَفِيُّ يا مَنْ لُطْفُهُ خَفِيٌّ اُلْطُفْ لي بِلُطْفِكَ وَاَسْعِدْني بِعَفْوِكَ وَاَيِّدْني

ای وفا کننده ای آنکه مهربانی او پنهانست مهربانی کن با من بمهربانی خود وخرمی کن با من ببخشش خود وقوی کن مرا

بِنَصْرِكَ وَلا تُنْسِني كَريمَ ذِكْرِكَ بِوُلاةِ اَمْرِكَ وَحَفَظَةِ سِرِّكَ

بیاری خود وفراموش مکن مرا گرامی یاد خود را بحرمت والیان فرمان تو ونگهبانان سر تو

وَاحْفَظْني مِنْ شَوائِبِ الدَّهْرِ اِلى يَوْمِ الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ وَاَشْهِدْني

ونگاه دار مرا از بدیهای روزگار تا روز رستخیز وزنده شدن وحاضر گردان مرا

اَوْلِياءَكَ عِنْدَ خُرُوجِ نَفْسي وَحُلُولِ رَمْسي وَانْقِطاعِ عَمَلي وَانْقِضاءِ

دوستان خود را نزد بیرون شدن جان من وداخل شدن قبرم وبریده شدن کردار من وسر آمدن

اَجَلي اَللّـهُمَّ وَاذْكُرْني عَلى طُولِ الْبِلى اِذا حَلَلْتُ بَيْنَ اَطْباقِ الثَّرى

عمر من خدایا ویاد کن مرا بر درازی زمان کهنگی هرگاه فرود آیم میان طبقه های خاک

وَنَسِيَنِي النّاسُونَ مِنَ الْوَرى وَاَحْلِلْني دارَ الْمُقامَةِ وَبَوِّئْني

وفراموش کنند مرا فراموش کنندگان از خلق وفرود آور مرا در خانهٔ اقامت وجای ده مرا

مَنْزِلَ الْكَرامَةِ وَاجْعَلْني مِنْ مُرافِقي اَوْلِيائِكَ وَاَهْلِ

در جایگاه کرامت وبگردان مرا از یاران دوستان تو واهل

اجْتِبائِكَ وَاصْطِفائِكَ وَبارِكْ لي في لِقائِكَ وَارْزُقْني حُسْنَ

برگزیدگان واختیار شدگان تو وزیادتی ده برای من در ملاقات خود وروزی کن مرا نیکی

الْعَمَلِ قَبْلَ حُلُولِ الاَجَلِ بَريئاً مِنَ الزَّلَلِ وَسُوءِ الْخَطَلِ اَللّـهُمَّ وَ

کردار پیش از رسیدن مرگ که بری باشم از لغزشها وبدی سخن باطل خدایا و

اَوْرِدْني حَوْضَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاسْقِني

وارد ساز مرا بحوض پیغمبر خود محمد رحمت فرستد خدا براو وآل او وسیراب کن مرا

مِنْهُ مَشْرَباً رَوِيّاً سَائِغاً هَنِيئاً لاَ أَظْمَأُ بَعْدَهُ وَلاَ أُحَلَّأُ وِرْدَهُ

از حوض سیرابکردنی از آب شیرین گوارا که تشنه نشوم بعد از آن و منع کرده نشوم از ورود آن

وَلاَ عَنْهُ أُذَادُ وَاجْعَلْهُ لِي خَيْرَ زَادٍ وَأَوْفَى مِيعَادٍ يَوْمَ يَقُومُ الأَشْهَادُ

و نه از آن رانده شوم و بگردان اورا برای من بهترین توشه و وفا کرده‌ترین وعده روزیکه برپا شوند حاضران

اَللّٰهُمَّ وَالْعَنْ جَبَابِرَةَ الأَوَّلِينَ وَالآخِرِينَ وَبِحُقُوقِ أَوْلِيَائِكَ

خدایا و لعن کن ستم کنندگان پیشینیان و پسینیان را و بحقوق دوستان خود

الْمُسْتَأْثِرِينَ اَللّٰهُمَّ وَاقْصِمْ دَعَائِمَهُمْ وَأَهْلِكْ أَشْيَاعَهُمْ وَعَامِلَهُمْ

منفرد شدند خدایا و درهم شکن ستونهای ایشان را و نابود کن پیروان ایشان و والیان ایشان

وَعَجِّلْ مَهَالِكَهُمْ وَاسْلُبْهُمْ مَمَالِكَهُمْ وَضَيِّقْ عَلَيْهِمْ

و شتاب کن در هلاکت ایشان و برگیر از ایشان مملکتهای ایشان را و تنگ کن بر ایشان

مَسَالِكَهُمْ وَالْعَنْ مُسَاهِمَهُمْ وَمُشَارِكَهُمْ اَللّٰهُمَّ وَعَجِّلْ فَرَجَ

راهها ایشان را و لعن کن هم قرعه‌های ایشان و شریکان ایشان را خدایا و تعجیل کن فرج

أَوْلِيَائِكَ وَارْدُدْ عَلَيْهِمْ مَظَالِمَهُمْ وَأَظْهِرْ بِالْحَقِّ قَائِمَهُمْ وَاجْعَلْهُ

دوستانت را و برگردان بر ایشان چیزهائیکه بستم گرفته شده از ایشان و ظاهر کن بحق قائم ایشان را و بگردان

لِدِينِكَ مُنْتَصِراً وَبِأَمْرِكَ فِي أَعْدَائِكَ مُؤْتَمِراً اَللّٰهُمَّ احْفُفْهُ

برای دین خود یاری کننده و بفرمان تو در دشمنان تو فرمانبردار خدایا فراگیر اورا

بِمَلاَئِكَةِ النَّصْرِ وَبِمَا أَلْقَيْتَ إِلَيْهِ مِنَ الأَمْرِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مُنْتَقِماً

بفرشتگان یاوری و بانچه بینداختی بسوی او از هر امری در شب قدر و حال انکه انتقام کشنده

لَكَ حَتَّى تَرْضَى وَيَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ جَدِيداً غَضّاً وَيَمْحَضَ

است برای تو تا خشنود شوی و برگردد دین تو باو و بر دستهای او تازه بالطراوت و خالص نماید

الْحَقَّ مَحْضاً وَيَرْفُضَ الْبَاطِلَ رَفْضاً اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَى

حق را خالص کردنی و براندازد باطل را برانداختنی خدایا رحمت فرست براو و آل او و بر

جَمِيعِ آبَائِهِ وَاجْعَلْنَا مِنْ صَحْبِهِ وَأُسْرَتِهِ وَابْعَثْنَا فِي كَرَّتِهِ حَتَّى نَكُونَ

همه پدران او و بگردان مارا از اصحاب او و گروه او و برانگیز مارا در رجعت او تا انکه بوده باشیم

فِي زَمَانِهِ مِنْ أَعْوَانِهِ اَللّٰهُمَّ أَدْرِكْ بِنَا قِيَامَهُ وَأَشْهِدْنَا أَيَّامَهُ

در زمان او از یاران او خدایا برسان مارا بزمان قیام او و حاضر گردان مارا بروزهای

وَصَلِّ عَلَيْهِ وَارْدُدْ إِلَيْنَا سَلاَمَهُ وَالسَّلاَمُ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ

و رحمت فرست براو و برگردان بسوی ما سلام اورا و سلام بر ایشان و رحمت خدا و برکات او

باب پنجم

در بیان فضائل و اعمال ماه مبارک ذی الحجه است و در آن پنج فصلست **فصل اول** در بیان فضائل ماه ذی الحجه است و دهه اول و اعمال انست ایام این دهه همه در نهایت فضیلت و برکتند و حقتعالی میفرماید وَاذْكُرُوا اللّٰهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ یعنی یاد کنید خدارا در روزهای چند شمرده شده یعنی کم و باز فرموده است وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللّٰهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَى مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الأَنْعَامِ یعنی اعلام کن مردم را که بیایند بحج تا انکه بیابند منفعتهای دنیا و اخرت را و یاد کنند خدارا در روزهای چند معلوم برای انکه روزی کرده است ایشان را از گوشت چهارپایان که گاو و شتر و گوسفند و بز است و در احادیث معتبره از ائمه منقولست که ایام معلومات ده روز اول ذی الحجه است و ایام معدودات روز دهم و یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ماه ذی الحجه است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که عمل خیر و عبادت هیچ ایامی نزد حقتعالی محبوبتر نیست از ده روز اول ذی الحجه و چون این ماه داخل میشد صلحای صحابه و تابعان اهتمام عظیم در عبادت میکردند و بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که پدرم امام محمد باقر علیه السلام بامن گفت ای فرزند گرامی البته در هر شب از دهه اول ذی الحجه دو رکعت نماز بجا اور در میان شام و خفتن و در هر رکعت یکمرتبه سوره حمد و سوره قل هو الله احد و این ایه را بخوان وَوَاعَدْنَا مُوسَى

و وعده دادیم موسی را

ثَلاَثِينَ لَيْلَةً وَأَتْمَمْنَاهَا بِعَشْرٍ فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَ

سی شب و تمام کردیم انرا بده شبانه روز پس تمام شد وقت پروردگار او چهل شب و

قَالَ مُوسَى لأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلاَ تَتَّبِعْ

گفت موسی مر برادرش هرون را که جانشین باش مرا در قوم من و بصلاح آر کار را و پیروی مکن

سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ چون چنین کنی با حاجیان در ثواب حج شریک

راه تبه کاران را

خواهی بود هر چند بحج نروی و روز اول ذی الحجه

روز مبارکیست و روایتی وارد شده است که حضرت ابراهیم خلیل ع در این روز متولد شده است و در این روز حقتعالی حضرت ابراهیم را خلیل خود گردانید و بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام منقولست که هر که روز اول ذی الحجه را روزه بدارد حقتعالی برای او ثواب هشتاد ماه روزه بنویسد و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که هر که نه روز اول ذی الحجه را روزه بدارد حقتعالی ثواب روزه تمام عمر او را از برای او بنویسد و شیخ طوسی ره گفته است که روزه از روز اول ذی الحجه تا نهم مستحب است و اگر نتواند روز اول را روزه بدارد و در روز اول حضرت رسول صلی الله علیه و آله حضرت فاطمه علیها السلام را بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام تزویج نمود و بروایت دیگر در روز ششم تزویج نمود **و بدانکه** قضاء روزه ماه مبارک رمضان را از اول ماه تا روز عرفه میتوان گرفت چنانچه علما گفته اند و احادیث صحیحه بر آن دلالت دارد و بعضی از روایات که بر منع وارد شده است سند آنها معتبر نیست و محمول بر تقیه است چنانچه در کتب مبسوطه دلائل آنرا ایراد نموده ام و باز شیخ ره گفته است که مستحب است که در روز اول نماز حضرت فاطمه علیها السلام را بجا آورد و روایت شده است که آن چهار رکعت است مثل نماز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بدو سلام و در هر رکعت بعد از حمد پنجاه مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند و بعد از سلام تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام را بخواند و تسبیح اینست

سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ سُبْحَانَ
(منزه است صاحب عزت بلند مرتبه رفیع منزه است)

ذِي الْجَلَالِ الْبَاذِخِ الْعَظِيمِ سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ
(صاحب بزرگواری باذخ بزرگ منزه است صاحب پادشاهی فخر کننده دیرینه)

سُبْحَانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ النَّمْلَةِ فِي الصَّفَا سُبْحَانَ مَنْ يَرَى وَقْعَ الطَّيْرِ
(منزهست کسیکه میبیند رد پای مورچه را در سنگ صاف منزهست کسیکه میبیند فرود آمدن مرغ را)

فِي الْهَوَاءِ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هٰكَذَا وَلَا هٰكَذَا غَيْرُهُ مؤلف گوید
(در هوا منزهست کسیکه او چنین است و نیست چنین غیر او)

که بعد از این انشاء الله مذکور خواهد شد که نماز حضرت فاطمه علیها السلام دو رکعت است و در رکعت اول بعد از حمد صد مرتبه انا انزلنا است و در رکعت دوم صد مرتبه قل هو الله احد و اگر هر دو را بعمل آورد و این دعا را بعد از هر یک بخواند بهتر

است و اگر بعد از سلام اول تسبیح مشهور حضرت فاطمه را بخواند و بعد از آن این دعا را شاید بهتر باشد و در بعضی از روایات وارد شده است که مستحب است که در روز اول نیم ساعت پیش از زوال دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره توحید و ده مرتبه آیة الکرسی و ده مرتبه انا انزلناه بخواند و در روایت دیگر وارد شده است که هر که از ظالمی بترسد و در روز اول ذی الحجه بگوید

حَسْبِي حَسْبِي حَسْبِي مِنْ سُؤَالِي عِلْمُكَ بِحَالِي حقتعالی کفایت شر آن ظالم را از او
(بس است مرا بس است مرا بس است مرا از سؤال کردن من دانش تو بحال من)

بکند و شیخ و تلعکبری و سید ابن طاوس ره بسندهای معتبر روایت کرده اند که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در روز اول ذی الحجه تا روز عرفه هر روز بعد از نماز صبح و در وقت غروب پیش از نماز شام این دعا را میخواندند

اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ الْأَيَّامُ الَّتِي فَضَّلْتَهَا عَلَى غَيْرِهَا مِنَ الْأَيَّامِ وَشَرَّفْتَهَا
(خدایا این روزها ئیست که زیادتی دادی آنها را بر غیر آنها از روزها و بلند کردی آنها)

وَقَدْ بَلَّغْتَنِيهَا بِمَنِّكَ وَرَحْمَتِكَ فَأَنْزِلْ عَلَيْنَا مِنْ بَرَكَاتِكَ وَ
(و بتحقیق رسانیدی مرا بآنها بانعام خود و رحمت خود پس فرو فرست بر ما از برکتهای خود و)

أَسْبِغْ عَلَيْنَا فِيهَا مِنْ نَعْمَائِكَ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى
(تمام کن بر ما در این روزها از نعمت خود خدایا بدرستیکه میخواهم تورا اینکه رحمت فرستی بر)

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِيهَا وَأَنْ تَهْدِيَنَا فِيهَا سَبِيلَ الْهُدَى وَ
(محمد و آل محمد در آنها و اینکه راهنمائی کنی ما را در آنها راه راست را و)

تَرْزُقَنَا فِيهَا التَّقْوَى وَالْعَفَافَ وَالْغِنَى وَالْعَمَلَ فِيهَا بِمَا تُحِبُّ
(روزی کنی ما را در آنها پرهیزکاری و عفت و بی نیازی و کردار در آنها را بآنچه دوست داری)

وَتَرْضَى اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوَى وَيَا سَامِعَ كُلِّ
(و خشنود شوی خدایا بدرستیکه من میخواهم تورا ای جای هر شکایتی و ای شنونده هر)

نَجْوَى وَيَا شَاهِدَ كُلِّ مَلَإٍ وَيَا عَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ أَنْ تُصَلِّيَ
(رازی و ای گواه هر جمعیتی و ای دانای هر پنهانی اینکه رحمت فرستی)

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَكْشِفَ عَنَّا فِيهَا الْبَلَاءَ وَتَسْتَجِيبَ لَنَا
(بر محمد و آل محمد و اینکه برداری از ما در آنها بلا را و جواب بگوئی برای ما)

فِيهَا الدُّعَاءَ وَتُقَوِّيَنَا فِيهَا وَتُعِينَنَا وَتُوَفِّقَنَا فِيهَا لِمَا تُحِبُّ رَبَّنَا وَ
درانها دعا را وقوت دهی ما را دران ومدد کنی ما را وتوفیق دهی ما را دران باچه دوست داری پروردگارا
تَرْضىٰ وَعَلىٰ مَا افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا مِنْ طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ وَ
وپسندی وبرانچه واجب کرده برما از فرمان برداریت وفرمان برداری پیغمبرت و
اَهْلِ وِلاٰيَتِكَ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَنْ تُصَلِّيَ
اهل دوستی تو خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم تورا ای رحیم تر راحمان اینکه رحمت فرستی
عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَهَبَ لَنَا فِيهَا الرِّضَا اِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ
بر محمد وال محمد واینکه ببخشی ما را دران روز خشنودی بدرستیکه تو شنونده دعائی
وَلاٰ تَحْرِمْنَا خَيْرَ مَا تَنْزِلُ فِيهَا مِنَ السَّمَاءِ وَطَهِّرْنَا مِنَ الذُّنُوبِ يَا عَلاّٰمَ
ونا امید مکن ما را از خیر انچه فرود اید دران از اسمان وپاک کن ما را از گناهان ای دانای
الْغُيُوبِ وَاَوْجِبْ لَنَا فِيهَا دَارَ الْخُلُودِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ
نهانیها و واجب کن برای ما دران سرای همیشگی را خدایا رحمت فرست بر محمد واهل بیت
مُحَمَّدٍ وَلاٰ تَتْرُكْ لَنَا فِيهَا ذَنْباً اِلاّٰ غَفَرْتَهُ وَلاٰ هَمّاً اِلاّٰ فَرَّجْتَهُ وَ
محمد ووامگذار مارا دران گناهیرا مگرانکه امرزیده باشی انرا ونه اندوهی را مگرانکه بگشائی و
لاٰ دَيْناً اِلاّٰ قَضَيْتَهُ وَلاٰ غَائِباً اِلاّٰ اَدَّيْتَهُ وَلاٰ حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ
نه قرضی را مگرانکه بدهی انرا ونه پنهانی را مگرانکه برگردانی انرا ونه حاجتی را از حاجتهای
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اِلاّٰ سَهَّلْتَهَا وَيَسَّرْتَهَا اِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
دنیا واخرت مگرانکه اسان کنی انرا واسان نمائی بدرستیکه تو بر هر چیزی توانائی
اَللّٰهُمَّ يَا عَالِمَ الْخَفِيَّاتِ يَا رَاحِمَ الْعَبَرَاتِ يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ يَا
خدایا ای دانای پنهانیها ای رحم کننده گریه ها ای اجابت کننده دعاها ای
رَبَّ الْاَرَضِينَ وَالسَّمٰوَاتِ يَا مَنْ لاٰ تَتَشَابَهُ عَلَيْهِ الْاَصْوَاتُ صَلِّ
پروردگار زمینها واسمانها ای کسیکه مشتبه نمیشود براو صداها رحمت فرست
عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنَا فِيهَا مِنْ عُتَقَائِكَ وَطُلَقَائِكَ
بر محمد وال محمد وبگردان مارا دران از ازادان خود ورهایان خود
مِنَ النَّارِ وَالْفَائِزِينَ بِجَنَّتِكَ النَّاجِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
از اتش ورستگاران بهشت تو نجات یافتگان برحمت تو ای مهربانتر مهربانان

وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَجْمَعِينَ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً وشیخ مفید وسید ابن
ورحمت فرستد خدا بر محمد وال او همه ودرود فرستد درود فرستادنی
طاوس بسند معتبر از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده اند که جبرئیل از جانب
خداوند جلیل برای حضرت عیسی ع پنج دعا را بهدیه اورد وگفت یا عیسی این
این پنج دعا را در دهه اول ماه ذی الحجه بخوان بدرستیکه هیچ عبادتی نزد حقتعالی محبوبتر نیست از عبادت کردن در این دهه اوّل اَشْهَدُ اَنْ
گواهی میدهم که
لاٰ اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ لاٰ شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ
نیست خدائی مگر خدای یگانه نیست انبازی مر اورا اوراست پادشاهی ومر اوراست ستایش بدست اوست خیر
وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ دوّم اَشْهَدُ اَنْ لاٰ اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ
واو بر هر چیزی تواناست گواهی میدهم که نیست خدائی مگر خدای
وَحْدَهُ لاٰ شَرِيكَ لَهُ اَحَداً صَمَداً لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلاٰ وَلَداً
یگانه نیست انبازی مر اورا یگانه بی نیازیکه نگرفته است زنی ونه فرزندی
سیم اَشْهَدُ اَنْ لاٰ اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ لاٰ شَرِيكَ لَهُ اَحَداً
گواهی میدهم که نیست خدائی مگر خدای یگانه که نیست انبازی مر اورا یگانه
صَمَداً لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً اَحَدٌ چهارم
بی نیازیکه نزائیده ونزائیده نشده ونه باشد مر اورا همتا احدی
اَشْهَدُ اَنْ لاٰ اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ لاٰ شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ
گواهی میدهم که نیست خدائی مگر خدا یگانه که نیست انبازی مر اورا مر اوراست پادشاهی و
لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لاٰ يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلىٰ
مر اوراست ستایش زنده میکند ومیمیراند واو زنده ایست که نمیمیرد بدست اوست خیر واو بر هر
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ پنجم حَسْبِيَ اللّٰهُ وَكَفىٰ سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ دَعَا
چیزی تواناست بس است مرا خدا وکافیست شنید خدا کسی را که خواند
لَيْسَ وَرَاءَ اللّٰهِ مُنْتَهىٰ اَشْهَدُ لِلّٰهِ بِمَا دَعىٰ وَاَنَّهُ بَرِيءٌ مِمَّنْ تَبَرَّءَ
نیست غیر خدا منتهائی گواهی میدهم مر خدا را بانچه خواند وبدرستیکه او بیزار است از کسیکه بیزار است
وَاَنَّ لِلّٰهِ الْآخِرَةَ وَالْاُولىٰ پس حواریان گفتند یا روح الله چه ثواب
وبدرستیکه مر خدا راست اخرت ودنیا دارد کسیکه این کلمات را بگوید حضرت عیسی

گفت هر که دعای اول را صد مرتبه بخواند عمل هیچیک از اهل زمین بهتر از عمل او نباشد در آن روز و در روز قیامت حسنات او زیاده از همه کس باشد و هر که دعای دوم را صد مرتبه بخواند چنان باشد که دوازده مرتبه توریة و انجیل را خوانده باشد و ثواب آنها را باو بدهند حضرت عیسی ع گفت یا جبرئیل ثواب خواندن توریة و انجیل چیست جبرئیل گفت طاقت برداشتن یکحرف توریة و انجیل نداشت هر که در آسمانهای هفت گانه است از ملائکه تا آنکه مبعوث شدم من و اسرافیل زیرا که اسرافیل اول بنده بود که گفت لا حول و لا قوة الا بالله و هر که دعای سیم را صد مرتبه بخواند حقتعالی بنویسد از برای او بابند عاده هزار هزار حسنه و محو کند از او ده هزار هزار گناه و بلند کند از برای او در بهشت ده هزار هزار درجه و فرود آیند از آسمان هفتاد هزار ملک که دستها برداشته باشند و صلوات فرستند بر کسیکه اینکلمات را بیعدد خوانده است پس عیسی گفت یا جبرئیل آیا ملائکه صلوات میفرستند بر غیر پیغمبران جبرئیل گفت هر که ایمان آورد بانچه پیغمبران از جانب خدا آورده اند و تغییری ندهند شریعت ایشانرا حقتعالی ثواب پیغمبران باو عطا میفرماید و هر که دعای چهارم را صد مرتبه بخواند آندعا را استقبال کند ملکی و بالا ببرد بسوی حقتعالی پس خدا نظر کند بسوی گوینده آندعا برحمت و هر که را خدا نظر رحمت براو بکند هرگز شقی و بدعاقبت نشود پس حضرت عیسی گفت یا جبرئیل ثواب دعای پنجم چیست گفت آندعا منست و حقتعالی مرا رخصت نداده است که ثواب آنرا بگویم **مؤلف گوید** که اگر هر روز یک از این دعاها را ده مرتبه بخواند دور نیست که عمل باین روایت کرده باشد و اگر هر روز هر یکرا صد مرتبه بخواند بهتر خواهد بود و شیخ و ابن بابویه و سید ابن طاوس از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده اند که هر که در هر روز از دهه اول ذی الحجة این تهلیلات را ده مرتبه بخواند حقتعالی عطا کند او را بهر تهلیلی درجه در بهشت از مروارید و یاقوت و از میان هر درجه تا درجه دیگر صد سال راه باشد برفتار سوار یکه بتازد و در هر درجه شهری بوده باشد و در آنشهر قصری باشد از یکجوهر که در آن فصلی نباشد و در هر شهری از آن

شهرها از انواع جواهر و غرفها و خانها و فرشها و کرسیها و تختها و حوران و نهالیها و متکاها و خوانها و خدمتکاران و درختها و نهرها و زیورها و حلها بوده باشد که وصف کننده‌ها در وصف آنها بماند و چون از قبر بیرون آید از هر موی بدن او نوری ساطع باشد و مبادرت نمایند بسوی او هفتاد هزار ملک و از پیش رو و جانب راست و چپ او راه روند تا او را بدر بهشت برسانند و چون داخل بهشت شود او را مقدم دارند و ملائکه از عقب او روند تا آنکه بشهری برسد که بیرونش از یاقوت سرخ باشد و اندرونش از زبرجد سبز و در آنشهر بوده باشد هر نعمتی که حقتعالی در بهشت خلق کرده است پس باو گویند که ای دوست خدا میدانی که اینشهر چیست گوید نه و شما کیستید گویند ما ملکی چندیم که حاضر میشدیم در هنگامیکه تو آن تهلیلات را میخواندی در دنیا و اینشهر و آنچه در آن هست از نعمتهای الهی یکثواب است بر خواندن آن تهلیلات و بشارت باد ترا بهتر از این ثوابها و پیوسته در جوار رحمت الهی خواهی بود در دار السلام که بلائی و غمی و مکروهی در آن نمیباشد و نعمتها و رحمتهای خدا هرگز از تو منقطع نمیگردد و تهلیلات اینست

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ اللَّيَالِي وَالدُّهُورِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ

نیست خدائی مگر خدا بشماره شبها و زمانها نیست خدائی مگر خدا بشماره

اَمْوَاجِ الْبُحُورِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَرَحْمَتُهُ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ لَا اِلٰهَ اِلَّا

موجهای دریاها نیست خدائی مگر خدا و رحمت او بهتر است از آنچه فراهم آورند نیست خدائی مگر

اللّٰهُ عَدَدَ الشَّوْكِ وَالشَّجَرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ الشَّعْرِ وَالْوَبَرِ لَا

خدا بشماره خارها و درختان نیست خدائی مگر خدا بشماره موها و کرکها نیست

اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ الْحَجَرِ وَالْمَدَرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ الْقَطْرِ وَالْمَطَرِ

خدائی مگر خدا بشماره سنگها و کلوخها نیست خدائی مگر خدا بشماره قطرها و بارانها

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ لَمْحِ الْعُيُونِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ فِي اللَّيْلِ اِذَا

نیست خدائی مگر خدا بشماره برهم زدن چشمها نیست خدائی مگر خدا در شب هرگاه

عَسْعَسَ وَالصُّبْحِ اِذَا تَنَفَّسَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ الرِّيَاحِ فِي الْبَرَارِي

تاریک شود و صبح هرگاه بدمد نیست خدائی مگر خدا بشماره بادها در بیابانها

وَالصُّخُورِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ مِنَ الْيَوْمِ اِلٰى يَوْمِ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ

وسنگهای کوه نیست خدائی مگر خدا از امروز تا روزیکه دمیده شود درصور

واز بعضی از روایات مستفاد میشود که بیکمرتبه نیز اکتفا میتوان کرد والله تعالی اعلم

فصل دویم

در اعمال روز ترویه و روز عرفه است روز ترویه روز هشتم ذی الحجه است و روز مبارکیست و ابن بابویه از حضرت امام موسی علیه السلام روایت کرده استکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که حقتعالی برگزیده است از روزها چهار روز را روز جمعه و روز ترویه و روز عرفه و روز عید قربان و ایضاً از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده استکه روزه روز ترویه کفاره شصت سال گناه است و شب عرفه از لیالی متبرکه است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولستکه در شب عرفه دعا مستجابست و کسیکه انشب را بعبادت بسر آورد اجر صد و هفتاد سال عبادت دارد و انشب مناجات با قاضی الحاجات است و هر که در انشب توبه کند توبه اش مقبولست و از حضرت صادق علیه السلام منقولستکه هر که در شب عرفه یا در شبهای جمعه این دعا را بخواند حقتعالی گناهانش را بیامرزد

اَللّٰهُمَّ يَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوٰى
خدایا ای گواه هر راز

وَمَوْضِعَ كُلِّ شَكْوٰى وَعَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ وَمُنْتَهٰى كُلِّ حَاجَةٍ
و ابقرارگاه هر شکایت و دانای هر پنهان و اخر هر حاجت

يَا مُبْتَدِئاً بِالنِّعَمِ عَلَى الْعِبَادِ يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ يَا جَوَادُ
ای ابتدا کننده بنعمتها بر بندگان ای گرامی عفو ای نیکو درگذرنده ای بخشنده

يَا مَنْ لَا يُوَارِي مِنْهُ لَيْلٌ دَاجٍ وَلَا بَحْرٌ عَجَّاجٌ وَلَا سَمَاءٌ ذَاتُ
ایکه پوشیده نمیشود ازاو شب تار ونه دریای پر اب ونه اسمان صاحب

اَبْرَاجٍ وَلَا ظُلَمٌ ذَاتُ ارْتِتَاجٍ يَا مَنِ الظُّلْمَةُ عِنْدَهُ ضِيَاءٌ اَسْاَلُكَ
برجها ونه تاریکیهای صاحب بستگی ای انکه تاریکی نزد اواست روشنی میخوانم تورا

بِنُورِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ الَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ لِلْجَبَلِ فَجَعَلْتَهُ دَكّاً وَ
بنور ذات کریم تو که تابیدی باو بر کوه پس گردانیدی اورا پاره پاره و

خَرَّ مُوسٰى صَعِقاً وَبِاسْمِكَ الَّذِي رَفَعْتَ بِهِ السَّمٰوَاتِ بِلَا عَمَدٍ وَ
وافتاد موسی بیهوش وبنام تو که بلند کردی بان اسمانهارا بیستون و

سَطَحْتَ بِهِ الْاَرْضَ عَلٰى وَجْهِ مَاءٍ جَمَدٍ وَبِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ
پهن کردی ببان زمین را بر روی اب ایستاده وبنام تو که پوشیده شده پنهان شده

الْمَكْتُوبِ الطَّاهِرِ الَّذِي اِذَا دُعِيتَ بِهِ اَجَبْتَ وَاِذَا سُئِلْتَ بِهِ اَعْطَيْتَ وَ
نوشته شده پاکست که هرگاه خوانده شدی بان اجابت کنی وهرگاه سؤال کرده شدی بان بدهی و

بِاسْمِكَ السُّبُّوحِ الْقُدُّوسِ الْبُرْهَانِ الَّذِي هُوَ نُورٌ عَلٰى كُلِّ نُورٍ
بنام تو که پاکست منزهست دلیل روشن است که او نوراست بر هر نوری

وَنُورٌ مِنْ نُورٍ وَنُورٌ يُضِيءُ مِنْهُ كُلُّ نُورٍ اِذَا بَلَغَ الْاَرْضَ انْشَقَّتْ وَاِذَا
و نوریست از نور ونوریست که روشن میشود ازان هر نور چون برسد بزمین شکافته شود وچون

بَلَغَ السَّمٰوَاتِ فُتِحَتْ وَاِذَا بَلَغَ الْعَرْشَ اهْتَزَّ وَبِاسْمِكَ الَّذِي تَرْتَعِدُ
برسد باسمانها گشوده شود وچون برسد بعرش بلرزد وبنام تو که لرزان شود

مِنْهُ فَرَائِصُ مَلَائِكَتِكَ وَاَسْاَلُكَ بِحَقِّ جَبْرَئِيلَ وَمِيكَائِيلَ
ازان رگهای گردن فرشتگانت ومیخوانم تورا بحق جبرئیل ومیکائیل

وَاِسْرَافِيلَ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفٰى صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلٰى جَمِيعِ
و اسرافیل وبحق محمد برگزیده رحمت فرستد خدا براو وال او وبر همه

الْاَنْبِيَاءِ وَجَمِيعِ الْمَلَائِكَةِ وَبِالْاِسْمِ الَّذِي مَشٰى بِهِ الْخِضْرُ عَلٰى
پیغمبران وهمه فرشتگان وبان نامیکه راه رفت بان خضر پیغمبر بر

قُلَلِ الْمَاءِ كَمَا مَشٰى بِهِ عَلٰى جُدَدِ الْاَرْضِ وَبِاسْمِكَ الَّذِي فَلَقْتَ بِهِ
بلندیهای اب چنانکه راه رفت بان بر راههای زمین وبنام تو که شکافتی بان

الْبَحْرَ لِمُوسٰى وَاَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَقَوْمَهُ وَاَنْجَيْتَ بِهِ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ
دریارا برای موسی وفروبردی فرعون وقوم اورا ونجات دادی بان موسی پسر عمران را

وَمَنْ مَعَهُ وَبِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ مِنْ جَانِبِ
وکسانیکه با او بودند وبنام تو که خواند تورا بان موسی پسر عمران از طرف

الطُّورِ الْاَيْمَنِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَاَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ وَبِاسْمِكَ
کوه طور از طرف راست پس اجابت کردی اورا وافکندی براو دوستی از جانب خود وبنام تو

الذی احیی به عیسی بن مریم الموتی وتکلم فی المهد صبیا

که زنده کرد بان عیسی پسر مریم مردگانرا وتکلم کرد در گهواره درحال کودکی

وابرئ الاکمه والابرص باذنک وباسمک الذی دعا

وعافیت داد کور مادرزاد وپیس را بفرمان تو وبنام تو که خواندند تورا

به حملة عرشک وجبرئیل ومیکائیل واسرافیل وحبیبک

بان بردارندگان عرش تو وجبرئیل ومیکائیل واسرافیل ودوست داشته تو

محمد صلی الله علیه واله وملائکتک المقربون وانبیائک

محمد رحمت فرستد خدا براو وآل او وفرشتگان نزدیکان تو وپیغمبران تو

المرسلون وعبادک الصالحون من اهل السموات والارضین

که رسولانند وبندگان تو که شایستگانند از اهل اسمانها وزمینها

وباسمک الذی دعاک به ذو النون اذ ذهب مغاضبا فظن

وبنام تو که خواند تورا بان یونس چون رفت از میان قوم خود خشمگین پس گمان کرد

ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت

که هرگز تنگ نگیریم براو پس نداکرد در تاریکیها که نیست خدائی مگر تو

سبحانک انی کنت من الظالمین فاستجبت له ونجیته من الغم

منزهی تو بدرستیکه من بودم از ستمکاران پس اجابت کردی مراورا ونجات دادی اورا از اندوه

وکذالک ننجی المؤمنین وباسمک العظیم الذی دعاک به

وهمچنین نجات میدهیم گروندگان را وبنام تو که بزرگست که خواند تورا بان

داود وخر لک ساجدا فغفرت له ذنبه وباسمک الذی دعتک

داود وافتاد مر تورا سجده کننده پس امرزیدی مراورا گناه اورا وبنام تو که خواند تورا

به اسیة امرءة فرعون اذ قالت رب ابن لی عندک بیتا فی

بان اسیه زن فرعون زمانیکه گفت پروردگارا بناکن برای من نزد خود خانه را در

الجنة ونجنی من فرعون وعمله ونجنی من القوم الظالمین

بهشت ونجات ده مرا از فرعون وکردار او ونجات ده مرا از گروه ستمکاران

فاستجبت لها دعائها وباسمک الذی دعاک به ایوب اذ

پس اجابت کردی مراورا خواندن اورا وبنام تو که خواند تورا بان ایوب زمانیکه

حل به البلاء فعافیته واتیته اهله ومثلهم معهم رحمة

فرود امد بان بلا پس عافیت دادی اورا ودادی اورا اهل اورا وامثال ایشان با ایشان رحمتی

من عندک وذکری للعابدین وباسمک الذی دعاک به

از نزد خود وپندی برای عابدان وبنام تو که خواند تورا بان

یعقوب فرددت علیه بصره وقرة عینه یوسف وجمعت

یعقوب پس برگردانیدی براو دیده اورا وروشنی چشم اورا یوسف را وفراهم اوردی

شمله وباسمک الذی دعاک به سلیمان فوهبت له ملکا

پراکندگی اورا وبنام تو که خواند تورا بان سلیمان پس بخشیدی اورا پادشاهی که

لا ینبغی لاحد من بعده انک انت الوهاب وباسمک الذی

سزاوار کسی نبود از بعد او بدرستیکه توئی بخشنده وبنام تو که

سخرت به البراق لمحمد صلی الله علیه واله اذ قال الله

رام کردی بسبب ان براق را بر محمد رحمت فرستد خدا براو وآل او زمانیکه گفت خدای

تعالی سبحان الذی اسری بعبده لیلا من المسجد الحرام الی

بلند مرتبه منزهست انکه بشب برد بنده خودرا از مسجد الحرام بسوی

المسجد الاقصی وقوله سبحان الذی سخر لنا هذا وما کنا

مسجد اقصی وگفته اوست منزهست انکه رام کرد برای ما اینرا ونبودیم ما

له مقرنین وانا الی ربنا لمنقلبون وباسمک الذی تنزل به

مراورا طاقت دارنده وما بسوی پروردگارما بازگشت کنندگانیم وبنام تو که فرود امده بان

جبرئیل علی محمد صلی الله علیه واله وباسمک الذی

جبرئیل بر محمد رحمت فرستد خدا براو وآل او وبنام تو که

دعاک به ادم فغفرت له ذنبه واسکنته جنتک واسالک

خواند تورا بان ادم پس امرزیدی مراورا گناه اورا وجا دادی اورا دربهشت خود ومیخواهم ترا

بحق القران العظیم وبحق محمد خاتم النبیین وبحق ابراهیم و

بحق قران بزرگ وبحق محمد خاتم پیغمبران وبحق ابراهیم و

بحق فصلک یوم القضاء وبحق الموازین اذ نصبت والصحف

بحق جدا کردن تو درروز قضاء وبحق ترازوهای عمل زمانیکه نصب شود ونامه‌ها

اِذا نُشِرَتْ وَبِحَقِّ الْقَلَمِ وَما جَرى وَاللَّوْحِ وَما اَحْصى وَبِحَقِّ

چون گشوده شود و بحق قلم و آنچه جاری شد و لوح و آنچه شمرده آنرا و بحق

الْاِسْمِ الَّذى كَتَبْتَهُ عَلى سُرادِقِ الْعَرْشِ قَبْلَ خَلْقِكَ الْخَلْقَ

نامیکه نوشتی آنرا بر سراپرده عرش پیش از آفریدن تو آفریدگان

وَالدُّنْيا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ بِاَلْفَىْ عامٍ وَاَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ

و دنیا و آفتاب و ماه را بدو هزار سال و گواهی میدهم که نیست خدائی مگر خدا

وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ وَاَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

یگانه که نیست انبازی برای او و اینکه محمد بنده او و فرستاده اواست و میخواهم ترا بنام تو

الْمَخْزُونِ فى خَزائِنِكَ الَّذِى اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فى عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ

که پنهانست در خزینه‌های تو که مخصوص نموده خود را بآن در علم نهانی نزد خودت

لَمْ يَظْهَرْ عَلَيْهِ اَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ لا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلا نَبِىٌّ مُرْسَلٌ وَ

که مطلع نگردیده بران کسی از خلق تو نه فرشته نزدیکشده و نه پیغمبر فرستاده شده و

لا عَبْدٌ مُصْطَفىً وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذى شَقَقْتَ بِهِ الْبِحارَ وَقامَتْ

نه بنده برگزیده شده و میخواهم ترا بنام تو که شکافتی بآن دریاها را و برپا ایستاد

بِهِ الْجِبالُ وَاخْتَلَفَ بِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ وَبِحَقِّ السَّبْعِ الْمَثانى وَ

بآن کوهها و آمدوشد کرد بآن شب و روز و بحق هفت آیت بزرگ و

الْقُرْآنِ الْعَظيمِ وَالْكِرامِ الْكاتِبينَ وَبِحَقِّ طه وَيس وَكهيعص

قرآن بزرگ و بحق نویسندگان بزرگ و بحق این کلمات با برکات

وَحمعسق وَبِحَقِّ تَوْرٰيةِ مُوسى وَاِنْجيلِ عيسى وَزَبُورِ داوُدَ وَفُرْقانِ

و بحق کتاب موسی و کتاب عیسی و کتاب داود و قرآن

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلى جَميعِ الرُّسُلِ وَباهِيّاً شَراهِيّاً

محمد رحمت فرستد خدا براو و آل او و بر همه فرستادگان و بخداوند ازلی قدیمی

اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِحَقِّ تِلْكَ الْمُناجاةِ الَّتى كانَتْ بَيْنَكَ وَ

خدایا بدرستیکه من میخواهم ترا بحق این رازهائی که بود میان تو و

بَيْنَ مُوسَى بْنِ عِمْرانَ فَوْقَ جَبَلِ طُورِ سَيْناءَ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

میان موسی پسر عمران بالای کوه طور سینا و میخواهم ترا بنام تو

الَّذى عَلَّمْتَهُ مَلَكَ الْمَوْتِ لِقَبْضِ الْاَرْواحِ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

که آموختی آنرا بفرشته مرگ برای گرفتن جانها و میخواهم ترا بنام تو

الَّذى كُتِبَ عَلى وَرَقِ الزَّيْتُونِ فَخَضَعَتِ النّيرانُ لِتِلْكَ الْوَرَقَةِ

که نوشته شد بر برگ زیتون پس فروتنی نمود آتشها برای این برگ

فَقُلْتَ يا نارُ كُونى بَرْداً وَسَلاماً وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذى

پس گفتی ای آتش باش سرد و سلامت و میخواهم ترا بنام تو که

كَتَبْتَهُ عَلى سُرادِقِ الْمَجْدِ وَالْكَرامَةِ يا مَنْ لا يُحْفيهِ

نوشتی آنرا بر سراپرده بزرگواری و بزرگی ای آنکه بستوه نیاورد او را

سائِلٌ وَلا يَنْقُصُهُ نائِلٌ يا مَنْ بِهِ يُسْتَغاثُ وَاِلَيْهِ يُلْجَأُ اَسْئَلُكَ

خواهنده و کم نمیکند او را بخشش ای آنکه بآن استغاثه شود و بسوی او پناه برده شود میخواهم ترا

بِمَعاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتابِكَ وَبِاسْمِكَ

بحرمت بستگاه عزت از عرش تو و آخر رحمت از کتاب تو و بنام تو

الْاَعْظَمِ وَجَدِّكَ الْاَعْلى وَكَلِماتِكَ التّامّاتِ الْعُلى اَللّهُمَّ

که بزرگتر است و بزرگواری تو که بلندتر است و سخنان تمام تو که بلند مرتبه است خدایا

رَبَّ الرِّياحِ وَما ذَرَتْ وَالسَّماءِ وَما اَظَلَّتْ وَالْاَرْضِ وَما

ای پروردگار بادها و آنچه پراکنده شد و آسمان و آنچه سایه افکند و زمین و آنچه

اَقَلَّتْ وَالشَّياطينِ وَما اَضَلَّتْ وَالْبِحارِ وَما جَرَتْ وَبِحَقِّ كُلِّ

برداشته و دیوان پلید و آنچه گمراه نموده و دریا و آنچه جاری شده و بحق هر

حَقٍّ هُوَ عَلَيْكَ حَقٌّ وَبِحَقِّ الْمَلائِكَةِ الْمُقَرَّبينَ وَالرَّوْحانِيّينَ

حق گزاری بر تو حقست و بحق فرشتگان نزدیکشدگان و روحانیان

وَالْكَرُوبِيّينَ وَالْمُسَبِّحينَ لَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهارِ لا يَفْتُرُونَ

و کروبیان و تنزیه کنندگان مر تو را بشب و روز که سست نمیشوند

وَبِحَقِّ اِبْراهيمَ خَليلِكَ وَبِحَقِّ كُلِّ وَلِىٍّ يُناديكَ بَيْنَ الصَّفا

و بحق ابراهیم دوست تو و بحق هر دوستی که میخواند ترا میان صفا

وَالْمَرْوَةِ وَتَسْتَجيبُ لَهُ دُعاءَهُ يا مُجيبُ اَسْئَلُكَ بِهذِهِ الْاَسْماءِ

و مروه و اجابت میکنی مر او را خواندن او را ای اجابت کننده میخواهم ترا باین نامها

وَبِهٰذِهِ الدَّعَواتِ اَنْ تَغْفِرَ لَنا ما قَدَّمْنا وَما اَخَّرْنا وَما اَسْرَرْنا

و باین دعاها اینکه بیامرزی برای ما آنچه را پیش و آنچه را پس داشتیم ما و آنچه پنهان کردیم

وَما اَعْلَنّا وَما اَبْدَيْنا وَاَخْفَيْنا وَما اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنّا اِنَّكَ عَلى

و آنچه آشکار نمودیم و آنچه ظاهر و آنچه مخفی کردیم و آنچه تو داناتری بآن از ما بدرستیکه تو بر

كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ يا حافِظَ كُلِّ غَريبٍ

هر چیزی توانائی برحمت تو ای مهربانتر مهربانان ای نگاه دارنده هر غریب

يا مُونِسَ كُلِّ وَحيدٍ يا قُوَّةَ كُلِّ ضَعيفٍ يا ناصِرَ كُلِّ مَظْلُومٍ يا رازِقَ

ای انس گیرنده هر تنهائی ای توانائی ده هر ناتوانی ای یاور هر ستم رسیده ای روزی

كُلِّ مَحْرُومٍ يا مُونِسَ كُلِّ مُسْتَوْحِشٍ يا صاحِبَ كُلِّ مُسافِرٍ يا عِمادَ كُلِّ

هر ناامید ای انس گیرنده هر وحشت زده ای یار هر سفر کننده ای اعتماد هر

حاضِرٍ يا غافِرَ كُلِّ ذَنْبٍ وَخَطيئَةٍ يا غِياثَ الْمُسْتَغيثينَ يا صَريخَ

حاضر ای آمرزنده هر گناهکار و گناهی ای فریادرس فریاد کنندگان ای امداد خواه

الْمُسْتَصْرِخينَ يا كاشِفَ كَرْبِ الْمَكْرُوبينَ يا فارِجَ هَمِّ الْمَهْمُومينَ

دادخواهان ای بردارنده اندوه اندوهناکان ای گشاینده اندیشه اندیشه ناکان

يا بَديعَ السَّماواتِ وَالْاَرَضينَ يا مُنْتَهى غايَةِ الطّالِبينَ يا مُجيبَ

ای پدید آرنده آسمانها و زمینها ای آخر غایت خواهندگان ای اجابت کننده

دَعْوَةِ الْمُضْطَرّينَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ يا رَبَّ الْعالَمينَ يا دَيّانَ

دعای بیچارگان ای مهربانتر مهربانان ای پروردگار جهانیان ای جزا دهنده

يَوْمِ الدّينِ يا اَجْوَدَ الْاَجْوَدينَ يا اَكْرَمَ الْاَكْرَمينَ يا اَسْمَعَ

روز جزا ای بخشنده تر بخشندگان ای بزرگتر بزرگواران ای شنونده تر

السّامِعينَ يا اَبْصَرَ النّاظِرينَ يا اَقْدَرَ الْقادِرينَ اِغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ

شنوندگان ای بیناتر نگاه کنندگان ای تواناتر توانایان بیامرز برای من گناهانی

الَّتي تُغَيِّرُ النِّعَمَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تُورِثُ النَّدَمَ وَاغْفِرْ لِيَ

که تغییر میدهد نعمتها را و بیامرز برای من گناهانی که باعث میشود پشیمانی را و بیامرز برای من

الذُّنُوبَ الَّتي تُورِثُ السَّقَمَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تَهْتِكُ الْعِصَمَ

گناهانی که باعث میشود ناخوشیها را و بیامرز برای من گناهانی که پاره میکند پرده عصمتها را

جوشن کبیر دعای

بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اسئلک باسمک یا الله یا رحمن یا رحیم یا کریم یا مقیم یا عظیم یا قدیم یا علیم یا حلیم یا حکیم سبحانک یا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب

یا سید السادات یا مجیب الدعوات یا رافع الدرجات یا ولی الحسنات یا غافر الخطیئات یا معطی المسئلات یا قابل التوبات یا سامع الاصوات یا عالم الخفیات یا دافع البلیات سبحانک یا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب

وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تَرُدُّ الدُّعاءَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تَحْبِسُ

و بیامرز برای من گناهانی را که بر میگرداند دعا را و بیامرز برای من گناهانی را که نگه میدارند

قَطْرَ السَّماءِ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تُعَجِّلُ الْفَناءَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ

باران آسمان را و بیامرز برای من گناهانی را که بشتاب میاندازند مرگ را و بیامرز برای من گناهانی

الَّتي تَجْلِبُ الشَّقاءَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تُظْلِمُ الْهَواءَ وَاغْفِرْ لِي

که میکشد بدبختی را و بیامرز برای من گناهانی را که تاریک میکند هوا را و بیامرز برای من

الذُّنُوبَ الَّتي تَكْشِفُ الْغِطاءَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي لا يَغْفِرُها

گناهانی را که بر میدرد پرده را و بیامرز برای من گناهانی را که نمیآمرزد آنرا

غَيْرُكَ يا اَللهُ وَاحْمِلْ عَنّي كُلَّ تَبِعَةٍ لِاَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَاجْعَلْ لي

جز تو ای خدا و بردار از من هر وبالی که باشد بر من از هر کس از خلق تو و بگردان برای من

مِنْ اَمْري فَرَجاً وَمَخْرَجاً وَيُسْراً وَاَنْزِلْ يَقينَكَ في صَدْري

از امر خود گشایش و بیرون شدن و آسانی و بفرست یقین خود را در سینه من

وَرَجاءَكَ في قَلْبي حَتّى لا اَرْجُو غَيْرَكَ اَللّٰهُمَّ احْفَظْني وَعافِني

و امید خود را در دل من تا امیدوار نشوم بغیر تو خدایا نگاه دار مرا و عافیت ده مرا

في مَقامي وَاصْحَبْني في لَيْلي وَنَهاري وَمِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَمِنْ

در جایگاه من و یاور شو مرا در شب من و روز من و از پیش روی من و از

خَلْفي وَعَنْ يَميني وَعَنْ شِمالي وَمِنْ فَوْقي وَمِنْ تَحْتي وَيَسِّرْ لِيَ

پشت من و از راست من و از چپ من و از بالای من و از زیر من و آسان کن برای من

السَّبيلَ وَاَحْسِنْ لِيَ التَّيْسيرَ وَلا تَخْذُلْني فِي الْعَسيرِ وَاهْدِني

راه را و نیکو کن برای من آسانیرا و خوار مکن مرا در سختی و راهنمائی کن مرا

يا خَيْرَ دَليلٍ وَلا تَكِلْني اِلى نَفْسي فِي الْاُمُورِ وَلَقِّني كُلَّ سُرُورٍ

ای بهتر راهنما و وامگذار مرا بخود من در کارها و پیش آور مرا همه شادیها

وَاقْلِبْني اِلى اَهْلي بِالْفَلاحِ وَالنَّجاحِ مَحْبُوراً فِي الْعاجِلِ وَالْاٰجِلِ

و برگردان مرا بسوی اهل من بفیروزی و رستگاری شاد گردیده در دنیا و وقت مرگ

اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ وَارْزُقْني مِنْ فَضْلِكَ وَاَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ

بدرستیکه تو بر هر چیزی توانائی و روزی کن مرا از فضل خود و فراخی ده بر من از

یا خیر الغافرین یا خیر الفاتحین یا خیر الناصرین یا خیر الحاکمین یا خیر الرازقین یا خیر الوارثین یا خیر الحامدین یا خیر الذاکرین یا خیر المنزلین یا خیر المحسنین سبحانک یا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب

یا من له العزة والجمال یا من له القدرة والکمال یا من له الملک والجلال یا من هو الکبیر المتعال یا منشئ السحاب الثقال یا من هو شدید المحال یا من هو سریع الحساب یا من هو شدید العقاب یا من عنده حسن الثواب یا من عنده ام الکتاب سبحانک یا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار

یا من [illegible] بعویذ یا ربی ... الغوث خلصنا من النار یا رب

طَيِّباتِ رِزْقِكَ وَاسْتَعْمِلْني في طاعَتِكَ وَاَجِرْني مِنْ عَذابِكَ
پاکيزه‌هاى روزيت و بکار دار مرا در طاعت خود و پناه ده مرا از عذاب

وَنارِكَ وَاقْلِبْني اِذا تَوَفَّيْتَني اِلى جَنَّتِكَ بِرَحْمَتِكَ اَللّهُمَّ اِنّي
و آتشت و برگردان مرا هرگاه بميرانيد مرا بسوى بهشت خود برحمت خودت خدايا بدرستيکه من

اَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوالِ نِعْمَتِكَ وَمِنْ تَحْويلِ عافِيَتِكَ وَمِنْ حُلُولِ
پناه ميبرم بتو از نابود شدن نعمت تو واز گردانيدن عافيت تو واز درآمدن

نَقِمَتِكَ وَمِنْ نُزُولِ عَذابِكَ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ جَهْدِ الْبَلاءِ وَ
غضب تو واز فرود آمدن عذاب تو و پناه ميبرم بتو از سختى بلاء و

دَرَكِ الشَّقاءِ وَمِنْ سُوءِ الْقَضاءِ وَشَماتَةِ الْاَعْداءِ وَمِنْ
دريافتن بدبختى واز بدى قضا و سرزنش دشمنان واز

شَرِّ ما يَنْزِلُ مِنَ السَّماءِ وَمِنْ شَرِّ ما فِي الْكِتابِ الْمُنْزَلِ اَللّهُمَّ
شر آنچه فرود ميآيد از آسمان واز شر آنچه در کتاب نازل شده است خدايا

لا تَجْعَلْني مِنَ الْاَشْرارِ وَلا مِنْ اَصْحابِ النّارِ وَلا تَحْرِمْني
نگردان مرا از بدان و نه از ياران آتش و نااميد مکن مرا از

صُحْبَةَ الْاَخْيارِ وَاَحْيِني حَيوةً طَيِّبَةً وَتَوَفَّني وَفاةً طَيِّبَةً
رفاقت نيکان و زنده گردان مرا زندگى پاکيزه و بميران مرا مردن پاکيزه

تُلْحِقُني بِالْاَبْرارِ وَارْزُقْني مُرافَقَةَ الْاَنْبِياءِ في مَقْعَدِ صِدْقٍ
که ملحق کنى مرا به نيکان و روزيکن مرا رفاقت با پيغمبران در نشستنگاه پسنديده

عِنْدَ مَليكٍ مُقْتَدِرٍ اَللّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلى حُسْنِ بَلائِكَ وَ
نزد پادشاه با تسلط خدايا مر تو راست ستايش بر نيکى بلاء تو و

صُنْعِكَ وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى الْاِسْلامِ وَالسُّنَّةِ يا رَبِّ كَما هَدَيْتَهُمْ
صنعت تو و مر تو راست ستايش بر اسلام و طريقه‌ها اى پروردگار چنانچه نمودى ايشان

لِدينِكَ وَعَلَّمْتَهُمْ كِتابَكَ فَاهْدِنا وَعَلِّمْنا وَلَكَ الْحَمْدُ عَلى
براى دين خود و آموختى ايشانرا کتاب خود پس بنما ما را و بياموز ما را و مر تو راست ستايش بر

حُسْنِ بَلائِكَ وَصُنْعِكَ عِنْدي خاصَّةً كَما خَلَقْتَني فَاَحْسَنْتَ خَلْقي
نيکوئى بلاء تو و صنعت تو نزد من بخصوص چنانکه آفريدى مرا پس نيکو کردى سرشتم

تعويذ بزرگى جهت ... يا من تواضع كلّ شيء لعظمته يا من استسلم كلّ شيء لقدرته يا من ذلّ كلّ شيء لعزّته يا من خضع كلّ شيء لهيبته يا من انقاد كلّ شيء من خشيته يا من تشقّقت الجبال من مخافته يا من قامت السّموات بامره يا من استقرّت الارضون باذنه يا من يسبّح الرّعد بحمده يا من لا يعتدى على اهل مملكته سبحانك تا آخر جهت افزونى نعمتها

وَعَلَّمْتَني فَاَحْسَنْتَ تَعْليمي وَهَدَيْتَني فَاَحْسَنْتَ هِدايَتي فَلَكَ
و آموختى مرا پس نيکو کردى آموختن مرا و راه نمودى مرا پس نيکو کردى راه يافتن مرا پس تو راست

الْحَمْدُ عَلى اِنْعامِكَ عَلَيَّ قَديماً وَحَديثاً فَكَمْ مِنْ كَرْبٍ يا سَيِّدي
ستايش بر نعمت دادن تو برمن ديرينه و نو پس چه بسيار از اندوه اى آقاى من

قَدْ فَرَّجْتَهُ وَكَمْ مِنْ غَمٍّ يا سَيِّدي قَدْ نَفَّسْتَهُ وَكَمْ مِنْ هَمٍّ يا
که گشايش دادى آنرا و چه بسيار از غم اى آقاى من که زايل گردانيدى آنرا و چه بسيار از انديشه اى

سَيِّدي قَدْ كَشَفْتَهُ وَكَمْ مِنْ بَلاءٍ يا سَيِّدي قَدْ صَرَفْتَهُ وَكَمْ مِنْ عَيْبٍ
آقاى من که رفع کردى آنرا و چه بسيار از بلاء اى آقاى من که گردانيدى آنرا و چه بسيار از عيب

يا سَيِّدي قَدْ سَتَرْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلى كُلِّ حالٍ في كُلِّ مَثْوىً وَزَمانٍ
اى آقاى من که پوشانيدى آنرا پس تو راست ستايش بر هر حالى در هر آرامگاهى و وقتى

وَمُنْقَلَبٍ وَمَقامٍ وَعَلى هذِهِ الْحالِ وَكُلِّ حالٍ اَللّهُمَّ اجْعَلْني
و بازگشت گاهى و جائى و بر اين حال و هر حالى خدايا بگردان مرا

مِنْ اَفْضَلِ عِبادِكَ نَصيباً في هذَا الْيَوْمِ مِنْ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ اَوْ ضُرٍّ
از افزونترين بندگانت از روى بهره در اين روز از نيکى که قسمت کنى يا گزندى

تَكْشِفُهُ اَوْ سُوءٍ تَصْرِفُهُ اَوْ بَلاءٍ تَدْفَعُهُ اَوْ خَيْرٍ تَسُوقُهُ اَوْ رَحْمَةٍ
که زايل کنى آنرا يا بدى که بگردانى آنرا يا بلائى که دفع کنى آنرا يا خيرى که بکشانى آنرا يا رحمتى

تَنْشُرُها اَوْ عافِيَةٍ تُلْبِسُها فَاِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ وَبِيَدِكَ خَزائِنُ
که پراکنده کنى آنرا يا عافيتى که بپوشانى آنرا پس بدرستيکه تو بر هر چيزى توانائى و بدست تست خزينه‌هاى

السَّمواتِ وَالْاَرْضِ وَاَنْتَ الْواحِدُ الْكَريمُ الْمُعْطِي الَّذي لا يُرَدُّ
آسمانها و زمين و توئى يگانه بزرگ دهنده که برنميگردانند

سائِلُهُ وَلا يُخَيَّبُ آمِلُهُ وَلا يَنْقُصُ نائِلُهُ وَلا يَنْفَدُ ما عِنْدَهُ بَلْ يَزْدادُ
خواهنده خود را و نااميد نميکند اميدوار خود را و کم نميکند عطاى خود را و تمام نميشود آنچه نزد او است بلکه زياد

كَثْرَةً وَطيباً وَعَطاءً وَجُوداً وَارْزُقْني مِنْ خَزائِنِكَ الَّتي لا تَفْنى
ميشود بسيار و پاکيزه عطا و بخشش او و روزيکن مرا از خزينه‌هاى خود که تمام و نابود نشود

وَمِنْ رَحْمَتِكَ الْواسِعَةِ اِنَّ عَطاءَكَ لَمْ يَكُنْ مَحْظُوراً وَاَنْتَ عَلى كُلِّ
و از رحمت تو که فراخست بدرستيکه عطاى تو نبوده است ممنوع و تو بر هر

يا واهب الهدايا يا رازق البرايا يا قاضى المنايا يا سامع الشّكايا يا باعث البرايا يا مطلق الاسارى ... جهت رواشدن كارها دشوارى تا آخر سبحانك

يا ذا الحمد والثّناء يا ذا الفخر والبهاء يا ذا المجد والسّناء يا ذا العهد والوفاء يا ذا العفو والرّضا يا ذا المنّ والعطاء يا ذا الفصل والقضاء يا ذا العزّ والبقاء يا ذا الجود والسّخاء يا ذا الآلاء والنّعماء سبحانك تا آخر جهت نيكوئى احوال

اللّهمّ انّى اسئلك باسمك يا مانع يا دافع يا رافع يا صانع يا نافع يا سامع يا جامع يا شافع يا واسع يا موسع

شَیءٍ قَدیرٌ بِرَحمَتِکَ یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ.
چیزی توانائی برحمت تو ای مهربان‌ترین مهربانان

واحادیث بسیار در فضیلت زیارت حضرت امام حسین علیه‌السلام در شب روز عرفه وارد شده است و زیارت نزدیکترا در تحفة الزائر ذکر کرده‌ام و زیارت دور ان‌شاء الله بعد از این مذکور خواهد شد و پیشتر نیز زیارت آنحضرت مذکور شد **واما روز عرفه** از اعیاد عظیمه است و کسی که توفیق یابد که در عرفات باشد ادعیه و اعمال بسیار دارد و بهترین اعمال در این روز دعا است حتی مستحب است که جمع کند میان نماز ظهر و عصر در اول وقت و نافله و اذان عصر ساقط میشود و بعد از نماز عصر مشغول دعا باید شد تا شام و دعا از برای برادران مؤمن از زنده و مرده بسیار باید کرد چنانچه در حدیث صحیح منقولست که ابراهیم بن هاشم گفت من عبد الله بن جندب را دیدم در موقف عرفات و حال هیچکس را بهتر از او ندیدم و پیوسته دستهای خود را بسوی آسمان بلند کرده بود و آب دیده‌اش بر رویش جاری بود تا بر زمین میرسید چون مردم فارغ شدند گفتم وقوف هیچکس را بهتر از وقوف تو ندیدم گفت بخدا سوگند که دعا نکردم مگر برادران مؤمن خود را زیرا که از حضرت امام موسی علیه‌السلام شنیدم که هر که دعا کند از برای برادران مؤمن خود در غیبت او از عرش ندا باو رسد که از برای تو صد هزار برابر او باد پس من نخواستم که دست بردارم از صد هزار برابر دعای ملک که البته مستجابست برای یک دعای خود که نمیدانم مستجاب خواهد شد یا نه و اگر کسی توفیق یابد که در روز عرفه در تحت قبه مقدسه حضرت امام حسین علیه‌السلام باشد ثوابش کمتر نیست از کسیکه در عرفات باشد بلکه زیاده است چنانکه از حضرت صادق علیه‌السلام منقولست که هر که در روز عرفه بزیارت آنحضرت برود و حق او را بشناسد و او را امام واجب‌الاطاعه داند بنویسد حقتعالی از برای او ثواب هزار حج و دو هزار عمره مقبول و هزار جهاد با پیغمبر مرسل کرده باشد یا امام عادلی راوی گفت کجاست ثواب وقوف عرفات حضرت از روی غضب بسوی او نظر کرد و فرمود بدرستیکه چون بنده مؤمن در روز عرفه نزد قبر آنحضرت حاضر شود و در نهر فرات غسل کند و متوجه زیارت شود هر گام که بر میدارد ثواب یک حج و عمره برای او مینویسند و در روایت دیگر

فرمود که در روز عرفه حقتعالی اول نظر رحمت بسوی زوار حضرت امام حسین علیه‌السلام میکند و گناهان ایشان را میآمرزد و حاجات ایشان را برمیآورد و بعد از آن متوجه اهل عرفات میگردد زیرا که در میان زوار آنحضرت حرام‌زاده و فرزند زنا نیست و در میان اهل عرفات هست و کسیکه توفیق هیچیک از اینها را نیافته باشد باید که در بیابان غسل کند و در مجمع مؤمنان حاضر شود و زیارت آنحضرت بکند و اگر در بام بلندی یا صحرای گشاده باشد بهتر است پس مشغول دعا شوند و تا شام مشغول دعا و ذکر باشند تا در ثواب اینها شریک گردند چنانچه از حضرت صادق علیه‌السلام منقولست و احادیث در باب روزه روز عرفه مختلفست و اکثر علما جمع میان احادیث باین روش کرده‌اند که اگر اشتباهی در ماه نباشد و او را از دعا کردن ضعیف نکند سنت است و الا مکروه هست یعنی ثوابش کمتر است و در روایتی وارد شده است که روز عرفه برابر است با روزه یکسال و اگر اشتباه در ماه باشد یا بار روزه از دعا ضعیف شود نگرفتن روزه بهتر است و از حضرت صادق علیه‌السلام منقولست که هر که در روز عرفه پیش از آنکه متوجه دعا شود دو رکعت نماز بجا آورد در زیر آسمان و اعتراف کند نزد خدا بگناهان خود و اقرار کند بخطاهای خود فائز گردد بثواب اهل عرفات و گناهان گذشته و آینده‌اش آمرزیده گردد و شیخ مفید ره این نماز را بعد از نماز عصر ذکر کرده است و گفته این نماز مخصوص جمعی است که در اطراف باشند و در عرفات نباشند و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه‌السلام منقولست که چون خواهند مشغول دعا شود اول صد مرتبه اَللهُ اَکبَرُ و صد مرتبه اَلحَمدُ لِلّٰهِ و صد مرتبه سُبحانَ اللهِ و صد مرتبه لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ و صد مرتبه قُل هُوَ اللهُ اَحَدٌ و صد مرتبه سوره اِنّا اَنزَلناهُ بخواند و در روایت دیگر فرمود که صد مرتبه آیة الکرسی بخواند و صد مرتبه لا حَولَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ و صد مرتبه اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بگوید پس مشغول دعا شود و بهترین دعاها دعای صحیفه کامله است آنرا با خشوع و خضوع و تأنی و رقت بخواند که مشتمل بر جمیع مطالب دنیا و آخرتست و شیخ طوسی ره بسند معتبر از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بحضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام گفت میخواهی ترا تعلیم کنم دعای روز عرفه را و آن دعای پیغمبران پیش

یا صانِعَ کُلِّ مَصنُوعٍ یا خالِقَ کُلِّ مَخلُوقٍ یا رازِقَ کُلِّ مَرزُوقٍ یا مالِکَ کُلِّ مَملُوکٍ یا کاشِفَ کُلِّ مَکرُوبٍ یا فارِجَ کُلِّ مَهمُومٍ یا راحِمَ کُلِّ مَرحُومٍ یا ناصِرَ کُلِّ مَخذُولٍ یا ساتِرَ کُلِّ مَعیُوبٍ یا مَلجَاَ کُلِّ مَطرُودٍ سُبحانَکَ یا لا اِلٰهَ اِلّا اَنتَ

یا عُدَّتی عِندَ شِدَّتی یا رَجائی عِندَ مُصیبَتی یا مُونِسی عِندَ وَحشَتی یا صاحِبی عِندَ غُربَتی یا وَلِیّی عِندَ نِعمَتی یا غِیاثی عِندَ کُربَتی یا دَلیلی عِندَ حَیرَتی یا غَنائی عِندَ افتِقاری یا مَلجَئی عِندَ اضطِراری یا مُعینی عِندَ مَفزَعی

یا عَلّامَ الغُیُوبِ یا غَفّارَ الذُّنُوبِ یا سَتّارَ العُیُوبِ یا کاشِفَ الکُرُوبِ یا مُقَلِّبَ القُلُوبِ یا طَبیبَ القُلُوبِ یا مُنَوِّرَ القُلُوبِ یا اَنیسَ القُلُوبِ یا مُفَرِّجَ الهُمُومِ یا مُنَفِّسَ الغُمُومِ

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ بِاسمِکَ یا جَلیلُ یا جَمیلُ یا وَکیلُ یا کَفیلُ یا دَلیلُ یا قَبیلُ یا مُدیلُ یا مُنیلُ یا مُقیلُ یا مُحیلُ

یا دَلیلَ المُتَحَیِّرینَ یا غِیاثَ المُستَغیثینَ یا صَریخَ المُستَصرِخینَ یا جارَ المُستَجیرینَ یا اَمانَ الخائِفینَ یا عَونَ المُؤمِنینَ یا راحِمَ المَساکینَ یا مَلجَاَ العاصینَ یا غافِرَ المُذنِبینَ یا مُجیبَ دَعوَةِ المُضطَرّینَ سُبحانَکَ یا لا اِلٰهَ اِلّا اَنتَ الغَوثَ الغَوثَ خَلِّصنا مِنَ النّارِ یا رَبِّ

ازمن است لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ

میگوئی نیست خدائی مگر خدا بکتاست نیست انبازی برای او مراوراست پادشاهی ومراورا

الْحَمْدُ يُحْيي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلى

است ستایش زنده میکند ومیمیراند واو زنده ایست که نمیمیرد بدست او است خیر واو بر

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَالَّذي تَقُولُ وَخَيْراً مِمّا نَقُولُ

هرچیزی تواناست خدایا مرتوراست ستایش مثل آنچه میگوئی وبهتر از آنچه میگوئیم

وَفَوْقَ ما يَقُولُ الْقائِلُونَ اَللّٰهُمَّ لَكَ صَلاتي وَنُسُكي وَ

و بالای آنچه میگویند گویندگان خدایا مرتوراست نماز من وعبادت من و

مَحْيايَ وَمَماتي وَلَكَ بَراءَتي وَبِكَ حَوْلي وَمِنْكَ قُوَّتي اَللّٰهُمَّ

زندگی من و مردن من و مرتوراست بیزاری من از غیر تو وبتواست حرکت من وازتواست توانائی من خدا

اِنّي اَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَمِنْ وَساوِسِ الصَّدْرِ وَمِنْ شَتاتِ

بدرستیکه من پناه میبرم بتو از احتیاج واز اندیشهای باطل سینه واز پراکندگی

الْاَمْرِ وَمِنْ عَذابِ الْقَبْرِ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ خَيْرَ الرِّياحِ وَاَعُوذُ

کار واز شکنجه قبر خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم تو را خیر بادها وپناه میبرم

بِكَ مِنْ شَرِّ ما تَجيءُ بِهِ الرِّياحُ وَاَسْئَلُكَ خَيْرَ اللَّيْلِ وَخَيْرَ النَّهارِ

بتو از بدی آنچه میآید بآن بادها ومیخواهم تو را نیکی شب ونیکی روز

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ في قَلْبي نُوراً وَفي سَمْعي نُوراً وَفي بَصَري نُوراً وَفي

خدایا بگردان در دل من نوری ودر گوش من نوری ودر دیده من نوری ودر

لَحْمي نُوراً وَفي دَمي وَعِظامي وَعُرُوقي وَمَقامي وَمَقْعَدي وَ

گوشت من نوری ودر خون من واستخوانهای من ورگهای من وجای من ونشستگاه من و

مَدْخَلي وَمَخْرَجي نُوراً وَاَعْظِمْ لِيَ النُّورَ يا رَبِّ يَوْمَ اَلْقاكَ اِنَّكَ

محل ورود من وبیرون رفتن من نوری وبزرگ گردان برای من نور را ای پروردگار من روزیکه ملاقات کنم تورا

عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ وازحضرت امام رضا علیه السلام منقول اَللّٰهُمَّ كَما

بدرستیکه تو بر هر چیزی توانائی است که این دعا را در روز عرفه بخوانند خدایا همچنانکه

سَتَرْتَ عَلَيَّ ما لَمْ اَعْلَمْ فَاغْفِرْ لي ما تَعْلَمُ وَكَما وَسِعَني عِلْمُكَ

پوشانیدی بر من آنچه را نمیدانم پس بیامرز برای من آنچه را میدانی وچنانچه فرو گرفته دانش تو

فَلْيَسَعْني عَفْوُكَ وَكَما بَدَأْتَني بِالْاِحْسانِ فَاَتِمَّ نِعْمَتَكَ بِالْغُفْرانِ

پس باید فرو گیرد عفو تو مرا وچنانکه ابتدا کردی مرا به نیکی پس تمام کن نعمت خود را بآمرزش

وَكَما اَكْرَمْتَني بِمَعْرِفَتِكَ فَاشْفَعْها بِمَغْفِرَتِكَ وَكَما عَرَّفْتَني

وچنانچه گرامی داشتی مرا بشناسائی خود پس جفت کن آنرا بآمرزش خود وچنانچه شناسانیدی مرا

وَحْدانِيَّتَكَ فَاَكْرِمْني بِطاعَتِكَ وَكَما عَصَمْتَني مِمّا لَمْ اَكُنْ اَعْتَصِمُ

بمن به یگانگی خود پس گرامی دار مرا بطاعت خود وچنانکه داشتی مرا از آنچه که نبودم خود را بازدارم

مِنْهُ اِلّا بِعِصْمَتِكَ فَاغْفِرْ لي ما لَوْ شِئْتَ عَصَمْتَني يا جَوادُ يا كَريمُ

از آن مگر بداشتن تو پس بیامرز برای من آنچه را اگر بخواهی میداری ای بخشنده ای کریم

يا ذَا الْجَلالِ وَالْاِكْرامِ وازحضرت امام موسی علیه السلام این دعا منقولست اَللّٰهُمَّ اِنّي عَبْدُكَ

ای صاحب بزرگی وکرم خدایا بدرستیکه من بنده تو

وَابْنُ عَبْدِكَ اِنْ تُعَذِّبْني فَبِاُمُورٍ قَدْ سَلَفَتْ مِنّي وَاَنَا بَيْنَ يَدَيْكَ

و پسر بنده توام اگر عذاب کنی مرا پس بکارهائیست که پیش سر زده از من ومن پیش روی تو

بِرُمَّتي وَاِنْ تَعْفُ عَنّي فَاَهْلُ الْعَفْوِ اَنْتَ يا اَهْلَ الْعَفْوِ يا اَحَقَّ مَنْ

بتمام اعضایم واگر درگذری از من پس اهل درگذشتن توئی ای اهل درگذشتن ای سزاوارترکسی

عَفى اِغْفِرْ لي وَلِاِخْواني مؤلف گوید که این حزبیست از دعا طولانی که از حضرت

که درگذرد بیامرز برای من وبرای برادرانم صادق علیه السلام منقولست وادعیه عرفه بسیار است

و در کتاب بحار الانوار و رساله علیحده جمع کرده ام واکثر خلق را آنچه مذکور شده

در این رساله کافیست وازجمله دعاهای مشهور روز عرفه دعای حضرت

سید الشهداء امام حسین علیه السلام است بشر و بشیر پسران غالب اسدی روایت کرده

اند که پسین روز عرفه در عرفات در خدمت آنحضرت بودیم پس از خیمه خود بیرون

آمدند با گروهی از اهل بیت وفرزندان وشیعیان خود با نهایت تذلل وخشوع

پس در جانب چپ کوه ایستادند وروی مبارک را بسوی کعبه گردانیدند ودستها

را برابر رو برداشتند مانند مسکینی که طعام بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ

طلبد واین دعا را خواندند ودعا اینست بنام خداوند بخشنده مهربان

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي لَيْسَ لِقَضائِهِ دافِعٌ وَلا لِعَطائِهِ مانِعٌ وَلا

حمد مر خدا را که نیست مر حکم اورا دفع نماینده ونه مر عطاء او را منع کننده ونه

كَصُنْعِهِ صَانِعٌ وَهُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ فَطَرَ اَجْنَاسَ الْبَدَائِعِ وَاَتْقَنَ

مثل كار او كار كارگری واو است بخشنده فراگیرنده آفرید انواع بدید آمده‌ها را ومحکم نمود

بِحِكْمَتِهِ الصَّنَائِعَ وَلَا تَخْفَى عَلَيْهِ الطَّلَائِعُ وَلَا تَضِيعُ عِنْدَهُ

بدانش خود کارها را وپنهان نیست براو جماعتها وتلف نگردد نزد او

الْوَدَائِعُ جَازِي كُلِّ صَانِعٍ وَرَائِشُ كُلِّ قَانِعٍ وَرَاحِمُ كُلِّ ضَارِعٍ

امانتها جزا دهنده هر کارگری وعطا کننده هر قانعی ورحم کننده هر زاری کنی

وَمُنْزِلُ الْمَنَافِعِ وَالْكِتَابِ الْجَامِعِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ وَهُوَ لِلدَّعَوَاتِ

وفرستنده سودها وکتاب جمع کننده با نور روشن کننده واو مر دعاها را

سَامِعٌ وَلِلْمُطِيعِينَ نَافِعٌ وَلِلدَّرَجَاتِ رَافِعٌ وَلِلْكُرُبَاتِ دَافِعٌ وَلِلْجَبَابِرَةِ

شنوا است ومر فرمانبرداران را نافع است ومرتبه‌ها را بلند کننده واندوهها را زایل کننده ومتکبران را

قَامِعٌ وَرَاحِمُ عَبْرَةِ كُلِّ ضَارِعٍ وَرَافِعُ صَرْعَةِ كُلِّ صَارِعٍ فَلَا اِلٰهَ غَيْرُهُ

خوار کننده ورحم کن گریه هر زاری کننده وبلند کن افتادن هر افتاده پس نیست خدائی جز او

وَلَا شَيْءَ يَعْدِلُهُ وَلَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ اللَّطِيفُ

ونه چیزی برابر او ونیست مانند او چیزی واو شنوای بینای مهربان

الْخَبِيرُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَرْغَبُ اِلَيْكَ وَاَشْهَدُ

آگاه است واو بر هر چیزی توانا است خداوندا بدرستیکه من میل دارم بتو وگواهی میدهم

بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ مُقِرًّا بِاَنَّكَ رَبِّي وَاَنَّ اِلَيْكَ مَرَدِّي اِبْتَدَاْتَنِي

به پروردگاری برای تو اقرار دارم باینکه تو خدای منی واینکه سوی تست بازگشت من ایجاد کردی مرا

بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ اَنْ اَكُونَ شَيْئًا مَذْكُورًا وَخَلَقْتَنِي مِنَ التُّرَابِ ثُمَّ

بنعمت خود پیش از آنکه باشم چیزی یاد کرده شده وآفریدی مرا از خاک پس

اَسْكَنْتَنِي الْاَصْلَابَ اٰمِنًا لِرَيْبِ الْمَنُونِ وَاخْتِلَافِ الدُّهُورِ فَلَمْ اَزَلْ

جا دادی مرا در پشتهای پدران ایمن از هر حوادث از زمان وناموافق دوران پس همیشه بودم

ظَاعِنًا مِنْ صُلْبٍ اِلٰى رَحِمٍ فِي تَقَادُمِ الْاَيَّامِ الْمَاضِيَةِ وَالْقُرُونِ

منتقل شونده از پشت پدران برحم مادران در گذشت روزهای گذشته وزمانهای

الْخَالِيَةِ لَمْ تُخْرِجْنِي لِرَاْفَتِكَ بِي وَلُطْفِكَ لِي وَاِحْسَانِكَ اِلَيَّ فِي

گذشته بیرون نیاوردی مرا جز برای مهربانی خودت بمن ولطف خود بمن ونیکی کردن خود بسوی من در

دَوْلَةِ اَيَّامِ الْكَفَرَةِ الَّذِينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ وَكَذَّبُوا رُسُلَكَ لٰكِنَّكَ

روزهای دولت کفر آنانکه شکستند پیمان تو را وتکذیب کردند پیغمبران تو را لکن تو

اَخْرَجْتَنِي رَاْفَةً مِنْكَ وَتَحَنُّنًا عَلَيَّ لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى

بیرون آوردی مرا بجهة مهربانی از تو وشفقت نمودن تو بر من بجهة آنکه پیش گرفته برای من از رهنمائی

الَّذِي يَسَّرْتَنِي وَفِيهِ اَنْشَاْتَنِي وَمِنْ قَبْلِ ذٰلِكَ رَؤُفْتَ بِي

که آماده کردی برایمن ودر آن پدید کردی مرا وپیش از این مهربان بودی با من

بِجَمِيلِ صُنْعِكَ وَسَوَابِغِ نِعَمِكَ فَابْتَدَعْتَ خَلْقِي مِنْ مَنِيٍّ يُمْنٰى ثُمَّ

بنیکی کار خود ونعمتهای کامل تو پس تازه آوردی خلقت مرا از منی که ریخته شده پس

اَسْكَنْتَنِي فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ بَيْنَ لَحْمٍ وَجِلْدٍ وَدَمٍ وَلَمْ تُشَهِّرْنِي بِخَلْقِي

قرار دادی مرا در سه تاریکی میان گوشت وپوست وخون ومشهور نساختی مرا بخلقت من

وَلَمْ تَجْعَلْ اِلَيَّ شَيْئًا مِنْ اَمْرِي ثُمَّ اَخْرَجْتَنِي اِلَى الدُّنْيَا تَامًّا سَوِيًّا

ونگردانیدی بمن چیزی از کار من پس بیرون آوردی مرا بسوی دنیا درست اعضا صحیح

وَحَفِظْتَنِي فِي الْمَهْدِ طِفْلًا صَبِيًّا وَرَزَقْتَنِي مِنَ الْغِذَاءِ لَبَنًا

ونگهداشتی مرا در گهواره درحالیکه کودک بودم وروزی دادی مرا از خوردنی شیر تازه

مَرِيئًا وَعَطَفْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ الْحَوَاضِنِ وَكَفَّلْتَنِي الْاُمَّهَاتِ الرَّوَاحِمَ وَ

گوارا ومهربان کردی بر من دلهای تربیت کنندگان را وکارگذار من نمودی مادران مهربان را و

كَلَاْتَنِي مِنْ طَوَارِقِ الْجَانِّ وَسَلَّمْتَنِي مِنَ الزِّيَادَةِ وَالنُّقْصَانِ فَتَعَالَيْتَ

پاسبانی نمودی مرا از شبها که میرسد از جن وسالم داشتی مرا از زیادتی وکمی پس برتری

يَا رَحِيمُ يَا رَحْمٰنُ حَتّٰى اِذَا اسْتَهْلَلْتُ نَاطِقًا بِالْكَلَامِ اَتْمَمْتَ عَلَيَّ سَوَابِغَ

ای مهربان ای بخشنده تا آنکه باواز آمدم نطق نماینده بسخن تمام نمودی بر من انعام

الْاِنْعَامِ فَرَبَّيْتَنِي زَائِدًا فِي كُلِّ عَامٍ حَتّٰى اِذَا كَمَلَتْ فِطْرَتِي وَاعْتَدَلَتْ

کامل خود را پس پروردی مرا افزاینده درهر سال تا آنکه کامل کردی خلقت مرا ودرست شد

مِرَّتِي اَوْجَبْتَ عَلَيَّ حُجَّتَكَ بِاَنْ اَلْهَمْتَنِي مَعْرِفَتَكَ وَرَوَّعْتَنِي بِعَجَائِبِ

جثه من لازم کردی بر من برهانت را باینکه الهام کردی بمن شناختن خود را وبدل انداختی مرا عجایب

فِطْرَتِكَ وَاَنْطَقْتَنِي لِمَا ذَرَاْتَ فِي سَمَائِكَ وَاَرْضِكَ مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ

آفرینش خود را وگویا کردی مرا برای آنچه آفریدی در آسمانت ودر زمینت از آفرینش تازه‌ات

يَا ذَا النِّعْمَةِ السَّابِغَةِ يَا ذَا الرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ يَا ذَا الْمِنَّةِ السَّابِقَةِ يَا ذَا الْحِكْمَةِ الْبَالِغَةِ يَا ذَا الْقُدْرَةِ الْكَامِلَةِ يَا ذَا الْحُجَّةِ الْقَاطِعَةِ يَا ذَا الْكَرَامَةِ الظَّاهِرَةِ يَا ذَا الْعِزَّةِ الدَّائِمَةِ يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينَةِ يَا ذَا الْعَظَمَةِ الْمَنِيعَةِ سُبْحَانَكَ يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ

وَنَبَّهْتَنِي لِذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ وَوَاجِبِ طَاعَتِكَ وَعِبَادَتِكَ وَفَهَّمْتَنِي مَا

و اگاه کردی مرا برای یاد کردن و شکر تو و لازم بودن طاعت تو و بندگی تو و فهمانیدی مرا انچه

جَاءَتْ بِهِ رُسُلُكَ وَيَسَّرْتَ لِي تَقَبُّلَ مَرْضَاتِكَ وَمَنَنْتَ عَلَيَّ فِي

اورده اند انرا پیغمبرانت و اسان کردی برایمن پذیرفتن خشنودی تورا و منت گذاردی برمن در

جَمِيعِ ذَلِكَ بِعَوْنِكَ وَلُطْفِكَ ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ حُرِّ الثَّرَى لَمْ تَرْضَ

همه اینها بیاری تو و مهربانی تو پس چون افریدی مرا از گرمی خالص خاک نپسندیدی

لِي يَا إِلَهِي بِنِعْمَةٍ دُونَ أُخْرَى وَرَزَقْتَنِي مِنْ أَنْوَاعِ الْمَعَاشِ وَصُنُوفِ الرِّيَاشِ

ابجهای من بعضی غیر از دیگری و روزی دادی مرا از اقسام عیشها و انواع پوششها

بِمَنِّكَ الْعَظِيمِ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ إِلَيَّ حَتَّى إِذَا أَتْمَمْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ النِّعَمِ

بعطای بزرگ تو برمن و نیکیهای دیرینه تو بسوی من تا انکه تمام کردی برمن همه نعمتها را

وَصَرَفْتَ عَنِّي كُلَّ النِّقَمِ لَمْ يَمْنَعْكَ جَهْلِي وَجُرْأَتِي عَلَيْكَ أَنْ دَلَلْتَنِي

و گردانیدی از من هر مکروهی را باز نداشت تورا نادانی من و بیباکی من بر تو انکه راهنمائی مرا

عَلَى مَا يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ وَوَفَّقْتَنِي لِمَا يُزْلِفُنِي لَدَيْكَ فَإِنْ دَعَوْتُكَ أَجَبْتَنِي

بر انچه نزدیک میکند مرا بسوی تو و توفیق دادی مرا بر انچه نزدیک کند مرا نزد تو پس اگر خواندم تورا جواب گفتی مرا

وَإِنْ سَأَلْتُكَ أَعْطَيْتَنِي وَإِنْ أَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي وَإِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي

و اگر خواهش کردم تورا عطا کردی مرا و اگر اطاعت کردم تورا شکر گذاری کردی مرا و اگر شکر گذاری کردم تورا زیاد

كُلُّ ذَلِكَ إِكْمَالاً لِأَنْعُمِكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ

کردی مرا همه اینها کامل کردن نعمتهای تست برمن و نیکی کردن تست بسوی من پس منزهی تو منزهی تو

مِنْ مُبْدِئٍ مُعِيدٍ حَمِيدٍ مَجِيدٍ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ وَعَظُمَتْ آلَاؤُكَ فَأَيَّ

از جهة پدید اورندگی و باز گرداننده و ستودگی و بزرگواری پاکست نامهای تو و بزرگست نعمتهای تو پس کدام

نِعْمَةٍ يَا إِلَهِي أُحْصِي عَدَداً أَوْ ذِكْراً أَمْ أَيَّ عَطَايَاكَ أَقُومُ بِهَا شُكْراً وَهِيَ

نعمت را ای خدای من بشماره در اورم یا بیاد اورم یا کدام بخشش تورا بپا دارم انرا از روی شکر و ان ای

يَا رَبِّ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَهَا الْعَادُّونَ أَوْ يَبْلُغَ عِلْماً بِهَا الْحَافِظُونَ ثُمَّ

پروردگار من بیشتر است از انکه بشمارند شمارندگان یا برسند از روی دانش بان ضبط کنندگان پس

مَا دَرَأْتَ وَصَرَفْتَ عَنِّي اللَّهُمَّ مِنَ الضُّرِّ وَالضَّرَّاءِ أَكْثَرُ مِمَّا ظَهَرَ لِي

انچه رفع کردی و گردانیدی از من خدایا از بدی و ناخوشی بیشتر از انچه ظاهر شد برای من

مِنَ الْعَافِيَةِ وَالسَّرَّاءِ وَأَنَا أُشْهِدُكَ يَا إِلَهِي بِحَقِيقَةِ إِيمَانِي وَعَقْدِ عَزَمَاتِ

از عافیت و خوشی و من گواه میگیرم تورا ای خدای من براستی ایمانم و بستن عزمهای

يَقِينِي وَخَالِصِ صَرِيحِ تَوْحِيدِي وَبَاطِنِ مَكْنُونِ ضَمِيرِي وَعَلَائِقِ مَجَارِي نُورِ

یقینم و خالص محض توحید خودم و نهان پوشیده پنهانی دلم و اویخته های جاهای روان شدن روشنی

بَصَرِي وَأَسَارِيرِ صَفْحَةِ جَبِينِي وَخُرَقِ مَسَارِبِ نَفْسِي وَخَذَارِيفِ مَارِنِ

چشم و چینهای روی پیشانی من و سوراخهای راههای نفس من و پارچهای استخوانهای نرم

عِرْنِينِي وَمَسَارِبِ صِمَاخِ سَمْعِي وَمَا ضُمَّتْ وَأَطْبَقَتْ عَلَيْهِ شَفَتَايَ وَ

بینی من و راههای سوراخ گوش من و انچه هم اورده باشد و پوشانیده شده براو لبهای من و

حَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي وَمَغْرَزِ حَنَكِ فَمِي وَفَكِّي وَمَنَابِتِ أَضْرَاسِي وَبُلُوغِ

حرکتهای زبان گویای من و محل برامدن پائین دهان من و بالای دهان من و محل روئیدن دندانهای من و رسیدن

حَبَائِلِ بَارِعِ عُنُقِي وَمَسَاغِ مَأْكَلِي وَمَشْرَبِي وَحِمَالَةِ أُمِّ رَأْسِي وَجُمَلِ حَمَائِلِ

رشتهای تمام گردن من و گوارائی خوردن و اشامیدن من و بردارنده اصل سر من و همه رشتهای

حَبْلِ وَتِينِي وَمَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ تَامُورُ صَدْرِي وَنِيَاطِ حِجَابِ قَلْبِي وَأَفْلَاذِ

حمائل دل من و انچه در بر دارد بران دل من که در سینه منست و رگهای پرده دل من و پارهای

حَوَاشِي كَبِدِي وَمَا حَوَتْهُ شَرَاسِيفُ أَضْلَاعِي وَحِقَاقِ مَفَاصِلِي وَأَطْرَافِ

کنارهای جگر من و انچه فرا گرفته سرهای استخوانهای پهلوی من و حلقهای مفاصل من و کنارهای

أَنَامِلِي وَقَبْضِ عَوَامِلِي وَلَحْمِي وَدَمِي وَشَعْرِي وَبَشَرِي وَعَصَبِي وَقَصَبِي

سر انگشتان من و گرای پاهای من و گوشت من و خون من و موی من و پوست من و پی من و نی استخوان من و

عِظَامِي وَمُخِّي وَعُرُوقِي وَجَمِيعِ جَوَارِحِي وَمَا انْتَسَجَ عَلَى ذَلِكَ أَيَّامَ

استخوانهایم و مغزم و رگهایم و همه اعضایم و انچه بافته شده بر این روزهای

رِضَاعِي وَمَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي وَنَوْمِي وَيَقْظَتِي وَسُكُونِي وَحَرَكَاتِ

شیر خوردنم و انچه برداشته زمین از من و خواب من و بیداری من و ارام من و حرکت من

رُكُوعِي وَسُجُودِي أَنْ لَوْ حَاوَلْتُ وَاجْتَهَدْتُ مَدَى الْأَعْصَارِ

و جنبشهای رکوع من و سجود من اگر قصد کنم و کوشش کنم درازی زمانها

وَالْأَحْقَابِ لَوْ عُمِّرْتُهَا أَنْ أُؤَدِّيَ شُكْرَ وَاحِدَةٍ مِنْ أَنْعُمِكَ مَا اسْتَطَعْتُ

و روزگارها اگر زندگی کنم انها را انکه ادا کنم شکر یکی از نعمتهای تورا از عهده برنیایم

ذلك الا بمنك الموجب علي شكرا انفا جديدا وثناء طارفا عتيدا

انرا مگر بمنت تو که واجب کنی برمن شکری را نو دیگر تازه و ثنائی را تازه وآماده

اجل ولو حرصت انا والعادون من انامك ان نحصي مدى انعامك

بلی واگر خواهم من وشمارندگان از خلق تو اینکه شماره کنیم بسیاری نعمتهای تو

سالفه وآنفه لما حصرناه عددا ولا احصيناه امدا هيهات انى

که گذشته وحاضراست هرآینه احاطه نتوانیم کرد شماره انرا وضبط نتوانیم انرا هرگز دوراست کجاست

ذلك وانت المخبر عن نفسك في كتابك الناطق والنبأ الصادق

این و توئی خبر دهنده از نفس خود در کتاب تو که گویاست و خبر راست

وان تعدوا نعمة الله لا تحصوها صدق كتابك اللهم وانباؤك

واگر بشمارید نعمت خدارا نتوانید شمرد انرا راست گفت کتاب تو خدایا و خبر تو

وبلغت انبياؤك ورسلك ما انزلت عليهم من وحيك وشرعت

ورسانیدند پیغمبران تو وفرستاده شدگان تو انچه را فرستادی برایشان از پیغام تو وراه قراردادی

لهم من دينك غير اني يا الهي اشهد بجدي وجهدي ومبالغ طاقتي و

برای ایشان از دینت مگر انکه من ای خدای من گواهی میدهم بسعی وکوشش خودم ورسائیهای طاقتم و

وسعي واقول مؤمنا موقنا الحمد لله الذي لم يتخذ ولدا فيكون

وتوانم ومیگویم ازروی ایمان ویقین ستایش مخصوص خداستکه نگرفته است فرزندی پس بوده باشد

موروثا ولم يكن له شريك في الملك فيضاده فيما ابتدع ولا ولي

ارث برنده ونبوده مراورا انبازی در پادشاهی که مخاصمه کند اورا درانچه پدید آورده ونه دوستی

من الذل فيرفده فيما صنع سبحانه سبحانه سبحانه لو كان فيهما آلهة

از خواری که یاری دهد اورا درانچه کرده منزه است او منزه است او منزه است او اگر بود در زمین واسمان خدایانی

الا الله لفسدتا وتفطرتا فسبحان الله الواحد الحق الاحد الصمد

مگر خدا هرآینه تباه شدندی وشکافته شدندی پس منزه است خدای یگانه ثابت یکتای بینیازی

الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد الحمد لله حمدا يعدل

که نزاییده ونزائیده شده ونبوده مراورا همتائی یکتا است ستایش مرخدارا سپاسی که برابری کند

حمد ملائكته المقربين وانبيائه المرسلين وصلى الله على خيرته

سپاس فرشتگان او که نزدیکشدگان اند وپیغمبران او که فرستاده شدگانند ورحمت خدا بر برگزیده او

من خلقه محمد خاتم النبيين وآله الطيبين الطاهرين المخلصين

از خلق او محمد آخر پیغمبران واهل بیت او که پاکیزگان وپاکان وصاحبان اخلاص‌اند

پس شروع فرمود آنحضرت در سؤال واهتمام نمود در دعا وآب از دیدهای مبارکش جاری بود پس گفت اللهم اجعلني اخشاك

خدایا بگردان مرا که بترسم تورا

كاني اراك واسعدني بتقواك ولا تشقني بمعصيتك وخر لي في

که گویا میبینم تورا ونیکبخت کن مرا بپرهیزکاری من از تو وبدبخت مکن مرا بنافرمانی کردنم تورا واختیار کن برای من

قضائك وبارك لي في قدرك حتى لا احب تعجيل ما اخرت ولا تأخير

در حکم تو ومبارک گردان برای من در تقدیر تو تا دوست ندارم شتاب کردن انچه تاخیر انداخته ونه تاخیر

ما عجلت اللهم اجعل غناي في نفسي واليقين في قلبي والاخلاص

انچه را شتاب کرده خدایا بگردان بینیازی مرا در نفس من ویقین را در دل من واخلاص را

في عملي والنور في بصري والبصيرة في ديني ومتعني بجوارحي واجعل

در کردار من وروشنی را در دیده من وبینائی را در دین من وبهره ده مرا باعضای من وبگردان

سمعي وبصري الوارثين مني وانصرني على من ظلمني وارزقني فيه مآربي

گوش مرا وچشم مرا ارث برندگان از من ویاری کن مرا بر انکه ستم کند مرا وروزی ده مرا دران مقاصد

وثاري واقرر بذلك عيني اللهم اكشف كربتي واستر عورتي واغفر لي

وخونخواهی من وسرد کن بان چشم مرا خدایا زایل کن اندوه مرا وبپوشان عورت مرا وبیامرز مرا

خطيئتي واخسأ شيطاني وفك رهاني واجعل لي يا الهي الدرجة

گناهان مرا ودور کن دیو مرا وبیرون آور از گرو مرا وبگردان برای من ای خدای من درجه

العليا في الاخرة والاولى اللهم لك الحمد كما خلقتني فجعلتني

بلند را در آخرت ودنیا خدایا مرتوراست ستایش چنانکه آفریدی مرا پس گردانیدی مرا

سميعا بصيرا ولك الحمد كما خلقتني فجعلتني حيا سويا رحمة بي وكنت

شنوای بینا ومرتوراست ستایش چنانکه آفریدی مرا پس گردانیدی مرا زنده تمام درست از روی بخشش بمن وبودی

عن خلقي غنيا رب بما برأتني فعدلت فطرتي رب بما انشأتني

از آفریدن من بینیاز پروردگارا بانچه آفریدی مرا پس درست کردی خلقت مرا پروردگارا بانچه ایجاد کردی مرا

فاحسنت صورتي يا رب بما احسنت بي وفي نفسي عافيتني رب بما كلأتني

پس نیکو گردانیدی صورت مرا ای پروردگار بانچه نیکی کردی بمن ودر نفس من عافیت دادی مرا پروردگارا بانچه نگاهداشتی

وَوَفَّقْتَنِي رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَهَدَيْتَنِي رَبِّ بِمَا أَوَيْتَنِي وَمِنْ كُلِّ

و توفیق دادی مرا پروردگارا بآنچه نعمت دادی بر من پس راه نمودی مرا پروردگارا بآنچه ماوی دادی مرا و از هر

خَيْرٍ آتَيْتَنِي وَأَعْطَيْتَنِي رَبِّ بِمَا أَطْعَمْتَنِي وَسَقَيْتَنِي رَبِّ بِمَا أَغْنَيْتَنِي وَ

نیکی که دادی مرا و عطا کردی مرا پروردگارا بآنچه خورانیدی مرا و سیرابکردی مرا پروردگارا بآنچه بی‌نیاز کردی مرا و

أَقْنَيْتَنِي رَبِّ بِمَا أَعَنْتَنِي وَأَعْزَزْتَنِي رَبِّ بِمَا أَلْبَسْتَنِي مِنْ ذِكْرِكَ

نگاه داشتی مرا پروردگارا بآنچه یاری کردی مرا و عزیز کردی مرا پروردگارا بآنچه پوشانیدی مرا از یاد تو که

الصَّافِي وَيَسَّرْتَ لِي مِنْ صُنْعِكَ الْكَافِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

پاک و آسان کردی برای من از کار تو که کافیست رحمت فرست بر محمد و آل محمد

وَأَعِنِّي عَلَى بَوَائِقِ الدَّهْرِ وَصُرُوفِ الْأَيَّامِ وَاللَّيَالِي وَنَجِّنِي مِنْ أَهْوَالِ

و یاری کن مرا بر سختیهای روزگار و حادثه‌های روزها و شبها و نجات ده مرا از ترسهای

الدُّنْيَا وَكُرُبَاتِ الْآخِرَةِ وَاكْفِنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ

دنیا و اندوههای آخرت و کفایت کن مرا از شر آنچه میکنند ستمکاران در زمین

اَللّٰهُمَّ مَا أَخَافُ فَاكْفِنِي وَمَا أَحْذَرُ فَقِنِي وَفِي نَفْسِي وَدِينِي فَاحْرُسْنِي

خدایا از آنچه میترسم پس کفایت کن مرا و از آنچه اندیشه میکنم پس نگهدار مرا و در نفس من و دین من پس حفظ کن مرا

وَفِي سَفَرِي فَاحْفَظْنِي وَفِي أَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي فَاخْلُفْنِي وَفِيمَا

و در سفر من پس نگهدار مرا و در خانواده من و مال من و فرزند من پس جانشین کن مرا و در آنچه

رَزَقْتَنِي فَبَارِكْ لِي وَفِي نَفْسِي فَذَلِّلْنِي وَفِي أَعْيُنِ النَّاسِ فَعَظِّمْنِي

روزی کردی مرا پس برکت ده مرا و در نفس من پس ذلیل کن مرا و در چشمهای مردم پس بزرگ گردان مرا

وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ فَسَلِّمْنِي وَبِذُنُوبِي فَلَا تَفْضَحْنِي وَبِسَرِيرَتِي

و از شر دیو و آدمی پس سالم دار مرا و بگناهان من پس رسوا مکن مرا و بگناهان باطن

فَلَا تُخْزِنِي وَبِعَمَلِي فَلَا تَبْتَلِنِي وَنِعَمَكَ فَلَا تَسْلُبْنِي وَإِلَى غَيْرِكَ فَلَا تَكِلْنِي

پس محزون مکن مرا و بکردار من پس مبتلا مکن مرا و نعمتهای خودت پس نگیر از من و بغیر خودت پس وامگذار مرا

إِلَى مَنْ تَكِلُنِي إِلَى الْقَرِيبِ يَقْطَعُنِي أَمْ إِلَى الْبَعِيدِ يَتَجَهَّمُنِي أَمْ إِلَى

بکه وامیگذاری مرا بنزدیکی که ببرد از من یا بدور که ترش رو کند با من یا به

الْمُسْتَضْعِفِينَ لِي وَأَنْتَ رَبِّي وَمَلِيكُ أَمْرِي أَشْكُو إِلَيْكَ غُرْبَتِي وَ

سست نمایندگان من و تو پروردگار منی و مالک کار منی شکایت میکنم بتو غریبی خود را و

بُعْدَ دَارِي وَهَوَانِي عَلَى مَنْ مَلَّكْتَهُ أَمْرِي اَللّٰهُمَّ فَلَا تُحْلِلْ بِي

دوری خانه‌ام را و خواری خود را بر کسیکه مالک کار من کرده‌ای او را خدایا پس فرود میاور بمن

غَضَبَكَ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ فَلَا أُبَالِي سِوَاكَ غَيْرَ أَنَّ عَافِيَتَكَ

خشم خود را پس اگر خشم نکنی بر من پس باک ندارم از خشم غیر تو جز اینکه عافیت تو

أَوْسَعُ لِي يَا رَبِّ فَأَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ الْأَرْضُ وَ

فراخ‌تر است برای من ای پروردگار پس سؤال میکنم ترا بنور ذات تو که روشن شد بسبب آن زمین و

السَّمَاوَاتُ وَانْكَشَفَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ وَصَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ

آسمانها و برداشته شد بسبب آن تاریکیها و باصلاح آمد بر آن کار پیشینیان و پسینیان

أَنْ لَا تُمِيتَنِي عَلَى غَضَبِكَ وَلَا تُنْزِلَ بِي سَخَطَكَ لَكَ الْعُتْبَى حَتَّى تَرْضَى

اینکه نمیرانی مرا بر خشم خودت و فرود نیاوری بمن خشم خود را برای تواست بازگشت تا خشنود شوی

قَبْلَ ذَلِكَ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَالْبَيْتِ

پیش از این نیست خدائی مگر تو پروردگار شهر باحرمت و مشعر باحرمت و خانه

الْعَتِيقِ الَّذِي أَحْلَلْتَهُ الْبَرَكَةَ وَجَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ أَمْنًا يَا مَنْ عَفَا عَنِ الْعَظِيمِ

کهنه که حلال کرده باو برکت را و گردانیدی او را برای مردم محل امن ای آنکه درمیگذرد از بزرگ

مِنَ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ يَا مَنْ أَسْبَغَ النِّعْمَةَ بِفَضْلِهِ يَا مَنْ أَعْطَى الْجَزِيلَ

از گناهان ببردباری خود ای آنکه تمام کرده است نعمت را بفضل خود ای آنکه بخشش فراوان کرده

بِكَرَمِهِ يَا عُدَّتِي فِي شِدَّتِي يَا صَاحِبِي فِي وَحْدَتِي يَا غِيَاثِي فِي كُرْبَتِي

بکرم خود ای ذخیره من در سختی من ای یار من در تنهائی من ای فریادرس من در اندوه من

يَا مُونِسِي فِي حُفْرَتِي يَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي يَا إِلٰهِي وَإِلٰهَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَ

ای مونس من در قبر من ای کفایت کننده نعمت من ای خدای من و خدای پدران من ابراهیم و

إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَرَبَّ جَبْرَئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ

اسمعیل و اسحق و یعقوب و پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل

وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَآلِهِ الْمُنْتَجَبِينَ وَمُنْزِلَ التَّوْرَاةِ وَالْإِنْجِيلِ

و پروردگار محمد آخر پیغمبران و اهل بیت او که برگزیده‌اند و فرستنده تورات و انجیل

وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ وَمُنَزِّلَ كهيعص وَطه وَيس وَالْقُرْآنِ

و زبور و فرقان و فرستنده کهیعص و طه و یس قسم بقرآن

الحكيم انت كهفي حين تعييني المذاهب في سعتها وتضيق علي الارض
درست کردار تو پناه منی هنگامیکه تنگ شود برمن راهها در فراخی آن وتنگ شود برمن زمین

برحبها ولولا رحمتك لكنت من الهالكين وانت مقيل عثرتي
بفراخی آن واگر نبود رحمت تو هرآینه بودم از هلاک شدگان وتو گذرنده از لغزش منی

ولولا سترك اياي لكنت من المفضوحين وانت مؤيدي بالنصر على
واگر نبود پوشش تو مرا هرآینه بودم از رسوا شدگان وتو تایید کننده منی بیاری کردن بر

الاعداء ولولا نصرك اياي لكنت من المغلوبين يا من خص نفسه
دشمنان واگر نبود یاری تو مرا هرآینه بودم از مغلوب شدگان ای آنکه مخصوص گردانید خود را

بالسمو والرفعة فاولياؤه بعزه يتعززون يا من جعلت له الملوك
ببلندی وبرتری پس دوستان او بسبب غلبه او غالب میشوند ای آنکه گردانیدند برای او پادشاهان

نير المذلة على اعناقهم فهم من سطواته خائفون تعلم خائنة الاعين
یوغ خواری خود را بر گردنهاشان پس ایشان از مقاربت او ترسنده اند میدانی برهم زدن چشمها را

وماتخفي الصدور وغيب ما تاتي به الازمان والدهور يا من لا
وآنچه پنهانست در سینه ها وپوشیدگی آنچه میاید بآن وقتها وروزگارها ای آنکه نه

يعلم كيف هو الا هو يا من لا يعلم ما يعلمه الا هو يا من كبس الارض
میداند چگونه است ذات او مگر او ای آنکه نمیداند آنچه را که میداند او مگر او ای آنکه فروبرده زمین را

على الماء وسد الهواء بالسماء يا من له اكرم الاسماء يا ذا المعروف
برآب وبسته هوا را باسمان ای آنکه مر او راست گرامیترین نامها ای صاحب احسانی

الذي لا ينقطع ابدا يا مقيض الركب ليوسف في البلد القفر ومخرجه
که بریده نشود هرگز ای برگماشنده قافله برای یوسف در شهر خالی از گیاه وبیرون آورنده

من الجب وجاعله بعد العبودية ملكا يا راد يوسف على يعقوب بعد
از چاه وگرداننده او بعد از بندگی پادشاه ای برگرداننده یوسف بیعقوب پس از

ان ابيضت عيناه من الحزن فهو كظيم يا كاشف الضر والبلوى عن ايوب يا
آنکه سفید شد دو چشم او از اندوه پس او خشمگین بود ای برطرف کننده اندوه وبلاء از ایوب ای

ممسك يدا ابراهيم من الذبح عن ابنه بعد ان كبر سنه وفني عمره يا من
نگاهدارنده دست ابراهیم از کشتن پسرش پس از آنکه به پیری رسیده بود وفانی شده عمر او ای آنکه

يا من في البر والبحر سبيله يا من في الآفاق آياته يا من في الآيات برهانه يا من في الممات قدرته يا من في القبور عبرته يا من في القيامة ملكه يا من في الحساب هيبته يا من في الميزان قضاؤه يا من في الجنة ثوابه يا من في النار عقابه سبحانك يا لا اله الا انت الغوث

جهت فصل

يا من اليه يهرب الخائفون يا من اليه يفزع المذنبون يا من اليه يقصد المنيبون يا من اليه يرغب الزاهدون يا من اليه يلجأ المتحيرون يا من به يستأنس المريدون يا من به يفتخر المحبون يا من في عفوه يطمع الخاطئون يا من اليه يسكن الموقنون يا من عليه يتوكل المتوكلون

من استجاب لزكريا فوهب له يحيى ولم يدعه فردا وحيدا يا من
اجابت کرد دعای زکریا را پس بخشید باو یحیی را ونگذارد او را یگانه وتنها ای آنکه

اخرج يونس من بطن الحوت يا من فرق البحر لبني اسرائيل فانجاهم و
بیرون کرد یونس را از شکم ماهی ای آنکه شکافت دریا را برای بنی اسرائیل پس نجات داد ایشان را و

جعل فرعون وجنوده من المغرقين يا من ارسل الرياح مبشرات بين
گردانید فرعون ولشکر او را از غرق شدگان ای آنکه فرستاد بادها را مژده دهنده میان

يدي رحمته يا من لم يعجل على من عصاه من خلقه يا من استنقذ
دو دست رحمت خود ای آنکه شتاب نکرد بر کسیکه نافرمانی کرد او را از آفریدگان او ای آنکه نجات داد

السحرة من بعد طول الجحود وقد غدوا في نعمته ياكلون رزقه و
جادوگران را از پس درازی انکار وتحقیق صبح کردند در نعمت او که میخوردند روزی او را و

يعبدون غيره وقد حادوه ونادوه وكذبوا رسله يا الله يا بديء لا
پرستش میکردند غیر او را ودشمنی کردند او را وشریک قرار دادند برای او وتکذیب کردند فرستادگان او را ای خدا ای پدید آرنده

بدء لك يا دائما لا نفاد لك يا حي حين لا حي يا محيي الموتى يا من هو قائم على كل
که نیست پدید آرنده مر ترا ای همیشه که نیست زوالی برای تو ای زنده هنگامیکه نیست زنده ای زنده کن مردگان ای آنکه او ایستاده بر هر

نفس بما كسبت يا من قل له شكري فلم يحرمني وعظمت عنده خطيئتي فلم
نفسی بآنچه کسب کرده ای آنکه کمست بجهت او ثنای من پس ناامید نکرد مرا وبزرگست نزد او گناه من پس رسوا

يفضحني ورآني على المعاصي فلم يخذلني يا من حفظني في صغري يا من رزقني في
نکرد مرا ودید مرا بر نافرمانیها پس خوار نکرد مرا ای آنکه حفظ کرد مرا در حال کوچکی ای آنکه روزی داد مرا

كبري يا من اياديه عندي لا تحصى يا من نعمه عندي لا تجازى يا من عارضني
در حال بزرگی ای آنکه نعمتهای او نزد من شماره نیابد ای آنکه نعمتهای او نزد من جزا داده نشود ای آنکه پیش آمد مرا

بالخير والاحسان وعارضته بالاساءة والعصيان يا من هداني بالايمان
به خوبی ونیکوئی وپیش آمدم او را ببدی ونافرمانی ای آنکه راه نمود مرا بایمان

قبل ان اعرف شكر الامتنان يا من دعوته مريضا فشفاني وعريانا فكساني
پیش از آنکه بشناسم ثناگوئی نعمتش را ای آنکه خواندم او را در حال بیماری پس شفا داد مرا ودر حال برهنگی پس پوشانید مرا

وجائعا فاطعمني وعطشانا فارواني وذليلا فاعزني وجاهلا فعرفني
مرا ودر حال گرسنگی پس خورانید مرا ودر حال تشنگی پس سیراب کرد مرا ودر حال خواری پس عزیز کرد مرا ودر حال نادانی پس شناسانید

اللهم اني اسئلك باسمك يا حبيب يا طبيب يا قريب يا رقيب يا حسيب يا مهيب يا مثيب يا مجيب يا خبير يا بصير

جهت فصل

يا اقرب من كل قريب يا احب من كل حبيب يا ابصر من كل بصير يا اخبر من كل خبير يا اشرف من كل شريف يا ارفع من كل رفيع يا اقوى من كل قوي يا اغنى من كل غني يا اجود من كل جواد يا ارأف من كل رؤف

جهت فصل

يا غالبا غير مغلوب يا صانعا غير مصنوع يا خالقا غير مخلوق يا مالكا غير مملوك يا قاهرا غير مقهور يا رافعا غير مرفوع يا حافظا غير محفوظ يا ناصرا غير منصور يا شاهدا غير غائب يا قريبا غير بعيد

وَوَحيداً فَكَثَّرَني وَغائِباً فَرَدَّني وَمُقِلّاً فَأَغْناني وَمُنْتَصِراً فَنَصَرَني وَ

و در حال تنهائی پس بسیار کردمرا و در غیبت پس برگردانیدمرا و در فقر پس غنی کرد مرا و در مدد جستن پس یاری کرد مرا و

غَنِيّاً فَلَمْ يَسْلُبْني وَاَمْسَكْتُ عَنْ جَميعِ ذلِكَ فَابْتَدَأْتَني فَلَكَ الْحَمْدُ يا مَنْ اَقالَ

در غنا پس نگرفت مرا و امساک کردم از همه اینها پس او ابتدا کرد مرا پس مر تو راست ستایش ای آنکه در گذشت

عَثْرَتي وَنَفَّسَ كُرْبَتي وَاَجابَ دَعْوَتي وَسَتَرَ عَوْرَتي وَغَفَرَ ذُنُوبي وَبَلَّغَني

لغزش مرا و رفع کرد اندوه مرا و جواب گفت خواندن مرا و پوشانید عورت مرا و آمرزید گناهان مرا و رسانید مرا

طَلِبَتي وَنَصَرَني عَلى عَدُوّي وَاِنْ اَعُدَّ نِعَمَكَ وَمِنَنَكَ وَكَرائِمَ مِنَحِكَ لا

بمطلوبم و یاری کرد مرا بر دشمن من و اگر بشمارم نعمتهای تورا و احسانهای تورا و بزرگی عطاهای تورا

اُحْصيها يا مَوْلايَ اَنْتَ الَّذي اَنْعَمْتَ اَنْتَ الَّذي اَحْسَنْتَ اَنْتَ الَّذي

شماره نمیتوانم کرد ای آقای من تو آنکه نعمت دادی تو آنکه نیکی کردی تو آنکه

اَجْمَلْتَ اَنْتَ الَّذي اَفْضَلْتَ اَنْتَ الَّذي مَنَنْتَ اَنْتَ الَّذي اَكْمَلْتَ اَنْتَ الَّذي

نیکوئی کردی تو آنکه زیادتی دادی تو آنکه بخشش کردی تو آنکه تمام کردی تو آنکه

رَزَقْتَ اَنْتَ الَّذي وَفَّقْتَ اَنْتَ الَّذي اَعْطَيْتَ اَنْتَ الَّذي اَغْنَيْتَ اَنْتَ الَّذي

روزی دادی تو آنکه توفیق دادی تو آنکه عطا کردی تو آنکه بی‌نیاز کردی تو آنکه

اَقْنَيْتَ اَنْتَ الَّذي اَوَيْتَ اَنْتَ الَّذي كَفَيْتَ اَنْتَ الَّذي هَدَيْتَ اَنْتَ الَّذي عَصَمْتَ

نگاهداری کردی تو آنکه جا دادی تو آنکه کفایت کردی تو آنکه راه نمودی تو آنکه نگاه داشتی

اَنْتَ الَّذي سَتَرْتَ اَنْتَ الَّذي غَفَرْتَ اَنْتَ الَّذي اَقَلْتَ اَنْتَ الَّذي مَكَّنْتَ اَنْتَ

تو آنکه پوشاندی تو آنکه آمرزیدی تو آنکه درگذشتی تو آنکه تمکن دادی تو

الَّذي اَعْزَزْتَ اَنْتَ الَّذي اَعَنْتَ اَنْتَ الَّذي عَضَدْتَ اَنْتَ الَّذي

آنکه غلبه دادی تو آنکه یاری کردی تو آنکه قوت دادی تو آنکه

اَيَّدْتَ اَنْتَ الَّذي نَصَرْتَ اَنْتَ الَّذي شَفَيْتَ اَنْتَ الَّذي عافَيْتَ اَنْتَ الَّذي اَكْرَمْتَ

تقویت کردی تو آنکه یاری کردی تو آنکه شفا دادی تو آنکه عافیت دادی تو آنکه گرامی داشتی

تَبارَكْتَ رَبّي وَتَعالَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ دائِماً وَلَكَ الشُّكْرُ واصِباً اَبَداً ثُمَّ اَنَا يا اِلهي

بزرگی تو ای پروردگار من و بلند مرتبه پس تو راست ستایش همیشه و مر تو راست شکر همیشه پس منم ای خدای من

الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبي فَاغْفِرْها لي اَنَا الَّذي اَسَأْتُ اَنَا الَّذي اَخْطَأْتُ اَنَا الَّذي

اعتراف کننده‌ام بگناهانم پس بیامرز آنها را برای من منم آنکه بدی کردم منم آنکه گناه کردم منم آنکه

اَغْفَلْتُ اَنَا الَّذي جَهِلْتُ اَنَا الَّذي هَمَمْتُ اَنَا الَّذي سَهَوْتُ اَنَا الَّذي

غافل شدم منم آنکه نادان بودم منم آنکه اهتمام کردم منم آنکه سهو کردم منم آنکه

اعْتَمَدْتُ اَنَا الَّذي تَعَمَّدْتُ اَنَا الَّذي وَعَدْتُ اَنَا الَّذي اَخْلَفْتُ اَنَا الَّذي

اعتماد نمودم منم آنکه گناه از روی عمد کردم منم آنکه وعده کردم منم آنکه خلاف وعده کردم منم آنکه

نَكَثْتُ اَنَا الَّذي اَقْرَرْتُ اَنَا يا اِلهي اَعْتَرِفُ بِنِعْمَتِكَ عِنْدي وَاَبُوءُ بِذُنُوبي

عهد شکستم منم آنکه اقرار کردم منم ای خدای من که اعتراف دارم بنعمتهای تو نزد من و حاشا کردم گناهانم را

فَاغْفِرْها لي يا مَنْ لا تَضُرُّهُ ذُنُوبُ عِبادِهِ وَهُوَ الْغَنِيُّ عَنْ طاعَتِهِمْ

پس بیامرز آنها را برای من ای آنکه ضرر نمیزند او را گناهان بندگانش و او بی‌نیاز است از طاعت ایشان

وَالْمُوَفِّقُ مَنْ عَمِلَ مِنْهُمْ صالِحاً بِمَعُونَتِهِ وَرَحْمَتِهِ فَلَكَ الْحَمْدُ اِلهي

و توفیق دهنده است آنرا که عمل کند از ایشان شایسته بیاری او و رحمت او پس تو راست ستایش خدای من

اَمَرْتَني فَعَصَيْتُكَ وَنَهَيْتَني فَارْتَكَبْتُ نَهْيَكَ فَاَصْبَحْتُ لا ذا بَراءَةٍ

فرمان دادی مرا پس نافرمانی کردم تورا و باز داشتی مرا پس مرتکب شدم باز داشتن تورا پس صبح کردم در حالتیکه بیگناه نبودم

فَاَعْتَذِرُ وَلا ذا قُوَّةٍ فَاَنْتَصِرُ فَبِاَيِّ شَيْءٍ اَسْتَقْبِلُكَ يا مَوْلايَ اَبِسَمْعي اَمْ

پس عذر بگویم و نه صاحب توانائی بودم پس طلب یاری کنم پس بکدام چیز رو بتو آورم ای آقای من آیا بگوشم یا

بِبَصَري اَمْ بِلِساني اَمْ بِيَدي اَمْ بِرِجْلي اَلَيْسَ كُلُّها نِعَمَكَ عِنْدي وَبِكُلِّها

بچشم یا بزبانم یا بدستم یا بپایم آیا نیست همهٔ اینها نعمتهای تو نزد من و بهمهٔ اینها

عَصَيْتُكَ يا مَوْلايَ فَلَكَ الْحُجَّةُ وَالسَّبيلُ عَلَيَّ يا مَنْ سَتَرَني مِنَ الْآباءِ

نافرمانی کردم تورا ای آقای من پس مر تو راست حجت و راه بر من ای آنکه پوشانید مرا از پدران

وَالْاُمَّهاتِ اَنْ يَزْجُرُوني وَمِنَ الْعَشائِرِ وَالْاِخْوانِ اَنْ يُعَيِّرُوني

و مادران اینکه زجر کنند مرا و از خویشان و برادران اینکه سرزنش کنند مرا

وَمِنَ السَّلاطينِ اَنْ يُعاقِبُوني وَلَوِ اطَّلَعُوا يا مَوْلايَ عَلى مَا اطَّلَعْتَ

و از پادشاهان اینکه عقاب کنند مرا و اگر مطلع شوند ای آقای من بر آنچه تو اطلاع داری

عَلَيْهِ مِنّي اِذاً ما اَنْظَرُوني وَلَرَفَضُوني وَقَطَعُوني فَها اَنَا ذا يا اِلهي بَيْنَ يَدَيْكَ

بر او از من در آنحال مهلت نمیدادند مرا و هر آینه ترک میکردند مرا و میبریدند از من پس اینست منم که پیش روی تو ام

يا سَيِّدي خاضِعاً ذَليلاً حَصيراً حَقيراً لا ذُو بَراءَةٍ فَاَعْتَذِرُ وَلا ذُو قُوَّةٍ فَاَنْتَصِرُ

ای آقای من فروتن خوار کوچک در حالتیکه بیگناه نبودم پس عذر بگویم و نه صاحب توانائی پس طلب یاری کنم

وَلا حُجَّةَ لي فَاَحْتَجَّ بِها وَلا قائِلٌ لَمْ اَجْتَرِحْ وَلَمْ اَعْمَلْ سُوءً وَما عَسى

ونیست حجتی مرا که برهان آورم با و نگوینده ام که بد نکردم ونکرده ام بدی را و چه امید میدارم

الْجُحُودُ لَوْ جَحَدْتُ يا مَوْلايَ يَنْفَعُني فَكَيْفَ وَاَنّى ذلِكَ وَجَوارِحي كُلُّها شاهِدَةٌ

از انکارها واگر انکار میکردم ای مولای من کی سود بخشید مرا پس چگونه و کجاست این و اعضای من همه شاهدند

عَلَيَّ بِما قَدْ عَمِلْتُ وَعَلِمْتُ يَقيناً غَيْرَ ذي شَكٍّ اَنَّكَ سائِلي عَنْ عَظائِمِ الاُمُورِ

برمن با نچه کرده ام و دانایم از روی یقین نه با شک که تو سؤال کننده ازکارهای بزرگ

وَاَنَّكَ الْحَكَمُ الْعَدْلُ الَّذي لا يَجُورُ وَعَدْلُكَ مُهْلِكي وَمِنْ كُلِّ عَدْلِكَ

و توئی درست کردار راستکردار انکه ظلم نمیکنی وعدل تو هلاک کننده منست واز همه عدل تست

مَهْرَبي فَاِنْ تُعَذِّبْني فَبِذُنُوبي يا اِلهي بَعْدَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ وَاِنْ تَعْفُ عَنّي

گریز من پس اگر عذاب کنی مرا بجهة گناهان منست ای خدای من بعد از حجت تو برمن واگر درگذری از من

فَبِحِلْمِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ سُبْحانَكَ اِنّي كُنْتُ مِنَ الظّالِمينَ

بسبب بردباری وجود تو وکرم تو نیست خدائی مگر تو منزهی تو که من میباشم از ستمکاران

لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ سُبْحانَكَ اِنّي كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَغْفِرينَ لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ سُبْحانَكَ

نیست خدائی مگر تو پاکی تو که من میباشم از استغفار کنندگان نیست خدائی مگر تو پاکی تو

اِنّي كُنْتُ مِنَ الْمُوَحِّدينَ لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ سُبْحانَكَ اِنّي كُنْتُ مِنَ الْخائِفينَ

که من میباشم از موحدین نیست خدائی مگر تو پاکی تو که من میباشم از ترسندگان

لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ سُبْحانَكَ اِنّي كُنْتُ مِنَ الْوَجِلينَ لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ سُبْحانَكَ

نیست خدائی مگر تو پاکی تو من میباشم از ترسندگان نیست خدائی مگر تو پاکی تو

اِنّي كُنْتُ مِنَ السّائِلينَ لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ سُبْحانَكَ اِنّي كُنْتُ مِنَ الرّاجينَ

من میباشم از خواهندگان نیست خدائی مگر تو پاکی تو من میباشم از امیدواران

الرّاغِبينَ لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ سُبْحانَكَ اِنّي كُنْتُ مِنَ الْمُهَلِّلينَ الْمُسَبِّحينَ لا اِلهَ

میل دارندگان نیست خدائی مگر تو پاکی تو من میباشم از گویندگان لا اله الا الله تسبیح کنندگان

اِلاّ اَنْتَ رَبّي وَرَبُّ آبائِيَ الاَوَّلينَ اَللّهُمَّ هذا ثَنائي عَلَيْكَ مُمَجِّداً وَ

مگر تو پروردگار من و پروردگار پدران من از پیشینیان خدایا این ستایش منست بر تو در حالتیکه تمجید

اِخْلاصي لِذِكْرِكَ مُوَحِّداً وَاِقْراري بِآلائِكَ مُعَدِّداً وَاِنْ كُنْتُ مُقِرّاً اَنّي

اخلاصم بیاد تو در حالتیکه معترفم بیگانگی تو واقرارم بنعمتهای تو که شمارنده کننده واگر باشم اقرار کننده من

لا اُحْصيها لِكَثْرَتِها وَسُبُوغِها وَتَظاهُرِها وَتَقادُمِها اِلى حادِثٍ ما لَمْ

نتوانم کرد انرا بجهة زیادتی ان وتمامی ان وپیاپی بودن ان ودیرینه بودن ان تا زمان حدوث

تَزَلْ تَتَعَهَّدُني بِهِ مَعَها مُنْذُ خَلَقْتَني وَبَرَاْتَني مِنْ اَوَّلِ الْعُمْرِ مِنَ الاِغْناءِ بَعْدَ

همیشه میپوشانی مرا بسبب ان با انکه ابتدا نیکه افریدی مرا وایجاد از اول عمر از بی نیازی بعد از

الْفَقْرِ وَكَشْفِ الضُّرِّ وَتَسْبيبِ الْيُسْرِ وَدَفْعِ الْعُسْرِ وَتَفْريجِ الْكَرْبِ وَالْعافِيَةِ

فقر و برطرف کردن ضرر و سبب شدن اسانی و دفع دشواریها و زایل شدن اندوهها و عافیت

فِي الْبَدَنِ وَالسَّلامَةِ فِي الدّينِ وَلَوْ رَفَدَني عَلى قَدْرِ ذِكْرِ نِعْمَتِكَ جَميعُ

در بدن و سلامتی در دین و اگر یاری میکردند مرا بر قدر نعمت تو برهمه

الْعالَمينَ مِنَ الاَوَّلينَ وَالاْخِرينَ لَما قَدَرْتُ وَلا هُمْ عَلى ذلِكَ تَقَدَّسْتَ وَتَعالَيْتَ

جهانیان از اولین و اخرین توانائی نداشتم ونه ایشان بر این قدرت پاکی تو و برتری تو

مِنْ رَبٍّ عَظيمٍ كَريمٍ رَحيمٍ لا تُحْصى آلاؤُكَ وَلا يُبْلَغُ ثَناؤُكَ وَلا تُكافى نَعْماؤُكَ

از جهة خدائی بزرگ کریم مهربان و نمی شود شماره نعمتهای تو و رسیده نشود ثنای تو و مکافات نشود

صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَتْمِمْ عَلَيْنا نِعَمَكَ وَاَسْعِدْنا بِطاعَتِكَ سُبْحانَكَ لا

رحمت فرست بر محمد و آل محمد و تمام کن بر ما نعمت خود را ونیکبخت کن ما را بطاعت خود پاکی تو نیست

اِلهَ اِلاّ اَنْتَ اَللّهُمَّ اِنَّكَ تُجيبُ دَعْوَةَ الْمُضْطَرِّ اِذا دَعاكَ وَتَكْشِفُ السُّوءَ وَتُغيثُ

خدائی مگر تو خدایا تو اجابت میکنی دعای درمانده را چون بخواند ترا و برطرف میکنی بدیها و

الْمَكْرُوبَ وَتَشْفِي السَّقيمَ وَتُغْنِي الْفَقيرَ وَتَجْبُرُ الْكَسيرَ وَتَرْحَمُ الصَّغيرَ وَتُعينُ

صاحب اندوه را و شفا میدهی بیمار را و توانگر میکنی فقیر را و درست میکنی شکسته را و رحم میکنی کوچک را و یاری

الْكَبيرَ وَلَيْسَ دُونَكَ ظَهيرٌ وَلا فَوْقَكَ قَديرٌ وَاَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبيرُ يا مُطْلِقَ

کنی بزرگ را ونیست جز تو پشتی ویاوری ونیست بالای تو توانائی و تو بلندمرتبه ای رهائی ده

الْمُكَبَّلِ الاَسيرِ يا رازِقَ الطِّفْلِ الصَّغيرِ يا عِصْمَةَ الْخائِفِ الْمُسْتَجيرِ يا مَنْ لا شَريكَ

دستگیر شده اسیر شده ای روزی دهنده طفل صغیر ای نگاه دارنده ترسیده پناه جوینده ای انکه نیست شریکی

لَهُ وَلا وَزيرَ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَعْطِني في هذِهِ الْعَشِيَّةِ اَفْضَلَ ما

او را ونه وزیری رحمت بر محمد وال محمد وبده مرا در این شب بهتر از

اَعْطَيْتَ وَاَنَلْتَ اَحَداً مِنْ عِبادِكَ مِنْ نِعْمَةٍ تُوليها وَآلاءٍ تُجَدِّدُها وَبَلِيَّةٍ

انچه دادی و رسانیدی بهر یکی از بندگانت از نعمتی که دادستی و نعمتها شکر تازه فرستی و بلائی

يا من في كل شيء آياته يا من في البحار عجائبه يا من في الجبال خزائنه يا من يبدء الخلق ثم يعيده يا من اليه يرجع الامر كله يا من اظهر في كل شيء لطفه يا من احسن كل شيء خلقه يا من تصرف في الخلائق قدرته سبحانك يا لا اله الا انت … رفع

نصرفها وكربة تكشفها ودعوة تسمعها وحسنة تتقبلها وسيئة

برگردانی انرا واندوهی که برطرف کنی انرا ودعائیکه مستجاب کنی انرا وثوابیکه پسندی انرا وگناهیکه

نغفرها انك لطيف خبير وعلى كل شيء قدير اللهم انك اقرب من دعي

بیامرزی انرا بدرستیکه تو باکرم اگاهی و بر هر چیز توانائی خدایا تو نزدیکترهستی که خوانده شد

واسرع من اجاب واكرم من عفى واوسع من اعطى واسمع من سئل

وباشتاب که پذیرفته وکریم ترکسیکه بخشیده وفراخ ترکسیکه عطا کرده وشنواتر سوال کرده شده

يا رحمن الدنيا والآخرة ورحيمهما ليس كمثلك مسئول ولا سواك

ای رحم کننده دنیا واخرت ومهربان دردوجهان نیست مثل توچیزی سوال شده ونیست بجز تو

مامول دعوتك فاجبتني وسئلتك فاعطيتني ورغبت اليك فرحمتني

ارزوداشته شده خواندم تورا اجابت کردی و سوالکردم دادی مرا ومیل کردم بتو رحم کردی

ووثقت بك فنجيتني وفزعت اليك فكفيتني اللهم فصل على محمد

واعتماد کردم بتو نجات دادی وفزع کردم بتو کفایت کردی خدایا رحمت فرست بر محمد

عبدك ورسولك ونبيك وعلى اله الطيبين الطاهرين اجمعين وتمم

بنده خود وفرستاده خود وپیغمبر تو وبر ال او که پاکانند پاکیزکانند همه وتمام کن

لنا نعماءك وهنئنا عطاءك واجعلنا لك شاكرين ولالائك ذاكرين

برای ما نعمتهای خودرا وگوارا کن عطای خودرا وبگردان مارا از شاکرین وبرای نعمتها یاد کننده

امين امين يا رب العالمين اللهم يا من ملك فقدر وقدر فقهر وعصي

بپذیر ای پروردگار جهانیان خدایا ای انکه مالکست تقدیر کرده وقادر وغلبه کرده نافرمانی

فستر واستغفر فغفر يا غاية رغبة الراغبين ومنتهى امل الراجين يا

پس پوشانید وطلب امرزش امرزنده ای اخر میل میل دارندکان ونهایت امید واران ای

من احاط بكل شيء علما ووسع المستقيلين رافة ورحمة وحلما اللهم

انکه فرو گرفته دانش او بهر چیزی وفراخ کرده روزی امرزش طلبانرا از مهربانی وبردباری خدایا

انا نتوجه اليك في هذه العشية التي شرفتها وعظمتها بمحمد نبيك

ما روی میاوریم بتو در این شب که شرافت دادی انرا وبزرگ نمودی بسبب محمد پیغمبرت

ورسولك وخيرتك من خلقك وامينك على وحيك البشير النذير

ورسولت وبرگزیده از افریدکانت وامینت بر وحیت بشارت دهنده بیم کننده

اللهم فصل على

يا كافي من استكفاه يا هادي من استهداه يا كالي من استكلاه رفع

يا مجيب من لا مجيب له يا طبيب من لا طبيب له يا مجيب من لا مجيب له يا شفيق من لا شفيق له يا رفيق من لا رفيق له يا مغيث من لا مغيث له يا دليل من لا دليل له يا انيس من لا انيس له يا راحم من لا راحم له يا صاحب من لا صاحب له سبحانك يا لا اله الا انت رفع

السراج المنير الذي انعمت به على المسلمين وجعلته رحمة للعالمين اللهم

چراغ روشن است که انعام کرده بان بر مسلمانان وگردانیده اورا رحمت برجهانیان خدایا

فصل على محمد وال محمد كما محمد هو اهل ذلك يا عظيم صل عليه و

رحمت فرست بر محمد وال محمد همچنانکه محمد که او سزاوار است انرا ای بزرگ پس رحمت فرست برا

على آله المنتجبين الطاهرين الطيبين اجمعين وتغمدنا بعفوك عنا فاليك

وبر ال محمد که برگزیدکانند پاکانند پاکیزکانند همه وبپوشان مارا بگذشت خود از ما

عجت الاصوات بصنوف اللغات واجعل لنا في هذه العشية نصيبا

فریاد کردند اوازها باقسام زبانها وبگردان برای ما در این شب بهره

في كل خير تقسمه ونور تهدي به ورحمة تنشرها وعافية تجللها وبركة

در هر خیری که تقسیم کردی ونوریکه راه نمودی بان ورحمتیکه پهن کردی انرا وعافیتیکه بزرگ شمردی وبرکتی

تنزلها ورزق تبسطه يا ارحم الراحمين اللهم اقلبنا في هذا الوقت

نازل کردی ورزقیکه پهن کردی ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خدایا برگردان مارا در این وقت

منجحين مفلحين مبرورين غانمين ولا تجعلنا من القانطين ولا تخلنا

فیروزی یافتگان رستگاران نیکوکاران غنیمت برندگان ونگردان مارا از ناامیدان ودور نگردان مارا

من رحمتك ولا تحرمنا ما نؤمله من فضلك ولا تردنا خائبين ولا

از رحمت خود ومحروم مگردان مارا انچه امیدواریم از فضل تو وبرنگردان مارا ناامیدان و

من بابك مطرودين ولا تجعلنا من رحمتك محرومين ولا لفضل ما نؤمله

ونه از درت رانده شدگان ومگردان مارا از رحمت خودت محروم شدگان ونه از فضل انچه امید داریم

من عطاياك قانطين يا اجود الاجودين ويا اكرم الاكرمين اليك اقبلنا

از بخششهای تو ناامیدان ای بخشنده تر بخشندگان وای کریم تر کریمان بتو رو اوردیم ما

موقنين ولبيتك الحرام آمين قاصدين فاعنا على مناسكنا واكمل لنا

یقین کنندگان وبخانه محترم تو امین گویان قصد کنندگان پس یاری کن مارا بر عبادتها وتمام کن برای ما

حجنا واعف اللهم عنا وعافنا فقد مددنا اليك ايدينا وهي بذلة الاعتراف

حج مارا وببخش خدایا از ما وعافیت ده مارا پس کشیدیم ما بسوی تو دستهای خودرا وان دستهای مذلت

موسومة اللهم فاعطنا في هذه العشية ما سئلناك واكفنا ما

نام برده شده خدایا عطا کن مارا در این شب انچه سوال کردیم از تو وکفایت کن مارا

يا راعي من استرعاه يا شافي من استشفاه يا قاضي من استقضاه يا مغني من استغناه يا موفي من استوفاه يا مقوي من استقواه يا ولي من استولاه رفع

اللهم اني اسئلك باسمك يا خالق يا رازق يا ناطق يا صادق يا فالق يا فارق يا فاتق يا راتق يا سابق يا سامق … سبحانك يا لا اله الا انت … رفع

يا من يقلب الليل والنهار يا من جعل الظلمات والانوار يا من خلق الظل والحرور يا من سخر الشمس والقمر يا من قدر الخير والشر يا من خلق الموت والحيوة يا من له الخلق والامر يا من لم يتخذ صاحبة ولا ولدا يا من ليس …

استكفيناك فلا كافي لنا سواك ولا رب لنا غيرك نافذ فينا

طلب کفایت کردیم از تو پس کیست کافی ما را جز تو ونه پروردگار ما را غیر تو جاریست در ما

حكمك محيط بنا علمك عدل فينا قضاؤك اقض لنا الخير واجعلنا

حکم تو احاطه کرده ما را دانش تو عدلست در میان تو حکم کن ما را خیر را وبگردان

من اهل الخير اللهم اوجب لنا بجودك عظيم الاجر وكريم الذخر و

از اهل خیر خدایا واجب کن برای ما بسبب جود بزرگ مزد را وبهترین ذخیره را و

دوام اليسر واغفر لنا ذنوبنا اجمعين ولا تهلكنا مع الهالكين ولا

همیشه آسان کن وبیامرز برای ما گناهان را همه وهلاک مکن ما را با هلاک شوندگان و

تصرف عنا رأفتك برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم اجعلنا

برمگردان از ما مهربانی خود را برحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خدایا بگردان ما را

في هذا الوقت ممن سألك فاعطيته وشكرك فزدته وتاب اليك

در این وقت از آنکه سؤال کرده اند پس داده او را وشکر کرده اند تو را پس زیاد کرده آنها را وبازگشته بتو

فقبلته وتنصل اليك من ذنوبه كلها فغفرتها له يا ذا الجلال والاكرام

قبول کرده او را وبیزاری جستند بتو از گناهان خود آمرزیده آنها را ای صاحب جلال و کرم

اللهم وفقنا وسددنا واعصمنا واقبل تضرعنا يا خير من سئل و

خدایا توفیق ده ما را وراست کن ونگاه دار ما را وبپذیر زاری ما را ای نیکوتر آنکه سؤال کرده شده

ارحم من استرحم يا من لا يخفى عليه اغماض الجفون ولا لحظ العيون ولا

مهربانتر آنکه رحم کرده شده ای آنکه مخفی نیست بر او بهم زدن پلک چشمها ونه ملاحظه کردن چشمها ونه

ما استقر في المكنون ولا ما انطوت عليه مضمرات القلوب الا كل ذلك

آنچه قرار گرفته در پنهانیها ونه آنچه مشتملست بر او پوشیدهای دلها آیا همه اینها

قد احصاه علمك ووسعه حلمك سبحانك وتعاليت عما يقول الظالمون

تحقیق که شمرده آن را دانش تو وفرا گرفته آن را بردباری تو پاکی تو وبلندی تو از آنچه گویند ستمکاران

علوا كبيرا تسبح لك السموات السبع والارضون ومن فيهن وان من شيء الا

بلندی بزرگ تنزیه میکنند تو را آسمانهای هفتگانه وزمین وهرکه در آنهاست ونیست چیزی مگر

يسبح بحمدك فلك الحمد والمجد وعلو الجد يا ذا الجلال والاكرام والفضل

آنکه تنزیه میکند تو را پس تو راست حمد وبزرگی وبرتری پادشاهی ای صاحب بزرگواری وکرم وزیادتی

والانعام والايادي الجسام وانت الجواد الكريم الرؤف الرحيم

واحسان ونعمتهای بزرگوار و تو بخشنده بزرگواری ومهربان رحیمی

اللهم اوسع علي من رزقك الحلال وعافني في بدني وديني وامن

خدایا فراخ ده بر من از رزق حلال خود وعافیت ده مرا در بدنم ودینم وایمن ده

خوفي واعتق رقبتي من النار اللهم لا تمكر بي ولا تستدرجني ولا

ترسم را وآزاد کن گردن مرا از آتش خدایا مکر مکن با من و مکر مرا درجه درجه

تخدعني وادرء عني شر فسقة الجن والانس پس سر و دیده خود را بسو

رسوا مکن مرا ودفع کن از من بدی فاسقان جن وانس

اسمان بلند کرد واز دیده

هاى مبارکش آب میریخت تا شد

دومشک وبصدای بلند میگفت يا اسمع السامعين ويا ابصر الناظرين و

ای شنونده تر شنوندگان وای بیناتر بینایان و

يا اسرع الحاسبين ويا ارحم الراحمين صل على محمد وآل محمد السادة

ای تندتر حساب کنندگان وای بخشنده تر بخشندگان رحمت فرست بر محمد وآل محمد آقای

الميامين واسئلك اللهم حاجتي التي ان اعطيتنيها لم يضرني

میمونها و سؤال میکنم تو را خدایا حاجتم بتو که اگر عطا کنی بمن حاجتم را ضرر نمیرساند

ما منعتني وان منعتنيها لم ينفعني ما اعطيتني اسئلك فكاك رقبتي من

آنچه منع کرده از من واگر منع کنی آن را از من نفع نمیدهد مرا آنچه عطا کنی بمن ومیخواهم تو را رها کردن من از

النار لا اله الا انت وحدك لا شريك لك لك الملك ولك الحمد و

آتش نیست خدائی مگر تو یگانه تو نیست شریکی تو را تو راست پادشاهی وتو راست حمد و

انت على كل شيء قدير يا رب يا رب يا رب پس مکرر میگفت یا رب وصدای گریه

تو بر هر چیز توانائی ای پروردگار ای پروردگار بلند شد وبازگردیدند ودر واقع جانب

مشعر الحرام شدند وسید ابن طاوس ره بسند معتبر روایت کرده است از حضرت صادق

علیه السلام که در روز عرفه چون زوال شمس شود نماز ظهر وعصر را بکن پس برو بمحل

وقوف وصد مرتبه الله اکبر وصد مرتبه الحمد لله وصد مرتبه سبحان الله وصد

مرتبه لا اله الا الله وصد مرتبه قل هو الله احد و لا اله الا الله الحليم الكريم

صد مرتبه انا انزلناه بخوان پس این دعا را بخوان نیست خدائی مگر خدای بردبار بزرگوار

يا من جعل النهار معاشا يا من جعل الليل لباسا يا من جعل القمر نورا يا من جعل الشمس سراجا يا من جعل الجبال اوتادا يا من جعل الارض مهادا يا من جعل النوم سباتا يا من جعل السماء بناء يا من جعل الاشياء ازواجا يا من جعل النار مرصادا

لا اله الا الله العلى العظيم سبحان الله رب السموات السبع ورب

نيست خدائى مگر خداى بلند مرتبه بزرگ منزه است خدا پروردگار آسمانهاى هفتگانه وپروردگار

الارضين السبع وما فيهن وما بينهن وهو رب العرش العظيم والحمد لله رب

زمينهاى هفتگانه وآنچه در آنها وآنچه در ميان آنها واوست پروردگار عرش بزرگ وحمد خدا راست

العالمين اللهم اياك نعبد واياك نستعين اللهم انى اريد ان اثنى عليك و

جهانيان خدايا ترا پرستش ميكنيم واز تو يارى ميجوييم خدايا من ميخواهم كه ثنا بگويم بر تو و

ما عسى ان ابلغ من مدحك مع قلة عملى وقصر رأيى وانت الخالق وانا

نيست گمان من كه برسم بستايش تو با كمى كردار من وكوتاهى راى من وتوئى آفريننده ومن

المخلوق وانت المالك وانا المملوك وانت الرب وانا العبد وانت العزيز

آفريده شده وتوئى مالك ومنم مملوك وتوئى پروردگار ومن بنده وتوئى ارجمند

وانا الذليل وانت القوى وانا الضعيف وانت الغنى وانا الفقير وانت

ومنم خوار وتوئى توانا ومنم ناتوان وتوئى بى‌نياز ومنم محتاج وتو

المعطى وانا السائل وانت الغفور وانا الخاطى وانت الحى الذى لا يموت

عطا كننده ومنم سؤال كننده وتوئى آمرزنده ومنم خطاكار وتوئى زنده كه نميميرى

وانا خلق اموت اللهم انت الله رب العالمين وانت الله لا اله الا انت

ومنم آفريده كه ميميرم خدايا توئى خدا پروردگار جهانيان وتوئى خدا نيست خدائى مگر تو

العزيز الحكيم وانت الله لا اله الا انت العلى العظيم وانت الله لا اله الا انت

غالب درستكردار وتوئى خدا كه نيست خدائى مگر تو بلند مرتبه بزرگ وتوئى خدا نيست خدائى مگر

الغفور الرحيم وانت الله لا اله الا انت مالك يوم الدين وانت الله لا اله

آمرزنده مهربان وتوئى خدا نيست خدائى مگر تو پادشاه روز قيامت وتوئى خدا نيست

الا انت منك بدء الخلق واليك يعود وانت الله لا اله الا انت لم تزل و

مگر تو از تست پديد شدن آفريدگان وبسوى تست بازگرديدن وتوئى خدا نيست خدائى مگر تو هميشه بوده

تزال وانت الله لا اله الا انت خالق الجنة والنار وانت الله لا اله الا

هستى وتوئى خدا نيست خدائى مگر تو آفريننده بهشت وآتش وتوئى خدا نيست خدائى

انت خالق الخير والشر وانت الله لا اله الا انت الواحد الاحد الفرد

مگر تو آفريننده نيكى وبدى وتوئى خدا كه نيست خدائى مگر تو يكتا يگانه فرد

الصمد لم تلد ولم تولد ولم تكن لك كفوا احد وانت الله لا اله الا انت

بى‌نياز نميزايد وزاده نشده ونميباشد مر ترا همتا احدى وتوئى خدا كه نيست خدا مگر تو

عالم الغيب والشهادة الرحمن الرحيم وانت الله لا اله الا انت الملك

داناى غيب وآشكار بخشنده مهربان وتوئى خدا نيست خدائى مگر تو پادشاه

القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله

منزه سالم ايمن كننده نگهبان غالب بزرگوار وعظمت منزه است خدا

عما يشركون وانت الله الخالق البارئ المصور لك الاسماء الحسنى يسبح

از آنچه شريك قرار دهند وتوئى خدا آفريننده ايجاد كننده صورت نگار تو راست نامهاى نيكو تسبيح ميكند

لك ما فى السموات والارض وانت العزيز الحكيم وانت الله لا اله الا

ترا آنچه در آسمانها وزمين است وتو عزيز درستكردارى وتوئى خدا نيست خدائى مگر

انت الكبير المتعال والكبرياء رداؤك اللهم انك سابغ النعماء حسن

تو بزرگ بلند مرتبه بزرگ است رداء تو خدايا تو تمام كننده نعمتهائى نيكو

البلاء جزيل العطاء مقسط القضاء باسط اليدين بالرحمة نفاع

كننده بلائى تند بخشنده عدل كننده پهن كننده دو دستى برحمت نفع دهنده

بالخيرات كاشف الكربات رفيع الدرجات منزل الآيات من فوق سبع

بخيرات برداننده اندوهها بلند كن درجه‌ها فرو فرستنده آيات از بالا آسمانهاى

سموات عظيم البركات مخرج من فى الظلمات الى النور مبدل السيئات حسنات

هفتگانه بزرگ بركتها بيرون آورنده آنچه در تاريكيهاست بسوى روشنى بدل كننده بديها را بنيكوئى

وجاعل الحسنات درجات اللهم انك دنوت فى علوك وعلوت فى دنوك فدنوت

وگرداننده نيكيها را بدرجات خدايا تو نزديك شدى در بلندى وبلند مرتبه در نزديك بودن است

فليس دونك شئ وارتفعت فليس فوقك شئ ترى ولا ترى وانت بالمنظر

نيست جز تو چيزى ومرتفع شدى نيست بالاى تو چيزى ميبينى وديده نميشوى وتو بمكان

الاعلى فالق الحب والنوى لك ما فى السموات العلى ولك الكبرياء فى الآخرة والاولى

بلندى شكافنده دانه وهسته تو راست آنچه در آسمانهاست بلند وتو راست بزرگى در آخرت ودنيا

اللهم انك غافر الذنب شديد العقاب ذو الطول لا اله الا انت اليك

خدايا تو آمرزنده گناهى سخت عقوبتى صاحب بخششى نيست خدائى مگر تو بتو

المصير وسعت رحمتك كل شيء وبلغت حجتك ولا معقب لحكمك و

باز كشت فرا كرفته رحمت تو هرچيزرا ورسيده برهان تو ونيست تاخيرانداز حكم تورا

انت لا تخيب سائلك انت الذي لا رافع لما وضعت ولا واضع لما رفعت

توئى كه نااميد نشود سؤال كننده تو توئى انكه نيست بلند كننده هرچيزرا كه پست كرده ونيست پست كننده انچه

انت الذي اثبت كل شيء بحكمتك واحصيت كل شيء بعلمك وابرمت كل شيء

توئى انكه محكم كرده هرچيزرا ببرهان تو وشماره كردى هرچيزرا بدانش تو واستوار كردى هرچيزرا

بحكمك ولا يفوتك شيء بعلمك ولا يمتنع عنك شيء انت الذي لا

بحكم خود وفوت نشود چيزى بدانش تو وضع كرده نشود از تو چيزى توئى انكه

يعجزك هاربك ولا يرتفع صريعك ولا يحيى قتيلك انت علوت فقهرت و

عاجز نكند تورا كريخته تو وبلند نشود هم سرى كننده با تو وزنده نشود كشته شده تو تو بلند شدى وغالب شدى

ملكت فقدرت وبطنت فخبرت وعلى كل شيء ظهرت علمت خائنة الاعين

مالك شدى پس توانا شدى وفرو رفتى پس دانا شدى وبر هرچيزى غالب شدى ميدانى برهم زدن چشمهارا

وما تخفي الصدور وتعلم ما تحمل كل انثى وما تضع وما تغيض الارحام

وانچه مخفى است در سينه ها وميدانى انچه برميدارد هرماده وانچه مى نهد وانچه نقصان ميرساند برحمها

وما تزداد وكل شيء عندك بمقدار انت الذي لا تنسى من ذكرك ولا

وانچه دردست ميكند وهرچيز نزد تو باندازه است توئى انكه فراموش نمى كنى كسى راكه يادت كند ونكنى

تضيع من توكل عليك انت الذي لا يشغلك ما في جو ارضك عما في جو

ضايع انرا كه توكل كند بر تو توئى انكه مشغول نسازد تورا انچه در زمين است انچه در ميان

سمواتك ولا يشغلك ما في جو سمواتك عما في جو ارضك انت الذي

اسمانها است ومشغول نمى سازد تورا انچه درميان اسمانها است وانچه در زمين است توئى انكه

تعززت في ملكك ولم يشركك احد في جبروتك انت الذي علا كل شيء

غالب شدى در پادشاهى خود وشريك تو نشد كسى در پادشاهى تو توئى انكه برتر است برهرچيزى

ملكك وملك كل شيء امرك انت الذي ملكت الملوك بقدرتك واستعبدت

پادشاهى تو ودارا است هرچيزرا امر تو توئى انكه پادشاهى دادى پادشاهانرا بقدرت خود وبنده كردى

الارباب بعزتك وانت الذي قهرت كل شيء بقوتك وعلوت كل شيء بفضلك

خداوندانرا بغلبه خود وتوئى انكه مقهور ساختى هرچيزرا بتوانائى خود وبرترى جستى هرچيزرا بفضل خود

انت الذي لا يستطاع كنه وصفك ولا منتهى لما عندك انت الذي لا يصف

توئى انكه طاقت ندارند پايان وصف تورا ونيست نهايت انچه را نزد تست توئى انكه وصف نتوانند

الواصفون عظمتك ولا يستطيع المزايلون تحويلك انت شفاء لما في

كرده وصف كنندكان بزرگى تورا وتوانائى ندارند درماندكان بركردانيدن تورا توئى شفاء

الصدور وهدى ورحمة للمؤمنين انت الذي لا يحفيك سائل ولا

در سينه ها است وراستى ورحمت مرگروندكانرا توئى انكه نمى رنجاند تورا سؤال كننده وكم

نائل ولا يبلغ مدحتك مادح ولا قائل انت الكائن قبل كل شيء والمكون

نكند بخشش ونميرسد بمدحت تو مدح كننده ونه كوينده توئى موجود پيش از هرچيزى وايجاد كننده

لكل شيء والكائن بعد كل شيء انت الواحد الصمد الذي لم تلد ولم تولد

هرچيزرا وموجود بعد از هرچيزى توئى يكتاى بى نياز كه زائيده نشده ونزايد

ولم يكن لك كفوا احد ولم تتخذ صاحبة ولا ولدا السموات ومن فيهن

ونمى باشد تورا همتا احدى ونكرفتى يارى ونه فرزندى اسمانها وانچه در انها است

لك والارضون ومن فيهن لك وما بينهن وما تحت الثرى احصيت كل

تورا وزمينها وانچه در انها است تو راست وانچه ميان انها وانچه زير خاك است شماره كرده هر

شيء واحطت به علما وانت تزيد في الخلق ما تشاء وانت لا تسئل عما

چيزرا واحاطه كرده بان از دانش وتو زياد كنى در افريدن انچه خواهى وتو سؤال كرده نشوى از

تفعل وهم يسئلون وانت الفعال لما تريد وانت القريب وانت البعيد

انچه ميكنى وايشان سؤال كرده شوند وتوئى كننده انچه را خواهى وتوئى نزديك وتوئى دور

وانت السميع وانت البصير وانت الماجد وانت الواجد وانت العليم

وتوئى شنوا وتوئى بينا وتوئى بزرگوار وتوئى يابنده وتوئى دانا

وانت الحكيم وانت الغني وانت الكريم وانت البار وانت الرحيم وانت

وتوئى درستكردار وتوئى بى نياز وتوئى بزرگوار وتوئى نيكوكار وتوئى مهربان وتوئى

القادر وانت القاهر لك الاسماء الحسنى كلها وانت الجواد الذي

قادر وتوئى غالب تو راست نامهاى نيكو همه انها وتوئى صاحب بخشش كه

لا تبخل وانت العزيز الذي لا تذل وانت ممتنع لا ترام يسبح لك

بخل نميكنى وتوئى عزيز انچنانكه خوار نمى كردى وتوئى بازدارنده كه طلب كرده نشوى تسبيح

مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَاَنْتَ بِالْخَيْرِ اَجْوَدُ مِنْكَ بِالشَّرِّ اَنْتَ رَبِّي وَ

انچه در اسمانها و زمین است و توئی بخیر بخشنده تر از خود بشر توئی پروردگار من

رَبُّ اٰبَائِيَ الْاَوَّلِينَ اَنْتَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ اِذَا دَعَاكَ اَنْتَ نَجَّيْتَ نُوحًا مِنَ

و پروردگار پدران من از پیشینیان توئی اجابت میکنی درمانده را هرگاه بخواند ترا توئی نجات داده نوح را از

الْغَرَقِ وَاَنْتَ غَفَرْتَ لِدَاوُدَ ذَنْبَهُ وَاَنْتَ نَفَّسْتَ عَنْ ذِي النُّونِ كَرْبَهُ

غرق شدن و تو آمرزنده داود را گناهش را و تو برطرف کننده از یونس اندوهش را

وَاَنْتَ كَشَفْتَ عَنْ اَيُّوبَ ضُرَّهُ وَاَنْتَ رَدَدْتَ مُوسٰى عَلٰى اُمِّهِ وَاَنْتَ صَرَفْتَ

و تو برداشتی از ایوب سختیش را و تو برگردانیدی موسی را بر مادرش و تو برگردانیدی

قُلُوبَ السَّحَرَةِ اِلَيْكَ حَتّٰى قَالُوا اٰمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ وَاَنْتَ وَلِيُّ نِعَمِ الصَّالِحِينَ

دلهای ساحرانرا بخودت تا گفتند ایمان آوردیم بپروردگار جهانیان و توئی کفایت کننده نعمتهای صالحان

لَا يُذْكَرُ مِنْكَ اِلَّا الْحَسَنُ الْجَمِيلُ وَمَا لَا يُذْكَرُ اَكْثَرُ لَكَ الْاٰلَاءُ وَالنِّعَمُ

یاد کرده نمیشود از تو مگر خوبی نیکوئی و آنچه مذکور نمیشود بیشتر است برای تو نعمتهای ظاهره و باطنه

وَاَنْتَ الْمُحْسِنُ الْمُجْمِلُ لَا تُبْلَغُ مِدْحَتُكَ وَلَا الثَّنَاءُ عَلَيْكَ اَنْتَ كَمَا اَثْنَيْتَ

و توئی نیکوکار نیکو کننده نمیرسد مدح تو و نه ستایش بر تو تو چنانکه ثنا کردی

عَلٰى نَفْسِكَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ تَبَارَكَتْ اَسْمَاؤُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ مَا اَعْظَمَ

بر نفس خود پاکی تو و من حمد تو کنم بزرگ شد نامهای تو و جلیل است ستایش تو بزرگست

شَاْنَكَ وَاَجَلَّ مَكَانَكَ وَمَا اَقْرَبَكَ مِنْ عِبَادِكَ وَاَلْطَفَكَ بِخَلْقِكَ

شأن تو و بزرگست منزلت تو و چه چیز نزدیک کرده ترا ببندگان و مهربان نموده ترا بخلق تو

وَاَمْنَعَكَ بِقُوَّتِكَ اَنْتَ اَعَزُّ وَاَجَلُّ وَاَسْمَعُ وَاَبْصَرُ وَاَعْلٰى وَاَكْبَرُ وَاَظْهَرُ وَ

و باز داشته ترا بقوت تو توئی غالب و بزرگ و شنوا و بینا و بلندتر و بزرگ و آشکار و

اَشْكَرُ وَاَقْدَرُ وَاَعْلَمُ وَاَجْبَرُ وَاَكْبَرُ وَاَعْظَمُ وَاَقْرَبُ وَاَمْلَكُ وَاَوْسَعُ وَاَمْنَعُ وَاَعْطٰى

پاداش و توانا و دانا و قاهر و بزرگ و عظیم و نزدیک و دادار و فراگیرنده و باز دارنده

وَاَحْكَمُ وَاَفْضَلُ وَاَحْمَدُ مِنْ اَنْ يُدْرِكَ الْعِبَادُ عَظَمَتَكَ اَوْ يَصِفُ الْوَاصِفُونَ

و حکم کننده و بهتر و پسندیده تر از آنکه ببینند چشمها آشکار بزرگی ترا یا بیان کنند وصف کنندگان

صِفَتَكَ اَوْ يَبْلُغُوا غَايَتَكَ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اللّٰهُ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَجَلُّ مَنْ

صفت ترا یا برسند نهایت را خدایا توئی خدا که نیست خدائی مگر تو بزرگتر کسیکه

جهت دفع درد دل: يا من لا شريك له ولا وزير يا من لا شبيه له ولا نظير يا خالق الشمس والقمر المنير يا مغني البائس الفقير يا رازق الطفل الصغير يا راحم الشيخ الكبير يا جابر العظم الكسير يا عصمة الخائف المستجير يا من هو بعباده خبير بصير يا من هو على كل شيء قدير سبحانك يا لا اله الا انت

جهت دفع درد سينه: يا ذا الجود والنعم يا ذا الفضل والكرم يا خالق اللوح والقلم يا بارئ الذر ...

الشهيد سبحانك يا لا اله الا انت ... من هو ... على كل شيء شهيد ... يا من هو ... والوعيد يا من هو

ذُكِرَ وَاَشْكَرُ مَنْ عُبِدَ وَاَرْاَفُ مَنْ مَلَكَ وَاَجْوَدُ مَنْ سُئِلَ وَاَوْسَعُ

یاد کرده شود و پاداش دهنده تر کسیکه عبادت کرده شود و مهربان آنکه مالک شود و سخی تر آنکه سؤال کرده شود و

مَنْ اَعْطٰى تَحْلُمُ بَعْدَ مَا تَعْلَمُ وَتَعْفُو وَتَغْفِرُ بَعْدَ مَا تَقْدِرُ لَمْ تُطَعْ قَطُّ

عطا کند بردباری میکنی بعد از دانستن و میگذری و میامرزی بعد از توانا بودن و نافرمانی نشدی

اِلَّا بِاِذْنِكَ وَلَمْ تُعْصَ قَطُّ اِلَّا بِعِلْمِكَ تُطَاعُ رَبَّنَا فَتَشْكُرُ وَتُعْصٰى

مگر بفرمان تو و نافرمانی نشدی هرگز مگر بتوانائی تو اطاعت کرده میشوی خدایا پاداش میدهی گاه را

رَبَّنَا فَتَغْفِرُ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اَقْرَبُ حَفِيظٍ وَاَدْنٰى شَهِيدٍ حُلْتَ بَيْنَ

پروردگارا بیامرزی خدایا تو نزدیکتر نگهبانی و نزدیکتر شاهدی حایل میشوی میان

الْقُلُوبِ وَاَخَذْتَ بِالنَّوَاصِي وَاَحْصَيْتَ الْاَعْمَالَ وَعَلِمْتَ الْاَخْبَارَ وَبِيَدِكَ

دلها و میگیری بسوی پیشانی و شماره میکنی کردارها را و میدانی خبرها را و بدست تست

الْمَقَادِيرُ وَالْقُلُوبُ اِلَيْكَ مُفْضِيَةٌ وَالسِّرُّ عِنْدَكَ عَلَانِيَةٌ وَ

تقدیر هر چیز و دلها بسوی تو قصد کننده اند و نهان نزد تو آشکار است و

الْمُهْتَدِي مَنْ هَدَيْتَ وَالْحَلَالُ مَا اَحْلَلْتَ وَالْحَرَامُ مَا حَرَّمْتَ وَالدِّينُ مَا

هدایت شده آنستکه راه نمائی او را و حلال آنستکه حلال کردی تو و حرام آنکه حرام کردی تو و دین چیزیست

شَرَعْتَ وَالْاَمْرُ مَا قَضَيْتَ تَقْضِي وَلَا يُقْضٰى عَلَيْكَ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْاَوَّلُ

راه قرار دادی تو و امر چیزیستکه تو حکم کردی حکم میکنی و حکم کرده نمیشود بر تو خدایا توئی اول

فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ وَاَنْتَ الْاٰخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ وَاَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ

نیست پیش تو چیزی و توئی آخر پس نیست بعد تو چیزی و توئی ظاهر نیست

فَوْقَكَ شَيْءٌ وَاَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ وَاَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ اَللّٰهُمَّ

بالای تو چیزی و توئی باطن نیست جز تو چیزی و تو غالب درست کردار خدایا

بِيَدِكَ مَقَادِيرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَبِيَدِكَ مَقَادِيرُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ وَبِيَدِكَ

بدست تو است تقدیر شب و روز و بدست تست اندازهای آفتاب و ماه و بدست

مَقَادِيرُ النَّصْرِ وَالْخِذْلَانِ وَبِيَدِكَ مَقَادِيرُ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَبِيَدِكَ

اندازهای نصرت و خذلان و بدست تست اندازهای دنیا و آخرت و بدست تست

مَقَادِيرُ الْمَوْتِ وَالْحَيٰوةِ وَبِيَدِكَ مَقَادِيرُ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ

اندازهای مرگ و زندگانی و بدست تست اندازهای خیر و شر رحمت فرست بر محمد و

يا عالم الشيء قبل خلقه ... يا رزاق البنين والبنات ... يا من خلق الاشياء من العدم ...

جهت دفع درد دهان: اللهم اني اسئلك باسمك ... يا جليل يا كافل ...

جهت دفع مفاصل: يا من انعم بطوله يا من اكرم بجوده يا من جاد بلطفه يا من تعزز بقدرته يا من قدر بحكمته يا من حكم بتدبيره يا من دبر بعلمه يا من تجاوز بحلمه يا من دنا في علوه يا من علا في دنوه سبحانك يا لا اله الا انت

جهت صيد: يا من يخلق ما يشاء يا من يفعل ما يشاء يا من يهدي من يشاء يا من يضل من يشاء يا من يعذب من يشاء يا من يغفر لمن يشاء يا من يعز من يشاء يا من يذل من يشاء ...

آلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ فِي ظُلَمِ اللَّيْلِ وَضَوْءِ النَّهَارِ عَمْداً

ال محمد و بیامرز مرا هر گناهی که کرده ام در تاریکی شب و روشنی روز از روی عمد

اَوْ خَطَاءً سِرّاً اَوْ عَلَانِيَةً اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ

یا خطا پنهان یا آشکارا بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی و امر دینا بر تو آسان است

وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اُثْنِي عَلَيْكَ بِاَحْسَنِ

و نیست حول و نه قوه مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ خدایا من ثنا میکنم بر تو بنیکوترین

مَا اَقْدِرُ عَلَيْهِ وَاَشْكُرُكَ بِمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ وَعَلِّمْنِي مِنْ شُكْرِكَ اَللّٰهُمَّ

آنچه توانایم براو و شکر میکنم ترا بر آنچه منت نهادی بر من و اموختی مرا از شکر خود

لَكَ الْحَمْدُ بِمَحَامِدِكَ كُلِّهَا عَلَى نَعْمَائِكَ كُلِّهَا وَعَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ حَتَّى يَنْتَهِيَ

تراست حمد بخصال تو همه بر نعمتهای تو همه انها و بر همه خلق تو تا بانتها رسد

الْحَمْدُ لَكَ اِلَى مَا تُحِبُّ رَبَّنَا وَتَرْضَى اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا خَلَقْتَ وَ

حمد تو راست بسوی آنچه دوست داری ای خدا و خوشنود باشی خدایا تو راست حمد بعدد آنچه خلق کردی و

عَدَدَ مَا اَحْصَيْتَ ذَرَاْتَ وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا بَرَاْتَ وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ

عدد آنچه ایجاد کردی و تو راست حمد بعدد آنچه پدید کرده و تو راست حمد بعدد

مَا اَحْصَيْتَ وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَالْاَرَضِينَ وَلَكَ الْحَمْدُ

آنچه شمرده و تو راست حمد بعدد آنچه در آسمانها و زمینها است و تو راست حمد

مِلْاَ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ پس ده مرتبه بگو لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ

بپری دنیا و آخرت نیست خدائی مگر خدا یکتا است او نیست شریک او را

الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ

پادشاهی او راست حمد زنده میکند و میمیراند و او زنده ایست که نمیمیرد بدست او است نیکی و او بر هر

شَيْءٍ قَدِيرٌ و ده مرتبه اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَ

چیزی تواناست بگوید طلب آمرزش میکنم خدا را که نیست خدائی مگر او زنده پاینده است

اَتُوبُ اِلَيْهِ پس بگو يَا اَللهُ يَا اَللهُ ده مرتبه يَا رَحْمٰنُ يَا رَحْمٰنُ

و باز گشت میکنم باو ای خدا ای خدا بگو ای بخشنده ای بخشنده

ده مرتبه يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ ده مرتبه يَا بَدِيعَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ ده

بگو ای مهربان ای مهربان بگو ای پدید آورنده آسمانها و زمین مرتبه

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ ده مرتبه يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ ده مرتبه يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ ده

ای صاحب بزرگی و کرم بگو ای بخشنده ای منت نهنده بگو ای زنده پاینده مرتبه

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ده مرتبه اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ ده مرتبه

بنام خداوند بخشنده مهربان بگو خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد پس بگو

اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَلِيَّ الْحَمْدِ وَمُنْتَهَى الْحَمْدِ وَفِيَّ الْعَهْدِ عَزِيزَ الْجُنْدِ قَدِيمَ

خدایا تو راست حمد ای سزاوار حمد و نهایت حمد و وفا کن بعهد ای غلبه کننده و ای دائم

الْمَجْدِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ حِينَ لَا شَمْسٌ تُضِيءُ وَلَا قَمَرٌ يَسْرِي

بزرگ حمد خدا را که بود عرش او بر آب هنگامیکه نبود آفتاب که روشنی دهد و نه ماه

وَلَا بَحْرٌ يَجْرِي وَلَا رِيَاحٌ تَذْرِي وَلَا سَمَاءٌ مَبْنِيَّةٌ وَلَا اَرْضٌ مَدْحِيَّةٌ وَلَا

و نه دریائی که جاری شود و نه بادی که حرکت کند و نه آسمان بپا شده و نه زمین مدح کرده شده و

لَيْلٌ يَجِنُّ وَلَا نَهَارٌ يُكِنُّ وَلَا عَيْنٌ تَدْمَعُ وَلَا صَوْتٌ يُسْمَعُ وَلَا جَبَلٌ مُرْسًى

شب داننده و نه روز پوشیده شده و نه چشم جاری و نه صدائی شنیده شده و نه کوهی ثابت شده

وَلَا سَحَابٌ مُنْشَاٌ وَلَا اِنْسٌ مَبْرُوٌّ وَلَا جِنٌّ مَذْرُوٌّ وَلَا مَلَكٌ كَرِيمٌ وَلَا

و نه ابری ایجاد شده و نه انسانی آفریده شده و نه دیوی پدید شده و نه فرشته گرامی و نه

شَيْطَانٌ رَجِيمٌ وَلَا ظِلٌّ مَمْدُودٌ وَلَا شَيْءٌ مَعْدُودٌ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اسْتَحْمَدَ

شیطان رانده شده و نه سایه کشیده شده و نه چیزی شمرده شده حمد مخصوص خداست که طلب حمد کرده

اِلَى مَنِ اسْتَحْمَدَهُ مِنْ اَهْلِ مَحَامِدِهِ لِيَحْمَدُوهُ عَلَى مَا بَذَلَ مِنْ نَوَافِلِهِ الَّذِي فَاقَ

بانکه حمد کرده او را از اهل ستایش او تا اینکه حمد کنند او را بر آنچه بخشیده از عطای خود اینچنانیکه بالا تر است

مَدْحَ الْمَادِحِينَ مَاٰثِرُ مَحَامِدِهِ وَعَدَا وَصْفَ الْوَاصِفِينَ هَيْبَةُ جَلَالِهِ هُوَ

از مدح مدح کنندگان خوبیهای حمد او و تجاوز کرده از وصف وصف کنندگان هیبت بزرگی او او است

اَهْلٌ لِكُلِّ حَمْدٍ وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ وَقَاضِي كُلِّ حَاجَةٍ الْوَاحِدُ الَّذِي لَا

سزاوار هر حمد و نهایت هر میلی و بر آورنده هر حاجتی یگانه اینچنانیکه نیست

بَدْءَ لَهُ الْمَلِكُ الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ الرَّفِيعُ الَّذِي لَيْسَ فَوْقَهُ نَاظِرٌ ذُو الْمَغْفِرَةِ

آغازی مر او را پادشاه اینچنانیکه نیست زوالی او را بلند اینچنانیکه نیست بالای او بیننده صاحب آمرزش

وَالرَّحْمَةِ الْمَحْمُودُ لِبَذْلِ نَوَالِهِ الْمَعْبُودُ لِهَيْبَةِ جَلَالِهِ الْمَذْكُورُ بِحُسْنِ

و رحمت ستوده شده بجهة بذل او پرستیده شده در هیبت بزرگی او را یاد کرده شده بحسن

اَلْآئِهِ اَلْمَنَّانُ بِسَعَةِ فَوَاضِلِهِ اَلْمَرْغُوبُ اِلَيْهِ فِي تَمَامِ

نعمتهای خود بخشنده بگشایش بخششهای خود رغبت کرده شده بسوی او در همه

اَلْمَوَاهِبِ مِنْ خَزَآئِنِهِ اَلْعَظِيمُ الشَّانِ اَلْكَرِيمُ فِي سُلْطَانِهِ

بخششها از خزینه‌های بزرگ خود کرباشان بزرگوار است در توانائی

اَلْعَلِيُّ فِي مَكَانِهِ اَلْمُحْسِنُ فِي امْتِنَانِهِ اَلْجَوَادُ فِي فَوَاضِلِهِ اَلْحَمْدُ

بلنداست در منزلت خود نیکوئی کننده است در احسان خود در نعمتهای خود حمد

لِلّٰهِ بَارِئِ خَلْقِ الْمَخْلُوقِينَ بِعِلْمِهِ وَمُصَوِّرِ اَجْسَادِ الْعِبَادِ

خدارا کربیدیاورنده مخلوقات است بعلم خود وصورت نگار جسدهای بندگانست

بِقُدْرَتِهِ وَمُخَالِفِ صُوَرِ مَنْ خَلَقَ مِنْ خَلْقِهِ وَنَافِخِ الْاَرْوَاحِ

بتوانائی وتفاوت دهنده صورتها هرکه اوفریده از آفریدگان خود ودهنده روحهاست

فِي خَلْقِهِ بِعِلْمِهِ وَمُعَلِّمِ مَنْ خَلَقَ مِنْ عِبَادِهِ اسْمَهُ وَمُدَبِّرِ

درآفرینش او بدانش خود وآموزنده است هرکه آفریده از بندگان خود نام خودرا وتدبیرکننده

خَلْقِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ بِعَظَمَتِهِ اَلَّذِي وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقُ

خلق آسمانها وزمین ببزرگی خود آنچنان بزرگیکه فراگرفته هرچیزرا خلق

كُرْسِيِّهِ وَعَلَا بِعَظَمَتِهِ فَوْقَ الْاَعْلَيْنَ وَقَهَرَ الْمُلُوكَ بِجَبَرُوتِهِ

کرسی او وبرتراست ببزرگی خود بالاتر بلندها وغلبه کرده پادشاهانرا ببزرگی خود

اَلْجَبَّارُ الْاَعْلَى الْمَعْبُودُ فِي سُلْطَانِهِ الْمُتَسَلِّطُ بِقُوَّتِهِ الْمُتَعَالِي

کرجباراست بلندتر پرستیده شده در پادشاهی خود مسلط است بتوانائی خود برتراست

فِي دُنُوِّهِ الْمُتَدَانِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ فِي ارْتِفَاعِهِ اَلَّذِي نَفَذَ بَصَرُهُ

در نزدیکی خود نزدیکست از هر چیزی در بلندی خود آنچنانکه نفوذ دارد بینائی او

فِي خَلْقِهِ وَحَارَتِ الْاَبْصَارُ بِشُعَاعِ نُورِهِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْحَلِيمِ

در خلق خود وحیران شد دیده‌ها بروشنی نور او حمد خدارا کربردبار

الرَّشِيدِ الْقَوِيِّ الشَّدِيدِ الْمُبْدِئِ الْمُعِيدِ الْفَعَّالِ لِمَا يُرِيدُ

رشیداست توانائی محکم کار ابتداکننده بازگرداننده کننده است مرانچه را بخواهد

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ مُنْزِلِ الْاٰيَاتِ وَكَاشِفِ الْكُرُبَاتِ وَمُعْطِي السُّؤْلَاتِ

حمد خدارا کرفروفرستاده آیات را وبرطرف کننده اندوهها ودهنده سؤالهاست

الحمد

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ فِي كُلِّ مَكَانٍ وَفِي كُلِّ زَمَانٍ وَفِي كُلِّ اَوَانٍ اَلْحَمْدُ

حمد خداراست در هر مکان ودر هر زمان ودر هر وقت حمد

لِلّٰهِ الَّذِي لَا يَنْسَى مَنْ ذَكَرَهُ وَلَا يُخَيِّبُ مَنْ دَعَاهُ وَلَا يُذِلُّ مَنْ

خدارا کر فراموش نمیکند انرا کریاد میکندش ونا امید نمیکند انرا کرمیخواندش وخوار نمیکند کسیرا

وَالَاهُ اَلَّذِي يَجْزِي بِالْاِحْسَانِ اِحْسَانًا وَبِالصَّبْرِ نَجَاةً اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ

کردوست دارد انکر جزا میدهد بسبب احسان احسانرا وبسبب صبر نجاترا حمد خدارا

الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْاٰخِرَةِ

کراوراست آنچه در آسمانهاست وآنچه در زمین است واوراست حمد در آخرت

وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ فَاطِرِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ جَاعِلِ

واوست درست کردار آگاه حمد خدارا پدیداورنده آسمانها وزمین کرداننده

الْمَلٰئِكَةِ رُسُلًا اُولِي اَجْنِحَةٍ مَثْنٰى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي

ملئکه را رسولان صاحب بالها دودو وسه سه وچهار چهار زیاد میکند در

الْخَلْقِ مَا يَشَآءُ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ

آفرینش آنچه میخواهد بدرستیکه خدا بر هر چیزی تواناست پاکست خدا وحمد

لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ

خداراست ونیست خدائی مگر خدا وخدا بزرگست ونیست حول ونه قوه مگر بخدای

الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ وَلَهُ

بلندمرتبه بزرگ ویاد میکنم خدارا وقت شام کردن ووقت صبح کردن واوراست

الْحَمْدُ فِي السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ وَسُبْحَانَ

حمد در آسمانها وزمین وشامگاه ووقتیکه ظاهر میشود وپاکست

اللّٰهِ اٰنَاءَ اللَّيْلِ وَاَطْرَافَ النَّهَارِ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ بِالْغُدُوِّ وَ

خدا در ساعتهای شب وپاره‌های روز ویاد میکنم خدارا بصبحها و

الْاٰصَالِ وَسُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى

شامها ومنزه است پروردگار تو پروردگار ارجمند از انچه وصف میکنند ودرود بر

الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ كَمَا يُحِبُّ رَبُّنَا وَكَمَا

فرستاده شدگان وحمد خدارا پروردگار جهانیان وحمد خدارا چنانکه دوست دارد خدای ما

يرضى

يرضى حمدا كثيرا طيبا وسبحان الله كلما سبح الله شيء و
وخوشنود است حمد بسيار پاكيزه ومنزه است خدا هر وقتيكه تسبيح كند خدا را چيزى و

كما يحب الله ان يسبح والحمد لله كلما حمد الله شيء وكما يحب
چنانكه دوست دارد خدا تسبيح كرده شود و حمد خدا را هر وقت كه حمد كند خدا را چيزى وچنانكه دوست دارد

الله ان يحمد ولا اله الا الله كلما هلل الله شيء وكما يحب الله
خدا كه حمد كرده شود ونيست خدائى مگر خدا هر وقت كه تهليل كند خدا را چيزى وچنانكه دوست دارد خدا

ان يهلل والله اكبر كلما كبر الله شيء وكما يحب الله ان يكبر و
كه تهليل كرده شود و خدا بزرگست هر وقت بزرگوارى ياد كند خدا را چيزى وچنانكه دوست دارد خدا كه تكبير كرده شود

لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم پس بخواند اين اللهم اني
نيست حول ونه قوه مگر بخداى بلندمرتبه بزرگ خدايا من

دعاى مجربست

اسئلك يا الله يا رحمن هفت مرتبه باسمائك المرضية المكنونة
سؤال ميكنم اى خداى بخشنده بنامهاى تو كه خوشنود پسنديده پوشيده اند

يا الله اللهم اني اسئلك باسمائك الكبيرة الكبريائية اللهم
اى خدا خدايا من سؤال ميكنم بنامهاى تو كه تمام بزرگند بزرگوار تواند خدايا

اني اسئلك باسمائك العزيزة المنيعة واسئلك باسمائك
من سؤال ميكنم بنامهاى تو كه غالبند وسيعند و سؤال ميكنم تورا بنامهاى تو

التامة الكاملة المشهودة يا الله واسئلك باسمائك التي
كه تمام كاملند مشهورند اى خدا وسؤال ميكنم تورا باسماء تو انانكه

هي رضاك يا الله واسئلك باسمائك التي لا يردها دونك
انها يند خوشنودى تو اى خدا وسؤال ميكنم بنامهاى تو كه رد نميكند انها را پيش تو

احد يا الله واسئلك من مسائلك بما عاهدت اوفى العهد
احدى اى خدا وسؤال ميكنم تورا از مسئلههاى تو بانچه عهد كرده يا با وفا ترامت

يا الله ان لا تخيب سائلك يا الله واسئلك بجملة مسائلك
اى خدا اينكه نا اميد نكنى سائل خود را اى خدا وسؤال ميكنم تورا بهمه مسائل تو

التي لا يفي بحملها شيء غيرك يا الله هفت واسئلك بكل اسم
كه وفا نميكند برداشتن انها را چيزى غير تو اى خدا هفت مرتبه وميخواهم تورا بهر نامى كه

اوجبته وكل اسم هو لك وكل مسئلة حتى ينتهي الى
واجب كرده او را وهر ناميكه او مر تو راست وهر مسئلتى تا انكه منتهى شود بسوى

اسمك الاعظم الاعظم الاكبر الاكبر العلي الاعلى الذي
نام تو كه بزرگست بزرگست بزرگ بزرگ بزرگتر بلند است انچنانيكه

استويت به على عرشك واستقللت به على كرسيك و
مستولى شدى بان بر عرش خود ومستقل شدى بان بر كرسى خود و

هو اسمك الفاضل الكامل الذي فضلته على جميع
او نام تست كه فاضل كاملست كه برترى دادى او را بر همه

اسمائك يا رحمن هفت واسئلك بما لا اعلمه ما لو علمته
نامهاى خود اى بخشنده مرتبه وسؤال ميكنم تورا بانچه نميدانم او را كه اگر ميدانستم

لسئلتك به يا الله وبكل اسم استأثرت به في علم الغيب
هر اينه ميخواندم تورا بان اى خدا وبهر ناميكه اختيار كردى بان در علم نهانى

عندك يا رحمن يا رحمن ان تصلي على محمد عبدك و
نزد تو اى بخشنده اى بخشنده اينكه رحمت فرستى بر محمد بنده خود و

رسولك ونبيك وامينك وحبيبك وصفوتك من
رسول خود وپيغمبر خود وامين خود وحبيب خود وبرگزيده تو از

خلقك وخاصتك من بريتك ونجيك ونجيبك و
مخلوق خود وخاصان تو از نيكان تو ورازدار تو وانتخاب شده تو و

حبيبك وصفيك وعلى اهل بيت محمد وترحم على
حبيب تو وصفا يافته تو و بر اهل بيت محمد ورحم كن بر

محمد واهل بيت محمد كافضل واجمل وازكى واطهر
محمد واهل بيت محمد وافزون تر وخوب تر وپاكيزه تر وپاكيزه

واعظم واكثر واتم ما صليت على احد من انبيائك و
و بزرگ وبيشتر وتمام تر انچه رحمت فرستى بر هريك از پيغمبرانت و

رسلك يا ذا الجلال والاكرام اللهم صل على محمد
فرستادگانت اى صاحب جلال وبزرگوارى خدايا رحمت فرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْأَوَّلِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْآخِرِينَ

وآل محمد در پیشینیان ورحمت فرست بر محمد وآل محمد در پسینیان

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْمَلَاءِ الْأَعْلَى وَصَلِّ

خدایا رحمت فرست بر محمد وآل محمد در ملاء اعلى ورحمت فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ اَللّٰهُمَّ أَعْطِ

بر محمد وآل محمد در پیمبران ورسولان خدایا بده

مُحَمَّدًا صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ وَالشَّرَفَ

محمد را که رحمتهای تو براو وال اوست وسیلت را وفضیلت وشرف

وَالدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ اَللّٰهُمَّ أَكْرِمْ مَقَامَهُ وَشَرِّفْ بُنْيَانَهُ وَ

ودرجه رفیع خدایا بزرک کن جایکاه هش را وبلند کن بنای اورا و

عَظِّمْ نُورَهُ وَبُرْهَانَهُ وَبَيِّضْ وَجْهَهُ وَأَعْلِ كَعْبَهُ وَأَفْلِجْ حُجَّتَهُ

وبزرک کن نوراورا وحجتهای اورا وسفید کن روی اورا وبلند کن کعب اورا وفیروزی ده حجت اورا

وَأَظْهِرْ عُذْرَهُ وَدَعْوَتَهُ وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ كَمَا بَلَّغَ رِسَالَاتِكَ

وبپذیر عذر اورا ودعوت اورا وبپذیر شفاعت اورا چنانکه رسانید پیغامهای تورا

وَتَلَا آيَاتِكَ وَأَمَرَ بِطَاعَتِكَ وَائْتَمَرَ بِهَا وَنَهَى عَنْ مَعْصِيَتِكَ

وخواند آیات تورا وامر کرد بفرمانبرداری تو وقبول امربطاعت کرد ونهی از نافرمانی نمود

وَانْتَهَى عَنْهَا فِي سِرٍّ وَعَلَانِيَةٍ وَجَاهَدَ حَقَّ الْجِهَادِ فِيكَ

وخود نیز بازایستاد در نهان واشکار وسعی کرد حق سعی کردن درراه تو

وَعَبَدَكَ مُخْلِصًا حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى

وپرستید تورا ازروی خلوص تاانکه امد اورا یقین رحمت تو براو وبر

أَهْلِهِ اَللّٰهُمَّ ابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا يَغْبِطُهُ عَلَيْهِ الْأَوَّلُونَ

اهل او خدایا برانکیز اورا درجایکاه ستوده که رشک برند براو پیشینیان

وَالْآخِرُونَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ اَللّٰهُمَّ اسْتَعْمِلْنَا بِسُنَّتِهِ

وپسینیان از پیمبران ورسولان خدایا بکارداد ما را براه او

وَتَوَفَّنَا عَلَى مِلَّتِهِ وَابْعَثْنَا فِي شِيعَتِهِ وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ

وبمیران ما را بر طریقه او وبرانکیزان ما را در پیروان او ومحشور کن ما را در دسته او

واجعلنا

وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَتَّبِعُهُ وَلَا تَحْجُبْنَا عَنْ رُؤْيَتِهِ وَلَا تُحَرِّمْنَا

وبکردان ما را ازانانکه پیروی کنند اورا ومپوشان ما را از دیدار او ومحروم مساز ما را

مُرَافَقَتَهُ حَتَّى تُسْكِنَنَا غُرَفَهُ وَتُخَلِّدَنَا فِي جِوَارِهِ رَبِّ إِنِّي

از همراهی او تاانکه جادهی ما را درغرفه او ودائمی کن ما را درهمسایکی او پروردکار من من

أَحْبَبْتُهُ فَأَحِبَّنِي لِذَلِكَ وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَهُ طَرْفَةَ عَيْنٍ

دوست دارم اورا پس دوست دار مرا بجهة این وجدائی مینداز میان من ومیان او چشم برهم زدنی

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الَّذِينَ

در دنیا وآخرت خدایا رحمت فرست بر محمد وآل محمد انچنان کسانیکه

أَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لَهُمْ

برطرف کرده ازایشان نجاست را وپاک کرده ایشانرا پاک کردنی خدایا بکشا برای ایشان

فَتْحًا يَسِيرًا وَانْصُرْهُمْ نَصْرًا عَزِيزًا وَاجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا

کشایشی اسان ویاری ده ایشانرا یاری دادنی با غلبه وبکردان ایشانرا از نزد خود قوتی

نَصِيرًا اَللّٰهُمَّ مَكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَاجْعَلْهُمْ أَئِمَّةً وَاجْعَلْهُمْ

با نصرت خدایا استقرار ده ایشانرا در زمین وبکردان انها را پیشوایان وبکردان ایشانرا

الْوَارِثِينَ اَللّٰهُمَّ أَرِهِمْ فِي عَدُوِّهِمْ مَا يَأْمُلُونَ وَأَرِ عَدُوَّهُمْ

وارثان خود خدایا بنما انها را دردشمنان ایشان انچه امید دارند وبنما دشمنان انها را

مِنْهُمْ مَا يَحْذَرُونَ اَللّٰهُمَّ اجْمَعْ بَيْنَهُمْ فِي خَيْرٍ وَعَافِيَةٍ اَللّٰهُمَّ

ازانها ازانچه میترسند خدایا جمع کن میان آل محمد خیر وعافیت را خدایا

عَجِّلِ الرَّوْحَ وَالْفَرَجَ لِآلِ مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ اجْمَعْ عَلَى الْهُدَى

شتاب کن راحت وفرج را برای آل محمد خدایا فراهم کن بر راه راست

أَمْرَهُمْ وَاجْعَلْ قُلُوبَهُمْ عَلَى قُلُوبِ خِيَارِهِمْ وَأَصْلِحْ ذَاتَ

امر ایشانرا وبکردان دلهای ایشانرا بر دلهای خوبانشان وبصلاح آور کارنیکه

بَيْنِهِمْ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ

میان ایشانست بدرستیکه تو پسندیده بزرکواری خدایا من سؤال میکنم از تو اینکه رحمت فرستی بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَمَا وَلَدَا وَأَعْتِقْهُمَا

وآل محمد واینکه بیامرزی مرا وپدر ومادر مرا وانچه راکه زائیده اند وازادکن ان دورا

من

مِنَ النّارِ وَارْحَمْهُما وَارْضِهِما عَنّي وَاغْفِرْ لِكُلِّ والِدٍ لي دَخَلَ

از آتش و رحم کن ایشان را و خوشنود کن ایشان را از من و بیامرز هر پدری که داخل شده

فِي الْاِسْلامِ وَلِاَهْلي وَوُلْدي وَجَميعِ قَراباتي اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ

در اسلام و مر اهل بیت مرا و فرزندان مرا و همه خویشان مرا بدرستیکه تو بر هر چیز

قَديرٌ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْني وَجَميعَ وَرَثَةِ اَبي وَاِخْواني فيكَ مِنْ اَهْلِ

توانائی خدایا بگردان مرا و همه وارثان پدر مرا و برادران مرا در دین تو از اهل

وِلايَتِكَ وَمَحَبَّتِكَ فَاِنَّهُ لا يَقْدِرُ عَلى ذٰلِكَ غَيْرُكَ يا رَحْمٰنُ اَللّٰهُمَّ

دوستی و محبت تو پس بدرستیکه قادر نیست بر این غیر تو ای بخشنده خدایا

اَوْزِعْني اَنْ اَشْكُرَكَ وَاَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتي اَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلى والِدَيَّ

در دل انداز مرا که شکر کنم تو را و شکر کنم نعمت تو را که انعام کرده بر من و بر پدر و مادر من

وَاَنْ اَعْمَلَ صالِحًا تَرْضاهُ وَاَصْلِحْ لي في ذُرِّيَّتي اِنّي تُبْتُ اِلَيْكَ وَ

و آنکه بکنم کردار شایسته که پسندی آن را و شایسته کن برای من در اولاد من که من بازگشت کردم بسوی تو و

اِنّي مِنَ الْمُسْلِمينَ وَاجْزِ والِدَيَّ خَيْرَ ما جَزَيْتَ والِدًا عَنْ وَلَدِهِ

من از گردن نهندگانم و جزا بده پدر و مادر مرا بهترانچه جزا بده پدری را از پسرش

وَاجْعَلْ ثَوابَهُما عَنّي جَنّاتِ النَّعيمِ وَاغْفِرْ لَنا وَلِاِخْوانِنَا

و بگردان ثواب ایشان را از من بهشتهای با نعمت و بیامرز ما را و برادران ما را

الَّذينَ سَبَقُونا بِالْاِيمانِ وَلا تَجْعَلْ في قُلُوبِنا غِلًّا لِلَّذينَ

آنانکه پیشی گرفتند ما را بایمان و قرار مده در دلهای ما آنانکه

اٰمَنُوا رَبَّنا اِنَّكَ رَؤُفٌ رَحيمٌ وَاغْفِرْ لَنا وَلِلْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ

ایمان آوردند پروردگارا بدرستیکه تو رئوف مهربانی و بیامرز ما را و مردان مؤمن و زنان مؤمنه

الْاَحْياءِ مِنْهُمْ وَالْاَمْواتِ اَللّٰهُمَّ اَصْلِحْ ذاتَ بَيْنِهِمْ وَاجْمَعْ

زنده از ایشان و مرده ایشان خدایا باصلاح آور میان ایشان و فراهم کن

عَلَى الْهُدى اَمْرَهُمْ وَاجْعَلْني وَاِيّاهُمْ عَلى طاعَتِكَ وَمَحَبَّتِكَ

بر هدایت کار ایشان را و بگردان مرا و ایشان را بر طاعت خود و دوستی خود

اَللّٰهُمَّ وَالْمُمْ شَعَثَهُمْ وَاحْقِنْ دِماءَهُمْ وَوَلِّ اَمْرَهُمْ خِيارَهُمْ

خدایا و فراهم آور پراکندگی ایشان را و محافظت کن خونهای ایشان را و والی ساز کار ایشان را خوبان

اهل

اَهْلَ الرَّاْفَةِ وَالْمَعْدَلَةِ عَلَيْهِمْ اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ يا رَبِّ

که صاحبان رأفت و معدلتند بر ایشان بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی ای پروردگار

يا رَبِّ يا رَبِّ اَللّٰهُمَّ بَديعَ السَّماواتِ وَالْاَرْضِ عالِمَ الْغَيْبِ وَ

ای پروردگار ای پروردگار خدایا ای پدید آورنده آسمانها و زمین دانای نهان و

الشَّهادَةِ ذَا الْجَلالِ وَالْاِكْرامِ وَالْجُودِ وَالْقُوَّةِ وَالسُّلْطانِ

آشکار صاحب جلال و بزرگی و بخشش و قوة و سلطنت

وَالْجَبَرُوتِ وَالْمَلَكُوتِ وَالْكِبْرِياءِ وَالْعَظَمَةِ وَالْقُدْرَةِ وَ

و جبروت و ملکوت و کبریائی و عظمت و قدرت و

الْمِدْحَةِ وَالرَّهْبَةِ وَالرَّغْبَةِ وَالْجُودِ وَالْعُلُوِّ وَالْحُجَّةِ وَالْهُدى

مدحت و ترس و میل و بخشش و بلندی و برهان و هدایت

وَالطّاعَةِ وَالْعِبادَةِ وَالْاَمْرِ وَالْخَلْقِ وَكُلُّ شَيْءٍ لَكَ يا رَبَّ

و طاعت و عبادت و امر و آفرینش و هر چیزی مر تو را ای پروردگار

الْعالَمينَ يا رَبِّ يا رَبِّ اَسْاَلُكَ يا رَبِّ سُؤالَ الضّارِعينَ

جهانیان ای پروردگار ای پروردگار سؤال میکنم از تو ای پروردگار سؤال زاری کنندگان

الْمُتَضَرِّعينَ الْمُسْتَكينينَ الرّاغِبينَ الرّاهِبينَ الَّذينَ لا

ذلیلان نفیران بیچارگان میل داران ترسندگان آنانکه نمی

يَجِدُونَ سِواكَ يا مَنْ يُجيبُ الْمُضْطَرَّ وَيَكْشِفُ الضُّرَّ وَ

یابند جز تو ای آنکه اجابت میکنی درمانده را و بر میداری بدی را و

يُجيبُ الدّاعي وَيُعْطِي السّائِلَ اَسْاَلُكَ يا رَبِّ سُؤالَ الْمُزْلِمِ

اجابت میکنی خواننده را و میدهی سائل را سؤال میکنم ای پروردگار سؤال کسی که

يَجِدُ لِضَعْفِهِ مُقَوِّيًا وَلا لِذَنْبِهِ غافِرًا وَلا لِفَقْرِهِ سادًّا

نیابد برای ناتوانی خود قوت دهنده و نه گناه خود را آمرزنده و نه برای فقر خود یاوری

غَيْرَكَ اَسْاَلُكَ سُؤالَ مَنِ اشْتَدَّتْ فاقَتُهُ وَضَعُفَتْ قُوَّتُهُ

غیر تو میخوانم تو را خواندن کسیکه سخت شده درویشی او و سست شده توانائی او

وَكَثُرَتْ ذُنُوبُهُ يا ذَا الْجَلالِ وَالْاِكْرامِ يا رَبِّ يا رَبِّ

و بسیار شده گناه او ای صاحب جلال و بزرگی ای پروردگار ای پروردگار

اسئلك

اَسْئَلُكَ يَا رَبِّ مَسْئَلَةَ كُلِّ سَائِلٍ وَرَغْبَةَ كُلِّ رَاغِبٍ تَبَذُّلْ
میخوانم تورا ای پروردگار من خواستن هر سؤال کننده ومیل هر میل کننده بخشش میکنی

اِذَا دُعِيتَ اَجَبْتَ وَبِحَقِّ السَّائِلِينَ عَلَيْكَ وَبِحَقِّ صَفْوَتِكَ
چون خوانده شوی اجابت میکنی وبحق سؤال کنندگان بر تو وبحق برگزیدگان

مِنْ عِبَادِكَ وَمُنْتَهَى الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ
از بندگان خود ومنتهای عزت از عرش تو ومنتهی رحمت از

كِتَابِكَ اَنْ لَا تَسْتَدْرِجَنِي بِخَطِيئَتِي وَلَا تَجْعَلْ مُصِيبَتِي فِي
کتاب خود انکه نگیری مرتبه بمرتبه بگناه من ومگردان اندوه مرا در

دِينِي وَاذْكُرْنِي يَا رَبِّ بِرِضَاكَ وَلَا تَنْسَنِي حِينَ تَنْشُرُ رَحْمَتَكَ
دینم وباد کن مرا ای پروردگار من بخشنودی خود وفراموش مکن مرا وقتیکه پهن میکنی رحمت خودرا

وَاَقْبِلْ عَلَيَّ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَامْنُنْ عَلَيَّ بِكَرَامَتِكَ يَا كَرِيمُ
وقبول کن برای من بذات خود کریمی خود ومنت نه برمن بکرامت خود ای کریم

الْعَفْوِ وَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَارْحَمْ تَضَرُّعِي فَاِنِّي بَائِسٌ فَقِيرٌ خَائِفٌ
امرزش ومستجاب کن دعای مرا ورحم کن زاری مرا پس من ترسان فقیر ترسان

مُسْتَجِيرٌ مِنْ عَذَابِكَ لَا اَثِقُ بِعَمَلِي وَلَكِنِّي اَثِقُ بِرَحْمَتِكَ يَا رَبِّ
پناه گیرنده ام از عذاب تو ندارم اعتماد بعمل خود ولیکن من اعتماد دارم برحمت تو ای پروردگار

يَا رَبِّ يَا رَبِّ اَللّٰهُمَّ كُنْ بِي حَفِيًّا وَلَا تَجْعَلْنِي بِدُعَائِكَ رَبِّ
ای پروردگار ای پروردگار خدایا باش مهربان بمن ونگردان مرا بدعا خودم ای پروردگار

شَقِيًّا وَامْنُنْ عَلَيَّ بِعَافِيَتِكَ وَاَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ فَاِنِّي
بدبخت ومنت نه برمن بعافیت خود وازاد کن مرا از آتش پس من

لَا اَسْتَغِيثُ بِغَيْرِكَ وَاَسْتَجِيرُكَ فَاَجِرْنِي مِنْ كُلِّ هَوْلٍ وَمَشَقَّةٍ
فریادرسی نمیکنم بغیر تو و پناه میگیرم بتو پس پناه ده مرا از هر ترسی ومشقت

وَخَوْفٍ وَامِنْ خَوْفِي وَشَجِّعْ جُبْنِي وَقَوِّ ضَعْفِي وَسُدَّ فَاقَتِي
ترسی وایمنی ده خوف مرا ودلیر کن بیدلی مرا وقوت ده ناتوانی مرا وببند درویشی مرا

وَاَصْلِحْ لِي جَمِيعَ اُمُورِي يَا رَبِّ اَعُوذُ بِكَ مِنْ هَوْلِ الْمُطَّلَعِ وَمِنْ
واصلاح کن مرا همه امور مرا ای پروردگار پناه میبرم بتو از ترس منکر ونکیر واز

شِدَّةِ الْمَوْقِفِ يَوْمَ الدِّينِ فَاِنَّكَ تُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْكَ يَا رَبِّ
سختی ایستادن روز قیامت پس تو پناه میدهی وپناه داده نمیشود بر تو ای پروردگار

يَا رَبِّ يَا رَبِّ اَللّٰهُمَّ لَا تُعْرِضْ عَنِّي حِينَ اَدْعُوكَ وَلَا تَصْرِفْ
ای پروردگار ای پروردگار خدایا اعراض مکن از من وقتیکه میخوانم تورا ومگردان از من

عَنِّي وَجْهَكَ حِينَ اَسْئَلُكَ فَلَا رَبَّ لِي سِوَاكَ وَاَعْطِنِي مَسْئَلَتِي
از من روی خودرا وقتیکه میخوانم تورا پس نیست پروردگاری مرا جز تو وبده مرا خواهش مرا

وَامِنْ خَوْفِي يَوْمَ اَلْقَاكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ فَاَعِذْنِي فَاِنِّي
وایمنی ده ترس مرا روز ملاقات تو خدایا من پناه میبرم بتو پس پناه ده مرا پس من

ضَعِيفٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ بَائِسٌ فَقِيرٌ يَا رَبِّ يَا رَبِّ اَللّٰهُمَّ
ناتوان ترسانم پناه برنده درویش فقیر ای پروردگار ای پروردگار خدایا

اكْشِفْ ضُرَّ مَا اسْتَعَذْتُكَ مِنْهُ وَاَلْبِسْنِي رَحْمَتَكَ وَجَلِّلْنِي
بردار بدی چیزیرا که پناه برده ام بتو از ان وبپوشان مرا از رحمت خود وبزرگ گردان مرا

عَافِيَتَكَ وَامِنِّي بِرَحْمَتِكَ فَاِنَّكَ تُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْكَ اَللّٰهُمَّ
عافیت خودرا وایمنی ده مرا برحمت خود پس تو پناه میدهی وپناه داده نمیشود بر تو خدایا

اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنْ وَحْشَةِ الْقَبْرِ وَمِنْ خَلْوَتِهِ وَمِنْ ظُلْمَتِهِ وَ
من پناه میبرم بتو از وحشت قبر واز خلوت ان واز تاریکی ان و

ضِيقِهِ وَعَذَابِهِ وَمِنْ هَوْلِ مَا اَتَخَوَّفُ بَعْدَهُ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ
تنگی ان وعذاب ان و از هول انچه میترسم بعد از ان ای پروردگار جهانیان

يَا رَبِّ يَا رَبِّ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ
ای پروردگار ای پروردگار خدایا من میخوانم تورا اینکه رحمت فرستی بر محمد

وَاَهْلِ بَيْتِهِ صَفْوَتِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَاَنْ تَسْتَجِيبَ لِي
واهل بیت او برگزیده واختیار کرده تو از خلق تو واینکه مستجاب کنی مرا

دُعَائِي وَتُعْطِيَنِي سُؤْلِي وَاَكْفِنِي اَمْرَ اٰخِرَتِي وَدُنْيَايَ وَارْحَمْ
دعای مرا وبدهی خواهشهای مرا وکفایت کنی مرا کار اخرت ودنیای مرا ورحم کن

فَاقَتِي وَاغْفِرْ ذُنُوبِي مَا تَقَدَّمَ مِنْهَا وَمَا تَاَخَّرَ وَاٰتِنِي فِي الدُّنْيَا
درویشی مرا وبیامرز گناه مرا انچه گذشته از ان وانچه میاید وبده مرا در دنیا

حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنِي بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ اللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي

حسنه ودر اخرت حسنه ونگاه دار مرا برحمت خود از عذاب اتش خدایا روزی کن مرا

صِلَةَ قَرَابَتِي وَحَجًّا مَقْبُولًا وَعَمَلًا صَالِحًا مَبْرُورًا تَرْضَىٰهُ مِمَّنْ

صله رحم وحج پذیرفته وکردار شایسته خوب را که بپسندی انرا کسیکه

عَمِلَ بِهِ وَاَصْلِحْ لِي اَهْلِي وَوُلْدِي وَاَسْئَلُكَ اَنْ تَجْعَلَ لِي عَقِبًا صَالِحًا

کرده انرا واصلاح کن مرا واولاد مرا و سؤال میکنم از تو اینکه بگردانی مرا عقبه شایسته

تُلْحِقُنِي مِنْ دُعَائِهِمْ رِضْوَانًا وَمَغْفِرَةً وَزِيَادَةً فِي كَرَامَتِكَ

ملحق کنی مرا از دعای ایشان رضوان وآمرزش وزیادتی در کرامت خود

اِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

بدرستیکه تو برهر چیزی توانائی وتوئی بخشنده ترین بخشندگان ای پروردگار ای پروردگار

يَا رَبَّ اللّٰهُمَّ وَكُلَّمَا كَانَ فِي قَلْبِي مِنْ شَكٍّ اَوْ رِيبَةٍ اَوْ جُحُودٍ

ای پروردگار خدایا واگر بوده باشد در دل من از شکی یا ریبی یا انکاری

اَوْ قُنُوطٍ اَوْ فَرَحٍ اَوْ مَرَحٍ اَوْ بَطَرٍ اَوْ فَخْرٍ اَوْ خُيَلَاءٍ اَوْ جُبْنٍ اَوْ

یا ناامیدی یا فرحی یا سروری یا گردن کشی یا کبری یا خیلائی یا ترسی یا

خِيفَةٍ اَوْ رِيَاءٍ اَوْ سُمْعَةٍ اَوْ شِقَاقٍ اَوْ نِفَاقٍ اَوْ كُفْرٍ اَوْ فُسُوقٍ

ترسی یا ریائی یا سمعه یا بد بختی یا نفاق یا کفر یا فسوق

اَوْ عِصْيَانٍ اَوْ عَظَمَةٍ اَوْ شَيْءٍ مِمَّا لَا تُحِبُّ عَلَيْهِ اَوْلِيَاءَكَ

یا عصیان یا بزرگی یا چیزی از انچه دوست داری بران دوستان خودرا

فَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَنْ تَمْحُوَ ذٰلِكَ مِنْ قَلْبِي وَاَنْ

پس میخواهم از تو بحق محمد وال محمد اینکه زایل کنی انرا از دل من واینکه

تُبَدِّلَنِي مَكَانَهُ اِيمَانًا وَعَدْلًا وَرِضًا بِقَضَائِكَ وَوَفَاءً بِعَهْدِكَ

تبدیل کنی مرا بجائی ایمان وعدل ورضا بقضای خود ووفا کردن بعهد تو

وَوَجَلًا مِنْكَ وَزُهْدًا فِي الدُّنْيَا وَرَغْبَةً فِيمَا عِنْدَكَ وَثِقَةً

و ترس از تو وبی رغبتی در دنیا ورغبت درانچه نزد تواست واعتماد

بِكَ وَطُمَأْنِينَةً اِلَيْكَ وَتَوْبَةً اِلَيْكَ نَصُوحًا يَا رَبِّ يَا رَبِّ

بتو وارام گرفتن بسوی تو وبازگشت بسوی تو توبه نصوح ای پروردگار ای پروردگار

اللهم

اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي وَلَمْ اَكُ شَيْئًا مَذْكُورًا فَاَعِنِّي عَلَىٰ

خدایا مرتراست حمد هم چنانکه افریدی مرا ونبودم چیزی یادکرده شده پس یاری کن مرا بر

اَهْوَالِ الدُّنْيَا وَبَوَائِقِ الدَّهْرِ وَنَكَبَاتِ الزَّمَانِ وَكُرُبَاتِ

ترسهای دنیا واندوههای روزگار وبدیهای زمانه وکربات

الْآخِرَةِ وَمُصِيبَاتِ اللَّيَالِي وَالْاَيَّامِ وَاكْفِنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ

اخرت واندوههای شبها وروزها وکفایت کن مرا شر انچه میکنند

الظَّالِمُونَ فِي الْاَرْضِ اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لِي فِي قَدَرِكَ وَرَضِّنِي

ستمکاران در زمین خدایا برکت ده مرا در مقدرات خود وخوشنود ساز

بِقَضَائِكَ اَللّٰهُمَّ افْتَحْ مَسَامِعَ قَلْبِي لِذِكْرِكَ وَارْزُقْنِي شُكْرًا

مرا بقضاء خود خدایا بگشا سوراخهای دل مرا برای یاد تو وروزی کن مرا شکر

وَتَوْفِيقًا وَعِبَادَةً وَخَشْيَةً يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

و توفیق وبندگی وخوف ای پروردگار جهانیان ای پروردگار ای پروردگار

اَللّٰهُمَّ اطَّلِعْ اِلَيَّ الْيَوْمَ اطِّلَاعَةً تُدْخِلُنِي بِهَا الْجَنَّةَ اَللّٰهُمَّ

خدایا نظرکن بسوی من دراین روز نظرکردنی که داخل کنی مرا بان بهشت را خدایا

اسْتَجِبْ دُعَائِي وَاقْبَلْهُ مِنِّي وَاجْعَلْهُ دُعَاءً جَامِعًا يُوَافِقُ

بپذیر دعای مرا وقبول کن اورا از من وبگردان انرا دعای فراهم امده که موافقت کند

بَعْضُهُ بَعْضًا فَاِنَّ كُلَّ شَيْءٍ عِنْدَكَ بِمِقْدَارٍ اَللّٰهُمَّ وَاجْعَلْهُ

پاره او بپاره پس هر چیزی نزد تو باندازه است خدایا وبگردان اورا

مِنْ شَاْنِكَ فَاِنَّكَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَاْنٍ اَللّٰهُمَّ وَاكْتُبْهُ فِي عِلِّيِّينَ

از دستان خود پس تو هر روز درکاری خدایا وبنویس برای من در علیین

فِي كِتَابٍ لَا يُمْحَىٰ وَلَا يُبَدَّلُ بِاَنْ تَقُولَ قَدْ غَفَرْتُ لِعَبْدِي مَا

درکتابی که محوکرده نمیشود وبدل کرده نمیشود باینکه بگوئی بتحقیق امرزیدم مربنده خودرا ان

تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَاَخَّرَ وَاسْتَجَبْتُ لَهُ دَعْوَتَهُ وَوَفَّقْتُهُ وَ

گناهش انچه گذشته بود وانچه اینده است واجابت کردم دعای اورا وتوفیق دادم اورا و

اصْطَفَيْتُهُ لِنَفْسِي وَكَرَّمْتُهُ وَفَضَّلْتُهُ وَعَصَمْتُهُ وَهَدَيْتُهُ

برگزیدم اورا برای خود وگرامیش داشتم وبرتری اورا ونگاهش داشتم وراهش نمودم

وزکیته

وَزَكَّيْتَهُ وَاَصْلَحْتَهُ وَاسْتَخْلَصْتَهُ وَغَفَرْتَ لَهُ وَعَفَوْتَ عَنْهُ

وپاکش کردم واصلاحش وردم وخلاص کردم اورا وامرزیدم اورا ووددکذشتم ازاو

اٰمِينَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ

بپذیر ای پروردکار ای پروردکار خدایا من رو میکنم بسوی تو بوسیله پیغمبرت

نَبِيِّ الرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ فِي خَلَاصِي وَخَلَاصِ

پیغمبر رحمة محمد رحمت خدا براو وآل او در خلاص شدن وخلاص شدن

وَالِدَيَّ وَمَا وَلَدَا وَاَهْلِي وَوُلْدِي وَجَمِيعِ ذُرِّيَّةِ اَبِي وَاِخْوَانِي

پدر ومادرم وآنچه زائیده اند واهل واولاد من وهمه فرزندان پدرم وبرادرانم

فِيكَ وَجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَكُلِّ وَلَدٍ دَخَلَ فِي الْاِسْلَامِ

دردین تو وهمه مردان مؤمن وزنان مؤمنه وهر فرزندمن کرداخل دین اسلام شده

مِنْ اَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ وَمِنْ شَرِّ عَذَابِ الْقَبْرِ وَمِنْ هُمُومِ الدُّنْيَا

از ترسهای روز قیامت واز شر عذاب قبر واز بدی اندوههای دنیا

وَالْاٰخِرَةِ وَاَهْوَالِهَا وَاَسْئَلُكَ اَنْ تَرْزُقَنِي عِزَّهَا وَتَصْرِفَ عَنِّي

واخرت و ترسهای ان و میخواهم ترا اینکه روزی کنی عزت انرا وبکردانی ازمن

شَرَّهَا وَتُثَبِّتَنِي بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَفِي الْاٰخِرَةِ

بدی انرا وثابت داری مرا بکفتار درست در زندکانی دنیا ودر اخرت

اِنَّكَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَسَلَّمَ كَثِيرًا

بدرستیکه تو رؤف مهربانی ورحمت فرستد خدا بر محمد وآل او ودرود بسیار

وَحَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ يَا رَبِّ يَا رَبِّ اَللّٰهُمَّ اِنِّي

وکافی است مارا خدا ونیکوکار کذار نیست ای پروردکار ای پروردکار خدایا من

اَسْئَلُكَ اَنْ تَصْرِفَ عَنِّي شَرَّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَشَيْطَانٍ مَرِيدٍ

میخواهم ترا اینکه بکردانی ازمن بدی هر جبر کننده سرکش ودیو رانده شده

وَشَرَّ كُلِّ ضَعِيفٍ مِنْ خَلْقِكَ وَشَدِيدٍ وَمِنْ شَرِّ السَّامَّةِ وَالْهَامَّةِ

وشر هر ناتوان از خلق تو وسخت واز بدی صاحب سمی وسم شده

وَاللَّامَّةِ وَالْخَاصَّةِ وَالْعَامَّةِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ صَغِيرَةٍ اَوْ

ولئیمی و خاصه و عامه واز شر هر جنبنده کوچک یا

كَبِيرَةٍ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَمِنْ

بزرك بشب وروز و از بدی فسقه عرب وعجم واز

شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَلَا حَوْلَ

شر فسقه جن وانس بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی ونیست حول

وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ

ونه قوه مکر بخدای بلندمرتبه بزرك ورحمت خدا بر محمد وآل او

خَيْرِ مَخْلُوقٍ دَعَا اِلَى خَيْرِ مَعْبُودٍ اَللّٰهُمَّ رَبَّنَا وَاٰتِنَا فِي الدُّنْيَا

بهترین مخلوقیکه خواندم بانچه بهترین پرستنده شده خدایا پروردکارا وبده مارا در دنیا

حَسَنَةً وَفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ يَا رَبِّ

نیکی ودر اخرت نیکی ونکاه دار مارا برحمت خود ازعذاب اتش ای پروردکار

يَا رَبِّ يَا رَبِّ اَللّٰهُمَّ وَمَا كَانَ مِنْ خَيْرٍ اَوْ عَمَلٍ صَالِحٍ اَسْئَلُكَ

ای پروردکار ای پروردکار خدایا وانچه بوده باشد از خیر یاکردار شایسته میخواهم ترا

بِهِ وَاَكُونُ فِي رِضْوَانِكَ وَعَافِيَتِكَ وَمَا صَلُحَ مِنْ ذٰلِكَ مِنَ الْبِرِّ

بان وباشم در خوشنودی تو وعافیت تو وانچه صلاحیت دارد ازان از خوبی

فَامْنُنْ عَلَيَّ بِهِ اِنِّي اِلَيْكَ رَاغِبٌ وَبِكَ مُسْتَجِيرٌ اَللّٰهُمَّ مَا

پس منت نه برمن بان من بسوی تو راغبم وبتو پناه جوینده ام خدایا انچه

اسْتَعْفَيْتُكَ مِنْهُ وَمَا لَمْ اَسْتَعْفِكَ مِنْهُ وَتَوَجَّبَ عَلَيَّ بِهِ

طلب عافیت کردم بان وانچه طلب عافیت نکردم بان وحالانکه واجب شد برمن بان

النَّارُ وَسَخَطُكَ فَعَافِنِي مِنْهُ وَمَا عُذْتُ مِنَ الْمَخَازِي يَوْمَ

اتش و غضب تو پس عافیت ده مرا ازان وانچه پناه بردم بتو از رسوائیهای روز

الْقِيٰمَةِ وَسُوْءِ الْمُطَّلَعِ اِلَى مَا فِي الْقُبُورِ فَاَعِذْنِي مِنْهُ اَللّٰهُمَّ

قیامت وبدی منکر ونکیر بسوی انچه درقبراست پناه ده مرا ازان خدایا

وَمَا اَنْدَمُ عَلَيْهِ مِنْ فِعْلِي لَدَوْا وَاَجَازَنِي عَلَيْهِ يَوْمَ الْمَعَادِ اَوْ

وانچه پشیمان کردم بران از کردارم مرا ورا وپاداش داده شوم بران روز رستخیز یا

تَرَانِي فِي الدُّنْيَا عَلَى الْحَالِ الَّتِي تُورِثُ سَخَطَكَ فَاَسْئَلُكَ

ببینی مرا در دنیا بر بدحالی انچنانکه میراث میدهد خشم ترا پس میخواهم ترا

بوجهك الكريم ان تعظم عافيتي من جميع ذلك يا ولي العافية

بذات کریمت انکه بزرگ گردانی عافیت دهٔ مرا از همه آن ای بخشندهٔ عافیت

يا رب يا رب واسئلك يا رب مع ذلك العافية من

ای پروردگار ای پروردگار و میخوانم تورا ای پروردگار با این عافیت از

جهد البلاء وسوء القضاء وشماتة الاعداء وان تحملني

مشقت بلاء و بدی قضاء و شماتت اعداء و اینکه بار کنی مرا

ما لا طاقة لي به وان تسلط على ظالما او تبتليني بما لا

آنچه نیست توانائی بآن و اینکه دست دهی بر من ستمکاری را یا مبتلا کنی مرا بآنچه نیست

طاقة لي به وتناقشني الحساب يوم الحساب مناقشة بمساوي

طاقتی مرا بآن و استقصا کنی مرا شمار روز حساب استقصا نمودن از حسابگاها

احوج ما اكون الى عفوك وتجاوزك اسئلك بوجهك الكريم

در محتاج که بوده باشم بعفو تو و درگذشتن از تو میخوانم تورا بذات تو که کریم است

ان تعظم عافيتي في جميع ذلك يا ولي العافية اي من عفى

انکه بزرگ کنی عافیت مرا در همه آنها ای بخشندهٔ عافیت ای درگذرنده

عن السيئات ولم يجاز بها ارحم عبدك يا رب يا رب

از گناهان و پاداش نداده بآنها رحم کن بنده خودرا ای پروردگار ای پروردگار

يا الله يا الله نفسي نفسي ارحم عبدك يا سيداه عبدك

ای خدا ای خدا نفس مرا رحم کن بنده خودرا ای آقا بندهٔ تو

بين يديك يا رباه يا رباه يا منتهى رغبتاه يا مجري

در پیش تست ای پروردگار ای پروردگار ای منتهای خواهش خواهشمندان ای روان کننده

الدم في عروق عبدك عبدك يا سيداه يا مالك عبده يا

خون در رگهای من بنده توام بنده توام ای آقا ای صاحب بنده خود ای

سيداه يا مالكاه يا هو يا رباه لا حيلة لي ولا غنى بي عن

آقا ای مالک من ای تو ای پروردگارا نیست حیله مرا و نیست بینیازی مرا از

نفسي ولا استطيع لها ضرا ولا نفعا ولا رجاء لي ولا احد

نفس من و توانائی ندارم برای نفس خودم نه ضرری و نه نفعی و نه امیدی مرا و نمیباشد کسی

اصابعه تقطعت اسباب الخدائع عني واضمحل عني كل

که در شوت دهد بریده شد دست آویز فریبها از من و رفت از من هر

باطل افردني الدهر اليك فقمت هذا المقام الهي بعلمك

باطلی تنها گذاشته مرا زمانه بسوی تو پس ایستادم در اینجا ای خدا بدانش تو

فكيف انت صانع بي ليت شعري ولا اشعر كيف تقول

پس چگونه معامله کنی با من کاش دانستمی و ندانم چگونه جواب میگوئی

لدعائي اتقول نعم او تقول لا فان قلت لا فيا ويلتاه يا

دعای مرا آیا میگوئی بلی یا میگوئی نه پس اگر گفتی نه پس ای وای ای

ويلتاه يا ويلتاه يا عولتاه يا عولتاه يا عولتاه يا شقوتاه

وای ای وای ای فغان ای فغان ای فغان ای بدبختی

يا شقوتاه يا شقوتاه يا ذلاه يا ذلاه يا ذلاه الى من والى عند

ای بدبختی ای بدبختی ای خواری ای خواری ای خواری بسوی که خواهم گریخت نزد

من او كيف او بماذا او الى اي شيء ومن ارجو ومن يعود

که چگونه یا بچه روشی یا بسوی کدام چیز و کرا امید دارم یا که نفع رساند

علي ان رفضتني يا واسع المغفرة وان قلت نعم كما الظن بك

بمن اگر واگذاردی مرا ای فراگیرنده آمرزش و اگر بگوئی بلی چنانکه گمانست بتو

فطوبى لي انا السعيد فطوبى لي انا المرحوم يا مترحم يا

پس خوشحالی است مرا منم نیک بخت پس خوشحالی است مرا منم بخشیده شده منم رحم کرده شده ای

مترأف يا متعطف يا متحنن يا متملك يا متسلط لا عمل لي

مهربان ای مهربان ای زنده سازنده ای خداوند ملک ای خداوند تسلط نیست کرداری مرا

ارجو به نجاح حاجتي ولا احد انفع لي منك يا من عرفني

که امیدوارم بآن بروان شدن حاجت من و نه کسی نفع رساننده مرا از تو ای آنکه شناسانیدی بر من

نفسه يا من امرني بطاعته يا مدعوا يا مسئول يا مطلوب

خودرا ای آنکه امر کردی مرا بطاعت خود ای خوانده شده ای درخواسته شده ای طلب کرده شده

اليه رفضت وصيتك التي اوصيتني ولو اطعتك لكفيتني

بسوی تو واگذاردم وصیت خودرا که وصیت فرموده مرا و اگر فرمان بردمی تورا کفایت کردی مرا

مَا قُمْتُ اِلَيْكَ فِيهِ مِنْ قَبْلِ اَنْ اَقُومَ وَاَنَا مَعَ مَعْصِيَتِي لَكَ

انچه ایستاده‌ام بسوی تو دران پیش از انکه باستیم و من با معصیت خود مر تورا

رَاجٍ فَلَا تَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ مَا رَجَوْتُهُ وَارْدُدْ يَدِي مِلَاءً مِنْ

امیدوار پس حایل مشو میان من ومیان انچه امیدوارم تورا وبگردان دست مرا پر از

خَيْرِكَ بِحَقِّكَ يَا سَيِّدِي يَا وَلِيِّي اَنَا مَنْ قَدْ عَرَفْتَ شَرَّ عَبْدٍ

خیر خودت بحق خودت ای اقای من ای اختیاردار من منم انکه شناختی بدترین بنده

وَاَنْتَ خَيْرُ رَبٍّ يَا مَخْشِيَّ الْاِنْتِقَامِ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا اَللّٰهُ

و تو بهتر پروردگار ای ترسیده شده از روی انتقام ای پروردگار ای پروردگار ای خدا

يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا مُحِيطُ بِمَلَكُوتِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَاَصْلِحْنِي

ای خدا ای خدا ای فراگیرنده بپادشاهی اسمانها وزمین وبصلاح اور کار مرا

لِدُنْيَايَ وَاَصْلِحْنِي لِاٰخِرَتِي وَاَصْلِحْنِي لِاَهْلِي وَاَصْلِحْنِي لِوَلَدِي

دنیای مرا وبصلاح اور اخرت مرا وبصلاح اور اهل مرا وبصلاح اور بدن و مادر مرا

وَاَصْلِحْنِي مَا خَوَّلْتَنِي يَا اِلٰهِي وَاَصْلِحْنِي مِنْ خَطَايَايَ يَا حَنَّانُ

وبصلاح او انچه عطا فرموده مرا ای خدای من وبصلاح اور گناهان مرا ای مهربان

يَا مَنَّانُ تَفَضَّلْ عَلَيَّ بِرَحْمَتِكَ وَامْنُنْ عَلَيَّ بِاِجَابَتِكَ وَصَلِّ

ای بخشنده بخشش کن برمن برحمت خود ومنت نه برمن بقبول کردن خود ودرحمت کن

اَللّٰهُمَّ عَلٰى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَاَهْلِهِ وَسَلِّمْ وَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ مَا

خدا بر محمد که پیغمبر است واهل او ودرود فرست وحایل شو میان من ومیان انچه

حُلْتَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ اَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْبَاطِلِ وَاٰتِنَا فِي الدُّنْيَا

حایل شده میان او ومیان اهل بیت محمد از امر باطل وبده مارا در دنیا

حَسَنَةً وَفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ پس بگو بِسْمِ اللّٰهِ

نیکی و در اخرت نیکی ای بخشنده‌ترین بخشندگان بنام خداوند

الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَاِلٰهُكُمْ اِلٰهٌ وَاحِدٌ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ

بخشنده مهربان وخدای شما خدای یکتاست نیست خدائی مگر او بخشنده مهربان

اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَاْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ

نیست خدا مگر او زنده پاینده است نمیگیرد اورا پینکی ونه خوابی

لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ

اوراست انچه در اسمانهاست وانچه در زمین است کیست که درخواست کند

عِنْدَهُ اِلَّا بِاِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ اَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا

نزد او مگر بفرمان او میداند انچه میان دو دست ایشانست وانچه پس ایشانست ونمی

يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ اِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمٰوَاتِ

رسند بچیزی از دانش او مگر بانچه خواسته است فراخ است کرسی او اسمانها

وَالْاَرْضَ وَلَا يَؤُدُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ الٓمٓ اَللّٰهُ

وزمین ودر رنج نیفکند اورا نگهبانی ان دو واو بلندمرتبه بزرگست خدا انکه

لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْاَرْحَامِ

نیست خدائی مگر او زنده پاینده اوست انکه صورت می بندد شمارا در رحمها

كَيْفَ يَشَاءُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ اَلَّذِينَ يَقُولُونَ

هرگونه که میخواهد نیست خدائی مگر او عزیز درست کردار است انانکه میگویند

رَبَّنَا اِنَّنَا اٰمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الصَّابِرِينَ

پروردگارا بدرستیکه ما ایمان اوردیم پس بیامرز مارا گناهان مارا ونگاه دار مارا از عذاب اتش صبرکنان

وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْاَسْحَارِ

وراستگویان وفرمان برداران وانفاق کنندگان وامرزش جویان بسحرها

شَهِدَ اللّٰهُ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَالْمَلٰٓئِكَةُ وَاُولُوا الْعِلْمِ

گواهی داده خدا اینکه نیست خدائی مگر او وفرشتگان وصاحبان دانش

قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ اِنَّ الدِّينَ عِنْدَ

خدا بپادارنده بعدالت نیست خدائی مگر او غالب درست کردار بدرستیکه دین نزد

اللّٰهِ الْاِسْلَامُ اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ

خدا اسلام است خدا نیست خدائی مگر او فراهم اورد شمارا تا روز قیامت

لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ اَصْدَقُ مِنَ اللّٰهِ حَدِيثًا ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ

نیست شکی در او وکیست راستگوتر از خدا در گفتار اینست خدا پروردگار شما

لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ

نیست خدائی مگر او افریننده هر چیزی بپرستید اورا واو بر هر چیزی

وَكِيلٌ اِتَّبِعْ مَا اُوحِيَ اِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَاَعْرِضْ
کارگذار است پیروی کن آنچه وحی شده بتو از پروردگارت نیست خدائی مگر او و رو بگردان

عَنِ الْمُشْرِكِينَ قُلْ يَا اَيُّهَا النَّاسُ اِنِّي رَسُولُ اللّٰهِ اِلَيْكُمْ جَمِيعًا
از مشرکان بگو ای مردمان من فرستاده خدایم بسوی شما همه

الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ
آنکه مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین نیست خدائی مگر او زنده کند و میمیراند

فَآمِنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْاُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَكَلِمَاتِهِ
بگروید بخدا و رسولش پیغمبر امی که میگرود بخدا و سخنانش

وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ وَمَا اُمِرُوا اِلَّا لِيَعْبُدُوا اِلٰهًا وَاحِدًا
و پیروی کنیدش تا شاید راه یابید و فرموده نشدند مگر آنکه پرستند خدای یگانه را

لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ
نیست خدائی مگر او منزه است او از آنچه شریک او میکنند هر آینه آمد شما را پیغمبری

مِنْ اَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ
از خود شما گرانست براو رنج و تعب حریص است بر اسلام شما و بمؤمنین

رَؤُفٌ رَحِيمٌ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ
رؤف مهربانست پس اگر پشت کنند پس بگو بس است مرا خدا نیست خدائی مگر او

عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ حَتّٰى اِذَا اَدْرَكَهُ
براو توکل کردم و او پروردگار عرش بزرگست تا وقتی که دریافت او را

الْغَرَقُ قَالَ آمَنْتُ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا الَّذِي آمَنَتْ بِهِ بَنُوا
غرق گفت ایمان آوردم نیست خدائی مگر آنکه ایمان آوردند باو بنی

اِسْرَائِيلَ وَاَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَاِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا
اسرائیل و منم از مسلمانان پس اگر نکردند اجابت شما را بدانید

اَنَّمَا اُنْزِلَ بِعِلْمِ اللّٰهِ وَاَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ فَهَلْ اَنْتُمْ مُسْلِمُونَ
آنچه فرستاده شده بدانش خدا و آنکه نیست خدائی مگر او پس آیا شما گردن نهندگانید

قُلْ هُوَ رَبِّي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَاِلَيْهِ مَتَابِ
بگو او پروردگار منست نیست خدائی مگر او براو توکل کردم و بسوی اوست بازگشت

اَنْ

اَنْ اَنْذِرُوا اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنَا فَاتَّقُونِ اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ
اینکه اعلام کنید خلق را نیست خدائی مگر من پس بپرهیزید از من خدا نیست خدائی مگر او

لَهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحٰى اِنَّنِي اَنَا اللّٰهُ لَا اِلٰهَ
مر او راست نامهای نیکو پس گوش دار بآنچه وحی کرده شده بدرستیکه منم خدا نیست خدا

اِلَّا اَنَا فَاعْبُدْنِي وَاَقِمِ الصَّلٰوةَ لِذِكْرِي اِنَّمَا اِلٰهُكُمُ اللّٰهُ
مگر من پس بپرستید مرا و بپا دارید نماز را برای یاد کردن من بدرستیکه خدای شما خدا

الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا وَمَا اَرْسَلْنَا
آنچنانستکه نیست خدائی مگر او فرا گرفته هر چیز را از روی دانش و نفرستادیم ما

مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ اِلَّا يُوحٰى اِلَيْهِ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنَا
پیش از تو از رسولی مگر آنکه وحی کردیم بسوی او نیست خدائی مگر من

فَاعْبُدُونِ وَذَا النُّونِ اِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ اَنْ لَنْ
پس بپرستید مرا و صاحب ماهی چون رفت خشمناک پس گمان کرد هرگز

نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادٰى فِي الظُّلُمَاتِ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ
تنگ نگیریم براو پس ندا کرد در تاریکیها اینکه نیست خدائی مگر تو

سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ
منزهی تو بدرستیکه منم از ستمکاران پس اجابت کردیم او را و نجات دادیم

مِنَ الْغَمِّ وَكَذٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ فَتَعَالَى اللّٰهُ الْمَلِكُ
از غم و همچنین نجات دهیم مؤمنان را پس برتر است خدا پادشاهی

الْحَقُّ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا
حق نیست خدائی مگر او پروردگار عرش کریم خدا نیست خدائی مگر

هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَهُوَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ
او پروردگار عرش بزرگ و اوست خدا نیست خدائی مگر او او راست حمد

فِي الْاُولٰى وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَاِلَيْهِ تُرْجَعُونَ يَا اَيُّهَا
در دنیا و آخرت و مر او راست حکم و بسوی اوست بازگشت شما ای گروه

النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللّٰهِ
مردم یاد کنید نعمتهای خدا را بر شما آیا هیچ آفریننده غیر از خدا

يرزقكم

يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ إِنَّهُمْ
روزی میدهد شما را از آسمان و زمین نیست خدائی مگر او پس از کجا دروغ میبافند ایشان

كَانُوا إِذَا قِيلَ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ يَسْتَكْبِرُونَ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ لَهُ
بودند چون گفته شد نیست خدائی مگر خدا کردن کشی مینمودند اینست شما را خدا پروردگار شما مر او را

الْمُلْكُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ
پادشاهی نیست خدائی مگر او پس از کجا برگردانیده شوند آمرزنده گناه و قبول کننده توبه

شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ
سخت عقوبت صاحب انعام نیست خدائی مگر او بسوی اوست بازگشت اینست شما را خدا

رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ تَبَارَكَ اللّٰهُ
پروردگار شما آفریننده هر چیزی نیست خدائی مگر او پس از کجا دروغ میبافند افاضه برکات خداست

رَبُّ الْعَالَمِينَ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ
پروردگار جهانیان نیست خدائی مگر او زنده میکند و میمیراند پروردگار شما و پروردگار پدران شما

الْأَوَّلِينَ فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ
پیشینیان پس بدان که نیست خدائی مگر خدا و طلب آمرزش کن گناه خود را برای مؤمنین

وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ لَوْ أَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْآنَ
و مؤمنه و خدا میداند جابهای شما و بازگشت شما را اگر فرستیم ما این قرآن را

عَلٰى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللّٰهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ
بر کوهها میدیدی او را ترسان شکافته از ترس خدا و این داستانها

نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ هُوَ اللّٰهُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ
که میزنیم از برای مردم شاید ایشان اندیشه نمایند اوست خدائی که نیست خدائی مگر او

عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللّٰهُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا
دانای غیب و آشکار اوست بخشنده مهربان اوست خدائی که نیست خدائی مگر

هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ
او پادشاه منزه از هر عیبی ایمنی دهنده نگهبان غالب قهار متکبر

سُبْحَانَ اللّٰهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللّٰهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ
منزه است خدا از آنچه شریک میدانند اوست خدا آفریننده آفریدگار نگارنده او راست نامهای

الحسنى

الْحُسْنٰى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ اللّٰهُ
نیکو تسبیح میکند مر او را آنچه در آسمانها و زمین است و اوست غالب درستکردار خدا

لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا
نیست خدائی مگر او و بر خدا باید توکل کنند مؤمنان پروردگار مشرق و مغرب نیست

إِلٰهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا پس هفت وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ
خدائی مگر او پس فراگیر او را کارساز مرتبه بگو بدرستیکه او دست کتابست غالب نیامده او باطل

مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ پس بگو آمَنَّا بِاللّٰهِ وَمَا
از میان دو دست او و نه از پشت او فرستاده شده از جانب درست کردار گرویدیم ما بخدا و آنچه

أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ إِلٰى إِبْرٰهِيمَ وَإِسْمٰعِيلَ وَإِسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ
فرستاده شد بما و آنچه فرستاده شد بسوی ابرهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و اسباط

وَمَا أُوتِيَ مُوسٰى وَعِيسٰى وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ
و آنچه داده شد موسی و عیسی را و آنچه داده شد پیمبران از پروردگارشان جدائی نیفکنیم میان هیچ

مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ رَبَّنَا رَبَّ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُوَ مِنْ دُونِهِ
یک از ایشان و ما او را منقادانیم پروردگار ما پروردگار آسمانها و زمین هرگز نخوانیم جز او

إِلٰهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذًا شَطَطًا الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي هَدَانَا لِهٰذَا
خدائی هر آینه گفتیم ما بوقت گفتار دروغ حمد مر خدا را که راه نمود ما را باین

وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّٰهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ
و نبودیم ما که بخودی خود راه یابیم اگر نه این بود که هدایت نمیکرد ما را خدا هر آینه آمدند پیغمبران

رَبِّنَا بِالْحَقِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ پس بگو السَّلَامُ عَلَيْكَ
پروردگار ما براستی رحمت خدا بر ایشان همه درود بر تو

يَا رَسُولَ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
ای فرستاده خدا درود بر تو ای پیغمبر خدا درود بر تو

يَا خِيَرَةَ اللّٰهِ مِنْ خَلْقِهِ وَأَمِينَهُ عَلٰى وَحْيِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
ای برگزیده خدا از آفریدگانش و معتمدش بر وحی او درود بر تو

يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْتَ حُجَّةُ اللّٰهِ عَلٰى خَلْقِهِ وَأَمِينُهُ عَلٰى
ای پادشاه مؤمنان توئی راهنمای خدا بر خلقش و امین خدا بر

وجيه

وَحْيِهِ وَبَابُ عِلْمِهِ وَوَصِيُّ نَبِيِّهِ وَالْخَلِيفَةُ مِنْ بَعْدِهِ

وحیش ودر دانش او وجانشین پیمبراو وخلیفه از بعد او

فِي أُمَّتِهِ لَعَنَ اللهُ أُمَّةً غَصَبَتْكَ حَقَّكَ وَقَعَدَتْ مَقْعَدَكَ

در گروه او لعنت کند خدا گروهی را که غصب کردند حق او را ونشستند درنشستنگاه او

أَنَا بَرِيءٌ مِنْهُمْ وَمِنْ شِيعَتِهِمْ إِلَيْكَ السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا فَاطِمَةُ

من بیزارم از ایشان واز پیروان ایشان بسوی تو درود برتو ای فاطمه

الْبَتُولُ السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا زَيْنَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ

که دنیا را جواب داده درود برتو ای زینت زنان جهانیان درود

عَلَيْكِ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ صَلَّى اللهُ عَلَيْكِ

برتو ای دختر پیغمبر خدا پروردگار جهانیان رحمت خدا برتو

وَعَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا أُمَّ السِّبْطَيْنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ

وبر او درود برتو ای مادر دو فرزند پیمبر حسن و حسین

لَعَنَ اللهُ أُمَّةً غَصَبَتْكِ حَقَّكِ وَمَنَعَتْكِ مَا جَعَلَهُ اللهُ

لعنت کند خدا گروهی را که غصب کردند حق تورا وبازداشتند تورا آنچه گردانیده بود خدا

لَكِ حَلَالًا أَنَا بَرِيءٌ إِلَيْكِ مِنْهُمْ وَمِنْ شِيعَتِهِمْ السَّلَامُ

برای تو حلال من بیزارم بتو از ایشان واز پیروان ایشان درود

عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ الزَّكِيَّ لَعَنَ اللهُ

برتو ای مولا ای پدر محمد حسن پاک لعنت کند خدا

أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَبَايَعَتْ فِي أَمْرِكَ وَشَايَعَتْ أَنَا بَرِيءٌ إِلَيْكَ

گروهی را که کشتند تورا وپیمان بستند در کشتن تو وپیروی کردند من بیزارم بتو

مِنْهُمْ وَمِنْ شِيعَتِهِمْ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ

از ایشان واز پیروان ایشان درود برتو ای آقای من ای پدر عبد

اللهِ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْكَ وَعَلَى أَبِيكَ وَ

الله حسین پسر علی رحمت خدا برتو وبر پدر تو و

جَدِّكَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَعَنَ اللهُ

جد تو محمد برگزیده رحمت خدا براو وآل او لعنت کند خدا

أُمَّةً اسْتَحَلَّتْ دَمَكَ وَلَعَنَ اللهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَاسْتَبَاحَتْ

گروهی را که حلال دانستند خون تورا ولعنت کند خدا گروهی را که کشتند تورا ومباح دانستند

حَرِيمَكَ وَلَعَنَ اللهُ أَشْيَاعَهُمْ وَأَتْبَاعَهُمْ وَلَعَنَ اللهُ

اذیت اهل بیت تورا ولعنت کند خدا پیروان ایشان و اتباع ایشان را ولعنت کند خدا

الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالتَّمْكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ أَنَا بَرِيءٌ إِلَى اللهِ

آنکه دست گرد کار ایشان را بدست دادن از کشتن ایشان من بیزارم بخدا

وَإِلَيْكَ مِنْهُمْ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ

وبسوی تو از ایشان درود برتو ای آقای من ای پدر محمد

عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ

علی پسر حسین درود برتو ای آقای من ای پدر جعفر

مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ

محمد پسر علی درود برتو ای آقای من ای پدر عبد الله

جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ

جعفر پسر محمد درود برتو ای آقای من ای پدر حسن

مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ

موسی پسر جعفر درود برتو ای آقای من ای پدر حسن

عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ

علی پسر موسی الرضا درود برتو ای آقای من ای پدر جعفر

مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ

محمد پسر علی درود برتو ای آقای من ای پدر حسن علی

بْنَ مُحَمَّدٍ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ

پسر محمد درود برتو ای آقای من ای پدر محمد حسن

بْنَ عَلِيٍّ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ الْحُجَّةَ بْنَ

پسر علی درود برتو ای آقای من ای پدر قاسم حجت پسر

الْحَسَنِ صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ وَعَلَى عِتْرَتِكَ

حسن دارنده این زمان رحمت خدا برتو وبر فرزندان تو

الطاهرة الطيبة يا موالي كونوا شفعاء لي عند الله في حط

که پاک وپاکیزه اند ای آقایان من باشید درخواست کننده من نزد خدا در فرو گذاردن

وزري وخطاياي امنت بالله وبما انزل اليكم واتوالى

بار گناهان من ایمان اوردم بخدا وبانچه فرستاده شد بشما وپیروی میکنم

اخركم بما اتوالى اولكم وبرئت من الجبت والطاغوت واللات

اخر شما را بانچه پیروی میکنم اول شما وبیزارم از بت جبت وبت طاغوت وبت لات

والعزى يا موالي انا سلم لمن سالمكم وحرب لمن حاربكم و

وبت عزی ای صاحبان اختیار من من صلحم با انکه صلحست با شما وجنگم با انکه جنگ دارد با شما و

عدو لمن عاداكم وولي لمن والاكم الى يوم القيمة ولعن

دشمنم با انکه دشمن است با شما ودوستم با انکه دوست است با شما تا روز قیامت ولعنت کند

الله ظالميكم وغاصبيكم ولعن الله اشياعهم واتباعهم و

خدا ستمکاران شما را وغصب کنندگان حق شما را ولعنت کند خدا پیروان ایشان را ومتابعین ایشان را و

اهل مذهبهم وابرء الى الله واليكم منهم اللهم اني

اهل طریقه ایشان وبیزارم بسوی خدا وبسوی شما از انها خدایا من

اشهدك وكفى بك شهيدا واشهد محمدا صلى الله عليه و

گواه میگیرم ترا وبس است بتو بگواهی وگواه میگیرم محمد رحمت خدا بر او و

اله وعليا ومن ذريتهما والثمانية حملة عرشك والاربعة

ال او وعلی واکه از فرزندان انها وهشت نفر بردارنده عرش تو وچهار فرشته

الاملاك خزنة علمك اني بريء من اعدائهم فعلى محمد وعلى

فرشته خزانه دار علم تو که من بیزارم از دشمنان ایشان پس بر محمد وبر

اهل بيته الطيبين الطاهرين الصلوة والسلام اللهم

اهل بیت او پاکان پاکیزگان درود ورحمت خدایا

اقرر عيني بصلاته وصلوة على اهل بيته واجعل ما هديتني

روشن کن دیده مرا برحمت فرستادن براو ورحمت بر اهل بیت او وبگردان انچه گمراه نمودی

اليه من الحق والمعرفة بهم مستقرا لا مستودعا يا ارحم الراحمين

بسوی او از حق ومعرفت بایشان ثابت داشته شده نه بامانت ای بخشنده ترین بخشندگان

اللهم

اللهم وعرفني نفسك وعرفني رسلك وعرفني ملائكتك

خدایا وبشناسان بمن ذات خود را وبشناسان بمن پیغمبرانت را وبشناسان بمن ملائکه خود را

وعرفني ولاة امرك اللهم اني لا اخذ الا ما اعطيت ولا

وبشناسان بمن والیان امر خود را خدایا من نمیگیرم مگر انچه عطا کرده تو ونگا

اوقى الا ما وقيت اللهم لا تحرمني منازل اوليائك ولا

داشته نمیشود مگر انکه نگاه داری تو خدایا نا امید مکن مرا جاهای فرود آوردن دوستان تو و

تزغ قلبي بعد اذ هديتني وهب لي من لدنك رحمة انك انت

میچان دل مرا بعد از انکه هدایت کردی مرا وببخش مرا از نزد خود رحمتی بدرستیکه تو

الوهاب وهيئ لي من امري رشدا اللهم وعلمني ناطق

بخشنده ومهیا ساز مرا از امر من خوبی را خدایا وبیاموز مرا قران

التنزيل وخلصني من المهالك اللهم وخلصني من الشيطان

فرستاده شده وخلاص کن مرا از موجبات هلاکت خدایا وخلاص کن مرا از شیطان

وحزبه ومن السلطان وجنده ومن الجبت وانصاره بحق محمد

ولشکر او واز سلطان وسپاه او واز جبت ویاران او بحرمت محمد

المحمود وبعلي المقصود وبحق شبر وشبير وبحق اسمائك

ستوده شده وبعلی قصد کرده شده وبحرمت حسن وحسین وبحرمت نامهای تو

الحسنى صل على محمد افضل الصفوة انك على كل شيء قدير

که نیکو است رحمت فرست بر محمد بهترین رحمتها بدرستیکه تو بر هر چیزی توانائی

وانت بكل شيء محيط يا رب يا رب يا رب يا الله يا الله يا الله

وتو بهر چیزی احاطه داری ای پروردگار ای پروردگار ای خدا ای خدا ای خدا

يا ربّاه يا ربّاه يا سيداه يا سيداه يا سيداه يا مولاياه

ای پروردگار ای پروردگار ای بزرگوار ای بزرگوار ای بزرگوار ای مولا

يا مولاياه يا مولاياه يا عماد من لا عماد له ويا سند من لا سند

ای مولا ای مولا ای اعتماد کننده کسیکه نیست اعتمادی مر او را وای دستگیر انکه نیست دستگیر

له ويا ذخر من لا ذخر له انت ربي وانا عبدك على عهدك و

او را وای ذخیره انکه نیست ذخیره او را تو پروردگار منی ومن بنده تو بر پیمان تو

وعدك

وَعدِكَ اَللّهُمَّ اجعَلهُ مَوقِفاً مَحمُوداً وَلا تَجعَلهُ آخِرَ العَهدِ
وعدهٔ تو خدایا بگردان اورا جایگاه ستوده ومگردان اورا آخر پیمان

مِنّا وَاَشرِكنا فی صالِحِ دُعاءِ مَن دَعاكَ بِمِنیً وَعَرَفاتٍ وَمُزدَلِفَةٍ
ازما وشریك کن مارا در دعای شایسته از دعای خود درمنی وعرفات ومشعر

وَعِندَ قَبرِ نَبِیِّكَ عَلَیهِ السَّلامُ وَعِندَ زَمزَمَ وَالمَقامِ اَللّهُمَّ
ونزد قبر پیغمبرخود براو درود ونزد زمزم ومقام ابرهیم خدایا

لَكَ الحَمدُ حَیثُ رَفَعتَ اَقدارَنا عَن شَدِّ الزَّنانِیرِ فِی الاَوساطِ
توراست حمد آنجائیکه بلند کردی مرتبه‌های مارا از محکم بستن زنار در کمرها

وَالخَواتِیمِ وَالاَعناقِ وَلَكَ الحَمدُ حَیثُ لَم تَجعَلنا زَنادِقَةً
ونامه‌های اعمال دوگردنها وتوراست حمد هنگامیکه نگردانی مارا ازبی دینان

مُضِلِّینَ وَلا مُدَّعِیَةً شاكِّینَ مُرتابِینَ وَلا مُعارِضِینَ وَلا
بی دینان ونه عودکان شك داران بی اعتقادان ونه معارضه‌کنندگان ونه

عَن اَهلِ بَیتِ نَبِیِّكَ صَلَّی اللّهُ عَلَیهِ وَآلِهِ مُنحَرِفِینَ اَللّهُمَّ كَما
از اهل بیت پیغمبرتو رحمت خدا براو وآل او ازگجروان خدایا چنانکه

بَلَّغتَنا هذَا الیَومَ المُبارَكَ مِن شَهرِنا وَسَنَتِنا هذِهِ المُبارَكَةِ
رسانیدی مارا بروز بروز مبارك از ماه ما وسال ما این سال بابرکت

فَبَلِّغنا آخِرَها فی عافِیَةٍ وَبَلِّغنا اَعواماً كَثِیرَةً بِرَحمَتِكَ
برسان مارا باخران در عافیت وبرسان مارا بسالهای بسیار برحمت تو

یا اَرحَمَ الرّاحِمِینَ یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ یا اَللّهُ یا اَللّهُ یا اَللّهُ
ای بخشنده‌ترین بخشندگان ای پروردگار ای پروردگار ای خدا ای خدا ای خدا

یا رَبّاهُ یا رَبّاهُ یا رَبّاهُ یا سَیِّداهُ یا سَیِّداهُ یا سَیِّداهُ یا مَولاهُ
ای پروردگار ای پروردگار ای آقای من ای آقای من ای آقای من ای بزرگ

یا مَولایاهُ یا مَولایاهُ اَللّهُمَّ وَما قَسَمتَ لی فی هذِهِ السّاعَةِ
ای بزرگ مولای من ای بزرگ مولای من خدایا وانچه را سهم کردی دراین ساعت

وَفی هذَا الیَومِ وَفی هذَا الشَّهرِ وَفی هذِهِ السَّنَةِ مِن خَیرٍ
ودر این روز ودر این ماه ودر این سال از نیکی

او برکة

اَو بَرَكَةٍ اَو عافِیَةٍ اَو مَغفِرَةٍ اَو رَأفَةٍ اَو رَحمَةٍ اَو عِتقٍ مِنَ النّارِ
بابرکت باعافیت باامرزش بامهربانی بارحمت باازادکردن از آتش

اَو رِزقٍ واسِعٍ حَلالٍ طَیِّبٍ اَو تَوبَةٍ نَصُوحٍ فَاجعَل لَنا فی ذلِكَ
باروزی فراخ حلال پاك بابازگشت خالص پس بگردان برای ما دراین

اَوفَرَ النَّصِیبِ وَاَجزَلَ الحَظِّ اَللّهُمَّ وَما اَنزَلتَ فی هذِهِ السّاعَةِ
زیادتر بهره وفراوان‌تر بهره خدایا وانچه فرستادی دراین ساعت

وَفی هذَا الیَومِ وَفی هذَا الشَّهرِ وَفی هذِهِ السَّنَةِ مِن حَرقٍ
ودر این روز ودر این ماه ودر این سال ازسوختن

اَو شَرَقٍ اَو غَرَقٍ اَو هَدمٍ اَو رَدمٍ اَو خَسفٍ اَو قَذفٍ اَو رَجفٍ
یااندوهی یاغرق‌شدنی یاخراب‌شدنی یادربستنی یابزمین‌فرورفتنی یادشنام‌دادنی یالرزیدنی

اَو مَسخٍ اَو صَیحَةٍ اَو زَلزَلَةٍ اَو فِتنَةٍ اَو صاعِقَةٍ اَو بَردٍ اَو جُنُونٍ
یاتبدیل یاصیحه یازلزله یاآشوبی یاآتش آسمانی یاسردی یادیوانگی

اَو جُذامٍ اَو بَرَصٍ اَو اَكلِ سَبُعٍ اَو مِیتَةِ سُوءٍ وَجَمِیعِ اَنواعِ البَلاءِ
یاخوره یاپیسی یاخوردن جوانانی یامردن بدی وهمه انواع بلا

فِی الدُّنیا وَالآخِرَةِ فَاصرِفهُ عَنّا كَیفَ شِئتَ وَاَنّی شِئتَ وَعَن
در دنیا و اخرت پس بگردان انرا ازما بهرروشی‌که‌خواهی وبهرجوی‌که‌خواهی واز

جَمِیعِ المُؤمِنِینَ فی كُلِّ دارٍ وَمَنزِلٍ فی شَرقِ الاَرضِ وَغَربِها
همه گروندگان در هرخانه ومنزلی در شرق زمین وغربی

عَزَّ جارُكَ وَجَلَّ ثَناؤُكَ وَلا اِلهَ غَیرُكَ وَحدَكَ لا شَرِیكَ لَكَ
ارجمنداست همسایه‌تو وبزرگست ثنای‌تو ونیست خدائی غیرتو یگانه‌تو نیست شریکی تورا

فاطِرَ السَّمواتِ وَالاَرضِ عالِمَ الغَیبِ وَالشَّهادَةِ رَبَّ كُلِّ
خالق آسمانها وزمین دانای نهان وآشکار پروردگار هر

شَیءٍ وَمَلِیكَهُ اَشهَدُ اَن لا اِلهَ اِلَّا اللّهُ وَحدَهُ لا شَرِیكَ
چیزی و مالك آن گواهی میدهم که‌نیست خدائی مگر خدای یگانه که‌نیست شریکی

لَهُ وَاَشهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً صَلَّی اللّهُ عَلَیهِ وَآلِهِ عَبدُهُ وَرَسُولُهُ
اورا وگواهی میدهم که محمد رحمت خدا براو وآل او بنده او وفرستاده او

اشهد

اشهد ان الجنة حق و ان النار حق و ان الساعة آتية لا ريب

گواهی میدهم اینکه بهشت راست است و آتش راست است و اینکه قیامت آینده است نیست شکی

فيها و ان الله يبعث من في القبور اشهد ان لا اله الا

درآن و اینکه برمی انگیزاند خدا آنچه در قبر است گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر

الله وحده لا شريك له عليها احيا و عليها اموت و عليها

خدای یگانه نیست شریکی اورا براینها زندگی میکنم و براینها میمیرم و براینها

ابعث حيا ان شاء الله رضيت بالله ربا و بالاسلام دينا

برانگیزانیده میشوم زنده اگر بخواهد خدا پسندیدم بخدا پروردگاری را و باسلام دین را

و بمحمد صلى الله عليه و آله نبيا و بعلي وليا و بالقرآن

و بمحمد رحمت خدا براو و آل او پیمبری را و بعلی صاحب اختیاری را و بقرآن

كتابا و بالكعبة قبلة و بابرهيم عليه السلام لنبينا ابا

کتاب را و بکعبه قبله را و با برهیم علیه السلام برای پیمبرما پدری را

و بمحمد صلى الله عليه و آله نبيا و بامير المؤمنين صلوات

و بمحمد رحمت خدا براو و آل او پیمبری را و بپادشاه مؤمنان رحمت

الله عليه للحق موضحا و للجنة و النار قاسما و بالاوصياء

خدا براو برای حق ظاهرسازنده و برای بهشت و جهنم سهم کننده و باوصیاء

من ذريته ائمة و بالمؤمنين من شيعته اخوانا لا اشرك

از ذریه او پیشوایان ائمه و بگروندگان از شیعه او برادرها شریک نمیکنم

بالله شيئا و لا اتخذ من دونه وليا و لا ادعي معه الها

بخدا چیزی را و نمی گیرم از غیر خدا دوستی را و نمیخوانم با آن خدائی را

لا اله الا الله وحده لا شريك له الها واحدا احدا فردا

نیست خدائی مگر خدائی یگانه است نیست شریکی اورا خدای یگانه یکتا فرد

صمدا لم يتخذ صاحبة و لا ولدا اللهم اني اسئلك

بی نیاز نگرفته یاری و نه فرزندی خدایا من میخوانم ترا

بالعظيم من آلائك و القديم من نعمائك و المخزون

بزرگتر از نعمتهای تو و دیرینه از نعمتهای تو و پنهان داشته

من

من اسمائك و ما وارت الحجب من بهائك و معاقد

از اسماء تو واضح پوشانیده درپرده ها از نیکیهای تو و جاهای

العز من عرشك و منتهى الرحمة من كتابك و بك

عزت از عرش تو و منتهای رحمت از کتاب تو و بحق تو

وحدك لا شريك لك ان تصلي على محمد و آل محمد

یگانه تو نیست شریکی ترا اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد

و ان ترحم هذه النفس الجزوعة و هذا البدن الهلوع

و اینکه رحم کنی براین نفس جزعناله واین تن ناشکیبا را

الذي لا يطيق حر شمسك فكيف حر نارك ان تعاقبني

تاب نیاورد گرمی آفتاب ترا پس چگونه برسد گرمی آتش ترا اگر عقاب کنی مرا

لا يزيد في ملكك شيئ و ان تعف عني لا ينقص من

زیاد نمیشود در پادشاهی تو چیزی و اگر درگذری از من کم نشود از

ملكك شيئ و انت يا رب بخلقك ارحم و بعبادك

پادشاهی تو چیزی و تو ای پروردگار بخلقت مهربانتر و ببندگان خود

اعلم و بسلطانك اراف و بملكك اقدم و بعفوك

داناتر و بقدرت تو مهربانتر و به پادشاهی خود مقدم تر و ببخشش خود

اكرم و على عبادك انعم لا يزيد في ملكك طاعة

بزرگوارتر و بر بندگان خود مهربان تر زیاد نمیکند در پادشاهی تو فرمان برداری

المطيعين و لا ينقص منه معصية العاصين و اعف

فرمان برداران و کم نمیکند از آن پادشاهی گناه کاران و بگذر در من

عني يا اكرم الاكرمين و يا ارحم الراحمين الوذ

از من ای بزرگوارتر بزرگواران وای بخشنده تر بخشندگان پناه میبرم

بعزتك و استظل بفنائك و استجير بقدرتك و استغيث

بعزت تو وطلب سایه رحمت میکنم بدرتو و پناه میجویم بقدرت تو و فریاد میکنم

برحمتك و اعتصم بحبلك و لا اثق الا بك و لا الجا

برحمت تو و چنگ میزنم بریسمان تو و محکم اعتقاد مگر بتو و نمی جویم پناه

الا

إلا إليك يا عظيم الرجاء يا كاشف البلاء ويا أحق

مگر بتو ای بزرگ امید داران ای برطرف کننده بلا و ای سزاوارتر

من تجاوز وعفى اللهم إن ظلمي مستجير بعفوك و

کسیکه درگذشت و عفو نمود خدایا بدرستیکه ستم کردن من پناه جوینده است بعفو تو و

خوفي مستجير بأمانك وفقري مستجير بغناك ووجهي

ترس من پناه جوینده بامان تو و فقر من پناه جوینده به بی‌نیازی تو و روی

البالي الفاني مستجير بوجهك الدائم الباقي الذي لا

کهنه فانی شونده من پناه جوینده است بذات همیشگی تو که باقیست و نمی‌شود

يفنى ولا يزول يا من لا يشغله شأن عن شأن لا تجعل

فانی و برطرف نمی‌شود ای آنکه باز نمیدارد او را کاری از کار دیگر و مگردان

مصيبتنا في ديننا ولا تجعل الدنيا أكبر همنا ولا تسلط

اندوه ما را در دین ما و مگردان دنیا را بزرگتر اندوه ما و مسلط مکن

علينا من لا يرحمنا وعد بحلمك على جهلنا وبإحسانك

بما کسی را که بر ما رحم نکند و مهربانی کن بردباری خود بر نادانی ما و باحسان تو

على إساءتنا وبقوتك على ضعفنا وبغناك على فقرنا

بر بدی کردن ما و بقوت خود بر ناتوانی ما و به بی‌نیازی تو بر فقر ما

وأعذنا من الأذى والقذى والضر وسوء القضاء

و پناه ده ما را از آزار ما و فساد ما و گزندها و بدی حکم

وشماتة الأعداء وسوء المنظر في المال والدين و

و سرزنش دشمنان و بدی نگریستن در مال و دین و

الأهل والولد وعند معاينة الموت اللهم يا رب

اهل و ولد و نزد مشاهده مرگ خدایا ای پروردگار

نشكو غيبة نبينا عنا وقلة ناصرنا وكثرة عدونا

شکوه میکنیم از پنهانی پیغمبر ما از ما و کمی یاوران ما و زیادی دشمنان ما

وشدة الزمان علينا ووقوع الفتن وتظاهر الخلق

و سختی روزگار بر ما و واقع شدن آشوبها و یاری نمودن خلق

علينا

علينا اللهم صل على محمد وآل محمد وافرج

بر ما خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بگشا

ذلك بفرج منك تعجله ونصر تعزه وحق تظهره

آنرا بگشایش از تو که بشتابی آنرا و یاری غالب کنی آنرا و حقی که ظاهر سازی آنرا

اللهم وابعث بقائم آل محمد صلى الله عليه و

بار خدایا و برانگیز قائم آل محمد صلى الله عليه و

آله للنصر لدينك وإظهار حجتك والقيام بأمرك

آله برای یاری نمودن مر دین ترا و ظاهر ساختن برهان ترا و بپا داشتن امر ترا

وتطهير أرضك من أرجاسها برحمتك يا أرحم

و پاک نمودن زمین تو از نجاست کارها برحمت تو ای رحم کننده ترین

الراحمين اللهم إني أعوذ بك أن أوالي لك

رحم کنندگان خدایا من پناه میبرم بتو از آنکه دوستی کنم

عدوا أو أعادي لك وليا أو أسخط لك رضا أو

دشمن ترا و دشمنی کنم دوست ترا یا خشم گیرم برای امری که خوشنودی تو در آن است یا

أرضى لك سخطا أو أقول لحق هذا باطل أو أقول

خوشنود شوم برای امری که خشم تو در آن است یا بگویم حق را که باطل است یا بگویم

لباطل هذا حق أو أقول للذين كفروا هؤلاء

باطل را که حق است یا بگویم آنانرا که کافر شدند که ایشان

أهدى من الذين آمنوا سبيلا اللهم صل على

راست‌ترند از آنانکه ایمان آوردند براه خدایا رحمت فرست بر

محمد وآله وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة

محمد و آل او و بده ما را در دنیا نیکی و در آخرت

حسنة وقنا برحمتك عذاب النار وسابقا مذكور شد

نیکی ونگاه دار ما را برحمت خود از عذاب آتش که عمل استفتاح را

نیز در این روز بعمل آوردن مستحب است

فصل سیم

شَهِدَ اللّٰهُ اَنَّهُ لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ وَالْمَلائِكَةُ وَاُولُوا الْعِلْمِ قائِماً بِالْقِسْطِ لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ الْعَزيزُ الْحَكيمُ اِنَّ الدّينَ عِنْدَ اللّٰهِ الْاِسْلامُ وَاَنَا الْعَبْدُ الضَّعيفُ الْمُذْنِبُ الْعاصي الْمُحْتاجُ الْفَقيرُ الْحَقيرُ اَشْهَدُ لِمُنْعِمي وَخالِقي وَرازِقي وَمُكْرِمي كَما شَهِدَ لِذاتِهِ وَشَهِدَتْ لَهُ الْمَلائِكَةُ وَاُولُوا الْعِلْمِ مِنْ عِبادِهِ بِاَنَّهُ لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ ذُو النِّعَمِ وَالْاِحْسانِ وَالْكَرَمِ وَالْاِمْتِنانِ قادِرٌ اَزَلِيٌّ عالِمٌ اَبَدِيٌّ حَيٌّ اَحَدِيٌّ مَوْجُودٌ سَرْمَدِيٌّ سَميعٌ بَصيرٌ مُريدٌ كارِهٌ مُدْرِكٌ ...

دعای عدیله ... بسم الله الرحمن الرحیم

فصل سیم

در بیان اعمال ضروریه شب عید قربان و روزش و ایام تشریق یعنی یازدهم و دوازدهم و سیزدهم **و بدانکه** شب عید اضحی از جمله چهار شب است که احیاء آنها سنت مؤکد است و منقولست که در این شب درهای آسمان بسته نمیشود برای آنکه صدای دعاهای حاجیان بالا رود و صدای ایشان در آسمانها پیچیده است مانند صدای مگس عسل در میان کند و حقتعالی حاجیان را ندا میکند که منم پروردگار شما و شما بندگان من و حق مرا ادا کردید و بر من لازمست که دعای شما را مستجاب گردانم پس هر که مستحق آمرزش است همه گناهانش را میآمرزد و هر که سزاوار آن نیست گناهش را کم کند پس هر که با ایشان در عبادت و دعا شریک شود در ثواب با ایشان شریک خواهند بود و غسل و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در این شب سنت است و منقولست که هر که آنحضرت را در این شب زیارت کند گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده شود **و اما اعمال روز عید** غسل در آن سنت مؤکد است و بعضی واجب دانسته اند و بهتر آنستکه پیش از نماز غسل کند و نماز عید بنابر مشهور در زمان غیبت امام ع سنت مؤکد است و بگمان فقیر واجب است بشرایط مقرره و نمازش بهمان کیفیت است که در عید فطر مذکور شد و دعا پیش از رفتن بنماز عید اینجا مذکور شد و دعاء بسیار پیش از نماز و بعد از نماز وارد شده است و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد و بهترین دعاها دعای چهل و هشتم صحیفه کامله است که اولش اینست اَللّٰهُمَّ هٰذا يَوْمٌ مُبارَكٌ و اگر دعای چهل و ششم را که اولش یا مَنْ يَرْحَمُ مَنْ لا يَرْحَمُهُ الْعِبادُ است نیز بخواند بهتر است زیرا که در بعضی از نسخ قدیمه صحیفه استحباب خواندن این دعا نیز وارد شده است و دعای ندبه بهترین دعاها است در این روز و سایر اعیاد متبرکه چنانچه انشاء الله بعد از این در ضمن زیارات مذکور خواهد شد و در این عید سنت است که افطار بعد از نماز از گوشت قربانی بشود و از جمله احکام این عید قربانیست و آن سنت مؤکد است و بعضی از علماء واجب دانسته اند اگر قدرت بر آن داشته باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که اضحیه واجبست بر هر مرد مسلمانی و فرمود که از برای خود البته بکن و از برای عیال خود اگر خواهی بکن و اگر خواهی مکن و از ام سلمه زوجه حضرت

رسول خدا صلی الله علیه و آله منقولستکه با نحضرت عرض کرد که عید اضحی حاضر میشود و من قیمت اضحیه ندارم آیا قرض بکنم و اضحیه کنم حضرت فرمود که قرض کن ان قرض ادا میکند و بهتر آنستکه در روز عید بکشد و در روز یازدهم و دوازدهم نیز میتوان کشت و اگر در منی باشد روز سیزدهم نیز میتوان کشت و بهتر آنستکه در دهه ذی الحجه خریده باشد و مکروه است قربانی کردن حیوانیکه در خانه تربیت کرده باشد و میباید یا شتر یا گاو یا گوسفند یا بز بوده باشد و حیوانات دیگر را قربانی نمیتوان کرد و اگر شتر باشد میباید پنجسال تمام داشته باشد یا زیاده و اگر گاو یا بز باشد میباید یکسالش تمام باشد و داخل در سال دوم شده باشد و اگر دو سال تمام داشته باشد بهتر است و اگر گوسفند باشد شش ماهه کافیست و اگر هفت ماهش تمام باشد بهتر است و میباید نقصی در اعضایش نبوده باشد و کور یکچشم یا هر دو چشم نبوده باشد و بسیار لنگ نباشد که راه رفتن بر آن دشوار باشد و گوشش بریده نباشد و اگر شق شده باشد و جدا نشده باشد باکی نیست و اگر شق نیز نباشد بهتر است و باید که مغز شاخش نشکسته باشد و اگر پوست شاخش نیز نشکسته باشد بهتر است و بهتر آنستکه بسیار و بسیار پرینا و سنت است که فربه باشد و باید که لاغر بسیار نباشد که پیه برگرده اش نباشد و باید که خصی نباشد یعنی خصیه اش را بریده باشند و مکروه است اگر خصیه اش را مالیده باشند و اگر بغیر خصی هم نرسد خصی را قربانی میتوان کرد و سنت است که اگر قربانی شتر یا گاو باشد ماده باشد و اگر گوسفند یا بز باشد نر باشد و سنت است که خود بکشد و اگر نتواند دست بر روی دست قصاب بگذارد و مدد بکند و طریق کشتن آنستکه اگر شتر باشد نحر کند یعنی حربه را مانند کارد یا نیزه در گودال پائین گردنش فرو برد و اگر بعوض آن ذبح کند حرام میشود و واجبست که رو بقبله بدارد آنرا و نام خدا ببرد و سنت است که آنرا ایستاده بدارد رو بقبله و هر دو دستش را از سر پا تا زانو بر یکدیگر ببندد یا ثنی بر یکدیگر بپیچد و اگر نحر میکند در جانب راست شتر بایستد و حربه را در نحرش فرو برد و اگر گاو یا گوسفند یا بز باشد باید که چهار رگ را از گردنش ببرد یعنی حلقوم و دو رگ بزرگ که در دو جانب حلقوم است و رگی که در پشت حلقوم است که آب و علف از آن راه

وَالْعُلُوِّ وَكانَ عَلَيْها ... اَلْعالِمُ بِالْعِلْمِ وَالْقُدْرَةِ ... مُتَّصِفٌ بِالصِّفاتِ ... مُنَزَّهٌ عَنْ صِفاتِ الْاَوَّلِ وَالْآخِرِ ... فِي الْاِيجادِ ... وَلا اَعْوانٍ ... مُتَعالٍ عَنِ الْعَيْبِ ... وَلا ضِدَّ ... وَلا نِدَّ ... وَاَعْظَمُ ... سُبْحانَهُ ما اَجَلَّ ...

جوف ان میرود و اگر اینها را نحر کند جزاء میشود و سنّت است که دعا بخواند در وقت کشتن چنانکه بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون قربانیرا بخری روی انرا بقبله کن و در وقت نحر یا ذبح بگو وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذِی فَطَرَ السَّمٰوٰاتِ
روی کردم روی خود را برای خدائیکه افرید اسمانها

وَالْاَرْضَ حَنِیفاً مُسْلِماً وَمَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِکِینَ اِنَّ صَلوٰتِی وَ
و زمین را فرمانبردار مسلمان و نیستم من از مشرکان بدرستیکه نماز من و

نُسُکِی وَمَحْیَایَ وَمَمَاتِی لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ لَاشَرِیکَ لَهُ وَ
عبادت مخصوص من و زندگانی من و مردن من برای پروردگار جهانیانست که نیست شریکی مراورا و

بِذٰلِکَ اُمِرْتُ وَاَنَا مِنَ الْمُسْلِمِینَ اَللّٰهُمَّ مِنْکَ وَلَکَ بِسْمِ اللّٰهِ
باینها مامور شدم و منم از زمره مسلمانان خدایا از تست و برای تست بنام خدا

وَاللّٰهُ اَکْبَرُ پس نحر یا ذبح اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّی و فرمود که تا نمیرد سررا
و خدا بزرگتر است بکند و بگوید خدایا بپذیر از من جدا مکن و چون پوست
بکند سنّتست که یکحصه را خود و اهل خانه اش بخورند و بهتر انستکه خود به
ان افطار کند و یکحصه را برای همسایگان و اهل خانه اینها هدیه بدهد
بهتر انستکه یکحصه را بفقراء و سؤال کنندگان بدهد و اگر اکثررا تصدّق
کند شاید بهتر باشد و سنّتستکه پوست و کلّه و جمیع اجزای حلال انرا تصدّق
کند و تصرّف نکند و بقصّاب ندهد مگر انکه قصّاب بی چیز باشد و بتصدّق
باو بدهد و در حدیث صحیح وارد شده استکه پوستش را میتوان دباغت کند
و بر روی ان نماز کند و بنشیند و اگر گوسفند یافت نشود سنّتستکه قیمت وسطش
را تصدّق کند و اگر یکحیوان برای خود و عیال خود بکشد کافیست و اگر یکی از
برای خود و یکی از برای عیال بکشد بهتر است و اگر بعدد عیال بکشد
ثوابش بیشتر خواهد بود و از برای پدر و مادر و اولاد و خویشان که مرده
باشند قربانی کردن خوبست و اگر از برای حضرت رسول و ائمّه صلوات
الله علیهم قربانی کند ظاهرا خوبست و منقولستکه حضرت رسول صلی الله علیه
و آله دو گوسفند قربانی کردند و در اول فرمودند که خدایا این از من و از
هر که قربانی نکرده است از اهل بیت من و در دوّم فرمودند که خداوندا این

از من و هر که قربانی نکرده است از امّت من و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام هر سال
یک گوسفند قربانی میکرد و میفرمود که خداوندا این از پیغمبر تست پس گوسفند
دیگر از برای خود قربانی میفرمود و اگر جمعی فقیر باشند هر یک قربانی جداگانه بکشند
جایز استکه با یکدیگر شریک شوند تا هفت نفر بلکه تا هفتاد نفر و حقتعالی فرموده است که
خدارا یاد کنید در ایام معدودات یعنی روزی چند شمرده شده و در احادیث
معتبره منقولستکه مراد تکبیر گفتن است در ایام تشریق پس هر که در منی باشد عقیب
پانزده نماز بگوید که اوّلش ظهر روز عید است و اخرش صبح روز سیزدهم و در سایر
شهرها عقیب ده نماز که از ظهر روز عید است تا صبح روز دوازدهم و مشهور استحبابست
و بعضی واجب دانسته اند و اقلش بعد از هر نماز یکمرتبه است و اگر مکرر بگوید بهتر است
و بعد از نماز نافله نیز اگر بگوید خوبست اَللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُ اَکْبَرُ لَا اِلٰهَ اِلَّا
است و طریق تکبیر موافق حدیث صحیح اینست خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است نیست خدائی مگر

اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُ اَکْبَرُ وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ اَللّٰهُ اَکْبَرُ عَلٰی مَا هَدَانَا
خدا و خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است و مر خدا راست ستایش خدا بزرگتر است بر انچه راه نموده مارا

اَللّٰهُ اَکْبَرُ عَلٰی مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِیمَةِ الْاَنْعَامِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰی مَا اَبْلَانَا
خدا بزرگتر است بر انچه روزی داد مارا از چهار پایان زبان بسته و حمد مر خدا را بر چیزیکه امتحان کرد مارا

فصل چهارم

در فضایل و اعمال شب و روز عید غدیر است عید غدیر بهترین و عظیم ترین
اعیاد است و احادیث از طرق عامه و خاصه در فضیلت اینروز و اعمال ان زیاده از
حد و احصاست و در اینمقام بچند حدیث اکتفا مینمایم بسند معتبر از حضرت امام رضا
علیه السلام منقولستکه چون روز قیامت شود چهار روز را بزد عرش الهی ببرند با زینت
تمام مانند عروسی که او را بخانه داماد برند روز عید اضحی و روز عید فطر و روز
عید غدیر و روز جمعه و روز غدیر در میان اینها مانند ماه باشد در میان
ستاره ها و اینروزیستکه حقتعالی ابراهیم خلیل ع را از اتش نجات داد و اینروز را
روزه داشت برای شکر حقتعالی و اینروزیستکه حقتعالی در اینروز کامل گردانید دین
را بانکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را نصب
کرد بخلافت و فضیلت او را و وصی بودن او را ظاهر گردانید بر مردم در ینروز

داشت

داشت این روز را و این روز کامل شدن دین است و روزیست که بینی شیطان بر خاک
مالیده شده است و روزیست که اعمال شیعیان و دوستان آل محمد ص در این روز مقبول میشود
و این روزیست که حقتعالی عملهای مخالفان و سنیان را باطل میگرداند مانند ذره هائی که در
میان هوا پراکنده میشوند و این روزیست که خداوند عز و جل امر میکند جبرئیل را که
نصب کند کرسی کرامت خدا را در برابر بیت المعمور و جبرئیل بر آن کرسی بالا میرود و
ملائکه از جمیع آسمانها نزد او جمع میشود و ثنا میکنند بر محمد و آل محمد و استغفار
میکنند برای شیعیان امیر المؤمنین و ائمه طاهرین علیهم السلام و دوستان ایشان از فرزندان
آدم و این روزیست که امر میکند حقتعالی ملائکه نویسندگان اعمال را که قلم بر دارند از محبان
اهل بیت و شیعیان ایشان تا سه روز از روز غدیر بگذرد و ننویسند هیچ خطا و گناه
ایشان را برای کرامت محمد و علی و ائمه صلوات الله علیهم و این روزیست که خدا مخصوص
محمد و آل او و شیعیان ایشان گردانیده و این روزیست که خدا زیاد میگرداند مال کسی را که
عبادت خدا کند در این روز و توسعه دهد روز برابر عیال خود و بر برادران مؤمن
خود و او را آزاد میگرداند از آتش جهنم و این روزیست که خدا سعی شیعیان را شکر میکند
یعنی مزد میدهد و گناه ایشان را میآمرزد و عمل ایشان را قبول میکند و این روزیست که
خدا غمهای شیعیان را زایل میگرداند و گناهان ایشان را محو میکند و روز بخشش است و روز
عطیه است و روز پهن کردن علم است و روز بشارت است و روز عید بزرگ است و روزیست که
دعا در آن مستجاب میگردد و روز موقف بزرگ است و روز پوشیدن جامههای نیکو است و روز
بخشیدن گناهان شیعیان امیر المؤمنین ع است و روزیست که بسیار صلوات باید فرستاد
بر محمد و آل محمد و روز خشنودی است و روز عید اهل بیت محمد است و روز قبول اعمال است
و روز طلب زیادتی ثوابست و روز استراحت مؤمنان است و روز سوداگری ایشان است
و روز دوستی کردن شیعیان است با یکدیگر و روز رسیدن برحمت خدا است و روز ترک
کبایر و گناهان است و روز عبادت است و روز افطار فرمودن روزه داران است پس هر که
روزه دار برادر در این روز افطار فرماید چنانست که ده فئام را طعام کرده باشد و هر فئامی
صد هزار کس است و روز تهنیت و مبارکباد است پس هر مؤمن که دیگری را ملاقات کند
چنین تهنیت بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی جَعَلَنا مِنَ الْمُتَمَسِّکینَ بِوِلایَةِ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ
وَالْاَئِمَّةِ عَلَیْهِمُ السَّلامُ یعنی حمد و سپاس خداوندی را است که گردانید ما را

لاعملی استحق به الجنة ولا طاعتی استوجب بها الرضوان الا انی اعتقدت توحیدک وعدلک وارتجیت احسانک وفضلک وتشفعت الیک بالنبی وآله واوصیائه من احبتک وانت اکرم الاکرمین وارحم الراحمین وصلی الله علی سیدنا ونبینا محمد وآله اجمعین الطیبین الطاهرین وسلم تسلیما کثیرا ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم یا ارحم الراحمین انی اودعتک یقینی هذا وثبات دینی وانت خیر مستودع وقد امرتنا بحفظ الودائع فرده علی وقت حضور موتی وعند مسئلة منکر ونکیر بمحمد وآله الطیبین الطاهرین برحمتک یا ارحم الراحمین

دعای صبح

از آنهائیکه چنگ زده اند در ولایت و محبت پادشاه مؤمنان و ائمه علیهم السلام و این روز
تبسم است در روی مؤمنان پس هر که تبسم کند در روی برادر مؤمن خود در روز غدیر
حقتعالی نظر کند در روز قیامت بسوی او برحمت خود و بر آورد هزار حاجت او را و
بنا کند در بهشت از برای او قصری از مروارید سفید و روی او را نورانی گرداند
و این روز زینت است پس هر که زینت کند برای روز غدیر حقتعالی بیامرزد از برای او
هر گناهی که کرده است از صغیره یا کبیره و بفرستد حقتعالی بسوی او ملکی چند را که
بنویسند برای او حسنات و بلند گردانند برای او تا سال آینده مثل این روز درجات
پس اگر مرد شهید مرده باشد و ثواب شهیدان داشته باشد و اگر زنده باشد سعادتمند
زندگانی کند و هر که طعام دهد در این روز مؤمنی را چنان باشد که طعام
داده باشد جمیع پیغمبران و صدیقان را و هر که دیدن کند مؤمنی را داخل گرداند
خدا در قبر او هفتاد نور و قبرش را گشاده گرداند و زیارت کنند او را در قبر او هر روز هفتاد
هزار ملک و بشارت دهند او را ببهشت و در روز غدیر حقتعالی عرض کرد ولایت و
امامت و محبت ما اهل بیت را بر اهل آسمانهای هفتگانه پس پیشی گرفتند باقرار آن
اهل آسمان هفتم پس زینت داد آنرا بعرش پس بعد از آن سبقت گرفتند بان اهل آسمان
چهارم پس زینت داد آنرا به بیت المعمور پس سبقت گرفت باقرار بما اهل بیت اهل آسمان
اول پس آنرا زینت بخشید بستارگان پس حقتعالی عرض کرد ولایت ما را بر زمینها پس
پیشی گرفت باقرار بان مکه معظمه پس زینت داد آنرا بکعبه پس پیشی گرفت مدینه
طیبه پس زینت داد آنرا بمحمد مصطفی ص پس سبقت گرفت بسوی آن شهر کوفه پس
زینت داد آنرا بقبر حضرت امیر المؤمنین ع پس عرض کرد ولایت ما را بر کوهها پس اول
کوهی که اقرار کرد سه کوه بود کوه عقیق و کوه فیروزج و کوه یاقوت و باین سبب
این جواهر در اینها بهم رسید پس کوههای دیگر سبقت گرفتند و باین سبب معدن
طلا و نقره و سایر معدنها گردیدند و هر یک که اقرار نکردند معدن چیزی
نگردیدند و باز در روز غدیر عرض کرد ولایت ما را بر آبها هر آبی قبول کرد
شیرین شد و هر چه قبول نکرد شور و تلخ شد پس عرض کرد ولایت ما را بر مرغان
هر مرغ که قبول کرد سخن گو و خوش آواز گردید و هر یک که قبول نکرد لال و بد
آواز گردید و مثل مؤمنان در قبول کردن ولایت امیر المؤمنین ع در روز غدیر

دعای صبح

بسم الله الرحمن الرحیم اللهم یا من دلع لسان الصباح بنطق تبلجه وسرح قطع اللیل المظلم بغیاهب تلجلجه واتقن صنع الفلک الدوار فی مقادیر تبرجه وشعشع ضیاء الشمس بنور تأججه یا من دل علی ذاته بذاته وتنزه عن مجانسة مخلوقاته وجل عن ملائمة کیفیاته یا من قرب من خطرات الظنون وبعد عن لحظات العیون وعلم بما کان قبل ان یکون یا من ارقدنی فی مهاد امنه وامانه وایقظنی الی ما منحنی به من مننه واحسانه وکف اکف السوء عنی بیده وسلطانه صل اللهم علی الدلیل الیک فی اللیل الالیل والماسک من اسبابک بحبل الشرف الاطول والناصع الحسب فی ذروة

مانند مثل ملائکه است در قبول کردن سجده حضرت آدم ع و مثل آنها که قبول ولایت آنحضرت نکردند در روز غدیر مانند مثل شیطانست در قبول نکردن سجدهٔ آدم و در روز غدیر این آیه نازل شد اَلْیَوْمَ اَکْمَلْتُ لَکُمْ دینَکُمْ وَ اَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتی وَ رَضیتُ لَکُمُ الْاِسْلامَ دیناً یعنی امروز کامل گردانیدم برای شما دین شما را و تمام گردانیدم بر شما نعمت خود را و پسندیدم اسلام را برای دین شما پس حضرت فرمود که نفرستاده است خدا پیغمبری را مگر آنکه وصی و خلیفه خود را در این روز نصب کرده است و کلینی بسند معتبر روایت کرده است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آیا مسلمانان را عیدی هست غیر جمعه و اضحی و فطر فرمود بلی عیدی هست که از همه حرمتش بیشتر است راوی گفت کدام عید است فرمود که آن روزیست که نصب کرد رسول خدا امیر المؤمنین را بخلافت خود و فرمود که هر که من مولا و آقای اویم علی مولا و آقا و پیشوای او است و آن روز هجدهم ذی الحجه است راوی گفت چه کار در آن روز باید کرد فرمود که باید روزه بدارید و عبادت کنید و محمد و آل محمد را یاد کنید و بر ایشان صلوات بفرستید و وصیت کرد رسول خدا امیر المؤمنین را که این روز را عید گرداند و بروایت دیگر فرمود که روزه روز غدیر کفارهٔ شصت ساله گناهانست و بروایت دیگر منقولست که مفضل بن عمر از حضرت صادق علیه السلام پرسید که امر میکنی مرا که روز عید غدیر را روزه بدارم فرمود آری والله آری والله بدرستیکه خدا در این روز توبه حضرت آدم را قبول کرد و بشکر این روز را روزه داشت و در این روز خداوند حضرت ابراهیم را از آتش نجات داد و بشکر این روز را روزه داشت و در این روز حضرت موسی هرون را وصی خود گردانید و بشکر این روز را روزه داشت و در این روز حضرت عیسی وصیت و وصی خود شمعون الصفا را ظاهر گردانید و این روز را بشکر حقتعالی روزه داشت و در این روز حضرت رسول حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را خلیفه و جانشین خود گردانید و فضیلت و وصایت او را بر خلق ظاهر گردانید و این روز را بشکر این نعمتها روزه داشت و این روز روزه داشتن است و روز عبادتست و روز طعام دادنست و روز نیکی کردنست با برادران مؤمن و روزیست که خدا از مؤمنان خشنود میگردد و بینی شیطان بر خاک مالیده میشود و بسند معتبر از ابن ابی نصر منقولست که گفت روزی در خدمت امام رضا علیه السلام بودم و جماعت بسیار حاضر بودند پس فضیلت روز غدیر مذکور شد

و بعضی از حاضران انکار کردند حضرت فرمود که پدرم از پدرانش روایت کرد که روز غدیر در آسمانها مشهورتر است از زمین و بدرستیکه خدا را در فردوس اعلی قصری هست که یک خشت آن از طلا است و یک خشت آن از نقره و در آن قصر صد هزار قبه است از یاقوت سرخ و صد هزار خیمه است از یاقوت سبز و خاکش مشک و عنبر است و در آن چهار نهر جاریست نهری از شراب و نهری از آب و نهری از شیر و نهری از عسل و در دور آن درختان هست از انواع میوهها و بر آن درختان مرغان خوش الحان هستند بدنهای آنها از مروارید است و بالهای آنها از یاقوت و بانواع نغمها خوانندگی میکنند چون روز عید غدیر میشود در آن قصر حاضر میشوند جمیع اهل آسمانها و تسبیح و تقدیس و تهلیل حقتعالی میکنند و مرغان در میان آن آب فرو میروند و بر آن مشک و عنبر میغلطند و چون ملائکه جمع میشوند پرواز میکنند مرغان و مشک و عنبر بر سر ایشان میافشانند و در این روز نثار حضرت فاطمه صلوات الله علیها را که در شب زفاف آنحضرت سدرة المنتهی و درخت طوبی نثار کردند برای یکدیگر بهدیه میفرستند و چون آخر این روز میشود ندا از جانب رب اعلی بایشان میرسد که برگردید بسوی درجها و مرتبههای خود بتحقیق که ایمن گردیدید از گناه و خطا و لغزش تا مثل این روز از سال آینده برای کرامت محمد و علی صلوات الله علیهما پس حضرت فرمود ای پسر ابی نصر هر جا که باشی سعی کن که در روز غدیر نزد قبر حضرت امیر المؤمنین ع حاضر شوی بدرستیکه خدا در این روز میآمرزد از هر مرد مؤمن و زن مؤمنه گناه شصت ساله ایشان را و در این روز آزاد میکند از آتش جهنم دو برابر آنچه آزاد کرده است در ماه رمضان و شب قدر و شب فطر و یک درهم که در این روز به برادران مؤمن بدهی برابر است با هزار درهم که در اوقات دیگر بدهی و احسان کرد در این روز ببرادران مؤمن خود و شاد کردن هر مرد مؤمن و زن مؤمنه را بخدا سوگند که اگر مردم فضیلت این روز را بدانند چنانچه باید هر آینه هر روز ده مرتبه ملائکه با ایشان مصافحه کنند و زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در این روز فضیلت بسیار دارد از نزدیک و دور و موافق روایت صفوان و غیر آن اگر از دور زیارت کنند دو رکعت نماز زیارت بجا آورند و در رکعت اول سورهٔ انا انزلناه و در رکعت دوم سورهٔ قل هو الله بخوانند پس این دعا را بخوانند اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی وَلِیِّکَ وَ اَخی نَبِیِّکَ خدایا رحمت فرست بر دوست خود و برادر پیغمبر خود

وَ وزيره ونجيبه وخليله وموضع سره وخيرته من اسرته

و وزیر او و دوست او و دوستدار او و جایگاه راز او و اختیار شده او از طایفه او

ووصيه وصفوته وخالصته وامينه ووليه واشرف عترته

و وصی او و برگزیده او و دوست یکرنگ او و امانت دار او و دوست او و شریفترین خویشان او

الذين آمنوا به وابي ذريته وباب حكمته والناطق بحجته والداعي

آنانکه ایمان آوردند باو و پدر ذریه او و درگاه دانش او و گویا بحجت او و خواننده

الى شريعته والماضي على سنته وخليفته على امته سيد

بسوی شریعت او و گذرنده بر راه او و جانشین او بر امت او و آقای

المسلمين وامير المؤمنين وقائد الغر المحجلين افضل ما صليت

مسلمانان و پادشاه مؤمنان و کشاننده پیشانی و دست و پا سفیدان بجهت وضو بهتر آنچه رحمت کرده

على احد من خلقك واصفيائك واوصياء انبيائك اللهم

بر یکی از آفریدگانت و برگزیدگانت و جانشینهای پیغمبرانت خدایا

اني اشهد انه قد بلغ عن نبيك صلى الله عليه وآله ما حمل

بدرستیکه من گواهی میدهم که او بتحقیق رسانید از پیغمبر تو رحمت فرستد خدا براو و آل او آنچه بار کرده شد

ورعى ما استحفظ وحفظ ما استودع وحلل حلالك وحرم حرامك

و رعایت کرد آنچه را نگاه داشته شده و نگاه داشت آنچه را بودیعت سپرده شد و حلال کرد حلال تورا و حرام کرد حرام تورا

واقام احكامك ودعى الى سبيلك ووالى اوليائك وعادى

و بپا داشت حکمهای تورا و خواند بسوی راه تو و دوستی کرد با دوستان تو و دشمنی کرد

اعدائك وجاهد الناكثين عن سبيلك والقاسطين والمارقين

با دشمنان تو و جنگ کرد با آنانکه برگشتند از راه تو و آنانکه تعدی نمودند و آنانکه بیرون رفتند

عن امرك صابرا محتسبا مقبلا غير مدبر لا تأخذه في الله لومة

از امر تو و بود صبر کننده خالص گرداننده رو کننده فرار نکننده نگرفته اورا در راه خدا سرزنش

لائم حتى بلغ في ذلك الرضا وسلم اليك القضاء وعبدك

سرزنش کننده تا رسید در اینجهاد بخشنودی و گذارد بسوی تو حکم را و پرستش کرد تورا

مخلصا ونصح لك مجتهدا حتى اتاه اليقين فقبضته اليك شهيدا

از روی خلوص و پند داد برای تو از روی کوشش تا آمد اورا مرگ پس فراگرفتی اورا بسوی خود شهید

ام كيف ترد ظمآنا ورد الى حياضك شاربا كلا وحياضك مترعة في ضنك المحول وبابك مفتوح للطلب والوغول وانت غاية المسؤول ونهاية المأمول الهي هذه ازمة نفسي عقلتها بعقال مشيتك وهذه اعباء ذنوبي درأتها بعفوك ورحمتك وهذه اهوائي المضلة وكلتها الى جناب لطفك ورأفتك فاجعل اللهم صباحي هذا نازلا علي بضياء الهدى وبالسلامة في الدين والدنيا ومسائي جنة من كيد العدى ووقاية من مرديات الهوى انك قادر على ما تشاء تؤتي الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء بيدك الخير انك على كل شيء قدير تولج الليل في النهار وتولج النهار في الليل وتخرج الحي من الميت

سعيدا وليا تقيا رضيا زكيا هاديا مهديا اللهم صل

نیکبخت دوست پرهیزکار پسندیده پاک رهنما راه یافته خدایا رحمت فرست

على محمد وعليه افضل ما صليت على احد من انبيائك و

بر محمد و بر او برادرش بهتر از آنچه رحمت فرستادی بر یکی از پیغمبرانت و

اصفيائك يا رب العالمين واگر اشاره بانگشت نماید بجانب قبر شریف آنحضرت و اینزیارت را بخواند بهتر است

برگزیدگانت ای پروردگار جهانیان

السلام عليك يا امير المؤمنين ورحمة الله وبركاته السلام

درود بر تو ای پادشاه مؤمنان و رحمت خدا و برکات او درود

عليك يا امين الله في ارضه وحجته على عباده اشهد لقد

بر تو ای امانت خدا در زمین او و برهان او بر بندگان او گواهی میدهم که بتحقیق

جاهدت يا امير المؤمنين في الله حق جهاده وعملت بكتابه

جنگ کردی ای پادشاه مؤمنان در راه خدا کارزار لایق اورا و عمل نمودی بکتاب خدا

واتبعت سنن نبيه صلى الله عليه وآله حتى دعاك الله

و پیروی کردی راههای پیغمبر اورا رحمت فرستد خدا براو و آل او تا اینکه خواند تورا خدا

الى جواره فقبضك اليه باختياره لك كريم ثوابه والزم اعدائك

بسوی پناه خود پس فراگرفت تورا بسوی خود باختیار خود مر تورا است گرامی داشتن ثواب او و لازم کرد دشمنان

الحجة في قتلهم اياك مع ما لك من الحجج البالغة على جميع خلقه

برهان در کشتن ایشان تورا با آنچه برای تست از برهانهای رسا بر همه خلق او

اللهم صل على محمد وآله واجعل نفسي مطمئنة بقدرك راضية

خدایا رحمت فرست بر محمد و آل او و بگردان نفس مرا آرام گرفته بر تقدیر تو خشنود

بقضائك مولعة بذكرك ودعائك محبة لصفوة اوليائك محبوبة

بحکم تو حریص بیاد تو و خواندن تو دوستدار مر برگزیده دوستان تو دوست داشته

في ارضك وسمائك صابرة عند نزول بلائك شاكرة لفواضل

شده در زمین تو و آسمان تو صبر کننده نزد فرود آمدن بلای تو شکر کننده برای زیادتیهای

نعمائك ذاكرة لسوابغ آلائك مشتاقة الى فرحة لقائك متزودة

نعمت تو یاد کننده مر نعمتهای کامل تورا آرزومند بسوی شادی برای ملاقات تو توشه گیرنده

وتخرج الميت من الحي وترزق من تشاء بغير حساب لا اله الا انت سبحانك اللهم وبحمدك من ذا يعرف قدرك فلا يخافك ومن ذا يعلم ما انت فلا يهابك الفت بقدرتك الفرق وفلقت بلطفك الفلق وانرت بكرمك دياجي الغسق وانهرت المياه من الصم الصياخيد عذبا واجاجا وانزلت من المعصرات ماء ثجاجا وجعلت الشمس والقمر للبرية سراجا وهاجا من غير ان تمارس فيما ابتدأت به لغوبا ولا علاجا فيا من توحد بالعز والبقاء وقهر عباده بالموت والفناء صل على محمد وآله الاتقياء واسمع ندائي واستجب دعائي واهلك اعدائي وحقق بفضلك املي ورجائي يا خير من دعي

التقوی لیوم جزآئک مستنة بسنن اولیآئک مفارقة لاخلاق

پرهیزکاری برای روز جزاء تو فراگیرنده طریقه دوستان تو جدا کننده مر خادتهای

اعدآئک مشغولة عن الدنیا بحمدک وثنآئک اللهم ان قلوب

دشمنان تورا باز داشته شده از دنیا بحمد تو وثنای تو خدایا بدرستیکه دلها

المخبتین الیک والهة وسبل الراغبین الیک شارعة واعلام

فروتنی کنندگان بسوی تو مشتاقند وراههای میل کنندگان بسوی تو گشاده ونشانهای

القاصدین الیک واضحة وافئدة العارفین منک فازعة و

اهنگ کنندگان بسوی تو واضح است ودلهای عارفان از تو ترسان است و

اصوات الداعین الیک صاعدة وابواب الاجابة لهم مفتحة

اوازهای خوانندگان بسوی تو بالا رونده ودرهای اجابت دعا برایشان گشاده

ودعوة من ناجاک مستجابة وتوبة من اناب الیک مقبولة

ودعای انکه راز گفته تورا اجابت شده وتوبه انکه بازگشت کرده بسوی تو پذیرفته شده

وعبرة من بکی من خوفک مرحومة والاغاثة لمن استغاث بک

واشک انکه گریست از ترس تو رحمت کرده شده وفریادرسی برای انکه استغاثه کرد بتو

موجودة والاعانة لمن استعان بک مبذولة وعداتک لعبادک

ثابت است ویاری کردن برای انکه یاری جسته بتو بخشنده است ووعدههای تو با بندگان

منجزة وزلات من استقالک مقالة واعمال العاملین لدیک

وفا کرده ولغزشهای انکه طلب گذشتن کرده مر تورا وکارهای کارکنندگان نزد تو

محفوظة وارزاق الخلائق من لدنک نازلة وعوائد المزید

نگاه داشته شده وروزیهای مردم از نزد تو فرود اینده است ومنفعتهای زیاد شده

الیهم واصلة وذنوب المستغفرین مغفورة وحوائج خلقک

ایشان رسیده است وگناهان استغفار کنندگان امرزیده شده وحوائج افریدگان تو

عندک مقضیة وجوائز السائلین عندک موفرة وعوائد

نزد تو براورده شده وجایزههای سؤال کنندگان نزد تو زیاد شده ومنافع

المزید متواترة وموائد المستطعمین معدة ومناهل الظماء

زیادتی پی در پی رسیده وخوانهای طعام خواهان اماده است وابشخورهای تشنگی

لدیک مترعة اللهم فاستجب دعائی واقبل ثنائی واجمع بینی

نزد تو لبریز است خدایا اجابت کن دعای مرا وبپذیر ثنای مرا وفراهم اور میان من

وبین اولیائی واحبائی بحق محمد وعلی وفاطمة والحسن والحسین

ومیان دوستان خود ودوستان من بحق محمد وعلی وفاطمه وحسن وحسین

والائمة من ذریة الحسین ائمتی انک ولی نعمائی ومنتهی منای

وپیشوایان از ذریه حسین پیشوایان من بدرستیکه تو خداوند نعمتهای منی وجز روزی من

وغایة رجائی فی منقلبی ومثوای واگر بعد از نماز اول این زیارت را بعمل

واخر امید من در بازگشتن وادام گاه من اورد واخر اندعا را بخواند شایسته

بهتر باشد وشب غدیر نیز شب بسیار مبارکیست ودر شب نیز مناسبست که این زیارت

را بعمل اورند ونمازی در شب وارد شده است چون سندش معتبر نبود ایراد ننمودیم

واما فضیلت روزه داشتن وتصدق کردن وافطار دادن روزه دار در این روز

در این ابواب احادیث بسیار است از انجمله اینها این روایتی است که حضرت صادق علیه السلم

فرمود که روزه روز غدیر برابر است با روزه عمر دنیا که اگر کسی بقدر تمام عمر دنیا

عمر داشته باشد وروزه بدارد روزه این روز برابر است با ثواب او وروزه اش برابر

است نزد خدا با صد حج وعمره واین عید بزرگ خداست وخدا نفرستاده است پیغمبری

را مگر انکه این روز را عید کرده است وحرمت انرا دانسته است ونامش در اسمان روز عهد

معهود است ونامش در زمین روز میثاق ماخوذ است وجمع مشهود است وهر که

در این روز مؤمنی را افطار فرماید ثواب کسی دارد که ده فئام را طعام دهد که هر

فئامی صد هزار کس است وثواب کسی دارد که طعام دهد واب دهد یا بعدد

که مذکور شد از پیغمبران واوصیاء ایشان وشهیدان وصالحان در سال قحط و

یک درهم که در این روز تصدق کنند برابر است با صد هزار درهم که در روزهای دیگر

تصدق کنند پس فرمود که شاید گمان کنی که خدا روزی خلق کرده باشد که حرمتش

از این روز بیشتر باشد نه والله نه والله نه والله وبروایت دیگر فرمود که روزه اش

برابر است با شصت ماه از ماههای حرام که روزه بدارند وفرمود که روز عید وسرور

وشادیست وبسند معتبر از فیاض بن محمد منقولست که گفت در روز غدیر در مرو

در خدمت حضرت امام رضا علیه السلم بودم وانحضرت در این روز خصوصان خویشان

دعای مشلول
بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم انی اسئلک
باسمک العظیم الاعظم

و اصحاب خود را جمع نموده بود و ایشان را آنگاه ذاشته بود که در شب افطار کنند و بخانهای ایشان طعام و زرها و خلعتهای فاخر فرستاد حتی انگشتر و کفش نیز فرستاد و با ایشان خلعتهای فاخر شفقت فرمود و ملازمان و خدمتکاران خود را جامهای نو بسیار نفیس پوشانیده بود و فضیلت این روز را برای مردم نقل میفرمود از جمله اینها گفت که در بعضی از سالهای خلافت حضرت امیر مؤمنان روز جمعه با عید غدیر در یکروز جمع شد پس بعد از پنج ساعت که از روز گذشت بر منبر بالا رفت و خطبه طولانی خواند و فضائل روز غدیر را بسیار بیان فرمود و نامهای بسیار برای این روز ذکر کرد پس فرمود که بعد از انقضای این مجمع برگردید بخانهای خود و توسعه کنید بر عیال خود و احسان و نیکی کنید نسبت برادران مؤمن خود و در خانهای خود برادران مؤمن را جمع کنید و نیکوئی کنید نسبت بایشان و یکدیگر را تهنیت و مبارکباد بگوئید و نیکی و احسان کردن در این روز مال و عمر را زیاد میکند و مهربانی با یکدیگر کردن موجب مزید رحمت الهی است و تا توانید بخشش و احسان کنید با عیال خود و برادران مؤمن خود و اظهار شادی و خوشحالی کنید و هر که امید احسان از شما دارد در حق او تقصیر مکنید و ضعیفان و فقیران و غلامان و کنیزان را با خود برابر کنید بدرستیکه دادن یکدرهم در این روز برابر است با دویست هزار درهم و حقتعالی زیاده نیز عطا میکند و روزه این روز را سنت گردانیده و ثوابش را مانند ثواب کسی گردانیده که از اول دنیا تا آخر دنیا عبادت کند بانکه روزها را روزه بدارد و شبها بعبادت بایستد و کسیکه برآورد حاجت برادر مؤمنی را پیش از آنکه او اظهار کند و از روی رغبت و خواهش با او نیکی کند چنان باشد که این روز را روزه داشته باشد و تمام شبش را عبادت کرده باشد و هر که در شبش مؤمنی را افطار فرماید چنان باشد که هزار هزار پیغمبر و صدیق و شهید را افطار فرموده باشد پس چگونه باشد ثواب کسیکه متکفل احوال چندین نفر از مردان مؤمن و زنان مؤمنه بشود و هرگاه چنین کند من ضامنم بر خدا که امان یابد از کافر شدن و فقیر شدن و اگر بمیرد در آنشب یا در آن روز یا بعد از آن تا عید غدیر آینده بدون آنکه کبیره بجا آورد یا بدی بکند البته آمرزیده است و هر که قرضی بکند در این روز برای برادران خود من ضامنم بر خدا که اگر او را زنده

بدارد

بدارد یا بمیراند قرض را از او متحمل شود و از دوش او بردارد و چون با یکدیگر ملاقات کنید مصافحه کنید و بزبانها یکدیگر را تهنیت بگوئید و آنچه گفتم حاضران بغایبان بگویند و توانگران رعایت کنند فقیران را و اقویا دستگیری کنند ضعیفان را حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرا بهمه اینها امر فرمود و بدانکه غسل در اول این روز سنت مؤکد است و اما کیفیت نماز روز عید غدیر نماز مشهور آنستکه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که هر که در این روز نیمساعت پیش از زوال شمس دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت سوره حمد یکمرتبه و قل هو الله احد و انا انزلناه و آیة الکرسی تا هم فیها خالدون هر یکرا ده مرتبه بخواند برابر باشد نزد حقتعالی با صد هزار حج و صد هزار عمره و هر حاجت از حاجتهای دنیا و آخرت که از خداوند کریم سؤال کند البته باسانی و عافیت برآورده شود و چون برادران مؤمن را ملاقات کنی بگو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا بِهٰذَا الْيَوْمِ وَجَعَلَنَا مِنَ الْمُوفِينَ بِعَهْدِهِ الَّذِي عَهِدَهُ إِلَيْنَا وَمِيثَاقِهِ الَّذِي وَاثَقَنَا بِهِ مِنْ وِلَايَةِ وُلَاةِ أَمْرِهِ وَالْقُوَّامِ بِقِسْطِهِ وَلَمْ يَجْعَلْنَا مِنَ الْجَاحِدِينَ وَالْمُكَذِّبِينَ بِيَوْمِ الدِّينِ یعنی سپاس مر خدای را سزاست که ما را گرامی داشت باین روز و گردانید ما را از ایمانداران و وفا کنندگان بعهد خود که عهد گرفته است بر ما و پیمانیکه محکم گردانیده است بر ما که ولایت و الیان امر امامت و اینها حکم میکنند بعدالت در میان خلق و نگردانیده ما را از انکار کنندگان و تکذیب کنان بروز جزا و فرمود رَبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا

پروردگارا ما شنیدیم نداکننده که	که بعد از نماز این دعا بخواند

يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ

میخواند بسوی ایمان اینکه ایمان بیاورید به پروردگار خود پس گرویدیم خدا پس بیامرز ما را گناهان ما را

كَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ

و بپوشان از ما بدیهای ما را و بمیران ما را با نیکوان پروردگارا و بده ما را آنچه وعده دادی ما را بر

رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ اللّٰهُمَّ

پیغمبرت و مکن رسوا ما را در روز قیامت بدرستیکه تو خلف نمیکنی وعده را خدایا

إِنِّي أُشْهِدُكَ وَكَفَىٰ بِكَ شَهِيدًا وَأُشْهِدُ مَلَائِكَتَكَ وَأَنْبِيَاءَ

من گواهی میدهم ترا و کافی است بتو گواه گرفتن و گواه میگیرم فرشتگان ترا و پیغمبرانت را

و حملة

الارض ان تزولا و لئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده ... و بالاسم الذی خلقت به السموات و الارض ... و جعلت فیها ... الظلمات و النور ... و جعلت الشمس ضیاء ... و جعلت القمر نورا و خلقت بها الکواکب و جعلتها نجوما ...

... من الشجرة ... الایمن من جانب الطور ... المبارکة فی البقعة ... المقدس فی الوادی ...

وحملة عرشك وسكان سمواتك وارضك بانك انت الله لا

وبردارندگان عرش تو وساکنان آسمانهای تو وزمین تو بآنکه توئی خدا نیست

اله الا انت المعبود فلا نعبد سواك فتعاليت عما يقول الظالمون

خدائی مگر تو پرستیده شده نمیپرستیم غیر تو برتری تو از آنچه میگویند ستمکاران

علوا كبيرا واشهد ان محمدا عبدك ورسولك واشهد ان امير

برتری بزرگ وگواهی میدهم اینکه محمد بنده تو ورسول تست وگواهی میدهم اینکه امیر

المؤمنين عبدك ومولانا ربنا سمعنا واجبنا وصدقنا المنادي

مؤمنان بنده تو ومولای ماست خدایا شنیدیم ما واجابت کردیم وتصدیق کردیم منادی را

رسولك صلى الله عليه وآله اذ نادى بنداء عنك بالذي امرته ان

که فرستاده تست رحمت خدا براو وآل او وقتی که خواند بصدای از تو بآنکه امر کرده او را

يبلغ ما انزلت اليه من ولاية ولي امرك وحذرته وانذرته

برساند آنچه فرستادی بسوی او که فرمان فرمای امر تست وترسانیدی او را وبیم کردی او را

ان لم يبلغ ما امرته به ان تسخط عليه ولما بلغ رسالاتك

که اگر نرساند آنچه امر فرمودی او را بآن اینکه خشم کرده براو وچون رساند پیغامهای ترا

عصمته من الناس فنادى مبلغا عنك الا من كنت مولاه

نگاه داشتی او را از مردم پس ندا کرد در حالیکه رساننده بود از تو آگاه باش آنرا که منم صاحب اختیار او

فعلي مولاه ومن كنت وليه فعلي وليه ومن كنت نبيه فعلي

پس علی مولای اوست وآنرا که منم فرمان فرمایش پس علی فرمانفرمای اوست وآنرا که منم پیغمبر او پس علی

اميره ربنا قد اجبنا داعيك النذير محمدا عبدك ورسولك

پادشاه اوست پروردگارا اجابت کردیم ما خواننده ترا بیم کننده محمد بنده تو وفرستاده تو

الهادي المهدي عبدك الذي انعمت عليه وجعلته مثلا

پیشوای راه یافته شده بنده تو که انعام کرده براو وگردانیدی او را داستانی

لبني اسرائيل علي امير المؤمنين ومولاهم ووليهم ربنا

برای پسران یعقوب علی پادشاه گروندگان وآقای ایشان وپیروی کردیم خدای ما

واتبعنا مولانا وولينا وهادينا وداعينا وداعي الانام

ومتابعت کردیم ما آقای ما وفرمانفرمای ما وراه نمای ما وخواننده ما وخواننده همه آدمیان

وصراطك المستقيم وحجتك البيضاء وسبيلك الداعي

وراه راست ترا وبرهان روشن وراه ترا خواننده

اليك على بصيرة هو ومن اتبعه وسبحان الله عما يشركون

بسوی تو بر بینائی او وهر که پیروی کند او را ومنزه است خدا از آنچه شریک کنند باو

واشهد انه الامام الهادي الرشيد امير المؤمنين الذي

وگواهی میدهم که اوست پیشوای راه نماینده پادشاه مؤمنان که

ذكرته في كتابك وقولك الحق فانك قلت وانه في ام الكتاب

یاد کرده او را در کتاب خود وگفتار تو راست است بدرستیکه تو گفته وبدرستی او در لوح محفوظ

لدينا لعلي حكيم اللهم فانا نشهد بانه عبدك والهادي

ثابتست نزد ما بلند مرتبه درست کردار خدایا پس گواهی میدهیم ما بآنکه بنده تو وراه نمای تست

بعد نبيك النذير المنذر وصراطك المستقيم وامير المؤمنين

بعد از پیغمبر تو بیم نماینده ترساننده وراه تست راست وامیر مؤمنان

وقائد الغر المحجلين وحجتك البالغة ولسانك المعبر عنك

وکشنده پیشانی سفیدان از وضو دستها وبرهان بالغ تو وزبان تو بیان کننده از جانب تو

في خلقك وانه القائم بالقسط في بريتك وديان دينك و

در خلق تو وآنکه او برپا دارنده بعدلست در خلق تو وقهر کننده در دین تو و

خازن علمك وامينك المأمون الماخوذ ميثاقه وميثاق رسولك

دارای علم تو وامانت تو ایمن گرداننده که گرفته شده فرمان او وپیمان پیمبر تو

عليهما السلام من جميع خلقك وبريتك شاهدا بالاخلاص

بر ان دو درود باد از همه خلق تو وآفریدگان تو شهادت دهنده با خلاص

لك والوحدانية والربوبية بانك انت الله لا اله الا انت و

مر ترا ویگانگی وربوبیت بآنکه تو خدائی نیست خدائی مگر تو و

ان محمدا عبدك ورسولك وان عليا امير المؤمنين جعلته

بدرستیکه محمد بنده تو وفرستاده تست وآنکه علی پادشاه مؤمنانست گردانیدی او را

وليك والاقرار بولايته تمام توحيدك وكمال دينك و

فرمان فرمای خود واقرار کننده بولایت تو تمام کننده بیگانگی خود وکامل کننده دین خود و

تَمامَ نِعْمَتِكَ عَلى جَميعِ خَلْقِكَ وَبَرِيَّتِكَ فَقُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ

تمام كنندهٔ نعمت خود بر تمام آفريدگان خود پس گفتهٔ تو وگفتار تو راست است

اَلْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دينَكُمْ وَاَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتي وَرَضيتُ لَكُمُ

امروز كامل كرديم براى شما دين شما را وتمام كرديم بر شما نعمت خود را وپسنديديم براى شما

الْاِسْلامَ ديناً فَلَكَ الْحَمْدُ بِمُوالاتِهِ وَاِتْمامِ نِعْمَتِكَ عَلَيْنا

دين اسلام را پس تو راست حمد بدوست داشتن او وتمام كردن نعمت را بر ما

بِالَّذي جَدَّدْتَ مِنْ عَهْدِكَ وَميثاقِكَ وَذَكَّرْتَنا ذلِكَ وَ

بآنچه تازه كردى از عهد خود وپيمان خود وياد آورى كردى ما را بآن عهد

جَعَلْتَنا مِنْ اَهْلِ الْاِخْلاصِ وَالتَّصْديقِ بِميثاقِكَ وَمِنْ اَهْلِ

وگردانيدى ما را از بندگان خالص وتصديق كنان بپيمان تو واز اهل

الْوَفاءِ بِذلِكَ وَلَمْ تَجْعَلْنا مِنْ اَتْباعِ الْمُغَيِّرينَ وَالْمُبَدِّلينَ

وفا بآن عهد و نگردانيدى ما را از پيروان تغيير دهندگان وتبديل كنان

وَالْمُحَرِّفينَ وَالْمُبَتِّكينَ اذانَ الْاَنْعامِ وَالْمُغَيِّرينَ خَلْقَ اللّهِ وَ

وكجروان وشكافندگان گوشهاى چهارپايان وتغيير دهندگان خلق خدا و

مِنَ الَّذينَ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطانُ فَاَنْسيهُمْ ذِكْرَ اللّهِ وَ

واز آنانكه مسلط شد بر ايشان ديو پس فراموش كرده‌اند ياد خدا را و

صَدَّهُمْ عَنِ السَّبيلِ وَالصِّراطِ الْمُسْتَقيمِ اَللّهُمَّ الْعَنِ الْجاحِدينَ

باز داشته آنها را از راه حق وراه راست خدايا نفرين كن انكار كنندگان را

وَالنّاكِثينَ وَالْمُغَيِّرينَ وَالْمُبَدِّلينَ وَالْمُكَذِّبينَ بِيَوْمِ الدّينِ

وپيمان شكنان را وتغيير دهندگان را وبدل كنان را ودروغ گويان را بروز جزا

مِنَ الْاَوَّلينَ وَالْاخِرينَ اَللّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلى اِنْعامِكَ

از پيشينيان وپسينيان خدايا مر تو راست حمد بر نعمت دادن تو

عَلَيْنا بِالْهُدَى الَّذي هَدَيْتَنا بِهِ اِلى وُلاةِ اَمْرِكَ مِنْ بَعْدِ

بر ما براهنمائى آنچنانكه راه نمودى ما را بآن بواليان امر خود از بعد

نَبِيِّكَ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَالِهِ وَالْاَئِمَّةِ الْهُداةِ الرّاشِدينَ وَاَعْلامِ

پيغمبرت رحمت خدا براو وآل او وپيشوايان راه نمايان راشدان ونشانهاى

الْهُدى وَمَنارِ الْقُلُوبِ وَالتَّقْوى وَالْعُرْوَةِ الْوُثْقى وَ

راه نمائى وروشنى دلها وپرهيزكارى ودست آويز استوار و

كَمالِ دينِكَ وَتَمامِ نِعْمَتِكَ وَمَنْ بِهِمْ وَبِمُوالاتِهِمْ رَضيتَ لَنَا

كامل گرداننده دين تو وتمام كننده نعمت تو وبآنكه وبوسيلهٔ دوستى ايشان پسنديدى براى ما

الْاِسْلامَ ديناً رَبَّنا فَلَكَ الْحَمْدُ امَنّا وَصَدَّقْنا بِمَنِّكَ عَلَيْنا

دين اسلام را پروردگارا مر تو راست حمد گرويديم ما وتصديق كرديم ما بانعام تو بر ما

بِالرَّسُولِ النَّذيرِ الْمُنْذِرِ وَالَيْنا وَلِيَّهُمْ وَعادَيْنا عَدُوَّهُمْ وَبَرِئْنا

به پيغمبر بيم كننده ترساننده ودوست داشتيم دوستان ايشان را ودشمن داشتيم دشمنان ايشان را

مِنَ الْجاحِدينَ وَالْمُكَذِّبينَ بِيَوْمِ الدّينِ اَللّهُمَّ فَكَما كانَ

وبيزاريم از انكار كنندگان ودروغ گويان بروز جزا خدايا پس همچنان بود

ذلِكَ مِنْ شَاْنِكَ يا صادِقَ الْوَعْدِ يا مَنْ لا يُخْلِفُ الْميعادَ يا مَنْ

آن از كار تو اى راست گوينده وعده اى آنكه خلف نميكنى وعده را اى آنكه

هُوَ كُلَّ يَوْمٍ في شَاْنٍ اِذْ اَتْمَمْتَ عَلَيْنا نِعْمَتَكَ بِمُوالاةِ اَوْلِيائِكَ

او هر روزى در كاريست پس چون تمام كردى بر ما نعمت را بدوستى دوستان خود

الْمَسْؤُولِ عَنْهُمْ عِبادُكَ فَاِنَّكَ قُلْتَ ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ

كه سؤال كرده شوند از ايشان بندگان تو پس تو گفته پس پرسيده شده در آن روز از

النَّعيمِ وَقُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ وَقِفُوهُمْ اِنَّهُمْ مَسْؤُولُونَ وَمَنَنْتَ

نعمتها وگفته تو وگفته تو راست است كه باز داريد ايشان را كه ايشان پرسيده شوند ومنت

عَلَيْنا بِشَهادَةِ الْاِخْلاصِ وَبِوِلايَةِ اَوْلِيائِكَ الْهُداةِ بَعْدَ

نهادى بر ما بگواهى دادن از روى اخلاص وبدوست داشتن دوستان تو كه راه نمايند پس

النَّذيرِ الْمُنْذِرِ السِّراجِ الْمُنيرِ فَاَكْمَلْتَ لَنا بِهِمُ الدّينَ وَاَتْمَمْتَ

از بيم كننده ترساننده چراغ روشن پس كامل شد براى ما بايشان دين را وتمام كردى

عَلَيْنَا النِّعْمَةَ وَجَدَّدْتَ لَنا عَهْدَكَ وَذَكَّرْتَنا ميثاقَكَ الْمَاْخُوذَ

بر ما نعمت را وتازه كردى براى ما عهد خود را وياد آوردى ما را پيمانت را كه گرفته شده

مِنّا في ابْتِداءِ خَلْقِكَ اِيّانا وَجَعَلْتَنا مِنْ اَهْلِ الْاِجابَةِ وَلَمْ

از ما در اول آفرينش تو ما را وگردانيدى ما را از اهل اجابت نمودن وفراموش

کر دادی ذکر کن بدانکه
در اکثر کتب دعای سمات را
تا اینجا ذکر کرده اند و در
بعض الینابیع ذکر شده
یعنی بگو یا الله یا حنان
یا منان یا بدیع السموات
والارض یا ذا الجلال
والاکرام یا ارحم
الراحمین سبحانک
یا لا اله الا انت اللهم
بحق هذا الدعاء وبحق
هذه الاسماء التی
لا یعلم تفسیرها ولا
تاویلها ولا یعلم
باطنها ولا ظاهرها
غیرک صل علی محمد
وال محمد وافعل
بی ما انت اهله ولا
تفعل بی ما انا اهله
وانتقم لی من
یؤذینی باز حاجت
خود را ذکر کن و بگو
واغفر لی من ذنوبی
ما تقدم منها و
ما تاخر ولوالدی
ولجمیع المؤمنین
والمؤمنات

تُنْسِنا ذِكْرَكَ فَاِنَّكَ قُلْتَ وَاِذْ اَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِى اٰدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ
فراموش نکردی یاد خود را پس تو گفته و چون گرفت پروردگارت از پسران ادم از پشتهای ایشان
ذُرِّيَّتَهُمْ وَاَشْهَدَهُمْ عَلٰى اَنْفُسِهِمْ اَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلٰى شَهِدْنا
فرزندان ایشانرا و گواهی داد ایشانرا بر خودشان آیا نیستم پروردگار شما گفتند آری گواهی دادیم
بِمَنِّكَ وَلُطْفِكَ فَاِنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ رَبُّنا وَمُحَمَّدٌ
بنعمت تو و مهربانی تو پس تو تی خدا نیست خدائی مگر تو پروردگار ما و محمد
عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ نَبِيُّنا وَعَلِىٌّ اَميرُ الْمُؤْمِنينَ عَبْدُكَ الَّذى
بنده تو و رسول تو و پیغمبر ماست و علی پادشاه مؤمنان بنده تست که بچهراو
اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْنا وَجَعَلْتَهُ اٰيَةً لِنَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَ
انعام کرده بر ما و گردانیدی او را نشانه برای پیغمبرت رحمت خدا بر او و آل او و
اٰيَتَكَ الْكُبْرٰى وَصِراطَكَ الْمُسْتَقيمَ وَالنَّبَاَ الْعَظيمَ الَّذى هُمْ
و نشانه بزرگ خودت و راه راست تو و خبر بزرگ آنچنانکه ایشان
فيهِ مُخْتَلِفُونَ وَعَنْهُ مَسْؤُلُونَ اَللّٰهُمَّ فَكَما كانَ مِنْ
در آن اختلاف کننده اند و از او پرسیده شوند خدایا پس چنانچه بود از
شَاْنِكَ اَنْ اَنْعَمْتَ عَلَيْنا بِالْهِدايَةِ اِلٰى مَعْرِفَتِهِمْ فَلْيَكُنْ مِنْ
کار تو اینکه انعام کردی بر ما براه نمائی بسوی شناختن ایشان پس باید باشد از
شَاْنِكَ اَنْ تُصَلِّىَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُبارِكَ لَنا فى
کار تو اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه برکت دادی ما را در
يَوْمِنا هٰذَا الَّذى اَكْرَمْتَنا بِهِ وَذَكَّرْتَنا فيهِ عَهْدَكَ وَميثاقَكَ
روز ما باین روز که گرامی داشتی ما را باو و یادکردی ما را در آن عهد خود و پیمان خود
وَاَكْمَلْتَ دينَنا وَاَتْمَمْتَ عَلَيْنا نِعْمَتَكَ وَجَعَلْتَنا بِمَنِّكَ مِنْ اَهْلِ
و کامل کردی دین ما را و تمام کردی بر ما نعمت خود را و گردانیدی ما را بسبب نعمت از اهل
الْاِجابَةِ لَكَ وَالْبَرآئَةِ مِنْ اَعْدائِكَ وَاَعْداءِ اَوْلِيائِكَ
اجابت مر تو را و بیزار کردیم از دشمنان خود و دشمنان دوستان تو
الْمُكَذِّبينَ بِيَوْمِ الدّينِ فَاَسْئَلُكَ يا رَبِّ تَمامَ ما اَنْعَمْتَ وَاَنْ
که دروغ گویان بروز جزایند پس میخوانم تو را ای پروردگار من تمام آنچه نعمت کرده و بگردانی

وما عنه سوء
سلطان سوء ودین
سوء انک علی ما
تشاء قدیر وبکل
شیء علیم امین
رب العالمین وان
بین باقی علیم
الرجم مذکور است
کر بعد از دعای سمات
اینجا را بخواند اللهم
بحق هذا الدعاء وبحق
هذه الاسماء التی لا
یعلم تفسیرها ولا تاویلها
ولا باطنها ولا ظاهرها
غیرک ان تصلی علی محمد
وال محمد وان
ترزقنی خیر الدنیا و
الاخرة پس حاجات
خود را بطلبد و بگوید
وافعل بی ما انت اهله
ولا تفعل بی ما انا
اهله وانتقم لی من
فلان و نام دشمن را
بگوید پس بگوید
واغفر لی
من ذنوبی ما تقدم منها وما تاخر ولوالدی ولجمیع المؤمنین والمؤمنات

تَجْعَلَنا مِنَ الْمُوقِنينَ وَلا تُلْحِقَنا بِالْمُكَذِّبينَ وَاجْعَلْ لَنا قَدَمَ
بگردانی ما را از یقین داران و ملحق مکن ما را بدروغ گویان و بگردان برای ما تمام قدم
صِدْقٍ مَعَ الْمُتَّقينَ وَاجْعَلْنا مَعَ الْمُتَّقينَ اِماماً يَوْمَ نَدْعُو
راستی با پرهیزکاران و بگردان ما را با پرهیزکاران پیشوایان روزیکه میخوانی
كُلَّ اُناسٍ بِاِمامِهِمْ وَاحْشُرْنا فى زُمْرَةِ اَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ الْاَئِمَّةِ
هر آدمی را باسم پیشوایان و محشور کن ما را در گروه اهل بیت نبی تو که پیشوایان
الصّادِقينَ وَاجْعَلْنا مِنَ الْبُرَآءِ مِنَ الَّذينَ هُمْ دُعاةٌ اِلَى النّارِ
راستگویانند و بگردان ما را از کسانیکه بیزارند از آنانکه ایشانند میخوانند بسوی آتش
وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحينَ وَاَحْيِنا عَلٰى ذٰلِكَ ما اَحْيَيْتَنا
و روز قیامت ایشان از زشتانند و زنده دار ما را بر آن مادامیکه زنده داری ما را
وَاجْعَلْ لَنا مَعَ الرَّسُولِ سَبيلاً وَاجْعَلْ لَنا قَدَمَ صِدْقٍ فِى
و بگردان ما را با پیغمبر راهی و بگردان برای ما قدمی ثابت در
الْهِجْرَةِ اِلَيْهِمْ وَاجْعَلْ مَحْيانا خَيْرَ الْمَحْيا وَمَماتَنا خَيْرَ الْمَماتِ
کوچ کردن بسوی ایشان و بگردان زندگی ما را بهتر زندگی و مردن ما را بهترین مردن
وَمُنْقَلَبَنا خَيْرَ الْمُنْقَلَبِ عَلٰى مُوالاةِ اَوْلِيائِكَ وَمُعاداةِ اَعْدائِكَ
و بازگشتن ما را بهترین بازگشتن بر دوست داشتن دوستان تو و دشمن داشتن دشمنان تو
حَتّٰى تَتَوَفّانا وَاَنْتَ عَنّا راضٍ قَدْ اَوْجَبْتَ لَنا جَنَّتَكَ بِرَحْمَتِكَ
تا اینکه بمیرانی ما را و تو از ما راضی باشی بتحقیق واجب کردی بر ما بهشت خود را برحمت تو
يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ وَالْمَثْوٰى مِنْ جِوارِكَ فى دارِ الْمُقامَةِ مِنْ
ای بخشنده تر بخشندگان و آرامگاهی از همسایگی خود را در سرای اقامت از
فَضْلِكَ لا يَمَسُّنا فيها نَصَبٌ وَلا يَمَسُّنا فيها لُغُوبٌ رَبَّنا اغْفِرْ
فضل خود در حالتیکه نمیرسد ما را در آن خانه تعبی و نمیرسد ما را در آن خانه رنجی خدایا بیامرز
لَنا ذُنُوبَنا وَكَفِّرْ عَنّا سَيِّئاتِنا وَتَوَفَّنا مَعَ الْاَبْرارِ رَبَّنا وَاٰتِنا
ما را گناهان ما را و بپوشان از ما بدیهای ما را و بمیران ما را با نیکوان خدایا و بده ما را
ما وَعَدْتَنا عَلٰى رُسُلِكَ وَلا تُخْزِنا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اِنَّكَ لا تُخْلِفُ
آنچه وعده داده ما را بر پیغمبر خود و رسوا مکن ما را روز قیامت بدرستیکه تو خلف نمیکنی

الميعاد اللّهمّ احشرنا مع الائمّة الهداة من آل رسولك نؤمن

وعده را خدایا محشور کن ما را با ائمه راه نمایان از آل رسولت میگرویم

بسرّهم وعلانيتهم وشاهدهم وغائبهم اللّهمّ انّى اسئلك

بپنهانی ایشان واشکارا ایشان وحاضر ایشان وغائب ایشان خدایا من میخوانم ترا

بالحقّ الّذى جعلته عندهم وبالّذى فضّلتهم به على العالمين

بان حقی که قرار دادی انرا نزد ایشان وبحرمت انیکه زیادتی دادی ایشانرا بر جهانیان

جميعاً ان تبارك لنا فى يومنا هذا الّذى اكرمتنا فيه بالموافاة

همه اینکه برکت دادی ما را در روزهای این روز که گرامی داشتی ما را دران بوفا نمودن

بعهدك الّذى عهدته الينا وبالميثاق الّذى واثقتنا به من

بپیمان خود ان پیمانیکه عهد کرده بسوی ما وبپیمان محکم که بستهٔ ما را بان از

موالاة اوليائك والبرائة من اعدائك ان تتمّ علينا نعمتك

دوست داشتن دوستان تو وبیزاری از دشمنان تو انکه تمام کنی برما نعمت خود را

ولا تجعله مستودعاً واجعله مستقرّاً ولا تسلبناه ابداً ولا

ونگردانی انرا امانت شده وبگردان انرا ثابت شده ومکن ازما زایل هرگز ونگردان

تجعله مستعاراً وارزقنا مرافقة وليّك الهادى المهدىّ الى

انرا عاریت شده وروزی کن ما را رفاقت دوست خود که راه نماینده وراه یافته شده برای

الهدى وتحت لوائه وفى زمرته شهداء صادقين على بصيرة

راه حق ودرزیر علم او ودر زمرهٔ شهیدان راستگویان بر بینائی

من دينك انّك على كلّ شئ قدير واگر این عمل بر او دشوار باشد

اندین خود بدرستیکه تو برهر چیز توانائی

باین روایت عمل کند که شیخ مفید علیه الرحمه ودیگران از حضرت صادق ع روایت کرده اند که هر که در روز غدیر دو رکعت نماز بکند هر وقت که خواهد واگر نزدیک بزوال کند که دران ساعت حضرت رسول ص حضرت امیرالمؤمنین ع را در غدیر خم برای مردم بامامت وخلافت نصب کرد بهتر است یعنی بهر سوره که خواهد واگر در رکعت اول انا انزلناه ودر رکعت دویم قل هو الله احد بخواند چنانچه در روایت معتبره دیگر وارد شده بهتر است پس بسجده رود وصد مرتبه شکراً لله یا شکراً بگوید وچون

سر از سجده بردارد اللّهمّ انّى اسئلك بانّ لك الحمد وحدك

این دعا بخواند خدایا من سؤال میکنم ترا بانیکه تو راست حمد ویگانه تو

لا شريك لك وانّك واحد احد صمد لم يلد ولم يولد ولم

نیست شریکی برای تو وانیکه تو یگانه بیهمتائی پناه نیازمندانی نزائیده ونه میزائی ونباشد

يكن له كفواً احد وانّ محمّداً عبدك ورسولك صلواتك عليه

او را همتا احدی وبدرستیکه محمد بندهٔ تو وفرستادهٔ تواست رحمتهای تو براو

وآله يا من هو كلّ يوم فى شأن كما كان من شأنك ان تفضّلت

وال او ای انکه او هر روز درکاری است چنانکه بوده از کار تو اینکه بخشش نمودی

علىّ بان جعلتنى من اهل اجابتك واهل دينك واهل

برمن بانیکه گردانیدی مرا از اهل اجابت کردن تو واهل دین داران تو واهل

دعوتك ووفّقتنى لذلك فى مبتدء خلقى تفضّلاً منك و

خواندن تو وتوفیق دادی مرا باین در اول افرینش من ازروی فضل از تو و

كرماً وجوداً ثمّ اردفت الفضل فضلاً والجود جوداً والكرم

بزرگواری وبخشش پس از پی درآوردی ان زیادتی را زیادتی وبخشش را بخششی وکرم را

كرماً رأفة منك ورحمة الى ان جدّدت ذلك العهد لى تجديداً

نوازشی بجهت مهربانی از تو وبخشایش تا انکه تازه کردی ان پیمان را برای من تازه

بعد تجديدك خلقى وكنت نسياً منسيّاً ناسياً ساهياً غافلاً

بعد از تازه کردن تو افرینش مرا وبوده باشیم فراموش شده فراموش شدنی فراموش شده بی خبر

فاتممت نعمتك بان ذكّرتنى ذلك ومننت به علىّ وهديتنى

پس تمام کردی نعمت خود را بانکه یاد آوردی بمن مرا بان عهد وانعام کردی بان برمن وراه نمودی مرا

له فليكن من شأنك يا الهى وسيّدى ومولاى ان تتمّ لى

برا او پس باید باشد از شأن تو ای خدای من واقای من وبزرگ من انکه تمام کنی برای من

ذلك ولا تسلبنيه حتّى تتوفّانى على ذلك وانت عنّى راض

انرا ودفع نکنی ازمن انرا تا بمیرانی مرا بران وحال انکه تو ازمن خوشنود باشی

فانّك احقّ المنعمين ان تتمّ نعمتك علىّ اللّهمّ سمعنا واطعنا

پس تو سزاوارتری از انعام کنندگان اینکه تمام کنی نعمت را برمن بار خدایا شنیدیم ما وفرمان بردیم ما

دعای روز یکشنبه از صحیفهٔ کامله

بسم الله الرحمن الرحیم

وَاَجَبْنا داعِیَكَ بِمَنِّكَ فَلَكَ الْحَمْدُ غُفْرانَكَ رَبَّنا وَاِلَیْكَ الْمَصیرُ

واجابت کردیم خواننده را بانعام تو پس تراست حمد میخواهیم امرزش ترا پروردگار ما بسوی تست بازگشت

اٰمَنّا بِاللهِ وَحْدَهُ لا شَریكَ لَهُ وَبِرَسُولِهِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ

گرویدیم ما بخدا یگانه است او نیست شریکی او را و برسول او محمد رحمت خدا بر او و

اٰلِهِ وَصَدَّقْنا وَاَجَبْنا داعِیَ اللهِ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فی مُوالاةِ

آل او و تصدیق کردیم ما و اجابت کردیم خواننده خدا را و پیروی کردیم رسول او را در دوست داشتن

مَوْلانا وَمَوْلَی الْمُؤْمِنینَ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ عَلِیِّ بْنِ اَبی طالِبٍ عَبْدِ

آقای ما و آقای مؤمنان پادشاه مؤمنان علی پسر ابی طالب بنده

اللهِ وَاَخی رَسُولِهِ وَالصِّدّیقِ الْاَكْبَرِ وَالْحُجَّةِ عَلی بَرِیَّتِهِ الْمُؤَیِّدِ

خدا و برادر رسول خدا و راستگوی بزرگ و برهان بر خلق خدا و انکه قوت داده

بِهِ نَبِیَّهُ وَدینَهُ الْحَقَّ الْمُبینَ عَلَماً لِدینِ اللهِ وَخازِناً لِعِلْمِهِ وَ

ما پیغمبرش را و دینش را که حق ظاهر است نشانه مر دین خدا و دارنده علم خدا را و

عَیْبَةَ غَیْبِ اللهِ وَمَوْضِعَ سِرِّ اللهِ وَاَمینَ اللهِ عَلی خَلْقِهِ وَ

صندوق سر پنهانی خدا و موضع سر خدا و امین خدا بر خلق او و

شاهِدَهُ فی بَرِیَّتِهِ اَللّٰهُمَّ رَبَّنا اِنَّنا سَمِعْنا مُنادِیاً یُنادی لِلْاِیمانِ

گواه بیننده خدا بر آفریدگانش خدایا پروردگار ما شنیدیم ما ندا کننده را که ندا میکرد مردم را برای ایمان

اَنْ اٰمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَاٰمَنّا رَبَّنا فَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَكَفِّرْ عَنّا

اینکه ایمان آورید بخدای شما پس ایمان آوردیم ما بخدا پس بیامرز ما را گناهان ما را و بپوشان از ما

سَیِّئاتِنا وَتَوَفَّنا مَعَ الْاَبْرارِ رَبَّنا وَاٰتِنا ما وَعَدْتَنا عَلی رُسُلِكَ

بدیهای ما را و بمیران ما را با نیکان پروردگارا و بده ما را آنچه وعده دادی بر پیغمبرانت

وَلا تُخْزِنا یَوْمَ الْقِیٰمَةِ اِنَّكَ لا تُخْلِفُ الْمیعادَ فَاِنّا یا رَبَّنا بِمَنِّكَ

و رسوا مکن ما را روز قیامت بدرستیکه تو خلف نمیکنی وعده را پس ای پروردگار ما بنعمت تو

وَلُطْفِكَ اَجَبْنا داعِیَكَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ وَصَدَّقْناهُ وَصَدَّقْنا

و لطف تو اجابت کردیم خواننده تو را و پیروی کردیم پیغمبر ترا و تصدیق نمودیم او را و تصدیق کردیم

مَوْلَی الْمُؤْمِنینَ وَكَفَرْنا بِالْجِبْتِ وَالطّاغُوتِ فَوَلِّنا ما تَوَلَّیْنا

آقای مؤمنان را و کافر شدیم ما بجبت و طاغوت پس متوجه بدار ما را بانچه توجه کردیم

وَاحْشُرْنا مَعَ اَئِمَّتِنا فَاِنّا بِهِمْ مُؤْمِنُونَ مُوقِنُونَ وَلَهُمْ مُسَلِّمُونَ

و برانگیز ما را با پیشوایان ما پس ما با ایشان گروندگان یقین دارانیم و ایشان را گردن نهندگانیم

اٰمَنّا بِسِرِّهِمْ وَعَلانِیَتِهِمْ وَشاهِدِهِمْ وَغائِبِهِمْ وَحَیِّهِمْ وَمَیِّتِهِمْ

ایمان آوردیم بنهان ایشان آشکار ایشان و حاضر ایشان و غائب ایشان و زنده و مرده ایشان

وَرَضینا بِهِمْ اَئِمَّةً وَقادَةً وَسادَةً وَحَسْبُنا بِهِمْ بَیْنَنا وَبَیْنَ اللهِ

و خوشنود دیم ما به پیشوائی و آقائی و بزرگی و آقائی و بس است ما را با ایشان میان ما و میان خدا

دُونَ خَلْقِهِ لا نَبْتَغی بِهِمْ بَدَلاً وَلا نَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِمْ وَلیجَةً وَبَرِئْنا

غیر از خلق او نمی جوئیم با ایشان بدلی و نمی گیریم از جز ایشان معتمدی و بیزاری جستیم

اِلَی اللهِ مِنْ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لَهُمْ حَرْباً مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ مِنَ الْاَوَّلینَ

بسوی خدا از هر که برپا کرده برای ایشان جنگی از جن و آدمی از پیشینیان

وَالْاٰخِرینَ وَكَفَرْنا بِالْجِبْتِ وَالطّاغُوتِ وَالْاَوْثانِ الْاَرْبَعَةِ

و پسینیان و نگرویدیم ما بجبت و طاغوت و بتهای چهار گانه

وَاَشْیاعِهِمْ وَاَتْباعِهِمْ وَكُلِّ مَنْ والاهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ

و پیروان ایشان و تابعان ایشان و هر که دوستی کرده با ایشان از جن و آدمی

مِنْ اَوَّلِ الدَّهْرِ اِلی اٰخِرِهِ اَللّٰهُمَّ اِنّا نُشْهِدُكَ اَنّا نَدینُ بِما دانَ

از آغاز روزگار تا آخر او خدایا بدرستیکه گواه میگیریم ترا آنکه اعتقاد میکنیم بآنچه اعتقاد کرد

بِهِ مُحَمَّدٌ وَاٰلُ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ وَقَوْلُنا ما قالُوا

بآن محمد و آل محمد رحمت خدا بر او و بر ایشان و گفتار ما سخنی است که گفتند

وَدینُنا ما دانُوا بِهِ ما قالُوا بِهِ قُلْنا وَما دانُوا بِهِ دِنّا وَما

و دین ما دینی است که دین ایشانست آنچه را گفتند میگوئیم ما و آنچه که دین کردند بآن اعتقاد داریم و آنچه

اَنْكَرُوا اَنْكَرْنا وَمَنْ والَوْا والَیْنا وَمَنْ عادَوْا عادَیْنا وَمَنْ

انکار کردند انکار کردیم ما و هر که دوست داشتند دوستیم ما و هر که دشمن داشتند دشمن داریم ما و هر که

لَعَنُوا لَعَنّا وَمَنْ تَبَرَّؤُا مِنْهُ تَبَرَّاْنا مِنْهُ وَمَنْ تَرَحَّمُوا عَلَیْهِ تَرَحَّمْنا

نفرین کنند نفرین کنیم ما و هر که را بیزاری جویند بیزاریم ما از او و هر که را مهربانی کنند بر او مهربانی کنیم ما

عَلَیْهِ اٰمَنّا وَسَلَّمْنا وَرَضینا وَاتَّبَعْنا مَوالِیَنا صَلَواتُ اللهِ عَلَیْهِمْ

بر او گرویدیم ما و گردن نهادیم و خوشنود دیم ما و پیروی دیم ما آقایان خود را رحمت خدا بر ایشان

دعای روز دوشنبه

اَللّٰهُمَّ فَتَمِّمْ لَنَا ذٰلِكَ وَلَا تَسْلُبْنَاهُ وَاجْعَلْهُ مُسْتَقَرًّا ثَابِتًا عِنْدَنَا

خدایا تمام کن ابرای ما انرا وزایل مکن وبگردان اورا برقرار ثابت نزدما

وَلَا تَجْعَلْهُ مُسْتَعَارًا وَاَحْيِنَا مَا اَحْيَيْتَنَا عَلَيْهِ وَاَمِتْنَا اِذَا اَمَتَّنَا

ومگردان اورا عاریه شده وزنده دارمارا مادام که زنده داری مارا براو وبمیران مارا چون میرانید

عَلَيْهِ اٰلُ مُحَمَّدٍ اَئِمَّتُنَا فَبِهِمْ نَاْتَمُّ وَاِيَّاهُمْ نُوَالِي وَعَدُوَّهُمْ

مارا براو ال محمد پیشوایان ما بایشان اقتدا میکنیم وایشان را دوست میداریم ودشمن ایشان را

عَدُوُّ اللّٰهِ نُعَادِي فَاجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَمِنَ

که دشمن خداست دشمن داریم بگردان مارا با ایشان در دنیا واخرت واز

الْمُقَرَّبِينَ فَاِنَّا بِذٰلِكَ رَاضُونَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ پس باز بسجده

نزدیکان پس مابان خوشنودیم ای مهربان تر مهربانان

رود وصد مرتبه اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وصد مرتبه شُكْرًا لِلّٰهِ بگوید پس حضرت فرمود که هر که اینعمل را بجا اورد ثواب کسی داشته باشد که در روز غدیر نزد حضرت رسول حاضر شده باشد وبا حضرت رسول وحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیهما بر ولایت انحضرت بیعت کرده باشد ودرجه او در بهشت با درجه راست گویان وتصدیق کنندگان باشد که تصدیق خدا ورسول در ان روز از روی اخلاص کرده اند مانند سلمان وابوذر ومقداد رضی الله عنهم ومانند کسیکه شهید شده باشد با حضرت رسول وامیر المؤمنین وحسن وحسین صلوات الله علیهم ومانند کسی باشد که در زیر علم حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه در زیر خیمه انحضرت بوده باشد از نجیبان ونقیبان وبرگزیدگان اصحاب انحضرت وایضا شیخ مفید روایت کرده است که سنت است این دعا را در روز عید غدیر بخواند

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَعَلِيٍّ وَلِيِّكَ وَالشَّاْنِ وَ

خدایا من میخوانم تورا بحق محمد که پیغمبر تست وعلی که دوست تست وهرمرتبه و

الْقَدْرِ الَّذِي خَصَصْتَهُمَا بِهِ دُونَ خَلْقِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ

قدر دیگر که مخصوص کرده اورا بان نه سایر خلقت را اینکه رحمت فرستی بر محمد و

عَلِيٍّ وَاَنْ تَبْدَءَ بِهِمَا فِي كُلِّ خَيْرٍ عَاجِلٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ

علی واینکه ظاهر بنازی در همه خوبیها بزودی خدایا رحمت فرست بر محمد وال

مُحَمَّدٍ الْاَئِمَّةِ الْقَادَةِ وَالدُّعَاةِ السَّادَةِ وَالنُّجُومِ الزَّاهِرَةِ وَ

محمد پیشوایان پسندیگان وخوانندگان بزرگان وستارگان درخشنده و

الْاَعْلَامِ الْبَاهِرَةِ وَسَاسَةِ الْعِبَادِ وَاَرْكَانِ الْبِلَادِ وَالنَّاقَةِ

ونشانهای روشن ووالیان بندگان وستونهای شهرها وناقه

الْمُرْسَلَةِ وَالسَّفِينَةِ النَّاجِيَةِ الْجَارِيَةِ فِي اللُّجَجِ الْغَامِرَةِ اَللّٰهُمَّ

فرستاده شده وکشتی رستگاران جاری دردریای جوشنده خدایا

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ خُزَّانِ عِلْمِكَ وَاَرْكَانِ تَوْحِيدِكَ

رحمت کن بر محمد وال محمد خزینه داران علم تو وارکان توحید تو

وَدَعَائِمِ دِينِكَ وَمَعَادِنِ كَرَامَتِكَ وَصَفْوَتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ وَ

وستونهای دین تو ومعدنهای کرامت تو وبرگزیده تو از خلق تو و

خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ الْاَتْقِيَاءِ الْاَنْقِيَاءِ النُّجَبَاءِ الْاَبْرَارِ وَالْبَابِ

اختیار کرده شدگان از خلق تو پرهیزکاران پاکان نجیبان ابرار ودرگاهی که

الْمُبْتَلٰى بِهِ النَّاسُ مَنْ اَتَاهُ نَجٰى وَمَنْ اَبَاهُ هَوٰى اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى

امتحان کرده شدند بان مردم کسیکه امد اورا نجات یافت وکسیکه ابا کرد پست است خدایا رحمت فرست بر

مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ اَهْلِ الذِّكْرِ الَّذِينَ اَمَرْتَ بِمَسْئَلَتِهِمْ وَذَوِي

محمد وال محمد یاران ذکر انانکه فرمان دادی بخواهش ایشان و

الْقُرْبَى الَّذِينَ اَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ وَفَرَضْتَ حَقَّهُمْ وَجَعَلْتَ الْجَنَّةَ

نزدیکان انچنانکه فرمان دادی بدوستی ایشان وواجب کردی حق ایشان را وگردانیدی بهشت را

مَعَادَ مَنِ اقْتَصَّ اٰثَارَهُمْ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا

بازگشت انکه پیروی کرد نشانهای ایشان را خدایا رحمت فرست بر محمد وال محمد چنانکه

اَمَرُوا بِطَاعَتِكَ وَنَهَوْا عَنْ مَعْصِيَتِكَ وَدَلُّوا عِبَادَكَ عَلٰى

فرمان دارند بفرمان برداری تو ونهی کردند از معصیت تو وراه نمودند بندگان تورا بر

وَحْدَانِيَّتِكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَنَجِيبِكَ

یگانگی تو خدایا من میخوانم تورا بحق محمد برگزیده تو ونجیب تو

وَصَفْوَتِكَ وَاَمِينِكَ وَرَسُولِكَ اِلٰى خَلْقِكَ وَبِحَقِّ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

وصفوت تو وامین تو ورسول تو بسوی خلق تو وبحق پادشاه مؤمنان

وَيَعْسُوبِ الدِّينِ وَقَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ الْوَصِيِّ الْوَفِيِّ وَالصِّدِّيقِ

و پادشاه بزرگ دین و کشنده پیشانی سفیدان روز قیامت و وصی وفادار و راستگوی

الْأَكْبَرِ وَالْفَارُوقِ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ وَالشَّاهِدِ لَكَ وَالدَّالِّ

بزرگ تو و جدا کننده میان حق و باطل و گواهی دهنده برای تو و راهنمای

عَلَيْكَ وَالصَّادِعِ بِأَمْرِكَ وَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِكَ لَمْ تَأْخُذْهُ فِيكَ

بر تو و ظاهر سازنده امر تو و سعی کننده در راه تو فرانگرفت او را در راه تو

لَوْمَةُ لَائِمٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَنِي فِي هَذَا

ملامت کننده اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی مرا در این

الْيَوْمِ الَّذِي عَقَدْتَ فِيهِ لِوَلِيِّكَ الْعَهْدَ فِي أَعْنَاقِ خَلْقِكَ

روز از آنانکه بستی در آن روز برای ولیت پیمان در گردنهای خلق خود

وَأَكْمَلْتَ لَهُمُ الدِّينَ مِنَ الْعَارِفِينَ بِحُرْمَتِهِ وَالْمُقِرِّينَ بِفَضْلِهِ

و تمام کردی برایشان دین را از شناسندگان بحق او و اقرار کنندگان بفضل او

وَمِنْ عُتَقَائِكَ وَطُلَقَائِكَ مِنَ النَّارِ وَلَا تُشْمِتْ بِي حَاسِدِي

و از آزادان خود و رها کردگان از آتش تو و شماتت من مگذار رشک برنده

النِّعَمِ اللَّهُمَّ فَكَمَا جَعَلْتَهُ عِيدَكَ الْأَكْبَرَ وَسَمَّيْتَهُ فِي السَّمَاءِ

نعمتها را خدایا پس چنانچه گردانیدی این روز را عید بزرگ و نامیدی او را در آسمان

يَوْمَ الْعَهْدِ الْمَعْهُودِ وَفِي الْأَرْضِ يَوْمَ الْمِيثَاقِ الْمَأْخُوذِ وَ

روز عهد معهود و در زمین روز میثاق گرفته شده و

الْجَمْعِ الْمَسْؤُولِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَقْرِرْ بِهِ عُيُونَنَا وَ

فراهم پرسیده شده رحمت فرست بر محمد و آل محمد و روشن کن بآن چشمهای ما را و

اجْمَعْ بِهِ شَمْلَنَا وَلَا تُضِلَّنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَاجْعَلْنَا لِأَنْعُمِكَ

جمع کن بآن پراکندگی ما را و گمراه مکن ما را بعد از آنکه راه نمودی ما را و بگردان برای نعمتهای خود

مِنَ الشَّاكِرِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَرَّفَنَا فَضْلَ

از شکرگذاران ای مهربانترین مهربانان حمد خدا را که شناسانید ما را فضل

هَذَا الْيَوْمِ وَبَصَّرَنَا حُرْمَتَهُ وَكَرَّمَنَا بِهِ وَشَرَّفَنَا بِمَعْرِفَتِهِ

این روز و بینا کرد ما را بحرمت او و اکرام کرد ما را بآن و بزرگ کرد ما را بمعرفت آن

هَدَانَا بِنُورِهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْكُمَا وَعَلَى عِتْرَتِكُمَا

و راه نمود ما را بنور آن ای رسول خدا ای پادشاه مؤمنان بر شما و بر خویشان شما

وَعَلَى مُحِبِّيكُمَا مِنِّي أَفْضَلُ السَّلَامِ مَا بَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ بِكُمَا

و بر دوستان شما از من بهترین درود مادام که پاینده است شب و روز بشما

أَتَوَجَّهُ إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمَا فِي نَجَاحِ طَلِبَتِي وَقَضَاءِ حَوَائِجِي

رو میکنم بسوی خدا پروردگار من و پروردگار شما در روا شدن طلب من و برآوردن حاجات من

وَتَيْسِيرِ أُمُورِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ

و آسان شدن کارهای من خدایا من میخواهم ترا بحق محمد و آل محمد اینکه

تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَلْعَنَ مَنْ جَحَدَ حَقَّ هَذَا الْيَوْمِ

رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه نفرین کنی آنرا که انکار کرد حق این روز را

وَأَنْكَرَ حُرْمَتَهُ فَصَدَّ عَنْ سَبِيلِكَ لِإِطْفَاءِ نُورِكَ فَأَبَى اللَّهُ إِلَّا

و انکار کرد حرمتش را پس بازداشت مردم را از راه تو بجهت فرونشاندن نور تو پس نخواست خدا مگر

أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَاكْشِفْ

اینکه تمام کند نور خود را خدایا بگشا از خانواده محمد پیغمبرت و بردار از

عَنْهُمْ وَبِهِمْ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ الْكُرُبَاتِ اللَّهُمَّ امْلَأِ الْأَرْضَ بِهِمْ

ایشان و بوسیله ایشان از مؤمنان اندوه ما را خدایا پر کن زمین را بوسیله ایشان

عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا وَأَنْجِزْ لَهُمْ مَا وَعَدْتَهُمْ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ

از عدل چنانچه پر است از ظلم و ستم و روا کن برای ایشان آنچه وعده داده بدرستیکه تو خلف نمیکنی

الْمِيعَادَ واگر بعد از این دعا بتواند رو و صد مرتبه شکراً و صد مرتبه الحمد لله

بگوید و صد مرتبه یا آنچه تواند الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى إِكْمَالِ الدِّينِ وَإِتْمَامِ

حمد مر خدا را بر کامل کردن دین و تمام نمودن

النِّعْمَةِ وَرِضَى الرَّبِّ الْكَرِيمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلٰوةُ

نعمت و خشنودی پروردگار بزرگوار و حمد مر خدا را پروردگار جهانیان و درست

عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَعِتْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ بهتر خواهد بود چنانچه

بر بهترین خلق او محمد و عترت او که پاکانند سید بن باقی و کفعمی

روایت کرده اند اما شیخ مفید علیه الرحمه این زیادتی را نقل نکرده است

فصل پنجم در فضیلت و اعمال روز مباهله

است تا اخر ماه در تعیین روز مباهله میان علماء خلافست و اشهر و اقوی انست که روز بیست و چهارم است و بعضی بیست و پنجم و بعضی بیست و هفتم و بعضی بیست و یکم نیز گفته اند و اگر در هر یک از اینها اعمال مستحبه را بعمل آورند بهتر است و بیست و چهارم مشهور است بیست و چهارم است و سبب فضیلت روز مباهله انستکه چون حضرت رسول صلعم رسولان فرستاد بسوی نصارای نجران که اعظم ترسایان عرب بودند و ایشان بکتب خود رجوع کردند و اوصاف حضرت رسالت را در کتب جمیع انبیاء مشاهده کردند حجت دنیا بر اکثر علمای ایشان غالب شد و ایمان نیاوردند و هفتاد نفر از علما و عظماء خود را فرستادند که صفاتیکه در کتب سابقه برای حضرت دیده اند مشاهده نمایند و بمدینه داخل شدند و صفات را موافق یافتند حضرت رسول صلعم حجتهای شافی بر ایشان تمام کرد و باز بعضی از ایشان بسبب حب ریاست و اغراض باطله مضایقه کردند در ایمان آوردن حقتعالی این ایه کریمه را فرستاد فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ یعنی پس هر که مجادله کند با تو در امر عیسی بعد از انچه امده است بسوی تو از علم و برهان و القا کردی بر ایشان و قبول نکردند پس بگو ای محمد بیائید بخوانیم پسران خود را و پسران شما را و زنان خود را و زنان شما را و جانهای خود را و جانهای شما را یعنی انها که بمنزله جان ما اند و انها که بمنزله جان شما اند پس تضرع کنیم و دعا کنیم پس بگردانیم لعنت و دوری از رحمت خدا را بر انها که دروغ گویند از ما و شما پس حضرت رسول صلعم عبائی بر دوش مبارک کردند و حضرت امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین صلوات الله علیهم را در زیر عبا داخل کرد و گفت پروردگارا هر پیغمبری را اهل بیتی بوده است که مخصوص ترین خلق بوده اند با و خداوندا اینها اهل بیت منند پس از ایشان برطرف کن شک و گناه را و پاک کن ایشان را پاک کردنی پس جبرئیل نازل شد و این ایه کریمه را در شان ایشان اورد انَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا یعنی نیست جز اینکه اراده دارد حق تعالی که زایل گرداند از شما اهل بیت بدی و شک را و پاک گرداند شما را از گناهان پاک

کردنی پس حضرت رسول علی و فاطمه و حسن و حسین صلوات الله علیهم را با خود بیرون برد از مدینه طیبه برای مباهله و چون نصاری حقیت انحضرت را دانسته بودند و بعد از ایستادن حضرت با ان بزرگواران در مقام مباهله اثار نزول عذاب در زمین و اسمان ظاهر شد و عالم بزرگ ایشان گفت بخدا سوگند که من روی چند می بینم که اگر دعا کنند کوهی از جا کنده شود خواهد شد جرات نکردند بر مباهله و استدعای مسالمه و مصالحه کردند و قبول کردند که هر سال الجزیه بدهند حضرت ایشان را نفرین نکردند و بامر الهی بر ایشان جزیه قرار داد و حضرت فرمود بخدا سوگند که هلاک و عذاب ویخته شد بر اهل نجران و اگر مباهله میکردم هر اینه همه این جماعت میمون و خوک میشدند و این وادی بر ایشان اتش میشد و سرایت میکرد بنجران و همه ترسایان میسوختند و پیش از انکه سال تمام شود همه نصاری میمردند و یک نصرانی بر روی زمین زنده نمیماند و باین سبب چندین امر بر عالمیان ظاهر شد اول حقیت انحضرت زیرا که اگر اعتماد بر حقیت خود نمیداشت خود را و عزیزترین اهل خود را در معرض مباهله بدعا نمیاورد و اگر ان جماعت حقیت انحضرت بر ایشان ظاهر نشده بود مباهله میکردند و مذلت و خواری جزیه را بر خود قرار نمیدادند دویم انکه ظاهر شد که ال عبا بزرگوارترین خلق بودند نزد انحضرت که از برای اظهار حقیت خود ایشان را در معرض نفرین بد در اورد زیرا که بسیار است که ادمی خود را بمهالک می افکند اما اعزه عیال خود را راضی نمیشود که در معرض خطر در اورد چنانچه صاحب کشاف و غیر او از متعصبان سنیان باین اعتراف نموده اند سیم انکه حسن و حسین صلوات الله علیهما فرزند حقیقی انحضرت اند و رتبه ایشان از سایر صحابه بیشتر بوده است نزد خدا و رسول با ان صغر سن چهارم انکه حضرت فاطمه صلوات الله علیها بهترین زنان بوده از ازواج و سایر قرابات بان حضرت اخص و اقرب بوده و منزلت او نزد حقتعالی از همه بیشتر پنجم انکه باتفاق عامه و خاصه حضرت امیر المؤمنین در مباهله داخل بود و داخل ابناء و نساء نیست پس باید داخل انفسنا باشد و حقیقت در اینجا مراد نمیتواند بود زیرا که اتحاد دو نفس محال است پس مراد انستکه اختصاص انحضرت بحضرت رسالت و کمالات و صفات بمرتبه بود که بمنزله نفس و جان انحضرت بود پس هر کمالی که در حضرت رسول صلعم بود باید که در انحضرت باشد بغیر پیغمبری پس باید که افضل باشد از جمیع صحابه و جمیع پیغمبران

بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الذی

بغیر آنحضرت و باید که مخصوص ترین خلق باشد با نحضرت و اعز خلق باشد نزد او و در روایات مفصل این قصه شریفه و فواید یکه از ان مستفاد است در کتاب حیوة القلوب ذکر کرده ام و این رساله گنجایش ذکر انها ندارد و از جمله امور دیگر که در روز بیست و چهارم واقع شده و موجب فضل ان گردیده انستکه در این روز حضرت امیر المؤمنین ع در رکوع نماز انگشتر خود را بسائل بخشید و این ایه کریمه نازل شد و امامت انحضرت بر اصحاب بصیرت هویدا گردید اِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللّٰهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلٰوةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكٰوةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ یعنی نیست ولی بامر شما و مالک اختیار شما مگر خدا و رسول او و انها که ایمان اورده اند و نماز را برپا میدارند و چنانچه باید بجا میاورند و زکوة میدهند در رکوع و این ایه نص صریحیست بر امامت انحضرت چنانچه در سایر کتب ذکر کرده ام و در این روز غسل سنت است و زیارت حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه را در این روز ذکر کرده ام و خواندن زیارت جامعه مناسبست و روزه این روز مستحبست و تاسی بمولای خود امیر المؤمنین ع کردن در تصدق بر فقرا و ارباب حاجات انچه مقدور و میسر باشد مطلوبست و اعمال این روز مبارک بسیار است **اول** انکه شیخ طوسی رحمه الله از حضرت صادق ع روایت کرده است که در روز پیش از زوال به نیم ساعت دو رکعت نماز بکند برای شکر مباهله و در هر رکعت بعد از سوره حمد ده مرتبه از سوره قل هو الله احد و ایة الکرسی تا هم فیها خالدون و انا انزلناه را ده مرتبه بخواند و اگر این نماز را بعمل اورد نزد حقتعالی برابر است با صد هزار حج و صد هزار عمره و هر حاجت از حاجتهای دنیا و اخرت از حقتعالی سؤال کند البته براورده شود هر چند عظیم باشد انشاء الله و این نماز همان نماز است که در اعمال روز عید غدیر مذکور شد **عمل دویم** از اعمال این روز دعائی استکه شیخ طوسی و سید ابن طاوس قدس الله روحهما بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع روایت کرده اند و ان حضرت از پدر بزرگوار خود امام محمد باقر ع روایت کرده است که انحضرت فرمود که اگر بگویم که در این دعا اسم اعظم حقتعالی هست هر اینه راست گفته ام و اگر مردم بدانند که این دعا در اجابت چگونه تاثیر مینماید البته بهر نحو که مقدور باشد سعی نمایند در تحصیل ان هر چند باید که قتال کنند و مرا هر حاجت که عارض میشود این دعا میخوانم و بعد از ان حاجت خود را میطلبم و البته مستجاب میگردد و این دعائی استکه در وقتیکه ایه مباهله نازل شد جبرئیل از جانب خداوند جلیل بر حضرت سید رسل نازل شد و این

دعارا اورد و گفت برای مباهله بیرون رو و وصی خود علی بن ابیطالب ع و سیده نسا فاطمه زهرا و دو نور دیده و فرزندان پسندیده خود حسن و حسین صلوات الله علیهم را با خود ببر و این دعا بخوان و با ترسایان مباهله کن و بر ایشان نفرین کن پس حضرت صادق ع گفت که هر گاه این دعا را بخوانید جهد کنید و سعی نمائید در دعا و تضرع و این دعا را شفیع خود گردانید در حاجتها و از کسیکه اهلش نباشد از سفیهان و منافقان پنهان دارید و بایشان تعلیم منمائید که از علمهای مخزونست و هر کس قابل این گوهر گرانمایه نیست و دعا اینست اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ بِاَبْهَاهُ وَكُلُّ

خدایا من میخوانم ترا از نیکوئی تو به نیکوتران و همه

بَهَائِكَ بَهِيٌّ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِبَهَائِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي

نیکوئی تو نیکواست خدایا من میخوانم ترا بنیکوئی تو همه آن خدایا من

اَسْئَلُكَ مِنْ جَلَالِكَ بِاَجَلِّهِ وَكُلُّ جَلَالِكَ جَلِيلٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي

میخوانم ترا از بزرگی تو ببزرگتران و همه بزرگی تو بزرگست خدایا من

اَسْئَلُكَ بِجَلَالِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ بِاَجْمَلِهِ وَ

میخوانم ترا ببزرگی تو همه آن خدایا من میخوانم ترا از نیکی تو بنیکوتران و

كُلُّ جَمَالِكَ جَمِيلٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِجَمَالِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَدْعُوكَ

همه خوبی تو خوبست خدایا من میخوانم ترا بخوبی تو همه آن خدایا من میخوانم ترا

كَمَا اَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ

همچنانکه امر فرمودی مرا پس اجابت کن مرا همچنانکه وعده دادی مرا خدایا من میخوانم ترا از بزرگی تو

بِاَعْظَمِهَا وَكُلُّ عَظَمَتِكَ عَظِيمَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِعَظَمَتِكَ كُلِّهَا

ببزرگتران و همه بزرگی تو بزرگست خدایا من میخوانم ترا ببزرگی تو همه آن

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ نُورِكَ بِاَنْوَرِهِ وَكُلُّ نُورِكَ نَيِّرٌ اَللّٰهُمَّ

خدایا من میخوانم ترا از روشنی تو بروشناتران و همه روشنائی تو روشنست خدایا

اِنِّي اَسْئَلُكَ بِنُورِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ بِاَوْسَعِهَا

من میخوانم ترا بنور تو همه آن خدایا من میخوانم ترا از رحمت تو که فراگیرنده است

وَكُلُّ رَحْمَتِكَ وَاسِعَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ كُلِّهَا اَللّٰهُمَّ

و همه رحمت تو فراگیرنده است خدایا من میخوانم ترا برحمت تو همه آن خدایا

دعای روز جمعه

إنّي أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهمّ

من میخوانم ترا هم چنانکه امر فرمودی مرا پس اجابت کن مرا هم چنانکه وعده دادی مرا خدایا

إنّي أسئلك من كمالك بأكمله وكلّ كمالك كامل اللهمّ

من میخوانم تو را از کمال تو بکاملترش و همه کمال تو کاملست خدایا

إنّي أسئلك بكمالك كلّه اللهمّ إنّي أسئلك من كلماتك

من میخوانم تو را بکمال تو همه‌اش خدایا من میخوانم تو را از سخنان تو

بأتمّها وكلّ كلماتك تامّة اللهمّ إنّي أسئلك بكلماتك

بتمامترش و همه سخنان تو تمام است خدایا من میخوانم تو را بکمال تو

كلّها اللهمّ إنّي أسئلك من أسمائك بأكبرها وكلّ أسمائك

همه‌اش خدایا من میخوانم تو را از نامهای تو ببزرگترش و همه نامهای تو

كبيرة اللهمّ إنّي أسئلك بأسمائك كلّها اللهمّ إنّي أدعوك

بزرگست خدایا من میخوانم تو را بنامهای تو همه‌اش خدایا من میخوانم تو را

كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهمّ إنّي أسئلك من عزّتك

هم چنانکه امر فرمودی مرا پس اجابت کن مرا هم چنانکه وعده دادی مرا خدایا من میخوانم تو را از عزت تو

بأعزّها وكلّ عزّتك عزيزة اللهمّ إنّي أسئلك بعزّتك كلّها

بعزیزترش و همه عزت تو عزیز است خدایا من میخوانم تو را بعزت تو همه‌اش

اللهمّ إنّي أسئلك من مشيّتك بأمضاها وكلّ مشيّتك ماضية

خدایا من میخوانم ترا از خواست تو بگذرنده‌ترش و همه خواست تو درگذرنده است

اللهمّ إنّي أسئلك بمشيّتك كلّها اللهمّ إنّي أسئلك بقدرتك

خدایا من میخوانم ترا بمشیت تو همه‌اش خدایا من میخوانم تو را بتوانائی تو

التي استطلت بها على كلّ شيء وكلّ قدرتك مستطيلة اللهمّ

که استیلا دادی او را بر هر چیزی و همه قدرت تو استیلا دارنده است خدایا

إنّي أسئلك بقدرتك كلّها اللهمّ إنّي أدعوك كما أمرتني

من میخوانم ترا بتوانائی تو همه‌اش خدایا من میخوانم تو را هم چنانکه امر فرمودی مرا

فاستجب لي كما وعدتني اللهمّ إنّي أسئلك من علمك بأنفذه وكلّ

پس اجابت کن مرا هم چنانکه وعده دادی مرا خدایا من میخوانم تو را از دانش تو بروانترش و همه

دعاء تعقيب

بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله كلمة المعتصمين ومقالة المتحرّزين وأعوذ بالله تعالى من جور الجائرين وكيد الحاسدين وبغي الظالمين وأحمده فوق حمد الحامدين اللهمّ أنت الواحد بلا شريك والملك بلا تمليك لا تضادّ في حكمك ولا تنازع في ملكك أسئلك أن تصلّي على محمّد وآل محمّد عبدك ورسولك وأن توزعني من شكر نعماك ما تبلغ بي غاية رضاك وأن تعينني على طاعتك ولزوم عبادتك واستحقاق

علمك نافذ اللهمّ إنّي أسئلك بعلمك كلّه اللهمّ إنّي أسئلك

دانش تو روانست خدایا من میخوانم تو را بدانش تو همه‌اش خدایا من میخوانم ترا

من قولك بأرضاه وكلّ قولك رضيّ اللهمّ إنّي أسئلك بقولك

از گفتار تو به پسندیده‌ترش و همه قول تو پسندیده است خدایا من میخوانم ترا از گفتار تو

كلّه اللهمّ إنّي أسئلك من مسائلك بأحبّها وكلّ مسائلك إليك

همه‌اش خدایا من میخوانم ترا از پرسشهای تو بدوست‌ترش و همه مسائل بسوی تو

حبيبة اللهمّ إنّي أسئلك بمسائلك كلّها اللهمّ إنّي أدعوك

دوست داشته شده خدایا من میخوانم ترا بمسائل تو همه‌اش خدایا من میخوانم تو را

كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهمّ إنّي أسئلك من شرفك

هم چنانکه امر کردی مرا پس اجابت کن مرا هم چنانکه وعده دادی مرا خدایا من میخوانم تو را از بزرگی تو

بأشرفه وكلّ شرفك شريف اللهمّ إنّي أسئلك بشرفك كلّه

ببزرگترش و همه بزرگی تو بزرگست خدایا من میخوانم تو را ببزرگی تو همه‌اش

اللهمّ إنّي أسئلك من سلطانك بأدومه وكلّ سلطانك

خدایا من میخوانم ترا از پادشاهی تو بهمیشه بودن‌ترش و همه پادشاهی تو

دائم اللهمّ إنّي أسئلك بسلطانك كلّه اللهمّ إنّي أسئلك

دائم است خدایا من میخوانم تو را بپادشاهی تو همه‌اش خدایا من میخوانم تو را

من ملكك بأفخره وكلّ ملكك فاخر اللهمّ إنّي أسئلك

از پادشاهی تو بعظیم‌ترش و همه پادشاهی تو عظیم است خدایا من میخوانم تو را

بملكك كلّه اللهمّ إنّي أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما و

بپادشاهی تو همه‌اش خدایا من میخوانم تو را چنانکه امر فرمودی پس اجابت کن مرا چنانکه

عدتني اللهمّ إنّي أسئلك من علائك بأعلاه وكلّ علائك

وعده دادی مرا خدایا من میخوانم ترا از بلندی تو ببلندترش و همه بلندی تو

عال اللهمّ إنّي أسئلك بعلائك كلّه اللهمّ إنّي أسئلك

بلندست خدایا من میخوانم ترا ببلندی تو همه‌اش خدایا من میخوانم تو را

من آياتك بأعجبها وكلّ آياتك عجيبة اللهمّ إنّي أسئلك بآياتك

از آیات تو بشگفت‌ترش و همه آیات تو شگفت است خدایا من میخوانم تو را بآیات تو

بلطف عنايتك وترحمني بصدّك عن معاصيك ما أحييتني وتوفّقني لما ينفعني ما أبقيتني وأن تشرح بكتابك صدري وتحطّ بتلاوته وزري وتمنحني السلامة في ديني ونفسي ولا توحش بي أهل أنسي وتتمّ إحسانك فيما بقي من عمري كما أحسنت فيما مضى منه يا أرحم الراحمين وصلّى الله على خير خلقه محمّد وآله الطاهرين

دعاء تعقيب مشترك

در کافی از امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که کسیکه نماز دیگر بخواند و تا نماز دیگر تعقیب بخواند مهمان خداست و حق است بر خدا که مهمان خود را اکرام فرماید

مرویست از امیر المؤمنین و از آنحضرت است که هرکه قصد سفر کند یا در طلب روزی ... از آنحضرت ... در ...

کُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ مِنْ مَنِّکَ بِاَقْدَمِهِ وَکُلُّ مَنِّکَ قَدیمٌ
همه آنها خدایا من میخوانم ترا از نعمت تو بدیرینه‌تران و همه نعمت تو دیرینه است

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِمَنِّکَ کُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَدْعُوکَ کَما اَمَرْتَنی
خدایا من میخوانم ترا بنعمتهای تو همه آن خدایا من میخوانم ترا چنانچه امر نمودی

فَاسْتَجِبْ لی کَما وَعَدْتَنی اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِما اَنْتَ مِنَ الشُّؤُنِ
پس اجابت کن مرا چنانچه وعده دادی مرا خدایا من میخوانم ترا بانچه تو بانچه بوده‌ای در آن

وَالْجَبَرُوتِ اَللّٰهُمَّ وَاِنّی اَسْئَلُکَ بِکُلِّ شَأْنٍ وَکُلِّ جَبَرُوتٍ اَللّٰهُمَّ
و بزرگی خدایا و من میخوانم ترا بهر کاری و هر بزرگی که مر تو راست خدایا

وَاِنّی اَسْئَلُکَ بِما تُجیبُنی بِهِ حینَ اَسْئَلُکَ یا اَللّٰهُ یا لا اِلٰهَ اِلّا
و من میخوانم ترا بانچه اجابت کنی مرا بآن وقتیکه میخوانم ترا ای خدا ای انکه نیست خدائی مگر

اَنْتَ اَسْئَلُکَ بِبَهاءِ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اَسْئَلُکَ بِجَلالِ لا اِلٰهَ اِلّا
تو سؤال میکنم تو را بنیکی نیست خدائی مگر تو میخوانم ترا بجلال تو نیست خدائی مگر

اَنْتَ یا لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اَسْئَلُکَ بِلا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَدْعُوکَ
تو ای انکه نیست خدائی مگر تو میخوانم بانکه نیست خدائی مگر تو خدایا من میخوانم ترا

کَما اَمَرْتَنی فَاسْتَجِبْ لی کَما وَعَدْتَنی اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ مِنْ رِزْقِکَ
چنانچه امر کردی مرا پس اجابت کن مرا چنانچه وعده دادی مرا خدایا من میخوانم ترا از روزی تو

بِاَعَمِّهِ وَکُلُّ رِزْقِکَ عامٌّ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِرِزْقِکَ کُلِّهِ
بشاملتران و تمام روزی تو شامل است خدایا من میخوانم ترا بروزی تو همه آن

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ مِنْ عَطائِکَ بِاَهْنَئِهِ وَکُلُّ عَطائِکَ هَنیءٌ
خدایا من میخوانم ترا از بخشش تو بگواراتران و همه بخشش تو گواراست

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِعَطائِکَ کُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ مِنْ
خدایا من میخوانم ترا ببخشش تو همه آن خدایا من میخوانم ترا از

خَیْرِکَ بِاَعْجَلِهِ وَکُلُّ خَیْرِکَ عاجِلٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِخَیْرِکَ
نیکوی تو بشتابنده‌تران و همه نیکی تو شتابنده است خدایا من میخوانم ترا بنیکی تو

کُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ مِنْ فَضْلِکَ بِاَفْضَلِهِ وَکُلُّ فَضْلِکَ فاضِلٌ
همه آن خدایا من میخوانم ترا از زیادتی دهش تو بزیادتران و همه زیادتی تو زیاد تر است

بجوان خداوند عزوجل میفرماید انّ الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم داخرین و فرموده است ادعونی استجب لکم و فرموده امام جعفر علیه السلام وقتی خواستی حاجتی بجوئی خداوند تعالی را حمد او نما و تسبیح و تهلیل بگو و ثنا گوی خداوند را و صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله بفرست پس سؤال کن از خدای سبحانه تا عطا فرماید و از حضرت مرویست کسیکه تسبیح فاطمه زهراء صلوات الله علیها را بگوید پیش از آنکه پاهای خود را بگرداند از نماز فریضه

تا فلماست حتی عرمود بجون فضل غضب بود دعا بعد از نماز فلا هم دعا بعد از نماز فریضه بود از اعضر مرد مستحب دعا خواند نما باید درکار باشمان بلند نماید در دو از نماز فارغ شد باید دست علیه السلام فرمود وقتی

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِفَضْلِکَ کُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَدْعُوکَ کَما
خدایا من میخوانم ترا بزیادتی تو همه آن خدایا من میخوانم ترا چنانکه

اَمَرْتَنی فَاسْتَجِبْ لی کَما وَعَدْتَنی اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
امر کردی مرا پس اجابت کن مرا چنانچه وعده دادی مرا خدایا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

وَابْعَثْنی عَلَی الْاِیمانِ بِکَ وَالتَّصْدیقِ بِرَسُولِکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ
و برانگیزان مرا بر ایمان آوردن بتو و تصدیق کردن برسول تو بر او و آل او

السَّلامُ وَالْوِلایَةِ لِعَلِیِّ بْنِ اَبی طالِبٍ وَالْبَرائَةِ مِنْ عَدُوِّهِ وَ
درود و دوستی مر علی پسر ابوطالب و بیزاری از دشمنان او و

الْاِیتِمامِ بِالْاَئِمَّةِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِمُ السَّلامُ فَاِنّی قَدْ رَضیتُ
پیروی کردن پیشوایان از آل محمد بر ایشان درود پس من خوشنودم

بِذٰلِکَ یا رَبِّ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَرَسُولِکَ فِی الْاَوَّلینَ
باین ای پروردگار من رحمت فرست بر محمد بنده تو و رسول تو در پیشینیان

وَصَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِی الْآخِرینَ وَصَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
و رحمت فرست بر محمد و آل محمد در پسینیان و رحمت فرست بر محمد و آل او

فِی الْمَلَاءِ الْاَعْلیٰ وَصَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِی الْمُرْسَلینَ اَللّٰهُمَّ
در محل برتری و رحمت فرست بر محمد و آل او در فرستادگان خدایا

اَعْطِ مُحَمَّداً الْوَسیلَةَ وَالشَّرَفَ وَالْفَضیلَةَ وَالدَّرَجَةَ الْکَبیرَةَ
بده محمد را وسیله و شرف و فضیلت و درجه بزرگ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَقَنِّعْنی بِما رَزَقْتَنی وَبارِکْ
خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و خوشنود کن مرا بانچه روزی کرده مرا و برکت

لی فیما اَعْطَیْتَنی وَاحْفَظْنی فی غَیْبَتی وَفی کُلِّ غائِبٍ هُوَ لی
ده مرا در انچه داده مرا و نگاهدار مرا در نهانی من و در هر غایبی او مراست

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَسْئَلُکَ خَیْرَ الْخَیْرِ رِضْوانَکَ
خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و سؤال میکنم تو را بهتر از بهتری که خوشنودی تو

وَالْجَنَّةَ وَاَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ الشَّرِّ سَخَطِکَ وَالنّارِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
و بهشت را و پناه میبرم بتو از بدی هر بدی خشم تو و آتش است خدایا رحمت فرست

تسبیح منبعود را بگوید بی لا اله الا الله ... مستغفر بگوید فضل و فقد سبحانه او را بیامرزد و از امام محمد باقر ... مرویست کسیکه ... از نماز فریضه پیش از آنکه پاهای خود را بگرداند بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم ذو الجلال و الاکرام و اتوب الیه سه مرتبه خداوند عزوجل گناهان او را بیامرزد و از امام جعفر صادق علیه السلام مرویست کسیکه ایمان بخدا و روز جزا دارد ترک نکند خواندن سوره توحید را بعد از هر نماز فریضه چه هر کس آنرا بخواند خداوند عزوجل جمع فرماید برای او خیر دنیا و آخرت را و بیامرزد او را و والدین او را و اولاد او را و از آنحضرت مرویست ترک مکنید در عقب هر نماز خواندن

و ما رزقنی و اعتذر نفسی تا آخر سوره الصمد الاحد الواحد ربی بالله و ما رزقنی اعتذر نفسی خواندن

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ احْفَظْنى مِنْ كُلِّ مُصيبَةٍ وَ مِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ

بر محمد وآل محمد ونگهدار مرا از هر مصیبتی واز هر بلائی

وَ مِنْ كُلِّ عُقُوبَةٍ وَ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ وَ مِنْ كُلِّ بَلاءٍ وَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ

واز هر عقوبتی واز هر فتنه واز هر بلائی واز هر شری

وَ مِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ وَ مِنْ كُلِّ آفَةٍ نَزَلَتْ اَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّمآءِ اِلَى

واز هر مکروهی واز هر آفتی که فرود آمده یا فرود میاید از آسمان بسوی

الْاَرْضِ فى هٰذِهِ السّاعَةِ وَ فى كُلِّ ساعَةٍ وَ فى هٰذِهِ اللَّيْلَةِ وَ

زمین در این ساعت ودر هر ساعتی ودر این شب و

فى هٰذَا الْيَوْمِ وَ فى هٰذَا الشَّهْرِ وَ فى هٰذِهِ السَّنَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

در این روز ودر این ماه ودر این سال خدایا رحمت فرست

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اقْسِمْ لى مِنْ كُلِّ سُرُورٍ وَ مِنْ كُلِّ بَهْجَةٍ

بر محمد وآل محمد وروزی ده مرا از هر خوشحالی واز هر سروری

وَ مِنْ كُلِّ اسْتِقامَةٍ وَ مِنْ كُلِّ فَرَجٍ وَ مِنْ كُلِّ عافِيَةٍ وَ مِنْ كُلِّ

واز هر راستی واز هر فرجی واز هر عافیتی واز هر

سَلامَةٍ وَ مِنْ كُلِّ كَرامَةٍ وَ مِنْ كُلِّ رِزْقٍ واسِعٍ حَلالٍ طَيِّبٍ وَ

سلامتی واز هر کرامتی واز هر روزی فراخ حلال پاکی

مِنْ كُلِّ نِعْمَةٍ وَ مِنْ كُلِّ سَعَةٍ نَزَلَتْ اَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّمآءِ اِلَى

واز هر نعمتی واز هر گشایشی که فرود آمده یا فرود آید از آسمان بسوی

الْاَرْضِ فى هٰذِهِ السّاعَةِ وَ فى كُلِّ ساعَةٍ وَ فى هٰذِهِ اللَّيْلَةِ وَ

زمین در این ساعت ودر هر ساعتی ودر این شب و

فى هٰذَا الْيَوْمِ وَ فى هٰذَا الشَّهْرِ وَ فى هٰذِهِ السَّنَةِ اَللّٰهُمَّ اِنْ

در این روز ودر این ماه ودر این سال خدایا اگر

كانَتْ ذُنُوبى قَدْ اَخْلَقَتْ وَجْهى عِنْدَكَ وَ حالَتْ بَيْنى وَ بَيْنَكَ

بوده باشد گناهان من که کهنه کرده باشد روی مرا نزد تو وحایل شده میان من ومیان تو

وَ غَيَّرَتْ حالى عِنْدَكَ فَاِنّى اَسْئَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذى لا يُطْفَأُ

وتغییر داده باشد حال مرا نزد تو پس من سؤال میکنم ترا بروشنی ذات تو که نمیشود خاموش

وللذي واهلي وذاري وكل ما هو مني بالله الواحد الاحد الصمد الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد واحرز نفسي ومالي وولدي وكل ما هو مني برب الفلق من شر ما خلق تا آخر سوره وبرب الناس تا آخر سوره و بالله لا اله الا هو الحي القيوم تا آخر سوره وروايت شده از ابن ابرهيم بعض ائمه عليهم السلام نوشت كه دعائى بمن تعليم فرما كه عقيب نمازها بخوانم كه خداى عزوجل براى

من [illegible]

احرز نفسي ومالي و ... خانه اش ومال او وفرزندش محفوظ گردد خود وى و ... نزد هر غائبى كه ... لكن بايست كه ... تا آخر سوره و از آخرت ... برب الناس ... سوره و اعيذ نفسي و ... برب الفلق تا آخر

وَ بِوَجْهِ مُحَمَّدٍ حَبيبِكَ الْمُصْطَفىٰ وَ بِوَجْهِ وَلِيِّكَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضىٰ وَ

وبذات محمد دوست تو برگزیده وبذات ولی تو علی مرتضی

بِحَقِّ اَوْلِيائِكَ الَّذينَ انْتَجَبْتَهُمْ اَنْ تُصَلِّىَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ

بحق دوستان تو آنانکه برگزیدی اینکه رحمت فرستی بر محمد وآل محمد واینکه

تَغْفِرَ لى ما مَضىٰ مِنْ ذُنُوبى وَ اَنْ تَعْصِمَنى فيما بَقِىَ مِنْ عُمْرى

بیامرزی مرا آنچه گذشته از گناهان من واینکه نگهداری مرا در آنچه باقیمانده از عمر من

وَ اَعُوذُ بِكَ اَللّٰهُمَّ اَنْ اَعُودَ فى شَىْءٍ مِنْ مَعاصيكَ اَبَداً ما

وپناه میبرم بتو خدایا اینکه برگردم در چیزی از نافرمانیهای تو هرگز مادام

اَبْقَيْتَنى حَتّٰى تَتَوَفّانى وَ اَنَا لَكَ مُطيعٌ وَ اَنْتَ عَنّى راضٍ وَ اَنْ تَخْتِمَ

باقی داری مرا تا اینکه بمیرانی مرا ومن برای تو فرمانبردارم وتو از من خوشنودی و تمام کنی

لى عَمَلى بِاَحْسَنِهِ وَ تَجْعَلَ لى ثَوابَهُ الْجَنَّةَ وَ اَنْ تَفْعَلَ بى ما اَنْتَ

برای من کردار مرا بخوبی واینکه بگردانی برای من پاداش آنرا بهشت واینکه بکنی با من چیزیکه تو

اَهْلُهُ يا اَهْلَ التَّقْوىٰ وَ يا اَهْلَ الْمَغْفِرَةِ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ

سزاوار آنی ای سزاوار پرهیزکاری وای سزاوار آمرزش رحمت فرست بر محمد و

آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْحَمْنى بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ و بعد از آن هر

آل محمد ورحم کن بر من برحمت تو ای رحم کننده رحم کنندگان حاجت که داری

از حقتعالی طلب کن که انشاء الله بر آورده است **مؤلف گوید** که خواندن این دعا در روز مباهله انسب است وشیخ طوسی نیز در این روز روایت کرده واز روایات مذکوره معلوم می شود که در همه وقت میتوان خواندن ودر دعا اختلافی هست میان روایات وآنچه در اینجا ذکر شده موافق روایت شیخ است ودر روایت دیگر دعا با ترجمه در رساله دیگر ایراد نموده ام وشبیه باین دعا در سحرهای ماه مبارک رمضان ودر روزها ان نیز وارد شده است با فضیلت بسیار واز عظیم ترین دعاها است **عمل سیم** آنستکه شیخ طوسی و دیگران بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر صلوات الله علیه روایت کرده اند که روز مباهله روز بیست و چهارم ماه ذی الحجه است ودر این روز آنچه خواهی از نماز بکن و هر دو رکعت نماز که بکنی بعد از آن هفتاد مرتبه اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبّى وَ اَتُوبُ اِلَيْهِ بگو پس می ایستی و بموضع سجود خود نظر میکنی و این دعا را میخوانی و باید که با غسل باشی و بروایت دیگر

الكريم وغضب الرحمن ... لا تنام وقد ... لا ينبغي ... من ... الدنيا والآخرة ... ومن ... كلها ... وفوق الا بامر العلي العظيم واز امام محمد

باقر عليه السلام گفت هر كه بخواهد كند از دعاها پس از فريضه اينست بگويد اللهم اني اسئلك من كل خير احاط به علمك واعوذ بك من كل شر احاط به علمك اللهم اني اسئلك عافيتك في اموري كلها واعوذ بك من خزي الدنيا وعذاب الآخرة در كافي از زراره از امام محمد باقر عليه السلام منقول است فرمود جبرئيل را ... مكنيد ... در عقيب هر نماز ... داشتم ... فرمود آن خداوند

عزوجل است ... مستلزم ... بهشت ... دنيا مرا ... حتى ... واز امام جعفر صادق عليه السلام

فرمود که روز بیست و چهارم روز مباهله است باید که این روز را روزه بداری برای شکر حقتعالی بر این نعمت عظمی و غسل بکن و پاکیزه ترین جامه های خود را بپوش و با هر چه توانی از بوی خوش خود را خوشبو کن و باید که با آرام دل و آرام تن باشی و اگر در یکی از مشاهد مشرفه باشی نزد آن ضریح مقدس حاضر شوی و الا بجای خلوتی برو یا بر کوهی بلند برائی یا بصحرائی بروی و باید که از منزل خود بیرون روی و غسل کند و بهترین جامه های خود را بپوشد و چون بمحل دعا خواندن داخل شود دو رکعت نماز بکند با آداب و شرایط و بعد از سلام هفتاد مرتبه استغفار کند پس پا بایستد و بجانب آسمان نظر کند و این دعا را بخواند و بعد از آن فرمود که پس هر دعائیکه خواهی بکنی یا دو رکعت نماز بکن و دعا اینست

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمینَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ فاطِرِ السَّمٰواتِ وَ الْاَرْضِ

حمد خدا را که پروردگار جهانیانست حمد خدا را که پدید آورنده آسمانها و زمین است

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی لَهُ ما فِی السَّمٰواتِ وَ الْاَرْضِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ

حمد خدا را که [از او است آنچه در] آسمانها و زمین را حمد خدا را

الَّذی خَلَقَ السَّمٰواتِ وَ الْاَرْضَ وَ جَعَلَ الظُّلُماتِ وَ النُّورَ

که آفرید آسمانها و زمین و قرار داد تاریکیها و روشنی را

ثُمَّ الَّذینَ کَفَرُوا بِرَبِّهِمْ یَعْدِلُونَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی عَرَّفَنی

پس آنانکه کافر شدند بپروردگارشان برمیگردند حمد خدا را که شناسانید مرا

ما کُنْتُ بِهِ جاهِلاً وَ لَوْ لا تَعْریفُهُ اِیّایَ لَکُنْتُ هالِکاً اِذْ قالَ

آنچه بودم بآن نادان و اگر نبود شناسانیدن او مرا هر آینه بودم هلاک شدگان که گفت

وَ قَوْلُهُ الْحَقُّ قُلْ لا اَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ اَجْراً اِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی

که گفته او راستاست بگو نمیخواهم از شما بر آن مزدی مگر دوستی در القربی را

فَبَیَّنَ لِیَ الْقَرابَةَ وَ قالَ سُبْحانَهُ اِنَّما یُریدُ اللّٰهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ

پس آشکار نمود برای من خویشی را و گفت منزه است او جز این نیست که اراده کرد خدا ببرد از شما

الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهیراً فَبَیَّنَ لِی اَهْلَ الْبَیْتِ

بدیها را ای خاندان رسالت و پاک کرد شما را پاک کردنی پس آشکار کرد برای من خاندان پیمبر را

بَعْدَ الْقَرابَةِ ثُمَّ قالَ تَعالی مُبَیِّناً عَنِ الصّادِقینَ الَّذینَ

پس از خویشی پس گفت تعالی در حالتیکه ظاهر کننده است از راستگویان که فرمودند

لم دیت سبحان است که بعد از نماز بگو اللهم اعتقنی من النار و ادخلنی الجنة و زوجنی من الحور العین آنگاه بگو بیدعو کلاه بنده تو فلان عفو داد منی آزاد کن تو فلان را از آتش بنده تو فلان را دخول بهشت میکوید روزی بنده تو فلان را در خواست نمود او را از من ... حور العین کوید پروردگارا بنده تو فلان را خواستگاری از تو نمود تزویج نما او را با ما و اگر از نماز منصرف شد و این مهمات را در خواست ننمود حور العین کویند این بنده ما نیز رغبت ... و بهشت کوید این بنده بمن رغبت داشت و آتش کوید این بنده بمن جاهل است و در تهذیب از آنحضرت مروی است بگو بعد از سلام الله اکبر لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر لا اله الا الله ...

اَمَرَنا بِالْکَوْنِ مَعَهُمْ وَ الرَّدِّ اِلَیْهِمْ بِقَوْلِهِ سُبْحانَهُ یا اَیُّهَا الَّذینَ

فرمود ما را ببودن با ایشان و برگردانید بسوی ایشان بقول خداوند ای کسانیکه

آمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَ کُونُوا مَعَ الصّادِقینَ فَاَوْضَحَ عَنْهُمْ وَ اَبانَ

ایمان آوردید بترسید از خدا و باشید با راست گویان پس ظاهر کرد بر ایشان و ظاهر کرد

عَنْ صِفَتِهِمْ بِقَوْلِهِ جَلَّ ثَناؤُهُ فَقُلْ تَعالَوْا نَدْعُ اَبْناءَنا وَ اَبْناءَکُمْ

مدح ایشان را بقول خویش که بزرگست مدح او پس بگو بیائید تا بخوانیم پسران خود را و پسران شما را

وَ نِساءَنا وَ نِساءَکُمْ وَ اَنْفُسَنا وَ اَنْفُسَکُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ

و زنان خود را و زنان شما را و نفسهای خود را و نفسهای شما را پس زاری کنیم پس قرار دهیم لعنت

اللّٰهِ عَلَی الْکاذِبینَ فَلَکَ الشُّکْرُ یا رَبِّ وَ لَکَ الْمَنُّ حَیْثُ هَدَیْتَنی

خدا را بر دروغگویان پس تو راست شکر ای پروردگار و تو راست منت آنجا که راه نمودی مرا

وَ اَرْشَدْتَنی حَتّی لَمْ یَخْفَ عَلَیَّ الْاَهْلُ وَ الْبَیْتُ وَ الْقَرابَةُ فَعَرَّفْتَنی

و براه صواب داشتی مرا تا پنهان نماند بر من کسان من و اهل خانه و خویشان و دانا کردی مرا

نِساءَهُمْ وَ اَوْلادَهُمْ وَ رِجالَهُمْ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَتَقَرَّبُ اِلَیْکَ بِذٰلِکَ

بزنان ایشان و اولاد ایشان و مردان ایشان خدایا من نزدیکی میجویم بسوی تو باین

الْمَقامِ الَّذی لا یَکُونُ اَعْظَمَ مِنْهُ فَضْلاً لِلْمُؤْمِنینَ وَ لا

مقام که نبوده باشد بزرگتر از آن از روی فضل از برای مؤمنان و نه

اَکْثَرَ رَحْمَةً لَهُمْ بِتَعْریفِکَ اِیّاهُمْ شَأْنَهُمْ وَ اِبانَتِکَ فَضْلَ اَهْلِهِ

بیشتر رحمت ایشان بتعریف تو با ایشان کار او را و ظاهر نمودن تو فضل اهل او را

الَّذینَ بِهِمْ اَدْحَضْتَ باطِلَ اَعْدائِکَ وَ ثَبَّتَّ بِهِمْ قَواعِدَ دینِکَ

آنانکه بایشان هلاک کردی بیهوده دشمنان خود را و ثابت کردی بایشان قاعدهای دین خود را

وَ لَوْ لا هٰذَا الْمَقامُ الْمَحْمُودُ الَّذی اَنْقَذْتَنا بِهِ وَ دَلَلْتَنا عَلی

و اگر نبودی این مقام ستوده که رهانیدی ما را بآن و راه نمودی ما را بر

اِتِّباعِ الْمُحِقّینَ مِنْ اَهْلِ بَیْتِ نَبِیِّکَ الصّادِقینَ عَنْکَ الَّذینَ

متابعت کردن بانکه حقند از کسان خانواده پیمبرت که راستگو باشند از جانب تو آنانکه

عَصَمْتَهُمْ مِنْ لَغْوِ الْمَقالِ وَ مَدانِسِ الْاَفْعالِ لَخَصَمَ اَهْلُ

نگاه داشتی ایشان را از گفتار بیهوده و کردارهای چرکین هر آینه غلبه کنند اهل

وحده اللهم فیما اختلف فیه من الحق باذنک انک تهدی من تشاء الی صراط مستقیم و ارزقنا ... محمد باقر علیه السلام روایت است که هر که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ... علیه و الدو سلم مشرف شد ... شیبه ... اشت ای پیغمبر معروض داشت ... کم از مرتبه ... ندارمی و ضعیف ... کبر السن و ضعیف ... بنماز شب از نماز ... و مانع از حج و جهاد مرا ... تعلیم نما که خدا ... از آن نفع رساند و ... آن عملی سبک باشد فرمود دو مرتبه بگو ... و تا سه مرتبه اعاده نمود پیغمبر ... اطراف تو درختی و ... کلوخی نماند مگر آنکه ... بر تو گریست از ترس ... تو و فتی نماز صبح خواندی ده مرتبه بگو سبحان الله العظیم و بحمده ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم ... که خداوند عزوجل ... تو را از کوری ... و دیوانگی ...

الاسلام وظهرت كلمة اهل الالحاد وفعل اولى العناد

اسلام واشكارا كردن سخن اهل آنانكه از حق بركشتند وكردار صاحب دشمنى

فلك الحمد ولك المن ولك الشكر على نعمائك واياديك

پس تراست حمد وتراست نعمت وتراست شكر بر نعمتهاى تو وبزرك نعمتهاى تو

اللهم صل على محمد وال محمد الذين افترضت علينا طاعتهم

خدايا رحمت فرست بر محمد وال محمد آنانكه واجب كردى برما اطاعتشانرا

وعقدت فى رقابنا ولايتهم واكرمتنا بمعرفتهم وشرفتنا

وبستى دركردنهاى ما دوستى ايشانرا وكرامى داشتى ما را بمعرفت ايشان وبزركى دادى

باتباع آثارهم وثبتنا بالقول الثابت الذى عرفوناه فاعنا

به پيروى نمودن آثار ايشان وثابت داشتى ما را بگفتار پا برجا كه شناسانيدند ما را پس يارى كن

على الاخذ بما بصروناه واجز محمدا عنا افضل الجزاء بما نصح

بر كرفتن باچه بينا كردند ما را وجزا ده محمد را از ما افزونتر جزا باچه پند داد

لخلقك وبذل وسعه فى ابلاغ رسالاتك واخطر بنفسه

مر خلق را وبخشيد طاقت او را در رسانيدن پيغامهاى تو را ودر خطر انداخت تن خود را

فى اقامة دينك وعلى اخيه ووصيه والهادى من بعده

در برپا داشتن دين تو را وبر برادر او ووصى او وراه نماينده از بعد او

الى دينه والمقيم سنته على امير المؤمنين صلوات الله عليه

بدين او وبرپا دارنده طريقه او على پادشاه مؤمنان رحمت خدا براو

وعلى الائمة من ابنائه الصادقين الذين وصلت طاعتهم

وبر پيشوايان از فرزندان او كه راست كويانند آنانكه پيوسته تو فرمانبردارى ايشانرا

بطاعتك وادخلنا بشفاعتهم دار الكرامة يا ارحم

بطاعت خود وداخل كن ما را بشفاعت ايشان بسراى كرامت اى رحم كننده ترين

الراحمين اللهم هؤلاء اصحاب الكساء والعباء يوم

رحم كنندكان خدايا اينانند ياران كليم وعبا در روز

المباهلة اللهم اجعلهم شفعاءنا واسئلك بحق ذلك

نفرين كردن اين دو فرقه خدايا بكردان ايشانرا شفيعان ما وميخوانم ترا بحق اين

المقام المحمود واليوم المشهود ان تغفر لى وتتوب على انك

مقام ستوده وروز كواهى داده شده اينكه بيامرزى مرا وبپذير از من بدرستيكه

انت التواب الرحيم اللهم انى اشهد ان ارواحهم وطينتهم

تو توبه پذير مهربانى خدايا من كواهى ميدهم كه روحهاى ايشان وذات ايشان

واحدة وهى الشجرة التى طاب اصلها وفرعها واغصانها

يكى است واين درختى است كه پاكيزه است اصل او وفرع ان وشاخهاى بزرك ان

واوراقها اللهم ارحمنا بحقهم واجرنا من مواقف الخزى

وبركهاى ان خدايا رحم كن ما را بحق ايشان وپناه ده ما را از ايستادنهاى خوارى

فى الدنيا والاخرة بولايتهم واوردنا موارد الامن من اهوال

در دنيا وآخرت بولايت ايشان ووارد كن ما را بجايكاه ايمن از ترسناكيهاى

يوم القيمة بحبهم واقرارنا بفضلهم واتباعنا آثارهم و

روز قيامت بدوستى ايشان واقرار كردن ما بفضل ايشان وپيروى كردن علامات ايشانرا

اهتدائنا بهداهم واعتقادنا ما عرفوناه من توحيدك و

وهدايت يافتنها هدايت ايشان واعتقاد كردن ما باچه شناسانيدند ما را از يكانكى تو و

وقفونا عليه من تعظيم شانك وتقديس اسمائك وشكر

ودانا كردند ما را براو از بزركى كار تو وپاكيزه داشتن نامهاى تو وسپاس

آلائك ونفى الصفات ان تحلك والعلم ان يحيط بك والوهم

نعمتهاى تو ونيست كردن صفات اينكه حلول كند ترا ودانش اينكه احاطه كند بتو وترس

ان يقع عليك فانك اقمتهم حججا على خلقك ودلائل على

اينكه واقع شود برتو پس تو برپا داشتى ايشانرا برهانها بر خلق تو وراهنماهاى بر

توحيدك وهداة تنبه على امرك وتهدى الى دينك وتوضح

توحيد تو وراه نمايندكان كه آكاهى دهند بر امر تو وراه نماينده بدين تو وروشن كننده

ما اشكل على عبادك وبابا للمعجزات التى يعجز عنها غيرك

آنچه مشكل است بر بندكان تو ودرى براى معجزهاى كه عاجز ميباشد از آنها غير تو

وبها تبين حجتك وتدعو الى تعظيم السفير بينك وبين

وبآنها ظاهر كردى برهان خود را وبخواند به بزرك سفارت پيغمبر تو درميان

خَلْقِكَ وَاَنْتَ الْمُتَفَضِّلُ عَلَيْهِمْ حَيْثُ قَرَّبْتَهُمْ مِنْ مَلَكُوتِكَ

خلق تو وتوئی تفضل کننده برایشان وقتی که نزدیک دادی ایشانرا از پادشاهی تو

وَاخْتَصَصْتَهُمْ بِسِرِّكَ وَاصْطَفَيْتَهُمْ لِوَحْيِكَ وَاَوْرَثْتَهُمْ غَوامِضَ

ومخصوص ساختی ایشانرا بسر خودت وبرگزیدی ایشانرا برای وحی خودت وارث دادی ایشانرا مشکلات

تَاْوِيلِكَ رَحْمَةً بِخَلْقِكَ وَلُطْفاً بِعِبادِكَ وَحَناناً عَلى بَرِيَّتِكَ وَعِلْماً

کتاب خودت را بخشش بخلق خود ومهربانی به بندگان خود ومهربانی بر خلق خود ودانستی

بِمَا انْطَوى عَلَيْهِ ضَمائِرُ اُمَنائِكَ وَمَا يَكُونُ مِنْ شَانِ صَفْوَتِكَ

بانچه پیچیده است براو دلهای امنای تو وانچه میباشد از کار برگزیدگان تو

وَطَهَّرْتَهُمْ مِنْ مَنْشَاهِمْ وَمُبْتَدَاهِمْ وَحَرَسْتَهُمْ مِنْ نَفْثِ نافِثٍ اِلَيْهِمْ

وپاک گردانیدی ایشانرا در وقت آفرینش ایشان وپیدا وردی ایشانرا وحفظ کردی از دمیدن دمنده بسوی ایشان

وَاَرَيْتَهُمْ بُرْهاناً عَلى مَنْ عَرَضَ بِسُوءٍ لَهُمْ فَاسْتَجابُوا لِاَمْرِكَ وَ

ونمودی ایشانرا حجتی بر کسیکه پیش اید ببدی برایشان پس اجابت کردند مر امر ترا و

شَغَلُوا اَنْفُسَهُمْ بِطاعَتِكَ وَمَلَؤُا اَجْزاءَهُمْ مِنْ ذِكْرِكَ وَعَمَرُوا

مشغول کردند نفس خودشانرا بطاعت تو وپر کردند اجزای خودرا از یاد تو وعمارت کردند

قُلُوبَهُمْ بِتَعْظِيمِ اَمْرِكَ وَجَزَّؤُا اَوْقاتَهُمْ فِيما يُرْضِيكَ وَاَخْلَوْا

دلهای خودرا بزرگ داشتن امر تو وقسمت دادند وقتهای خودرا درانچه خوشنود سازد وخالی کردند

دَخائِلَهُمْ مِنْ مَعارِيضِ الْخَطَراتِ الشّاغِلَةِ عَنْكَ فَجَعَلْتَ قُلُوبَهُمْ

دلهای خودرا از پیش آمدنهای اندیشه‌های مشغول سازنده از تو پس گردانیدی دلهای ایشانرا

مَكامِنَ لِاِرادَتِكَ وَعُقُولَهُمْ مَناصِبَ لِاَمْرِكَ وَنَهْيِكَ وَاَلْسِنَتَهُمْ

نهان از برای اراده خود وخردهای ایشانرا جای برپا کردن امر ترا ونهی ترا وزبانهای ایشان

تَراجِمَ لِسُنَّتِكَ ثُمَّ اَكْرَمْتَهُمْ بِنُورِكَ حَتّى فَضَّلْتَهُمْ مِنْ بَيْنِ اَهْلِ

تعبیر کننده مر طریقه ترا پس گرامی داشتی ایشانرا بنور خود تا افزونی دادی ایشانرا از میان کسان

زَمانِهِمْ وَالْاَقْرَبِينَ اِلَيْهِمْ فَخَصَصْتَهُمْ بِوَحْيِكَ وَاَنْزَلْتَ اِلَيْهِمْ

زمان ایشان ونزدیکان بایشان پس مخصوص ساختی ایشانرا بوحی خود وفرو فرستادی بایشان

كِتابَكَ وَاَمَرْتَنا بِالتَّمَسُّكِ بِهِمْ وَالرَّدِّ اِلَيْهِمْ وَالْاِسْتِنْباطِ مِنْهُمْ

کتابت را وامر کردی ما را بچنگ زدن بایشان ورد کردن کار را بایشان وبیرون اوردن مطلب از ایشان

اَللّـهُمَّ فَاِنّا قَدْ تَمَسَّكْنا بِكِتابِكَ وَبِعِتْرَةِ نَبِيِّكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ

خدایا بتحقیق ما چنگ زدیم بکتاب تو وبعترت پیغمبر تو رحمتهای تو بر ایشان

الَّذِينَ اَقَمْتَهُمْ لَنا دَلِيلاً وَعَلَماً وَاَمَرْتَنا بِاتِّباعِهِمْ اَللّـهُمَّ فَاِنّا

انانکه بپا کردی ایشانرا برای ما رهنما ونشانه وامر کردی ما را به پیروی کردن ایشان خدایا پس ما

قَدْ تَمَسَّكْنا بِهِمْ فَارْزُقْنا شَفاعَتَهُمْ حِينَ يَقُولُ الْخائِبُونَ فَما لَنا

بتحقیق چنگ زدیم بایشان پس روزی کن شفاعت ایشانرا وقتیکه گویندگان بی بهره اند که نیست ما را

مِنْ شافِعِينَ وَلا صَدِيقٍ حَمِيمٍ وَاجْعَلْنا مِنَ الصّادِقِينَ الْمُصَدِّقِينَ

شافعی ونه دوستی مهربان وبگردان ما را از راستگویان تصدیق کنندگان

لَهُمُ الْمُنْتَظِرِينَ لِاَيّامِهِمُ النّاظِرِينَ اِلى شَفاعَتِهِمْ وَلا تُضِلَّنا بَعْدَ

انتظار برندگان مر روزگارهای ایشانرا نظر کنندگان بسوی شفاعت ایشان وگمراه مکن ما را پس

اِذْ هَدَيْتَنا وَهَبْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهّابُ آمِينَ

از انکه راه نمودی ما را وببخش ما را از نزد خودت رحمتی بدرستیکه توئی بخشنده بپذیر

رَبَّ الْعالَمِينَ اَللّـهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَعَلى اَخِيهِ وَصِنْوِهِ

ای پروردگار جهانیان خدایا رحمت فرست بر محمد پیغمبر خود وبر برادر او وشاخه بزرگ او

اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَقِبْلَةِ الْعارِفِينَ وَعَلَمِ الْمُهْتَدِينَ وَثانِي الْخَمْسَةِ

پادشاه مؤمنان وقبله عارفان ورایت راه یافتگان ودوم پنج تن

الْمَيامِينِ الَّذِينَ فَخَرَ بِهِمُ الرُّوحُ الْاَمِينُ وَباهَلَ اللهُ تَعالى

کم صاحبان برکت انانکه فخر کرد بایشان جبرئیل امین ونفرین کرد خدای تعالی

بِهِمُ الْمُباهِلِينَ فَقالَ وَهُوَ اَصْدَقُ الْقائِلِينَ فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ

بایشان مباهله کنندگان پس گفت واو راستگوتر گویندگان پس هر که محاجه کرد ترا در ان

مِنْ بَعْدِ ما جاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعالَوْا نَدْعُ اَبْناءَنا وَاَبْناءَكُمْ

از پس انچه امد ترا از دانش پس بگو بیائید بخوانیم پسران ما را وپسران شما را

وَنِساءَنا وَنِساءَكُمْ وَاَنْفُسَنا وَاَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ

و زنان ما وزنان شما و خودمان را وخودشما را پس زاری کنیم پس بگردانیم لعنت

اللهِ عَلَى الْكاذِبِينَ ذلِكَ الْاِمامُ الْمَخْصُوصُ بِمُؤاخاتِهِ يَوْمَ

خدا را بر دروغگویان این امام مخصوص است ببرادری ورروز

الاِخاءِ وَالمُؤثِرُ لِلقُوتِ بَعدَ ضُرِّ الطَّوی وَمَن شَکَرَ اللهُ سَعیَهُ

برادری واختیار کننده بقوت خدای خود بعد از سختی گرسنگی وانکه مکافات داد خدا سعی اورا

فی هَل اَتی وَمَن شَهِدَ بِفَضلِهِ مُعادُوهُ وَاَقَرَّ بِمَناقِبِهِ جاحِدُوهُ

در سوره هل اتی وهرکه گواهی داد بفضل او دشمنانش واقرار کرد باوصاف او منکرانش

مَولَی الاَنامِ وَمُکَسِّرِ الاَصنامِ وَمَن لَم تَأخُذهُ فِی اللهِ لَومَةُ لائِمٍ

اقای مردمان وشکننده بتها وکسیکه نگرفتی او را در راه خدا ملامت ملامت کننده

صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَآلِهِ ما طَلَعَت شَمسُ النَّهارِ وَاَورَقَ الاَشجارُ

رحمت خدا براو وال او مادام که برامد افتاب روز وبرگ اورد درختها

وَعَلَی النُّجُومِ المُشرِقاتِ مِن عِترَتِهِ وَالحُجَجِ الواضِحاتِ مِن ذُرِّیَّتِهِ

وبر ستاره های روشنی دهندگان از اولاد او وبرهانهای روشن از فرزندان او

واین دعا بحسب متن وسند اصح ادعیه است **ودیگر** از ایام متبرکه روز بیست وپنجم است ومشهور انستکه در این روز سوره کریمه هل اتی در شان حضرت امیر المؤمنین و فاطمه زهراء وامام حسن وامام حسین صلوات الله علیهم نازل شده بسبب انکه حسن وحسین علیهما السلام بیمار شدند وحضرت رسول صلعم بعیادت ایشان رفت وامر فرمود بحضرت امیر المؤمنین وفاطمه وحسن وحسین علیهم السلام نذر کردند که اگر ایشان را خدا عافیت دهد سه روز روزه بدارند وچون عافیت کرامت کرد ان چهار بزرگوار با فضه خادمه ایشان روزه گرفتند ونداشتند چیزیکه بان افطار فرمایند پس حضرت امیر ع قدری پشم از شمعون یهودی گرفت با سه صاع از جو که حضرت فاطمه صلوات الله علیها هر روز ثلث ان پشم را بریسد ویکصاع ازان جو بمزد خود بردارد پس روز اول حضرت فاطمه علیها السلام قدر ثلث ان پشم را گرفت وریشت وبمزد ان صاعی از جو برداشت واورد کرد وپنج گرده نان پخت وچون حضرت امیر المؤمنین ع با حضرت رسول صلعم نماز شام کرد وبخانه برگشت وحضرت فاطمه پنج گرده نان را حاضر کرد وخواستند افطار فرمایند مسکینی بر در خانه ندا کرد که السلام علیکم ای اهلبیت محمد من مسکینی ام از مساکین مسلمانان مرا طعام دهید تا خدا شما را از مائده های بهشت طعام دهد پس حضرت امیر المؤمنین ع ابتدا کرد وفرمود که من نان خود را میدهم وسایر اهلبیت علیهم السلام با فضه با انحضرت موافقت کردند نانهای خود را بسائل دادند وبآب افطار کردند وروز دیگر روزه داشتند وباز حضرت فاطمه ع

بمزد رشتن یک ثلث دیگر از پشم یکصاع دیگر را برداشت واورد کرد وپنج گرده دیگر نان پخت وچون خواستند افطار نمایند سائلی بر در خانه صدا زد که السلام علیکم ای اهلبیت محمد من یتیمی ام از اولاد مهاجرین وپدرم در روز عقبه شهید شده است مرا طعام دهید تا خدا شما را از خوانهای بهشت طعام دهد پس حضرت امیر المؤمنین ع اول نان خود را داد وبعد ازان فاطمه زهراء ع وبعد ازان دو گوشواره عرش خدا وبعد ازان فضه سعادتمند همگی نانهای خود را بیتیم دادند وبآب افطار نمودند ودر روز سیم روزه داشتند وباز حضرت سیده نساء در روز سیم بقیه پشم را رشت وبقیه جو را برداشت ودر اسیا خورد کرد وباز پنج گرده نان پخت وچون حضرت امیر ع از نماز برگشت حضرت فاطمه ع طعام را حاضر ساخت که افطار نمایند ناگاه اسیری از اسیران کافران ندا کرد که السلام علیکم ای اهلبیت محمد صلعم ما را اسیر میکنید ومی بندید وطعام نمیدهید که بخوریم پس بخو شبهای سابق همه گرده های نان را بسائل دادند وبآب بحت افطار نمودند چون صبح شد حقتعالی سوره کریمه هل اتی را در شان ایشان فرستاد ودر این سوره اشاره باین قصه نمود که یُوفُونَ بِالنَّذرِ وَیَخافُونَ یَوماً کانَ شَرُّهُ مُستَطِیراً وَیُطعِمُونَ الطَّعامَ عَلی حُبِّهِ مِسکِیناً وَیَتِیماً وَاَسِیراً اِنَّما نُطعِمُکُم لِوَجهِ اللهِ لا نُرِیدُ مِنکُم جَزاءً وَلا شُکُوراً اِنّا نَخافُ مِن رَبِّنا یَوماً عَبُوساً قَمطَرِیراً یعنی وفا میکنند بنذر ومیترسند از روزیکه شران اکثر خلق را گرفته است ومیخورانند طعام را با خواهش ومحبت ان یا از برای محض محبت خدا بمسکین ویتیم واسیر ومیگویند یعنی در دل خود ونیت ایشان اینستکه ما طعام نمیدهیم شما را مگر برای رضای خدا ونمیخواهیم از شما نه جزا ونه پاداشی را ونه شکر وثنائی را ما میترسیم از روز قیامت که در نهایت شدت وهولست چون در روز بیست وچهارم شهر ذی الحجه بود سوره هل اتی در مدح ایشان نازل شد حضرت رسول صلعم بخانه اهلبیت علیهم السلام امد وایشانرا با ان شدت گرسنگی وان حالت غربت مشاهده نمود گریست وفرمود که این چه حالتست که در شما مشاهده مینمایم وامام حسن وامام حسین علیهم السلام را دید که از نقاهت بیماری وگرسنگی مانند جوجه که از تخم بیرون اید میلرزیدند وحضرت فاطمه صلوات الله علیها در محراب عبادت ایستاده بود واز گرسنگی شکم مبارکش بپشت چسبیده بود ودو چشمانش فرو رفته بود چون از نماز فارغ شد حقتعالی خوانی از بهشت برای فاطمه علیها السلام

فرستاد که در آن کاسه بود گوشت و ترید گرم در میان آن بود که میجوشید و بوی بهتر از بوی مشک از آن ساطع بود پس حضرت فاطمه آن خوان را بنزد حضرت رسول آورد حضرت فرمود ای فاطمه این را از کجا آوردی گفت از جانب خدا آمده است خدا هر که را خواهد روزی میدهد بحساب حضرت فرمود الحمد لله که از دنیا نرفتم تا در اهلبیت خود شبیه مریم مادر عیسی را دیدم پس از آن تناول نمودند تا هفت روز از آن میخوردند و تمام نمیشد پس حضرت صادق فرمود که آن کاسه نزد ما آل و حضرت صاحب الامر علیه السلم آنرا ظاهر خواهد کرد و طعام بهشت از آن تناول خواهد نمود و سنیان نیز این روایت را با نزول مائده بطرق بسیار نقل کرده اند و تفصیل آن قصه در سایر کتب ذکر کرده ام پس مناسبست که شیعیان اهلبیت علیهم السلم در این ایام تاسی نمایند بموالی خود در تصدق کردن بر مساکین و یتیمان و سعی نمایند در اطعام ایشان و شیخ مفید ره گفته است که مستحبست که این روز را روزه بدارند برای شکر نعمت نزول سوره هل اتی در شان آل عبا علیهم السلم و ایضا مناسبست غسل و زیارت و زیارت ائمه علیهم السلم و زیارت جامعه را خواندن در این روز مناسبست چون بعضی علماء این روز را روز مباهله میدانند و دعای مباهله را در این روز خواندن خوبست و در روز بیست و ششم بنا بر مشهور عمر را خنجر کشته زده اند و باین سبب هفت برکت آمده و در روز بیست و هفتم مروان که آخر خلفای بنی امیه است بجهنم واصل شده و دولت ملعونه بنی امیه لعنهم الله برطرف شد پس در این روز شکر این نعمت باید کرد و بعضی گفته اند که حضرت امام علی نقی ع در این روز متولد شد و در روز بیست و نهم بنا بر مشهور عمر مرده است و باین سبب فضیلت عظیم دارد و در روز آخر ذی الحجه که آخر سال عربیست روایت کرده اند که سنت است دو رکعت نماز بجا آورند و در هر رکعت یکمرتبه سوره حمد و ده مرتبه قل هو الله احد و ده مرتبه آیة الکرسی بخواند و بعد از سلام این دعا را بخواند

اَللّٰهُمَّ مَا عَمِلْتُ فِي هٰذِهِ السَّنَةِ مِنْ عَمَلٍ نَهَيْتَنِي عَنْهُ وَلَمْ

خدایا آنچه کردم در این سال از هر کردار دیگر منع کرده مرا از آن و نه

تَرْضَهُ وَنَسِيتُهُ وَلَمْ تَنْسَهُ وَدَعَوْتَنِي إِلَى التَّوْبَةِ بَعْدَ اجْتِرَائِي عَلَيْكَ

پسندیده او را و فراموش کردم او را و فراموش نکردی او را و خواندی مرا بسوی بازگشت پس از دلیری کردن بر تو

اَللّٰهُمَّ فَإِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ مِنْهُ فَاغْفِرْ لِي وَمَا عَمِلْتُ مِنْ عَمَلٍ

خدایا پس من آمرزش میطلبم از تو از آن پس بیامرز مرا و آنچه کردم از کردار

يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ فَاقْبَلْهُ مِنِّي وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي مِنْكَ يَا كَرِيمُ

که نزدیک گرداند مرا بتو بپذیر او را از من و نا امید مکن امید مرا از خود ای کریم

باب ششم

در بیان اعمال ماه محرمست و در آن سه فصل است **فصل اول** در اعمال دهه اول محرمست از حضرت امام رضا منقولست که حضرت رسول ص در روز اول ماه محرم دو رکعت نماز میکردند و چون از نماز فارغ میشدند دست بدعا بر میداشتند و این دعا را سه مرتبه میخواندند

اَللّٰهُمَّ أَنْتَ الْإِلٰهُ الْقَدِيمُ وَهٰذِهِ سَنَةٌ جَدِيدَةٌ فَأَسْأَلُكَ

خدایا توئی خدای دیرینه و این سال نو است سؤال میکنم ترا

فِيهَا الْعِصْمَةَ مِنَ الشَّيْطَانِ وَالْقُوَّةَ عَلٰى هٰذِهِ النَّفْسِ الْأَمَّارَةِ

در آن نگاه داشتن از شر شیطان و توانائی بر این نفس بسیار امر کننده

بِالسُّوءِ وَالْاِشْتِغَالَ بِمَا يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ يَا كَرِيمُ يَا ذَا الْجَلَالِ

ببدی و اشتغال بآنچه نزدیک گرداند مرا بتو ای کریم ای صاحب جلال

وَالْإِكْرَامِ يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ يَا ذَخِيرَةَ مَنْ لَا ذَخِيرَةَ لَهُ

و بزرگواری ای تکیه گاه کسیکه نیست تکیه گاهی او را ای ذخیره آنکه نیست ذخیره او را

يَا حِرْزَ مَنْ لَا حِرْزَ لَهُ يَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ يَا سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ

ای پناه محکم آنکه نیست پناهی او را ای دادرس آنکه نیست دادرسی او را ای دست آویز آنکه نیست دست آویز

لَهُ يَا كَنْزَ مَنْ لَا كَنْزَ لَهُ يَا حَسَنَ الْبَلَاءِ يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ يَا عِزَّ

او را ای دفینه آنکه نیست دفینه او را ای نعمت خوب ای امیدگاه بزرگ ای ارجمند

الضُّعَفَاءِ يَا مُنْقِذَ الْغَرْقٰى يَا مُنْجِيَ الْهَلْكٰى يَا مُنْعِمُ يَا مُجْمِلُ

کننده ناتوانان ای رهائی بخش غرق شدگان ای خلاصی ده هلاک شدگان ای منعم ای بخشنده

يَا مُفْضِلُ يَا مُحْسِنُ أَنْتَ الَّذِي سَجَدَ لَكَ سَوَادُ اللَّيْلِ وَ

ای زیادتی ده ای نیکوکار توئی آنکه فروتنی کرده برای تو سیاهی شب و

نُورُ النَّهَارِ وَضَوْءُ الْقَمَرِ وَشُعَاعُ الشَّمْسِ وَدَوِيُّ الْمَاءِ

روشنی روز و روشنائی ماه و تابش آفتاب و صدای آب

وَحَفيفَ الشَّجَرِ يا اَللهُ لا شَريكَ لَكَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنا خَيْراً مِمّا
و آواز درخت ای خدا نیست شریکی تورا خدایا بگردان اورا بهتر از آنچه
يَظُنُّونَ وَاغْفِرْ لَنا ما لا يَعْلَمُونَ وَلا تُؤاخِذْنا بِما يَقُولُونَ
گمان میبرند و بیامرز مارا آنچه نمیدانند و مگیر مارا بآنچه میگویند
حَسْبِيَ اللهُ لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظيمِ
بس است مرا خدا نیست خدائی مگر او بر او توکل کردم و اوست پروردگار عرش بزرگ
آمَنّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنا وَما يَذَّكَّرُ اِلّا اُولُوا الْاَلْبابِ رَبَّنا
گرویدیم ما باو همه از نزد پروردگار ماست و متذکر نمیشوند مگر صاحبان عقلها پروردگارا
لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنا وَهَبْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ
دلهای ما را میگردان بعد از آنکه راه نمودی مارا و ببخش مارا از نزد خودت بخشایشی و توئی
اَلْوَهّابُ
بسیار بخشنده

و چون حضرت سید الشهدا صلوات الله علیه در دهم این ماه بسعادت شهادت فائز شد و در اکثر این دهه محزون و غمگین بودند و اخبار موحشه بایشان میرسید پس باید که شیعیان ایشان در مجموع این دهه بلوازم تعزیه داری آنحضرت قیام نمایند و محزون و اندوهناک باشند و احادیث و اخبار که مشتمل بر ذکر مصائب ایشان باشد بخوانند و بعضی از علماء گفته اند که ترک بعضی از لذات بکنند از حضرت امام رضا ع منقولست که ماه محرم ماهی بود که کافران در این ماه جنگ کردن را حرام میدانستند و منافقان این امت در این ماه خون ما را حلال دانستند و هتک حرمت ما کردند و زنان و فرزندان ما را اسیر کردند و آتش در خیمه های ما زدند و اموال و اسباب ما را غارت کردند و حرمت حضرت رسالتپناه ص را در این باب رعایت نکردند بدرستیکه مصیبت امام حسین ع چشمهای ما را مجروح گردانید و آب دیده های ما را جاری ساخت و عزیز ما را ذلیل گردانید و واقعه کربلا کرب و بلا برای ما مهیا کرد تا روز قیامت پس باید بر مصیبت آنحضرت گریه کنندگان بگریند بدرستیکه گریه بر آنحضرت گناهان بزرگ را برطرف میکند پس فرمود که پدرم امام موسی ع چون ماه محرم داخل میشد کسی آنحضرت را خندان نمیدید و اثر حزن و اندوه بر آنحضرت ظاهر میشد در مجموع دهه اول ماه و چون روز دهم میشد روز گریه و اندوه و مصیبت او بود و میگفت امروز روز شهادت حسین ع است و در حدیثی دیگر فرمود که چون جدم حسین علیه

شهید شد آسمان خون و خاک سرخ بارید اگر بر آنحضرت آن قدر گریه کنی که آب دیده بر روی تو جاری گردد حقتعالی جمیع گناهان کوچک و بزرگ ترا بیامرزد پس فرمود که اگر خواهی که چون بمیری هیچ گناه بر تو نباشد زیارت کن حضرت امام حسین ع را و اگر خواهی در غرفه های بهشت با حضرت رسول ص و آل او باشی لعنت کن قاتلان حسین را و اگر خواهی ثواب شهیدان کربلا داشته باشی هر وقت مصیبت آنحضرت ترا بیاد آوری بگو يا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَاَفُوزَ فَوْزاً عَظيماً یعنی ای کاشکی میبودم با ایشان و پس رستگاری مییافتم رستگاری بزرگ و اگر خواهی در درجات عالیه بهشت با ما باشی از اندوه ما اندوهناک و از برای شادی ما شاد باش و بدانکه روزه روز اول محرم مستحب است و از حضرت امام رضا ع منقولست که در روز اول محرم حضرت زکریا ع دعا کرد و از خدا فرزند طلبید و حقتعالی دعای او را مستجاب گردانید و حضرت یحیی را باو عطا کرد پس هر که این روز را روزه بدارد و دعا کند خدا یتعالی دعای او را مستجاب گرداند و شیخ مفید علیه الرحمه گفته است که روز سیم محرم روز مبارکی است و در آن روز حضرت یوسف ع از چاه بیرون آمد هر که آن روز را روزه بدارد حقتعالی کارهای صعب را بر او آسان گرداند و غمهای او را زائل گرداند و بهتر آنستکه روز نهم و دهم را روزه ندارد زیرا که بنی امیه این دو روز را از برای برکت و شماتت بر قتل آنحضرت روزه میداشتند و احادیث بسیار بر فضیلت این دو روز روزه انها بر حضرت رسول ص بسته اند و از طریق اهلبیت علیهم السلام احادیث بسیار در مذمت روزه این دو روز خصوصاً روز عاشورا وارد شده و ایضاً بنی امیه علیهم اللعنه از برای برکت آذوقه سال را در روز عاشورا در خانه ذخیره میکرده اند لهذا از حضرت امام رضا ع منقولست که هر که ترک کند سعی در حوائج خود در روز عاشورا و پی کاری نرود حقتعالی حوائج دنیا و آخرت او را برآورد و هر که روز عاشورا روز مصیبت و اندوه و گریه او باشد حقتعالی روز قیامت را روز فرح و شادی او گرداند و دیده اش در بهشت بما روشن گردد و هر که روز عاشورا را روز برکت نامد و از برای خود در آن روز چیزی ذخیره کند خدا آن ذخیره را برای مبارک نگرداند و در روز قیامت با یزید و عبیدالله بن زیاد و عمر بن سعد علیهم اللعنه محشور گردد پس باید که در روز عاشورا آدمی مشغول کاری از کارهای دنیا نگردد و مشغول گریه و نوحه و مصیبت باشد و امر کند اهل خانه خود را

که تعزیه آنحضرت بدارند و مشغول ماتم باشند چنانچه در ماتم عزیزترین اولاد و اقارب خود میباشند و در آن روز امساک کند از خوردن و آشامیدن بی آنکه قصد روزه کند و در آخر روز بعد از عصر افطار کند اگرچه بشربت آبی باشد و روزه تمام ندارد مگر آنکه در خصوص آن روز روزهٔ واجبی داشته باشد که بنذر و یا مثل آن بر او واجب شده باشد که آن روز را روزه بگیرد و در آن روز آذوقه در خانه ذخیره نکند و نخندد و مشغول لهو و لعب نگردد و هزار مرتبه بر قاتلان آنحضرت لعنت کند و بگوید اَللّٰهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ الْحُسَیْنِ ع و در روایتی وارد شده است از حضرت صادق ع که هر که در روز عاشورا هزار مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخواند خداوند رحمن نظر رحمت بسوی او بکند و هر که را خدا نظر رحمت بسوی او بکند هرگز او را عذاب نکند و در شب عاشورا نیز باید که احیا کند بگریه و اندوه و حزن برای تأسی بحضرت امام حسین ع و اصحاب او که در آن شب در صحرای کربلا در میان سی هزار نفر از کافران بعبادت و تهیهٔ سعادت شهادت میکردند تا صبح احیا کردند

فصل دویم در زیارت مشهور آنحضرت است در روز عاشورا و فضیلت زیارت آنحضرت در شب و روز عاشورا و بسند معتبر از حضرت صادق ع منقولست که هر که در شب عاشورا نزد قبر شریف آنحضرت باشد و آن حضرت را زیارت کند در روز قیامت محشور گردد بخون خود آلوده و بهشت شهدای کربلا در میان ایشان محشور گردد و هر که در شب و روز عاشورا زیارت کند آنحضرت را چنان باشد که در پیش روی آنحضرت شهید شده باشد و بسند صحیح از آنحضرت منقول است که هر که حضرت امام حسین صلوات الله علیه را در روز عاشورا زیارت کند بهشت او را واجب گردد

و اما زیارت مشهور شیخ طوسی و ابن قولویه و غیر ایشان رحمهم الله علیهم روایت کرده اند از سیف بن عمیره و صالح بن عقبه و هر دو از محمد بن اسماعیل و علقمه بن محمد حضرمی و هر دو از مالک جهنی که حضرت امام محمد باقر ع فرمود که هر که زیارت کند حضرت امام حسین صلوات الله علیه را در روز دهم محرم یا نزد قبر آنحضرت گریان شود حقتعالی را ملاقات کند در روز قیامت با ثواب دو هزار حج و دو هزار عمره و دو هزار جهاد که هر یک را با رسول خدا ص و ائمهٔ طاهرین علیهم السلام کرده باشند مالک گفت فدای تو شوم چه ثوابست برای کسی که در شهرهای دور باشد و ممکن نباشد او را رفتن بسوی قبر آنحضرت فرمود که چون روز عاشورا در آید بیرون رو بسوی صحرا

یا بالا رو بر بام بلندتر در خانهٔ خود و اشاره کن بسوی آنحضرت بسلام و جهد کند در نفرین کردن بر قاتلان آنحضرت و بعد از آن دو رکعت نماز بکند و بکند این کار را در اول روز پیش از پیشین پس ندبه و نوحه کند بر حسین و امر کند هر که را که در خانهٔ اوست و از او تقیه نکند بگریه کردن بر آنحضرت و در خانهٔ خود مصیبتی بر پا دارد باظهار جزع بر آنحضرت و ملاقات کنند بعضی از ایشان بعضی را در خانه های خود بگریه کردن و تعزیت گویند بعضی از ایشان بعضی را بمصیبت آنحضرت پس من ضامن برخدا که هر گاه این کارها را بکنند حقتعالی جمیع این ثوابها را بایشان عطا فرماید مالک گفت تو ضامنی و کفیلی از برای ایشان باین ثواب فرمود بلی پرسید که چگونه یکدیگر را تعزیت بگویند فرمود که میگویند عَظَّمَ اللّٰهُ اُجُوْرَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَیْنِ عَلَیْهِ السَّلَامُ وَجَعَلَنَا وَاِیَّاکُمْ مِنَ الطَّالِبِیْنَ بِثَارِهِ مَعَ وَلِیِّهِ الْاِمَامِ الْمَهْدِیِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِمُ السَّلَام و اگر توانی در آن روز از برای هیچ کار از خانه بیرون نرو که آن روز نحسی است که حاجت هیچ مؤمنی در آن روز برآورده نمی شود و اگر برآورده شود از برای او مبارک نیست و در آن خیری و رشدی نیست و نخواهد بود و ذخیره مکن از برای منزل خود چیزی که هر که در این روز از برای منزل خود چیزی ذخیره کند از برای او مبارک نیست آنچه ذخیره کرده است و بر اهلش که از برای ایشان ذخیره کرده است مبارک نخواهد بود از برای او پس کسیکه چنین کند از برای او نوشته شود ثواب هزار هزار حج و هزار هزار عمره و هزار هزار جهاد که همه با رسول خدا ص کرده باشد و از برای او خواهد بود ثواب مصیبت هر پیغمبری و رسولی و صدیقی و شهیدی که مرده باشند یا کشته شده باشند از وقتیکه خدا دنیا را خلق کرده است تا روز قیامت علقمه گفت که من گفتم بحضرت امام محمد باقر ع که تعلیم نما دعائیکه بخوانم در این روز که هر گاه خواهم که آن حضرت را زیارت کنم از نزدیک و دعائیکه هر گاه در شهرهای دور خواهم که اشاره کنم و آن حضرت را زیارت کنم بخوانم حضرت فرمود که ای علقمه هر گاه بکنی آن دو رکعت نماز را بعد از آنکه اشاره کرده باشی بجانب آنحضرت و گفته باشی بعد از اشاره و نماز آن قول را که مذکور خواهد شد پس دعا کرده خواهی بود بدعائیکه ملئکه میخوانند در وقتیکه زیارت آنحضرت میکنند و مینویسد خدا برای تو باین زیارت هزار هزار حسنه و محو می کند از تو هزار هزار گناه و بلند میکند از برای تو در بهشت هزار هزار درجه و خواهی

بود از آنها که شهید شده باشند با حسین بن علی صلوات الله علیهما تا آنکه شریک شوی با ایشان در درجات ایشان و نشناسند ترا مگر از آنها که با آنحضرت شهید شده اند و نوشته شود برای تو ثواب هر پیغمبری و رسولی و ثواب زیارت هر که آنحضرت را زیارت کرده باشد از روزیکه شهید شده است و میگوئی

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَبا عَبْدِ اللهِ اَلسَّلامُ

درود برتو ای پدر بنده خدا درود

عَلَیْکَ یَا بْنَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ

برتو ای پسر رسول خدا درود برتو ای پسر پادشاه مؤمنان

وَابْنَ سَیِّدِ الْوَصِیّینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ

و پسر آقای جانشینان درود برتو ای پسر فاطمه زهراء

سَیِّدَةِ نِساءِ الْعالَمینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا ثارَ اللهِ وَابْنَ ثارِهِ

بزرگ زنان جهانیان درود برتو ای خون خدا و پسر خون خدا

وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ وَعَلَی الْاَرْواحِ الَّتی حَلَّتْ

و خون ریخته شده درود برتو و بر روحهائیکه فرود آمده بودند

بِفِنائِکَ وَاَناخَتْ بِرَحْلِکَ عَلَیْکُمْ مِنّی جَمیعاً سَلامُ اللهِ

بدرگاه و آنا خت برحلک برشما از من همگی درود خدا

اَبَداً ما بَقیتُ وَبَقِیَ اللَّیْلُ وَالنَّهارُ یا اَبا عَبْدِ اللهِ لَقَدْ

همیشه تا دام که باقی هستم و باقی است شب و روز ای پدر بنده خدا بحقیق

عَظُمَتِ الرَّزِیَّةُ وَجَلَّتِ الْمُصیبَةُ بِکَ عَلَیْنا وَعَلی جَمیعِ

بزرگست مکروه تو و بزرگست اندوه تو بر ما و بر همه

اَهْلِ الْاِسْلامِ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتْ مُصیبَتُکَ فِی السَّماواتِ

کسان و بزرگ و عظیم است اندوه تو در آسمانها

عَلی جَمیعِ اَهْلِ السَّماواتِ فَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً اَسَّسَتْ اَساسَ

بر همه اهل آسمانها پس لعنت خدا برگروهیکه بنا نهادند بنای

الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَیْکُمْ اَهْلَ الْبَیْتِ وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً

ستم و جور را بر شما کسان خانواده پیغمبر و نفرین کند خدا گروهی را که

دَفَعَتْکُمْ عَنْ مَقامِکُمْ وَاَزالَتْکُمْ عَنْ مَراتِبِکُمُ الَّتی

زایل کردند شما را از جای خودتان و زایل کردند شما را از درجهائیکه قرار

رَتَّبَکُمُ اللهُ فیها وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً قَتَلَتْکُمْ وَلَعَنَ اللهُ

داده شما را خدا در آن و لعنت خدا برگروهیکه کشتند شما را و لعنت خدا

الْمُمَهِّدینَ لَهُمْ بِالتَّمْکینِ مِنْ قِتالِکُمْ بَرِئْتُ اِلَی اللهِ وَ

بر نفرین کنندگان مر ایشان بدسته ادند از کارزار کردن با شما بیزاری میجویم بسوی خدا و

اِلَیْکُمْ مِنْهُمْ وَمِنْ اَشْیاعِهِمْ وَاَتْباعِهِمْ وَاَوْلِیائِهِمْ یا اَبا

بسوی شما از ایشان و از پیروان ایشان و تابعان ایشان و دوستان ایشان ای پدر

عَبْدِ اللهِ اِنّی سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَکُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَکُمْ اِلی یَوْمِ

بنده خدا من صلح با هر که صلح است با شما و جنگم هر که را جنگ است با شما تا روز

الْقِیامَةِ وَلَعَنَ اللهُ آلَ زِیادٍ وَآلَ مَرْوانَ وَلَعَنَ اللهُ بَنی اُمَیَّةَ

قیامت و نفرین خدا بر آل زیاد و آل مروان و لعنت خدا پسران امیه را

قاطِبَةً وَلَعَنَ اللهُ ابْنَ مَرْجانَةَ وَلَعَنَ اللهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَ

بتمامی و لعنت خدا پسر مرجانه را و لعنت خدا عمر پسر سعد را و

لَعَنَ اللهُ شِمْراً وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً اَسْرَجَتْ وَاَلْجَمَتْ وَتَنَقَّبَتْ وَ

لعنت خدا شمر را و لعنت خدا گروهی را که زین کردند و دهنه کردند و پوشیدند آلات جنگ را

تَهَیَّأَتْ لِقِتالِکَ بِاَبی اَنْتَ وَاُمّی لَقَدْ عَظُمَ مُصابی بِکَ

و مهیا شدند کشتن ترا پدر و مادرم فدای تو باد هر آینه بزرگ شده اندوه من بتو

فَاَسْئَلُ اللهَ الَّذی اَکْرَمَ مَقامَکَ وَاَکْرَمَنی بِکَ اَنْ یَرْزُقَنی

پس درخواست میکنم خدا را که بزرگ کند جایگاه ترا و گرامی داشت مرا بتو که روزی کند مرا

طَلَبَ ثارِکَ مَعَ اِمامٍ مَنْصُورٍ مِنْ اَهْلِ بَیْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ

طلب کردن خون ترا با امام یاری کرده شده از اهل بیت محمد رحمت خدا

عَلَیْهِ وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنی عِنْدَکَ وَجیهاً بِالْحُسَیْنِ عَلَیْهِ السَّلامُ

بر او و آل او خدایا بگردان مرا نزد خود با آبرو بسبب حسین بر او درود

فِی الدُّنْیا وَالْاٰخِرَةِ یا اَبا عَبْدِ اللهِ اِنّی اَتَقَرَّبُ اِلَی اللهِ وَاِلی

در دنیا و آخرت ای پدر بنده خدا من نزدیکی میجویم بسوی خدا و بسوی

رَسُولِهِ وَاِلی اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَاِلی فاطِمَةَ وَاِلَی الْحَسَنِ وَاِلَیْکَ

رسول او و بسوی پادشاه مؤمنان و بسوی فاطمه و بسوی حسن و بتو

بِمُوالاتِكَ وَبِالْبَرائَةِ مِمَّنْ قاتَلَكَ وَنَصَبَ لَكَ الْحَرْبَ وَ
وبدوستی تو وببیزاری ازکسیکه کشت ترا وبنا داشت مرتو را حرب و
بِالْبَرائَةِ مِمَّنْ اَسَّسَ اَساسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ وَاَبْرَءُ اِلَى
ببیزاری ازانکه بنانهاده بنای ستم وجوررا برشما وبیزاری جویم
اللهِ وَاِلى رَسُولِهِ مِمَّنْ اَسَّسَ اَساسَ ذلِكَ وَبَنى عَلَيْهِ بُنْيانَهُ
بخدا و برسول او ازانکه بنانهاده این بنارا وبنا کردند براو بنیادرا
وَجَرى فى ظُلْمِهِ وَجَوْرِهِ عَلَيْكُمْ وَعَلى اَشْياعِكُمْ بَرِئْتُ اِلَى
وروا داشت درستم وجوراتکس برشما وبر پیروان شما بیزاری جویم
اللهِ وَاِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَاَتَقَرَّبُ اِلَى اللهِ ثُمَّ اِلَيْكُمْ بِمُوالاتِكُمْ وَ
بخدا وبشما ازانها ونزدیکی جویم بخدا پس بشما بدوستی شما و
مُوالاةِ وَلِيِّكُمْ وَبِالْبَرائَةِ مِنْ اَعْدائِكُمْ وَالنّاصِبينَ لَكُمُ
بدوستی دوستان شما وببیزاری از دشمنان شما وکسانیکه بپا داشتند مرشمارا
الْحَرْبَ وَبِالْبَرائَةِ مِنْ اَشْياعِهِمْ وَاَتْباعِهِمْ اِنّى سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَكُمْ
حرب وببیزاری از پیروانشان وتابعان ایشان من صلحم باهرکه صلح است باشما
وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَكُمْ وَوَلِىٌّ لِمَنْ والاكُمْ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عاداكُمْ
وبجنگم باهرکه بجنگست باشما ودوستم باهرکه دوست است باشما ودشمنم باهرکه دشمن است باشما
فَاَسْئَلُ اللهَ الَّذى اَكْرَمَنى بِمَعْرِفَتِكُمْ وَمَعْرِفَةِ اَوْلِيائِكُمْ وَ
پس میخواهم ازخدا که گرامی داشت مرا بمعرفت شما ومعرفت دوستان شما و
رَزَقَنِى الْبَرائَةَ مِنْ اَعْدائِكُمْ اَنْ يَجْعَلَنى مَعَكُمْ فِى الدُّنْيا وَالْاخِرَةِ
روزی کرد مرا بیزاری از دشمنان شما اینکه بگرداند مرا باشما دردنیا و اخرت
وَاَنْ يُثَبِّتَ لى عِنْدَكُمْ قَدَمَ صِدْقٍ فِى الدُّنْيا وَالْاخِرَةِ وَاَسْئَلُهُ
واینکه ثابت دارد برای نزد شما قدم راستی در دنیا و اخرت ودرخواستم ازاو
اَنْ يُبَلِّغَنِى الْمَقامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللهِ وَاَنْ يَرْزُقَنى طَلَبَ
اینکه برساند مرا بجایگاه ستوده که مرشماراست درنزد خدا واینکه روزی کند مرا طلب کردن
ثارِكُمْ مَعَ اِمامٍ مَهْدِىٍّ ظاهِرٍ ناطِقٍ مِنْكُمْ وَاَسْئَلُ اللهَ
خون شما با امام راه یافته اشکار گویا ازشما وسوال میکنم خدارا

الاشتغال وورعا فى اجمال اللهم ... اجعله حقق فى رجاء ... الى بلوغ رضاك سبيلا وحسن فى جميع احوالى عملى اللهم صل على محمد وآله ونبهنى لذكرك فى اوقات الغفلة واستعملنى بطاعتك فى ايام المهلة وانهج لى الى محبتك سبيلا سهلة اكمل لى بها خير الدنيا والاخرة اللهم وصل على محمد وآله كافضل ما صليت على احد من خلقك قبله وانت

بِحَقِّكُمْ وَبِالشَّأْنِ الَّذى لَكُمْ عِنْدَهُ اَنْ يُعْطِيَنى بِمُصابى بِكُمْ
بحق شما وبمرتبه که شماراست نزداو اینکه بدهد مرا بمصیبت زده گیم باشما
اَفْضَلَ ما يُعْطى مُصاباً بِمُصيبَتِهِ مُصيبَةً ما اَعْظَمَها وَاَعْظَمَ
فزونترانچه بدهد بمصیبت زده را بمصیبتش ای اندوه انچه بزرگست وبزرگست
رَزِيَّتَها فِى الْاِسْلامِ وَفى جَميعِ اَهْلِ السَّمواتِ وَالْاَرْضِ اَللّهُمَّ
مصیبت ان در اسلام ودرهمه اهل اسمانها وزمین خدایا
اجْعَلْنى فى مَقامى هذا مِمَّنْ تَنالُهُ مِنْكَ صَلَواتٌ وَرَحْمَةٌ وَمَغْفِرَةٌ
بگردان مرا درایستادنگاهم ازکسانیکه برسد اورا ازتو رحمت ها ورحمت وامرزش
اَللّهُمَّ اجْعَلْ مَحْياىَ مَحْيا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمَماتى مَماتَ مُحَمَّدٍ
خدایا بگردان زندگیمرا زندگی محمد وال محمد ومردن مرا مردن محمد
وَآلِ مُحَمَّدٍ اَللّهُمَّ اِنَّ هذا يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو اُمَيَّةَ وَابْنُ
وال محمد خدایا این روزیست که تبرک جستند باو بنو امیه وپسر
اكِلَةِ الْاَكْبادِ اللَّعينُ ابْنُ اللَّعينِ عَلى لِسانِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ
خورنده جگرها نفرین کرده شده پسر نفرین کرده شده بر زبان پیغمبرتو رحمت خدا
عَلَيْهِ وَآلِهِ فى كُلِّ مَوْطِنٍ وَمَوْقِفٍ وَقَفَ فيهِ نَبِيُّكَ صَلَواتُكَ
براو والاو درهرجا جایگاه وایستادنگاه که ایستاده دراو پیغمبرت رحمت تو
عَلَيْهِ وَآلِهِ اَللّهُمَّ الْعَنْ اَبا سُفْيانَ وَمُعاوِيَةَ بْنَ اَبى سُفْيانَ
براو وال او خدایا لعنت کن ابا سفیان ومعاویه پسر ابی سفیان
وَيَزيدَ بْنَ مُعاوِيَةَ عَلَيْهِمْ مِنْكَ اللَّعْنَةُ اَبَدَ الْآبِدينَ وَهذا
ویزید پسر معاویه برایشان ازتو لعنت مدت بی نهایت واین
يَوْمٌ فَرِحَتْ بِهِ آلُ زِيادٍ وَآلُ مَرْوانَ بِقَتْلِهِمُ الْحُسَيْنَ صَلَواتُ
روزیست که خوشحال شدند باو ال زیاد وال مروان بکشتن ایشان حسین را رحمت
اللهِ عَلَيْهِ اَللّهُمَّ فَضاعِفْ عَلَيْهِمُ اللَّعْنَ وَالْعَذابَ اَللّهُمَّ
خدا براو خدایا دوچندان کن برایشان نفرین وازخود وعذابرا خدایا
اِنّى اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ فى هذَا الْيَوْمِ وَفى مَوْقِفى هذا وَاَيّامِ
من نزدیکی میجویم بتو در این روز ودرایستادنگاهم و روزگار

حَيوتي بِالْبَرآءَةِ مِنْهُمْ وَاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ وَبِالْمُوالاةِ لِنَبِيِّكَ
زندگانیم به بیزاری از ایشان و نفرین بر ایشان و بدوستی کردن پیمبر تورا

وَآلِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ پس صد مرتبه اَللّٰهُمَّ الْعَنْ
و آل پیغمبرت را بر او و بر ایشان درود میگوئی خدایا لعنت کن

اَوَّلَ ظالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآخِرَ تابِعٍ لَهُ عَلى ذٰلِكَ
اول ستمکاری را که ستم کرده در حق محمد و آل محمد و آخر کسیکه پیروی کرده است او را بر آن

اَللّٰهُمَّ الْعَنِ الْعِصابَةَ الَّتي جاهَدَتِ الْحُسَيْنَ ع وَشايَعَتْ وَ
خدایا لعنت کن جماعتی را که جهاد کردند حسین را و متابعت کردند و

بايَعَتْ عَلى قَتْلِهِ اَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمْ جَميعاً پس صد مرتبه اَلسَّلامُ
متابعت کردند بر قتل او خدایا لعنت کن ایشان را همگی میگوئی درود

عَلَيْكَ يا اَبا عَبْدِ اللهِ وَعَلَى الْاَرْواحِ الَّتي حَلَّتْ بِفِنائِكَ
بر تو ای پدر بنده خدا و بر روحهائیکه فرود آمدند به درگاه تو

وَاَناخَتْ بِرَحْلِكَ عَلَيْكَ مِنّي سَلامُ اللهِ اَبَداً ما بَقيتُ وَبَقِيَ
و اناخت برحلك بر تو باد از من رحمت خدا همیشه مادام که باقی هستم و باقی

اللَّيْلُ وَالنَّهارُ وَلا جَعَلَهُ اللهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنّي لِزِيارَتِكَ
شب و روز و نگرداند آن را خدایا آخر زیارت از من برای زیارت تو

اَلسَّلامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلى اَوْلادِ
درود بر حسین و بر علی پسر حسین و بر اولاد

الْحُسَيْنِ وَعَلى اَصْحابِ الْحُسَيْنِ پس میگوئی اَللّٰهُمَّ خُصَّ اَنْتَ
حسین و بر یاران حسین ع خدایا مخصوص گردان تو

اَوَّلَ ظالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنّي وَابْدَأْ بِهِ اَوَّلاً ثُمَّ الثّانِيَ ثُمَّ الثّالِثَ
اول ستمکار را بنفرین من و ابتدا من بان لعن اولی را پس دویم را پس سیم را

ثُمَّ الرّابِعَ اَللّٰهُمَّ الْعَنْ يَزيدَ بْنَ مُعاوِيَةَ خامِساً وَالْعَنْ
پس چهارم را خدایا لعنت کن یزید پسر معاویه پنجمی را و لعنت کن

عُبَيْدَ اللهِ بْنَ زِيادٍ وَابْنَ مَرْجانَةَ وَعُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَشِمْراً
عبید الله پسر زیاد را و پسر مرجانه و عمر پسر سعد و شمر

وَآلَ اَبي سُفْيانَ وَآلَ زِيادٍ وَآلَ مَرْوانَ اِلى يَوْمِ الْقِيمَةِ
و آل ابی سفیان و آل زیاد و آل مروان را تا روز قیامت

پس بسجده میروی و میگوئی اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشّاكِرينَ لَكَ عَلى مُصابِهِمْ
خدایا مر توراست حمد سپاس گذاران مر توراست بر اندوههای ایشان

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلى عَظيمِ رَزِيَّتي اَللّٰهُمَّ ارْزُقْني شَفاعَةَ الْحُسَيْنِ
حمد خدا را بر بزرگ اندوه من خدایا روزی کن شفاعت حسین

عَلَيْهِ السَّلامُ يَوْمَ الْوُرُودِ وَثَبِّتْ لي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ
بر او درود روز وارد شدن و ثابت دار مرا قدم راستی نزد تو با

الْحُسَيْنِ وَاَصْحابِ الْحُسَيْنِ الَّذينَ بَذَلُوا مُهَجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ
حسین و یاران حسین آنانکه دادند جانهای خود را نزدیک حسین

عَلَيْهِ السَّلامُ (بر او درود) علقمه گفت امام محمد باقر ع فرمود که اگر توانی هر روز آن حضرت را باین کیفیت زیارت کنی بکن که جمیع این ثوابها از برای تو خواهد بود و روایت کرد محمد بن خالد طیالسی از سیف بن عمیره که گفت من با صفوان جمال و جمعی از اصحاب خود رفتیم بسوی نجف بعد از آنکه حضرت صادق ع بیرون رفته بود از حیره بمدینه پیش از ما پس چون از زیارت حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فارغ شدیم صفوان روی خود را گردانید بسوی قبر حضرت امام حسین صلوات الله علیه پس گفت ما را که زیارت کنید حضرت امام حسین ع را در این مکان از بالای سر امیر المؤمنین که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام چنین کرد در وقتیکه من در خدمت آنحضرت باین مکان شریف آمده بودم پس خواند صفوان آن زیارت را که علقمه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام برای روز عاشورا روایت کرده است پس دو رکعت نماز کرد نزد سر امیر المؤمنین ع و وداع کرد بعد از نماز زیارت امیر المؤمنین ع را و رو را بجانب قبر امام حسین ع کرد و آنحضرت را نیز وداع کرد و از جمله دعاها که بعد از آن دو رکعت نماز خواند این دعا بود يا اَللهُ يا اَللهُ يا اَللهُ يا مُجيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرّينَ يا
ای خدا ای خدا ای خدا ای اجابت کننده دعای بیچارگان ای

كاشِفَ كُرَبِ الْمَكْرُوبينَ يا غِياثَ الْمُسْتَغيثينَ وَيا صَريخَ
بردارنده اندوه اندوهناکان ای پناه پناه جویندگان وای فریادرس

اَلْمُسْتَصْرِخِينَ وَيَا مَنْ هُوَ اَقْرَبُ اِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ وَ

فریاد کنندکان وای انکه او نزدیکتراست بمن از رك کردن و

يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَيَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلَى

ای انکه او حایلست میان مرد ودل او وای انکه او بدیده بان بلنداست

وَبِالْاُفُقِ الْمُبِينِ وَيَا مَنْ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ عَلَى الْعَرْشِ

و دیدنگاه اشکارا وای انکه او بخشنده مهربانست بر عرش

اسْتَوٰى وَيَا مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْاَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ

استیلا یافته وای انکه میداند خیانت چشمها وانچه پنهان دارد سینه‌ها

وَيَا مَنْ لَا تَخْفٰى عَلَيْهِ خَافِيَةٌ وَيَا مَنْ لَا تَشْتَبِهُ عَلَيْهِ الْاَصْوَاتُ

وای انکه پنهان نماند براو هیچ پنهانی وای انکه مشتبه نشود براو هیچ اوازها

وَيَا مَنْ لَا تُغَلِّطُهُ الْحَاجَاتُ وَيَا مَنْ لَا يُبْرِمُهُ اِلْحَاحُ الْمُلِحِّينَ

وای انکه بغلط نیندازد هیچ حاجتی وای انکه نمی‌رنجاند اورا مبالغه مبالغه کنندکان

يَا مُدْرِكَ كُلِّ فَوْتٍ وَيَا جَامِعَ كُلِّ شَمْلٍ وَيَا بَارِئَ النُّفُوسِ

ای دریابنده هر فوتی وای فراهم اورنده هر پراکنده وای پدید اورنده نفسها

بَعْدَ الْمَوْتِ وَيَا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَاْنٍ يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ

بعد از مردن وای انکه او هر روز درکاریست ای براورنده حاجات

يَا مُنَفِّسَ الْكُرُبَاتِ يَا مُعْطِيَ السُّؤْلَاتِ يَا وَلِيَّ الرَّغَبَاتِ

ای برطرف کن اندوهها ای دهنده سؤالها ای صاحب خواهشها

يَا كَافِيَ الْمُهِمَّاتِ يَا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ

ای کفایت کننده مهمات ای انکه کفایت میکند از هر چیزی وکفایت نمیکند از او چیزی

فِي السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ اَسْاَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

در اسمانها و زمین سؤال میکنم از تو بحق محمد وعلی پادشاه مؤمنان

وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ فَاِنِّي بِهِمْ

وبحق فاطمه دختر پیغمبرت وبحق حسن وحسین پس من بایشان

اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ فِي مَقَامِي هٰذَا وَبِهِمْ اَتَوَسَّلُ وَبِهِمْ اَتَشَفَّعُ

رو اوردم بسوی تو در این مقام وبایشان توسل میجویم وبایشان شفاعت میجویم

اِلَيْكَ وَبِحَقِّهِمْ اَسْاَلُكَ وَاُقْسِمُ وَاَعْزِمُ عَلَيْكَ وَبِالشَّاْنِ

بتو وبحق ایشان سؤال میکنم از تو وقسم میخورم واهتمام میکنم بر تو و بمرتبه

الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ وَبِالْقَدْرِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ وَبِالَّذِي

که ایشانراست نزد تو وبمنزلتی که ایشانراست مرانها را نزد تو و بانانکه

فَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ وَبِاسْمِكَ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ وَبِهِ

فضیلت دادی انهارا بر جهانیان وبنام تو که کردانیدی اورا نزد ایشان و

خَصَصْتَهُمْ دُونَ الْعَالَمِينَ وَبِهِ اَبَنْتَهُمْ وَاَبَنْتَ فَضْلَهُمْ مِنْ

مخصوص کردی ایشانرا غیر از جهانیان وبان ممتاز کردی ایشانرا وممتاز کردی فضل ایشانرا از

فَضْلِ الْعَالَمِينَ حَتّٰى فَاقَ فَضْلُهُمْ فَضْلَ الْعَالَمِينَ جَمِيعًا

فضل جهانیان تا بالا کرفت فضل ایشان فضل جهانیانرا همه

اَسْاَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَكْشِفَ عَنِّي غَمِّي وَ

سؤال میکنم اینکه رحمت فرستی بر محمد وال محمد واینکه برداری از من غم و

هَمِّي وَكَرْبِي وَتَكْفِيَنِي الْمُهِمَّ مِنْ اُمُورِي وَتَقْضِيَ عَنِّي دَيْنِي

هم واندوه مرا وکفایت کنی مهم مرا از کارهای من واداکنی از من قرض مرا

وَتُجِيرَنِي مِنَ الْفَقْرِ وَتُجِيرَنِي مِنَ الْفَاقَةِ وَتُغْنِيَنِي عَنِ الْمَسْاَلَةِ

وپناه دهی مرا از پریشانی وپناه دهی مرا از احتیاج وبی‌نیاز کنی مرا از سؤال کردن

اِلَى الْمَخْلُوقِينَ وَتَكْفِيَنِي هَمَّ مَنْ اَخَافُ هَمَّهُ وَعُسْرَ مَنْ اَخَافُ

بسوی مخلوقین وکفایت کنی مرا اندوه کسیکه میترسم از او و دشواری انکه میترسم

عُسْرَهُ وَحُزُونَةَ مَنْ اَخَافُ حُزُونَتَهُ وَشَرَّ مَنْ اَخَافُ شَرَّهُ وَمَكْرَ

از دشواری او ودرشتی انکه میترسم از درشتی او وشر انکه میترسم از شر او ومکر

مَنْ اَخَافُ مَكْرَهُ وَبَغْيَ مَنْ اَخَافُ بَغْيَهُ وَجَوْرَ مَنْ اَخَافُ جَوْرَهُ

انکه میترسم از مکر او وستم انکه میترسم از ستم او وجور انکه میترسم از جور او

وَسُلْطَانَ مَنْ اَخَافُ سُلْطَانَهُ وَكَيْدَ مَنْ اَخَافُ كَيْدَهُ وَمَقْدُرَةَ

وسلطنت انکه میترسم از سلطنت او ومکر انکه میترسم از مکر او وقدرت

مَنْ اَخَافُ بَلَاءَ مَقْدُرَتِهِ عَلَيَّ وَتَرُدَّ عَنِّي كَيْدَ الْكَيَدَةِ وَمَكْرَ

انکه میترسم از بلاء قدرت او بر من وردکنی از من مکر مکرکردن ومکر

الْمَكْرَةِ اللّٰهُمَّ مَنْ اَرَادَنِي فَاَرِدْهُ وَمَنْ كَادَنِي فَكِدْهُ

حیله کردن خدایا هرکه اراده کند ابدی بر او اراده کن او را و هرکه حیله کند مرا پس حیله کن او را

وَاصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُ وَمَكْرَهُ وَبَاْسَهُ وَاَمَانِيَّهُ وَامْنَعْهُ

و بگردان ازمن حیله او را و مکر او را و بدی او را و دروغهای او را و بازدار او را

عَنِّي كَيْفَ شِئْتَ وَاَنّٰى شِئْتَ اللّٰهُمَّ اشْغَلْهُ عَنِّي بِفَقْرٍ لَا

ازمن هرگونه که خواهی و هرجا که خواهی خدایا مشغول گردان ازمن بفقری که

تَجْبُرُهُ وَبِبَلَاءٍ لَا تَسْتُرُهُ وَبِفَاقَةٍ لَا تَسُدُّهَا وَبِسُقْمٍ لَا تُعَافِيهِ

جبر نکنی او را و ببلائی که نپوشانی او را و بپریشانیکه باز نداری او را و به بیماریکه عافیت ندهی او را

وَذُلٍّ لَا تُعِزُّهُ وَبِمَسْكَنَةٍ لَا تَجْبُرُهَا اللّٰهُمَّ اضْرِبْ بِالذُّلِّ

و خواریکه ازجمله نکنی او را و بپریشانیکه جبران نکنی او را خدایا بزن خواری را

نُصْبَ عَيْنَيْهِ وَاَدْخِلْ عَلَيْهِ الْفَقْرَ فِي مَنْزِلِهِ وَالْعِلَّةَ وَالسُّقْمَ

براه کردن دو دیده او و درآور براو فقر را در منزل او و درد و بیماری را

فِي بَدَنِهِ حَتّٰى تَشْغَلَهُ عَنِّي بِشُغْلٍ شَاغِلٍ لَا فَرَاغَ لَهُ وَاَنْسِهِ

در تن او تا مشغول کند او را ازمن بکاری مشغول دارنده که نباشد فراغی او را و از یاد او

ذِكْرِي كَمَا اَنْسَيْتَهُ ذِكْرَكَ وَخُذْ عَنِّي بِسَمْعِهِ وَبَصَرِهِ وَلِسَانِهِ

یاد مرا چنانچه فراموشش کردی یاد خود و بگیر ازمن گوش او را و دیده او را و زبان او را

وَيَدِهِ وَرِجْلِهِ وَقَلْبِهِ وَجَمِيعِ جَوَارِحِهِ وَاَدْخِلْ عَلَيْهِ فِي جَمِيعِ ذٰلِكَ

و دست او را و پای او را و دل او را و تمام اعضای او را و داخل کن براو در تمام این

السُّقْمَ وَلَا تَشْفِهِ حَتّٰى تَجْعَلَ ذٰلِكَ شُغْلًا شَاغِلًا بِهِ عَنِّي وَعَنْ

بیماری و شفا مده او را تا بگردانی این را برای او کاری مشغول سازنده بان ازمن و از

ذِكْرِي وَاكْفِنِي يَا كَافِي مَا لَا يَكْفِي سِوَاكَ فَاِنَّكَ الْكَافِي

یاد من و کفایت کن مرا ای کفایت کننده آنچه کفایت نکند جز تو پس تو‌ئی کفایت کننده

لَا كَافِيَ سِوَاكَ وَمُفَرِّجٌ لَا مُفَرِّجَ سِوَاكَ خَابَ مَنْ كَانَ

نیست کفایت کننده جز تو و گشایش دهنده که نیست گشایش دهنده جز تو بی بهره است آنکه باشد

رَجَاؤُهُ سِوَاكَ وَمُغِيثُهُ سِوَاكَ وَمَفْزَعُهُ اِلٰى سِوَاكَ وَمَهْرَبُهُ

امیدش جز تو و فریادرس او جز تو و پناه او است بجز تو و گریزگاهش

وَمَلْجَاُهُ اِلٰى غَيْرِكَ وَمَنْجَاهُ مِنْ مَخْلُوقٍ غَيْرِكَ فَاَنْتَ ثِقَتِي وَ

و پناهش بغیر تو است و جای رستگاری او از مخلوق جز تو پس توئی معتمد من و

رَجَائِي وَمَفْزَعِي وَمَهْرَبِي وَمَلْجَاِي وَمَنْجَايَ فَبِكَ اَسْتَفْتِحُ

و امید من و پناهگاهم و گریزگاهم و جای رستگاری و منجای من پس بتو گشایش میجویم

وَبِكَ اَسْتَنْجِحُ وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ وَاَتَوَسَّلُ وَاَتَشَفَّعُ

و بتو رستگاری میطلبم و بمحمد و آل محمد رو آوردم بتو و توسل جویم و شفیع میآورم

فَاَسْاَلُكَ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ وَاِلَيْكَ

پس میخوانم تو را ای خدا ای خدا ای خدا پس تو راست حمد و تو راست شکر و بسوی تست

الْمُشْتَكٰى وَاَنْتَ الْمُسْتَعَانُ فَاَسْاَلُكَ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ

شکایت من و توئی محل یاری پس میخوانم تو را ای خدا ای خدا ای خدا بحق محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَكْشِفَ عَنِّي غَمِّي

و آل محمد اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه ببری از من غم را

وَهَمِّي وَكَرْبِي فِي مَقَامِي هٰذَا كَمَا كَشَفْتَ عَنْ نَبِيِّكَ هَمَّهُ وَ

و هم مرا و اندوه مرا در این مقام من همچنانکه برداشتی از پیغمبر خود هم و

غَمَّهُ وَكَرْبَهُ وَكَفَيْتَهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ فَاكْشِفْ عَنِّي كَمَا كَشَفْتَ عَنْهُ

غم او را و اندوه او را و کفایت کردی او را ترس دشمن او را پس ببر ازمن چنانکه بردی از او

وَفَرِّجْ عَنِّي كَمَا فَرَّجْتَ عَنْهُ وَاكْفِنِي كَمَا كَفَيْتَهُ وَاصْرِفْ عَنِّي

و گشایش ده مرا چنانکه گشایش دادی او را و کفایت کن مرا چنانکه کفایت کردی او را و بگردان ازمن

هَوْلَ مَا اَخَافُ هَوْلَهُ وَمَؤُنَةَ مَا اَخَافُ مَؤُنَتَهُ وَهَمَّ مَا اَخَافُ

ترس او را که میترسم از او و دردسر آنرا که میترسم درد آنرا و ترس آنرا که میترسم

هَمَّهُ بِلَا مَؤُنَةٍ عَلٰى نَفْسِي مِنْ ذٰلِكَ وَاصْرِفْنِي بِقَضَاءِ حَوَائِجِي

هم او را بی تعبی بر خودم از آن و بگردان مرا برآوردن حاجتهای من

وَكِفَايَةِ مَا اَهَمَّنِي هَمُّهُ مِنْ اَمْرِ آخِرَتِي وَدُنْيَايَ يَا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ

و کفایت کن آنچه اهم است مرا ترس او از امر آخرت من و دنیای من ای پادشاه مؤمنین

وَيَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ عَلَيْكُمَا مِنِّي سَلَامُ اللّٰهِ اَبَدًا مَا بَقِيَ اللَّيْلُ

و ای پدر بنده خدا بر شما دو نفر ازمن درود خدا همیشه آنچه باقی است شب

وَالنَّهارُ وَلا جَعَلَهُ اللهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتِكُما وَلا فَرَّقَ اللهُ

و روز و نگرداند خدا این زیارت را آخر عهد من از زیارت شما و جدائی نیندازد خدا

بَيْني وَبَيْنَكُما اَللّهُمَّ اَحْيِني حَيوةَ مُحَمَّدٍ وَذُرِّيَّتِهِ وَاَمِتْني

میان من و میان شما خدایا زنده بدار مرا بزندگانی محمد و ذریه او و بمیران مرا

مَماتَهُمْ وَتَوَفَّني عَلى مِلَّتِهِمْ وَاحْشُرْني في زُمْرَتِهِمْ وَلا تُفَرِّقْ

مانند مردن ایشان و بمیرانم بر ملت ایشان و محشورم کن در گروه ایشان و جدائی نینداز

بَيْني وَبَيْنَهُمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ اَبَداً فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ يا اَميرَ

میان من و میان ایشان چشم بهم زدنی همیشه در دنیا و آخرت ای پادشاه

الْمُؤْمِنينَ وَيا اَبا عَبْدِاللهِ (واگر از دور زیارت کند بگوید) تَوَجَّهْتُ اِلى ضَريحِكُما

مؤمنان و ای پدر بنده خدا — روآوردم بسوی ضریح شما

(پس بگوید) اَتَيْتُكُما زائِراً وَمُتَوَسِّلاً اِلَى اللهِ رَبّي وَرَبِّكُما وَمُتَوَجِّهاً

آمدم شما را زیارت کننده و متوسل شدم بخدا پروردگار من و پروردگار شما و روآوردم

اِلَيْهِ بِكُما وَمُسْتَشْفِعاً بِكُما اِلَى اللهِ في حاجَتي هذِهِ فَاشْفَعا لي

بخدا بسبب شما و شفاعت جستم بشما بسوی خدا در این حاجتم پس شفیع شوید مرا

فَاِنَّ لَكُما عِنْدَ اللهِ الْمَقامَ الْمَحْمُودَ وَالْجاهَ الْوَجيهَ وَالْمَنْزِلَ

بدرستیکه برای شما نزد خدا مقامی است ستوده و مقام بزرگ و جای

الرَّفيعَ وَالْوَسيلَةَ اِنّي اَنْقَلِبُ عَنْكُما مُنْتَظِراً لِتَنَجُّزِ الْحاجَةِ وَ

بلند و دست آویز بدرستیکه من برمیگردم از شما در حالتیکه منتظرم برآمدن حاجت و

قَضائِها وَنَجاحِها مِنَ اللهِ بِشَفاعَتِكُما لي اِلَى اللهِ في ذلِكَ فَلا

برآمدن حاجتش و رستگار شدنش از خدا بشفاعت شما برمن بسوی خدا در آن پس

اَخيبُ وَلا يَكُونُ مُنْقَلَبي مُنْقَلَباً خائِباً خاسِراً بَلْ يَكُونُ مُنْقَلَبي

بی بهره نشوم و نباشد بازگشت من بازگشت زیانکاری نومیدی بلکه باشد بازگشت من

مُنْقَلَباً راجِحاً مُفْلِحاً مُنْجِحاً مُسْتَجاباً لي بِقَضاءِ جَميعِ حَوائِجي وَ

بازگشت رجحان رستگاری فیروزی اجابت شده برای من ببرآمدن همه حاجات من و

تَشَفَّعا لي اِلَى اللهِ اَنْقَلِبُ عَلى ما شاءَ اللهُ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا

شفاعت کنید مرا بسوی خدا بازمیگردم برآنچه خواسته است خدا و نیست حول و نه قوه مگر

دعای یستشیر

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي لا اله الا هو الحي القيوم الدائم الملك الحق المبين المدبر بلا وزير ولا خلق من عباده يستشير الاول غير موصوف والباقي بعد فناء الخلق العظيم الربوبية نور السموات والارضين وفاطرهما ومبتدعهما بغير عمد خلقهما وفتقهما فتقا فقامت السموات طائعات بامره واستقرت الارضون باوتادها فوق الماء ثم علا ربنا في السموات العلى الرحمن على العرش استوى له ما في السموات وما في الارض وما بينهما وما تحت الثرى فانا اشهد بانك انت الله لا رافع لما وضعت ولا واضع لما رفعت ولا معز لمن اذللت ولا مذل لمن اعززت ولا مانع لما اعطيت ولا معطي لما منعت

بِاللهِ مُفَوِّضاً اَمْري اِلَى اللهِ مُلْجِئاً ظَهْري اِلَى اللهِ مُتَوَكِّلاً

بخدا واگذارنده ام کار مرا بسوی خدا و تکیه دهم پشت خود را بسوی خدا و توکل کننده ام

عَلَى اللهِ وَاَقُولُ حَسْبِيَ اللهُ وَكَفى سَمِعَ اللهُ لِمَنْ دَعا لَيْسَ لي وَ

بر خدا و میگویم بس است خدا و کافی است شنونده است خدا هرکه خواند او را نیست مرا

راءَ اللهِ وَوَراءَكُمْ يا سادَتي مُنْتَهى ما شاءَ رَبّي كانَ وَما

جز خدا و جز شما ای آقایان نهایت پناه آنچه خواسته است خدایم بوده و آنچه

لَمْ يَشَاْ لَمْ يَكُنْ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ اَسْتَوْدِعُكُمَا اللهَ وَ

نخواسته است نبوده و نیست حول و نه قوه مگر بخدا بامانت می سپارم خود را بشما

لا جَعَلَهُ اللهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنّي اِلَيْكُما انْصَرَفْتُ يا سَيِّدي يا اَميرَ

نگرداند خدا این زیارت را آخر عهد از من بسوی شما بازگردیدم ای آقای من ای پادشاه

الْمُؤْمِنينَ وَمَوْلايَ وَاَنْتَ يا اَبا عَبْدِاللهِ يا سَيِّدي وَسَلامي

مؤمنان و مولای من و توئی ای پدر بنده خدا ای آقای من و درود من

عَلَيْكُما مُتَّصِلٌ مَا اتَّصَلَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ وَاصِلٌ ذلِكَ اِلَيْكُما

بر شما پیوسته مادام که پیوسته است شب و روز و رسنده است این سلام بسوی شما

غَيْرُ مَحْجُوبٍ عَنْكُما سَلامي اِنْ شاءَ اللهُ وَاَسْئَلُهُ بِحَقِّكُما اَنْ يَشاءَ

بازداشته نشود از شما درود من اگر خواهد خدا و سؤال میکنم خدا را بحق شما اینکه خواهد

ذلِكَ وَيَفْعَلَ فَاِنَّهُ حَميدٌ مَجيدٌ اِنْقَلَبْتُ يا سَيِّدَيَّ عَنْكُما

این را و میکند بدرستیکه او ستوده است بازگردیدم ای آقای من از شما

تائِباً حامِداً لِلّهِ شاكِراً راجِياً لِلْاِجابَةِ غَيْرَ آئِسٍ وَلا قانِطٍ

بازگردیده سپاس کننده خدا را شکرگذار امیدوار برای اجابت نه مأیوس و نه ناامیدوار

آئِباً عائِداً راجِعاً اِلى زِيارَتِكُما غَيْرَ راغِبٍ عَنْكُما وَلا عَنْ

باز گردنده برگردنده بسوی زیارت شما غیر رغبت دارنده بشما و نه از

زِيارَتِكُما بَلْ راجِعٌ عائِدٌ اِنْ شاءَ اللهُ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا

زیارت شما بلکه بازگردنده ام عودکننده ام اگر بخواهد خدا و نیست حول و نه قوه مگر

بِاللهِ يا سادَتي رَغِبْتُ اِلَيْكُما وَاِلى زِيارَتِكُما بَعْدَ اَنْ زَهِدَ

بخدا ای آقای من خوشنودم بشما و بسوی زیارت شما پس از آنکه بی رغبتی کردند

لا اله الا انت الخلاق العليم امرك غالب وعلمك نافذ وكيدك غريب ووعدك صادق وقولك حق وحكمك عدل وكلامك هدى ووحيك نور ورحمتك واسعة وعفوك عظيم وفضلك كثير وعطاؤك جزيل وحبلك متين وامكانك عتيد وجارك عزيز وباسك شديد ومكرك مكيد انت يا رب موضع كل شكوى حاضر كل ملا وشاهد كل نجوى منتهى كل حاجة مفرج كل حزن غنى كل مسكين حصن كل هارب امان كل خائف حرز الضعفاء كنز الفقراء مفرج الغماء معين الصالحين ذلك الله ربنا لا اله الا هو تكفي من عبادك من توكل عليك وانت جار من لاذ بك وتضرع اليك عصمة من اعتصم بك من عبادك ناصر من انتصر

فیکُما وَ فی زِیارَتِکُما اَهْلَ الدُّنْیا فَلا یُخَیِّبْنِی اللّهُ مِمّا رَجَوْتُ

در شما ودر زیارت شما اهل دنیا پس ناامید نکند مرا خدا از انچه امید دارم

وَ ما اَمَّلْتُ فی زِیارَتِکُما اِنَّهُ قَریبٌ مُجیبٌ سیف بن عمیره گفت من

وانچه آرزو دارم در زیارت شما بدرستیکه او نزدیک اجابت کننده است بصفوان گفتم که علقمه که

این زیارت را از امام محمّد باقر علیه السّلم از برای من روایت کرد این دعا را نقل نکرد صفوان گفت که من وارد شدم با سیّد خودم امام جعفر صادق ع باین مکان پس کرد مثل انچه ما کردیم در زیارت و این دعا را خواند در هنگام وداع بعد از انکه اندو رکعت نماز را کرد و ان وداع را بجا آورد بعد از ان صفوان گفت که حضرت صادق ع بمن گفت که تعاهد نما این زیارت را و بخوان این دعا را و باین نحو زیارت بکن که من ضامنم بر خدا که هر که این زیارت را بکند و این دعا را بخواند از نزدیک یا دور اینکه زیارتش مقبول باشد و سعیش مزد داده شود و سلامش بانحضرت برسد و محجوب نگردد و هر حاجت که از خدا بطلبد بر آورده شود هر چند حاجتش بزرگ باشد ای صفوان این زیارت را با همین ضامنی از پدرم شنیدم و پدرم از علی بن الحسین ع با همین ضامنی و او از امام حسین ع با همین ضامنی و او از امام حسن ع با همین ضامنی و او از پدرش امیر المؤمنین صلوات الله علیه با همین ضامنی و امیر المؤمنین از رسول خدا ص با همین ضامنی و رسول خدا از جبرئیل با همین ضامنی و جبرئیل از خدا وند عالمیان با همین ضامنی و بتحقیق که حقتعالی قسم بذات مقدّس خود یاد کرده که هر که حضرت امام حسین ع را باین روش زیارت کند از نزدیک یا دور و این دعا را بخواند زیارت او را قبول کنم و هر حاجت که بطلبد بر آورم هر چند بزرگ باشد و هر سؤال که بکند عطا کنم و از درگاه من نا امید برنگردد و او را برگردانم شاد و خوشحال ببر آمدن حاجتش و فائز شدن ببهشت و آزاد شدن از جهنّم و از برای هر که شفاعت کند شفاعتش را قبول کنم مگر کسی که دشمن ما اهلبیت باشد و گواه گرفت خدا ما را بر انچه گواه گرفته بود ملئکه ملکوت خود را پس جبرئیل گفت یا رسول الله حقتعالی مرا بسوی تو فرستاده است ببشارت و سرور و خوشحالی تو و بشارت و شادی علی بن ابیطالب ع و فاطمه و حسن و حسین و امامان از فرزندان تو تا روز قیامت پس حضرت صادق ع فرمود که ای صفوان هرگاه ترا حاجتی بسوی خدا بهم رسد این زیارت را بکن هر جا که باشی و این دعا را بخوان و از

پروردگار خود حاجت خود را بطلب که البتّه بر آورده میشود و حقتعالی خلف وعده خود نمیفرماید مؤلّف گوید که چون عبارت حدیث تشویش عظیم دارد و قابل احتمال بسیار هست اگر اوّل زیارت السّلام علیک یا ابا عبد الله تا آل نبیّک علیهم السّلام بخواند و نماز بکند زیارت را بکند و باز همان زیارت را اعاده کند بهتر است و اگر بعد از صد مرتبه لعن بار دیگر نماز بکند و بعد از صد مرتبه سلام بار دیگر نماز بکند متّصل بسجده رود و بعد از سجده نیز نماز بکند شاید بجمیع احتمالات عمل کرده باشد و اگر اوّل یکی از زیارات بعید را بعمل آورد ظاهرا کافی باشد و اگر زیارت امیر المؤمنین ع را با این زیارت ضمّ کند بهتر است خصوصا هر گاه این زیارت را در نزد ضریح امیر المؤمنین ع بعمل آورد و چون در حدیث تجویز کردن این زیارت در هر وقت وارد شده است و اگر در غیر روز عاشورا کند بجای اَللّهُمَّ اِنَّ هذا یَوْمٌ تَبَرَّکَتْ بِهِ بَنُوا اُمَیَّةَ بگوید اَللّهُمَّ اِنَّ یَوْمَ قُتِلَ الْحُسَیْنِ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ یَوْمٌ تَبَرَّکَتْ بَنُوا اُمَیَّةَ **فصل سیّم** در سایر زیارات این روز است از جمله آنها زیارتیست که بسند صحیح عبد الله بن سنان روایت کرده است که رفتم بخدمت حضرت صادق ع در روز عاشورا و آن حضرت را شکسته رنگ و اندوهناک یافتم و آب از دیده های مبارک آنحضرت مانند مروارید میریخت گفتم یا ابن رسول الله سبب گریه شما چیست خدا هرگز دیده های شما را گریان نگرداند حضرت فرمود که مگر غافلی و نمیدانی در مثل این روز حضرت امام حسین ع شهید شده است گفتم ای سیّد من چه میفرمائید در روزه اش فرمود که روزه بدار بی آنکه شب نیّت کنی و افطار بکن بی آنکه از روی شماتت و بگیر روزه تمام مگیر و باید که افطار تو بعد از نماز عصر باشد بیک ساعت بشربت آبی زیرا که در این وقت جنگ بر طرف شد از آل رسول ص و در زمین سی نفر از اهلبیت و موالی ایشان افتاده بود که صاحب مصیبت در آنها حضرت رسالت ص بود و اگر آنحضرت در دنیا میبود میبایست ایشان را تعزیت بگویند پس آنحضرت چندان گریست که ریش مبارکش از آب دیده اش تر شد حضرت فرمود که بهتر کار دیگر در این روز بکنی آنستکه جامه های پاکیزه بپوشی و بندهای آنرا بگشائی و آستینها را تا مرفق بالا کنی بروش مصیبت زده گان پس بیرون روی بسوی بیابانی یا مکانیکه کسی ترا نبیند یا خانه خالی از برای تقیّه از شیعیان در وقت چاشت پس چهار رکعت نماز بجا آوری با خشوع و خضوع و رکوع نیکو و بعد از هر دو رکعت سلام بگوئی و در رکعت اوّل بعد از حمد سوره قل یا ایّها الکافرون

وَ الْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمینَ وَ حَسْبُنَا اللّهُ وَ نِعْمَ الْوَکیلُ وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلاّ بِاللّهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ

دعاء عشرات

از دعاهای بلند شان است و ما بین نسخ آن اختلاف است و ما آنرا از مصباح شیخ نقل میکنیم و مستحب است خواندن آن در صبح و شام و افضل اوقات آن بعد از عصر جمعه است

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ سُبْحانَ اللّهِ وَ الْحَمْدُ لِلّهِ وَ لا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ وَ اللّهُ اَکْبَرُ وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلاّ بِاللّهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ سُبْحانَ اللّهِ آناءَ اللَّیْلِ وَ اَطْرافَ النَّهارِ سُبْحانَ اللّهِ بِالْغُدُوِّ وَ الاْصالِ

بخوانی و در رکعت دویم بعد از حمد سوره قل هو الله احد و در دو رکعت دیگر در رکعت اوّل سورهٔ احزاب بخوانی و در رکعت دویم اذا جاءك المنافقون و اگر اینها را ندانی هر سوره که توانی بخوان پس میگردانی روی خود را بجانب روضهٔ مقدسهٔ آن حضرت و بخاطر میاوری شهادت آن امام مظلوم و اولاد و اقارب و اصحاب آنجناب را و سلام کنی و صلوات فرستی بر او و لعنت کنی بر قاتلان ایشان و بروایت دیگر هزار مرتبه لعنت کنی بر قاتلان آنحضرت که بهر لعنتی هزار حسنه برای تو نوشته میشود و هزار گناه از تو محو میشود و هزار درجه در بهشت از برای تو بلند میشود و بهتر است که بگوئی اَللّٰهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ الْحُسَیْنِ وَاَصْحابِهِ پس فرمود که بعد از آن از موضعی که ایستاده چند گام پیش میروی و میگوئی اِنّا لِلّٰهِ وَاِنّا اِلَیْهِ راجِعُونَ رِضاً بِقَضائِهِ وَتَسْلیماً لِاَمْرِهِ و اگر هفتم سه چنین کنی بهتر است و فرمود که در جمیع این احوال باید محزون و غمناك و گریان باشی پس بجای خود برگردی و بگوئی اَللّٰهُمَّ عَذِّبِ

خدایا عذاب کن

اَلْفَجَرَةَ الَّذینَ شاقُّوا رَسُولَكَ وَحارَبُوا اَوْلِیاءَكَ وَعَبَدُوا

نابکارانرا که مخالفت و بتعب انداختند فرستاده تورا و جنگ کردند دوستان تورا و بندگی کردند

غَیْرَكَ وَاسْتَحَلُّوا مَحارِمَكَ وَالْعَنِ الْقادَةَ وَالْاَتْباعَ وَمَنْ

غیر تورا و حلال دانستند محرمهای تورا و نفرین کن پیشروان و تابعان و کسیکه

کانَ مِنْهُمْ فَخَبَّ وَاَوْضَعَ مَعَهُمْ اَوْ رَضِیَ بِفِعْلِهِمْ لَعْناً

بوده است از ایشان پس جست و شتاب میکرد با ایشان یا راضی است بکار ایشان نفرین کردن

کَثیراً اَللّٰهُمَّ وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ صَلَواتِكَ عَلَیْهِ

بسیاری خدایا و شتاب کن فرج آل محمد را و بگردان رحمت خود را بر او

وَعَلَیْهِمْ وَاسْتَنْقِذْهُمْ مِنْ اَیْدِی الْمُنافِقینَ الْمُضِلّینَ وَالْکَفَرَةِ

و بر ایشان و برهان ایشانرا از دستهای منافقان گمراهان و کافران

الْجاحِدینَ وَافْتَحْ لَهُمْ فَتْحاً یَسیراً وَاَتِحْ لَهُمْ رَوْحاً وَفَرَجاً

انکار کنندگان و گشایش ده ایشانرا گشایش آسان و مهیا کن برای ایشان راحتی و شادی

قَریباً وَاجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ عَلی عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِمْ سُلْطاناً نَصیراً

نزدیکی و بگردان برای ایشان از نزد خودت بر دشمن خود و دشمن ایشان با قدرتی یاری کننده

سبحان ذی الملك والملکوت سبحان ذی العزة والجبروت سبحان ذی الکبریاء والعظمة الملك الحق المهیمن القدوس سبحان الله الملك الحی الذی لا یموت سبحان الله الملك الحی القدوس سبحان القائم الدائم سبحان الدائم القائم سبحان ربی العظیم سبحان ربی الاعلی سبحان الحی القیوم سبحان العلی الاعلی سبحانه

پس دست بدعا بردار و قصد کن دشمنان آل محمد صلوات الله علیه را و بگو

اَللّٰهُمَّ اِنَّ کَثیراً مِنَ الْاُمَّةِ ناصَبَتِ الْمُسْتَحْفِظینَ مِنَ الْاَئِمَّةِ

خدایا بسیاری از امت دشمنی کردند با آنانکه حفظ کننده کانند از پیشوایان

وَکَفَرَتْ بِالْکَلِمَةِ وَعَکَفَتْ عَلَی الْقادَةِ الظَّلَمَةِ وَهَجَرَتِ الْکِتابَ

و کافر شدند بکلمهٔ حق و پایداری کردند بر پیشروان ستمگر و متروك ساختند کتاب خدا

وَالسُّنَّةَ وَعَدَلَتْ عَنِ الْحَبْلَیْنِ اللَّذَیْنِ اَمَرْتَ بِطاعَتِهِما وَ

و طریقه او را و دور کردند از دست آویزی آنانکه امر کردی بفرمان برداری آن دو

التَّمَسُّكِ بِهِما فَاَماتَتِ الْحَقَّ وَحادَتْ عَنِ الْقَصْدِ وَمالَأَتِ

و چنگ زدند بآن دو پس میراندند حق را و عدول کردند از راه راست و پیروی کردند

الْاَحْزابَ وَحَرَّفَتِ الْکِتابَ وَکَفَرَتْ بِالْحَقِّ لَمّا جاءَها وَ

تو را گروه‌ها و تغییر دادند کتاب خدا را و کافر شدند بحق چون آمد ایشانرا و

تَمَسَّکَتْ بِالْباطِلِ لَمَّا اعْتَرَضَها وَضَیَّعَتْ حَقَّكَ وَاَضَلَّتْ

چنگ زدند بناحق از زمان که پیش آمد ایشانرا و ضایع کرد حق تورا و گمراه کردند

خَلْقَكَ وَقَتَلَتْ اَوْلادَ نَبِیِّكَ وَخِیَرَةَ عِبادِكَ وَحَمَلَةَ عِلْمِكَ

خلق تورا و کشتند فرزند پیغمبرت را و برگزیدگان بندگان تورا و برداردگان علم تورا

وَوَرَثَةَ حِکْمَتِكَ وَوَحْیِكَ اَللّٰهُمَّ فَزَلْزِلْ اَقْدامَ اَعْدائِكَ

و وارثان حکم تو و وحی تو خدایا بلرزان قدمهای دشمنان تورا

وَاَعْداءِ رَسُولِكَ وَاَهْلِ بَیْتِ رَسُولِكَ اَللّٰهُمَّ وَاَخْرِبْ دِیارَهُمْ

و دشمنان فرستاده تورا و اهل بیت رسول تورا خدایا و خراب کن سراهای ایشا

وَافْلُلْ سِلاحَهُمْ وَخالِفْ بَیْنَ کَلِمَتِهِمْ وَفُتَّ فی اَعْضادِهِمْ

و بشکن آلات جنگ ایشانرا و مخالفت انداز میان سخنان ایشان و سستی فکن در بازوهای ایشان

وَاَوْهِنْ کَیْدَهُمْ وَاضْرِبْهُمْ بِسَیْفِكَ الْقاطِعِ وَارْمِهِمْ بِحَجَرِكَ

و سست کن مکر ایشانرا و بزن ایشانرا بشمشیر برنده و بینداز ایشانرا بسنگ خود

الدّامِغِ وَطُمَّهُمْ بِالْبَلاءِ طَمّاً وَقُمَّهُمْ بِالْبَلاءِ قَمّاً وَعَذِّبْهُمْ

کوبنده و فرو گیر ایشانرا ببلا فرو گرفتنی و بپوشان ایشانرا ببلا فرو گرفتنی و عذاب کن ایشانرا

عذاباً نكراً وخذهم بالسنين والمثلات التي اهلكت بها اعدائك

ایشان را بسالهای قحط و عقوبتها که هلاک کردی بآن دشمنان خود را

انك ذو نقمة من المجرمين اللهم ان سنتك ضائعة واحكامك

بدرستیکه تو صاحب عقوبتی از گناهکاران خدایا بدرستیکه طریقه تو ضایع شده و احکام تو

معطلة وعترة نبيك في الارض هائمة اللهم فاعن الحق و

معطل است و اولاد پیغمبر تو در زمین سرگردانند خدایا یاری کن حق و

اهله واقمع الباطل واهله ومن علينا بالنجاة واهدنا

اهل حق را و برانداز باطل و اهل باطل را و منت نه بر ما بنجات و هدایت کن ما را

الى الايمان وعجل فرجنا وانظمه بفرج اوليائك و

بایمان و شتاب کن فرج ما را و پیوند ده او را بفرج دوستان خود و

اجعلهم لنا وداً واجعلنا لهم وفداً اللهم واهلك من جعل

بگردان ما را برای ایشان دوست و بگردان ما را برای ایشان وارد شونده خدایا و هلاک کن کسی را که گردانید

يوم قتل ابن نبيك وخيرتك عيداً واستهل به فرحاً ومرحاً

روز کشتن پسر پیغمبر تو و برگزیده تو را عید و صدا بلند کرد بآن بشادی و خرمی

وخذ آخرهم كما اخذت اولهم وضاعف اللهم العذاب و

و بگیر آخر ایشان را چنانچه گرفتی اول ایشان را و دو چندان کن خدایا عذاب را و

التنكيل على ظالمي اهل بيت نبيك واهلك اشياعهم و

عقوبت را بر ستمکاران خانواده پیغمبرت و هلاک کن پیروان ایشان را

قادتهم وابر حماتهم وجماعتهم اللهم وضاعف صلواتك

و آقایان ایشان را و هلاک کن حمایت کنندگان ایشان را و گروه ایشان را خدایا و مضاعف کن رحمتهای خود

ورحمتك وبركاتك على عترة نبيك العترة الضائعة الخائفة

و رحمت خود و برکات خود بر اولاد پیغمبر خود اولاد ضایع شده ترسنده

المستذلة بقية من الشجرة الطيبة الزاكية المباركة واعل

خوار شده باقیمانده از درخت پاکیزه پاک میمون و بلند کن

اللهم كلمتهم وافلج حجتهم واكشف البلاء واللأواء و

خدایا سخن ایشان را و ظاهر کن برهان ایشان را و ببر بلا را و شدت را و

حنادس الاباطيل والعمى عنهم وثبت قلوب شيعتهم و

تیرگیهای باطلها را و کوری را از ایشان و ثابت دار دلهای شیعیان ایشان را

حزبك على طاعتك وولايتهم ونصرهم وموالاتهم واعنهم

و گروه خود را بر طاعت خود و دوستی ایشان و یاری ایشان و دوستی ایشان و اعانت کن

وامنحهم الصبر على الاذى فيك واجعل لهم اياماً مشهودة

و بده ایشان را صبر بر اذیت در تو و بگردان برای ایشان روزهای حاضر شده

واوقاتاً محمودة مسعودة توشك فيها فرجهم وتوجب فيها

و وقتهای ستوده نیکبخت که نزدیک گردانی در آن فرج ایشان را و واجب کنی در آن

تمكينهم ونصرهم كما ضمنت لاوليائك في كتابك المنزل فانك

جای دادن ایشان را و یاری کردن چنانچه ضامن شدی مر دوستان خود را در کتاب خود که فرستاده شده پس بدرستیکه تو

قلت وقولك الحق وعد الله الذين آمنوا منكم وعملوا الصالحات

گفتی و گفته تو راست است وعده کرد خدا آنان را که ایمان آوردند از شما و کردند کارهای شایسته

ليستخلفنهم في الارض كما استخلف الذين من قبلهم وليمكنن

هر آینه جانشین کند ایشان را در زمین چنانچه جانشین گردانید آنان را که پیش از ایشان بودند و تمکین دهد

لهم دينهم الذي ارتضى لهم وليبدلنهم من بعد خوفهم امناً

برای ایشان دین ایشان را آنان را که برگزید برای ایشان و بدل آورد ایشان را از بعد از ترس ایشان ایمنی

يعبدونني لا يشركون بي شيئاً اللهم فاكشف غمهم يا من لا

که بپرستند مرا شریک نمیکنند بمن چیزی را خدایا پس برطرف کن اندوه ایشان را ای آنکه مالک

يملك كشف الضر الا هو يا واحد يا احد يا حي يا قيوم وانا

نمی‌شود برداشتن ضرر را مگر او ای یکتا ای یگانه ای زنده ای پاینده و من

يا الهي عبدك الخائف منك والراجع اليك السائل لك المقبل

ای خدای من بنده تو ترسنده از تو و برگردنده بتو سؤال کننده تو را رو آورنده

عليك اللاجئ الى فنائك العالم بانه لا ملجأ منك الا اليك

بر تو پناه آورنده بدرگاه تو دانا باینکه نیست پناهی از تو مگر بسوی تو

اللهم فتقبل دعائي واسمع يا الهي علانيتي ونجواي واجعلني

خدایا پس بپذیر دعای مرا و بشنو ای خدای من آشکارا و راز مرا و بگردان مرا

مِمَّنْ رَضِیتَ عَمَلَهُ وَقَبِلْتَ نُسُکَهُ وَنَجَّیْتَهُ بِرَحْمَتِکَ اِنَّکَ اَنْتَ

از آنکه پسندیدی کردارش را وقبول کردی عبادتش را ونجات دادی او را برحمت تو بدرستیکه توئی

الْعَزِیزُ الْکَرِیمُ وَصَلِّ اَوَّلاً وَآخِراً عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبارِکْ عَلی

غالب درست کردار وخدایا رحمت فرست در اول وآخر بر محمد وآل محمد وبرکت ده بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ بِاَکْمَلِ وَاَفْضَلِ ما صَلَّیْتَ

محمد وآل محمد ورحم کن محمد وآل محمد را بکاملتر وزیادتر آنچه رحمت کرده

وَبارَکْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلی اَنْبِیائِکَ وَرُسُلِکَ وَمَلائِکَتِکَ وَ

وبرکت دادی ورحمت کردی بر پیغمبران خود وفرستادگان خود وفرشتگان خود و

حَمَلَةِ عَرْشِکَ بِلا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ اَللّهُمَّ وَلا تُفَرِّقْ بَیْنی وَبَیْنَ

بردارندهٔ عرش تو بجهت لا اله الا انت خدایا وجدائی مینداز میان من ومیان

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ وَاجْعَلْنی یا مَوْلایَ

محمد وآل محمد رحمت تو براو وبرایشان وبگردان مرا ای آقای من

مِنْ شیعَةِ مُحَمَّدٍ وَعَلِیٍّ وَفاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ وَذُرِّیَّتِهِمُ

از پیروان محمد وعلی وفاطمه وحسن وحسین وفرزندان ایشان

الطّاهِرَةِ الْمُنْتَجَبَةِ وَهَبْ لِیَ التَّمَسُّکَ بِحَبْلِهِمْ وَالرِّضا

پاکیزگان نجیبان وببخش مرا چنگ زدن در دوستی ایشان و خوشنودی

بِسَبیلِهِمْ وَالْاَخْذَ بِطَریقَتِهِمْ اِنَّکَ جَوادٌ کَریمٌ پس بسجده رود و

براه ایشان وگرفتن راه ایشان بدرستیکه تو بخشنده بزرگی — خود را برخاک بگذارد و بگو

یا مَنْ یَحْکُمُ ما یَشاءُ وَیَفْعَلُ ما یُریدُ اَنْتَ حَکَمْتَ فَلَکَ الْحَمْدُ

ای آنکه حکم میکند آنچه میخواهد ومیکند آنچه اراده میکند توئی حکم کننده پس تو راست حمد

مَحْمُوداً مَشْکُوراً فَعَجِّلْ یا مَوْلایَ فَرَجَهُمْ وَفَرَجَنا بِهِمْ فَاِنَّکَ

ستوده سپاس کرده شده پس شتاب کن ای مولای من فرج ایشان را وفرج ده ایشان را پس تو

ضَمِنْتَ اِعْزازَهُمْ بَعْدَ الذِّلَّةِ وَتَکْثیرَهُمْ بَعْدَ الْقِلَّةِ وَاِظْهارَهُمْ

ضامن گشتی عزت دادن ایشان را بعد از خواری وزیاد کردن ایشان را بعد از کمی وآشکار کردن

بَعْدَ الْخُمُولِ یا اَصْدَقَ الصّادِقینَ وَیا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ

بعد از نهان ای راستگوتر راست گویان وای بخشنده تر بخشندگان

فَاَسْئَلُکَ یا اِلهی وَسَیِّدی مُتَضَرِّعاً اِلَیْکَ بِجُودِکَ وَکَرَمِکَ

پس میخواهم از تو ای خدای من وآقای من زاری کننده بتو ببخشش تو وکرم تو

بَسْطَ اَمَلی وَالتَّجاوُزَ عَنّی وَقَبُولَ قَلیلِ عَمَلی وَکَثیرِهِ وَ

گشایش آرزوی مرا ودرگذراندن ازمن وپذیرفتن کمی کردار من وبسیاری و

الزِّیادَةَ فی اَیّامی وَتَبْلیغی ذلِکَ الْمَشْهَدَ وَاَنْ تَجْعَلَنی مِمَّنْ

زیادتی در روزهای عمر من ورسانیدن مرا باین جای حضور واینکه بگردانی مرا از آنکه

یُدْعی فَیُجیبُ اِلی طاعَتِهِمْ وَمُوالاتِهِمْ وَنَصْرِهِمْ وَتُرِیَنی ذلِکَ

خوانده میشود پس اجابت میکند طاعت ایشان ودوستداری ایشان ویاری ایشان ونمایانی مرا در این

قَریباً سَریعاً فی عافِیَةٍ اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ پس سر خود را بسوی

نزدیکی شتابان در عافیت بدرستیکه تو بر هر چیزی توانائی — آسمان بلند کن وبگو

اَعُوذُ بِکَ اَنْ اَکُونَ مِنَ الَّذینَ لا یَرْجُونَ اَیّامَکَ فَاَعِذْنی

پناه میبرم بتو که بوده باشم از آنانکه امید ندارند روزگار تو را پس پناه ده مرا

یا اِلهی بِرَحْمَتِکَ مِنْ ذلِکَ چون چنین کنی این عمل بهتر است از برای تو

ای خدای من برحمت تو از این — از حجهای بسیار وعمره های بسیار که مال بسیار

در آنها صرف نمائی وبدن خود را در آنها بتعب افکنی واز اهل وعیال وفرزندان خود جدا شوی وبدانکه کسیکه این نماز را در این روز بکند واین دعا را از روی اخلاص بخواند واین عمل را بایقین وتصدیق بجا آورد حقتعالی ده خصلت باو عطا کند از جمله آنها آنستکه او را از مردنهای بد حفظ کند مانند غرق شدن وسوختن ودر زیر عمارت ماندن وامثال اینها ونمیرد ودشمنی براو مسلط نکرده ونگاه دارد او را از دیوانگی وخوره وپیسی در خودش ودر فرزندانش تا چهار پشت وشیطان ودوستان ویاران شیطان را مسلط نکرداند براو وبر نسل او تا چهار پشت — در روایت دیگر زیارتی است که مشتمل است بر زیارت شهداء ومتضمن تعزیت رسول خدا وائمه هدی صلوات الله علیهم است ومناسبت کرده این روز خوانده شود واگر در این روز خوانده شود شاید انسب باشد

ودر زیارت اینست

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ آدَمَ صِفْوَةِ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ

درود بر تو ای وارث آدم برگزیدهٔ خدا درود بر تو

یا وارِثَ نُوحٍ نَبِیِّ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ اِبْرٰهیمَ خَلیلِ
ای وارث نوح پیغمبر خدا درود برتو ای وارث ابرهیم دوست

اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ مُوسٰی کَلیمِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ
خدا درود برتو ای وارث موسی هم سخن خدا درود برتو

یا وارِثَ عیسٰی رُوحِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ مُحَمَّدٍ حَبیبِ
ای وارث عیسی روح خدا درود برتو ای وارث محمد دوست

اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ عَلِیٍّ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ
خدا درود برتو ای وارث علی پادشاه مؤمنان درود برتو

یا وارِثَ الْحَسَنِ الشَّهیدِ سِبْطِ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ
ای وارث حسن کشته شده نبیره رسول خدا درود برتو ای پسر

رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ الْبَشیرِ النَّذیرِ وَابْنَ سَیِّدِ
رسول خدا درود برتو ای پسر مژده دهنده بیم کننده و پسر آقای

الْوَصِیّینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ فاطِمَةَ سَیِّدَةِ نِساءِ الْعالَمینَ
وصی‌ها درود برتو ای پسر فاطمه بزرگ زنان جهانیان

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَبا عَبْدِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا خِیَرَةَ اللهِ وَابْنَ
درود برتو ای پدر بنده خدا درود برتو ای برگزیده خدا و پسر

خِیَرَتِهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا ثارَ اللهِ وَابْنَ ثارِهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا
برگزیده خدا درود برتو ای خون خدا و پسر خون خدا درود برتو ای

الْوِتْرُ الْمَوْتُورُ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا الْاِمامُ الْهادِی الزَّکِیُّ وَ
خون ریخته شده درود برتو ای پیشوای راه یافته شده پاکیزه و

عَلَی الْاَرْواحِ الَّتی حَلَّتْ بِفِنائِکَ وَاَقامَتْ فی جِوارِکَ وَوَفَدَتْ
بر روحهای که فرود آمدند بدرگاه تو و درنگ کردند در همسایگی تو و وارد شدند

مَعَ زُوّارِکَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ مِنّی ما بَقیتُ وَبَقِیَ اللَّیْلُ وَالنَّهارُ
با زوّار تو درود برتو از من مادام که باقیم و باقی است شب و روز

فَلَقَدْ عَظُمَتْ بِکَ الرَّزِیَّةُ وَجَلَّ الْمُصابُ فِی الْمُؤْمِنینَ وَالْمُسْلِمینَ
پس هر آینه بزرگ گشت بتو اندوه و بزرگ گشت اندوه در مؤمنین و مسلمانان

وَفی اَهْلِ السَّمٰواتِ اَجْمَعینَ وَفی سُکّانِ الْاَرَضینَ فَاِنّا
و در اهل آسمانها همه و در ساکنان زمینها پس ما

لِلّٰهِ وَاِنّا اِلَیْهِ راجِعُونَ وَصَلَواتُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ وَتَحِیّاتُهُ
بخدا و بسوی او بازگردندگانیم و رحمت خدا و برکتهای او و درودهای او

عَلَیْکَ وَعَلٰی آبائِکَ الطَّیِّبینَ الْمُنْتَجَبینَ وَعَلٰی ذَراریهِمُ الْهُداةِ
برتو و بر آباء تو که پاکیزگان برگزیدگانند و بر فرزندان ایشان که راه یافتگان

الْمَهْدِیّینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ وَعَلَیْهِمْ وَعَلٰی رُوحِکَ
راه یافته شدگانند درود برتو ای آقای من و بر ایشان و بر روح تو

وَعَلٰی اَرْواحِهِمْ وَعَلٰی تُرْبَتِکَ وَعَلٰی تُرْبَتِهِمْ اَللّٰهُمَّ لَقِّهِمْ
و بر روحهای ایشان و بر خاک تو و بر خاک ایشان خدایا پیش آور بایشان

رَحْمَةً وَرِضْواناً وَرَوْحاً وَرَیْحاناً اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ
رحمت و خوشنودی و خوشی و خوشحالی درود برتو ای آقای من

یا اَبا عَبْدِ اللهِ یَا ابْنَ خاتَمِ النَّبِیّینَ وَیَا ابْنَ سَیِّدِ الْوَصِیّینَ وَیَا ابْنَ
ای پدر بنده خدا ای پسر خاتم پیغمبران و پسر آقای وصیها و ای پسر

سَیِّدَةِ نِساءِ الْعالَمینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا شَهیدُ وَابْنَ الشَّهیدِ
بزرگ زنان جهانیان درود برتو ای شهید و پسر شهید

یا اَخَ الشَّهیدِ یا اَبَا الشُّهَداءِ اَللّٰهُمَّ بَلِّغْهُ عَنّی فی هٰذِهِ السّاعَةِ
ای برادر کشته ای پدر کشته شده‌ها خدایا برسان او را از من در این ساعت

وَفی هٰذَا الْیَوْمِ وَفی هٰذَا الْوَقْتِ وَفی کُلِّ وَقْتٍ تَحِیَّةً کَثیرَةً
و در این روز و در این وقت و در هر وقتی درود بسیار

وَسَلاماً سَلامُ اللهِ عَلَیْکَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ یَا ابْنَ سَیِّدِ
و رحمت زیاد درود خدا برتو و رحمت خدا و برکات او ای پسر بزرگ

الْعالَمینَ وَعَلَی الْمُسْتَشْهَدینَ مَعَکَ سَلاماً مُتَّصِلاً مَا اتَّصَلَ
جهانیان و بر شهادت یافتگان با تو درودی پیوسته مادام که پیوسته

اللَّیْلُ وَالنَّهارُ اَلسَّلامُ عَلَی الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ الشَّهیدِ اَلسَّلامُ
شب و روز درود بر حسین پسر علی کشته شده درود

عَلى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ الشَّهيدِ اَلسَّلامُ عَلَى الْعَبّاسِ بْنِ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ

بر علی پسر حسین کشته شده درود بر عباس پسر امیر مؤمنان

الشَّهيدِ اَلسَّلامُ عَلَى الشُّهَداءِ مِنْ وُلْدِ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ اَلسَّلامُ

کشته شده درود بر کشتگان از فرزندان امیر مؤمنان درود

عَلَى الشُّهَداءِ مِنْ وُلْدِ الْحَسَنِ اَلسَّلامُ عَلَى الشُّهَداءِ مِنْ وُلْدِ

بر کشته شده های از فرزندان حسن درود بر کشته شده های از فرزندان

الْحُسَيْنِ اَلسَّلامُ عَلَى الشُّهَداءِ مِنْ وُلْدِ جَعْفَرٍ وَعَقيلٍ اَلسَّلامُ

حسین درود بر کشته شده های از فرزند جعفر وعقیل درود

عَلى كُلِّ مُسْتَشْهَدٍ مَعَهُمْ مِنَ الْمُؤْمِنينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ

بر هر شهادت جوئی که با ایشان شهید شده از مؤمنان خدایا رحمت فرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَلِّغْهُمْ عَنّي تَحِيَّةً كَثيرَةً وَسَلاماً اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

وال محمد و برسان ایشانرا از من درود بسیار وسلام درود بر تو

يا رَسُولَ اللّٰهِ اَحْسَنَ اللّٰهُ لَكَ الْعَزاءَ في وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ اَلسَّلامُ

ای فرستاده خدا نیکو کند خدا برای تو صبر عزا را در فرزند تو حسین درود

عَلَيْكِ يا فاطِمَةُ اَحْسَنَ اللّٰهُ لَكِ الْعَزاءَ في وَلَدِكِ الْحُسَيْنِ اَلسَّلامُ

بر تو ای فاطمه نیکو کند خدا برای تو عزا را در فرزند تو حسین درود

عَلَيْكَ يا اَميرَ الْمُؤْمِنينَ اَحْسَنَ اللّٰهُ لَكَ الْعَزاءَ في وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ

بر تو ای پادشاه مؤمنان نیکو کند خدا برای تو عزا را در فرزند تو حسین

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَبا مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ اَحْسَنَ اللّٰهُ لَكَ الْعَزاءَ في اَخيكَ

درود بر تو ای پدر محمد حسن نیکو گرداند خدا برای تو عزا را در برادر تو

الْحُسَيْنِ يا مَوْلايَ يا اَبا عَبْدِ اللّٰهِ اَنَا ضَيْفُ اللّٰهِ وَضَيْفُكَ وَ

حسین ای آقای من ای پدر بنده خدا منم مهمان خدا ومهمان تو و

جارُ اللّٰهِ وَجارُكَ وَلِكُلِّ ضَيْفٍ وَجارٍ قِرىً وَقِرايَ في

همسایه خدا وهمسایه تو و برای هر مهمانی وهمسایه احسان کردنی است در

هٰذَا الْوَقْتِ اَنْ تَسْئَلَ اللّٰهَ سُبْحانَهُ وَتَعالى اَنْ يَرْزُقَني فَكاكَ

این وقت اینکه درخواست کنی خدای منزه و بلند اینکه روزی کند مرا آزاد

رَقَبَتي مِنَ النّارِ اِنَّهُ سَميعُ الدُّعاءِ قَريبٌ مُجيبٌ وشیخ

کردنم را از آتش بدرستیکه او شنونده دعای نزدیک اجابت کننده است

مفید ره گفته که روز زفاف حضرت فاطمه و امیر المؤمنین صلوات الله علیهما واقع شده باید روز را برای شکر این نعمت عظمی شیعیان روزه بدارند وشیخ طوسی ره گفته است که روز هفدهم ماه محرم اصحاب فیل بجهة خراب کردن کعبه آمده بودند بر کشتند و عذاب بر ایشان نازل شد و روز بیست و پنجم این ماه حضرت امام زین العابدین علیه السلام بعالم اعلا ارتحال نمود

باب هفتم

در اعمال ماه صفر است که این ماه مشهور است بنحوست و وجه میتواند داشت که آنکه موافق قول علمای شیعه وفات حضرت رسالتپناه صلی الله علیه و آله در این ماه واقع شده است دوم آنکه در سه ماه متوالی که اشهر حرمند چون عرب قتال نمیکرده اند در اینها شروع بقتال میکرده اند لهذا نحس شمرده اند و در احادیث شیعه ندیده ام چیزیکه دلالت بر نحوست کند و در روایات غیر معتبره عامه وارد شده است وسید بن طاوس در بعضی از کتب معتبره روایت کرده است که در روز سیم این ماه مستحب است که دو رکعت نماز بجا آورند و در رکعت اول بعد از حمد انا فتحنا بخوانند و در رکعت دوم بعد از حمد سوره توحید و بعد از سلام صد مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و صد مرتبه اَللّٰهُمَّ الْعَنْ آلَ اَبي سُفْيانَ و صد مرتبه اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَاَتُوبُ اِلَيْهِ و روز بیستم این ماه مشهور است بروز اربعین یعنی روز چهلم شهادت حضرت سید الشهداء صلوات الله علیه و در کتب معتبره از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام روایت کرده اند که علامات مؤمن پنج چیز است نماز پنجاه و یک رکعت از فریضه و نافله در شب و روز و زیارت اربعین و انگشتر در دست راست کردن و جبین را در سجده شکر بر خاک گذاشتن و بسم الله الرحمن الرحیم را بلند گفتن و کیفیت زیارت اربعین بسند معتبر منقول است از صفوان جمال که گفت مولای من حضرت صادق صلوات الله علیه بمن گفت که در زیارت اربعین که زیارت میکنی در هنگامی که روز بلند شده باشد و میگوئی اَلسَّلامُ عَلى وَلِيِّ اللّٰهِ وَ

درود بر دلی خدا و

جبیبه السلام علی خلیل الله ونجیبه السلام علی صفی الله

دوست او درود بر دوست خدا وبرگزیده او درود بر برگزیده خدا

وابن صفیه السلام علی الحسین المظلوم الشهید السلام

وپسر برگزیده او درود بر حسین ستمدیده کشته شده درود

علی اسیر الکربات وقتیل العبرات اللهم انی اشهد انه ولیک

بر اسیر اندوهها وکشته شده سرشکها خدایا من گواهی میدهم که او ولی تست

وابن ولیک وصفیک وابن صفیک الفائز بکرامتک اکرمته

وپسر ولی تست وبرگزیده تو پسر برگزیده تست رستگار بکرامت تست گرامی داشته او را

بالشهادة وحبوته بالسعادة واجتبیته بطیب الولادة و

بشهادت وعطا داده او را بسعادت وبرگزیده او را بپاکی ولادت و

جعلته سیدا من السادة وقائدا من القادة وذائدا من

گردانیده او را آقائی از آقایان وپیشروی از پیشروان وباز دارنده از

الذادة واعطیته مواریث الانبیاء وجعلته حجة علی

باز داران وداده او را ازثهای پیغمبران وگردانیده او را برهان بر

خلقک من الاوصیاء فاعذر فی الدعاء ومنح النصح و

آفریدگان خود از اوصیاء او پس مبالغه کردم در دعا وعطا کرد پند را و

بذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک من الجهالة وحیرة

داد جان خود را درراه تو تا اینکه برهاند بندگان تو را از نادانی وسرگردان

الضلالة وقد توازر علیه من غرته الدنیا وباع حظه بالارذل

گمراهی وبتحقیق شدت کرد براو کسیکه فریب داد او را دنیا وفروخت بهره خود را بارذل

الادنی وشری آخرته بالثمن الاوکس وتغطرس وتردی فی

ادنی وخرید آخرت او را ببهای اندک وبیداد کرد وهلاک کرد در

هواه واسخطک واسخط نبیک واطاع من عبادک اهل الشقاق

خواهشهای او وبخشم آورد تو را وبخشم آورد پیغمبر تو را واطاعت کرد از بندگان تو اهل بدبختی

والنفاق وحملة الاوزار المستوجبین النار فجاهدهم فیک صابرا

ونفاق وبرداشتن بار گران سزاواران آتش را پس جهاد کرد با ایشان در صبر

محتسبا حتی سفک فی طاعتک دمه واستبیح حریمه اللهم

خالص کننده تا ریخته شد در فرمانبرداری خون او وحلال داشته شد حرم او را خدایا

فالعنهم لعنا وبیلا وعذبهم عذابا الیما السلام علیک یابن

نفرین کن ایشان را نفرین کردن گران وعذاب کن ایشان را عذابی دردناک درود بر تو ای پسر

رسول الله السلام علیک یابن سید الاوصیاء اشهد انک

رسول خدا درود بر تو ای پسر آقای وصی‌ها شهادت میدهم که تو

امین الله وابن امینه عشت سعیدا ومضیت حمیدا ومت

امین خدائی وپسر امین او زندگانی کردی نیکبخت ودرگذشتی ستوده ومردی

فقیدا مظلوما شهیدا واشهد ان الله منجز لک ما وعدک

بی مثل ستم کشیده شهید شده وگواهی میدهم اینکه خدا بجا آورنده است برای تو وعده تورا

ومهلک من خذلک ومعذب من قتلک واشهد انک وفیت

وهلاک کننده است آنکه خوار کرد تو را وعذاب کننده است آنکه کشت تو را وگواهی میدهم آنکه تو وفا کردی

بعهد الله وجاهدت فی سبیل الله حتی اتیک الیقین فلعن

بعهد خدا وجهاد کردی درراه خدا تا آمد تو را یقین نفرین کند

الله من قتلک ولعن الله من ظلمک ولعن الله امة سمعت

خدا آنکه کشت تو را ونفرین کند خدا آنکه ستم کرد ترا ولعنت کند خدا گروهی را که شنیدند

بذلک فرضیت به اللهم انی اشهدک انی ولی لمن والاه

این را پس راضی شدند باین خدایا من گواهی میدهم ترا آنکه من دوستم از آنکه دوست

وعدو لمن عاداه بابی انت وامی یابن رسول الله اشهد

ودشمنم از آنکه دشمن است او را بپدر ومادرم فدای تو باد ای پسر رسول خدا گواهی میدهم

انک کنت نورا فی الاصلاب الشامخة والارحام الطاهرة

که تو بودی نوری در پشتهای بلند رفعت ودر رحمهای پاکیزه

لم تنجسک الجاهلیة بانجاسها ولم تلبسک المدلهمات

پلید نکرد ترا نادانی بپلیدیهایش ودر نپوشانیده تو را تیرگیهای

من ثیابها واشهد انک من دعائم الدین وارکان المسلمین

از جامه‌هایش وگواهی میدهم اینکه توئی از ستونهای دین ورکنهای گروندگان

وَمَعقِلُ الْمُؤْمِنِينَ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ الْاِمامُ الْبَرُّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ

و محل عقل مؤمنان و گواهی میدهم اینکه توئی پیشوای نیکوی پرهیزکار خوشنود

الزَّكِيُّ الْهادِي الْمَهْدِيُّ وَاَشْهَدُ اَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ

پاکیزه راه نماینده راه یافته شده و گواهی میدهم اینکه پیشوایان از فرزندان تو کلمه

التَّقْوى وَاَعْلامُ الْهُدى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقى وَالْحُجَّةُ عَلى اَهْلِ

پرهیزکارید و نشانهای هدایت و دستگیره محکم و برهان بر اهل

الدُّنْيا وَاَشْهَدُ اَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِاِيابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرايِعِ دِينِي

دنیا و گواهی میدهم اینکه من بشما گرونده ام و بباز گشتن شما یقین دارنده ام بر اههای دین من

وَخَواتِيمِ عَمَلِي وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سِلْمٌ وَاَمْرِي لِاَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ وَ

و آخرهای کردار من و دل من برای دل شما صلح است و امر من مر امر شما را پیرو است و

نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتّى يَاْذَنَ اللهُ لَكُمْ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لا مَعَ عَدُوِّكُمْ

یاریم مر شما را آماده است تا دستوری دهد خدا شما را پس با شما با شما نه با دشمن شما

صَلَواتُ اللهِ عَلَيْكُمْ وَعَلى اَرْواحِكُمْ وَعَلى اَجْسادِكُمْ وَشاهِدِكُمْ

رحمت خدا بر شما و بر روحهای شما و بر جسدهای شما و حاضر شما

وَغائِبِكُمْ وَظاهِرِكُمْ وَباطِنِكُمْ آمِينَ رَبَّ الْعالَمِينَ و دو رکعت

و غائب شما و ظاهر شما و باطن شما اجابت کن ای پروردگار جهانیان نماز میکنی

و هر دعا که خواهی میکنی و بر میگردی و سید بن طاوس ره گفته است که من برای

این زیارت وداعی یافته ام که مخصوص است باین زیارت باید که با یستی پیش ضریح

و بگو اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضى

درود بر تو ای پسر رسول خدا درود بر تو ای پسر علی مرتضی

وَصِيِّ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ سَيِّدَةِ

وصی رسول الله درود بر تو ای پسر فاطمه زهرا خاتون

نِساءِ الْعالَمِينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ الْحَسَنِ الزَّكِيِّ اَلسَّلامُ

زنهای جهانیان درود بر تو ای وارث حسن پاکیزه درود

عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللهِ فِي اَرْضِهِ وَشاهِدَهُ عَلى خَلْقِهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

بر تو ای برهان خدا در زمین او و گواه او بر خلق او درود بر تو.

يا اَبا عَبْدِ اللهِ الشَّهِيدِ وَالسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ وَابْنَ

ای پدر بنده خدا شهید شده و درود بر تو ای آقای من و پسر

مَوْلايَ اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلوةَ وَآتَيْتَ الزَّكوةَ وَاَمَرْتَ

آقای من گواهی میدهم تو بر پا داشتی نماز را و دادی زکوة را و امر کردی

بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَجاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللهِ حَتّى

بنیکی و نهی کردی از بدی و جهاد کردی در راه خدا تا

اَتيكَ الْيَقِينُ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ عَلى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ اَتَيْتُكَ يا مَوْلايَ

آمد ترا یقین و گواهی میدهم اینکه تو بر برهان روشنی از پروردگارت آمدم ترا ای آقای من

و اگر از دور زیارت کند بجای اتیتک بگوید تَوَجَّهْتُ اِلَيْكَ يا مَوْلايَ زائِراً وَوافِداً راغِباً

رو آوردم بتو ای آقای من زیارت کننده وارد شونده میل کننده

مُقِرّاً لَكَ بِالذُّنُوبِ هارِباً اِلَيْكَ مِنَ الْخَطايا لِتَشْفَعَ لِي عِنْدَ

اقرار کننده ترا بگناهان فرار کننده بتو از گناهان تا شفاعت کنی مرا نزد

رَبِّكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ حَيّاً وَمَيِّتاً فَاِنَّ لَكَ

پروردگارت ای پسر رسول خدا رحمت خدا بر تو در حال زندگی و مردگی پس برای تو

عِنْدَ اللهِ مَقاماً مَعْلُوماً وَشَفاعَةً مَقْبُولَةً لَعَنَ اللهُ مَنْ ظَلَمَكَ

نزد خدا جائی معلوم است و شفاعتی پذیرفته شده نفرین خدا بر آنکه ستم کرد تو را

وَلَعَنَ اللهُ مَنْ حَرَمَكَ وَغَصَبَ حَقَّكَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ قَتَلَكَ وَ

و لعنت کند خدا کسی را که ناامید کرد و حرم ترا و غصب کرد حق ترا و لعنت خدا کسی را که کشت ترا و

لَعَنَ اللهُ مَنْ خَذَلَكَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ دَعَوْتَهُ فَلَمْ يُجِبْكَ وَلَمْ يُعِنْكَ

لعنت کند خدا کسی را که خوار کرد ترا و لعنت کند خدا آنکه خواندی او را پس اجابت نکرد او را و اعانت نکرد ترا

وَلَعَنَ اللهُ مَنْ مَنَعَكَ مِنْ حَرَمِ اللهِ وَحَرَمِ رَسُولِهِ وَحَرَمِ اَبِيكَ وَ

و لعنت کند خدا آنرا که باز داشت ترا از حرم خدا و حرم رسول خدا و حرم پدرت و

اَخِيكَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ مَنَعَكَ مِنْ شُرْبِ ماءِ الْفُراتِ لَعْناً كَثِيراً

برادرت و نفرین کند خدا آنکه منع کرد ترا از آشامیدن آب فرات نفرین بسیار

يَتْبَعُ بَعْضُها بَعْضاً اَللّهُمَّ فاطِرَ السَّمواتِ وَالْاَرْضِ عالِمَ الْغَيْبِ

که از پی در آید برخی از آنها برخی را خدایا ای آفریننده آسمانها و زمین داننده نهان

وَالشَّهادَةِ اَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبادِكَ فيما كانُوا فيهِ يَخْتَلِفُونَ وَ
واشکار تو حکم میکنی میان بندکان خود در انچه بودید که در ان اختلاف میکردید و
سَيَعْلَمُ الَّذينَ ظَلَمُوا اَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ اَللّهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ
زود باشد دانند انانکه ستم کردند بکدام بازکشت بازمیکردید خدایا مکردان ان زیارترا اخر
الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتِهِ وَارْزُقْنيهِ اَبَداً ما بَقيتُ وَحَييتُ يا رَبِّ وَاِنْ
عهد از زیارت او وروزی کن مرا انو زیارترا همیشه مادام که باقی هستم وزنده هستم ای خدا واکر
مِتُّ فَاحْشُرْني في زُمْرَتِهِ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ
مردم پس محشور کن مرا در کروه او ای بخشنده تر بخشندکان

واکر زیارت اخر روز عاشورا درایروز بخواند مناسبست وبدانکه مشهور انستکه سبب تاکید زیارت انحضرت درایروز انستکه حضرت امام زین العابدین ع با سایر اهلبیت درایروز بعد از مراجعت از شام بکربلای معلا وارد شدند وسرهای مقدس شهدا را ببدنهای مطهر ایشان ملحق کردند واین بسیار بعید است ازجهات بسیار که ذکر انها موجب تطویلست وبعضی کفته اند که درایروز اهلبیت علیهم السلم وارد مدینه طیبه شدند واین نیز بسیار بعید است وبعضی کفته اند که شاید حضرت امام زین العابدین ع باعجاز وطی الارض مخفی بکربلا رفته باشد از شام و سرها را ببدنها ملحق کرده باشند واین ممکن است اما روایتی دراینباب بنظر نرسیده است بلکه بعضی از روایات منافاتی با این دارد ووجهی که از احادیث ظاهر میشود انستکه اول کسیکه از صحابه حضرت رسالت ص بزیارت انحضرت مشرف شد جابر بن عبد الله انصاری بود ودراین روز بکربلا رسید وانحضرترا با شهدا زیارت کرد وچون جابر از اکابر صحابه بود واساس این امر عظیم را کذاشته میتواند بود که مزید فضل زیارت انحضرت درایروز شده باشد وشاید وجوه دیکر داشته باشد که برما مخفی باشد وچون فرموده اند که درایروز زیارت کنیم باید کرد وتفحص سببش ضرور نیست ومشهور میان علمای امامیه انستکه وفات حضرت سید انبیاء درروز بیست وهشتم ماه صفر واقعشد وشیخ طوسی وجمعی دیکر کفته اند که شهادت امام حسن مجتبی ع نیز دراین روز واقعشد پس قیام بمراسم تعزیه این دو بزرکوار وزیارت ایشان از نزدیک ودور مناسبست بدانکه درمیان عوام بلکه خواص نحوست چهارشنبه اخرماه صفر شهرت دارد ودرکتب معتبره عامه وخاصه چیزیکه دلالت کند براین

بنظر نرسیده واحادیث درنحوست مطلق چهارشنبه خصوصا چهارشنبه اخرهر ماه وارد شده است وچون این ماه براسبابیکه مذکور شد فی الجمله نحوستی دارد وممکنستکه چهارشنبه اخران ازسایر چهارشنبه ها نحوستش بیشتر باشد اکر دران روز از قبیل احتراز از طیره استدفاع بلایا بتصدقات وادعیه واستعاذات که از ائمه صلوات الله علیهم وارد شده است بکنند وتوکل نماید برجناب مقدس الهی که ان کفاره طیره است مناسبست واکر بلائی متوجه باشد باینها دفع میشود نه انکه بروش جهال عجم متابعت یهودیان کنند وبلهو ولعب وسور وسرور وساز واعمال قبیحه مشغول شوند که موجب مزید استحکام قضاهای اسمانی وتقدیرات ربانی میکردد

باب هشتم

درفضائل ایام واعمال ماه ربیع الاولست ودران دوفصل است فصل اول درفضیلت واعمال روز اول تا روز شانزدهم است شیخ طوسی ودیکران رضی الله عنهم کفته اند که حضرت رسالت پناه ص درشب اول ماه ربیع الاول اراده هجرت نمود از مکه معظمه بسوی مدینه طیبه ودرانشب بغار رفت وحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه جان شریف خودرا فدای جان مقدس حضرت رسول کرد ودرجای انحضرت خوابید واز شمشیرهای کین قبایل مشرکین پروا نکرد وفضل او برجمیع امت بلکه برجمیع عالمیان برهمکنان ظاهر کردید وحقتعالی با ملئکه سموات بانحضرت مباهات نمود وایه کریمه وَمِنَ النّاسِ مَنْ يَشْري نَفْسَهُ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللّهِ درشان او نازل کردید چنانچه تفصیلش درکتاب حیوة القلوب مذکور است وچون حقتعالی ان دوجان تقدس بنیانرا از کید کافرون حفظ کرد کفته اند که روز اول ماه ربیع الاولست مستحبست که برای شکر این نعم عظیمه روزه بدارند وهرچند علما درایروز زیارت ذکر نکرده اند اما زیارت حضرت رسول وحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیهما درایروز مناسبست بجهتهائیکه مذکور شد وشیخ طوسی رحمه الله در مصباح کفته که درروز اول اینماه حضرت امام حسن عسکری ع بعالم بقا رحلت نمود وحضرت صاحب الامر صلوات الله علیه بمنصب جلیل امامت فائز کردید پس زیارت ان دو امام عالیمقام درایروز نیز مناسبست اما شیخ رحمه الله درتهذیب وکلینی و محمد بن جریر طبری وابن الخشاب وشیخ مفید رحمه الله علیهم وغیر ایشان ره کفته اند

که وفات حضرت امام حسن عسکری صلوات الله علیه در روز هشتم این ماه بود پس
در این روز زیارت آن دو امام علیهما السلام انسب است و اما روز نهم اینماه بدانکه میان
علماء خاصه و عامه در تاریخ قتل عمر بن الخطاب خلافست و مشهور میان فریقین
آنستکه قتل آن در روز بیست و ششم واقعشده ماه ذی الحجه واقعشده چنانچه سابقا اشاره
بان شد و بعضی بیست و هفتم نیز گفته اند و مستند این دو قول قول مورخانست و از کتب
معتبره چنان معلوم می شود چنانچه الحال میان عوام شیعه مشهور است قتل او در نهم
شهر ربیع الاول واقعشده و سابقا میان جمعی از محدثین شیعه نیز چنین مشهور بوده
و سید بزرگوار علی بن طاوس رضی الله عنه در کتاب اقبال اشاره نموده بانکه ابن
بابویه رحمه الله روایتی از حضرت امام جعفر صادق روایت کرده که در روز نهم ماه
ربیع الاول عمر بجهنم واصل شد و از نقل چنین مفهوم میشود که شیخ صدوق اعتقاد
داشته است هر چند سید خود آن حدیث را تاویلات نموده است و ایضا سید ذکر کرده
است که جماعتی از شیعیان عجم پیوسته این روز را باین سبب تعظیم و تکریم مینموده اند
خلف بزرگوار سید علی بن طاوس در کتاب زواید الفوائد این مذهب را تقویت کرده
است و روایت معتبری در این باب ایراد نموده است چنانچه گفته استکه روایت کرده
محمد بن ابی العلاء همدانی و یحیی بن محمد جریح بغدادی که روزی منازعه کردیم
در باب عمر بن الخطاب و رفتیم در شهر قم بنزد احمد بن اسحق قمی که از خواص صحابه
امام علی نقی و امام حسن عسکری صلوات الله علیهما بود و بخدمت حضرت صاحب
الامر علیه السلام نیز رسیده بود و چون در را کوبیدیم دختر عراقیه بیرون آمد
احوال احمد را از او پرسیدیم گفت او امروز مشغول اعمال عید است و آن روز روز
نهم ماه ربیع الاول بود گفتیم سبحان الله عیدهای مؤمنان چهار است عید
فطر و عید اضحی و عید غدیر و روز جمعه آن دختر گفت که احمد بن اسحق از حضرت
امام علی نقی صلوات الله علیه روایت میکند که امروز روز عید است و بهترین
عیدهاست نزد اهلبیت رسالت علیهم السلام و شیعیان ایشان ما گفتیم که رخصت
بطلب تا نزد وی ائیم چون آن دختر او را خبر کرد بیرون آمد بسوی ما و لنگی بسته
بود و عبائی بر خود پیچیده و بوی مشک از او ساطع بود ما گفتیم این چه حالت که ما
در تو مشاهده میکنیم گفت الحال از غسل عید فارغ شده ام گفتیم امروز مگر عید است

گفت بلی و ما را بخانه در آورد و بر روی کرسی نشانید گفت روزی با جمعی از
برادران خود بنزد حضرت امام حسن عسکری رفتیم در سر من رای در مثل این روز که
شما بنزد من آمده اید چون رخصت یافتیم و بخدمت آنحضرت رسیدیم دیدیم که آنحضرت
مجلس خود را آراسته و مجمره در پیش خود گذاشته است و بدست خود عود در آن مجمره
می اندازد و مجلس خود را مزین گردانیده است و بر غلامان و خدمتکاران خود جامه های
فاخر پوشانیده است گفتیم یا ابن رسول الله پدران و مادران ما فدای تو باد آیا از
برای اهلبیت امروز فرحی تازه روی داده است حضرت فرمود که کدام روز حرمتش از
این روز نزد اهلبیت عظیم تر است بدرستیکه پدرم مرا خبر داد که حذیفة بن یمان در روز
نهم ماه ربیع الاول داخل شد بر جدم رسول خدا حذیفه گفت که دیدم حضرت امیر المؤمنین
و حضرت امام حسن و حضرت امام حسین علیهم السلام را که با حضرت رسول طعام تناول
نمودند و آنحضرت بر روی ایشان تبسم مینمود و امام حسن و امام حسین علیهما السلام را
میگفت که بخورید گوارا باد از برای شما برکت و سعادت این روز بدرستیکه این روز
روزیستکه حقتعالی هلاک میکند در این روز دشمن خود و دشمن جد شما را و
مستجاب میگرداند در این روز دعای مادر شما را بخورید که در این روز حقتعالی
قبول میکند اعمال شیعیان و محبان شما را بخورید که این روزیستکه ظاهر میشود
راستی قول خدا که میفرماید فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا یعنی اینست خانه های
ایشان که خالی گردیده است بسبب ستمهای ایشان بخورید که این روزیستکه شکسته می
شود در این روز شوکت دشمن جد شما و یاری کننده دشمن شما بخورید که این روزیست
که در این روز هلاک می شود فرعون اهلبیت من و ستم کننده بر ایشان و غصب کننده
حق ایشان بخورید که این روزیستکه حقتعالی عملهای دشمنان شما را باطل و هبا می
گرداند حذیفه گفت من گفتم یا رسول الله آیا در میان امت تو کسی خواهد بود که هتک
این حرمتها نماید حضرت فرمود که ای حذیفه بتی از منافقان بر ایشان سر کرده خواهد
شد و دعوی ریاست در میان ایشان خواهد کرد و مردم را بسوی خود دعوت خواهد
نمود و تازیانه ظلم و ستم را بر دوش خواهد گرفت و مردم را از راه خدا منع خواهد
کرد و کتاب خدا را تحریف خواهد نمود و سنت مرا تغییر خواهد داد و میراث فرزند
مرا متصرف خواهد شد و خود را پیشوای مردم خواهد خواند و زیادتی بر وصی من

علی بن ابیطالب خواهد کرد و مالهای خدا را بنا حق بر خود حلال خواهد کرد و در غیر طاعت خدا صرف خواهد کرد و مرا و برادر من و وزیر من علی را بدروغ نسبت خواهد داد و دختر مرا از حق خود محروم خواهد گردانید و حقتعالی نفرین او را در این روز مستجاب خواهد گردانید حذیفه گفت یا رسول الله چرا دعا نمیکنی که حقتعالی او را در حیوة تو هلاک گرداند حضرت فرمود که ای حذیفه دوست نمیدارم که جرات کنم بر قضای خدا و از او طلب کنم تغییر امری که در علم او گذشته است ولیکن از حقتعالی سوال کردم که فضیلت دهد آنروز را که در آنروز بجهنم میرود فرعون اهلبیت و فضیلت این روز بر سایر روزها تا آنکه احترام آنروز سنتی گردد در میان دوستان من و دوستان و شیعیان اهلبیت من پس حقتعالی وحی کرد بسوی من که ای محمد در علم سابق من گذشته است که دریابد ترا و اهلبیت ترا محنتها و بلاهای دنیا و ستمهای منافقان و غصب کنندگان از بندگان من آن منافقانیکه تو خیرخواهی ایشان کردی و با تو خیانت کردند و تو با ایشان راستی کردی ایشان با تو مکر کردند و تو با ایشان صاف بودی و ایشان دشمنی تو بدل گرفتند و تو ایشانرا خوشنود گردانیدی و ایشان ترا تکذیب کردند و تو ایشانرا برگزیدی و ایشان ترا در بلیه گذاشتند و سوگند یاد میکنم بحول و قوة و پادشاهی خود که البته بگشایم بر روح کسی که غصب کند حق علی را که وصی تست بعد از تو هزار در از پست ترین طبقه های جهنم که او را فیلوق میگویند و او را و اصحاب او را در قعر جهنم جا دهند که شیطان از مرتبه خود بر او مشرف شود و او را لعنت کند و آن منافق را در قیامت عبرت گردانم برای فرعونهائیکه در زمان پیغمبران دیگر بوده اند و برای سایر دشمنان دین و ایشانرا و دوستان ایشانرا بسوی جهنم برم با دیده های کبود و رویهای ترش با نهایت مذلت و خواری و پشیمانی و ایشانرا ابدالاباد در عذاب خود بدارم ای محمد نمیرسد علی بمنزلت تو مگر با نچه میرسد باو از بلاها از فرعون او و غصب کننده حق او که جرات میکند بر من و کلام مرا بدل میکند و شرک بمن میاورد و مردم را منع میکند از راه رضای من و گوساله از برای امت تو برپا میکند که آن ابوبکر است و کافر میشود بمن در عرش عظمت و جلال من بدرستیکه من امر کرده ام ملئکه هفت آسمان خود را که برای شیعیان و محبان دین شما که عید کنند آنروز یرا که آن فرعون امت کشته می شود و امر کرده ام ایشانرا که

کرسی کرامت مرا نصب کنند و در برابر بیت المعمور و ثنا کنند بر من و طلب آمرزش نمایند برای شیعیان و محبان شما از فرزندان آدم و امر کرده ام ملئکه نویسندگان اعمال را که از این روز تا سه روز قلم از مردم بردارند و ننویسند گناهان ایشانرا برای کرامت تو و وصی تو ای محمد این روز را عید گردانیدم برای تو و اهلبیت تو و برای هر که تابع ایشان باشد از مؤمنان شیعیان ایشان سوگند یاد میکنم بر خود بعزت و جلال خود و علو منزلت و مکان خود که عطا کنم کسی را که عید کند این روز را از برای من ثوابها که بدور عرش احاطه کرده اند و قبول کنم شفاعت او را در خویشان او و زیاد کنم مال او را اگر گشاده دهد بر خود و عیال خود در اینروز و هر سال در اینروز صد هزار هزار کس از موالیان و شیعیان شما را از آتش جهنم آزاد گردانم و اعمال ایشانرا قبول کنم و گناهان ایشانرا بیامرزم حذیفه گفت پس برخواست رسول خدا و بخانه ام سلمه رفت و من برگشتم و صاحب یقین بودم در کفر عمر تا آنکه بعد از وفات رسول خدا دیدم که او چه فتنه ها برانگیخت و کفر اصلی خود را اظهار کرد و از دین برگشت و دامان بیحیائی و وقاحت برای غصب امامت و خلافت برزد و قرانرا تحریف کرد و آتش در خانه وحی و رسالت زد و بدعتها در دین خدا پیدا کرد و ملت پیغمبر را تغییر داد و سنت آنحضرت را بدل کرد و شهادت حضرت امیرالمؤمنین را رد کرد و فاطمه دختر رسول خدا را بدروغ نسبت داد و فدک را غصب کرد و یهود و نصاری و مجوس را از خود راضی کرد و نور دیده مصطفی را بخشم آورد و رضاجوئی اهلبیت رسالت نکرد و جمیع سنتهای رسول را برطرف کرد و تدبیر کشتن امیرالمؤمنین صلوات الله علیه را کرد و جور و ستم را در میان مردم علانیه کرد و هر چه خدا حلال کرده بود حرام کرد و هر چه خدا حرام کرده بود حلال کرد و حکم کرد که از پوست شتر درهم و دینار بسازند و خرج کنند و در بر و شکم فاطمه زهرا علیها السلام زد و بر منبر حضرت رسالتپناه بغصب و جور بالا رفت و بر حضرت امیرالمؤمنین افترا بست و با آنحضرت معارضه کرد و رأی آنحضرت را بسفاهت نسبت داد حذیفه گفت که پس حقتعالی دعای برگزیده خود و دختر پیغمبر خود را در حق آن منافق مستجاب گردانید و قتل او را بر دست کشنده او رحمة الله علیه جاری ساخت پس رفتم بخدمت حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه که آنحضرت را تهنیت و مبارکباد گویم با آنکه آن منافق کشته شد و بعذاب حقتعالی واصل گردید چون حضرت مرا دید گفت ای حذیفه آیا در خاطر داری آن روز را که آمدی بنزد سید من

رسول خدا و من و دو سبط او حسن و حسین نزد او نشسته بودیم و با او طعام می
خوردیم پس تورا دلالت کرد بر فضیلت این روز گفتم بلی ای برادر رسول خدا حضرت
فرمود که بخدا سوگند این روزیست که حقتعالی در این روز دیده رسول خدا را روشن
گردانید و من برای این روز هفتاد و دو نام میدانم گفتم یا امیر المؤمنین میخواهم ان
نام هارا از تو بشنوم حضرت فرمود که این روز استراحت است که مؤمنان از شر منافق
استراحت یابند و روز زایل شدن کرب و غم است و روز غدیر دوم است و روز تخفیف
گناهان شیعیانست و روز اختیار نیکوئی برای مؤمنانست و روز برداشتن قلم از
شیعیان است و روز برهم شکستن بنای کفر و عدوانست و روز عافیت است و روز
برکت و روز طلب حاجتهای مؤمنانست و روز عید بزرگ خدا است و روز مستجاب
شدن دعا است و روز موقف اعظم است و روز وفای بعهد است و روز شرط است و
روز کندن جامه سیاه است و روز ندامت ظالمست و روز شکسته شدن شوکت مخالفان
است و روز نفی هموم است و روز فتح است و روز عرض اعمال کافرانست و روز
ظهور قدرت خدا است و روز عفو از گناهان شیعیانست و روز فرح ایشانست
و روز توبه است و روز انابت بسوی حقتعالی است و روز زکوة بزرگ است و روز فطر
دوم است و روز اندوه یاغیانست و روز گره شدن آب دهان در گلوی مخالفان
است و روز خوشنودی مؤمنانست و روز عید اهلبیت است و روز ظفر یافتن بنی
اسرائیل بر فرعونست و روز مقبول شدن اعمال شیعیانست و روز پیش فرستادن تصدقات
است و روز زیادتی مثوبانست و روز قتل منافق است و روز وقت معلوم است و روز سرور
اهلبیت است و روز مشهود است و روز قهر بر دشمن است و روز خراب شدن بنیان ضلالت
است و روزیست که ظالم انگشت ندامت بدندان میگیرد و روز تنبیه است و روز شرف است
و روز خنک شدن دلهای مؤمنانست و روز شهادتست و روز گذشتن از گناه
مؤمنانست و روز تازگی اهل بوستان ایمانست و روز شیرینی کام ایشانست و روز
خوشی دلهای مؤمنانست و روز برطرف شدن پادشاهی منافقانست و روز توفیق
اهل ایمانست و روز رهائی مؤمنانست از شر کافران و روز مظاهره است و روز
مفاخره است و روز قبول اعمالست و روز تبجیل و تعظیم است و روز بخل و عطاست
و روز شکر حقتعالی است و روز یاوری مظلومانست و روز زیادت کردن مؤمنانست

و روز محبت کردن ایشانست و روز رسیدن برحمتهای الهی است و روز پاک کردن
اعمالست و روز فاش کردن رازهاست و روز برطرف شدن بدعتهاست و روز ترک گناهان
کبیره است و روز ندا کردن بحق است و روز عبادتست و روز موعظه و نصیحت است و
روز انقیاد پیشوایان دینست حذیفه گفت که پس از خدمت حضرت امیر المؤمنین صلوات
الله علیه برخواستم و گفتم اگر در دنیا بهتر از افعال خیر و آنچه امید ثواب دارم مگر
محبت این روز و دانستن فضیلت این را هر آینه منتهای آرزوی من خواهد بود پس محمد
و یحیی راویان حدیث از احمد بن اسحق شنیدیم و برخواستیم و سر او را بوسیدیم و گفتیم
حمد و شکر میکنیم خداوند را که برانگیخت ترا از برای ما تا آنکه فضیلت این روز را
بما رسانیدی پس بخانه های خود برگشتیم و این روز را عید کردیم و صاحب کتاب زوائد
الفوائد گفته است که این حدیث را از خط علی بن محمد بن علی رحمه الله علیه نوشتم
و در کتب دیگر که تتبع کردیم و چندین روایت دیگر موافق این یافتم پس اعتماد بر این
روایت نمودم و سزاوار است شیعیان را که این روز را تعظیم نمایند و اظهار سرور و
شادی در این روز بکنند و شیخ ابرهیم بن علی کفعمی در کتاب مصباح گفته است که صاحب
کتاب مسار الشیعه روایت کرده است که هر که در روز نهم ماه ربیع الاول چیزی انفاق
کند حقتعالی گناهان او را بیامرزد و مستحب است در این روز اطعام برادران مؤمن
و خوشنود گردانیدن ایشان و توسعه دادن بر عیال خود و پوشانیدن جامه های
نو و شکر و عبادت حقتعالی در این روز و برطرف شدن غمهاست و روز روزه داشتن
نیست **مؤلف گوید** که از نقل این بزرگواران معلوم شد که بر فضیلت این روز وقوع
این قضیه مبارکه در آن احادیث بسیار وارد شده و در اعصار سابقه میان شیعه مشهور
بوده است و بر خلاف این روایتی بنظر این قاصر نرسیده و اتفاق مورخان عامه با احادیث
معتبره معارضه نمیکند و اگر کسی استبعاد کند که چنین واقعه عظیمی که سبب حزن جمعی و سرور
جمعی گردد چون میتواند بود که مضبوط نماند جواب آنستکه این واقعه از واقعه حضرت رسالت
پناه و شهادت حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه عظیم تر نیست و در هر یک از آنها
خلاف میان خاصه و عامه هست و در واقعه اول اتفاق دارند عامه بر خلاف آنچه مختار
شیعه است و اگر گویند که باعثی بر افترای ایشان در اینجا نیست جواب میگوئیم که شبهه
در هر دو جا جاریست و باعث قوی در اینجا هست زیرا که ممکن است برای دفع شماتت شیعیان

ازحضرت امام زین العابدین علیه السلام نقل کرده و فرموده این دعا را مقاتل ابن سلیمان از آنحضرت دید که فرمود گفته هر کس صد مرتبه از آنجا بخواند و حاجتی مستجاب نگردد لعنت کند مقاتل را این است دعا الهی کیف ادعوك و انا انا و کیف اقطع رجائی منك و انت انت الهی

اخفاء ان نموده باشند وعلی ایّ حال چون مدار علماء خاصّه وعامّه انستکه در مستحبّات باحادیث ضعیفه متمسّك می شوند بنابر احادیث صحیحه که از ائمّه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین وارد شده استکه هرکه ثوابی ازخدا باو برسد برعملی و انرا بجا اورد ان ثواب اورا داده میشود هرچندچنان نباشدکه باو رسیده است پس اگر اعمال این روز راکه نوعش از شارع وارد شده باشد ومخالفتی با اخبار نداشته باشد کسی بعمل اورد خوب خواهد بود ومستحق ثواب خواهدگردید وبعضی میگویند که عمربن سعد علیه اللعنه در اینروز بجهنّم واصلشده است اگرچنین باشد این شرافت نیز برای ان کافی است وشیخ مفید رحمه الله علیه گفته که در روزدهم اینماه حضرت رسول خدیجه کبری رضی الله عنها را تزویج نمود ومستحبّست برای شکر این مواصلت عظیم البرکه شیعیان روزه بدارند وگفته استکه در روزدوازدهم اینماه حضرت رسالت داخل مدینه طیبه شد وازشرّ دشمنان ایمن گردید وباین جهة روز مبارکیست وایضا دولت بنی مروان که ازبقیّه بنی امیّه است واز دشمنان اهلبیت علیهم السّلم بوده اند دراینروز دولت ایشان بنهایت رسید وزایل گردید واین نیز فضیلت دیگر است برای این روز واکثر سنیان ولادت باسعادت حضرت رسول را در اینروز میدانند ومحمّد بن یعقوب کلینی رحمه الله از علمای امامیّه نیز درکتاب کافی الیقین قائلشده وبعضی ازارباب حساب موافق فحوای بعضی از روایات این را اظهر میدانند اگرچه خلاف مشهور میان علمای امامیّه است امّا اگرروزه وغسل وزیارت وسایراعمال که در هفدهم مذکورخواهد شد در این روز بعمل اورند باحتیاط اقرب است وسیّدبن طاوس ره ازبعضی از علماء عجم روایتکرده استکه سنّت است که در روزدوازدهم اینماه دو رکعت نماز بجا اورند ودر رکعت اوّل بعد ازحمد سه مرتبه قل یا ایها الکافرون ودر رکعت دوّیم بعد ازحمد سه مرتبه قل هو الله احد بخوانند وایضا شیخ مفید وشیخ طوسی رضی الله عنهما روایتکرده اندکه یزید علیه اللّعنة والعذاب در روزچهاردهم اینماه باسفل درک جهنّم منتقل شد مابیکه شیعیان این روزرا برخود مبارك دانند وشکر حقتعالی برای این نعمت عظمی ادا کنند وبعضی روزه این روزرا سنّت میدانند

فصل دوّیم درفضایل واعمال روز هفدهم این ماه است ومشهور میان علماء شیعه انستکه ولادت کثیر السعادة حضرت رسول صلّی الله علیه واله در روزجمعه هفدهم ماه ربیع الاوّل واقعشده ودر بعضی

ازروایات وارد شده است که عروج انحضرت باسمانها نیز درشب هفدهم اینماه واقع شده وشب وروزش هردو مبارکست ودو رهرّدو زیارت حضرت رسالت وحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیهما مناسبست وعلما ذکرکرده اند وروزه روزان فضیلت بسیار دارد وشیخ مفید علیه الرحمه گفته استکه روزشریفی است وپیوسته فرقه محقّه شیعه از قدیم الایّام الی الان تعظیم ان میکرده اند وحقّ انرا میشناخته اند وروزه میداشته اند وازائمّه هدی علیهم السّلم روایتکرده اندکه هرکه اینروزرا روزه بدارد ثواب روزه یکساله برای او نوشته شود ومستحبّست که تصدّقات بارباب حاجات بدهند ومؤمنان ومؤمنات را شاد گردانند وبزیارت مشاهد مشرّفه بروند خصوصا مرقد مطهّر حضرت رسالت ره و ضریح منوّر حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیهما وشیخ مفید وشیخ شهید وسیّدبن طاوس رضی الله عنهما گفته اندکه چون درغیر مدینه طیّبه خواهی که حضرت رسول را زیارت کنی غسل بکن وشبیه بقبر دربیش روی خود بساز واسم مبارك انحضرت را بران بنویس وبایست ودل خودرا متوجّه ان حضرت گردان وبگو

اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً

اینکه نیست خدائی مگر خدا یگانه است ونیست شریکی اورا وگواهی میدهم اینکه محمّد

عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَاَنَّهُ سَيِّدُ الْاَوَّلِينَ وَالْاٰخِرِينَ وَاَنَّهُ سَيِّدُ

بنده او وفرستاده اوست واوست اقای پیشینیان وپسینیان واینکه اقای

الْاَنْبِيٰاءِ وَالْمُرْسَلِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلٰى اَهْلِ بَيْتِهِ

پیغمبران وفرستادگانست خدایا رحمت فرست براو وبر اهل خانواده او

الْاَئِمَّةِ الطَّيِّبِينَ پس بگو اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يٰا رَسُولَ اللّٰهِ اَلسَّلامُ

پیشوایان پاکیزگانند درود برتو ای فرستاده خدا درود

عَلَيْكَ يٰا خَلِيلَ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يٰا نَبِيَّ اللّٰهِ اَلسَّلامُ

برتو ای دوست خدا درود برتو ای پیغمبر خدا درود

عَلَيْكَ يٰا صَفِيَّ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يٰا رَحْمَةَ اللّٰهِ اَلسَّلامُ

برتو ای برگزیده خدا درود برتو ای رحمت خدا درود

عَلَيْكَ يٰا خِيَرَةَ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يٰا حَبِيبَ اللّٰهِ اَلسَّلامُ

برتو ای برگزیده خدا درود برتو ای دوست خدا درود

عَلَيْكَ يا نَجيبَ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خاتِمَ النَّبِيّينَ اَلسَّلامُ

بر تو ای برگزیده خدا درود بر تو ای خاتم پیغمبران درود

عَلَيْكَ يا سَيِّدَ الْمُرْسَلينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا قائِماً بِالْقِسْطِ

بر تو ای آقای فرستادگان درود بر تو ای ایستاده بعدل

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا فاتِحَ الْخَيْرِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَعْدِنَ الْوَحْيِ

درود بر تو ای کشاینده بخیر درود بر تو ای معدن وحی

وَالتَّنْزيلِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُبَلِّغاً عَنِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

و تنزیل درود بر تو ای رساننده از جانب خدا درود بر تو

اَيُّهَا السِّراجُ الْمُنيرُ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُبَشِّرُ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

ای چراغ روشن درود بر تو ای بشارت دهنده درود بر تو

يا نَذيرُ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُنْذِرُ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا نُورَ اللهِ الَّذي

ای ترساننده درود بر تو ای بیم کننده درود بر تو ای روشنی خدا که بر

يُسْتَضاءُ بِهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلى اَهْلِ بَيْتِكَ الطّاهِرينَ الْهادينَ

روشن جسته چشم باو درود بر تو و بر اهل خانواده تو که پاکیزه‌اند هدایت کنندگان

الْمَهْدِيّينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلى جَدِّكَ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَعَلى اَبيكَ

راه یافته‌شدگان درود بر تو و بر جد تو عبد المطلب و بر پدر تو

عَبْدِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلى اُمِّكَ آمِنَةَ بِنْتِ وَهْبٍ اَلسَّلامُ عَلى عَمِّكَ

عبد الله درود بر مادر تو آمنه بنت وهب درود بر عم تو

حَمْزَةَ سَيِّدِ الشُّهَداءِ اَلسَّلامُ عَلى عَمِّكَ وَكَفيلِكَ اَبي طالِبٍ اَلسَّلامُ

حمزه آقای شهیدان درود بر عم تو و کارگزار تو ابی طالب درود

عَلَى ابْنِ عَمِّكَ جَعْفَرٍ الطَّيّارِ في جِنانِ الْخُلْدِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُحَمَّدُ

بر پسر عم تو جعفر طیار در بهشت جاوید درود بر تو ای محمد

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَحْمَدُ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللهِ عَلَى الْاَوَّلينَ

درود بر تو ای احمد درود بر تو ای برهان خدا بر پیشینیان

وَالْآخِرينَ وَالسّابِقَ في طاعَةِ رَبِّ الْعالَمينَ وَالْمُهَيْمِنَ عَلى

و پسینیان و پیشی گیرنده در طاعت پروردگار جهانیان و گواهی دهنده بر

رُسُلِهِ وَخاتَمَ الْاَنْبِياءِ وَالشّاهِدَ عَلى خَلْقِهِ وَالشَّفيعَ اِلَيْهِ وَ

پیمبران او و آخر پیغمبران و گواه ظاهر بر آفریدگان او و شفاعت کننده بسوی او و

الْمَكينَ لَدَيْهِ وَالْمُطاعَ في مَلَكُوتِهِ الْاَحْمَدَ مِنَ الْاَوْصافِ الْمُحَمَّدَ

دارای جایگاه نزد او و اطاعت کرده شده در پادشاهی او ستوده‌تر از جانشینان ستوده

لِسائِرِ الْاَشْرافِ الْكَريمَ عِنْدَ الرَّبِّ وَالْمُكَلَّمَ مِنْ وَراءِ الْحُجُبِ الْفائِزَ

بر سایر بزرگان گرامی نزد پروردگار و سخن گو از پشت پرده‌ها پیروزی یافته

بِالسِّباقِ وَالْفائِتَ عَنِ اللِّحاقِ تَسْليمَ عارِفٍ بِحَقِّكَ مُعْتَرِفٍ بِالتَّقْصيرِ

به پیشینیان و گذشته بر خلایق از رسیدن آنها درود آنکه شناسد حق ترا اقرار دارم بتقصیر

في قِيامِهِ بِواجِبِكَ غَيْرِ مُنْكِرٍ مَا انْتَهى اِلَيْهِ مِنْ فَضْلِكَ مُوقِنٍ

در ایستادن او بواجب تو غیر انکار کننده آنچه رسیده باو از فضل تو یقین دارد

بِالْمَزيداتِ مِنْ رَبِّكَ مُؤْمِنٍ بِالْكِتابِ الْمُنْزَلِ عَلَيْكَ مُحَلِّلٍ حَلالَكَ

بزیادتیها از پروردگارت ایمان آورنده بکتاب فرستاده شده بر تو حلال دارنده حلال ترا

مُحَرِّمٍ حَرامَكَ اَشْهَدُ يا رَسُولَ اللهِ مَعَ كُلِّ شاهِدٍ وَاَتَحَمَّلُها عَنْ

حرام دارنده حرام تو گواهی میدهم ای فرستاده خدا با هر گواهی دهنده و برمیدارم گواهی را از

كُلِّ جاحِدٍ اَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ رِسالاتِ رَبِّكَ وَنَصَحْتَ لِاُمَّتِكَ وَجاهَدْتَ

هر انکار کننده بدرستیکه تو رسانده پیغامهای پروردگارت را و پند دادی امتت را و کارزار نمودی

في سَبيلِ رَبِّكَ وَصَدَعْتَ بِاَمْرِهِ وَاحْتَمَلْتَ الْاَذى في جَنْبِهِ وَ

در راه پروردگارت و ظاهر ساختی با امر او و برداشتی تعبها در پهلوی او و

دَعَوْتَ اِلى سَبيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ الْجَميلَةِ وَ

کارزار نمودی در راه او بدلیل محکم و پند نیکوئی خوب و

اَدَّيْتَ الْحَقَّ الَّذي كانَ عَلَيْكَ وَاَنَّكَ قَدْ رَؤُفْتَ بِالْمُؤْمِنينَ وَ

رساندی حق را که بود بر تو و بدرستیکه تو بتحقیق مهربانی بمؤمنان و

غَلُظْتَ عَلَى الْكافِرينَ وَعَبَدْتَ اللهَ مُخْلِصاً حَتّى اَتاكَ الْيَقينُ

خشم کننده بر کافران و پرستیدی خدا را خالص تا آنکه آمد ترا یقین

فَبَلَغَ اللهُ بِكَ اَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكَرَّمينَ وَاَعْلى مَنازِلِ الْمُقَرَّبينَ وَاَرْفَعَ

پس رساند خدا بتو بلندتر جاهای گرامی داشته شده و بلندتر مرتبه‌های نزدیکان و رفیع‌ترین

دَرَجاتِ الْمُرْسَلينَ حَيْثُ لا يَلْحَقُكَ لاحِقٌ وَلا يَفُوقُكَ فائِقٌ وَلا

مرتبه‌های فرستادگان هنگامیکه نرسد هیچ رسنده و نگذرد از تو گذرنده و نه

يَسْبِقُكَ سابِقٌ وَلا يَطْمَعُ في دَرْكِكَ طامِعٌ اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِي اسْتَنْقَذَنا

پیشی نگیرد تو را هیچ گیرنده و طمع نکند در رسیدن تو هیچ طمع کننده حمد خدا را که رهانید ما را بوسیله

بِكَ مِنَ الْهَلَكَةِ وَهَدانا بِكَ مِنَ الضَّلالَةِ وَنَوَّرَنا بِكَ مِنَ الظُّلْمَةِ

تو از هلاکت و راه نمود ما را بتو از گمراهی و روشن نمود ما را بتو از گمراهی

فَجَزاكَ اللّهُ يا رَسُولَ اللّهِ مِنْ مَبْعُوثٍ اَفْضَلَ ما جازى نَبِيّاً عَنْ

پس پاداش دهد تو را خدا ای فرستاده خدا از بعثت او بهتر از آنچه پاداش داده پیمبری را از

اُمَّتِهِ وَرَسُولاً عَمَّنْ اُرْسِلَ اِلَيْهِ بِاَبي اَنْتَ وَاُمّي يا رَسُولَ اللّهِ

امت او و فرستاده شده از جانب آنکه فرستاده شده باو بپدر و مادرم فدای تو باد ای رسول خدا

زُرْتُكَ عارِفاً بِحَقِّكَ مُقِرّاً بِفَضْلِكَ مُسْتَبْصِراً بِضَلالَةِ مَنْ خالَفَكَ

زیارت کردم ترا شناسانده بحق تو اقرارکننده بزیادتی تو بینا بگمراهی آنکه مخالفت کرد ترا

وَخالَفَ اَهْلَ بَيْتِكَ عارِفاً بِالْهُدَى الَّذي اَنْتَ عَلَيْهِ بِاَبي اَنْتَ

و مخالفت کرد اهل بیت تو را شناسا براه یافتگی آنچنانکه تو بر آنی بپدرم

وَاُمّي وَنَفْسي وَاَهْلي وَمالي وَوَلَدي اَنَا اُصَلّي عَلَيْكَ كَما صَلَّى

و مادرم و خودم و کسانم و مالم و فرزندانم بتو من رحمت میفرستم بر تو هم چنانکه

اللّهُ عَلَيْكَ وَصَلّى عَلَيْكَ مَلائِكَتُهُ وَاَنْبِياؤُهُ وَرُسُلُهُ صَلوةً

فرستاد خدا بر تو و رحمت فرستاد بر تو فرشتگان او و پیمبران او و فرستادگان او رحمت

مُتَتابِعَةً وافِرَةً مُتَواصِلَةً لاَ انْقِطاعَ لَها وَلا اَمَدَ وَلا اَجَلَ صَلَّى

پی در پی بسیار پیوسته که نباشد بریدگی از آن و نه آخر و نه بهائی از رحمت

اللّهُ عَلَيْكَ وَعَلى اَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ كَما اَنْتُمْ اَهْلُهُ

خدا بر تو و بر اهل خانواده تو که پاکان پاکیزگانند چنانکه شما سزاوارانید

پس دستها را بگشای و بگو اَللّهُمَّ اجْعَلْ جَوامِعَ صَلَواتِكَ وَنَوامِيَ بَرَكاتِكَ وَ

خدایا بگردان رحمتهای خود را و زیادتی برکات خود را و

فَواضِلَ خَيْراتِكَ وَشَرائِفَ تَحِيّاتِكَ وَتَسْليماتِكَ وَكَراماتِكَ

زیادتی نیکیهای خود را و درودهای با شرافت خود را و سلامهای خود را و نوازشهای خود را

ورحماتك

الستنا بالصواب والحكمة واملأ قلوبنا بالعلم والمعرفة وطهر بطوننا من الحرام والشبهة واكفف ايدينا عن الظلم والسرقة واغضض ابصارنا عن الفجور والخيانة واسدد اسماعنا عن اللغو والغيبة وتفضل على علمائنا بالزهد والنصيحة وعلى المتعلمين بالجهد والرغبة وعلى المستمعين بالاتباع والموعظة وعلى مرضى المسلمين بالشفاء والراحة وعلى موتاهم بالرأفة والرحمة وعلى مشايخنا بالوقار والسكينة وعلى الشباب بالانابة والتوبة وعلى النساء بالحياء والعفة وعلى الاغنياء بالتواضع والسعة وعلى الفقراء بالصبر والقناعة وعلى الغزاة بالنصر والغلبة وعلى الاسراء بالخلاص والراحة وعلى الامراء بالعدل والشفقة وعلى الرعية بالانصاف وحسن السيرة وبارك للحجاج

وَرَحَماتِكَ وَصَلَواتِ مَلائِكَتِكَ الْمُقَرَّبينَ وَاَنْبِيائِكَ الْمُرْسَلينَ

و بخششهای خود را و دعاهای فرشتگان خود را که نزدیکند و پیمبران خود را که فرستادگانند

وَاَئِمَّتِكَ الْمُنْتَجَبينَ وَعِبادِكَ الصّالِحينَ وَاَهْلِ السَّماواتِ

و پیشوایانت که برگزیدگانند و بندگان شایسته خود و اهل آسمانها

وَالاَرَضينَ وَمَنْ سَبَّحَ لَكَ يا رَبَّ الْعالَمينَ مِنَ الاَوَّلينَ وَالاخِرينَ

و زمینها و هر که منزه کرد تو را ای پروردگار جهانیان از پیشینیان و پسینیان

عَلى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَشاهِدِكَ وَنَبِيِّكَ وَنَذيرِكَ

و بر محمد بنده تو و رسول تو و گواه تو و پیغمبر تو و بیم کننده تو

وَاَمينِكَ وَمَكينِكَ وَنَجِيِّكَ وَحَبيبِكَ وَخَليلِكَ وَصَفِيِّكَ وَ

و معتمد تو و امین تو و همراز تو و دوست تو و خلیل تو و مخلص تو و

صَفْوَتِكَ وَخاصَّتِكَ وَخالِصَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَخَيْرِ خِيَرَتِكَ

برگزیده تو و بنده خاص تو و مخلص تو و رحمت تو و بهتر و خوب تر

مِنْ خَلْقِكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَخازِنِ الْمَغْفِرَةِ وَقائِدِ الْخَيْرِ وَالْبَرَكَةِ

از آفریدگان تو پیغمبر رحمت و خزانه‌دار آمرزش و کشنده خیر و برکت

وَمُنْقِذِ الْعِبادِ مِنَ الْهَلَكَةِ بِاِذْنِكَ وَداعيهِمْ اِلى دينِكَ الْقَيِّمِ

و رهاننده بندگان او از هلاکت باذن تو و خواننده ایشان بسوی دین تو ایستاده

بِاَمْرِكَ اَوَّلِ النَّبِيّينَ ميثاقاً وَآخِرِهِمْ مَبْعَثاً الَّذي غَمَسْتَهُ في

بفرمان تو اول پیغمبران بپیمان بستن و آخر ایشان برانگیخته شده آنکه فرو بردی او را در

بَحْرِ الْفَضيلَةِ وَالْمَنْزِلَةِ الْجَليلَةِ وَالدَّرَجَةِ الرَّفيعَةِ وَالْمَرْتَبَةِ الْخَطيرَةِ

دریای فضیلت و منزلت بزرگ و مرتبه بلند و درجه بزرگ

وَاَوْدَعْتَهُ الاَصْلابَ الطّاهِرَةَ وَنَقَلْتَهُ مِنْها اِلَى الاَرْحامِ

و امانت گذاشتی او را در پشتهای پاکیزه و گردانیدی او را از آنها بسوی شکمهای

الْمُطَهَّرَةِ لُطْفاً مِنْكَ لَهُ وَتَحَنُّناً مِنْكَ عَلَيْهِ اِذْ وَكَّلْتَ لِصَوْنِهِ وَ

پاکیزه مهربان از تو و شفقت از تو برای او زمانیکه موکل کردانیدی او را برای

حِراسَتِهِ وَحِفْظِهِ وَحِياطَتِهِ مِنْ قُدْرَتِكَ عَيْناً عاصِمَةً حَجَبْتَ بِها

نگهداری او و نگهبانی او و رعایت او از قدرت تو از روی نگهبانی نگاه دارنده باز داشتی

وعلى فقراء المؤمنين والمؤمنات بالغناء والثروة وعلى مرضى المؤمنين والمؤمنات بالشفاء والصحة وعلى احياء المؤمنين والمؤمنات باللطف والكرم وعلى اموات المؤمنين والمؤمنات بالمغفرة والرحمة وعلى غرباء المؤمنين والمؤمنات بالرد الى اوطانهم سالمين غانمين بمحمد وآله اجمعين

دعاء حضرت ... عليه السلام است ... ربيع الاول

عنه

عَنْهُ مَدَانِسَ الْعَهْرِ وَمَعَائِبَ السِّفَاحِ حَتَّى رَفَعْتَ بِهِ نَوَاظِرَ

ازاو چرکهای فجور و عیبهای زنارا تا آنکه بلند کردی بآن دیدههای

الْعِبَادِ وَأَحْيَيْتَ بِهِ مَيْتَ الْبِلَادِ بِأَنْ كَشَفْتَ عَنْ نُورِ وِلَادَتِهِ

بندگانرا و زنده کردی بآن شهرهای مرده را بآنکه زایل کردی از روشنائی ولادت او

ظُلَمَ الْأَسْتَارِ وَأَلْبَسْتَ حَرَمَكَ بِهِ حُلَلَ الْأَنْوَارِ اللَّهُمَّ فَكَمَا خَصَصْتَهُ

تیرگیهای پردهها را و پوشاندی حرمهای خودرا بجامههای نورها خدایا چنانکه مخصوص گردانیدی او را

بِشَرَفِ هَذِهِ الْمَرْتَبَةِ الْكَرِيمَةِ وَذُخْرِ هَذِهِ الْمَنْقَبَةِ الْعَظِيمَةِ صَلِّ عَلَيْهِ

بشرافت این مرتبه کرامی و ذخیره این هنر بزرك رحمت کن براو

كَمَا وَفَى بِعَهْدِكَ وَبَلَّغَ رِسَالاتِكَ وَقَاتَلَ أَهْلَ الْجُحُودِ عَلَى تَوْحِيدِكَ

چنانچه وفا کرده بپیمان خود و رسانید پیغامهای تو و کوشش نمود با لشکران منکر بریکانکی تو

وَقَطَعَ رَحِمَ الْكُفْرِ فِي إِعْزَازِ دِينِكَ وَلَبِسَ ثَوْبَ الْبَلْوَى فِي مُجَاهَدَةِ

و برید خویشی کفررا در عزیز کردن دین تو و پوشید جامه امتحانرا در کارزار نمودن

أَعْدَائِكَ وَأَوْجَبْتَ لَهُ بِكُلِّ أَذًى مَسَّهُ أَوْ كَيْدٍ أَحَسَّ بِهِ مِنَ الْفِئَةِ

دشمنان تو و واجب کردانیدی برای او بهر آزاری که رسید او را یا مکری که دریافت او را از کروه

الَّتِي حَاوَلَتْ قَتْلَهُ فَضِيلَةً تَفُوقُ الْفَضَائِلَ وَتَمْلِكُ بِهَا الْجَزِيلَ

که قصد کردند کشتن او را زیادتی که فائق آمد از همه زیادتیها و صاحب شد بسبب آن بسیاری

مِنْ نَوَالِكَ وَقَدْ أَسَرَّ الْحَسْرَةَ وَأَخْفَى الزَّفْرَةَ وَتَجَرَّعَ الْغُصَّةَ وَ

از بخشش تو را و بتحقیق که نهان داشت اندوه را و پنهان کشید آه را و فرو خورد غصه را و

لَمْ يَتَخَطَّ مَا مَثَّلَ لَهُ وَحْيُكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ

و تجاوز نکرد از آنچه بصورت در آورد او را وحی تو خدایا رحمت کن براو و بر اهل بیت او

صَلَوٰةً تَرْضَاهَا لَهُمْ وَبَلِّغْهُمْ مِنَّا تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَسَلَامًا وَآتِنَا مِنْ

رحمتیکه پسندیده او را برای ایشان و برسان از ما درود بسیار و سلام و بده ما را از

لَدُنْكَ فِي مُوَالاتِهِمْ فَضْلًا وَإِحْسَانًا وَرَحْمَةً وَغُفْرَانًا إِنَّكَ ذُو

نزد خود از دوستیهای ایشان زیادتی و نیکی و رحمت و آمرزش بدرستیکه تو صاحب

الْفَضْلِ الْعَظِيمِ پس چهار رکعت نماز زیارت بکن بدو سلام بهر سوره که خواهی و چون

زیادتی بزرگی فارغ شوی تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام را بخوان و بگو

اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ لِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ

خدایا بدرستیکه گفتی تو پیغمبرت را محمد رحمت خدا براو و آل او واگر چه ایشان

إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ

زمانیکه ستم کردند خود شانرا آمدند ترا پس طلب آمرزش کردند خدا را و آمرزش جست برای ایشان پیغمبر

لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا وَلَمْ أَحْضُرْ زَمَانَ رَسُولِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ

یافتند خدا را توبه پذیر مهربان و حاضر نبودم در زمان پیغمبر تو براو و آل او

السَّلَامُ اللَّهُمَّ وَقَدْ زُرْتُهُ رَاغِبًا تَائِبًا مِنْ سَيِّئِ عَمَلِي وَمُسْتَغْفِرًا

درود خدایا بتحقیق زیارت کردم او را خواهشمند رجوع کننده از کردار بدم آمرزش جو

لَكَ مِنْ ذُنُوبِي وَمُقِرًّا لَكَ بِهَا وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِهَا مِنِّي وَمُتَوَجِّهًا

مرترا از گناهان من و اقرار کننده بآن و تو داناتری بآن از من و رو آورنده

إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ

بتو بنبی تو پیغمبر رحمت درود تو براو و آل او پس بگردان مرا خدایا

بِمُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ عِنْدَكَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ

بمحمد و اهل بیت او نزد تو صاحب جاه در دنیا و آخرت و از...

الْمُقَرَّبِينَ يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا نَبِيَّ اللَّهِ يَا

مقربان او ای محمد ای رسول خدا پدر و مادرم فدای تو باد ای پیغمبر خدا ای

سَيِّدَ خَلْقِ اللَّهِ إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّكَ وَرَبِّي لِيَغْفِرَ لِي

آقای آفریدگان خدا من رو آورده ام بتو بسوی خدا پروردگار تو و پروردگار من تا بیامرزد

ذُنُوبِي وَيَتَقَبَّلَ مِنِّي عَمَلِي وَيَقْضِيَ لِي حَوَائِجِي فَكُنْ لِي شَفِيعًا

گناه مرا و قبول کند از من کردار مرا و بر آورد برای من حاجتهای مرا پس باش برای من شفیع

عِنْدَ رَبِّكَ وَرَبِّي فَنِعْمَ الْمَسْئُولُ الْمَوْلَى رَبِّي وَنِعْمَ الشَّفِيعُ أَنْتَ

نزد پروردگارت و پروردگار من نیکو خواسته شده مولی پروردگار من و نیکو شفیعی تو

يَا مُحَمَّدُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ السَّلَامُ اللَّهُمَّ وَأَوْجِبْ لِي

ای محمد بر تو و بر اهل بیت تو درود خدایا و واجب گردان برای من

مِنْكَ الْمَغْفِرَةَ وَالرَّحْمَةَ وَالرِّزْقَ الْوَاسِعَ الطَّيِّبَ النَّافِعَ كَمَا

از تو آمرزش و رحمت و روزی وسیع پاکیزه سودمند چنانکه

اَوجَبتَ لِمَن اَتىٰ نَبِيَّكَ مُحَمَّداً صَلَواتُكَ عَلَيهِ وَآلِهِ وَهُوَ حَيٌّ

واجب كنى براى انكه امد پيغمبرت را محمد رحمت تو براو وال او وا درست زنده

فَاَقَرَّ لَهُ بِذُنُوبِهِ وَاستَغفَرَ لَهُ رَسُولُكَ عَلَيهِ السَّلامُ فَغَفَرتَ لَهُ

پس اقرار كرد مر او را بگناه او و امرزيدى او را پيمبر تو براو درود پس امرزيدى او را

بِرَحمَتِكَ يا اَرحَمَ الرّاحِمينَ اَللّٰهُمَّ وَقَد اَمَّلتُكَ وَرَجَوتُكَ وَ

برحمت خود اى بخشنده تر بخشندگان خدايا وبتحقيق ارزو كردم ترا واميد دارم ترا و

قُمتُ بَينَ يَدَيكَ وَرَغِبتُ اِلَيكَ عَمَّن سِواكَ وَقَد اَمَّلتُ جَزيلَ

ايستاده ام ميان دو دست تو ورغبت كرده ام بتو ازهركه جز تو است وبتحقيق ارزو كردم پاداش

ثَوابِكَ وَاِنّي مُقِرٌّ غَيرُ مُنكِرٍ وَتائِبٌ اِلَيكَ مِمَّا اقتَرَفتُ وَعائِذٌ

وافر ترا و بدرستيكه من اقرار كننده غير منكر هستم و بازگشت كننده ام بتو از انچه كسب گناهان كرده ام وپناه

بِكَ في هٰذَا المَقامِ مِمّا قَدَّمتُ مِنَ الاَعمالِ الَّتي تَقَدَّمتَ اِلَيَّ

برنده ام در اين جا از انچه پيشى كرده ام از كردارها از انچه پيشى گرفته بمن

فيها وَنَهَيتَني عَنها وَاَوعَدتَ عَلَيهَا العِقابَ وَاَعُوذُ بِكَرَمِ

دران ومنع كردى مرا ازان ووعده داده براّنها عقوبت را وپناه ميبرم بكرم

وَجهِكَ اَن تُقيمَني مَقامَ الخِزيِ وَالذُّلِّ يَومَ تُهتَكُ فيهِ

ذات تو اينكه بپادارى مرا درجاى رسوائى وخوارى روزيكه دريده شود دران

الاَستارُ وَتَبدُو فيهِ الاَسرارُ وَالفَضائِحُ وَتَرعَدُ فيهِ الفَرائِصُ

پرده ها واشكار ميشود دران پنهانيها و رسوائيها ولرزان شود دران رگهاى گردن

يَومَ الحَسرَةِ وَالنَّدامَةِ يَومَ الآفِكَةِ يَومَ الآزِفَةِ يَومَ التَّغابُنِ

درروز اندوه وپشيمانى درروز عذاب درروز قيامت درروز غبن داشتن

يَومَ الفَصلِ يَومَ الجَزاءِ يَوماً كانَ مِقدارُهُ خَمسينَ اَلفَ سَنَةٍ

درروز جدا كردن حق از باطل روز جزا روزيكه باشد اندازه ان پنجاه هزار سال

يَومَ النَّفخَةِ يَومَ تَرجُفُ الرّاجِفَةُ تَتبَعُهَا الرّادِفَةُ يَومَ النَّشرِ

روز دميدن صور روزيكه بلرزد زمين لرزيدنى از پى درايد نفخه دويم صور روز براكندن

يَومَ العَرضِ يَومَ يَقُومُ النّاسُ لِرَبِّ العالَمينَ يَومَ يَفِرُّ المَرءُ

روز عرض كردن روزيكه برپا ميشوند مردمان براى خداى جهانيان روزيكه ميگريزد مرد

مِن اَخيهِ وَاُمِّهِ وَاَبيهِ وَصاحِبَتِهِ وَبَنيهِ يَومَ تَشَقَّقُ الاَرضُ وَ

از برادر خود ومادر خود وپدر خود وزن خود وفرزندان خود روزيكه شكافته ميشود زمين و

اَكنافُ السَّماءِ يَومَ تَأتي كُلُّ نَفسٍ تُجادِلُ عَن نَفسِها يَومَ يُرَدُّونَ

اطراف اسمان روزيكه ميايد هر نفسى كارزار ميكند از نفسها روزيكه بازگردند

اِلَى اللّٰهِ فَيُنَبِّئُهُم بِما عَمِلُوا يَومَ لا يُغني مَولًى عَن مَولًى شَيئاً

بسوى خدا واگاه شوند بانچه كردند روزيكه بازندارد دوستى از دوستى چيزى را

وَلا هُم يُنصَرُونَ اِلّا مَن رَحِمَ اللّٰهُ اِنَّهُ هُوَ العَزيزُ الرَّحيمُ يَومَ

ونه ايشان يارى كرده شوند مگر كسى را كه رحم كند خدا بدرستيكه او غالب مهربانست روزيكه

يُرَدُّونَ اِلىٰ عالِمِ الغَيبِ وَالشَّهادَةِ يَومَ يُرَدُّونَ اِلَى اللّٰهِ

برميگردند بسوى داناى نهان واشكارا روزيكه برميگردند بسوى خداوند

مَولٰيهُمُ الحَقِّ يَومَ يَخرُجُونَ مِنَ الاَجداثِ سِراعاً كَاَنَّهُم اِلىٰ

ايشان براستى روزيكه بيرون ايند از قبرها شتابان گويا ايشان بسوى

نُصُبٍ يُوفِضُونَ وَكَاَنَّهُم جَرادٌ مُنتَشِرٌ مُهطِعينَ اِلَى الدّاعِ

بتها دونده اند وگويا ايشان ملخهاى پراكنده اند وحال انكه شتابان باشند بسوى خواننده

اِلَى اللّٰهِ يَومَ الواقِعَةِ يَومَ تُرَجُّ الاَرضُ رَجّاً يَومَ تَكُونُ

بسوى خدا روز قيامت روزيكه لرزد زمين لرزيدنى روزيكه ميباشد

السَّماءُ كَالمُهلِ وَتَكُونُ الجِبالُ كَالعِهنِ وَلا يَسئَلُ حَميمٌ

اسمان مانند مس گداخته وميباشد كوهها پشم زده شده ونپرسد هيچ خويشى از حال

حَميماً يَومَ الشّاهِدِ وَالمَشهُودِ يَومَ تَكُونُ المَلٰئِكَةُ صَفّاً

خويشى روزيكه گواهى دهند گواهى داده شدگان روزيكه باشند ملئكه صف

صَفّاً اَللّٰهُمَّ ارحَم مَوقِفي في ذٰلِكَ اليَومِ بِمَوقِفي في هٰذَا اليَومِ

درصف خدايا رحم كن ايستادنم را دران روز بايستادنم درين روز

وَلا تُخزِني في ذٰلِكَ المَوقِفِ بِما جَنَيتُ عَلىٰ نَفسي وَاجعَل يا رَبِّ

ورسوا مكن مرا درايستادنگاه بانچه خيانت كردم بر خودم وبگردان اى پروردگار

في ذٰلِكَ اليَومِ مَعَ اَولِيائِكَ مُنطَلَقي وَفي زُمرَةِ مُحَمَّدٍ وَاَهلِ

در اين روز با دوستان تو روان شدن من ودرگروه محمد واهل

بَيتِهِ عَلَيهِمُ السَّلامُ مَحشَرِي وَاجعَل حَوضَهُ مَورِدِي وَفِي

خانواده برایشان درود وبرانگیختن مرا وبگردان حوض مرا محل وارد شدن من ودر

غُرِّ الكِرامِ مَصدَرِي وَاعطِنِي كِتابِي بِيَمِينِي حَتَّى اَفُوزَ بِحَسَناتِي

نزد پیشانی سفیدان کرام بازگشتن مرا وبده نامه عمل مرا بدست راستم تا رستگار شوم بکارهای

وَتُبَيِّضَ بِهِ وَجهِي وَتُيَسِّرَ بِهِ حِسابِي وَتُرَجِّحَ بِهِ مِيزانِي وَاَمضِيَ

وسفید کنی بآن روی مرا وآسان کنی بآن حساب مرا وبرتری دهی بآن ترازوی مرا وبگذرانم

مَعَ الفائِزِينَ مِن عِبادِكَ الصّالِحِينَ اِلَى رِضوانِكَ وَجِنانِكَ

با رستگاران از بندگان شایسته تو بسوی باغها وبهشتهای تو

اِلهَ العالَمِينَ اَللّهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِن اَن تَفضَحَنِي فِي ذلِكَ اليَومِ

ای خدای جهانیان خدایا من پناه میبرم بتو از اینکه رسوا کنی مرا در این روز

بَينَ يَدَيِ الخَلائِقِ بِجَرِيرَتِي اَو اَن اَلقَى الخِزيَ وَالنَّدامَةَ

میان روی مردم بسبب گناه من یا آنکه برسم برسوائی و پشیمانی

بِخَطِيئَتِي اَو اَن تُظهِرَ فِيهِ سَيِّئاتِي عَلَى حَسَناتِي اَو اَن تُنَوِّهَ بَينَ

بگناه من یا آنکه غالب گردانی در آن بدیهای مرا بر نیکیهای من یا آنکه شهرت دهی میان

الخَلائِقِ بِاسمِي يا كَرِيمُ العَفوَ العَفوَ السَّترَ السَّترَ

مردم بنام من ای بزرگوار امید دارم درگذشتن را و پوشاندن پرده تو

اَللّهُمَّ وَاَعُوذُ بِكَ مِن اَن يَكُونَ فِي ذلِكَ اليَومِ فِي مَواقِفِ

خدایا وپناه میبرم بتو از آنکه باشد در آن روز در جا ایستادن

الاَشرارِ مَوقِفِي اَو فِي مَقامِ الاَشقِياءِ مَقامِي وَاِذا مَيَّزتَ بَينَ

بدکاران جای ایستادن من یا درجای ایستادن بدبختان ایستادن من وزمانیکه امتیاز دهی میان

خَلقِكَ فَسُقتَ كُلّاً بِاَعمالِهِم زُمَراً اِلَى مَنازِلِهِم فَسُقنِي بِرَحمَتِكَ

آفریدگانت پس جزا دهی هر یکرا بکردار ایشان گروه گروه بسوی جاهای ایشان پس سیراب کن مرا برحمتت

فِي عِبادِكَ الصّالِحِينَ وَفِي زُمرَةِ اَولِيائِكَ المُتَّقِينَ اِلَى

در بندگان شایسته ودر گروه دوستان تو پرهیزکاران تو بسوی

جِنانِكَ يا رَبَّ العالَمِينَ پس وداع کن اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا رَسُولَ اللّهِ

بهشتهای تو ای پروردگار جهانیان آنحضرت را وبگو درود بر تو ای رسول خدا

اَلسَّلامُ عَلَيكَ اَيُّهَا البَشِيرُ النَّذِيرُ اَلسَّلامُ عَلَيكَ اَيُّهَا السِّراجُ

درود بر تو ای مژده دهنده بیم کننده درود بر تو ای چراغ

المُنِيرُ اَلسَّلامُ عَلَيكَ اَيُّهَا السَّفِيرُ بَينَ اللّهِ وَبَينَ خَلقِهِ اَشهَدُ

روشن درود بر تو ای رسول میان خدا ومیان خلقش گواهی میدهم

يا رَسُولَ اللّهِ اَنَّكَ كُنتَ نُوراً فِي الاَصلابِ الشّامِخَةِ وَالاَرحامِ

ای رسول خدا که تو بودی نوری در پشتهای بلند ورحمهای

المُطَهَّرَةِ لَم تُنَجِّسكَ الجاهِلِيَّةُ بِاَنجاسِها وَلَم تُلبِسكَ مِن مُدلَهِمّاتِ

پاکیزه نجس نکرده جاهلیت ترا بنجاستهای خود وننوشانیده مرا از تاریکیهای خود

ثِيابِها وَاَشهَدُ يا رَسُولَ اللّهِ اَنِّي مُؤمِنٌ بِكَ وَبِالاَئِمَّةِ مِن

جامه وگواهی میدهم ای رسول خدا که منم ایمان آورنده بتو و بائمه از

اَهلِ بَيتِكَ مُوقِنٌ بِجَمِيعِ ما اَتَيتَ بِهِ راضٍ مُؤمِنٌ وَاَشهَدُ اَنَّ

اهل بیت تو یقین دارنده ام بهمه آنچه آورده بآن خوشنودم وایمان آورنده ام وگواهی میدهم اینکه

الاَئِمَّةَ مِن اَهلِ بَيتِكَ اَعلامُ الهُدَى وَالعُروَةُ الوُثقَى وَ

ائمه از اهل بیت تو نشانهای هدایتند ورشته محکمند و

الحُجَّةُ عَلَى اَهلِ الدُّنيا اَللّهُمَّ لا تَجعَلهُ آخِرَ العَهدِ مِن زِيارَةِ

وبرهان بر اهل دنیا هستند خدایا نگردان این زیارت آخر پیمان از زیارت کردن

نَبِيِّكَ عَلَيهِ وَآلِهِ السَّلامُ وَاِن تَوَفَّيتَنِي فَاِنِّي اَشهَدُ فِي مَماتِي

پیغمبر تو براو وآل او درود واگر میرانیدی مرا پس من گواهی میدهم در مردنم

عَلَى ما اَشهَدُ عَلَيهِ فِي حَياتِي اَنَّكَ اَنتَ اللّهُ لا اِلهَ اِلّا اَنتَ

بر آنچه گواهی براو در حیاتم بدرستیکه توئی خدائیکه نیست خدائی مگر تو

وَحدَكَ لا شَرِيكَ لَكَ وَاَنَّ مُحَمَّداً عَبدُكَ وَرَسُولُكَ وَاَنَّ

یگانه تو نیست شریکی مرترا وبدرستیکه محمد بنده تو ورسول تست وبدرستیکه

الاَئِمَّةَ مِن اَهلِ بَيتِهِ اَولِياؤُكَ وَاَنصارُكَ وَحُجَجُكَ عَلَى

ائمه از اهل بیت او دوستان تو ویاران تواند وبرهان تو بر

خَلقِكَ وَخُلَفاؤُكَ فِي عِبادِكَ وَاَعلامُكَ فِي بِلادِكَ وَخُزّانُ

یاران تو وخلفای تو در نزد بندگان تو ویاران تواند در بلاد تو وخزینه

عَلَيْكَ وَحَفَظَةِ سِرِّكَ وَتَرَاجِمَةِ وَحْيِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ

و بر محمد رحمت فرست خدایا وحی تو و نگه دارندگان نهان تو اند و تفسیر داران حکم تو

اٰلِ مُحَمَّدٍ وَبَلِّغْ رُوحَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ فِي سَاعَتِي هٰذِهِ وَفِي كُلِّ

ال محمد و برسان روح پیغمبر خود محمد و ال او در این ساعت و در همه

سَاعَةٍ تَحِيَّةً مِنِّي وَسَلَامًا وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ وَ

ساعت درود از من و سلامی و درود برتو ای رسول خدا و

رَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ لَا جَعَلَهُ اللّٰهُ اٰخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ

رحمت خدا و برکات او نگرداند خدا اخر درود من بر تو

مؤلّف گوید که این زیارت اگرچه سندش بنظر فقیر نرسیده و لهذا در تحفة الزائر ذکر نکرده ام امّا زیارت جامع کاملی است و در همهٔ اوقات بجا میتوان اورد و اگر کسی نتواند زیارت مختصری که بعد از این انشاء الله تم مذکور خواهد شد بعمل اورد و علما ذکر کرده اند که زیارت حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه در این روز سنّتست و خصوص این زیارت را در این روز ذکر کرده اند و از بعضی از روایات خصوص این روز معلوم نمی شود و بهترین زیارات از جهة لفظ و معنی و بسند بسیار معتبر منقولست و در همهٔ ایّام و اوقات از نزدیك و دور میتوان کرد خصوصًا در این روز چنانکه شیخ مفید و شیخ شهید و سیّد بن طاوس رضی الله عنهم روایت کرده اند که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه زیارت کرد حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه را در هفدهم ماه ربیع الاوّل باین زیارت و تعلیم فرمود زیارت را براوی ثقهٔ عظیم الشّان محمّد بن مسلم ثقفی فرمود که چون بیائی بمشهد امیر المؤمنین ع غسل زیارت بکن و پاکیزه ترین جامه های خود را بپوش و بقدری از بوی خوش خود را خوشبو کن و بر تو باد بارام دل و ارام تن و چون برسی بباب السّلام یعنی درگاه روضهٔ مقدّسه که ضریح مقدّس نمایان می شود پس رو بقبله بایست و سی مرتبه الله اکبر بگو و بگو

اَلسَّلَامُ عَلٰى رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلٰى خِيَرَةِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَى

درود بر رسول خدا درود بر برگزیده خدا درود بر

الْبَشِيرِ النَّذِيرِ السِّرَاجِ الْمُنِيرِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ

مژده دهنده بیم کننده چراغ روشن و رحمت خدا و برکات او درود

علی

عَلٰى اَنْبِيَاءِ اللّٰهِ الْمُرْسَلِينَ وَعِبَادِ اللّٰهِ الصَّالِحِينَ اَلسَّلَامُ عَلَى

بر پیغمبران خدا فرستادگان و بندگان خدا که شایسته کانند درود بر

مَلٰئِكَةِ اللّٰهِ الْحَافِّينَ بِهٰذَا الْحَرَمِ وَبِهٰذَا الضَّرِيحِ اللَّائِذِينَ بِهِ

فرشتگان خدا که احاطه کرده اند باین حرم و باین ضریح پناه برده اند بان

پس نزدیك قبر برو و بگو

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ الْاَوْصِيَاءِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

درود برتو ای وصی وصیها درود برتو ای

عِمَادَ الْاَتْقِيَاءِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ الْاَوْلِيَاءِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ

ستون پرهیزکاران درود برتو ای دوست دوستان خدا درود بر تو

زیاد

يَا سَيِّدَ الشُّهَدَاءِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اٰيَةَ اللّٰهِ الْعُظْمٰى اَلسَّلَامُ

ای اقای شهیدان درود برتو ای ایات بزرك خدا درود

عَلَيْكَ يَا خَامِسَ اَهْلِ الْعَبَاءِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَائِدَ الْغُرِّ

برتو ای پنجم ال عباء درود برتو ای پیش رو پیشانی

الْمُحَجَّلِينَ الْاَتْقِيَاءِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِصْمَةَ الْاَوْلِيَاءِ اَلسَّلَامُ

سفیدان پرهیزکاران درود برتو ای نگاه دارنده دوستان درود

عَلَيْكَ يَا زَيْنَ الْمُوَحِّدِينَ النُّجَبَاءِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَالِصَ الْاَخِلَّاءِ

بر تو ای زینت یگانه شماران برگزیدگان درود برتو ای دوست خالص خدا

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِدَ الْاَئِمَّةِ الْاُمَنَاءِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

درود برتو ای پدر پیشوایان امینها درود برتو ای

صَاحِبَ الْحَوْضِ وَحَامِلَ اللِّوَاءِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَسِيمَ الْجَنَّةِ

صاحب حوض و بردارنده علم شفاعت درود برتو ای قسمت کننده بهشت

وَلَظٰى اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ شُرِّفَتْ بِهِ مَكَّةُ وَمِنٰى اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ

و جهنم درود برتو ای انکه شرف گردید بوجود او مکه و منی درود برتو

يَا بَحْرَ الْعُلُومِ وَكَهْفَ الْفُقَرَاءِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ وُلِدَ

ای دریای علمها و پناه فقیران درود برتو ای انکه زائیده شد

فِي الْكَعْبَةِ وَزُوِّجَ فِي السَّمَاءِ بِسَيِّدَةِ النِّسَاءِ وَكَانَ شُهُودُهَا

در کعبه و تزویج شد در اسمان بخاتون زنان و بوده است گواهان

الملئکه

لا اله الّا الله آدم صفیّ الله لا اله الّا الله ابرهیم خلیل الله لا اله الّا الله و برهان و سلطان

اَلْمَلٰئِكَةِ الْاَصْفِيٰاۤءِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يٰا مِصْباحَ الضِّيٰاۤءِ اَلسَّلامُ

فرشتگان برگزیدها درود برتو ای چراغ روشن درود

عَلَيْكَ يٰا مَنْ خَصَّهُ النَّبِيُّ بِجَزِيلِ الْحِبٰاۤءِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يٰا مَنْ

برتو ای انکه مخصوص نمود اورا پیمبر بعطای بزرك درود برتو ای انکه

بٰاتَ عَلىٰ فِرٰاشِ خٰاتَمِ الْاَنْبِيٰاۤءِ وَوَقٰاهُ بِنَفْسِهِ شَرَّ الْاَعْدٰاۤءِ اَلسَّلامُ

شب را بروز اورد بر رختخواب پیغمبر اخر پیغمبران ونکهداشت ورا بنفس خود ازبدی دشمنان درود

عَلَيْكَ يٰا مَنْ رُدَّتْ لَهُ الشَّمْسُ فَسٰامىٰ شَمْعُونَ الصَّفٰاۤءِ اَلسَّلامُ

برتو ای انکه برکردید برای او افتاب پس موافقت کرد شمعون صفا درود

عَلَيْكَ يٰا مَنْ اَنْجَى اللّٰهُ سَفِينَةَ نُوحٍ بِاسْمِهِ وَاسْمِ اَخِيهِ حَيْثُ

برتو ای انکه نجات داد خدا کشتی نوح را بنام او ونام برادراو انجا

الْتَطَمَ الْمٰاۤءُ حَوْلَهٰا وَطَمىٰ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يٰا مَنْ تٰابَ اللّٰهُ بِهِ

کهبروی هم امد اب کرداکرد ان کشتی درود برتو ای انکه رهانید خدا بوسیلهٔ او

وَبِاَخِيهِ عَلىٰ آدَمَ اِذْ غَوىٰ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يٰا فُلْكَ النَّجٰاةِ الَّذِي

وببرادراو بر ادم چون راه نیافت درود برتو ای کشتی نجاة هرکه

مَنْ رَكِبَهُ نَجٰا وَمَنْ تَاَخَّرَ عَنْهُ هَوىٰ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يٰا مَنْ خٰاطَبَ

چسبید باو رستکار شد وهرکه باز پس ماند ازان پست شد درود برتو ای انکه کفتکو کرد

الثُّعْبٰانَ وَذِئْبَ الْفَلٰا اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يٰا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةُ

با اژدهان وکرك بیابان درود برتو ای پادشاه مومنان ورحمت

اللّٰهِ وَبَرَكٰاتُهُ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يٰا حُجَّةَ اللّٰهِ عَلىٰ مَنْ كَفَرَ وَاَنٰابَ

خدا وبرکات او درود برتو ای برهان خدا بر انکه کافر است وتوبه نمود

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يٰا اِمٰامَ ذَوِي الْاَلْبٰابِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يٰا

درود برتو ای پیشوای صاحب عقلها درود برتو ای

مَعْدِنَ الْحِكْمَةِ وَفَصْلَ الْخِطٰابِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يٰا مَنْ عِنْدَهُ

کان حکمت وجدا سازنده حق از باطل درود برتو ای انکه نزد اوست

عِلْمُ الْكِتٰابِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يٰا مِيزٰانَ يَوْمِ الْحِسٰابِ اَلسَّلامُ

دانش کتاب درود برتو ای ترازوی روز حساب درود

علیك

عَلَيْكَ يٰا فٰاصِلَ الْحُكْمِ النّٰاطِقَ بِالصَّوٰابِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

برتو ای جدا کننده حکم کویا را بصواب درود برتو

اَيُّهَا الْمُتَصَدِّقُ بِالْخٰاتَمِ فِي الْمِحْرٰابِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يٰا مَنْ كَفَى اللّٰهُ

ای صدقه کننده بانکشتر در محراب درود برتو ای انکه کفایت کرد خدا

الْمُؤْمِنِينَ الْقِتٰالَ بِهِ يَوْمَ الْاَحْزٰابِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يٰا مَنْ

مؤمنان را در کارزار بسبب ان در روز جنك احزاب درود برتو ای انکه

اَخْلَصَ لِلّٰهِ الْوَحْدٰانِيَّةَ وَاَنٰابَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يٰا قٰاتِلَ خَيْبَرَ

خالص کردانید برای خدا وحدانیت را وبازکشت درود برتو ای کشنده مرحب خیبری

وَقٰالِعَ الْبٰابِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يٰا مَنْ دَعٰاهُ خَيْرُ الْاَنٰامِ لِلْمَبِيتِ

وکننده در چند درود برتو ای انکه خواند اورا بهترین مردم برای بیتوته

عَلىٰ فِرٰاشِهِ فَاَسْلَمَ نَفْسَهُ لِلْمَنِيَّةِ وَاَجٰابَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يٰا مَنْ

بر رخت خواب خود پس سلامت برد نفس خود را ازمرك واجابت نمود اورا درود برتو ای انکه

لَهُ طُوبىٰ وَحُسْنُ مَآبٍ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكٰاتُهُ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

او راست درخت طوبی ونیکی جایکاه ورحمت خدا وبرکات او درود برتو

يٰا عِصْمَةَ الدِّينِ وَيٰا سَيِّدَ السّٰادٰاتِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يٰا صٰاحِبَ

ای نکه دارنده دین خود وای اقای سادات درود برتو ای صاحب

الْمُعْجِزٰاتِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يٰا مَنْ نَزَلَتْ فِي فَضْلِهِ سُورَةُ الْعٰادِيٰاتِ

معجزات درود برتو ای انکه فرود امد در فضل او سوره والعادیات

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يٰا مَنْ كُتِبَ اسْمُهُ فِي السَّمٰاۤءِ عَلَى السُّرٰادِقٰاتِ

درود برتو ای انکه نوشته شد نام او در اسمانها بر سرا پرده ها

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يٰا مُظْهِرَ الْعَجٰائِبِ وَالْآيٰاتِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يٰا

درود برتو ای ظاهر کننده غرایب وایات درود برتو ای

اَمِيرَ الْغَزَوٰاتِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يٰا مُخْبِراً بِمٰا غَبَرَ وَبِمٰا هُوَ آتٍ اَلسَّلامُ

پادشاه جنکها درود برتو ای خبردهنده بانچه شده وبانچه می شود درود

عَلَيْكَ يٰا مُخٰاطِبَ ذِئْبِ الْفَلَوٰاتِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يٰا خٰاتَمَ الْحَصىٰ

برتو ای کفتکو کننده باکرك بیابان درود برتو ای اخر کننده شمارها

ومبین

وَمُبَيِّنَ الْمُشْكِلاتِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ عَجِبَتْ مِنْ حَمَلاتِهِ فِي الْوَغا

وبیان کننده دشواریها درود بر تو ای انکه بشگفت امدند از حملهای او در جنگ

مَلٰئِكَةُ السَّمٰواتِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ ناجَى الرَّسُولَ فَقَدَّمَ

فرشتگان اسمانها درود بر تو ای انکه راز گفت رسول را پس پیش داشت

بَيْنَ يَدَيْ نَجْواهُ الصَّدَقاتِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا والِدَ الْاَئِمَّةِ

پیش روی نجوی درازگوی خود صدقه‌ها را درود بر تو ای پدر پیشوایان

الْبَرَرَةِ السّاداتِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا تالِيَ

نیکوکاران بزرگان ورحمت خدا وبرکات او درود بر تو ای عقب اینده

الْمَبْعُوثِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عِلْمِ خَيْرِ مَوْرُوثٍ وَرَحْمَةُ اللهِ

پیغمبر درود بر تو ای ارث برنده علم بهتر کسیکه ارث برده شود ورحمت خدا

وَبَرَكاتُهُ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا سَيِّدَ الْوَصِيّينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اِمامَ

وبرکات او درود بر تو ای سید وصیین درود بر تو ای پیشوای

الْمُتَّقِينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا غِياثَ الْمَكْرُوبِينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا

پرهیزکاران درود بر تو ای فریادرس اندوهناکان درود بر تو ای

عِصْمَةَ الْمُؤْمِنِينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُظْهِرَ الْبَراهِينِ اَلسَّلامُ

عصمت مؤمنان درود بر تو ای اظهار کننده حجتها درود

عَلَيْكَ يا طٰهٰ وَيٰسٓ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حَبْلَ اللهِ الْمَتِينَ اَلسَّلامُ

بر تو ای طه ویس درود بر تو ای ریسمان محکم خدا درود

عَلَيْكَ يا مَنْ تَصَدَّقَ فِي صَلاتِهِ بِخاتَمِهِ عَلَى الْمِسْكِينِ اَلسَّلامُ

بر تو ای انکه صدقه داد در نماز خود بانگشتر خود بر درویش درود

عَلَيْكَ يا قالِعَ الصَّخْرَةِ عَنْ فَمِ الْقَلِيبِ وَمُظْهِرَ الْماءِ الْمَعِينِ

بر تو ای کننده سنگ محکم را از دهن چاه وظاهر سازنده اب خوشگوار

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عَيْنَ اللهِ النّاظِرَةَ وَيَدَهُ الْباسِطَةَ وَلِسانَهُ

درود بر تو ای دیده نگرنده خدا ودست گشاده خدا وزبان خدا

الْمُعَبِّرَ عَنْهُ فِي بَرِيَّتِهِ اَجْمَعِينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عِلْمِ

که بیان کننده اوست در خلق او همگی درود بر تو ای وارث دانش

النَّبِيِّينَ وَمُسْتَوْدَعَ عِلْمِ الْاَوَّلِينَ وَالْاٰخِرِينَ وَصاحِبَ لِواءِ

پیغمبران وقرارگاه دانش پیشینیان وپسینیان ودارای علم

الْحَمْدِ وَساقِيَ اَوْلِيائِهِ مِنْ حَوْضِ خاتَمِ النَّبِيِّينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

حمد واب دهنده دوستان خود از حوض کوثر اخر پیغمبران درود بر تو

يا يَعْسُوبَ الدِّينِ وَقائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَوالِدَ الْاَئِمَّةِ الْمَرْضِيِّينَ

ای پادشاه دین وکشنده پیشانی سفیدان وپدر پیشوایان پسندیدگان

وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ اَلسَّلامُ عَلَى اسْمِ اللهِ الرَّضِيِّ وَوَجْهِهِ

ورحمت خدا وبرکات او درود بر نام پسندیده خدا و روی

الْمُضِيءِ وَجَنْبِهِ الْقَوِيِّ وَصِراطِهِ السَّوِيِّ اَلسَّلامُ عَلَى الْاِمامِ

روشن خدا وجانب توانای خدا وراه راست خدا درود بر پیشوای

التَّقِيِّ الْمُخْلِصِ الصَّفِيِّ اَلسَّلامُ عَلَى الْكَوْكَبِ الدُّرِّيِّ اَلسَّلامُ

برگزیده خالص صفی درود بر ستاره درخشنده درود

عَلَى الْاِمامِ اَبِي الْحَسَنِ عَلِيٍّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ اَلسَّلامُ عَلَى الْاَئِمَّةِ

بر پیشوای خلایق پدر حسن علی ورحمت خدا وبرکات او درود بر ائمه

الْهُدىٰ وَمَصابِيحِ الدُّجىٰ وَاَعْلامِ التُّقىٰ وَمَنارِ الْهُدىٰ وَذَوِي

راه نما وچراغ تاریکیها ورایت پرهیزکاری وروشنی هدایت وصاحب

النُّهىٰ وَكَهْفِ الْوَرىٰ وَالْعُرْوَةِ الْوُثْقىٰ وَالْحُجَّةِ عَلىٰ اَهْلِ

عقل وپناه افریدگان ودستگیر محکم وحجت بر اهل

الدُّنْيا وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ اَلسَّلامُ عَلىٰ نُورِ الْاَنْوارِ وَحُجَّةِ

دنیا ورحمت خدا وبرکات او درود بر نور نورها وبرهان خداوند

الْجَبّارِ وَوالِدِ الْاَئِمَّةِ الْاَطْهارِ وَقَسِيمِ الْجَنَّةِ وَالنّارِ الْمُخْبِرِ

قهرکننده وپدر پیشوایان پاکان وقسمت کننده بهشت واتش وخبر دهنده

عَنِ الْاٰثارِ الْمُدَمِّرِ عَلَى الْكُفّارِ مُسْتَنْقِذِ الشِّيعَةِ الْمُخْلِصِينَ مِنْ

از خبرهای هلاک سازنده بر کافرها رهاننده پیروان خالص از

عَظِيمِ الْاَوْزارِ اَلسَّلامُ عَلَى الْمَخْصُوصِ بِالطّاهِرَةِ التَّقِيَّةِ ابْنَةِ

بزرگ گناهان درود بر انکه مخصوص است بپاکی پرهیزکاری دختر

اَلْمُخْتارِ الْمَوْلُودِ فِی الْبَیْتِ ذِی الْاَسْتارِ الْمُزَوَّجِ فِی السَّماءِ بِالْبَرَّةِ
پیغمبر زائیده شده در خانه خدا دارای پرده مزوج در آسمان بزن

الطّاهِرَةِ الرَّضِیَّةِ الْمَرْضِیَّةِ ابْنَةِ الْاَطْهارِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکاتُهُ
نیکوی پاکیزه پسندیده دختر پاکان ورحمت خدا وبرکات او

اَلسَّلامُ عَلَی النَّبَاِ الْعَظیمِ الَّذی هُمْ فیهِ مُخْتَلِفُونَ وَعَلَیْهِ
درود بر خبر بزرگ انچنانکه ایشان دران اختلاف میکردند وبراو

یُعْرَضُونَ وَعَنْهُ یُسْئَلُونَ اَلسَّلامُ عَلی نُورِ الْاَنْوارِ وَضِیائِهِ
عرضه کرده شوند وازاو پرسیده شوند درود بر نور خدا کردوش

الْاَزْهَرِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکاتُهُ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وَلِیَّ اللّٰهِ وَ
درخشانست ورحمت خدا وبرکات او درود برتو ای دوست خدا و

حُجَّتَهُ وَخالِصَةَ اللّٰهِ وَخاصَّتَهُ اَشْهَدُ یا وَلِیَّ اللّٰهِ لَقَدْ جاهَدْتَ
برهان او ودوست خالص خدا وبنده خاص او گواهی میدهم ای دوست خدا هر اینه جهاد کرده

فی سَبیلِ اللّٰهِ حَقَّ جِهادِهِ وَاتَّبَعْتَ مِنْهاجَ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ
در راه خدا حق جهاد او وپیروی کرده راه پیغمبر خدا را رحمت خدا

عَلَیْهِ وَآلِهِ وَحَلَّلْتَ حَلالَ اللّٰهِ وَحَرَّمْتَ حَرامَ اللّٰهِ وَشَرَعْتَ
براو وال او وحلال داشتی حلال خدا را وحرام داشتی حرام خدا را وجاری کردی

اَحْکامَهُ وَاَقَمْتَ الصَّلوٰةَ وَآتَیْتَ الزَّکوٰةَ وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ
احکام خدا را وبپا داشتی نماز را ودادی زکوة را وامر فرمودی بمعروف

وَنَهَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَجاهَدْتَ فی سَبیلِ اللّٰهِ صابِرًا ناصِحًا
ونهی کردی از زشتیها وجهاد کردی در راه خدا صبر کننده پند دهنده

مُجْتَهِدًا مُحْتَسِبًا عِنْدَ اللّٰهِ عَظیمَ الْاَجْرِ حَتّی اَتاکَ الْیَقینُ فَلَعَنَ
کوشش کننده سازنده نزد خدای بزرگ مزد تا امد تورا یقین پس نفرین

اللّٰهُ مَنْ دَفَعَکَ عَنْ حَقِّکَ وَاَزالَکَ عَنْ مَقامِکَ وَلَعَنَ اللّٰهُ
کند خدا ازاکه دور کرد از حقت وذایل کرد تورا از مقامت ونفرین خدا ازا

مَنْ بَلَغَهُ ذٰلِکَ فَرَضِیَ بِهِ اَشْهَدُ اللّٰهَ وَمَلٰئِکَتَهُ وَاَنْبِیائَهُ وَ
که رسید این خبر بان پس راضی شد بان گواه میگیرم خدا وفرشتگانش را وپیمبرانش را و

رسله

بجهت درد دندان
از حضرت صادق علیه السلام مرویست که بخواند بران بعد از گذاشتن دست بر ان حمد وتوحید وقدر وابن آیه مبارکه وتری الجبال تحسبها جامدة وهی تمر مر السحاب صنع الله الذی اتقن کل شیء انه خبیر بما تفعلون ایضا از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه مرویست که دست بکش بموضع سجده خود پس مسح کن دندان درد کننده را وبگو بسم الله والشافی الله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم عوذه

رُسُلَهُ اَنّی والٍ لِمَنْ والاکَ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عاداکَ اَلسَّلامُ
فرستاده شدگان من دوست دارم کسی را که دوست دارد تو را ودشمن دارم کسی را که دشمن دارد ترا درود

عَلَیْکَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکاتُهُ پس خود را بقبر بچسبان اَشْهَدُ اَنَّکَ تَسْمَعُ
برتو ورحمت خدا وبرکات او وقبر را ببوس وبگو گواهی میدهم اینکه تو میشنوی

کَلامی وَتَشْهَدُ مَقامی وَاَشْهَدُ لَکَ یا وَلِیَّ اللّٰهِ بِالْبَلاغِ وَ
سخن مرا وحاضری درجای من وگواهی میدهم ترا ای دوست خدا برسانیدن و

الْاَداءِ یا مَوْلایَ یا حُجَّةَ اللّٰهِ یا اَمینَ اللّٰهِ اِنَّ بَیْنی وَبَیْنَ اللّٰهِ
اداکردن ان ای مولای من ای حجت خدا ای امین خدا باینکه میان من ومیان خدا

عَزَّوَجَلَّ ذُنُوبًا قَدْ اَثْقَلَتْ ظَهْری وَمَنَعَتْنی مِنَ الرُّقادِ وَذِکْرُها
عز وجل گناهانی است که سنگین کرده پشت مرا وبازداشته مرا از خوابها ویاد انها

یُقَلْقِلُ اَحْشائی وَقَدْ هَرَبْتُ اِلَی اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ وَاِلَیْکَ فَبِحَقِّ مَنِ
بلرزه اورد رودههای مرا وبتحقیق گریخته بخدای عز وجل وبسوی تو بحق کسی که

ائْتَمَنَکَ عَلی سِرِّهِ وَاسْتَرْعاکَ اَمْرَ خَلْقِهِ وَقَرَنَ طاعَتَکَ بِطاعَتِهِ
امین گردانیده تو را بر سر خودش وخواسته از تو رعایت کار خلق خود را وپیوسته فرمانبرداری ترا بطاعت خود

وَمُوالاتَکَ بِمُوالاتِهِ کُنْ لی اِلَی اللّٰهِ شَفیعًا وَمِنَ النّارِ مُجیرًا وَ
ودوستداری تو بدوستی خود باش مرا بسوی خدا شفیع واز اتش رهاننده و

عَلَی الدَّهْرِ ظَهیرًا پس باز خود را بقبر بچسبان یا وَلِیَّ اللّٰهِ یا حُجَّةَ اللّٰهِ یا بابَ
بر روزگار هم پشت بچسبان وقبر را ببوس وبگو ای دوست خدا ای برهان خدا ای درگاه

حِطَّةِ اللّٰهِ وَلِیُّکَ وَزائِرُکَ وَاللّائِذُ بِقَبْرِکَ وَالنّازِلُ بِفِنائِکَ
حطه خدا دوست تو وزائر تو وپناه برنده بقبر تو وفرود اینده بدرگاه تو

وَالْمُنیخُ رَحْلَهُ فی جِوارِکَ یَسْئَلُکَ اَنْ تَشْفَعَ لَهُ اِلَی اللّٰهِ فی قَضاءِ
وخواباننده شتر خود را در همسایگی تو سوال میکند تورا اینکه شفیع شوی او را بسوی خدا در برآوردن

حاجَتِهِ وَنُجْحِ طَلِبَتِهِ فِی الدُّنْیا وَالْاٰخِرَةِ فَاِنَّ لَکَ عِنْدَ اللّٰهِ الْجاهَ
حاجت او وروا شدن خواسته او در دنیا واخرت پس بدرستیکه برای تو نزد خدا جایگاه

الْعَظیمَ وَالشَّفاعَةَ الْمَقْبُولَةَ فَاجْعَلْنی یا مَوْلایَ مِنْ هَمِّکَ
بزرگست وشفاعت مقبوله پس بگردان مرا ای مولای من از اهل خودت

وادخلنی

وَاَدْخِلْنِي فِي حِزْبِكَ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى ضَجِيعَيْكَ آدَمَ

و در آور مرا در گروه خودت و درود بر تو و بر دو هم خوابه تو آدم

وَنُوحٍ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى وَلَدَيْكَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلَى

و نوح درود بر تو و بر دو فرزندانت حسن و حسین و بر

الْاَئِمَّةِ الطَّاهِرِينَ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ

پیشوایان پاکیزگان از فرزندان تو و رحمت خدا و برکات او

پس از روی تضرع و خشوع هر حاجت که داری از حقتعالی بطلب **مؤلف** گوید چون از دور زیارت کند رب هذا الحرم و بهذا الضريح قصد کند روضه و ضريح حضرت امير المؤمنين عليه السلام را و زيارتها و دعاها را متصل بيكديگر ميخواند و نزديك رفتن و بوسيدن نمياشد يعنى بعوض آنها چيزى ديگر لازم نيست که چيزى بعمل آورد و سيد بن طاوس رضی الله عنه گفته است که مستحب است در اين روز دو ركعت نماز بكند و در هر ركعت بعد از سوره فاتحه ده مرتبه سوره انا انزلناه و ده مرتبه قل هو الله احد بخواند و چون سلام گويد بجاى نماز خود بنشيند و اين دعا بخواند

اَنْتَ حَيٌّ لَا تَمُوتُ وَخَالِقٌ لَا تُغْلَبُ وَبَدِيءٌ لَا تَنْفَدُ وَقَرِيبٌ

توئی زنده که نمیری و آفریننده که مغلوب نمیشوی و پدید آورنده که زیاده نمیشوی و نزدیکی که

لَا تَبْعُدُ وَقَادِرٌ لَا تُضَادُّ وَغَافِرٌ لَا تَظْلِمُ وَصَمَدٌ لَا تُطْعَمُ

دور نمیشوی و توانائیکه دشمنی کرده نشود و آمرزنده که ستمکننده نشوی و بی نیازیکه طعام داده نشود

وَقَيُّومٌ لَا تَنَامُ وَعَالِمٌ لَا تُعَلَّمُ وَقَوِيٌّ لَا تَضْعُفُ وَعَظِيمٌ

و پاینده که نخوابد و دانائیکه یاد نگیرد و توانائیکه ناتوان نشود و بزرگی که

لَا تُوصَفُ وَوَفِيٌّ لَا تُخْلِفُ وَغَنِيٌّ لَا تَفْتَقِرُ وَحَكِيمٌ لَا تَجُورُ

وصف کرده نشود و وفا کننده که خلاف نکند و بی نیازیکه محتاج نگردد و درستکرداریکه جور

وَمَنِيعٌ لَا تُقْهَرُ وَمَعْرُوفٌ لَا تُنْكَرُ وَوَكِيلٌ لَا تَخْفَى وَغَالِبٌ

و بازدارنده که مقهور کرده نشود و شناخته شده که انکار کرده نشود و کارگذاریکه نهان نشود و غالبی که

لَا تُغْلَبُ وَفَرْدٌ لَا تَسْتَشِيرُ وَوَهَّابٌ لَا تَمَلُّ وَسَرِيعٌ لَا تَذْهَلُ

مغلوب نشود و یگانه که مشورت کرده نشود و بخشنده که ملال نیاورد و تیزرویکه ذلیل نگردد

برای هفتم ... نفساً فادّارأتم فيها ... تعقلون و در وارد شده که استشفا کن بقرآن زیرا که حقتعالی فرموده شفاء لما في الصدور و از برای ... جامعه وارد شده اللهم انت رجائي و انت ثقتي و عمادي ... این دعا طوبی لک ... بالغین رجوع کنند بماخذان

بجهت درد شکم

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرویست که بیاشامد ... بت سل با ب گرم و تعویذ کند از ... فاتحة الکتاب هفت مرتبه ایضاً از امیر المؤمنین صلوات الله وسلامه علیه مرویست که بیاشامد ... مذاب

وَجَوَادٌ لَا تَبْخَلُ وَعَزِيزٌ لَا تَذِلُّ وَحَافِظٌ لَا تَغْفُلُ وَقَائِمٌ لَا

و بخشنده که بخل نورزد و غالبیکه خوار نشود و نگهدارنده که غافل نشود و پاینده که

تَزُولُ وَمُحْتَجِبٌ لَا تُرَى وَدَائِمٌ لَا تَفْنَى وَبَاقٍ لَا تَبْلَى وَوَاحِدٌ

زایل نشود و پنهان شده که دیده نشود و همیشه که فانی نشود و باقی که کهنه نشود و یگانه که

لَا تُشْبَهُ وَمُقْتَدِرٌ لَا تُنَازَعُ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِعِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ

مشتبه نگردد و توانائیکه دشمنی نمیکند خدایا من سؤال میکنم ترا بدانشهائیکه نزد تو است

وَقُدْرَتِكَ عَلَى الْخَلْقِ اَجْمَعِينَ اَنْ تُحْيِيَنِي مَا عَلِمْتَ الْحَيٰوةَ خَيْراً

و توانائی تو بر خلق همه اینکه زنده بداری مرا مادامیکه دانائی زندگی بهتر را

لِي وَاَنْ تَتَوَفَّانِي اِذَا كَانَتِ الْوَفَاةُ خَيْراً لِي وَاَسْئَلُكَ الْخَشْيَةَ

بوَمن و اینکه بمیرانی مرا هرگاه بوده باشد مردن بهتر برای من و سؤال میکنم ترا ترسیدن

فِي الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَاَسْئَلُكَ اللّٰهُمَّ كَلِمَةَ الْحَقِّ فِي الْغَضَبِ

در حال نهانی و آشکار و سؤال میکنم ترا خدایا سخن حق را در حال خشم

وَالرِّضَا وَاَسْئَلُكَ نَعِيماً لَا يَنْفَدُ وَاَسْئَلُكَ الرِّضَا بَعْدَ

و خوشنودی و سؤال میکنم ترا نعمتی که پایان نرسد و سؤال میکنم ترا خوشنودی بعد

الْقَضَاءِ وَاَسْئَلُكَ بَرْدَ الْعَيْشِ بَعْدَ الْمَوْتِ وَاَسْئَلُكَ لَذَّةَ

از حکم را و سؤال میکنم ترا خوشی زندگی را بعد از مرگ و سؤال میکنم ترا لذت

النَّظَرِ اِلَى وَجْهِكَ الْكَرِيمِ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي

نگریستن بسوی ذات بابخشش خود بپذیر ای پروردگار جهانیان خدایا من

اَسْئَلُكَ بِمَنِّكَ الْكَرِيمِ وَفَضْلِكَ الْعَظِيمِ اَنْ تَغْفِرَ لِي وَ

سؤال میکنم ترا بسبب انعام تو که بزرگست و افزونی تو که بزرگست اینکه بیامرزی مرا و

تَرْحَمَنِي يَا لَطِيفُ اُلْطُفْ لِي فِي كُلِّ مَا تُحِبُّ وَتَرْضَى اَللّٰهُمَّ

رحمت کنی مرا ای مهربان مهربانی کن مرا در هرچه دوست میداری و خوشنودی خدایا

اِنِّي اَسْئَلُكَ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَتَرْكَ الْمُنْكَرَاتِ وَحُبَّ الْمَسَاكِينِ

من سؤال میکنم ترا از کردن نیکیها و نکردن کارهای زشت و دوستی فقیران

وَمُخَالَطَةَ الصَّالِحِينَ وَاَنْ تَغْفِرَ لِي وَتَرْحَمَنِي وَاِذَا اَرَدْتَ

و آمیزش با شایستگان و اینکه بیامرزی مرا و رحم کنی مرا و هرگاه اراده کنی

تا اجل و بکار دست ... واست بر موضع درد و بگوید سه مرتبه بسم الله

بجهت [illegible]

بنویسد بر لوحی یا کتفی حمد و توحید و معوذتین و در زیر آنها بنویسد اعوذ بوجه الله العظيم و بعزته التي لا ترام و بقدرته التي لا يمتنع منها شيء من شر هذا الوجع و من شر ما فيه و من شر ما اجد منه پس بشوید انرا با آب باران و در ... بیاشامد و در ... که ان شاء الله مبارک و نافع است

بجهت درد شکم و قولنج روایت شده که شخصی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله ...

بِقَوْمٍ فِتْنَةً فَهِيَ غَيْرُ مَفْتُونٍ وَاَسْئَلُكَ حُبَّكَ وَحُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ

بگروهی اشوبی را پس نکردا ومرا بی اشوب ومیخوانم تورا دوستی تورا ودوستی انکه دوست دارد ترا

وَحُبَّ كُلِّ عَمَلٍ يُقَرِّبُنِي اِلَى حُبِّكَ اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ

ودوستی هر کرداری که نزدیک کند مرا بسوی دوستی تو خدایا بحق محمد رحمت خدا

عَلَيْهِ وَاٰلِهِ حَبِيبِكَ وَبِحَقِّ اِبْرٰهِيمَ خَلِيلِكَ وَصَفِيِّكَ وَبِحَقِّ

براو والاو دوست تو وبحق ابرهیم دوست تو وبرگزیدهٔ تو وبحق

مُوسٰى كَلِيمِكَ وَبِحَقِّ عِيسٰى رُوحِكَ وَاَسْئَلُكَ بِصُحُفِ اِبْرٰهِيمَ

موسی هم سخن تو وبحق عیسی روح تو وسؤال میکنم ترا بنامهای ابرهیم

وَتَوْرٰيةِ مُوسٰى وَاِنْجِيلِ عِيسٰى وَزَبُورِ دَاوُدَ وَفُرْقَانِ مُحَمَّدٍ

وکتاب موسی وکتاب عیسی وکتاب داود وکتاب محمد

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَاَسْئَلُكَ بِكُلِّ وَحْيٍ اَوْحَيْتَهُ وَ

رحمت خدا براو والاو وسؤال میکنم ترا بهر وحیی که وحی کردی اورا

بِحَقِّ كُلِّ قَضَاءٍ قَضَيْتَهُ وَبِكُلِّ سَائِلٍ اَعْطَيْتَهُ وَاَسْئَلُكَ بِكُلِّ

وبحق هر حکمی که حکم کرده اورا وبهر خواهنده که داده اورا وسؤال میکنم ترا بهر

اِسْمٍ اَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ وَاَسْئَلُكَ بِاَسْمَائِكَ الَّتِي اسْتَقَلَّ بِهَا

نامیکه فرود اورده اورا در کتاب خود وسؤال میکنم ترا بنامهای تو که برقرار گرفته بانها

عَرْشُكَ وَاَسْئَلُكَ بِاَسْمَائِكَ الَّتِي وَضَعْتَهَا عَلَى النَّارِ فَاسْتَنَارَتْ

عرش تو وسؤال میکنم تورا بنامهای تو که گذاشتی انرا بر اتش پس روشن گردید

وَاَسْئَلُكَ بِاَسْمَائِكَ الَّتِي وَضَعْتَهَا عَلَى اللَّيْلِ فَاَظْلَمَ وَاَسْئَلُكَ

وسؤال میکنم تورا بنامهای تو که گذاشتی انرا بر شب تاریک وسؤال میکنم ترا

بِاَسْمَائِكَ الَّتِي وَضَعْتَهَا عَلَى النَّهَارِ فَاَضَاءَ وَاَسْئَلُكَ بِاَسْمَائِكَ

بنامهای تو که گذاشتی انهارا بر روز پس روشن شد وسؤال میکنم ترا بنامهای تو

الَّتِي وَضَعْتَهَا عَلَى الْاَرْضِ فَاسْتَقَرَّتْ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْاَحَدِ

که گذاردی انهارا بر زمین پس قرار گرفت وسؤال میکنم تورا بنام تو یگانه تو

الصَّمَدِ الَّذِي مَلَاَ اَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الطَّاهِرِ

بی نیاز که پر کرده اطراف هر چیزرا وسؤال میکنم ترا بنام تو که پاک

الطَّاهِرِ الْمُبَارَكِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ

وپاکیزه است وبابرکت زنده پاینده است نیست خدائی مگر او بخشنده مهربانست

وَاَسْئَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُبْلَغِ الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ

وسؤال میکنم تورا بانعقاد عزت از عرش تو ورسانیدن رحمت که ظاهر شود از کتاب تو

وَبِاَسْمَائِكَ الْعِظَامِ وَجَدِّكَ الْاَعْلٰى وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ

و بنامهای بزرگ تو وبعظمت بلندپایه تو وسخنان تو که کاملند

اَنْ تَرْزُقَنَا حِفْظَ الْقُرْاٰنِ وَالْعَمَلَ بِهِ وَالطَّاعَةَ لَكَ وَالْعَمَلَ

انکه روزی کنی مرا نگهداری کردن قران وکار کردن بانرا وفرمانبرداری تورا وکردار

الصَّالِحَ وَاَنْ تُثْبِتَ ذٰلِكَ فِي اَسْمَاعِنَا وَاَبْصَارِنَا وَاَنْ تَخْلِطَ

شایسته را وانکه ثابت داری انرا در گوشهای ما وچشمهای ما وانکه امیزی

ذٰلِكَ بِلَحْمِي وَدَمِي وَمُخِّي وَشَحْمِي وَاَنْ تَسْتَعْمِلَ بِذٰلِكَ بَدَنِي

انرا بگوشت من وخون من ومغز سر من وپیه من وانکه بکار داری باین بدن مرا

وَقُوَّتِي فَاِنَّهُ لَا يَقْوٰى عَلٰى ذٰلِكَ اِلَّا اَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ

وتوانائی مرا پس او قدرت ندارد بر این مگر تو یگانه تو نیست شریکی مر تورا

يَا اَللّٰهُ الْوَاحِدُ الرَّبُّ الْقَدِيرُ يَا اَللّٰهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ

ایخدای یگانه پروردگار توانا ایخدای افریننده پدید اورنده نگارنده

يَا اَللّٰهُ الْبَاعِثُ الْوَارِثُ يَا اَللّٰهُ الْفَتَّاحُ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ يَا اَللّٰهُ

ایخدای برانگیزاننده ارث برنده ایخدای گشاینده کار دانای عزیز دانا ای خدا

الْمَلِكُ الْقَادِرُ الْمُقْتَدِرُ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي اِنَّكَ اَنْتَ اَرْحَمُ

پادشاه توانای باقدرت بیامرز مرا ورحم کن مرا که تو بخشنده ترین

الرَّاحِمِينَ اَنْتَ الْحَقُّ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ اُدْعُونِي اَسْتَجِبْ لَكُمْ فَاَسْئَلُكَ

بخشندگانی خدایا تو گفتی و گفتار تو راستست بخوانید مرا تا اجابت کنم شمارا پس میخوانم ترا

يَا اَللّٰهُ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ اٰدَمُ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ فَاَوْجَبْتَ لَهُ

ای خدا باسم تو که خواند تورا بان ادم رحمت خدا براو پس اجابت کردی او را

الْجَنَّةَ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ شِيثُ ابْنُ اٰدَمَ

بهشت ومیخوانم تورا باسم تو که خواند تورا بان شیث پسر ادم

فَجَعَلْتَهُ وَصِيَّ اَبِيهِ بَعْدَهُ اَنْ تَسْتَجِيبَ دُعَآءَنَا وَاَنْ تَرْزُقَنَا

گردانیدی اورا وصی پدرش بعد از پدر انکه اجابت کنی دعای مرا و روزی کنی مارا

اِنْفاذَ كُلِّ وَصِيَّةٍ لِاَحَدٍ عِنْدَنَا وَاَنْ تُقَدِّمَ وَصِيَّتَنَا اَمَامَنَا وَ

انفاذ هر وصیتی از برای کسی نزد ما و پیش اری وصیت ما را پیش روی ما و

اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ اِدْرِيسُ فَرَفَعْتَهُ مَكَانًا عَلِيًّا

سؤال میکنم ترا باسم تو که خواند ترا بان ادریس پس بالا بردی اورا بجای بلند

اَنْ تَرْفَعَنَا اِلَى اَحَبِّ الْبِقَاعِ اِلَيْكَ وَتَمُنَّ عَلَيْنَا بِمَرْضَاتِكَ وَ

که بلند کنی ما را بسوی دوسترین بقعه ها بسوی تو و منت نهی بر ما بخوشنودی خودت و

تُدْخِلَنَا الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ نُوحٌ

داخل کنی ما را بهشت برحمت خود و سؤال میکنم ترا باسم تو که خواند ترا بان نوح

فَنَجَّيْتَهُ مِنَ الْغَرَقِ وَاَهْلَكْتَ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ اَنْ تُنَجِّيَنَا مِمَّا نَحْنُ

پس نجات دادی اورا از غرق و هلاک کردی قوم ستمکاران را اینکه برهانی ما را از انچه ما

فِيهِ مِنَ الْبَلَآءِ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ هُودٌ عَلَيْهِ

در آن هستیم از بلاء و سؤال میکنم ترا بنام تو که خواند ترا بان هود براو

السَّلَامُ فَنَجَّيْتَهُ مِنَ الرِّيحِ الْعَقِيمِ اَنْ تُنَجِّيَنَا مِنْ بَلَآءِ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ

درود و نجات دادی اورا از باد بی نفع انکه برهانی ما را از بلاء دنیا و اخرت

وَعَذَابِهِمَا وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ صَالِحٌ فَنَجَّيْتَهُ مِنْ

و عذاب دو جهان و میخوانم ترا بنام تو که خواند ترا بان صالح و نجات دادی اورا

خِزْيِ يَوْمَئِذٍ اَنْ تُنَجِّيَنَا مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَعَذَابِهِمَا وَ

از رسوائی انروز انکه برهانی ما را از رسوائی دنیا و اخرت و عذاب دو جهان و

اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ لُوطٌ فَنَجَّيْتَهُ مِنَ الْمُؤْتَفِكَةِ

سؤال میکنم ترا باسم تو که خواند ترا بان لوط و نجات دادی اورا از شهرها

وَالْمَطَرِ السَّوْءِ اَنْ تُنَجِّيَنَا مِنْ مَخَازِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَاَسْئَلُكَ

و باران بد انکه برهانی ما را از رسوائی دنیا و اخرت و سؤال میکنم ترا

بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ شُعَيْبٌ فَنَجَّيْتَهُ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الظُّلَّةِ

بنام تو انکه خواند ترا بان شعیب و نجات دادی اورا از عذاب روز گرفتن سایه ابر

ان تنجيا

اَنْ تُنَجِّيَنَا مِنَ الْعَذَابِ اِلَى رَوْحِكَ وَرَحْمَتِكَ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

انکه برهانی ما را از عذاب بسوی راحت خود و رحمت خود و سؤال میکنم ترا بنام تو

الَّذِي دَعَاكَ بِهِ اِبْرٰهِيمُ فَجَعَلْتَ لَهُ النَّارَ عَلَيْهِ بَرْدًا وَسَلَامًا اَنْ

اینکه خواند ترا بان ابرهیم پس گردانید اتش را براو سرد و سلامت انکه

تُخَلِّصَنَا كَمَا خَلَّصْتَهُ وَاَنْ تَجْعَلَ مَا نَحْنُ فِيهِ بَرْدًا وَسَلَامًا كَمَا

خلاص کنی ما را چنانکه رهانیدی اورا و انکه بگردانی ما را در او سرد و سلامت چنانکه

جَعَلْتَهَا عَلَيْهِ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ اِسْمَاعِيلُ

گردانیدی انرا براو و میخوانم ترا بنام تو که خواند ترا بان اسماعیل

عِنْدَ الْعَطَشِ وَاَخْرَجْتَ مِنْ زَمْزَمَ الْمَآءَ الرَّوِيَّ اَنْ تَجْعَلَ مَخْرَجَنَا

نزد عطش و بیرون اوردی از زمزم اب سیراب اینکه بگردانی بیرون اوردن ما را

اِلَى خَيْرٍ وَاَنْ تَرْزُقَنَا الْمَالَ الْوَاسِعَ بِرَحْمَتِكَ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

بخیر و اینکه روزی کنی ما را مال وسیع برحمت خود و سؤال میکنم ترا بنام تو

الَّذِي دَعَاكَ بِهِ يَعْقُوبُ فَرَدَدْتَ عَلَيْهِ بَصَرَهُ وَوَلَدَهُ وَقُرَّةَ

اینکه خواند ترا بان یعقوب پس باز گردانیدی باو چشم او و پسر اورا و روشنائی

عَيْنِهِ اَنْ تُخَلِّصَنَا وَتَجْمَعَ بَيْنَنَا وَبَيْنَ اَوْلَادِنَا وَاَهَالِينَا وَاَسْئَلُكَ

چشم اورا انکه خلاص کنی ما را و جمع کنی میان ما و میان اولاد ما و اهل ما و سؤال میکنم ترا

بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ يُوسُفُ فَاَخْرَجْتَهُ مِنَ السِّجْنِ اَنْ تُخْرِجَنَا

بنام تو که خواند ترا بان یوسف پس در آوردی اورا از زندان انکه بیرون اوری ما را

مِنَ السِّجْنِ وَتُمَلِّكَنَا نِعْمَتَكَ الَّتِي اَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيْنَا وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

از زندان و بملک دهی ما را نعمت خود را که انعام کردی بان بر ما و میخوانم ترا بنام تو

الَّذِي دَعَاكَ بِهِ الْاَسْبَاطُ فَتُبْتَ عَلَيْهِمْ وَجَعَلْتَهُمْ اَنْبِيَآءَ اَنْ

که خواند ترا بان اسباط پس قبول کردی برایشان و گردانیدی ایشانرا پیغمبران انکه

تَتُوبَ عَلَيْنَا وَتَرْزُقَنَا طَاعَتَكَ وَعِبَادَتَكَ وَالْخَلَاصَ مِمَّا نَحْنُ

بپذیری بر ما و روزی کنی ما را طاعت خود و عبادت خود را و خلاصی از انچه ما در او

فِيهِ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ اَيُّوبُ اِذْ حَلَّ بِهِ الْبَلَآءُ

هستیم و سؤال میکنم ترا بنام تو که خواند ترا بان ایوب وقتیکه فرود امد بان بلاء

فقال

فَقالَ رَبِّ اِنّی مَسَّنِیَ الضُّرُّ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرّاحِمینَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ
پس گفت پروردگارا مرا رسید بدی و تو بخشنده ترین بخشندگانی پس اجابت کردی اورا

وَکَشَفْتَ عَنْهُ ضُرَّهُ وَرَدَدْتَ عَلَیْهِ اَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ
و برداشتی از او گزند اورا و برگردانیدی براو پادشاهی اورا و مانند ایشانرا با ایشان

رَحْمَةً مِنْکَ وَذِکْری لِلْعابِدینَ اَللّهُمَّ اِنّی اَقُولُ کَما قالَ رَبِّ
رحمت از خود و آگاه کردی برای پرستندگان خدایا من میگویم چنانکه گفت پروردگارا

اِنّی مَسَّنِیَ الضُّرُّ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرّاحِمینَ فَاسْتَجِبْ لَنا وَارْحَمْنا وَ
مرا رسید گزند و تو بخشنده ترین بخشندگانی پس اجابت کن ما را و رحم کن ما را و

خَلِّصْنا وَرُدَّ عَلَیْنا اَهْلَنا وَمالَنا وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْکَ
خلاص کن ما را و رد کن بوما اهل ما و مال ما را و مانند ایشان با ایشان رحمتی از تو

وَاجْعَلْنا مِنَ الْعابِدینَ لَکَ وَاَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذی دَعاکَ بِهِ
و بگردان ما را از عابدان مر تورا و سؤال میکنم ترا باسم تو که خواند ترا بان

مُوسی وَهرُونُ فَقُلْتَ عَزَزْتَ مِنْ قائِلٍ قَدْ اُجیبَتْ دَعْوَتُکُما
موسی و هارون پس گفتی تو ارجمندی تو که تو گوینده بتحقیق اجابت کنی خواند شمارا

اَنْ تَسْتَجیبَ دُعاءَنا وَتُنَجِّیَنا کَما نَجَّیْتَهُما وَاَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذی
انکه اجابت کنی دعای مرا و برهانی ما را چنانکه رهانیدی آن دو را و سؤال میکنم ترا باسم تو که

دَعاکَ بِهِ داوُدُ فَغَفَرْتَ ذَنْبَهُ وَتُبْتَ عَلَیْهِ اَنْ تَغْفِرَ ذَنْبی وَ
خواند ترا بان داود پس آمرزیدی گناه اورا و پذیرفتی براو اینکه بیامرزی گناه مرا و

تَتُوبَ عَلَیَّ اِنَّکَ اَنْتَ التَّوّابُ الرَّحیمُ وَاَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذی
بپذیری برمن بدرستیکه تو توبه پذیر مهربانی و سؤال میکنم ترا بنام تو که

دَعاکَ بِهِ سُلَیْمانُ فَرَدَدْتَ عَلَیْهِ مُلْکَهُ وَاَمْکَنْتَهُ مِنْ عَدُوِّهِ
خواند ترا باو سلیمان پس برگردانیدی براو پادشاهی اورا و دوست داری ورا از دشمن او

فَسَخَّرْتَ لَهُ الْجِنَّ وَالْاِنْسَ وَالطَّیْرَ اَنْ تُخَلِّصَنا مِنْ عَدُوِّنا وَتَرُدَّ
پس رام کردی برای او دیو و آدمی را و پرنده ها انکه خلاص کنی ما را از دشمنها و برگردانید

عَلَیْنا نِعْمَتَکَ وَتَسْتَخْرِجَ لَنا مِنْ اَیْدیهِمْ حَقَّنا وَتُخَلِّصَنا مِنْهُمْ
بر ما نعمت خود را و بیرون آوردی بر ما از دست ایشان حق ما را و خلاص کنی ما را از آنها

انک

قل لمن ان کنت امنت بالله فلا تاکلی الحکم ولم یتخذ الله ولدا ولم تعوذوا من الغم و انتقلی الی من یزعم ان مع الله الها اخر فانی اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان محمدا عبده و رسوله (۲) مواظبت کند در صبح و شام بخوانند دعای نور که سلمان از حضرت فاطمه صلوات الله علیها نقل کرده و در مفاتیح ذکر شده (۳) روایت شده که ائمه علیهم السلام تب را با سوره [illegible] معالجه میکردند [illegible] میکردند و [illegible] میپوشانیدند (۴) بخط امام رضا علیه السلام دیده شده که برای تب سه قطعه کاغذ بنویسند بر قطعه اول بسم الله الرحمن الرحیم لا تخف انک انت الاعلی و بر دوم بسم الله الرحمن الرحیم لا تخف نجوت من القوم الظالمین و بر سوم بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible]

اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ وَاَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذی دَعاکَ بِهِ
بدرستیکه تو بر همه چیزی توانائی و سؤال میکنم ترا بنام تو که خواند ترا بان

الَّذی عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْکِتابِ عَلی عَرْشِ مَلِکَةِ سَبَاَ اَنْ یَحْمِلَ
که نزد اوست دانش از کتاب بر عرش پادشاه سبا که باز آورده شود

اِلَیْهِ فَاِذا هُوَ مُسْتَقِرٌّ عِنْدَهُ اَنْ تَحْمِلَنا مِنْ عامِنا هذا اِلی بَیْتِکَ
بسوی او بزمانی کاه او قرار گرفت نزد او انکه رهاکنی ما را از سال ما این سال بسوی خانه

الْحَرامِ حُجّاجاً وَزُوّاراً لِقَبْرِ نَبِیِّکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ السَّلامُ وَاَسْئَلُکَ
محترمت حجاج و زیارت کنان قبر پیغمبرت براو و آل او درود و میخوانم ترا

بِاسْمِکَ الَّذی دَعاکَ بِهِ یُونُسُ بْنُ مَتّی فِی الظُّلُماتِ اَنْ لا اِلهَ
باسم تو که خواند ترا باو یونس پسر متی در تاریکیها اینکه نیست خدائی

اِلّا اَنْتَ سُبْحانَکَ اِنّی کُنْتُ مِنَ الظّالِمینَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَنَجَّیْتَهُ
مگر تو منزهی تو بدرستیکه بودم من از ستمکاران پس اجابت کردی اورا و نجات دادی او

مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ وَمِنَ الْغَمِّ وَقُلْتَ عَزَزْتَ مِنْ قائِلٍ وَکَذلِکَ
از شکم ماهی و از اندوه و گفتی تو عزیزاست از گوینده و همچنین

نُنْجِی الْمُؤْمِنینَ فَنَشْهَدُ اَنّا مُؤْمِنُونَ وَنَقُولُ کَما قالَ لا اِلهَ
نجات میدهیم گروندگانرا پس گواهی دهیم ما که مائیم گروندگان و میگوئیم چنانکه گفت نیست خدائی

اِلّا اَنْتَ سُبْحانَکَ اِنّی کُنْتُ مِنَ الظّالِمینَ فَاسْتَجِبْ لی وَنَجِّنی مِنْ
مگر تو منزهی تو بدرستیکه بودم از ستمکاران پس اجابت کن مرا و نجات بده مرا از

غَمِّ الدُّنْیا وَالْاخِرَةِ کَما ضَمِنْتَ اَنْ تُنْجِیَ الْمُؤْمِنینَ وَاَسْئَلُکَ
غم دنیا و آخرت چنانکه ضامن گشتی انکه نجات بدهی گروندگانرا و سؤال میکنم ترا

بِاسْمِکَ الَّذی دَعاکَ بِهِ زَکَرِیّا وَقالَ رَبِّ لا تَذَرْنی فَرْداً وَ
باسم تو که خواند ترا باو زکریا و گفت ای پروردگار من مگذار مرا تنها و

اَنْتَ خَیْرُ الْوارِثینَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَوَهَبْتَ لَهُ یَحْیی وَاَصْلَحْتَ لَهُ
تو بهترین ارث برندگانی پس اجابت کردی اورا و بخشیدی اورا یحیی و بصلاح آوردی اورا

زَوْجَهُ وَجَعَلْتَهُمْ یُسارِعُونَ فِی الْخَیْراتِ وَیَدْعُونَکَ رَغَباً وَرَهَباً
زن اورا و گردانیدی ایشانرا شتابکننده در نیکیها و میخواندند ترا از روی خوش و ترس

وکانوا

[illegible] (۵) [illegible] هد شد (۶) روایت است از ائمه علیهم السلام که بنویسند در پوستی و اویزان کنند بر تب دار اللهم انی اعوذ بک [illegible] انی اسألک بعزتک و قدرتک و سلطانک و ما احاط به علمک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان لا تسلط علی فلان بن فلان شیئا مما خلقت [illegible] وانحسم جلدة الرقیق من و عظمه الدقیق من فورة الحریق اخرج یا ام ملدم یا آکلة اللحم و شاربة الدم حرها و بردها من جهنم ان کنت امنت بالله الاعظم ان لا تاکلی لفلان بن فلان لحما و لا تمصی له دما و لا تنهکی له عظما و لا تثوری علیه غما و لا تهیجی علیه صداعا و انتقلی عن [illegible] و بشره و لحمه و دمه الی من زعم ان مع الله اله [illegible]

وَكَانُوا لَكَ خَاشِعِينَ فَإِنِّي أَقُولُ كَمَا قَالَ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا
وبودند برای تو فروتنی کنندکان پس من میکویم چنانچه گفت خداوندا مکذار مرا تنها

وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ فَاسْتَجِبْ لِي وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي وَجَمِيعَ مَا أَنْعَمْتَ
و تو بهترین ارث برندکانی پس اجابت کن مرا واجابت کن برای من کار مرا و تمام آنچه انعام کردی

بِهِ عَلَيَّ وَخَلِّصْنِي مِمَّا أَنَا فِيهِ وَهَبْ لِي كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
باو برمن و خلاص کن مرا از آنچه هستم در آن ببخش مرا بزرکی دنیا و آخرت

وَأَوْلَادًا صَالِحِينَ يَرِثُونِي وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَدْعُوكَ رَغَبًا وَ
و فرزندان شایستکان ارث برند مرا و بکردان ما را از آنانکه خوانند ترا از روی میل و

رَهَبًا وَمِنَ الْخَاشِعِينَ الْمُطِيعِينَ لَكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي
ترس و از فروتنان فرمان برداران تو را و سؤال میکنم ترا بنامی که

دَعَاكَ بِهِ يَحْيَى فَجَعَلْتَهُ بَرَّ الْقِيَمَةِ وَلَمْ يَعْمَلْ مَعْصِيَةً وَلَمْ
خواند ترا بان یحیی و کردانیدی او را که وارد شود رستخیز را و نکرده باشد نافرمانی و قصد

يَهُمَّ بِهَا أَنْ تَعْصِمَنِي مِنِ اقْتِرَافِ الْمَعَاصِي حَتَّى نَلْقَاكَ طَاهِرِينَ
نکرده باشد بان اینکه نکه داری مرا از کسب کردن کناهان تا آنکه ملاقات کنم پاکان تو را

لَيْسَ لَكَ قِبَلَنَا مَعْصِيَةٌ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَتْكَ بِهِ
نیست ترا پیش ما کناهی و میخوانم تورا بنام تو که خواند تورا بان

مَرْيَمُ فَنَطَقَ وَلَدُهَا بِحُجَّتِهَا أَنْ تُوَفِّقَنَا وَتُخَلِّصَنَا بِحُجَّتِنَا عِنْدَكَ
مریم پس کفت فرزندان ان برهان ان اینکه توفیق بدهی ما را و خلاص کنی ما را برهان او نزد تو

وَعِنْدَ كُلِّ مُلِمَّةٍ حَتَّى تُظْهِرَ حُجَّتَنَا عَلَى ظَالِمِينَا وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ
و نزد هر حادثه تا آنکه ظاهر سازی برهان ما را بر ستمکاران ما و سؤال میکنم ترا بنام تو

الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ فَأَحْيَى بِهِ الْمَوْتَى وَأَبْرَءَ الْأَكْمَهَ
که خواند تورا بان عیسی پسر مریم پس زنده کرد بان مرده را و شفا داد کور مادرزاد

وَالْأَبْرَصَ أَنْ تُخَلِّصَنَا وَتُبَرِّئَنَا مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَآفَةٍ وَأَلَمٍ وَتُحْيِيَنَا
و پیس را انکه خلاص کنی ما را و شفا دهی ما را از هر بدی و دردی والمی و زنده داری ما را

حَيَوٰةً طَيِّبَةً فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَنْ تَرْزُقَنَا الْعَافِيَةَ فِي أَبْدَانِنَا
زندکی پاکیزه در دنیا و آخرت و اینکه روزی کنی ما را عافیت در بدنهای ما

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ الْحَوَارِيُّونَ فَأَعَنْتَهُمْ حَتَّى
و سؤال میکنم ترا بنام تو که خواندند ترا بان حواریون پس اعانت کردی انها را تا

بَلَغُوا عَنْ عِيسَى مَا أَمَرَهُمْ بِهِ وَصَرَفْتَ عَنْهُمْ كَيْدَ الْجَبَّارِينَ
رسانیدند از جانب عیسی آنچه امر کرد ایشان را بان و کردانیدی از ایشان مکر ستمکاران را

وَتَوَلَّيْتَهُمْ أَنْ تُخَلِّصَنَا وَتَجْعَلَنَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ
و دوستی کردی با ایشان انکه خلاص کنی ما را و بکردانی ما را از خوانندکان به طاعت خود و

أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ جِرْجِيسُ فَرَفَعْتَ عَنْهُ أَلَمَ
سؤال میکنم ترا بنام تو که خواند تو را بان جرجیس پس بلند کردی از او درد

الْعَذَابِ أَنْ تَرْفَعَ عَنَّا أَلَمَ الْعَذَابِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَنْ لَا
شکنجه را انکه رفع کنی از ما درد عذاب را در دنیا و آخرت و انکه

تَبْتَلِيَنَا وَإِنِ ابْتَلَيْتَنَا فَصَبِّرْنَا وَالْعَافِيَةُ أَحَبُّ إِلَيْنَا وَأَسْأَلُكَ
مبتلا نسازی ما را و اگر مبتلا سازی ما را پس صبر ده ما را و عافیت دوست تراست بان و سؤال میکنم

بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ الْخِضْرُ حَتَّى أَبْقَيْتَهُ أَنْ تُفَرِّجَ عَنَّا
بنام تو که خواند تورا بان خضر تا باقی داشتی او را انکه بکشائی از ما

وَتَنْصُرَنَا عَلَى مَنْ ظَلَمَنَا وَتَرُدَّنَا إِلَى مَا مَنَّكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ
و یاری دهی ما را برانکه ستم کرد ما را و بکردانی ما را به مامن خود و سؤال میکنم ترا بنام تو

الَّذِي دَعَاكَ بِهِ حَبِيبُكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَجَعَلْتَهُ
که خواند تورا بان حبیب تو محمد رحمت خدا براو و آل او پس کردانیدی

سَيِّدَ الْمُرْسَلِينَ وَأَيَّدْتَهُ بِعَلِيٍّ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِمَا
آقای فرستکان پس قوت دادی او را بعلی آقای اوصیاء اینکه رحمت فرستی بر آن دو

وَعَلَى ذُرِّيَّتِهِمَا الطَّاهِرِينَ وَأَنْ تُقِيلَنِي فِي هَذَا الْيَوْمِ عَثْرَتِي
و بر فرزندانشان که پاکانند و اینکه درکذری در این روز لغزش مرا

وَتَغْفِرَ لِي مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي وَخَطَايَايَ وَلَا تَصْرِفْنِي مِنْ
و بیامرزی مرا آنچه کذشته از کناهان من و خطاهای من و باز مکردان مرا از

مَقَامِي هَذَا إِلَّا بِسَعْيٍ مَشْكُورٍ وَذَنْبٍ مَغْفُورٍ وَعَمَلٍ مَقْبُولٍ
جایگاه من اینجا مکر بسعی نمودن جزا داده شده و کناه آمرزیده شده و کردار پذیرفته شده

وَرَحْمَةٍ وَمَغْفِرَةٍ وَنَعِيمٍ مَوْصُولٍ بِنَعِيمِ الْآخِرَةِ بِرَحْمَتِكَ
ورحمت ومغفرت وراحت رسیده شده بنعمت آخرت برحمت تو

يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ إِنَّكَ عَلَى
ای مهربان ای منت گذار ای صاحب جلال و بزرگی بدرستیکه تو بر

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
هر چیز توانائی ونیست حول ونه توانائی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ

باب نهم

در اعمال ماه ربیع الثانی وجمادی الاول وجمادی الثانیه است ودر آن سه فصل است

فصل اول در اعمال ماه ربیع الثانی سید بن طاوس روایت کرده که در روز اول اینماه مستحب است این دعا را بخوانند

اللَّهُمَّ أَنْتَ إِلَهُ كُلِّ شَيْءٍ وَخَالِقُ كُلِّ حَيٍّ وَرَبُّ كُلِّ شَيْءٍ
خدایا توئی خدای هر چیزی وآفریننده هر زنده وپروردگار هر چیزی

أَسْأَلُكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَالْغَايَةِ وَالْمُنْتَهَى وَبِمَا خَالَفْتَ
سؤال میکنم تو را بدست آویز محکم و آخر وانتها وبآنچه مخالفت کردی

بِهِ بَيْنَ الْأَنْوَارِ وَالظُّلُمَاتِ وَالْجَنَّةِ وَالنَّارِ وَالدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
بآن میان روشنیها وتاریکیها وبهشت وآتش ودردنیا وآخرت

وَبِأَعْظَمِ أَسْمَائِكَ فِي اللَّوْحِ الْمَحْفُوظِ وَأَتَمِّ أَسْمَائِكَ
وببزرگترین نامهای تو در لوح محفوظ وتمامترین نامهای تو

فِي التَّوْرَاةِ نُبْلاً وَأَظْهَرِ أَسْمَائِكَ فِي الزَّبُورِ عِزّاً وَأَجَلِّ أَسْمَائِكَ
در توریة از روی فضیلت ونیکوترین نامهای تو در زبور از روی عزت وبزرگترین نامهای تو

فِي الْإِنْجِيلِ قَدْراً وَأَرْفَعِ أَسْمَائِكَ فِي الْقُرْآنِ ذِكْراً وَأَعْظَمِ
در انجیل از روی قدر وبلندترین نامهای تو در قرآن از روی ذکر وبزرگترین

أَسْمَائِكَ فِي الْكُتُبِ الْمُنْزَلَةِ وَأَفْضَلِهَا وَأَسَرِّ أَسْمَائِكَ فِي نَفْسِكَ
نامهای تو در کتابهای فرستاده شده وبهترین آنها وبهترین نامهای تو در نفس تو

الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَأَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ
که نیست مانند او چیزی وسؤال میکنم ترا بعزت تو وتوانائی تو

وَبِالْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَمَا حَمَلَ وَبِالْكُرْسِيِّ الْكَرِيمِ
وبعرش بزرگ وآنچه برداشت وبحرمت کرسی بزرگ

وما

دعاء برص بعضی پیسی

وَمَا وَسِعَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتُتِيحَ لِي مِنْ
وآنچه فرا گرفته اینکه رحمت فرستی بر محمد وآل محمد ومقدر کنی برای من از

عِنْدِكَ فَرَجَكَ الْقَرِيبَ الْعَظِيمَ الْأَعْظَمَ اللَّهُمَّ أَتْمِمْ عَلَيَّ إِحْسَانَكَ
نزد خود گشایش نزدیک بزرگ بزرگتر خدایا تمام کن بر من نعمت خود را

الْقَدِيمَ الْأَقْدَمَ وَتَابِعْ إِلَيَّ مَعْرُوفَكَ الدَّائِمَ الْأَدْوَمَ وَأَنْعِشْنِي
که دیرینه است پیرینه تر وپیاپی نمای بسوی من احسان خود را که پیوسته پیوسته تراست وبلند کن قدر مرا

بِعِزِّ جَلَالِكَ الْكَرِيمِ الْأَكْرَمِ وَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
بعزت بزرگواری خود که گرامی گرامیتر است وخدای شما خدائیست یگانه نیست خدا مگر او

الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ
بخشنده مهربانست خدا نیست خدائی مگر او زنده پاینده است نمیگیرد او را پینکی

وَلَا نَوْمٌ الم اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ هُوَ الَّذِي
واز خواب خدا نیست خدائی مگر او زنده پاینده است اوست آن خدائیکه

يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ
صورت دهد شما را در شکمهای مادرها هر روش که خواهد نیست خدائی مگر او غالب درست کردار

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِماً
گواهی میدهد خدا که نیست خدائی مگر او وفرشتگان وصاحبان دانش ایستاده

بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
بعدل نیست خدائی مگر او غالب درست کردار است خدا نیست خدائی مگر او

لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ
هر آینه جمع کند شما را روز قیامت نیست شکی در آن اینست خدا پروردگار شما نیست

إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ
مگر او آفریننده هر چیزی پس پرستید او را واو بر هر چیزی نگهبانست

اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَأَعْرِضْ عَنِ
پیروی کن آنچه را که وحی میشود بتو از پروردگارت نیست خدائی مگر او ودر گردان از

الْمُشْرِكِينَ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعاً
مشرکین بگو ای مردمان بدرستیکه من فرستاده خدایم بسوی شما همه

الذی

الَّذِی لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰاتِ وَالْأَرْضِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ یُحْیِی

انکه مراورا است پادشاهی اسمانها وزمین نیست خدائی مکر او زنده میکند

وَیُمِیتُ فَاٰمِنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ النَّبِیِّ الْاُمِّیِّ الَّذِی یُؤْمِنُ

ومیمیراند پس بکروید بخدا ورسول او پیغبر که منسوب بام القری است که میکرود

بِاللّٰهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ وَمَا اُمِرُوا اِلَّا

بخدا وسخنان او وپیروی کنید اورا شاید شما هدایت شوید ومامور نیستند مکر انکه

لِیَعْبُدُوا اِلٰهًا وَاحِدًا لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا یُشْرِكُونَ

پرستند خدای یکانه را نیست خدائی مکر او منزه است او از انچه شرك اورند

فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِیَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَیْهِ تَوَكَّلْتُ

پس اکر رو کردان شوند بکو بس است مرا خدا نیست خدائی مکر او براو توکل من است

وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ حَتّٰی اِذَا اَدْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ اٰمَنْتُ

واوست پروردکار عرش بزرك تا اینکه دریافت اینان را غرق کفت ایمان اوردم

اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا الَّذِی اٰمَنَتْ بِهِ بَنُوا اِسْرَائِیلَ وَاَنَا مِنَ الْمُسْلِمِینَ

انکه نیست خدائی مکر انخدائیکه ایمان اوردند باو بنی اسرائیل ومن از مسلمانانم

قُلْ هُوَ رَبِّی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَیْهِ تَوَكَّلْتُ وَاِلَیْهِ مَتَابِ یُنَزِّلُ

بکو اوست پروردکار من نیست خدائی مکر او براوست توکل من وبسوی اوباز کشت فرو میاورد

الْمَلٰئِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ اَمْرِهِ عَلٰی مَنْ یَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ اَنْ اَنْذِرُوا

فرشتکانرا بروح از امر او برانکه میخواهد از بندکان او اینکه برسانند

اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنَا فَاتَّقُونِ وَاِنْ تَجْهَرْ بِالْقَوْلِ فَاِنَّهُ یَعْلَمُ

بدرستی او نیست خدائی مکر من پس از من بترسید واکر اشکار کنند بکفتار پس او میداند

السِّرَّ وَاَخْفٰی اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ لَهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰی وَاَنَا

اشکار وپنهان را خدا نیستخدائی مکر او مراوراست نامهای نیکو ومن

اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا یُوحٰی اِنَّنِی اَنَا اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنَا فَاعْبُدْنِی

برکزیدم تورا پس کوش کن بر انچه وحی کردم بدرستی منم خدائی که نیست خدائی مکر من پس بپرستید مرا

وَاَقِمِ الصَّلٰوةَ لِذِكْرِی اِنَّمَا اِلٰهُكُمُ اللّٰهُ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ

وبپا دارید نماز را برای یاد من اینست جز این نیست خدای شما خدائیکه نیست خدائی مکر او

وسع

وَسِعَ كُلَّ شَیْءٍ عِلْمًا وَمَا اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ اِلَّا

فرا کرفته هرچیز را از روی دانش ونفرستادیم ما پیش از تو هیچ فرستاده مکر انکه

نُوحِیَ اِلَیْهِ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنَا فَاعْبُدُونِ وَذَا النُّونِ اِذْ

وحی کردیم بسوی او اینست نیستخدائی مکر من پس بپرستید مرا وصاحب ماهی را انوقت

ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ اَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَیْهِ فَنَادٰی فِی الظُّلُمَاتِ

که رفت خشمناك پس کمان کرد که هرکز تنك نکیرد براو پس خواند خدا را در تاریکیها

اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّی كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِینَ فَتَعَالَی

اینکه نیست خدائی مکر تو منزهی تو بدرستیکه منم از ستمکاران پس بلند مرتبه است

اللّٰهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِیمِ اَللّٰهُ

خدا پادشاه براستی نیستخدائی مکر او پروردکار عرش کرامی است خدا

لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ وَهُوَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ

نیستخدائی مکر او پروردکار عرش بزرك است واواست خدا نیستخدائی مکر او

لَهُ الْحَمْدُ فِی الْاُولٰی وَالْاٰخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَاِلَیْهِ تُرْجَعُونَ

مراوراست حمد در دنیا و اخرت ومراوراست حکم وبسوی او باز کشت میکنند

وَلَا تَدْعُ مَعَ اللّٰهِ اِلٰهًا اٰخَرَ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ كُلُّ شَیْءٍ هَالِكٌ

ومخوان با خدا خدائی دیکر نیست خدائی مکر او هرچیزی فانی است

اِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَاِلَیْهِ تُرْجَعُونَ یَا اَیُّهَا النَّاسُ

مکر ذات او اوراست حکم وبسوی او باز کشت کنید ای مردمان

اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللّٰهِ عَلَیْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَیْرُ اللّٰهِ یَرْزُقُكُمْ مِنَ

یاد کنید نعمت خدا را برشما ایا هیچ افریننده است جز خدا روزی میدهد شما را

السَّمَاءِ وَالْاَرْضِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ فَاَنّٰی تُؤْفَكُونَ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ

اسمان وزمین نیستخدائی مکر او پس از کجا دروغ میبافید اینست خدا

رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ فَاَنّٰی تُصْرَفُونَ غَافِرِ الذَّنْبِ

پروردکار شما مراوراست پادشاهی نیستخدائی مکر او پس از کجا نفیه یابند امرزنده کناه

وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِیدِ الْعِقَابِ ذِی الطَّوْلِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ اِلَیْهِ

وپذیرنده توبه سخت عقوبت صاحب نعمت نیستخدائی مکر او بسوی او

المصیر

الْمَصِيرُ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ فَأَنّٰى

بازکشت اینست خدا پروردکار شما آفریننده هرچیزی نیست خدائی مکر او پس از کجا دروغ

تُؤْفَكُونَ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ هُوَ

میبافید اینست خدا پروردکار شما بابرکتست خدا پروردکار جهانیان اوست

الْحَيُّ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ

زنده نیست خدائی مکر او پس بخوانید او را خالص او راست عبادت حمد خدا راست پروردکار

الْعَالَمِينَ رَبِّ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ

جهانیان پروردکار آسمانها و زمین و آنچه میان آندو است اگر باشید

مُوقِنِينَ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ

یقین کنندکان نیست خدائی مکر او زنده میکند و میمیراند پروردکار شما و پروردکار پدران شما و پیشینیان

فَأَنّٰى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَ

پس از کجا اند ایشانرا چون آمد پند دادن ایشان پس بدان اینکه نیست خدائی مکر خدا و

اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ هُوَ اللّٰهُ الَّذِي لَا

طلب آمرزش میکند برای کناه خود و برای مؤمنین و مؤمنات اوست خدا که نیست

إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللّٰهُ

خدائی مکر او دانای نهان و آشکار اوست بخشنده مهربان اوست خدائی

الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ

که نیست خدائی مکر او پادشاه پاک از هر عیبی امن و امان

الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللّٰهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ اللّٰهُ

نکهبان عزیز با عظمت بزرک منزه است خدا از انچه شریک او ورند خدا

لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

نیست خدائی مکر او و بر خدا پس باید توکل کنند کروندکان خدایا من میخواهم

عَفْوًا لَيْسَ بَعْدَهُ عُقُوبَةٌ وَرِضًا لَيْسَ بَعْدَهُ سَخَطٌ وَعَافِيَةً

آمرزش تو را که نیست پس از آن عقوبتی و خوشنودی که نیست پس از آن غضبی و عافیتی

لَيْسَ بَعْدَهَا بَلَاءٌ وَسَعَادَةً لَيْسَ بَعْدَهَا شَقَاءٌ وَهُدًى لَا يَكُونُ

که نیست پس از آن بلائی و نیکبختی که نیست پس از آن بدبختی و هدایتی که نباشد

بعده

السلامة في نفسي والسعة في رزقي والشكر لك ما ابقيتني و بر نطی از یونس بن ظبیان روایت کرده که گفت وارد شدیم بر حضرت صادق علیه السلام دیدیم آن حضرت را که در چشم سختی کرده بحدیکه ما مغموم شدیم از جهة آنحضرت روز دیگر که خدمتش رسیدیم دیدیم که چشمش دردی ندارد و خوب شده گفتیم فدایت شویم آیا معالجه فرمودید چشمان خود را بچیزی فرمود بلی بچیزیکه او از جمله معالجات بود گفتیم چه بود آن فرمود تعویذی بود پس ما نوشتیم آن تعویذ را و آن تعویذ اینست اعوذ بعزة الله و اعوذ بقوة الله

بَعْدَهُ ضَلَالَةٌ وَإِيمَانًا لَا يُدَاخِلُهُ فِتْنَةٌ وَقَلْبًا لَا يُدَاخِلُهُ فِتْنَةٌ

پس از آن کمراهی و ایمانیکه داخل نشود او را کفری و دلی که داخل نشود او را آشوبی

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ السَّعَةَ فِي الْقَبْرِ وَالْحُجَّةَ الْبَالِغَةَ وَالْقَوْلَ

خدایا من میخواهم از تو فراخی در قبر و برهان کامل رسا و کفتار

الثَّابِتَ وَأَنْ تُنْزِلَ عَلَيَّ الْأَمْنَ وَالْفَرَجَ وَالسُّرُورَ وَنَضْرَةَ

پا برجا و آنکه فرو آوری برای من ایمنی و خوشحالی و سرور و تازکی

النَّعِيمِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَرِّفْنِي بَرَكَةَ هٰذَا

نعمت خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و برسان مرا برکت این

الشَّهْرِ وَيُمْنَهُ وَارْزُقْنِي خَيْرَهُ وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّهُ وَاجْعَلْنِي

ماه و میمنت آن و روزی کن مرا نیکی آن را و بکردان از من شر آنرا و بکردان مرا

فِيهِ مِنَ الْفَائِزِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللّٰهُمَّ أَنْتَ

در او از رستکاران برحمت تو ای بخشنده ترین بخشندکان خدایا توئی

وَهَّابُ الْخَيْرِ فَهَبْ لِي شَوْقًا إِلَىٰ لِقَائِكَ وَإِشْفَاقًا مِنْ عَذَابِكَ

بخشنده نیکی پس ببخش مرا آرزومندی بسوی ملاقات و ترسیدن از عذاب تو

وَحَيَاءً مِنْكَ وَتَوْقِيرًا وَإِجْلَالًا لَكَ حَتّٰى يَوْجَلَ مِنْ ذٰلِكَ قَلْبِي

و شرم داشتن از تو و بزرک داشتن و بزرکواری تو تا آنکه بترسد از آن دل من

وَيَقْشَعِرَّ مِنْهُ جِلْدِي وَيَتَجَافٰى لَهُ جَنْبِي وَتَدْمَعَ مِنْهُ عَيْنِي وَ

و بلرزد از آن پوست من و خالی شود از او پهلوی من و اشک ریزد از آن چشم من و

لَا أَخْلُو مِنْ ذِكْرِكَ فِي لَيْلِي وَنَهَارِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللّٰهُمَّ

خالی نمایم از یاد تو در شب من و روز من ای بخشنده ترین بخشندکان خدایا

إِنِّي أُثْنِي عَلَيْكَ وَمَا عَسٰى أَنْ يَبْلُغَ مَدْحِي وَثَنَائِي مَعَ قِلَّةِ

من مدح میکنم بر تو و نشاید آنکه برسد مدح من و ثنای من با کمی

عَمَلِي وَقِصَرِ رَأْيِي وَأَنْتَ الْخَالِقُ وَأَنَا الْمَخْلُوقُ وَأَنْتَ الْمَالِكُ

کردار من و کوتاهی اندیشه من و توآفریننده ای و منم آفریده شده و توئی مالک

وَأَنَا الْمَمْلُوكُ وَأَنْتَ الرَّبُّ وَأَنَا الْعَبْدُ وَأَنْتَ الْعَزِيزُ وَأَنَا الذَّلِيلُ

و منم بنده و توئی پروردکار و منم بنده و توئی غالب و منم خوار

وانت

ربنا اطمعن ... برای صداع درد چشم وارد شده که بخواند بر آن آیة الکرسی و در دل کیرد خوب شدن آنرا و اکر دست بر چشم نهد و بکوید اعیذ نور بصری بنور الله الذی لا یطفأ و وارد شده برای ضعف باصره نافعست و برای ضعف چشم و شب کوری وارد شده که بنویسد آیه نور را ... دو جامی و باب ... و آن آب را در شیشه کند و از میل بچشم کشد و وارد شده که هر که قرآن را از روی قرآن بخواند بهره برد از چشم خود و نیز وارد شده که هر روز بکوید فجعلناه سمیعا بصیرا چشمانش از آفات سالم بماند

انحضرت سحر بطلان تعویذ ...

وَأَنْتَ الْقَوِيُّ وَأَنَا الضَّعِيفُ وَأَنْتَ الْغَنِيُّ وَأَنَا الْفَقِيرُ وَأَنْتَ

وتوئی توانا ومنم ناتوان وتوئی بی نیاز ومنم فقیر وتوئی

الْمُعْطِي وَأَنَا السَّائِلُ وَأَنْتَ الْحَيُّ الَّذِي لَا تَمُوتُ وَأَنَا خَلْقٌ

دهنده ومنم خواهنده وتوئی زنده انچنانکه نمی میری ومنم افریده

أَمُوتُ فَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَأَعْطِنِي سُؤْلِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي

که میمیرم پس بیامرز مرا ورحم کن مرا وبده خواهش مرا در دنیا واخرت

وَتَجَاوَزْ عَنِّي وَعَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ

ودرگذر ازمن واز تمام مردان مؤمن وزنان مؤمنه و مردان

وَالْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

و زنان گردن نهنده زنده از ایشان ومرده ها خدایا رحمت فرست بر محمد

عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَصَفِيِّكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ

بندهٔ خود وفرستادهٔ خود وپیغمبر خود وبرگزیده خود وبهترین از افریدگان خود

اللَّهُمَّ ارْفَعْ دَرَجَتَهُ وَكَرِّمْ مَقَامَهُ وَأَجْزِلْ ثَوَابَهُ وَأَفْلِجْ

خدایا بلند کن درجهٔ اورا وگرامی دار جایگاه اورا ووافر کن ثواب اورا وغالب کن

حُجَّتَهُ وَأَظْهِرْ عُذْرَهُ وَعَظِّمْ نُورَهُ وَأَدِمْ كَرَامَتَهُ وَأَلْحِقْ بِهِ أُمَّتَهُ

برهان اورا وزایل کن عذر اورا وبزرگ کن روشنائی اورا وپیوسته دار کرامت اورا وبرسان باو گروه اورا

وَذُرِّيَّتَهُ وَأَقْرِرْ بِذَلِكَ عَيْنَهُ اللَّهُمَّ اجْعَلْ مُحَمَّداً أَكْرَمَ النَّبِيِّينَ

وفرزندان اورا وروشن کن بان چشم اورا خدایا بگردان محمد را بزرگترین پیغمبران

تَبَعاً وَأَعْظَمَهُمْ مَنْزِلَةً وَأَشْرَفَهُمْ كَرَامَةً وَأَعْلَاهُمْ دَرَجَةً

از روی پیروان وبزرگتر ایشان از منزلت وبزرگتر ایشان از روی کرامت وبلندتر ایشان از روی درجه

وَأَفْسَحَهُمْ فِي الْجَنَّةِ مَنْزِلاً اللَّهُمَّ بَلِّغْ مُحَمَّداً دَرَجَةَ الْوَسِيلَةِ

وگشاده ترین ایشان در بهشت از روی منزلت خدایا برسان محمد را مرتبه که نام ان وسیله است

وَشَرِّفْ بُنْيَانَهُ وَعَظِّمْ نُورَهُ وَبُرْهَانَهُ وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ فِي

وبلند کن دولت اورا وبزرگ کن نور اورا وبرهان اورا وقبول کن شفاعت اورا در

أُمَّتِهِ وَتَقَبَّلْ صَلَوٰةَ أُمَّتِهِ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا بَلَّغَ

گروه او وبپذیر نماز ودعای اورا بر گروه او خدایا رحمت فرست بر محمد همچنانکه رسانید

رِسَالَاتِكَ وَتَلَا آيَاتِكَ وَنَصَحَ لِعِبَادِكَ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ

پیغامهای تورا وخواند ایات تورا وپند داد مر بندگان ترا وکارزار کرد در راه تو

حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ اللَّهُمَّ زِدْ مُحَمَّداً مَعَ كُلِّ شَرَفٍ شَرَفاً وَ

تا امد تورا یقین خدایا زیاد کن محمد را با هر شرافتی وبزرگی و

مَعَ كُلِّ فَضْلٍ فَضْلاً وَمَعَ كُلِّ كَرَامَةٍ كَرَامَةً وَمَعَ كُلِّ

وبا هر زیادتی زیادتی وباهر کرامتی کرامتی و باهر

سَعَادَةٍ سَعَادَةً حَتَّى تَجْعَلَ مُحَمَّداً فِي الشَّرَفِ الْأَعْلَى مِنَ

سعادتی سعادتی تا انکه بگردانی محمد را در مرتبه بلند از

الدَّرَجَاتِ الْعُلَى اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

مرتبه های بلند بارخدایا رحمت فرست بر محمد وال محمد

وَسَهِّلْ لِي مَحَبَّتِي وَبَلِّغْنِي أُمْنِيَّتِي وَوَسِّعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي

واسان کن برای من محبت من را وبرسان مرا ایمنی مرا وفراخ کن بر من روزی مرا

وَاقْضِ عَنِّي دَيْنِي وَفَرِّجْ عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي وَكَرْبِي وَيَسِّرْ

وادا کن ازمن دین مرا وگشایش ده ازمن غم مرا وهم مرا واندوه مرا واسان

لِي إِرَادَتِي وَأَوْصِلْنِي إِلَى بُغْيَتِي سَرِيعاً عَاجِلاً يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

کن مرا شتغت مرا وبرسان مرا بمطلب من رساییدنی زودیا ای رحم کنندهترین رحم کنندگان

وشیخ مفید رضی الله عنه گفته استکه در روز ماه ربیع الاخر دویست وسی ودو

از هجری نبوی حضرت امام حسن عسکری ع متولد شده ودر روز شریف بسیار مبارکی

است ومستحب استکه بشکر این نعمت عظمی روزه بدارند **مؤلف گوید**

که زیارت انحضرت علیه السلم وسایر اعمال خیر در این روز با برکت مناسب است

فصل دویم در اعمال ماه جمادی الاولی است سه نمطا وسر ده از بعضی

کتب معتبره نقل کرده است که در روز اوّل این ماه مستحب استکه این دعا بخوانند

اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ وَأَنْتَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ وَأَنْتَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ

خدایا توئی خدا وتوئی بخشنده ترین بخشندگان وتوئی پادشاه منزه

وَأَنْتَ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ وَأَنْتَ الْمُهَيْمِنُ وَأَنْتَ الْعَزِيزُ وَأَنْتَ الْجَبَّارُ

وتوئی سالم باامان وتوئی نگهبان وتوئی غالب وتوئی افریننده

وَاَنْتَ الْمُتَكَبِّرُ وَاَنْتَ الْخَالِقُ وَاَنْتَ الْبَارِئُ وَاَنْتَ الْمُصَوِّرُ وَاَنْتَ
وتوئی بزرگ وتوئی آفریننده وتوئی پدید آورنده وتوئی صورتنگار وتوئی

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَاَنْتَ الْاَوَّلُ وَالْاٰخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ لَكَ
غالب درست کردار وتوئی اول واخر وظاهر وباطن مرتراست

الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى اَسْئَلُكَ يَا رَبِّ بِحَقِّ هٰذِهِ الْاَسْمَاءِ وَبِحَقِّ
نامهای نیکو میخوانم ترا ای پروردگار بحق این نامها و بحق

اَسْمَائِكَ كُلِّهَا اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاٰتِنَا اللّٰهُمَّ فِي
نامهای تو همه آنها اینکه رحمت فرستی بر محمد وال محمد وبده مارا خدایا در

الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَاخْتِمْ لَنَا بِالسَّعَادَةِ وَالشَّهَادَةِ
دنیا نیکی ودر اخرت نیکی وتمام کن برای ما نیکبختی وشهید شدن

فِي سَبِيلِكَ وَعَرِّفْنَا بَرَكَةَ شَهْرِنَا هٰذَا وَيُمْنَهُ وَارْزُقْنَا خَيْرَهُ وَ
در راه تو وبشناسان مارا برکت ماه ما این ماه ویمنت او وروزی کن مارا نیکی این ماه راو

اصْرِفْ عَنَّا شَرَّهُ وَاجْعَلْنَا فِيهِ مِنَ الْفَائِزِينَ وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ
بگردان از ما شراورا وبگردان مارا در ان ماه از رستگاران ونگهدار مارا برحمت خود

عَذَابَ النَّارِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ پس این آیات را
از عذاب اتش ای بخشنده ترین بخشندگان بدرستیکه تو بر هر چیزی توانائی بخوانند

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ
حمد مر خدا را پروردگار جهانیانست حمد مر خدا را که افرید اوئید اسمانها وزمین را

وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ
وگردانید تاریکیها وروشنائی پس آنانکه نگرویدند بپروردگارشان عدیل می‌شوند

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضٰى اَجَلًا وَاَجَلٌ مُسَمًّى عِنْدَهُ
اوست که افرید شمارا از خاک پس مقرر کرد مدتی ومدتی امر برده شده نزد خود

ثُمَّ اَنْتُمْ تَمْتَرُونَ وَهُوَ اللّٰهُ فِي السَّمٰوَاتِ وَفِي الْاَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ
پس شما باو شک میکنید واوست خدای در اسمانها ودر زمین میداند نهان شما

وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اَنْزَلَ عَلٰى عَبْدِهِ
واشکار شمارا ومیداند انچه کسب میکنید حمد مر خدا را که فرو فرستاد بر بنده خود

الكتاب

الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا قَيِّمًا لِيُنْذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِنْ لَدُنْهُ
کتاب را ونگردانید برای او کجی راست تا بیم نمایند ترس عذاب سختی را از نزد او

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ
حمد مر خدا را که مر اوراست انچه در اسمانها وانچه در زمین است ومر اوراست حمد

فِي الْاٰخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ فَاطِرِ السَّمٰوَاتِ وَ
در اخرت واوست درست کردار اگاه حمد مخصوص خداست پدید اورنده اسمانها و

الْاَرْضِ جَاعِلِ الْمَلٰئِكَةِ رُسُلًا اُولِي اَجْنِحَةٍ مَثْنٰى وَثُلَاثَ وَ
زمین گرداننده فرشتگان رسولان صاحبان بالها دوتا دوتا وسه تا سه تا

رُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ مَا
چهار چهار زیاد میکند در افرینش انچه میخواهد بدرستیکه خدا بر هر چیزی تواناست انچه

يَفْتَحِ اللّٰهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكْ فَلَا
گشاید خدا برای مردمان از رحمت پس نباشد باز دارنده مر اورا ونباشد نگاه دارنده پس نیست

مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي هَدَانَا
فرستنده مر اورا از بعد او واوست غالب درست کردار حمد مر خدا را که هدایت کرد مارا

لِهٰذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا اَنْ هَدٰنَا اللّٰهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ
باین راه ونبودیم ما که راه یابیم اگر نبود انکه راه نماید مارا خدا بتحقیق امدند رسولان

رَبِّنَا بِالْحَقِّ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ اِسْمٰعِيلَ
پروردگار ما براستی حمد مر خدا را که بخشید مرا بر پیری اسماعیل

وَاِسْحٰقَ اِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بَلْ اَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ
واسحق بدرستیکه پروردگار من شنونده دعاست حمد مر خدا را بلکه بیشتر ایشانند نمیدانند

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي نَجّٰنَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي
حمد مر خدا را که نجات داد مارا از گروه ستمکاران حمد مر خدا را که

فَضَّلَنَا عَلٰى كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ سَيُرِيكُمْ اٰيَاتِهِ
زیادتی داد مارا بر بسیاری از بندگان مؤمن خود حمد مر خدا را که بنماید شما نشانهای

فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي
پس شناسانید انها را ونیست خدای غافل از انچه میکنید حمد مر خدا را که

اذهب

اذهب عنا الحزن ان ربنا لغفور شكور الحمد لله الذي صدقنا

برد از ما اندوه را بدرستيكه پروردگار ما امرزنده حق گذار است حمد مر خدا را كه راست كرد

وعده واورثنا الارض نتبوء من الجنة حيث نشاء فنعم اجر

وعده خود را ارث داد بما زمين بهشت را كه جای گيريم در بهشت هر جا كه خواهيم نيكوست مزد

العاملين وترى الملائكة حافين من حول العرش يسبحون بحمد

كار كنان و می بينی فرشتگان را فرود گيرنده گرداگرد عرش تسبيح ميكنند بحمد

ربهم وقضي بينهم بالحق وقيل الحمد لله رب العالمين

پروردگارشان و حكم شد ميان ايشان براستی و گفته شد حمد مر خدا را كه پروردگار جهانيانست

فلله الحمد رب السموات ورب الارض رب العالمين وله

مر خدا راست حمد پروردگار اسمانها و پروردگار زمين پروردگار جهانيان و او راست

الكبرياء في السموات والارض وهو العزيز الحكيم الحمد

كبريائی در اسمانها و زمين و اوست غالب درست كردار حمد

لله الذي لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك في الملك و

مر خدا را ان چنانيكه نگرفته فرزندی و نمی باشد او را شريكی در پادشاهی و

لم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا اللهم اغفر لي

نبوده او را ياری از مذلت و بزرگی ياد كن او را ياد كردنی خدايا بيامرز مرا

ما سلف من ذنوبي وتداركني فيما بقي من عمري وقو

انچه گذشته از گناهان من و تلافی كن مرا در انچه باقی مانده از عمر من و توانا كن

ضعفي للذي خلقتني له وحبب الي الايمان وزينه في قلبي و

ناتوانی مرا برای انچه افريدی مرا برای او و دوست كن بمن ايمان را و زينت او را در دل من و

قد دعوتك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم اصبحت

بتحقيق خواندم تورا چنانچه امر نمودی مرا پس اجابت كن مرا همچنانكه وعده دادی مرا خدايا صبح كردم

لك عبدا لا استطيع دفع ما اكره ولا املك ما ارجو و

در حال انكه هستم بنده كه قدرت ندارم بر دفع انچه كراهت دارم و دارا نيستم انچه را اميد دارم و

اصبحت مرتهنا بعملي فلا فقير افقر مني اليك يا رب العالمين

صبح كردم در حالی كه رهن شدم بكردار خود نيست محتاجی محتاج تر از من بسوی تو ای پروردگار جهانيان

اسئلك ان تستعملني عمل من استيقن حضور اجله لا بل عمل

سؤال ميكنم تورا اينكه بكار داری مرا كار انكه يقين داشته حاضر شدن اجل خود را نه بلكه كار

من قد مات فراى عمله ونظر الى ثواب عمله انك على كل

انكه بتحقيق مرده پس ديد كردار خود را و نگريست بسوی ثواب كردار خود بدرستيكه تو بر هر چيزی

شيء قدير اللهم هذا مكان العائذ برحمتك من عذابك و

چيزی توانائی خدايا اينجا جای پناه برنده برحمت تو از عذاب تو و

هذا مكان العائذ بمعافاتك من غضبك اللهم اجعلني ممن

اين جای پناه برنده بعافيت تست از خشم تو خدايا بگردان مرا از انكه

دعاك فاجبته وسئلك فاعطيته وامن بك فهديته وتوكل

خواند تورا پس اجابتش كردی و در خواست كرد تورا پس دادی او را و ايمن جست بتو پس راه نمودی او را و توكل كرد

عليك فكفيته وتقرب اليك فادنيته وافتقر اليك فاغنيته

برتو كاركفايی كردی او را و نزديكی جست بتو نزديكش كردی و احتياج جست بتو بی نياز كردی او را

واستغفرك فغفرت له ورضيت عنه وارضيته وهديته

و امرزش كرد تورا امرزيدی او را و خوشنود شدی از او و خوشنود كردی او را و راه نمودی او را

الى مرضاتك واستعملته بطاعتك ولذلك فرغته ابدا

بخوشنوديهای تو و بكار داشتی او را بفرمان برداری خود و بجهت اين فارغ كردی او را هميشه

ما احييته فتب علي يا رب واعطني سؤلي ولا تحرمني شيئا

ما داميكه زنده اش داری ببذير برمن ای پروردگار من و بده مرا سؤال مرا و محروم مكن مرا چيزی

مما سئلتك واكفني شر ما يعمل الظالمون في الارض و

از انچه خواستم تورا و باز دار مرا از بدی انچه ميكنند ستمكاران در زمين و

استغفر الله الذي لا اله الا هو الذي لا يغفر الذنوب

امرزش ميجويم خدا را كه نيست خدائی مگر او انكه نمی امرزد گناهان را

الا هو اللهم صل على محمد وال محمد واغني على الدنيا

مگر او خدايا رحمت فرست بر محمد و ال محمد و ياری كن مرا بر دنيا

وارزقني خيرها وكره الي الكفر والفسوق والعصيان

و روزی كن مرا خير دنيا را و مكروه دار بمن كفر را و فسق و گناه را

وَاجْعَلْنِی مِنَ الرَّاشِدِینَ اَللّٰهُمَّ قَوِّ لِی لِعِبَادَتِكَ وَاسْتَعْمِلْنِی

وبکردان مرا از رستکاران خدایا توانا کن مرا برای فرمان برداری خود وبکار دار مرا

فِی طَاعَتِكَ وَبَلِّغْنِی الَّذِی اَرْجُو مِنْ رَحْمَتِكَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ

در طاعت خود وبرسان مرا انچه را امیدوارم از رحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ الرِّیَّ یَوْمَ الظَّمَاءِ وَالنَّجَاةَ یَوْمَ الْفَزَعِ

خدایا من سؤال میکنم تو را سیرابی را در روز تشنگی ونجات دادن در روز فزع

الْاَکْبَرِ وَالْفَوْزَ یَوْمَ الْحِسَابِ وَالْاَمْنَ یَوْمَ الْخَوْفِ وَاَسْئَلُكَ

اکبر ورستکاری در روز حساب وایمنی را در روز ترس وسؤال میکنم تو را

النَّظَرَ اِلٰی وَجْهِكَ الْکَرِیمِ وَالْخُلُودَ فِی جَنَّتِكَ فِی دَارِ الْمُقَامَةِ

نظر کردن بسوی ذات بزرگوار تو وهمیشه بودن در بهشت تو در سرای اقامت

مِنْ فَضْلِكَ وَالسُّجُودَ یَوْمَ یُکْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَالظِّلَّ یَوْمَ لَا

از فضل تو وسجده کردن روزیکه بالا زده شود جامه از ساقها وسایه روزیکه نباشد

ظِلَّ اِلَّا ظِلُّكَ وَمُرَافَقَةَ اَنْبِیَائِكَ وَرُسُلِكَ وَاَوْلِیَائِكَ اَللّٰهُمَّ

سایه در ان روز مگر سایه تو ودوستی پیمبران وفرستادگان ودوستان تو بار خدایا

اغْفِرْ لِی مَا قَدَّمْتُ مِنْ ذُنُوبِی وَمَا اَخَّرْتُ وَمَا اَسْرَرْتُ وَمَا

بیامرز مرا انچه پیش کرده ام از گناهان خود وانچه از پس کنم وانچه پنهان کرده ام وانچه

اَعْلَنْتُ وَمَا اَسْرَفْتُ عَلٰی نَفْسِی وَمَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنِّی وَارْزُقْنِی

اشکار کرده ام وانچه زیاد روی کرده ام بر نفس خود وانچه تو داناتری بان از من وروزی کن مرا

التُّقٰی وَالْهُدٰی وَالْعَفَافَ وَالْغِنٰی وَوَفِّقْنِی لِلْعَمَلِ بِمَا تُحِبُّ

پرهیزکاری و هدایت ونگاه داری خود وبینیازی وتوفیق ده مرا بکردار انچه دوست داری

وَتَرْضٰی اَللّٰهُمَّ اَصْلِحْ لِی دِینِیَ الَّذِی هُوَ عِصْمَةُ اَمْرِی وَاَصْلِحْ

وراضی باشی خدایا اصلاح کن دین مرا کردار نگهدار کار مراست واصلاح اور

لِی دُنْیَایَ الَّتِی فِیهَا مَعَاشِی وَاَصْلِحْ لِی آخِرَتِیَ الَّتِی اِلَیْهَا مُنْقَلَبِی

برای من دنیای مرا که در انست زندگانی من واصلاح اور برای اخرت مرا که بسوی انست بازگشت من

وَاجْعَلِ الْحَیٰوةَ زِیَادَةً لِی فِی کُلِّ خَیْرٍ وَاجْعَلِ الْمَوْتَ رَاحَةً لِی مِنْ

وبگردان زندگانی را زیادتی برای من در هر نیکی وبگردان مرگ را راحت از برای من از

کل

کُلِّ سُوءٍ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ یَا رَبَّ الْاَرْبَابِ وَیَا سَیِّدَ السَّادَاتِ

هر بدی خدایا من میخوانم تو را ای پروردگار پروردگاران وای اقای اقایان

وَیَا مَالِكَ الْمُلُوكِ اَنْ تَرْحَمَنِی وَتَسْتَجِیبَ لِی وَتُصْلِحَنِی فَاِنَّهُ لَا یُصْلِحُ

وای پادشاه پادشاهان اینکه رحم کنی مرا واجابت کنی مرا وبسامانا وری مرا که برا بسامانیاورد

مَنْ صَلَحَ مِنْ عِبَادِكَ اِلَّا اَنْتَ فَاِنَّكَ اَنْتَ رَبِّی وَثِقَتِی وَرَجَائِی

کسیکه بصلاح است از بندگان تو مگر تو پس توئی پروردگار من واعتماد من وامید من

وَمَوْلَایَ وَمَلْجَائِی وَلَا رَاحِمَ لِی غَیْرُكَ وَلَا مُغِیثَ لِی سِوَاكَ

واقای من وپناه من ونیست رحم کننده مرا غیر تو ونیست فریادرسی مرا جز تو

وَلَا مَالِكَ سِوَاكَ وَلَا مُجِیبَ اِلَّا اَنْتَ اَنَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ

ونه پادشاهی جز تو ونه جواب دهنده جز تو منم بنده تو وپسر بنده تو

وَابْنُ اَمَتِكَ الْخَاطِئُ الَّذِی وَسِعَتْهُ رَحْمَتُكَ وَاَنْتَ الْعَالِمُ بِحَالِی

وپسر کنیز گناهکار تو که فراگرفته او را رحمت تو وتوئی دانا بحال من

وَحَاجَتِی وَکَثْرَةِ ذُنُوبِی وَالْمُطَّلِعُ عَلٰی اُمُورِی کُلِّهَا فَاَسْئَلُكَ

وحاجت من وبسیاری گناه من وباخبر از کارهای من همه ان پس میخوانم تو را

یَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَنْ تَغْفِرَ لِی مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِی وَمَا تَاَخَّرَ اَللّٰهُمَّ

ایکه نیست خدائی مگر تو اینکه بیامرزی مرا انچه پیش داشته از گناهان من وانچه پس داشته خدایا

لَا تَدَعْ لِی ذَنْبًا اِلَّا غَفَرْتَهُ وَلَا هَمًّا اِلَّا فَرَّجْتَهُ وَلَا حَاجَةً هِیَ

وامگذار برای من گناهی را مگر بیامرزی او را ونه همی مگر انکه زایل کنی او را ونه حاجتی که باشد

لَكَ رِضًا اِلَّا قَضَیْتَهَا وَلَا عَیْبًا اِلَّا اَصْلَحْتَهُ اَللّٰهُمَّ وَآتِنَا فِی

مر تو را پسندیده مگر انکه روا کنی انرا ونه عیبی مگر انکه بسامان اوری او را خدایا وبده ما را در

الدُّنْیَا حَسَنَةً وَفِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ اَللّٰهُمَّ

دنیا نیکی ودر اخرت نیکی ونگاه دار ما را از عذاب اتش خدایا

اَعِنِّی عَلٰی اَهْوَالِ الدُّنْیَا وَبَوَائِقِ الدُّهُورِ وَمُصِیبَاتِ اللَّیَالِی

یاری ده مرا بر سختیهای دنیا وحادثه روزگار واندوههای شبها

وَالْاَیَّامِ اَللّٰهُمَّ وَاحْرُسْنِی مِنْ شَرِّ مَا یَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِی الْاَرْضِ

وروزها خدایا نگاه دار مرا از بدی انچه میکنند ستمکاران در زمین

فانه

فَاِنَّهُ لاٰحَوْلَ وَلاٰقُوَّةَ اِلاّٰبِكَ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ اِيمٰاناً ثٰابِتاً

پس نیست نه حرکت ونه قوه مگر بتو خدایا من میخوانم تورا ایمانی ثابت

وَعَمَلاً مُتَقَبَّلاً وَدُعٰاءً مُسْتَجٰاباً وَيَقِيناً صٰادِقاً وَقَوْلاً طَيِّباً وَ

وکردارهای پذیرفته ودعائی اجابت شده ویقینی راست وگفتاری پاکیزه و

قَلْباً شٰاكِراً وَبَدَناً صٰابِراً وَلِسٰاناً ذٰاكِراً اَللّٰهُمَّ انْزِعْ حُبَّ

دلی شکرگذار وتنی صبرکننده وزبانی یادکننده خدایا بکیر دوستی

الدُّنْيٰا وَمَعٰاصِيهٰا وَذِكْرَهٰا وَشَهْوَتَهٰا مِنْ قَلْبِي اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ

دنیارا ومعصیتهای انرا ویادکردن انرا وخواهش انرا ازدل من خدایا تو

بِكَرَمِكَ تَشْكُرُ الْيَسِيرَ مِنْ عَمَلِي فَاعْفُ لِيَ الْكَثِيرَ مِنْ ذُنُوبِي وَ

بکرم خود جزا میدهی کمی ازکردار مرا پس ببخش برای من بسیاری ازگناهانرا و

كُنْ لِي وَلِيّاً وَنَصِيراً وَمَنِيعاً وَحٰافِظاً اَللّٰهُمَّ هَبْ لِي قَلْباً اَشَدَّ

باش برای من دوست ویاریکننده وبازدارنده ونگاهدارنده خدایا ببخش برای من دل سخت

رَهْبَةً لَكَ مِنْ قَلْبِي وَلِسٰاناً اَدْوَمَ لَكَ ذِكْراً مِنْ لِسٰانِي وَجِسْماً

ترسنده مرتورا ازدل من وزبانی مداومت کننده مرتورا یاد تورا اززبان من وجسمی

اَقْوىٰ عَلىٰ طٰاعَتِكَ وَعِبٰادَتِكَ مِنْ جِسْمِي اَللّٰهُمَّ اِنّي اَعُوذُ

توانا بر طاعت تو وعبادت تو ازجسم من خدایا من پناه میبرم

بِكَ مِنْ زَوٰالِ نِعْمَتِكَ وَمِنْ فُجٰاءَةِ نَقِمَتِكَ وَمِنْ تَحَوُّلِ عٰافِيَتِكَ

بتو ازبرطرف شدن نعمت تو واز ناگاه رسیدن عقوبت تو وازگردیدن عافیت تو

وَمِنْ حُلُولِ غَضَبِكَ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ جَهْدِ الْبَلاٰءِ وَدَرَكِ الشَّقٰاءِ

واز فرودامدن خشم تو و پناه میبرم بتو از سختی بلاء ودررسیدن شقاوترا

وَمِنْ شَمٰاتَةِ الْاَعْدٰاءِ وَسُوءِ الْقَضٰاءِ فِي الدُّنْيٰا وَالْاٰخِرَةِ اَللّٰهُمَّ

واز شماتت اعداء وبدی قضاء در دنیا واخرت خدایا

اِنّي اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْكَرِيمِ وَعَرْشِكَ الْعَظِيمِ وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ

من میخوانم تورا بنام بزرگ تو وعرش تو که بزرگست وپادشاهی دیرینه تو

يٰا وَهّٰابَ الْعَطٰايٰا وَيٰا مُطْلِقَ الْاُسٰارىٰ وَيٰا فَكّٰاكَ الرِّقٰابِ وَ

ای بخشنده عطاها وای رها کننده اسیرها وای ازاد کننده کردنها و

يا كاشف

يٰا كٰاشِفَ الْعَذٰابِ اَسْئَلُكَ اَنْ تُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيٰا سٰالِماً غٰانِماً

ای بردارنده عذاب میخوانم تورا اینکه بیرون بری مرا از دنیا سالم وبهره یاب

وَاَنْ تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ اٰمِناً وَاَنْ تَجْعَلَ اَوَّلَ شَهْرِي هٰذٰا

واینکه داخل کنی مرا ببهشت برحمت خود ایمان دارنده واینکه بگردانی اول اینماه را با

صَلاٰحاً وَاَوْسَطَهُ فَلاٰحاً وَاٰخِرَهُ نَجٰاحاً اِنَّكَ اَنْتَ عَلاّٰمُ الْغُيُوبِ

صلاح ومیان انهارا رستکاری واخرانرا فیروزی بدرستیکه تو داننده غیبهائی

مؤلف گوید که کلینی بسند صحیح از حضرت صادق ع روایت کرده است که حضرت فاطمه صلوات الله علیها هفتاد و پنج روز بعد از حضرت رسول ص زنده بود پس بنابر مشهور که وفات حضرت رسول ص در بیست و هشتم ماه صفر بوده باید که وفات حضرت فاطمه ع در سیزدهم یا چهاردهم یا پانزدهم ماه جمادی الاولی باشد پس زیارت آن حضرت در این ایام مناسبست خصوصاً در چهاردهم که ظاهرتر است و شیخ مفید علیه الرحمه گفته است که در شب پانزدهم اینماه حضرت امام زین العابدین ع متولد شده و روز شریفی است و مستحبست که روزه بدارند و اعمال خیر از عبادات و تصدقات بجا آورند و شیخ طوسی ره گفته است که فتح بصره برای امیرالمؤمنین علیه السلم نیز در این روز میسر شد مؤلف گوید که زیارت هر دو امام در این روز مناسبست و اگر زیارت جامعه در این هشتم ایام بخواند چنانچه مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی بهتر است

فصل سیم در اعمال ماه جمادی الثانیه است سید بن طاوس رضی الله عنه روایت کرده است که در این ماه هر روز که خواهد سنت است که چهار رکعت نماز بکند یعنی بدو سلام در رکعت اول بعد از سوره حمد یکمرتبه آیة الکرسی بخواند و بیست و پنج مرتبه انا انزلناه و در رکعت دویم یکمرتبه الهیکم التکاثر و بیست و پنج مرتبه قل هو الله احد و در رکعت سیم یکمرتبه قل یا ایها الکافرون و بیست و پنج مرتبه قل اعوذ برب الفلق و در رکعت چهارم یکمرتبه اذا جاء نصر الله والفتح و بیست و پنج مرتبه قل اعوذ برب الناس و بعد از رکعت چهارم هفتاد مرتبه بگوید سُبْحٰانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلاٰ اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ و هفتاد مرتبه اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ پس سه مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنٰاتِ پس سر بسجده بگذارد و سه مرتبه بگوید يٰا حَيُّ يٰا قَيُّومُ يٰا ذَا الْجَلاٰلِ وَالْاِكْرٰامِ يٰا اَللّٰهُ يٰا رَحْمٰنُ يٰا رَحِيمُ يٰا اَرْحَمَ الرّٰاحِمِينَ پس هر حاجت

که دارد

کردارد از حقتعالی طلب نماید هرکه چنین کند خدا یتعالی خودش و مالش را و زنان و
فرزندان او را و دین و دنیای او را حفظ کند و اگر در این سال بمیرد بر شهادت میمیرد
یعنی ثواب شهیدان داشته باشد و شیخ بزرگوار محمد بن جریر طبری در کتاب دلایل
الامامة بسند معتبر از حضرت صادق روایت کرده است که ولادت با سعادت حضرت فاطمه
صلوات الله علیها در بیستم ماه جمادی الثانیه واقع شده و شهادت آنحضرت نیز در روز
سیم واقع شده و شیخ طوسی و سید بن طاوس و دیگران چنین ذکر کرده اند اگر چه منافی
روایتی است که سابقا ذکر کرده ایم اما چون مشهور است و روایت معتبر دارد بنا
کرد در روز سیم مراسم تعزیه آنحضرت قیام نمایند و زیارت آنحضرت بکنند و لعن بسیار
بر قاتل آنحضرت و غاصبان حق او بکنند خصوصا ابو بکر و عمر و قنفذ غلام عمر و در روز
بیستم آنحضرت را زیارت بکنند چنانچه شیخ مفید گفته است که اظهار سرور و خوشحالی
بکنند و روزه بدارند و تصدقات و اعمال خیر بکنند و زیارت آنحضرت بدو طریق وارد
شده است اول آنکه سید بن طاوس روایت کرده است که هر که آنحضرت را زیارت کند آن
حضرت را باین

اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا سَيِّدَةَ نِساءِ الْعالَمينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكِ

زیارت و بگوید — درود برتو ای خاتون زنان جهانیان درود برتو

يا والِدَةَ الْحُجَجِ عَلَى النّاسِ اَجْمَعينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا

ای مادر برهانهای خدا بر مردمان همه درود برتو ای زن

الْمَظْلُومَةُ الْمَمْنُوعَةُ حَقَّها پس بگوید اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى اَمَتِكَ وَابْنَةِ

ستم کشیده منع کرده شده از حق خود بگوید خدایا رحمت فرست بر کنیز خود و دختر

نَبِيِّكَ وَزَوْجَةِ وَصِيِّ نَبِيِّكَ صَلوةً تُزْلِفُها فَوْقَ زُلْفى

پیغمبر تو و زن وصی پیغمبر خود رحمتی که نزدیک کند او را بالای نزدیک

عِبادِكَ الْمُكْرَمينَ مِنْ اَهْلِ السَّمواتِ وَاَهْلِ الْاَرَضينَ

بندگان خود مکرم از اهل آسمانها و اهل زمینها

پس طلب آمرزش کند از خدا حقتعالی گناهان او را بیامرزد و او را داخل
بهشت گرداند و این زیارت مختصر معتبری است و همه وقت میتوان
کردن دویم زیارت مبسوطی است که علما رضوان الله علیهم ذکر کرده اند
در کتب زیارات و سندش بنظر فقیر نرسیده است و آن زیارت اینست

السّلام

اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ رَسُولِ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ نَبِيِّ

درود برتو ای دختر فرستادهٔ خدا درود برتو ای دختر پیغمبر

اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ حَبيبِ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ

خدا درود برتو ای دختر دوست خدا درود برتو ای دختر

خَليلِ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ صَفِيِّ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكِ

دوست خدا درود برتو ای دختر برگزیده خدا درود برتو

يا بِنْتَ اَمينِ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ خَيْرِ خَلْقِ اللّهِ اَلسَّلامُ

ای دختر امین خدا درود برتو ای دختر بهترین فرستاده خدا درود

عَلَيْكِ يا بِنْتَ اَفْضَلِ الْاَنْبِياءِ اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ خَيْرِ

برتو ای دختر افضل پیغمبران درود برتو ای دختر بهترین

الْبَرِيَّةِ اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا سَيِّدَةَ نِساءِ الْعالَمينَ مِنَ الْاَوَّلينَ

مخلوق درود برتو ای خاتون زنان جهانیان از پیشینیان

وَالْاخِرينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللّهِ وَخَيْرِ خَلْقِهِ

و پسینیان درود برتو ای زن ولی خدا و بهترین آفریدهٔ او

بَعْدَ رَسُولِ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا اُمَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيْ

بعد رسول خدا درود برتو ای مادر حسن و حسین آقایان

شَبابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا اُمَّ الْمُؤْمِنينَ اَلسَّلامُ

جوانان اهل بهشت درود برتو ای مادر مؤمنان درود

عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الصِّدّيقَةُ الشَّهيدَةُ اَلسَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الرَّضِيَّةُ

برتو ای زن راست گوینده شهید شده درود برتو ای خوشنود پسندیده

الْمَرْضِيَّةُ اَلسَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الصّادِقَةُ الرَّشيدَةُ اَلسَّلامُ

شده درود برتو ای راست گوینده راه یافته شده درود

عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الْفاضِلَةُ الزَّكِيَّةُ اَلسَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الْحَوْراءُ

برتو ای صاحب فضل پاکیزه درود برتو ای حوری

الْاِنْسِيَّةُ اَلسَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ اَلسَّلامُ عَلَيْكِ

منسوب بآدمی درود برتو ای پرهیزکار پاکیزه درود برتو

ایتها

اَیَّتُهَا الْمُحَدَّثَةُ الْعَلِیمَةُ اَلسَّلَامُ عَلَیْكِ اَیَّتُهَا الْمَعْصُومَةُ الْمَظْلُومَةُ

ای زن حدیث گوینده دانا درود بر تو ای زن بی گناه ستمدیده

اَلسَّلَامُ عَلَیْكِ اَیَّتُهَا الطَّاهِرَةُ الْمُطَهَّرَةُ اَلسَّلَامُ عَلَیْكِ اَیَّتُهَا

درود بر تو ای زن پاك پاكیزه درود بر تو ای زن

الْمُضْطَهَدَةُ الْمَغْصُوبَةُ اَلسَّلَامُ عَلَیْكِ اَیَّتُهَا الْغَرَّاءُ الزَّهْرَاءُ

غلبه كرده شده بغارت رسیده درود بر تو ای زن پیشانی سفید درخشنده

اَلسَّلَامُ عَلَیْكِ یَا فَاطِمَةُ بِنْتَ مُحَمَّدٍ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ صَلَّی

درود بر تو ای فاطمه دختر محمد ورحمت خدا وبركتهای او رحمت

اللهُ عَلَیْكِ یَا مَوْلَاتِی وَابْنَةَ مَوْلَایَ وَعَلَی رُوحِكِ وَبَدَنِكِ

خدا بر تو ای خاتون من ودختر خاتون من وبر روح وبدن تو

اَشْهَدُ اَنَّكِ مَضَیْتِ عَلَی بَیِّنَةٍ مِنْ رَبِّكِ وَاَنَّ مَنْ سَرَّكِ فَقَدْ سَرَّ

گواهی دهم اینكه گذشتی بر حجتی از پروردگارت وبدرستیكه كسیكه مسرور كرد تو را مسرور كرد

رَسُولَ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ وَمَنْ جَفَاكِ فَقَدْ جَفَا رَسُولَ

رسول خدا را رحمت خدا براو وآل او وآنكه ستم كرد تو را پس آزار كرد فرستاده

اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ وَمَنْ اٰذَاكِ فَقَدْ اٰذَی رَسُولَ اللهِ صَلَّی

خدا را رحمت خدا براو وآل او وآنكه آزار كرد تو را آزار كرد فرستاده خدا را رحمت

اللهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ وَمَنْ وَصَلَكِ فَقَدْ وَصَلَ رَسُولَ اللهِ وَمَنْ

خدا براو وآل او وآنكه چسبید بتو بتحقیق چسبیده رسول خدا را وآنكه

قَطَعَكِ فَقَدْ قَطَعَ رَسُولَ اللهِ لِاَنَّكِ بَضْعَةٌ مِنْهُ وَرُوحُهُ الَّتِی

بریده از تو پس بریده از رسول خدا بعلت آنكه تو پاره تن اوئی وروح او چنانكه

بَیْنَ جَنْبَیْهِ كَمَا قَالَ عَلَیْهِ اَفْضَلُ الصَّلٰوةِ وَاَكْمَلُ السَّلَامِ اُشْهِدُ

میان دو پهلوی اوئی چنانكه فرمود آنحضرت براو بهترین رحمت وكاملترین درودها گواه میگیرم

اللهَ وَمَلٰئِكَتَهُ اَنِّی وَلِیٌّ لِمَنْ وَالَاكِ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكِ وَحَرْبٌ

خدا وملئكه او را كه من دوستم آنكه دوست دارد تو را ودشمنم آنكه دشمن دارد تو را وجنگ دارم

لِمَنْ حَارَبَكِ اَنَا یَا مَوْلَاتِی بِكِ وَبِاَبِیكِ وَبَعْلِكِ وَالْاَئِمَّةِ مِنْ

با آنكه جنگ دارد تو را ای خاتون من بتو وبپدر تو وبشوهر تو وبپیشوایان از

ولد

وُلْدِكِ مُوقِنٌ وَبِوِلَایَتِهِمْ مُؤْمِنٌ وَلِطَاعَتِهِمْ مُلْتَزِمٌ اَشْهَدُ

فرزندان تو یقین دارنده ام وبفرمانبرداری ایشان گرویده ام وبطاعت ایشان ملتزم گواهی میدهم

اَنَّ الدِّینَ دِینُهُمْ وَالْحُكْمَ حُكْمُهُمْ وَهُمْ قَدْ بَلَّغُوا عَنِ اللهِ عَزَّ

كه دین دین ایشانست وحكم حكم ایشان وایشان رسانیده اند از جانب خدای عز

وَجَلَّ وَدَعَوْا اِلَی سَبِیلِ اللهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ لَا

وجل وخوانده اند بسوی راه خدا بدلایل محكم وپند نیكو نگرفته

تَاْخُذُهُمْ فِی اللهِ لَوْمَةُ لَائِمٍ وَصَلَوَاتُ اللهِ عَلَیْكِ وَعَلَی اَبِیكِ

ایشان را در راه خدا سرزنش سرزنش كننده ورحمتهای خدا بر تو وبر پدر تو

وَعَلَی بَعْلِكِ وَذُرِّیَّتِكِ الْاَئِمَّةِ الطَّاهِرِینَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَی

وبر شوهر تو وفرزندان وپیشوایان پاكان خدایا رحمت فرست بر

مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهِ وَصَلِّ عَلَی الْبَتُولِ الطَّاهِرَةِ الصِّدِّیقَةِ الْمَعْصُومَةِ

محمد واهل بیت او ورحمت فرست بر بریده شده از دنیا پاك بغایت راستگو بی گناه

التَّقِیَّةِ النَّقِیَّةِ الرَّضِیَّةِ الزَّكِیَّةِ الرَّشِیدَةِ الْمَظْلُومَةِ الْمَقْهُورَةِ

پرهیزكار پاكیزه پسندیده پاك راه یافته ستمدیده غلبه شده

الْمَغْصُوبَةِ حَقُّهَا الْمَمْنُوعَةِ اِرْثُهَا الْمَكْسُورِ ضِلْعُهَا الْمَظْلُومِ

غصب شده حق او بازداشته شده میراث او شكسته شده پهلوی او ستم كرده شده

بَعْلُهَا الْمَقْتُولِ وَلَدُهَا فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِكَ وَبَضْعَةِ لَحْمِهِ

شوهر او كشته شده فرزند او فاطمه دختر پیغمبر تو وپاره گوشت پیغمبر

وَصَمِیمِ قَلْبِهِ وَفِلْذَةِ كَبِدِهِ وَالنُّخْبَةِ مِنْكَ لَهُ وَالتُّحْفَةِ خَصَصْتَ

وخلاصه دل او وپاره جگر او وبرگزیده از جانب تو او را وتحفه مخصوص كرده ای

بِهَا وَصِیَّهُ وَحَبِیبَةِ الْمُصْطَفَی وَقَرِینَةِ الْمُرْتَضَی وَسَیِّدَةِ

باو وصی خود ودوست او برگزیده شده وهمسر او پسندیده شده وخاتون

النِّسَاءِ وَمُبَشِّرَةِ الْاَوْلِیَاءِ وَحَلِیفَةِ الْوَرَعِ وَالزُّهْدِ وَتُفَّاحَةِ

زنان ومژده دهنده دوستان وملازم پرهیزكاری وزهد وسیب

الْفِرْدَوْسِ وَالْخُلْدِ الَّتِی شَرَّفْتَ مَوْلِدَهَا بِنِسَاءِ الْجَنَّةِ وَسَلَلْتَ

بوستان بهشت جاوید كه شریف كردی جایگاه ولادت او را بزنان بهشت بیرون آوردی

منها

مِنْهَا اَنْوارَ الاَئِمَّةِ وَاَرْخَيْتَ دُونَهَا حِجَابَ النُّبُوَّةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

از او نورهای پیشوایانرا وفروفرستاده دربیش او پرده های نبوت را خدایا رحمت

عَلَيْهَا صَلوٰةً تَزِيدُ فِي مَحَلِّهَا عِنْدَكَ وَشَرَفِهَا لَدَيْكَ وَمِنْ رِضَاكَ

براو رحمتی که زیاد کند درمرتبه او نزد تو وشرافت او نزد تو ازخوشنودی تو

وَمَنْزِلَتِهَا مِنْ رِضَاكَ وَبَلِّغْهَا مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلاماً وَآتِنَا مِنْ

ومنزلت او ازخوشنودی تو وبرسان ازما تحیت ودرود وبده مارا از

لَدُنْكَ فِي حُبِّهَا فَضْلاً وَاِحْسَاناً وَرَحْمَةً وَغُفْرَاناً اِنَّكَ ذُو الْعَفْوِ

نزد خود دردوستی وزیادتی ونیکی ورحمت وامرزش بدرستیکه توصاحب گذشت

الْكَرِيمِ وسیّد بن طاوس علیه الرحمة گفته است پس نماز زیارت بکن واگر توانی نماز

بزرگی ا

آنحضرترا بجا آور وان دو رکعت است در هر رکعت بعد از فاتحه شصت مرتبه سوره قل

هو الله احد بخوان واگر نتوانی دو رکعت بکن ودر رکعت اوّل بعد از فاتحه یکمرتبه

سوره قل هو الله احد بخوان ودر رکعت دوّیم یکمرتبه سوره قل یا ایها الکافرون

بخوان وبعد از نماز تسبیح آن اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَ

حضرترا بگو واین دعا را بخوان خدایا بدرستیکه من رو میکنم بسوی تو بوسیله پیغمبرما محمد و

بِاَهْلِ بَيْتِهِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّكَ الْعَظِيمِ عَلَيْهِمْ

باهل خانه او رحمتهای تو برایشان وسؤال میکنم ترا بحرمت تو بزرگست برایشان

الَّذِي لا يَعْلَمُ كُنْهَهُ سِوَاكَ وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عِنْدَكَ

که نمیداند پایان اورا جز تو وسؤال میکنم ترا بحرمت کسیکه حق او نزد تو

عَظِيمٌ وَبِاَسْمَائِكَ الْحُسْنَى الَّتِي اَمَرْتَنِي اَنْ اَدْعُوكَ بِهَا وَ

بزرگست وبنامهای نیك تو که امر کردی مرا انکه بخوانم ترا بانها و

اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الاَعْظَمِ الَّذِي اَمَرْتَ بِهِ اِبْرٰهِيمَ اَنْ يَدْعُوَ بِهِ

سؤال میکنم ترا بنام تو که بزرگست که امر کردی بان ابرهیم را که میخواند بان

الطَّيْرَ فَاَجَابَتْهُ وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي قُلْتَ لِلنَّارِ بِهِ كُونِي

مرغانرا اجابت کرد اورا و بنام تو که بزرگست که گفتی مر آتش را باو باش

بَرْداً وَسَلاماً عَلٰى اِبْرٰهِيمَ فَكَانَتْ وَبِاَحَبِّ الاَسْمَاءِ اِلَيْكَ وَ

سرد وسلامت بر ابرهیم پس شد وبدوست ترین نامهای بسوی تو و

اشرفها

اَشْرَفِهَا وَاَعْظَمِهَا لَدَيْكَ وَاَسْرَعِهَا اِجَابَةً وَاَنْجَحِهَا طَلِبَةً

بلندترین انها وبزرگترین انها نزد تو وشتابنده تر دراجابت ورواکننده ترین حاجت

وَبِمَا اَنْتَ اَهْلُهُ وَمُسْتَحِقُّهُ وَمُسْتَوْجِبُهُ وَاَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ

وبانچه تو سزاوارانی ومستحق آنی و مستوجب آنی ووسیله میجویم بسوی تو

وَاَرْغَبُ اِلَيْكَ وَاَتَضَرَّعُ وَاُلِحُّ عَلَيْكَ وَاَسْئَلُكَ بِكُتُبِكَ الَّتِي

وخواهش میکنم بسوی تو وزاری ومبالغه میکنم بر تو وسؤال میکنم ترا بحرمت کتابهای تو که

اَنْزَلْتَهَا عَلٰى اَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ مِنَ التَّوْرٰيةِ

فرستادی انها را بر پیمبران خود وفرستادگان تو رحمت تو برایشان از توریه

وَالاِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْقُرْاٰنِ الْعَظِيمِ فَاِنَّ فِيهَا اسْمَكَ الاَعْظَمَ

و انجیل وزبور و قران بزرك پس درانهاست نام بزرك تو

وَبِمَا فِيهَا مِنْ اَسْمَائِكَ الْعُظْمٰى اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

وبحرمت انچه درانهاست از نامهای تو که بزرگست اینکه رحمت فرستی بر محمد وال محمد

وَاَنْ تُفَرِّجَ عَنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَشِيعَتِهِمْ وَمُحِبِّيهِمْ وَعَنِّي وَتَفْتَحَ

واینکه فرج بدهی از ال محمد وپیروان ایشان ودوستان ایشان وفرج بدهی مرا وبگشائی

اَبْوَابَ السَّمَاءِ لِدُعَائِي وَتَرْفَعَهُ فِي عِلِّيِّينَ وَتَاْذَنَ فِي هٰذَا

درهای اسمانرا برای دعای من وبلندکردانی دعارا درعلیین واذن دهی مرا در این

الْيَوْمِ وَفِي هٰذِهِ السَّاعَةِ بِفَرَجِي وَاِعْطَائِي اَمَلِي وَسُؤْلِي فِي

روز ودراین ساعت بگشایش من وبخشایش دادن بامید من وخواهش من در

الدُّنْيَا وَالاٰخِرَةِ يَا مَنْ لا يَعْلَمُ اَحَدٌ كَيْفَ هُوَ وَقُدْرَتَهُ اِلّا هُوَ

دنیا واخرت ای انکه نمیداند هیچکس حقیقت او وقدرت اورا مگر او

يَا مَنْ سَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ وَكَبَسَ الاَرْضَ عَلَى الْمَاءِ وَاخْتَارَ

ای انکه بازداشته هوارا باسمان وبرافراشته زمین را برآب وبرگزیده

لِنَفْسِهِ اَحْسَنَ الاَسْمَاءِ يَا مَنْ سَمّٰى نَفْسَهُ بِالاِسْمِ الَّذِي يُقْضٰى

برای نفس خود نامهای نیکو ای انکه نامیده نام خودرا بنامیکه برآورده میشود

بِهِ حَاجَةُ مَنْ يَدْعُوهُ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ ذٰلِكَ الاِسْمِ فَلا شَفِيعَ اَقْوٰى

بان حاجت انکه میخواند اورا سؤال میکنم ترا بحق این اسم پس نیست شفیعی قوی تر

لی

لِمَنِهِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقْضِيَ لِي حَوَائِجِي وَتُسْمِعَ

وا یمن ارا وا اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و برآوردی برای من حوایج مرا و شنوی دعای مرا

بِمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ

بحرمت محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و علی پسر حسین و

مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى

محمد پسر علی و جعفر پسر محمد و موسی پسر جعفر و علی پسر موسی

وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَالْحُجَّةِ الْمُنْتَظَرِ

و محمد پسر علی و علی پسر محمد و حسن پسر علی و حجت انتظار کشیده

لِأَذْنِكَ صَلَوَاتُكَ وَسَلَامُكَ وَرَحْمَتُكَ وَبَرَكَاتُكَ عَلَيْهِمْ صَوَالِي

مر اذن تورا رحمتهای تو و سلام تو و رحمت تو و برکات تو بر ایشان صداهای

لِيَشْفَعُوا إِلَيْكَ وَتُشَفِّعُهُمْ فِيَّ وَلَا تَرُدَّنِي خَائِبًا بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

تا انکه خواست کنند بسوی تو و بپذیری شفاعت ایشانرا در حق من و باز نگردانی مرا نا امید بحرمت لا اله الا انت

باب دهم

دراعمال هرماه است پس حاجات خود را طلب کن که براورده است انشاء الله

بدانکه در وقت دیدن ماه نو خواه شب اول و خواه دویم و خواه سیم مستحب استکه دعاهای منقوله را بخواند و بهترین انها دعاء هلال صحیفه کامله است که دعای چهل و سیم است و هفت مرتبه سوره حمد خواندن برای درد چشم منقولست و اندک پنیر خوردن گفته اند مستحبست و از حضرت صادق علیه السلام منقول استکه نیکو لقمه ایست پنیر دهانرا شیرین و خوشبو میکند و اشتهای طعام میاورد و باعث هضم طعام می شود و هر که در اول ماه پنیر بخورد حاجتش رد نمی شود و از حضرت صادق ع منقولست که هر که در شب اول دو رکعت نماز بکند در هر رکعت بعد از فاتحه سوره انعام بخواند و از حقتعالی سؤال کند که او را از هر ترسی و دزدی ایمن گرداند نبیند در او امری که مکروه او باشد و از حضرت امام محمد تقی ع منقولستکه چون ماه تازه در اید در روز اول ماه دو رکعت نماز بکن و در رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه قل هو الله احد و در رکعت دویم بعد از حمد سی مرتبه سوره انا انزلناه بخوان و بعد از نماز تصدق بکن چون چنین کنی سلامتی ان ماه را از حقتعالی جل شانه خریده و در روایت دیگر وارد شده است که مستحبست که بعد از این دو رکعت این دعا را بخواند بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا

نیست از جنبنده در زمین مگر بر خداست روزی انها و میداند قرارگاه انهارا

وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَإِنْ

و جای وارامگاه انهارا همه در کتاب روشن است بنام خداوند بخشنده مهربان واگر

يَمْسَسْكَ اللهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا

برساند خدا تورا بازاری پس نیست دفع کننده مراورا مگر او واگر اراده کند تورا خیری پس نیست

رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

ردکننده مرفضل اورا میرساند بان فضل هرکه را میخواهد از بندگانش و اوست امرزنده مهربان

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ سَيَجْعَلُ اللهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا مَا شَاءَ اللهُ

بنام خداوند بخشنده مهربان زود باشد که بگرداند خدا بعد از تنگی اسانیرا انچه خواسته خدا

لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ حَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَأُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى

نیست قوه مگر بخدا بس است مارا خدا و نیکو کارگذار است و وا گذاردم امر خودرا بسوی

اللهِ إِنَّ اللهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ

خدا بدرستیکه خدا بیناست ببندگانش نیست خدائی مگر تو منزهی تو بدرستیکه من بودم

مِنَ الظَّالِمِينَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ رَبِّ لَا

از ستمکاران پروردگار من بدرستیکه من انچه فرستم بمن از خوبی محتاجم پروردگار من مگذار

تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ

مرا بی فرزند و توئی بهترین ارث برندگان

وبدانکه از جمله سنتهای مؤکده حضرت رسول صلعم بران مواظبت نمودتا از دنیا رفت روزه سه روز در هر ماه است و ان موافق مشهور پنجشنبه اول ماه و پنجشنبه اخر ماه و چهارشنبه وسط و چهارشنبه اول از دهه میان ماه است و در بعضی از روایات عکس این نیز وارد شده است یعنی چهارشنبه اول و چهارشنبه اخر و پنجشنبه وسط اول از دهه میان و اول اشهر و بهتر است و سنن انحضرت نافله و اجابت در فضیلت و تاکید و ان حضرت نماز سنت را در هر شب و روز دو برابر واجب مقرر فرمود هشت رکعت نافله پیشین پیش از نماز ظهر و هشت رکعت پیش از نماز عصر و چهار رکعت بعد از نماز شام و دو رکعت وتیره بعد از نماز خفتن و چون نشسته کرده می شود برابر یک رکعتست و یازده رکعت نماز شب و دو رکعت پیش از نماز صبح و اینها متمم فریضه اند و در ثواب مثل اند و مانند فریضه اگر ترک کنند سنت

سنتا ستکه قضا کنند و از برای ترك ان کفاره یکمد کندم یا جو برای نافله روز و یکمد برای نافله شب مقرر کرده اند و هم چنین روزه سنت دو برابر روزه واجبست که تمام ماه شعبان است و در هر ماههای دیکر هر ماه سه روز و اکر فوت شود سنتا ستکه قضا کنند و اکر در تابستان دشوار باشد در زمستان قضا کنند و اکر دشوار باشد بدل هر روز یکدرهم بدهند که بحساب زر ده دانکی سه بیستی و سه نار باشد و بحساب ناقص این زمان احوط چهارده غازبکی است یا یکمد که بحساب وسط صد درم بوزن قدیم اصفهان باشد و اکر صد درم شاه بدهد احوط است و درهم دادن بهتراست و بسند صحیح از حضرت صادقه منقولستکه حضرت رسول صلی الله علیه واله مدتی روزه سنت انقدر کرفت که مردم کمان کردند که هرکز افطار نخواهد کرد و مدتی افطار کرد که کمان کردند که دیکر روزه سنت نخواهد کرفت پس مدتی روزه حضرت داود گرفت که یکروز روزه میداشت و یکروز افطار میفرمود پس در اخر عمر اکتفا نمود بروزه سه روز در هر ماه بنحویکه کذشت تا انکه بر امتان شان باشد متابعت انحضرت و فرمود که این روزه ثوابش برابر است با روزه تمام سال و وساوس شیطان را از سینه بیرون میکند راوی پرسید که کدام روزها است فرمود که پنجشنبه اول و چهارشنبه اول دهه دوم و پنجشنبه اخر پرسید چرا این روزها را روزه میدارند فرمود برای انکه عذاب بر امتهای سابق در این روزها نازل میشده است پس امر کرد که در این روزها روزه بدارند برای دفع عذاب و در روایت دیکر فرمود که پنجشنبه را برای این روزه میدارند که اعمال بندکان را در این روزها عرض میکنند و چهارشنبه میان را برای این روزه میدارند که اتش جهنم در روز چهارشنبه موجود شده است و روزه سپر اتش جهنم است و بروایت دیکر هر عذاب که بر امتهای کذشته نازلشده در چهارشنبه میان نازلشده است و اکر دهه اول دو پنجشنبه بوده باشد پنجشنبه اول کرفتن بهتراست و اکر میسر نشود پنجشنبه دوم را بکیرند و اکر در دهه اخر دو پنجشنبه بوده باشد موافق مشهور پنجشنبه دوم افضلست چنانچه در حدیث صحیح وارد شده است و در روایات دیکر وارد شده است که پنجشنبه اول بهتراست و بعضی حمل کرده اند بر صورتیکه محتمل باشد که پنجشنبه دوم اول ماه دیکر باشد و بسند صحیح از حضرت صادق منقولستکه کسیکه در هر ماه این سه روز را روزه دارد بایدکه با هیچکس مجادله نکند و تندخوئی و سفاهت و بیخردی نکند و مبادرت نکند بسوکند خوردن بخدا و اکر کسی با او سفاهت و بیخردی کند در کذرد و معارضه نکند و اکر در این ایام روزه باشد و بخانه برادر مؤمن خود وارد شود و او را تکلیف کند افطار کردن

بهتراست از روزه داشتن هفتاد برابر یا نود برابر چنانچه در حدیث معتبر از حضرت صادق منقولست و در حدیث دیکر فرمود که هر که داخلشود بخانه برادر مؤمن خود و روزه باشد و افطار کند و اظهار نکند که من روزه ام که بر او منت کذارد حقتعالی ثواب روزه یکسال برای او بنویسد و اکر این سه روز را در اول ماه یا میان ماه یا اخر ماه بعمل اورد خوبست و فی الجمله متابعت سنت کرده و ثواب روزه سال می یابد چنانچه حقتعالی فرموده من جاء بالحسنة فله عشر امثالها یعنی هر که حسنه بدرکاه خدا بیاورد برای او هست ده برابر ان و این مضمون در احادیث بسیار وارد شده است اما بهتر انستکه بنحوی باشد که اول مذکور شد و از جمله روزهای سنت هر ماه روزه ایام البیض است یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه و احادیث در فضیلت این سه روز از طریق عامه و خاصه منقولست و در بعضی از روایات وارد شده است که چون ان امر حضرت ادم مرتکب مکروه شد در بهشت و او را بزمین فرستادند بدنش سیاه بود یا بعد از قبول توبه خط سیاهی از سر تا پای او مانده بود چون ملئکه این حالت را در او دیدند خروش براوردند و کریستند و استغاثه کردند بدرکاه حقتعالی پس منادی از اسمان ندا کرد که امروز را روزه بدار و ان روز سیزدهم ماه بود و چون روزه داشت ثلثان سیاهی بر طرف شد پس در روز چهاردهم ندا رسید که امروز را نیز روزه بدار چون روزه داشت یك ثلث دیکر بر طرف شد پس روز پانزدهم باز باو ندا رسید چون روزه داشت تمام سیاهی بر طرف شد پس باو ندا رسید از اسمان که ای ادم روزه این سه روز را برای تو و فرزندان تو مقرر کردم هر که در هر ماه این سه روز را روزه بدارد چنان باشد که در تمام عمر خود روزه باشد و ابن بابویه علیه الرحمه کفته استکه روزه هر پنجشنبه و چهارشنبه بدل ایام البیض مقرر شده و منافاة ندارد که هر دو سنت باشد و دو پنجشنبه اول و اخر و چهارشنبه میان بهتر باشد اما اکثر احادیث ایام البیض از طرق عامه است و ابن طاوس ره از حضرت رسول صلی الله علیه واله روایت کرده استکه جبرئیل بر من نازلشد و کفت بکو بعلی که روزه بدارد از هر ماه سه روز تا نوشته شود برای او ببب روزه روز اول روزه ده هزار سال و بروزه روز دوم سی هزار سال و روزه روز سیم صد هزار سال حضرت امیر کفت یا رسول الله این مخصوص من است یا برای هر کس است حضرت فرمود که هر که از شیعیان این روزها را روزه بدارد این ثواب برای او خواهد بود کفت کدام روزها است از ماه فرمود که سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم است و از جمله روزهای مرغوب روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه است

برای

برای کسیکه حاجتی داشته باشد چنانکه در ربیع الاسابیع در ضمن نمازهای حاجت ذکر کرده ام و مشهور میان علما انستکه هر پنجشنبه و هر جمعه را روزه گرفتن سنّتست مگر انکه موافق یکی از ایّام محرّمه یا مکروهه واقعشود و بسند صحیح از حضرت صادقه منقولست که کسیکه ارادهٔ عمل خیری داشته باشد مانند تصدّق کردن و روزه داشتن و مثل اینها بایدکه در روز جمعه بعمل اورد زیراکه ثواب عمل در روز عمل مضاعفست و ابن جنید گفته که مستحبّ نیست روزه روز جمعه را تنها گرفتن و اگر ملحق سازد با ان یکروز پیش یا یکروز بعد را جایزاست و گفته استکه استحباب روزه روز دوشنبه و پنجشنبه منسوخ است و در روز شنبه نهی از ان وارد شده است **مؤلّف گوید** که اگرانچه ابن جنید گفته خلاف مشهوراست میان علما و شیخ طوسی در مصباح گفته استکه ترغیب در روزه روز جمعه وارد شده است و بهتر انستکه انرا تنها روزه ندارد مگر انکه یکروز پیشتر بدارد و گمان فقیر انستکه نهی از تنها گرفتن روز جمعه محمول بر تقیّه است زیراکه سنّیان این حدیث را از ابوهریره نقل کرده اند و بعضی از علما نهی از روز جمعه را حمل کرده اند بر انکه کراهت ان در صورتیستکه او را ضعیف گرداند از فرایض و نوافل و دعاهای روز جمعه و این حمل بد نیست و امّا روز دوشنبه احادیث بر نهی روزه ان واقعشده است و بهتر ترکست خصوصًا هرگاه بقصد برکت روز دوشنبه باشد مگر انکه با روزه متبرّکی از روزهای ماه موافق شود مثل غدیر و مبعث و مولود و امثال اینها و نهی از روز شنبه بنظر فقیر نرسیده امّا فضیلتی در روزه ان بخاطر ندارم مگر انکه شیخ مفید رَه روایتکرده است که هر که در یکی از ماههای حرام یعنی رجب و ذیقعده و ذیحجّه و محرّم پنجشنبه و جمعه و شنبه را روزه بدارد حقتعالی برای او ثواب عبادت نهصد سال بنویسد

باب یازدهم

در بیان زیارات حضرت رسولخدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم است بغیر انچه سابقا مذکور شد بدانکه زیارت رسولخدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم در همه اوقات از نزدیک و دور مستحبّ است و اگر بعد از غسل باشد افضلست خصوصًا در شب و روز جمعه و سایر ایّام و لیالی متبرّکه و در کتاب تحفة الزائر بتفصیل ذکر کرده ام و در اینمقام بذکر چند زیارت و زیارت جامعه و دعای مدبّره و صلوات فرستادن بر ایشان اکتفا مینمائیم امّا زیارات حضرت رسالتپناه صلّی الله علیه واله از حضرت رسول ص منقولستکه خدا را ملکی چند هستکه میگردند در زمین و هرکه از امّت

من

من بر من سلام میفرستد بمن میرساند و بسند معتبر از حضرت باقر ع منقولستکه ملکی از ملئکه از خدا سؤال نمود که هرچه بندگان خدا گویند او بشنود و حقتعالی باو عطا کرد پس ان ملک ایستاده است تا روز قیامت و هرکه از مؤمنان بگوید صَلَّی اللهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ البتّه ان ملک میگوید وَعَلَیْکَ یعنی بر تو باد نیز سلام پس ان ملک میگوید یا رسول الله فلان شخص سلام رسانیده است بر شما پس حضرت میفرماید وَعَلَیْهِ السَّلام یعنی بر او باد نیز سلام و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام منقولستکه حضرت رسول صلّی الله علیه واله فرمود که هرکه در هرجای زمین بر من سلام کند بمن میرسد و هرکه نزد قبر من بر من سلام کند من میشنوم و در حدیث حسن از حضرمی منقولستکه حضرت صادق ع مرا امر فرمود که در مسجد حضرت رسولخدا ص بسیار نماز کنم تا توانم و فرمود همیشه ترا میسّر نمیشود که باین مکان شریف بیائی و فرمود که نزد قبر رسول ص میروی گفتم بلی فرمود که بدرستیکه سلام که از نزدیک میکنی بانحضرت میشود و اگر در دور باشی سلامت بانحضرت میرسد و در حدیث معتبر دیگر از انحضرت منقولستکه بروید بمدینه و سلام کنید بر رسولخدا ص هرچند صلوات مؤمنان در هرجا که بفرستند بانحضرت میرسد و در حدیث صحیح از انحضرت منقولستکه صلوات فرستید بر حضرت رسول ص در پهلوی قبر انحضرت هرچند صلوات مؤمنین هرجا که باشند بانحضرت میرسد و این حدیث احتمال نماز هدیه دارد که از نزدیک و دور نماز کنند و ثوابش را هدیه روح مقدّس انحضرت کنند و احادیث بسیار است در صلوات و سلام بر انحضرت و زیارت انحضرت در شهرهای دور و بسند صحیح منقولستکه ابن ابی نصر بخدمت حضرت امام رضا ع عرض کرد که بعد از نماز چگونه صلوات و سلام بر حضرت رسول ص باید فرستاد فرمود که میگوئی

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا رَسُولَ اللهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ

درود بر تو ای فرستاده خدا و رحمت خدا و برکات او درود بر تو

یا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا خِیَرَةَ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا

ای محمّد پسر عبد الله درود بر تو ای بهترین خلق خدا درود بر تو ای

حَبِیبَ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا صَفْوَةَ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَمِینَ

دوست خدا درود بر تو ای برگزیده خدا درود بر تو ای امین

اللهِ اَشْهَدُ اَنَّکَ رَسُولُ اللهِ وَاَنَّکَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللهِ وَاَشْهَدُ اَنَّکَ

خدا گواهی میدهم که تو فرستاده خدائی و بدرستیکه محمّد پسر عبد الله هستی و گواهی میدهم که تو

قد

قَدْ نَصَحْتَ لِاُمَّتِكَ وَجاهَدْتَ فى سَبيلِ رَبِّكَ وَعَبَدْتَهُ حَتّىٰ اَتٰيكَ

بتحقیق نصیحت کردی امت خود را و جهاد کردی در راه پروردگار خود و بندگی کردی تا آمد ترا

الْيَقينُ فَجَزاكَ اللّٰهُ يا رَسُولَ اللّٰهِ اَفْضَلَ ما جَزىٰ نَبِيّاً عَنْ اُمَّتِهِ

یقین پس پاداش دهد ترا خدا ای فرستاده خدا نیکوتر پاداشی پیغمبری را از امتش

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلىٰ اِبْرٰهيمَ وَآلِ

خدا رحمت فرست بر محمد و آل محمد بهتر آنچه رحمت فرستادی بر ابرهیم و آل

اِبْرٰهيمَ اِنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ ودر روایت معتبر منقولستکه هر که خواهد زیارت

ابرهیم بدرستیکه تو ستوده شده بزرگواری کند قبر رسول خدا و قبر امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و

حسین و قبر حجتهای خدا را و در شهرهای خود باشد پس غسل کند در روز جمعه و جامه‌های

پاکیزه بپوشد و بیرون رود بصحرائی پس چهار رکعت نماز بگذارد با هر سوره که میسر شود

پس بایستد رو اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ

بقبله و بگوید درود بر تو ای پیغمبر و رحمت خدا و برکات او

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا النَّبِيُّ الْمُرْسَلُ وَالْوَصِيُّ الْمُرْتَضىٰ وَالسَّيِّدَةُ

درود بر تو ای پیغمبر فرستاده شده و جانشین پسندیده و خاتون

الزَّهْراءُ وَالسِّبْطانِ الْمُنْتَجَبانِ وَالْاَوْلادُ الْاَعْلامُ وَالْاُمَناءُ

درخشنده و دو نواده برگزیده و فرزندان که امینان و نشانهای

الْمُنْتَجَبُونَ جِئْتُ انْقِطاعاً اِلَيْكُمْ وَاِلىٰ آبائِكُمْ وَوَلَدِكُمُ الْخَلَفِ عَلىٰ

برگزیده‌اند آمدم درحالتیکه بریده‌ام بسوی شما و بسوی پدران شما و فرزندشما که جانشین بر

بَرَكَةِ الْحَقِّ فَقَلْبى لَكُمْ مُسَلِّمٌ وَنُصْرَتى لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتّىٰ يَحْكُمَ اللّٰهُ لِدينِهِ

برکتهای حق اند پس دل من برای شما منقاد است و یاری من شما را مهیا است تا داوری کند خدا دین خود را

فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لا مَعَ عَدُوِّكُمْ اِنّى لَمِنَ الْقائِلينَ بِفَضْلِكُمْ مُقِرٌّ

پس با شمایم با شمایم نه با دشمنان شما بدرستی منم از گویندگان فضل شما را اقرار دارم

بِرَجْعَتِكُمْ لا اُنْكِرُ لِلّٰهِ قُدْرَةً وَلا اَزْعَمُ اِلّا ما شاءَ اللّٰهُ سُبْحانَ اللّٰهِ

ببازگشت شما منکر نیستم خدا را بتوانائی و گمان ندارم مگر آنکه خواهد خدا منزه است خدا

ذِى الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ يُسَبِّحُ اللّٰهَ بِاَسْمائِهِ جَميعُ خَلْقِهِ وَالسَّلامُ

صاحب پادشاهی و ملکوت تنزیه میکنند خدا را بنامهای او همه خلق او و درود

عَلىٰ اَرْواحِكُمْ وَاَجْسادِكُمْ وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ

بر روحهای شما و جسدهای شما و درود بر شما و رحمت خدا و برکات او

ودر روایت دیگر وارد استکه این زیارت را در بام خانه خود بکن و زیارت حضرت فاطمه

صلوات الله علیها سابقا مذکور شد اما زیارت حضرت امام حسین ع بسندهای

معتبر از سدیر صراف منقولستکه گفت حضرت صادق ع بمن فرمود که چه مانع است ترا از اینکه

زیارت کنی قبر امام حسین ع را در هفته پنجمرتبه یا در هر روزی یکمرتبه گفتم فدای تو شوم میان

من و آنحضرت فرسخهای بسیار است فرمود بالا میروی ببام خانه خود پس ملتفت میشوی بجانب

راست و چپ خود پس سر خود را بسوی آسمان بلند میکنی پس رو بجانب قبر آنحضرت میکنی و میگوئی

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَبا عَبْدِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللّٰهِ

درود بر تو ای ابا عبد الله درود بر تو ای پسر فرستاده خدا

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ تا نوشته شود برای تو ثواب حجی و

درود بر تو و رحمت خدا و برکات او عمره سدیر گفت که بسیار است که من

در روزی زیاده از بیست مرتبه چنین زیارت میکنم و بسند صحیح از آنحضرت منقولستکه کسی

که ناحیه‌اش بعید و خانه‌اش دور باشد از ما پس بالا رود ببام خانه خود و دو رکعت نماز

بگذارد و اشاره کند بسلام بسوی قبرهای ما که آن سلام بما میرسد و در حدیث معتبر منقولست

از سلیمان بن عیسی که گفت پدرم عرض کرد بخدمت حضرت صادق ع که چگونه زیارت کنم ترا

هرگاه قادر بر آمدن بخدمت تو نباشم فرمود که ای عیسی هرگاه قادر بر آمدن نباشی چون روز جمعه

شود غسل بکن یا وضو بساز و بالا برو بر بام خانه خود و دو رکعت نماز بکن پس متوجه شو بسوی

من بدرستیکه هر که مرا زیارت کند در حیوة من چنانستکه مرا زیارت کرده است بعد از موت من

و کسیکه مرا زیارت کند بعد از موت من چنانستکه مرا زیارت کرده باشد در حیات من مؤلف

گوید که این حدیث دلالت میکند بر آنکه این زمانها حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه را

در همه مواضع زیارت توان کرد و اگر رو بسامره کند در وقت زیارت بهتر است و بعضی از زیارات

مخصوصه آنحضرت مذکور خواهد شد انشاء الله تع و در حدیث معتبر دیگر مرویستکه حضرت

صادق ع بسدیر فرمود که بسیار زیارت میکنی قبر حسین بن علی علیهما السلم را گفت از بسیاری

شغل مرا مقدور نمی‌شود فرمود که میخواهی ترا تعلیم نمایم چیزیکه هرگاه بکنی از برای تو

ثواب زیارت آنحضرت نوشته شود گفتم بلی فدای تو شوم فرمود که غسل بکن و در خانه خود

بالا رویبام خانه خود واشاره کن بجانب آنحضرت بسلام کردن تا نوشته شود برای تو
ثواب زیارت ودر حدیث معتبر دیگر منقولستکه حنان بن سدیر رفت بخدمت حضرت صادق ع
ونزد آنحضرت جماعتی از اصحاب او بودند پس فرمود که ای حنان زیارت حضرت امام حسین ع
میکنی هر ماه یکمرتبه گفت نه فرمود هر دو ماه یکمرتبه گفت نه فرمود که هر سال یکمرتبه گفت
نه فرمود که بسیار جفا کار دید بسید و آقای خود گفت یابن رسول الله مانع من کمی توشه
و دوری مسافتست فرمود که میخواهی که شما را دلالت کنم بر زیارتی که مقبول باشد هر چند یا
کننده دور باشد گفت چگونه زیارت کنم یابن رسول الله فرمود که غسل بکن در روز جمعه
یا هر روز که خواهی و بپوش پاکیزه ترین جامه های خود را و بالا برو بر بلند ترین بامهای خود
یا برو بصحرائی و رو بجانب قبر کن و بگو السَّلامُ عَلَيكَ يا مَولايَ وَابنَ مَولايَ وَسَيِّدي

درود برتو ای صاحب اختیار من و پسر صاحب اختیار من و آقای من

وَابنَ سَيِّدي السَّلامُ عَلَيكَ يا مَولايَ يا قَتيلُ بنَ القَتيلِ الشَّهيدَ

و پسر آقای من درود برتو ای مولای من ای کشته شده پسر کشته شده ای شهید

ابنَ الشَّهيدِ السَّلامُ عَلَيكَ وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ أنا زائِرُكَ

پسر شهید درود برتو و رحمت خدا و برکات او منم زیارت کننده ترا

يَابنَ رَسولِ اللهِ بِقَلبي وَلِساني وَجَوارِحي وَإن لَم أزُركَ بِنَفسي

ای پسر رسول خدا بدل خود و زبان خود و اعضای خود واگرچه زیارت نکردم ترا که نزدیک آیم

وَالمُشاهَدَةِ لِقُبَّتِكَ فَعَلَيكَ السَّلامُ يا وارِثَ آدَمَ صَفوَةِ اللهِ وَ

و به بینم گنبد و بارگاه ترا پس برتو باد درود ای وارث آدم برگزیده خدا و

وارِثَ نوحٍ نَبِيِّ اللهِ وَوارِثَ إبراهيمَ خَليلِ اللهِ وَوارِثَ موسى

وارث نوح پیغمبر خدا و وارث ابرهیم دوست خدا و وارث موسی

كَليمِ اللهِ وَوارِثَ عيسى روحِ اللهِ وَكَلِمَتِهِ وَوارِثَ مُحَمَّدٍ حَبيبِ

هم سخن خدا و وارث عیسی روح خدا و کلمه او و وارث محمد دوست

اللهِ وَنَبِيِّهِ وَرَسولِهِ وَوارِثَ عَلِيٍّ أميرِ المُؤمِنينَ وَوَصِيِّ رَسولِ

خدا و پیغمبر او و فرستاده او و وارث علی پادشاه گروندگان و وصی فرستاده

اللهِ وَخَليفَتِهِ وَوارِثَ الحَسَنِ بنِ عَلِيٍّ وَصِيِّ أميرِ المُؤمِنينَ لَعَنَ اللهُ

خدا و خلیفه او و وارث حسن پسر علی وصی پادشاه گروندگان نفرین کند خدا

قاتِليكَ وَجَدَّدَ عَلَيهِمُ العَذابَ في هذِهِ السّاعَةِ وَفي كُلِّ ساعَةٍ

کشندگان ترا و تازه کند برایشان عذاب را در این ساعت و در هر ساعتی

أنا يا سَيِّدي مُتَقَرِّبٌ إلَى اللهِ جَلَّ وَعَزَّ وَإلى جَدِّكَ رَسولِ اللهِ

من ای آقای من نزدیک میشوم بسوی خدای جل و عز و بسوی جد تو فرستاده خدا

وَإلى أبيكَ أميرِ المُؤمِنينَ وَإلى أخيكَ الحَسَنِ وَإلَيكَ يا مَولايَ

و بسوی پدر تو امیر مؤمنان و بسوی برادر تو حسن و بسوی تو ای آقای من

عَلَيكَ سَلامُ اللهِ وَرَحمَتُهُ وَبَرَكاتُهُ بِزِيارَتي لَكَ بِقَلبي وَلِساني

برتو درود خدا و رحمت او و برکات او بزیارتی که میکنم ترا بدل خود و زبان خود

وَجَميعِ جَوارِحي فَكُن يا سَيِّدي شَفيعي لِقَبولِ ذلِكَ مِنّي وَأنا

و همه اعضاء من پس باش ای آقای من شفیع من برای پذیرفتن این زیارت از من و من

بِالبَراءَةِ مِن أعدائِكَ وَاللَّعنَةِ لَهُم وَعَلَيهِم أتَقَرَّبُ إلَى اللهِ وَ

بیزارم از دشمنان تو و نفرین کردن بایشان و برایشان نزدیکی میجویم بسوی خدا و

إلَيكُم أجمَعينَ فَعَلَيكَ صَلَواتُ اللهِ وَرِضوانُهُ وَرَحمَتُهُ

بسوی شما همه پس برتو باد رحمتهای خدا و خوشنودی او و رحمت او

پس اندکی برمیگردی بجانب چپ و رو میگردانی بسوی قبر علی بن الحسین علیهما السلم
که او نزدیک پای پدر خود مدفونست و سلام میکنی بر او و مثل این سلام پس دعا میکنی
و میطلبی حاجتهای دنیا و آخرت خود را پس چهار رکعت نماز میگذاری که نماز زیارت
هشت رکعتست یا شش رکعت یا چهار رکعت یا دو رکعت و بهترش هشت رکعتست پس رو
میکنی بجانب قبر امام حسین ع و میگوئی أنا مُوَدِّعُكَ يا مَولايَ وَابنَ مَولايَ وَسَيِّدي

من وداع کننده ام ترا ای مولای من و پسر مولای من و آقای من

وَابنَ سَيِّدي وَمُوَدِّعُكَ يا سَيِّدي وَابنَ سَيِّدي يا عَلِيَّ بنَ

و پسر آقای من و وداع میکنم ترا ای آقای من و پسر آقای من ای علی پسر

الحُسَينِ وَمُوَدِّعُكُم يا سادَتي يا مَعشَرَ الشُّهَداءِ فَعَلَيكُم سَلامُ

حسین و وداع میکنم شما را ای آقایان من ای گروه شهیدان پس بر شما باد درود

اللهِ وَرَحمَتُهُ وَبَرَكاتُهُ وَرِضوانُهُ مؤلف گوید که چون عبادت این حدیث

خدا و رحمت او و برکات او و خوشنودی او

تشویش و اضطرابی دارد

وچند احتمال دارد بهتر انستکه همین زیارترا با وداع چنانچه دو بقبر شریف میخواند دو بقبله نیز بکند و بخواند تا انکه بهمه احتمالات عملکرده باشد ودر زیارت علی بن الحسین علیهما السّلم بجای وارث در همه جا این وارث بخواند یا از وارث ورا ثنا مامت و خلافت نکند زیرا که انحضرت امام نبوده است و بدانکه این حدیث دلالت میکند براینکه از دور که زیارت کنند نماز زیارترا بعد از زیارت باید بکند واحادیث پیش دلالت کرد برانکه پیش باید بکنند ودور نیست که مخیر باشند واکر این زیارترا کنند بهمین نحو که وارد شده است بکنند واز این احادیث معلوم شد که غسل از برای زیارت بعید مستحبست واز بعضی هم مفهوم شد که بی غسل میتوان کرد واز بعضی عمومات مستفاد میشود که بر هر حالی توان کرد چنانچه علما کفته اند واکر در بام خانه یا صحرا واقع سازد احوط واولی است ودر حدیث معتبر از حسین بن ثویر منقولست که بخدمت حضرت صادق عرضکرد که من بسیار حضرت امام حسین صلوات الله علیه دایم میکنم دران وقت چه بکویم فرمود که سه مرتبه میکوئی صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ

رحمت خدا بر تو ای پدر عبد الله

که سلام بران حضرت میرسد از نزدیك ودور وشیخ طوسی علیه الرحمه ذکر کرده استکه زیارت میتوان کرد ائمه علیهم السّلم را از دور چنانچه از نزدیك ایشانرا زیارت میکنند اما در جائیکه اَتَیْتُكَ زَائِرًا باشد نکوید بلکه بکوید

قَصَدْتُكَ بِقَلْبِي زَائِرًا اِذْ عَجَزْتُ عَنْ حُضُوْرِ مَشْهَدِكَ وَوَجَّهْتُ

اهنك کرده ام ترا بدل خود زیارتکننده چون عاجز شدم از حاضر شدن محل کشته شدن تو ودرو کردم

اِلَيْكَ سَلَامِي لِعِلْمِي اَنَّهُ يُبَلِّغُكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ

بسوی تو علم دارم که درود مرا ملائکه میرساند بتو رحمت خدا بر تو پس شفیع شو برای من نزد

رَبِّكَ جَلَّ وَعَزَّ ودعا کن انچه خواهی و بعضی از اکابر علما روایتکرده اند از ابو الحسن

پروردکار جل وعز

فارسی که کفت من بسیار بزیارت حضرت امام حسین میرفتم پس چندی بسبب پیری وکمی مال توفیق زیارت انحضرت نیافتم پس شبی حضرت رسول را در خواب دیدم که حضرت امام حسن وامام حسین علیهما السّلم در خدمت انحضرت بودند چون من نزدیك ایشان رسیدم امام حسین کفت یا رسول الله این مرد مرا بسیار زیارت میکرد اکنون ترك کرده است حضرت رسول متوجه من کردید وفرمود که ایا ترك زیارت مثل حسین میتوان کرد کفتم یا رسول الله قلت مال وپیری مرا مانع از ادراك این سعادت کردیده است حضرت فرمود که هر شب بر بام خانه خود برو وبانکشت شهادت بسوی قبر انحضرت اشاره کن وبکو السلام

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى جَدِّكَ وَاَبِيكَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى اُمِّكَ

درود بر تو وبر جد تو وبر پدر تو درود بر تو وبر مادر تو

وَاَخِيكَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْاَئِمَّةِ مِنْ بَنِيكَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ

وبرادر تو درود بر تو وبر پیشوایان از پسران تو درود بر تو

يَا صَاحِبَ الدَّمْعَةِ السَّاكِبَةِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْمُصِيبَةِ

ای صاحب سرشك روان درود بر تو ای صاحب اندوه

الرَّاتِبَةِ لَقَدْ اَصْبَحَ كِتَابُ اللّٰهِ فِيكَ مَهْجُورًا وَرَسُولُ اللّٰهِ فِيكَ

ثابته هر اینه بود بتحقیق کتاب خدا در تو فرو کذاشته شده وفرستاده خدا درباره تو

مَوْتُورًا اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَى اَنْصَارِ

خون داده شده درود بر تو ورحمت خدا وبرکات او درود بر یاری کنندکان

اللّٰهِ وَخُلَفَائِهِ اَلسَّلَامُ عَلَى اُمَنَاءِ اللّٰهِ وَاَحِبَّائِهِ اَلسَّلَامُ عَلَى

خدا وخلفای او درود بر امینان خدا ودوستان خدا درود بر

مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللّٰهِ وَمَعَادِنِ حِكْمَةِ اللّٰهِ وَحَفَظَةِ سِرِّ اللّٰهِ وَحَمَلَةِ

جاهای شناخت خدا ومعدنهای حکمت خدا وضبط کنندکان راز خدا وبردارندکان

كِتَابِ اللّٰهِ وَاَوْصِيَاءِ نَبِيِّ اللّٰهِ وَذُرِّيَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

کتاب خدا وجانشینان پیغمبر خدا وفرزندان فرستاده خدا رحمت خدا

عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ پس هر حاجت که خواهی از خدا سؤال کن پس اکر چنین کنی زیارت تو از دور

بر او وال او ورحمت خدا وبرکات او

ونزدیك هر دو مقبولست **اما زیارت** سایر ائمه علیهم السّلم از دور ونزدیك بهترین انها زیارت جامعه است که ابن بابویه ودیکران بسند معتبر روایت کرده اند که شخصی از حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه سؤال نمود که ای فرزند رسول خدا بمن تعلیم نما سخن بلیغی کامل که انرا بخوانم هرکاه زیارت کنم یکی از شما را فرمود که چون برسی بدرکاه میبایست وبکو اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وباید که با غسل باشی پس داخل شوی وقبر را ببینی بایست وسی مرتبه اَللّٰهُ اَكْبَرُ بکو پس راه برو با ارام دل وارام تن وکامها را نزدیك یکدیکر بکذار پس بایست وسی مرتبه اَللّٰهُ اَكْبَرُ بکو پس نزدیك قبر برو وچهل مرتبه اَللّٰهُ اَكْبَرُ بکو که صد مرتبه تمام شود پس بکو

السَّلامُ عَلَیکُم یا اَهلَ بَیتِ النُّبُوَّةِ وَمَوضِعَ الرِّسالَةِ وَ

درود بر شما ای اهل بیت نبوّت وجایگاه رسالت و

مُختَلَفَ المَلائِکَةِ وَمَهبِطَ الوَحیِ وَمَعدِنَ الرَّحمَةِ وَخُزّانَ

امد وشد ملئکه وجای فرود امدن وحی ومعدن رحمت وخزینه

العِلمِ وَمُنتَهَی الحِلمِ وَاُصولَ الکَرَمِ وَقادَةَ الاُمَمِ وَاَولِیاءَ

داران علم ونهایت بردباری وبیخهای کرم وپیشروان امتها ودوستان

النِّعَمِ وَعَناصِرَ الاَبرارِ وَدَعائِمَ الاَخیارِ وَساسَةَ العِبادِ

نعمتها وبنیادهای نیکوان وستونهای نیکوان وامرونهی کن بندگان

وَاَرکانَ البِلادِ وَاَبوابَ الایمانِ وَاُمَناءَ الرَّحمنِ وَسُلالَةَ

ورکنهای شهرها ودرهای ایمان وامینان خداوند وخلاصه

النَّبِیّینَ وَصَفوَةَ المُرسَلینَ وَعِترَةَ خِیَرَةِ رَبِّ العالَمینَ وَرَحمَةُ

پیغمبران وبرگزیده فرستادگان وخویشهای گزیده پروردگار جهانیان ورحمت

اللهِ وَبَرَکاتُهُ السَّلامُ عَلی اَئِمَّةِ الهُدی وَمَصابیحِ الدُّجی

خدا وبرکات او درود بر پیشوایان راه یافتگان وچراغهای تاریکی

وَاَعلامِ التُّقی وَذَوِی النُّهی وَاُولِی الحِجی وَکَهفِ الوَری

ونشانهای پرهیزکاری وصاحبان عقلها وصاحبان خردها وپناه خلق

وَوَرَثَةِ الاَنبِیاءِ وَالمَثَلِ الاَعلی وَالدَّعوَةِ الحُسنی وَحُجَجِ

ووارث پیغمبران ومثل برتری ودعوت نیکوتر وبرهانهای

اللهِ عَلی اَهلِ الدُّنیا وَالآخِرَةِ وَالاُولی وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ

خدا بر اهل دنیا واخرت وسرای نخستین ورحمت خدا وبرکات او

السَّلامُ عَلی مَحالِّ مَعرِفَةِ اللهِ وَمَساکِنِ بَرَکَةِ اللهِ وَمَعادِنِ حِکمَةِ

درود بر جایهای شناختن خدا ومنزلهای برکت خدا ومعادن حکمت

اللهِ وَحَفَظَةِ سِرِّ اللهِ وَحَمَلَةِ کِتابِ اللهِ وَاَوصِیاءِ نَبِیِّ اللهِ وَ

خدا ونگاه دارندگان راز خدا وبردارندگان کتاب خدا وجانشینان پیغمبر خدا و

ذُرِّیَّةِ رَسولِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَآلِهِ وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ

فرزندان رسول خدا رحمت خدا براو وال او ورحمت خدا وبرکات او

السلام

السَّلامُ عَلَی الدُّعاةِ اِلَی اللهِ وَالاَدِلّاءِ عَلی مَرضاةِ اللهِ وَ

درود بر خوانندگان بسوی خدا وراه نمایندگان بر خوشنودیهای خدا و

المُستَقِرّینَ فی اَمرِ اللهِ وَالتّامّینَ فی مَحَبَّةِ اللهِ وَالمُخلِصینَ

طلب افزایش کنندگان درکار خدا وکاملان در دوستی خدا وخالص شدگان

فی تَوحیدِ اللهِ وَالمُظهِرینَ لِاَمرِ اللهِ وَنَهیِهِ وَعِبادِهِ المُکرَمینَ

در یگانگی خدا وظاهر کنندگان مرکار خدارا وبازدارندگان او وبندگان او وارزنا شایسته

الَّذینَ لا یَسبِقونَهُ بِالقَولِ وَهُم بِاَمرِهِ یَعمَلونَ وَرَحمَةُ اللهِ

انانکه پیشی نمیگیرند اورا بسخن وایشان بامراو عمل میکنند ورحمت خدا

وَبَرَکاتُهُ السَّلامُ عَلَی الاَئِمَّةِ الدُّعاةِ وَالقادَةِ الهُداةِ وَ

وبرکات او درود بر پیشوایان دعوت کنندگان وپیش روان راه یافتگان و

السّادَةِ الوُلاةِ وَالذّادَةِ الحُماةِ وَاَهلِ الذِّکرِ وَاُولِی الاَمرِ

سرداران سالار ومنع کنندگان حمایت کنندگان واهل ذکر وصاحب فرمان

وَبَقِیَّةِ اللهِ وَخِیَرَتِهِ وَحِزبِهِ وَعَیبَةِ عِلمِهِ وَحُجَّتِهِ وَصِراطِهِ

وباقیماندگان خدا وبرگزیدگان او وگروه او وصندوق علم او وبرهان او وراه او

وَنورِهِ وَبُرهانِهِ وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ اَشهَدُ اَن لا اِلهَ

وروشنائی او وبرهان او ورحمت خدا وبرکات او گواهی میدهم نیست خدائی

اِلَّا اللهُ وَحدَهُ لا شَریکَ لَهُ کَما شَهِدَ اللهُ لِنَفسِهِ وَشَهِدَت

مگر خدای یگانه نیست شریکی اورا چنانکه گواهی داد خدا مرذات خودرا وگواهی دادند

لَهُ مَلائِکَتُهُ وَاُولُو العِلمِ مِن خَلقِهِ لا اِلهَ اِلّا هُوَ العَزیزُ

اورا ملائکه وصاحبان دانش از خلق او نیست خدائی مگر او غالب

الحَکیمُ وَاَشهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبدُهُ المُنتَجَبُ وَرَسولُهُ المُرتَضی

درستکردار است وگواهی میدهم اینکه محمد بنده برگزیده ورسول او کرپسندیده است

اَرسَلَهُ بِالهُدی وَدینِ الحَقِّ لِیُظهِرَهُ عَلَی الدّینِ کُلِّهِ وَلَو

فرستاده او بهدایت ودین حق تا ظاهر کند دین خودرا بر همه دین واگرچه

کَرِهَ المُشرِکونَ وَاَشهَدُ اَنَّکُمُ الاَئِمَّةُ الرّاشِدونَ المَهدِیّونَ

ناخوش دارند مشرکان وگواهی میدهم که شمائید پیشوایان راه یافتگان راه نموده شدگان

المعصومون

اَلْمَعْصُومُونَ الْمُكَرَّمُونَ الْمُقَرَّبُونَ الْمُتَّقُونَ الصَّادِقُونَ

نگاه داشته شدگان گرامی شدگان نزدیک شدگان پرهیزکنندگان راستگویان

الْمُصْطَفَوْنَ الْمُطِيعُونَ لِلّٰهِ الْقَوَّامُونَ بِأَمْرِهِ الْعَامِلُونَ بِإِرَادَتِهِ

برگزیدگان فرمان برداران خدا را ایستادگانند بامر او کارکنانند بفرمان او

الْفَائِزُونَ بِكَرَامَتِهِ اصْطَفَاكُمْ بِعِلْمِهِ وَارْتَضَاكُمْ لِغَيْبِهِ وَاخْتَارَكُمْ

رستگارانند بکرامت او برگزیدگانند بعلم او و پسندیده شما را برای غیب خود و اختیار کرد شما

لِسِرِّهِ وَاجْتَبَاكُمْ بِقُدْرَتِهِ وَأَعَزَّكُمْ بِهُدَاهُ وَخَصَّكُمْ بِبُرْهَانِهِ

برای راز خود و بزرگ کرد شما را بقدرت خود و ارجمند کرد شما را بهدایت خود و مخصوص کرد شما را ببرهان خود

وَانْتَجَبَكُمْ بِنُورِهِ وَأَيَّدَكُمْ بِرُوحِهِ وَرَضِيَكُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ

و نجیب کرد شما را بنور خود و قوت داد شما را بروح خود و پسند کرد شما را جانشینان در زمین خود

وَحُجَجاً عَلَى بَرِيَّتِهِ وَأَنْصَاراً لِدِينِهِ وَحَفَظَةً لِسِرِّهِ وَخَزَنَةً لِعِلْمِهِ

و برهانها بر خلق خود و یاری کنندگان دین خود و نگهبان سر خود و خزینه دار علم خود

وَمُسْتَوْدَعاً لِحِكْمَتِهِ وَتَرَاجِمَةً لِوَحْيِهِ وَأَرْكَاناً لِتَوْحِيدِهِ وَ

و امانت دار حکمت خود و ترجمه‌های وحی خود و رکنهای مر توحید خود و

شُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ وَأَعْلَاماً لِعِبَادِهِ وَمَنَاراً فِي بِلَادِهِ وَ

گواهان بر خلق خود و نشانها برای بندگان خود و روشنیهای در شهرهای خود

أَدِلَّاءَ عَلَى صِرَاطِهِ عَصَمَكُمُ اللّٰهُ مِنَ الزَّلَلِ وَآمَنَكُمْ مِنَ الْفِتَنِ

و راه‌نمایان بر راه خود نگاه داشت شما را خدا از لغزش و ایمن داشت شما را از آشوب

وَطَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ وَأَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرَكُمْ

و پاک داد شما را از چرک گناه و برد از شما پلیدی را و پاکیزه دارد شما را

تَطْهِيراً فَعَظَّمْتُمْ جَلَالَهُ وَأَكْبَرْتُمْ شَأْنَهُ وَمَجَّدْتُمْ كَرَمَهُ وَ

پاکیزه داشتنی پس بزرگ کنید جلال او را و بزرگ شمارید شان او را و عظیم کنید کرم او را و

أَدَمْتُمْ ذِكْرَهُ وَوَكَّدْتُمْ مِيثَاقَهُ وَأَحْكَمْتُمْ عَقْدَ طَاعَتِهِ وَ

دایم بدارید ذکر او را و محکم نمائید پیمان او را و محکم کنید عقد فرمان برداری او را و

نَصَحْتُمْ لَهُ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ وَدَعَوْتُمْ إِلَى سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ

پند دادید او را در نهان و آشکارا و خواندید بسوی راه بحکمت

وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَبَذَلْتُمْ أَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ وَصَبَرْتُمْ

و پند نیکو و دادید شما خود را در خوشنودیهای او و صبر کنید شما

عَلَى مَا أَصَابَكُمْ فِي جَنْبِهِ وَأَقَمْتُمُ الصَّلٰوةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكٰوةَ وَ

بر آنچه رسید شما را در پهلوی او و بپا داشتید نماز را و دادید زکوة را و

أَمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَجَاهَدْتُمْ فِي اللّٰهِ حَقَّ

امر نمودید بنیکو و نهی کردید از ناشایسته و جهاد کردید در راه خدا حق

جِهَادِهِ حَتَّى أَعْلَنْتُمْ دَعْوَتَهُ وَبَيَّنْتُمْ فَرَائِضَهُ وَأَقَمْتُمْ حُدُودَهُ

جهاد او تا آشکار کردید دعوت او را و هویدا کردید واجبات را و بپا داشتید حدهای او را

وَنَشَرْتُمْ شَرَائِعَ أَحْكَامِهِ وَسَنَنْتُمْ سُنَّتَهُ وَصِرْتُمْ فِي ذٰلِكَ

و پهن کردید مسائل احکام او را و ظاهر کردید راه او را و گردیدید در این جهاد

مِنْهُ إِلَى الرِّضَا وَسَلَّمْتُمْ لَهُ الْقَضَاءَ وَصَدَّقْتُمْ مِنْ رُسُلِهِ

از جانب خدا بخوشنودی و گردن نهادید حکم او را و تصدیق کردید فرستادگان او را

مَنْ مَضَى فَالرَّاغِبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ وَاللَّازِمُ لَكُمْ لَاحِقٌ وَالْمُقَصِّرُ

هر که گذشته پس روگرداننده از شما بیرون رونده و آنکه پیوست بشما ملحق بشماست و تقصیر کننده

فِي حَقِّكُمْ زَاهِقٌ وَالْحَقُّ مَعَكُمْ وَفِيكُمْ وَمِنْكُمْ وَإِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ

در حق شما هلاک است و حق با شماست و در شما و از شما و بسوی شماست و شمائید

أَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ وَمِيرَاثُ النُّبُوَّةِ عِنْدَكُمْ وَإِيَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ

و شمائید سزاوار او و وارث پیغمبری نزد شماست و آمدن خلق بسوی شماست

وَحِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ وَفَصْلُ الْخِطَابِ عِنْدَكُمْ وَآيَاتُ اللّٰهِ لَدَيْكُمْ

و حساب خلق برشماست و جدا کننده حق از باطل نزد شماست و آیات خدا نزد شماست

وَعَزَائِمُهُ فِيكُمْ وَنُورُهُ وَبُرْهَانُهُ عِنْدَكُمْ وَأَمْرُهُ إِلَيْكُمْ مَنْ

و امور لازمه خدا در شماست و روشنی حق و حجت حق نزد شماست و امر حق بسوی شماست و کسیکه

وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى اللّٰهَ وَمَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَى اللّٰهَ وَمَنْ

دوست دارد شما را پس دوست دارد خدا را و هر کس دشمن دارد شما را پس دشمن داشته خدا را و هر که

أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللّٰهَ وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللّٰهَ وَمَنِ اعْتَصَمَ

دوست دارد شما را پس دوست داشته خدا را و هر که دشمن دارد شما را پس دشمن دارد خدا را و هر که چنگ زد

بكم فقد اعتصم بالله انتم السبيل الاعظم والصراط الاقوم

بشما پس چنگ زده بخدا شمائید راه بزرگ وراه راست راست

وشهداء دار الفناء وشفعاء دار البقاء والرحمة الموصولة

وگواهان سرای نیستی وشفیعان سرای هستی ورحمت پیوسته

والآية المخزونة والامانة المحفوظة والباب المبتلى به

ونشانهٔ پنهان داشته شده وامانت نگاه داشته شده ودری که امتحان کرده بآن

الناس من اتاكم فقد نجى ومن لم ياتكم فقد هلك الى الله

مردمانرا انکه امد شمارا پس نجات یافت وانکه نیامد شمارا بتحقیق هلاک شد بسوی خدا

تدعون وعليه تدلون وبه تؤمنون وله تسلمون و

میخوانید وبراو دلالت میکنید وباو میگروید وباو منقادید و

بامره تعملون والى سبيله ترشدون وبقوله تحكمون

بامراو کار کنادید وبراه اوراه نمایند کانید وبگفتار او حکم میکنید

سعد والله من والاكم وهلك من عاداكم وخاب من

نیک بخت است قسم بخدا انکه دوست دارد شمارا وهلاکست انکه دشمن دارد شمارا ونا امید است انکه

جحدكم وضل من فارقكم وفاز من تمسك بكم وامن من

انکار کرد شمارا وگمراه است انکه جدا کرد شمارا ورستکار است انکه چنگ زد بشما وایمن است انکه

لجا اليكم وسلم من صدقكم وهدى من اعتصم بكم من اتبعكم

پناه برد بشما وسالم است انکه تصدیق کرد شمارا وراه یافت انکه چنگ زد بشما انکه پیروی او کرد

فالجنة ماويه ومن خالفكم فالنار مثويه ومن جحدكم

پس بهشت جای اوست وانکه مخالفت کرد شمارا پس اتش جای اوست وانکه انکار کرد شمارا

كافر ومن حاربكم مشرك ومن رد عليكم في اسفل درك من

کافر است وانکه جنگ کرد باشما مشرکست وانکه رد کرد بر شما در پست ترین درک از

الجحيم اشهد ان هذا سابق لكم فيما مضى وجار لكم فيما

جهنم است گواهی میدهم اینکه پیشی داشت برای شما درانچه گذشت وجاری است شمارا درانچه

بقي وان ارواحكم ونوركم وطينتكم واحدة طابت وطهرت

باقیماند وبدرستیکه جانهای شما ونور شما وطینت شما یکیست پاکست وپاکیزه

بعضها

بعضها من بعض خلقكم الله انوارا فجعلكم بعرشه محدقين

بعضی از انها از بعضی افرید شمارا خدا از نور پس کردانید شمارا بعرش خود نظر کنندگان

حتى من علينا بكم فجعلكم في بيوت اذن الله ان ترفع و

تا انکه گذاشت منت برما بشما پس گردانید شمارا درخانهها که اذن داده خدا اینکه بلند شود و

يذكر فيها اسمه وجعل صلواتنا عليكم وما خصنا به من

یاد کرده شود دران نام او وگردانید درودهای مارا بر شما وانچه مخصوص کرده مارا بان از

ولايتكم طيبا لخلقنا وطهارة لانفسنا وتزكية لنا وكفارة

دوستی شما پاک برای خلقت ما وپاکیزگی برای نفسهای ما وپاکیزگی برای ما وکفاره

لذنوبنا فكنا عنده مسلمين بفضلكم ومعروفين بتصديقنا

برای گناهان ما پس بودیم ما نزد او منقادان بفضل شما شناسان براستی ما

اياكم فبلغ الله بكم اشرف محل المكرمين واعلى منازل

روزها شمارا پس برساند خدا بشما بهترین محل نوازش یافتگان وبر بهترین منزلهای

المقربين وارفع درجات المرسلين حيث لا يلحقه لاحق

نزدیکان وبلندتر مراتب رسولان وقتیکه ملحق نشود بان ملحق شونده

ولا يفوقه فائق ولا يسبقه سابق ولا يطمع في ادراكه

وبرتر نشود بان برتر شونده وپیشی نگیرد اورا پیشی گیرنده ونه طمع کند در یافتن

طامع حتى لا يبقى ملك مقرب ولا نبي مرسل ولا صديق

طمع کننده تا باقی نماند ملک مقربی ونه پیغمبر مرسلی ونه راستگوئی

ولا شهيد ولا عالم ولا جاهل ولا دني ولا فاضل ولا

ونه گواهی ونه دانائی ونه نادانی ونه پستی ونه برتری ونه

مؤمن صالح ولا فاجر طالح ولا جبار عنيد ولا شيطان

گروندهٔ نیکی ونه گناهکاری ونه جبر کنندهٔ عنادی ونه دیو رانده شده

مريد ولا خلق فيما بين ذلك شهيد الا عرفهم جلالة

رانده شده ونه افریده در میان این گواهی مگر اینکه بشناساند ایشانرا بزرگی

امركم وعظم خطركم وكبر شانكم وتمام نوركم وصدق

امر شما وبزرگی قدر شما وبزرگی شان شمارا وتمام نور شمارا وراستی

مقاعدكم

مَقاعِدِكُمْ وَثَباتَ مَقامِكُمْ وَشَرَفَ مَحَلِّكُمْ وَمَنْزِلَتِكُمْ عِنْدَهُ

نشستنگاه شما وثابت بودن مقام شمارا وبزرگی جای شمارا ومنزلهٔ شمارا نزد خودش

وَكَرامَتَكُمْ عَلَيْهِ وَخاصَّتَكُمْ لَدَيْهِ وَقُرْبَ مَنْزِلَتِكُمْ مِنْهُ بِأَبِي

وگرامی بودن شما براو ومخصوص بودن شما در نزد او وتقرب منزلت شمارا از جانب او بپدرم

أَنْتُمْ وَأُمّي وَنَفْسي وَأَهْلي وَمالي وَأُسْرَتي أُشْهِدُ اللهَ

و مادرم فدا و نفسم وکسانم ومالم واسرتم گواه میگیرم خدارا

وَأُشْهِدُكُمْ أَنّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَبِما آمَنْتُمْ بِهِ كافِرٌ بِعَدُوِّكُمْ

وگواه میگیرم شمارا باینکه من مؤمنم بشما وبانچه ایمان آورده‌اید بآن کافرم بدشمن شما

وَبِما كَفَرْتُمْ بِهِ مُسْتَبْصِرٌ بِشَأْنِكُمْ وَبِضَلالَةِ مَنْ خالَفَكُمْ

وبانچه کافر بید شما بان بینایم بشان شما وبگمراهی انکه مخالفت کرد شمارا

مُوالٍ لَكُمْ وَلِأَوْلِيائِكُمْ مُبْغِضٌ لِأَعْدائِكُمْ وَمُعادٍ لَهُمْ سِلْمٌ

دوستم مر شمارا ومر دوستان شمارا دشمنم مر دشمنان شمارا ودشمنم مرایشانرا صلحم

لِمَنْ سالَمَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَكُمْ مُحَقِّقٌ لِما حَقَّقْتُمْ مُبْطِلٌ لِما

مرانرا که صلح است باشما وجنگم انکه بجنگ است باشما سزاوار دارم انچه را سزاوار دارید باطل دارنده‌ام انچه را

أَبْطَلْتُمْ مُطيعٌ لَكُمْ عارِفٌ بِحَقِّكُمْ مُقِرٌّ بِفَضْلِكُمْ مُحْتَمِلٌ لِعِلْمِكُمْ

باطل داریدی مطیع شمایم دانا بحق شمایم اقرار دارم بفضل شما بردارنده‌ام علم شمارا

مُحْتَجِبٌ بِذِمَّتِكُمْ مُعْتَرِفٌ بِكُمْ مُؤْمِنٌ بِإِيابِكُمْ مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ

پناه آورنده‌ام باماْن شما اعتراف کننده‌ام بشما مؤمنم ببازگشت شما تصدیق کننده‌ام ببازگشت شما

مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ آخِذٌ بِقَوْلِكُمْ عامِلٌ بِأَمْرِكُمْ

انتظار دارنده‌ام فرمان شمارا انتظار برنده‌ام مر دولت شمارا گیرنده‌ام گفتار شمارا عمل کننده‌ام بامر شما

مُسْتَجيرٌ بِكُمْ زائِرٌ لَكُمْ عائِذٌ بِكُمْ لائِذٌ بِقُبُورِكُمْ مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللهِ

پناه برنده‌ام بشما زیارت کننده‌ام شمارا پناه برنده‌ام بشما پناه برنده‌ام بقبور شما شفاعت جوینده‌ام بسوی خدا

عَزَّ وَجَلَّ بِكُمْ وَمُتَقَرِّبٌ بِكُمْ إِلَيْهِ وَمُقَدِّمُكُمْ أَمامَ طَلِبَتي

عز وجل بسبب شما بسوی او ونزدیکی جوینده‌ام بشما بسوی او وپیش دارنده‌ام شمارا در پیش طلب خود

وَحَوائِجي وَإِرادَتي في كُلِّ أَحْوالي وَأُمُوري مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ

وحاجات خود واراده‌های خود در هر حال از خود وکار خود گرونده‌ام بنهان شما

وعلانیتکم

وَعَلانِيَتِكُمْ وَشاهِدِكُمْ وَغائِبِكُمْ وَأَوَّلِكُمْ وَآخِرِكُمْ وَمُفَوِّضٌ

واشکار شما وحاضر شما وغائب شما واول شما وآخر شما وواگذارنده‌ام

في ذٰلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ وَمُسَلِّمٌ فيهِ مَعَكُمْ وَقَلْبي لَكُمْ مُسَلِّمٌ وَرَأْيي

در همه این بسوی شما وگردن نهنده‌ام در ان باشما ودل من برای شما منقاد است ورای من

لَكُمْ تَبَعٌ وَنُصْرَتي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتّىٰ يُحْيِيَ اللهُ تَعالىٰ دينَهُ بِكُمْ

شمارا پیروی کننده ویاری من شمارا اماده است تا زنده کند خدای تعالی دین خود را بشما

وَيَرُدَّكُمْ في أَيّامِهِ وَيُظْهِرَكُمْ لِعَدْلِهِ وَيُمَكِّنَكُمْ في أَرْضِهِ فَمَعَكُمْ

وبرگرداند شمارا در روزگار خود وظاهر کند شمارا بعدل خود ومکان دهد شمارا در زمین خود پس با شمایم

مَعَكُمْ لا مَعَ عَدُوِّكُمْ آمَنْتُ بِكُمْ وَتَوَلَّيْتُ آخِرَكُمْ بِما تَوَلَّيْتُ بِهِ

باشمایم نه با دشمنان شما ایمان آوردم بشما ودوست داشتم آخر شمارا بمثل دوست داشتن باو

أَوَّلَكُمْ وَبَرِئْتُ إِلَى اللهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ أَعْدائِكُمْ وَمِنَ الْجِبْتِ وَ

اول شمارا وبیزارم بسوی خدای عز وجل از دشمنان شما واز جبت و

الطّاغُوتِ وَالشَّياطينِ وَحِزْبِهِمُ الظّالِمينَ لَكُمْ وَالْجاحِدينَ

طاغوت و دیوان و گروه ایشان که ستمکارانند شمارا ومنکرند

لِحَقِّكُمْ وَالْمارِقينَ مِنْ وِلايَتِكُمْ وَالْغاصِبينَ لِإِرْثِكُمْ وَالشّاكّينَ

حق شمارا و بیرون روندگانند از سلطنت شما وغصب کنندگانند میراث شمارا وشک کنندگانند

فيكُمْ وَالْمُنْحَرِفينَ عَنْكُمْ وَمِنْ كُلِّ وَليجَةٍ دُونَكُمْ وَكُلِّ مُطاعٍ

در شما وکناره گیران از شما واز هر دوست نهانی غیر از شما وهر فرمان برداری

سِواكُمْ وَمِنَ الْأَئِمَّةِ الَّذينَ يَدْعُونَ إِلَى النّارِ فَثَبَّتَنِيَ اللهُ

جز شما واز پیشوایان انانکه میخوانند بسوی اتش پس ثابت دارد مرا خدا

أَبَداً ما حَييتُ عَلىٰ مُوالاتِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ وَدينِكُمْ وَوَفَّقَني لِطاعَتِكُمْ

همیشه مادامیکه زنده‌ام بر پیروی دوستان شما ودوستی شما ودین شما وتوفیق دهد مرا برای طاعت

وَرَزَقَني شَفاعَتَكُمْ وَجَعَلَني مِنْ خِيارِ مَواليكُمُ التّابِعينَ لِما

وروزی کند مرا شفاعت شما وبگرداند مرا از نیکان دوستان شما پیروی کننده‌ام مرانچه را

دَعَوْتُمْ إِلَيْهِ وَجَعَلَني مِمَّنْ يَقْتَصُّ آثارَكُمْ وَيَسْلُكُ سَبيلَكُمْ

خواند بسوی شما وگرداند مرا از انانکه پیروی کنند آثار شمارا ومیروند براه شما

ويهتدی

وَ يَهْتَدِي بِهُدَاكُمْ وَ يُحْشَرُ فِي زُمْرَتِكُمْ وَ يَكِرُّ فِي رَجْعَتِكُمْ وَ

در راه مینمایند راه نمائی شما و محشور میشوند در گروه شما و بازگشت میکند در بازگشت شما و

يُمَلَّكُ فِي دَوْلَتِكُمْ وَ يُشَرَّفُ فِي عَافِيَتِكُمْ وَ يُمَكَّنُ فِي أَيَّامِكُمْ وَ

پادشاهی داده میشوند در دولت شما و بزرگ داده میشود در عاقبت شما و تمکین مینمایند در روزگار شما و

تَقَرُّ عَيْنُهُ غَداً بِرُؤْيَتِكُمْ بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ

روشنی شود چشم او فردا بدیدن شما پدر و مادرم فدای شما و خودم و کسانم و

مَالِي مَنْ أَرَادَ اللَّهَ بَدَأَ بِكُمْ وَ مَنْ وَحَّدَهُ قَبِلَ عَنْكُمْ وَ مَنْ قَصَدَهُ

مالم هر که اراده کرد خدا را ابتدا کرد بشما و هر که بیگانگی پرستید خدا را قبول شد از شما و قصد کرد

تَوَجَّهَ بِكُمْ مَوَالِيَّ لَا أُحْصِي ثَنَاءَكُمْ وَ لَا أَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ

توجه کرد بشما ای آقایان من شمرده نشود ثنای شما و نمیرسم از مدح کردن کنه شما را

وَ مِنَ الْوَصْفِ قَدْرَكُمْ وَ أَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيَارِ وَ هُدَاةُ الْأَبْرَارِ

و از نعت قدر شما را و شمائید نور نیکان و راه نمایان نیکوان

وَ حُجَجُ الْجَبَّارِ بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ وَ بِكُمْ يُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَ بِكُمْ

و حجتهای خدای بزرگ بشما بگشاید خدا بشما مهر کند و بشما فرود آید باران و بشما

يُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ بِكُمْ يُنَفِّسُ

نگاه داشته میشود آسمان از آنکه بیفتد بر زمین مگر باذن او و بشما زایل میشود

الْهَمَّ وَ بِكُمْ يَكْشِفُ الضُّرَّ وَ عِنْدَكُمْ مَا نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ وَ

غم و بشما دفع میشود اندوه و نزد شماست آنچه فرود آورده اند بآن رسولان و

هَبَطَتْ بِهِ مَلَائِكَتُهُ وَ إِلَى جَدِّكُمْ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ وَ اگر زیارت

فرود آورده اند بآن فرشتگان و بسوی جد شما برانگیخته میشود روح امین حضرت امیر

المؤمنین باشد بجای وَ إِلَى جَدِّكُمْ وَ إِلَى أَخِيكَ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ بگوید

بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ بگوید و بسوی برادر تو برانگیخته میشود روح امین

آتَاكُمُ اللَّهُ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَداً مِنَ الْعَالَمِينَ طَأْطَأَ كُلُّ شَرِيفٍ

داده است بشما خدا چیزی را که نداده است باحدی از جهانیان سرفرود آورده هر بزرگ

لِشَرَفِكُمْ وَ بَخَعَ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ لِطَاعَتِكُمْ وَ خَضَعَ كُلُّ جَبَّارٍ لِفَضْلِكُمْ

برای بزرگی شما فروتنی کرده هر متکبری برای طاعت شما و فروتنی کرده هر سرکشی برای زیادتی شما

وَ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لَكُمْ وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ وَ فَازَ الْفَائِزُونَ

و خوار است هر چیزی برای شما و روشن شد زمین بنور شما و فیروزی یافتند رستگاران

بِوِلَايَتِكُمْ بِكُمْ يُسْلَكُ إِلَى الرِّضْوَانِ وَ عَلَى مَنْ جَحَدَ وِلَايَتَكُمْ

بدوستی شما و بشما برده میشود بسوی خوشنودی و بر آنکه انکار کرد دوستی شما را

غَضَبُ الرَّحْمَنِ بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي ذِكْرُكُمْ

خشم خدا بیاید پدرم و مادرم و خودم و کسانم و مالم فدای شما باد

فِي الذَّاكِرِينَ وَ أَسْمَاؤُكُمْ فِي الْأَسْمَاءِ وَ أَجْسَادُكُمْ فِي

در ذاکرین و نامهای شما را در نامها و جسدهای شما در

الْأَجْسَادِ وَ أَرْوَاحُكُمْ فِي الْأَرْوَاحِ وَ أَنْفُسُكُمْ فِي النُّفُوسِ وَ

جسدهاست و روحهای شما در روحهاست و نفسهای شما در نفسهاست و

آثَارُكُمْ فِي الْآثَارِ وَ قُبُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ فَمَا أَحْلَى أَسْمَاءَكُمْ وَ أَكْرَمَ

علامات شما در علامات است و قبرهای شما در قبرهاست پس شیرین است نامهای شما و چه گرامی است

أَنْفُسَكُمْ وَ أَعْظَمَ شَأْنَكُمْ وَ أَجَلَّ خَطَرَكُمْ وَ أَوْفَى عَهْدَكُمْ وَ أَصْدَقَ

نفسهای شما و چه بزرگ است شان شما و جلیل است قدر شما و چه وفا کننده است عهد شما و چه درست است

وَعْدَكُمْ كَلَامُكُمْ نُورٌ وَ أَمْرُكُمْ رُشْدٌ وَ وَصِيَّتُكُمُ التَّقْوَى وَ

وعده شما سخن شما نور است و امر شما رستگاریست و وصیت شما رستگاریست و

فِعْلُكُمُ الْخَيْرُ وَ عَادَتُكُمُ الْإِحْسَانُ وَ سَجِيَّتُكُمُ الْكَرَمُ وَ شَأْنُكُمُ

کار شما خوبیست و عادت شما احسان است و طینت شما کرم است و شان شما

الْحَقُّ وَ الصِّدْقُ وَ الرِّفْقُ وَ قَوْلُكُمْ حُكْمٌ وَ حَتْمٌ وَ رَأْيُكُمْ عِلْمٌ وَ

حق و راستی است و مدارا و گفتار شما احکام است و واجب و رای شما دانش و

حِلْمٌ وَ حَزْمٌ إِنْ ذُكِرَ الْخَيْرُ كُنْتُمْ أَوَّلَهُ وَ أَصْلَهُ وَ فَرْعَهُ وَ مَعْدِنَهُ

بردباری و پیش بینی است اگر یاد شود نیکی شمائید اول آن و بیخ آن و شاخهای آن و معدن آن

وَ مَأْوَاهُ وَ مُنْتَهَاهُ بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي كَيْفَ أَصِفُ حُسْنَ

و جای آن و غایت آن پدرم و مادرم و خودم فدای شما باد چگونه ستایش کنم نیکی

ثَنَائِكُمْ وَ أُحْصِي جَمِيلَ بَلَائِكُمْ وَ بِكُمْ أَخْرَجَنَا اللَّهُ مِنَ الذُّلِّ

ثنای شما را و بشمارم نیکی بلای شما را و بسبب شما بیرون آورد ما را خدا از خواریها

وَفَرَّجَ عَنّا غَمَراتِ الْکُرُوبِ وَاَنْقَذَنا بِکُمْ مِنْ شَفا جُرُفِ الْهَلَکاتِ

وگشود ازما بسیاری اندوههارا وخلاصی داده مارا بشما از کودال مهلکه‌ها

وَمِنَ النّارِ بِاَبی اَنْتُمْ وَاُمّی وَنَفْسی بِمُوالاتِکُمْ عَلَّمَنَا اللهُ مَعالِمَ

واز آتش بپدرم ومادرم وخودم فدای شما بسبب دوستی شما آموخت مارا خدا دانستنهای

دینِنا وَاَصْلَحَ ما کانَ فَسَدَ مِنْ دُنْیانا وَبِمُوالاتِکُمْ تَمَّتِ الْکَلِمَةُ

دین ما را وبصلاح آورد آنچه فاسد گردید از دنیای ما وبسبب دوستی شما تمام شد سخن

وَعَظُمَتِ النِّعْمَةُ وَائْتَلَفَتِ الْفُرْقَةُ وَبِمُوالاتِکُمْ تُقْبَلُ الطّاعَةُ

وبزرگ شد نعمت وجمع آوری شد تفرقه وبسبب دوستی شما پذیرفته شد طاعت

الْمُفْتَرَضَةُ وَلَکُمُ الْمَوَدَّةُ الْواجِبَةُ وَالدَّرَجاتُ الرَّفیعَةُ وَ

واجبه وبرای شماست دوستی واجب گردیده شده و مرتبه‌های بلند و

الْمَقامُ الْمَحْمُودُ وَالْمَکانُ الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللهِ عَزَّوَجَلَّ وَالْجاهُ

جای ستوده وجایگاه معلوم نزد خدای عز وجل ورتبه

الْعَظیمُ وَالشَّأْنُ الْکَبیرُ وَالشَّفاعَةُ الْمَقْبُولَةُ رَبَّنا آمَنّا بِما

بزرگ وشان بزرگتر وشفاعت پذیرفته شده پروردگارا گرویدیم ما بانچه

اَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاکْتُبْنا مَعَ الشّاهِدینَ رَبَّنا لا

فرستاده وپیروی کردیم پیغمبر را پس بنویس ما را با گواهان پروردگار ما کج

تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ اِذْ هَدَیْتَنا وَهَبْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَةً اِنَّکَ

مکن دلهای ما را بعد از راه نمودن تو ما را وببخش ما را از نزد خود رحمتی بدرستیکه

اَنْتَ الْوَهّابُ سُبْحانَ رَبِّنا اِنْ کانَ وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولاً یا

تو بخشنده پاکست پروردگار اگر باشد وعده پروردگار ما هر آینه کرده شده ای

وَلِیَّ اللهِ اِنَّ بَیْنی وَبَیْنَ اللهِ عَزَّوَجَلَّ ذُنُوباً لا یَأْتی عَلَیْها

دوست خدا بدرستیکه میان من ومیان خدای عز وجل گناهانیست که نیاید بر آنها محو

اِلاّ رِضاکُمْ فَبِحَقِّ مَنِ ائْتَمَنَکُمْ عَلی سِرِّهِ وَاسْتَرْعاکُمْ اَمْرَ خَلْقِهِ

مگر خوشنودی شما پس بحرمت آنکه امین کرد شما را بر راز خود وطلب کرد از شما امر خلق او را

وَقَرَنَ طاعَتَکُمْ بِطاعَتِهِ لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبی وَکُنْتُمْ

وقرین کرد شما را بطاعت خود که طلب بخشش کنید از خدا گناهان را و باشید

گویند که بعضی گفته‌اند که سوره والضحی والم نشرح را نیز بخوانند ودر جواهر التوحید است که کسیکه بخواهد در خواب ببیند مطلب خود را بخواند قبل از خوابیدن هر یک از این سوره‌ها را هفت مرتبه والشمس واللیل والتین اخلاص قل اعوذ برب الفلق قل اعوذ برب الناس و بخوابد با طهارت در مکان پاکی و بقبله بر دست راست خود یعنی همچنانکه در لحد گذاشته میشود بخوابد و نیت کند مطلب خود را که در شب اول نبیند در شبهای بعد واز هفت شب تجاوز نمیکند گفته شده مجربست هیچ همی ونیز در خلاصة الاذکار است که از حضرت زهرا صلوات الله علیها روایت

شُفَعائی فَاِنّی لَکُمْ مُطیعٌ مَنْ اَطاعَکُمْ فَقَدْ اَطاعَ اللهَ وَمَنْ

شفیعان من پس من شما را منقادم هر که فرمان برد شما را بتحقیق فرمان برده خدا را وهر که

عَصاکُمْ فَقَدْ عَصَی اللهَ وَمَنْ اَحَبَّکُمْ فَقَدْ اَحَبَّ اللهَ وَمَنْ اَبْغَضَکُمْ

نافرمانی کند شما را بتحقیق نافرمانی کرده خدا را وهر که دوست دارد شما را بتحقیق دوست داشته خدا را وهر که دشمن دارد شما را

فَقَدْ اَبْغَضَ اللهَ اَللّٰهُمَّ اِنّی لَوْ وَجَدْتُ شُفَعاءَ اَقْرَبَ اِلَیْکَ مِنْ

بتحقیق دشمن داشته خدا را خدایا من اگر می یافتم شفاعت کننده نزدیکتر بتو از

مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهِ الْاَخْیارِ الْاَئِمَّةِ الْاَبْرارِ لَجَعَلْتُهُمْ شُفَعائی

محمد وخانواده او که نیکان پیشوایان نیکوکارانند کردانیدم ایشان را شفیعان خودم

فَبِحَقِّهِمُ الَّذی اَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَیْکَ اَسْئَلُکَ اَنْ تُدْخِلَنی فی جُمْلَةِ

پس بحرمت ایشان که واجب کرده برایشان بر خودت سؤال میکنم تو را اینکه داخل کنی مرا در زمره

الْعارِفینَ بِهِمْ وَبِحَقِّهِمْ وَفی زُمْرَةِ الْمَرْحُومینَ بِشَفاعَتِهِمْ اِنَّکَ

عارفان بایشان وبحق ایشان ودر گروه رحم کرده شده بشفاعت ایشان بدرستیکه

اَرْحَمُ الرّاحِمینَ وَصَلَّی اللهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرینَ وَسَلَّمَ

تو رحم کننده‌ترین رحم کنندگانی ورحمت خدا بر محمد وآل او که پاکانند ودرود

تَسْلیماً کَثیراً وَحَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الْوَکیلُ مؤلف گوید که این زیارت کامل

فراوان بسیار وبس است ما را خدا وخوب کارگذاریست ترین زیاراتست از برای زیارت

ودور وچون عمده منظور در این رساله زیارت بعیداست زیارت وداع را ذکر نکردیم وچون این زیارت مشتمل است بر مجملی از جمیع احادیثی که در مناقب ائمه علیهم السلام وارد شده است اگر در هفته بلکه در هر روز این زیارت را بخوانند وتدبر وتفکر در معانی آن بکنند موافق آنچه فقیر مجملا ترجمه کرده ووالد مرحوم علیه الرحمه مفصلا شرح نموده برای کمال معرفت ایشان بسیار نافع خواهد بود وعمده ارکان ایمان معرفت ایشانست علیهم السلام وزیارات حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه بطریق بسیار منقول شده ودر کتاب تحفة الزائر ذکر کرده‌ام ودر این مقام زیارت مختصری با تجدید عهد امامت وولایت آن حضرت علیه السلام ایراد مینمائیم که امام خود را پیوسته زیارت نمایند واز برکات هدایات آن حضرت بهره مند گردند سید بن طاوس علیه الرحمه ذکر کرده است که مستحب است هر روز بعد از نماز صبح حضرت صاحب الامر صلوات الله وسلامه علیه را چنین زیارت کنند

اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ مَوْلایَ صاحِبَ الزَّمانِ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِ
خدایا برسان مولای ما صاحب الزمان را رحمتهای خدا براو

عَنْ جَميعِ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ في مَشارِقِ الْاَرْضِ وَمَغارِبِها
از همه مردان گرونده و زنان گرونده در مشرقهای زمین و مغربهای زمین

بَرِّها وَبَحْرِها وَسَهْلِها وَجَبَلِها حَيِّهِمْ وَمَيِّتِهِمْ وَعَنْ والِدَيَّ
صحراهاآن و دریاها و هموارها و کوهها زنده ایشان و مرده ایشان و از پدر و مادر من

وَوُلْدي وَعَنّي مِنَ الصَّلَواتِ وَالتَّحِيّاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللهِ
و فرزندان من و از من از رحمتها و درودها هم‌وزن عرش خدا

وَمِدادَ كَلِماتِهِ وَمُنْتَهى رِضاهُ وَعَدَدَ ما اَحْصاهُ كِتابُهُ وَ
و مقدار سخنان او و غایت خوشنودی او و شماره آنچه شمرده شده در کتاب او و

اَحاطَ بِهِ عِلْمُهُ اَللّٰهُمَّ اُجَدِّدُ لَهُ في هٰذَا الْيَوْمِ وَفي كُلِّ يَوْمٍ
فرو گرفته باو دانش او خدایا تازه میکنم برای او در این روز و در هر روز

عَهْداً وَعَقْداً وَبَيْعَةً لَهُ في رَقَبَتي اَللّٰهُمَّ كَما شَرَّفْتَني بِهٰذَا
پیمانی و عقدی و بیعتی او را در گردن خودم خدایا همچنانکه شرافت دادی مرا باین

التَّشْريفِ وَفَضَّلْتَني بِهٰذِهِ الْفَضيلَةِ وَخَصَصْتَني بِهٰذِهِ النِّعْمَةِ
شرافت و زیادتی دادی مرا باین زیادتی و مخصوص ساختی مرا باین نعمت

فَصَلِّ عَلىٰ مَوْلايَ وَسَيِّدي صاحِبِ الزَّمانِ وَاجْعَلْني مِنْ
پس رحمت کن بر مولا و سید ما صاحب الزمان و بگردان مرا از

اَنْصارِهِ وَاَشْياعِهِ وَالذّابّينَ عَنْهُ وَاجْعَلْني مِنَ الْمُسْتَشْهَدينَ
یاری کنندگان و پیروان او و دفع کننده مکاره از او و بگردان مرا از آنکه حاضر کرده شده

بَيْنَ يَدَيْهِ طائِعاً غَيْرَ مُكْرَهٍ فِي الصَّفِّ الَّذي نَعَتَّ اَهْلَهُ في كِتابِكَ
در پیش دست او فرمانبردار غیر مجبور در صف خود که وصف کرده او را در کتاب خود

فَقُلْتَ صَفّاً كَاَنَّهُمْ بُنْيانٌ مَرْصُوصٌ عَلىٰ طاعَتِكَ وَطاعَةِ رَسُولِكَ
و گفته صفا گویا ایشان بنیانی اند محکم بر طاعت تو و طاعت پیغمبر تو

وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلامُ اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ بَيْعَةٌ لَهُ في عُنُقي اِلىٰ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ
و آل او بر ایشان درود خدایا این پیمانی است برای او در گردن من تا روز قیامت

وببند

و بسند معتبر از حضرت صادق منقولست که هرکه چهل صباح این عهد را بخواند از یاوران قائم ما باشد و اگر پیش از ظهور آنحضرت بمیرد خدا او را از قبر بیرون آورد که در خدمت آنحضرت باشد و حقتعالی بهر کلمه هزار حسنه او را کرامت فرماید و هزار گناه او را محو کند و آن عهد اینست

اَللّٰهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظيمِ وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفيعِ وَرَبَّ
خدایا ای پروردگار نور بزرگ و پروردگار کرسی بلند و پروردگار

الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ وَمُنْزِلَ التَّوْرٰيةِ وَالْاِنْجيلِ وَالزَّبُورِ وَرَبَّ الظِّلِّ
دریای مملو و فرستنده توریة و انجیل و زبور و پروردگار سایه

وَالْحَرُورِ وَمُنْزِلَ الْقُرْآنِ الْعَظيمِ وَرَبَّ الْمَلٰئِكَةِ الْمُقَرَّبينَ وَالْاَنْبِياءِ
و باد گرم و فرستنده قرآن بزرگ و پروردگار فرشتگان نزدیکان و پیغمبران

الْمُرْسَلينَ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَريمِ وَبِنُورِ وَجْهِكَ
فرستاده شدگان خدا من سؤال میکنم تو را بذات بزرگوار تو و بنور ذات روشن

الْمُنيرِ وَمُلْكِكَ الْقَديمِ يا حَيُّ يا قَيُّومُ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي اَشْرَقَتْ
روشن و پادشاهی تو که دیرینه است ای زنده ای قیوم میخوانم تو را بنام تو که روشن است

بِهِ السَّمٰواتُ وَالْاَرَضُونَ وَبِاسْمِكَ الَّذي يَصْلَحُ بِهِ الْاَوَّلُونَ وَ
بآن آسمانها و زمینها و باسم تو که اصلاح یابد بآن حال پیشینیان و

الْآخِرُونَ يا حَيّاً قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ وَيا حَيّاً بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ وَيا حَيّاً حينَ لا
پسینیان ای زنده پیش از هر زنده و ای زنده بعد از هر زنده ای زنده هنگامیکه

حَيَّ يا مُحْيِيَ الْمَوْتىٰ وَمُميتَ الْاَحْياءِ يا حَيُّ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اَللّٰهُمَّ
زنده ای زنده کننده مردها و میراننده زنده‌ها ای زنده که نیست خدائی مگر تو خدایا

بَلِّغْ مَوْلانَا الْاِمامَ الْهادِيَ الْمَهْدِيَّ الْقائِمَ بِاَمْرِكَ صَلَواتُ اللهِ
برسان مولای ما پیشوای راه نماینده من راه یافته که قائم است بامر تو رحمت خدا

عَلَيْهِ وَعَلىٰ آبائِهِ الطّاهِرينَ وَعَنْ جَميعِ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ في
براو و بر آباء او که پاکانند و از همه مؤمنین و مؤمنات در

مَشارِقِ الْاَرْضِ وَمَغارِبِها سَهْلِها وَجَبَلِها وَبَرِّها وَبَحْرِها وَ
شرقهای زمین و مغربهای آن هموارهای آن و کوههای آن و بیابانهای آن و دریاهای آن و

عَنّي وَعَنْ والِدَيَّ مِنَ الصَّلَواتِ زِنَةَ عَرْشِ اللهِ وَمِدادَ كَلِماتِهِ
از من و از پدر و مادرم از رحمتها هم‌وزن عرش خدا و مقدار کلمات او

وما

وَمَا اَحْصَاهُ عِلْمُهُ وَاَحَاطَ بِهِ كِتَابُهُ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اُجَدِّدُ لَهُ

وانچه شمرده اورا دانش او وفرو گرفته بان کتاب او خدایا من تازه میکنم برای او

فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هٰذَا وَمَا عِشْتُ مِنْ اَيَّامِي عَهْدًا وَعَقْدًا

در صبح این روز من اینکه زندگی کنم از روزهای عهدم وعقد

وَبَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي لَا اَحُولُ عَنْهَا وَلَا اَزُولُ اَبَدًا اَللّٰهُمَّ

وبیعت مراورا در گردن من میگردم ازان ونمیشود زایل هرگز خدایا

اجْعَلْنِي مِنْ اَنْصَارِهِ وَاَعْوَانِهِ وَالذَّابِّينَ عَنْهُ وَالْمُسَارِعِينَ

بگردان مرا از یاران او ومددکاران او ودفع کنندگان از او وشتاب کنندگان

اِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَالْمُمْتَثِلِينَ لِاَوَامِرِهِ وَنَوَاهِيهِ وَالْمُحَامِينَ

بسوی او درادای حاجات او وگردن نهندگان برای امر او ونواهی او ومنع کنندگان

عَنْهُ وَالسَّابِقِينَ اِلَى اِرَادَتِهِ وَالْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ اَللّٰهُمَّ

از او وپیشی گیرندگان بسوی خواهش او وحاضر شدگان در پیش روی او خدایا

فَاِنْ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ

پس اگر حایل شود میان من ومیان او مرگ که گردانیدی اورا بر بندگان خود

حَتْمًا مَقْضِيًّا فَاَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَزِرًا كَفَنِي شَاهِرًا سَيْفِي

واجب مقضی پس بیرون بیاور مرا از قبر من ازار گیرنده کفن خود را برهنه کننده شمشیر را

مُجَرِّدًا قَنَاتِي مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي

از غلاف نیزه خود را اماده شده اجابت کننده خواننده در حاضر وبادیه نشین

اَللّٰهُمَّ اَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَالْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ وَاكْحُلْ نَاظِرَتِي بِنَظْرَةٍ

خدایا بنما ان دیدار شایسته راه یافته را وان روشنائی ستوده را وسرمه کش دیده مرا بنگاه

مِنِّي اِلَيْهِ وَعَجِّلْ فَرَجَهُ وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ وَاَوْسِعْ مَنْهَجَهُ

کردن از من بسوی او وشتاب کن گشایش او را واسان کن بیرون اوردن او را وفراخ کن طریق اورا

وَاسْلُكْ بِي مَحَجَّتَهُ وَاَنْفِذْ اَمْرَهُ وَاشْدُدْ اَزْرَهُ وَقَوِّ ظَهْرَهُ

وروان کن مرا براه راست او وروان کن امر او را وسخت کن بازوی او را وقوی کن پشت او را

وَاعْمُرِ اللّٰهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ وَاَحْيِ بِهِ عِبَادَكَ فَاِنَّكَ قُلْتَ

معمور کن خدایا باو بلاد خود را وزنده کن باو بندگان خود را پس تو گفته

وَقَوْلُكَ الْحَقُّ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ اَيْدِي

وگفتار تو راست است ظاهر است فساد در صحرا ودریا بانچه کسب کرد دستهای

النَّاسِ فَاَظْهِرِ اللّٰهُمَّ لَنَا وَلِيَّكَ وَابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمُسَمّٰى

مردم پس ظاهر ساز خدایا برای ما دوست خود را وپسر دختر پیغمبر خود که نامیده است

بِاسْمِ رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ

باسم پیغمبرت رحمتهای تو براو وال او در دنیا واخرت

حَتّٰى لَا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ اِلَّا مَزَّقَهُ وَيُحِقَّ اللّٰهُ بِهِ الْحَقَّ

تا انکه نرسد بچیزی از باطل مگر انکه زایل کند وثابت کند خدا باو حق را

وَيُحَقِّقَهُ اَللّٰهُمَّ وَاجْعَلْهُ اللّٰهُمَّ مَفْزَعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ

ومحکم گرداند او را خدایا وبگردان او را خدایا پناه برای ستمدیده از بندگان خود

وَنَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ وَمُجَدِّدًا لِمَا عُطِّلَ مِنْ

ویاری کننده برای کسیکه نیافت او را یاری کننده غیر تو وتازه کننده انچه را معطل مانده از

اَحْكَامِ كِتَابِكَ وَمُشَيِّدًا لِمَا وَرَدَ مِنْ اَعْلَامِ دِينِكَ وَسُنَنِ

احکام کتاب تو وبلند کننده انچه را که وارد شده از نشانهای دین تو وطریقه‌های

نَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَاجْعَلْهُ اللّٰهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنْتَهُ

پیغمبر تو رحمت خدا براو وال او وبگردان او را خدایا از انکه حفظ کردی او را

مِنْ بَاْسِ الْمُعْتَدِينَ اَللّٰهُمَّ وَسُرَّ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

از ترس سرکشان خدایا وشاد کن پیغمبر خود را محمد رحمت خدا براو

وَاٰلِهِ بِرُؤْيَتِهِ وَمَنْ تَبِعَهُ عَلٰى دَعْوَتِهِ وَارْحَمِ اسْتِكَانَتَنَا

وال او بدیدن وپیروی کردن او بر دعوت او ورحم کن زاری ما را

مِنْ بَعْدِهِ اَللّٰهُمَّ اكْشِفْ هٰذِهِ الْغُمَّةَ عَنْ هٰذِهِ الْاُمَّةِ بِحُضُورِهِ

از بعد او خدایا بردار این غم را از این امت بحاضر شدن او

وَعَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ اِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَنَرَاهُ قَرِيبًا بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ

وشتاب کن برای ما ظاهر شدن او را بدرستیکه ایشان می‌بینند او را دور ومی‌بینیم او را نزدیک برحمت تو ای ارحم

الرَّاحِمِينَ پس سه مرتبه دست بر ران راست الْعَجَلَ الْعَجَلَ يَا مَوْلَايَ

رحم کنندگان میزنی ودر هر مرتبه میگوئی العجل العجل ای مولای من

یا صاحب الزمان **و اما دعای ندبه** که مشتملست
ای صاحب الزمان . بر عقاید حقه و تاسف بر غیبت حضرت قائم صلوات الله
علیه بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سنتست که این
دعای ندبه را در چهار عید بخوانند یعنی در روز جمعه و عید فطر و عید قربان و عید غدیر

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ وَلَهُ الْحَمْدُ رَبِّ الْعالَمینَ وَصَلَّی
... که نیست خدائی مگر او ومراوراست حمد پروردگار جهانیان ودرحمت
اللّٰهُ عَلی مُحَمَّدٍ نَبِیِّهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلیماً اَللّٰهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ عَلی ما جَری
خدا بر محمد پیغمبر او وال او ودرود باد درودی گفتنی خدایا مر توراست حمد بر انچه جاری شد
بِهِ قَضاؤُکَ فی اَوْلِیائِکَ الَّذینَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِکَ وَدینِکَ اِذِ
باو حکم تو در دوستان تو انانکه خالص گردانیدی ایشانرا برای ذات تو ودین تو چون
اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزیلَ ما عِنْدَکَ مِنَ النَّعیمِ الْمُقیمِ الَّذی لا زَوالَ لَهُ
برگزیدی برای ایشان فراوان از انچه نزد تست از نعمت ثابت که نیست زوال اورا
وَلَا اضْمِحْلالَ بَعْدَ اَنْ شَرَطْتَ عَلَیْهِمُ الزُّهْدَ فی دَرَجاتِ هٰذِهِ
ونیست اضمحلال پس ازانکه شرط کردی برایشان بی رغبتی را در درجات این
الدُّنْیَا الدَّنِیَّةِ وَزُخْرُفِها وَزِبْرِجِها فَشَرَطُوا لَکَ ذٰلِکَ وَعَلِمْتَ
دنیای پست وزینتان وارایشان پس شرط کردند مر تورا ان ودانستی
مِنْهُمُ الْوَفاءَ بِهِ فَقَبِلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ وَقَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّکْرَ الْعَلِیَّ
ازایشان وفا نمودن بانرا پس قبول کردی ونزدیک کردی ایشانرا وپیش داشتی برای ایشان یاد بلندرا
وَالثَّناءَ الْجَلِیَّ وَاَهْبَطْتَ عَلَیْهِمْ مَلائِکَتَکَ وَکَرَّمْتَهُمْ بِوَحْیِکَ
وستایش اشکارا وفرود فرستادی برایشان فرشتگان خودرا وگرامی داشتی ایشانرا بوحی خود
وَرَفَدْتَهُمْ بِعِلْمِکَ وَجَعَلْتَهُمُ الذَّرایِعَ اِلَیْکَ وَالْوَسیلَةَ اِلی
وبخشش کردی ایشانرا بدانش خود وگردانیدی ایشانرا وسیلهها بسوی خود ووسیله بسوی
رِضْوانِکَ فَبَعْضٌ اَسْکَنْتَهُ جَنَّتَکَ اِلی اَنْ اَخْرَجْتَهُ مِنْها وَبَعْضٌ
خوشنودی خود پس بعضیرا ساکن کردی در بهشت خود تا انکه بیرون اوردی اورا ازان وبرخی را
حَمَلْتَهُ فی فُلْکِکَ وَنَجَّیْتَهُ وَمَنْ آمَنَ مَعَهُ مِنَ الْهَلَکَةِ بِرَحْمَتِکَ
بارکردی در کشتی خود ورهانیدی اورا وانانرا که ایمن کردند با او از هلاکت برحمت خود

وبعض

وَبَعْضٌ اتَّخَذْتَهُ لِنَفْسِکَ خَلیلاً وَسَئَلَکَ لِسانَ صِدْقٍ فِی الْآخِرینَ
وبرخی را فراگرفتی اورا برای ذات خود دوست وسؤال کرد تورا بزبان راست در پسینیان
فَاَجَبْتَهُ وَجَعَلْتَ ذٰلِکَ عَلِیّاً وَبَعْضٌ کَلَّمْتَهُ مِنْ شَجَرَةٍ تَکْلیماً
پس اجابت کردی وگردانیدی انرا بلند وبرخی را سخن گفتی از درخت سخن گفتنی
وَجَعَلْتَ لَهُ مِنْ اَخیهِ رِدْءاً وَوَزیراً وَبَعْضٌ اَوْلَدْتَهُ مِنْ غَیْرِ اَبٍ
وگردانیدی اورا از برادرش یاور ووزیر وبرخی را فرزند دادی از غیر پدر
وَآتَیْتَهُ الْبَیِّناتِ وَاَیَّدْتَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَکُلٌّ شَرَعْتَ لَهُ
وداده اورا معجزهها وقوت دادی اورا بروح القدس وبرای هریک راهی برای او
شَریعَةً وَنَهَجْتَ لَهُ مِنْهاجاً وَتَخَیَّرْتَ لَهُ اَوْصِیاءَ مُسْتَحْفِظاً بَعْدَ
بشریعتی واشکار نمودی برای او راه نمودی واختیار کردی برای او جانشینها محافظت کننده بعد
مُسْتَحْفِظٍ مِنْ مُدَّةٍ اِلی مُدَّةٍ اِقامَةً لِدینِکَ وَحُجَّةً عَلی عِبادِکَ
محافظت کننده از زمانی تا زمانی برپاداشتن مر دین را وبرهانی بر بندگان تو
وَلِئَلّا یَزُولَ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ وَیَغْلِبَ الْباطِلُ عَلی اَهْلِهِ وَلا
وتا اینکه زایل نشود حق از قرارگاه او وغالب نگردد باطل بر اهلش وتا اینکه
یَقُولَ اَحَدٌ لَوْلا اَرْسَلْتَ اِلَیْنا رَسُولاً مُنْذِراً وَاَقَمْتَ لَنا عَلَماً
نگوید کسی که چرا نفرستادی بسوی ما پیغمبر ترساننده وبپا دار برای ما دانشی
هادِیاً فَنَتَّبِعَ آیاتِکَ مِنْ قَبْلِ اَنْ نَذِلَّ وَنَخْزی اِلی اَنِ انْتَهَیْتَ
راه نموده تورا پس پیروی کنیم ایات تورا از پیش انکه خوار ورسوا گردیم تا انکه رسانیدی
بِالْاَمْرِ اِلی حَبیبِکَ وَنَجیبِکَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ فَکانَ
کاررا بدوست خود وبرگزیده خود محمد رحمت خدا براو وال او پس بود
کَمَا انْتَجَبْتَهُ سَیِّدَ مَنْ خَلَقْتَهُ وَصَفْوَةَ مَنِ اصْطَفَیْتَهُ وَاَفْضَلَ
چنانکه برگزیدی اورا اقای هرکه افریدی وبرگزیده هرکه برگزیدی اورا وبهتر
مَنِ اجْتَبَیْتَهُ وَاَکْرَمَ مَنِ اعْتَمَدْتَهُ قَدَّمْتَهُ عَلی اَنْبِیائِکَ وَ
هرکه اختیار کرده اورا وبزرگتر هرکه اعتماد کردی اورا پیش داشتی بر پیغمبران خود و
بَعَثْتَهُ اِلَی الثَّقَلَیْنِ مِنْ عِبادِکَ وَاَوْطَأْتَهُ مَشارِقَکَ وَمَغارِبَکَ
برانگیختی اورا بسوی جن وانس از بندگان خود وبی سپر کردی اورا مشرقها ومغربهای خودرا

وسخرت

وسخرت له البراق وعرجت بروحه الی سمائك واودعته

ورام کردی برای او براق را وبالا بردی بسبب روح او جسمش را باسمان خود وبیمودی اورا

علم ما کان وما یکون الی انقضاء خلقك ثم نصرته بالرعب

دانش انچه بوده ومی باشد تا منقضی شدن خلق تو پس یاری کردی اورا بخوف

وحففته بجبرئیل ومیکائیل والمسومین من ملائکتك و

وفرو گرفتی اورا بجبرئیل ومیکائیل وعلامات داران از فرشتگان خود و

وعدته ان تظهر دینه علی الدین کله ولو کره المشرکون

وعده دادی اورا اینکه غالب کنی دین اورا بر همه دینها همگان واگرچه کراهت دارند مشرکان

وذلك بعد ان بوأته مبوأ صدق من اهله وجعلت له

واینست پس از آنکه جای دادی اورا جایگاه ثابت از اهل او وگردانیدی اورا

ولهم اول بیت وضع للناس للذی ببکة مبارکا وهدی

وایشانرا اول خانه که نهاده شده برای مردمان هر اینه آن خانه مبارکست که بمکه است هدایت

للعالمین فیه آیات بینات مقام ابرهیم ومن دخله کان

برای جهانیان در آنست نشانهای روشن جای ابرهیم وهر که داخل آن شد

امنا وقلت انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت

ایمن است وگفته تو جز این نیست که میخواهد خدا تا ببرد از شما گناه را ای خانواده رسالت

ویطهرکم تطهیرا وجعلت اجر محمد صلواتك علیه واله

وپاك گرداند شمارا پاك کردنی وگردانیدی اجر محمد را رحمتهای تو بر او وآل او

مودتهم فی کتابك فقلت قل لا اسئلکم علیه اجرا الا

دوستی ایشانرا در کتاب خود پس گفته تو که نمیخواهم از شما بر تبلیغ رسالت مزدی مگر

المودة فی القربی وقلت ما سئلتکم من اجر فهو لکم وقلت

دوستی شمارا در نزدیکان من وگفته خواستم از شما بر تبلیغ رسالت پس او مر شمارا وگفته

ما اسئلکم علیه من اجر الا من شاء ان یتخذ الی ربه سبیلا

نخواستم از شما بر تبلیغ رسالت هیچ مزدی مگر کسیکه خواهد اینکه فرا گیرد بسوی پروردگارش راهی

فکانوا هم السبیل الیك والمسلك الی رضوانك فلما انقضت

پس هستند ایشان راه وصول بسوی تو وجاده بسوی خوشنودی تو پس چون بپایان رسید

ایامه اقام ولیه علی بن ابیطالب صلواتك علیهما والهما

روزگار او نصب کرد دوست خود علی پسر ابیطالب را رحمتهای تو بر آن دو وآل آن دو

هادیا اذ کان هو المنذر ولکل قوم هاد فقال والملاء

راه نما چون بود او بیم کننده وبرای هر طایفه راهنما پس گفت وحال آنکه بزرگان

امامه من کنت مولاه فعلی مولاه اللهم وال من والاه و

روبرو بودند هر که را هستم مولا پس علی مولای اوست خدایا دوست دار آنکه دوست دارد اورا

عاد من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله وقال من

ودشمن دار آنکه دشمن دارد اورا ویاری کن اورا هر که یاری کند اورا وخوار کن آنرا که خوار کند اورا وگفته هر که را

کنت انا نبیه فعلی امیره وقال انا وعلی من شجرة واحدة

هستم من پیغمبرش پس علی پادشاه اوست وگفت من وعلی از درخت واحدیم

وسایر الناس من شجر شتی واحله محل هرون من موسی

وباقی ادمیان از درختهای مختلف وفرود آورد اورا جای هارون از موسی

فقال له انت منی بمنزلة هرون من موسی الا انه لا نبی

پس گفت اورا تو نسبت بمن بمنزله هرونی از موسی مگر اینکه نیست پیغمبری

بعدی وزوجه ابنته سیدة نساء العالمین واحل له من

بعد از من وزن داد اورا دختر خود خاتون زنان جهانیان وحلال کردی برای او از

مسجده ما حل له وسد الابواب الا بابه ثم اودعه علمه

مسجد خود انچه حلال کرد برای خود وبست درهای خانه‌ها را مگر در او وپس پیمود اورا دانش

وحکمته فقال انا مدینة العلم وعلی بابها فمن اراد الحکمة

وحکمت پس گفت منم شهر دانش وعلی در آن شهر است پس هر که خواهد دانش را

فلیأتها من بابها ثم قال له انت اخی ووصیی ووارثی

پس بیاید از در آن شهر پس گفت مر اورا تو برادر منی وجانشین من ووارث من

لحمك من لحمی ودمك من دمی وسلمك سلمی وحربك

گوشت تو از گوشت منست وخون تو از خون من است وصلح تو صلح من است وجنگ تو

حربی والایمان مخالط لحمك ودمك کما خالط لحمی ودمی

جنگ من است وایمان مخلوط است بگوشت تو وخون تو چنانکه مخلوط است بگوشت من وخون من

وَاَنْتَ غَداً عَلَى الْحَوْضِ خَلِيفَتِي وَاَنْتَ تَقْضِي دَيْنِي وَتُنْجِزُ

ونو فردا بر حوض جانشین منی ونو ادا میکنی قرض مرا ودروا میکنی

عِدَاتِي وَشِيعَتُكَ عَلَى مَنَابِرَ مِنْ نُورٍ مُبْيَضَّةً وُجُوهُهُمْ

وعده های مرا وپیروان تو بر منبرها از نور باشند وحال انکه سفید باشد روهای ایشان

حَوْلِي فِي الْجَنَّةِ وَهُمْ جِيرَانِي وَلَوْلَا اَنْتَ يَا عَلِيُّ لَمْ يُعْرَفِ الْمُؤْمِنُونَ

گرداگرد من در بهشت وایشان همسایگان منند واگر نبودی تو ای علی شناخته نمی‌شدند مؤمنان

بَعْدِي وَكَانَ بَعْدَهُ هُدًى مِنَ الضَّلَالِ وَنُوراً مِنَ الْعَمَى وَ

بعد از من وبود بعد از او هدایت کننده از گمراهی وروشنی دهنده از کوری و

حَبْلَ اللهِ الْمَتِينَ وَصِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمَ لَا يُسْبَقُ بِقَرَابَةٍ فِي رَحِمٍ

ریسمان محکم خدا وراه او که راست است پیش گرفته نشود بخویشی درخویشی

وَلَا بِسَابِقَةٍ فِي دِينٍ وَلَا يُلْحَقُ فِي مَنْقَبَةٍ مِنْ مَنَاقِبِهِ يَحْذُو

وبیشی گیرنده او را در دین ونرسد در فضیلتی از فضایل او رفتار کرده

حَذْوَ الرَّسُولِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا وَيُقَاتِلُ عَلَى التَّأْوِيلِ

مانند رفتار پیغمبر رحمت خدا بر ان دو وال ان دو وکارزار کرد بر تاویل قران

وَلَا تَأْخُذُهُ فِي اللهِ لَوْمَةُ لَائِمٍ قَدْ وَتَرَ فِيهِ صَنَادِيدَ الْعَرَبِ

وفرا نگرفت او را در راه خدا ملامت ملامت کننده دربخت درراه خدا خون رؤسای عرب را

وَقَتَلَ اَبْطَالَهُمْ وَنَاهَشَ ذُؤْبَانَهُمْ وَاَوْدَعَ قُلُوبَهُمْ اَحْقَاداً

وکشت دلیران عرب را ودام کرد دزدان عرب را وامانت گذاشت دلهای ایشان را کینه‌های ایشان

بَدْرِيَّةً وَخَيْبَرِيَّةً وَحُنَيْنِيَّةً وَغَيْرَهُنَّ فَاَضَبَّتْ عَلَى عَدَاوَتِهِ

از بدر وخیبر وحنین وغیر انها پس قیام نمودند بر دشمنی او

وَاَكَبَّتْ عَلَى مُنَابَذَتِهِ حَتَّى قَتَلَ النَّاكِثِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَ

وهجوم کردند بر مقاتله او تا انکه کشت پیمان شکنان را وستمکاران را و

الْمَارِقِينَ وَلَمَّا قَضَى نَحْبَهُ وَقَتَلَهُ اَشْقَى الْاَشْقِيَاءِ مِنَ الْاَوَّلِينَ

خوارج را وچون بپایان رسید نوبت او وکشت او را بدبخت‌ترین بدبختان از پیشینیان

وَالْآخِرِينَ يَتْبَعُ اَشْقَى الْاَوَّلِينَ لَمْ يُمْتَثَلْ اَمْرُ رَسُولِ اللهِ صَلَّى

وپسینیان پیروی نمودند بدبخت‌ترین پیشینیان بجا اورده نشد فرمان پیغمبر خدا رحمت

الله

اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْهَادِينَ بَعْدَ الْهَادِينَ وَالْاُمَّةُ مُصِرَّةٌ

خدا بر او وال او در راه نمایان بعد از راه نمایان وامت پنهان کننده بودند

عَلَى مَقْتِهِ مُجْتَمِعَةٌ عَلَى قَطِيعَةِ رَحِمِهِ وَاِقْصَاءِ وُلْدِهِ اِلَّا

بر دشمنی او فراهم کننده بودند بر بریدن رحم او ودور کرداننده فرزندان او مگر

الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفَى لِرِعَايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ وَسُبِيَ

کمی از انکه وفا کرد مر رعایت حق را در ایشان پس کشته شد انکه کشته شد واسیر شد

مَنْ سُبِيَ وَاُقْصِيَ مَنْ اُقْصِيَ وَجَرَى الْقَضَاءُ لَهُمْ بِمَا يُرْجَى لَهُ

انکه اسیر شد ودور شد انکه دور شد وروان شد تقدیر ایشان بانچه امید داشته باشد

حُسْنُ الْمَثُوبَةِ اِذْ كَانَتِ الْاَرْضُ لِلّٰهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

نیکوئی ثواب زیرا که باشد زمین برای خدا میراث انرا که خواهد دهد از بندگانش

وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَسُبْحَانَ رَبِّنَا اِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولاً

وعاقبت مر پرهیزکاران است وپاکست پروردگار ما اگر باشد وعده پروردگار ما هر اینه کرده شده

وَلَنْ يُخْلِفَ اللهُ وَعْدَهُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ فَعَلَى الْاَطَائِبِ مِنْ

وهرگز خلاف نمیکند خدا وعده خود را واوست غالب درست کردار پس بر پاکان از

اَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا فَلْيَبْكِ الْبَاكُونَ

خانواده محمد وعلی رحمت خدا بر ان دو وال ان دو پس گریه کند گریه کنندگان

وَاِيَّاهُمْ فَلْيَنْدُبِ النَّادِبُونَ وَلِمِثْلِهِمْ فَلْتُذْرَفِ الدُّمُوعُ وَلْيَصْرُخِ

وایشان را پس باید نوحه کند نوحه کنندگان وماننده ایشان پس باید روان شود اشکها وباید شیون کنند

الصَّارِخُونَ وَيَضِجَّ الضَّاجُّونَ وَيَعِجَّ الْعَاجُّونَ اَيْنَ الْحَسَنُ وَ

شیون کنندگان وناله کنند ناله کنندگان وفریاد زنند فریاد کنندگان کجاست حسن و

اَيْنَ الْحُسَيْنُ وَاَيْنَ اَبْنَاءُ الْحُسَيْنِ صَالِحٌ بَعْدَ صَالِحٍ وَصَادِقٌ

کجاست حسین وکجایند فرزندان حسین شایسته بعد از شایسته وراستگوی

بَعْدَ صَادِقٍ اَيْنَ السَّبِيلُ بَعْدَ السَّبِيلِ اَيْنَ الْخِيَرَةُ بَعْدَ الْخِيَرَةِ

بعد از راستگوی کجاست راه راست بعد از راه راست کجاست برگزیده پس از برگزیده

اَيْنَ الشُّمُوسُ الطَّالِعَةُ اَيْنَ الْاَقْمَارُ الْمُنِيرَةُ اَيْنَ الْاَنْجُمُ الزَّاهِرَةُ

کجاست افتاب طلوع کننده کجاست ماههای روشن کننده کجاست ستاره‌های رخشنده

این

أَيْنَ أَعْلَامُ الدِّينِ وَقَوَاعِدُ الْعِلْمِ أَيْنَ بَقِيَّةُ اللهِ الَّتِي لَا تَخْلُوا

کجاست نشانهای دین واساسهای دانش کجاست باقیمانده خدا که خالی نباشد

مِنَ الْعِتْرَةِ الطَّاهِرَةِ أَيْنَ الْمُعَدُّ لِقَطْعِ دَابِرِ الظَّلَمَةِ أَيْنَ الْمُنْتَظَرُ

از عترت طاهره کجاست ان مهیا شده برای بریدن بنیاد ستمکاران کجاست چشم داشته

لِإِقَامَةِ الْأَمْتِ وَالْعِوَجِ أَيْنَ الْمُرْتَجَى لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ

برای راست کردن بلند و کج کجاست امید برداشته شده برای زایل شدن ستم و سرکشی

أَيْنَ الْمُدَّخَرُ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ أَيْنَ الْمُتَخَيَّرُ لِإِعَادَةِ

کجاست ذخیره کرده شده برای تازه کردن واجبات و سنن کجاست برگزیده شده برای گردانیدن

الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ أَيْنَ الْمُؤَمَّلُ لِإِحْيَاءِ الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ أَيْنَ

کیش و مذهب کجاست آرزو داشته شده برای زنده کردن کتاب وحکمهای او کجاست

مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِهِ أَيْنَ قَاصِمُ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ أَيْنَ

زنده سازنده نشانهای دین واهل ان کجاست شکننده شوکت ستمکاران کجاست

هَادِمُ أَبْنِيَةِ الشِّرْكِ وَالنِّفَاقِ أَيْنَ مُبِيدُ أَهْلِ الْفُسُوقِ وَ

خراب کننده بناهای شرک و نفاق کجاست هلاک سازنده بد کاران و

الْعِصْيَانِ أَيْنَ حَاصِدُ فُرُوعِ الْغَيِّ وَالشِّقَاقِ أَيْنَ طَامِسُ آثَارِ

نافرمانان کجاست قطع کننده شاخهای گمراهی وبدبختی کجاست محو سازنده نشانهای

الزَّيْغِ وَالْأَهْوَاءِ أَيْنَ قَاطِعُ حَبَائِلِ الْكِذْبِ وَالْافْتِرَاءِ أَيْنَ

میل وخواهشها کجاست تازه کننده ریسمانهای دروغ و افتراء کجاست

مُبِيدُ الْعُتَاةِ وَالْمَرَدَةِ أَيْنَ مُسْتَأْصِلُ أَهْلِ الْعِنَادِ وَالتَّضْلِيلِ وَ

هلاک کننده از حد گذرندگان وگردن کشان کجاست ریشه کننده اهل ستیزه کاران وگم کننده و

الْإِلْحَادِ أَيْنَ مُعِزُّ الْأَوْلِيَاءِ وَمُذِلُّ الْأَعْدَاءِ أَيْنَ جَامِعُ الْكَلِمِ

بیدینان کجاست عزیز کننده دوستان وخوار کننده دشمنان کجاست فراهم اورنده سخنها

عَلَى التَّقْوَى أَيْنَ بَابُ اللهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى أَيْنَ وَجْهُ اللهِ الَّذِي

بر پرهیزکاری کجاست در درب خدا که شناسا از او آورده می‌شود کجاست روی خدا که

إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ أَيْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ أَهْلِ الْأَرْضِ

بسوی او رو آورند دوستان خدا کجاست دست آویز پیوسته میان اهل زمین

والسماء

وَالسَّمَاءِ أَيْنَ صَاحِبُ يَوْمِ الْفَتْحِ وَنَاشِرُ رَايَةِ الْهُدَى أَيْنَ

واسمان کجاست خداوند روز فتح و برافرازنده بیرق هدایت کجاست

مُؤَلِّفُ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَالرِّضَا أَيْنَ الطَّالِبُ بِذُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ

الفت دهنده پراکندگی شایستگی وخوشنودی کجاست طلب کننده خونهای پیغمبران

وَأَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ أَيْنَ الطَّالِبُ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَا أَيْنَ الْمَنْصُورُ

و پسرهای پیغمبران کجاست طلب کننده خون کشته شده بکربلا کجاست یاری کرده شده

عَلَى مَنِ اعْتَدَى عَلَيْهِ وَافْتَرَى أَيْنَ الْمُضْطَرُّ الَّذِي يُجَابُ

بر انکه زیادتی کند براو وبربافنده دروغ کجاست درمانده که اجابت کرده شود

إِذَا دَعَى أَيْنَ صَدْرُ الْخَلَائِقِ ذُو الْبِرِّ وَالتَّقْوَى أَيْنَ ابْنُ

چون بخواند خدا را کجاست پیشوایان افریدگان صاحب نیکی وپرهیزکاری کجاست پسر

النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى وَابْنُ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى وَابْنُ خَدِيجَةَ الْغَرَّاءِ وَ

پیغمبر برگزیده شده وپسر علی مرتضی وپسر خدیجه پیشانی سفید و

ابْنُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ الْكُبْرَى بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي وَنَفْسِي

پسر فاطمه زهراء بزرگ ترزنان بپدرم و ومادرم وخودم

لَكَ الْوِقَاءُ وَالْحِمَى يَا ابْنَ السَّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ يَا ابْنَ النُّجَبَاءِ

مر ترا بجان خواهنده وحمایت کننده‌ام ای پسر بزرگان نزدیکان ای پسر برگزیدگان

الْأَكْرَمِينَ يَا ابْنَ الْهُدَاةِ الْمُهْتَدِينَ يَا ابْنَ الْخِيَرَةِ الْمُهَذَّبِينَ

بزرگواران ای پسر راه نماینده راه یافته شدگان ای پسر اختیار کرده شده پاک شدگان

يَا ابْنَ الْغَطَارِفَةِ الْأَنْجَبِينَ يَا ابْنَ الْخَضَارِمَةِ الْمُنْتَجَبِينَ يَا ابْنَ

ای پسر بخشندگان برگزیده شدگان ای پسر بخشندگان نجیبان ای پسر

الْقَمَاقِمَةِ الْأَكْرَمِينَ يَا ابْنَ الْأَطَائِبِ الْمُطَهَّرِينَ يَا ابْنَ الْبُدُورِ

مهتران بزرگان ای پسر پاکیزگان بزرگان ای پسر ماههای تمام

الْمُنِيرَةِ يَا ابْنَ السُّرُجِ الْمُضِيئَةِ يَا ابْنَ الشُّهُبِ الثَّاقِبَةِ يَا ابْنَ

نوربخشنده ای پسر چراغهای نور ده ای پسر ستاره‌های درخشان ای پسر

الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ يَا ابْنَ السُّبُلِ الْوَاضِحَةِ يَا ابْنَ الْأَعْلَامِ اللَّائِحَةِ

ستاره‌های درخشان ای پسر راههای ظاهر ای پسر نشانه‌های پیدا

یابن

يَابْنَ الْعُلُومِ الْكَامِلَةِ يَابْنَ السُّنَنِ الْمَشْهُورَةِ يَابْنَ الْمَعَالِمِ
ای پسر علمهای تمام ای پسر طریقه‌های مشهور ای پسر نشانه‌های

الْمَأْثُورَةِ يَابْنَ الْمُعْجِزَاتِ الْمَوْجُودَةِ يَابْنَ الدَّلَائِلِ الْمَشْهُودَةِ
ذکر شده ای پسر معجزه‌های ثابت ای پسر راه نماینده‌های شهادت داده شده

يَابْنَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ يَابْنَ النَّبَإِ الْعَظِيمِ يَابْنَ مَنْ هُوَ فِي أُمِّ
ای پسر راه راست ای پسر خبر بزرگ ای پسر آنکه اوست در لوح

الْكِتَابِ لَدَى اللهِ عَلِيٌّ حَكِيمٌ يَابْنَ الْآيَاتِ وَالْبَيِّنَاتِ يَابْنَ
محفوظ نزد خدای بلند مرتبه درستکردار ای پسر نشانه‌ها و معجزه‌ها ای پسر

الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ يَابْنَ الْبَرَاهِينِ الْوَاضِحَاتِ الْبَاهِرَاتِ
دلیلهای روشن ای پسر برهانهای روشنها آشکارا

يَابْنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَاتِ يَابْنَ النِّعَمِ السَّابِغَاتِ يَابْنَ طٰهٰ وَالْمُحْكَمَاتِ
ای پسر برهانهای رسا ای پسر نعمتهای تمام کامل ای پسر طه و آیات محکم

يَابْنَ يٰسٓ وَالذَّارِيَاتِ يَابْنَ الطُّورِ وَالْعَادِيَاتِ يَابْنَ مَنْ دَنٰى
ای پسر یس و والذاریات ای پسر طور و والعادیات ای پسر آنکه نزدیک شد

فَتَدَلّٰى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ اَوْ اَدْنٰى دُنُوًّا وَاقْتِرَابًا
پس نهایت نزدیک شد پس بود نزدیکی او باندازه یا نزدیکتر نزدیکتری و قربی

مِنَ الْعَلِيِّ الْاَعْلٰى لَيْتَ شِعْرِي اَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوٰى
از مرتبه بلند کاش دانستمی که بکدام جهة قرار گرفته بتو قصد و نیت

بَلْ اَيُّ اَرْضٍ تُقِلُّكَ اَوْ ثَرٰى اَبِرَضْوٰى اَمْ غَيْرِهَا اَمْ ذِي طُوًى عَزِيزٌ
بعید دارد ترا با کدام خاک برداشته ایا بخوشنودی یا غیر خوشنودی یا صاحب طوی گرانست

عَلَيَّ اَنْ اَرَى الْخَلْقَ وَلَا تُرٰى وَلَا اَسْمَعُ لَكَ حَسِيسًا وَ
برمن اینکه ببینم خلق را و تو دیده نشوی و نشنوم مر ترا آوازی که شنیده شود

لَا نَجْوٰى عَزِيزٌ عَلَيَّ اَنْ لَا تُحِيطَ بِي دُونَكَ الْبَلْوٰى وَلَا
و نه رازی گرانست برمن آنکه فرا نگیرد بمن غیر از تو زحمت و نرسد

يَنَالُكَ مِنِّي ضَجِيجٌ وَلَا شَكْوٰى بِنَفْسِي اَنْتَ مِنْ مُغَيَّبٍ لَمْ يَخْلُ
مر ترا از من فریادرسی و نه شکایتی فدای تو گردم پنهان گردیده غافل نیست

منا

ای ارض

فلا تنتصر ان الذين خرجوا من ديارهم
وهم الوف حذر الموت
فقال لهم الله موتوا
فماتوا اخرجوا منها
فانك رجيم فخرج منها
خائفا يترقب سبحان
الذي اسرى بعبده
ليلا من المسجد الحرام
الى المسجد الاقصى كانهم
يوم يرونها لم يلبثوا
الا عشية او ضحيها
فاخرجناهم من جنات
وعيون وزروع و
مقام كريم ونعمة
كانوا فيها فاكهين
فما بكت عليهم السماء
والارض وما كانوا
منظرين اخرج منها
فما يكون لك ان تتكبر
فيها فاخرج انك من
الصاغرين اخرج منها
مذؤما مدحورا
فلنأتينهم بجنود لا
قبل لهم ولنخرجنهم

مِنَّا بِنَفْسِي اَنْتَ مِنْ نَازِحٍ مَا نَزَحَ عَنَّا بِنَفْسِي اَنْتَ اُمْنِيَّةُ
از ما فدای تو گردم دوری که دور نمیکند از ما فدای تو گردم از دوری خواهشمندی

شَائِقٍ يَتَمَنّٰى مِنْ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ ذَكَرَا فَحَنَّا بِنَفْسِي اَنْتَ
که آرزو کنم از مؤمن و زن مؤمنه که یاد کنند پس مشتاق شوند فدای تو گردم

مِنْ عَقِيدِ عِزٍّ لَا يُسَامٰى بِنَفْسِي اَنْتَ مِنْ اَثِيلِ مَجْدٍ لَا يُجَارٰى
از بسته ارجمندیکه همسر کرده نشود فدای تو شوم از خداوند بزرگواریکه همراه رفته نشود

بِنَفْسِي اَنْتَ مِنْ تِلَادِ نِعَمٍ لَا تُضَاهٰى بِنَفْسِي اَنْتَ مِنْ نَصِيفِ
فدای تو شوم از فراهم آمده نعمتی که شناسا کرده نشود فدای تو شوم از همتهای

شَرَفٍ لَا يُسَاوٰى اِلٰى مَتٰى اَحَارُ فِيكَ يَا مَوْلَايَ وَاِلٰى مَتٰى وَ
شرفی که برابر کرده نشود تا کی تضرع کنم بسوی خدا درباره تو ای صاحب اختیار من و تا کی و

اَيَّ خِطَابٍ اَصِفُ فِيكَ وَاَيَّ نَجْوٰى عَزِيزٌ عَلَيَّ اَنْ اُجَابَ
بکدام خطاب وصف کنم ترا و کدام راز گرانست برمن آنکه جواب کرده شوم

دُونَكَ وَاُنَاغٰى عَزِيزٌ عَلَيَّ اَنْ اَبْكِيَكَ وَيَخْذُلَكَ الْوَرٰى عَزِيزٌ
غیر تو و گفتگو کرده شوم گرانست برمن آنکه بگریم بتو و وا گذارند ترا خلایق گرانست

عَلَيَّ اَنْ يَجْرِيَ عَلَيْكَ دُونَهُمْ مَا جَرٰى هَلْ مِنْ مُعِينٍ فَاُطِيلَ
برمن اینکه جاری شود غیر ایشان بر تو جز ایشان آنچه جاری شود آیا هیچ یاوری باشد دراز کنم

مَعَهُ الْعَوِيلَ وَالْبُكَاءَ هَلْ مِنْ جَزُوعٍ فَاُسَاعِدَ جَزَعَهُ اِذَا
با او فغان ناله و گریه آیا هست هیچ جزع‌کننده‌ای پس یاری کنم جزع او را چون

خَلَا هَلْ قَذِيَتْ عَيْنٌ فَسَاعَدَتْهَا عَيْنِي عَلَى الْقَذٰى هَلْ اِلَيْكَ
تنها شوم آیا برخورده شده است چشمی پس مدد کند او را چشم من برهم خوردگی را آیا هست بسوی تو

يَابْنَ اَحْمَدَ سَبِيلٌ فَتُلْقٰى هَلْ يَتَّصِلُ يَوْمُنَا مِنْكَ بِغَدِهٖ فَنَحْظٰى
ای پسر احمد هیچ راهی پس دیدار کرده شوی آیا رسد روز ما از تو بفردا پس حظ کنیم

مَتٰى نَرِدُ مَنَاهِلَكَ الرَّوِيَّةَ فَنَرْوٰى مَتٰى نَنْتَقِعُ مِنْ عَذْبِ
کی وارد شویم آبشخورهای لب ریز ترا پس سیراب شویم کی منتفع شویم از آب شیرین

مَائِكَ فَقَدْ طَالَ الصَّدٰى مَتٰى نُغَادِيكَ وَنُرَاوِحُكَ فَنَقَرَّ
آب بتحقیق دراز شد انتظار تشنگی کی بامداد ببینیم ترا و شام کنم با تو پس روشن

منها

ثم نبتهم وظاهرهم
لمیهم وافهم واحزم
چون چنین کند خدا بد
کالیان او وانگاه داد
دران روز از شر ایشان
از آسمان نازل می شود
وانچه بالا میرود بسوی
آسمان وانچه در زمین
فرو میرود وانچه بیرون
می آید از زمین و در
حوزه حمایت خدا باشد
دوستان خدا باشند

تا شام سی و هشتم
شیخ کفعمی از کتاب جمع
الشتات از حضرت صا
دق علیه السلام نقل کرده
که هرکه خواستی از ما
حدیثی نقل کنی و سلطان
توانا معونت داده
بگذارد و نشت خود را
بر جبهه خود و بگو
صلی الله علی محمد
وآله

اللهم انی اسئلک یا مدرک ... وفا علو الامر به ذکره ما الثانیه السلطان

مِنْها عُیُونُنا مَتی تَرانا وَنَراکَ وَقَدْ نَشَرْتَ لِواءَ النَّصْرِ تُری

شود دیده های ما کی میبینی ما را و میبینیم تو را بتحقیق افراشته شدی علم نصرت را نمایان با

اَتَرانا نَحُفُّ بِکَ وَاَنْتَ تَأُمُّ الْمَلَأَ وَقَدْ مَلَأْتَ الْاَرْضَ عَدْلاً

ایا می بینی که گرد اگرد توایم و تو قصد کنی تمام خلق را و بتحقیق پر کرده باشی زمین را از عدالت

وَاَذَقْتَ اَعْداءَکَ هَواناً وَعِقاباً وَاَبَرْتَ الْعُتاةَ وَجَحَدَةَ الْحَقِّ

و چشانیده باشی دشمنان تو را خواری و عقوبت و هلاک کرده باشی گردن کشان را و منکران حق را

وَقَطَعْتَ دابِرَ الْمُتَکَبِّرینَ وَاجْتَثَثْتَ اُصُولَ الظّالِمینَ وَنَحْنُ

و بریده باشی بنیاد متکبران را و پراکنده باشی ریشه های ستمکاران را و ما

نَقُولُ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمینَ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ کَشّافُ الْکُرَبِ وَ

میگوئیم سپاس مر خدا را پروردگار جهانیان است خدایا توئی زایل کننده اندوهها و

الْبَلْوی وَاِلَیْکَ اَسْتَعْدی فَعِنْدَکَ الْعَدْوی وَاَنْتَ رَبُّ

زحمت و بسوی تو یاری میجوئیم پس نزد تو است یاری و توئی پروردگار

الْاٰخِرَةِ وَالْاُولی فَاَغِثْ یا غِیاثَ الْمُسْتَغیثینَ عُبَیْدَکَ الْمُبْتَلی

آن جهان و این جهان پس فریاد رس ای فریاد رس فریاد طلبان بنده حقیر تو را افتاده ببلا

وَاَرِهِ سَیِّدَهُ یا شَدیدَ الْقُوی وَاَزِلْ عَنْهُ بِهِ الْاَسی وَالْجَوی

و بنما باو آقای او را ای سخت توانا و زایل کن از او ببرکت او حزن و اندوه و سوزش را

وَبَرِّدْ غَلیلَهُ یا مَنْ عَلَی الْعَرْشِ اسْتَوی وَمَنْ اِلَیْهِ الرُّجْعی

و سرد کن جوشش او را ای آنکه بر عرش مستولی است و کسیکه بسوی او است بازگشت

وَالْمُنْتَهی اَللّٰهُمَّ وَنَحْنُ عَبیدُکَ التّائِقُونَ اِلی وَلِیِّکَ الْمُذَکِّرِ

و غایت خدایا و ما ئیم بنده حقیر تو اشتیاق دارندگان و بسوی دوست تو که یاد آوری

بِکَ وَبِنَبِیِّکَ خَلَقْتَهُ لَنا عِصْمَةً وَمَلاذاً وَاَقَمْتَهُ لَنا قِواماً

کند بتو و به پیغمبر تو که آفریدی او را برای ما نگاه دارنده و پناه و برپا داشتی او را برای ما وسیله نقا

وَمَعاذاً وَجَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنینَ مِنّا اِماماً فَبَلِّغْهُ عَنّا تَحِیَّةً

و پناه و گردانیدی او را برای مؤمنین از ما پیشوا پس برسان او را از ما درود

وَسَلاماً وَزِدْنا بِذٰلِکَ یا رَبِّ اِکْراماً وَاجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنا

و سلام و زیاد کن بسبب آن برای ما ای پروردگار نوازش را و بگردان آرامگاه او را برای ما

مستقرا

ودر کتاب من لا یحضره الفقیه از حضرت صادق علیه السلام نقل است که کسی که بسیار مبتلا باشد بسهو و در نماز بسیار بگوید در وقتی که داخل خلا شود بسم الله اعوذ بالله من الرجس النجس الخبیث المخبث الشیطان الرجیم

مناجات خمس عشر لمولانا علی بن الحسین علیه السلام

علامه مجلسی ره در بحار فرموده که من یافتم این مناجات را مروی از حضرت در کتب بعض اصحاب رضوان الله علیهم

المناجاة الاولی مناجاة التائبین

بسم الله الرحمن الرحیم الهی البستنی الخطایا ثوب مذلتی وجللنی التباعد منک لباس مسکنتی وامات قلبی عظیم جنایتی فاحیه بتوبة منک یا املی وبغیتی ویا سؤلی ومنیتی فوعزتک ما اجد لذنوبی سواک غافرا ولا اری لکسری غیرک جابرا وقد خضعت بالانابة الیک وعنوت بالاستکانة لدیک فان طردتنی من بابک فبمن الوذ وان رددتنی عن جنابک فبمن اعوذ

مُسْتَقَرّاً وَمُقاماً وَاَتْمِمْ لَنا نِعْمَتَکَ بِتَقْدیمِکَ اِیّاهُ اَمامَنا

آرامگاه و جایگاه و تمام کن برای ما نعمت خود را به پیش داشتن تو او را پیش ما

حَتّی تُورِدَنا جِنانَکَ وَمُرافَقَةَ الشُّهَداءِ مِنْ خُلَصائِکَ

تا وارد کنی ما را در بهشتهای خود و رفاقت کن با شهیدان از بندگان خالص خود

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی حُجَّتِکَ وَوَلِیِّ اَمْرِکَ وَصَلِّ عَلی جَدِّهِ مُحَمَّدٍ

خدایا رحمت فرست بر برهان و دوست امر خود و رحمت فرست بر جد او محمد

رَسُولِکَ السَّیِّدِ الْاَکْبَرِ وَصَلِّ عَلی عَلِیٍّ اَبیهِ السَّیِّدِ الْقَسْوَرِ

فرستاده تو آقای بزرگ و رحمت فرست بر علی پدر او آقای شیر شال

وَحامِلِ اللِّواءِ فِی الْمَحْشَرِ وَساقی اَوْلِیائِهِ مِنْ نَهْرِ الْکَوْثَرِ وَ

و بردارنده بیرق در روز محشر و آب دهنده دوستان او از جوی کوثر و

الْاَمیرِ عَلی سائِرِ الْبَشَرِ الَّذی مَنْ اٰمَنَ بِهِ فَقَدْ ظَفَرَ وَمَنْ لَمْ

پادشاه بر همه آدمیان و آنچنان کسیکه گروید باو پس بتحقیق فیروزی یافت و هر که

یُؤْمِنْ بِهِ فَقَدْ خَطَرَ وَکَفَرَ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَعَلی اَخیهِ وَعَلی

نگروید باو پس بتحقیق مشرف شد بهلاکت و کفر رحمت خدا بر او و بر برادر او و بر

نَجْلِهِمَا الْمَیامینِ الْغُرَرِ ما طَلَعَتْ شَمْسٌ وَما اَضاءَ قَمَرٌ وَعَلی

دو فرزند نشان که برکت داده شد مادامیکه برآید آفتاب و مادامیکه روشنی بخشد ماه و بر

جَدَّتِهِمَا الصِّدّیقَةِ الْکُبْری فاطِمَةَ الزَّهْراءِ بِنْتِ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفی

جده او راستگوی بزرگوار فاطمه درخشنده دختر محمد مصطفی

وَعَلی مَنِ اصْطَفَیْتَ مِنْ اٰبائِهِ الْبَرَرَةِ وَعَلَیْهِ اَفْضَلَ وَاَکْمَلَ

و بر آنکه برگزیدی از پدران نیکوکاران او و بر او بهتر و کاملتر

وَاَتَمَّ وَاَدْوَمَ وَاَکْبَرَ وَاَکْثَرَ وَاَوْفَرَ ما صَلَّیْتَ عَلی اَحَدٍ مِنْ

و تمامتر و همیشه تر و بزرگتر و بیشتر و فراوانتر آنچه رحمت فرستی بر یکی از

اَصْفِیائِکَ وَخِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ وَصَلِّ عَلَیْهِ صَلوٰةً لا غایَةَ

برگزیدگان خود و اختیار شدگان از آفریدگان تو و رحمت کن بر او رحمتی که نباشد او را

لِعَدَدِها وَلا نِهایَةَ لِمَدَدِها وَلا نَفادَ لِاَمَدِها اَللّٰهُمَّ وَاَقِمْ

پایانی از برای شماره و نه آخری برای مددان و نه نهایتی در مدت آن خدایا و برپا دار

به

فوا اسفاه من خجلتی وافتضاحی ووالهفاه من سوء عملی واجتراحی اسئلک یا غافر الذنب الکبیر ویا جابر العظم الکسیر ان تهب لی موبقات الجرائر وتستر علی فاضحات السرائر ولا تخلنی فی مشهد القیامة من برد عفوک وغفرک ولا تعرنی من جمیل صفحک وسترک الهی ظلل علی ذنوبی غمام رحمتک وارسل علی عیوبی سحاب رافتک الهی هل یرجع العبد الآبق الا الی مولاه ام هل یجیره من سخطه احد سواه الهی ان کان الندم علی الذنب توبة فانی وعزتک من النادمین وان کان الاستغفار من الخطیئة حطة فانی لک من المستغفرین لک العتبی حتی ترضی الهی بقدرتک علی تب علی وبحلمک عنی اعف عنی وبعلمک بی ارفق بی الهی انت الذی فتحت لعبادک بابا الی عفوک سمیته التوبة فقلت توبوا الی الله توبة نصوحا فما

بِهِ الْحَقَّ وَادْحَضْ بِهِ الْباطِلَ وَاَذِلَّ بِهِ اَوْلِیاَئَكَ وَاَذْلِلْ
ببسبب او حق را و نابود کن بسبب او باطل را و دلالت کن باو دوستانت را و ذلیل کن

بِهِ اَعْدآئَكَ وَصِلِ اللّٰهُمَّ بَیْنَنا وَبَیْنَهُ وُصْلَةً تُؤَدّی اِلی
بسبب او دشمنانت را و پیوسته دار مارا خدایا میان ما و میان او را پیوستگی برساند بسوی

مُرافَقَةِ سَلَفِهِ وَاجْعَلْنا مِمَّنْ یَأْخُذُ بِحُجْزَتِهِمْ وَیَمْكُثُ فی
رفاقت پدران او و بگردان ما را از آنکه فرا گیرند بامان ایشان و آرام گیرند در

ظِلِّهِمْ وَاَعِنّا عَلی تَأْدِیَةِ حُقُوقِهِ اِلَیْهِ وَالْاِجْتِهادِ فی طاعَتِهِ
سایه ایشان و یاری ده ما را بر رسانیدن حقهای او بسوی او و کوشش کردن در فرمانبرداری او

وَالْاِجْتِنابِ عَنْ مَعْصِیَتِهِ وَامْنُنْ عَلَیْنا بِرِضاهُ وَهَبْ لَنا رَأْفَتَهُ
و دوری کردن از نافرمانی او و منت گذار بر ما بخوشنودی او و ببخش برای ما مهربانی

وَرَحْمَتَهُ وَدُعائَهُ وَخَیْرَهُ ما نَنالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ وَ
و بخشش او و دعای او و خیر او را آنچه برسیم باو بسبب وسعت از رحمت خود و

فَوْزاً عِنْدَكَ وَاجْعَلْ صَلاتَنا بِهِ مَقْبُولَةً وَذُنُوبَنا بِهِ مَغْفُورَةً
فیروزی از نزد خود و بگردان نماز ما را بسبب آن پذیرفته و گناهان ما را بسبب آن آمرزیده شده

وَدُعاءَنا بِهِ مُسْتَجاباً وَاجْعَلْ اَرْزاقَنا بِهِ مَبْسُوطَةً وَهُمُومَنا بِهِ
و دعای ما را بسبب آن اجابت شده و بگردان روزیهای ما را بسبب او پهن کرده شده و اندوههای ما را بسبب آن

مَكْفِیَّةً وَحَوائِجَنا بِهِ مَقْضِیَّةً وَاَقْبِلْ اِلَیْنا بِوَجْهِكَ الْكَریمِ
رفع شده و حاجتهای ما را بسبب آن روا شده و بپذیر برای ما بذات کرامی خود

وَاقْبَلْ تَقَرُّبَنا اِلَیْكَ وَانْظُرْ اِلَیْنا نَظْرَةً رَحیمَةً نَسْتَكْمِلُ بِهَا
و بپذیر نزدیک بودن ما را بسوی خود و بنگر بسوی ما نگریستن با مهربانی که کامل کنیم بآن

الْكَرامَةَ عِنْدَكَ ثُمَّ لا تَصْرِفْها عَنّا بِجُودِكَ وَاسْقِنا مِنْ حَوْضِ
کرامت را نزد تو پس بازنگردان آنرا از ما ببخشش خود و سیراب کن ما را از حوض

جَدِّهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ بِكَأْسِهِ وَبِیَدِهِ رَیّاً رَوِیّاً هَنیئاً سائِغاً
جد او رحمت خدا بر او و آل او بجام او و بدست او سیراب کامل گوارا خوش آینده

لا ظَمَأَ بَعْدَهُ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ وَ اَمّا طریق صلوات فرستادن برایشان
که نباشد تشنگی پس از او ای رحم کننده ترین رحم کنندگان شیخ طوسی ره بسند معتبر روایت کرده است که عبد الله

الثانية مناجاة الشاكين بسم الله الرحمن الرحيم الهي اليك اشكو نفسا بالسوء امارة والى الخطيئة مبادرة وبمعاصيك مولعة ولسخطك متعرضة تسلك بي مسالك المهالك وتجعلني عندك اهون هالك

ابن محمد كفی که من سؤال کردم از حضرت امام حسن عسکری که املا نماید بر من کیفیت صلوات فرستادن
بر رسول خدا و اوصیاء آنحضرت را و با خود حاضر کرده بود کاغذ را پس بر من املا فرمود بی آنکه از

کتابی املا کند اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما حَمَلَ وَحْیَكَ
باین نحو خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد چنانکه برداشت وحی تو را

وَبَلَّغَ رِسالاتِكَ وَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ كَما اَحَلَّ حَلالَكَ وَحَرَّمَ
و رسانید پیغام تو را و رحمت فرست بر محمد چنانکه حلال کرده حلال تو را و حرام کرد

حَرامَكَ وَعَلَّمَ كِتابَكَ وَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ كَما اَقامَ الصَّلوٰةَ
حرام تو را و آموزانید کتاب تو را و رحمت کن بر محمد چنانکه برپا داشت نماز را

وَآتَی الزَّكوٰةَ وَدَعا اِلی دینِكَ وَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ كَما صَدَّقَ
و داد زکوة را و خواند مردم را بدین تو و رحمت کن بر محمد چنانکه راست داشت

بِوَعْدِكَ وَاَشْفَقَ مِنْ وَعیدِكَ وَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ كَما غَفَرْتَ
وعده تو را و ترسانید مردم را بوعید جحیم تو و رحمت کن بر محمد چنانکه آمرزیدی

بِهِ الذُّنُوبَ وَسَتَرْتَ بِهِ الْعُیُوبَ وَفَرَّجْتَ بِهِ الْكُرُوبَ وَ
بآن گناهان را و پوشانیدی بآن عیبها را و گشودی بآن اندوهها را و

صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ كَما دَفَعْتَ بِهِ الشَّقاءَ وَكَشَفْتَ بِهِ الْغَمّاءَ وَ
رحمت کن بر محمد چنانکه دفع کردی بسبب او بدبختی را و برداشتی باو اندوهها را و

اَجَبْتَ بِهِ الدُّعاءَ وَنَجَّیْتَ بِهِ مِنَ الْبَلاءِ وَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ كَما
اجابت کردی باو دعاها را و نجات دادی باو از ما بلاها را و رحمت کن بر محمد چنانکه

رَحِمْتَ بِهِ الْعِبادَ وَاَحْیَیْتَ بِهِ الْبِلادَ وَقَصَمْتَ بِهِ الْجَبابِرَةَ
رحمت کردی بسبب او بندگان را و زنده کردی بسبب او شهرها را و در هم شکستی بآن گردنکشان را

وَاَهْلَكْتَ بِهِ الْفَراعِنَةَ وَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ كَما اَضْعَفْتَ بِهِ الْاَمْوالَ
و هلاک کردی باو ظالمان را و رحمت فرست بر محمد چنانکه دو چندان کردی باو مالها را

وَحَذَّرْتَ بِهِ مِنَ الْاَهْوالِ وَكَسَرْتَ بِهِ الْاَصْنامَ وَرَحِمْتَ بِهِ
و ترسانیدی بسبب او از شدائد و شکستی بآن بت‌ها را و رحم کردی باو

الْاَنامَ وَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما بَعَثْتَهُ بِخَیْرِ الْاَدْیانِ
مردمان را و رحمت کن بر محمد و آل محمد چنانکه برانگیختی او را به بهترین دین‌ها

الثالثة مناجاة الخائفين بسم الله الرحمن الرحيم

وَاَعْزَزْتَ بِهِ الْاِیمانَ وَتَبَّرْتَ بِهِ الْاَوْثانَ وَعَظَّمْتَ بِهِ

وارجمند کردی باو ایمانرا ودرهم شکستی باو بتهارا وبزرگ کردی باو

الْبَیْتَ الْحَرامَ وَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهِ الطّاهِرینَ

خانه محترم را ورحمت فرست بر محمد وال محمد واهل بیت او که پاکان

الْاَخْیارِ وَسَلِّمْ تَسْلیماً اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ عَلِیِّ بْنِ

پاکیزکانند ودرود کن درود کردنی خدایا رحمت فرست بر پادشاه کروندکان علی پسر

اَبیطالِبٍ اَخی نَبِیِّكَ وَوَلِیِّهِ وَوَصِیِّهِ وَوَزیرِهِ وَمُسْتَوْدَعِ

ابیطالب برادر پیغمبر تو وولی تو ووصی او ووزیر او وقرارگاه

عِلْمِهِ وَمَوْضِعِ سِرِّهِ وَبابِ حِکْمَتِهِ وَالنّاطِقِ بِحُجَّتِهِ وَالدّاعی

دانش او ومکان سر او ودر حکمت او وگوینده برهان او وخواننده

اِلی شَریعَتِهِ وَخَلیفَتِهِ فی اُمَّتِهِ وَمُفَرِّجِ الْکَرْبِ عَنْ وَجْهِهِ

بسوی طریقه او وجانشین او در امت او وبردارنده اندوهها از روی

قاصِمِ الْکَفَرَةِ وَمُرْغِمِ الْفَجَرَةِ الَّذی جَعَلْتَهُ مِنْ نَبِیِّكَ

برهم شکننده کفر وخوار کننده بدکاران انکه گردانیدی او را از پیغمبر خود

بِمَنْزِلَةِ هرُونَ مِنْ مُوسی اَللّهُمَّ والِ مَنْ والاهُ وَعادِ مَنْ عاداهُ

بمنزله هرون از موسی خدایا دوست دار انکه دوست دارد او را ودشمن دار انکه دشمن دارد

وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ وَالْعَنْ مَنْ نَصَبَ لَهُ مِنَ

ویاری کن انرا که یاری کند او را وخوار کن انرا که خوار کرد او را ونفرین کن انرا که دشمنی کردند او را از

الْاَوَّلینَ وَالْآخِرینَ وَصَلِّ عَلَیْهِ اَفْضَلَ ما صَلَّیْتَ عَلی اَحَدٍ

اولین واخرین ورحمت کن بر انکه او بهتر از انچه رحمت فرستادی بر یکی

مِنْ اَوْصِیاءِ اَنْبِیائِكَ یا رَبَّ الْعالَمینَ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَی

از جانشینهای پیمبرانت ای پروردگار جهانیان خدایا رحمت فرست بر

الصِّدّیقَةِ فاطِمَةَ الزَّکِیَّةِ حَبیبَةِ حَبیبِكَ وَاُمِّ اَحِبّائِكَ

زن راستگو فاطمه پاکیزه دوست داشته شده حبیب تو ومادر دوستان تو

وَاَصْفِیائِكَ الَّتِی انْتَجَبْتَها وَفَضَّلْتَها وَاخْتَرْتَها عَلی نِساءِ الْعالَمینَ

وبرگزیدگان تو که برگزیده او را وزیادتی دادی او را واختیار کردی او را بر زنهای جهانیان

اَللّهُمَّ کُنِ الطّالِبَ لَها مِمَّنْ ظَلَمَها وَاسْتَخَفَّ بِحَقِّها وَکُنِ الثّائِرَ

خدایا باش طلب کننده مراد او را از انکه ستم کرد او را وسبک شمرد حق او را وباش خونخواه

اَللّهُمَّ بِدَمِ اَوْلادِها اَللّهُمَّ وَکَما جَعَلْتَها اُمَّ اَئِمَّةِ الْهُدی

خدایا بخون فرزندان او بار خدایا وچنانکه گردانیدی او را مادر پیشوایان راه نما

وَحَلیلَةَ صاحِبِ اللِّواءِ وَالْکَریمَةَ عِنْدَ الْمَلَاءِ الْاَعْلی

وزن صاحب بیرق حمد وبزرگوار نزد بزرگان برتر

فَصَلِّ عَلَیْها وَعَلی اُمِّها صَلوةً تُکْرِمُ بِها وَجْهَ اَبیها مُحَمَّدٍ

پس رحمت فرست بر او وبر مادر او رحمتی که گرامی دارد بان روی پدر او محمد

صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَتُقِرُّ بِها اَعْیُنَ ذُرِّیَّتِها وَاَبْلِغْهُمْ عَنّی

رحمت خدا بر او وال او وروشن کن بسبب او چشمهای فرزندان او را وبرسان ایشان را از من

فی هذِهِ السّاعَةِ اَفْضَلَ التَّحِیَّةِ وَالسَّلامِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَی

در این ساعت بهترین درود وسلام خدایا رحمت فرست بر

الْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ عَبْدَیْكَ وَوَلِیَّیْكَ وَابْنَیْ رَسُولِكَ وَ

حسن وحسین دو بنده تو ودو دوست تو ودو پسر رسول تو و

سِبْطَیِ الرَّحْمَةِ وَسَیِّدَیْ شَبابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ اَفْضَلَ ما صَلَّیْتَ

دو نبیره رحمت ودو اقای جوانان اهل بهشت بهترین انچه رحمت فرستادی

عَلی اَحَدٍ مِنْ اَوْلادِ النَّبِیّینَ وَالْمُرْسَلینَ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَی

بر یکی از اولاد پیغمبران وفرستادگان خدایا رحمت فرست بر

الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ سَیِّدِ النَّبِیّینَ وَوَصِیِّ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ اَلسَّلامُ

حسن پسر علی اقای پیغمبران وجانشین پادشاه مؤمنان درود

عَلَیْكَ یَا بْنَ رَسُولِ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یَا بْنَ سَیِّدِ الْوَصِیّینَ

بر تو ای پسر رسول خدا درود بر تو ای پسر اقای جانشینان

اَشْهَدُ اَنَّكَ یَا بْنَ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ اَمینُ اللّهِ وَابْنُ اَمینِهِ عِشْتَ

شهادت میدهم که ای پسر امیر مؤمنان امانت دار خدا وپسر امین خدا زندگی کردی

مَظْلُوماً وَمَضَیْتَ شَهیداً وَاَشْهَدُ اَنَّكَ الْاِمامُ الزَّکِیُّ

ستم رسیده ودرگذشتی کشته شده وشهادت میدهم که تو امام پاک

الهادی المهدیّ اللّهمّ صلّ علیه وبلّغ روحه وجسده
راه یافته راه نمائی خدایا رحمت فرست براو وبرسان روح اورا وجسد اورا

عنّی فی هذه الساعة افضل التّحیّة والسلام اللّهمّ
ازمن در این ساعت بهترین درود وسلام خدایا

صلّ علی الحسین بن علیّ المظلوم الشّهید قتیل الکفرة
رحمت فرست بر حسین پسر علی ستم رسیده شهید شده کشته شده کافران

وطریح الفجرة والسلام علیک یا ابا عبد الله السلام علیک
وافکنده شده بدکاران و درود برتو ای پدر بنده خدا درود برتو

یابن رسول الله السلام علیک یابن امیر المؤمنین اشهد
ای پسر فرستاده خدا درود برتو ای پسر پادشاه مؤمنان گواهی میدهم

موقناً انّک امین الله وابن امینه قتلت مظلوماً ومضیت
یقین دارنده ام که تو امین خدا وپسر امین اوئی کشته شده ستم رسیده ودرگذشته

شهیداً واشهد انّ الله تعالی الطّالب بثارک ومنجز ما
شهید وشهادت میدهم که خدای تعالی طلب کننده خون تست وبجا آورنده است

وعدک من النّصر والتّأیید فی هلاک عدوّک واظهار
آنچه وعده کرده است تورا ازیاری وتوانائی دادن درهلاک کردن دشمن تو وهویدا کردن

دعوتک واشهد انّک وفیت بعهد الله وجاهدت فی سبیل
دعوت تو وشهادت میدهم که تو وفا کردی بعهد خدا وجهاد کردی در راه

الله وعبدت الله مخلصاً حتّی اتیک الیقین لعن الله امّة
خدا وبندگی نمودی خدارا مخلص تا آمد تورا یقین لعنت کند خدا گروهی را

قتلتک ولعن الله امّة خذلتک ولعن الله امّة البت علیک
که کشتند تورا ولعنت کند خدا گروهی را که خوار کردند تورا ولعنت کند خدا گروهی را که جمع شدند برتو

وابرء الی الله تعالی ممّن اکذبک واستخفّ بحقّک واستحلّ
وبیزاری میجویم بسوی خدای متعال از آنکه دروغ نسبت داد تورا وسبک شمرد حق تورا وحلال کرد

دمک بابی انت وامّی یا ابا عبد الله لعن الله قاتلک ولعن
خون تورا پدر ومادرم فدای تو باد یا ابا عبد الله لعنت کند خدا کشنده تورا ولعنت کند

الله خاذلک ولعن الله من سمع واعیتک فلم یجبک ولم ینصرک
خدا خوار کننده تورا ولعنت کند خدا کسی را که شنید آواز تورا پس اجابت نکرد تورا ویاری نکرد تورا

ولعن الله من سبا نساءک انا الی الله منهم بریء وممّن
ولعنت کند خدا آنرا که اسیر کرد زنان تورا من بسوی خدا از ایشان بیزاری میجویم وازکسیکه

والاهم ومالاهم واعانهم علیه اشهد انّک والائمّة
دوست داشت آنهارا وپیروی ایشان ویاری ایشان کرد برضرر آن مظلوم گواهی میدهم که تو وفرزندان

من ولدک کلمة التّقوی وباب الهدی والعروة الوثقی
از اولاد تو که کلمهٔ پرهیزکاریند و در هدایت ودست آویز محکم

والحجّة علی اهل الدّنیا واشهد انّی بکم مؤمن وبمنزلتکم
وبرهان بر اهل دنیا وگواهی میدهم اینکه من بشما گرویده ام وبمنزلت شما

موقن ولکم تابع بذات نفسی وشرایع دینی وخواتیم عملی
یقین دارنده ام وشمارا پیروم بذات خودم وراههای دین خودم وآخرهای کار

ومنقلبی فی دنیای واخرتی اللّهمّ صلّ علی علیّ بن الحسین
وبازگشت خودم در دنیا وآخرتم خدایا رحمت فرست بر علی پسر حسین

سیّد العابدین الّذی استخلصته لنفسک وجعلت منه ائمّة
آقای عبادت کنندگان آنکه خالص گردانیدی اورا از برای نفس خودت وگردانیدی ازاو پیشوایان

الهدی الّذین یهدون بالحقّ وبه یعدلون اخترته لنفسک
هدایت را تا آنکه راه نمائی کنند بحق وباو میل میکنند برگزیدی اورا برای خود

وطهّرته من الرّجس واصطفیته وجعلته هادیاً مهدیّاً
وپاک کردی اورا از ناپاکی واختیار کردی اورا وگردانیدی اورا راه نمای راه یافتگان

اللّهمّ فصلّ علیه افضل ما صلّیت علی احد من ذرّیّة
خدایا پس رحمت فرست براو بهتر آنچه رحمت فرستادی بر یکی از فرزندان

انبیائک حتّی تبلغ به ما تقرّ به عینه فی الدّنیا والاخرة
پیغمبرانت تا آنکه رسانی باو آنچه روشن شود باو دیده او در دنیا وآخرت

انّک عزیز حکیم اللّهمّ صلّ علی محمّد بن علیّ باقر العلم وامام
بدرستیکه تو غالب درست کرداری خدایا رحمت فرست بر محمد پسر علی شکافنده علم وپیشوای

الهدى وقائد أهل التقوى والمنتجب من عبادك اللهم

هدایت و پیشرو اهل پرهیزکاری و برگزیده شده از بندگان تو خدایا

وكما جعلته علماً لعبادك ومناراً لبلادك ومستودعاً

و چنانکه گردانیدی ورا نشانه برای بندگانت و علامت برای شهرهایت و محل وصیت

لحكمتك ومترجماً لوحيك وأمرت بطاعته وحذرت من

برای حکم تو و تفسیر کننده برای وحی تو و امر کردی بفرمان برداری تو و ترساننده از

معصيته فصل عليه يا رب أفضل ما صليت على أحد من

نافرمانی او پس رحمت فرست بر او ای پروردگار من بهتر آنچه رحمت فرستادی بر یکی از

ذرية أنبيائك وأصفيائك ورسلك وأمنائك يا رب

فرزندان پیغمبرانت و برگزیدگانت و فرستادگانت و امانتدارانت ای پروردگار

العالمين اللهم صل على جعفر بن محمد الصادق خازن

جهانیان خدایا رحمت فرست بر جعفر پسر محمد راستگو خزینه دار

العلم الداعي إليك بالحق النور المبين اللهم وكما جعلته

دانش خواننده بسوی تو براستی روشن و هویدا خدایا و چنانکه گردانیدی

معدن كلامك ووحيك وخازن علمك ولسان توحيدك

او را معدن سخن خود و وحی خود و خزینه دار علم تو و زبان یکانگی تو

وولي أمرك ومستحفظ دينك فصل عليه أفضل ما صليت

و خداوند فرمان تو و نگاه دارنده دین تو پس رحمت فرست بهتر آنچه رحمت فرستادی

على أحد من أصفيائك وحججك إنك حميد مجيد اللهم صل

بر یکی از برگزیدگان خود و برهانهای خود بدرستیکه تو ستوده بزرگواری خدایا رحمت فرست

على الأمين المؤتمن موسى بن جعفر البر الوفي الطاهر الزكي

بر امانتدار معتمد موسی پسر جعفر نیکوکار وفادار پاک پاکیزه

النور المبين المجتهد المحتسب الصابر على الأذى فيك اللهم

روشن هویدا کوشش نماینده باخلاص شکیبا کننده بر آزارهای در راه تو خدایا

وكما بلغ عن آبائه ما استودع من أمرك ونهيك وحمل

و چنانکه رسانید از پدران خود آنچه سپرده شد از امر تو و نهی تو و برداشت

على المحجة وكابد أهل العزة والشدة فيما كان يلقى من

بر راه راست و تعب کشید از اهل غلبه و شدت در آنچه بود که میدید از

جهال قومه رب فصل عليه أفضل وأكمل ما صليت

بیخردان قوم او ای پروردگار رحمت فرست بر او بهتر و کاملتر از آنچه رحمت فرستادی

على أحد ممن أطاعك ونصح لعبادك إنك غفور رحيم

بر یکی از آنانکه اطاعت کردند ترا و پند داده بندگانت را بدرستیکه تو آمرزنده مهربانی

اللهم صل على علي بن موسى الذي ارتضيته ورضيت

خدایا رحمت فرست بر علی پسر موسی آنکه پسندیدی او را و خوشنود کردی

به من شئت من خلقك اللهم وكما جعلته حجة على خلقك

بآن او را کرخواستی از خلق خود خدایا و چنانکه گردانیدی او را حجت بر آفریدگانت

وقائماً بأمرك وناصراً لدينك وشاهداً على عبادك و

و بپا دارنده امر خود و یاری کننده مر دین خود و گواه بر بندگانت و

كما نصح لهم في السر والعلانية ودعا إلى سبيلك بالحكمة

چنانکه پند داد مر بندگانرا در نهان و آشکار و خواند بسوی راه خود بدانش

والموعظة الحسنة فصل عليه أفضل ما صليت على أحد

و پند نیکو پس رحمت فرست بر او بهتر آنچه رحمت کردی بر یکی

من أوليائك وخيرتك من خلقك إنك جواد كريم اللهم

از دوستان تو و برگزیدگان تو از آفریدگانت بدرستیکه تو بخشنده کریمی خدایا

صل على محمد بن علي بن موسى علم التقى ونور الهدى

رحمت فرست بر محمد پسر علی پسر موسی نشانه پرهیزکاری و نور هدایت

ومعدن الوفاء وفرع الأزكياء وخليفة الأوصياء

و معدن وفا و زاده پاکان و جانشین وصیها

وأمينك على وحيك اللهم وكما هديت به من الضلالة

و امانتدار تو بر وحی تو خدایا و چنانکه هدایت کردی بسبب او از گمراهی

واستنقذت به من الحيرة وأرشدت به من اهتدى وزكيت

و رهانیدی بسبب او از سرگردانی و راه نمودی بسبب او آنانرا که راه یافتند و پاک کردی

المناجاة الثانية مناجات الشاكين

بسم الله الرحمن الرحيم

بِهِ مَنْ تَزَكّٰى فَصَلِّ عَلَيْهِ اَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلٰى اَحَدٍ مِنْ

بسبب واو کرپاك شد پس رحمت فرست براو بهتر انچه رحمت فرستادی بر یکی از

اَوْلِيَائِكَ وَبَقِيَّةِ اَوْصِيَائِكَ اِنَّكَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

دوستان خود وباقیمانده جانشینان تو بدرستیکه تو غالب درست کرداری خدایا رحمت فرست

عَلٰى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَصِيِّ الْاَوْصِيَاءِ وَاِمَامِ الْاَتْقِيَاءِ وَخَلَفِ

بر علی پسر محمد جانشین اوصیاء وپیشوای پرهیزکاران وجانشین

اَئِمَّةِ الدِّينِ وَالْحُجَّةِ عَلَى الْخَلَائِقِ اَجْمَعِينَ اَللّٰهُمَّ كَمَا جَعَلْتَهُ

پیشوایان دین وبرهان بر افریدکان همه خدایا چنانکه کردانیدی اورا

نُورًا يَسْتَضِيءُ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ فَبَشَّرَ بِالْجَزِيلِ مِنْ ثَوَابِكَ وَ

نوری که روشنی جویند باو کروندکان پس مژده داد بوافر از ثواب تو و

اَنْذَرَ بِالْاَلِيمِ مِنْ عِقَابِكَ وَحَذَّرَ بَاْسَكَ وَذَكَّرَ بِآيَاتِكَ

ترسانید بدردناك از عقوبت تو وبیم نمود از سخت کرفتن تو ویادآوری کرد بآیات تو

وَاَحَلَّ حَلَالَكَ وَحَرَّمَ حَرَامَكَ وَبَيَّنَ شَرَائِعَكَ وَفَرَائِضَكَ

وحلال کرد حلال تورا وحرام کرد حرام تورا وظاهر ساخت دین تورا وواجبات تورا

وَحَضَّ عَلٰى عِبَادَتِكَ وَاَمَرَ بِطَاعَتِكَ وَنَهٰى عَنْ مَعْصِيَتِكَ

وتحریص کرد مر بندکان عبادت تورا وامر فرمود بطاعت تو ونهی کرد از معصیت تو

فَصَلِّ عَلَيْهِ اَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلٰى اَحَدٍ مِنْ اَوْلِيَائِكَ وَذُرِّيَّةِ

پس رحمت فرست براو بهتر انچه رحمت فرستادی بر یکی از دوستان خود وفرزندان

اَنْبِيَائِكَ يَا اِلٰهَ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ

پیغمبران تو ای پروردکار جهانیان خدایا رحمت فرست بر حسن پسر علی

الْبَرِّ التَّقِيِّ الصَّادِقِ الْوَفِيِّ النُّورِ الْمُضِيءِ خَازِنِ عِلْمِكَ وَالْمُذَكِّرِ

نیکو پرهیزکار راستکوی وفاکردار روشنی نوربخش خزینه دار دانش تو ویادآورنده

بِتَوْحِيدِكَ وَوَلِيِّ اَمْرِكَ وَخَلَفِ اَئِمَّةِ الدِّينِ الْهُدَاةِ الرَّاشِدِينَ

بتوحید تو وکارفرمای امر تو وجانشین پیشوایان دین راه نمایان راه یافتکان

وَالْحُجَّةِ عَلٰى اَهْلِ الدُّنْيَا فَصَلِّ عَلَيْهِ يَا رَبِّ اَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ

وبرهان بر اهل دنیا پس رحمت فرست براو ای پروردکار بهتر انچه رحمت فرستادی

عَلٰى اَحَدٍ مِنْ اَصْفِيَائِكَ وَحُجَجِكَ وَاَوْلَادِ رُسُلِكَ يَا اِلٰهَ

بر یکی از برکزیدکان تو وبرهانهای خود وفرزندان پیغمبران خود ای خدای

الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى وَلِيِّكَ وَابْنِ اَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ

جهانیان خدایا رحمت فرست بر دوست خود وپسر دوست خود انانکه

فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَاَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ وَاَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ

واجب کردی طاعت ایشانرا ولازم نمودی حق ایشانرا وپاك کردی از ایشان ناپاکی را

وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا اَللّٰهُمَّ انْصُرْهُ وَانْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ وَ

وپاك کردی ایشانرا پاك کردنی خدایا یاری ده اورا ویاری ده باو مر دین خود ترا و

انْصُرْ بِهِ اَوْلِيَاءَكَ وَاَوْلِيَاءَهُ وَشِيعَتَهُ وَاَنْصَارَهُ وَاجْعَلْنَا

یاری کن باو دوستانت را ودوستان اورا وپیروان اورا ویاران اورا وبکردان مارا

مِنْهُمْ اَللّٰهُمَّ اَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ

از ایشان خدایا پناه ده اورا از بدی هر ستمکاری وکردنکشی واز بدی همه افریدکانت

وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ

ونکاه دار اورا از پیش او واز پشت او واز راست او واز چپ او

وَاحْرُسْهُ وَامْنَعْهُ مِنْ اَنْ يُوصَلَ اِلَيْهِ بِسُوءٍ وَاحْفَظْ فِيهِ

وپاسبانی کن اورا وباز دار اورا از انکه برسد بسوی او بدی ونکاه دار در او

رَسُولَكَ وَآلَ رَسُولِكَ وَاَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَاَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ

پیغمبرت را وال پیغمبرت را وهویدا کن باو عدالت را وقوت ده اورا بیاری

وَانْصُرْ نَاصِرِيهِ وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ وَاقْصِمْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكَفَرَةِ

ویاری کن یاری کنندکان اورا وخوار کن خوار کنندکان اورا ودرهم شکن باو ستمکاران کفره را

وَاقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا

وبکش باو کافران ومنافقان را وهمه بی دینانرا هرجا که بودند

مِنْ مَشَارِقِ الْاَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَامْلَاْ بِهِ

در مشرقهای زمین ومغربهای زمین وخشکیها ودریاها وپرکن باو

الْاَرْضَ عَدْلًا وَاَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ

زمین را از عدل وهویدا کن بسبب او دین پیغمبرت را براو وال او درود

السابعة

مناجاة المطيعين لله

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم الهمنا طاعتك وجنبنا معصيتك ويسر لنا بلوغ ما نتمنى من ابتغاء رضوانك واحللنا بحبوحة جنانك واقشع عن بصائرنا سحاب الارتياب واكشف عن قلوبنا اغشية المرية والحجاب

وَاجْعَلْنِي اللّٰهُمَّ مِنْ اَنْصَارِهِ وَاَعْوَانِهِ وَاَتْبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ وَاَرِنِي
وبگردان مرا خدایا از یاران او ویاوران او وتابعان او وشیعه او وبنما مرا

فِي آلِ مُحَمَّدٍ مَا يَأْمُلُونَ وَفِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ اِلٰهَ الْحَقِّ آمِينَ
در آل محمد آنچه آرزو کنند ودر دشمن ایشان آنچه میترسند ای خدای حق بپذیر

باب دوازدهم

در بیان نمازهای واجبست که مخصوص روزی وماهی نیست ونمازهای سنّت که اختصاص بوقتی ندارد واعمالیکه بغیر ماههای عربی تعلّق دارند ودران هشت فصل است **فصل اوّل** در بیان نماز ایاتست بدانکه این نماز واجبست نزد کسوف آفتاب وخسوف ماه خواه کل بگیرند وخواه بعضی ودر زلزله که زمین بلرزد ومشهور آنستکه هر آیتی که از جانب آسمان نازل شود که موجب خوف غالب خلق گردد این نماز واجب میشود مانند بادهای بسیار شدید که برخلاف عادت باشد خواه رنگین باشد وخواه نباشد وصاعقه‌های عظیم ورعدهای بسیار شدید وتاریک شدن هوا وامثال اینها واین قول اقوی است وکیفیّت این نماز آنستکه قصد کند که نماز آفتاب گرفتن یا ماه گرفتن یا زلزله یا آیات میکنم ادا از جهت آنکه واجبست برای رضای خدا قربة الی الله پس تکبیر احرام بگوید وحمد ویکسوره بخواند پس رکوع کند پس سر بردارد وسنّت استکه در سر برداشتن الله اکبر بگوید پس حمد وسوره بخواند پس رکوع کند تا آنکه پنج رکوع بعمل آورد وازرکوع پنجم که سر بردارد سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ حَمِدَهُ بگوید واگر در رکعت اولی بعد از حمد بعضی از سوره بخواند وبرکوع رود بعد از سر برداشتن باقی سوره را بخواند اعادهٔ حمد نمیکند واگر سوره که پنج آیه باشد تفریق کند بر رکوعها بیل حمد که در رکوع اوّل خوانده اکتفا میتوان کرد وبهتر آنستکه بطریق اوّل بکند وبه حمد وده سوره بجا آورد اگر وقت تنگ نباشد واوّل وقت نماز کسوف وخسوف ابتداء گرفتن است وآخر وقت بقول مشهور ابتداء منجلی شدنست واظهر نزد فقیر وجمعی از محقّقین آنستکه تا تمام منجلی نشود وقتش باقی است ونماز زلزله وآیات که وقتش وفا بنماز نکند موافق مشهور در تمام عمر اداء است واگر کسی ترک کند نماز مذکور را با حدوث یکی از اسباب مذکوره مشهور میان علما آنستکه قضای کند آن نماز را مطلقا وجمعی گفته‌اند که بر ناسی که فراموش کرده باشد قضا نیست مادام که تمام قرص نگرفته باشد وعمل بمشهور احوطست واگر مطّلع نشود تا وقت بدر رود مشهور میان اصحاب آنستکه قضای کسوفین واجب نیست مگر آنکه تمام قرص گرفته باشد وجمعی گفته‌اند واجبست قضا

مطلقا وقول اوّل اقوی است وثانی احوطست ومستحبّست که این نماز را بجماعت بجا آورند وطول بدهند بقدر زمان کسوف وخسوف وهرگاه از نماز فارغ شود وانجلا نشده باشد اشهر واقوی آنستکه اعادهٔ نماز سنّت است وبعضی واجب دانسته‌اند ومستحبّست خواندن سوره‌های طولانی با وسعت وقت وبرابر ساختن رکوع وسجود با قرائت ومستحبّست قنوت خواندن پیش از رکوع دویم وچهارم وششم وهشتم ودهم ودر ایّام زلزله مکرّر این آیه را خواندن سنّت است اِنَّ اللّٰهَ يُمْسِكُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ اَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا اِنْ اَمْسَكَهُمَا مِنْ اَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ اِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا واز حضرت امام رضا منقولستکه هرکه در وقت خواب این آیه را بخواند خانه بر سرش خراب نشود **فصل دویم** نماز استسقا است یعنی نماز طلب باران در وقتیکه باران کم بارد وچشمه‌ها وچاهها کم آب شود وکیفیّت این نماز مثل نماز عید است که سابقا مذکور شد وبجماعت باید کرد ودر قنوتهایش طلب رحمت وآمرزش واستغفار از گناهان وطلب باران باید کرد وبهترین دعاها دعای نوزدهم صحیفهٔ کامله است واکثر گفته‌اند که وقتش میان طلوع آفتاب تا بزوال وباید امر کند امام مردم را که سه روز روزه بدارند وروز سیم ایشانرا بیرون برد وبهتر آنستکه روز سیم جمعه باشد یا دوشنبه وبصحرا بیرون روند پای برهنه با سکینه ووقار ومؤذّنان عصاها بدست گرفته ما بیند وپیش روی امام بروند وچون امام از نماز فارغ شود بر منبر بالا رود ورداء را بگرداند بآنکه جانب راست را بجانب چپ وجانب چپ را بجانب راست پس رو بقبله کند وباواز بلند صد مرتبه الله اکبر بگوید پس رو بجانب راست بگردد وصد مرتبه سبحان الله بگوید پس بجانب چپ بگردد وصد مرتبه لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ بگوید پس رو بمردم کند وصد مرتبه الحمد لله بگوید وگفته‌اند که مردم در ذکرها موافقت کنند با وند در برگشتن پس دو خطبه بخواند ومبالغه کند در استغفار ودعا وطلب رحمت وخطبه‌های منقوله بهتر است ودور نیستکه اگر ان ذکرها را بعد از خطبه بخواند باز خوب باشد **فصل سیم** در بیان نماز حضرت رسول است سیّد بن طاوس ره بسند معتبر از حضرت امام رضا روایت کرده استکه از آنحضرت سؤال کردند از نماز جعفر طیّار آنحضرت فرمود چرا غافلی از نماز حضرت رسول شاید حضرت رسول نماز جعفر را نکرده باشد وشاید جعفر نماز آنحضرت را کرده باشد راوی گفت پس آن نماز را تعلیم کن بمن حضرت فرمود که دو رکعت نماز میکنی ودر هر رکعت بعد از فاتحه پانزده مرتبه سورهٔ انا انزلناه میخوانی پس در رکوع وبعد از سر برداشتن ودر سجدهٔ اوّل وبعد از سر برداشتن ودر سجدهٔ دویم وسر برداشتن

هر یک پانزده مرتبه سوره قدر را میخواند پس تشهد میخواند و سلام میگوید و چون فارغ شود میان
تو و خدا گناهی نمیماند مگر آنکه آمرزیده شود و هر حاجتی که بطلبی روا است و بعد از این

دعا میخواند لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ رَبُّنَا وَرَبُّ آبَائِنَا الْاَوَّلِينَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
نیست خدائی مگر خدا پروردگار ما و پروردگار پدران ما پیشینیان نیست خدائی مگر خدا

اِلٰهاً وَاحِداً وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ لَا نَعْبُدُ اِلَّا
خدای یگانه و ما مر او را منقادانیم نیست خدا مگر خدا نمی پرستیم مگر

اِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
او را خالص کنندگان مر او راست دین و اگرچه ناخوش دارند کافران نیست خدائی مگر خدا

وَحْدَهُ وَحْدَهُ اَنْجَزَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَاَعَزَّ جُنْدَهُ وَ
یگانه یگانه بجا آورده وعده خود را یاری کرد بنده خود را و غالب کرده لشکر خود را

هَزَمَ الْاَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ
و بر هم شکسته لشکرها را یگانه است و پس او راست پادشاهی و مر او راست حمد و او بر هر

شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ نُورُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ
چیزی تواناست خدایا توئی نور آسمانها و زمین و آنچه در آنست

فَلَكَ الْحَمْدُ وَاَنْتَ قِيَامُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ
مر تو راست حمد و توئی بپا دارنده آسمانها و زمین و آنچه در آنست

فَلَكَ الْحَمْدُ وَاَنْتَ الْحَقُّ وَوَعْدُكَ الْحَقُّ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ وَاِنْجَازُكَ
مر تو راست حمد و توئی حق و وعده تو حق است و گفتار تو راست است و روا کردن

حَقٌّ وَالْجَنَّةُ حَقٌّ وَالنَّارُ حَقٌّ اَللّٰهُمَّ لَكَ اَسْلَمْتُ وَبِكَ آمَنْتُ
وعده تو حق است و بهشت حق است و آتش حق است خدایا مر تو را گردن نهادم و بتو ایمان آوردم

وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَبِكَ خَاصَمْتُ وَاِلَيْكَ حَاكَمْتُ يَا رَبِّ يَا
و بر تو توکل کردم و بتو را میگذارم مخاصمه خود را و بتو وا میگذارم داوری را ای پروردگار

رَبِّ يَا رَبِّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا اَخَّرْتُ وَاَسْرَرْتُ وَاَعْلَنْتُ
ای پروردگار بیامرز برای من آنچه پیش داشته‌ام و آنچه باز پس داشته‌ام و پنهان داشته‌ام و آشکار کرده‌ام

اَنْتَ اِلٰهِي لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَتُبْ عَلَيَّ اِنَّكَ
توئی خدای من نیست خدائی مگر تو و بیامرز مرا و رحم کن مرا و بپذیر بر من بدرستیکه

اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ
که تو توبه پذیرنده مهربانی

مؤلف گوید که این نماز از نمازهای مشهور است و عامه و خاصه در کتب خود روایت کرده‌اند و بعضی این را از نمازهای روز جمعه شمرده‌اند و از روایت اختصاصی معلوم نمی‌شود و ظاهرا در سایر ایام توان کرد

فصل چهارم

در بیان نماز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام ابن بابویه و عیاشی و کلینی و شیخ و دیگران رضی الله عنهم بسندهای صحیح و حسن و معتبر بسیار از حضرت صادق ع روایت کرده‌اند که هر که چهار رکعت نماز بگذارد یعنی بدو سلام و در هر رکعت بعد از سوره فاتحه پنجاه مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند چون فارغ شود در میان او و حقتعالی گناهی نماند مگر آنکه آمرزیده شود و سید و شیخ از حضرت صادق ع روایت کرده‌اند که هر که چهار رکعت نماز امیر المؤمنین ع را بجا آورد از گناهان بیرون رود مانند روزی که از مادر متولد شده باشد و حاجتهای او برآورده شود و در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه توحید بخواند و چون فارغ شود این دعا را بخواند سُبْحَانَ مَنْ لَا تَبِيدُ مَعَالِمُهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا
که تسبیح آن حضرت است پاک است آنکه بپایان نمیرسد نشانهای او پاک است آنکه کم نمی‌شود

تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا اضْمِحْلَالَ لِفَخْرِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا
خزینه‌های او پاک است آنکه نیست زوالی برای فخر او پاک است آنکه

يَنْفَدُ مَا عِنْدَهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا انْقِطَاعَ لِمُدَّتِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا
بپایان نمیرسد آنچه نزد او است پاک است آنکه نیست برندگی برای او پاک است آنکه نیست

يُشَارِكُ اَحَداً فِي اَمْرِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا اِلٰهَ غَيْرُهُ پس این دعا بخواند يَا مَنْ عَفٰى
انباز کسی را در کار او پاک است آنکه نیست خدائی غیر او ای آنکه در میگذرد

عَنِ السَّيِّئَاتِ وَلَمْ يُجَازِ بِهَا اِرْحَمْ عَبْدَكَ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ نَفْسِي نَفْسِي
از بدیها و پاداش نمیدهد بآنها رحم کن بنده خود را ای خدا ای خدا دریاب نفس مرا

اَنَا عَبْدُكَ يَا سَيِّدَاهُ اَنَا عَبْدُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ يَا رَبَّاهُ بِكَ اِلٰهِي
منم بنده تو ای آقای من منم بنده تو پیش روی تو ای پروردگار من بتو امیدوارم خدای من

بِكَيْنُونِيَّتِكَ يَا اَمَلَاهُ يَا رَحْمَانَاهُ يَا غِيَاثَاهُ عَبْدُكَ عَبْدُكَ لَا حِيلَةَ
ببودن تو ای امیدگاه من ای بخشنده ای فریادرس بنده خود بنده خود نیست چاره

لَهُ يَا مُنْتَهٰى رَغْبَتَاهُ يَا مُجْرِيَ الدَّمِ فِي عُرُوقِ عَبْدِكَ عَبْدُكَ
مر او را ای آخر خواهش من ای روان کننده خون در رگهای من بنده تو بنده تو

یا سیداه ایا مالکاه ایا هوا یا هو یا رباه عبدك
ای آقای من ای پادشاه من ای خدا ای خدا ای پروردگار بنده تو

لا حیلة لی ولا غنی بی عن نفسی ولا استطیع لها ضرا ولا
نیست چاره مرا ونیست بی نیازی مرا از جانب خود ونه قدرت دارم برای نفسم زیانرا ونه

نفعا ولا اجد من اصانعه تقطعت اسباب الخدائع عنی
سودرا ونه یابم کسی را که رشوه دهم اورا بریده شد وسیله سببها ازمن

واضمحل کل مظنون عنی افردنی الدهر الیك فقمت
وزایل گشت هر گمان برده شده ازمن تنها گذاشت مرا روزگار بسوی تو پس ایستادم

بین یدیك هذا المقام یا الهی بعلمك هذا کان کله فکیف
پیش روی تو این مقام ای خدای من بدانش تو انچه مذکور شد همه است

انت صانع بی ولیت شعری کیف تقول لدعائی اتقول
پس چگونه تو معامله کننده بمن وکاش دانستمی که چگونه جواب میگوئی دعای مرا ایا میگوئی

نعم ام تقول لا فان قلت لا فیا ویلی یا ویلی یا عولی
بلی یا میگوئی نه پس اگر بگوئی نه پس ای وای برمن ای وای برمن ای فغان مرا

یا عولی یا عولی یا شقوتی یا شقوتی یا ذلی یا ذلی
ای فغان مرا ای فغان مرا ای بدبختی مرا ای بدبختی مرا ای خواری مرا ای خواری مرا

یا ذلی الی من وممن او عند من او کیف او ماذا او الی ای شیء
ای خواری مرا بسوی که وازکه وازنزد که یا چگونه یا چه را یا بسوی کدام چیز

الجا ومن ارجوا ومن یجود علی بفضله حین ترفضنی یا واسع
پناه بوم وبکه امید دارم وکه بخشش کند برمن بفضل خود هنگام که واگذاری مرا ای گشاینده

المغفرة وان قلت نعم کما هو الظن بك والرجاء لك فطوبی
امرزش واگر بگوئی اری چنانکه اوست گمان بتو وامید بتو پس خوشا حال من

لی انا السعید وانا المسعود فطوبی لی وانا المرحوم یا مترحم
من منم نیك بخت ومنم سعادت یافته پس خوشا حال من ومنم رحم کرده شده ای مهربانی کننده

یا مترئف یا متعطف یا متجبر یا متملك یا مقسط لا عمل لی مع
ای بخشنده ای مهربان ای اجباردار ای پادشاه دار ای عدالت کننده نیست کرداری مرا

نجاح

نجاح حاجتی اسئلك باسمك الذی جعلته فی مکنون غیبك
یا براوردن حاجت من سؤال میکنم ترا بنام تو که گردانیدی اورا در پوشیدگی نهان تو

واستقر عندك فلا یخرج منك الی شیء سواك اللهم به
وقرار گرفته نزد تو پس بیرون نمیرود از تو بسوی چیزی غیر تورا خدایا بان نام

وبك وبك وبه فانه اجل واشرف اسمائك لا شیء لی غیر
وبتو وبتو وبان نام پس او بزرگتر وشریفترین نامهای تست نیست چیزی مرا جز

هذا ولا احد اعود علی منك یا کینون یا مکون یا من عرف
این ونه کسی برگردنده بمهربانی برمن از تو ای موجود ای ایجاد کننده ای انکه شناسانید

نفسه یا من امرنی بطاعته یا من نهانی عن معصیته ویا مدعو
مرا نفس خود ای انکه فرمان داد مرا بطاعت خود ای انکه نهی نمود مرا از معصیت خود وای خوانده شده

ویا مسئول ویا مطلوبا الیه رفضت وصیتك التی اوصیتنی
وای پرسیده شده وای طلب شده بسوی خود واگذاشتم وصیت تورا که وصیت کردی

بها ولم اطعك ولو اطعتك فیما امرتنی لکفیتنی ما قمت الیك
مرا بان وفرمان نبردم تورا اگر فرمان برده بودم تورا در انچه امر کردی مرا کفایت کردی مرا در انچه ایستادم

فیه وانا مع معصیتی لك راج ولا تحل بینی وبین ما رجوت
تو در او ومنم با وجود معصیت مر تورا امیدوار وحایل نشوی میان من ومیان انچه امید دادم

یا مترحم لی اعذنی من بین یدی ومن خلفی ومن فوقی ومن
ای رحم کننده مرا پناه ده مرا از پیش من واز پشت من واز بالای من واز

تحتی ومن کل جهات الاحاطة بی اللهم بمحمد سیدی وبعلی
زیر من واز هر طرفی که فرو گرفته مرا خدایا بحرمت محمد آقای من وبحرمت علی

ولیی وبالائمة الراشدین علیهم السلام اجعل صلواتك و
صاحب اختیار من وبه پیشوایان راه یافتگان براایشان درود بگردان برما رحمتهای خود را و

رافتك ورحمتك واوسع علینا من رزقك واقض عنا الدین
مهربانی خود را ورحمت خود را وفراخ کن برما از روزی خود واداکن از ما قرض را

وجمیع حوائجنا یا الله یا الله یا الله انك علی کل شیء قدیر
وتمام حاجتهای ما را ای خدا ای خدا ای خدا پس بدرستیکه تو بر هرچیز توانائی

پس

پس حضرت فرمود که هر که این نماز را بکند و این دعا را بخواند هیچ گناهی میان او و خدا نماند مگر آمرزیده شود **فصل پنجم** در بیان فضیلت و کیفیت نماز حضرت فاطمه ع صلوات الله علیها سید بن طاوس ره بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده است که فرمود مادرم فاطمه علیها السلام دو رکعت نماز میکرد که جبرئیل ع تعلیم او کرده بود و در رکعت اول بعد از حمد صد مرتبه سوره قدر و در رکعت دوم بعد از حمد صد مرتبه سوره توحید میخواند و چون سلام میگفت این دعا را میخواند

سُبْحَانَ ذِی الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِیفِ سُبْحَانَ ذِی

منزه است خداوند غالب با رفعت بلند پایه منزه است خداوند

الْجَلَالِ الْبَاذِخِ الْعَظِیمِ سُبْحَانَ ذِی الْمُلْکِ الْفَاخِرِ الْقَدِیمِ

بزرگوار بلند قدر بزرگ منزه است خداوند پادشاه فخر کننده دیرینه

سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْبَهْجَةَ وَ الْجَمَالَ سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى بِالنُّورِ وَ

منزه است خداوندیکه پوشیده لباس نیکی و جمال را منزه است آنکه پوشیده ردای روشنائی و

الْوَقَارِ سُبْحَانَ مَنْ یَرَى أَثَرَ النَّمْلِ فِی الصَّفَا سُبْحَانَ مَنْ یَرَى

وقار را منزه است آنکه بیند اثر پای مورچه را در صفا منزه است آنکه می بیند

وَقْعَ الطَّیْرِ فِی الْهَوَاءِ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هٰکَذَا وَ لَا هٰکَذَا غَیْرُهُ

مرغ را در هوا منزه است آنکه او چنین است و چنین نیست غیر او

و سید گفته که در روایت دیگر وارد شده است که بعد از این نماز تسبیح مشهور حضرت فاطمه صلوات الله علیها را که بعد از هر نماز خوانده می شود بخواند و بعد از هر نماز صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و شیخ ره در مصباح این نماز را مرسل روایت کرده و گفته است که چون سلام بگوئی تسبیح فاطمه را بخوان و این دعا را بخوان یعنی دعائیکه پیش مذکور شد پس گفته است که سزاوار است برای کسیکه این نماز را بکند و از این دعا فارغ بشود زانوها و ذراعهای خود را برهنه کند و سجده کند و جمیع مساجد سبعه را بخاک برساند که جامه در میان مانع نباشد و دعا کند و حاجات خود را از خدا طلب نماید و در سجده این دعا را بخواند

یَا مَنْ لَیْسَ غَیْرُهُ رَبٌّ یُدْعَى یَا مَنْ لَیْسَ فَوْقَهُ إِلٰهٌ یُخْشَى یَا مَنْ

ای آنکه نیست غیر او پروردگاری خوانده شود ای آنکه نیست بالای او خدائی که ترسیده شود ای آنکه

لَیْسَ دُونَهُ مَلِکٌ یُتَّقَى یَا مَنْ لَیْسَ لَهُ وَزِیرٌ یُؤْتَى یَا مَنْ لَیْسَ لَهُ

نیست غیر او پادشاهی که پرهیز شود ای آنکه نیست مر او وزیری ممکن شود ای آنکه نیست مر او را

حَاجِبٌ یُرْشَى یَا مَنْ لَیْسَ لَهُ بَوَّابٌ یُغْشَى یَا مَنْ لَا یَزْدَادُ عَلَى کَثْرَةِ

دربانی که رشوه داده شود ای آنکه نیست او را دربانی که پوشیده شود ای آنکه زیاد نشود بر بسیاری

السُّؤَالِ إِلَّا کَرَمًا وَ جُودًا وَ عَلَى کَثْرَةِ الذُّنُوبِ إِلَّا عَفْوًا وَ صَفْحًا

خواهش مگر کرم و بخشش را و بر بسیاری گناهان مگر آمرزش و گذشت

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بِی کَذَا وَ کَذَا پس بجای وافعل بی

رحمت کن بر محمد و آل محمد و بکن بمن چنین و چنان

کذا و کذا حاجتهای خود را یاد کند **فصل ششم** در بیان فضیلت و کیفیت و احکام نماز جعفر طیار است بدانکه این نماز از جمله متواترات خاصه و عامه بسندهای بسیار روایت کرده اند و مخالفان این نماز را مستحب میدانند مگر نادری از ایشان اما اکثر ایشان باعتبار عداوت باطنی که با امیر المؤمنین ع و اقارب آنحضرت دارند این نماز را بعباس عم پیغمبر ص نسبت داده اند و بعد از نوافل شبانه روزی نمازی بحسب صحت سند و کثرت ثواب باین نماز نمیرسد و بسند معتبر از حضرت امام زین العابدین ع منقولست که چون جعفر طیار برادر حضرت امیر المؤمنین ع از هجرت حبشه مراجعت نمود در روزی آمد که فتح خیبر بدست امیر المؤمنین ع شده بود حضرت رسول ص بقدر مسافت یک تیر پرتاب باستقبال او شتافت چون جعفر نظرش بر جمال عدیم المثال آنحضرت افتاد مشتاقانه بجانب آنحضرت دوید حضرت او را در بر گرفت و دست در گردن او در آورد و ساعتی با او سخن گفت پس بر ناقه غضبا سوار شد و جعفر را ردیف خود ساخت و چون ناقه براه افتاد حضرت فرمود ای جعفر ای برادر میخواهی بخشش بزرگی کنم نسبت بتو می خواهی تو را عطیه گرانبهائی بدهم میخواهی تو را بر گزینم مردم گمان کردند که مال جزیلی از غنائم خیبر باو عطا خواهد فرمود جعفر گفت بلی پدر و مادرم فدای تو باد پس حضرت نماز تسبیح را باو تعلیم نمود و حضرت صادق ع فرمود که صفتش این است که آن چهار رکعت است بدو تشهد و دو سلام و در رکعت اول بعد از حمد اذا زلزلت میخواند و در رکعت دوم والعادیات و در رکعت سیم سوره اذا جاء نصر الله و در رکعت چهارم سوره قل هو الله احد و در هر رکعت بعد از فراغ از قرائت پانزده مرتبه میگوید سُبْحَانَ اللّٰهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَ اللّٰهُ أَکْبَرُ و در رکوع همین تسبیحات را ده مرتبه میگوید و چون سر از رکوع بر میدارد ده مرتبه و در سجده اول ده مرتبه و بعد از سر برداشتن ده مرتبه و در سجده دوم ده مرتبه و بعد از سر برداشتن ده مرتبه پیش از آنکه برخیزد و در هر چهار رکعت چنین میکند که مجموع

سیصد مرتبه شود و هزار و دویست تسبیح بوده باشد و بروایت معتبر دیگر حضرت رسول فرمود که اگر هر روز بکنی بهتر است از برای تو از دنیا و آنچه در اواست و اگر هر دو روز یکبار بکنی گناهانی که در میان دو نماز کردهٔ آمرزیده شود و اگر در هر جمعه بکنی یا در ماهی یا در سالی یکمرتبه بکنی گناهانیکه در میان دو نماز کردهٔ آمرزیده شود و بروایت دیگر که اگر بقدر کف دریاها و بعدد ریگ بیابان گناه بر تو باشد خدا بیامرزد و اگر از جمله گریخته باشی که بدترین گناهانست خدا بیامرزد و بروایت دیگر اگر توانی هر روز بکن و اگر نتوانی هفته یکبار بکن و اگر نتوانی در ماهی یکبار و اگر نتوانی در سالی یکبار و اگر نتوانی در عمر خود یکبار بکن تا خدا گناهان صغیره و کبیره و تازه و کهنه عمد و خطاء تورا بیامرزد و اما دعاهائی که در این نماز مستحبّ است کلینی بسند معتبر از حضرت صادق ؑ روایتکرده استکه در سجده آخر نماز جعفر چون از تسبیحات فارغ شوی بگوی

سُبْحانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَالْوَقارَ سُبْحانَ مَنْ تَعَطَّفَ

منزه است انکه پوشیده لباس عزت و وقار را منزه است انکه مهربانی کرد

بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ سُبْحانَ مَنْ لا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ سُبْحانَ

ببزرگواری و کرم کرد باو منزه است انکه نسزد تنزیه کردن مگر اورا منزه است

مَنْ أَحْصى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ سُبْحانَ ذِي الْمَنِّ وَالنِّعَمِ سُبْحانَ

انکه شماره کرد هر چیز را دانش او منزه است خداوند منت و نعمت منزه است

ذِي الْقُدْرَةِ وَالْأَمْرِ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ

خداوند توانائی و امر خداوندا من سؤال میکنم تورا بمعاقد عزت از عرش تو

وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتابِكَ وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ وَكَلِماتِكَ التّامَّةِ

و نهایت رحمت از کتاب تو و بنام بزرگ تو و سخنان تمام تو

الَّتِي تَمَّتْ صِدْقاً وَعَدْلاً صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ پس

که تمام گردیدند براستی و عدل رحمت فرست بر محمد و اهل بیت او

حاجات خود را ذکر کن شیخ در مصباح این دعا را روایت کردهٔ است با این زیادتی

سُبْحانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ سُبْحانَ ذِي الْعِزَّةِ وَالْفَضْلِ

منزه است خداوند توانائی و کرم منزه است خداوند عزت و فضل

سُبْحانَ ذِي الْقُوَّةِ وَالطَّوْلِ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعاقِدِ

منزه است خداوند قوت و نعمت خدایا من سؤال میکنم تورا بمعاقد

تا آخر

تا آخر دعا و ایضاً شیخ و سیّد از مفضّل بن عمرو روایتکرده اند که گفت دیدم روزی حضرت امام جعفر صادق ؑ نماز جعفر را بجا آوردند پس این دعا را خواندند

یا رَبِّ یا رَبِّ تا انقطاع نفس فقال یا رَبّاهُ یا رَبّاهُ بقدر یک نفس رَبِّ رَبِّ تا به قدر یک نفس یا اَللهُ یا اَللهُ تا به قدر یک نفس یا رَحِيمُ یا رَحِيمُ تا به قدر یک نفس یا رَحْمٰنُ یا رَحْمٰنُ بقدر یک نفس یا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ هفت مرتبه پس این دعا را بخوانند

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَفْتَتِحُ الْقَوْلَ

خدایا من میگشایم زبان گفتار را

بِحَمْدِكَ وَأَنْطِقُ بِالثَّناءِ عَلَيْكَ وَأُمَجِّدُكَ وَلا غايَةَ لِمَجْدِكَ

بحمد تو و سخن میگویم بثناء بر تو و بزرگی میشمارم و نیست نهایة مدح تورا

وَأُثْنِي عَلَيْكَ وَمَنْ يَبْلُغُ غايَةَ ثَنائِكَ وَأَمَدَ مَجْدِكَ وَأَنّى

وثنا میکنم بر تو که برسد بنهایت ثنای تو و دوامی پایان بزرگی تورا و کجا

لِخَلِيقَتِكَ كُنْهُ مَعْرِفَةِ مَجْدِكَ وَأَيَّ زَمَنٍ لَمْ تَكُنْ مَمْدُوحاً

مرافریدگان را حقیقت شناسای بزرگواری تو و کدام زمانی که نبوده تو مدح کرده شده

بِفَضْلِكَ مَوْصُوفاً بِمَجْدِكَ عَوّاداً عَلَى الْمُذْنِبِينَ بِحِلْمِكَ

بفضل تو وصف کرده شده ببزرگواری تو عود کننده بر گناهکاران بسبب بردباری تو

تَخَلَّفَ سُكّانُ أَرْضِكَ عَنْ طاعَتِكَ فَكُنْتَ عَلَيْهِمْ عَطُوفاً

جانشینند ساکنان زمین تو از طاعت تو پس هستی تو بر ایشان مهربان

بِجُودِكَ جَواداً بِفَضْلِكَ عَوّاداً بِكَرَمِكَ يا لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ

بسبب جود تو بخشش را بنیاد برگردیده بکرم تو ای انکه نیست خدائی مگر تو

الْمَنّانُ ذُو الْجَلالِ وَالْإِكْرامِ پس حضرت فرمود که ای مفضّل هرگاه تو را حاجتی

منت گذار صاحب بزرگواری و کرم ضروری بوده باشد نماز جعفر را بکن و

این دعا را بخوان و حوائج خود را از خدا طلب کن که بر آورده است انشاء الله

دعای دیگر بعد از این نماز

بروایت شیخ و سیّد رحمة الله علیهما

سُبْحانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَتَرَدّى بِهِ سُبْحانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ

منزه است انکه پوشیده لباس عزت را و ردا نموده بان منزه است انکه مهربانی کرده بمجد

وَتَكَرَّمَ بِهِ سُبْحانَ مَنْ لا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلّا لَهُ جَلَّ جَلالُهُ

و بزرگواری بان منزه است انکه نیست سزاوار تنزیه مگر او بزرگست بزرگواری او

سبحان

سُبْحَانَ مَنْ اَحْصٰى كُلَّ شَيْءٍ بِعِلْمِهٖ وَخَلَقَهُ بِقُدْرَتِهٖ سُبْحَانَ

منزه است آنكه شمرده هر چيز را بدانش خود وآفريده هر چيز را بتوانائى خود منزه است

ذِى الْمَنِّ وَالنِّعَمِ سُبْحَانَ ذِى الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ اَللّٰهُمَّ اِنِّى

خداوند منت ونعم منزه است خداوند توانائى وكرم خدايا من

اَسْئَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ

سؤال ميكنم بمعاقد عزت از عرش تو ونهايت رحمت از كتاب تو

وَبِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ الَّتِى تَمَّتْ صِدْقًا

وباسم تو كه بزرگست وسخنان تمام تو كه تمام است از روى راستى

وَعَدْلًا اَنْ تُصَلِّىَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِيْنَ الطَّاهِرِيْنَ

وعدالت اينكه رحمت فرستى بر محمد وآل محمد كه پاكان پاكيزه كانند

وَاَنْ تَجْمَعَ لِىْ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ بَعْدَ عُمْرٍ طَوِيْلٍ اَللّٰهُمَّ

واينكه فراهم آورى براى من نيكى دنيا وآخرت را پس از عمر دراز خدايا

اَنْتَ الْحَىُّ الْقَيُّوْمُ الْعَلِىُّ الْعَظِيْمُ الْخَالِقُ الرَّازِقُ الْمُحْيِىْ

توئى زنده پاينده داناى بزرگ آفريننده روزى دهنده زنده كننده

الْمُمِيْتُ الْبَدِىْءُ الْبَدِيْعُ لَكَ الْكَرَمُ وَلَكَ الْمَجْدُ وَلَكَ الْمَنُّ

ميراننده آشكاركننده ظاهرسازنده مر تو راست نوازش ومر تو راست مجد ومر تو راست منت

وَلَكَ الْجُوْدُ وَلَكَ الْاَمْرُ وَحْدَكَ لَا شَرِيْكَ لَكَ يَا وَاحِدُ

ومر تو راست بخشش ومر تو راست فرمان يكانه تو نيست شريكى مر ترا اى يكانه

يَا اَحَدُ يَا صَمَدُ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُوْلَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهٗ كُفُوًا

اى يكتا اى بى‌نياز اى آنكه نزائيده ونزائيده شده ونباشد مر او را همتا

اَحَدٌ يَا اَهْلَ التَّقْوٰى وَيَا اَهْلَ الْمَغْفِرَةِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ

احدى اى سزاوار پرهيزكارى واى سزاوار آمرزش اى رحم كننده‌ترين رحم كنندگان

يَا عَفُوُّ يَا غَفُوْرُ يَا وَدُوْدُ يَا شَكُوْرُ اَنْتَ بِىْ اَبَرُّ مِنْ اَبِىْ وَ

اى دركذرنده اى آمرزكار اى دوست اى جزادهنده تو نيكى كننده‌ترى بمن از پدرم و

اُمِّىْ وَاَرْحَمُ بِىْ مِنْ نَفْسِىْ وَمِنَ النَّاسِ اَجْمَعِيْنَ يَا كَرِيْمُ يَا جَوَادُ

مادرم ومهربانترى بمن از نفس من واز مردمان همه اى كريم اى بخشش كننده

الثالث عشر

اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ صَلَّيْتُ هٰذِهِ الصَّلٰوةَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ وَ

خدايا من تمام كردم اين نماز را بجهت جستن خوشنودى تو و

طَلَبَ نَائِلِكَ وَمَعْرُوْفِكَ وَرَجَاءَ رِفْدِكَ وَجَائِزَتِكَ وَ

جستن عطاى تو واحسان تو واميدداشتن بخشش تو و

عَظِيْمِ عَفْوِكَ وَقَدِيْمِ غُفْرَانِكَ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

گذشت بزرگ تو وآمرزش ديرينه تو خدايا پس رحمت فرست بر محمد

وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَارْفَعْهَا فِىْ عِلِّيِّيْنَ وَتَقَبَّلْهَا مِنِّىْ وَاجْعَلْ نَائِلَكَ

وآل محمد وبالا ببر اين نماز را در عليين وبپذير از من وبگردان عطاى خود را

وَمَعْرُوْفَكَ وَرَجَاءَ مَا اَرْجُوْ مِنْكَ فَكَاكَ رَقَبَتِىْ مِنَ النَّارِ

وشناسائى خود را واميدداشتن آنچه اميدوارم از تو پس خلاص كن گردن مرا از آتش

وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَمَا جَمَعْتَ مِنْ اَنْوَاعِ النَّعِيْمِ وَمِنْ حُسْنِ

ورستگارى بهشت وآنچه فراهم آورده از اقسام نعمتها واز حسن

الْحُوْرِ الْعِيْنِ وَاجْعَلْ جَائِزَتِىْ مِنْكَ الْعِتْقَ مِنَ النَّارِ وَغُفْرَانَ

سياه ديدگان وبگردان صله مرا از جانب خود آزادى از آتش را وآمرزش

ذُنُوْبِىْ وَذُنُوْبِ وَالِدَىَّ وَمَا وَلَدَا وَجَمِيْعِ اِخْوَانِىْ وَاَخَوَاتِىْ

گناهان مرا وگناه پدر ومادر من وآنچه زائيده‌اند وهمه برادران وخواهران من

الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِيْنَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْاَحْيَاءِ مِنْهُمْ

از مردان مؤمن وزنان مؤمنه ومردان گردن نهنده وزنان گردن نهنده زندگان از ايشان

وَالْاَمْوَاتِ وَاَنْ تَسْتَجِيْبَ دُعَائِىْ وَتَرْحَمَ صَرْخَتِىْ وَنِدَائِىْ

ومردگان واينكه اجابت كنى دعاى مرا ورحم كن فرياد وآواز مرا

وَلَا تَرُدَّنِىْ خَائِبًا خَاسِرًا وَاقْلِبْنِىْ مُنْجِحًا مُفْلِحًا مَرْحُوْمًا

وبازنگردانى مرا نااميد زيانكار وبازمگردان مرا كامكار رستگار بخشنده شده

مُسْتَجَابًا دُعَائِىْ مَغْفُوْرًا لِىْ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ يَا عَظِيْمُ يَا

اجابت شده دعاى من آمرزيده شده براى من اى رحم كننده‌ترين رحم كنندگان اى بزرگ اى

عَظِيْمُ يَا عَظِيْمُ قَدْ عَظُمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ فَلْيَحْسُنِ الْعَفْوُ

بزرگ اى بزرگ بتحقيق بزرگ گشته گناه از بنده تو پس بايد نيكو باشد در گذشتن

الرابع عشر

مِنْكَ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ

از جانب تو ای نیکو درگذشتن ای فراخ آمرزش ای گشاده دو دستان

بِالرَّحْمَةِ يَا نَفَّاحًا بِالْخَيْرَاتِ يَا مُعْطِيَ الْمَسْئُولَاتِ يَا فَكَّاكَ

بخشش ای بخشنده نیکیها ای دهنده پرسیده شدها ای خلاص کننده

الرِّقَابِ مِنَ النَّارِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَفُكَّ رَقَبَتِي

گردنها را از آتش پس رحمت فرست بر محمد و آل محمد و آزاد کن گردن مرا

مِنَ النَّارِ وَأَعْطِنِي سُؤْلِي وَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَارْحَمْ صُرَاخِي

از آتش و بده مرا درخواستم را و اجابت کن دعای مرا و رحم کن فغان مرا

وَتَضَرُّعِي وَنِدَائِي وَاقْضِ لِي حَوَائِجِي كُلَّهَا لِلدُّنْيَايَ وَ

و زاری مرا و آوازی مرا و بر آور برای من حاجتهای مرا همه آنها را برای دنیا و

آخِرَتِي وَدِينِي مَا ذَكَرْتُ مِنْهَا وَمَا لَمْ أَذْكُرْ وَاجْعَلْ لِي فِي

آخرت من و کیش من آنچه را که ذکر کردم از آنها و آنچه را ذکر نکردم و بگردان برای من در

ذٰلِكَ الْخِيَرَةَ وَلَا تَرُدَّنِي خَائِبًا خَاسِرًا وَاقْلِبْنِي مُفْلِحًا مُنْجِحًا

این خیر را و باز نگردان مرا ناامید زیان کار و باز گردان مرا کامیاب دستکار

مُسْتَجَابًا لِي دُعَائِي مَغْفُورًا لِي مَرْحُومًا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

اجابت کرده شده برای من دعای مرا آمرزیده شده برای من رحم کرده شده ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

يَا مُحَمَّدُ يَا أَبَا الْقَاسِمِ يَا رَسُولَ اللّٰهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَنَا

ای محمد ای پدر قاسم ای رسول خدا ای پادشاه مؤمنان منم

عَبْدُكُمَا وَمَوْلَاكُمَا غَيْرُ مُسْتَنْكِفٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ بَلْ خَاضِعٌ ذَلِيلٌ

بنده شما و آزاد کرده شما عار ندارنده از بندگی شما و نه گردن کشنده بلکه فروتنی کننده ام خوار

عَبْدٌ مُقِرٌّ مُتَمَسِّكٌ بِحَبْلِكُمَا مُعْتَصِمٌ مِنْ ذُنُوبِي بِوِلَايَتِكُمَا

بنده اقرار کننده بتقصیر چنگ زننده ام بریسمان شما از گناهان خود بدوستی شما

أَتَقَرَّبُ إِلَى اللّٰهِ تَعَالَى بِكُمَا وَأَتَوَسَّلُ إِلَى اللّٰهِ بِكُمَا وَأُقَدِّمُكُمَا

نزدیکی میجویم بسوی خدای متعال بشما و وسیله میجویم بسوی خدا بسبب شما و پیش میدارم شما را

بَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي إِلَى اللّٰهِ جَلَّ وَعَزَّ فَاشْفَعَا لِي فِي فَكَاكِ رَقَبَتِي

پیش روی حاجتهایم بسوی خدای جل و عز پس شفاعت کنید برای من در آزاد کردن من را

من

مِنَ النَّارِ وَغُفْرَانِ ذُنُوبِي وَإِجَابَةِ دُعَائِي اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَى

از آتش و آمرزش گناهان من و پذیرفتن دعای من خدایا پس رحمت فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتَقَبَّلْ دُعَائِي وَاغْفِرْ لِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

محمد و آل او و قبول کن دعای مرا و بیامرز مرا ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

و امّا احکام این نماز در چند مقصد ایراد مینمائیم **اوّل** آنکه مشهور میان علما و اقوی آنستکه نماز جعفر را بجای نوافل شبانه روزی میتوان کرد که هر دو حساب شود و همچنین بنیّت قضای نوافل میتوان کرد و احادیث بر این مضامین وارد شده است و بعضی تجویز کرده اند که نماز فریضه را اداء و قضاء بکیفیت نماز جعفر بکنند و خالی از قوتی نیست و لیکن احوط ترکست **دویّم** روایات وارد شده است و اکثر علما گفته اند که کسیکه ضرورتی و تعجیلی داشته باشد نماز جعفر را بدون تسبیحات بجا آورد و تسبیحات را در راه بخواند **سیّم** حدیث صحیح وارد شده استکه کسیکه دو رکعت از نماز جعفر را بکند و او را ضرورتی رو دهد میتواند که پی آن کار برود و دو رکعت دیگر را در وقت دیگر بکند و اگر بدون عذر چنین نکند و همه را با هم بکند بهتر است **چهارم** روایت معتبر از حضرت قائم علیه السلام وارد شده که کسیکه تسبیحات نماز جعفر را در موضعی فراموش کند هر وقت که بخاطرش آید بخواند و از علما کسی متعرض این حکم نشده است و اگر باین روایت عمل کنند ظاهرا بد نباشد **پنجم** خلافست در تعیین سوره ها که مستحب استکه در این نماز خوانده شود و مشهور آنستکه در رکعت اوّل اذا زلزلت و در دویّم والعادیات و در سیّم اذا جاء نصر الله و در چهارم قل هو الله احد بخوانند و ابن بابویه و پدرش در رکعت اوّل والعادیات و در رکعت دویّم اذا جاء و در سیّم انا انزلناه و در چهارم توحید وارد شده است و در روایت صحیح وارد شده استکه هر که در هر رکعت قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد هر دو را بخواند و در روایتی وارد شده استکه هر سوره که خواهد بخواند و ابن بابویه گفته استکه همه را بسوره توحید میتوان کرد و ظاهرا همه خوبست اگر چه اوّل و سیّم افضلست **ششم** مشهور آنستکه تسبیحات بعد از سجده دویّم رکعت اوّل و سیّم را نشسته میخوانند و بعضی گفته اند که بعد از برخاستن بر رکعت دیگر پیش از قرائت میخوانند و عمل بمشهور اولی است **هفتم** بعضی گفته اند که چهار رکعت را بیک سلام میکنند و مشهور و اقوی دو سلام است چنانکه گذشت **هشتم** میان علما آنستکه تسبیحات این نماز که پیش از رکوع خوانند بعد از قرائت میباید خواند و ابن بابویه موافق بعضی از روایات قائل شده که مخیر است میان آنکه پیش از قرائت بخواند یا بعد از قرائت و عمل

بمشهور

بمشهور اوّل اقوی و اولی است **فصل هفتم** در بیان فضیلت و اعمال روز نوروز است
بدانکه میان علماء در تعیین روز نوروز خلافست بعضی گفته اند دهم ایار است از ماههای رومی
و بعضی گفته اند نهم شباط است و بعضی مشهور انستکه اوّل انتقال شمس است ببرج حمل است
چنانچه در این ازمنه معمولست و اینمطلب را در کتاب بحار الانوار بسط عظیمی داده ام و این
رساله گنجایش ذکر آنها ندارد و بگمان فقیر نوروزی که در این ازمنه مشهور است اقرب بصواب
و اضبط است در حساب اگر بنای عمل را در اینروز بگذارد ظاهرا بد نیست امّا فضایل و اعمال
این روز باسانید معتبره از معلّی بن خنیس که از خواصّ اصحاب حضرت صادق ع بوده است منقول
استکه گفت در روز نوروز بخدمت حضرت امام جعفر صادق ع رفتم فرمود که آیا میشناسی این
روز را گفتم فدای تو شوم این روزیستکه عجم آنرا تعظیم کنند و در این روز تحفه ها و هدیه ها
برای یکدیگر میفرستند حضرت فرمود که سوگند یاد میکنم بحقّ خانه کعبه که در مکّه معظّمه است
که این تعظیم کردن نیست مگر برای امر قدیمی که تفسیر میکنم آنرا برای تو تا بفهمی آنرا گفتم ای
سیّد و آقای من دانستن این را برکت شما محبوب تر است نزد من از آنکه مردگان من زنده شوند
و دشمنان من بمیرند حضرت فرمود که ای معلّی بدرستیکه روز نوروز روزیستکه حقتعالی
در اینروز پیمان گرفت از ارواح ایشان در روز الست که او را بیگانگی بپرستند و از برای او
شریک قرار ندهند و در بندگی و پرستیدن هیچ چیز را شریک او نگردانند و ایمان بیاورند
بر پیغمبران و رسولان و حجّتهای او بر خلق و امامان و پیشوایان دین و ائمه معصومین
صلوات الله علیهم اجمعین و این اوّل روزیستکه در آن آفتاب طلوع کرده است و بادهای
آبستن کننده درختان وزیده است و گلها و شکوفه های زمین آفریده شده است و در این
روز کشتی حضرت نوح ع بعد از طوفان بر کوه جودی قرار گرفته است و این روزیستکه حقتعالی
حیوة بخشید چندین هزار کس را که از مرگ گریختند یعنی طاعون و بیک فقره خداوند قهار همه را
میراند پس بعد از مدّتها که استخوان شده بودند پیغمبری از پیغمبران خدا بر آن استخوانها
گذشت و از پروردگار خود سؤال کرد که باو بنماید که چگونه این استخوانهای پوسیده را زنده
میگرداند پس حقتعالی وحی فرستاد بسوی او که آب بریز بر استخوانهای ایشان در همانجای
خود که هستند پس چنین کرد بقدرت الهی همه زنده گشتند و این اوّل سال فرس و عجم است و باین
سبب سنّت شده که آب بر یکدیگر بریزند یا آب بر خود بریزند و غسل کنند و حقتعالی در قرآن مجید
اشاره باین قصّه نموده است که در آنجا که فرموده است الم تر الی الذین خرجوا من دیارهم وهم

الوف

الوف حذر الموت فقال لهم الله موتوا ثمّ احیاهم و مفسّرین گفته اند که آن حضرت حزقیل ع
بود حضرت فرمود که ایشان سی هزار کس بودند که زنده شدند و در این روز جبرئیل ع بر حضرت
رسول ص بوحی نازل شد یعنی نوروز موافق روز مبعث بوده که بیست و هفتم ماه رجب است و
فرمود که این روزیستکه حضرت رسالتپناه ص بتهای قریش را در مکّه شکست و حضرت ابرهیم
نیز در این روز بتهای کافران را شکست و اوّل اشاره است بآنکه سنّی و شیعه روایت کرده اند از طرق
بسیار که شبی حضرت رسول ص حضرت امیر المؤمنین ع را با خود بمسجد الحرام آورد و حضرت
امیر المؤمنین ع را امر کرد که بر دوش آن حضرت بالا رفت و بتهای کافران را بزیر آورد و شکست
پس مراد اینستکه در شب این روز بوده و فرمود که در اینروز حضرت رسول ص امر کرد اصحاب خود را
که بیعت کنند با امیر المؤمنین ع و اقرار کنند که او پادشاه مؤمنانست یا روز غدیر این روز بود
یا آن روز که سرکرده صحابه را گفت بروید و بر علی ع سلام کنید و بگوئید که السّلام علیک
یا امیر المؤمنین این روز بوده و فرمود که در اینروز حضرت رسول ص حضرت امیر المؤمنین ع را
فرستاد بوادی جنّیان که از ایشان از برای او بیعت بگیرند و فرمود که در این روز حقّ خلافت
بامیر المؤمنین ع برگشت و بار دیگر بعد از کشته شدن عثمان با آن حضرت بیعت کردند و در این روز
حضرت امیر المؤمنین ع با خارجیان نهروان جنگ کرد و بر ایشان ظفر یافت و سرکرده ایشانرا
که ذو الثّدیه میگفتند کشت و در اینروز قائم آل محمّد صلوات الله علیه ظاهر خواهد شد و
در اینروز امامان دیگر بدنیا رجعت خواهند کرد و در اینروز قائم ظفر خواهد یافت بر دجّال
و در کناسه که محلّه ایست از محلّات کوفه او را بردار خواهد کشید و در هیچ روز نوروز نیست
مگر آنکه ما انتظار فرج میکشیم زیرا که آن از روزهای ما و روزهای شیعیان ماست آن روز را
عجمان حفظ کردند و حرمتش را رعایت کردند و شما عربان آنرا ضایع کردید پس حضرت فرمود
بمعلّی که چون روز نوروز شود غسل بکن و پاکیزه ترین جامه های خود را بپوش و بهترین بوها
خود را خوشبو کن و در آن روز روزه بدار پس چون از نماز پیشین و پسین و نافله های آن فارغ
شوی چهار رکعت نماز بگذار یعنی هر دو رکعت بیک سلام و در رکعت اوّل بعد از حمد ده مرتبه انّا
انزلناه بخوان و در رکعت دویّم ده مرتبه سوره قل یا ایّها الکافرون و در رکعت سیّم بعد از
حمد سوره قل هو الله احد و در رکعت چهارم ده مرتبه سوره قل اعوذ بربّ الفلق و قل اعوذ
بربّ النّاس بخوان و بعد از نماز **اللّهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد الاوصیاء**
بسجده شکر برو و این دعا را بخوان خدایا رحمت فرست بر محمّد و آل محمّد جانشینان

المرضیین

اَلْمَرْضِيّينَ وَصَلِّ عَلى جَميعِ اَنْبِيائِكَ وَرُسُلِكَ بِاَفْضَلِ صَلَواتِكَ
پسندیدکانند ودرود بر همه پیغمبران تو وفرستکان تو بهتر رحمتهای تو

وَبارِكْ عَلَيْهِمْ بِاَفْضَلِ بَرَكاتِكَ وَصَلِّ عَلى اَرْواحِهِمْ وَ
وبرکتده برایشان بهتر برکات خود ورحمت فرست بر روحهای ایشان و

اَجْسادِهِمْ اَللّهُمَّ بارِكْ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبارِكْ لَنا في
جسدهای ایشان خدایا برکتده بر محمد وال محمد وبرکتده ما را در

يَوْمِنا هذَا الَّذي فَضَّلْتَهُ وَكَرَّمْتَهُ وَشَرَّفْتَهُ وَعَظَّمْتَ
روز ما که زیادتی داده اورا وبزرك داشته اورا وشرافت داده اورا وبزرك کرده

خَطَرَهُ اَللّهُمَّ بارِكْ لي فيما اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ حَتّى لا اَشْكُرَ
مقدار او را خدایا برکتده مرا در آنچه نعمت داده بان برمن تا اینکه شکر نکنم

اَحَداً غَيْرَكَ وَوَسِّعْ عَلَيَّ في رِزْقي يا ذَا الْجَلالِ وَالْاِكْرامِ
احدیرا غیر تو ووسعت ده برمن در رزق من ای صاحب جلال وبزرگی

اَللّهُمَّ ما غابَ عَنّي مِنْ شَيْءٍ فَلا يَغيبَنَّ عَنّي عَوْنُكَ وَ
خدایا آنچه پنهان شود ازمن از چیزی پس پنهان نکند ازمن یاری تو و

حِفْظُكَ وَما فَقَدْتُ مِنْ شَيْءٍ فَلا تُفْقِدْني عَوْنَكَ عَلَيْهِ
حفظ تو وانچه نیابم از چیزی پس نایاب مکن مرا یاریت را بر او

حَتّى لا اَتَكَلَّفَ ما لا اَحْتاجُ اِلَيْهِ يا ذَا الْجَلالِ وَالْاِكْرامِ
تا اینکه رنج نکشم آنچه را که محتاج نشوم بسوی آن ای خداوند بزرگی وبزرگواری

چونچنین کنی کناهان پنجاه ساله تو امرزیده شود وبسیار بکو یا ذا الجلال والاکرام

ودر بعضی کتب مشهوره روایت کرده اندکه در وقت تحویل این دعا را بسیار بخوانند وبعضی

سیصد وشصت مرتبه کفته اند یا مُحَوِّلَ الْحَوْلِ وَالْاَحْوالِ حَوِّلْ حالَنا اِلى اَحْسَنِ
ای کرداننده سال وحالها بد وخوب بکردان حال ما را ببهتر

الْحالِ ودیگر روایت یا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْاَبْصارِ یا مُدَبِّرَ اللَّیْلِ وَ
حالها دیگر ای کرداننده دلها وچشمها ای تدبیرکننده شب و

النَّهارِ یا مُحَوِّلَ الْحَوْلِ وَالْاَحْوالِ حَوِّلْ حالَنا اِلى اَحْسَنِ الْحالِ
روز ای کرداننده سال وحالها بد وخوب بکردان حالما را بسوی بهتر حال

وایضا

وایضا بعضی روایت کرده اند که این دعا را اَللّهُمَّ هذِهِ سَنَةٌ جَديدَةٌ وَاَنْتَ
نیز در روز نوروز بعد ایام سال بخوانند خدایا این سال تازه است وتوئی

مَلِكٌ قَديمٌ اَسْئَلُكَ خَيْرَها وَخَيْرَ ما فيها وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ
پادشاه دیرینه سؤال میکنم تو را نیکی آن ونیکی آنچه در آنست وپناه میبرم بتو از

شَرِّها وَشَرِّ ما فيها وَاَسْتَكْفيكَ مُؤْنَتَها وَشُغْلَها يا ذَا الْجَلالِ وَ
بدی آن وبدی آنچه در آنست وطلب کفایت میکنم تو را مؤنت آنرا وشغل آنرا ای صاحب جلال و

الْاِكْرامِ واکرچه منعی در دعا نیست اما این دعا اول هر چند نمازش کرده نشود چون
بزرگواری سند معتبر دارد بهتر است

فصل هشتم در اعمال ماههای رومی است

وسید جلیل علی بن طاوس روایت کرده است که روزی جمعی از اصحاب نشسته بودند حضرت رسالت پناه داخل شد وبر ایشان سلام فرمود وایشان جواب سلام کفتند پس حضرت فرمود که میخواهید تعلیم نمایم شما را دعائیکه جبرئیل ع مرا تعلیم کرده است که محتاج بدوای اطبا نبوده باشیم پس حضرت امیر المؤمنین ع وسلمان ودیگران سؤال نمودند که آن دوا چیست حضرت رسول ص بحضرت امیر المؤمنین ع خطاب نمود وفرمود که ماه نیسان رومی آب باران میکیری وسوره فاتحة الکتاب وآیة الکرسی وقل هو الله احد وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس وقل یا ایها الکافرون هر یك هفتاد مرتبه میخوانی وبروایت دیکر انا انزلناه فی لیلة القدر را نیز هفتاد مرتبه وهفتاد مرتبه الله اکبر وهفتاد مرتبه لا اله الا الله میکوئی وهفتاد مرتبه صلوات بر محمد وال محمد میفرستی وهفت بامداد وپیین میاشامی بحق آن خداوندیکه مرا براستی برخلق مبعوث کردانیده است سوکند یاد میکنم که جبرئیل ع کفت که حقتعالی بردارد از کسیکه این آب را بیاشامد هر دردی را که در بدنش باشد وعافیت بخشد ودرا وبیرون کند دردها را از بدن واستخوانهای او واکر در لوح دردی برای او مقدر شده باشد محو نماید وبحق پروردکاریکه مرا بحق فرستاده که اکر فرزند نداشته باشد وفرزند خواهد آب نیسان را باین نیت بیاشامد او را فرزندی روزی کردد واکر زن عقیم باشد وفرزند نیاورد از این آب بیاشامد باین نیت فرزند از او بوجود آید واکر مرد وزن پسر خواهند یا دختر واز این آب بیاشامند مقصود ایشان بعمل آید چنانچه حقتعالی میفرماید یَهَبُ لِمَنْ يَشاءُ اِناثاً وَيَهَبُ لِمَنْ يَشاءُ الذُّكُورَ اَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْراناً وَاِناثاً وَيَجْعَلُ مَنْ يَشاءُ عَقيماً پس حقتعالی میبخشد هر که را خواهد دختران ومیبخشد هر که را خواهد پسران یا جفت میکرداند برای ایشان پسران ودختران

بعض

یعنی هر دو را بایشان عطا میکند و هر کرا خواهد عقیم و بی فرزند میکرداند پس حضرت فرمود که اکر کسی درد سر داشته باشد و از این آب بیاشامد صداع او ساکن کردد بقدرت الهی و اکر درد چشم داشته باشد در چشمهای خود قطرهٔ از این آب بچکاند و بیاشامد چشمهای خود را از این آب بشوید باذن خدا که شفا یابد و آشامیدن این آب دندانها را محکم کرداند و دهانرا خوشبو کرداند و لعاب بن دندانرا کم کند و بلغم را کم کند و تخمه و امتلا بسبب خوردن طعام و آشامیدن آب بهم نرساند و از بادهای قولنج و غیران متاذی نکردد و درد پشت و درد شکم بهم نرساند و از زکام آزار نکشد و درد دندان بهم نرساند و درد معده و کرم معده را زایل کرداند و محتاج بحجامت نکردد و از مرض بواسیر و خارش بدن و آبله و دیوانکی و خوره و پیسی و رعاف وقی نجات یابد و کور و لال و زمین کیر نکردد و آب سیاه بر دیده او نزول نکند و درد دیکر موجب افطار روزه و نقصان نماز او باشد او را عارض نکردد و از وسوسه های جنیان و شیاطین متاذی نکردد پس حضرت رسالتپناه صم فرمود که جبرئیل گفت که هر کس از این آب بیاشامد و بجمیع دردهائی که در مردم میباشد مبتلا باشد موجب شفاء از جمیع آنها کردد پس جبرئیل گفت بحق آن خداوندیکه ترا براستی فرستاده که هر که این آیاترا بر این آب بخواند حقتعالی دلش را مملو کرداند از نور و روشنی و الهام خود را بر دل او وارد سازد و حکمت بر زبان او جاری کرداند و پر کند دل او را از فهم و بینائی و باو عطا کند از کرامتهای خود آنچه باحدی از عالمیان عطا نکرده باشد و هزار رحمت و هزار مغفرت براو بفرستد و غش و خیانت و غیبت و حسد و بغی و کبر و بخل و حرص و غضب را از دل او بردارد و از عداوت و دشمنی مردم و بدکوئی ایشان نجات یابد و موجب شفای جمیع امراض کردد **مؤلف کوید** که این روایت مشهور بعبد الله بن عمر علیه اللعنة منتهی می شود و باین سبب سندش ضعیف است و فقیر بخط شیخ شهید ره دیدم که این روایترا از حضرت امام جعفر صادق عم روایتکرده بود با همین خواص و سوره ها اما آیات و اذکار را باین روش روایت کرده است که میخوانی بر آب باران نیسان فاتحة الکتاب و آیة الکرسی و قل یا ایها الکافرون و سبح اسم ربک الاعلی و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد هر یکرا هفتاد مرتبه و میکوئی هفتاد مرتبه لا اله الا الله و هفتاد مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد و هفتاد مرتبه سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و در خواص آن مذکور است که اکر در زندان باشد و از آن آب بیاشامد از حبس نجات یابد و سردی بر طبع او غالب نکردد و اکثر آن خواص که مذکور شد در این روایت نیز مذکور است و آب باران مطلقا مبارکست و منفعت دارد خو

در نیسان و خواه در غیر آن چنانچه در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که بیاشامید آب آسمانرا که پاک کننده بدن شماست و دردها را دفع میکند چنانچه حقتعالی می فرماید و ینزل علیکم من السماء ماء لیطهرکم به و یذهب عنکم رجز الشیطان و لیربط علی قلوبکم و یثبت به الاقدام یعنی میفرستد حقتعالی بر شما از آسمان آبی برای آنکه پاک کرداند شما را بآن آب و ببرد از شما وسوسه شیطانرا و دلهای شما را محکم کرداند و ثابت کرداند بآن قدمهای شما را و در عمل نیسان بهتر آنستکه اکر جمعی خوانند هر یک مجموع آن سوره ها و اذکار را هفتاد مرتبه بخوانند و از برای آنها که میخوانند فایده اش عظیم تر و ثوابش بیشتر است و در این سالها بعد از آنکه بیست و سه روز از نوروز بکذرد تقریبا نیسان ماه رومی شود و ماه نیسان سی روز است و از حضرت صادق ع منقولستکه در هفتم حزیران حجامت بکن و اکر میسر نشود در چهاردهم و در اول حزیران تقریبا هشتاد و چهارم نوروز است و آن نیز سی روز است و حزیران ماه نحسی است چنانچه در حدیث معتبر منقولستکه در خدمت حضرت صادق ع حزیران مذکور شد حضرت فرمودند که این ماهی استکه حضرت موسی ع در این ماه نفرین کرد بر بنی اسرائیل و در یکشب و یکروز سیصد هزار کس از ایشان مردند و باز بسند معتبر از آنحضرت منقولستکه حقتعالی اجلها را در ماه حزیران نزدیک میکرداند یعنی موت در آن بسیار میباشد و بدانکه ماههای رومی بنایش بر حرکت آفتابست و عدد آنها دوازده است باین ترتیب تشرین الاول تشرین الاخر کانون الاول کانون الاخر شباط آذر نیسان ایار حزیران تموز آب ایلول و چهار ماه سی میکیرند که آنها تشرین اخر و نیسان و حزیران و ایلولند و هفت دیکر غیر شباط سی و یک میکیرند و شباط را در سه سال متوالی بیست و هشت روز میکیرند و در سال چهارم که سال کبیسه ایشانست بیست و نه میکیرند و سال ایشان سیصد و شصت و پنج روز است و ربعی و تشرین اول که اول سال ایشانست در اینسال موافق نوزده درجه میزانست و تفصیلش در کتاب بحار الانوار مذکور است و چون این ماهها در احادیث مذکور شد مجملا در اینجا ایراد نمودیم

باب سیزدهم

فصل اول در بیان احکام احتضار و برداشتن میت است و در آن پنج فصلست در بیان احکام حال احتضار و برداشتن میتاست باید که چون در بیمار آثار موت ظاهر کردد متوجه احوال او کردد و از کناهان خود توبه کند و بر کذشته ها نادم و پشیمان و عازم کردد که اکر زنده بماند مرتکب معصیت

الهی نکرد پس وصیت کند وحقوق خدا وخلق وانچه بر ذمهٔ او باشد ادا کند وبدیگران وا نگذارد پس بقدر ثلث مال خود وصیت کند که بخویشان پریشان وفقرا ومساکین وسایر وجوه بر مصرف نماید پس ابراء ذمه از برادران مؤمن بطلبد وهرکه را غیبت کرده باشد یا اذیتی رسانیده باشد اگر حاضر باشد از ایشان التماس نماید که از او عفو کند واگر غایب باشد از انها که حاضرند التماس نماید که ایشانرا از او راضی کردانند واز برای ایشان استغفار نماید پس امور اطفال وعیال خود را بعد از توکل بر جناب مقدس الهی بامینی بگذارد ووصیی برای اولاد صغار تعیین نماید پس کفن خود را حاضر سازد وشهادتین واقرار بائمه علیهم السلام وادعیه که وارد شده است که بر کفن نوشته شود بفرماید که بتربت حضرت امام حسین صلوات الله علیه بران بنویسند واگر پیشتر کفن را مهیا نکرده باشد اما مؤمن را سنت است که پیوسته کفن با او باشد چنانچه از حضرت صادق ع منقول است که هرکه کفنش با او باشد ویا در خانه اش باشد او را از غافلان ننویسند وهرگاه نظرش بران کفن افتد برای او حسنه نوشته شود وباید که در ان وقت امید وار از رحمت حق تعالی وشفاعت رسول خدا وائمه هدی صلوات الله علیهم اجمعین بوده باشد وبسند معتبر از حضرت رسالت پناه ص منقول است که هرکه در وقت مرگ وصیت نیکو نکند علامت کمی عقل ونقص مروت ومردی او است گفتند یا رسول الله چگونه وصیت کند فرمود که چون نزدیک وفاتش شود ومردم نزد او جمع شوند بگوید

اَللّٰهُمَّ فاطِرَ السَّمٰواتِ وَالْاَرْضِ
خدایا ای افریننده اسمانها وزمین
عالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ الرَّحْمٰنَ الرَّحيمَ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَعْهَدُ اِلَيْكَ
دانای نهان واشکار بخشنده مهربان خدایا من پیمان میکنم بسوی تو
اَنّي اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ وَحْدَكَ لا شَريكَ لَكَ وَاَنَّ
که شهادت میدهم اینکه نیست خدائی مگر تو یگانهٔ تو نیست شریکی مر ترا وبدرستیکه
مُحَمَّداً صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَاَنَّ السّاعَةَ
محمد صلی الله علیه واله بنده ورسول تست وبدرستیکه قیامت
آتِيَةٌ لا رَيْبَ فيها وَاَنَّكَ تَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ وَاَنَّ الْحِسابَ
اینده است نیست شکی دران وبدرستیکه تو برانگیزانی کسی را که در قبراست وبدرستیکه حساب
حَقٌّ وَاَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَما وَعَدَ اللّٰهُ فيها مِنَ النَّعيمِ مِنَ الْمَاْكَلِ
حقست واینکه بهشت حق وانچه وعده کرد خدا دران از نعمتها از خوردن

والمشرب

وَالْمَشْرَبِ وَالنِّكاحِ حَقٌّ وَاَنَّ النّارَ حَقٌّ وَاَنَّ الْاِيمانَ حَقٌّ
واشامیدن وعقد نکاح حقاست وبدرستی اتش حقاست و ایمان حقاست
وَاَنَّ الدّينَ كَما وَصَفْتَ وَاَنَّ الْاِسْلامَ كَما شَرَعْتَ وَاَنَّ الْقَوْلَ
واینکه دین چنانکه وصف کرده تو و اسلام چنانکه وضع کرده تو و گفتار
كَما قُلْتَ وَاَنَّ الْقُرْآنَ كَما اَنْزَلْتَ وَاَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ الْحَقُّ الْمُبينُ
چنانست که گفته تو واینکه قران چنانست که فرستاده تو واینکه تو خدائی حق ظاهر مبین
وَاِنّي اَعْهَدُ اِلَيْكَ في دارِ الدُّنْيا اَنّي رَضيتُ بِكَ رَبّاً
وبدرستی من عهد کردم بسوی تو در دار دنیا بدرستی من خوشنودم بتو از روی پروردگاری
وَبِالْاِسْلامِ ديناً وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيّاً وَ
و باسلام دین و بمحمد صلی الله علیه واله از روی پیغمبری و
بِعَلِيٍّ اِماماً وَبِالْقُرْآنِ كِتاباً وَاَنَّ اَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ
بعلی از روی امامت وبقران از روی کتاب واینکه اهل خانه پیغمبر تو بر او
وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ اَئِمَّتي اَللّٰهُمَّ اَنْتَ ثِقَتي عِنْدَ شِدَّتي
وبر ایشان درود از روی پیشوائی خدایا تو معتمد منی نزد سختی من
وَرَجائي عِنْدَ كُرْبَتي وَعُدَّتي عِنْدَ الْاُمُورِ الَّتي تَنْزِلُ
وامید من نزد تعب من وساز منی نزد کارهای من که فرود امد
بي وَاَنْتَ وَلِيّي في نِعْمَتي وَاِلٰهي وَاِلٰهُ آبائي صَلِّ عَلىٰ
بمن وتوئی صاحب اختیار من در نعمت من وخدای من وخدای پدران من رحمت فرست خدایا بر
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلا تَكِلْني اِلىٰ نَفْسي طَرْفَةَ عَيْنٍ اَبَداً وَ
محمد وال او ووامگذار مرا بسوی خودم یک چشم بهم زدن هرگز و
آنِسْ في قَبْري وَحْشَتي وَاجْعَلْ لي عِنْدَكَ عَهْداً يَوْمَ
انیس من باش در گور من ترس مرا وبگردان مرا نزد خود پیمانی روزیکه
اَلْقاكَ مَنْشُوراً پس حضرت رسول ص فرمود که این عهد وپیمان میت است

ملاقات کنم ترا پراکنده با خدا در روزیکه میخواهد وصیت کند ووصیت واجب ولازم است بر هر مسلمانی وصحیفهٔ اعتقادات چنانچه در کتاب حلیة المتقین ذکر کرده ام درست کند وبمهر گواهان برساند تا در میان کفن او بگذارند وچون

اثار

آثار احتضار ظاهر شود اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الْكَثِيرَ مِنْ مَعْصِيَتِكَ وَاقْبَلْ
این دعا را مکرر بخواند خدایا بیامرز برای من بسیاری از نافرمانی تورا وبپذیر
مِنِّي الْيَسِيرَ مِنْ طَاعَتِكَ تا جان کندن بر او آسان گردد و باید اولاد و خویشان
از من اندکی از فرمانبرداری خود وبرادران مؤمن در اینحال او را تنها نگذارند و نزد
او قرآن و دعا بخوانند و سوره یس و والصافات نزد او بخوانند و اعتقاد بوحدانیت خدا
وصفات کمالیه الهی و رسالت حضرت رسول ص و امامت ائمه هدی علیهم السلام بتفصیل و
اعتقاد بمعاد و بهشت و دوزخ و سؤال قبر و سایر اعتقادات حقه را مکرر تلقین او بکنند
که بگوید و بیاد او و رد و اگر نتواند خواند نزد او بخوانند و دعاء عدیله را بر او بخوانند
و اگر عربی نداند مضامینش را بر او القا کنند که در این وقت شیطان بر او دست نیابد که او را
از دین بگرداند و باید که کلمه طیبه لا اله الا الله بسیار بگوید و مکرر تلقین او نمایند زیرا
که در حدیث معتبر وارد است که هر که آخر سخن او لا اله الا الله باشد داخل بهشت شود و در
حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر ع مرویستکه تلقین کنید مردگان خود را لا اله الا الله
بدرستیکه گناهان تو را در هم میشکند و مونس مؤمن است در حال حیوة و نزد مردن و نزد
مبعوث گردیدن و هر که در هنگام مردن کلمه طیبه را بگوید داخل بهشت گردد و واجب آن
استکه در اینحال پای او را بجانب قبله بگردانند تا ملئکه رحمت باو رو آورند و در این وقت
حایض و جنب نزد او نیایند که ملئکه از ایشان نفرت میکنند و اگر بغیر از ایشان کسی نباشد جایز
استکه برای ضرورت پرستاری او نمایند و چون نزدیک شود که جانش برآید بیرون روند و در
احادیث معتبره وارد شده استکه اگر جان کندن بر او دشوار باشد او را ببرند بجائیکه همیشه
نماز میکرده است یا بخوابانند او را بر روی جای نمازیکه بر آن نماز میکرده است زیرا که امید
شفا است شفا می یابد و الا جانش باسانی برمیاید و از حضرت امام رضا ع منقولستکه زینهار
در حال احتضار دست بر او مگذارید و اگر دست و پا حرکت دهد مانعش شوید چنانچه جاهلان
میکنند و نزد او قرآن بخوانید و یاد خدا بکنید و صلوات بر رسول و آل او بفرستید و در حدیث
دیگر منقولستکه فرزندی از حضرت صادق ع در احتضار بود و حضرت امام محمد باقر ع در کنار
خانه نشسته بود هر که نزدیک او میرفت منع میکرد و میفرمود که دست بر او مگذارید که او در
اینحال در نهایت ناتوانی است و هر که دست بر او بگذارد چنانستکه او را کشته است و در حدیث
صحیح از حضرت باقر ع منقولستکه هر گاه کسی را در وقت جان کندن بیابید کلمات فرج را

تلقین او کنید و کلمات فرج اینست لا اله الا الله الحليم الكريم لا اله الا الله العلي
العظيم سبحان الله رب السموات السبع ورب الارضين السبع وما فيهن وما
بينهن ورب العرش العظيم والحمد لله رب العالمين و در حدیث دیگر منقولستکه چون
این کلمات را تلقین کسی میکردند حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه میفرمودند برو دیگر
بر تو باکی نیست و حضرت رسول ص این کلمات را تلقین شخصی کرد چون او خواند حضرت فرمود
که الحمد لله که خدا او را از آتش جهنم نجات داد و از حضرت صادق ع منقولستکه هیچ کس نیست
مگر آنکه شیطان در وقت مردن جمعی از شیاطین را موکل او میکرداند که او را بشک اندازند
در دین خود تا جانش مفارقت کند و اگر مؤمن کامل باشد نمی تواند بر او دست یافت پس در
اینحال تلقین ایشان بکنید کلمات فرج و شهادت بوحدانیت خدا و اقرار بحضرت رسالت ص و
ائمه طاهرین علیهم السلام را ایک یک بخصوص تا از سخن گفتن باز مانند و ایضا سنت استکه برای
آسانی جان کندن این يَا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسِيرَ وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ اقْبَلْ
دعا را تلقین او کنند ای آنکه میپذیرد اندک را و درمیگذرد از بسیار بپذیر
مِنِّي الْيَسِيرَ وَاعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ اِنَّكَ اَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ
از من اندک را و درگذر از من بسیار را بدرستیکه تو آمرزنده مهربانی
و بروایت دیگر اِنَّكَ اَنْتَ الْعَفُوُّ الْغَفُورُ بدرستیکه توئی درگذرنده آمرزنده و چون روح او مفارقت کند سنت استکه
چشمانش را برهم گذارند و دستهایش را
بر پهلوهایش بکشند و او را بچادرشبی یا جامه بپوشانند و قرآن نزد او بخوانند و زود دفنش
بردارند مگر بقدر جمع شدن مؤمنان اگر اشتباهی در موت او نباشد و اگر مشتبه باشد تا یقین
نشود مرگش او را برندارند و از حضرت صادق ع منقولستکه سزاوار آنستکه برادران مؤمن را
خبر کنند بمردن او تا بجنازه او حاضر گردند و بر او نماز کنند و از برای او استغفار کنند و میت
و ایشان همه ثواب برند و در حدیث حسن از حضرت صادق ع منقولستکه چون مؤمن را بقبر میگذارند
او را ندا میکنند که اول عطائیکه تو را دادیم بهشت است و اول عطائیکه دادیم آنها را که بجنازه
تو آمده اند آمرزش گناهان است و در حدیث دیگر فرمود که اول تحفه که بمؤمن میدهند در قبر آن
استکه می آمرزند هر کس را که همراه جنازه او بوده است و در حدیث دیگر فرمود که هر که همراهی
جنازه مؤمن بکند تا او را دفن کنند حقتعالی در قیامت هفتاد ملک بر او بگمارد که همراهی او بنمایند
و استغفار برای او کنند از قبر تا بموقف و فرمود هر که یکطرف جنازه را بگیرد بیست و پنج گناه کبیره اش

امر دیده شود واگر چهار طرف جنازه را بگیرد از کناهان بیرون اید و باید که جنازه را چهار
کس بردارند و بهتر انستکه برای کسیکه تشییع جنازه کند اول دست راست میت را که جانب چپ
جنازه است بدوش راست خود بردارند پس پای راست میت را بازبدوش راست بردارند
پس از پشت جنازه برود و پای چپ میت را بدوش چپ خود بردارد پس دست چپ میت را که
در جانب راست جنازه است بدوش چپ بردارد و چون خواهد که باردیگر تربیع کند
از پیش جنازه نرود بلکه از جانب پشت جنازه برگردد و باز بهمان روش تربیع بجا اورد
واکثر علما برعکس گفته اند که اول ابتدا بدست راست جنازه میکند پس بپای راست پس بپای
چپ پس بدست چپ موافق احادیث معتبره اولی است واگر هر دو را بعمل اورند بهتر است و
افضل انستکه عقب جنازه یا پهلو ها راه رود و پیش جنازه راه نرود و ظاهر اکثر احادیث
انستکه اگر جنازه مؤمن باشد پیش ان رفتن خوبست و در جنازه خلاف مذهب خوب نیست زیرا
که ملئکه اورا استقبال بعذاب میکنند و با جنازه سواره رفتن مکروه است و از حضرت رسول
صلی الله علیه واله منقولستکه هر که جنازه را ببیند این دعا را بخواند اَللّٰهُ اَکْبَرُ
اَللّٰهُ اَکْبَرُ هٰذَا مَا وَعَدَنَا اللّٰهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللّٰهُ
خدا بزرکتر است خدا بزرکتر است اینکه وعده کرده است ما را خدا ورسولش وراست فرموده خدا
وَرَسُولُهُ اَللّٰهُمَّ زِدْنَا اِیمَانًا وَتَسْلِیمًا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی تَعَزَّزَ
ورسولش خدایا بیفزا ما را ایمان وگردن نهادن را سپاس مختص خداست که عزیز است
بِالْقُدْرَةِ وَقَهَرَ الْعِبَادَ بِالْمَوْتِ هیچ ملکی در اسمان نماند مگر انکه گریه کند
بتوانائی و غلبه کرده بندکان را بمرک از برای ترحم بر او و از حضرت صادق منقول
استکه در حال برداشتن جنازه این دعا بخواند بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِینَ
بنام خدا و بخدا خدایا رحمت فرست بر محمد وال محمد وبیامرز مردان کروندکان
وَالْمُؤْمِنَاتِ و زنان کرونده و منقولستکه حضرت امام زین
العابدین علیه السلام هرگاه جنازه میدیدند میگفتند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی لَمْ
یَجْعَلْنِی مِنَ السَّوَادِ الْمُخْتَرَمِ و زنان را تشییع جنازه
سپاس مر خدا را که نگردانید مرا از نسل شخصیکه هلاک شده است سنت نیست و بعضی گفته اند که جنازه را بسیار تند
بردن مکروه است و مجمر بردن با جنازه کراهت دارد و در روز چراغ بردن خوب نیست و
اسرافست و در شب خوبست و مکروه است کسی را که با جنازه حاضر شود خندیدن و حرف باطل

کفتن **فصل دوم** در غسل دادن میت است بدانکه احکام میت از غسل دادن
وکفن کردن ونماز کردن ودفن کردن واحکام پیش همه واجب کفائی است یعنی بر همه واجب
است واگر یکی بکند از همه ساقط میشود واگر همه ترک کنند همه معاقب شوند و مشهور میان
علما انستکه ولایت این معنی تعلق بوارث میت دارد و بی رخصت او دیگری متوجه اینها نمیتواند
بود و مردان ورثه اولایند از زنان و شوهر اولی است از دیگران واحوط انستکه بی ضرورت
خود غسل ندهند و غسل ونماز وسایر احکام میت واجبست برای میت شیعه اثنی عشری
و در سنی وسایر فرق مخالفان خلافست و ظاهر او واجب نباشد مگر در حال تقیه و شهید
که در جهاد با امام زمان کشته شده باشد و در معرکه مرده باشد او را غسل نمیدهند و
کفن نمیکنند بلکه نماز میکنند و با جامه هائیکه پوشیده است دفن میکنند و بعضی گفته اند
که در جهاد حتی که کشته شود چنین است و خالی از قوتی نیست و مشهور میان اصحاب انستکه
هرگاه از میت عضوی یافت نشود که در ان استخوان باشد میشویند و کفن میکنند و بعضی
سه کفن را در اینجا واجب دانسته اند واگر نصفی باشد که دل در ان باشد نماز هم میباید کرد
واحوط انستکه اگر سینه را تنها بیابند باز چنین کنند و هم چنین اگر جمیع استخوانهای میت را
بیابند و عضویکه بی استخوان باشد مشهور انستکه در لته می پیچند و دفن میکنند و بعضی
لته پیچیدن را واجب ندانسته اند و بچه که از شکم ساقط می شود هرگاه چهار ماه زیاد داشته
باشد غسل میدهند و دفن میکنند و براو نماز نیست و بعضی گفته اند که به سه جامه کفن میکنند
و حنوط میکنند و هرگاه چهار ماه نداشته باشد مشهور انستکه در لته می پیچند و دفن
میکنند و در روایت لته پیچیدن مذکور نیست و بعضی تمام شدن خلقت طفل را اعتبار کرده
اند در غسل و کفن نه چهار ماه را و این احوطست واگر عضوی استخوان داری از زنده بریده
باشد احوط انستکه غسل وکفن و دفن بکنند اگرچه اظهر عدم وجوبست واگر طفل در شکم
مادر مرده باشد و مادر زنده باشد اگر توانند درسته بیرون میاورند والا پاره پاره می کنند
و بیرون میاورند و بهتر انستکه شکمش را بدوزند و واجبستکه مرد را مرد غسل دهد و زن را
زن الا چند موضع اول زن و شوهر که بقول اشهر واقوی هر یک دیگری را غسل میتواند
داد و احوط انستکه از زیر جامه غسل دهد و نظر بعورت نکنند و بهتر انستکه بدون ضرورت
غسل ندهند خصوصا مرد زن را دوم جایز استکه اقا کنیز خود را غسل دهد هرگاه زن کسی
در عقد کسی نبوده باشد و در غسل کنیز اقا را خلافست سیم جایز استکه مرد اجنبی غسل دهد

دختر سه ساله را برهنه و زن اجنبیه پسر سه ساله را برهنه و بعضی در پنجساله نیز تجویز کرده چهارم هرگاه مردی فوت شود و مردی نباشد که او را غسل دهد زن محرم او را غسل می تواند داد از زیر جامه و هم چنین است هرگاه زن فوت شده باشد و ظاهر آنست در حال اختیار نیز محارم یکدیگر را غسل میتوانند داد اما احوط آنستکه تا ممکن باشد زن را زن و مرد را مرد غسل دهند و اما کیفیت غسل بهتر آنستکه پیش از غسل کفن را مهیا کند اول حجره را و بعد از آن سر تا سر او و بعد از آن پیراهن پهن کند و در نصف بالای پیراهن را بر گرداند و لنگ را و بعد از آن ران پیچ را بجای خود پهن کند پس متوجه غسل شود و اگر میسر باشد که میت را در وقت غسل دادن بر روی تخته یا تختی بخواباند بهتر است و مستحب است که در وقت غسل پای میت بسوی قبله باشد بطریق حال احتضار و بعضی واجب دانسته اند و در سایر احوال باید که چنین باشد مگر در حال نماز و دفن و باید که زخمهایش را بکنند و اگر خواهد که با پیراهن غسل دهد و اگر خواهد لنگ ببندد و پیراهن را بکند و بر هر تقدیر واجبست که در وقت غسل دادن عورتین میت را بپوشاند و مشهور آنستکه واجبست اول ازاله نجاست از بدن میت بکند و سنت استکه برای حرمت میت پیراهن را از طرف پا بیرون کند و اگر تنگ باشد پا از ورنه بشکافد و سنت استکه در زیر سقفی یا خیمه غسل دهد که بر ابر آسمان نباشد و سنت است که دو نفر باشند غسل دهنده یکی آب بریزد و دیگری بگرداند میت را و مستحب استکه انگشتان میت را بمدارا نرم کنند و اگر دشوار باشد و خوف شکستن داشته باشد دست بردارد و واجب استکه میت را سه غسل بدهند اول بآب سدر و بعد از آن بآب کافور و بعد از آن بآب خالص و سنت استکه اول دستهای میت را تا نصف ذراع سه مرتبه بشوید بنابر بعضی از روایات پس عورت میت را بشوید و احوط آنستکه چون خواهد که عورت میت را بشوید لته بر دست ببندد که دستش بعورت میت نرسد و اگر بدست چپ بشوید بهتر است و سنت استکه اول عورت میت را بکف سدر و اشنان سه مرتبه بشوید و آب بسیار بریزند تا خوب پاک شود پس دست بر بالای شکمش بگذارد و بنرمی و همواری پائین کشد که اگر فضله باشد بیرون آید و اگر چیزی بیرون آید باز مخرج را بشوید و اگر زن حامله باشد و خوف افتادن فرزند باشد دست بر شکمش نکشد و علما گفته اند که سنت است سر و ریش میت را در غسل بکف سدر بشوید پس سنت استکه دستهای خود را تا مرفق بشوید یعنی آن کسیکه دست بر میت میگذارد پس وضو دهد میت را بروش وضوی زندگان بآب خالص و بعضی واجب دانسته اند و نیت کند که وضو میدهم این میت را

قربة الی الله پس دو دستهایش را بشوید و سر و پاهایش را مسح کند پس ابتدا کند بغسل و احوط آنستکه آب ریزنده و گرداننده اگر دو کس باشد هر دو نیت کنند و بهتر آنستکه نیت هر سه را در اول بکنند و از برای غسل کافور و قراح نیز نیت جدا بکنند پس اول نیت میکند که این میت را غسل میدهم بآب سدر رو کافور و قراح از جهة آنکه واجبست برای رضای خدا قربة الی الله پس سر میت را میشوید و احوط آنستکه اول بجانب راست سر آب بریزد و بعد از آن بجانب چپ و سنت استکه سر را و هر جانب را سه مرتبه بشوید و هر سبوئی را اگر میریزد قطع نکند تا بپا برساند و اگر آنکه میت را میگرداند در هنگام آب ریختن دست بر شکم و پشت او بمالد بهمواری که خوب آب برسد و بهتر آنستکه دست میت را از پهلو جدا کند تا آب بزیر ران برسد و چنان کند که آب بزیر لنگ و عورت و ران و سایر اعضا خوب جاری شود پس میت را بگرداند و بر پهلوی راست بخواباند و پهلوی چپ را بهمان طریق که مذکور شد سه مرتبه بشوید و در سدر سمتی کافیست و مشهور آنستکه حدی ندارد و بعضی گفته اند که باید هفت برگ سدر باشد و بعضی یکرطل و بعضی یکرطل و نیم و گفته اند که نزدیک به بیست و پنج درم و زیاده بوده باشد و گویا این زیادتیها برای شستن فرج و سایر اعضا پیش از غسل بوده باشد و احوط آنستکه در آب غسل آن مقدار داخل نکنند که مضاف شود و آبش نگویند و در بعضی از روایات در شستن هر جانب شستن نصف سر نیز وارد شده است و شاید بد نباشد اگر چه خلاف مشهور است پس میت را بر پشت میخوابانند و ظرفها را میشویند که اثر سدر در آنها برطرف شود و اندک کافور را ریزه میکنند و داخل آب میکنند و غسل دهنده دستهای خود را تا مرفق می شوید و بهتر آنستکه دست میت را نیز تا نصف ذراع بشوید سه مرتبه بآب کافور و فرجش را سه مرتبه نیز بشوید بهمان نحو که لته یا دستمالی بر دست بپیچد و دست بر شکم میت بکشد بهمواری و بهتر آنستکه در وقتیکه دست بر شکم میت میکشد سر میت را بلند کند که فضلات از ان طرف بیرون نرود پس احتیاط آب ریزنده و گرداننده هر دو نیت کنند که این میت را غسل میدهم بآب کافور از برای رضای خدا قربة الی الله پس سر را بشوید و سنت استکه سه مرتبه بشوید و در هر مرتبه ابتدا بجانب راست سر بکند و گرداننده بهمواری دست بمالد پس جانب راست را سه مرتبه و جانب چپ را سه مرتبه بنحوی که در غسل سدر مذکور شد بشوید پس میت را بر پشت بخواباند و باز دست خود را تا مرفق بشوید و ظرفها را خوب بشوید که اثری از سدر و کافور در آنها نماند و اگر سبوی دیگر برای آب قراح مهیا کند بهتر است و احوط

انستکه اب غسل قراح را از حوضیکه اب سدر و کافور دران ریخته شده است برندارند وازابیکه برداوند که اینها مطلقا دران داخل نشده باشد پس دستهای میت را تا نصف ذراع سه مرتبه باب خالص بشویند استنجا با وفرج میت را نیز سه مرتبه باب خالص بشویند واکر دراین وقت نیز بار دیکر میت را وضو دهند شاید بهتر باشد پس احتیاطا نیت کنند که غسل میدهم این میت را باب قراح از جهت انکه واجبست قربة الی الله پس سر را سه مرتبه و جانب راست را سه مرتبه و جانب چپ را سه مرتبه بشویند که یکمرتبه واجب و دو مرتبه سنت و بهتر انستکه کرداننده بمدارا در وقت اب ریختن دستی بکشد بر بدن میت پیش از این غسل و در اثناء این دست بر بدن میت نمیکشند وچون این هر سه غسل فارغ شود اکر خوف خروج نجاستی بوده باشد قدری از پنبه در دبرش داخل کنند و همچنین در دهان و بینی او قدری از پنبه داخل کنند اکر خوف بیرون امدن خون یا نجاستی بوده باشد پس سنتست که بدنش را بجامه خشک کنند و بعد از ان او را بر روی جامه های کفن بکذارد و سنتست که هر مرتبه که میت را از جانبی بجانبی **اَللّٰهُمَّ هٰذَا بَدَنُ عَبْدِكَ الْمُؤْمِنِ وَقَدْ اَخْرَجْتَ** کرداند این دعا را بخواند (خدایا این بدن بنده تست که مؤمن است وبتحقیق که بیرون اورده) **رُوحَهُ مِنْهُ وَفَرَّقْتَ بَيْنَهُمَا فَعَفْوَكَ عَفْوَكَ** واکر زن باشد بکوید (روح را از او وجدائی افکنده میان ان دو پس طلب امرزش میکنم ترا) **اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا بَدَنُ اَمَتِكَ الْمُؤْمِنَةِ** واکر دو جا بکوید بهتر است و در سایر احوال غسل مکرر بکوید ربِّ عَفْوَكَ عَفْوَكَ تا خدا او را بیامرزد و سنتست که هر که عیوبی از میت بر او ظاهر شود بکسی نقل نکند تا حق تعالی کناهان او را بیامرزد چنانچه از مادر متولد شده و مستحب استکه غسل دهنده در جانب راست بایستد و کودالی در برابر قبله بکند و تخته سر از یر باشد که اب غسل دران کودال رود و مکروه استکه اب غسل را در چاهی که دران بول و غایط کنند بریزند واکر چاله باشد که کثافات خانه دران ریزند حضور ندارد و مکروه است میت را با بیکرم غسل دادن مکر در حال ضرورت و مکروه استکه میت را در میان پاهای خود بکیرد و ایضا مکروه استکه ناخن میت را بکیرد یا موی او را بکیرد یا شانه کند واکر بکیرد ناخن و مو را یا موئی در اثنای غسل جدا شود باید که در میان کفن کذارد و با میت دفن کند حتی منقولستکه دندانی از حضرت باقر کنده شد و بحضرت صادق داد و فرمود که با من دفن کن در قبر واکر سدر و کافور هم نرسد یکمرتبه باب قراح غسل دهند و احوط انستکه سه مرتبه غسل دهند واکر پیش از دفن

بهم رسد احوط انستکه مرتبه دیکر او را سه غسل دهند واکر اب بهم نرسد یا میت را غسل نتوان داد که خوف ان باشد که بدن میت از هم بپاشد تیمم دهند او را و ظاهر ایک تیمم کافی است و سه تیمم احوط است بهتر انستکه تیمم را چنین بدهد که نیت کند که تیمم میدهم این میت را بدل از غسلهای سدر و کافور و قراح از جهت انکه واجبست از برای رضای خدا و تیمم دیکر را قصد کند که تیمم میدهم این میت را بدل از غسل کافور احتیاطا قربة الی الله و همچنین قراح را و چون نیت کند دست خود را بر خاک زند و بر پیشانی میت کشد و دیکر بر پشت دست راست میت کشد و بعد از ان بر پشت دست چپ واکر دو ضرب تیمم دهد یکی برای رو و یکی برای دستها خوبست واکر میت محرم باشد او را غسل کافور ندهند و حنوط نکنند **فضیلت سیم** در کفن کردن میت است واجبستکه میت را سه کفن کنند واکثر علما کفته اند که اول انها لنک است که از ناف تا بعضی از ساق را بپوشد و بعضی کفته اند که سنتستکه سینه را بپوشد و تا پاها برسد و دویم پیراهن است و سیم سرتاسری است که جمیع بدن را بپوشد و بعضی از علما کفته اند که پیراهن است و دو سرتاسری و جایز استکه بجای پیراهن یک سرتاسری دیکر بکند که مجموع سه سرتاسری باشد و این قول اظهر است و احادیث معتبره بر این دلالت دارد و احوط انستکه باینها لنک نیز بکنند و با ضرورت یک سرتاسری کافی است و باید که کفن حریر محض نباشد و احوط انستکه کفن زنان نیز حریر محض نباشد واحوط انستکه کفن از پوست نباشد و بهتر انستکه از پشم و مو نبوده باشد و مستحب است که از پنبه سفید بوده باشد و سنتستکه سرتاسری بالا از جمله دو سرتاسری حبره باشد که ان جامه بوده باشد که از یمن میاوردند و الحال معلوم نیست و دور نیستکه اکر بجای ان قطنی سفید بکنند بد نباشد و علما کفته اند که سنتستکه اول جانب چپ لفافه را بر جانب راست میت اندازد و بعد از ان جانب راست لفافه را بر جانب چپ میت و بهتر انستکه چنین کند اکرچه سندش بنظر نرسیده است و سنتستکه خرقه طویلی که عرضش یک شبر و نیم و طولش اقلا سه ذرع و نیم باشد بذراع دست زیاده کند برای ران پیچ بانکه سر انرا بشکافند و بر کمر میت ببندند و پنبه بسیار بر دبر و فرج میت بکذارند واکر زن باشد پنبه بیشتر بکذارند واکر بر پنبه قدری کافور بپاشند شاید بهتر باشد و سر دیکر خرقه را از میان پاها بدر اورند و از زیر انچه بر کمرش بسته اند بیرون اورند و محکم بکشند که فرج و پنبه که کذاشته اند فرا کیرد و پاها را بهم اورند و رانها را با یکدیکر

بان خرقه سخت ببندند و بپیچند تا زانوها و هرجا که منتهی شود و سرش را در زیر انچه پیچیده اند فرو برد و سنّت استکه عمامه از برای مرد زیاد کنند که برد و سرش بگردانند و موافق مشهور بر زیر حنک بگردانند و سرهای عمامه را از دو طرف بدر آورند و بر سینه میّت بیندازند چپ را بجانب راست و راست را بجانب چپ و بدل از برای عمامه مرد از برای زن مقنعه زیاده کنند و پارچه بر سینه زن بیندند که پستانهای او را بگیرد و بر پشتش گره زنند و مکروه استکه کفن از کتان باشد یا پیراهنی که تازه کنند استین داشته باشد امّا اگر میّت را در پیراهن خودش کفن کنند در کار نیست بریدن استین و با استین باکی نیست امّا تکمه ها و بندهایش را ببرند و سنّت استکه میّت را کفن کنند در پیراهنیکه در ان نماز میکرده است و اگر در پیراهن بعضی علما و صلحا نیز کفن کنند شاید بد نباشد و مستحب استکه در جامهٔ که در ان احرام بسته است در حج یا عمره کفن کنند و مستحب استکه کفن خوش قماش و صاحب قیمت باشد چنانچه وارد شده استکه نیکو کنید کفنهای مردگان خود را که زینت ایشانست و با ان کفنها در قیامت مبعوث میشوند و سنّت استکه در قیمت کفن مضایقه و مبصری نکنند و کفن از مال بسیار حلال بی شبهه باشد و سنّت استکه موافق مشهور بر کفن شهادتین و اقرار بائمه علیهم السّلم بنویسید و دعای جوشن و غیر ان در بعضی از روایات وارد شده است و سنّت استکه بتربت امام حسین ع بنویسند و علما گفته اند که کفن را بر دیبا نیکه از ان بیرون اورده اند بدوزند و باید همان تر نکنند و سنّت استکه در وقتیکه غسل دهنده خواهند که میّت را کفن کنند دستهایش را تا دوش یا تا مرفق بشوید بعد از ان شروع کنند در کفن کردن و واجبست حنوط کردن میّت را باینکه بر هفت موضع سجده او یعنی پیشانی و کف دستها و زانوها و انگشت مهین پاها کافور بمالند اگرچه اندکی باشد و بهتر انستکه سر بینی را نیز اندکی بمالند و بر سینه اش بریزند اگر کود ال پائین گردن و بندهای پا و بندهای دست و مرفقها و زیر بغلها و بیخ رانها و بند انگشتان و سایر بندها را بمالند احوط است و بهتر انستکه کافور حنوط کافور جوداً باشد و مقدارش بعد رطلی شرعی باشد که چهار دانک و نیم مثقالست و بهتر از این انستکه سه مثقال باشد و بهتر از این انستکه سیزده درهم و ثلثی بوده باشد موافق حنوط حضرت رسول صلعم که تقریبا هفت مثقال صیرفی بوده باشد و بهتر از این انستکه کافور غسل از این مقدارها نباشد و سنّت مؤکّد است که دو جریده تازه با میّت بگذارند و در اخبار بسیار

وارد شده استکه تا این چوبها تراست میّت را عذاب نمیکنند و بهتر انستکه چوب درخت خرما بوده باشد اگر یافت نشود چوب سدر کنند و اگر یافت نشود چوب درخت بید و اگر یافت نشود چوب درخت انار و اگر بهم نرسد هر چوب تری خوبست و باید تر باشد و تازه از درخت بریده باشد و چوب خشك هرچند از درخت خرمای اماکن شریفه باشد فایده نمی کند و باید هریك بقدر یك شبر بوده یا یکذراع دست و بعضی گفته اند که بقدر استخوان ذراع که از شبر بیشتر است و ظاهر اهمه خوبست و بعضی گفته اند که پنبه بر انها بپیچند تا رطوبتش بیشتر بماند و یکی را از جانب راست بگذارند و سرش را بچنبر کردن گذارند و ملصق بیدن سازند و دیگری را از جانب چپ میان پیراهن و سرتا سری بگذارند و سرانرا نیز بچنبر کردن گذارند و بعضی گفته اند که سنّت استکه بر جریدتین شهادتین بنویسند بتربت شریف و اگر تقیه باشد جریده در کفن نتوان گذاشت در میان قبر بیندازند و اگر بعد از پر کردن بر خاطرشان اید در میان قبر فرو برند و بدانکه کفن واجب میّت از اصل مال اوست مقدّم بر دین و وصیت و میراث و اگر چیزی نداشته باشد دختهایش را تطهیر کنند و بانها کفن کنند و اگر ان هم نباشد برهنه دفن کنند و بعضی گفته اند از زکوة واجب کفن میّت میتوان کرد و خالی از قوّتی نیست و سنّت مؤکّد استکه مسلمانان او را کفن کنند چنانچه در حدیث معتبر از حضرت امام محمّد باقر ع منقولستکه هر که کفن کند مؤمنی را چنان باشد که ضامن جامه او شده باشد تا روز قیامت و هر که بکند از برای او قبری چنانستکه او را در خانه موافق نیکوئی جا داده باشد تا روز قیامت و کفن زن بر شوهر واجبست هر چند زن مالدار باشد و همچنین کفن بنده بر صاحبش واجبست و اگر از میّت نجاستی بیرون اید بدن او را بشویند و اگر کفن الوده شده باشد تا در قبر نگذاشته اند او را بشویند و اگر بقبر برده مشهور انستکه ان موضع را بمقراض ببرند و کفن را از یکدیگر بکشانند تا بدن میّت پوشیده شود و بعضی گفته اند که اگر ممکن بوده باشد شستن در اندرون قبر بانکه طشت و افتابه ببرند و بشویند خصوصا هرگاه بدن میّت نجس شده باشد و تطهیر ان لازم باشد کفن را بان عنوان نیز بشوید و این احوطست و جمعی گفته اند که مکروه است کفن را با اهن بریدن و از مشایخ شنیده ام که در حال کفن کردن نیز سنّت استکه پاهایش بجانب قبله باشد و کسیکه در غیر جهاد با امام ع کشته شده باشد جراحتهای بدنش را ازاله کنند و غسل دهند و اگر سر جدا باشد در هر غسلی اوّل سر را بشویند و اخر بدن را و بعضی گفته اند که اگر خون بند نشود کل دست بر زخم ها ببندند

شود و از حضرت صادق منقولستکه در حکم چنین کسی که اوّل خون را می شویند و آب بر او
میریزند در غسل و دست بر بدنش نمی مالند و بر جراحتهایش پنبه و کافور میگذارند و محکم
می بندند و هم چنین اگر گردنش بریده شده باشد و جدا نشده باشد کافور بپاشند بر موضع
جراحت و پنبه بر آن بگذارند و بخرقه ببندند که خون بیرون نیاید و اگر سر از بدن جدا شده
باشد در غسل اوّل سر را بشویند و بعد از آن بدن را و پنبه بر بالای گردن گذارند و در میان
کفن بپیچند و در هنگام دفن سر را با بدن بگیرند و در لحد گذارند و رویش را بجانب قبله
بگردانند **فصل چهارم** در نماز میّت است و این نماز واجبست بر هر مسلمانی
که علم بفوت شخصی بهم رسانند و اگر یکی از ایشان بجا آورد از دیگران ساقط می شود و واجبست
نماز بر هر شیعه اثنی عشری که بالغ باشد بی خلاف و اشهر و اقوی آنستکه بر طفلیکه شش سال
او تمام شده باشد نماز واجبست و ظاهرا بقصد قربت اکتفا توان کرد و کمتر از شش ساله اگر
زنده متولد شده باشد بعضی سنت دانسته اند و بعضی بدعت و احوط نماز نکردنست و جایز
نیست نماز کردن بر کفار و خوارج و ناصبیان که عداوت اهلبیت علیهم السلم داشته باشند
و غالیان که ائمه را خدا دانند یا گویند خدا در ایشان حلول کرده است و بر مرتد و آنها
که خدا را جسم میدانند و بر غیر ایشان از مخالفان خلافست و ظاهرا مجزی باشد میان آنکه
نماز نکنند یا بکنند و چهار تکبیر بگویند و در تکبیر چهارم نفرین و لعنت کنند بر او و در موضع
تقیه ترک نباید کرد و سزاوارترین مردم بنماز میّت وارث اوست بنا بر مشهور و بعضی گفته
اند که بی رخصت ایشان نماز جماعت نمیتوان کرد و انفراد میتوان کرد و احوط آنستکه تا توان
از ایشان رخصت بگیرند و بی رخصت نکنند و شوهر از همه خویشان اولی است نسبت بزن
و مردان اولی اند از زنان و وارث اگر خود قابلیت پیشنمازی نداشته باشد هر که را خواهد
و اعتقاد داشته باشد و بهتر داند مقدّم دارد و جایز استکه زن پیشنمازی زنان بکند و
با ماموتان در یکصف بایستد و مرد باید که پیش بایستد اگرچه ماموم یکنفر باشد و اگر زنان
با مردان جمع شوند زنان در عقب مردان بایستند و اگر حایضی باشد سنت استکه در صف
جدائی بایستد و واجبستکه نماز گذارنده رو بقبله بایستد و سر جنازه بجانب راست او باشد
و اگر امام باشد و ماموم نباشد احوط در منفرد آنستکه از برابر جنازه بیرون نباشد و جایز
استکه میّت را پشت بهوا بخوابانند و در این نماز طهارت از حدث شرط نیست و جنب و حایض و بی وضو
این نماز را میتوانند کرد و احوط آنستکه سایر شروط نماز یومیّه را در این نماز رعایت کنند

از پوشیدن عورت و نجس نبودن جامه و بدن و حریر نبودن جامه و غیر اینها اگرچه
اظهر آنستکه هیچیک در کار نیست مگر چیزی چند که حرام باشد که ازاله آنها منافی افعال نماز
باشد مانند طلا و حریر برای مردان و جامه غصبی و سنت استکه با وضو باشد اگر آب بهم
نرسد یا مانعی داشته باشد و یا وقت تنگ باشد سنت استکه تیمم کند و ظاهرا اعتقاد بعضی
آنستکه بدون عذر نیز تیمم مستحبست و باید که از جنازه بسیار دور نباشد مگر آنکه در نماز
جماعت باشد و صفها در میان باشد و نماز بر میّت نمیتوان کرد تا او را غسل و کفن بکنند اگر
ممکن باشد و اگر کفن نداشته باشد او را در قبر گذارند و عورتش را بپوشانند و نماز
کنند و سنت استکه پیشنماز برابر میان مرد بایستد و سینه زن بنا بر مشهور و سنت استکه
کفش را بکند و اگر موزه در پا داشته باشد در کار نیست کندن و اگر پا برهنه باشد بهتر است
و واجبستکه نیّت کند و بهتر آنستکه چنین نیّت کند که نماز بر این میّت حاضر میکنم از برای آنکه
واجبست قربة الی الله و پنج تکبیر بگوید و سنت استکه در هر تکبیر دستها را بردارد تا محاذی
گوشها و بعضی در غیر تکبیر اوّل سنت نمیدانند دست برداشتن را و اوّل اقوی است و در
وجوب دعا در میان تکبیرها خلافست و احوط وجوبست و ظاهر آنکه هر دعا مجزی است و مشهور
آنستکه بعد از تکبیر اوّل اگر بگوید اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللّٰهِ
شهادت میدهم که نیست خدائی مگر خدا و شهادت میدهم اینکه محمد فرستاده خدا
و بعد از دوّم اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و بعد از سیّم اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِینَ
خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد — خدایا بیامرز مردمان گرونده
وَالْمُؤْمِنَاتِ و بعد از چهارم اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِهٰذَا الْمَیِّتِ و تکبیر پنجم بگوید و فارغ شود مجزیست و موافق مشهور بهتر
و زنان گرونده — خدایا بیامرز این میت را
آنستکه چنین کند بعد از نیّت بگوید اَللّٰهُ اَکْبَرُ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ
خدا بزرگتر است شهادت میدهم اینکه نیست خدائی مگر خدای یگانه نیست شریکی
لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ بَشِیرًا وَ
مر او را و شهادت میدهم اینکه محمد بنده و رسول اوست فرستاده او را براستی بشارت دهنده و
نَذِیرًا بَیْنَ یَدَیِ السَّاعَةِ پس بگو اَللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی
بیم کننده میان این ساعت پیش — خدا بزرگتست خدایا رحمت فرست بر
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِکْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ
محمد و آل محمد و برکت ده بر محمد و آل محمد و رحم کن

مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ كَافْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ

محمد وآل محمد را مثل بهتر آنچه رحمت کرده وبرکت داده ورحمت کرده

عَلَى اِبْرٰهِيمَ وَآلِ اِبْرٰهِيمَ اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَصَلِّ عَلَى جَمِيعِ

بر ابرهیم وآل ابرهیم بدرستیکه تو ستوده بزرگواری ورحمت فرست بر همه

الْاَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ ثُمَّ اللهُ اَكْبَرُ اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ

پیغمبران وفرستادگان پس بگوید خدا بزرگست خدایا بیامرز مردان مؤمن

وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْاَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْاَمْوَاتِ

وزنان مؤمنه ومردان گردن نهنده وزنان گردن نهنده زنده های از ایشان ومرده ها

وَتَابِعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ اِنَّكَ مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ اِنَّكَ

پی در پی کن میان ما ومیان ایشان بنیکیها بدرستیکه تو اجابت کننده دعواتی بدرستیکه تو

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ثُمَّ اللهُ اَكْبَرُ اللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا عَبْدُكَ

بر هر چیزی توانائی بگوید خدا بزرگست خدایا بدرستیکه این بنده تست

وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ اَمَتِكَ نَزَلَ بِكَ وَاَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ

وپسر بنده تو وپسر کنیز تو نازل شده بتو وتو بهتر نازل شده بآن

اللّٰهُمَّ اِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ اِلَّا خَيْراً وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنَّا اللّٰهُمَّ اِنْ

خدایا ما نمیدانیم از او مگر نیکی را وتو داناتری بآن از ما خدایا اگر

كَانَ مُحْسِناً فَزِدْ فِي اِحْسَانِهِ وَاِنْ كَانَ مُسِيئاً فَتَجَاوَزْ عَنْهُ

بوده باشد نیکوکار پس زیاد کن در نیکی او واگر بوده باشد گنهکار پس درگذر از او

وَاغْفِرْ لَهُ اللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ عِنْدَكَ فِي اَعْلَى عِلِّيِّينَ وَاخْلُفْ

وبیامرز اورا خدایا بگردان اورا نزد خود در اعلا علیین وخلیفه شو

عَلَى اَهْلِهِ فِي الْغَابِرِينَ وَارْحَمْهُ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

بر اهل او در گذشتگان ورحم کن اورا برحمت خود ای رحم کننده رحم کنندگان

ثُمَّ اللهُ اَكْبَرُ وفارغ میشود اللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذِهِ اَمَتُكَ وَابْنَةُ عَبْدِكَ

پس بگوید بزرگست خدا واگر زن باشد میگوید خدایا بدرستیکه این کنیز تست ودختر بنده تو

وَابْنَةُ اَمَتِكَ نَزَلَتْ بِكَ وَاَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اللّٰهُمَّ اِنَّا لَا نَعْلَمُ

ودختر کنیز تو آمده پیش تو وتو بهترین منزول بآن خدایا ما نمیدانیم

مِنْهَا اِلَّا خَيْراً وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِهَا مِنَّا اللّٰهُمَّ اِنْ كَانَتْ مُحْسِنَةً

از آن مگر خوبی وتو داناتری بآن از ما خدایا اگر بوده است نیکوکار

فَزِدْ فِي اِحْسَانِهَا وَاِنْ كَانَتْ مُسِيئَةً فَتَجَاوَزْ عَنْهَا وَاغْفِرْ لَهَا

پس زیاد کن در نیکی آن واگر بوده است بدکار پس درگذر از آن وبیامرز اورا

اللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا عِنْدَكَ فِي اَعْلَى عِلِّيِّينَ وَاخْلُفْ عَلَى اَهْلِهَا

خدایا بگردان اورا نزد خود در اعلا علیین وجانشین شو بر خانواده آن

فِي الْغَابِرِينَ وَارْحَمْهَا بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وبعد از چهار

درگذشتگان ورحم کن اورا برحمت خود ای بخشنده ترین بخشندگان تکبیر اینرا بخواند

اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ

شهادت میدهم اینکه نیست خدائی مگر خدای یگانه نیست شریکی مر اورا وشهادت میدهم اینکه

مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

محمد بنده تو ورسول تست خدایا رحمت فرست بر محمد وآل محمد

وَاغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ اللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا الْمُسَجَّى قُدَّامَنَا

وبیامرز مردان مؤمن وزنان مؤمنه را خدایا بدرستیکه این پیچیده بکفن پیش ما

عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَقَدْ قَبَضْتَ رُوحَهُ اِلَيْكَ وَقَدِ احْتَاجَ

بنده تو وپسر بنده تست وبتحقیق گرفتی روح اورا بسوی تو وبتحقیق احتیاج دارد

اِلَى رَحْمَتِكَ وَاَنْتَ غَنِيٌّ عَنْ عَذَابِهِ اللّٰهُمَّ اِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْ

برحمت تو وتو بینیازی از عذاب او خدایا ما نمیدانیم از

ظَاهِرِهِ اِلَّا خَيْراً وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِسَرِيرَتِهِ اللّٰهُمَّ اِنْ كَانَ مُحْسِناً

ظاهر او مگر نیکی وتو داناتری بسریره او خدایا اگر باشد نیکوکار

فَزِدْ فِي اِحْسَانِهِ وَاِنْ كَانَ مُسِيئاً فَتَجَاوَزْ عَنْ سَيِّئَاتِهِ واگر زن

پس زیاد کن در احسان او واگر باشد بدکار پس درگذر از بدیهای او باشد بگوید

اللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذِهِ الْمُسَجَّاةَ قُدَّامَنَا اَمَتُكَ وَابْنَةُ عَبْدِكَ وَقَدْ

خدایا بدرستیکه این پیچیده بکفن پیش ما کنیز تو ودختر بنده تست وبتحقیق

قَبَضْتَ رُوحَهَا اِلَيْكَ وَقَدِ احْتَاجَتْ اِلَى رَحْمَتِكَ وَاَنْتَ غَنِيٌّ

گرفتی روح اورا بسوی خود وبتحقیق محتاج است بسوی رحمت تو وتو بینیازی

عَزْ عَذابِها اَللّهُمَّ اِنّا لا نَعْلَمُ مِنْ ظاهِرِها اِلّا خَيْراً وَ اَنْتَ

از عذاب کردنان خدایا ما نمیدانیم از ظاهران مگر نیکی و تو

اَعْلَمُ بِسَرِيرَتِها اَللّهُمَّ اِنْ كانَتْ مُحْسِنَةً فَزِدْ فِي اِحْسانِها وَ

داناتری باسرار ان خدایا اگر باشد نیکوکار پس زیاد کن در نیکی کردن ان و

اِنْ كانَتْ مُسِيئَةً فَتَجاوَزْ عَنْ سَيِّئاتِها بلکه موافق جمع بین الاخبار بهتر است

اگر باشد بدکار پس درگذر از گناهان ان اگر بعد از هر تکبیر این دعا را نیز بخواند خوب است

اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلَّا اللّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ

شهادت میدهم اینکه نیست خدائی مگر خدا یگانه است نیست شریکی او را و شهادت میدهم اینکه

مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

محمد بنده تو و فرستاده تست خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد

وَ عَلَى الْاَئِمَّةِ الْهُداةِ وَ اغْفِرْ لَنا وَ لِاِخْوانِنَا الَّذِينَ

و بر ائمه راه یابندگان و بیامرز ما را و برادران ما را آنانکه

سَبَقُونا بِالْاِيمانِ وَ لا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنا غِلّاً لِلَّذِينَ

پیشی گرفته اند ما را با یمان و مگردان در دلهای ما غشی مر آنانکه

آمَنُوا رَبَّنا اِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ اَللّهُمَّ اغْفِرْ لِاَحْيائِنا

گرویدند پروردگارا تو آمرزنده مهربانی خدایا بیامرز مرزندگان ما

وَ اَمْواتِنا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِناتِ وَ اَلِّفْ قُلُوبَنا عَلى

و مردگان ما را از مردان گرونده و زنان گرونده و الفت ده دلهای ما را بر

قُلُوبِ اَخْيارِنا لِمَا اخْتُلِفَ مِنَ الْحَقِّ بِاِذْنِكَ اِنَّكَ تَهْدِي

دلهای برگزیدگان ما آنچه را اختلاف کرده شد از حق باذن تو بدرستی تو هدایت میکنی

مَنْ تَشاءُ اِلى صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ اَللّهُمَّ عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ

از اکه خواهی بسوی راه راست خدایا بنده تو پسر بنده تو

ابْنُ اَمَتِكَ اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ اِفْتَقَرَ اِلى رَحْمَتِكَ وَ اسْتَغْنَيْتَ عَنْهُ

پسر کنیز تو تو داناتری بان محتاجست بسوی رحمت تو و بی نیازی تو از ان

اَللّهُمَّ فَتَجاوَزْ عَنْ سَيِّئاتِهِ وَ زِدْ فِي اِحْسانِهِ وَ اغْفِرْ لَهُ

خدایا پس بگذر از گناهان او و زیاد کن در احسان او و بیامرز مر او را

وارحمه

وَ ارْحَمْهُ وَ نَوِّرْ لَهُ فِي قَبْرِهِ وَ لَقِّنْهُ حُجَّتَهُ وَ اَلْحِقْهُ بِنَبِيِّهِ صَلَّى

و رحم کن او را و روشن کن برای او قبرش را و بیاموز او را برهانش را و ملحق کن او را به پیغمبرش رحمت

اللّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ لا تَحْرِمْنا اَجْرَهُ وَ لا تَفْتِنّا بَعْدَهُ و اگر زن باشد از اول دعا

خدا بر او و آل او و محروم مکن ما را و مزد او را و باشوب مینداز ما بعد او میخوانند تا اینجا

که الی صراط مستقیم است پس از آن اَللّهُمَّ اَمَتُكَ ابْنَةُ عَبْدِكَ ابْنَةُ اَمَتِكَ اَنْتَ

میخوانند خدایا کنیز تو دختر بنده تو دختر کنیز تست تو

اَعْلَمُ بِها افْتَقَرَتْ اِلى رَحْمَتِكَ وَ اسْتَغْنَيْتَ عَنْها اَللّهُمَّ

داناتری بان محتاجست بسوی رحمت تو و بی نیازی تو از ان خدایا

فَتَجاوَزْ عَنْ سَيِّئاتِها وَ زِدْ فِي حَسَناتِها وَ اغْفِرْ لَها وَ ارْحَمْها

پس بگذر از بدیهای ان و زیاد کن در نیکیهای ان و بیامرز او را و رحم کن او را

وَ نَوِّرْ لَها فِي قَبْرِها وَ لَقِّنْها حُجَّتَها وَ اَلْحِقْها بِنَبِيِّها صَلَّى

و روشن کن برای ان قبرش را و بیاموز او را برهانش را و ملحق کن او را به پیغمبران رحمت فرست

اللّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ لا تَحْرِمْنا اَجْرَها وَ لا تَفْتِنّا بَعْدَها

خدا بر او و آل او و محروم مکن ما را مزد او را و باشوب مینداز ما را پس از او

و در روایتی وارد شده که بعد از فراغ رَبَّنا آتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً

شدن از نماز بگویند پروردگارا بده ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیکی

وَ قِنا عَذابَ النّارِ و اگر بر سنی و خلاف مذهب نماز کند بضرورت بعد از تکبیر چهارم بلکه بعد از هر تکبیر او را لعنت اَللّهُمَّ

و نگاه دار ما را از عذاب آتش و نفرین کند و بهتر اینستکه چنین بگوید خدایا

اَخْزِ عَبْدَكَ فِي عِبادِكَ وَ بِلادِكَ اَللّهُمَّ اَصْلِهِ حَرَّ نارِكَ اَللّهُمَّ

رسوا مکن بنده خود را در بندگان خود و شهرهای خود خدایا برسان او را گرمی آتش خود خدایا

اَذِقْهُ اَشَدَّ عَذابِكَ فَاِنَّهُ كانَ يُوالِي اَعْداءَكَ وَ يُعادِي

بچشان او را سخت تر عذاب خود را پس او باشد دوستان دشمنان تو و دشمن است

اَوْلِياءَكَ وَ يُبْغِضُ اَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ

دوستان تو را و دشمنی کرده اهل خانواده پیغمبر ترا رحمت خدا بر او و آل او

و اگر میت مستضعف باشد که ضعیف العقل باشد و تمیز میان مذاهب نکند و

یا این سبب سنی باشد یا مخالف حق باشد و عناد با شیعیان نداشته باشد یا اعتقاد

با اهل

با اهل بیت علیهم السلم داشته باشد و با دشمنان ایشان بد نباشد در نماز براو بگوید

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلَّذِینَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِیلَکَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِیمِ

خدایا بیامرز کسانیرا که توبه کردند و پیروی کردند راه ترا و نگاهدار ایشانرا عذاب دوزخ

و اگر منهب میت معلوم نباشد بگوید اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذِهِ النَّفْسَ اَنْتَ اَحْیَیْتَهَا وَاَنْتَ اَمَتَّهَا

خدایا بدرستی این نفس را تو زنده کرده او را و تو میراندی

اَللّٰهُمَّ وَلِّهَا مَا تَوَلَّتْ وَاحْشُرْهَا مَعَ مَنْ اَحَبَّتْ و اگر میت طفل نابالغ باشد بگوید

خدایا برگردان او را آنچه دوست داشته و محشور کن او را با هر که دوست داشته

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لِاَبَوَیْهِ وَلَنَا سَلَفًا وَفَرَطًا وَاَجْرًا و مشهور در همه اینستکه

خدایا بگردان او را از برای پدر و مادرش و برای ما پیش فرستاده و زیادتی و مزد

همه اینستکه دعاهای سر تکبیر اول را میخواند بنحویکه گذشت و این دعاها را بعد از تکبیر چهارم میخواند و برستّی اگر نماز کند تکبیر پنجم را نمیگوید و سنّتست که بر جای خود بایستد تا جنازه را بردارند خصوصاً پیشنماز و نماز جنازه را در مسجد میتوان کرد و مشهور آنستکه اگر در مسجد نکند بهتر است و بر یک جنازه دو مرتبه نماز کردن خلافست در جواز آن و دور نیستکه کسی که نماز نکرده باشد تواند کرد و کسیکه در اثناء نماز برسد و بقصد وجوب ملحق میتواند شد و دعاهائیکه خودش را باید خواند میخواند و چون پیشنماز فارغ شود بقیه را با دعاهای مختصر بخواند اگر چه جنازه را بردارند و اگر دور شود یا بگردد تکبیرها را بی دعا پیاپی بگوید و اگر میتی را بی نماز دفن کرده باشند احوط آنستکه بر قبر او نماز کنند هر چند مدتی گذشته باشد و همه وقت نماز جنازه را میتوان کرد مگر آنکه وقت حاضره تنگ شود که حاضره را مقدم میدارد و بهتر آنستکه با وسعت وقت نیز اوّل حاضره را مقدم دارد مگر آنکه خوف فوت نماز جنازه بوده باشد یا خوف ضایع شدن میت

فصل پنجم در آداب دفن میت است و آداب بعد از آن سنّتست که میت را در قبر نگذارند ننشینند و واجبست کفایت دفن کردن میت و قدر واجب آنستکه میت را در گوی پنهان کنند بحیثیتی که بوی بد او از مردم مستور گردد و جسد او از درندگان ایمن باشد و خوابانیدن او بر جانب راست رو بقبله واجبست بقول مشهور و بعضی مستحب دانسته اند و مستحب است کندن قبر بقدر قامتی یا تا چنبره گردن و سنّتست کندن لحد از طرف قبله و مستحب آنستکه آن قدر فراخ باشد که کسی تواند در آن نشست و اگر زمین سست باشد که لحد

نتوان کندن بعضی گفته اند که مانند لحد بسازند و اگر نتوان قبر را شق کنند بآنکه از میان قبر بقدر جسد میت فرو برند آن قدر که نتوان نشست و دو طرف داشته باشد که خشت بر روی آن توان گذاشت که خاک بر میت ریخته نشود و احوط آنستکه در مانند دریا و نابوت و صندوق نگذارند و شخصیکه در دریا بمیرد اگر ممکن باشد بخشکی برسانند و الّا در مانند خم گذارند و سرش را ببندند و در دریا اندازند اگر ممکن باشد و الّا او را سنگین کنند و رو بقبله در آب اندازند و چون جنازه بنزدیک قبر رسد سنّتست که او را نزدیک پای قبر بگذارند اگر مرد باشد و اگر زن باشد برابر قبله قبر بگذارند و مشهور آنستکه نمانی میگذارند و سه مرتبه او را نقل میکنند و مرتبه چهارم او را بقبر میبرند و آنچه در دو روایت معتبره وارد شده است آنستکه چون میت را بنزدیک قبر رسانی او را بناگاه بقبر مبر و کار او را بر او سنگین مکن و پائین تر از قبر بند و ذراع یا سه ذراع بگذار و ساعتی صبر کن تا تهیّه خود را بگیرد برای سؤال قبر زیرا که قبر را هولهای عظیم هست دعا کن که خدا او را پناه دهد از اهوال قبر و سنّتست که سر میت را پیش کنند و از پیش پای قبر سرازیر بقبر برند و جمعی از علما گفته اند که زنرا از پیش قبله میگیرند و بعرض بقبر میبرند و سرازیر نمیکنند چنانچه از بعضی روایات وارد شده است و سنّتست شخصی که بقبر میرود که میت را بقبر گذارد بندهای قبا را بگشاید و ردا و بالاپوش را بیندازد و سر و پایش برهنه باشد و جایز است یک کس برود یا زیاده خواه طاق باشد یا جفت و اکثر علماء گفته اند که مکروه است که اگر میت مرد باشد خویش او او را بقبر برد و آنچه از احادیث ظاهر میشود آنستکه پدر را مکروه است که در قبر فرزند داخل شود و فرزند و سایر اقارب باکی نیست و اگر میت زن بوده باشد احوط آنستکه محرم او او را بقبر برد و اگر محرم نبوده باشد زنان صالح ببرد و اگر زن نبوده باشد مرد صالح ببرد و در رفتن و بیرون آمدن سنّتست که از پیش پای قبر باشد و سنّتست که چون میت را نزدیک قبر بگذارند بگوید اَللّٰهُمَّ

عَبْدُکَ ابْنُ عَبْدِکَ وَابْنُ اَمَتِکَ نَزَلَ بِکَ وَاَنْتَ خَیْرُ مَنْزُولٍ بِهِ

خدایا بنده تو پسر بنده تو و پسر کنیز تو نازل شده بتو و تو بهترین فرود آمده به

و چون میت را بردارد که بقبر برد بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَعَلٰی مِلَّةِ

بنام خدا و بخدا و بر کیش

رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ اِلٰی رَحْمَتِکَ

پیغمبر خدا رحمت خدا بر او و آل او خدایا بسوی رحمت تو

لا اِلی عَذابِکَ اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لَهُ فی قَبْرِهِ وَلَقِّنْهُ حُجَّتَهُ وَثَبِّتْهُ بِالْقَوْلِ

نه بسوی عذاب تو خدایا بکشا اورا در قبر او وبیاموز اورا حجّت اورا وثابت دار اورا بگفتار

الثّابِتِ وَقِنا وَاِیّاهُ عَذابَ الْقَبْرِ وچون در قبر بگذارد سنّت است که بندهای

ثابت ونگاه دار مارا واورا از عذاب قبر

کفن را بگشاید وروی میّت را باز کند و

طرف راست روی میّت را بزمین برساند واگر زیر سر را از خاک بلند ترکند بدینیت وخشتی بر پشتش گذارد که برپشت نیفتد وسنّت است که مهری از تربت حضرت امام حسین صلوات الله علیه برابر روی او بگذارد واگر تربت آنحضرت در کفن بگذارد بهتر است ویگوید اَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّیْطانِ الرَّجیمِ پس سوره فاتحه وقل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس وقل هو الله احد وآیة الکرسی بخوانند واگر حاضران هم بخوانند بهتر است

بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَفی سَبیلِ اللهِ وَعَلی مِلَّةِ رَسُولِ

پس بگوید بنام خدا وبخدا ودر راه خدا وبر ملت پیغمبر

اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

خدا رحمت خدا براو وآل او خدایا رحمت فرست بر محمد وآل محمد

اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لَهُ فی قَبْرِهِ وَاَلْحِقْهُ بِنَبِیِّهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ

خدایا بکشا مر اورا در قبر او وملحق کن اورا به پیغمبر خود رحمت خدا براو وآل او

اَللّٰهُمَّ اِنْ کانَ مُحْسِناً فَزِدْ فی حَسَناتِهِ وَاِنْ کانَ مُسیئاً فَاغْفِرْ

خدایا اگر باشد نیکوکار پس زیاد کن در نیکی او واگر باشد گناه کار پس بیامرز

لَهُ وَارْحَمْهُ وَتَجاوَزْ عَنْهُ پس اَللّٰهُمَّ جافِ الْاَرْضَ عَنْ جَنْبَیْهِ وَ

اورا ورحم کن اورا ودرگذر از او بگوید خدایا فراخ کن زمین را از دو پهلوی او و

صاعِدْ عَمَلَهُ وَلَقِّهِ مِنْکَ رِضْواناً پس اَللّٰهُمَّ عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدِکَ

بالا برگردان عمل اورا وبنما اورا از جانب خود خوشنودی بگوید خدایا بنده تو وپسر بنده تو

وَابْنُ اَمَتِکَ نَزَلَ بِکَ وَاَنْتَ خَیْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لَهُ فی قَبْرِهِ

وپسر کنیز تو نازل شد بتو وتو بهتر منزول به خدایا فراخ کن مر اورا در قبر او

وَلَقِّنْهُ حُجَّتَهُ وَاَلْحِقْهُ بِنَبِیِّهِ وَقِهِ شَرَّ مُنْکَرٍ وَنَکیرٍ وایضاً بِسْمِ

وبنما اورا حجتش را وملحق کن اورا به پیغمبرش ونگاه دار اورا از شر منکر ونکیر بگوید بنام

اللهِ وَبِاللهِ وَفی سَبیلِ اللهِ وَعَلی مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّی اللهُ

خدا وبخدا ودر راه خدا وبر ملت رسول خدا رحمت خدا

علیه

عَلَیْهِ وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدِکَ نَزَلَ بِکَ وَاَنْتَ

براو وآل او خدایا بنده تو پسر بنده تو فرود آمده بتو وتو

خَیْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لَهُ فی قَبْرِهِ وَاَلْحِقْهُ بِنَبِیِّهِ اَللّٰهُمَّ

بهتر منزول به خدایا بکشا اورا در قبر او وملحق کن اورا به پیغمبر او خدایا

اِنّا لا نَعْلَمُ مِنْهُ اِلّا خَیْراً وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنّا وبروایت معتبر اَللّٰهُمَّ

ما نمیدانیم از او مگر نیکی وتو دانا تری باو از ما دیگر بگوید خدایا

یا رَبِّ عَبْدُکَ ابْنُ عَبْدِکَ نَزَلَ بِکَ وَاَنْتَ خَیْرُ مَنْزُولٍ بِهِ

ای پروردگار بنده تو پسر بنده تو فرود آمده بتو وتو بهتر منزول به

اَللّٰهُمَّ اِنْ کانَ مُحْسِناً فَزِدْ فی اِحْسانِهِ وَاِنْ کانَ مُسیئاً

خدایا اگر باشد نیکوکار پس زیاد کن در احسان او واگر باشد بدکار

فَتَجاوَزْ عنه وَاَلْحِقْهُ بِنَبِیِّهِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَصالِحِ

پس درگذر وملحق کن اورا به پیغمبر او محمد رحمت خدا براو وآل او وشایسته

شیعَتِهِ وَاهْدِنا وَاِیّاهُ اِلی صِراطٍ مُسْتَقیمٍ اَللّٰهُمَّ عَفْوَکَ

پیروی کن اورا وبنما مارا واورا بسوی راه راست خدایا درگذر تو

عَفْوَکَ وبروایت دیگر اَللّٰهُمَّ هذا عَبْدُکَ فُلانٌ وبجای فلان نام

درگذر تو خدایا این بنده تست فلان آنکس بگوید این دعا بخواند

وَابْنُ عَبْدِکَ قَدْ نَزَلَ بِکَ وَاَنْتَ خَیْرُ مَنْزُولٍ بِهِ قَدِ احْتاجَ

وپسر بنده تو بتحقیق فرود آمده بتو وتو بهتر منزول به بتحقیق محتاجست

اِلی رَحْمَتِکَ اَللّٰهُمَّ وَلا نَعْلَمُ مِنْهُ اِلّا خَیْراً وَاَنْتَ اَعْلَمُ

بسوی رحمت تو خدا ونمیدانم از او مگر نیکی وتو داناتری

بِسَریرَتِهِ وَنَحْنُ الشُّهَداءُ بِعَلانِیَتِهِ اَللّٰهُمَّ فَجافِ الْاَرْضَ

باسرار او وما گواهانیم بظاهر او خدایا پس فراخ کن زمین را

عَنْ جَنْبَیْهِ وَلَقِّنْهُ حُجَّتَهُ وَاجْعَلْ هذَا الْیَوْمَ خَیْرَ یَوْمٍ

از دو پهلوی او وبیاموز اورا حجتش را وبگردان این روز را بهتر روزیکه

اَتی عَلَیْهِ وَاجْعَلْ هذَا الْقَبْرَ خَیْرَ بَیْتٍ نَزَلَ فیهِ وَصَیِّرْهُ اِلی

آمده براو وبگردان این قبر را بهتر خانه که فرود آمده در او وبگردان اورا

خیر

خیرٍ مما کان فیه ووسّع له فی مدخله وآنس وحشته
نیکی از آنچه بوده در آن وفراخ کن برای او در محل داخل شدن او ومانوس شو ترس او را

واغفر ذنبه ولا تحرمنا اجره ولا تضلّنا بعده وسنّت است
وبیامرز گناه او را ومحروم مکن ما را مزد او را وگمراه مکن ما را بعد از آن که در این

حال عقاید حقّه را تلقین او کنند خصوصاً ولایت ائمّه معصومین علیهم السلّم را
وبهتر آنست که بدست راست دوش راست میّت را بگیرد وبدست چپ دوش چپ او را

حرکت دهد وتلقین کند واگر اسمع افهم اسمع افهم یا فلان بن
باین نحو بگوید جامع‌تر است بشنو بفهم یادگیر بفهم ای فلان پسر

فلان ونام او وپدرش هل انت علی العهد الّذی فارقتنا
فلان را بگوید آیا تو بر پیمان آنچنانکه جدا کرده ما را

علیه من شهادة ان لا اله الّا الله وحده لا شریك له
براو از گواهی دادن اینکه نیست خدائی مگر خدا یگانه نیست شریکی مر او را

وانّ محمّداً صلّی الله علیه واله عبده ورسوله وسیّد
واینکه محمّد رحمت خدا براو وآل او بنده او ورسول اوست وآقای

النبیّین وخاتم المرسلین وانّ علیّاً امیر المؤمنین و
پیغمبران وآخر فرستادگان واینکه علی پادشاه گروندگان و

سیّد الوصیّین وامام افترض الله طاعته علی العالمین
وآقای جانشینانست وپیشوائی است که واجب گردانیده خدا فرمانبرداری او را بر جهانیان

وانّ الحسن والحسین وعلیّ بن الحسین ومحمّد بن علیّ
واینکه حسن وحسین وعلی پسر حسین ومحمد پسر علی

وجعفر بن محمّد وموسی بن جعفر وعلیّ بن موسی و
وجعفر پسر محمّد وموسی پسر جعفر وعلی پسر موسی و

محمّد بن علیّ وعلیّ بن محمّد والحسن بن علیّ والحجّة القائم
محمد پسر علی وعلی پسر محمّد وحسن پسر علی وحجت ایستاده

المهدیّ صلوات الله علیهم اجمعین ائمّة المؤمنین وحجج
راه یافته شده رحمتهای خدا برایشان همه پیشوایان مؤمنان وحجتهای

الله

الله علی الخلق اجمعین وائمّتك ائمّة هدی ابرار یا
خدا بر خلق همه وپیشوایان تو پیشوایان راه یافتگان ابرار ای

فلان بن فلان اذا اتاك الملکان المقرّبان الرسولان
فلان پسر فلان چون بیایند ترا دو فرشته مقرّب دو رسول

من عند الله تبارك وتعالی وسئلاك عن ربّك وعن نبیّك
از نزد خدای تبارك وتعالی وسؤال کنند از پروردگارت واز پیغمبرت

وعن دینك وعن کتابك وعن قبلتك وعن ائمّتك
واز دین تو واز کتاب تو واز قبله تو واز پیشوایان تو

فلا تخف وقل فی جوابهما الله جلّ جلاله ربّی ومحمّد
و نترس وبگو در جواب آن دو که خدای جل جلاله پروردگار من است ومحمد

صلّی الله علیه واله نبیّی والاسلام دینی والقران کتابی و
رحمت خدا براو وآل او پیغمبر منست واسلام دین منست وقرآن کتاب منست و

الکعبة قبلتی وامیر المؤمنین علیّ بن ابیطالب امامی و
کعبه قبله منست وامیر المؤمنین علی پسر ابیطالب امام منست و

الحسن بن علیّ المجتبی امامی والحسین بن علیّ الشهید
حسن پسر علی برگزیده امام منست وحسین پسر علی کشته شده

بکربلاء امامی وعلیّ زین العابدین امامی ومحمّد باقر
بکربلا امام منست وعلی زینت عابدان امام منست ومحمد شکافنده

علم النبیّین امامی وجعفر الصادق امامی وموسی
علم پیغمبران امام منست وجعفر راستگوی امام منست وموسی

الکاظم امامی وعلیّ الرضا امامی ومحمّد الجواد
کاظم امام منست وعلی الرضا امام منست ومحمد جواد

امامی وعلیّ الهادی امامی والحسن العسکری امامی
امام منست وعلی راه نماینده امام منست وحسن عسکری امام منست

والحجّة المنتظر امامی هؤلاء صلوات الله علیهم اجمعین
وبرهان انتظار کشنده امام منست اینها رحمتهای خدا برایشان همه

ائمّتی

اَئِمَّتی وَسادَتی وَقادَتی وَشُفَعائی بِهِمْ اَتَوَلّی وَمِنْ

پیشوایان منند واقایان منند ونگاه دارنده من وشفیعان من بایشان دوستی میکنم واز

اَعْدائِهِمْ اَتَبَرَّءُ فِی الدُّنْیا وَالْاخِرَةِ ثُمَّ اعْلَمْ یا فُلانَ بْنَ

دشمنان ایشان بیزاری میجویم دردنیا و اخرت پس بدان ای فلان پسر

فُلانٍ اَنَّ اللّهَ تَبارَکَ وَتَعالی نِعْمَ الرَّبُّ وَاَنَّ مُحَمَّداً صَلَّی

فلان بدرستیکه خدای تبارک وتعالی خوب پروردکاریست واینکه محمد رحمت

اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ نِعْمَ الرَّسُولُ وَاَنَّ اَمیرَ الْمُؤْمِنینَ عَلِیَّ بْنَ

خدا براو وال او خوب پیغمبریست واینکه امیر مؤمنین علی پسر

اَبیطالِبٍ وَاَوْلادَهُ الْاَئِمَّةَ الْاَحَدَ عَشَرَ نِعْمَ الْاَئِمَّةُ وَاَنَّ ما

ابیطالب واولاد او پیشوایان یازده کانه خوب پیشوایانی هستند وانچه

جاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ حَقٌّ وَاَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَ

است بان محمد رحمت خدا براو وال او حق است وبدرستیکه مردن حق است و

سُؤالَ مُنْکَرٍ وَنَکیرٍ فِی الْقَبْرِ حَقٌّ وَالْبَعْثَ حَقٌّ وَالنُّشُورَ

سؤال منکر ونکیر در قبر حق است وبیرون امدن از قبر حق است وبحشر امدن

حَقٌّ وَالصِّراطَ حَقٌّ وَالْمیزانَ حَقٌّ وَتَطایُرَ الْکُتُبِ حَقٌّ وَ

حق است و پل صراط حق است وترازوی عمل حق است و پریدن نامها حق است و

اَلْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنّارَ حَقٌّ وَاَنَّ السّاعَةَ آتِیَةٌ لا رَیْبَ فیها

بهشت حق است واتش حق است واینکه قیامت اینده است نیست شکی دران

وَاَنَّ اللّهَ یَبْعَثُ مَنْ فِی الْقُبُورِ پس اَفَهِمْتَ یا فُلانُ ودر حدیث است

وبدرستیکه خدا برمی انگیزاند مردکانرا در قبرها بگوید ایا فهمیدی ای فلان که میت در جواب

میکوید بلی فهمیدم ثَبَّتَکَ اللّهُ بِالْقَوْلِ الثّابِتِ هَداکَ اللّهُ اِلی صِراطٍ

پس بکوید ثابت دارد ترا خدا بگفتار ثابت راه نماید ترا خدا بسوی راه

مُسْتَقیمٍ عَرَّفَ اللّهُ بَیْنَکَ وَبَیْنَ اَوْلِیائِکَ فی مُسْتَقَرٍّ مِنْ رَحْمَتِهِ

راست بشناسد خدا میان ترا ومیان دوستان تو در جای قرارگاه از مهربانی او

پس اَللّهُمَّ جافِ الْاَرْضَ عَنْ جَنْبَیْهِ وَاصْعَدْ بِرُوحِهِ اِلَیْکَ وَ

بکوید خدایا بکن زمین را از دو پهلوی او وبالا بر روح اورا بسوی خود و

لَقِّهِ مِنْکَ بُرْهاناً اَللّهُمَّ عَفْوَکَ عَفْوَکَ پس خشت بر لحد بگذارد

بیاموز اورا از خود حجت خدایا میطلبم امرزش را امرزش را واجر پخته نیز خوبست

وخشت خام بهتر است واگر خشت بر دل باشد راست بگذارد وبر رخنه خشتها خشت

دیگر بگذارد یا بگل رخنه را بگیرد واگر خشتها کوچک باشد هره کند وبرهر تقدیر

رخنه ها را محکم کند که خاک بر میت نریزد اَللّهُمَّ صِلْ وَحْدَتَهُ وَآنِسْ

ودر وقت چیدن خشت این دعا بخواند خدایا پیوند کن تنهائی اورا وانس بده

وَحْشَتَهُ وَآمِنْ رَوْعَتَهُ وَاَسْکِنْ اِلَیْهِ مِنْ رَحْمَتِکَ رَحْمَةً

وحشت اورا وایمنی ده ترس اورا وساکن شو بسوی او از رحمت خود رحمتی که

تُغْنیهِ بِها عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِواکَ فَاِنَّما رَحْمَتُکَ لِلظّالِمینَ

بی نیاز کند اورا بان رحمت از رحمت انکه سوای تست واینست که رحمت تو برستمکاران است

وبروایت رَحْمَةً یَسْتَغْنی بِها عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِواکَ وَاحْشُرْهُ

دیگر رحمتی که مستغنی اورا از رحمت انکه سوای تست ومحشور کن اورا

مَعَ مَنْ کانَ یَتَوَلّاهُ ومکروه است فرش قبر بچوب وتخته کردن یا میت را

باانکه دوست دارد اورا با تابوت گذاشتن مگر انکه زمین اب اورده یا نم

بسیار داشته باشد وچون از پیش اِنّا لِلّهِ وَاِنّا اِلَیْهِ راجِعُونَ وَالْحَمْدُ

ای قبر بیرون اید بگوید بدرستیکه ما ملک خدائیم وبسوی او بازگردیدگانیم وحمد

لِلّهِ رَبِّ الْعالَمینَ اَللّهُمَّ ارْفَعْ دَرَجَتَهُ فی اَعْلا عِلِّیّینَ

مخصوص پروردگار جهانیانست خدایا بلند کن مرتبه اورا در اعلا علیین

وَاخْلُفْ عَلی عَقِبِهِ فِی الْغابِرینَ وَعِنْدَکَ نَحْتَسِبُهُ یا رَبَّ

وجانشین باش بر عقب او در باز ماندگان ونزد تو حساب کنیم اورا ای پروردگار

الْعالَمینَ پس سنت است که حاضران بپشت کف دست خاک در قبر بریزند واگر بشکم دست

جهانیان کفها را پر کنند وبریزند نیز خوبست وسنت است که سه مرتبه بریزند

ودر وقت اَللّهُمَّ ایماناً بِکَ وَتَصْدیقاً بِکِتابِکَ هذا ما وَعَدَنَا

ریختن بگویند خدایا ایمان اوردیم بتو ایمان اوردنی وباور داریم کتاب تو را باور داشتنی اینست انچه وعده داد ما را

اللّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللّهُ وَرَسُولُهُ وَما زادَنا اِلّا ایماناً

خدا ورسول او وراست گفته است خدا ورسول او وزیاد نکرد ما را مگر گرویدن

وَتَسْلِيمًا و در حدیثست که هر که چنین کند و این دعا بخواند حقتعالی بعدد هر ذره از خاک حسنه برای او بنویسد و مکروهست که خویشان میت خاک بر قبر بریزند که موجب قساوت قلبهاست و دوری از رحمت الهی است و سنت است که از غیر خاک قبر بر میت نریزند که بار است بر میت و سنت است که قبر را بقدر چهار انگشت بلند کنند و بعضی چهار انگشت کشاده و بعضی هم او زده گفته اند و ظاهر اهر دو خوبست و دور نیست که یک شبر نیز مجوز باشد و سنت است که قبر را چهار گوشه کنند و رویش را پهن کنند و خرپشته نکنند که سنیان چنین می کنند و بعد از آن آب بر قبر بریزند و در خبر است که تا تری در قبر هست میت را عذاب نمیکنند و سنت است که آب ریزنده رو بقبله بایستد و ابتدا از پیش سر کند و بر یک جانب قبر بریزد تا پیش پا و بکرداند بجانب دیکر و بریزد تا پیش سر و بعد از آن بر میان قبر بریزد و سنت است که آب را قطع نکند و متصل بریزد تا تمام شود و مستحب است که بعد از آب ریختن دست بر قبر گذارند در حالتیکه انگشتان ایشان کشاده باشد و قوت کنند تا اثر انگشتان ایشان در گل بماند و رو بقبله باشند و از بعضی از روایات مفهوم میشود که نزدیک سر او بنشینند و این دعا بخوانند

اَللّٰهُمَّ جَافِ الْاَرْضَ عَنْ جَنْبَيْهِ وَاصْعِدْ اِلَيْكَ رُوحَهُ وَلَقِّهِ

خدایا فراخ کن زمین را از دو پهلوی او و بالا بر بسوی خود روح او را و بیاموز

مِنْكَ رِضْوَانًا وَاَسْكِنْ قَبْرَهُ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا تُغْنِيهِ بِهَا عَنْ رَحْمَةِ

او را از جانب خود خوشنودی و ساکن کن کور او را از رحمت خود آنچنان رحمتی که بی نیاز شود از رحمت

مَنْ سِوَاكَ و هفت مرتبه سوره انا انزلناه بخوانند و اگر میت زن باشد در جمیع دعاها که گذشت ضمیر مؤنث بیاورند و سنت است که ولی میت یعنی اقرب خویشان او بعد از آنکه مردم برگردند نزد سر میت بنشیند و باواز بلند آن تلقین که گذشت باز دیگر بخواند و اگر دیگری را نایب کند نیز خوبست و در اخبار وارد شده است که چون این تلقین را بخوانند منکر بنکیر میگوید که بیا برویم تلقین حجتش کردند احتیاج بپرسیدن نیست پس برمی گردند و سوال نمیکنند و مکروهست عمارت بر سر قبر کردن و بر سر قبر بسیار ماندن و کچ مالیدن مگر بر قبور انبیاء و ائمه صلوات الله علیهم و بعضی گفته اند که قبور علما و صلحا نیز این حکم دارد و مکروه است تازه کردن قبر بعد از مندرس شدن و در خبر است که حق تعالی دوست میدارد دلهای شکسته و قبرهای مندرس شده را و مکروهست در حال اختیار دو میت را در یک قبر گذاشتن و میت را از بلدیکه در آنجا مرده است بشهرهای دیگر

بردن

بردن مگر بمشاهد مشرفه ائمه معصومین علیهم السلام و بعضی استثنا کرده اند نقل به مقبره صلحا و علما و شهداء را نیز و مکروهست بر روی قبر نشستن و راه رفتن مگر بواسطه زیارت قبور که ضرور شود و مشهور آنست که جایز نیست شکافتن قبور مگر در چند صورت یکی آنکه در قبر مال صاحب قیمتی افتاده باشد دیگر آنکه در زمین غصبی دفن کرده باشند یا در کفن غصبی دفن کرده باشند دیگر آنکه او را بی غسل و کفن در خاک کرده باشند یا در کفن غصبی دفن کرده باشند و از هم نپاشیده باشد و مشهور آنست که جایز نیست نقل کردن مردگان بعد از دفن و بعضی استثنا کرده اند نقل بمشاهد مشرفه حضرات ائمه معصومین علیهم السلام را و مشهور آنست که جایز نیست گریبان چاک کردن و جامه دریدن برای غیر برادر و پدر و برای ایشان جایز است بلکه از بعضی از اخبار ظاهر میشود که مستحب است خصوصا بر پدر و بعضی تجویز کرده اند زنان را مطلقا و احوط ترکست و جایز نیست خراشیدن رو و کندن و بریدن موی و احوط آنست که طپانچه بر رو و زانو و غیر آن نزنند و بعضی از علماء موافق روایتی قائل شده اند که زنیکه موی سر خود را در مصیبتی ببرد واجبست که کفاره بدهد چنانچه در خاتمه مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی و بعضی گفته اند که گناه دارد و کفاره بر او نیست و دور نیست که سنت باشد و احوط دادن کفاره است و بعضی تراشیدن مو را نیز الحاق کرده اند بر بریدن در وجوب کفاره و همچنین اکثر علماء قائل شده اند که واجبست کفاره قسم بر زنیکه موی سر را بکند در مصیبت یا روی خود را بخراشد که خون براید و بر مردیکه در مرگ فرزند خود یا زن خود جامه چاک کند و کفاره یمین انشاء الله تعالی مذکور خواهد شد و بعضی واجب نمیدانند و احوط عمل بمشهور است و لازمست اصحاب مصیبت را که صبر کنند بلکه بقضای الهی راضی باشند و بدانند که حقتعالی صابرانرا اجر بی حساب کرامت میفرماید و باید که صاحب مصیبت بسیار بگوید انا لله و انا الیه راجعون تا گناهان گذشته او امرزیده شود و هر گاه که آن مصیبت بخاطرش اید این کلمه را بگوید تا گناهان ما بین این دو کلمه امرزیده شود و بسند معتبر منقولست که هر که مصیبتی را بخاطر ارد اگرچه بعد از مدتی

باشد و بگوید

اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ

ما ملک خداییم و ما بسوی او باز گردیده ایم و حمد خدا را پروردگار

الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ اْجُرْنِي عَلٰى مُصِيبَتِي وَاخْلُفْ عَلَيَّ اَفْضَلَ مِنْهَا

جهانیان خدایا مزد بده مرا بر اندوه من و جانشین باش بر من بهتر از آن

ثواب

ثواب همان مصیبت بار دیگر با و داده شود و سنت است که دیگران تعزیت ایشان بکنند وایشان را بصبر و شکیبائی امر کنند پیش از دفن و بعد از دفن و مبالغه در بعد از دفن بیشتر است و اقل تعزیت آنست که بروند تا صاحب عزا ایشان را ببیند و منقولست از حضرت رسول که هر که صبر فرماید اندوهناکی را در صحرای محشر که همه کس برهنه اند خدا او را حله نیکوئی از حله های بهشت بپوشاند که موجب سرور او گردد و هر که مصیبت زده را صبر فرماید حقتعالی او را ثواب آن صاحب مصیبت کرامت فرماید بی آنکه از اجر او چیزی کم شود و فرمود که ثواب تعزیه و صبر فرمودن بهشت است و مستحب است که صاحب مصیبت تغییر وضع خود بکند تا او را بشناسند و جایز است گریه و ندبه کردن که نیکیهای میت را بشمارند و نوحه کردن بحق جایز است که دروغ نگویند و چیزهای بد از برای میت اظهار نکنند و بهتر است که نوحه گو بیاورند و مستحب است تا سه روز دیگران خصوصا همسایگان برای صاحبان مصیبت طعام بفرستند و زیاده از سه روز ماتم نگیرند مگر زن که چهار ماه و ده روز برای شوهر ماتم میگیرد بآنکه جامه های رنگین نمیپوشد و زینت نمیکند و سنت موکد است زیارت قبر مومنان خصوصا خویشان و چون داخل قبرستان شوند بگویند

اَلسَّلامُ عَلٰی اَهْلِ الدِّیارِ مِنَ الْمُؤْمِنینَ وَالْمُسْلِمینَ اَنْتُمْ لَنا

درود باد بر اهل خانه های از مؤمنان و مسلمانان شما از برای ما

فَرَطٌ وَنَحْنُ اِنْشاءَ اللّٰهُ بِكُمْ لاحِقُونَ و بروایت دیگر اَلسَّلامُ عَلٰی اَهْلِ

پیش روید و ما اگر خواهد خدا بشما ملحق شوندگانیم درود بر اهل

الدِّیارِ مِنَ الْمُسْلِمینَ وَالْمُؤْمِنینَ رَحِمَ اللّٰهُ الْمُسْتَقْدِمینَ مِنّا

خانه های از مسلمانان و مؤمنان رحمت کند خدا پیش رفتگان از ما

وَالْمُسْتَأْخِرینَ وَاِنّا اِنْشاءَ اللّٰهُ بِكُمْ لاحِقُونَ و بروایت دیگر اَلسَّلامُ

و بعقب رفتگان و ما اگر خواهد خدا بشما ملحق شوندگانیم درود

عَلَيْكُمْ اَهْلَ الدِّیارِ مِنْ قَوْمٍ مُؤْمِنینَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ

بر شما اهل خانه ها از گروه مؤمنین و رحمت خدا و برکات او

اَنْتُمْ لَنا سَلَفٌ وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ رَحِمَ اللّٰهُ الْمُسْتَقْدِمینَ مِنْكُمْ

شما برای ما پیش روید و ما مر شما را از پی در آینده ایم رحمت خدا بر پیش رفتگان از شما

وَالْمُسْتَأْخِرینَ وَاِنّا لِلّٰهِ وَاِنّا اِلَيْهِ راجِعُونَ و در احادیث بسیار وارد

بعقب رفتگان و ما ملک خدائیم و ما بسوی او برگردنده ایم

شده است که هر که نزد قبر برادر مومن خود هفت مرتبه سوره انا انزلناه بخواند از ترس بزرگ روز قیامت ایمن گردد و بروایت دیگر خدا او را و صاحب قبر را بیامرزد و سنت است که در وقت خواندن دست بر قبر گذارد و رو بقبله باشد و سنت است که این دعا را بخواند اَللّٰهُمَّ جافِ

الْاَرْضَ عَنْ جُنُوبِهِمْ وَصاعِدْ اِلَيْكَ اَرْواحَهُمْ وَلَقِّهِمْ

خدایا دور کن زمین را از پهلوی ایشان و بالا ببر بسوی خود روحهای ایشان را و بیاموز ایشان را

مِنْكَ رِضْواناً وَاَسْكِنْ اِلَيْهِمْ مِنْ رَحْمَتِكَ ما تَصِلُ بِهِ

از جانب خود خوشنودی و ساکن شو بسوی ایشان از رحمت خود آنچه متصل میشود باو

وَحْدَتَهُمْ وَتُونِسُ بِهِ وَحْشَتَهُمْ اِنَّكَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ

تنهائی ایشان و انس میگیرد بان وحشت ایشان بدرستیکه تو بر هرچیز توانائی

و بروایت معتبر دیگر اَللّٰهُمَّ ارْحَمْ غُرْبَتَهُ وَصِلْ وَحْدَتَهُ وَآنِسْ

این دعا را بخواند خدایا رحم کن غریبی او را و پیوند کن تنهائی او را و انس ده

وَحْشَتَهُ وَآمِنْ رَوْعَتَهُ وَاَسْكِنْ اِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ ما يَسْتَغْنی

ترس او را و ایمنی ده ترس او را و ساکن کن بسوی او از رحمت خود آنچه مستغنی کند

بِها عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِواكَ وَاَلْحِقْهُ بِمَنْ كانَ يَتَوَلّاهُ و بروایت

بان از رحمت کسیکه از غیر تست و ملحق ساز او را بآنکه باشد دوست او معتبر دیگر

مستحب است که نزد قبر سوره حمد و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و آیة الکرسی هر یک را سه مرتبه بخواند و انا انزلناه را هفت مرتبه و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که در قبرستان بگذرد و سوره قل هو الله احد را یازده مرتبه بخواند و ثوابش را بمردگان آن قبرستان ببخشد بعدد آن مردگان اجر و ثواب یابد و بروایت دیگر هر که آیة الکرسی را بخواند و ثوابش را هدیه اهل قبور کند حقتعالی بعدد هر حرفی ملکی خلق کند که تسبیح گویند از برای او تا روز قیامت و در عصر روز پنجشنبه و جمعه زیارت اهل قبور مستحب است و در احادیث معتبره وارد شده است که بر هر که مصیبتی وارد شود مصیبت حضرت رسالت را بیاد آورد که صعب ترین مصیبتها است و در اخبار بسیار وارد شده است که هر که در وقت مصیبت دست بر ران خود زند ثوابش حبط شود

و نباید فریاد و شیون کند و وا ویلاه و وا ثکلاه بگوید و در حدیث معتبر منقولست
که هر که یک فرزند او برود و صبر کند بهتر است از برای او از آنکه هفتاد فرزند او بمانند
که همه سوار شوند و در راه خدا جهاد کنند و منقولست که هر که خدا او را دوست میدارد
بهترین فرزندان او را میگیرد و منقولست که ثواب مؤمن از مردن فرزند بهشت است خواه
صبر کند و خواه صبر نکند و بسند معتبر منقولست که حضرت صادق در وقت مصیبت این
دعای اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی لَمْ یَجْعَلْ مُصِیبَتِی فِی دِینِی وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
خواندند سپاس مرخدارا که نکردانید اندوه مرا در دین من و سپاس مرخدارا
الَّذِی لَوْ شَاءَ جَعَلَ مُصِیبَتِی أَعْظَمَ مِمَّا کَانَتْ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
که اگر خواهد میگرداند اندوه مرا بزرگتر از آنچه بود و سپاس مرخدارا
عَلَى الْأَمْرِ الَّذِی شَاءَ أَنْ یَکُونَ فَکَانَ و باید که مردگانرا فراموش
بر امری که خواسته است آنکه بوده باشد پس بوده است نکنند زیرا که دست ایشان
از اعمال خیر کوتاه گردیده و از جانب فرزندان و خویشان و برادران مؤمن امیدوارند
و احسان ایشانرا چشم براهند خصوصاً دعا کردن در نماز شب و بعد از نمازهای
فریضه و در مشاهد مشرفه و پدر و مادر را زیاده از دیگران دعا باید کرد و اعمال
خیر برای ایشان بعمل آورد و در خبر است که بسا فرزندیکه در حال حیوة پدر و مادر عاق
ایشان باشد و بعد از فوت ایشان نیکوکار گردد و بسبب اعمال خیریکه از برای ایشان
بعمل آورد و بسا فرزندیکه در حال حیوة پدر و مادر نیکوکار باشد و بعد از فوت ایشان
عاق گردد بسبب آنکه عمل خیر برای ایشان کم بعمل آورد و عمده خیرات برای پدر و مادر
و سایر خویشان آنستکه قروض ایشانرا ادا کنند و ایشانرا از حقوق خدا و خلق بری
گردانند و حج و سایر عباداتیکه از ایشان فوت شده باشد سعی کند باستیجار یا تبرع بعمل
آورد و در حدیث صحیح منقولستکه حضرت صادق در هر شبی برای فرزند خود و در
هر روزی برای پدر و مادر خود دو رکعت نماز میکردند و در رکعت اول بعد از حمد
انّا انزلناه و در رکعت دویم انّا اعطیناک الکوثر میخواندند و بسند صحیح منقولست از
حضرت صادق که بسا باشد که میت در تنگی و شدّت بوده باشد و حقتعالی بر او
وسعت دهد و تنگی را از او بردارد پس باو گویند که این فرج که ترا رو داده است بسبب

نمازیستکه فلان برادر مؤمن برای تو کرد راوی پرسید که دو میت را در دو رکعت
نماز شریک میتوانم کرد فرمود بلی و فرمود که میت شاد میشود و فرح میابد بدعا و
استغفار که برای او کنند چنانچه زنده شادی شود بهدیه که برای او برند و فرمود
که بر میّت داخل میشود در قبرش نماز و روزه و حج و تصدّق و سایر عملهای خیر و دعا
و ثواب آن اعمال برای کسیکه کرده و برای مرده هر دو نوشته می شود و در حدیث دیگر
فرمود که هر که از مسلمانان برای میتی عمل صالحی بکند خدا ثواب او را مضاعف میکرداند
و میّت باین عمل منتفع میگردد و در روایتی وارد شده استکه هرگاه شخصی بنیّت میّتی
تصدّقی بکند حقتعالی جبرئیل را امر میفرماید که با هفتاد هزار ملک بنزد قبر او میروند و
هر ملک طبقی در دست دارند از نعمتهای الهی و هر یک باو میگویند السّلام علیک ای دوست
خدا این هدیه فلان مؤمن است برای تو پس قبر او روشن میشود و حقتعالی هزار شهر
در بهشت باو کرامت میفرماید و هزار حوری باو تزویج مینماید و هزار حله باو میپوشاند
و هزار حاجت او را روا میگرداند و در حدیث معتبر منقولستکه شش چیز بمؤمن میرسد بعد
از وفات او اوّل فرزندیکه از جهة او استغفار نماید دوّم مصحفی یا کتابی از کتب علمی
که از او بماند و مردم بعد از او بخوانند سوّم درختیکه بکارد و مردم از او منتفع شوند چهارم
آبیکه جاری سازد پنجم چاهیکه حفر نماید که خلق خدا منتفع گردند ششم سنّتی استکه
مردم بآن عمل نمایند از ارشاد و هدایت خلق یا تصنیف کتب و مانند آن

باب چهاردهم در مجملی از احکام زکوة و خمس و اعتکاف است

و در آن سه فصلست **فصل اوّل** در زکوتست و آیات و احادیث بر وجوب آن و
عقاب ترک کننده آن بسیار است از آنجمله حقتعالی میفرماید وَالَّذِینَ یَکْنِزُونَ الذَّهَبَ
وَالْفِضَّةَ وَلَا یُنْفِقُونَهَا فِی سَبِیلِ اللهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِیمٍ یَوْمَ یُحْمٰى عَلَیْهَا فِی نَارِ جَهَنَّمَ فَتُکْوٰى
بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هٰذَا مَا کَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِکُمْ فَذُوقُوا مَا کُنْتُمْ تَکْنِزُونَ یعنی
آنکسانیکه جمع میکنند طلا و نقره را و حقوق الهی را نمیدهند و در راه خدا صرف نمینمایند
پس بشارت ده ایشانرا بعذابی دردناک در آن روزیکه سرخ کنند این طلا و نقره را در آتش
جهنم و داغ کنند بآنها پیشانیها و پهلوها و پشتهای ایشانرا و با ایشان گویند اینست مالهائی
که از برای خود جمع کرده بودید الحال بچشید عذاب آنها را و از حضرت صادق منقولستکه
هر که ندهد قیراطی از زکوة را اگر میخواهد بمیرد یهودی یا نصرانی و بیست یک دینار است و نه مؤمن است و نه مسلمان و در وقت

مردن استغاثه میکند که مرا برکردانید بدنیا تا زکوة را بدهم چنانچه حقتعالی فرموده است
حتی اذا جاء احدهم الموت قال رب ارجعون لعلی اعمل صالحا فیما ترکت کلا یعنی تا وقتی
که بیاید احدی از ایشانرا مرک کوید پروردکارا برکردانید مرا بدنیا شاید عمل شایسته
بکنم در ان مالیکه بعد از خود کذاشته ام و از حضرت سید المرسلین ص و ائمه طاهرین ع
بطرق صحیحه منقولستکه کسیکه طلا و نقره داشته باشد و زکوة انرا ندهد حقتعالی در
روز قیامت او را حشر خواهد نمود در زمین لغزنده که پا بند نشود بر ان و مسلط سازد
بر او ماری پیسه را که زهرش از مارهای دیگر عظیم تر است و از عقب وی در آید و او
کریزد تا چون باو رسد و داند که از او خلاصی ندارد دست خود را بدهان او دهد پس
بدندان بکیرد او را مانند شتر نری که بر چیزی دندان فرو برد پس طوقی کردد در کردن
او و این است معنی قول حقتعالی سیطوقون ما بخلوا به یوم القیمه یعنی بزودی طوق
کردانند در کردن ایشان ان چیز را که بخل ورزیدند در دنیا بان و در راه خدا ندادند
در روز قیامت و هر کس شتر یا کاو و یا کوسفند داشته باشد و زکوة انرا ندهد حقتعالی
حبس کند او را در صحرای لغزنده و پامال کنند او را هر حیوان شکافته سمی بسم خود
و کزند او را بدندان و نیش هر صاحب زهری بنیش خود و هر که زراعت داشته باشد
یا باغ خرما و انکور داشته باشد و زکوة انها را نداده باشد ان قطعه های زمین را
تا طبقه هفتم طوقی کرده در کردن او اندازند و ان همه اتش کردد تا روز قیامت و
بروایت معتبر دیکر منقولستکه هر که زکوة مالش را ندهد حقتعالی ان مال را اژدها کرداند
در کردن او که دماغش را خورد و کوشش را بدندان کند تا از حساب خلایق فارغ شوند
و در حدیث دیکر حضرت صادق ع فرمود که هیچ مالی در صحرا و دریا تلف نمیشود مکر
به ندادن زکوة و حقتعالی میفرماید مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله کمثل
حبة انبتت سبع سنابل فی کل سنبلة ماة حبة والله یضاعف لمن یشاء یعنی مثل جماعتی
که صرف مینمایند مالهای خود را در راه خدا از زکوة و خمس و جهاد و حج و غیر انها
مانند دانه ایستکه برویاند از ان هفت خوشه و در هر خوشه صد دانه بوده باشد که
مجموع هفتصد برابر میشود و حقتعالی مضاعف میکرداند باضعاف این از برای هر که
خواهد و ایات و اخبار در این باب بسیار است و انچه مذکور شد برای کسیکه ایمان بفرموده
خدا و رسول داشته باشد کافی است و اما اجناسی که در انها زکوة واجب می شود

پس نه جنس است اول طلا هرگاه مقدار بیست اشرفی باشد و سکه داشته باشد یک
سال بماند که بدل نکنند و تغییر ندهند مقدار چهل یک انرا بزکوة میباید داد و بعد
از ان هر چهار اشرفی که زیاد شود بعد از سال چهل یک میباید داد دویم نقره است هرگاه
بدویست درهم برسد که تخمینا دوازده هزار و ششصد دینار عجمی باشد موافق زر دانکی
و سکه داشته باشد و یکسال بحال خود بماند و بعد از سال چهل یک میباید داد و همچنین
هر چند چهل درهم زیاده شود که دو هزار و پانصد دینار باشد چهل یک انرا میباید داد
سیم شتر است و نصابهای ان دوازده است اول پنج شتر و در ان یک کوسفند است دویم
ده شتر است و در ان دو کوسفند است سیم پانزده شتر است و در ان سه کوسفند است
چهارم بیست شتر است و در ان چهار کوسفند است پنجم بیست و پنج شتر است و در ان پنج
کوسفند است و کوسفندی که دهند بهتر انستکه هفت ماهه یا در هشت باشد و کمتر نباشد
اگر کوسفند دهند و اگر بز دهند یکساله یا در دو باشد ششم بیست و شش شتر است و باید
شتر ماده یکساله یا در دو بدهند و اگر ندا شته باشد شتر نر دو ساله یا در سه بدهد هفتم
سی و شش است و باید شتر ماده دو ساله یا در سه بدهد هشتم چهل و شش است و باید شتر ماده
سه ساله یا در چهار بدهد نهم شصت و یکست و باید شتر ماده چهار ساله یا در پنج بدهد
دهم هفتاد و شش است و باید دو شتر ماده دو ساله یا در سه بدهد یازدهم نود و یکست
و باید دو شتر ماده سه ساله یا در چهار بدهند دوازدهم صد و بیست و یکست و هر چه زیاد
شود در هر پنجاه شتر یک شتر ماده سه ساله میدهند و در هر چهل شتر یک شتر ماده دو ساله
میدهند چهارم کاو است و در هر سی کاو یک کوساله ماده یا نر یکساله یا در دو میدهند
و در هر چهل کاو یک کاو ماده دو ساله یا در سه میدهند پنجم کوسفند است و در هر چهل
کوسفند یک کوسفند واجبست و در صد و بیست و یک کوسفند دو کوسفند و در دویست
و یک کوسفند سه کوسفند واجبست و در سیصد و یک کوسفند احوط انستکه چهار کوسفند
بدهد و چون بچهار صد برسد هر چه زیاده شود از هر صد کوسفند یک کوسفند میدهند
و در زکوة هر یک از شتر و کاو و کوسفند شرطستکه در علف مباح چریده باشند در تمام
سال پس اگر علف مملوک خورده باشد زکوة واجب نیست و اگر بعضی از سال چریده باشد
و بعضی علف ملک خورده باشد احوط انستکه اگر چریدنش بیشتر باشد زکوة بدهند بچه ها را
تا شیر میخورند حساب نمیباید کرد و بنا بر مشهور و احتیاط در انستکه از روزیکه متولد میشوند

حساب کنند و در طلا و نقره و حیوانات همه شرطست که سال بر ایشان بگذرد و سال زکوة یازده ماهست چون ماه دوازدهم داخل شد زکوة واجب میشود و در گاو و شتر شرطست که کار کن نباشد پس اگر بار کشند یا خیش کنند زکوة واجب نیست و گوسفند و بز را بر سر هم حساب میکنند و گاو و گاو میش را بر سر هم حساب میکنند و شتر نر و ماده و لوک را بر سر هم حساب میکنند ششم و هفتم و هشتم و نهم گندم و جو و خرما و مویز است و شرطست که هر یک بنصاب برسد و نصاب سیصد و هفتاد من و پنجاه درم است بسنگ تبریز و انگور هر گاه نهصد و بیست و یک من باشد احوط آنستکه زکوة بدهند و شرطست که این غلات در ملک او بحد نصاب رسیده باشد پس اگر گندم و جو را بعد از درو کردن بخرد زکوة بر فروشنده واجب است و اگر زمین را باجاره گرفته باشد زکوة بر مستاجر واجبست و اگر بمزارعه بگیرد بنصف یا ثلث یا ربع یا ده چهار مثلا زکوة حصه مالک بر مالک واجبست و زکوة حصه عامل بر عامل اگر حصه هر یک بتنهائی بنصاب رسیده باشد پس اگر زراعت و باغ آب باران یا آب روان یا آب قناة یا آب ریشه خورده باشد ده یک میدهند و اگر آب دست یا گاو یا شتر یا چرخاب خورده باشد بیست یک میدهند و اگر از هر دو خورده باشد بیشتر اعتبار دارد و اگر هر دو مساوی باشد پانزده یک میدهند و احوط و اقوی آنستکه بغیر از خراج پادشاه چیزی از خرج زراعت را بدر نکنند در دادن زکوة و چون اکثر علماء بر آنند که تعلق زکوة بانگور در وقت غوره شدنست پس احوط آنستکه ارباب خبرت را بیاورند و تخمین کنند میوه باغ را که چه مقدار است و با خود مقرر سازند که بان نسبت زکوة خواهم داد تا آنچه خورد از غوره و انگور حلال باشد یا آنچه بر دارد حساب نگه دارد یا آنچه بر دارد عشر غوره را بدهد و همچنین گندم و جو وقتیکه دانه ببندد و بعضی از علماء گفته اند که زکوة واجبست در حبوب مانند برنج و ماش و نخود و عدس و امثال اینها هر گاه بنصاب جو و گندم برسد بهمان شرایط و مقدار یکه گذشت و مشهور آنستکه زکوة اینها سنتست و در مادیان که در علفه مباح چرا کنند و سال بر او بگذرد زکوة سنتست پس اگر پدر و مادرش عربی باشند در سالی دو اشرفی چهار دانگ و نیمی میدهند و اگر یابو باشد که یکی از پدر و مادرش عربی نباشد در سالی یک اشرفی میدهد و در زکوة تجارت بعضی بوجوب قائل شده اند و مشهور آنستکه سنتست و آن مالی استکه مالک شود آنرا بعنوان معاوضه و در وقت مالک شدن قصد اکتساب و تجارت بان

داشته باشد و میبایدکه قیمت آن بیکی از نصاب طلا و نقره برسد و در تمام سال بر نصاب باقی باشد و در تمام سال از مایه کم نشود که یا بمایه یا بیشتر بخرند و اگر چند سال بگذرد و مایه در کسی باشد سنتست که زکوة یکسال را بدهد و اگر بر مایه باقی باشد هر سال چهل یک را میدهد و اگر معاوضه کند در اثناء سال بقصد تجارت خلافست و احوط آنستکه بازدهد و سنتست که در وقت درو کردن اگر فقرا حاضر باشند هر فقیر یک دسته گندم بدهد هر قدر که در دستش در آید و در وقت چیدن خرما و انگور یک مشت میدهد و بزکوة حساب نکند و بعضی واجب دانسته اند و احوط آنستکه ترک نکند اما مستحق زکوة پس هشت طایفه اند اول و دویم فقرا و مساکین و ایشان کسانی اند که قوت سالیانه خود و عیال خود را نداشته باشند و قادر بر کسبی نباشند که معاش خود و عیال خود را توانند کرد رانید و احوط آنستکه صالح باشند و گدا و سائل بکف نباشند سیم کسی استکه امام نصب میکند برای گرفتن زکوة و حصه باو میدهد و در این زمان نمیباشد غالبا و همچنین چهارم که مؤلفة قلوبهم اند در این زمان نمیباشد غالبا پنجم صرف کردن در آزاد بندگان است مثل آنکه آقائی غلام خود را مکاتب کرده است که مالی بدهد و آزاد شود و او عاجز است از دادن آن اگر بر آقا زکوة واجب شده باشد باید که قدری از زکوة را بمال کتابت او حساب کند و الا دیگران از زکوة حصه باو بدهند که باقا بدهد و آزاد شود یا غلامیکه از دست آقا در تعب و شدت باشد از مال زکوة بخرند و آزاد کنند ششم قرضداران اند که قرض کرده باشند و در معصیت صرف نکرده باشند در ادای قرض ایشان میتوان داد هفتم فی سبیل الله است یعنی صرف راههای خدا مانند جهاد فی سبیل الله و یاری حاجیان و زائران ائمه معصومین علیهم السلام و بنای مساجد و پلها و امثال اینها و بعضی گفته اند که مخصوص جهاد است در زمانیکه جهاد حق باشد و این احوطست هشتم ابن السبیل است و آن کسی استکه بغربت افتاده باشد و خرج رفتن بخانه خود نداشته باشد از مقدار یکه باو میدهند که بخانه خود برسد اگر سفرش معصیت نباشد و باید که کسیکه زکوة باو میدهند غیر مؤلفه شیعه اثنا عشری باشد و احوط آنستکه اجتناب از گناهان کبیره کند خصوصا شراب خوردن دیگر شرطست که واجب النفقه مالک نباشد مثل پدر و مادر و جد و جده هر چند بالا روند و فرزندان و فرزند زادگان هر چند پائین روند و زن و بنده و بهتر آنستکه زکوة را بخویشان پریشان بدهند غیر آنها که مذکور شد اما شرایط دادن

باشند وغیر سید ذکوة بسید نمیتوانند داد اما ذکوة سید را بسید میتوان داد وغیر
سید احوط انستکه بشریفهم ندهد وبهتر انستکه ذکوة را بنزد مجتهد یا عالمی که مصارف
داند ببرند که ایشان بمصرف برسانند **فصل دویم** بدانکه خمس در هفت چیز
واجب شود اول غنیمتی که از کافران در جنگ بگیرند خواه در جنگ گاه باشد وخواه در
بیرون دویم معادنست مانند طلا ونقره ومس وسرب ویاقوت وزبرجد وسرمه و
عنبر وقیر ونفط وکبریت بعد از انکه خرج بیرون اوردن بدر رود وپنج یک انرا باید داد
ومشهور انستکه نصاب ندارد وبعضی گفته اند که نصابش یکدینار است تا بیست دینار
نرسد خمس واجب نمی شود وبعضی بیست دینار گفته اند یعنی بیست اشرفی که نصاب اول طلا
است واکثر متاخرین باین قائل شده اند وخالی از قوتی نیست اگر چند کس شریک باشند باید
حصه هر یک بنصاب برسد سیم گنجست یعنی مالیکه در زمین پنهان کرده باشند پس اگر
گنج را در بلاد کفار بیابند که در انجا مسلمانی نباشد هر چند سکه اسلام داشته باشد
یا در دار الاسلام بیابند وسکه اسلام نداشته باشد وبه بیست دینار یعنی بیست اشرفی
برسد اگر طلا باشد خمس انرا میدهند وباقی از او ست واگر نقره باشد بدویست درهم
برسد که موافق زر ده دانگی دوازده هزار وششصد دینار است واگر غیر طلا ونقره
باشد قیمتان بیکی از این دو مقدار برسد واگر سکه اسلام داشته باشد یا علامتی که
دلالت کند بر انکه از مسلمانی بوده است مشهور میان علماء انستکه حکم لقطه دارد
میباید یکسال تعریف کند اگر صاحبش پیدا شود بصاحب بدهد والا مخیر است میان
مالک شدن وتصدق وبامانت نگاه داشتن واگر در دو صورت اول صاحبش پیدا
شود وراضی نباشد عوض بدهد وظاهر اخبار انستکه اگر از روی زمین یافته لقطه است
واگر در زیر زمین بوده گنج است خواه اثر اسلام داشته باشد وخواه نداشته باشد وجمعی
باین قائل شده اند وخالی از قوتی نیست واگر گنج را در زمین خود بیابد که از پدران باو
رسیده باشد از او ست واگر خمس اورا بدهد احوطست واگر زمین را خریده باشد تعریف
میکند ببایع نزدیک ودور واگر نشانی بدهند که ظن صدق ایشان حاصل شود بایشان
میدهد علی المشهور والا از او ست وباز احوطست که خمس انرا بدهد وهم چنین اگر
حیوانی بخرد چون شتر یا گاو ودر شکم ان چیزی بیابد تعریف میکند ببایع واگر نشان
ندهد از او ست واحوط اخراج خمس است واگر در شکم ماهی یابد خمس میدهد احتیاطا

وباقی

وایضا جهة برآمدن حاجات از حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام منقول است که هر که را حاجتی رو دهد در دفعه بنویسد و در مکان پنهان کند حاجت او برآورده شود و دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم الحاجة الی الملک الدیان الرؤف المنان الاحد الصمد من العبد الذلیل البائس المسکین ونام خود را بنویسد اللهم انت السلام

وباقی از او ست وبان ملحق کرده اند حیوانات شکاری را مانند اهو واگر محتمل باشد
که در خانه مالک وصاحب سابق خورده باشد احوط انستکه تعریفش بکند چهارم چیزی
استکه بغوص از دریا بیرون اورند مانند مروارید ومرجان ونصاب در ان معتبر است و
مشهور انستکه نصابش یکدینار است یعنی یک اشرفی تمام وزن وبعضی بیست دینار گفته اند
واگر چند مرتبه در اورد همه را در نصاب با هم حساب میکنند هر چند در ما بین ترک غوص کرده
باشد علی الاحوط واگر چند کس شریک باشند حصه هر یک میباید بنصاب برسد وعنبر را
اگر از دریا بغوص در اورند حکم مروارید دارد واگر از روی اب یا ساحل بردارند مشهور
انستکه حکم معدن دارد واحوط انستکه بهر حال خمس انرا بدهند ورعایت حساب در ان
نکنند پنجم فاضل مؤنت سالیانه است از ارباح تجارتها وزراعتها وجمیع کسبها ومشهور
انستکه در میراث وبخشش وهدیه خمس نمیباشد وخرج سالیانه را که بیرون میکنند قدر وسط
حال ان شخص را اعتبار کرده اند پس اگر اسراف کرده باشد خمس انچه اسراف کرده بیرون نمی
کند واگر بر خود تنگ گرفته باشد انرا هم بیرون میکند علی المشهور واحوط انستکه انچه
زیاد امده باشد بدهد بلکه نهایت احتیاط انستکه هر چه حاصل شود وخرج بکند و
زیادتی را روز بروز خمس بدهد واگر در اثناء سال اخراجات ضروری دیگر واقع شود مثل
کدخدائی وحج بیت الله وزیارت رسول وائمه هدی صلوات الله علیهم وامثال اینها
همه را بقدر وسط بیرون میکند وهم چنین تعدیات وزیادتیها اگر ظلمه کنند جمیع را بیرون
میکند وخمس بقیه را میدهد وابو الصلاح ره قائل شده استکه در میراث وهبه وهدیه
نیز خمس واجبست ودر حدیث صحیح وارد شده استکه اگر شخصی جایزه عظیمی یا ورثه یا میراثی
از جائیکه گمان نداشته باشد برسد خمس میباید داد وعمل باین روایت احوطست ششم
زمینیکه یهودیان ونصرانیان ومجوسان از مسلمانی بخرند خمس ان زمین را یا خمس قیمت
انرا با رضای ذمی میگیرند واگر خانه یا باغ را بخرند مشهور میان علماء انستکه خمس زمین
انها را میگیرند واکثر قدمای علماء متعرض این نوع خمس نشده اند هفتم مال حلالی است
که مخلوط شده است بحرام وصاحبانرا ندانند ومقدار حرام را ندانند خمس انرا میدهند
بفقراء سادات وغیر ایشان وبعضی انرا مخصوص سادات میدانند وبعضی گفته اند بسادات
نمیتوان داد وظاهر انست که بهر دو توان داد واگر بشریف بدهند بهتر است واگر مقدار حرام را
داند وصاحبش را نیز داند انمقدار واجبست بصاحبش بدهد واگر صاحب را داند و

مقدار

مقدار را نداند با صاحب مال باید صلح بکند و بعضی گفته اند که در اینصورت خمس را بصاحب میدهد و بعضی گفته اند آن مقدار را که علم دارد بصاحب میدهد و ما بقی را با صاحب صلح میکند احتیاطا و این احوطست و اگر مقدار را داند و صاحب را نداند سعی میکند تا صاحب را بهم رساند و اگر بهم نرسد از برای او تصدق میکند و این صورت و صورت اول مسمی است برد مظالم و اگر خمس را بدهد یا تصدق کند کل را یا بعض را و بعد از آن صاحب پیدا شود خلاف است که آیا باید داد باز بصاحب یا نه و احوط آنست که بدهد اما مستحق خمس مشهور میان علما آنست که شش حصه میشود چنانچه ظاهر آیه کریمه است و حصه خدا و رسول و ذوی القربی که نصف خمس است بعد از حضرت رسول صلعم از امام زمانست و نصف دیگر سه حصه میشود که بر یتیمان سادات و مسکینان سادات و ابناء سبیل سادات میدهند و مراد از سید موافق مشهور کسیست که منسوب باشد از جانب پدر بعبد المطلب و تفسیر مسکین و ابن السبیل در زکوة گذشت و در یتیم احوط آنست که پریشان باشد و ابن السبیل را آن قدر میدهند که بشهر خود رود و از احادیث معتبره ظاهر میشود که در زمان حضور امام عم جمیع خمس را بخدمت آنحضرت میبرده اند و حضرت نصف خود را برمیداشته و نصف را بان سه فرقه سادات میداده اند که مذکور شد و بهر یک بقدر کفایت ایشان در یکسال میداده اند و اگر چیزی زیاد میآمد خود برمیداشته اند و اگر وفا نمیکرده از حصه خود تتمه را میداده اند و ایشان بمنزله عیال امام بوده اند و در زمان غیبت احوطست که حصه سادات را بعالم عادل اثنی عشری بدهد که بسادات برساند بقدر احتیاج ایشان و اما نصف دیگر خمس که حصه آنحضرت است در زمان غیبت خلافست و مشهور آنست که بعالم عادل باید داد که بر سبیل تتمه بنیابت آنحضرت بسادات بدهد و اگر چیزی زیاد آید حفظ کند و بعد از خود بعالم عادل دیگر بدهد که اگر سادات پریشان باشند بدهد و الا از برای آنحضرت ضبط کند و این فرض در این زمان بسیار نادر است زیرا که سادات پریشان بسیارند و خمس دهندگان کمند و جمعی گفته اند که در زمان غیبت امام این حصه را بر شیعیان حلال کرده اند و این سخن بی وجه است زیرا که از حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه روایت صریحی نرسیده که بر شیعیان حلال کرده باشند بلکه خلاف ظاهر است زیرا که در زمان غیبت صغری که هفتاد سال و کسری بود نایبان آنحضرت اعنی عثمان ابن عمری و پسر او محمد و حسین بن روح و علی بن محمد سمری رضی الله عنهم حصه آنحضرت را بلکه جمیع خمس را از شیعیان میگرفتند و بفرموده آنحضرت بمردم میدادند و ظاهر آنست

که در این زمان نیز نایب عام آنحضرت که علماء ربانی و محدثان و حاملان علوم ایشانند باید بگیرند و بسادات که عیال آنحضرتند برسانند و الا باید بسادات که اشرف خلقند یا از گرسنگی بمیرند یا سائل بکف شوند و از همه کس ذلیلتر باشند زیرا که زکوة و صدقات واجبه بر ایشان حرامست و خمس را بعوض آن بایشان داده اند و بسبب اختلافی که در میان علما بهم رسیده است و بعضی از علماء عصر اغنیا را اجازه داده اند بر منع خمس و باعث این شده است که اکثر سادات بفقر و فاقه میگذرانند و حقوق ایشان و اجداد ایشان بر ذمه اغنیا میماند و بر تقدیریکه امام عم بر ایشان رحم کرده باشد در زمانهای تقیه و خوف و تعدیات که از خلفای جور بر ایشان واقع میشد و حلال کرده باشد ایشان چگونه بر خود هموار میکنند که عیال و خویشان و اقارب امام خود را در فقر و اضطرار بینند و بر ایشان رحم نکنند و باز در قیامت امید شفاعت از ایشان داشته باشند و حال آنکه فرموده اند که بدترین احوال مردم روز قیامت وقتی خواهد بود که صاحبان خمس برخیزند و بگویند پروردگارا خمس خود را میخواهیم و حضرت صادق عم فرمود که من یک درهم خمس خود را از شما میگیرم و حال آنکه مال من از همه اهل مدینه بیشتر است و نمیگیرم مگر از برای آنکه شما پاک شوید از گناه و از حقوق ما و حضرت رسول صلعم فرمود که هر که احسان باحدی از اهل بیت من بکند من مکافات میدهم او را در قیامت و اکثر علما برآنند که اگر صاحب مال خود حصه امام عم را بسادات بدهد بری الذمه نمی شود مگر آنکه دستش بعالم محدث عادل نرسد و بگمان فقیر همه خمس این حکم دارد **فصل سیم** در بیان فضیلت و کیفیت اعتکافست و اعتکاف مکثی است در مسجد جامع جهة عبادت و آن سنت مؤکد است بمقتضای آیات و اخبار بسیار خصوصا در دهه آخر ماه رمضان چنانچه حضرت سید المرسلین همیشه در دهه آخر ماه رمضان اعتکاف مینمودند مگر یکسال که در آن جنگ بدر واقع شد و در سال بعد از آن بیست روز اعتکاف داشتند ده روز قضاء سال گذشته و ده روز اداء و از آنحضرت منقولست که اعتکاف دهه آخر رمضان برابر است با دو حج و دو عمره و اعتکاف بنذر و شبه آن مانند عهد و قسم و اجاره دادن خود بغیر واجب میشود و اگر بر پدر واجب شده باشد و نکرده باشد احوط آنست که پسر بزرگ قضا کند و بعضی گفته اند بعد از نیت و شروع کردن واجب شود و بعضی گفته اند روز سیم واجب شود و همچنین ششم و نهم و دوازدهم و پانزدهم و هر چه بالا رود باین نسبت و بعضی گفته اند که مطلقا واجب نمیشود

تا ان اسباب وجوب بعمل نیاید واین قول قویست واحوط انستکه در اول شبها مذکور تجدید نیت بکند بقصد قربت و مستحب استکه معتکف شرط کند با پروردکار خود که اکر او را مانعی عارض شود بیرون تواند رفت از اعتکاف و ظاهر جمعی انستکه جایز است اشتراط رجوع باختیار بی تقیید بعارض و مانع وبعضی در این مضایقه کرده اند و ظاهر اعاده عارض و مانع اعم از عذر ضروریست و محل این شرط در اعتکاف سنت نزد نیت اعتکافست و دخول در ان وجماعتی از اصحاب ذکر کرده اند که محل ان در اعتکاف واجب نزد نذر کفتن صیغه نذر است وخالی از اشکال نیست و فایده شرط انستکه نزد عارض یا مطلقا اکر خواهد رجوع تواند کرد اکرچه در روز سیم باشد و فایده دیکر انکه اکر با شرط رجوع کند قضا بر او واجب نیست **واما مکان** اعتکاف جمعی از اصحاب کفته اند که در غیر مسجد مکه و مسجد مدینه و مسجد کوفه و مسجد بصره اعتکاف نمیباشد وبعضی بجای مسجد بصره مسجد مداین را کفته اند وبعضی هر دو را کفته اند وخلاف در این باب بسیار است و مسجد مداین در این زمانها کویا معلوم نیست و مسجد بصره در این اوقات در بیابان واقع است و اعتکاف در ان مشکلست وکفته اند مراد بمسجد مکه و مدینه ان قدریستکه در زمان حضرت رسول صلی الله علیه واله مسجد بوده نه انچه بعد الحاق کرده اند و ظاهر اهر مسجد جامعی اعتکاف توان کرد و مراد بمسجد جامع مسجد بزرکیست در بلد که در انجا نماز جماعت کنند و مخصوص محله نباشد و از اکثر محلات شهر بانجا برای اقامه جمعه یا جماعت حاضر شوند کو متعدد باشد مثل مسجد جامع عباسی و مسجد جامع قدیم در اصفهان وسایر انها مثل مسجد اقا نور و مسجد عباس اباد محل تاملست واحوط انستکه اکر در مکه و مدینه و کوفه باشد در غیر ان مساجد مخصوصه واقع نسازد و در بلاد دیکر احوط انستکه در مسجد کبیر بلد که مشهور بجامع باشد بجا اورد و اکر مسجد بزرکتر شهر باشد احوط است و غایت احتیاط انستکه قصد کند که اعتکاف میکنم در این مسجد اکر مطلوب شارع باشد بعنوان اعتکاف مقرر فیها والا در مسجد عبادت میکنم از برای رضای خدا قربة الی الله و شرطست در اعتکاف لبث سه روز یا بیشتر و مشهور انستکه دو شب میان داخل کند وبعضی کفته اند شب اول نیز داخلست واحوط انستکه نزدیک بغروب افتاب نیت اعتکاف بکند تا شام روز سیم و اکر تا صبح روز چهارم قصد کند نهایت احتیاطست و شرطست در اعتکاف که معتکف روزه باشد خواه روزه واجب خواه سنت و در سنت

باید رخصت کسانی باشد که رخصت ایشان در روزه سنت شرطست مانند شوهر زن را و مالک بنده را و احوط انستکه فرزند را بی رخصت پدر و مادر اعتکاف سنت نکند و مهمان بی رخصت مهماندار و بر عکس واقع نسازد و نیت در اعتکاف شرطست و ظاهرا قصد قربت کافی است و واجبستکه بیرون نرود از مسجدیکه در ان اعتکاف میکند بدون ضرورت مانند نماز جمعه اکر در غیر ان مسجد کنند یا عیادت بیمار مؤمن یا حاضر شدن در جنازه مؤمن یا قضای حاجت مؤمن یا برای حاجت ضروری خود مانند بیت الخلا رفتن و غسل جنابت اکر محتلم شده باشد و در غسل جمعه بنابر قول استحباب ان وسایر اغسال مستحبه در مسجد نتوان کرد اشکالی هست ومشهور انستکه نمیتوان کرد و هم چنین جایز است از برای تحصیل کردن اب ونان وسایر ضروریات اکر کسی را نداشته باشد که برای او تحصیل نماید و هم چنین جایز است بیرون رفتن از برای کواهی دادن وکواه شدن اکر دیکری نباشد و نتوان در مسجد بجا اوردن و چون بدر رود در جائی ننشیند تا بر کردد بمسجد و بهتر انستکه در زیر سقف راه نرود تا ممکن باشد و از راههای نزدیکتر بمطلب برود و به بیت الخلا نزدیکتر برود اکر ممکن باشد و توقف بسیار زیاد از ضرورت واقع نسازد و چون وقت نماز شود نماز را در جای دیکر غیر ان مسجد که محل اعتکاف است نکند مکر در مکه معظمه که در همه جا میتواند کرد و اکر وقت تنک باشد در جائی دیکر میتواند کرد و اکر سهوا از مسجد بیرون رود اعتکاف باطل نمیشود مکر انکه زمان بسیار بکذرد که او را معتکف نکویند و همچنین اکر جبرا او را بیرون برند و احوط ان استکه جزو بدن را از مسجد بیرون نکند وبعضی منع کرده اند از رفتن بیام مسجد ظاهرا اکر داخل مسجد باشد قصوری ندارد و بدانکه حرام است بر معتکف جماع کردن با زنان در روز و شب و هم چنین حرامست بوسیدن بشهوت و دست بر بدن او مالیدن بشهوت و احوط اجتناب است از هر دو و اکرچه بشهوت نباشد و حرامست طلب منی کردن اکرچه بکفتکو باشد در کاه عادتش ان باشد که از او منی اید بسبب ان واحوط انستکه بعبث دست بر ذکر نمالد و حرامست بوی خوش کردن و کل بوئیدن هر کل که باشد و باید که جدل و نزاع با کسی نکند و احوط انستکه مباحثه علمی نکند مکر بقصد اظهار حق و خرید و فروش نکند مکر برای ضروریات خود و عیال خود و احوط انستکه وکیلی از برای خود قرار دهد که انها را بکند و احوط انستکه مطلق معاملات خود را واقع نسازد حتی

عقد و نکاح را و جمیع انها که در اعتکاف حرامست در روزها و شبها همه حرامست مگر خوردن و اشامیدن که در شب جایزاست نه در روز و هرچه روزه را باطل میسازد اعتکاف را نیز باطل میکند اگر در روز بفعل اورد و در شب افطار میتواند کرد و مفطرات غیر جماع و استمنا را واقع میتواند ساختن و اولی اجتناب است از غیر اکل و شرب و اگر جماع کند اعتکاف او باطل میشود و کفاره میدهد اگر اعتکاف واجب باشد و در روز اول و دویم اعتکاف سنت خلافست و احوط کفاره است اگرچه جماع در شب واقع سازد و احوط انستکه هرچه روزه را باطل میکند اگر انها را در روز واقع سازد کفاره بدهد احتیاطا و کفاره بنده ازاد کردنست اگر تواند و الا دو ماه پی درپی روزه گرفتن و الا شصت مسکین طعام دادن و بعضی گفته اند مخیر است میان اینها و اول احوطست بلکه اظهر پس اگر جماع در شب واقع شود یک کفاره میدهد و اگر در روز ماه رمضان واقع شود دو کفاره میدهد یکی مرتبه و دیگری مخیره و بعضی گفته اند اگر در روز غیر ماه رمضان واقع شود باز دو کفاره میدهد و ان بی وجه است و بیع و شری و سایر محرمات غیر از جماع سبب بطلان اعتکاف نمی شود و کفاره با نها واجب نمی شود و در بطلان باستمنا و کفاره بسبب ان خلافست و احوط اتمام است و کفاره اگر در شب واقع شود و اگر در روز واقع شود استمنا باطل میکند اعتکاف را البته و کفاره میدهد احتیاطا و احکام اعتکاف بسیار است انچه ضرور بود اکتفا کرده

خاتمه در بیان کفارات بدانکه کفاره بر دو نوع است اول کفارات احرام حج و عمره و انها را در رساله حج بیان کرده ایم دویم سایر کفارات و انها بسیار است بعضی متفق علیه و بعضی مختلف فیه و بعضی واجب و بعضی سنت و بعضی بترتیب و بعضی بتخییر و همه را با یکدیگر بر سبیل اجمال برای طالبان ادراک سعادات ابدی و محصلان نجات عقوبات اخروی بیان مینماید اول کفاره افطار روزه ماه رمضان است و ان واجب شود بخوردن و اشامیدن چیزیکه خوردن و اشامیدن ان متعارف و معتاد باشد اتفاقا و در غیر معتاد خلافست و اشهر و اقوی وجوبست و بجماع کردن در قبل زن اتفاقا و در دبر زن علی الاقوی و بباقی ماندن بر جنابت عمدا تا طلوع صبح علی الاقوی و بخوابیدن با جنابت بی نیت غسل تا صبح علی الاحوط و بخوابیدن بعد از بیدار شدن یکمرتبه یا زیاده تا صبح علی الاحوط و برسانیدن غبار غلیظ بحلق بنا بر قول جمعی و طلب منی کردن بعد از دست بازی کردن یا مکرر نظر کردن بزنی تا منی بیاید علی الاحوط و بقی

کردن عمدا بنا بر قول بعضی و بحقنه کردن و شیاف عمل کردن بقول بعضی و بدروغ بستن بر خدا و رسول و ائمه هدی علیهم السلم بنا بر قول بعضی و بسر فرو بردن عمدا در اب بنا بر قول بعضی هرگاه یکی از این امور را بعمل اورد عمدا و مسئله داند کفاره باید داد بعضی اجماعا و در بعضی احتیاطا و اگر از روی سهو باشد کفاره ندارد و اگر مسئله نداند در کفاره خلافست و احوط کفاره است و اگر افطار بحلال باشد کفاره یک بنده ازاد کردنست یا دو ماه پی درپی روزه گرفتن یا شصت مسکین را طعام دادنست و بعضی بترتیب قائلشده اند اگر قادر بر بنده ازاد کردن باشد ان مقدم است و الا دو ماه پی درپی روزه داشتن و اگر از این نیز عاجز باشد شصت مسکین را طعام بدهد قول اول اقوی و ثانی احوطست و اگر افطار بحرام کرده باشد مانند شراب و لحم خنزیر و مال مغصوب دانسته و زنا و لواطه و بعضی از علماء قائلشده اند که هر سه کفاره بر او واجب شود و بعضی مانند افطار بحلال میدانند و اول احوطست دویم هرگاه در قضای روزه ماه رمضان بعد از زوال افطار کند مشهور انستکه کفاره واجبست و بعضی سنت میدانند و اشهر و اقوی انستکه کفاره طعام دادن ده مسکین است و اگر عاجز شود سه روز روزه میگیرد و بعضی مخیر میان این دو میدانند و بعضی کفاره قسم و بعضی کفاره افطار ماه رمضان لازم میدانند سیم کفاره ظهار است که کسی با زن خود بگوید أَنْتِ عَلَيَّ كَظَهْرِ أُمِّي یعنی تو بر من مانند پشت مادر منی یا خواهر یا سایر محارم علی الاشهر اگر این را بگوید در وقتیکه زن حایض نباشد و در ان طهر با او جماع نکرده باشد و در حضور دو عادل بگوید پس اگر خواهد که جماع کند باید که کفاره بدهد و اگر بدون کفاره جماع کند دو کفاره بر او واجب شود بنا بر مشهور و کفاره یک بنده ازاد کردنست و اگر عاجز شود دو ماه پیاپی روزه داشتن و با عجز شصت مسکین اطعام کردن چهارم کفاره ایلاء است یعنی قسم بخورد که زوجه دائمه خود را چهار ماه یا زیاده وطی نکند و زن او را نزد حاکم شرع برد و حاکم حکم کند که او را طلاق بگوید یا وطی کند اگر اختیار وطی نماید باید که کفاره بدهد و کفاره اش کفاره قسم است که بعد از این مذکور میشود ان شاء الله پنجم کفاره مخالفت قسم است با نکه قسم خورد باسماء مقدسه خدا بر کردن فعلی که ترکش رجحان نداشته باشد یا نکردن فعل که فعلش رجحان

نداشته باشد و مخالفت آن قسم نماید و کفاره اش آنستکه یك بنده ازاد کند یا ده مسکین را
جامه بپوشاند یا ده مسکین را اطعام کند و اگر از هر سه عاجز شود سه روز پیاپی روزه
بدارد ششم کفاره مخالفت نذر است بانکه نذر کند فعل امری را که راجح باشد یا ترك امری را
که مرجوح باشد و مخالفت نماید و کفاره اش بعضی گفته اند مانند کفاره قسم است و
بعضی گفته اند مانند کفاره افطار ماه رمضانست یك بنده ازاد کردن یا دو ماه پیاپی
روزه گرفتن یا شصت مسکین طعام دادن و بعضی گفته اند که اگر نذر تعلق بروزه داشته
باشد کفاره اش کفاره افطار ماه رمضانست و اگر تعلق بغیر روزه داشته باشد کفاره اش
کفاره قسم است و این قول خالی از قوتی نیست و احوط کفاره ماه رمضانست مطلقا هفتم
کفاره عهد است که با خدا عهد کرده باشد که امر راجحی یا غیر مرجوحی را بعمل اورد یا ترك
کند امر غیر راجحی یا مرجوحی را و مخالفت آن عهد نماید و در کفاره اش مانند کفاره نذر
خلافست و احوط آنستکه در نذر رمضان گذشت هشتم قسم خوردن بعنوان بیزاری از خدا
و رسول و ائمه هدی علیهم السلم و در حرام بودن چنین قسمی خلافی نیست و لیکن در وجوب
کفاره بچنین قسمی یاد کردن خلافست و بعضی گفته اند که کفاره اش کفاره ظهار است اول
بنده ازاد کردنست و با عجز از آن دو ماه روزه داشتن و با عجز از آن شصت مسکین اطعام
کردن و اگر عاجز باشد ده مسکین را اطعام یا کسوه دهد و اگر عاجز شود سه روز متوالی
روزه بدارد و بعضی گفته اند کفاره اش کفاره نذر است و ابن بابویه گفته استکه سه روز
روزه بدارد و ده مسکین را اطعام بدهد و بعضی گفته اند گناه کرده است و کفاره ندارد
و در حدیث صحیح وارد شده استکه صفار بحضرت امام حسن عسکری علیه السلم نوشت که مردی
سوگند یاد کرده است به بیزاری از خدا و رسول او و مخالفت کرد توبه و کفاره او چیست حضرت
فرمودند که ده مسکین طعام میدهد هر مسکینی را یکمد و طلب امرزش میکند از خدا و
بعضی از علماء باین مضمون قائل شده اند و خالی از قوتی نیست و ایضا خلاف کرده اند
که این کفاره برای اصل سوگند خوردنست یا برای مخالفت سوگند کردن و باید که چنین
سوگندی یاد نکند و اگر بکند بعض سوگند عمل بقول اول بکند اگرچه ظاهر آنستکه عمل
بروایت مجزیست نهم بعضی قائل شده اند که زنیکه در مصیبت موی سر خود را ببرد کفاره
افطار ماه رمضان میدهد بترتیب بر قول بعضی و بتخییر بر قول بعضی و بعضی گفته اند گناه
دارد و کفاره ندارد و در روایتی وارد شده استکه کفاره افطار ماه رمضان لازم است و احوط

عمل بروایتست و بعضی تراشیدن مو را الحاق کرده اند بیریدن در وجوب کفاره دهم
هرگاه زنی در مصیبت موی خود را بکند یا روی خود را بخراشد یا مردی جامه خود را
در مرگ فرزند یا زوجه چاك کند کفاره قسم لازم می شود بنا بر قول بعضی و در روایتی
براین مضمون وارد شده است و احوط است یازدهم مردیکه با زن یا متعه یا کنیز خود در ایام
حیض جماع کند پس در قبل بعضی کفاره واجب دانسته اند و بعضی سنت و مشهور میان علما
آنستکه اگر اول حیض باشد یك اشرفی تصدق میکند و در وسط حیض نیم اشرفی و در
اخر حیض ثلث اشرفی و احوط عدم ترك کفاره است دوازدهم کسیکه بخوابد و دو نماز
خفتن نکرده باشد تا نصف شب بگذرد و بعضی گفته اند که واجبست آن روز را روزه بدارد
و اشهر استحبابست و بعضی غامد و ناسی را نیز ملحق کرده اند و مشهور آنستکه بر تقدیر
وجوب اگر روزه ندارد گناه کرده است و کفاره ندارد و بعضی لازم دانسته اند کفاره ماه
رمضانرا و این قول ضعیف است و احوط آنستکه بروزه قضا بگیرد سیزدهم کفاره قتل عمد است
که دانسته کسی را بکشد یا کاری بکند که غالبا کشنده باشد نسبت بکسی واقع سازد و او کشته شود
گو قصد کشتن نداشته باشد کفاره اش آنستکه یك بنده ازاد کند و دو ماه متوالی روزه
بدارد و شصت مسکین را اطعام بدهد چهاردهم کفاره قتل خطا است که کسی را بنادانی
بکشد بانکه قصد قتل نداشته باشد و کاری کند که غالبا کشنده نباشد و او کشته شود
مانند انکه طفلی را برای تادیب بزند و او بمیرد یا تیری بسوی اهوئی بیندازد و بشخصی
خورد و کشته شود یا در راه بر کسی خورد و او بیفتد و بمیرد و اگر خود مباشر قتل نباشد و
کاری کند که آن سبب قتل شود مثل انکه چاهی در راهی بکند و کسی در آن چاه بیفتد بمیرد
یا سنگی بر سر راهی بگذارد و باعث قتل کسی شود مشهور آنستکه کفاره لازم نمی شود هر چند
دیه لازم شود و کفاره بنده ازاد کردنست و بعد از عاجز شدن از آن دو ماه متوالی روزه
داشتن و بعد از عجز از آن شصت مسکین طعام دادن پانزدهم اگر کسی زنی را در عده دیگری
تزویج کند میبایداز آن زن مفارقت کند و بقول بعضی از علماء پنج صاع ارد تصدق
میکند احتیاطا و احوط آنستکه اگر زن دیگر را عقد کند کفاره بدهد یا پنج درهم تصدق
بکند شانزدهم کسی که مملوك خود را زیاده از حد شرعی بزند بعضی از علماء گفته اند
موافق بعضی از روایات واجبست که آن مملوك را بکفاره دادن آن عمل ازاد کند و این احوط
است و اگر او را بکشد بعمد کفاره جمع میدهد و اگر بخطا بکشد کفاره قتل خطا میدهد

وواجبستکه قیمتان غلام را تصدق کند بنابر مشهور هفتم کسیکه روزه ماه رمضان را ترك کند بسبب بیماری اگر تا ماه رمضان دیگر بیمار باشد اشهر واقوی انستکه قضا ساقط می شود وبرای هر روز یکمد یا دو مد طعام میدهد علی الخلاف وبعضی گفته اند قضا میکند وابن جنید ره گفته است احتیاطا هر دو را میکند واگر در مابین دو رمضان از ارش بر طرف شود وقادر بر روزه باشد وبدون عذر تاخیر کند تا انکه ماه رمضان دیگر بیاید اشهر واقوی انستکه بعد از ماه رمضان هم قضا میکند وهم برای هر روز یکمد یا دو مد میدهد وبعضی کفاره واجب ندانسته اند وبعضی گفته اند که کفاره در صورتیستکه عزم بر قضا نداشته باشد اگر عازم بر قضا باشد وبعد از تنك شدن وقت بیماری یا عذر دیگر عارض شود قضا باید کرد وکفاره نیست وقول اول اقوی تراست هجدهم نواد رکفارات است از حضرت صادق ع منقولستکه کفاره عمل سلطان قضای حوائج مؤمنانست وکفاره غیبت انستکه برای ان شخصی که او را غیبت کرده است استغفار کند وکفاره مجلس انستکه چون از مجلس برخیزد بگوید سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وکفاره خنده انستکه بگوید اَللّٰهُمَّ لَا تَمْقُتْنِي یعنی خداوندا مرا دشمن مدار وبر من غضب مکن ودر حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع منقولستکه هر کس بدیگری بگوید لَا اَبَ لَكَ وَلَا اُمَّ لَكَ یعنی تو را پدر مباد یا تو را مادر مباد باید که چیزی تصدق کند وکسیکه بگوید نه بحق پدرم یا بجان پدرم کفاره اش انستکه بگوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وخلافست در این نوع قسم مثل بجان خودم یا بجان تو یا بحق پدرم بعضی حرام دانسته اند واشهر کراهیت واحوط ترکست اما احکام کفارات پس در چند فصل بیان میشود اول هر کاه بنده باید ازاد کرد در کفاره قتل میباید ان بنده مؤمن باشد ودر باقی کفارات خلافست واحوط رعایت ایمانست ودر کفاره قتل احوط انستکه بالغ باشد ودر غیر ان مرد وزن وبالغ ونابالغ مجزیست وباید که ان بنده کور وصاحب خوره وزمین گیر نباشد وجراحتی مولی باو نرسانیده باشد که موجب عتق او باشد بعضی گفته اند که باید خصی ولال وکر نباشد وولد الزنا نباشد ومشهور اجزاء است واحوط ترکست وغلام گریخته را مشهور انستکه ازاد می توان کرد تا علم بمرگش بهم نرسد وبعضی شرط کرده اند که خبری از او برسد وبعضی شرط کرده اند که ظن حیوة او باشد دویم کفاره مرتبه تا از بنده ازاد کردن عاجز نشود

بروزه منتقل نمیشود هر جا که روزه دو ماه باشد باید متوالی بگیرد وتوالی بیك ماه ویك روز که متصل بگیرد بعمل میاید باین معنی که اگر بعد از ان بدون عذر افطار کند نباید از سر بگیرد واما تفریق جایز است بی عذری یا حرامست اول اظهر است وثانی احوطست واگر پیش از یکماه ویکروز افطار کند بی عذر از سر میگیرد واگر بعذری باشد مانند حیض ونفاس وبیهوشی ودیوانگی وبیماری وسفر ضروری بعد از زوال عذر بنا میگذارد وتمام میکند وهمچنین اگر مجبور شود در افطار روزی بنابر اقوی وهر جا که کفاره دو ماه متوالی باشد اگر کفاره دهنده بنده باشد یکماه پی در پی میگیرد علی الاقوی سیم هر جا که اطعام لازم شود مشهور انستکه بهر یك ان قدر طعام بخوراند که سیر شوند وبهتر انستکه نان خورشی با نان ضم کند مانند خرما یا گوشت یا سرکه وبعضی گفته اند میباید چاشت وشام هر دو بهر مسکین بخوراند ان قدر که سیر شود واحوط اینست اگرچه اظهر انستکه بیك وقت اکتفا توان کرد واگر خواهد طعام را بمسکین میتوان داد ودر مقدار ان خلافست بعضی یکمد واحوط دو مد است وبهتر انستکه با ان نان خورشی نیز بدهد چنانچه بعضی واجب دانسته اند ودر طعام دادن کوچك وبزرك تفاوت نمیکند واحوط انستکه حصه اطفال را بولی شرعی ایشان بدهد واگر طعام خوراند ظاهرا صغیر وکبیر را باهم نتوان ضم کرد واگر دو طفل را بجای یکی بگیرد حساب کند احوطست ودو ذیل کفاره دو حصه را بیك مسکین نمیتوان داد مگر انکه مستحق یافت نشود واحوط انستکه تا ممکن باشد بغیر مؤمن ندهد وبه پریشان بسیار پریشان بدهد که مسکین براو صادق باشد ومد چهار یك صاع است وصاعی یکمن تبریز وچهارده مثقال وربعی است بنابر مشهور وچون در احادیث اختلافی در تحدید صاع ومد هست احوط انستکه بجای دو مد نیم من شاه تبریز با بدهد چهارم در جائیکه کسوه باید داد در زن پیراهن ومقنعه باهم مجزیست ودر مرد بعضی بیك جامه مانند پیراهن اکتفا کرده اند وبعضی دو جامه لازم میدانند وبهتر انستکه پیراهن وقبا بدهد یا قبا وبالاپوش وبهتر انستکه نو باشد وجامه طفل را بهتر انستکه برخصت ولی براو بپوشاند پنجم هر گاه از عتق رقبه عاجز شود وشروع کند در روزه وبعد از ان قادر شود بر بنده ازاد کردن روزه او را مجزیست وبهتر انستکه ترك کند روزه را وبنده ازاد کند خصوصا هر گاه

کنند چه گدست بر اسخنان
بینی خود کذارد و بکوید الحمد لله رب العالمین
مکر بکشت کسی که عطسه
جنبی بکو و از آن حضرت
نقل شده است که چون شنیدی او را
و دندان بار و درست دهان
الا او را فرشتاد علیهم
عوذ و صلوات بر پیغمبر و آل
بشنید و حمد خدا عز و جل
نکویت کسی که عطسه
صادق علیه السلام
و از حضرت امام جعفر

کمتر از یکماه و یک روز روزه داشته باشد و جمعی از اصحاب قائلشده اند که هر کاه بر کسی دو ماه متوالی روزه واجب شود و عاجز باشد از کرفتن ان هجده روز روزه میدارد و اکر نتواند برای هر روزی مدی از طعام میدهد و اکر نتواند استغفار میکند و اشهر و اقوی انستکه از هر کفاره که عاجز شود استغفار بدل ان می شود مکر کفاره ظهار بعضی کفته اند تا کفاره ندهد وطی زن بر او حلال نمی شود هر چند عاجز باشد و اکر بعد از عجز و استغفار بر کفاره قدرت بهمرساند احوط انستکه باز کفاره را بعمل بیاورد و چون اکثر مردم جاهلند بکفارات و احکام انها و بر ایشان لازم می شود و نمیدانند و مشغول الذمه بحق الهی میمانند قدری از احکام انها را در این رساله کثیرة الفایده ایراد نمودم ملتمس از برادران ایمانی انستکه هر که از این رساله منتفع کردد در حال حیوة یا بعد از وفات این شکسته را بدعای رحمت و مغفرت این مستحق دعا را یاد کند و ختم بفضل الله و سبحانه و تاییده فی شهر الله المعظم شهر رمضان من سنة سبع و ثمانین و الف من الهجرة المقدسة علی ید مؤلفها الراجی رحمة الکریم المنان فی محروسة اصبهان صینت من طوارق الحدثان مع وفور الاشغال و اختلاف الاحوال توزع البال و الحمد لله اولا و اخرا

و الصلوة علی سید المرسلین محمد و اله الاطهرین

الاقدسین و لعنة الله علی

اعدائهم اجمعین تمت

سنه ۱۳۰۴

چون توفیقات ربانی و تاییدات صمدانی شامل حال جناب عمدة الاعزة و الاشراف و قدوة الاخیار و الابرار عمدة التجار اقای حاج سید عبد الرسول خیر زاده تاجر اصفهانی زید عمره و عزه خلف مرحوم حاج سید عبد الکریم رضی غفر له کردید لذا بطبع کتاب زاد المعاد اقدام فرمودند تا مؤمنین از ان منتفع شوند و بانی و والدین ایشان را بدعاء خیر یاد نمایند

و السلام علی من اتبع الهدی

و قد طبع فی مطبعة المبارکة الاسلامیة

بمباشرت الجنابان الخیر الحاجان السید السند المعتمد الساعیین فی طبع الکتب الادعیة و الاخبار الاسلامیة و نشرها (اقا سید محمود و اقا سید احمد اخوان کتابچی) ادام الله تعالی توفیقهما

بدستیاری این بنده میرزا حسن کاتب همدانی و علی ابریشمی چاپ شد امید است که قارئین محترم اینجانب را زنده و مرده بطلب مغفرت یاد نمایند انشاء الله تعالی